

## نشر دانش، نشریه مرکز نشر دانشگاهی

سال یازدهم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۹

نشر دانش به منظور طرح مسائل کلی کتاب و کتابشناسی و نقد و معرفی کتابهای علمی و تحقیقی تازه هر دو ماه یک بار توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر می شود.  
مرکز نشر دانشگاهی مؤسسه ای است فرهنگی و انتشاراتی که به منظور چاپ و نشر کتابهای درسی و غیردرسی دانشگاهی و نشریات علمی و تحقیقی و تاریخی و بالا بردن کیفیت کتابها و توزیع عادلانه آنها در سراسر کشور از طرف ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۵۹ تأسیس شده است.

ویراستاران: احمد سمیعی، حسین معصومی همدانی

- مدیر داخلی: حسین مشتاق
- طراح: فاطمه ملک افضل
- ناظر چاپ: کیخسرو شاپوری

● علاقمندان نشر دانش می توانند برای اشتراك مجله را به شماره حساب ۹۰۰۰۹ بانک ملی ایران (شعبه خیابان بارك) واريز کنند و برگه بانكي را همراه با نشانی پستی خود به مرکز نشر دانشگاهی - بخش توزیع - بفرستند

● هزینه های این نشریه از راه فروش نسخه های آن تأمین می شود.

● حروفچینی: لایپزترون مرکز نشر دانشگاهی  
● لیتوگرافی: بهزاد، چاپ و صحافی: نو بهار  
● بهای هر شماره ۴۰۰ ریال، بهای اشتراك سالانه ۲۴۰۰ ریال.

### مطالب نشر دانش مشتمل است بر:

- مقاله هایی که از لحاظ تاریخی مسائل تألیف و ترجمه و تدوین کتاب را در فرهنگ اسلامی بررسی می کند.
- مقاله هایی که وضع موجود کتاب را در کشور بررسی می کند.
- مقاله هایی که به بهبود کیفیت ترجمه، تألیف، ویرایش و تولید کتاب کمک می کند.
- مقاله هایی که به معرفی زندگی و آثار نویسندگان و مؤلفان بزرگ اسلامی و ایرانی می پردازد.
- نقد و معرفی کتابهای فارسی (به استثنای کتابهای بسیار تخصصی).
- نقد و معرفی کتابهای خارجی، بخصوص کتابهایی که درباره مسائل اجتماعی، سیاسی، دینی، فلسفی و تاریخی اسلام و ایران نوشته یا ترجمه شده باشد.
- اخبار کتاب، اعم از داخلی و خارجی.
- معرفی اجمالی تازه ترین کتابها و جزوه ها و نشریه های علمی کشور.

### چند یادآوری

- آراء و نظرهای مندرج در مقاله ها، نقدها و نامه ها ضرورتاً بین رأی و نظر مسؤولان مرکز نشر دانشگاهی و مدیریت نشر دانش نیست.
- نشر دانش از عموم نویسندگان مقاله و نقد می پذیرد.
- مقاله ها، نقدها و نامه ها باید ماشین شده یا به خط کاملاً خوانا نوشته شده باشند.
- طول مقاله ها از سی صفحه دست نوشت یا ماشین نوشت (هر صفحه بیست سطر) و طول نقدها از بیست صفحه نباید تجاوز کند.
- نشر دانش در ویرایش و حذف مطالب آزاد است.
- مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نشود پس فرستاده نمی شود.
- مقاله ها و نقدها و نامه های خود را به آدرس زیر بفرستید:

تهران: خیابان دکتر بهشتی، خیابان بارك، شماره ۸۵، مرکز نشر دانشگاهی، دفتر نشر دانش (کد پستی ۱۵۱۳۳، صندوق پستی ۱۵۸۷۵-۲۲۲۸)

# نشر دانش

سال یازدهم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۹

مدیر مسئول و سردبیر نصرالله پورجوادی

## سرمقاله

غار تگران آثار تاریخی و فرهنگی یوسف محمدراده ۲

## مقتالات

فرهنگ‌سایهای اتحاد شوروی عایب الله رضا ۵  
بالای بهشت نصرالله پورجوادی ۱۱  
حکیم سخن آفرین علی‌رضا دکاوتی فراگرلو ۲۱  
بدبختانه، متأسفانه، خوشبختانه ابو الحسن بحقی ۲۴

## شده‌مفوق‌نویس

رمان ار رمان رمان یوسبان ناصر ایرانی ۲۶  
نگاهی به ترجمه «تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام» کاظم برگ‌بسی ۳۲  
«اسس الثانیین»، شیخ احمد حام و تصوف حلی نصرالله پورجوادی ۳۷  
«تکملة الاحبار»، کتابی برجسته در تاریخ عمومی سعدعلی ال‌داود ۲۰  
نظر احتمالی به «دانشنامه جهان اسلام»، «فرهنگ زندگی نامه‌ها»، «مارشانت»، «صدای شالیرار»،  
«گزیده دو کلمه حرف حساب» مرتضی اسعدی/ع روح بحسان ۲۲

## کتاب‌فروشی

«سووشون» به زبان انگلیسی، شانت ساحت‌های معنوی در اسلام ایرانی، فرهنگ  
سامدی غزلیات نظیری، ترجمه ایتالیایی دوبیتیهای باناطاهر؛ و ۴۶

## نشریه‌ها

کتابهای تازه، معرفی نشریه‌های علمی و فرهنگی امید طیب‌زاده ۵۱

## خبر

برگرداشت فردوسی در ایران و جهان ○ همکاریهای ایران و یوسکو ○ چند حردانشگاهی  
○ فعالیت‌های هری- فرهنگی در بیرون از مرزها ○ چند نشریه جدید ○ دیدار اسلام و  
مسیحیت ارتدکس در یونان ○ احیای مساجد و انتشار مطبوعات اسلامی در شوروی ○  
آخرین دیدار با بکت ○ صد میلیون کودک یسواد ○ درگذشتگان، ۶۴-۷۸

## نامه‌ها

ترجمه قرآن به زبان رومانی ○ نظری به کتاب «برگزیده متون ادب فارسی» ۷۸-۹۰



# غارتگران آثار تاریخی و فرهنگی

دکتر یوسف مجیدزاده

حودداری وررید، زیرا سطح تپه در این مدت ضرب حو و انکس سوراخ سوراخ سده بود. حندی بعد سیده سد که در حدود چهارده قطعه از اسنای مسانه آمار مکشوفه از مارلیک نه مجموعه‌های شخصی بیکاسو، نفاس معروف، و موسه‌دانان، فرمانده ارنس اسرائیل و یکی از مجموعه‌داران سرشناس جهان، راه یافته است. حالیر اینکه یکی از نمایندگان اعزامی نه هفتمین کنگره سن المللی ناسان سیاسی ایران، که در سال ۱۳۵۱ در شهر آکسفورد برقرار می‌سد، مهندسسی از شرکت نفت و یکی از دلالان سرشناس اسنای ناستانی بود.

ناید گفت که دستگیری غارتگران و سوداگران آثار فرهنگی تاریکی ندارد در ورورهای اول انقلاب، بویه با استاد مودیانه نه حکمی که در رساله برحی از آبات عظام و مراجع تقلید درباره «گنج» امده و اینکه دارنده گنج در صورت ادای خمس سرغا مالک آن خواهد بود (روزنامه کیهان، سجنسبه ۲۲ شهر نور ۶۹)، فرصی طلایی برای این غارتگران از خدا و خلق بیحسرس آمد و آنها، در دستحایی سازمان یافته و محهر نه گروههای مسلح، نا خمال اسوده و به کمک وسایل سنگس حفاری، نه قصد بافن اسنای ریر حاکی به ویران ساری وسع آثار ناستانی دست ردید و، بهرغم تلاش سپاه روری دفتر آثار تاریخی برای حلوگری از این تحریها، اموال غارتی را از راههای گوناگون نه خارج از کشور انتقال دادید. در یکی از همین تلاشها بود که مأموران و دو سن از کارشناسان دفتر آثار تاریخی، با وجود دریافت بیعامهای بهدنامر و کارسکسهای همه حابه، موفق به معانعت از خروج کامیون حامل بحسی از آثار مهم فرهنگی در مرر باررگان سدند. البته در آن روزها، که حوادث سیاسی همه چیز را تحت السعاع قرار داده بود، کسی با آن ابعاد بی سابه جلب توجه حندانی نکرد و بارتاب درخوری نیاف. اما کسف بزرگ امسال مسئله دیگری است. بجرأت می‌توان گفت که

دستگیری دسته‌هایی از غارتگران آثار فرهنگی و کسف و ضبط دهها هزار اثر معلی نه دوران تاریخی و سنس از تاریخ نه همت مأموران اطلاعاتی خبری بود که بی‌گمان بارتاب جهانی بردامه‌ای داشت اما رسانه‌های کروهی دولی، یعنی رادبو و بلویربون، بسیار ساده از کنار این کسف، که در مقیاس جهانی سر در نوع خود بی‌سابقه بوده است، گذسند البته حناول آثار فرهنگی، بویه اسنای ریر حائی و کتب خطی، در دهه اخیر و همحس غارت آثار دوره فاحار، نه خصوص نفاسنهای آن دوران طی یکصد سال ندسه، حواه نه دست با به حمایت مقامات و سجنسهای مملکتی و حواه نه دست سوداگران آثار فرهنگی و نه کمک مأموران دولی امری عادی بوده است، و آنان که در صدد برآمدید در راه این بار احکری سکس سدی ایجاد نید دست کم سعل و مقام خود را از دست دادید دکتر سرت الله دهقان، در سسقفار شات کیرارس مقدمایی حفارت فبور نه مارلیک (بهران، ۱۳۴۳) اساره می‌کند که حفارت مارلیک در سال ۱۳۴۰ از همان آغاز نا محالف مالکان محلی مواحه سد نه انرا سررسی حفارت عرفانوی محوطه‌های ناستانی کلان را بر عهده داشتید و از سوداگران آثار فرهنگی آن زمان بودید و انادی آنها، طی مدت حفاری حندی نار سانه، نا کمک مأموران مسلح راندارمری، نه حادر سررس هنت حمله کردید، نه گمان آن که طلاهای به دست امده از حفاری در احا نگهداری می‌سود سال بعد، هنگامی که هس برای کسف محوّر حفاری نه مقامات دضلاح مراجعه کرد، با در حواسس مخالف سد، ریرا فررید یکی از رجال کشور، که در آن زمان بوحوانی سنس بود، نا ادعای مالکیت نه مارلیک، مقامات دیربط را مکلف ساحتیه بود که دستور توقف حفارت در آن نقطه را صادر کسد سنس از یک سال توقف عملیات، احاره حفاری نار دیگر صادر سد، اما هیأت از ادامه عملیات



سیاهوستان آسا سوید تنها طی يك دو دهه اخیر است که  
حنیسه‌های سیاهوستان دولت را وادار به درج این درس در  
برنامه مدارس کرده است

در یکی دو سال آینده، با یکپارچه شدن اروپا، حه‌سا  
مررهای سیاسی در آن فاره ار منان برود و احتمالاً در آینده  
کسورهای آسانی و آفریقای و آمریکایی نیز، برای نه‌ای  
خود در برابر يك اروپای متحد و امریکای ابرقدرت، ار  
برداستن مررهای سیاسی به صورت کوبی ناگرنر سوید. در  
حیث حالتی، یگانه وحه‌مایر اقوام، فرهنگها و هویت‌های ملی  
آنها خواهد بود؛ ولذا، در سیاست کسورهای که قدرت آنان  
بر پایه بکولوری بیسرفه و بروت و سرمایه آنان بیست،  
به‌حای تأکید بر افراس بیروه‌های نظامی، تقویت فرهنگی و  
هویت ملی وحه‌ نظر و همت فرار خواهد گرفت. سهوده  
بیست که ساس کسورهای صنعتی «دارا»، یا به‌اصطلاح  
امروزی «سمال»، ار هم اکون در جهت تخریب فرهنگی و  
معسوس و مسوب ساحس هویت ملی کسورهای غیرصنعتی  
«بدار» یا «حبوب» به‌کار افتاده است. متأسفانه  
آسب بدیرترس عناصر فرهنگی هر ملتی، بویه در  
کسورهای کهنسالی مانند ایران، گذشته آنهاست که بخش  
اصلی آن در آثار فرهنگ مادی متبلور است و درس همین  
گذشته است که در برابر حسمان ما گرفتار تهدید غارتگران  
آثار فرهنگی سده است.

ملتهایی که به هویت و گذشته خود بی‌اعناید یا ر ار  
تخریب فرهنگی دحار اغتساس هویت سده‌اند سرنوستی حر  
دلب و سردرگمی ندارند. ناررترس و رنده‌ترس ساهد تأسر  
فرهنگ در بدوام حباب يك ملب را می‌توان در همت دهه اخیر  
در منطقه حلب فارس سراع‌گرفت در حمله ناگهانی عراق به  
ایران در نخستین سالهای انقلاب، رمانی که ارتس ایران ار هم  
ناسیده بود و توانایی بیروه‌های بوزاد ساه و بسیج هور در  
حدی بود که فوای اسفالگر را ار تحاور به سررمین نه‌ناور  
ایران بازدارد، در همان روره‌های نحست، در برتو ایجاد  
هسته‌های مقاوم حودجوس محلی، بیسروی دشمن متوقف  
گردید. مردمی که به دفاع ار وطن برخاسته بودند بی‌تردید از  
هویت قومی و تاریخی و فرهنگی خود آگاه بودند و توانستند  
متجاوز را، که از حمایت قدرتهای بزرگ نیز برخوردار بود،  
دست حالی به درون خاک حودس بخراشد. در مقابل، طی  
ماه‌های اخیر، ساهد رویدادی نظامی بوده‌ایم که باز اهمیت  
هویت فرهنگی را، منتها از راه حلف، باب می‌کند و آن عجرو  
بیچارگی کوب در برابر تجاوز عراقی است که در طول حند  
ماه گذشته، با وجود محکومیت آن در جامعه جهانی و

آثار غاربی لورفه در مفایسه با آسیایی که در موزه  
ایران باستان به‌ماس گداسته سده، ار لحاط کمی حندبرابر  
بیسر و ار لحاط کمی بمراتب برارستر و در مواردی ار بظر  
اهمت تاریخی سماند است و بی‌گمان بارنگر نهایی در  
بظر نه‌هایی را موجب می‌سود که تاکنون در تاریخ مدن و هر  
ایران و حاورماتنه عرصه سده است

در نه‌ا که بستر این اسای به‌اصطلاح باستان‌سناسی رر  
حاکمی، ار طریق خفرباب عبر علمی و بعضاً سانه و به‌بهای  
بابودی بعداد بسماری ار نه‌های باسانی در سراسر کسور  
به‌دست آمده‌اند و ار این رو فاهد ارتس تاریخی‌اند، رر ا يك  
ار - به عبار علمی تر، يك گونه فرهنگی - هنگامی ارتس و  
اهمیت دارد که در فاهد فرهنگی حود مطالعه سود، والا صرفاً  
ارتس موره‌ای خواهد داشت. بدر ار همه آنکه، حر در یکی دو  
مورد، محل حفاری هت يك ار اس آسیا ساحتنه سست. آنها به  
این لحاط فاهد هویت‌اند و هر کدام درس به برگی از کتابی  
می‌ماند که به‌تنها مطالب آن به‌طور محرد مفهوم اصلی حود را  
افاده نمی‌کند، جداسدن آن به درك محتوای حود کتاب نیز  
لطمه می‌رند، بویه اگر این جدایی بعدادی ار صفحات طرفین  
آن و احیاناً تمام کتاب را صانع کرده ساسد. بیداس که  
یعمالگران آثار فرهنگی، که تنها در بی‌اسانی با ارتس دلاری  
هنگف‌اند، در راه دستیابی به آنها اروپایی به‌نه‌ آثار فرهنگی  
انایی ندارند و به بگانه چیزی که نمی‌اندسند همان محتوای  
فرهنگی آنهاست. آنان برای به‌دست آوردن يك نا حند صفحه  
ار کتابی فطور باسانی آماده ساه ساختن سمامی آسند. يك تنه  
باستانی در واقع فصلی است از تاریخ نه‌هان يك قوم و، به  
تعبیری عامتر، سمه‌ای است از تلاس و کوسس انسان در طول  
زمان برای دستیابی به آنچه ما امروز وارث ایم.

انسان فاهد گذشته موحودی است بی‌هویت و در بظر  
موجود بی‌هویت، قومیت و فرهنگ بی‌معنی است. برای وادار  
کردن ملتی به تسلیم و اطاعت کافی است که گذشته آن را  
از بین ببرند. درست به بیروی از همین سیاست بود که  
حکومت سفیدپوست آمریکا چهارصد سال به سیاهان اجاره  
نمی‌داد در مدارس، از راه درس، با تاریخ و فرهنگ

مانده باشد. این دستبردها از سرقت نسخ خطی قرآن مجید و در پنجره‌های قدیمی آغاز می‌شود و تا زیر و رو کردن قبور و سکافتن و ویران کردن دیوارها و گنبد‌ها برای گنج‌یابی پیش می‌رود. سایسته است که دولت با برنامه‌ریزیهای صحیح و به کمک سازمان میراث فرهنگی، از طریق علما و آموزگاران و دبیران و مربیان نهضت سوادآموزی، در مساجد و تکایا و رسانه‌های گروهی، صنایع ارساد مردم، بویژه روستائیان، و برسمردن فیج این گونه دستبردها، آنان را از کیفر سختی که در انتظار مخلفان اسب آگاه سازد.

بی‌تردید حفاظت از میراث‌های فرهنگی وظیفهٔ آحاد ملت است؛ اما نه لحاظ قانونی این وظیفهٔ سنگین بر عهدهٔ سازمان‌هایی معّس و در ایران بر عهدهٔ سازمان میراث فرهنگی کشور است وظیفهٔ اسب سازمان، بویژه سب از دستگیری غارتگران، سبار سنگینتر سده و مسئولان و مأموران آن باید هسپارانه‌تر از گذشته عمل کنند. درست است که در سرزمین بهاور ایران جلوگیری کامل از حفريات عبرمجاز سب دسوار است، اما ابوه آثار بوفیمی به اصطلاح زبرحاکمی اخیر، که برای یافتن آنها صدها و صدها ته باستانی بررگ و کوحک در سرتاسر کشور ویران و نابود سده است، به خودی خود از کوتاهی مسئولان در امر حفاظت و نگاهداری از میراث فرهنگی و اموال عمومی حکایت می‌کند.

متأسفانه نحوهٔ برحورد رسانه‌های گروهی و مطبوعات با حوادث مربوط به غارت آثار فرهنگی و کیفیت تنظیم اخبار آنها خندان سبجده نبوده است. نماس ارقام بیست و سبج میلیون دلاری بیس از آنچه هسدار دهده باسد وسوسه‌انگیز است و چه‌بسا، علاوه بر مجموعه‌داران، توجه سبباری از افراد بسببر و بی‌اعتنا نه این گونه مسائل را به حفريات غیرمحرار و ویرانی میراث فرهنگی ما جلب کند. سب از انعکاس حبر کسف اسبای غارتی بود که با کمال تأسف از سرف يك محراب‌نمای محصر به‌فرد با تزین گجبری از مسحد جامع ساوه، که مسئولیت حفظ و نگهداری آن مستهیماً با سازمان میراث فرهنگی است، اطلاع یافتیم. این محراب‌نما، که در حدود يك مبر و بیست سانتیمتر بلندی و هستاد سانتیمتر عرض و احتمالاً نزدیک به یکصد کیلوگرم وزن دارد، ساخسی است در سبر تحول معماری ایرانی و هرهای وابسته به آن در سده‌های نخستین اسلامی. گمان می‌رود که یافتن این ابر به‌سرف رفته بس دسوار باسد و تا دیر ننده است باید ردّ آن را چه‌بسا تا یکی از سفارتخانه‌های بیگانه بی‌گرفت.

صف‌آرایی بی‌سابقهٔ نیروهای عظیم ابرقدرتی همچون آمریکا و سبباری از کشورهای کوحک و بررگ جهان و منطقه در پشت مرزهای کویب، کوحکترین جنبسی از جانب خود مردم کویب در برابر نیروهای مهاجم به‌حسم نمی‌خورد و دلیل این بی‌حمیتی حبری سبب مگر فقدان هویت ملی و سابقهٔ فرهنگی و تاریخی

با توجه به آنچه گفته سد اسکار می‌گردد که عمل تاراجگران آثار فرهنگی از لحاظ ساسی و سنون حیاتی بر صدمات حران‌باندیری به ملت ایران وارد می‌سارد این بدیده برمعنی اسب که فرار بود آثار غارتی از طریق بیسب و چهار سفارتخانهٔ بیگانه از کشور خارج سود (روزنامهٔ کههان، چهارشنبه ۷ سهریور ۶۹) و، در حالی که مفادبری از آنها در جعبه‌های حویی بدف بسته‌بندی سده و از همین طریق آمادهٔ حروج از کشور بود، مأموران امن و ناوفای ایرانی توانستند موقع آنها را کسف و توفیف کنند. به اعتراف دو تن از دسگر سبگان، دسب کم دو محموله در دو بوب حداگانه از همین طریق از کشور خارج و به نهای سه میلیارد ریال و سنج میلیون دلار به‌فروس رفته اسب (همان روزنامه). خدامی داند که طی یکصد سال گذشته چه مقدار هنگمی از آثار فرهنگی ایران به‌یعمارفته و ارموره‌ها و مجموعه‌های سحسی در اروپا و آمریکا سردرآورده اسب

حفاران عبرمحرار و غارتگران آثار فرهنگی در حصص سنون سبم دسمنان اسفلال و فرهنگ ما هسسد و دولت باید آنان را سبگن ترس حانان نه کشور و ملت سمارد و نه همین عنوان با آنان رفتار کند. هرگونه برمس و گدسب مقامات مسئول در برابر اسب‌گونه افراد خود حیاتی اسب ناسجودی

متأسفانه عدهٔ ربادی از حفاران عبرمحرار روستائیان ساده‌دل و فرب حورده و ناآگاه محلی اند آنها برای بافتی يك یا چند فلم‌سی، باسانی و دریافت مبلمی ناحز با تسلیم آنها به غارتگران، نه‌های باستانی و مقابر متمرکه و امامزاده‌های سبرامون خود را ویران می‌کنند، و میراث گرانبهای متعلق به خود و ملت خود را به دسب یعمارگران بی‌وطن می‌سبارند. اسب روستائیان باید بدانند که با این کار نامسروع خود سربك حرم و گناه ناسجودی سوداگران رالوصف و آلب بی‌ارادهٔ احرای ساسب جهانخواران می‌سود و در فعال مبلمی ناحیر دبا و احرب و دین و قومیت خود را می‌فروسد و گرفتار لعب اندی می‌سود.

بحرأت می‌نواں گفت که اکون کمتر امامزاده و مقبرهٔ سبرکه‌ای اسب که اردسترد حباولگران آثار فرهنگی مسون

## سوابق

فرهنگستان اتحاد شوروی دارای ۲۶۷ سال سابقه تاریخی است. این فرهنگستان بنابر گاهشماری قدیمی مسیحیت ارتدکس در ۲۸ ژانویه و بر طبق تقویم معمول مسیحیت کاتولیک در ۸ فوریه سال ۱۷۲۴ میلادی به فرمان پتر کبیر، امپراتور روسیه، تأسیس یافت. فعالیت این فرهنگستان با نام «آکادمی علم و هنر» در سال ۱۷۲۵ آغاز گردید. در سال ۱۸۰۳ نام «آکادمی علوم امپراتوری» بر آن نهاده شد. از سال ۱۸۳۶ به «آکادمی علوم امپراتوری سن پترزبورگ» تغییر نام یافت و پس از انقلاب فوریه سال ۱۹۱۷، «آکادمی علوم روسیه» نام گرفت. این نام پس از انقلاب اکتبر همچنان باقی ماند تا اینکه در رونیۀ سال ۱۹۲۵ با نام «آکادمی علوم اتحاد شوروی» به فعالیت خود ادامه داد و این نام تا این زمان همچنان باقی است.

حلساب منظم این فرهنگستان از ماههای اوت-سپتامبر ۱۷۲۵ میلادی آغاز شد و مراسم گسایش آن در ۲۷ دسامبر (۷ رانویه) همان سال برگزار شد. اساسنامه آن در سال ۱۷۴۷ به تصویب رسید. تا سال ۱۷۴۷، بر پایه طرح مصوب ۲۲ ژانویه ۱۷۲۴ مجلس سبای روسیه و فرمان تر کبیر، ضمن آشنایی با فرهنگستانهای اروپای غربی و استفاده از مساورۀ دانشمندان برجستهای چون کریستیان ولف (۱۶۷۹ تا ۱۷۵۴)، فعالیت داشت.

تر کبیر در سالهای ۱۷۱۱، ۱۷۱۲ و ۱۷۱۶ با لایبنتس (۱۶۴۶ تا ۱۷۱۶) فیلسوف، فیریکدان و ریاضیدان مشهور آلمان، ملاقات و گفتگو داشت. همین ملاقاتها و مشاورهها مشوق امپراتور روسیه به تأسیس فرهنگستان در آن کشور شد. بر طبق اساسنامه، اعضای فرهنگستان ۱۱ نفر بودند که در سه بخش فعالیت داشتند. این بخشها عبارت بودند از:

(۱) ریاضیات، نجوم، جغرافیا، ناوبری، مکانیک؛

(۲) فیزیک، کالبدشناسی، سیمی و گیاهشناسی؛

(۳) زبان و ادبیات، تاریخ و حقوق.

مقرر گردید رئیسی برای فرهنگستان انتخاب شود ولی انتخاب رئیس تا سال ۱۹۱۷ به صورتی رسمی تحقق نیافت و رؤسا از سوی امپراتور تعیین می شدند.

فرهنگستان روسیه مؤسسه ای وابسته به دولت بود و بودجه آن را نیز دولت تأمین می کرد. فرهنگستان دارای کتابخانه ای بزرگ، موزه تاریخ طبیعی، آزمایشگاه فیزیک، رصدخانه و آزمایشگاه سیمی بود که در تأسیس بعضی از آنها میخائیل لومونوسوف، دانشمند بزرگ روس، نقشی مؤثر داشت. فرهنگستان در آغاز چند مؤسسه هنری را نیز اداره می کرد تا اینکه در سال ۱۷۵۷ فرهنگستان مستقل دیگری با عنوان آکادمی هنر تأسیس یافت.

• فرهنگستانهای جهان

# فرهنگستانهای اتحاد شوروی

دکتر عایت الله رضا



لومونوسوف

آکادمی هنر تا سال ۱۷۶۴ تابع «آکادمی علم و هنر» بود ولی از این پس به صورتی مستقل با عنوان «آکادمی هنر امپراتوری» به کار پرداخت.

نخستین رئیس «آکادمی علم و هنر» بلومن تروست (Blumentrost) بود که بزرگترین در هفتم دسامبر سال ۱۷۲۵ او را بدین سمت گماشت. بعدها بر شخصهای بزرگ به دربار امپراتوری ریاست فرهنگستان را بر عهده گرفتند. در دهه‌های پنجم و ششم قرن ۱۸ اداره فرهنگستان عملاً بر عهده دسرخانه آن به ریاست سومایر بود. بخش آکادمیهای این فرهنگستان هرمان ریاضی‌دان، دلیل سیم، برنولی، فربولگ و ریاضدان، برادر برنولی، محقق مکانیک، بولفنگر، فزیک‌دان و چند داسمند مهم خارج از روسیه بودند که از آنها برای عضویت در فرهنگستان دعوت شده بود از این گروه، کوراکین، مفیم، باریس و گولوکیس، مفیم برلن را می‌توان نام برد.

از نخستین فعالتهای فرهنگستان، پژوهشهای علمی درباره اوضاع طبیعی روسیه بود. بخش جغرافیه ریاست دلیل، در سال ۱۷۴۵، بخش اطلس جغرافیایی سراسر روسیه و مجموعه نقشه‌های آن را همراه با اطلاعات نجومی فراهم آورد. هشتای علمی به نقاط مختلف روسیه اعزام شدند که در نتیجه، درباره منابع طبیعی و گیاهان و جانوران و سراسر ساکنان این سرزمین اطلاعاتی گردآوری شد. بنا به ابتکار لومونوسوف، در فرهنگستان روسیه مجموعه اطلاعات اقتصادی و جغرافیایی تدوین گردید. اناری بر در زمینه تاریخ روسیه و بررسی اوضاع کشورهای شرق اسرار یافت. لومونوسوف در واقع سازگذار فیزیولوژی علمی روسیه بود.

در سال ۱۷۲۵، دانشگاهی در پترزبورگ تأسیس شد که در آن رشته‌های ریاضیات، اسلاوی، یونانی، لاتی و در ضمن، داسکده علوم دینی وجود داشت. از سال ۱۷۲۷، طبق اساسنامه جدید، دانشگاه پترزبورگ بخشی از آکادمی روسیه شد که در آن داسجویان به فراگیری زبانهای کهن و معاصر، ادبیات، ریاضیات، فزیک، سیمی، جغرافیه و تاریخ می‌پرداختند. طی سالهای ۱۷۵۸ تا ۱۷۶۵ ریاست این دانشگاه را میخائیل لومونوسوف بر عهده داشت. در سال ۱۷۶۶، فعالیت این دانشگاه عملاً قطع شد.

در سال ۱۷۸۲، به منظور تحقیق درباره زبان روسی و زبانهای اسلاوی سریه‌ای بدید آمد که سالانه یک یا دوبار میسر می‌شد و در دسرس اهل داس فرار می‌گرفت. سحراییایی از سوی فرهنگستان با شرکت محققان این ترب می‌یافت که در سریه به‌حاج می‌رسد. فرهنگستان روسیه با داسمندان و اعضای فرهنگستانها و مراکز علمی خارج از کشور بر ارتباط مداوم داشت از سال ۱۸۴۱، در فرهنگستان بخشهای زبان روسی،

زبانهای اسلاوی و ریاضیاتی تأسیس یافت. از پایان سده ۱۸، با تأسیس داسگاهها و داسکده‌های مختلف، محدودیتهایی در وظائف بخش فرهنگستان روسیه بدید آمد. داسگاه و کالج واسه به فرهنگستان، که از بدو تأسیس آن بدید آمده بودند، از حیطه احبار فرهنگستان خارج شدند. فعالتهای مربوط به زمین‌شناسی، نقشه‌برداری، ترجمه و غیره بر عهده دیگر مؤسسات روسیه محول گردید. از این پس، فرهنگستان روسیه فعالیت خود را بر در زمینه تحقیقات علمی و مسائل نظری متمرکز کرد.

اعضای فرهنگستان به سه گروه کارمندان علمی، اعضای معمولی و اعضای عالی منقسم می‌شدند. از سال ۱۹۱۲، عنوان «آکادمیسین» معمول گردید. در ضمن، فرهنگستان دارای اعضای افتخاری، نوسه و واسه بود. بزرگترین داسمندان کشور در رشته‌های گونه‌گون به‌عنوان عضو نوسه منصوب می‌شدند که برروالسکی (Przhevalski) و سمیووف تیانشانسکی (Semionov Tianshanski)، محققان برجسته سرزمینهای آسیای مرکزی، روکوفسکی (Zhukovski) زیباشناس؛ مخنیکوف (Metchnikov) و سحنوف (Setchenov) زیست‌شناس؛ مندلیف (Mendeleev) سیمی‌دان؛ و بویسندگان سهری خون بولستوی و ححوف از جمله آنان بودند.

در سده ۱۹ و اوایل سده ۲۰، بخشهای جدیدی در فرهنگستان روسیه تأسیس شد که عبارت بودند از بخش آسیایی (۱۸۱۸)، بخش مصر (۱۸۲۵)، موره گیاه‌شناسی (۱۸۲۳)، بخش حانورشناسی (۱۸۳۲)، رصدخانه بولکوف (Polkovo) [۱۸۳۹]، بخش فیزیولوژی (۱۸۶۴)، بخش فیزیولوژی و کالبدشناسی (۱۸۸۹) و خانه ادبی بوسکین (۱۹۰۵).

باید افزود که دحالتهای مقامات مسؤول دولت در امور فرهنگستان روسیه اندک نبوده است. به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۰۲ نیکلای دوم امپراتور روسیه ماسع عضویت افتخاری ماکسیم گورکی در فرهنگستان روسیه شد.

## پس از انقلاب

پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ و تأسیس حکومت موقت، فرهنگستان روسیه امکان یافت هیئت‌رئیس خود را، که تا آن زمان صورتی انتصابی داشت، خود برگزیند.

از سال ۱۹۱۹، فرهنگستان روسیه در زمینه بررسی معادن کورسک، شبه‌جزیره کلا (Kola)، خلیج مسهور به فراغز و دیگر نواحی کسور سوروی به تحقیق پرداخت. در فرهنگستان روسیه، انستیتوهای تحقیقات علمی جدیدی بدید آمدند که از آن جمله اند انستیتوهای فیزیک و سیمی، فیزیک و ریاضیات، بیوسیمی و غیره.

ار سال ۱۹۲۵، طبق تصویبنامه کمیته اجرایی مرکزی و شورای کمیسرهای خلق اتحاد سوروی، فرهنگستان روسیه به عنوان عالیترین مؤسسه علمی سراسر اتحاد سوروی به رسمیت شناخته شد. در سال ۱۹۲۸، فرهنگستان اتحاد سوروی شامل ۹ انستیتو بود که در سال ۱۹۳۴ این تعداد به ۲۵ انستیتو افزایش یافت. در نیمه دوم دهه چهارم سده ستم تعدادی انستیتو، از جمله انستیتوهای علوم اجتماعی، اقتصاد، فلسفه و حقوق، به فرهنگستان اتحاد سوروی پیوستند. در روئن ۱۹۲۷، اساسنامه جدید فرهنگستان اتحاد سوروی به تصویب رسید که هدف عمده آن فعالیت در امر بسط اقتصاد ملی و دانش و فرهنگ کسور بود.

تا دوران انقلاب، فعالیت فرهنگستان به طور عمده در تترزبورگ متمرکز داشت و اکثر دانشمندان عضو فرهنگستان از آن شهر بودند. ولی، پس از انقلاب اکتبر، دیگر گونیهایی روی داد. در سالهای ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ شماره اعضای فرهنگستان با عضویت گروه جدیدی از دانشمندان فزونی گرفت. در سهرهای عمده کسور مجامع علمی برگزار گردید. طی این سالها سعههای فرهنگستان اتحاد سوروی در جمهوریهها، مناطق و استانهای کسور گسایش یافت که از میان آنها می توان به سعههای فرهنگستان در ارکستان، مولداوی، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، قراقرش، قریزسان، ترکمنستان و تاحیکستان اشاره کرد. در سال ۱۹۲۹، در فرهنگستان دورههای دکتری تأسیس گردید. از سال ۱۹۳۳ فرهنگستان سوروی به تابعیت شورای کمیسرهای خلق درآمد. تا آن تاریخ فرهنگستان تابع وزارت آموزش و پرورش اتحاد شوروی بود. فرهنگستان از آغاز تأسیس تا سال ۱۹۳۴ در تترزبورگ (تروگراد-لنینگراد) فعالیت می کرد. ولی در این سال، بر طبق تصویبنامه شورای کمیسرهای خلق، محل فرهنگستان از لنینگراد به مسکو انتقال یافت و سازمان موجود در لنینگراد به نام سعه فرهنگستان اتحاد شوروی نامیده شد. طی سالهای جنگ دوم جهانی بخشهای جدیدی در ارتباط با صنایع نظامی در فرهنگستان تأسیس گردید.



مندلیف



مچیکوف

## فعالیت‌های عمده

در آغاز فعالیت فرهنگستان، دانشمندان خارجی برای کار در آن دعوت می شدند. در سال ۱۷۴۲، میخائیل لومووسوف، دانشمند روس، به عضویت فرهنگستان درآمد. وی در امر بسط کار آن به همت دانشمندان روسی اقداماتی کرد. فعالیت فرهنگستان روسیه طی سده ۱۸ به طور کلی به رشتههای ریاضیات، علوم طبیعی، بررسی منابع طبیعی، جغرافیا، جمعیت‌شناسی روسیه و دیگر نواحی، از جمله مستملکات آسیایی و اروپایی، محدود بود. هیأت‌های علمی متعددی به نواحی مختلف کسور اعزام می شدند. یکی از آنها هتای بزرگ علمی بود که در سال ۱۷۳۲ به سبیری اعزام گردید و به کشف منابع طبیعی عظیم این سرزمین پرداخت. در سده ۱۹، فعالیت فرهنگستان روسیه گسترده تر شد. سال ۱۸۳۹، گذشته از رصدخانه بولکوف، چند موزه و آزمایشگاه، بخش معدن‌شناسی و بخش آسبایی تأسیس گردید. اندکی بعد، بخشهای فیزیک و ریاضیات نیز به همراه دیگر بخشهای موجود به فعالیت پرداختند.

بین الملل اسب که در ۲۱ رانویه ۱۹۱۴ تأسیس شد. در سال ۱۹۵۷ در این فرهنگستان دو انستیتوی حقوق بین الملل و روابط بین الملل تأسیس گردید.

گذشته از این مؤسسات علمی، در اتحاد شوروی هند فرهنگستان دیگر نیز وجود دارند که آکادمی فرهنگ مادی و آکادمی علوم اجتماعی اتحاد شوروی از جمله آنها است. آکادمی علوم اجتماعی در سال ۱۹۴۶ در مسکو تأسیس شد. فعالیت این فرهنگستان تاکنون نیز ادامه دارد.

دیگر از فرهنگستانهای اتحاد شوروی آکادمی علوم تربیتی است. بیس از تأسیس آن، در سال ۱۹۴۳ آکادمی علوم تربیتی جمهوری فدراتیو روسیه وجود داشت که فعالیتش تا سال ۱۹۶۶ ادامه یافت. از آن پس، فرهنگستان مزبور به نام آکادمی علوم تربیتی اتحاد شوروی نامیده شد که محل آن در شهر مسکو است. این فرهنگستان در سال ۱۹۶۸ دارای ۴۸ عضو بیوسته و ۸۰ عضو وابسته بود. در سال ۱۹۶۹ در این فرهنگستان سه بخش نظریه تاریخ تعلیم و تربیت، روس شناسی، روانشناسی و فیزیولوژی تأسیس گردید. این آکادمی شامل ۱۲ انستیتوی تحقیقات علمی ۴ رشته ادواری است.

○ آکادمی علوم کشاورزی اتحاد شوروی. این فرهنگستان در سال ۱۹۲۹ در مسکو تأسیس شد و در سال ۱۹۶۸ شماره اعضا آن به ۸۵ عضو بیوسته، ۶۷ عضو وابسته و ۲۱ عضو ار کسورهای خارجی رسید. این فرهنگستان شامل ۸ بخش و سه سعه در شهرهای کیف، ناسکند و نووسیبیرسک است.

○ آکادمی هنری اتحاد شوروی این فرهنگستان در سال ۱۹۴۷ تأسیس شد و دارای ۳۹ عضو بیوسته، ۶۱ عضو وابسته و ۱۰ عضو افتخاری و بخشهای نفاسی، مجسمه ساری، گرافیک دکورساری است. انستیتوهای نظریه و تاریخ هنرهای زیبا، نفاسی، مجسمه ساری، معماری و نیز موزه های آن در شهرهای مسکو، لسگراد و کیف فعالیت دارند.

### فرهنگستانهای مستقل جمهورها

در اتحاد شوروی بعضی جمهورها از آغاز فرهنگستانهای مستقل تأسیس کردند که فرهنگستانهای اوکراین، بلوروسی لتونی، استونی و لیتوانی از آن جمله اند.

○ فرهنگستان جمهوری اوکراین در سال ۱۹۱۹ در شهر کیف تأسیس یافت که در آن ۱۱۶ عضو بیوسته و ۱۶۳ عضو وابسته فعالیت دارند. این فرهنگستان دارای ۹ بخش و ۴۷ انستیتو تحقیقات علمی است. بخش ریاضیات مکانیک و سبیرتیک، بخش فیزیک و تکنیک، بخش زمین شناسی و گیاه شناسی، بخش سیمی، بیوسیمی، بیوفیزیک و فیزیولوژی، بخش زبان و ادبیات

س از خنگ، فرهنگستان وسع یافت و انستیتوهای جدیدی در آن تأسیس شد. در سال ۱۹۵۷ سعه فرهنگستان شوروی در سبیری تأسیس گردید. یکی از مؤسسات عمده فرهنگستان شوروی بخش مربوط به مطالعات هسه ای و فضایی است. طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ تدابیری درباره اعتلای فعالیت و امور سازمانی فرهنگستان شوروی صورت گرفت و رابطه آن با وزارتخانه ها و مؤسسات علمی کشور گسترش یافت.

### فرهنگستانهای دیگر اتحاد شوروی

گذشته از این مرکز علمی بزرگ، فرهنگستانهای تخصصی دیگری نیز در اتحاد شوروی وجود داشته اند و دارند. یکی از آنها فرهنگستان معماری اتحاد شوروی بود که از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۵۶ در مسکو فعالیت داشت. این فرهنگستان شامل ۶ انستیتو، موزه، کتابخانه، آرامسگاه و کارگاه بود و سعه ای سر در لنگرگاد داشت. این مؤسسه در سال ۱۹۵۶ به «آکادمی امور ساختمان» تغییر نام داد و تا سال ۱۹۶۴ دایر بود. فرهنگستان معماری ۶۷ عضو بیوسته و ۱۰۵ عضو وابسته داشت. ولی از سال ۱۹۶۴ به حد انستیتوی علمی و فنی جدا از یکدیگر بخش گردید.

در رونی سال ۱۹۴۴ فرهنگستان علوم پزشکی اتحاد شوروی در مسکو تأسیس شد. در نوامبر سال ۱۹۶۹ این فرهنگستان ۱۱۰ عضو بیوسته و ۱۵۶ عضو وابسته داشت. از سال ۱۹۶۱ تا حد از آکادمیسیهای خارجی نیز به عضویت فرهنگستان پزشکی اتحاد شوروی درآمد. از سال ۱۹۶۸ آکادمیسی تیماکوف ریاست این فرهنگستان را برعهده داشت و طیفه عمده فرهنگستان بررسی مسائل عمده نظری و تجربی در رشته پزشکی است. اعضای هیئت رنسه این فرهنگستان ۹ نفراند که برای مدت چهار سال انتخاب می شوند. فرهنگستان مزبور شامل سه بخش است (۱) بخش بهداشت، میکروبیولوژی، ایدمیولوژی که شامل ۷ انستیتوی تحقیقاتی است، (۲) بخش درمانی که شامل ۱۳ انستیتوی تحقیقاتی است، (۳) بخش پزشکی- بیولوژی که شامل ۹ انستیتوی تحقیقات علمی است. فرهنگستان دارای سریات ادواری متعددی برهست.

دیگر از فرهنگستانهای اتحاد شوروی فرهنگستان حقوق



نز، بخش تاریخ، اقتصاد، فلسفه و حقوق از جمله بخشهای این فرهنگستان اند. فرهنگستان دارای ۵۵ شورای علمی و ۸ نشریه نواری است و می توان گفت که در کلیه رشته های دانش و فن هایلپ دارد.

○ فرهنگستان جمهوری بلوروسی در سال ۱۹۲۹ در سهر ينسك تأسيس يافت. اين فرهنگستان دارای يك عضو افتخاری، ۶ عضو بیوسته و ۵۴ عضو وابسته و شامل ۵ بخش و ۲۰ استیتوی تحقیقات علمی در رشته های مختلف، از جمله فیزیک، میرسك، رنیک، علوم اجتماعی، تاریخ، زبانسناسی، ردم سناسی و فولکلور، و کتابخانه ای دارای يك میلیون و ۳۰۰ هزار جلد کتاب و نشریه های ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری لتونی در سال ۱۹۴۶ در سهر ريگا أسس يافت. اين فرهنگستان دارای ۲۲ عضو بیوسته و ۲۴ عضو ابسته، ۳ بخش و ۱۲ استیتوی تحقیقات علمی است که از جمله اند انستیتوهای فیزیک، الکرویک، انریتیک، مکایک، یسب سناسی، میکروبیولوری، اقتصاد، تاریخ، ریان و ادیباب. کتابخانه این فرهنگستان دارای ۲ میلیون و ۷۹ هزار جلد کتاب است. اين فرهنگستان دارای ۵ نشریه ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری استونی در سال ۱۹۴۶ در سهر تالین أسس يافت که در آن ۲۱ عضو بیوسته و ۱۹ عضو وابسته فعالیت دارند. بخشی از این فرهنگستان در سهر تارتو مستقر گردیده است. فرهنگستان دارای ۳ بخش و ۱۰ استیتوی تحقیقات علمی است که بعضی از آنها در رشته های الکروفیزیک و فیزیک نجومی هالپ دارند. کتابخانه فرهنگستان دارای يك میلیون و یکصد هزار جلد کتاب است. یکی از کارهای عمده این فرهنگستان تسار آثار علمی در زمینه ریان فنلادی- اویغوری است.

○ فرهنگستان جمهوری لیتوانی در سال ۱۹۴۱ در سهر وینلوس أسس يافته و دارای ۲۰ عضو بیوسته، ۱۹ عضو وابسته، ۳ بخش و ۱۰ استیتوی تحقیقات علمی در رشته های فیزیک، ریاضیات، فیزیک مواد نمه هادی، انریتیک، رسب سناسی، تکنولوری، ادیوآکتیو، سیمی و بیوسیمی، جابورسناسی، گیاهسناسی، جغرافیا، اقتصاد، تاریخ، زبان و ادیباب است. در فرهنگستان کتابخانه ای با يك میلیون و ۸۰۰ هزار جلد کتاب وجود دارد. فرهنگستان دارای نشریه ادواری است.

### فرهنگستانهای بخش آسیایی

چنانکه پیشتر اشاره شد در اتحاد شوروی جمهوریهایی نیز وجود دارند که نخست در آنها شعبه هایی از فرهنگستان اتحاد شوروی دید آمد. ولی پس از مدتی شعبه های مزبور به فرهنگستانهای مستقل بدل گشتند. در زیر به این فرهنگستانها اشاره خواهد شد.

○ فرهنگستان جمهوری گرجستان در سال ۱۹۴۱ به های سعبه فرهنگستان اتحاد شوروی در سهر تفلیس تأسيس گردید. اين فرهنگستان دارای ۵۲ عضو بیوسته، ۵۷ عضو وابسته، ۶ بخش و ۳۱ استیتوی تحقیقات علمی در رشته های فیزیک، جغرافیا، رئوفیزیک، سبرسک، تله مکاسک، الکتروسیمی، زلزله سناسی، تاریخ، زبان و ادیباب، مردم سناسی، معماری و غیره است. فرهنگستان دارای ۵ نشریه ادواری است

○ فرهنگستان جمهوری ارمنستان در سال ۱۹۴۳ به های سعبه فرهنگستان اتحاد شوروی در سهر ایروان تأسيس شد. فرهنگستان دارای ۴ عضو افتخاری، ۴۳ عضو بیوسته، ۴۴ عضو وابسته و ۲ عضو خارجی است. در فرهنگستان ۵ بخش و ۲۱ استیتوی تحقیقات علمی در رشته های مختلف از جمله فیزیک، مکانیک، سیمی و بیوسیمی، رئوفیزیک، رسب سناسی، زلزله سناسی، میکروبیولوری، جابورسناسی، آب سناسی، گیاه سناسی، مردم سناسی، معماری، ریانسناسی، جغرافیا، فلسفه، تاریخ، حقوق، حاورسناسی و غیره فعالیت دارند. اين فرهنگستان دارای ۶ کتابخانه عمده است. مرکز نسخ خطی این فرهنگستان یکی از مراکز مهم نسخ خطی است. تا سال ۱۹۷۲ کتابهای خطی ارمنی آن ۱۲۹۶۰ و تعداد اسناد آن بیش از یکصد هزار بوده است. شماره کتابهای خطی عربی و فارسی این مرکز متجاوز از ۲ هزار نسخه است مجموعه نسخهای خطی اس کتابخانه متعلق به سده های نهم تا هیجدهم میلادی است. تعدادی از نسخ این کتابخانه دارای ارزش هری است که بعضی از آنها به کلیساهای قدیمی لازار و احمادین و سالهای ۸۸۷ و ۹۸۹ میلادی تعلق دارند. فرهنگستان ارمنستان دارای ۱۲ نشریه ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری ازبکستان در سال ۱۹۴۳ به های سعبه فرهنگستان اتحاد شوروی در سهر تاسکند تأسيس يافت فرهنگستان دارای ۲ عضو افتخاری، ۴۸ عضو بیوسته، ۵۶ عضو وابسته، ۵ بخش و ۲۸ استیتوی تحقیقات علمی در رشته های فیزیک و ریاضیات، فیزیک هسته ای، الکترونیک، مکانیک، سیرنیتیک، زلزله سناسی، جغرافیا و زمین سناسی، سیمی، بیوشیمی، میکروپ سناسی، فیزیکولوری، فلسفه، اقتصاد، حقوق،

رسته‌های فیزیک و ریاضیات، زیست‌شناسی، علوم اجتماع، تاریخ، زبان و ادبیات، اقتصاد، فلسفه و خاورشناسی و همچون سریه‌ای ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری ترکمنستان در سال ۱۹۵۱ به‌جای فرهنگستان اتحاد شوروی تأسیس یافت. این فرهنگستان دارای ۲ عضو افتخاری، ۲۳ عضو بی‌سته و ۲۱ عضو وابسته، ۳ بخش ۱۰ انستیتوی تحقیقات علمی است یکی از مراکز علمی مهم فرهنگستان مؤسسه تحقیقات باستانشناسی جنوب ترکمنستان است که تاکنون به کشف آثار ارزشمندی از تاریخ کهن ایران دست یافته است. فرهنگستان مزبور در رسته‌های تاریخ، فلسفه، پزشکی، زبان و ادبیات فعالیت دارد و دارای دو سریه ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری قزاقستان در سال ۱۹۵۴ به‌جای فرهنگستان شوروی در شهر فروزنه (Frunze) بایتنخ جمهوری تأسیس یافت این فرهنگستان دارای یک عضو افتخاری، ۲۸ عضو بی‌سته، ۲۰ عضو وابسته، ۳ بخش و انستیتوی تحقیقات علمی است که در رسته‌های فیزیک، ریاضیات، مکانیک، اتوماسیون، زمین‌شناسی، نجومی، فیزیولوژی، زیست‌شناسی، تاریخ، فلسفه، اقتصاد، زبان و ادبیات فعالیت دارد. فرهنگستان این جمهوری سریره ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری مولداوی در سال ۱۹۶۱ به‌جای سریه فرهنگستان اتحاد شوروی در شهر کیسیف (Kishinev) تأسیس شد. این فرهنگستان دارای ۱۴ عضو بی‌سته، ۱۲ عضو وابسته، ۹ انستیتوی تحقیقات علمی در رسته‌های مختلف و سریره ادواری است.

تاریخ، زبان و ادبیات، باستانشناسی و غیره است. این فرهنگستان در استان فارافالای بیر دارای شعبه است. کتابخانه این فرهنگستان بیش از یک میلیون و ۷۵۰ هزار جلد کتاب دارد. این کتابخانه دارای مجموعه‌ای عظیم از نسخه‌های خطی فارسی و عربی است. فرهنگستان این جمهوری نیز دارای سریره‌ای ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۴۵ به‌جای شعبه فرهنگستان اتحاد شوروی در شهر باکو تأسیس شد این فرهنگستان دارای ۵۶ عضو بی‌سته، ۴۳ عضو وابسته، ۶ بخش و ۲۱ انستیتوی تحقیقات علمی است که در رسته‌های فیزیک و ریاضیات، تکنولوژی، سیم، زمین‌شناسی، زیست‌شناسی، علوم اجتماعی، پزشکی، ترابری، معدن‌شناسی، نفت، تاریخ، زبان و ادبیات، اقتصاد، معماری، هنر، حقوق و فلسفه در خاورمیانه و نزدیک فعالیت دارند در این فرهنگستان مؤسسه‌ای برای بررسی رادیو اکس، گاه‌شناسی و علوم طبیعی و نیز چند موزه وجود دارد که عمده‌ترین آنها موزه تاریخ است.

○ فرهنگستان جمهوری مراکش در سال ۱۹۴۶ به‌جای شعبه فرهنگستان علوم اتحاد شوروی در شهر المانی تأسیس شد این فرهنگستان دارای ۵۴ عضو بی‌سته، ۴۵ عضو وابسته، ۵ بخش و ۲۱ انستیتوی تحقیقات علمی در رسته‌های فیزیک هسته‌ای، کیهان‌شناسی، جغرافیا، معدن‌شناسی، الکترونیک و بیوشیمی، میکروبیولوژی، فلسفه، تاریخ، ادبیات، ریاضیاتی و دو سریره ادواری است.

○ فرهنگستان جمهوری تاجیکستان در سال ۱۹۵۱ به‌جای شعبه فرهنگستان شوروی در شهر دوشنبه تأسیس یافت. این فرهنگستان دارای یک عضو افتخاری، ۲۲ عضو بی‌سته، ۱۹ عضو وابسته، ۳ بخش و ۱۲ انستیتوی تحقیقات علمی در

#### چهارمین سمینار زبان فارسی

مرکز سر داسگاهی در نظر دارد در هفته آخر اردیبهشت ماه آینده سمیناری تحت عنوان «زبان فارسی و زبان علم» در تهران برگزار کند. در طی این سمینار به بررسی ویرگهای زبان علم و زبان فارسی پرداخته می‌شود.

مرکز سر داسگاهی پس از این سه سمینار دیگر تحت عنوانهای «مسائل در فارسی» (آبان ۱۳۶۱)، «زبان فارسی، زبان علم» (سهریور ۱۳۶۳) و «مسائل زبان فارسی در هند، پاکستان، سگلدش» (خرداد ۱۳۶۵) برگزار کرده است.

علاقمندان به شرکت در این سمینار می‌توانند با آقای مهندس علی کافی، دبیر شورای برگزاری سمینار، در مرکز سر داسگاهی تماس بگیرند.

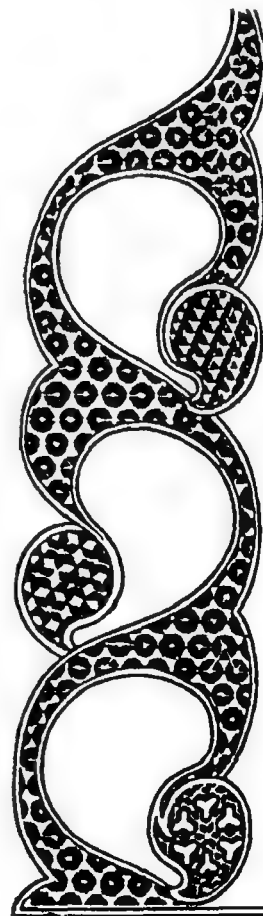
امیدها و آرزوهای انسان بر مرکبی سوار است که می تواند او را از فضای تنگ دنیا فراتر برده به جایگاهی رساند که در آن همه ناکامیها و رنجها و غمهای زندگی او از لحظه تولد تا مرگ به کامیابی و لذت و سرور مبدل شود. بهستی که پس از مرگ به مؤمنان وعده داده شده است سرایی است که در آن به همه حیرهایی که در دنیا برایشان دسب نیافتنی بود خواهند رسید. حیات انسان در این جهان با همه تلخها و رنجها و سختیهای که دارد البته حالی از شیرینی و لذت نیست. اما دریغا که این شیرینها همه آمیخته با تلخی است و در پی هر لذتی که انسان در زندگی احساس می کند ملالت و رنجی است که خاطر او را افسرده و غمگس می سارد. و از همه مصیبت نارتر بیم مرگ است و خوف از عدم، که خود همه سادیها را به اندوه و دلگرمیها و دلخوسها را به یأس و دلمردگی مدل می کند و ایحاست که انسان ناگزیر بر ساهوار خال می نسنند تا از تنگنای این جهان عبور کند و به عالمی برسد که در آن هر چه هست مایه سادی و سرور است و لذت بایدار.

اعتمادی که مسلمانان به حساب پس از مرگ و نعمتهای بهستی داشته اند موضوعی نسب که از حیات کنونی ایسان در این جهان منفک باشد. بهست البته سرائی است در جهان دیگر، ولی اعتقاد به آن جهان و تصور نعمتهای بهستی خود جرئی از زندگی فکری و معنوی انسان در این جهان است. اصل این اعتقاد و حقانیت زندگی پس از مرگ و وجود دورخ و بهست برای مسلمانان امری است مسلم و یقینی؛ چه، ایمان به معاد و آحرث یکی از اصول دین است و مانند سایر اصول متنی بر قرآن و وحی. اما بعد از آیاتی که درباره آخرت و در وصف بهست بارل شده است بسنا اندک است و به همین دلیل تصویری که مسلمانان در صدر اسلام از بهست داشتند تصویری بود محمل. در نتیجه عوامل متعدد بود که این تصور بعدها در تمدن اسلامی بسط و تفصیل یافت. تصویری که مسلمانان از قرون دوم و سوم به بعد از بهست رسم کردند تصویری بود جامع با جزئیات فراوان و نعمتهای گوناگون، از باعها و قصرها و حومه ها و رودها و حوضها گرفته تا خادمان و زوجه ها و حوریان زیبارویی که مؤمنان مدام می توانستند از ایسان کام دل بستانند. این جزئیات و نعمتها، هر چند به جهایی دیگر تعلق داشت، نمایانگر امیدها و آرزوها و به طور کلی احوال و اوضاع روحی و فکری و اعتقادی مردم بود. تصور طعامها و سرباهای لدید و عشق بازی با دوسیزگان و حوریان برای مردمی که در فقر و محرومیت به سر می بردند مسلماً آرامس بخش بود. البته، همه نعمتها جنبه نفسانی و شهوانی نداشت. نویسندگانی که به وصف بهشت می پرداختند معمولاً از میان علما و عرفا بودند و لذا علاوه



## بالای بهشت

نصرالله پورجوادی



بهستی و تجربه‌های مؤمنان در بهست دارد. این تجربه نسبت به تجربه‌ها و ادراکات و لذا بهستی يك تجربه متعالی است، و دقیقاً همین معنی است که ما قصد داریم در اینجا بدان برداریم.

۴

یکی از مهمترین خصوصیات که در اعتقاد مؤمنان به بهست وجود دارد صفی تعالی بخشی آن است. همان‌طور که قبلاً گفتیم قدیمترین گزارش مبسوطی که در تمدن اسلامی درباره دوزخ بهست به دست ما رسیده است گزارش حارث محاسبی (موف ۲۴۳) در کتاب التوهم است. محاسبی در این کتاب توصیف هر یک از قسمتهای بهست و نعمتهای آن را با خطاب «فتوهم» آغاز می‌کند، و با این خطاب از خواننده می‌خواهد تا صحنه‌ای را تصور کند که در آن از نعمت و لذتی عظیم برخوردار خواهد شد، لذتی که در دنیا از آن محروم بوده است. این تصورات، هر چند که زاید «وهم» است، باطل نیست. محاسبی با هر بویسنده دیگری که نعمتهای بهستی را وصف کرده است نخواسته است حائل‌بردارد؛ کند او خواسته است ایده‌ای را که می‌تواند محقق شود پس بی‌کند. این پس بی نیز در تعیین سربوست خواننده مسیر زندگی او در آن جهان فوق‌العاده مؤثر و حیاتی است. حقیقت، محاسبی با این سبوه می‌خواهد به زندگی انسان در دنیا، معنی و جهت بخشد و تصویری که او برای خواننده محسوس می‌سازد قدرتی به وی می‌بخشد که با آن می‌تواند اولاً رنجها سختیها و محرومتهای زندگی دنیایی را تحمل کند و با محدودیت‌ها در دنیا را درک کرده از محدودیت آنها رهایی یابد پس تصور بهست و نعمتهای آن تصویری است که مؤمن به مدد آن می‌تواند از صاحب دنیا، دنیایی که همه‌حیر آن فانی است، فرار رفته به ساحتی و عالمی برتر و متعالی دست یابد. بنابراین، تصور بهست به منظور دلخوشی خواننده نیست، بلکه سیوه‌ای است روانشناسانه برای تعالی بخشیدن (برانسانداس).

تعالی بخشی مهمترین خصوصیت اعتقادی است که مؤمنان بهست و نعمتهای آن داشته‌اند. بهست‌دار بهاست، محل آرامش آسایش حقیقی است، دارالسلام است، در حالی که دنیا سراسر فانی است، محل ناآرامیها و رنجها و دردهاست. تصور بهست بر دنیایی است که مؤمن با آن می‌تواند از سرای فانی و زندگی محبت‌ناز آن بگذرد. اما صفی تعالی بخشی این عقیده فقط، نسبت بهست با دنیا نیست. بهست به خودی خود نردبانی است از بله‌ها با مراتب و درجات متعدد تشکیل شده است و مؤمن می‌تواند پس از گذشت از دنیا، از این مراتب بالا و بالاتر رو مراتب و درجات بهست تا حدودی نظیر مراتبی است که نعمتهای دنیایی وجود دارد. همان‌طور که انسان در دنیا از نعمتها گوناگون برخوردار می‌شود، در بهست نیز در مراتب مختلف

بر ذکر نعمتهایی که طبع عامه مردم محروم را ارضا می‌کند، نعمتهایی را بر می‌سمرند که برای خواص مؤمنان امیدبخش بود، و در اینجا بود که این نویسندگان آرمانهای فلسفی و عرفانی خود را بازگو می‌کردند. به همین دلیل است که ما در حلال هر يك از این آثار می‌توانیم با اعتقادات کلامی و عرفانی نویسنده آشنا شویم.

بهستی که نویسندگان مسلمان از قرن دوم و سوم به بعد در آثار خود ترسیم کردند، همان‌طور که کسبیم، راینده عوامل متعدد بود. مهمترین منبع این نویسندگان الهه قرآن و حدیث و احبار بود بسیاری از اوصاف بهست ظاهراً سحنه تفاسیری است که وصف کنندگان بهست از آیات قرآن کرده‌اند. اما تفاسیر ایشان از قرآن و هم‌چنین استفاده‌ای که از احادیث می‌کردند با هم فرق داشت مثلاً میکلمان معرلی و جهمی، که عقل‌گرا بودند، تفسیری از آیات مربوط به بهست می‌کردند که اهل حدیث و صوفیه با آنها موافق نبودند. شیوخ اعتقادات غیر اسلامی، بخصوص اخباردین یهود و نصاری (اسرائیلیات)، بر در شکل‌گرفتن تصویر بهست در تمدن اسلامی بی‌تأثیر نبود. بنابراین، سحنه کسریه بهست صحنه‌ای بود که عوامل مختلف در آن نقش داشت و به همین دلیل بررسی این موضوع می‌تواند ما را با مسائل مختلف در تمدن اسلامی آشنا سازد، بخصوص مسائلی چون روانشناسی اجتماعی مردم و اعتقادات مذهبی و کلامی و عرفانی انسان. بررسی اعتقاد مسلمانان به بهست و نعمتهای آن و مطالعه سربوگویی این اعتقاد در تاریخ تمدن اسلامی و در برد مذهب مختلف، و ارتباطی که این نعمتها با روانشناسی مردم و عقاید انسان داشته است موضوعی است کسریه، فراتر از بحث اصلی ما در این مقاله کاری که ما می‌خواهیم انجام دهیم بخشی از این موضوع است. می‌خواهیم یکی از تجربه‌هایی را که در احزاب نصیب مؤمنان می‌گردد، با توجه به اهمیت و نقش آن در حیات معنوی و فکری مسلمانان، بررسی نماییم. این تجربه همان دیدار با رؤیت است که از همه تجربه‌های دیگر در بهست ارجمندتر و مهمتر تلقی می‌شود البته، درباره رؤیت خدا ما تاکنون بحث مفصلی کرده‌ایم، اما نکته‌ای که در اینجا قصد داریم بررسی کنیم ارزش و اهمیت این تجربه از حیث نیستی است که با نعمتهای

هر چند که مهمترین دلیل جایز بودن رؤیت بوده است، یگانه دلیل نبوده است. اهل حدیث و بیروان ایشان گاه حتی بیش از ذکر حدیث رؤیت ماه به این آیه استناد می کردند. این آیه و حدیث هر چند که به منزله دودلیل به کار می رفته بی ارتباط با هم نبوده اند. در اینجا ما سعی خواهیم کرد در ضمن بررسی مفهوم «زیاده» به این ارتباط نیز اساره کنیم.

\*

در بحثی که اهل حدیث و متکلمان سنت و صوفیه در خصوص مفهوم «زیاده» بیس کسیده اند سه جنبه متفاوت را می توان ملاحظه کرد. یکی از آنها جنبه کلامی و استدلالی است، و این جنبه ای است که بخصوص در آثار اهل حدیث و متکلمان سنت مشاهده می شود. به این حبه نویسندگان صوفیه در ابتدا توجهی نداشته اند. توحه ایسان بیستر به جنبه های دوم و سوم بوده است. جنبه دوم بحث «زیاده» مربوط به ساخت مراتب بهست و جایگاه مجلس دیدار به عنوان مجلسی در بالای همه مراتب بهست و نعمتهای آن است، و جنبه سوم جنبه روانسناسی است که به حالات اهل بهست و محبت و سوق ایسان به دیدار مربوط می شود. این جنبه های سه گانه را ما در اینجا به ترتیبی که ذکر کردیم بررسی خواهیم کرد.

۱) «زیاده»: دلیل دیگری در اثبات رؤیت. مفهوم «زیاده» و استفاده از آن برای ابیات حایر بودن رؤیت خدا در آخرت، مانند حدیث رؤیت ماه در سب بدر، ساعه ای دراز دارد. کسانی که لفظ «زیاده» را در آیه «لَلَّذِینَ احْسَنُوا الْحَسَنَی وَ رِیَّادَه» (یوس، ۲۶) به معنای رؤیت انگاشته اند، این تفسیر یا در حصفت تأویل را مبنی بر حدیث نبوی داشته اند. س در نظر ایسان این معنی، مانند حدیث رؤیت ماه، از زمان بیعیمبر (ص) در اسلام پیدا شده است. البته ما می دایم که نفس این ادعا تا حه حد در سب است و نمی دانیم که احادیثی که در این ناره روایت شده است صحیح و اصیل است یا نه. حزی که می دایم این است که این گونه احادیث ناگهان از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم، یعنی در هنگام حادث شدن مسأله رؤیت خدا، مورد توحه محدثان و اهل حدیث واقع شده و در کتابهای ایسان وارد شده است. اولین کسی هم که از این تفسیر برای رد عقیده منکران رؤیت (جهمیه و معتزله) استفاده کرده است احمد بن حنبل است.

دلیل اصلی ابن حنبل برای جایز بودن رؤیت خدا در آخرت، همانطور که فیلا سرح دادیم، حدیث رؤیت ماه است. اما احمد تنها از این دلیل استفاده نمی کند. وی به آیات قرآن نیز توجه دارد، و یکی از این آیات، آیه «لَلَّذِینَ احْسَنُوا الْحَسَنَی وَ رِیَّادَه» است، اما قبل از اینکه وی به این آیه برسد، مقدماتی را ذکر

ای مخلف بهره مند می شود؛ و باز همان طور که ادرس لداید ، با بکدیگر متفاوت است، در بهست نیز مؤمنان در مراتب از لذتهایی بهره مند می شوند که ارزش آنها یکسان

ز لئس لذتها، حه در دنیا و حه در بهست، لذات نفسانی و بی است، لذاتی که اسان از خوردن و اسامیدن و انگی کسب می کند. لذتهای بالاتر لذتهای علمی است، هم با و هم در بهست این لذتها در بهست از راه سیدن سبحان گان، سخنانی که حاوی سام خداوند است، و همچنین از ده بجلبات انوار الهی و نر از بر تو احوال فلی و تأملات کسب می شود. بدس بر تب، نردبان ترفی و تعالی در بهست س از لداند نفسانی و سهوایی و رسیدن به لداند علمی و بی است.

نالی حستی از راه اعتماد به معاد و بهست تا حای بیس د که اهل بهست حتی از خود بهست و نعمتهای آن سر اند فرار رود. بهست با همه زیبا سها و سکوهی که دارد، از هل حدیث و بخصوص صوفیه، بالاترین لذتها را به ارمعان ورد. غایت آمال مؤمن به اعتماد اسان معایی است و رای ن و آسامیدن و بالاتر از لدب همخوا بگی و هماغوسی با رگان و حوربان بهستی، و حسی بالاتر از سیدن پیام خداوند ان فرستگان یا دیدن انوار الهی در محالی بهستی از نظر به خواص مؤمنان و اولیاء الله، حه در دسا و حه در بهست، و لفای پروردگارید و آرومی کنند که کلام الهی را بی واسطه بان خداوند بسنوند و جمال روی او را بی واسطه بینند. ان، رفتن به مجلس دیدار که گدسب اردسا و بهست است با راه ترفی و تعالی این دسته از مؤمنان است. این معنی را حدیث و صوفیه با استفاده از يك لفظ قرآنی بیان کرده اند و بظ «زیاده» است، و آیه ای که بخصوص بدان توجه داشته اند ن است که می فرماید: «لَلَّذِینَ احْسَنُوا الْحَسَنَی وَ رِیَّادَه» (س، ۲۶).

یه فوق و تفسیری که اهل حدیث و سس صوفیه از آن اند به منزله دلیل دیگری بوده است در ابیات جایز بودن ت خدا در آخرت. بنابراین، حدیث رؤیت ماه در آسمان،

آیه قرآن را به گونه‌ای تفسیر می‌کرد که با عقیده مفروض ا سازگار باشد.

تا اینجا روس متکلمان و اهل حدیث یکی بود، هر چند که متکلمان عقلی‌گرا (راسیونالیست) بودند و اهل حدیث سنت‌گرا اختلاف ایسان از لحاظ روس دقیقاً در همین مرحله ظاهر می‌شد یعنی هنگامی که می‌خواستند به تفسیر آیه قرآن بپردازند. جهمی و معتزله به حکم عقل‌گرایی خود، از راه استدلال عقلی و اهل حدیث، به حکم سنت‌گرایی خود، از راه سنت و حدیث تفسیری ارائه می‌کردند. صورت استدلال جهمی و معتزله این بود که آیه مزبور از جمله متساویات است و باید آن را تأویل کرد. این تأویل سبب مبتنی بر نظر عقلی ایسان در مورد صفات الهی بود و سبب این حیل به ایسان این بود که آیه مزبور جزو آیات مسابه است لذا باید آن را تأویل کرد. این آیه از نظر ابن حنبل و هم‌حنبل متکلمان اسعری، از جمله ابوالحسن اسعری، از آیات محکم بود و لذا باید آن را به معنای ظاهری در نظر گرفت یعنی «الی ربها باظره» را به معنای دیدن روی بروردگار تفسیر کرد نه توانی که او به مؤمنان عطا خواهد کرد.

ابن حبل، هر چند که ظاهراً از روس تفسیری متکلمان جهمی و معتزلی انتقاد می‌کرد، کاری که می‌کرد صرفاً این نیست که یک تفسیر را به جای تفسیر دیگر پیشنهاد کند. وی در واقع زیرکانه سعی می‌کرد به سنت صحه قدم گذارد و از راه تحلیل فضیه بررسی انگیزه متکلمان، سببی تفسیر و ناموجه بودن تأویل ایسان را نشان دهد. انگیزه متکلمان این بود که از موضع خود دفاع کنند و برای این منظور آیه قرآن را به نحو دلخواه تأویل نمایند این حیل مسأله را به همس موضع برمی‌گرداند و می‌گوید که ایر اصل باطل است، یعنی عقیده ایسان منی بر جایز بودن رؤیت خطاست. دقیقاً در همینجاست که وی به دلیل نقلی خود که حدیث رؤیت ماه است متوسل می‌شود. پس آیات قرآن بتنها می‌تواند مدعای ابن حبل و به طور کلی اهل حدیث را اباد کند، چنانکه همس آیات نیز نمی‌توانست مدعای خصم ایسان را بابت نماید. دلیل نقلی ایسان باید از حدیث باشد (از همینجاست که ایسان به عنوان «اهل حدیث» معرفی شده‌اند). کاری که حدیث برای اهل حدیث انجام می‌دهد این است که تفسیر صحیح را، به‌زعم ایسان، در اختیارسان فرار می‌دهد. از آنجا که حدیث رؤیت ماه دال بر جایز بودن رؤیت خدا بود، پس آیه «الی ربها باظره» نیز به معنای ناظر بودن به خود بروردگار است نه توانی که او به مؤمنان عطا می‌کند.<sup>۱</sup>

از راه حدیث رؤیت ماه نه تنها آیه «وجوه یومئذ ناضره الی ربها باظره»، بلکه آیات دیگر را نیز که به همین مبحث مربوط می‌شود می‌توان تفسیر کرد، از جمله آیه «لذلین احسنوا الحسن

می‌کند. ببینیم احمد چگونه وارد بحث «ریاده» می‌شود. بحث ابن حنبل با يك گفتگوی فرضی آغاز می‌شود. از جهمی سؤال می‌کند: چرا سمارؤیت خدا را در احرب انکار می‌کنی؟ نه این سؤال، خود احمد از زبان جهمی پاسخ می‌دهد می‌گوید. خود خدا را نمی‌توان دید بلکه فقط افعال او را می‌توان دید. این پاسخ همان‌طور که می‌دانیم، مورد قبول احمد نیست و لذا سعی می‌کند آن را رد کند می‌گوید مگر به این است که خداوند خود می‌فرماید: «وجوه یومئذ ناضره الی ربها باظره» (الفصحه، ۲۲ و ۲۳). و بدین ترتیب تصریح می‌کند که مؤمنان ناظر بروردگار خود خواهند بود؟ در پاسخ به این سؤال، احمد از زبان جهمی می‌گوید: این آیه خود عقیده ما را تأیید می‌کند، چه معنای «الی ربها باظره» این نیست که اهل بهشت روی بروردگار را خواهند دید، بلکه چیزی که می‌پسند بواب بروردگار است و بواب بروردگار سر همانا فعل اوست

در پاسخ جهمی به احمد، در این گفتگوی فرضی، يك نکته دقیق نهفته است و آن سمر میان بواب یا فعل بروردگار و وجه اوست این نکته فوق‌العاده مهم است و خود یکی از مقدمات بحث «ریاده» است. احمد در پاسخی هم که به جهمی می‌دهد اگر چه سببه‌گری ایسان را رد می‌کند، سمر میان بواب یا فعل بروردگار و روی او را می‌بندد به عبارت دیگر، او نیز قبول می‌کند که بواب اعمال سدگان که فعل خداوند است دیگر است و روی خدا دیگر، و دادن بواب یا دادن روی بروردگار دو چیز متفاوت است اما چیزی که او قبول ندارد تفسیر جهمی است که می‌گوید مراد از «الی ربها باظره» دادن بواب است نه خود بروردگار. بیا براس، اختلاف میان احمد و بطور کلی اهل حدیث با جهمی و معتزله اختلاف بر سر تفاسیری است که هر يك از آیه مزبور می‌کردند این مطلب در واقع به يك نکته دیگر در تاریخ این بحث کلامی اشاره می‌کند، و آن این است که به جهمی و معتزله (که منکر رؤیت بودند) و به اهل حدیث (که قایل به رؤیت بودند) هیچ کدام از راه قرآن، مخصوص آیه مزبور، به عقیده خاص خود نرسیده بودند، بلکه هر يك از طریق دیگری عقیده خاص خود را بنا کرده سپس برای تأیید آن به آیه یا آیاتی از قرآن متوسل می‌شدند و هر يك چون عقیده‌اس از قبل تعیین شده بود،



و زیاده» را. در تفسیر همین آیه است که احمد از تمیزی که هم معتزله و جهمیه و هم اهل حدیث میان نواب بروردگار و وجه او قائل می شدند استفاده می کند. احمد در واقع جایگاه این تمیز و تمیک را در همین آیه می داند و می گوید که خداوند هم به نواب خود و هم به وجه خود در همین آیه اشاره کرده است. از نظر او لفظ «الحسنی» اشاره به نواب است و لفظ «زیاده» اشاره به وجه بروردگار و رؤیت آن. البته این مطلب نیز یک تفسیر است، و اساس این تفسیر نیز برای احمد و عموم اهل حدیث چیزی جز حدیث نسب، احمد و حدیث را در اس مورد نقل می کند. یکی از آنها از این فرار است:

و من حدیث سفیان عن ابی اسحق عن عامر بن سعد فی قول الله: للذین احسنوا الحسنی و زیاده، قال النظر الی وجهه الله.<sup>۲</sup>

پس مراد از «زیاده» در آیه فوق نظر کردن به وجه خداوند است. حدیث دیگر از قول باب البانی است که از قول نعمر نقل می کند که حون اهل بهس مستتر سدید، منادی ندا در خواهد داد که «ای اهل بهس، هر آینه خداوند می خواهد حیری افرون (بر نعمتهای بهسی) به شما عطا کند (ان الله فدادن لکم فی الزیاده). آنگاه برده ها بالا می رود و اهل بهس به بروردگار خود نظر خواهند انداخت.» مطابق این احادیث، مؤمنان نه بها از نعمتهای بهستی برخوردار خواهند شد، بلکه به حیزی افرون بر آنها خواهند رسید، و این همان دیدار خداوند است.<sup>۳</sup>

بحث ابن حبل در کتاب الرد که از آیه «وحوه نومئذ» آغاز می شود و پس از تفسیر آن و نقل حدیث رؤیت ماه به نقل آیه «زیاده» و تفسیر آن بر اساس احادیث خاص می انجامد از یک وحدت و اسجام درونی برخوردار است. اما نویسندگان بعدی که از احمد تبعیت کرده اند، چه محدثان و حابله و چه ماتریدیه و سهریه، این وحدت را حفظ نکرده اند؛ بلکه، در هنگام ذکر آیات قرآن، هر یک از آیات را به عنوان دلیل مستقل تلقی کرده اند. محدثان معمولاً سعی کرده اند روایتهای مخلف احادیسی را که بر تفسیر «زیاده» وارد شده است جمع آوری و نقل کنند. بهترین نمونه این قبیل محدثان ابن خزیمه نسابوری است که چندین روایت را با ذکر نام راویان متعدد در کتاب التوحید و صفات الرب نقل کرده است. یکی از این روایات از قول ابوموسی اسعری است، یکی دیگر از ابوبکر و دیگری از حذیفه بن الیمان که هر سه از صحابه معروف بوده اند. در همه این روایتها تصریح شده است که در آیه «للذین احسنوا الحسنی و زیاده» مراد از «الحسنی» بهس و نعمتهای بهستی است و مراد از «زیاده» دیدن روی بروردگار است.<sup>۴</sup>

علاوه بر محدثان، متکلمان ماتریدی و اسعری و همجنس حبیلیانی که مانند متکلمان سب از روس استدلالی و عقلی استفاده کرده اند، کم و بس به همین روایات استناد کرده و بعضی از اسان معنای «زیاده» را با آیه «وحوه نومئذ» سبب داده اند<sup>۵</sup> در رأس متکلمان سب ابو منصور ماتریدی و ابوالحسن اسعری قرار داشته اند. بعضی از سروان اسان سعی کرده اند در ضمن اس بحث نکات دیگری را به آن بفرایند مثلاً از میان سروان ماتریدی،

#### حاشیه

(۱) بعضی از متکلمان سب در بس اس تفسیر نموده اند که هرگاه حرف «الی» به دنبال «نظر» باشد، معنای «نظر» رؤیت نظر است «ان النظر المقرون بالی مضافا الی الوحه بذلك لایكون الا رؤیه النظر فی الله» (مجرد مقالات السج ای الحسن الانعری اس هورک نه تصحیح داسال شماره سروت، ۱۹۸۷، ص ۷۹ و سبر سگری نه لمع الادله امام الحرمین حویبی نه تصحیح محمدالحسری، قاهره، ۱۳۸۵/۱۹۶۵، ص ۱۳۳)

(۲) الرد، ص ۳۴ اس «نظر»، حناکه در حدیث بعدی تصریح شده است، در آخر نظر به وجه الله خواهد بود نه ارتباط آیه فوق با بهس در آیه ای که بس از آن آمده است بر اشاره شده است در آن آیه آمده است نه «والله يدعوا الی دار السلام و یهدی الی صراط مستقیم»، و مراد از «دار السلام» حناکه در بسیاری از تفاسیر (از جمله تفسیر سعی القمی، ص ۳۱۱) آمده است، بهس است خود آیه «للذین احسنوا الحسنی» بر با اس کلمات حب می شود «اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون»

(۳) روایتی که از اس حدیث در کتب حدیث (از جمله صحیح مسلم و مسند احمد بن حنبل) نقل شده است بدین گونه است

عن السی صلعم قال إذا دخل اهل الجنة الجنة، قال يقول الله تبارک و تعالی تریدون سینا أریدکم فیقولون الم سقن وحوهنا، الم بدخلنا الجنة و نحلنا من النار؟ قال فیکشف الحجاب، فما أعطوا سینا أحب الهم من النظر الی ربهم عروحل (از حضرت سی اکرم صلعم که گفت حون اهل بهس وارد بهس سبب، خداوند تبارک و تعالی به اسان می گوید انا حیری ریاد در اراجه به شما داده ام می خواهید؟ اهل بهس در جواب می گویند مگر ما را رو سقند نکرده ای و به بهس ماورده و ارا تن بحاب نداده ای؟ (بس از این حه می توان اسطار داشت؟) در این هنگام است که برده نالامی رود، بس هیچ حیر دوست داستی بر و محو تر از دیدار بروردگارسان به اسان عطا خواهد شد) برای منابع این حدیث سگری نه

William A. Graham *Divine Word and Prophetic Word in Early Islam* Morton & Co. The Hague 1977 p 193

(۴) التوحید، اس حریمه، ص ۵-۱۸۱

(۵) این پیوند را اس حریمه بر قلا در نظر داشته است. در حابی که می گوید «الناصره الحسة حسها الله بالنظر الی رها» (التوحید، ص ۱۸۴)

معنای «زیاده» را از قول پیامبر (ص) به معنای نظر به الله تفسیر می‌کند، می‌گوید دعای بیغمیر (ص) نیز این معنی را تأیید می‌کند. در جایی که می‌فرماید: «أَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى جَلَالِ وَجْهِكَ»، چه لذت نظر به وجه‌الله افزون بر لذتهایی است که از نعمتهای بهستی نصیب مؤمنان می‌گردد.<sup>۱۰</sup> سخنان ابن‌فورك در این باره مختصر است، و لیکن متکلم خراسانی دیگر، بیهی خسروجردی، در کتاب الاعتقاد خود بر دو آیه «زیاده» تأکید بیشتری کرده و در تفسیر این لفظ روایات گوناگون از قول پیامبر و صحابه آورده است.<sup>۱۱</sup>

در میان حنبلیان، نویسندگانی هم که مانند اساعره از روس کلامی استفاده کرده‌اند، همین بحثها را درباره آیه «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا» بیس کسده‌اند.<sup>۱۲</sup> نمونه بارز این دسته از حنبلیان فاضی ابویعلی بن الفراء (متوفی ۴۵۸) است که تفسیر رایج را ذکر کرده و «الحسنی» را بهسب و «زیاده» را نظر به الله دانسته است، اما نکته در خور تأمل این است که وی این تفسیر را به پیامبر و صحابه نسبت نمی‌دهد، بلکه آن را تأویل می‌خواند و می‌گوید: «قال اهل التأویل: الحسنی الجنة و...»<sup>۱۳</sup>

معنای «زیاده» و ارتباط آن را با مسأله رؤیت خدا در آخرت در میان علمای طاهری اهل حدیث و متکلمان ایسان ملاحظه و نمونه‌هایی از احوال ایسان را معرفی کردیم. این نمونه‌ها برای روس نمودن ماهیت بحث «زیاده» در میان علمایی که قصد اصلی ایسان رد عقیده معتزله و حتمیه بود کافی است. اما استفاده از لفظ «زیاده» به معنایی که سرحد دادیم فقط به این دسته از علما، یعنی اهل حدیث و حنابله و متکلمان اسعری و ماتریدی، اختصاص ندارد. در همین دوران و در کنار این دسته از علما، نویسندگانی بودند که لفظ «زیاده» را کم و بیس به همین معنی در آثار خود به کار می‌بردند، ولی مقصود ایسان در به کار بردن این لفظ و همچنین تلقی آنان از معنای «زیاده» با مقصود علمای حدیث و متکلمان و تلقی آنان از معنای «زیاده» فرقی داشت. این نویسندگان مسایخ صوفیه بودند که بحث «زیاده» را در آثار خود در یک مسیر دیگر ادا کردند. برای اینکه ما بصویر جامعتری از سیر تاریخی بحث «زیاده» به دست آوریم، لازم است در اینجا نمونه‌هایی از آثار این متسایخ را نیز بررسی کنیم.

۲. مفهوم «زیاده» در آثار صوفیه. عقیده به دیدار خداوند در آخرت به عنوان عطایای افزون بر عطایای دیگر الهی یکی از اصول معتقدات صوفیه است. به عبارت دیگر، صوفیه نیز مانند اهل حدیث و متکلمان سنت دیدار خدا را «زیاده» بر بهشت و نعمتهای بهستی می‌دانستند. اما متسایخ و نویسندگان صوفی مدت‌ها برای انطباق این مفهوم با آیات قرآن، بخصوص با آیه

ابوالیسر محمد بزودی (متوفی ۴۹۳) فاضی حنفی مذهب سمرقند است که اطلاعات بیشتری در خصوص تفسیر «زیاده» در اختیار ما قرار داده است. وی در کتاب اصول الدس س از اینکه آیه «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحَسَنَى وَزِيَادَهُ» را به عنوان دلیل دیگری بر جایز بودن رؤیت نفل می‌کند، می‌نویسد

و جاء في التفسير. للذين أسلموا و قالوا لا اله الا الله محمد رسول الله الحسنی و هي الجنة، والزيادة رؤيتهم الله تعالى في الجنة.<sup>۱۴</sup> (در تفسیر آمده است که از برای کسانی که اسلام آوردند و گفتند لا اله الا الله محمد رسول الله، بیکویی است و این پاداش بیکو بهسب است، و افرو بر آن دیدن اسان است خدای تعالی را در بهسب)

تفسیر فوق را، بنا به قول بزودی، هر چند تعدادی از صحابه، از جمله ابوموسی اسعری و ابوبکر و حدیقه بن الیمان، نفل کرده‌اند، باز مورد قبول همه مفسران نبوده است. بزودی سعی می‌کند بعضی دیگر از تفاسیری را که از آیه فوق، بخصوص از لفظ «زیاده» سده است ذکر کند. مثلاً با بر یکی از این تفاسیر، مراد از «زیاده» در آیه مرور مغرب است، و بنا بر تفسیری دیگر این لفظ به معنای رضوان است. اما فاضی سمرقندی هیچ يك از این دو تفسیر را قبول ندارد، چه مغرب و رضوان س از نعمتهای بهسب است و لذا نمی‌تواند زیاده بر نعمتهای بهستی باسد. رؤیت است که س از بر حوردراری از نعمتهای بهستی دست می‌دهد و لذا لفظ «زیاده» را می‌توان بدان اطلاق کرد.<sup>۱۵</sup>

ابوالحسن اسعری و بیروان او بر به نکات دیگری اشاره کرده‌اند. خود اسعری لفظ «زیاده» را به تنها در آیه «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحَسَنَى وَزِيَادَهُ»، بلکه در آیه «وَلَدَيَا مَزِيد» (و، ۳۵) بر به معنای نظر افکندن به روی بروردگار دانسته است.<sup>۱۶</sup> با فلالی نیز در تفسیر «زیاده» ابتدا از قول ابوبکر نفل می‌کند که گفت: «الزيادة النظر الى وجهه الكريم» و سپس همین تفسیر را به ابن عباس بر سب داده از قول او نقل می‌کند که گفت: «الزيادة هي النظر الى وجه الله تعالى بلا كيف».<sup>۱۷</sup> قید «بلا كيف»، که بازگوکننده نزاعهای کلامی قرن دوم و سوم است، سستی این انتساب را نشان می‌دهد. در خراسان نیز ابن فورك (متوفی ۴۰۶)، س از اینکه

الَّذِينَ احْسَنُوا الْحَسَنَى وَ زِيَادَهُ» که مورد توجه اهل حدیث و ساعره و ماتریدیه بود، کوسسی نمی کردند. هر چند اعتماد به رؤیای اخروی در قرن دوم در تصوف رواج یافته بود و دیدار خدا از نظر ایسان تجربه‌ای بود که محبان و اولیاء خدا در ورای بهشت دان دسب می یافتند، ذکر ی از لفظ «زیاده» و اساره‌ای به این مفهوم در آثار ایسان دیده نمی شود. در اوایل قرن سوم بود که حارب محاسبی لفظ و مفهوم «زیاده» را به کار برد، بی آنکه آن را با یه فوقی مطبق نماید. سایر نویسندگان صوفیه نرد در این قرن، تا جایی که می دانیم، از این لفظ و مفهوم استفاده کرده اند ولی باز بدون اساره به آیه قرآن. لفظ «زیاده» (به معنای دیدار خدا در خرب) را نویسندگانی با آیه «لِلَّذِينَ احْسَنُوا الْحَسَنَى وَ زِيَادَهُ» طایف داده اند که بحث تأثیر اهل حدیث در صدد بر آمدند که به روس صوفیه بلکه به روس اهل حدیث و متکلمان سنت عمل کند و از عقیده خود مبسی بر جواز رؤیای خداوند در آخرت دفاع نمایند. بنابر این، بحث «ریاده» در تصوف دو مرحله را سب سر گذاشته است، یکی مرحله صوفیانه محض، و دیگر مرحله کلامی مرحله اول این بحث با آثار محاسبی آغار می شود.

دیدار خداوند در کتاب التوهم محاسبی بخسین بار در بهشت سب که به اولیاء الله مرده داده می شود. آورده این مرده سر برسگان اند که در بهشت به اولیا تردیک سده با لحنی دلکس به ایسان می گویند: «یا اولیاء الرحم، إن الله ربکم بهر یکم السلام و سریر کم فروروه لنظر إلیکم و تنظروا الله، و یکلمکم و تکلموه، و حسکم و تحببوه، و یردکم من فصله و رحمته»<sup>۱۴</sup> (ای اولیای خدای رحمان، خداوند که بروردگار سماسب به سما سلام می فرستد و می خواهد که شما را ببیند و شما او را ببینید، به شما نظر بیدارد و شما به او نظر بیدارید، با شما سخن گوید و شما با او سخن گوید، درخواست شما را اجابت کند و شما نرخواست او عمل کنید، و بدین نحو بر فصل و رحمت خود بفراید). و س از سنیدن این پیام، اولیاء الله به قصد رؤیای بروردگار مستافانه به سوی او می ستابند.

در این پیام، محاسبی از لفظ «ریاده» استفاده کرده است و سخن گفتن مؤمان با خدا و دیدار روی او را فضل و رحمتی افزون و نعمتهای بهشتی خوانده است. در جای دیگر نیز محاسبی از همین مفهوم و لفظ استفاده کرده، به اهل بهشت می گوید: «لک بها الزیاداد و النظر إلی وجه ربک»<sup>۱۵</sup> (برای تو در بهشت زیاداتی است و دیدار روی خدا).

محاسبی، هر چند در اینجا از لفظ و مفهوم «ریاده» استفاده کرده و بطور ضمنی دیدار را «زیاده» خوانده است، اساره‌ای به آیه قرآن نکرده است. مفهوم «زیاده» نیز در اینجا مفهومی است سترده که صرفاً دیدار خدا را در بر نمی گیرد. وی در اینجا از چند

تحر به به عنوان «ریاده» یاد کرده است که یکی از آنها دیدار است و یکی دیگر تکلم کردن با خداست. ظاهراً به همین دلیل است که محاسبی از لفظ «ریاداد» به صعه جمع استفاده کرده است. با استفاده از این لفظ، به صیغه جمع، محاسبی می خواهد به همه عطاهاایی که خداوند در مجلس دیدار به اولیای خود خواهد بخشید اساره کند. این عطاها را محاسبی در جای دیگر بدین گونه وصف کرده است

فهو هم بعفلك نور و حوهمهم و مانداحلهم من السرور و الفرح  
حین عاینوا ملیکهم، و سمعوا کلام حسهم، و أنیس فلوهم، و  
فره أعنهم، و رضا أفندتهم و سکن أنفسهم، فرفعوارؤوسهم  
من سحودهم، فطروا إلی من لایسبهه سیء بانصارهم، فبلغوا  
بذاك غانه الکرامه و مسهى الرضاء و الرفعه<sup>۱۶</sup> (س در نظر  
بگیر، با عقل خود، نور روی اولیاء الله و سادی و سروری را  
که به ایسان دسب می دهد هنگامی که ناساه خود را به جسم

حاشیه:

(۶) اصول الدس، ص ۸۲

(۷) مفسران و متکلمان سعه امامیه بر که در مسأله رؤیای محالف اهل حدیث و متکلمان سب بودند تفسیر ایسان را از آیه فوقی قبول نداشتند، ولی مفسر سبسی فرن سوم و چهارم انوالحسن علی بن ابراهیم العمی بدون اظهار نظر آن را نقل کرده است «لِلَّذِينَ احْسَنُوا الْحَسَنَى وَ زِيَادَهُ، قال النظر الى وجه الله عزوجل» فمی علاوه بر این، روایت دیگری را نقل کرده است که سابر آن «ریاده» به معنای دیاسب می نویسند «و می روایه ابی الحارود عن ابی جعفر (ع) می فوله للذین احسواالحسنی وریاده، فاماالحسنی الحنه، واماالریاده فالذبا ما اعطاهم الله فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الاخره و یجمع بواب الدنیا و الآخرة» (تفسیر العمی، ص ۳۱۱)

(۸) سگریده به امامه، حیدرآباد، جاب سوم، ۱۹۸۰ م، ص ۱۷

(۹) انصاف، ص ۷۳

(۱۰) مجرد، ص ۸۵

(۱۱) الاعتقاد، ص ۷۷-۷۶

(۱۲) از میان نویسندگان حسلی در فرون بعدی، می توان از سبیح عبدالقادر گیلانی (سگریده به الغنیه {می تا، بی حا، دارالعلم للحمیع، ح ۱، ص ۵۵-۵۶) و ابی قیم الحوریه (سگریده به روضه المحبین، قاهره، ۱۹۵۶ م، ص ۴۲) به عنوان نمونه یاد کرد.

(۱۳) المعتمد می اصول الدین، ص ۸۲

(۱۴) التوهم، ص ۵۴

(۱۵) همان، ص ۳۷

(۱۶) همان، ص ۶۱-۶۰

می بینند و سخن حبیب خود و ایس دلها و فره العین خود را می سود، و دلهای ایشان راضی می شود و نفس ایسان ساکن می گردد، و خون سر از سجده بر می دارد و با جسم به چیزی نظر می افکنند که هیچ حیز سیه نه او نیست، پس با این دیدار نه غایت کرامت و منتهای رضا و رفعت نایل می شود.

چنانکه ملاحظه می شود، اولیاء الله در مجلس دیدار ابتدا کلام خداوند را می سود و سپس روی او را می بیند. علاوه بر این، با شنیدن کلام الهی دلهای ایسان به مقام رضا می رسد و حایهای ایسان آرامش و سکون می یابد همه این بحر به ها و حالات از نظر محاسبی «ریاده» است.

اطلاق لفظ «ریاده» بر ادراکات و حالاتی که در مجلس دیدار به اولیاء الله دست می دهد بیان می دهد که محاسبی این لفظ را به معنایی نه کار می برد که با معنای مورد نظر اهل حدیث فرق دارد اهل حدیث و متکلمان سب این لفظ را بخصوص با توجه به آیه «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَرِیَادَهُ» و آیه «وَلَدِیَا مَرِیْدٌ» در نظر گرفته و آن را صرفاً به معنای دیدار تفسیر می کردند اما محاسبی «ریاده» را به معنای عطا یا عطاهایی در نظر می گیرد که خداوند افروان بر نعمتهای بهسی به ایسان عطا می کند. بنابراین، لفظ «ریاده» صرفاً به سببی بودن نك نعمت و عطا و برتری آن از نعمها و عطاها دیگر اشاره می کند. شنیدن بی واسطه کلام خداوند «ریاده» است، همجنس دیدار بی واسطه روی او محاسبی حتی از بعضی از نعمتهای بهستی بر نه عنوان «ریاده» یاد کرده است. هنگامی که اهل بهست در یکی از قصرها روحه خود را در آغوش گرفته ساله ای اردست ولدان می سازد، ندایی از یکی از قصرها به گوس او می رسد که می گوید «یا ولی الله، أما لنامك دولة؟» (ای ولی خدا، سابه دولت تو بر سر ما نمی افتد؟). و وقتی ولی الله ار او می پرسد که تو کنسی، در پاسخ می گوید «أنا من اللواتی فال الله حل و عتر ولدنا مرید»<sup>۶۷</sup> (من یکی از تسائی هسم که خداوند در قرآن با تعبیر «ولدنا مرید» از ایسان یاد کرده است) بنابراین، حوریانی در بهست هستند نه «افروان» بر روحه بهسی به مؤمنان داده می شود و این نعمت سبب به نعمتهای سپس است که «ریاده» به شمار می آید.

معنای سببی «ریاده»، نه گویای محاسبی به کار برده است، به نظر می رسد که با مدتها در تصوف رایج بوده است این عطا الادمی، که حدود ستم قرن س از محاسبی قرآن را تفسیر کرده است، هر چند که به دیدار خداوند در آخرت قائل بوده و آن را بر عطایی داسه است که خداوند افروان بر نعمتهای بهستی به اولیای خود خواهد بخشید، اشاره ای به آیه «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَرِیَادَهُ» نکرده است وی در تفسیر خود این آیه

را نیاورده و درباره آن سکوت کرده است. ولیکن ابن عطا تفسیر بعضی آیات از مفهوم «ریاده» استفاده کرده و مانند محاسب معنایی نسبی برای آن در نظر گرفته که یکی از آنها رؤیت است این معنای را در تفسیری که وی از آیه «لئن سكرتم لازیدنکم» (ابراهیم، ۷) کرده است بر سمرده است.<sup>۶۸</sup> انسان از باد نعمتهای مخلف ممکن است خدا را سکر کند، و هر بار که سکر کند ریادتی نصیب او می شود. اگر از باب هدایت سکر کند ریادتی که نه او می دهند خدمت است (لئن سكرتم هدایتیم لاریدنکم خدمتی)؛ و اگر سکر خدمت کند، مساهده، و اگر از باب هدایت سکر کند، ولایت؛ و بالاخره اگر از باب ولایت سکر که رؤیت نصیب او خواهد گردید. بنابراین، رؤیت بالاترین ریاد است که خداوند به بندگان خود عطا می کند

این عطا هر چند که رؤیت را بالاترین «ریاده» در مقام سحر خوانده است در عین حال وقتی می خواهد از مجلس دیدار سخن بگوید، مانند محاسبی به چند تجربه و حالت روحی و معنوی که عرض دیدار است اشاره می کند. یکی از این بحر به ها شنیدن کا خداوند است. این عطا، با توجه به آیه قرآن که می فرما «تحیهم يوم یلقونه سلام» (احزاب، ۳۳)، معتقد است که روری مؤمنان به لقای پروردگار برسد، قبل از دیدار، خداوند به ایسلام می گوید این سلام از نظر این عطا خود یکی از زیاده است مؤمنان قبلاً بر در بهست «سلام» خداوند را درباه کرده اند، اما به بی واسطه بلکه از زبان فرستگان.<sup>۶۹</sup> در مجد دیدار اولیاء الله سلام خداوند را بی واسطه از زبان او می سود به همن دلیل است که این «سلام» افزون بر نعمتهای دیگر سلامهای بی واسطه است سلام بی واسطه از نظر این عطا بررگرس عطیه الهی است «اعظم عطیه للمؤمن فی الحنه س الله تعالی علیهم من غیر واسطه»<sup>۷۰</sup>

علاوه بر سلام، این عطا از رضای خداوند بر باد می ک رضایی که باعث می شود که اولیاء الله بیزار خداوند راضی گرد این سلام و رضا، در حنن شنیدن کلام الهی و دیدن روی او، موج می شود که اولیاء الله به حرسدی و آرامش روحی، حالاتی نظایر آنها به در دنیا و نه در بهست احساس می شود، دست یاب از ایحاسب که این عطا شنیدن کلام الهی را «ریحان» می خواند در تفسیری که از آیات «فاما ان كان من الممر بین فروح وریحا» (الواقع، ۹-۸۸) می کند، می نویسد که مراد از «روح» در این نظر به وجه خداوند جبار است، و مراد از «ریحان» شنیدن کلام علت اینکه این عطا «روح» را به دیدن روی خداوند و «ریحان» به شنیدن کلام او تفسیر کرده است این است که خداوند به دز آیه فوق از نعمتهای بهستی نیز یاد کرده است. می فرماید از بر مفریان هم روح است و هم ریحان و هم بهست بر نعمت - «فرو

ریحان و جنت و نعیم». ابن عطا با توجه به تمیزی که هم جهمه و معتزله و هم اهل حدیث میان ثواب پروردگار و وجه او فایلی می‌شدند، «جنت نعیم» را ثواب پروردگار یا فعل او دانسته است و روح و ریحان را، که افزون بر ثواب است، حالاتی دانسته است که بر مجلس دیدار به اولیاء الله دسب می‌دهد.

تمیز مجلس دیدار از بهسب اصلی اسب که ابن عطا و مفسران دیگر صوفیه همواره در تفسیر خود در نظر داشته و آن را در مورد بسیاری از آیات به کار برده‌اند. مثلاً در تفسیر «إِنَّ اصْحَابَ الْحَنَةِ لَيَوْمَ فِي سُجُلٍ فَاكِهِونَ، لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَائِدُوعُونَ» (یس، ۵۵) از همین اصل استفاده کرده و «فاکِهه» را نعمتهای بهستی و «مایدعون» را (آنچه بدیشان وعده داده شده است) رفتن اولیاء الله به مجلس دیدار یا به «محل الرضا و مساهده الحق» خوانده است.

ابن عطا در تفسیر آیه «وَمَا مَنَّا إِلَّا هُمْ مَعَهُ» (الضافات، ۱۶۲) نیز بار، بنابر همین اصل تفسیری، اردو مقام یاد کرده است. یکی «مقام مساهده» و دیگر «مقام خدمت»، و مراد او از «مقام خدمت» همان بهسب است که ثواب اعمال مؤمنان است. ابن عطا بهسب و نعمتهای بهستی را ثواب اعمال بندگان می‌داند، در حالی که رؤیت پروردگار را فضل می‌خواند به ثواب. فصل پروردگار در حقیقت همان «زیاده» است، بخشش و عطایی اسب افزون بر نعمتهای بهستی. این معنی را اهل حدیث و صوفیه با لفظ «کرامت» نیز بیان کرده و گفته‌اند که دندار حدای تعالی در آخر کرامت اسب<sup>۲۱</sup>، و منظور ایسان این اسب که جزای عمل مؤمنان است<sup>۲۲</sup>. ظاهراً به همین دلیل اسب که وجه پروردگار را در هنگام رؤیت یا نظر معمولاً «وَحَهُ الله الکریم» خوانده‌اند.

\*

فاوب معنای «زیاده» در آثار اهل حدیث و متکلمان سنت اریک مو و در آثار نویسندگان صوفی در قرن سوم از سوی دیگر به یک نکته قابل تأمل در تاریخ صوف و ارتباط صوفیه با اهل حدیث ساره می‌کند. صوفیه، هر چند خود از حیب عقاید کلامی در کنار اهل حدیث بودند، همیشه در طرح مسائل و روشی که در بررسی آنها اتخاذ می‌کردند از ایسان بیروی نمی‌کردند. در مورد لفظ «زیاده» نیز ایسان، هر چند دیدار خدا را همانند اهل حدیث «زیاده» می‌انگاشتند، لیکن از منطبق کردن آن بر آیه «لِلذین احسنوا الحسنی و زیاده» یا بر آیه «وَلَدینا مزید» خودداری می‌کردند. اما در نیمه قرن چهارم به بعد ملاحظه می‌کنیم که بعضی از مسایخ و سندگان صوفی از این روش عدول می‌کنند و در طرح مسأله و همچنین مسائل دیگر کلامی، از روش اهل حدیث و ن ایشان، بخصوص اشاعره، تبعیت می‌کنند. به عبارت از اواسط قرن چهارم به بعد، زمانی که صوفیه ناگزیر

می‌شوند که با نوشتن «اعتقاداتنامه» از عقاید کلامی خود دفاع کنند، همان روسی را در پیش می‌گیرند که اهل حدیث و متکلمان سنت بیس نای ایسان بهاده بودند. (در مورد استفاده از حدیث رؤیت ماه نیز، حناکه بعداً خواهیم دید، صوفیه از همین زمان است که باز روس اهل حدیث و متکلمان سنت را در پیش می‌گیرند).

روس جدید نویسندگان صوفی از نیمه دوم قرن چهارم به بعد موجب می‌شود که ایسان مفهوم «ریاده» را، مانند اهل حدیث و اشاعره و ماتریدیه، بر آیه «لِلذین احسنوا الحسنی» تطبیق کنند و آن را صرفاً به معنای دیدار در نظر گیرند. این موضوع را در کتاب التعرف ابو بکر کلادی به وضوح می‌توان مساهده کرد. فصول اول این کتاب، هر چند که يك اثر صوفیانه است، همان طور که فلا ساره کردیم، درباره مسائل کلامی است، از جمله مسأله رؤیت. روس نویسنده نیز دهفاً همان روس اهل حدیث است. کلادی، به خلاف محاسبی یا اس عطا، نمی‌خواهد صحنه دیدار را وصف کند. او می‌خواهد از عمده صوفیانه خود دفاع کند؛ می‌خواهد جائز بودن رؤیت را با ادله نقلی اثبات کند و اولین دلیلی که اقامه می‌کند آیه قرآن است که می‌فرماید «لِلذین احسنوا الحسنی و ریاده». کلادی به آیات دیگر و نیز به حدیث رؤیت ماه در سب بدر نیز استناد می‌کند، ولی این حدیث در واقع تأییدی است بر تفسیری که او، به تبع احمد بن حنبل و محدثان دیگر، از آیه فوق کرده است. بنابراین تفسیر، مراد از «ریاده» رؤیت است<sup>۲۳</sup>.

همان طور که فلا ملاحظه کردیم، متکلمان سنت، از جمله اشاعره، از همین آیه و تفسیری که از آن می‌کردند به عنوان یکی از دلایل حایز بودن رؤیت در آخر استفاده می‌کردند. پس از اینکه تصوف خراسان از قرن پنجم به بعد با مذهب اسعری پیوند

حاشیه.

(۱۷) همان، ص ۵۱

(۱۸) تفسیر اس عطا، ص ۷۰

(۱۹) درباره سلام‌های اواسطه سگریده به تفسیر اس عطا، سورة ۳۹، آیه ۷۳

(ص ۱۳۲) و درباره «سلام ملائکه» و «سلام الحق»، به ص ۱۵۵

(۲۰) تفسیر اس عطا، ص ۱۲۲

(۲۱) ملا سگریده به تعرف، ص ۲۴ نویسندگانی که مانند معتزله رؤیت پروردگار را حایز نمی‌دانستند، مسلماً به تمیز میان ثواب و فضل یا کرامت بر قائل بوده‌اند.

مثلاً شیخ طوسی درباره لقاء پروردگار می‌نویسد «و لقاء الله لقاء ثوابه لا رؤیت» (تفسیر، ۸، ص ۳۴۸)

(۲۲) و به همین دلیل گاهی مجلس دیدار را «دار کرامت» خوانده‌اند (نگرید به سخن عبدالواحد بن رید در حلیه، ج ۶، ص ۱۵۶) چنانکه «زمان» دیدار را

«یوم الریاده» نامیده‌اند «کتاب المحبة» محاسبی، در حلیه، ۱۰، ص ۸۳

(۲۳) «و حاة الروایة ما بها الرویة» (التعرف، ص ۴۲)

یافت، صوفیان اسعری سرروس متکلمان را در سس گرفتند و از آیه «للدین احسبوا الحسبی و رباده» به عنوان دلیل استفاده و لفظ «رباده» را صرفاً به معنای دیدار تفسیر کردند. نمونه بارز این قبیل صوفیان ابو حامد غزالی است که بحث دیدار احروی را در کتاب احیاء علوم الدین با ذکر همین ایه آغاز می‌کند و «رباده» را به رؤیت یا نظر تفسیر می‌کند.<sup>۲۴</sup>

یکی از نکات قابل توجه در بحثی که غزالی درباره دیدار بپس می‌کشد این است که وی اس مطلب را در دو جای متفاوت در کتاب احیاء علوم الدین مطرح می‌کند یکی در اسهای «کتاب ذکر مرگ»، هنگامی که نویسنده اوصاف بهسب را بیان کرده می‌خواهد از دیدار خداوند به عنوان بهات نعمتها و لذت کبری سخن گوید در همسحابی که وی از آیه «للدین احسبوا الحسبی و رباده» و همسب از حدیث رؤیت ماه استفاده می‌کند اما غزالی در ابتدای همسب بحث متذکر می‌شود که حصفت دیدار را فلا در «کتاب محبت» یاد کرده است

تذکر غزالی بیان می‌دهد که وی از کاری که کرده است کاملاً آگاه بوده است دوگانگی بحث رؤیت در احیاء علوم الدین تضاد بی‌سبب، و با صرفاً بهمان‌نکر روس خاص نویسنده در بیوت و تقسیم مباحث کتاب بپس اس دوگانگی خود حاکی از تحولی است که در تاریخ بحث رؤیت در تصوف بدید آمده است بحسبی از اس تحول را، که ناظر به مفهوم تاریخ «رباده» است، در همس مقاله احتمالاً سرح دادیم و بحسبی دیگر را، که مربوط به حدیث رؤیت ماه است، در مقاله دیگر سرح خواهیم داد در مورد تحول بحث «رباده» در برد صوفیه ملاحظه کردیم که مسایح و نویسندگان قرن سوم، هر چند دیدار احروی را «رباده» می‌دانستند، از انطباق دادن اس مفهوم با آنه فران خودداری می‌کردند استفاده از آنه «للدین احسبوا الحسبی و رباده» و تفسیر «رباده» به دیدار با رؤیت کاری بود که اهل حدیث برای مقابله با معتزله و حمله در سس گرفته بودند و صوفیه، چون قصد ورود به اس بحث را نداشتند و می‌خواستند از عقیده خود دفاع کنند، لذا آنان را با بحث اهل حدیث و متکلمان اسان کاری نبود ولی بعد، وقتی صوفیه نر مانند اهل حدیث و متکلمان سب بخصوص اساعره در صدر برآمدند تا با اقامه دلایل نقلی از عقیده خود دفاع کنند و عقاید معتزله را رد کنند، به نقل آنه فوق و تفسیر «رباده» به دیدار برداشتند همین امر است که سبب سده است غزالی در

کتاب احیاء محبت دیدار را در دو جا و به دو طریق مطرح کند. «کتاب ذکر مرگ» او می‌خواهد به روس اهل حدیث و متکلمان سبب عمل کند، و لذا از دلالی حون آیه «للدین احسبوا الحسبی و رباده» و حدیث رؤیت ماه استفاده می‌کند. غزالی در این بحث با متکلم اسعری است. اما در «کتاب محبت» وقتی می‌خواهد در با دیدار خدا سخن گوید، کاری به آیه فران و حدیث رؤیت ندارد البته وی از آیات و احادیث بارها استفاده می‌کند، اما به این آبا، و احادیث به منظور توضیح و بپس نظر او استسهاد سده است عبارت دیگر، غزالی در بحث دیدار در «کتاب محبت» از روس صوفیانی حون محاسبی و ابن عطا سروی کرده است و لذا در این کتاب وی در مقام يك نویسنده صوفی با خواننده سخن می‌گوید بحث کلامی غزالی درباره دیدار در «کتاب ذکر مرگ» بسیار کوتاه است، در حالی که بحث او در «کتاب محبت» بسیار مفصل و دراز. در «کتاب ذکر مرگ» وی تنها به نقل آنه «للدین احسبوا الحسبی و رباده» و تفسیر «رباده» به دیدار یا رؤیت اکتفا کرده است اما در «کتاب محبت»، هر چند صریحاً به این آیه تفسیر آن برداشته، از دیدار خداوند به عنوان نحر نه‌ای فوق همه نعمتها و لذات بهسی یاد کرده است از اس گذشته، غزالی به سبب از دیدار بلکه از نحر نه‌ها و حالات دیگر هم که در مجلس دیدار به محبان حصرت بروردگار دسب می‌دهد یاد کرده است به عبارت دیگر، غزالی در این بحث تا حدود ربادی از حارب محاسبی سروی کرده است

در بحث مفصل غزالی در «کتاب محبت»، محور بحث مسأله دیدار است، اما در سرامون اس مسأله غزالی مسائل دیگر به خصوص مسأله محبت و انس و سوب و رضا، را نیز به تفصیل سرح داده است در واقع، عنوان اصلی بحث نیز «محبت» است دیدار یکی از نحر نه‌هایی است که به اهل محبت دسب می‌دهد موضوع دیگر سوب است که غزالی سعی کرده است حصفت از را با توجه به ارتباطی که این معنی با محبت از يك سو و با دیدار از سوی دیگر دارد سرح دهد.

طرح اس مباحث، به خصوص بحث محبت و سوب، در کتاب محبت دیدار حننه صوفیه این بحث را، که از قرن دوم آغاز سده است، نشان می‌دهد. ارتباط بحث محبت و سوب با بحث دیدار به مستقماً به مفهوم «رباده» بستگی پیدا می‌کند به عبارت دیگر همه ادراکات و حالاتی که در بالای بهست و در ورای نعمتهای آر دسب می‌دهد و صوفیه آن را «رباده» نامیده‌اند ناسی از محبت سوب است، سوبی که اولیاء الله به دیدار خداوند داشته‌اند.

حاشیه.





# حکیم سخن آفرین

علی رضا دکاوتی قراگزلو

يك جریان دیگر صدائری و ضد مردمی هم صدا شده بود و آن هجوم امواج ایلیاتیان عفت مانده و عارتگر از شمال سرفی به سوی ایران بود. آنان مسلمان اسمی هم سدید، اما در حدی که حکم حلیفه بغداد را وحی منزل می نداشتند یا آنکه مافع عارتگرانه سال حنین ایحاب می کرد که تظاهر به آن معنی نمایند. خاندانهای محلی ایرانی که به تسبیح و اسلام راستن و تعقل گرایش داشتند ریر فسار این امواج خرد می سدید و این امواج تداوم داشت، ریرا چراگاهها خواب گله های حادرسیان را که هر ساله جمعستان افرون می سد نمی داد و آنان برای ناراج متوجه ایران می سدید. سرنوست سامانیان و صفاریان و آل بویه و تاحدی علویان شمال حس بود که ریر فسار ترکان مضحمل سبود. فردوسی از کسانی است که این خطر را هم با گوشت و خون احساس می کند. مگر به ایکه محمود غزنوی به عنوان «فرمطی کسی» منطقه وسیعی را فرو کرده بود و از جهت فرهنگی نیر خزه مداحان خود میدان نمی داد و از جهت سیاسی تمام کسانی را که شخصیتی داشتند و مستقل می اندسیدند سرکوب می کرد؟

در حنین اوضاع و احوالی فردوسی تصویری از يك ایران باستانی یکتا ترست با آیین و آداب خرددیر و یکو و زیبا به دست می دهد که با ایران مسلمان تفاوت و تعارض ذاتی ندارد و این مست دیدان سکنی بوده است بر دهان کسانی که گذشته خود را تحقیر می کردند. ما بدبختانه با امال صاحب س عبّاد مواجه می سویم که می گفت: سرم دارم از اسکه خون به آینه نگاه می کنم يك ایرانی می بینم! در این اوضاع فردوسی به عنوان مظهر حالت میانه و اعتدالی ایرانی بر می خیزد. او ضد اسلام نیست، منادی آزادی و انسانیت است و ایراندوست هم هست بی آنکه مبلغ

و اگر کسی را سبھی افتد که بعضی از بوارج، موضوعات و مفربات و اساطیر الاولین بود و بر آن اعتمادی باشد به حل اس سبھه آن است که هر چه از آن فایده باشد به نظر تحقیر و تصعیر و فلت مبالا بدان القاب ساید نمود، و حکایات که در کلیله و دمنه بر زبان حیوانات نهاده اند موضوعات است برای فواید و تحارب را، و حمله معید و مقبول است (نارنج سبھی، ابوالحسن علی بن رید سبھی، ص ۱۶)

رسی در سراطی به بلوغ فکری و مرحله باردهی ادبی رسد ی توان آن را «رورگار بنداری ملی ایران» نامید، به سراط آنکه هر يك از این کلمات، تمام معنایی که بر آن بار می سبود قابل سم کلمه «ملت» در فرهنگ ما از مقوله برادی فراتر است و می مرکب از دین و قومیت و زبان و آداب و آس ریدگانی را می گیرد. ایرانیان س از آنکه اسلام را دریافتند و با حلیف تماس گرفتند (مخصوصاً از مسر تسبیح و دوستاری خاندان بر-ص) خود را به با اسلام که با حکمرانان غاصب و مأموران لك خلفای اموی و عباسی در تعارض و تقابل دیدند، لذا بعد از ه جنبشهای آسرامی واس گرا با هدف احیای ساسانی گری ست خورد، جنبشهای ضد خلافت در سکل و محتوای اسلامی رفت. اس سیعه ریدی یا اسماعیلی یا امامی، و متفکر معتزلی و لمان متسرع سافعی یا حنفی بود که با حلیفه می جنگند و او را گردن نهادن به اسلام حلیفی می خواند. فردوسی از آن لمانانی است که حساب اسلام را از خلافت بغداد و وابستگان جدا می کند. به قول مرحوم بهار:

گرچه ر جور خلا سوحتمیم  
رأل علی معرفت آموحتمیم

ی «خاک و خون» ناسد. فردوسی به ایران می‌بالد و ایران هم راند به فردوسی نالد، بی آنکه این به معنای سونیسیم باشد. «دهگانان»، که فردوسی از آنهاست، کسانی بودند که اسلام را بی‌خاطر بدرهند و کوسدند تا هموطنان خود را با آن آشنا و ایران و ایرانی را حفظ کنند آنان مباحثی فاتحان (که لزوماً مانان ایدالی نبودند) و مردم ایران گردیدند و لذا از هر دو نگ بهره‌داسند و بداسب که با آسایی با اسلام جهان‌نگری سسان گسترش بیستری یافته بود ان روایت که ارداستانهای نانی به فردوسی رسد و او منظوم صاحب در حین خو فرهنگي ان «دهگانان» نضج یافته بود و درست ناسخی بود معقول و ورد نیاز ایرانی در ان رور که هم ایرانی نماد و هم مسلمان، نکه به دو شخصی دحار سودا و حادیه مردمی فردوسی در ن اسب. لذا سلطان محمودها، سلجوقیان، معولان و حتی و بان (که رور را با اندولوری توأم داستند) بواسسد ساهنامه زدست ایرانیان برون باورید و مروت و مهجور سارید، حرا فردوسی برادر پست سب؛ او انسان و مسلمان و ایرانی اسب و سه مفهوم که در شخصیت او به هم حوس حورده و یکی سده ایران بایدار بوده و هسب و خواهد بود و فردوسی تصور برگر آن س.

فردوسی اینجا هم که در افسانه و داستان، نورانی را دسمی انی تصویر می‌کند اس دسمی را «مخاور» سنان می‌دهد و سن را در تحاورگری او می‌داند، نه در عبر ایرانی بودن او ما ن نوراسان به شخصتهای دوست‌داسنی ملل بران و سبه و نگس بر حورد می‌کسم فردوسی میان اسانها مرر جعرافیایی ی ساسد و با سفت بدرانه و بلندطری حکمانه، احسانکه در وریك همرمد طرار اول اسب، ادمی کری براس از همه‌حتر احترام و برای سب همن اصل اصرار دارد و فلم می‌زند. و اسحا به مقام يك ساعر بزرگ جهانی ارفاء می‌باند.

درست اسب که فردوسی می‌گوید «عجم زنده کردم بدین رسی». اما اس به معنای بلع «خاک و خون» سوده اسب در هفت ار روری که ایرانیان شروع کردید به فارسی بوستن (به هر یا بر) بعد از اسلام، مسلم اسب که دهسسان بر فلمسان باری گردید و دهسسان سر سار از مقولات و عناصر تفکر بیس از سلام بود و این خاص فردوسی و دقفی سب، رودکی و کسانی م که در اندیشه به احتمال قوی اسماعیلی بودند به سهاراسان . فارسی باب بر دیکتر اسب بلکه تعسرات و اسازاب به فل از سلام رباد دارند؛ همجنس غصایری و عنصری و فرحی که مداح عربوبان برک بودند کمتر از دیگران اساره و بلمیح به ایران قدیم دارند البته فردوسی بر این حنبه به طور آگاهانه تکیه می‌کند و ناکند می‌وررد. در این نکته ببیدسیم که اسلام به هر جارف زبان

آنجا بالکل عربی سد حتی در آنجاها که تمدن و فرهنگ اصیل بر مایه داستند (مصر، عراق، سوریه..). اما ایران زبانس فارسی ماند که ترکیب موفیق آمیزی اسب از زبان بیس از اسلام با زبان اسلام، و ایرانیان ایرانی بافی ماندند و مانند قبطیان و سریانیان و آرامیان... عرب زده نسدند، در عن حال مسلمان به معنای حقمی سدند و حتی اسلام را نه دیگران (و از جمله عربها) آموخسد.

فردوسی مسلمان گراس صادفانه‌ای هم به تمدن و فرهنگ ایران قدیم دارد و همن سنان می‌دهد که معارضه‌ای میان دو تمایل وجود دارد. مگر به اینکه خود فرآن مسلمانان را نه سیر در آفاق و تأمل در احوال گذستگان فرا می‌خواند<sup>۱</sup>. یفس اسب که اسلام دعوب به عرب سب سب

نکه حالت اسبکه در بصوف و تسع (هر دو در وسعتری معنایس) عناصر ایرانی و ساهنامه‌ای به وضوح به حسم می‌حورد م س می‌خواهم آن نعمه کهبه را بکرار کنم که تسع و بصوف از «حلیات روح ایرانی» اسب، بلکه می‌خواهم بگویم ایرانی با فرهنگ، و فرهنگ وسیع و برحسب ایرانی در معنوی‌ترین و مبطف‌ترین حطه‌ها و حوزه‌ها با اسلام تماس دارد آیا هیچ اندیسده‌اید که حرا در ایران مسلمان فقه حنفی و سافعی و سبعی (زندی، اسماعیلی و امامی) مورد بذرس فرار گرفت نه فقه مالکی و اباصی؟ حرا و هاسگری کمر از هر حای دیگری در ایران جاده یاف؟ حرا اکبریت فاطع فلسوفان بزرگ اسلام ایرانی‌اند؟ حرا عارفان بزرگ اسلام و سارحاسان سسر ایرانی‌اند؟

آری این اسلام اسب که در وسع‌ترین و متعالی‌ترین مفاهمس به دهنسب ایرانی وارد می‌سود، و این ایرانی اسب که برترین و گسترده‌ترین برداسها را از اسلام دارد. لذا ساهنامه نه تنها يك کتاب صد اسلامی سب، که برحی مُعرضان و کرفهمان اظهار کرده‌اند، بلکه کتابی اسب «اسلامی» یعنی در حوره فرهنگ اسلامی. و این علاوه بر آن است که شخص فردوسی مسلمان و سبعی ناك اعتقاد سوده اسب.

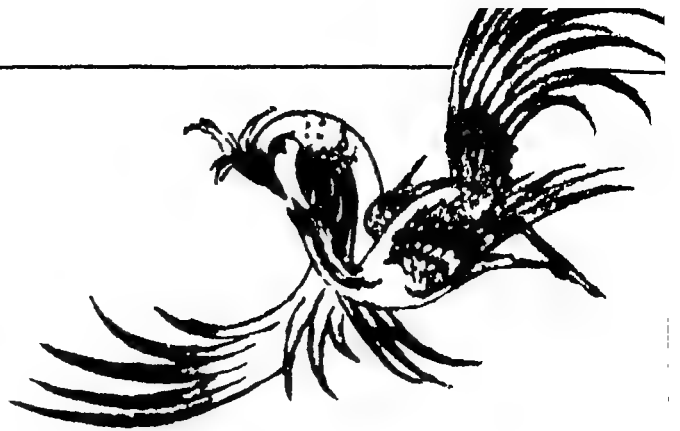
به لحاظ همن محتوای عالی اسب که از ساهنامه یا بعضی قسمتهای ان تعبیر و تأویل عرفانی کرده‌اند<sup>۲</sup> تطبیق «هفت حوا رستم» با «هفت وادی سلوک» مسهور است. که از آن درمی‌گذریم. ببیدید در این غزل مسوب به مولوی چگونه فهرمانان ساهنامه مظهر خصایل و خصوصیات نفسانی فرار گرفته‌اند:

کیحسرو سیاوش کاوس کیناد

گوید کر فرنگس افراسیاب‌راد

رمری حوش است اگر بیوشی بیان کم

احوال خلق و قدرت و شادی و علم و داد ..



مفالات و مقولات حروفیه<sup>۱</sup> که يك نحلۀ نسیعی- صوفی ایرانی بوده‌اند به اسرارِ ساهنامه‌ای برمی‌خوریم.

در آثار ترکی درویش نکتاسی عثمانی با نام «رستم» مواحه می‌سویم که ابعاد نفوذ فرهنگ ایرانی و دامنهٔ برواک ساهنامه را نشان می‌دهد. عبارت زیر را از ترجمۀ عربی دفتر العساق<sup>۲</sup> که بیانِ يك نوع سر و معراج روحی است ملاحظه کنید. «قال الدروس ما هذا المكان؟ قال موسى (ع) انهم یستوّه دار الضیافه، مرّ به مآب الآلاف من امثال سلیمان و رسم زال» (ص ۷۹).

این نمونه‌هایی از نفوذ ساهنامه بود در تار و پود و رگ اندیشه و اعتقادات ایرانیان و هر جا که سماع فرهنگ ایرانی می‌رسید؛ اما رسوخ ساهنامه در دهشت عامۀ حنان بود که به نقل سیّاحان، مازندرانها تا قرن گدسه هنوز واهمهٔ دیوسفد را داشته‌اند<sup>۳</sup> و حتی عده‌ای از احلاف دیوسفد را در آنجا یسان می‌داده‌اند<sup>۴</sup> و همه‌ساله در دماوند مراسمی به یادبود سکست ضحاک از فریدون برپا می‌سده است<sup>۵</sup>.

بازه‌ای از عرصمندان یا کج اندیشان فردوسی را ساه‌برست و

نماعر آنگاه رمزها را گسوده: ایران (خان)، ساوس (عقل)، نوران (تن)، بیران (عقل معاس)، افراسیاب (نفس)، فرنگس (سپهوت)، گرسور (حسد)، کنجسرو (وحدود)، گیو (طلب)، زانلستان (محل علم)، زال (علم)، سمرع (قدرت).<sup>۶</sup>  
انعکاس داستانهای ساهنامه در الهی‌نامهٔ عطار<sup>۷</sup> و نیز آمرس فردوسی به سبب بست بوحیدی معروف<sup>۸</sup> در داسانی از همس عطار، موقعیت فردوسی را از نظرگاه عارفان مسحص می‌کند. تفسیر عرفانی یا فلسفی ساهنامه آن طور هم که در نظر اول ممکن است متبادر به ذهن شود «تفسیر بمالایرعی صاحبیه» نیست، زیرا خود فردوسی گفته است از افسانه هرچه با عقل سارکار بست رمر سنگارید:

بو این را دروع و فسانه مدان  
به يك سان روس در زمانه مدان  
از او هرچه اندر حوزد با حرد  
دگر بر ره زمر معنی برد

از حمله کتب قدیم در برهت نامهٔ علانی به تأویل عقلی حکایات رسم اساره سده است (ص ۳۱۹ به بعد و برص ۳۴۱).  
از دیدگاه بست ساسی، کیخسرو و مخصوصاً در فرجام حیاتش ستارهی است و ارسه و مظهر «مویو اقبل آن مویوتا» که در زندگی به «حال العیب» می‌نویسد و عجب نسبت که طبق نظریۀ شهروردی، صاحب حکمه/الاسرای، میان شخصتهای کیومرث و فریدون و کیخسرو از طرفی و نایبرد و حلاج و حرفانی از طرف دیگر و اسادفلس و افلاطون و فیثاغورس نوعی موارد هست<sup>۹</sup>.  
همچنانکه در دهشت ایرانیان و فرهنگ ایران بعد از اسلام میان حم و حمسید و سلیمان و کورش گونه‌ای پیوستگی و آمیختگی رخ داده است.<sup>۱۰</sup>

و باز سگفت نیست که در کتاب مساری انوارالنفس، که يك اثر غالیانهٔ سیعی به زبان عربی است، نوشتهٔ حافظ رجب بُرسی (فرن هستم)<sup>۱۱</sup>، به حنین عبارتی برمی‌خوریم. «ان الله جعل لكل نسی عدواً وعدو آدم ابلس... و عدو ادريس الضحاک... و عدو صالح افراسیاب» (ص ۵۹) که کاری با نفس مطلب نداریم، آنچه مهم است این است که هم نویسندهٔ این عبارت ذهنیت ایرانی داشته و هم خوانندهٔ مقدر و بالفوه‌ای که برای کتابس فرض می‌کرده است باید حنان ذهنیتی داشته باشد. همچنین در

#### حاشیه

- (۱) رك مقالهٔ دکتر نصرالله نورحوادی «نگاهی دیگر به فردوسی»، سرداس، آذر و دی ۱۳۶۶
- (۲) سورة یوسف، انه ۱۰۹، حج، انه ۱۰۶، روم، انه ۹ و ۴۲، فاطر، آیه ۴۴، عاقر، انه ۲۱ و ۸۲، محمد، انه ۱۰۱، ال عمران، انه ۱۳۷، فردوسی گوید جهان سربسر حکمت و عبرت است چرا بهرهٔ ما همه عقلت است
- (۳) برای نمونه رك رمرو داستانهای رمزی در ادب فارسی، نفی نورامداریان، ص ۳۹۲ و ۱۵۱ بعد
- (۴) لطفهٔ عسی، ساه محمد دارابی، ص ۲۱
- (۵) رك سرح احوال و بعد و تحلیل آثار سرح فریدالدین عطار نساوری، بدیع الزمان فردا، ص ۹۹ و ۲۰۹
- (۶) جهان را بلندی و بسی بویی  
ندام چه ای هر چه هسی بویی
- (۷) این بیت را بعضی حکما و عرفا در کتب عربی هم نقل کرده‌اند  
رك سه حکم مسلمان، سندحسین نصر، ص ۷۲
- (۸) سلیمان را ما حمسید یکی می‌داسه‌اند و مفرهٔ کورس را مفرهٔ مادر سلیمان نامیده‌اند
- (۹) دربارهٔ حافظ رجب بُرسی رك تسبیح و تصوف، برحمة علیرضا دکاوی فراگرو، امیرکبیر، ۱۳۵۹، صص ۲۳۹ و ۲۷۱
- (۱۰) رك تسبیح و تصوف، پیسگفته، ص ۲۱۵ و ۲۱۶
- (۱۱) نویسنده به زبان ترکی فایعوسر اندال، مترجم به عربی دکتر احمد سلیمان، قاهره، ۱۹۶۶
- (۱۲) سفرنامهٔ مادام کارلا سربا، ص ۵۳
- (۱۳) ایران و ایرانیان، خاطرات و سفرنامهٔ ساموئل گربین ویلر سحابین (۱۸۸۵-۱۸۸۳ م)، ص ۳۶۵
- (۱۴) سفری به دربار سلطان صاحبزاده، هیریش بروکش، ترجمۀ مهندس کردیچه، ح اول، اطلاعات، ص ۲۴۵

مبلغ ساهان ساحت، با بدین سان سناسایده اند، اما اگر چیزی در سبایس ساهی و ساهان در آن کتاب آمده غالباً نقل قول است و نظر خود گوینده نیست. فردوسی اگر کیخسرو را ستوده بیجا نیست که او سهریاری است نارسا و الهام نافته، و اگر بهرام گور را دوست داسی تصویر می کند برای ویرگهای مردمی اوست، و اگر فریدون را بزرگ می یماند به سبب آن است که برنسانده کاوه است. نمی بیند که چگونه کاوس ساه در فاس نارسیم حواری و سبب سده است به هر حال فردوسی ساعری مردمی و خردگرای و خردسای و دسمن خودکامی و در رفتاری است و بهترین سخن را درباره ارادی بیان همو گفته است.

سار اچه رایب بود در بهان

ر کفتار و بران بگردد جهان

## بدبختانه، متأسفانه، خوشبختانه

ابوالحسن نجفی

بسیاری از ادبا\* این سه کلمه را غلط یا غریب می شمارند و گویندگان را از استعمال آنها بر حذر می دارند و توصیه می کنند که به جای «متأسفانه» (یا «بدبختانه») گفته شود «مع الاسف»، «د تأسف»، «ار بخت بد»، «ار بد حادثه»، «افسوس»، «دریعا» و جر آنها، و برای «خوشبختانه» هم کلمات با ترکیبات دیگری پیشنهاد می کنند. با آن همه، صاحب و کاربر این سه فید مطبوع فواید زبان فارسی است و ایرادی بر آنها نیست برای توضیح مطلب، نخست باید چگونگی ساحت فید را از اسم و صفت بهار کسم

هر اسمی که بتوان آن را به «آن» جمع سبب یا افروتن «ها»ی غیر ملفوظ (یا، به بیان دقیقتر، با افروتن مصوب -ن-) به نامان «آن» فید می سود، مانند:

مرد < مردان < مردانه

كودك < كودكان < كودكانه

رور < روزان < روزانه

سب < سپان < سپانه

از طرف دیگر، چون تقریباً همه صفتهای مسوب به شخص را می توان به «آن» جمع سبب (و البته، در این صورت، صفت تبدیل به اسم می سود) سس می توان این دسته از صفتهای را نیز با همین روس تبدیل به فید کرد.

نومید < نومیدان < نومیدانه

مست < مستان < مسانه

بزرگ < بزرگان < بزرگانه

نحب < نجیبان < نجیبانه

غریب < غریبان < غریبانه

عجول < عجولان < عجولانه

فردوسی از لحاظ سحتی، احلافات عالی داسه و از آلودگها و سبب مسبهای بسیاری ساعران مزه بوده است آنجا که امثال فرحی و موحهری و عنصری رندگانی منزل و بی اررسی را می گذرانند فردوسی هدفی والا دارد و نه دوت همی نمی گراید

سناهنامه از حمله معدود انار ادبی است که مطلقاً برای هیچ کس و در هیچ سراطبی ندامور نیست، بلکه برعکس، به طور واضح، ارمانهای نك اندسانه و بررکمسانه و ارادمردانه دارد که با توانایی فلسف سسار بر و مند فردوسی حسن ابر در خوانندگان بویژه خوانان حواهد داسب صمپ آنکه اچه «آزاداندسی خیامی» نامیده می سود در سراسر سناهنامه محسوس است، اما برداسب ندی که از آن گونه تفکر فلسفی می سود تصور کرد از سناهنامه بر نمی آید

بعضی ساده اندسسان هم جاهلانه می برسند از آن افسانههای دروع چه فایده؟ (و آن را بویه درباره عالی تر سبب سناهنامه که بحتس غرناریحی آن است می گویند) ناسح آن است که سناهنامه ناریح سبب، و نفسر ناریح است، انعکاس و افعتهاست در آنسه کار و کور و رنگ رده و مه رده فرون و اعصار کوسس در سدا کردن «ماناراء»های تاریخی فهرمانان افسانهای سناهنامه به حای خود محفوظ، اما آنچه فر بها مردم ما در سناهنامه به دسبال آن سسته اند پیدا کردن معنی و مفهومی برای حوادب بوده است به حو آن وقایع، و سناهنامه از آن جهت حواسده را در هر سطحی از آن سه و اطلاع ناسد بومند نمی کند. و بدس گونه است که لف -بر نه «حکیم» بر فردوسی برارنده می یماند

ن فباس، «بدبخت» و «خوسبخت» را نیز که صف اند می توان به فید کرد:

بدبخت < بدبختان < بدبختانه

خوسبخت < خوسبختان < خوسبختانه

مأسف: نیز که در فارسی در مقام صفت به کار می رود مسمول فاعله است. حتی اگر آن را - چنانکه در عربی - اسم فاعل هم باز با تبدیل آن به فید «مأسفانه» از فاعله خارج شده ام، «عافل» و «مسف» و «متعصب» و «مملو» و «مخلص» و دهها دیگر هم اسم فاعل اند و ما از آنها فدهای «عافانه» و «فانه» و «متعصانه» و «مملفانه» و «مخلصانه» را ساخته ام و آنها را غلط ندانسته است.

سایران از نظر قواعد صرف زبان فارسی ایرادی بر این سه سبب اگر ایرادی باشد بر امر دیگری است که به نفس فید نماله مربوط می شود چنانکه می داسم، فید را حسن تعریف نند. «کلمه یا عبارتی که حکوگی احام بافس فعل را بیان ند» به عبارت ساده تر، سبب فید به فعل مانند سبب صفت سم است، و همان طور که صفت برای بیان حال با حکوگی به کار می رود فید نیز حکوگی روی دادن فعل را بیان می کند هنگامی که می گوئیم «او اهسته آمد»، فید «اهسه» بکدهای بر یگی عمل «آمدن» می افراید. حال با مقایسه دو جمله زیر:

(۱) او عجولانه از آن سهر رفته بود.

(۲) او متأسفانه از آن سهر رفته بود.

سم که در جمله (۱) فید «عجولانه» حکوگی فعل «رفته بود» سف می کند، یعنی سان می دهد که عمل رفتن از سهر با عجله داده است، و حال آنکه در جمله (۲) فید «مأسفانه» به عمل مربوط نمی شود و جمله به این معنی بیست که او باأسف از رفته بود، بلکه نشان دهنده حال روحی گوینده جمله است

که از رفتن او دچار تأسف شده است در واقع، جمله به این معنی است: «من گوینده متأسفم که او از سهر رفته بود.»

إدخال حالت روحی گوینده در جمله خبری، یعنی استعمال فدهای «بدبختانه» و «متأسفانه» و «خوسبختانه»، به عمیده بعضی از فصلا بر این نفود زبانهای فرگی از طریق ترجمه هاست و این خصوصیت تا يك قرن بس در فارسی سابقه ندانسته است. با این همه، بسیاری فدهای دیگر را نیز می سنم که حالت روحی یا عمیده سحقی گوینده را بیان می کند و نستنی با عمل فعل ندارد برای مال، جمله زیر:

(۳) او مطمئناً از آن سهر رفته بود.

به اس معنی بست که او با اطمینان خاطر و بات رأی از آن سهر بیرون رفته بود، بلکه به اس معنی است که «من گوینده مطمئنم که او از آن سهر رفته بود». همجنس است اگر نگوئیم. «او احتمالاً (یا ظاهراً، با مسلماً، با ساید، با ..) از آن سهر رفته بود»

حتی به فرض غلط بودن «متأسفانه»، اگر بر طبق سنهاد ادبا عبارت فیدی «با تأسف (یا «مع الاسف»، با «ار بخت بد»، یا «از بد حاده»، با...) را به جای آن در حین جمله ای فرار دهیم باز ایراد بر طرف نمی شود، زیرا مقصود اس بیست که رفتن او از سهر با تأسف صورت گرفته بود، بلکه مقصود این است که من گوینده متأسفم که او از سهر رفته بود.

سایران استعمال فدهای «بدبختانه» و «خوسبختانه» و «متأسفانه»، هم از نظر صرف و هم از نظر نحو زبان فارسی، درست است و می توان آنها را با اطمینان به کار برد.

حاشیه:

\* از جمله رجوع شود به دیل کلمه «متأسفانه» در فرهنگ فارسی معین

فهرست راهنمای تفصیلی دهساله

نشر دانش

بزودی منتشر می شود

چاپ جدید

غلط نویسیم

فرهنگ دشواریهای زبان فارسی

نوشته ابوالحسن نجفی

با تجدید نظر کامل و تغییرات اساسی

بزودی منتشر خواهد شد



میرپام آلوب

ترجمه

علیمحمد حق شناس

## رمان از زبان رمان نویسان

ناصر ابرایی

رمان به روایت رمان نویسان، تألیف میرپام آلوب، ترجمه علی محمد حق شناس، سر مرکز، ۱۳۶۸

این طبعه، رسد کرده است، شمار ناسوادان افراس یافته است؛ متکای اطمینان بحس سب تا حد زیادی از سب جامعه، و هر حال از سب فسرهای اجتماعی حدید، فرو ربحه است حسجوی حقیقت همه حیران طریق بحر نه شخصی، نه نامراح انحصاری نه سب، به ناری احساب نایدر تبدیل سده است رمان برحاسه از حس ناری و ناسحگوی آن است، منبه روس است که نه زبان هر

اگر تا حد دهه نس ترجمه و مطالعه سحسگرانه کتابها مربوط به تاریخ و نقد رمان امری مفید بود، اکنون که رمان دارد کنار شعر به عمده ترین هر مکبوب جامعه ما تبدیل می شود، کار دیگر امری ضرور است. بدون این کار، ما بخش عمده ای بر روی خلافت خود را صرف بجهای خواهم کرد که دیگران کهه اس کرده اند یا در بجهای اساسا باطل به هدر خواهیم داد و مهمتر از این، حوس داس و بینایی کافی کسب نمی کنیم عا می مانم از اینکه با جسم ناره گنجه غنی فنون رواب داسا در فرهنگ سفاهی و کسی خود سگریم و عناصری از آن را که زنا است یا می تواند تحدیدحات یابد نه کار گیریم و بدن ترتیب گونه ای از رمان انداع کنیم که رنگ و بوی ایرانی داشته باشد گونه ای که نه یفن هم بسیر به دل مردم ما خواهد حسبید و هم، دلیل نبودن و تارگس، حاذبه جهانی بیستری خواهد داشت رمان به روایت رمان نویسان نوشته میرپام آلوب و ترج

علی محمد حق شناس در این کمبود سدید منابع مهم نقد رمان زبان فارسی عنیمتی است گرانقدر. کتاب حاوی سه بحس است در بخش یکم ماهیت رمان مورد بحث قرار می گیرد، در بخش د

با اینکه حدود صدسال از آسانی ما ابرانسان با شکل داسانی رمان می گذرد و در طول این آسانی رمانهای خوبی هم نوشته ام که خواندنی و احتمالا ماندنی اند و حس می نماید که هم اکنون سر شاهد دوره ای از سکوفایی و روبق سسی این هر مکتوبم، از مجموعه عظیم کتابهایی که در تاریخ و نقد رمان به رمانهای دیگر نوشته سده است هور حدان کتابی نه زبان فارسی ترجمه سده است برحی از این کتابها، که بعدادسان حدان کم هم سست، نفسی بسادی در سناحت و حوه مختلف رمان دارند و بدون مراجعه به آنها نمی توان به طور کامل دریافت که رمان حسب و راده طبیعی چه نوع سراطط فرهنگی و اجتماعی خاص بوده است و مسکل از چه عناصری است و ناهه ابراهانی شکل می گردد مطالعه دفی و سحسگرانه این کتابها برای ما ابرانسان نه وره از این لحاظ ضروری بود و هست که ما انداع کنده رمان نبودیم بلکه «وارد کنده» آن بودیم؛ و آن را در زمانی وارد جامعه خود کردیم که رمنه اجتماعی و فرهنگی لازم برای حدب آن وجود نداشت و نه واقع جامعه ما ناره فرهنگی حدانی نه آن نداشت اس بود که رمان از همان ابتدا در جامعه ما، و حتی در میان برخی از روشنفکران ما، هری حدی و ضرور تلفی سب و حبری در ردیف عسفامه ها و سدحسوری نامه های واقعیت گیر تحدر کنده به حساب آمد. اما اکنون سراطط اجتماعی و فرهنگی لازم فراهم آمده است طبعه متوسط، که رمان از حد جهت مهم هری است بیستر متعلق به





گوستاو فلوربر

ین رمان، و در بخش سوم صنایع داستان نویسی. در این سه عده ترین وجوه رمان تشریح شده است ولی آنچه به رمان وایب... اهمیت و حاذبه ویژه ای می بخشد این است که مباحث صرفاً بیانگر نظر و سند میریام آلوت بیست که در حوزه نقد ن در هر درجه ای از اعتبار که باشد نظر و سند او جنبه شخصی و لاجرم محدود است، بلکه نویسنده در هر محبت آراء سدگان بزرگ را گردآوری و نقل کرده است و خود فقط، در تل هر محبت (وای کاس در پایان آن) به جمع بندی آراء ایسان احته است بدین ترتیب خواننده کتاب بواسطه با آفر سدگان ن روبه رو می شود و از ریان خود اسان می شود که رمان هر ه و سچیده ای است که به هر حبه آن می توان اردنگاه دیگری بست و به رأی و داوری دیگری رسید

### ماهیت رمان

والتر اسکات<sup>۱</sup> درباره رمان می گوید «در طی نازده- بیست و گدسه سبک تازه ای در رمان نویسی بدیدار شده است که با کهای بیست از حمله اس فوق را دارد که برای جلب توجه اسدگان از نکانی به کلی متفاوت بهره می جوید اس سبک نه ما ستحوس باباوری می کند، و نه بروی تحیل ما را با انواع ادب عجب و غریب سرگرم می سارد، و نه بس جسم ما هیچ تضاویر رماسیک از آن گونه عسفا و احساسات برسم کند که در گذشته به آنها نه منابه اوصاف فهرمانان بخیلی نگاه کردند، ربرا که نمونه آنها در میان مردمی که در اس عالم واقعاً کی می کند و می میرند بسیار کم است حبری که در اس سبک حانس این گونه هجایها می سود... همانا عکسبرداری سب از طبع و ترسم دفعی آن عسا نه همان گونه است که در سه زندگی معمولی واقعاً وجود دارد»<sup>۲</sup> (صص ۹۹-۱۰۰)

این البته یعنی واقعگرایی، که اساس رمان است و آن را از

سکلهای بیست داستانی و از حمله رماس منابر می سازد، ولی برای آنکه معنای کامل واقعگرایی اسکار سود این گفته فنودور داستایفسکی<sup>۳</sup> را باید در نظر داشت که «مساهده حسک و بیحاصل رحدادهای بیس با افاده و هر روره را من دیرگاهی است دیگر با واقعگرایی در هر یکی نمی دایم- این درست عکس واقعگرایی در اس رمیه است» (صص ۶-۱۰۵) و این گله امیل زولا<sup>۴</sup> را که «سرکوفت تحسیر آمیری که ایسان نه ما می دهند آن است که ما دوست داریم به عرصه عکس بر گردانهای از آنجه هست سنده کسم» (ص ۱۰۸)

واقعگرایی در رمان نه معنای «مساهده حسک و بیحاصل رحدادهای بیس با افاده و هر روره» و «عرصه عکس بر گردانهای از آنجه هست» بیست بیس حیسب، و رمان نویس حه بیستی با واقعیت بر فرار می کند؟

گوستاو فلوربر<sup>۵</sup> می گوید: «س نیست که فقط به مساهده بر داریم: باید آنچه را دیده ام بظم بدهم و سکل بحسیم. واقعیت نه بظر من حبری بسیار از بك تحه سر حه نباید باشد» (صص ۸-۱۰۷)

امیل رولا می گوید: «رمان نویس هم مساهده گر و هم آرماسگر است... بالزاک بدین سنده نمی کند که واقعانی را که

### حاشیه

- (۱) سر والتر اسکات (Sir Walter Scott)، ساعر و مان نویس اسکاتلندی (۱۷۷۱-۱۸۳۲)
- (۲) در همه جای اس مقاله تأکدها (حروف ابرایک) از نویسنده نقد است
- (۳) فنودور داستایفسکی (Fedor Dostoevsky)، رمان نویس روسی (۱۸۲۱-۱۸۸۱)
- (۴) امیل رولا (Emile Zola)، رمان نویس فرانسوی (۱۸۴۰-۱۹۰۲)
- (۵) گوستاو فلوربر (Gustave Flaubert)، رمان نویس فرانسوی (۱۸۲۱-۱۸۸۰)



سر والتر اسکات

نزدیک، از جایی که خبری از هیچ برده و نفاعی نیست، به دل و رو-  
سخنسته‌های خود، به سر حسمه نکیها و فداکارها و امیدها  
سحاعها و باورهای آنان، و همچنین به سر حسمه خیانتها  
خود بر ستیها و آرها و بر دیده‌ها و بر سها و وسوسه‌های آنان می‌نگر  
و دوبار حگی سسی سحصب آنان را کشف می‌کند و در می‌یابد که  
به حو بان یکپارچه حوسد و به بدان یکپارچه ند.

اس امسار و بره، ساید مل هر امتیاز و بره دیگری در زندگی ک  
کسی با حری از آن بر حوردار می‌سود، رمان را در مطان يك حط  
بررگ فرار می‌دهد و وسوسه می‌سود که بس از حد به وسوسه‌ها  
حرام سردارد، و هس امر باغب می‌گردد که از مررهای مح  
احلاقی فرار برود حرد رمان نوسان به این وسوسه اسارت  
داسه‌اند، از حمله دی اح. لارس<sup>۷</sup> می‌گوید «گراس رما،  
حدید بدان است که رور به رور ضد احلاقی بر گردد عسق ال  
حالی سکوهمد است. اما اگر سسی و رمانی بویسی و حور  
به اب و اس بری با تمایلات خود را به سود عسق در آن رمان،  
نماس نگداری که، فی المل، عسق والا است، و سکوهمد  
است، و تنها حالی است که می‌ارزد اسان به هواس ریده نماند  
و حس و حیان، در آن صورت باید بدانی که رمان یو رمانی نه  
اخلاق از کار در حواهد آمد» (ص ۱۸۷)

الور کلداسمب<sup>۸</sup> با را از اس هم فرار می‌گذازد و در نامه‌ا،  
نوحه می‌کند «ار هر حبر مهمبر، هر کر مگدار دسس ایعی دس  
برادراده حوان کلداسمب<sup>۹</sup> به هیچ کتاب قصه با رمانی بحور،  
این کتابها رسانی را با رنگهایی حادویی تر از طبع ترس  
می‌کنند، و به وصف سادیهای می‌بردارند که ادمی هر گر طعم آن  
را بخواهد حسید. حه فریا و حه و برانکرید اس نساو،  
سرخوسهای سکران<sup>۱۰</sup> اسها به معر حوان می‌آمورید در آروزه  
رسانها و سادیهای آه از حکر بر آورد که هر گر وجود حارج  
نداسه‌اند، می‌آمورید اس اندک مانه حوسی را که دسب بقدر  
حام ما انداحه است با حبر سکار و حسم به راه حوسهها  
سسید که بقدر هر گر بر کسی روا نداسه است» (ص ۱۵۹)  
برحی ار رمانها به راستی حسید، و برحی دیگر بدتر از ان  
که دی. اح. لارس و الور کلداسمب می‌گویند. کم نس  
رمان نوسانی که به عمد، به قصد بحارب، با سرح و بس  
وسوسه‌ها و روابط بحرک کیده جسی، و همحس با برداحس  
سارنها و احرافهایی که مأسفانه در حوامع جدید که بمارنها  
روح در آنها کم بسب حاذقه بسار نافه‌اند، می‌کوسند حردا  
خواسته رمانهای خود را به و بره در میان جوانان معصوم  
نأسر بدر افرایس دهند.

اس امر به کسانی که اصولاً سور و سوفهای عاسفانه را  
می‌دانند و هر گونه توصیف یا نماس آن را فاسدکننده و مصر

خود فراهم آورده است تصور بر وار نار نماید؛ بلکه به طرری  
مستقم در آن واقعیات دخالت می‌کند با فهران خود را در  
سرایطی معس فراردهد، و در این دخالها است که بالارک مهارت و  
استادی خود را به بیوب می‌رساند در واقع امر، تمام کار  
رمان نویس در این خلاصه می‌سود که واقعیاتی را از طبع  
برگیرد، و آن گاه در کار آنها دخالت کند، یعنی در محط و موقع  
آنها تغییرانی بدید آورد، با از آن رهگذر سواند سازوکار آنها را  
مورد مطالعه فراردهد، بی آنکه از فواس طبع فاصله نگردد و از  
آنها منحرف گردد.» (صص ۷-۱۰۶)

گی دومو ناسان<sup>۱۱</sup> سر می‌کوند «هرمند واقعگرا، اگر به حق  
هرمند ناسد، هر گر نمی‌کوسد با عکس بر کردانی مسدل از حیات  
فراروی ما فراردهد، بلکه حهد می‌کند با حیان حسم انداری از  
آن را در احسار ما نکدازد که حسی از خود واقعب حیات هم  
بر بار بر وریده بر و واقعی بر ناسد» (ص ۱۱۰)

### اخلاق رمان

اخلاق رمان، با اخلاق در رمان، مسئله‌ای است که بر سر آن بحث  
و حدل فراوان بوده است برینا همکان ادعان دارند که رمان  
هری است عمر مقدس، رمسی (scutlar)، ولی ایا حیان که کسانی  
عقیده دارند «حس» هم هسب<sup>۱۲</sup> (اس را می‌به کوس خود از ریان  
کسی سسده‌ام که حیدس سعل مهم فرهیکی به عهده دارد)،  
احلاف از اس واقعب رسه می‌کنند موضوع اصلی رمان  
اسان معاصر است، و رمان به موضوع خود سها از سرون  
نمی‌نگرد از سرون، سستر مردم ادمایی اصولی، مادی اداب،  
ناسد به اصول اخلاقی، و صاحب سحصبی به حار و یکپارحه به  
نظر می‌رسد ولی رمان در میان هرها سها هری است که اس  
امسار و بره را دارد، و به هس دلیل هیچ هری نمی‌یواند حای آن  
را نکرد، که به درون معمولاً نوسده اسانها رسوح می‌کند و از



کی‌دو مونا سان



امیر رولا

نارساییهایی که در این فصل مآلها به جسم می خورد بود اخلاقی نه ما برساند» (ص ۷-۱۶۶)

این گفته امیر رولا بر خوانندگی و تأمل برانگیز است

ما را مبهم می کند که صد اخلاقم- یعنی ما نوسندگان مکتب طبیعتمداری را- و حق هم دارند، چون ما البته فاقد اخلاقی هستیم که به کلام و زبان جسم می شود اخلاق ما همان است که کلود برنارد با آن دقت تعریف کرده است، اینجا که می گوید «اخلاق حدید غلظتها را می جوید و بر حیح می دهد به ببین بردارد و بر اساس آن دست به عمل برد» اخلاق حدید می خواهد بر خوبی و بدی حیره گردد تا آن یکی را برگیرد و بار آورد و بروراند، و این دیگری را فرو بهد و سبکند و نابود گرداند» فلسفه والا و نادرحایی که در آثار ما طبیعتمداران دنبال می شود در همین یکی دو خط خوبی خلاصه شده است ما دنبال علل و عوامل بدیهای اجتماعی می گردیم، ما به کالبدسکافی طبقات و افراد می بسیم، ما از آن رهگذر به سپس اسوب و بلوایی دست میابیم که در جامعه و در فرد به جسم می خورد و این کاذب احباب می کند به موضوعهایی سرداریم که رسب و آلوده اند، و با قلم اعمامی بس برویم که نهانگاه نادانها و خودسندنها و سخاگرگهای سرید ولی ما این

حاشیه

- ۶) کی دوموپاسان (Guy de Maupassant)، نویسنده فرانسوی (۱۸۹۳-۱۸۵)
- ۷) دی ایچ لارنس (D. H. Lawrence)، مان پوس و ساعر انگلیسی (۱۸۸۵-۱۹۳۰)
- ۸) الیور گلداسمیت (Oliver Goldsmith)، نویسنده و ساعر انگلیسی (۱۷۷۴-۱۷۳۰)
- ۹) آتونی ترالوب (Anthony Trollope)، رمان پوس انگلیسی (۱۸۱۵-۱۸۸۲)
- ۱۰) هری فیلدینگ (Henry Fielding)، نویسنده انگلیسی (۱۷۵۴-۱۷۰۷)

ساب می آورند فرصت می دهد که رمانهای رسب را بسبب سنها ساورید و آن همه رمانهای بزرگ را که روسن بنانه تر بسبب کاوبها را در روح سجنده انسان معاصر عرضه کرده اند نادیده برید و کل هیر رمان را «نجنس» بجاوند، و نیز باعث شده است، به قول آتونی ترالوب<sup>۹</sup>، بسیاری از کسان بر این عقیده بدید که «رمان نوس می تواند فصلب و مردانگی به جواوندگان مورد- از این سمارند، مثلاً، کسانی که جواوندن رمان را گناه انگارند، و همجنس کسانی که فکر می کند این کار حبری حر عی وف گذرانی ساده و بی خاصب بسب ایان به سمان برداران به منزله کسانی نگاه می کند که در رمه طاقه لگان محبب جای دارند و کارسان هیچ بسب حران که در پان رسبها به دلالتگی لدتهای وفح سرگرم باسند» (ص ۱۶۰) رمان بویس هیرمند که کارپس روف روی در اعماق روح انسان کسب و عرضه حقیقت، کل حقیقت، حه وجوه سرس و حه توه بلح آن، است در این میان حه باید نکند تا از يك سو سویری ناقص از موضوع خود، بدانسان که اخلاق گرانان سبک اندس می سبندند و برمی باسد، ارائه بدهد و از سوی دیگر ورطه رسب نگاری سفتد؟

هر رمان نوس بررگی عقیده ای خاص دارد که راهنمای عمل در کار حلی رمان است. هری فیلدینگ<sup>۱۰</sup> می بدرد که رمان باسب «سود اخلاقی» برساند، سنبی می گوید.

هیچ نمی فهمم ما به حه اهداف حبری حذمت جواهم کرد اگر در ابری که راده تحیل و انداع است سحنسهایی را بنگانم که ما به کلبه فصایل آسمانی آراسته باسد و یا به تمامی ردایل سبطانی آلوده، حه احتمال آن به مراتب بیسر است که دهی آدمی، با اندک تأملی در باب هر يك از این دو نوع سحنسب، از اندوه و سرمی گران آکنده گردد تا اینکه سواوند از حمان سر مسفهایی هیچ اسفاده خوبی برد، حه، آدمی سا که ما مساهده سر مسق بختس هم بگران گردد و هم سر مسار؛ چون می ببید نمونه ای، هم از ذاب و سر سب خود او، هست که هر فصیلتی را در خود به کمال فراهم آورده است؛ و این حه سا که او را از رسدن به اوجی بدان بلندی به کلی بومید سازد. در واقع امر، اگر در نهاد يك سحنسب، از سوپی، آن قدر خوبی وجود داسه باسد که نتواند عسق و ستایس هر آدم معالی را برانگیراند، از سوی دیگر، در نهاد هم او آن اندک مانه عتب و نقص بیر به جسم بخورد که طبعب آدمی حیدان وفعی بدان سی گذارد، در آن صورت سحنسب مر بور حتما حس دل سوری و سفف ما را بر خواهد انگیخت، و نه حس نفرب و ایر حارمان را. به حق باید گفت هیچ چیزی نمی تواند بیستر از نقصها و

آگاهیهایی لازم را بدان امید فراهم می آوریم که با شناخت آنها توانیم بر خوبی و بدی غالب آییم، و آنگاه بگویم ببینید! این است آنچه ما دیده ایم و با منتهای صدق و صمیمت طرح و سرچ کرده ایم و تبیین و توصیفش را فرا بیس نهاده ایم. حالا بر عهده فانونگداران است با خوب را برگیرند و بروراندند و روح دهند. پس هیچ کاری نمی تواند بیس از آنچه ما می کنیم اخلاق برور ناسد» (ص ۷-۱۷۶)

اما ربخارد کمرلند<sup>۱۱</sup> اصلاح فرد و جامعه را وظیفهٔ رمان نویس نمی داند می گوید «آنچه خود را موظف می دانم بادر مقام یک داستان بردار در انحامش بگویم همین است که فقط داستانم را بگویم از اینکه بگذریم، دیگر نه خود را موظف می شمارم با مسئلهٔ داستان برداری به اصلاح قانون اساسی مملکت کم بدم، و نه (احدا را سکر) در عهدهٔ خود می بسم که نه فلع و فمع آن علم بر افرازم» (ص ۱۶۸)

سر والراسکات «نسختهٔ اخلاقی اعلام سده» برای برخی از داستانها را به گدایی بسته می کند که بست سر کار باوالی ساد لنگان لنگان می رود و از سرکت کشندگان در کار باوال سهدوده در حواس می کند نه او بوحشی کشد، آن گاه می گوید «اگر انار بدنام را از حورهٔ تررسهای خود برون بریریم، یعنی آباری که وجههٔ همت خود فرار داده اند با نابورده برس و رس برس حواسها و امثال نفسانی را در ما برانگیزاند و سدار نگاه دارید انها همان رمایهای ضد اخلاقی هستند که هیچ انسان سرفنی با انها موافق نیست! می توانم بسم که بهرین حشری که می توان از رمان امید داشت آن است که با ترسم تصاویری درست از زندگی واقعی دهش خوانان را بست نه واقعیات محهر سارد؛ و گاه سر با بهره خوبی از غواطف و احساسات برمانهٔ سری و با از ترسها و هراسهای بحلی نه سدار کردن آروها و منبات معالی بر در انها کمک کند» (ص ۱۶۹)

با نابل هابورن<sup>۱۲</sup> می گوید: «بستر نویسندگان بر مقصود اخلاقی خاصی ناکند فراوان می کنند و مدعند دسبانی بدان مقصود و وجههٔ همت آنان در خلق انارسان بوده است»، ولی بصریح می کند که خود او «حشری حرانلاف و ف در ان بیافه است که بخواهد داستان خود را حبان با مقاصد اخلاقی نه چهار صبح نکند که با منله های اهی- با بهر بگویم. درست بدان گونه که بر وانگان را سحاق می کشد- و با ان کار، نه طور نکجا و هرمان، ان را هم از حبات و زندگی بی بهره سارد و هم نه سوه ای رس و عبر طبعی حسک و بی روح کرداند» (ص ۱۷۰)

و بنام ملک سس بکری<sup>۱۳</sup> مسئلهٔ اخلاق در رمان را از حبهٔ دیگری مطرح می کند، از ان حبه که جامعه حقیقت را، که کار رمان کشف

و عرضهٔ آن به ریان هنر است، بر نمی تابد و با هر وسیله ای که در اختیار دارد می کوسد رمان نویس را محدود سازد یا به حقیقت نویسانی وادارد و اگر رمان نویسی حنن نکرد حنان بیرحمانه بر او می تارد و او را می رنجاند که او گاه نرحیح می دهد دسب از رمان بوستن بسوید، همچنان که تامس هاردی<sup>۱۴</sup> در اوج خلافت فلد رمان نویسی خود را سکس و نه سرودن شعر بسنده کرد. تکرری می گوید «تا زمان حاضر هیچ داستان نویسی در مان ما محار بوده است که با تمام توان هر رس نه ترسم و توصیف و خود آدمی بردازد. همه ناگریریم او را در برده بوساسم و به حکم اداب بر سن حده ای رورکی بر لهای او برسم کنیم جامعه هیچ حرم طبیعی را در عرصهٔ هر بحمل بخواهد کرد... اما بگذارند فاسر بگویم که سما هیچ نمی بخواهد بگوس فرادهید و در ماند که چهار واقع را حه به حرکت درمی آورد و در جامعه، در باسگاهها و مدارس و باهار حوریه، حه می گردد و فکر و ذکر و زندگی فر بردانسان را حه تسکیل می دهد! حال آنکه راستی، اگر همواره دلپذیر هم ناسد، ناری بوسه بهتر س است» (ص ۱۷۱)

رابرت لویی استیوسون<sup>۱۵</sup> هم گفتش دروع (دروغی که جامعه دوست دارد بسود) و بوساندن راست را رسب و نادرست می داند «دو وظیفه هست که انحامس در عهدهٔ هر کسی است که نه عالم نویسندگی گام می بهد یکی وفاداری نه حقیقت واقعیت، و دیگری سار دادن حسسب در عرصهٔ حقایق وفاداری نه حقیقت واقع از ان رو مهم است که با آموزش و آسایس سرب سروکار سدا می کند آنان که می بوسد می ناند کاری کشد که داسی که نه هر آدمی می دهند، تا انجا که می تواند، با سحگوی واقعیات زندگی باسد، می باید کاری کشد که ان آدم گمان برد که خود فرسه ای است بنگاه، و یا هیولایی است تردامن، نه نر سدارد که ان جهان جهمی است سوزان؛ و نه این که تمامی راستیها و درستیه حول محور طبقه یا کسوری می خرند که او



رابرت لویی استیوسون

سده است همه مؤید همین حسه مرموز و توضیح‌ناپذیر خلقِ رمان است. اما در بخش سوم، که «صناعت داستان‌نویسی» نام دارد، به آن وجوه و عناصری از رمان پرداخته شده است که هر رمان‌نویسی آنها را تا حد زیادی آگاهانه به کار می‌گیرد و به حق باید گفت که استادی و اعتبار هر رمان‌نویسی عمدتاً بستگی دارد به توانایی و مهارتی که دست او در به‌کارگیری این عناصر دارد، و نه همین دلیل این حسه از خلقِ رمان را «صناعت» (craft) خوانده‌اند در بخش سوم مسائل مربوط به ساخت داستان، فن روایت، شخصیت‌پردازی، گفتگو، زمینه، و سبک به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

نمی‌توان دربارهٔ رمان به روایتِ رمان‌نویسان سخن را به نایان برد بدون آنکه از برحمتِ اسنادانهٔ آن دگری کرد. ترجمهٔ کتاب سوا و حداب است بخشهایی از کتاب که در این مقاله نقل شده است شاهد این مدعاست. ولی این برحمت فقط ریاست است، نه متن انگلیسی وفادار هم هست. وفاداری بی‌که ناپدید برکردنِ واره به واره نیست ما می‌تواند به حالا کی مفهوم سخن را به ریایی و ما فصاحت مستقل کند اگر گاهی مختصر بی‌وفایی هم به حسیم می‌خورد در احاطه‌هایی است که فلم‌نویانای مرحم نیست از حد به صنعتگری پرداخته و عروس سخن را ریایر از انچه هست حلوه‌گر ساخته، از جمله در این عبارت

آرتی تو می‌توانی سراب نوسی و ناردن نحوسی و در عشق نکوسی و به جنگ درآنی و نام و سنگ نخواهی، اما به یک شرط، عزیز دلم، که خود به منحواره ناسی و به رساره و به سوهر و نه حتی سربار صفوف مقدم (ص ۲۱۸)

که برحمتِ این عبارت است

You will depict wine, love, women, glory, on condition, my good fellow, that you will not be a drunkard, a lover, a husband or a soldier of the line (p 126)

#### حاشیه

- (۱۱) ریحارد کمرلند (Richard Cumberland)، نویسندهٔ انگلیسی (۱۷۳۲-۱۸۱۱)
- (۱۲) ناناسل هابورن (Nathaniel Hawthorne)، رمان‌نویس آمریکایی (۱۸۰۴-۱۸۶۴)
- (۱۳) ویلیام مک‌کیس تکر (William Makepeace Thackeray)، رمان‌نویس انگلیسی (۱۸۱۱-۱۸۶۲)
- (۱۴) تامس هاردی (Thomas Hardy)، رمان‌نویس و شاعر انگلیسی (۱۸۴۰-۱۹۲۸)
- (۱۵) رابرت لویی استیوینسون (Robert Louis Stevenson)، رمان‌نویس و شاعر اسکاتلندی (۱۸۵۰-۱۸۹۴)
- (۱۶) فرانسوا موریاک (François Mauriac)، نویسندهٔ فرانسوی (۱۸۸۵-۱۹۷۰)

تعلق دارد؛ و نه آن که همهٔ صدها و سعادتها در فرقه‌ای متبلور که او بدان وابسته است هر آدمی باید ساموزد که چه هائی در نهاد او است، و ساموزد که می‌تواند نکوسد و آن همه پیر کرداند. هرگز غلط نمی‌تواند باشد که عین حقیقت را به بی‌نگویند، چه حقایق امور در عین رفتار آدمی مهمترین نفس اری می‌کند... حتی اگر واقعیتی هم باشد که به حق نتواند به بی‌رمان برساند ما او را به فساد نکساند، بار هم از همه بهتر این است که او را آن با خبر گردد، چرا که درست در همین جهان و نا بد همین نوع واقعات است. که آدمی می‌تواند نکوسد ما را به برسد و یا به یک ناری، در یک کلام، باید بدرفت که دروغ از دست است که نگویند و راست نویسه نادرست که باشد» (مض ۸۰-۱۷۸)

در دوم کتاب، که «نکوس یک رمان» نامیده شده است، قصاص دارد بر سربازان رمان؛ نه اینکه رمان‌نویس حکونه الخ اولیة کار خود را از رندگی برداشت می‌کند، نه دفعی بر یم، نیرویی مرموز او را برمی‌انگیزاند که برداشت کند، و تاه با «عناصری در حوزهٔ هنر» که نیروی از سلطهٔ آگاهانهٔ ه او قرار» دارند به حالسی توضیح‌ناپذیر می‌بردند تا رمانس مافرد بسیاری از مردم و حتی برخی از مسلمانان می‌دانند که بی‌هر رمایی با حد زیادی نیروی از سلطهٔ آگاهانهٔ ارادهٔ نویسن قرار دارد فرانسوا موریاک<sup>۱۶</sup> می‌گوید

مسلمانان و داوران ما طوری بر ما بورس می‌آورند و ما را به ناریانهٔ انضاد می‌گیرند که گویی امانان نکسره بر ارادهٔ آزاد ما استوارند، گویی ما سسسه‌ایم و داسسه تصمیم گرفته‌ایم با اتری خوب با اتری بد به رستهٔ تحریر در آوریم؛ یا داستانی برداریم که تهدیب کند و رستگاری بخشد و با برعکس شاه سارد و گمراه گرداند بو گویی اینان کمترین تصویری از آن عناصر اسرارآمیز و غرقابل نیستی و ناگیرند دارند که سرتاسر عالم رمان‌نویسی را زیر سلطهٔ خود دارد.» (ص ۲۰۲)

گفته‌هایی که در بخش دوم کتاب از رمان‌نویسان بزرگ نقل

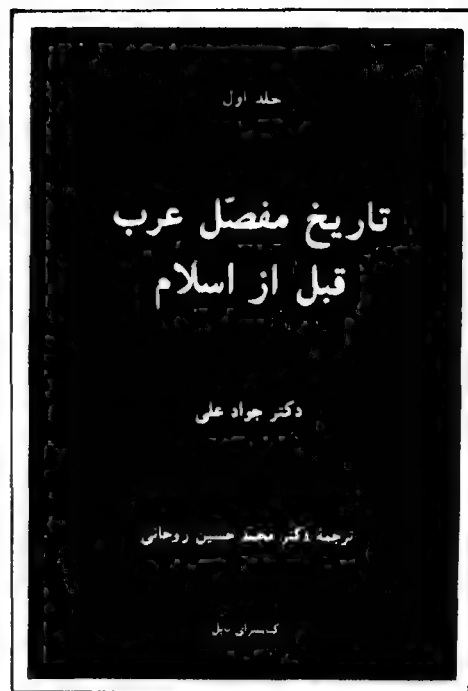
غیر عربی، تقریباً از تمام کتابها و مقاله‌های مهم خاورشناسان دنگارس امر بزرگ خود سود حسته است<sup>۱</sup> او داده‌ها و دیدگاهها را گوناگون را در هر موضوع بارگو می‌کند و از ارزیابی و نقادی دری نمی‌ورزد. اما هیچگاه به داوریهایی ستانده نمی‌پردازد و هیچ گراس و بره‌ای نگاهش را تار نمی‌کند، و اس بیگمان یکی از علل مهم آواره و اعتبار علمی المفصل است

اس کتاب برای آنان که بخواهند تاریخ عرب بیس از اسلام به گونه‌ای تخصصی مطالعه کنند نمونه خوبی از يك بروه تاریخی فراگیر و چگونگی کار با داده‌های خام در خارج روسی علمی به دست می‌دهد اس کتاب درباره همه دولتها ناساها سیه حریره عرب با بس از اسلام، و روابط عربها انرا و یونان و روم و حبسه و هند، همجنس سارمان جامعه عربی اسات فابل، زندگی روزمره، جنگها، عادات، اساطیر، ادیان هرها، صنایع، علوم، تفویمها و تاریکها، خط و زبان، سر و خطابه سروساعران، بیر سارمان اقتصادی، کساورری، بحارب دریاوردی، راهها، بازارها و انواع مالبا و دهها موضوع فرعی دیگر به بحث برداشته است

اما اهمت المفصل بها به لحاظ حبه تاریخی آن بس کافی است اساره کنم که اس کتاب از رهگذر بررسی نهادها اجتماعی و آسهای دسی عربهای بس از اسلام رمنه سناحد زرفری از مفاهیم قرآن و ساراهای دس اسلام را فراهم می‌سارد ساراس، ترجمه المفصل کاری است نایسه و سنودی اما حبه کاری به بوسه علمی فراخورد کتاب و دفت و امانتداری بسا بیارمند است که مناسفانه در ترجمه فارسی افای دک محمدحسن روحانی به حسم نمی‌خورد.

نگارنده بحسب از سر کنجکاوی حید صفحه از ترجمه فارسی را با مس عربی مقابله کرد و انگاه به ضرورت نقد اسن ترجمه ناو آورد اس بود که در نخستن گام، سجاه صفحه آغارس متن عربی را واره به واره با ترجمه فارسی آن برابر نهاد و سنجد ناداسهایی که از اسن رهگذر فراهم آمد سبار بیس از انتظار و بود. در واقع، سمار غلطها و خطاهای حرد و کلان اسن ترجمه حدان است که نارگوایی همه آنها مجلس نقد را به درا می‌کساند. از اسن رو، نگارنده ناگیر به گراس بخشی یاداستهای خود سسده می‌کند با اسهمه، برای آنکه خواند تصور روستری از حد و حون خطاهایی که به ترجمه ننج صفحه نخست اسن کتاب راه یافته است داسته باشد، در اسن بار آماری به دست خواهد داد.

۱) تعبیرات و اصطلاحات. با سگفتی تمام باید گفت که حبه ترجمه عنوانهای فصول کتاب نیز از خطابی بصیب نمانده است



نگاهی به

## ترجمه تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام

کاظم برگ بیسی

تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام نوشته دکتر حوادعلی برحه دکتر محمدحسن روحانی حلد اول، کتاسرای نابل، ۱۳۶۷، ۴۷۴ ص

ابره حلدی المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بوسه دکتر حوادعلی، برحسه ترس و گسدره برین کاری است که با به امروز درباره تاریخ عرب بس از اسلام انحام گرفته است گسدرگی دامنه بروهس، ماحد فراوان، دفت و صلاحیت علمی حوادعلی، اسن کتاب را به اتری معسر و در بوع خود بیماست بدل کرده است، با حایی که امروره هیچ بروهسگر عربی یا سرفی که به تاریخ کهن سیه حریره عرب و رمنه تاریخی بیداس اسلام به تحقیق دست می‌یارد خود را از اس کتاب بی سار نمی‌تواند دید می‌بوان گفت که حوادعلی، گدسته از ماحد و اسناد کهن عربی و

مثل، عنوان نخستین فصل «تحدید لفظه العرب» (تعریف واژه عرب) به صورت «معین کردن واژه عرب» ترجمه شده است. مس تقریبی» (ص ۳۵) نیز در ترجمه «تحدید» آمده است، و پس بیست که چرا عنوان فصل سیم «طبیعه حریره العرب و وایها و سکنایها» به صورت «طبیعت حریره العرب و برویهای آن دمان» در آمده است. عنوانهای آخرین بخش فصل سیم «لعقله السامیه» و «فصل هفتم (طبیعه العقله السامیه) برتیب روان ساسی، خرد و اندیشه سامیان» و «روان ساسی، خرد و ندسه عرب» ترجمه شده است. غربها «العقله» را معادل Mental به کار می برند که بی گمان «روان ساسی» را نمی توان یکردان مقبول فارسی آن سمرقند دو عنوان یاد شده را می توان به دهشت سامی» و «ورگی دهشت غربی» برگرداند. حالت پیماس که مریح محرم گاه معبر «تفکر» (ص ۲۳) را در برابر «العقله» به کار برده اند که بار پذیرفتنی بر است.

در سیگفتار نویسنده (ص ۱۶) آمده است «عرب را مرکبی کاسی اور بیست که دیگرانی را که همسنگی شان ادر واقع همبرادسان» [آیات بنده است به صرف اینکه تمدن و فرهنگی استهاند به اسان نویست کسم] نگارنده نمی داند خواننده فارسی زبان از «مرکب کاسی اور» چه می فهمد؟ عبارت عربی جنس است «فلس فی العرب مرکب بقص جی بقیف الهم من سب اهم منهم» (ص ۸) و اصطلاح «مرکب بقص» به معنای عقده حصار است به «مرکب کاسی اور».

خطاها در این سطح به هیچ روی اندک نیستند به مثل، اصطلاح «عادیات» (آثار ساسانی) بارها (از جمله در ص ۱۷ و ۱۸) به «سنگ بنسها» برگردانده شده است.

در ص ۱۹، اینجا که حوادث علی از اسناد محمد بهجت الابی ساسگراری می کند، می خوانیم «او برای من و همانان من از بروهسگران و نویسندگان که در بی بررسی میراث عربی و اسلامی و نویسندگی درباره آن هستند همواره یک راهنما، و حه گر (بخواند) هدایت کننده» و تسوی کشیده بوده است و پس و اس از رورگاری است که من دوره آماده سازی مرکزی را بر بعداد می گذراندم و ساگردی او می کردم» اگر خواننده از کسب جمله بندی هم غافل نماند در بد عبارت «دوره آماده سازی مرکزی» می ماند. نگارنده با حار است خواننده را از دردسر تفاوت های نظام آموزشی قدیم و جدید عراق و اصطلاحهای Central School و Consolidated School معاف داسه بگوید تعبیر عربی «الاعدادیه المکریه» را باید در اینجا «مدرسه متوسطه» ترجمه کرد به «دوره آماده سازی مرکزی».

واژه «موقف» که یکی از کاربردهای در زبان عربی معادل Attitud است به «جایگاه» ترجمه شده است، مانند «درباره

دارندگان این زبان چه جایگاهی را باید برگزید و آنامی توان اینها را عرب سمرقند یا نه؟» (ص ۴۱)، یا «یاران سامبر اس واره اواره حاهلیت را درباره دوران زندگی خود پس از اسلام به کار می برده اند. اسان از سامبر درباره احکام آن دوره، جایگاه سان سبب به آن و سمان هاسان که در آن رورگار سسها اند، برسی می کرده اند و سامبر برحی از آنها را درست می سمرده و از برحی دیگر سسگری می کرده است» (ص ۴۹). از این بگذریم که سامبر (ص) چگونه از سمانهایی که در دوران حاهلیت سسها سده «سسگری» می کرده اند و به Attitude بر داریم در زبان فارسی برای این واره بر دیک نه بسبب معادل نه کار رفته است (طرق بر حورد، بکرس، بر حورد، بار حورد، روت، مسی، طرر رفتار، سوه بکرس، ایسار ۲) اما نویی که باید «جایگاه» را بر بر اس فهرست درار افروا

از همن کوه است ترجمه «المعامله» (رفتار) به «دادوستد» «در این آنه مقصود فرمان های اسن های حاهلی ابعی احکام اس با راه و رسم حاهلیت و گمراهی و سسکاری در داوری و حدانی میان مردم در ناگاه و دادوستد است» (ص ۴۷ و ۴۸)، به حای مثلا «بعض فابل سدن با فری کداس میان مردم از نظر مرلب و رفتار»

مرحوم محترم طاهر، گذسبه از ترجمه، ریح براسناری را بر «وحد نارس خود» (بیسگفتار مرحوم، ص ۱۲) هموار کرده اند و بارها (پس از ۲۵ بار) کلمه ای و عبارتی و گهگاه حد سطری را در ترجمه از فلم انداحه و بدس سان خواننده را از رحمت خواندن و در فاس سساری بکه هارها سده اند اما در تمام اسن سجاه صفحه سها حد بار واره هایی را بر مس اصلی افروده اند و اغلب با این کار فاحه ای افروده اند

در ص ۳۵، هنگامی که از قدمت کاربرد واژه «ساراس» درباره غربها سخن به میان می اند، می خوانیم «در برین ابعی قدمی بر س (باریج نگاری که آن را به کار برده، دیوسکور بدس است که در سده سسب میلادی می ریسس است» نگارنده باید اعراف کند که به اسحا که رسید داس مؤلف از همه حاسحر را

#### حاشیه

(۱) به نظر می رسد که دکتر حواد علی کمر به سسها های خاور ساسان روس بگریسساند در دهه اخیر مرحوم صلاح الدین سمان هاسم دو بروهس فابل بوحه در همین رمیه از روسی به عربی برگرداند ابلی از سکولوسکانا به نام العرب علی حدود بریطه و ایران، من القرن الرابع الی القرن السادس الميلادی (کویت، ۱۹۸۵)، دومی از کویتسایوف به نام السمال السرمی الا فرعی فی العصور الوسطه المیکره و علافانه بالحریره العربیه (عمان، ۱۹۸۸) همچنین از جمله منحصصان عرب که آثار مهم خود را اس از حات المفصل نویسها نداند از عرفان سسها نام برد (۲) یک فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، بروهسگاه علوم اسانی

گردد» (ص ۱۷). مترجم محترم عبارت عربی را درست برعکس فهمیده‌اند، اما آیا نمی‌بایست از خود می‌پرسیدند که مگر اصطلاح سامی و سامیت، تا به امروز، بر همهٔ بزوه‌ها مسلط نبوده است؟ عبارت عربی چنین است: (وان الزمان قدحا لاستبدال مصطلح «عربی» و «عربی» بـ «سامی» و «سامنه») یعنی «هنگام آن رسیده است که اصطلاح عربی و عربی‌حایگزین سامی و سامیت سود».

باز بخوانید: «استرابو به یحیدگی این واره [واره ارمی] معنی آن اساره کرده و گفته است: دانسته بیست که آیا مقصود اهل تر و گلودیتا غارنشینان است یا اعراب» (ص ۳۰). و ترجه درس متن چنین است: «.. آیا مراد از آن مردم تر و گلودیتا (غارنشینان) هستند یا عربها؟»

نمونهٔ دیگر: «برخی از دانشمندان دربارهٔ مردم دوران میازادن پیامبر و انگیزته‌سندن او وارهٔ اهل فترت را به کار برده‌اند» (ص ۴۹). اما متن عربی (ص ۴۲) می‌گوید: «برخی از دانشمندان مردمی را که در فاصلهٔ میلاد [مسح] و بعث پیامبر [اسلام] می‌ریستند اهل فترت خوانده‌اند»

و باز: «متن دیگر از آن ابرهه جانشین پادشاه حبشه (عزلی برمن است که ۱۳۶ خط [یعنی سطر] است و تاریخ آن به سال ۶۵۸ حمیری یا ۵۴۳ میلادی بازمی‌گردد. این متن نه زبان و خط حمیری بیس با افتاده‌ای بخوانید: نه زبان حمیری بد و سستی نگاشته شده و تاریخ ۵۵۴ میلادی را دارد» (ص ۵۳). سگفت چگونه متنی که تاریخش ۵۴۳ میلادی است تاریخ ۵۵۴ میلادی تواند داشت! و خوانندهٔ باریک بین بیاری به متن عربی ندارد دریابد که مترجم محترم دو سنگ نبسته را یکی کرده‌اند.

در صفحهٔ بعد می‌خوانیم: «ملاحظه می‌شود که روح و توریخ معنای ارح و تاریخ به کار رفته و این حیری است که عربی کنون نیز آن را تأیید می‌کند» (ص ۵۴). اما جوادعلی نوشته است: «ملاحظه می‌شود که 'ورخ' و 'توریخ' مانند 'ارخ' و 'تاریخ' کاربرد قبیلۀ تمیم نزدیک است، زیرا این قبیلۀ می‌گویا 'ورح الکتاب توریخا'، یعنی 'ارخت الکتاب تأریخا'» (ص ۴۷) آنچه در این بخش بر سرده سد تنها بازه‌ای از خطاها در دربر می‌گیرد. ارائهٔ همهٔ مسامحه‌ها و نارساییها و ناهنجاریها در این فرصت مناسب به نظر نمی‌رسد با اینهمه، نگارنده نمی‌تواند اذکر نمونهٔ زیر خودداری نماید.

«ساید نخستین و تنها متنی که در آن وارهٔ عرب بر همهٔ این مردم از سهرنشین و بیابانگرد اطلاق گشته و زبان ایسان به زبان ربان عربی خوانده شده است، قرآن باشد. مولر بر این پند است که قرآن این نام را ویرهٔ این «قوم» گردانیده است. مولر این شك روا می‌دارد که این واژه در شعر جاهلی، مانند سه

بیسوادی متهم می‌کرد که نگاهش به متن عربی افتاد و دریافت نه واژهٔ «تاریخ‌نگار» را مترجم محترم افزوده‌اند، و بدین سان یوسکوریدس، طبیب و داروشناس و گیاه‌شناس معروف یونانی که کتاب «الحسانس و النباتات» وی قرن‌ها مهمترین منبع انشمنان داروشناس مسلمان بود، «تاریخ‌نگار» ساسانده‌اند. و ما عبارت حوادعلی چنین است: «... و اعدام من دکرها هو یوسفوریدس Dioscurides of Anazarbos الذي عاس بی‌المرن الاول للمیلاد» (ص ۲۷).

در ص ۲۹ متن عربی آمده است: «ما زال اهل العراق يظلفون فظله (سروك) و (سروكیه) علی جماعة من العرب هم من سكان 'لواء العماره' والاهوار فی الغالب». این بار مترجم محترم «اهوار» را «اهواز» سنادسته‌اند و برای آنکه حای هنج گونه تردیدی برای هیچ کس نماید دو وارهٔ «استان» و «ایران» را نیز از بیس خود افزوده‌اند، به این صورت. «از سوی دیگر، عرافان هم اکنون وارهٔ سروك و سروكه [بحواشد. سروك و سروكیه با سروگی‌ها] را دربارهٔ گروهی از عرب‌های استان عماره و استان اهواز (ایران) به کار می‌برد» (ص ۳۷)

نگارنده نمی‌رسد که «اهوار» از کی «ایسان» سده است اما این «اهوار» جمع «هوار» است یعنی ماندانها یا دریاچه‌هایی که در جنوب سرفی عراق و حوب عربی ایران در ایسان حورسان فراوان یافت می‌شود<sup>۲</sup>، از جمله «هورالحویره» که نامس برای خوانندگان آسانست.

شمار خطاهای مربوط به واره‌ها و اصطلاحها، بی‌گرافه‌گوی، به سه برابر آنچه نارگو سد می‌رسد، اما اکنون باید به بررسی گونه‌ای دیگر از خطاها پرداخت

۲) جمله‌ها. در ترجمهٔ جمله‌ها و عبارتها بیر غلطهای بسیاری هست که نمونه‌هایی از آنها به این سرح است:

عبارت «ولولا اعتفاده ان فی الرد او الاحكام سلبیه لاتفع بل ان فنها ضررا». (ص ۶) چنین ترجمه شده است «و اگر بر اس ناور بود که خودداری از بادآوری یا تاحتس بر نویسنده کاری ممفی و ناسودمند است و حی ریان می‌رساند» (ص ۱۴) و مراد نویسنده دیگرگون شده است حوادعلی می‌گوید «اگر بر این ناور بود که در دودلی و بره‌ر رفتار افعال گرایانهٔ یهوده‌ای بهفته است که رباسار نر تواند بود» دست به بوستن اس کتاب نمی‌رد. و باید خاطر سسان کرد که وارهٔ «سلبیه» در عبارت عربی به معنای Passivism به کار رفته است نه Negativism یا Negativity.

گاه خطاهایی به ترجمه راه یافته است که برای بیسگیری از برخی از آنها حوی دوف س می‌بود، بحوانید: «ایلك هنگام آن رسیده است که اصطلاح عرب و عربیت بدل به سامی و سامیت



تحت اللفظی یا لفظ گرایانه» پربیراه نباشد. اکنون باید دید این سره گردانی لفظ گرایانه چگونه چیزی است. به آغاز کتاب باز می گردیم آنجا که جواد علی از استادش سیاسگزاری می کند: «... سیاسیش سیاس خود را بر این راهنمایی ارزنده آشکار می سازم» (ص ۱۳). عبارت عربی چنین است: «... مقدماً الیه سگری الجزیل علی هذا التوجیه الجمیل» (ص ۵)، یعنی «به پاس این راهنمایی ارزنده سیاس فراوان خود را به وی تقدیم می کنم»، بنابراین واره «سیاسیش» در اصل نیست (در حقیقت این سیاسگزاری بسیار هم «سیاس» است) و واره «فراوان» نیز در ترجمه افتاده است، اما اکنون تنها به فعل «آشکار می سازم» توجه کنید. این سؤال بیس می آید که این تعبیر چرا این همه بیجا می نماید؟ بیداست که «آشکار می سازم» سره شده تعبیرهای رایجی چون «ابراز می دارم» و «اظهار می دارم» است که دیگر برای سیاسگزاری و دزدانی «کلیسه» شده اند. و، از آنجا که مترجم محترم معنی «مقدماً الیه» را «سیاسیش» بنداشته اند، بناچار از بیس خود فعلی برای حمله آورده اند و کدام فعل «دم دست تر» را «ابراز می دارم» و «اظهار می دارم»، اما البته سره شده آن.

عباراتی چون «آنگاه بر نویسنده بود که برای کتاب خود ناسری بیاید که با چاپ آن همساری نماید» (ص ۱۴) یا «بروهسگران تاریخ جاهلی، از جهانگردان و دانشمندان بواسه انداس تاریخ را تا صدها سال بیس از میلاد مسیح بالا ببرند» (ص ۱۸ و ۱۹) و یا «این واره [واره عرب] با این معنی و بدین شکل، اصطلاحی است که به بیس از اسلام بار می گردد ولی از نگاه تاریخی به بیس از میلاد برمی آید و حتی از آغاز اسلام به روزگاری بس دور واپس نمی نشیند» یا ترجمه «التقاء» به دیدار «در عبارت «گوس هاسان گرچه همه در سساری حیرها مشترک اند، در سساری حیرها اختلاف دارند که از حاهای استراک و دیدار بیس است» (ص ۱۶) همه و همه مصادیق نتایج نامطلوب سره نویسی سرده می شود.

گاه این سره گردانی تحت اللفظی حنا بلایی بر سر متن عربی آورده است که خواننده فارسی زبان مفهوم جمله را بارمل و اسطرلاب نیز در نمی یابد: «ولی اندیسه ایسان از شهر شینی عربها هنوز هم بالا نیامده بود و ایسان گمان می برده اند عربها همه سان بیابانگرد هستند» (ص ۳۰).

گاهی بیر عبارت حسن حالتی پیدا می کند. «بیابان پهناوری... که از رود فرات تا مرزهای سام کشش دارد» (ص ۳۰). همچنین

حاشیه.

۳ برای تک نگاری در حور توحه درباره عربهای هورشین حوب عراق نک Wilfred Thesiger, *The Marsh Arabs*, Penguin Books, 1976

مرؤالقیس، و اخبار تدوین سده از زبان جاهلیان در کتابهای دبی، به سان نام ویره یک قوم به کار رفته باشد. ولی مولر خود این رسس را به میان می کسد که چگونه می توان گفت قرآن قومی را به این نام و با این معنی خوانده است بی آنکه این کاربرد در نزد بها بیسنه ای داشته باشد؟ رای من بر این است که آیه های قرآن به گونه ای آشکار دلالت بر درک روسن این مردم از این واره دارند...» (ص ۳۲ و ۳۳). نگارنده از خرده گیری بر ترجمه حسم بی بوسد تا توجه خواننده را به نمۀ دوم باره منقول جلب کند. تناسفانه متن اصلی در ترجمه دستکاری شده است و این سسکاری به گونه ای است که توحه بی را بر نمی تابد. ترجمۀ فیق بوسۀ جواد علی حسن است: «قرآن یگانه متنی است که راره عرب را همچون نام ویره ای برای همه عربها، چه سهرسین رچه ناده سسین، به کار برده و زبان آنان را زبان عربی خوانده است. مولر بر آن است که قرآن به این واره معانی خاص تحسیده را را به صورت نام ویره قومی که همه عربها را در بر می گیرد در آورده است. او سک دارد که واره عرب در سسر جاهلی- مانند مویه ای که در سسری از امرؤالقیس دیده می شود یا احباری که از زبان سخصیتهای جاهلی در کتابهای ادیباب گرد آمده- به عنوان نام ویره یک قوم به کار رفته باشد. اما این نظر مولر، نظری است سسب و بی دلیل، آخر چگونه می توان بدیرفت که قرآن این مفهوم را خطاب به قومی به کار برده باشد که بیستر از آن آگاهی نداشتند؟ وانگهی آیات قرآن آشکارا نشان می دهند که قوم عرب بیس از اسلام این مفهوم را دریافته بودند.» روسن نیست که چرا نقد جواد علی حذف شده و رسس وی از زبان مولر بارگو شده، و صدای او تنها در بایان جمله های نقل شده نه گوس می رسد؟

۳ خطاهای ناشی از سره نویسی. گونه دیگری از خطاهای ترجمۀ کنونی از سیفتگی مترجم محترم به سره نویسی برخاسته است. از آنجا که این سره نویسی در ترجمه به کار رفته است، باید آن را «سره گردانی» نامید. اما این «سره گردانی» بدیده ای است شگفت انگیز و نو آیین که نگارنده هنوز نام دقیقی برای آن سراغ ندارد؛ با اینهمه، گمان می کند که، به مثل، «سره گردانی

معب‌رهای حو «دیرترین تاریخ‌نگاری...» به‌حای «قدیمی‌ترین...» و از این دست سیار.

این‌گونه سره‌نویسی ماهیت‌سجدهٔ ریان را نمی‌سناسد و یا نادیده می‌گیرد، زیرا آسان‌گذار و راحت‌طلب است و درست به همین دلیل به هیچ کار نمی‌آید.

مترجم محترم در رستهٔ اعلام و نامهای ویره سر سوهٔ نابه‌نچار نازسی‌گردانی خود را دنبال کرده‌اند، و به‌میل «الهلل الحقص» را «نوماه بارور» (ص ۹)، «بحر المصب» را «دریای مرده» (ص ۲۸)، «حصن العرب» را «در کلاغ» (ص ۵۷) و عرب‌های «عانه» و «مستعر» را عرب‌های «اصل» و «عربی‌گرفته» یا عربی‌سده» (ص ۸ و ۲۳) ترجمه کرده‌اند اما چرا؟ با حای که نگارنده می‌داند مترجم محترم در رستهٔ افراد انگست‌سماری از اهل فلم‌اند که در احبار حسن سوه‌ای اصرار می‌ورزید

باید افزود که «الهلل الحقص» ترجمهٔ Fertile Crescent، یعنی نامی است که نخستین بار برسد در سال ۱۹۱۶ به کار برد<sup>۴</sup> با از سرزمینهای واقع در یک هلال فرسی (از حو سرفی مدیترانه تا شمال عربی خلیج فارس) به عنوان یک واحد جغرافیایی در دوران پس از تاریخ سخن بگوید تا برای در اسحا نام انگلسی اصل است اگر نام «الهلل الحقص» در تاریخ و ریان غرب اصالت داشت بی‌کمان هیچ پژوهشگر عربی ترجمهٔ آن را به کار نمی‌برد همین سخن را، اما به گونه‌ای دیگر، دربارهٔ Dead Sea یا Salt Sea در عهد عتی می‌توان گفت در یوسه‌های جغرافیدانان و مورخان مسلمان آن دریا به نامهای یونانی حوایده سده است<sup>۵</sup> که نامهای وصفی آن همچون «البحر المسه» یا «البحیره المسه» (در ناحیهٔ یوسال) یا «بحر الملح» همگی ترجمه هستند و اگر آن دریا به‌ها در تاریخ عرب و اسلام ذکر سده بود و با نام عربی آن اصل بود، باز هیچ پژوهشگر عربی نام آن را ترجمه نمی‌کرد، و درست به همین دلیل است که به رغم مقاله‌های فراوانی که در حید دههٔ اخیر در بارهٔ سبک سبک «حصن العرب» یوسه سده حبی یک نمونه نمی‌توان یافت که ترجمهٔ نام آن به کار رفته باشد به هر حال، ضرورت حفظ ضبط اعلام امری است بدیهی و توضیح‌نکارنده ناظر به آن است که برخی ابهامهای احتمالی را برداند به آنکه حسن «عبر و رسی» را نامت کند

اکنون باید برسد که چرا مترجم محترم، که در نازسی‌گردانی اعلام و نامهای ویره بدی‌طولی از خود سنان داده‌اند، نامهای نازسی را به همان سکل که عرب‌ها به کار می‌برد رها کرد‌اند و «احسوس» (ص ۲۹) را به صورت اسنا و رایج «حسایارسا» در ساه‌ورده‌اند<sup>۶</sup>

۴) چند نمونه خطای ویره در احربن حسن اس بعد نگارنده

مایل است به بررسی حید نمونهٔ ویره بر دازد. چنین نمونه، البته در ترجمهٔ المفصل سسارند و از خارجوب کلی خطاها به سسند، اما حالت خاصی دارند. در حسن مواردی، خواننده به وارهٔ دسوارها نامأنوس روبرو نمی‌سود، ساحتار نحو؛ بی‌خلل می‌نماید؛ یا ایهمه، حوایده سردرگم می‌ماند، ر بر حمه کلنچار می‌رود اما حبری دستگیرس نمی‌سود، نندار «معای» حمله «هرز» سده است. به ساهد ربر بوجه نماد «آیحه را در این رسته [در بارهٔ وارهٔ عرب] گفته‌اند می‌تو واره‌نامه‌های بر آوازه و سسانس آنها در فرهنگ‌ها و کتاب‌س ادبی سدا کرد» (ص ۲۲).

حوایده از خود می‌برسد مگر «واره‌نامه» همان «فرهنگ سب»؟ در حقیقت مواردی از اس دست برای هر مترجم یکی اصول کار آمد است ساسی ترجمه و برای هر خواننده یکی ملاکهای حو از رسانی کار مترجم است. در هر صورت، برای فهم عبارت بالا کافی است که، بر پایهٔ من عربی، به حای «واره‌نامه‌های بر آوازه» «منابع ساحتیه سدهٔ ریان عربی» گذاست نمونهٔ دیگر. «رحی از داسمندان یورات سس بر اسند که وارهٔ عرب سس از سسی گرفتن کار اسماعیلان (اسماعیلان)، حبر کی اغراب بر اسان رایج کسه حیدان که در برد اسان مرادو اسماعیلان سده است. انگاه اس واره فراگیر اسان کسه هر ح اسماعیلان بر عرب یعنی فابلی سانا نکرد بوده‌اند» (ص ۲۹) که مرچ «اسان» دوم و سوم مستحق سب

این بررسی بها سحاه صفحهٔ حسب کتاب را در بر می‌کند اس بارهٔ اعار کتاب حوادعلی است و هیور دامنهٔ بحث به حاهای فی و حقیقی بر سیده است ساند فرصت آن دست دهد که د اسده نگاه دیگری به سسهای سجده بر کتاب افکنده سود

## حاسیه

۲) در کتاب Ancient Times که برای داسن اموران دسرسان یوسب ده‌سا بعد من ویراسه و افروده سدهٔ همین کتاب را به نام *The Conquest of Civilization* حاب نرد سس از مرک بر بار دیگر این کتاب را ویراست و بر افروده من اخیر در سال ۱۹۳۸ م. سه سال پس از مرگ بر سند به حاب رسد ۵) در *المسالك والممالك* امطحری (قاهره ۱۹۶۱) و *صورة الارض* ابن حو (لندن، ۱۹۳۸) «البحیره المسه» نامده سده است در مختصر کتاب البلد ابن الفقیه (لندن ۱۸۸۵) و *معجم البلدان* یاقوت (حاب و ستمقلد ۱۹۶۵، افس استی، تهران) و *احسن التقاسیم* مقدسی (لندن ۱۹۰۶ م) نامهای «البحیره المسه» «بحیره زغر» و «البحیره المغلوته» را می‌توان یافت در ستر نامهٔ ناصر خسرو (کوسس نادر ورین یور، ۱۳۶۲ س) دریای لوط و به نقل از کسی (از مردمان س طبره)<sup>۷</sup> «دریای تلخ» (سور)<sup>۸</sup> حوایده سده است

۶) برای کار بردهای حسب برخی از این نامها نگاه کنید *الموسوعة الفلسطينية*، دیل «البحر المصب»

انس التائبین. تصنیف احمد حام نامقی مشهور به ژنده بیل به تصحیح و توضیح دکتر علی فاضل. تهران. انتشارات توس، ۱۳۶۸

شیخ احمد جام مشهور به رنده بیل یکی از مسایح صوفیه حراسان است که در سال ۴۴۰ در فریه نامی مولد شده و در سن ۹۶ سالگی در سال ۵۳۶ فوت کرده است. این شیخ صوفی در تاریخ تصوف ایران معصب و در امور مذهبی و سرعی سختگیر معرفی شده است در کتابی که یکی از مریدان شیخ، خواجه سداالدین محمد عربوی، به نام مقامات رنده بیل تألیف کرده است، تصویری از شیخ ترسیم شده است که در آن وی به صورت «مردی خفیه‌ک، سودخو، مهت و متصرف در ارواح که با قدرتی اسرارآمیز می‌کوسد تا با اتحاد رغبت و هراس در مردم ساده لوح و عوام‌ناس از نفوذ و سلطه روحانی و معنوی خویش در امور دنیایی به سود خود و کسان و خویشان خویش بهره‌گیری کند» ظاهر شده است (انس التائبین، ص ۳۵). تصویر شیخ احمد در مقامات رنده بیل با حدودی نقطه مقابل تصویری است که محمد بن مورو از حدّ اعلای خود، ابوسعید ابوالخیر، در کتاب اسرارالموحید ترسیم کرده است. در حالی که ابوسعید مردی است دوست داستی و اهل مسامحه و بلندبظر، شیخ احمد مردی است فوق‌العاده سختگیر و معصب که مدام با مخالفان خود، که از نظر او اهل بدعت‌اند، به نزاع بر می‌خیزد.

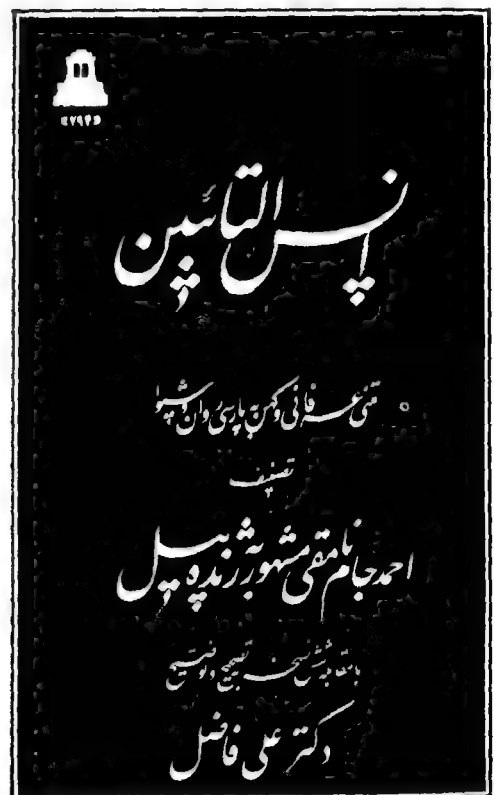
نصاویری که محمد بن مورو و محمد عربوی از این دو شیخ ترسیم کرده‌اند البته برداشتهایی است که هر يك از ایشان از شیخ مورد نظر خود و مذهب او داشته‌اند، و لذا نمی‌توان از روی آنها به شخصیت حقیقی این دو شیخ پی برد. در مورد ابوسعید متأسفانه اطلاعات ما اکثراً منحصر است به آنچه محمد بن مورو در اسرار التوحید گزارش کرده است. از خود شیخ ابوسعید هیچ اثری به جا نمانده است، و به داستانهای محمد بن مورو نیز اعتماد چندانی نمی‌توان کرد. اما در مورد شیخ احمد وضع فرق می‌کند. احمد حام نویسنده کسر التأمی بوده است که حدّ ابر بزرگ به زبان فارسی از او به جا مانده و اس‌آنا، نس از منافعی که مریدان محمد عربوی نویسه است، می‌تواند در معرفی شیخ و افکار و حتی حالات و اخلاق او به ما کمک کند.

نصاویری که از این دو شیخ در منافع ایشان ترسیم شده است، با وجود اینکه حدّان مورد اعتماد نیست، حالی از حقیقت هم نمی‌تواند ناسد داستانهایی که دیگران در باره شیخ ابوسعید نویسه‌اند کم و بس روحیه آزاداندیشی او را تأیید می‌کند و در آثار شیخ احمد نیز به طور کلی روحیه متعصبانه و سختگیر او مشاهده می‌شود. اینک سؤالی که بیس می‌آید این است که چرا این دو شیخ صوفی، که هر دو در يك عصر و يك هرن و در يك ناحیه زندگی

## انس التائبین

شیخ احمد جام و تصوف حنبلی

نصرالله پورحوادی



که از این احادیث و به طور کلی از مذهب حنبلی بیر نمی کردند، به عنوان اهل بدعت، مبارزه کند و در این مسافوفی و غیر صوفی از نظر او یکسان بودند.

در مقابل تصوف حنبلی، مسایح خراسان مذهب دیگر و برورس دادند که احکام عملی آن از سافعی نا ابوحنفیه گرفته بود و عقاید کلامی آن از مذهب ابوالحسن اسعری و ابومنه ماتریدی اکبرت در خراسان، بخصوص در بسا بور، نا صو سافعی- اسعری بود البته مذهب سافعی- اسعری نیز مذهبی مطابق سب و حدیث و صوفیانی هم که از این دو مذهب بر می کردند اهل سنت بودند. تصوف به طور کلی مذهبی است بطن مذهب اهل سنت بدید آمده و صوفیه همواره مخالف مد دیگر، از جمله معتزله، بوده اند. بنود مذهب سافعی نا مد اسعری بر اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم احام گرا مذهب حنبلی، که هم حنفیه فقهی داس و هم حنفیه کلامی جهانی سبیه به مذهب سافعی- اسعری بود. بر وان هر دو مد خود را بر و حدیث و سنت می داسسد. البته، در بعضی ار مده فقهی و کلامی میان اسان اختلاف نظر و رأی وجود داس. حشری که روحیه بر وان این دو مذهب را ارم متمایز می کرد دیگری بود

همان طور که اساره کردم، یکی از ارکان مذهب حنبلی را حصانه اسان و تراغ آنان با محالان بود. اساس اس مده مبارزه بود احمد بن حنبل کار خود را با تراغ آغاز کرد- بر معبرله حنبله در دوره های دیگر این تراغ را متوجه اسحاء مدهای دیگر کردند. گاه با سیمان به مبارزه برداختند و گ فلاسفه و گاه نا صوفیه و گاه نا فرقه های دیگر. ولی حیره همسه نا اسان بود روحیه ستره جویی و مبارزه بود، مار آنچه اسان بدعت می خواندند اس روحیه به تنها در عا طاهری، بلکه در مسایح صوفیه، مسایخی که از احمد بن بیروی می کردند، همچنان حفظ سد. نمونه ناز این فصل مده ابومنصور اصفهانی، حواجه عبدالله انصاری، و سیح عبدا گلانی بودند.

سیح احمد حام نیز دقیقاً دارای همین روحیه بود. به عا دیگر، سیح احمد جام بك حنبلی بود\* و به حکم حنبلی مخالف و دشمن کسانی بود که از مذهب حنبلی بیروی نمی کر در داستانهایی که درباره سیح احمد نقل سده است این ر بخوبی به جسم می خورد. رفتار حسن و ظاهر خوفناك و ر متعصبانه و سختگیر او همه حکایت از حنبلی بودن او می با این توضیح، علت آزاداندیسی و تسامح ابوسعید نیز برا روسن می گردد. سیح مهنه هر چند اهل سنت بود، مذهب نداست، بلکه سافعی بود و احتمالاً در کلام اسعری. مشایخ

می کردند، نا این حد نا هم فرق داسده اند؟ آیا اختلاف ایسان ناسی از خصوصیات شخصی و تربیت خانوادگی ایسان است یا ناشی از اختلافی است که در مرام و مسلک و مذهب ایسان احیاناً وجود داسه است اس برسس از لحاظ تاریخ تصوف ایران، بخصوص تصوف خراسان در قرن پنجم، برسس بسیار مهمی است.

در اسکه روحیه اسخاص و سوابی رندگی خانوادگی و اجتماعی و همجنس تعلیم و تربیت اسان در رفتار آنان در جامعه و سلوکسان نا مردم ناسر می گذارد سکی نیست لذا حالات مختلف ابوسعید و سیح احمد حام بر می تواند نا حدودی ناسی از همس خصوصیات شخصی ناسد. اما فقط نا حدودی. اختلاف ابوسعید و سیح احمد فقط در حالات و مقامات و فهر و لطف ایسان نا مریدان و عوام الناس نیست اختلاف اس دو سیح در برخورد نا مسائل مذهبی موضوعی است که به نحوه تفکر آنان و عقاید ایسان مربوط می سود، نه صرفاً به اخلاق و روحیات و حتی حالات و مقامات معنوی آنان نا براس، ما برای اسکه به علت اس اختلافات بی برسم، لازم است سسم مذهب و مسلک آنان حه بوده است

سیح ابوسعید و سیح احمد حام هر دو صوفی بودند و هر دو ادامه دهنده تصوف خراسان اما از اواخر قرن چهارم صوفیان ایرانی، از حب مدهای فقهی و کلامی خود، به دو دسته عمده نسسم سدید، یکی صوفیانی که بر مذهب احمد بن حنبل بودند و دیگر صوفیانی که در فروع از سافعی نا ابوحنفیه و در اصول از اسعری یا ماتریدی بیروی می کردند مذهب صوفیان دسته اول را می توان تصوف حنبلی نامد حاستگاه اس مذهب در اصفهان بود و نا حانی که من اطلاع دارم اولین صوفی حنبلی ابومنصور اصفهانی (موفی ۴۱۸) بود ابومنصور، هر چند که صوفی بود، در فروع و همچنین در اصول از عقاید احمد بن حنبل دفاع می کرد و همان طور که اساس مذهب حنبلی در بیروی از سب و مبارزه نا بدعت خلاصه می سود، ابومنصور بر تصوف خود را بر این دو اصل بنا نهاده بود از یک جهت سعی داس تا عقاید صوفیانه خود را، حه در فروع و حه در اصول، با احادیث خاصی که حنبله بر آنها نا کند می کردند مطابق کند و از جهت دیگر، نا همه کسانی

مفاهیم و مضامین دیگری را نیز وارد تصوف کردند. خدمتی که تصوف سافعی- اسعری خراسان به ادبیات فارسی کرده است فوق العاده زیاد است.

و اما، سیح احمد حام، به رغم جنبلی بودن و با همه تعصب و سختگیری و بر سر وی خود، یکی از حادمان زبان فارسی است. در واقع، سیح احمد، در مقایسه با حنبله دیگر، حندان هم سختگیر و معصب نسبت به سراجواری و شاهد باری و منکرات دیگر البته سبب محالفت و رزیده و «اهل بدعت» را سبب آماج نکو هس و حمله قرار داده است اما، در عین حال، وی درست همان سنتی را دنبال کرده است که صوفیان سافعی- اسعری بنا نهاده بودند. حدیث این بزرگ به زبان فارسی بوسته و اسعاری هم به این زبان سروده است- کاری که تا این حد هیچ جنبلی و حتی هیچ بوستده صوفی انجام نداده بوده است. بنابراین، از لحاظ فرهنگی، سیح سبب حنبله دیگر را ترك گفته و همانند صوفیان سافعی- اسعری عمل کرده است. علاوه بر این، سیح در مورد مفهوم عسق نیز به خلاف سبب حنبله رفتار کرده است.

انس الائنس که یکی از آثار بزرگ سیح احمد حام است نکاتی را که بدان اشاره کردم در تصوف سح تأیید می کند. سیح در این کتاب عقاید خود را درباره تصوف عملی و نظری به تفصیل بیان کرده است. بخش اول این اثر را (تا باب بیستم) آقای علی فاضل قلا تصحیح و در سال ۱۳۵۰ چاپ کرده بودند، و هم اکنون کلیه ابواب را یکجا به چاپ رسانده اند. در ابوابی که در چاپ اخیر آمده است، بسیاری از نکات و دقایق تصوف، از جمله مفهوم وف، مسأله رؤیت و سهود و عسق و سماع شرح داده شده است. مصحح قلا آثار دیگر این نویسنده را نیز تصحیح و چاپ کرده بوده است. اسرار این اثر، که خود یکی از ذخایر نثر فارسی قرن سیم است، بدون سح خدمتی است بزرگ در جهت معرفی فرهنگ اسلامی. علاوه بر مسائل نظری و عرفانی، نکات اجتماعی فراوانی هم در این کتاب ذکر شده است. تعلیقات و فهرستهای متعددی که همراه متن چاپ شده است بر فوائد این اثر می افزاید.

#### حاشیه

\* این موضوع را نگارنده در جای دیگر شرح داده است. ترك به مقاله «ابو منصور اصفهانی، صوفی جنبلی»، در معارف، سال ۶، ۱ و ۲، ص ۸۰ تا ۸۱.

ف خراسان را در قرن پنجم متحول کردند و از سختگیری و سبب حنات دادند عموماً مسایح سافعی و اسعری بودند. تأثیر مذهب در فرهنگ ایرانی بسیار عمیق و دستاوردهای صوفیان ری- سافعی بسیار زیاد است در اینجا فقط به چند نکته مهم ره می کنم.

یکی از جنبه های مثبت تصوف سافعی- اسعری خراسان، بد حنات شعر فارسی و به طور کلی زبان فارسی است. حنبله چند در ظاهر خود را بیرو سنت نامبر (ص) می دانستند، در س طرفدار آداب و رسوم و زبان عربی بودند زبان فارسی زبان یب و سنت بود و لذا به کار بردن آن نمی توانست برای لمان متعصب، حتی حنبله ایرانی، موجه باشد. علاوه بر این، نله فقط به کتاب و حدیث عیایب داشتند و شعر و ساعری را بر سبب می دانستند و فلاناً نمی پسندیدند اما سروان مذهب در این تعصب را سبب به فرهنگ و زبان غیر عربی ندانستند به س دلیل است که زبان فارسی را ابتدا سروان مذهب دیگر به بردند اولین نویسندگان و ساعران فارسی زبان همه غیر ملی بودند. سراننده ساهامه در مذهب معتزلی بود، یعنی درست به مقابل حنبله اولین اثر صوفیانه فارسی، یعنی کشف جحوت، نیز به فلم نك حمفی بوسته شد نویسندگان فارسی ن دیگر در قرن پنجم، از جمله سح ابوالحسن بستی، احمد تمد عرالی، سافعی و اسعری بودند نگاه نویسنده فارسی ن در این قرن که به مذهب جنبلی بود حواجه عبدالله انصاری س، ولی او نیز اثر یا آثار فارسی خود را زمانی بوست که «فتح» سی نویسی از میان رفته بود.

حسب مثبت دیگر در تصوف سافعی- اسعری خراسان ساعری س، آن هم به زبان فارسی. ابوسعید ابوالخیر به عنوان اولین نر صوفی سناخته شده است. در آنکه ابوسعید اسعاری وده باسد تردید است، ولی به هر حال سرودن شعر صوفیانه به ن فارسی حدوداً از زمان او آغار گسه و همه ساعران بزرگ فی غیر جنبلی و اکراً سافعی- اسعری بوده اند. باروی آوردن فیه به شعر فارسی تحوّل عمیقی هم در مفهوم محبت ندید آمد. رای صوفی مانند ساعران دیگر در اسعار خود از لفظ عسق و تناف آن، یعنی عاشق و معسوق، استفاده کردند و همراه با آن

# تکملة الاخبار

کتابی برجسته در تاریخ عمومی

سیدعلی ال داود

تکملة الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری) تصنیف عدی بیگ شیرازی با مقدمه، تصحیح و تعلیقات دکتر عبدالحسین یوانی

تکملة الاخبار از کتابهای تاریخی برجسته‌ای است که در اوایل روزگار صفویه به دست عدی بک شیرازی، مورّخ سنی مذهب آن عصر، نگاشته شده است. کتاب او طاهرا بحسن کتابی است که، به روس تازه‌ای از مورخان سنی، براساس ریدگانی امامان سنی بدویس یافته و سایر حوادث تاریخی هر دوره دبل نام آنان آمده است.

خواجہ رس العادس علی شیرازی، منخلص به بوندی و سپس عدی، در سال ۹۲۱ ق در تبریز زاده شد و در ۶۷ سالگی در ۹۸۸ ق در اردبیل درگذشت و همایحه حاکم سرده سد خاندان او اصلاً از مردم سرار بودند. اطلاعات بر حای مانده از حوادث ریدگی او محدود است و تنها به کوسه‌هایی از احوال وی در ضمن انارس، نوبه در تکملة الاخبار، می‌توان دست یافت. او نابرده ساله بود که مدرس درگذشت. ناگزیر از تحصیل داس دست کسید و به کار دیوان پرداخت. سالهای زیاد در دربار ساه طهماسب ریسب و منظومه‌هایی درباره فروس، ناسحب ساه صفوی، سرود عدی بک طاهرا در سال ۹۷۳ ق دچار عصب ساه طهماسب سد سس به دسود ساه رواة اردبیل کردند و با ۹۸۰ ق، به مدت هفت سال، دوران جنگی و کمال را در این شهر گذراند و دو اثر تاریخی برجسته خود را در این سالها به نگارش درآورد. او در آغاز به گرد آوردن اسناد اسانه سنج صنی همت ساسب و مدارک موجود با سال ۹۷۷ ق را در دو جلد منوّن ساحت و نام سسرح الملك بر آن نهاد. پس به تکمیل تکملة الاخبار روی آورد و آن را در ۹۷۸ ق به انجام رساند و چون به فروس نارکست سسحه آن را به بریخان حاتم، ساهزاده مقدر صفوی و دختر ساه طهماسب، اهدا کرد سندی بک ساعر و سراننده‌ای نامور و برکار بود افرو بر دو اثر تاریخی فوق حد حمسه سامل منظومه‌های متعدّد سرود سسر این منظومه‌ها را حاوړساسبان روسی در ناكو به حات رسانده‌اند. معهدا ناند گف سسر او متوسط است و هیچگاه در

ایران با اقبال مواجه نبوده است. کتاب دیگر او دیباجة البیان نام داسته که در تکملة الاخبار ضمن بحث از طوایف اسماعلیه در ایران، نامی از آن به آورده اما امره نسخه‌ای از آن در دست سسب.

تکملة الاخبار تاریخ عمومی است که وقایع تاریخی را از سدایس عالم تا سال ۹۷۸ ق سرح داده است. بخش آخر آن لحاظ استعمال بر وقایع عصری مقدرتر و از منابع درجه اول دوره محسوب است. تکملة الاخبار به گفته مؤلف در بک مقدر چهار باب و بک حاتمه به اس سرح است مقدمه، در معنی نار دکر وجود و آغاز آفریس، باب اول، ارهبوط حضرت ادم تا طوفان نوح؛ باب دوم، از وقوع طوفان نوح تا رسالت حص محمد (ص)؛ باب سوم، روزگار حضرت محمد نارحلب وی، چهارم، در بیان حال عالم اررحلب آن حضرت با اس روز حاتمه کتاب احصاص به تاریخ ساه اسماعیل و ساه طهماسب ناساهاا معاصر وی دارد.<sup>۱</sup>

ایک آخر سس بخش تکملة الاخبار با مقدمه و حواسی و تعلد افای دکر عبدالحسین یوانی به طبع رسیده است. در این ساسان بها از سسحه خطی کتابخانه ملک استفاده کرده و از سسحه‌های دیگر اکاهی نداسته‌اند. لذا ضروری می‌نماید به سرحی در مورد سسحه‌های این کتاب و بصصفایی که راه مؤلف صورت بدرفته سردارم.

بصصفات راجع به عدی بک در ایران به مقاله احمد گلا معانی در محله وحدت، سحرانی احسان اسرافعی در دوس ک بصصفات ایرانی، و سخنان دکر دسبح الله صفا در جلد سسجم ادبیات در ایران محدود می‌سود. احمد کسروی هم تکملة الاخبار را سسوده و آن را از بهرس کتابهای تاریخی حوادنه است گفته او عدی بک مورّخی است که به تاریخ حادثانهای ناس برداحه و سرگذشت و داسان ایسان را با ابجا که می‌توانس کتاب خود آورده است. او تکملة الاخبار را از کتاب مس جامع الدول منحم ناسی بیر بهر و صبحیحتر دانسته است.<sup>۲</sup> حاوړساسبان روسی تعدادی از منظومه‌های این ساعر مورّخ طبع رسانده و در مقدمه‌ها به تفصیل درباره وی داد سخن دا، یکی از آنان، دکتر ابوالفضل رحیموف، رساله‌ای مسفل عدی بک و انارس به زبان ترکی و خط روسی منتشر است.<sup>۳</sup>

از این کتاب، به خلاف تصوّر مصصح گرامی، چند نسخه در ایران و سوروی بر جای است که برای طبع انتفادی دستیابی و مراجعه به آنها از ضروریات است. این عبارتند از:

(۱) نسخه کتابخانه سلطنتی سابق. این نسخه به خا

بی به دست محمد هاشم بن محمد بحی در سال ۱۰۹۹ ق  
ب سده است. کاتب آن را از روی نسخه مورخ ۹۹۵ ق  
سجّاح کرده است.<sup>۵</sup>

(۲) نسخه استیثوی حاور سیاسی آکادمی علوم آذربایجان  
روی در باکو. این نسخه قبلاً در اختیار ب. ن. راجودر بوده  
ب. اعزاز و انجام آن افتاده و در رویدادهای سال ۹۶۸ رسیده  
ب. بریده سده است. ظاهر المستشرق روسی ۱۱ افندی یف، که  
بی از تکمله الاخبار دربارهٔ ناساهی ساه طهماسب را در  
۱۹ م در باکو به طبع رسانده، از این نسخه بهره برده است.  
(۳) نسخه خطی میرزا محمد. از این نسخه فعلاً آگاهی حدانی

دست نیست<sup>۶</sup>

(۴) نسخه کتابخانه مجلس این نسخه به خط متوسط مستعلی  
سال ۱۰۴۲ ق کتاب شده و قدیمترین نسخه شناخته شده این  
ب و از نسخه ملک، که مورد استفاده مصحح قرار گرفته، حدود  
فرون قدیمتر است

(۵) نسخه کتابخانه ملی ملک که حدوداً در سده دوازدهم هجری  
به سده و از همه نسخه‌های این کتاب متأخرتر است<sup>۷</sup> این  
حه مورد استفاده مصحح قرار گرفته است

حناکه اساره شد، عیدی بگ بر مذهب سیه بوده و بدی  
به در آغاز کتابت بصراحت تأکید ورزیده است او حوادث را با  
ل ۹۷۸ ق روایت کرده و در اسحاق کتابت را به بابان رسانده  
ب اما این مورخ با سال ۹۸۸ در قید حیات بوده و حوادث ده  
ل نایابی عمر خود را در یکی از مخطوطه‌هایش نقل کرده و ادرس  
یحی مخطوطه بیس از ادرس ادبی آن است توضیح اینکه او به  
ر مسوی مطهر الاسرار صمیمه‌ای در ۱۵۶۲ ب افروده و آن را  
شرح حوادث تاریخی بس از سال ۹۷۸ ق اختصاص داده  
ب ساعر مورخ در این ایات یاد آورده که بر اثر سری ار کار  
ز آن دست کسیده و انروا کزیده است. آنگاه به تسریع حوادث  
ن از مرگ ساه طهماسب برداشته و در اینجا حاکمیت نک سبه  
مدرمرا و براندازی او به دست اسماعیل میر را شرح داده  
ب و سرانجام غرلی، مادر بیک «بکند»، خطاب به ساه اسماعیل  
بم، سروده است. در مجموع، این صمیمه نارصانی وی را از  
اصاح زمانه بیان می‌دهد.<sup>۸</sup>

حاب مورد بحث تکمله الاخبار تنها شامل آخرین بخش این  
تاریخی است از روی نسخه کتابخانه ملی ملک. مقدمه مفصل  
صحیح بیسنر نقل عین احوال تذکره نویسان سابق یا اقباس از  
قیقات حاور شناسان روسی است. جای آن داس که، خون  
بب بار اری از عیدی بیگ در ایران به حاب می‌رسید، شرح  
ل کاملی از وی بر اساس منابع مهم و بخصوص با استفاده از  
وس نوشته می‌شد. شناساندن آثار متعدد نظم و نر او نیز

ضروری بود؛ خاصه بررسی دو جلد کتاب صریح الملك وی، که  
نسخه اصل آن در موزه ایران باستان موجود و احتمالاً به خط  
مؤلف است بسیار لارم و مفید می‌بود مطلب دیگر مقدمه  
اختصاص به مقایسه تکمله الاخبار با جهان آرای غفاری دارد که  
در آن تکمله مأخوذ از جهان آرا بلکه خلاصه آن سمرده سده  
است. البته دور نسب که این دو مورخ همزمان بخشهایی از کتاب  
خود را از کتاب واحد دیگری اقباس کرده باشند و از این رو  
مسانه‌هایی بس ابار آن دو موجود باشد لیکن نباید غافل بود که  
تکمله الاخبار حداقل سه برابر جهان آراست و یکی داست آن دو  
و حبی ندارد.

مصحح، حناکه باد شد، کار خود را بر اساس نسخه ملک  
استوار و اظهار داسه است که ظاهر آدستوس دیگری از تکمله  
در دست نیست باید افزود که استساح از نسخه ملک هم کار  
دسبار اسان است و میران سهم مصحح در مقابله روس نیست.  
این قدر هست که در مقابله با اصل سقراط و اضافاتی ملاحظه  
سده است

بیدنی در سراسر کتاب به حسم می‌خورد و سداست که  
حاصل تصحیح مون به این کیفیت در خور قبول نیست و اگر در  
سمایی محققانه و انتقادی عرضه و به نام اسادی مورخ موسح  
باشد حه سنا فر سده هم باشد

در لایه لای مطالب من، به منظور تکمیل فایده مطالبی از منابع  
دیگر در فلات نقل سده است که وجه ضرورت آن معلوم نیست:  
ریرا کسی که به مطالعه کتابی خون تکمله الاخبار روی می‌آورد،  
بوقع ندارد همه روایات مختلف تاریخی را در آن ساند ناورنها و  
تعلیقات کتاب مملو از اس گونه نقل قولهاست. از متونی خون  
خلاصه التواریخ، جهانگسای غفاری با احسن التواریخ روملو  
مطالبی مفصل نقل سده بی آنکه بررسی انتقادی دربارهٔ آنها  
صورت گرفته باشد که البته تحقیقی نیست و تنها بر  
حجم کتاب افروده است

حاشیه

123425  
26.8.94



- (۱) تکمله الاخبار، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، ص ۶ و ۷
- (۲) تاریخ ناصد ساله خورستان، ص ۲۵۷
- (۳) شهریاران گمشده، مقدمه، ص ه، و
- (۴) رک محله ایران شناسی، شماره بهار ۱۳۶۹، ص ۱۵۸
- (۵) بدری آتانی، فهرست نسخ خطی کتابخانه سلطنتی (بحس تاریخ و جغرافیا)، ص ۵۱ و بعد
- (۶) رک ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری، تحریر احمد مروی، ص ۵۸۰
- (۷) فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۲، ص ۱۶۵ - نسخه یاد شده فاقد تاریخ کتابت است
- (۸) مطهر الاسرار، به کوشش ابوالفضل هاشم اوعلی رحیموف، چاپ مسکو، ۱۹۸۶ م

## طلیعه «دانشنامه جهان اسلام»

دانشنامه جهان اسلام حرف ب، خزوه اول ریر نظر احمد طاهری عراقی، مصطفی میرسلیم، نصرالله پورجوادی تهران. بنیاد دایرة المعارف اسلامی ۱۳۶۹ بارده + ۱۶۰ ص

طریفی گفته است که ایران بعد از انقلاب دارد عصر دایرة المعارف بوسی، یعنی در مقایسه با اروپا، فرو و ۱۷ و ۱۸ خود را می گذراند! این سخن دست کم با توجه به تعداد دایرة المعارفهایی که در سالهای اخیر منتشر شده است، راست است. دایرة المعارف بوسی در جهان اسلام اگرچه سابقه ای درین ندارد، به صورت امروزی امری ماحر بر غرب و متأثر از تحارب آن است اولس «دایرة المعارف اسلامی» را که از نقاط اواح مطالعات اسلام سیاسی و سرو سیاسی به حساب می آمد، غربها در بحسین سالهای قرن بیستم به سه زبان فرانسوی و انگلیسی و المانی در شهر لندن هلند منتشر کردند این «دایرة المعارف» بس سالهای ۱۹۰۸ (تا ۱۹۱۳) تا ۱۳۱۷/۱۹۳۸ در پنج مجلد و مجموعاً در بس از ۵۰۰۰ صفحه دو سوبی کامل شد بسرف مطالعات اسلام سیاسی که در هیچ زمان دیگری به سرعت و وسعت و عمق قرن بیستم نبوده است، برودی تجدیدنظرهایی را در مطالب این «دایرة المعارف» لازم آورد برنامهریزی برای بدارك طبع حدیدی از «دایرة المعارف اسلام» در سالهای بعد از جنگ دوم جهانی آغاز شد، و بحسین حرواب این طبع حدید در سال ۱۳۳۳/۱۹۵۴ انتشار یافت تاکنون بالغ بر ۱۰۶ حروه از این «دایرة المعارف» در ۶ جلد منتشر شده است همچنانکه در بسیاری از رمنه های فرهنگی و مدنی حدید، تاخر مسلمانان در این رمنه بر غرب سرفاقل انکار بود، و طبعاً بهترس، تا یکی از بهررس راههای حبران مافات همان بود که مسلمانان از مبانة دساوردهای غرب در این رمنه مبان تر برسد «دایرة المعارف اسلام» مرنور در برخی از کسورهای مسلمان با طابق العل بالعل برحمة شد و نا، همچنانکه در ایران و در دانشنامه جهان اسلام، مورد احد و افناس فرار گُرف (راجع به این ترجمه ها تا احد و افناسها در مقدمه دانشنامه جهان اسلام به تفصیل توضیح داده شده است)

در ایران از سال ۱۳۲۷ تلاشهایی برای ترجمه «دایرة المعارف» مرنور به زبان فارسی آغاز شد که در ابتدا حدیدی ناکام ماند، تا آن که از سال ۱۳۴۸ نگاه ترجمه و نشر کتاب بانی اقدام اساسی بری در این رمنه شد دانشنامه ایران و اسلام که بس سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۰ ده حروه از آن (تا مدحل «احواب المسلمون») انتشار یافت بحسین از حاصل این اهتمام بود حرواب یارده به بعد این دانشنامه، کلا شامل مقالات «أ» و «الف»

برودی توسط انتشارات علمی و فرهنگی انتشار خواهد یافت در اواخر سال ۱۳۶۲ تسکیلابی تحت عنوان «دایرة المعارف اسلامی» برای بی گرفتن جدی و اساسی تدوین يك دایرة المعارف اسلامی (از جمله بر اساس افناس با استفاده هایی از همان «دایرة المعارف اسلامی» له تأسس شد که از لواحق نهاد ریاست جمهوری بود و طبق لحاظ سرباط کلی بس از انقلاب از امکانات مالی سرباری باسته انجام حسین طرحهایی است، بر حوردار بود. خون به بخش عمده مقالات حرف «الف» از «دایرة المعارف اسلام» ترجمه شده بود، این بناد از حرف «ب» ابتدا کرد، مبها ایر اهتمام حدی تر به تألف و تلفیق مقالاتی در حب برحمة «دایرة المعارف اسلام» سب گردید که دامنه کار وسعت شد ساید، خصوصاً که در ترجمه سرتها به برگرفین مقالات «دایرة المعارف اسلام» بسده نگردیده و از منابع دیگری همه «دایرة المعارف ایرانیکا» هم استفاده شده بود برنامهریزی دو سحیده برای انجام کاری حسین سرگ و اهتمام به آن با وعده ای محضر، که بحسین از آن ناسی از واسنگی به دولت سرباطی کما بس ریاست کسانه بوده، باعث شد تا بحه بمراب این مساعی حمل اندکی دربح بنماید. بحسین - دانشنامه جهان اسلام که البته حرواب آماده و در دست - دیگری سرتدی دارد، علی رغم حجم اندکس به روسی حک از سحیدگها و دف بظرهایی دارد که در بدارك آن اعمال است این حروه که مصور سرتسب، در ۱۶۰ صفحه قطع رح دو سوبی، حاوی ۱۲۵ مقاله (از حرف ف تا نادوسانیان) از این تعداد ۷۲ مقاله از «دایرة المعارف اسلام» با منابع ترجمه شده، و ۵۳ مقاله مسفل تا بکمله (در دیل مقالات مرنور توسط محققان داخلی و خارجی برای همین دانشنامه با خریدده است و بر ' - ' مقالات را آفان عبدالحسن اذر سعدار باب سربانی، عباس خری احمد طاهری عراقی، کاسبی (و سرت به فاریق آفان ادرباس آدریوس، رضا سیدحس علی اسرف صادقی، فتح الله محتبانی و حسین معصومی همد تا سرت ویراساری افای ابوالحسن نحفی بر عهده داسه اند، معهود این ویراساران که از ستوانه های توسق این داس است در ساحت و صورت این حروه مسهود است؛ بخشی ا تأحیری که در انتشار این حروه رفه است نیز بر دمه همین دفة تو در تو و صمیمانه بوده است. تا همه این احوال علی الحصوص با توجه به همه موانع موجود و مقتضهای مه بحستین حروه دانشنامه جهان اسلام نسانه کاری کارستان به در کنار آثار مسابه و ارجمند دیگر بر حییت فرهنگی اسلامی می افزاید



## اولین فرهنگ جامع زندگینامه‌ای در زبان فارسی

نگ زندگینامه‌ها جلد یکم: اناگمیل- ابن یوسن ناطی به رستی حسن انوشه. وراستار سیروس مهدوی. مؤلفان عباس لی، سیروس پارسایی، محمد قاسم راده، شیدا مرادی. تهران مرکز فرهنگی رجا. ۱۳۶۹. ۸۵۶ص (قطع رحلی).

گینامه‌نویسی از سکوفاترین ساحه‌های ادبیات در تمدن لای بوده است. فضل تقدیمی که مسلمانان در این رمیه بر ت داسه‌اند آحنان آسکار است که به هجرو قابل انکار است رمایی که وفات الاعان ابن حلکان به عنوان بحسین ننگ زندگینامه‌ای عام الفبایی در تمدن اسلامی تدارک می‌سد، ن قرن ۱۳/۷، عرب سسرفه کنونی هور از طلمبات اعصار لمه‌اس سر بر نکسیده بود وفیات الاعان در رمان خود نقطه ح و تکامل سسی بود که به نك بعبر از قرن ۸/۲، یعنی از رمان بی بحسین «سیره»، با آن رمان بی وقعه و بالیده ادامه داس ت سب بیرومند ادبی از آن سس بر همحان بالیده و دوام بافه ت کتاب‌الاعانی، فوات الوفات، الوافی بالوفات، تم‌الادبا؛ الدرر الکامنه، کتب محلف طبقات، میل طبقات مها، طبقات السعرا، طبقات الحکما، طبقات السافعه، طبقات سانه و...؛ و در دوره‌های حدیدر، کتبی ماسدروصاف الحنات، ان السعنه، طبقات اعلام السیعه، الاعلام ررکلی، معجم ولسن، و نا در رمان فارسی (اعم از تألف و ترجمه) ربحانه ت، سخن سرایان فارس؛ برسکان نامی نارس، رحال نامداد؛ ال دوره فاحار، زندگینامه علمی داسمندان اسلامی، زندگینامه می داسوران؛ رباضندانان دوره اسلامی، مفاخر اسلام؛ و انار نار دیگر از این دست، سان دهنده قوت و خدمت این سب ادبی نارنامه تر بار آن است.

اسک در افتخای این سب حسنه، شاهد طلاه ار گرانسگی سم که در صورت کامل سدن بی بریدید کاملترن فرهنگ گینامه‌ای در تمدن اسلامی خواهد بود. این کتاب ار حمند و ل توحه نخستین مجلد از ار عظیمی است که ساید به بیس ار 'جلد سر بزد: جلد یکم فرهنگ زندگینامه‌ها در کمتر از ۹۰۰ ححه قطع رحلی و حاوی بیس ار ۶۰۰۰ مدخل (ار اناگمیل تا یوسن ناطی) است. برای تدارک زندگینامه‌های این مجلد ار ۴۹ عنوان کتاب فارسی و عربی، ۴۵ عنوان منابع یزه‌المعارفی و غیر دایره‌المعارفی فرنگی (اعم از انگلیسی و انبیه)، و ۵۰ عنوان از سسریات جدید و قدیم فارسی (میل امید ران، هنر و مردم، یادگار، یغما، پیام یونسکو، نشر دانش، معارف و

غیر آن‌ها) استفاده سده است. این مجلد حاصل هفت سال کار گروهی سخت و بیگیر بوده است (ص ۵۷، مقدمه)، و فرار است در صورت کامل سده خود حاوی حدود ۸۰۰۰۰ مدخل سسود (ص ۸، مقدمه). با آن که اکثر گروه همکاران این فرهنگ غیر حرفه‌ای بوده‌اند و تا کنون ار مکتوبی از آنان حاب نسده، کار تدوین این کتاب به نحو حسمگیری روسمند و انتظام بافته است اساس کار در انتخاب مدخلهای اصلی هما با اسم اسهر بوده است؛ ار القاب و عناون، حر آنها بی که بخشی ار اسم [اسهر] فرد مورد نظر بوده، در مدخلهای اصلی استفاده سده است؛ و در تعین مدخل اصلی زندگینامه‌هایی که «ابن» بخشی ار سهرت صاحب اسم را سسکیل می‌داده، به «سیوه رانح میان ناریان»، یا همان روسی که دایره‌المعارف فارسی مضاحب نیر ملحوظ داسه، عمل سده است برای ان که خواندن نام افراد تسهل سسود، بلافاصله سس ار هر مدخل اصلی، نام اصلی فرد مورد نظر با حروف لاتین آواو سسی سده؛ و در آواو سسی اسامی، عموماً تلفظ فارسی ربانان ملحوظ بوده است در اسهای تمامی زندگینامه‌ها فهرست اجمالی منابع و مأخذ مورد استفاده برای تدارک آن زندگینامه ذکر سده، و فهرست مفصلی کتاسباحی کله ان منابع و مأخذ در ربانان مجلد (در ۲۱ صفحه) آمده است

اگر حه مؤلفان در ناره ملاکسان در انتخاب افرادی که زندگینامه‌ها سان را در این فرهنگ خواهد آورد، بوضعی نداده‌اند، اما مسخص است که ملاک مؤلفان برای آوردن زندگینامه‌های افراد، مطلقاً سهرت آنان، قطع نظر از تعلفسان به هر قوم و ملت و طقه و حرفه و عصری، بوده است نار بدون آن که بضریح کرده ناسند، بنداس که فرار بر واقعیت داسن ناریحی افراد موضوع این زندگینامه بوده است، و ار ان اسها سها مساهر موفیات در ان زندگینامه آمده‌اند یا خواهد آمد، در حالی که در ناره مساهر عر ایرانی حسن سر طی اعمال سده است. ایچار مطبوعی در حجم مقالات زندگینامه‌ها رعایت سده است؛ مقاله ان حلکان، که تدارک کنندگان این فرهنگ دنباله‌دار سب اوید، به عنوان یکی ار بلندترن مقالات مجلد حاضر به حدود يك ستون و نیم سر می‌رید، و طول اکثر بقیه مقالات به حدود يك سوم یا نصف يك ستون می‌رسد. ار سسگفتار کوتاه ناسر براس کتاب بیداس که تدوین کنندگان و بیرو ناسر این فرهنگ ار مساورها و راهمابیه‌ای اهل فن بر خوردار بوده‌اند، و طبعاً اسطام و روسمند بودن کتاب حاضر از برکات هس بر خوررداری بوده است. در مقدمه ۵۰ صفحه‌ای این مجلد به تفصیل در ناره تاریحه زندگینامه‌نویسی، زندگینامه‌نویسی در حهان اسلام، و انواع زندگینامه‌ها در تمدن اسلامی، همحون سسره‌ها و مقاتل و طبقات و غیر آن سخن رفته (صفحات ۹ تا ۵۰)، و سس در ناره سیوه املا ی

نشده است. علاوه بر این جایگاه مارها در رده بندی جانوری روشن شده است. همچنین اسب وضع بدن مار و همه اندام آن، سیوه زندگی آن، علت بوسه اندازی مارها، حگونگی حر آنها، دستگاه سمی مار و حگونگی ترشح سم، حگو جفت گیری آن، و علی الخصوص واکنس رفتاری مار، بیمار دسمنان طبیعی مار، حگونگی براکنندگی مارها در کره زه اسامی انواع آنها و محل زندگی هریک از آنها، حگو براکنندگی مارها در نقاط مختلف ایران و اسامی انواع آنها، ر صد مار و ارسال آن به مقصد، مثلا آرمایسگاه، مارگزیدگ سابه های مسمومیت و روش های درمان آن .

کتاب مار سناح که با دفت عالمانه بدویس سده و حا مطالعات و بروهسها و آرمایسهای نگارنده آن است، در برگیر داسسهای متنوعی درباره مارها است. و گویا نخس علمی- بروهسی است که در این زمینه به زبان فارسی مد می سود نگاهی به کابنامه ای که در آخر کتاب درج شده است سان می دهد که تاکنون جر یک مورد (مارهای ایران، نو محمود لطمی، ۱۳۶۴) هیچ مطالعه حتی ساده ای درباره حریده عجب احام نگرش است و به همن دلیل کار بو سسد، رندکی را به بروهس در این راه گذرانده و بو اسسته است اطلآ علمی دهقی درباره انواع مارهای ایران و جهان فراهم آور درحور بقدر است. بقو برهای محلف، حدولهای گوناگ فهرست اسامی مارها و واره نامه دوربانه اخر کتاب سودمندی این اثر نمونه است ناداور می سود که از بو سسده کتاب، بس از این کتاب علمی عهرت سناح بو سطر مرکز داسگاهی مسر سده که یکی از کابهای سال سناحه سده است ع

## صدای شالیزار

صدای شالیزار (مجموعه شعر و مقاله درباره برج و برحکاری) کوئش رحیم جراحی، رشت، نشر گیلکان، ۱۳۶۸، ۱۴۱ ص + تصویر

برج رکن عمده تعدیه مردم ایران و یکی از فراورده های کساوری است که عمدتا در گیلان و ماردران تولد می به فولی «برج در ریان فارسی نام همگانی تخم و گناه سبز و رسیه و دانه حام یا نحه یکی از نامدارترین و کهن ترین علنه نساسته تاریخ ادمان ... است که امروزه حوراک برگزیده نیمه ارم کره زمس در هر عدا به سمار می رود» (ص ۱۰۵)

کسب برج و مصرف آن در ایران سابقه بسیار کهن دار مورحان گیلانی «یسیه دیرنا»ی آن را به رورگار کیومرد هوسنگ و جمسید می رسانند (ص ۱۰۷). با وجود این اطلآ

مراعات شده در این فرهنگ، صورتهای آوانگاری اسامی، معیارهای گزینس سر سناسه ها، القاب و عناوین، و نکات دیگر همچون نحوه ذکر تاریخهای ولاد و وفات افراد، توضیح داده سده است (صفحات ۵۱ تا ۵۸). تا کیزگی و بسیار کم غلط بودن این کتاب بیر قابل تقدیر است معدودی غلط مطعی همچون «الکرام البر» (در صفحه ۱۲۱ و ۱۲۹) که می بایست «الکرام البرره» می بوده، و یا «استفصا» (در صفحه ۵۰) به حای «استفصا»، و یا سیر صفحه «کاساساسی» (در صفحه ۸۳۴) که راید است، و یا حتی اسباهاتی در حد ترجمه کردن اصطلاح Jamissaries که سطر فرنگی «سی حری» (با ننی حریک) ترکی، به معنای «سرباران حدید» است، به «حان ساران» در صفحه ۱۲۴، دلیل مدحل ایراهم با سا داماد، هم از آن حب که اندک سمارند، و هم با بوحه به همت سودبی مؤلفان این فرهنگ نادیدی است. مریضی اسعدی

## مار: شناخت علمی و اسطوره ای

مار سناح تألف رضا فرانی بی بهران، مرکز سر داسگاهی، ۱۳۶۹، ۲۸۴ ص، مقصور، (سناه و سفند و رنگی)

در بصوری که ما از کودکی سبب به حانوران سدا کرده ام مار حایگاهی و به اما ناخوسانسد دارد حریده ای بندرو که معمولاً به رنگ محبطی است که در آن رندکی می کند، با سسی کریده، دیدایی سر و رهری کسیده حانوری که در تمام نقاط جهان بحر رلاندو و قطبهای شمال و جنوب رمس دیده سده است و در اسنا بس از سایر نقاط جهان ناف می سود البته امروز سسل مار همچون سسل بفرنا همه حریدکان دیگر رو به نابودی دارد، اما رورگاری بود که در هر نقطه رمس مخصوصا در سر رمس ما مارهایی ناف می سد که ابها را عمدتا به دود سسه کلی ای و دمی بقسم می تردم ای را عموما بی حطر و دمی را رهری و حطرناک می داسسم علاوه بر این اطلاعات افسانه ماسدی بر درباره مارها مخصوصا مار غاسنه که در رفای جهم رندگی می کند، داسسم فهرمان عمده برحی از داسانهای عامانه ای هم که بررگرا همان سب هنگام بقل می کردند، مار بود

اما اکنون از برکت مطالعایی که داسمندان جهان اردر بار و مخصوصا در فرن حاصر احام داده اند، همه بوهمایی که درباره مارها وجود داشته ارمسان رفه است مثلا امروزه می داسم که در سراسر جهان بفرنا ۳۰۰۰ نوع مار وجود دارد که سنها ۳۵۰ نوع از ابها سمی اند و از این بعداد فقط بس ۱۵۰ تا ۱۸۰ نوع را می توان حطرناک بلقی کرد که غالباً در اسنا ناف می سوند، و در برحی نقاط همچون ابرلد و ماداگاسکار وجود مار سمی گراس

بورزند» و لذا خود او در «عالم گل آفایی» بیدی نیست که به هر بادی بلرزد و حریفی نیست که میدان را حالی کند.

از عجایب کار گل آفا این است که در تمام این چند سال، بجز وفه‌های ناخواسته کوتاه مدت و غبتهای اضطراری، هر روز «دو کلمه حرف حساب» زد و هر بار فکری تازه ارائه داد و زبانی بخته‌تر و صریح‌تر به کار برد. در واقع یافتن موضوع و به قولی «سوره» برای طبر کاری پس دسوار است و، بر فرص هم که موضوع آسان یافته سود بردن و ارائه آن به زبان طرز دشوار خواهد بود که از آن کارهاست که گاو نر می‌خواهد و مردکهن. و گل آفا نشان داده است که مردکهن این کار است. اما، با آنکه ریس خود را در آسیاب مطبوعات و فلم زنی سفید کرده است و کمابیس از بسکسوتان به شمار می‌رود، هور حواں است یا در واقع دل و دهش حواں دارد و از ترک همین حوانی و سرزندگی دل و دهن توانسته است سس سال متوالی فلم برند، حراع ستون دو کلمه حرف حساب را روشن نگاهدارد و «مردمی ترین» و شاید هم «روحاننده ترین» سس را در مطبوعات امر و ایران به وجود آورد البته خود گل آفا حویس را «طبر بردار» نمی‌داند و معبد است که بوسه‌هاش در آن ستون معروف، به فضاوت مردم، «حرف حساب» است ولی مسؤولان آنها را طبر می‌داند. به قول خود سس بر این است که بدیها و کاسسها را بیند، یعنی به اصطلاح بجه‌های حبه بک «تخریب حی» است اما تخریبی که به قصد حمايت از حوبنها و تأسد آنها صورت می‌گیرد.

طبر تعلم و بدر سس است و طبر نویسی ادای تکلیف اجتماعی است طبر سیلی محکمی است که به صورت یک مسموم می‌رسد تا حواس سرد و ادامه حیاتش ممکن گردد، و گل آفا این سیلی محکم را بر صورت همه می‌زند. هر حا که بویی از نادرستی و ناکاری سرد، از داخلی و خارجی، عرب و عجم، مسلمان و کافر؛ و در این میان بیس از هر خبر برای ریان فارسی - که از هر طرف عرصه ناح و تار نادانان سده است - دل می‌سوراند، و از حق نباید گدسب که ریان خود او ریان مطبوعاتی در حوری است گردآوری مجموع آنچه با عنوان «دو کلمه حرف حساب» به مدت پنج سال هر روره در رورنامه اطلاعات چاپ شده است کاری جالب و سودمند است، زیرا که بحس عمده‌ای از حوادث سالهای اخیر در «دو کلمه حرف حساب» انعکاس یافته است در واقع «دو کلمه حرف حساب» آینه‌ای است که گوشه‌ای از سسمای جامعه ما را در سالهای سس از انقلاب نشان می‌دهد لذا انتشار گزیده‌ای از آنچه در «دو کلمه حرف حساب» گفته شده است، آن هم به ترتیب تاریخ چاپ آنها در رورنامه کاری سودمند و در حور تقدیر است.

ع. روح بحشان

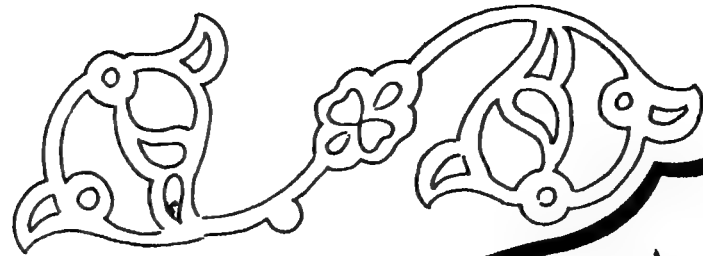
رد این فراورده بسیار محدود و ناحیز است و جز شکل ظاهر چند نام کلی مثل برنج شمال، برنج تایلندی، برنج آمریکایی، ج صدی، برنج دم سیاه و ... حیز دیگری از آن نمی‌دانیم. در ی که مردم شمال مخصوصاً روستاییان گیلان با برنج زندگی کنند: زندگی، کار، عس، فرهنگ، حماسه، افسانه، حسن، عم ادی، سور و سوك و خلاصه همه حیزسان با برنج و برنجکاری حبه است. اینان هم به برنج شکل داده و انواع گوناگون آن را به کرده و بدید آورده‌اند و هم از برنج و کارهای مربوط به سب و داسب و برداسب و کوبدن و حرید و فروش و مقصرف آن بر پذیرفته و کار و زندگی و اخلاق و عادات و سن خود را به ضای اس امور بنظیم کرده و شکل داده‌اند.

اکنون از ترک انتشار کتاب صدای سالر از که کتاب اول از مجموعه هف حلدی درباره هفت محصول عمده گیلان و بردان است با سرگدسب برنج، اهمب آن در کساورری و س عمده‌ای که در زندگی مردم آن مناطق دارد اسامی سویم. اب حاضر که حاصل کار صمصانه گروهی از کیله مردان لاهمند و آگاه است، در واقع دایره المعارف برنج به ریان فارسی است که کمر بکنه‌ای در آن ناگفته مانده است کرحه کسب اب کتاب و مخصوصاً تصاویر آن نامطلوب است، اما محتوای بوع و حواندنی آن این عیب را ناحدودی می‌بوساند

## گزیده «دو کلمه حرف حساب»

برده دو کلمه حرف حساب. گل آفا تهران، سروس ۱۳۶۹ ۴۷۱ ص

روزی که سس «دو کلمه حرف حساب» با امضای «گل آفا» در بالای گوشه حب صفحه سوم رورنامه اطلاعات ظاهر شد تا به مرور در سس سال تمام می‌گردد. این ظهور ناگهانی خوانندگان اطلاعات را سخت غافلگیر کرد، بخصوص که لحن گل آفا بد و صریح و گاهی تلخ بود از آن سس تصورات گوناگون بدید آمد و ناران تیراتهام از هر طرف بر گل آفا یاریدن گرفت که ایحرس و بیر ساده‌تریسان این بود که «طرف» از خودسان سب، روی حساب و کتاب می‌بوسد و مهمتر اینکه دولب مسعجل خواهد بود و زود جواسرگ خواهد شد اما در عمل معلوم شد که سی این ستون از سنگ و ساروج و نه فول امروزیها از سس آرمه ریخته شده است و از آن بهااست که از بادو ناران بیاندگرید و تند باد حوادث و تریاران تهمب به آن آسیب نمی‌رساند این نیز روس شد که هر چند «صاحب ستون» از هواداران انقلاب و مؤمنان به اسلام است اما فکر و فلم و زبانی مستقل دارد و معتقد است که «مسؤولان زمامدار مردم بیستند خدمتگرار مردمند... و نباید در خدمت مردم قصور و تعصیر



## چند کتاب چاپ خارج

«سووشون» به زبان انگلیسی

Simin Daneshvar, *Savushun* Washington, D. C. Mage Publishers, 1990

سووشون، اثر حاتم سمن داسور، که به‌فروسرین و یکی از بهترین رمان‌های فارسی است از سوی انتشارات منچ (Mage Publishers) به زبان انگلیسی منتشر شد. انتشارات منچ را، حیانه که از طواهر بنیاد است، ایران در ایالات متحده امریکا بنیاد نهاده اند تا به سر فرهنگ و هنر ایرانی بر دارند این خدمتی است از حمت، زیرا فعلا ادیان و باسراں کسورهای دیگر، ساند باحدی به دلیل کوبانیهای خود ما حدان بوحهی به ادیان معاصر فارسی ندارند و بی‌خبرند که در میان انار ادبی دهه‌های اخیر چه کتابهایی هست که می‌تواند حادیه‌هایی داسه باشد و می‌آزرد، چه از لحاظ فرهنگی و چه از حبت اقتصادی، که ترجمه و منتشر گردید از این ره، کار ایرانیانی که می‌کوسند خود به ترجمه و انساار انار ادبی معاصر ایران در کسورهای دیگر بر دارند بسیار مهم و در خود قدردانی است کار اسان سن عقلب ادیان و باسراں کسورهای دیگر را می‌سکند و بهر س انار ادبی معاصر فارسی را در احساار حواسندگان و مسفدان ان کسورها فرار می‌دهد اما اس خدمت مهم برای آنکه به هدف حتر خود برسد و انار ادبی معاصر فارسی را وارد بازارهای جهانی کند می‌تاسد واحد دوسرط باشد یکی آنکه ترجمه‌ها حلافه باشد و راساها و حدانتهای انار را به حواسنده زبان دیگر مسفل سارد، و دیگر آنکه انار ترجمه سده فقط در میان معدودی از داسگاهیان و خود اراسان حس نگررد، بلکه وارد سکه توزیع کتابها سود و به دست تمام حواسندگان احتمالی و مسفدان برسد

ساید ماروری که انار ادبی معاصر ایران از سوی خود باسراں بررگ و معسر کسورهای دیگر ترجمه و منتشر سود بوریع وسع آنها به اسانی مسر نگررد، اما ترجمه حلافه آنها به هم ایرانیانی که هم‌اکنون در داسگاهها یا به صورت مسفل به اس

خدمت مهم مسعودد ممکن است، و حسی می‌توان گفت این بهرین خدمتی است که در سر فرهنگ و هنر ایران معاصر دست آنان بر می‌آند.

مناسفانه ترجمه‌ای که انتشارات منچ از سووشون حاتم سمن داسور عرضه کرده است لطف اثر را، که ان هم حواسندگان فارسی زبان را مسحور کرده است، به حواسندگان انگلیسی زبان مسفل نمی‌کند ملاطف امر برین سخنی که می‌توان درباره این ترجمه گفت این است که قصه (story) سووشون را به زبان انگلیسی برگردانده است ولی قصه رمانی، با آنکه به نفعه عنصری مهم است، عس کنده بررکی رمان نیست، و به حقیق مساء حداث و سحر آن نیست دورمان یکی بررگ و دیگری فرومانه، می‌تواند قصه واحدی داسه باشد با قصه‌های آنها از ادرس یکسانی برخوردار باشد اما آنچه رمان بررگ را بررک می‌سارد معماری و فضا سازی سحرانگه رمان بوس هرمند است که با مصالح کلمه مکتوب صورت می‌گیرد در ترجمه انگلیسی سووشون هیچ سانه‌ای از معماری فضا سازی هرمندانه مس فارسی ان نیست و به همین دلیل حای تعجب نخواهد بود اگر حواسندگان مس انگلیسی ادرس هری سووشون را در ساند و حادیه ان را حس نکنند با اراس می‌توان گفت که باسر، با همه حس سنی که داسه و وف و سرمانه‌ای که صرف کرده، حق رمان از رسمد خام داسور را به حاناورده است و بر اوست که با ترجمه حاضر را کمال بخشد با ترجمه دیگری در حور سووشون عرضه ندارد.

ناصر ایرانی

## شناخت ساحت‌های معنوی در اسلام ایرانی

Daryush Shayegan, *Henry Corbin La topographie spirituelle de l'islam iranien*, Paris, Editions de la Différence 1990, 305 p

کتاب داریوش شایگان استاد سابق دانشگاه تهران و رئیس سابق مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها نخستین کتابی است که دوازده سال

مربوط به «فرسته انسانیت» و «گذار از حماسه بهلوانی به حماسه عرفانی» در فلسفه و عرفان ایرانی مورد بحث قرار می‌گیرد. دفتر سجم (p 225-276) توضیحی است در باب تأملات کرین دربارهٔ حرابه‌های عرفان ایرانی همچون سیخ سارح سطحیات، روربهان بقلی سراری و عرفان اسلامی یعنی محی‌الدین بن عربی و نظریهٔ او دربارهٔ عالم مثال که کرین در کتابی مفصل به این بحث پرداخته بود. حائمه کتاب (p 279-291) در بهایب احتضار اهمیت اندیشهٔ هانری کرین را از دو دیدگاه عربی و سرفی مورد بحث قرار می‌دهد. در این صفحات به دوا بر اساره سده است که هر يك به نوعی با نکیه بر اندیشهٔ فلسفی هانری کرین مشکل رویارویی سری و عرب را مورد تأمل قرار می‌دهد. کتاب بحسب مطلق مسرفین از کریسیار رامبه است که بالاتر به آن اساره سد و دومن ایر، کتاب دیگری از خود داریوس سایگان است که سالها بیس از این به ران فراسوی اسسار یافته بود.<sup>۲</sup> کتاب داریوس سایگان دربارهٔ کرین ایری بر حادبه وار ران و سایی سلس و روان بهره مند است و برای حواسده‌ای که بخواهد بدون مراجعه به بوسه‌های دسوار و بیحدهٔ هانری کرین با اندیشهٔ او آسا سود، سسار براهمب است

سیدحواد طباطبایی

1) Christian Jambet *Le dialogue des Orientaux* Paris Editions du Seuil 1983

2) D. Shayegan *Qu'est-ce qu'une révolution religieuse* Paris Presses d'aujourd'hui 1982

## فرهنگ بسامدی غزلیات نظیری

Samadi Narges- Zipoli, Riccardo Naziri *Concordance and Lexical repertories of 1000 lines*, Venezia, Poligrato, 1990, 429p, grand format

برکس صمدی و ریکاردو زیپولی نظیری، فرهنگ بسامدی و واژگانی هزار بیت، ونیز، پولیگرافو، ۱۹۹۰، ۴۲۹ ص، قطع بزرگ

محمدحسین نظیری بساموری از ساعران نامدار ایران در اواخر قرن دهم و اوایل قرن نازدهم هجری است که در خوانی به هند رفت، بحسب به دربار عبدالرحیم خان خاقان راه یافت و سس از آن به دربار اکبر شاه بوسب او بسس عمر خود را در احمداناد گجرات گذراند و سالهای واسس رندکی را در ایروا سر کرد و در سال ۱۰۲۱ در همان حا در کدست دیوان او که شامل فصاید، برکیات، برجمعات، مقطعات و رباعیات است در حدود ده هزار بیت است که يك نار در هندوستان و نازدیگر به تصحیح مظاهر مصفا تحت عنوان دیوان نظیری بساموری در ۱۳۴۰ در بهران

از مرگ هانری کرین فیلسوف ایران ساس فرانسوی از يك ایرانی دربارهٔ اندیشهٔ این فیلسوف نوشته سده است. کرین که مطالعات خود را با فلسفهٔ فرو و وسطی و فلسفهٔ بی بوبره هگل و هایدگر آغاز کرده بود، سس از آسایی با سه و معنویب ایرانی و بوبره انار سسح سهاب‌الدین وردی، سسادگذار حکمت اسراق، عرفان و حکمت ایرانی را ثانون تأملات خود فرار داد و افرو بر احیای برخی از به‌های حکمای ایرانی، دهها کتاب و مقاله در تفسیر و معرفی ب بوسه‌ها به زبان فرانسوی مسسر کرد.

سس از اس، یکی از سروان و آسایان به اندیشهٔ هانری کرین بی با عنوان مطلق مسرفین<sup>۱</sup> با ناکند بر بحث کرین دربارهٔ به مثال مسسر کرده بود. کتاب داریوس سایگان دومن ایر به ن فرانسوی دربارهٔ هانری کرین است و تقریباً همهٔ وحوه سسهٔ او را مورد بحث قرار می‌دهد. اس کتاب از سسح دفر و یک به فراهم آمده است دفتر بحسب (p 13-64) به طور عمده ایج رندگانی معنوی هانری کرین را از غرب عربی با وصول مسری ابوار با ناکندی بر مشکل عالم مثال مورد بحث قرار دهد حمانکه در سر آغاز بحسب فصل همس دفر آمده، کتاب سس، سسح احوال، بوضیح آثار و بررسی تفادانه روس فلسفی، اندسمند سسب، بلکه «کوسسی سسحی است برای بال کردن مسسر بحربه‌ای اسسانی در سسحوی معنوب» (p ۱)

در نانان اس دفر، مسرهای چهارگانهٔ سلوک کرین در سسحوی مسرو ابوار برحسبه می‌سود و همس مسرهای بهارگانهٔ سلوک کرین در ایران دورهٔ اسلامی و سس از ان صوع بحث دفترهای چهارگانه آتی فرار می‌گرد

دفر دوم (p 67-120) به بحث دایرهٔ سوب و ولایت می‌برد و در بر سوم (p 123-176) دومن مسسر هانری کرین از فلسفهٔ اصالت هب تا حکمت مبتنی بر حضور را مورد تأمل قرار می‌دهد در دفر بقدر متفاوت حکمت در مسری سر رمنهای اسلامی در ران با اس سینا و مکتب ابن رسد در غرب سر رمنهای اسلامی رد بحث فرار گرفته و تداوم اندیشهٔ فلسفی در ایران، از اس سینا سهروردی و ملاصدرا از یک سو و احیای مراتب حکمت بوبر سس مردابی در حکمت اسراق سهروردی از سوی دیگر مورد دید فرار گرفته است.

دفر چهارم (p 179-221) داسانهای تمیلی این سسا- یعنی ساله‌های حی بن یفطان، رساله‌الطیر و سلامان و اسال- و نر ساله‌های تمیلی سهروردی و بیوند میان این رساله‌ها با ستانهای تمیلی ابن سینا را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این نر برخی از مباحت اساسی اندیشهٔ هانری کرین بوبره بحث

حاج سده اسب

بهنه فرهنگهای سامدی از اسعار ساعران فارسی زبان مدبهاست که در ایتالیا رواج گرفته اسب و گروه برکار ریکاردو ربولی، اسناد دانسگاه ویرتاکنون سچ کار عمده در این زمینه در مجموعه «عزل فارسی» اسبار داده اسب. دستورالعمل بهیه فرهنگهای سامدی، فرهنگ سامدی حافظ، فرهنگ سامدی فعایی؛ فرهنگ سامدی طالب املی او فرهنگ سامدی نظری که احرا حاج سده اسب- و البته فقط شامل هزار بیت مسحت از دیوان نظری سساورنی اسب

استفاده از کتاب حاضر در صورتی مسر اسب که حواسده دسب کم کتاب اول را که سهوه کار را سان می دهد در احسار داسه ناسد. بدون ان حسی فهم سهوه اوانکاری کلمات و عبارات عزممک می نماید در عس حال کار افای ربولی که فرهنگ سامدی ۱۰۷ عزل از نظری سساورنی را همراه با ابواع فهرستها و حداول و سمودارها به دسب می دهد، و در بهیه آن از کامیونر استفاده سده اسب، در حور هرگونه بقدر اسب

## بهاره، فصلنامه انجمن فرهنگی ایران در رم

*Maqmu'e-ye Baharve*, Roma: Istituto Culturale della Repubblica Islamica d'Iran in Italia (Quaderni 1) 1989, 195p, illustr.

مجموعه بهاره، فصلنامه ساسدکی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا، زم، ۱۹۸۹، ۱۹۵ص، مقصور

ساسدکی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا فعالیت فرهنگی و اسبارایی خود را که از حید سال سس اعار کرده اسب، با حدیث دینال می سس یکی از اسباراب احرا اس ساسدکی مجموعه بهاره اسب نه حاوی مقالات و بحقیقاتی ارداسمندان و ایران سسسان ایتالایی اسب ریکاردو ربولی به بررسی سسر فارسی از «عصتری با هانف» برداحه و نمونههایی از اسعار ساعران ان دوره را به دسب داده اسب حامسرو سلسگری ریدکی و سسر سائب سربری را بررسی کرده اسب لوحا سربالونی «حوسحال خان حیک» (۱۰۲۲ تا ۱۱۰۱ ه.ق) را معرفی کرده اسب که دیواس حدی سس با عنوان *ارمعان حوسحال* توسط منان سسد در سساور حاج سسد خان دوربو شکارحانه بررسی اولین سسر فارسی که به ایتالایی برحه سده برداحه اسب، فلسف ماربا سربویی «کمال ساعری» نظامی را سان داده اسب، سسلونا کوریکی از داسابهای کوباه صادی حویک را ترجمه کرده اسب، و حایلوکا مایی بولی سس از بررسی احمالی

داستانهای عامیانه، ترجمه روایی از نمایش «پهلوان کحل» بر ارائه داده اسب و بالاخره حورحو ورحلس به بررسی سعارهای دیواری در انقلاب اسلامی برداحته اسب. اس مقاله با هسب تصویر ریا و گونا همراه اسب.

## داستان دنباله دار «الموت»

ambet, Christian *La grande resurrection d'Alamut*, Paris, Verdier, 1990, 420p

کریستیان ژمه رستاخر بررگ الموت، پاریس، وردییه، ۱۹۹۰، ۴۲۰ص

کریستیان ژمه، ساگرد هاری کرین و ادامه دهنده راه و کار او د رمنه بحقیقات مربوط به فرقه اسماعلیه اسب او در نار اسماعلیان بروهسهای کرده و تاکنون اناری در اس رمنه مسس کرده اسب که کتاب فطور حاضر آخرس آنهاست منفلور او او «رستاخر بزرگ» فام حسن صاسح اسب که معسده بود بیوب حصرت محمد (ص) خم سده اسب، اما معنای کامل فرآن فقط امام کامل و «صاحب رور فنام» می داند و می تواند برده اس سرار ان بردارد و آردادی معوی و روحی کامل و بهایی مؤسسان فراهم آورد امامی که عدالت و صلح را برقرار حواهد کرد، اما در طول تاریخ سساری از ابرسان ادعای «امام» کرده، که غالب اسسان انکردههای سسای داسسد و سرباحامسان نامردی انحامد.

نویسنده سس از بررسی احمالی انحه کفه سسد، به دسب قص الموت را بحربه و بحلل می کند و اطلاعات ناره ای در دسبر حواسده می کدارد

## ترجمه ایتالیایی دوبیتیهای باباطاهر

Lebecchi, Gabriele *Quartine (Do-beiti)*, Roma, Istituto Culturale della Repubblica Islamica dell'Iran in Italia [1990], XVII + 77 p

گابریل ربه کی دوبیتیهای باباطاهر، رم، ساسدکی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا [۱۳۶۹/۱۹۹۰]، هفده + ۷۷ص

باباطاهر عربان یکی از عارفان ابرانی اسب که می گو سسد در فر سحم می ریسته و طعزل سلحوفی در سال ۴۴۵ در همدان با دیدار کرده اسب. اما حقیقت این اسب که از ریدگی و احوال حندان حیری می دایم. البته در ناره او ایرانیان و فرنگیان کتاب مقاله سسبار نوشته اند و آخرین آنها بحقی عالمانه ای اسب

سیخ نجم‌الدین کبری (متوفی ۶۱۸) بود که همراه نایک مقدمهٔ مبسوط به زبان آلمانی در سال ۱۹۵۷ در وینسایدن منتشر شد. پس از آن مایر کتاب جامعی دربارهٔ ابوسعید ابوالخیر به زبان آلمانی نوشت که در سلسله کتابهای *اکتا ایرانیکا* منتشر شد. این دو کتاب هر یک به نوبه خود یک ساهکار تحقیقاتی است متأسفانه این دو اثر هنوز به زبان فارسی ترجمه نشده است و به همین دلیل تحقیقاتی را که در سالهای اخیر بدون توجه به این دو اثر در زبان فارسی و دربارهٔ سیخ نجم‌الدین و ابوسعید ابوالخیر انجام شده است باید ناقص دانست. کتاب *احمر بروفسور مایر نیز* همین کار را با تحقیقات آیندهٔ دیگران در مورد «نهاء ولد» خواهد کرد. دربارهٔ «نهاء ولد»، بحر تصحیح کتاب معارف توسط بدیع‌الزمان فرورانی و مطالبی که حسن و کریچه در ضمن شرح حال مولوی نوسه شده است کاری انجام نگرفته است. کتاب *احمر مایر* که مانند آثار دیگر او از جامعیت و دقت کم نظیر برخوردار است هم کار را برای محققان ما آسان می‌سازد و هم دشوار. آسان می‌سازد از این لحاظ که مایر در این اثر واقعاً سبک تمام گذاشته و یکی از بررکرین عارفان ایرانی را که زندگی و عرفان او تاکنون نسبتاً باساحتی نبوده است معرفی می‌کند و دشوار می‌سازد از این جهت که این اثر به زبان آلمانی است و برای محققان ایرانی که آلمانی نمی‌دانند، کجساخته‌ای است سر به مهر (ترجمهٔ کتاب ابوسعید را یکی از مترجمان آغاز کرده و امیدواریم که این کار با موفقیت به پایان برسد در مورد کتاب «نهاء ولد» بر امیدواریم حسن کاری انجام گیرد).

و اما مجلد سیزدهم این سلسله (مجلد نازدهم هنوز به دست ما نرسیده است) این مجلد حاوی مقالاتی است به زبانهای انگلیسی و بعضاً آلمانی و فرانسوی که به مناسبت برگرداندن احسان نازیساتر منتشر شده است. موضوعات متنوع است، بعضی دربارهٔ فرهنگ ایران پس از اسلام و بعضی دربارهٔ فرهنگ ایران در دورهٔ اسلامی و حتی دورهٔ معاصر است. فهرست مقالات از این قرار است:

۱. آسموس، «سمرع در ترجمه‌های یهودی-فارسی بورا» (انگلیسی)
۲. هارولد بلی، «سنگ‌های ایرانی (Ket) و الفاطی که با آن نسبت دارند» (انگلیسی)
۳. نارورث، «گزارش حواری دربارهٔ ادیان و فرقه‌های مختلف - بخصوص ادیان ایرانی» (انگلیسی)
۴. ماری نویس، «ملاحظات دیگری دربارهٔ ررواسم» (انگلیسی).
۵. حمسند حوکسی، «حالات و اطوار ظاهری مردم در ایران قدیم و آسیای مرکزی (مبلا) بلند کردن دست» (انگلیسی).

نوبه‌کی بر ترجمهٔ آلمانی دوبسهای او نوسه است. من تحقیقی که به زبان فارسی دربارهٔ ناناظاهر نوسه شده مقاله‌ای است دبل نام «ناناظاهر» در *داسنامهٔ جهان اسلام* دائرةالمعارف اسلامی، بهران، ۱۳۶۹، ص ۵۲-۴۷. سبب این دوسبها به ناناظاهر محل تردد است و اگر هم نفس باشد، مسلم است که در طول سالها و سده‌ها عبرت از در اینها راه یافته و اراصل خود دور شده‌اند در عین حال به سهرتی که ناناظاهر در آلمانا دارد و از سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷) تاکنون حدیث کتاب و مقاله دربارهٔ او نوسه شده است. اسناد کابریل رنه‌کی او را موضوع یک دوره از اینهای خود در داسگاه فرار داده و حاصل آن را به صورت حاضر حاب کرده است. مترجم برای کار خود من مصحح دسگری را که با مقدمهٔ رسد یاسمی در ۱۳۳۱ تحت «دوان ناناظاهر» حاب شده است، اساس فرار داده و ۲۹۶ ن را به آلمانایی برگردانده است.

اب کتاب به صورتی بسیار نفس و روی کاغذ اعلا انجام است و حا دارد که به ناسر آن دست مر براد گفت اراد بروخردی

## کتابهای جدید «اکتا ایرانیکا»

ایرانیکا (Acta Iranica)، که یکی از معتبرترین سلسله‌ای است که بر نظر ابراساسان برحسته دربارهٔ مطالعات ساسی به زبانهای اروپایی منتشر می‌شود، مجلدات جدیدی ی سوم (troisieme serie) در دو سال اخیر به حاب رسانده مجلد چهاردهم (Vol. XIV) آن که در سال ۱۹۸۹ منتشر ست ابری است از بروفسور فریتس مایر دربارهٔ «نهاء ولد»، یلانا حلال‌الدین رومی، بروفسور مایر هم اکنون بررگترین غریبی است که دربارهٔ تصوف و عرفان ایرانی تحقیق بد. بعد از تصحیح فردوس المرسدیه اولس ابر بررگ و به یاد ن او تصحیح کتاب *فوائح الحمال و فوائح الجلال* تألیف

- (انگلیسی).  
 ۱۹. امنون نصر، «داستان سعید پیامبر در موسی نامہ ساهین» (انگلیسی)  
 ۲۰. فراسی رورتال، «داستان همیان به روایت طبری» (انگلیسی)  
 ۲۱. حمیر راسل، «کرتیر و مانی: یک مدل سمنی از برا» اسان» (انگلیسی)  
 ۲۲. رودریگر اسمب، «اسم داریوس» (انگلیسی).  
 ۲۳. مارس سواربر، «مهمان نواری و عارف (الفاظ مربوطہ آنها در ایران قدیم)» (انگلیسی)  
 ۲۴. الف ساهور سہباری، «در باب حدای نامگ» (انگلیسی)  
 ۲۵. سانول سکد، «ارارسان حیری بحرید حملہ ای آرامی، رواب یہودی- ایرانی» (انگلیسی)  
 ۲۶. نیکولا سمس - ویلیامز، «حام نئی سوور» (patsuvana) در فارسی قدیم» (انگلیسی)  
 ۲۷. برتولد اسولر، «لنورہ (Lenore)» (آلمانی)  
 ۲۸. رنگموند ہلگدی، «نظر همولت در بارہ فارسی و مقاسہ ربانہا» (آلمانی)  
 ۲۹. فردریک بوردارسون، «اکسان در ربان ایرانی قدیم» (انگلیسی)  
 ۳۰. فردون وھم و اسانریان، «نظری بہ وارہ نامہ رارا» (انگلیسی)  
 ۳۱. مانکل ویکر، «کمالات سنی ساعران قدیم فارسی» (انگلیسی)  
 ۳۲. ...  
 ۳۳. ...  
 ۳۴. ...  
 ۳۵. ...  
 ۳۶. ...  
 ۳۷. ...  
 ۳۸. ...  
 ۳۹. ...  
 ۴۰. ...  
 ۴۱. ...  
 ۴۲. ...  
 ۴۳. ...  
 ۴۴. ...  
 ۴۵. ...  
 ۴۶. ...  
 ۴۷. ...  
 ۴۸. ...  
 ۴۹. ...  
 ۵۰. ...  
 ۵۱. ...  
 ۵۲. ...  
 ۵۳. ...  
 ۵۴. ...  
 ۵۵. ...  
 ۵۶. ...  
 ۵۷. ...  
 ۵۸. ...  
 ۵۹. ...  
 ۶۰. ...  
 ۶۱. ...  
 ۶۲. ...  
 ۶۳. ...  
 ۶۴. ...  
 ۶۵. ...  
 ۶۶. ...  
 ۶۷. ...  
 ۶۸. ...  
 ۶۹. ...  
 ۷۰. ...  
 ۷۱. ...  
 ۷۲. ...  
 ۷۳. ...  
 ۷۴. ...  
 ۷۵. ...  
 ۷۶. ...  
 ۷۷. ...  
 ۷۸. ...  
 ۷۹. ...  
 ۸۰. ...  
 ۸۱. ...  
 ۸۲. ...  
 ۸۳. ...  
 ۸۴. ...  
 ۸۵. ...  
 ۸۶. ...  
 ۸۷. ...  
 ۸۸. ...  
 ۸۹. ...  
 ۹۰. ...  
 ۹۱. ...  
 ۹۲. ...  
 ۹۳. ...  
 ۹۴. ...  
 ۹۵. ...  
 ۹۶. ...  
 ۹۷. ...  
 ۹۸. ...  
 ۹۹. ...  
 ۱۰۰. ...

## مجله فیزیک

از اساتذات مرکز سراسر دانشگاهی  
 (سال ۸، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۹)  
 منتشر شد

- عنوان برخی از مقاله‌ها
- ۱. بله‌های یون، الکترون مبروی، و ساعت‌های اتمی
  - ۲. اصل کمترین کس
  - ۳. اخبار بروہسی
  - ۴. معرفی کتاب‌های تارہ
  - ۵. عنوان برخی از مقاله‌ها
  - ۶. اخرج اولیونک و سفس اسس الکرون
  - ۷. اداره کتری دفعی رمان
  - ۸. نظریہ آرمون سست حاص حسب و حہ لزومی دارد؟



## کلیات

### ● دایرةالمعارفها

(۱) بیرشک، احمد (زیر نظر)، *رندگسامة علمی دانشوران ح ۱ تهران*  
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۹ ۱۰۰۴ ص + ۱۲ ص صمیمه +  
۳۰ ص املای اعلام ۵۰۰۰ صفحه ۶۰۰۰ ریال

فراز است که این کتاب ترجمه بی کم و تاست *Dictionary of Scientific Biography* باشد که انتشار کلیه مجلدات انگلیسی آن در سال ۱۹۸۱ به پایان رسید اصل کتاب مشتمل بر شرح حال، آثار، و نظریه های علمی نسل از نسل هزار داسمند جهان در رشته های گوناگون علمی است همراه با کناساسی و حوایدنیهای فرعی در مورد هر شخصیت. مورد داسمندان ایرانی و اسلامی و برخی شخصتهای معروف، علاوه بر کناساسی من اصلی، یک کناساسی، حداکانه فارسی بر تهیه شده است بخشی از آن جلد در سالهای ۱۳۶۶، ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ در سه جلد جداگانه منتشر شده بود کتاب حاضر که شامل سه جلد بیست و هفده چهارم آن است جلد اول از مجلدات ده گانه آن در زبان فارسی اسجل میدهد

### ● کناساسی، فهرست

(۲) انوار، سید عبدالله فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران ح ۲ (کتاب فارسی، از شماره ۵۰۱ تا ۱۰۰۰) تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۹ ح ۲ + ۶۰۹ ص فهرست راهنما ۱۰۰۰ صفحه ۱۸۰۰ ریال

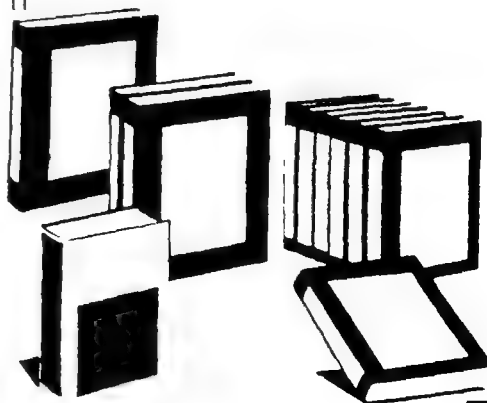
فهرست مجموعه نسخ خطی فارسی و عربی کتابخانه ملی برای محسن بار در طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ در ده جلد منتشر شد این مجلدات دهگانه جمعاً شامل فهرست ۶۸ ۵ صفحه است که عند برآیناس برست حیده بدن نسخه ها در فقه های کتابخانه ملی تنظیم شده و معرفت آنها از هیچ نمک مک موضوعی و الفبائی استفاده نشده است البته فهرست راهنمای آخر کتاب با انداره یادی در نای کتابها سودمند قابل استفاده است عنوان نسخه خطی، نام مؤلف و مترجم، سال تالیف، شرح مختصری درباره محتوای هر نسخه، نام کسی که کتاب را به این اهدا شده از جمله اطلاعاتی است که درباره هر یک از نسخه ها عرضه شده است فرا است بر آینه فهرست عامی، شامل فهرست مدخلی موضوعی، فهرست الفبائی، برای ثلثه مجلدات آن اثر فراهم کرد (۳) تکمیل همایون، ناصر (زیر نظر) *کناساسی تهران - کتابها تهران*، مرکز حکومتی دوست ساله ایران - ۱۱ تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۲۹۲ ص (۱۹۵ ص فارسی + ۱۳۵ ص لاس) ۲۰۰۰ صفحه ۱۲۰۰ ریال

کناساسی حاضر شامل محسن فعالیت های «نرده بره سی - نراره تهران» مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی است کتاب ده جلد فارسی و لاس تشکیل شده است محسن فسمب از محسن فارسی عنوان «ساحب بروهنهای جدید درباره تهران»، آنها شامل فهرست مندرجات بعضی آثار دکتر محسن برنمان درباره تهران قدیم و تهران بزرگ است به جای نقل فهرست مندرجات این کتابها بهر بود توضیح مختصری درباره محتوای هر کتاب داده می شد «ساحب بروهنهای جدید درباره تهران به زبانهای اروپائی» شامل نقد و معرفت سه کتاب فرنگی درباره تهران «کناساسی تهران به زبان فارسی» و «کناساسی تهران به زبانهای اروپائی» (مشمول بر مشخصات ۹۷۹ کتاب به زبانهای اروپائی درباره تهران) عنوان فسمتهای دیگر این کناساسی است جلد دوم و سوم کناساسی حاضر که در آینه منتشر خواهد شد، به ترتیب شامل فهرست مقاله آمده ها درباره تهران و فهرست سالها و گزارشنامه ها درباره تهران خواهد بود

(۴) سرمدانی، مهوس فهرست کناساسیهای موضوعی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید حمرا (۱) اشترینه شماره ۲۳ کتابخانه مرکزی) بی جا دانشگاه شهید حمرا ۱۳۶۹ ۵۸ ص شامل فهرست توضیحی ۱۷۲ عنوان کناساسی موضوعی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه شهید حمرا (۱) تهران است

## کتابهای تازه

امید طبیب راده



(۵) میر احمدی، مریم کتاشناسی تاریخ ایران در دوران باستان تهران  
امیرکبیر ۱۳۶۹ ۱۷۵ ص جدول فهرست اعلام ۴۴۰۰ صفحه ۸۰۰  
ریال.

معرفی آن دسته از منابع و مآخذ باستانی که به نحوی به تاریخ ایران پس از اسلام مرتبط می‌شوند، ساد کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. دوره‌های مورد بحث در این کتاب عبارت‌اند از ادوار پس از تاریخ، هخامنشیان، سلوکیان و اسکانیان و ساسانیان. آثار باستانی، سنگ‌ها و انگشترها و مهرها، تسمیه‌ها و سنگ‌تسمیه‌ها، تسمیه‌های مورخین یونانی و رومی و تلذایی که معاصر پادشاهان ایرانی بوده‌اند، آثار مکتوب باقی‌مانده به زبانهای پهلوی، بخاری، ایغوری، سانسکریت و غیره از جمله منابع و مآخذ مورد نظر نویسنده است. فصل آخر کتاب حاوی شناسایی مآخذ مآخذ تاریخ ایران باستان است. ۶) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - اداره کل مطبوعات و نشریات کتابخانه ۶۶-۶۴ (فهرست کتابهای منتشره رمنسان ۱۳۶۸) تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۸ ۵۵۸  
صن جدول شماره ۱۰۰۰ نسخه ۵۰۰ ریال

در زمستان ۱۳۶۸ جمعا ۲۳۲۳ عوارضات مسير شده است

● محمودة ها، بادامه ها و بک گارها

۷) افشار سیمایی، ارج مقالات ارتباطی نهران موسسه  
اشارانی و آموزشی سبب داش ۱۳۶۹ ۵۷۱ حین بقیه معسور فهرست  
اعلام ۳۰۰۰ سجه ۳۶۰۰ رنال

۸) به مناسبت برگردانست امسک (شاعر ملی رومانی) تهران  
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۹۹ صص ۱۰۰۰  
سجده ۳۰۰ ریال

[illegible]

۱۹) بی رادہ حیدر (دکوسس) کتاب سحر (مجموعہ مقالات)  
بہار ناشر مولف ۱۳۶۸ | اورع ۱۳۶۹ | ۴۰۳ میں سودار مقصور ۴۰۰۰  
صفحہ ۱۲۰۰ | نال

مجموعه مقالات، دانشنامه معارف اسلامی، جلد شانزدهم، زمستان ۱۳۸۵  
 احمد نقیعی، هاشمی، محمد باقری، دلی‌هاجری  
 غاسوراده، فرحان، جوهری، ده حجاب، میرزاپی و دیگران  
 دومین جلسه محفل اندیشه‌ای، تابستان ۱۳۸۶

۱۰) دفتر امار و فراری داده‌ها و ریشه‌ها راهنمای کنسرسی در ایران  
(ح ۳) خدمات دولتی اهواز به انجمنه فهرست معیشت اسامی معارف  
بی‌جا سرکبست جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹ ۲۴۰ ص فته فره  
۲۰۰۰ صفحه ۵۰۰ ریال

۱۱) دفتر انتشارات کمک آموزشی چشم و اسنه (ماداره کمک سالگرد ارجال حضرت امام حسی ارده) برای داس اموران دوره راهمائی و دسرسان) بهران وزارت موسس و برورس ۱۳۶۹ ۶۳صص مقصور ۲۲۰۰۰ سجه اهدا به کیناحه مدراس

مجموعه قطعات ادبی و اشعار از یوحنا بن سبوتیه که در سده ۱۵ میلادی  
توسط (۱۵) سروده شده است

۱۲) شعبانی، اسدالله (به کوسترا) سلسله مقالات تحقیقی بوسکو  
در باب کودکان جهان ترجمه الهه صرغاء (از) بری موسوی اهران  
دب خانه سال جهانی کودک بوسکو ۱۳۶۹ ۱۵۰ ص ۵۰۰۰ نسخه  
۸۰۰، پای

۱۱ «... و...» «... بر حقیقت معذرت است» «... بر حقیقت معذرت است» «... بر حقیقت معذرت است»

آبیران حلیج فارس و دریای عمان، بندر عباس - خرداد ۱۳۶۸ بی‌حاشیه  
سهامی شیلات ایران ۱۳۶۹ ۳۵۸ ص نمودار جدول نقشه ۱۰۰۰  
نسخه

۱۴) واحد آمار و اطلاعات [جهاد دانشگاهی صنعتی شریف]  
فعالیت‌های هفت ساله جهاد دانشگاهی صنعتی شریف (۱۳۶۸-۱۳۹۱)  
بهران انتشارات جهاد دانشگاهی صنعتی شریف ۱۳۶۸ ۱۰+ ۵۳۲ ص  
حدول مقصور نمودار ۱۲۰۰ صفحه

سامل سر جي دربارهٔ فعالينها جهاد دانشگاهي دانشگاه صنعتي شريف  
رئيسهٔ فعالينها، حتمي، حدي، امور، انتشار، تحصيل و غيره  
۱۵) هو، سامويل هري اساطير حاورميه ترجمهٔ علي اصغر بهرامی  
(او) فرنگيس مردابور بهران انتشارات روسگران [۱۳۶۵+۲۶  
ص ۳۰۰ جدول ۳۰۰ نسخه ۱۰۰۰ رتال

نویسنده براساس نفس نا کارکرد اسطوره‌ها، دست به طعنه‌نمایی  
اسطوره‌ها زده و باها را نه ابوالهی چون اسطوره‌های ایسی بنیادی، سحرآمیزی  
و غیره نفیسم کرده است. بررسی اسطوره‌های معنیهایی گوناگون، چون  
اسطوره‌های س الیهرس، معنری، اوگارب ا، هیبی و غیره، و مقایسه آن  
اسطوره‌ها با عناصر اساطیری در یهودیت و مسیحیت از دیگر مسجبات کتاب  
جانب است.

دین، عرفان و فلسفه

● اسلام

۱۶) امور کار، حبیب الله خلاصه تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید به فارسی (ارکتف الاسرار ده جلدی، اثر حواجه عبدالله انصاری، تألیف امام احمد مستندی) بهار افمال ۱۳۶۹ ۲ ح هشت + ح + ۱۲۵۳ ص مقصور مهرست راهما ۳۰۰۰ نسخه ۷۸۰۰ ربال (نهای دو جلد)

۱۷) اکری، بهمن اسلام و مصرف حوراک (اسلام و مصرف) ج ۲  
 تهران: واحد تحقیقات تجارت اسلامی موسسه مطالعات و پژوهشهای  
 بازرگانی ۱۳۶۹ ب + دو + دوم + ۵۸ ص جدول ۱۰۰۰ سجد ۳۵۰  
 رجال

«الکونی مصارف حائر»، «وسائل و ظروف طبع»، «آداب حورین»، «آداب  
اسامیدن»، عنوان فصلهای کتاب است

۱۸) بورخوادی، نصرالله (گرداوری) مجموعه انار ابو عبدالرحمن سلمی احشاهی از حقائق التفسیر و رسائل دیگر، ج ۱ تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ سازبده ۵۰۲ ص سحدها فهرست اصطلاحات و غیراب ۱۰۰۰ سحده ۳۲۰۰ ربال

ابو عبد الرحمن سلمی (موفی ۴۱۲هـ) از نویسندگان و مورخان ایرانی قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری است که غالب آثار باقی مانده از او در خصوص تصوف و عرفان اسلامی، تاریخ تصوف، و شرح احوال و عقاید مسایح صوفیه در فرهای سوم و چهارم هجری - عصر طلایی تصوف - است. محلد حاضر جلد اول از مجموعه‌ای است که به آثار حیات سده و حیات سده سلمی اختصاص دارد. اثری که در آن جلد حیات سده عبارت است از تحسین‌های از حقایق التفسیر به تصحیح بل بونا و لویی ماسیون، بخشی از تاریخ الصوفیه به تصحیح لویی ماسیون، حوامع ادب الصوفیه و ادب الصحنه و حسن العسدر به تصحیح اتان کولرک، درحات المعاملات به تصحیح احمد طاهری عراف (رساله احبر برای نخستین بار در همین کتاب به حیات رسیده است) سه مقدمه از بل بونا و لویی ماسیون به ترجمه احمد سمعی و یادداشتی بر تفسیر ابوالحسن بوری به فلم اسماعیل سعادت از دیگر مطالب کتاب است.

۱۹) نقوی دامغانی، سیدرضا دشم‌تناسی. تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۱۳۵ ص ۴۰۰ ریال

۱. مسئلهٔ ساخت دسمنام در اسلام می‌بردارد و دیگری سبانه‌های انقلاب اسلامی را برمی‌شمارد

(۲۰) ————— مالیات در نظام اسلامی. تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۱۰۱ ص ۳۰۰۰ نسخه ۲۸۰ ریال

(۲۱) ————— (تهیه و تنظیم و ترجمه) چهل حدیث (مؤلف: ۸) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۵۲ ص ۵۰۰۰ نسخه ۱۵۰ ریال

(۲۲) حکمی، محمدرضا ادبیات و معارف در اسلام (نویسنده) تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۸ ۷ ج ۱۳۶۸ ص ۳۸۱ + چهار + ۳۸۱ ص فهرست اعلام ۳۰۰۰ نسخه ۶۵۰ ریال

(۲۳) ————— دانش مسلمین تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۸ ۶ ج ۱۳۶۸ ص ۴۱۹ + سه + ۴۱۹ ص فهرست اعلام ۳۰۰۰ نسخه ۶۵۰ ریال

(۲۴) سرچشمه‌های نور (امام رضا(ع)) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۸ ۲۵۶ ص ۵۰۰۰ نسخه ۲۵۰ ریال

(۲۵) سمایی، علاءالدوله. معانی فارسی به اهتمام حبیب مایل هروی تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۹ ۴۷۰ ص فهرستها ۳۰۰۰ نسخه ۲۶۰۰ ریال

مجموعهٔ حاضر شامل ۱۲ رسالهٔ دیوانه و بلند از علاءالدولهٔ سمایی (۷۳۶۱-۶۵۷ ه.ق)، همراه با برخی نامه‌ها و نوشته‌هایی است که سمایی به معاصران خود نوشته یا از آنان دریافت داشته است. رسالهٔ سرسماح، رسالهٔ ادب السیره، رسالهٔ سرالانال لدهی الحائ، شرح حدیث «ارواح المومنین»، رسالهٔ توبه، رسالهٔ تذکره المسماح و سطررجه از جمله آثار او است به - این کتاب آمده است

(۲۶) تجانبه، عبدالله محمود در آمدنی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن کریم نگارش [ترجمه] اسد محمد باقر حسینی تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹ ۶۲۰ ص فهرست اعلام ۵۰۰۰ نسخه ۳۰۰۰ ریال

موضوع بحث اصلی این کتاب وجه تسمیه، تاریخ و سبب نزول و اهداف معنوی و اساسی ۴۴ سورهٔ قرآن است

(۲۷) سرفی، محمود (تهیه و تنظیم و ترجمه) چهل حدیث (معارف ۹) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۶۰ ص ۵۰۰۰ نسخه ۱۶۰ ریال

(۲۸) شماری، صدرالدین محمد بن ابراهیم ترجمهٔ شرح اصول کافی (کتاب یوحنا) ترجمه و تعلیق محمد حواوی ج ۳ تهران مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ دوازده + ۶۳۸ ص ۲۰۰۰ نسخه سمر ۲۵۰۰ / کالنگور ۳۰۰۰ ریال

(۲۹) عطاء الطائی، نجاح سیر اندیشهٔ ملی‌گرایی از دیدگاه اسلام و تاریخ ترجمهٔ عسقی بحثیانی تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۲۴۰ ص ۳۰۰۰ نسخه ۷۰۰ ریال

«بهبشت ملی‌گرایی برلی (نورانی)»، «بهبشت ملی‌گرایی بورایی در ترکیه»، «بهبشت ملی‌گرایی عربی»، «فاصلهٔ بین دو جنگ جهانی اول و دوم»، «دولت ملیت فارس و کرد»، «مرحلهٔ بعد از جنگ جهانی دوم»، «سنداری اسلامی و عفت‌داری غربی»، عنوان برخی بخشهای کتاب است

(۳۰) کلیبی، محمد بن یعقوب گزیدهٔ کافی ترجمه و تحقیق محمدباقر بهودی ج ۶ (ریب و رینت - کلها) تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۸ پانزده + ۴۰۷ ص ۵۰۰۰ نسخه ۲۱۵۰ ریال

این مجلد شامل دفاتر ریب و ریب، دامها، وصیت، میراث، حدود و سیاست، حوسها، کواهی اسناد، پدر و معاهد، سوگند و کلها است

(۳۱) کورانی، علی عصر ظهور ترجمهٔ عباس حلالی تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۴۱۲ ص ۳۰۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال

موضوع کتاب وقایع دوران ظهور حضرت مهدی(ع) و دیدگاه نویسندگان سعی و سعی دربارهٔ ظهور آن حضرت است

(۳۲) محدثی، حواد (تهیه و تنظیم و ترجمه) چهل حدیث (نست نبوی ۱۱) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۵۲ ص ۵۰۰۰ نسخه

## ۱۵۰ ریال

(۳۳) محدثی، کاظم حداد تاریخی عقل و عشق [تهران] ناشر. مؤلف ۱۳۶۹ ۲۲۲ ص واژه نامه فهرست اعلام ۳۰۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال

«لعب و تعریف عقل»، «لعب و تعریف دل»، و «عرفان و فلسفه» عناوین فصلهای کتاب است

(۳۴) ملکی، مصطفی دو کوهر گراسها ترجمهٔ حدیث ثقلین تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹ ۵۱ ص ۵۰۰۰ نسخه ۲۵۰ ریال

## ● ادیان دیگر

(۳۵) ۱ هوم، رابرت ادیان ریدهٔ جهان ترجمهٔ عبدالرحیم گواهی تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹ ۳۸۹ ص ۵۰۰۰ نسخه ۱۸۰۰ ریال

هندو، حاشی، بودایی، سینک کنفوسیوسی، تائو، سینو، یهود، زردشتی، اسلام، و مسیحیت از ادیان مورد بحث در این کتاب هستند نویسنده در پایان به مقایسهٔ احتمالی ادیان ریدهٔ جهان پرداخته است در فصل مربوط به دین اسلام توضیحاتی از اسناد محمد تقی جعفری در نابوست کتاب آمده است ترجمهٔ کتاب حاضر از روی اثر به خط مصحح شده آن در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است

(۳۶) راشد محصل، محمدتقی بحات بخشی در ادیان تهران مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۲۷۸ ص فهرستها ۲۰۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال

یکی از ویژگیهای هر سامان ادیان چهار است: اعتقاد به وجود نبات دهنده‌ای است که در دورهٔ نابانی تاریخ بشر ظاهر می‌شود کتاب حاضر می‌کوشد جلوه‌های گوناگون این اندیشهٔ بنیادی، از ادیان زردشتی، یهودی، مسیحی و اسلام (و به نوبت سدهٔ دوازده امامی) بررسی کند و اختلافها و شباهتهای اندیشهٔ «موسود» را در دینهای یاد شده به بحث بکشد

## ● فلسفهٔ غرب

(۳۷) هبل، کارل فلسفهٔ علوم طبیعی ترجمهٔ حسین معصومی همدانی تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ ۱۴۷ ص واژه نامه فهرست اعلام ۴۰۰۰ نسخه ۹۰۰ ریال

در این کتاب، مسائل بنیادین فلسفهٔ علم (خصوصاً علوم طبیعی) و ازای محلی که در بارهٔ این مسائل بیان شده در صفحات ابتدایی عرضه شده است از کتاب حاضر می‌توان به عنوان مدخل مناسبی برای ورود به فلسفهٔ علم استفاده کرد «روشن علمی انداز و آزمون»، «آزمون فرضیه‌ها منطق آن و قدرت آن»، «معارفهای ناسد و نادرین»، «نظریه‌ها و بین نظری»، «مفهوم سازی»، و «ناویل نظری»، عناوین برخی فصلهای کتاب است

## سیاست

(۳۸) اقای، سیددود سیاست و حکومت در عربستان سعودی تهران نشر کتاب سیاسی ۱۳۶۸ [تورج ۶۹] نیست + ۳۷۶ ص جدول پیشگفتار انگلیسی ۳۳۰۰ نسخه ۱۷۰۰ ریال

نویسنده نظام حکومتی و محرکهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رژیم آل سعود را یک به یک بررسی می‌کند و علل ناب این رژیم را شرح می‌دهد «عربستان حاستگاه و هاست»، «سیستم حکومتی در عربستان سعودی»، «تصویری از دوران حاکمیت آل سعود»، «سیاست نظامی سلیحانی عربستان»، «سیاست اقتصادی عربستان» و «ساختار اجتماعی عربستان»، عناوین فصلهای کتاب است

(۳۹) او برین، لی سازمان یهودیان آمریکا و اسرائیل ترجمهٔ ع ناصر تهران مؤسسهٔ تحقیقاتی و انتشاراتی نور دفتر مطالعات سیاسی ۱۳۶۹ ۴۵۳ ص نمودار جدول ۳۰۰۰ نسخه ۲۰۰۰ ریال

نویسنده سعی در بررسی خود نابت کرده است که اگر سازمانهای یهودی آمریکا، فقط در ظاهر به ارائهٔ خدمات مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مشغول اند، در حالی که فعالیتهای آنان در واقع در راستای تحقق اهداف صهیونیسم جهانی



«طبقه‌های احتیالات، رای تو دان»، «وای درمانی فردی یا خود دان»،  
«رفق درمانی یا خود دان»، «دارو درمانی یا خود دان»، «فره سنجی رای  
خود دان»، «فره متناحه سنجی یا خود دان»، عنوان جسته‌های کتاب است.

این کتاب به بررسی و معرفی مجموعه فراس، مقرات، موطا، سب، اسناد و املاک، حکومتی، موسس، فراداده‌ها، معاملات، دفاتر دولتی (رسمی)، اختصاص دارد. «سجلات اداری سب»، «عیل‌ت مقدمانی سب»، «سب ملک در دور املا»، «حدود سند مالکیت»، «وظائف مسئولین دفاتر»، «مسئولیت سر دفاتر و دفتر داران»، «سکانات احراری»، «حران و محاربات» از جمله منابع برجسته فصلهای کتاب است.

کتاب حاضر در چهارحیط ریاضیسی، تاریخی، تحلیل مفاهیمی و نظامهای زبانی، به توصیف و مقایسه مانعهای گنسی و مانعهای فیزی پرداخته است. در مقایسه مانعهای الکتریکی، فیزی و منطقی، روش استاندارد (standard) ملاک قرار گرفته است. این بخش به عنوان یک مقایسه زبان مند و زبان فارسی، به عنوان یک مقدمه بر نقل حرفه شده است.

△△

کتاب حاضر به معرفی اجمالی فهرمانان ساهنامه فردوسی و الفبا و عناوین آنها و همچنین تطبیق نامهای مستترک ساهنامه و اوسا احتیاج دارد تهیه این فرهنگ بر اساس ساهنامه رول مول (سرک سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۳) صورت گرفته است. در بخش نامهای کتاب (معلقات) توصیفاتی درباره نامهای مسترک اوسا، ساهنامه آمده است.

۷۲) چرچیل، جورج پ. فرهنگ رجال فاحار ترجمه عابد مسیح میرزا صالح تهران انتشارات ررس ۱۳۶۹ ۲۸۴ ص فهرستها ۳۰۰۰ نسخه ۱۷۰۰ ریال

این کتاب شامل شرح حال رجال و برخی شخصتها و افراد درباری ایران است که اصلاً به منظور استفاده مأموران و فرستادگان دولت انگلیس تهیه شده بوده و در زمان خود کاملاً حسه سری و محرمانه داشته است. ظاهراً تدوین و ویرایش نهایی این کتاب در مان محمدعلی شاه فاحار صورت گرفته است. زیرا غالب شخصتها نامبرده در آن، رجال و افراد دوره مظفرالدین شاه محمدعلی شاه هستند.

۷۳) رسنگار فسانی، منصور. فرهنگ نامهای ساهنامه، ج ۱ - س تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۱۳۶۹ ج ۱ - س ۵۹۲ ص ۲۰۰۰ نسخه سمیر ۲۵۰۰ / کالنگور ۳۰۰۰ ریال

در این فرهنگ فهرمانان ساهنامه (از حرف الف تا ی) معرفی و نفس آنها در آثار اسامی و تاریخی دیگر بررسی شده است. بررسی نامها از دیدگاه رسته‌شناسی، ائدلفها، کواکون هر نام، معرفی الفبا، اوسا و شخصتها، همه از جمله اطلاعاتی است که کتاب در اختیار می‌دارد.

۷۴) رمانیان، صدرالدین. فرهنگ جمع مکرر تهران علوی ۱۳۶۹ ۱۷۰ ص ۵۰۰۰ نسخه ۸۰۰ ریال

۷۵) علی‌نابی، غلامرضا. فرهنگ علوم سیاسی ج ۳ تهران سرک شرو و بخش وس، ۱۳۶۹ ج ۲ سی و هشت، سارده ۲۳۹۲ ص منصور واره‌نامه ۳۰۰۰ نسخه ۱۵۰۰۰ ریال

۷۶) فرهنگ، موحهر. فرهنگ علوم اقتصادی (انگلیسی-فارسی) تهران سرک ۱۳۶۹ ج ۱۶ اس از تاریکی ۱۲۰۷ ص ۳۳۰۰ نسخه ۶۰۰۰ ریال

کتاب حاضر از نامبرین و هکتهای توصیفی علوم اقتصادی است که تاکنون در ایران به چاپ رسیده است. این نامه ساه فاسی- انگلیسی می‌توانست از این باب را به حدیث شد.

۷۷) گروه بهداس مرکز شترداستگاهی واره‌نامه بهداشت (انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی) تهران مرکز شترداستگاهی ۱۳۶۹ ۱۲۵ ص ۴۰۰۰ نسخه ۶۰۰ ریال

۷۸) مسیری مهسند. فرهنگ زبان فارسی (الفبایی-فایسی) تهران سروش ۱۳۶۹ سبب و چهار ۱۱۹۰ ص ۵۰۰۰ نسخه ۶۵۰۰ ریال ۴۰ واره، اصطلاح و بر نشانی فارسی معاصر در این فرهنگ ضبط شده است. از این مولف کتاب دیگری بر نام عنوان فرهنگ ادبی-املائی زبان فارسی (کتابسرا، ۱۳۶۶) مسر شده است.

۷۹) معروف حسب واره‌نامه راه و ساختمان و معماری (انگلیسی-فارسی و فهرست الفبایی لغات و ترکیبات فارسی) نا مقدمه احمد آرام تهران انتشارات اراده ۱۳۶۹ ج ۳ ویرایش دوه، سارده ۳۶۹ ص ۳۰۰۰ نسخه ۸۲۵ ریال

۸۰) نحوی، سیدمحمد. فرهنگ وامواژه‌های عربی تهران انتشارات اسلامی تهران ۱۳۶۸ ۵۸۲ ص ۳۰۰۰ نسخه ۲۵۰۰ ریال

این فرهنگ از دو بخش سبکل شده است. در بخش اول، به سیاق بعضی فرهنگهای عربی، رسته کلمات عربی بر اساس حروف الفبا (اسی) تنظیم شده و در هر رسته کلیه مسغبات آن و معانی آنها درج شده است. بخش دوم کتاب شامل فهرست الفبایی و ارجاعی کلمه مسغباتی است که در بخش اول آمده است. مولف به این ترتیب نوشته است که هم کلمات هم رسته را در کنار یکدیگر معانی دهد (در بخش اول) و هم نا استفاده از سوه الفبایی (در بخش دوم) کار مراجعه به ر لغت را برای کسانی که اسامی حدادی زبان عربی

ندارد اسان کند. وی برای اسباب وامواژه‌های عربی در فارسی از ماحد: حون مرزبان، نامه، المعجم فی معانی اسعارالعجم، چهار مقاله عربی، حده‌الحقیقه سیاسی و عره استفاده کرده است. در این زمینه فرهنگ دیگر عنوان فرهنگ سری در فارسی معاصر اثر فریده زاری (سر مرکز، ۱۳۶۶) منتشر شده است که بر خلاف این باب، سسر بر کردآوری وامواژه‌های عربی در فارسی معاصر تأسد داشته است.

## علوم

### ● منابع عمومی

۸۱) عبدالسلام، محمد. ارمایا و واقعیتها (گریده مقالات) برجه ناصر نری (و) مریمی اسعدی تهران انتشارات انحص فیرک ۱۳۶۹ ۴۱۳ ص جدول ۳۰۰۰ نسخه ۲۵۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل برخی مقالات خبر فی اسناد عبدالسلام، بریده حاب نوبل ۱۹۸ در رسته فیرک است. موضوع این مقالات عموماً به ابع اجتماعی، اقتصادی علم احتیاج دارد. بر حده مقالات از روی حاب دوم، مد اصلی (انگلیسی) ۱۹۸۷ صورت گرفته و به سسهاد خود بر و سور عبدالسلام مقالات دیگری از وی که در هکیک از ویرایشهای من اصلی موحود است، این مجموعه بر حده و مسر شده است «علم و جهان»، «علم و تکنولوری»، «شورهای در حال توسعه»، «مرکز من المللی فیرک نظری و بلاشهای دیگر»، «آکادمی علوم جهان سوم»، «اسلام و علم»، «علم در کشورهای اسلامی»، «س من المللی علم»، «اسامی نا شخصیت عبدالسلام»، «عناوین فصلهای این کتاب» است.

۸۲) بقسریا، حسن (گردآورنده و مترجم) سرکرمیهای علمی /مورسی ۱ (برای داس اموران دبیرسان و داسحوان) تهران دو امور کمک امورسی و کتابخانه‌ها- وزارت امورس و پرورش ۳۶۸ ج ۲ ۱۹۱ ص سکل، جدول ۷۰۰۰ نسخه اهداء به کتابخانه مدارس

### ● ریاضی

۸۳) استر بلکتور، میتل تهیه‌سازی در ریاضی بر حده حسن عل بورکاطمی تهران انتشارات داستگاه شهید بهسی ۱۳۶۸ | بورع ۶۹ ت + ۳۵۳ نمودار واره‌نامه ۳۰۰۰ نسخه ۹۵۰ ریال

این کتاب به منظور خودآموزی برای معرفی و سان، وسها محد تهیه‌سازی اسما، نونا و کا، برد آن در نظریه اقتصادی تدوین یافته است. شامل مطالب طرح شده در مورد برنامه‌ریزی و نظریه شزل می‌باشد.

۸۴) سورس (و) زیتومرسکی ناری هندسه (سفرهای نقطه) ترجمه نوشته مؤدن، ویرایش علی حسن راده ماکونی تهران شتر دبیای، ۱۳۶۹ ۱۲۵ ص منصور ۱۵۰۰ نسخه ۱۵۰۰ ریال

هدف این کتاب اسان کردن کودکان نا اصول هندسه و اساساحتس آنان موفتهای هندسی در محط ردی است.

۸۵) لیبشوتر سیمور. نورس و مسائل احتمالات ترجمه عادل ارتشم تهران نشری ۱۳۶۹ ج ۴ ۲۷۰ ص جدول طرح ۳۵۱۰ نسخه ۰۰ ریال

۸۶) ونگ-سک-ان امورس ریاضیات (علم برای کودکان بوحوانان، برای گروههای سی «ج-د» ج ۹ ترجمه فرانه ربیقی تهران کتابهای شکوفه (امیرکبیر) ۱۳۶۹ ۱۲۶ ص منصور جدول ۰۰۰ نسخه ۱۱۰۰ ریال

### ● شیمی

۸۷) آقابور مقدم، سیدرضا (و) علیرضا نوکلی صاری فرهنگ عاه (تاریخچه، حواص، طرر تهیه و کاربرد- برای دوره‌های بیش داشگاهی) تهران انتشارات اطلس ۱۳۶۹ ۲۶۳ ص فهرست عاه شیمیایی و الیازها ۳۳۰۰ نسخه ۱۳۰۰ ریال

عناصر سمیایی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی تنظیم و اطلاع گوناگونی حون زمان کسف، محل آن در جدول تناوبی، حواص، کاربرد و ط

به دربار هر عنصر ارائه شده است

۸۸) پلامر، دیوید توماس بیوتسمی (منطق مولکولی حیات) ترجمه سیاحیل علمی احوبی تهران انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۹ پنج + ۳۸۰ ص. مصور نمودار فهرست راهما ۳۰۰۰ نسخه

«ملکولهای ساده»، «ملکولهای الی کوک»، «ماکر و ملکولها»، «سکیلار بلونهای رنده»، «ابر مهها»، «ابر ری و حباب»، «مجارن متابولیکی»، «بوسفر»، «خبر فعال شدن و سمزدانی»، «سولوری ملکولی»، عنوان برخی فصلهای کتاب

۸۹) روشهای آنالیز و کاربرد آن (از مرکز تحقیقات صنایع پتروشیمی) ترجمه ابراهیم ریاحی (و) اکبر سجادی تهران اسیدیکای کارخانه های قد سکر ایران، ۱۳۶۹ ۴۱۵ ص جدول طرح ۸۰۰۰ ریال

«کتاب»، «جعدر - رفریون - نهاله»، «نصفه»، «اواراسیون»، «رسانایرانیون»، «سکر سفید»، «انها»، «جدهان تبدیل»، عناوین فصلهای کتاب است

۹۰) سماترشد، علی اکبر (مترجم) تصفیه انهای صنایع و سه بی حاسنارات ناس ۱۳۶۹ ۲۷۴ ص مصور ۱۰۰۰ نسخه ۱۵۰۰ ریال  
۹۱) فریس (و) شک سیمی تحریه کسی ح ۱ ترجمه محمدعلی صادقی و دیگران اصفهان انتشارات دانشگاه اصفهان ۱۳۶۹ ح ۲ دوارده + ۴۳۸ ص جدول طرح نمودار ۲۰۰۰ نسخه ۱۴۸۰ ریال  
حسن نارد سال ۱۳۶۲ مرکز سرداشگاهی اس کتاب را منسیر صاحب

## ● جاورشناسی

۹۲) فران بی، رضا مارتساحت تهران مرکز سرداشگاهی ۱۳۶۹ هفت + ۲۸۴ ص + ۸ ص مصور جدول وارده نامه ۲۰۰۰ نسخه، ۱۷۰۰ ریال

به حسن غد و معرفی کتاب در همن شماره ح ع فرماید

## یزتشی

۹۳) اصفی، ولی الله اندر (بررسی و تحلیل برسکی و احتماعی درباره سدرم بقص اکسانی ایمنی) تهران شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۹ ۲۰۲ ص جدول نمودار نقشه ۲۰۰۰ نسخه

«ناریحه نیداس و وروس اندر»، «مطالعه بالی اندر نا سیدا»، «همه کتر سیاسی»، «درمان»، «سکری، واکس تبد ایدر»، «ناریات احتماعی»، عنوان برخی فصلهای کتاب است

۹۴) اوحدی نیا روشهای عملی میکروسولوری برسکی (به صمصه اطلس میکروسولوری بالینی) تهران مؤسسه سر کلمه ۱۳۶۹ ۳۰۴ ص مصور + عکسهای رنگی (بدون صفحه شمار) ۵۰۰۰ نسخه ۱۷۰۰ ریال

«فازح سیاسی برسکی»، «ویروس سیاسی»، «ریکریاساسی»، «نخل سیاسی درمانگاهی»، «اسبروکها»، «اکل سیاسی عملی» عناوین فصلهای کتاب است

۹۵) بیماری داخلی و جراحی در حاملگی و دوره بعد از زایمان اساترگاریهای حوسی RH و ABO از کتاب مامانی ویلیامر، چاپ ۱۹۸۵) ترجمه محمود رحیمی (و) گلرخ عسکریه پردی (رحیمی) بی حاسنارات چهر ۱۳۶۹ ح ۴ (تا تجدید نظر) م + ۲۴۸ ص مصور جدول سودار ۳۰۰۰ نسخه ۷۵۰ ریال

۹۶) فوا، پیرو قد همیشه تیرین نیست (یا دیات چیست؟) ترجمه اتوسا صبعی تهران مؤسسه علمی اندیشه جوان ۱۳۶۹ ۱۴۳ ص مصور نقشه فهرست لغات ۴۰۰۰ نسخه ۵۰۰ ریال

کتاب نارمانی ساده برای کودکان شرح می دهد که دیات چیست، از کجا می آید، چگونه می توان آن را درمان کرد، مسأ آن ویروس است یا باکتری، چه د روهایی برای درمان آن موجود است، و جعدر درباره دیات تحقیق شده است  
۹۷) مختاری امیرمحدی، نعمت الله بیماریهای گوش (از دیدگاه

شناه ستاسی و تشخیص) مشهد انتشارات جهاد داشگاهی دانشگاه مشهد ۱۳۶۹ ۲۸۱ ص مصور جدول ۳۰۰۰ نسخه ۱۱۵۰ ریال  
۹۸) مقالاتی از سالنامه دراسیون سن المللی سمارسان / تشخیص و مراشت از بیمار ترجمه شهراه رستگار ح ۲ تهران گروه مهندسان مشاور ۴ ۱۳۶۹ ۶ + ۷۰ ص مصور ۱۰۰۰ نسخه

«احات حواسه های سماران سالمند»، «جهرات مورد بار شار درمانی»، «نکولوری درمانی مناسب»، «جهرات برنو درمانی»، «نفس سبب دهنده حطی در درمان سماری سرطان» عنوان برخی مقالات اس محلد است

## ● پرستاری

۹۹) اشک تراب، طاهره تاریخ و تحولات پرستاری در ایران و جهان تهران انتشارات داسکده پرستاری و مامانی شهید بهشتی ۱۳۶۹ ۲۴۶ ص ۳۰۰۰ نسخه ۷۰۰ ریال

بررسی سنادس و تحولات پرستاری د جهان و خصوصاً در ایران از دوره های سبار دور نا سنادس مسحت و از حد اسلام ناکون از موضوعات مورد بحث در اس کتاب است

## ● دارو پزشکی

۱۰۰) اطلاعات و کاربرد بالینی داروهای ربریک ایران [تهران] بحث پرسنهای علمی شرکت سهامی داروپخش ۱۳۶۹ ۱۱۷۱ ص + صمیمه ها (بدون صفحه شمار) ۴۳۰۰ نسخه «این کتاب به طور رایگان به صاحبان حرف پزشکی ایران تقدیم می گردد»

در اس کتاب داروها و اسکان آنها بر اساس آخرین رای سوارای بررسی و به س راره های ایران با تاریخ ۶۷/۱/۱ بظنه سده است

## ● دندان پزشکی

۱۰۱) رسدان، سره نکسکهای کلییکی و لا براتواری رسورسن های ریجکی اح سده (مریلد ریج) تهران جهاد داشگاهی و داشگاه تهران ۱۳۶۶ ۱۱۲ ص مصور ۳۰۰۰ نسخه ۲۸۰ ریال

## کنساورزی و دامپوری

۱۰۲) اسریم، روبرت شتحص سمارهای گهای ترجمه بهرور جعفرپور (و) ماهرخ فلاحی رستگار مشهد انتشارات جهاد داشگاهی داشگاه مشهد بی تا ۳۴۰ ص مصور طرح جدول نمودار ۳۰۰۰ نسخه ۱۴۰۰ ریال

اس کتاب برای داسحوان رسنه گناه برسکی و کنساورزی سبار مفد است روشهای بررسی و سناسایی سمارهای عر نارازی و نارازی در مرعه و ارامسگاه از حمله مسائلی است که به مفصل مورد بحث قرار گرفته است

۱۰۳) فرداد، حسین ایاری عمومی ح ۱ بی حاسر مؤلف ۱۳۶۹ ح + ۳۴۲ ص مصور جدول نمودار ۲۷۰۰ ریال

بحثین جلد از مجموعه ای سه جلدی است در خصوص ایاری عمومی «مناع آب و اسای»، «مناع اب ایران»، «کسب اب ایاری»، «رابطه اب و حال»، «ساز ای کنهان» عنوان برخی فصلهای کتاب است

۱۰۴) — ایاری عمومی (انتقال و توزیع آب) ح ۲ بی حاسر مؤلف ۱۳۶۹ ح + ۳۸۸ ص مصور، جدول نمودار ۲۴۰۰ ریال

«اندازه گیری اب ایاری در کانالها»، «کانالهای انتقال»، «زاندان ایاری»، عناوین فصلهای کتاب است

۱۰۵) کریمی، هادی یوبحه تهران مرکز شرداشگاهی ۱۳۶۹ ۳۷۱ ص. مصور جدول فهرست راهما ۵۰۰۰ نسخه ۱۸۰۰ ریال

«ارام مختلف یوبحه»، «افات مهم یوبحه»، «وسایل برداس، اسار کردن و عدیه یوبحه»، عناوین برخی فصلهای کتاب است از این نویسنده کتابهای مرتع داری و گناهان علوفه ای (اسنارات داشگاه تهران) مسر سده است

## هنر و معماری

### ● نقاشی

● (۱۱۳) سهیلی خوانساری، احمد. کمال هنر (احوال و آثار محمد غف کمال الملک). تهران. انتشارات محمدعلی علمی و انتشارات سرو ۱۳۶۸ [توزیع ۹۸]. ۳۶۷ ص. استاد مصور. فهرستهای راهنما. ۱۰۰ ریال.

مؤلف با دستیابی به بعضی نوشته‌های کمال الملک و بخشی از مکاتبات با مدرسه صایع مستطرفه، و همچنین از طریق گفتگوهای با حیدرقلی سر کمال الملک، و مآخذ و منابع دیگر، به شرح زندگی و احوال استاد پرداخته است. کتاب بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده و حاوی عکسهای رنگی سیه از آثار کمال الملک است.

● (۱۱۴) مجرد تاکستانی، اردشیر. تشعیر. تهران. واحد فرهنگی؛ شهید انقلاب اسلامی ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹] ۲۱۲ ص. طرح. مصور. ۰ نسخه ۶۵۰۰ ریال.

تشعیر به نفوس گیاهی یا نفوش انتزاعی مستق از نفوش گیاهی اد می‌سود که معمولاً با تصاویری از جانوران و اسبابها همراه است. حاسیه‌های سطح خطی یا مرفعات با طلا رسم می‌سده است. مؤلف به بررسی سیر تاریخی و تحول تشعیر در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران پرداخته و دوره‌های مختلفی آورده است. انواع تشعیر، اصطلاحات آن و روس طرح تشعیر، از جمله دیگر مسائل مورد بحث در کتاب است.

### ● عکاسی

● (۱۱۵) استاین، دانا. سرآغاز عکاسی در ایران. ترجمه ابراهیم هاشمی تهران اسپرک. ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹] ۵۴ ص + ۳۸ ص. عکس. ۳۳۰۰ نسخه ۷۰۰ ریال.

بررسی احمالی نخستین مراحل پیداس عکاسی در ایران و بحث دربار عوامل تاریخی و احتمالی گوناگونی که در تحول فن و هنر عکاسی در ایران نقش داشته‌اند، مطالب عمده کتاب را تشکیل می‌دهد.

### ● سینما و تئاتر

● (۱۱۶) شوبرت، اوتمار. تصویر صحه (تاریخچه، ترکیب، تکنیک ترجمه سعید فرهودی تهران. انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۹ ۴۲۴ ص. مصور. فهرست راهنما تهران ۲۱۰۰ نسخه ۱۵۰۰ ریال.

موضوع این کتاب بررسی معماری تئاتر، تاریخچه آن، ابزار و وسایل، صحنه و سبکهای گوناگون صحنه‌آرایی و البته است.

● (۱۱۷) گسنر، رابرت. تصویر متحرک (راهنمای سواد سینمایی). ترجمه اختر شریعت‌زاده. تهران. سروش ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹] ۴۹۵ ص. مصور. فهرست راهنما ۵۰۰۰ نسخه جلد نرم ۲۲۳۵ / جلد رزکوب ۲۹۷۰ ریال. هدف نویسنده کشف الگوها و ساختارهایی است که با بررسی کتب، اندیشه‌ها و عواطف، سینما را به یک هنر تبدیل می‌کند.

### ● معماری

● (۱۱۸) کیانی، محمدیوسف. معماری ایران. (دوره اسلامی، فهرست‌ها). ج ۲ [تهران]. جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۸ ۷ ص + ۳۶۵ ص + ۸ ص. نقشه. طرح. لاتین. ۳۰۰۰ نسخه. ۴۰۰۰ ریال.

در این فهرست بزرگ به سه هزار ساله‌ای که صدر اسلام تا عصر حاضر ذکر موقعیت جغرافیایی، قدمت، و سبک تاریخی آن گردآوری شده است. ● (۱۱۹) شرکت عمران شهرهای جدید. شهرهای جدید-فرهنگی جدید شهرنشینی (مجموعه مقالات ارائه‌شده در سمینار شهرهای جدید، مهر ۱۳۶۸) تهران وزارت مسکن و شهرسازی. ۱۳۶۹. ۱۹۷ ص. جلدو طرح نمودار ۲۰۰۰ نسخه ۱۶۰۰ ریال.

● (۱۰۶) کمیته تدوین نظام دآمداری نظام دآمداری. تهران. وزارت کشاورزی- سازمان دامپزشکی کشور. ۱۳۶۹. ۳۴۹ ص. جدول. فرم اداری + طرحها و عکسها و قسمت ضمیمه [بدون صفحه شمار]. ۱۰۰۰ نسخه. ۴۵۰۰ ریال.

«معمارات عمومی»، «دامداریهای صنعتی»، «پرورش و نگهداری گوسفند و بز»، «پرورش و نگهداری شتر»، «کارخانه حوچه‌کنی»، «میادین دام» عناوین برخی از بخشهای کتاب است.

## فن و صنعت

### ● مهندسی ساختمان و مکانیک

● (۱۰۷) جدال، لیل و دیگران. تراکتور و مکانیک آن ترجمه محمود ثقفی. تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ چهارده + ۴۹۰ ص. مصور. جدول نمودار واژه‌نامه ۵۰۰۰ نسخه ۲۵۰۰ ریال.

کتابی است درسی برای دانشجویان رشته مهندسی مکانیک و دست‌اندرکاران و مهندسانی که در مکاتراسیون کشاورزی و زمینه‌های وابسته به آن کار می‌کنند. «اصول ترمودینامیکی موتورهای احتراق داخلی»، «چرخه‌های موتور احتراق داخلی»، «سویچها و احتراق»، «صمامت موتور»، «روغنکاری»، «سیستمها و کترلهای هیدرولیکی» عنوان برخی فصلهای کتاب است.

● (۱۰۸) سانس، بی‌اچ. سی. حل مسائل در مکانیک خاک (کتابهای درسی بر مبنای مسئله) ترجمه کیوان فلاح مشفق بی‌اچ. سی تا ۲۸۵ ص ۱۱۰۰ ریال.

«خصوصیات فیزیکی و طبقه‌بندی خاکها»، «نمودن دیری خاک و سکه‌های حریان»، «تراکم دیری خاک و نسبت هیدراسیونها»، «مقاومت برسی خاک»، «تراکم و تسبیح خاکها» عناوین برخی فصلهای کتاب است.

## ورزش

### ● عمومی

● (۱۰۹) شیور، لاری. حی. مبانی فیزیولوژی ورزشی ترجمه و تنظیم قوام‌الدین جلیلی (و) عباسعلی گانینی [تهران]. انتشارات اداره کل تربیت بدنی- وزارت امور و پرورش ۱۳۶۹ ۵۸۳ ص. نمودار طرح جدول ۵۰۰۰ نسخه جلد نرم ۱۵۰۰ / رزکوب ۳۰۰۰ ریال. کتاب حاضر برای دانشجویان رشته تربیت بدنی که اولس دوره فیزیولوژی ورزشی را می‌گذرانند تالیف شده است.

### ● شطرنج

● (۱۱۰) رضانی، رضا (مترجم). قوانین شطرنج (مضوبه فدراسیون جهانی شطرنج) [تهران] انتشارات فدراسیون جهانی شطرنج جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹ ۹۱ ص ۲۰۰۰ نسخه.

کتاب حاضر شامل مجموعه قوانین و مقررات بین‌المللی، نحوه برگزاری مسابقات با سیستم‌های سوئیس و دوره‌ای، و اسبابی با وظایف داوران و بازیکنان در حین بازی است.

● (۱۱۱) روبربه خود. آموزش شطرنج (مستند به کتاب اندر شرن (و) مریس بوکر- پیروسان) تهران. ایران زمین بی تا ۳۸۲ ص طرح ۳۰۰۰ نسخه ۹۰۰ ریال.

از نخستین کتابهای جدید فارسی در این زمینه که طاهرا حاد دوم آن در سال ۱۳۲۵ منتشر شده بوده است.

● (۱۱۲) بوابی، عبدالحسین. شطرنج (سریعترین راه پیشرفت از مهارت تا استادی) [تهران] واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی ۱۳۶۹ ۸ ص + ۲۹۰ ص. تصویر ۲۰۰۰ نسخه ۱۰۰۰ ریال. عمده مطالب کتاب با استفاده از درسهای اوکلی، استاد بین‌المللی شطرنج و مهران بیسین سطرین مکانته‌ای تدوین شده است.



## ادبیات

### ۹ شعر کهن

(۱۲۰) [فردوسی، ابوالقاسم]. داستان فرود از شاهنامه فردوسی. صحیح و توضیح محمد روشن. با مقدمه‌ای از مجتبی مینوی. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۹. ج ۲. ز+ ۱۳۹۹ ص. تفصیل سجع بدله‌ها. واژه‌نامه. فهرست اعلام. ۲۰۰۰ نسخه. ۷۵۰ ریال.  
کتاب حاضر از روی سجع بریتیس میوریوم (مورخ ۶۷۵) استنساخ و با سجع دیگر (از حمله سجع فلورانس) مقابله شده است  
(۱۲۱) ————— داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی تصحیح و وصیح مجتبی مینوی. با مقدمه‌ای از مهدی قریب. ح ۱. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۹. ۷+ ۵۷۷ ص ۲۰۰۰ نسخه ۳۰۰۰ ریال

### • شعر معاصر

(۱۲۲) [منشی، محمود]. دفتر شعر دردی (مجموعه‌ای از اشعار محمود مشی - قصیده سرای بزرگ معاصر) تهران مرکز نشر تالار کتاب. ۱۳۶۹ ۲۹۵ ص عکس ۲۰۰۰ نسخه ۲۵۰۰ ریال  
(۱۲۳) آتشی، منوچهر گزیده اشعار (۳) تهران انتشارات مروارید ۱۳۶۹ ج ۲ ۳۲۵ ص ۵۵۰۰ نسخه ۸۰۰ ریال  
گزیده اشعار سروده شده در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۳  
(۱۲۴) چهکندی نژاد، غلامحسین شیار شامگاه. تهران [؟] ۱۳۶۹ ۸۶ ص ۲۲۰۰ نسخه ۶۰۰ ریال  
(۱۲۵) حبیب الهی، ویسه بیستان (مجموعه شعر) تهران انتشارات روار ۱۳۶۹ ۱۴۶ ص. ۳۰۰۰ نسخه ۹۰۰۰ ریال  
(۱۲۶) حنانه، شهین. گل‌های راگیا (مجموعه شعر) تهران اسپرک. ۱۳۶۹ ۱۱۱ ص. ۱۰۰۰ نسخه ۹۰۰ ریال  
(۱۲۷) شعبانی، اسدالله (به کوشش) ناله‌های احساس (شعر خوانان) تهران. انتشارات کاوشگر. ۱۳۶۹. ۹۱ ص. ۳۰۰۰ نسخه ۵۰۰ ریال  
حاوی ۶۹ شعر کوتاه از ۱۸ شاعر جوان در فال‌های مختلف  
(۱۲۸) غنی نژاد، فهیمه گهواره‌های ساکی (مجموعه شعر) تهران نشر اوجا ۱۳۶۹. ۱۰۲ ص ۲۰۰۰ نسخه ۶۰۰ ریال.  
(۱۲۹) قاضی نور، قدسی. فرهاد نقش خویش به کوه کند / شیرین بهانه بود بی‌خا، بی‌نا. ۱۳۶۹ ۴۸ ص. ۲۲۰۰ نسخه ۳۰۰ ریال  
(۱۳۰) مشیری، فریدون گزیده اشعار (۲) تهران انتشارات مروارید ۱۳۶۹ ج ۳ ۲۵۴ ص. ۵۵۰۰ نسخه ۶۲۵ ریال.  
حاوی اشعاری از فریدون مشیری که در فاصله سالهای ۱۳۳۴ تا حدود ۱۳۶۱ سروده شده‌اند.

### • شعر برای کودکان

(۱۳۱) ترکمان، منوچهر (به کوشش). شعر و شکوفه‌ها (برای کودکان قبل از دبستان) تهران. دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی - وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۶۹. ۲۲۳ ص ۵۵۰ ریال  
مجموعه‌ای از اشعار کودکان برای دوره‌های آموزشی پیش از دبستان و شامل اشعاری از عباس یمینی سریف، پروین دولت‌آبادی، حار ناعجه‌مان، محمود کیانوس، محمدعلی همی، اسدالله سعابی و مصطفی رحماندوس است

### • قطعات ادبی

(۱۳۲) بهبهانی، سیمین آن مرد، مرد همراهم. تهران. انتشارات زوار. ۱۳۶۹. ۷۵ ص ۶۰۰ ریال.

حد حاطره و شعر از شاعر در سوگ شوهرش. منوچهر کوشیار

### • داستان، نمایشنامه و فیلمنامه فارسی

(۱۳۳) بیجاری، بیژن. عرصه‌های کسالت. تهران. انتشارات نیلوفر.

۱۳۶۹. ۱۲۴ ص. ۴۰۰۰ نسخه. ۸۰۰ ریال

مجموعه ۵ داستان کوتاه

(۱۳۴) بیضانی، بهرام دیباچه‌ی نوین شاهنامه [فیلمنامه] تهران. انتشارات روشنگران. ۱۳۶۹. ۱۳۱ ص ۴۰۰۰ نسخه. ۶۸۰ ریال  
(۱۳۵) ————— طومار شیخ شریین [فیلمنامه]. تهران. انتشارات روشنگران ۱۳۶۹ ج ۲. ۷۹ ص ۲۰۰۰ نسخه ۵۰۰ ریال.  
(۱۳۶) بورررضانیان، مهدی (رضاندلی) چهارنمایشنامه. تهران. انتشارات نمایش. ۱۳۶۸. ۱۲۷ ص. ۲۵۰ ریال.  
(۱۳۷) رمایی نیا، مصطفی به شب ماه میاد. تهران آگاه ۱۳۶۹ ۱۷۹ ص ۲۲۰۰ نسخه ۱۱۰۰ ریال.

(۱۳۸) سقالی، یوسف دوتار (مجموعه داستان کوتاه برای نوجوانان). تهران نشر نی. ۱۳۶۹. ۵۹ ص ۵۲۵۰ نسخه ۳۰۰ ریال  
مجموعه سح داستان کوتاه از ادبیات ترکمن

(۱۳۹) شهریار، خسرو. خورشیدها همیشه [تهران]. کاوشگر. ۱۳۶۹. ۱۵۷ ص ۳۰۰۰ نسخه ۸۰۰ ریال

مجموعه سح نمایشنامه

(۱۴۰) فرخی، حسین. دو نمایشنامه: قتل از انجمار [و] غروب یک برکه تهران انتشارات نمایش - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۹ ۸۱ ص ۵۰۰ ص. عکس ۳۰۰۰ نسخه ۳۰۰ ریال

(۱۴۱) کارگاه تئاتر کودک و نوجوان گلرک «۲» (مجموعه نمایشنامه‌های ایرانی ویژه کودکان و نوجوانان). تهران، انتشارات نمایش - وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. بی‌تا.

(۱۴۲) محمود، احمد. دیدار (سه داستان) تهران نشر نو ۱۳۶۹ ۲۸۳ ص ۲۹۰۰ ریال

«کحامیری به امروز»، «دیدار» و «بارگس» نام داستانهای این کتاب است  
(۱۴۳) مستعان، حسینقلی رابعه تهران نشر نقره ۱۳۶۹. ۱۶۸۱ ص.

۳ ج ۱ ج و ۲ ج، کتاب ۱ ج، ۲ کتاب ۱۲ ۴۰۰۰ نسخه بهای دوره ۱۳۵۰۰ ریال

این داستان سالها پیش در محله تهران مصور، به صورت ناواری منتشر شده بود

### • درباره ادبیات فارسی

(۱۴۴) انجوری شیرازی، سید ابوالقاسم. فردوسی نامه (مردم و فردوسی). ۳ ج. تهران انتشارات علمی ۱۳۶۹ ج ۳. یازده + دوازده + سی و چهار + ۱۰۰۹ ص [در مجموع] ۷۵۰۰ ریال

مجموعه‌ای است از افسانه‌ها و روایات و تشلهایی که مردم در آشنایی با شاهنامه موافق دوق و سلیمه خود ساخته و پرداخته‌اند

(۱۴۵) پورنامداریان، تقی داستان پیامبران در کلیات شمس (شرح و تفسیر عرفانی داستانها در غزل‌های مولوی) ج ۱ تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۹ ج ۲ چهارده + ۴۸۷ ص ۲۰۰۰ نسخه شمیر ۱۷۵۰ / کالینگور ۲۰۰۰ ریال.

(۱۴۶) ثروتیان، بهروز بیان در شعر فارسی تهران. انتشارات برگ ۱۳۶۹. ۱۵۷ ص. ۲۲۰۰ نسخه ۵۸۰ ریال

نویسنده با استفاده از شواهد شعری فارسی (و نه عربی) به توصیف میان در شعر پرداخته به کارگیری معادلهای فارسی برای اصطلاحات اردیگر و ویژگیهای کتاب است «شکل خیال»، «تشبیه یا همانندسازی»، «ایهام یا گمان انگیزی»، «صحنه‌سازی برای رمز بهانی داستانها». عنوان برخی فصلهای کتاب است

(۱۴۷) حقیقت، عبدالرفیع، فرهنگ شاعران زبان پارسی (از آغاز تا به امروز). تهران. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران. ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹]. ۶۳۳ ص. ۳۰۰۰ نسخه ۵۰۰۰ ریال.

فرهنگ الفبایی شاعران فارسی زبان از قدیم و جدید، و شامل شرح احوالی در باره زندگی و آثار هر شاعر است.

(۱۶۰) سیمون، کلود جاده فلاندر. ترجمه منوچهر بدیع. تهران نیلوف ۱۳۶۹ ۳۵۵ص. ۵۰۰۰ نسخه. ۱۹۰۰ ریال

رمای اربو بسیده بوردار فراسوی این رمان در سال ۱۹۶۰ منتشر شد (۱۶۱) فلشر، لئو بور رین من ترجمه قاسم کبیری تهران انتشارات ققنوس ۱۳۶۹ ۳۱۳ص ۴۰۰۰ نسخه

بر اساس این کتاب علمی ساخته شده که چهار حایره اسکار را به حو اختصاص داده است (← محله فیلم، س ۷، س ۷۷)

(۱۶۲) گلدینگ، ویلیام برج ترجمه ژاله مساعد تهران دیبای مادر ۱۳۶۹ ۳۶۶ص ۳۳۰۰ نسخه ۱۳۵۰ ریال

ا بری اربو بسیده کتاب سالار مگسها و برده حایره ادبی بول سال ۱۹۸۳ (۱۶۳) لارس، جروم (و) روبرت ای لی آن شب که «تورو» رنداسی بو (بمانشامه در دو پرده) ترجمه بهزاد قادری (و) یدالله اقا عاسی تهران انتشارات نمایش. [۱۳۶۹] ۱۱۱ص ۲۰۰۰ نسخه ۳۵۰ ریال

(۱۶۴) مارکر، گابریل گارسا گروگایگیری ترجمه حمید شریعت راده تهران انتشارات نیلوفر ۱۳۶۹ ۱۵۰ص ۴۰۰۰ نسخه ۹۰۰ ریال

(۱۶۵) موروا، آندره هفت چهره عشق ترجمه شیوارویگران (و) هال رشاد تهران نشر و بخش میلاد بهاران ۱۳۶۹ ۲۱۴ص ۵۰۰۰ نسخه ۰۰۰ ریال

(۱۶۶) هسه، هرمان تیرهوش ترجمه محمد بقائی (ماکان) [تهران] ماکان ۱۳۶۹ ۲۴۰ص ۴۲۰۰ نسخه

ار بحسن آنا هرمان هسه، بوسیده المانی است

## ● در باره ادبیات خارجی

(۱۶۷) ناظر راده کرمانی، فرهاد ادبیات نمایشی در رُم تهران انتشارات برگ ۱۳۶۹ ۳۳۰ص مصور نمودار فهرست اعلام ۳۰۰ نسخه ۲۳۰۰ ریال

## تاریخ

(۱۶۸) مشکور، محمد حواد (به اهتمام) کارنامه اردشیر ناکان بهار دیبای کتاب ۱۳۶۹ ۳۴۲ص متن بهلوی مصور لغات ۲۵۰۰ ریال ۱۰۰۰ نسخه

من بهلوی کارنامه اردشیر ناکان (افست سده از روی حاب ۸۹۶ صنی)، با مبط نگاری کارنامه اردشیر ناکان به خط فارسی، و ترجمه فارسی، ار حمله مطالب کتاب است در بانان کتاب قسمی از ساهنامه که به ماحراها؛ اردشیر مر بوط می سود امده است

(۱۶۹) رئیس نیا، رحیم اذرناچان در سیر تاریخ ایران (ار اعار اسلام)، سر بر انتشارات سما ۱۳۶۸ [توریع ۱۶۹] ح ۲ ۱۳۳۲ص ۱۴۴ص تصویر ادر مجموع مصور نقشه فهرست راهنما دور دوحلدی ۷۵۰۰ ریال ۳۰۰۰ نسخه.

«سیوه تولید آسیایی»، «طوایف قدیمی آذربایجان»، «سکاها»، «دولت ماد» «ابورایکان»، «هلیم»، «دولت اسکائی»، «دولت ساسانی»، «دولت ها اهورا سرفی»، «آس های ررستی، مابوی و مردکی» عناوین برخی فصلها کتاب است بحث نایابی کتاب به سهر بر اختصاص دارد و در آن به مسا؛ گوناگونی حو وضع جغرافیایی، نباتات، آب و هوا، معادن و رلرله های این شم برداخته شده است

(۱۷۰) مارکوارت، ژورف و فرود وارنگ (جستارهایی در جغرافیا اساطیری و تاریخی ایران شرقی) ترجمه با اضافات از داود منشی زاد تهران. بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار پردی ۱۳۶۸. شانزده + ۲۱۲ص فهرست راهنما عکس ۱۵۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال

کتاب حاضر به جغرافیای تاریخی سرزمینهای میان سیحون و حیحو برداخته و آنا دیر با و گسترده تمدن ایرانی در آن حطه را بررسی و معرفی کر است

(۱۷۱) احسن، محمد مناظر زندگی اجتماعی در حکومت عباسیا

(۱۴۸) فضل الله، رضا. پژوهشی در اندیشه های فردوسی (تفسیر و تحلیل شاهنامه)، ج ۲ (دفترهای چهارم و پنجم و ششم) تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹ ۳۵۱ص ۳۰۰۰ نسخه ۱۶۰۰ ریال

بوسیده برخی داستانهای ساهنامه را بفسر و با ربانی مناسب رورگار ما بارگو می کند تأکید اصلی وی بر ارسهای هری و حبه های فکری ساهنامه است جلد اول کتاب حاضر در سال ۱۳۵۵ مسر سده بود این حلد نا به دبا آمدن رسم اعار می سود و نا سرد رسم، و سهرات به بانان می رسد کتاب حاضر بر نامه متن اشعادی ا برتلیس (استتوی ملل اسنا در اتحاد حمایر سوروی، ۱۹۶۵) استوار است

(۱۴۹) سجادى، سیدجعفر نقش تطبیعی ادبیات ایران و عرب تهران شرکت مؤلفان و مترجمان ایران ۱۳۶۹ شانزده + ۴۱۳ص. فهرست اعلام ۳۰۰۰ نسخه ۲۱۰۰ ریال

(۱۵۰) عرب، مهدی (و) مهدی مدانی داستان سیاوش (ار شاهنامه فردوسی)، وازه نامه (فهرست اعلام، مقابله نسخه فلوراس ۶۱۴ هـ، استندراکات) ح ۲ ۶ص + ۳۷۹ص ۲۰۰۰ نسخه ۳۰۰۰ ریال.

وارد نامه مفردات و ترکیبات، بوصحی درباره نسخه خطی ساهنامه موره فلوراس، مقابله من حلد اول نا نسخه نویافته فلوراس، و اسندراکتهای درباره حد مود در من مصحح. مطالب این حلد را سیکل می دهد

(۱۵۱) کبا، ححسته شاهنامه فردوسی و تراژدی آنی تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۹ ۱۱۱ص ۳۰۰۰ نسخه ۷۰۰ ریال

بوسیده ساجار بقدر گونه داستانهای بهلوانی ساهنامه را ار دیدگاه معاس بررسی کرده و به بررسی تطبیعی تراژدی آنی و داستانهای بهلوانی ساهنامه برداخته است مقاسه مفهوم بقدر در ساهنامه و در فرهنگ باری ار دیگر مقاسم شات حاضر است

(۱۵۲) ماحراى، سیدعطاء الله گردباد بهار انتشارات اطلاعات ۱۳۶۹ ۱۱۵ص ۳۱۵۰ نسخه ۵۰۰ ریال

ناسحی است به سحمان احمد ساملو (در شعر اس داسگاه ترکی، بهار ۱۹۹۰) درباره فردوسی و ساهنامه.

(۱۵۳) بوسی، غلامحسین روانهای روشش تهران استار به نگار ۱۳۶۹ ۲۴۵ص ۳۰۰۰ نسخه ۱۰۵۰ ریال

## ● شعر خارجی

(۱۵۴) بدوی، مصطفی (نا مقدمه و اسحات) گردبادی ار شعر معاصر عرب ترجمه غلامحسین بوسی (و) یوسف نگار بهار اسپرک ۱۳۶۹ ۵۲۶ص ۲۰۰۰ نسخه ۳۲۰۰ ریال

## ● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه خارجی.

(۱۵۵) ناچ، ریچارد اوهام. ترجمه سیده عدلیت و براسه هرمر ریاحی تهران انتشارات نیلوفر و انتشارات ماه ۱۳۶۹ ۱۵۲ص ۴۰۰۰ نسخه ۹۰۰ ریال

ار اس بوسیده شات حو بانان، مر ع در بانی (ترجمه هر سه مولوی و هرمر ریاحی، کتابهای حسی، ۱۳۵۵) بر به فارسی ترجمه و مسر سده است (۱۵۶) سب الهدی ای کاش می دانسم ترجمه محسن عبادی تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۹۱ص ۲۵۰ ریال ۳۰۰۰ نسخه

مجموعه حد داستان کوتاه با محوای اجتماع و اسلامی است (۱۵۷) بورحسن، حورجه لوننس باع گذرگاههای هزار پنج ترجمه احمد میرعلایی تهران نشر رضا ۱۳۶۹ ۴۰۴ص ۱۵۰۰ نسخه ۲۷۰۰ ریال (۱۵۸) دورمات، فردریک رومولوس کسر (کمدی سه تاریخی در چهار پرده) ترجمه حمید سمندریان (بهران) موسسه فرهنگی گسترش هر ۱۳۶۹ ۱۳۵ص ۱۵۰۰ نسخه ۶۶۰ ریال

(۱۵۹) رولفو، خوان دشت مشوس ترجمه فرشته مولوی تهران نشر گردون ۱۳۶۹ ۱۵۸ص ۶۶۰۰ نسخه ۷۵۰ ریال

ار اس بوسیده مکرکی، کتاب دیگری نا عنوان بدر و مارامو (ترجمه احمد گلگیری، انتشارات بهار) به فارسی ترجمه و منتشر سده است

(۱۷۰۱-۲۸۹ هـ / ۷۸۹-۹۰۲ م). ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۳۸۸.۱۳۶۹ ص فهرست اعلام. ۳۰۰۰ نسخه. ۱۹۰۰ ریال.

کتاب حاضر در بارهٔ حبه‌های گوناگون زندگی اجتماعی در دوران حکومت عباسیان است. بوساک، حوراک، حانه و امانه آن، سکار، ناریهای درون و بیرون حانه، حسنها و سیوهٔ برگراری آنها از موضوعات مورد بحث در کتاب است که فصل خاصی به هر یک از آنها اختصاص دارد. ملادر فصل مربوط به حوراک دربارهٔ انواع خوراکهایی که با مرغ و ماهی و گوسفند طبخ می‌شود و همجنس حوهٔ نجس آنها، انواع ناهها، انواع سبزیجات، سیرسها، ترسیها، بوسیدیهها، و همجنس حفظ و نگهداری خوراکها بحث شده است. براساس یکی از فهرستهای کتاب، اس کتاب باید دارای تصاویری هم باشد که بسب

(۱۷۲) احمد بن یحیی بن جابر ملاذری فتوح البلدان ترجمه و مقدمه از محمد توکل تهران نشر نقره. ۱۳۶۷ [توریع ۱۶۸] چهل و پنج + ۷۸۷ ص فهرست راهنما ۳۰۰۰ نسخه ۳۵۰۰ ریال

ملاذری از تاریخ بویسان قرن سوم هجری است و در این کتاب تاریخ جهان و اسلام در فرهای هفتم و هشتم و نهمی از قرن نهم میلادی (فرهای آغازین اسلامی) را به تصویر درآورده است. این کتاب برحسب بلاد مختلف تنظیم شده. تاریخ این بلاد از نخستین زمانهای توحه مسلمانان به تصرف هر یک از آنها آغاز و غالباً تا عصر خود مؤلف ادامه یافته است.

(۱۷۳) محمدی اشتیاردی، محمد. زندگی پرافتخار جابر بن عبدالله انصاری (بازدار حکومت صالحان) [تهران] انتشارات پیام آزادی، بی‌تا [توریع ۱۶۹] ۴۳۷ ص آیات ۹۰۰ ریال

(۱۷۴) سومر، فاروق قراویلوها ترجمه و هاب ولی ح ۱ تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۲۱۳ ص فهرست اعلام ۲۰۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال

در اس کتاب تاریخ سیاسی قبیلهٔ قراویلو بدو توحه حدادی به اوصاح اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی اس قبیله مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب اس مجلد شامل رویدادهای تاریخی اولیه برای تأسیس و استمرار این سلسله (از اواسط قرن چهاردهم میلادی تا زمان فرمانروایی جهانساره در ۱۴۳۹ م) است. بررسی مسألهٔ و ماهیت قبیلهٔ قراویلو و معرفی طوایف آن، و تاریخ سیاسی قراویلوها مطالب کتاب حاضر را بسکمل می‌دهد.

(۱۷۵) عبدی بیگ شیرازی (نویدی) تکمله الاخبار (تاریخ صفویه از آغاز تا ۹۷۸ هجری قمری) با مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحمید بنوایی تهران نشری ۱۳۶۹ ۲۷۵ ص فهرست راهنما ۲۰۰۰ نسخه. ۴۲۰۰ ریال

عبدی بیگ شیرازی از اساعران و بوسندگان در بار ساه طهماسب صفوی (متوفی در سنه ۹۸۸ هـ ق) و از معاصران حسن بیگ روملو، و فاضلی احمد کاسانی است. این هر سه از مؤلفس تاریخ بیم قرن آغازین سلسلهٔ صفوی هستند. کتاب حاضر، که به اعتقاد مصحح در بعضی از قسمتها از روی کتاب فاضلی کاسی (جهان آرا) بوسه شده، شامل دو بخش کلی است که یکی به معرفی و مدح ناساهان صفویه اختصاص دارد و دیگری به سلاطین معاصر ساهان صفویه در مناطق گوناگون روضه الصفات (مسکو، داس، ۱۹۷۴)، محبون وللی (مسکو، داس، ۱۹۶۷) و هفت اختر (مسکو، داس، ۱۹۷۴) از دیگر آثار مؤلف این کتاب است (به محس بعد و معرفی کتاب در همین شماره رجوع فرمایید).

(۱۷۶) افشار، ایرج (به کوشش) قتاله تاریخ (نمونه‌هایی از اعلامیه‌ها، بناییه‌ها، شب‌نامه‌ها، روزنامه‌ها و فوق‌العاده‌های دولتی، حزبی، سیاسی، بازرگانی، فرهنگی در دورهٔ مشروطیت تا پایان سلطنت احمدشاه). تهران انتشارات طلایه. ۱۳۶۸ [توزیع ۱۶۹]. ۴۶۴ ص. مصور. اسناد ۳۴۰۰ ریال

(۱۷۷) حقیقت، عبدالرفیع (رفیع). تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان (در دورهٔ قاجار-از ملاعلی نوری تا ادیب‌الممالک فراهانی). بخش دوم. تهران. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران. ۱۳۶۸ ۵۴۰ ص [از ص ۷۱۵ تا ۱۲۵۵].

۳۰۰۰ نسخه. ۳۰۰۰ ریال.

(۱۷۸) سرداری نیا، صمد باقرخان سالار ملی بی‌جا انتشارات ایرانیان ۱۳۶۹. ۱۵۹ ص. سد مصور ۲۰۰۰ نسخه ۴۲۰ ریال

(۱۷۹) بر، ادوارد آخرین امپراتور ترجمهٔ حسن کامشاد تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۸ [توریع ۱۶۹]. ۳۴۸ ص. مصور. ۵۰۰۰ نسخه شمیر ۱۴۲۴ / رکوب ۲۳۲۵ ریال

کتاب حاضر شرح زندگی بویی (۱۹۶۷-۱۹۰۶)، آخرین امپراتور چین، از کودکی تا مرگ وی است.

(۱۸۰) رو، ژورژ بین‌النهرین باستانی ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی تهران نشر آبی ۱۳۶۹. ۵۱۰ ص مصور نقشه. جدول فهرست اعلام ۳۰۰۰ نسخه ۱۹۶۰ ریال

کتاب حاضر بررسی فسرده‌ای است در تاریخ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین‌النهرین باستان که با نخستین آمار بیدایس اسان در شمال سرفی آن و در عصر دیر به سگی آغار می‌شود و با سقوط بهایی سومر و اکد در آغار عصر مسیحیت پایان می‌یابد.

(۱۸۱) سدی یو، رنه پروار برقرار تاریخ جهان ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی [تهران] انتشارات اشتیانی ۱۳۶۸ ۳۵۲ ص فهرست نامها و اماکی ۶۰۰۰ نسخه ۱۲۵۰ ریال

گریده‌ای از رویدادهای مهم جهان از دوران سن از تاریخ تا اواخر دههٔ ۵۰ قرن ۲۰ است که به ترتیب زمانی تنظیم شده است. تاریخ سوسیالیسم عنوان کتاب دیگری از مؤلف این کتاب است که عبدالرضا هوشنگ مهدوی به فارسی برگردانده است (۱۳۶۳)

(۱۸۲) ولرس، دلمین جین (از کمیسوس تا راهپیمایی بزرگ). ترجمهٔ شهرنوش پارسی پور تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۶۸ [توریع ۱۶۹] ۲۰۰ ص مصور ۱۰۰۰۰ نسخه ۱۱۵۰ ریال

## زندگینامه، خاطرات، سفرنامه‌ها

(۱۸۳) آدر، حسین (گردآورنده) تاریخ جنگهای ایران و روس (اهنگ سروش- یادداشت‌های میرزا محمد صادق وقایع‌نگار (هما) مروزی، از اغار تا عهدنامه‌ی ترکمانچای) مصحح امیر هوشنگ ادر بی‌جا. ناشر. مصحح ۱۳۶۹ ۴۰۳ ص مصور فهرست اعلام ۳۰۰۰ نسخه ۳۱۰۰ ریال

سناه گفتهٔ گردآورندهٔ کتاب، حون میرزا محمد صادق وقایع‌نگار از برس وریر امور خارجهٔ وهب بی‌تواسه وقایع امور را بطور که بوده یادداشت کید، اس کتاب را حدآگاهانه به رستهٔ تحریر درآورده تا شاید روری به دست مردم و آسندگان برسد.

(۱۸۴) آصف فکرت، محمد (به کوشش) گزارش سفارت کابل (سفرنامهٔ سید ابوالحسن قندهاری در ۱۲۸۶ و اسناد مربوط به آن). تهران. بیاد موقوفات دکتر محمود افشار ۱۳۶۸. ۱۲۸ ص. اسناد فهرست‌های راهنما. ۲۰۰۰ نسخه. ۶۵۰ ریال

دولت ایران در سال ۱۲۸۶ هـ (۱۸۶۹ م)، حاجی سید ابوالحسن ساه قندهاری را به سفیری به افغانستان فرستاد. کتاب حاضر حاوی گزارشهای مربوط به آن سفارت است.

(۱۸۵) [تاوورنیه، ژان باتیست]. سفرنامه تاوورنیه ترجمهٔ ابوتراب نوری. تجدید نظر حمید شیرازی بی‌جا، کتابخانهٔ سنائی و کتابروشی اصفهان. ۱۳۶۹ ج ۴. ی + ۷۳۵ ص مصور. ۱۵۰۰ نسخه

(۱۸۶) نیری، حمید (با همکاری س وحید نیا) زندگینامهٔ مستوفی‌الممالک [تهران]. انتشارات وحید ۱۳۶۹ ۵۸۷ ص. مصور. نقشه. سند. فهرست اعلام. ۵۰۰۰ نسخه ۴۱۰۰ ریال.

شرح مشاغل و مناصب، تحصیلات، مسافرتها و خصوصیات اخلاقی میرزا یوسف (در عهد ناصرالدین شاه) و میرزا حسن مستوفی‌الممالک (در عهد

فتمعلیشاه) مطالب کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد  
(۱۸۷) بیللی، ف. م. مأموریت به تاشکند ترجمه پرویز محبت. تهران  
انتشارات اطلاعات ۱۳۶۹. ۴۶۰ ص. مصور نمونه سند. نقشه. فهرست  
اعلام. ۳۱۵۰ نسخه. ۱۵۰۰ ریال.

(۱۸۸) گیزبرگ، یوگنیا. دردل گردناده. با مقدمه هاینریش بل ترجمه  
فرزانه طاهری. تهران. سروش. ۱۳۶۹. ۲۳ ص + ۴۸۵ ص نقشه ۷۰۰۰  
نسخه. ۱۴۵۰ ریال

حلد بحسب این کتاب که به خاطرات سالها ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۹ گیزبرگ  
احتصاص داسب در سال ۱۳۴۸ با عنوان سفری در گردناده (ترجمه مهدی  
سمسار، انتشارات حواری) منتشر شده بود کتاب حاضر به ادامه خاطرات  
وی از ۱۸ سال ردگی در اردوگاهها و بعدگاههای سوروی می‌پردازد  
(۱۸۹) [برلیوز، هکتور] خاطرات هکتور برلیوز (با مقدمه  
پیرسیترون) ترجمه محمدباقر برشیری (و) محسن الهامیان تهران  
انتشارات کتاب برای همه ۱۳۶۹ ۳۲۸ ص مصور اصطلاحات ۳۰۰۰  
نسخه ۱۲۰۰ ریال

## جغرافیا

(۱۹۰) بیوموت، پیترو (و) حرالد بلیک (و) مالکوم واگ استاف  
خاورمیانه. ترجمه محسن مدیرشاهچی (و) محمودرمضان زاده (و) علی  
آخشیشی. مشهد اسان فدس رصوی ۱۳۶۹ پانزده + ۶۵۶ ص مصور.  
نقشه جدول نمودار ۳۰۰۰ نسخه. ۲۸۰۰ ریال

بررسی جنبه‌های گوناگون جغرافیای طبیعی خاورمیانه و جغرافیای  
انسانی، سیاسی و اقتصادی کشورهای این منطقه موضوع کتاب حاضر را  
تشکیل می‌دهد از دید نویسندگان این کتاب خاورمیانه شامل سه‌حزبه  
عربستان، عراق، سوریه، لبنان، اردن، اسرائیل، ترکیه، ایران، مصر و لسی  
است

## معرفی نشریه‌های علمی و فرهنگی

● اهن و فولاد: مجمع فولاد مبارکه (سال ۵، شماره ۲۱ و ۲۲، بهار و  
تابستان ۶۹)

«تولید بلب از سنگ اهن زردانه گوا، هندوسان» / «احیاء مستقیم،  
فاکتوری کلندی در فولاد حورج ناو»  
● ادیه (شماره ۵۲، آذر ۱۳۶۹)

«گفت و گو با ماهر برهام» / «اخرسن هری همان عصر نایداری  
است»، عباسعلی رضا / «ای سا هندو و برکی هم ریان»، محمود  
دول آبادی / اسعاری از موجهر آنسی، فرح تمیمی، حسین مرووی و  
دیگران

● ارمان (شماره ۶ و ۷، آذر ۱۳۶۹)

«یادی از عباس یحیی سریف»، محمود احیایی / «صر کبید، صری  
به سکیایی تاریخ»، محمد تمی عانی  
● آگاهی نامه کشاورزی: مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی،

وراربت کشاورزی (دوره ۷، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۹)  
● آینده (سال ۱۶، شماره‌های ۱ تا ۴، فروردین تا تیر ۱۳۶۹)

«یادداشتی کوتاه درباره کشاورزی در قرن ۱۹»، احمد سیف /  
«دوسد درباره رواج نورورد در مصر باستان»، همایون صعتی / «موسیقی  
حروف و واژه‌ها»، تهی وحیدیان کامیار با بسته‌هایی از محمدعلی  
حمال‌زاده، ع روح بحسان، ربوبر ادکائی، تیمور گرگین و دیگران  
● آینه اندیشه (شماره ۱، سال ۱، آذر ماه ۱۳۶۹)

«گفتگوی با سمر کویت در ایران» / «سودیس بینی سده همان ربا  
است» / «حزب داستن داسته باس»، عبدالکریم سرویس / «۶ رورار  
خاطرات رورانه کاظم حسینی» / «کاظم حسینی ار ریان مهندس مهدی  
باررگان»  
● ادستان (شماره ۱۲، آذر ماه ۱۳۶۹).

«موسیقی کلمات در شعر فردوسی»، علامحسین یوسفی / «فردوسی  
و معاصران»، منصور رستگار فسایی / «ما و فردوسی»، محمد علی  
اسلامی بدوس / «آفریدگار رسم» عبدالحسین رریس کوب  
● نهکام (سال ۱، شماره ۵، ۱۳۶۹)

«در حسرت هوای تازه»، مرتضی فیاضی / «به‌داسب، معویب  
است»، منباحتمی / «سوند فلب اری، فلب مصوغی به»

● بروهنس: در مسائل روانی - اجتماعی، وابسته به امور فرهنگی نهاد  
رباسب جمهوری (سال ۳، شماره ۴ و ۵، بهار و تابستان ۱۳۶۵)  
«درماندگی اموجه سده»، علی اکبر سیف / «غلل روانی - اجتماعی  
برهکاری داس اموران ایرانی»، حسن احدی / «مکتب صاحب  
گرای»، سکوه الساداب نی حمالی.

● بلیک نص: اراسناراب روابط عمومی و اراساد وراربت نص (ار ۲۵ مهر  
با ۲۵ آبان ماه ۱۳۶۹، شماره ۲۵۹).

● پیام: دریچه‌ای گسوده برجهان (سهریور ۱۳۶۹)  
این شماره به سسصیدمین سالگرد مرگ حافظ، صدمس سالگرد  
مرگ میهای امیسکو (ساعر رومانیا)، و دوستمین سالگرد انقلاب  
فراسه احتصاص دارد «میهای امیسکو ساعر ملی رومانی»، ترجمه  
رصارصانی / «عسی، عاسق، معسوق»، رصافیس، ترجمه رصا فرحفال  
/ «حافظ، عصر طلایی ادبیات فارسی»، سارل هری دوفوسه کور،  
ترجمه رصا فرحفال.

● ~ (مهر ۱۳۶۹)

«طلیعه عصری حدید»، لونیس فلیب نارو / «راس در نقشه‌های  
اولیه برتعالی»

● تربیت: ماهنامه بررسی وراربت آموزش و ورورش (شماره ۶، سال  
۶، آبان ۱۳۶۹)

● تکابو (سال ۱، شماره ۱، دی ۱۳۶۹)  
«اسطوره کاوه در ساهنامه فردوسی» / «گراسی از بحسین مجمع  
ادبی دانشویان»

● حانار: ماهنامه حاناران انقلاب اسلامی (شماره ۱۰، آبان ۱۳۶۹).  
«میرگرد بررسی مسائل حاناران در اجتماع»، جلوه‌ای از نوآوریها  
در صایع و تجهیزات برسکی حانازان»

● حسانداز: ماهنامه انجمن حسانداران حره ایران (سال ۶، شماره ۹ و  
۱۰، مرداد و شهریور ۱۳۶۹)

«یادبود استاد [سجادی نژاد]» / «هریبه‌های تحقیق و توسعه»، م. ساپورگان

● رسد، آموزش علوم اجتماعی (سال اول، شماره ۳، بهار ۱۳۶۹).

«دگریاری و خودیاری در حش میان بهار دراسک لاریحان - آمل»، مرتضی فرهادی / «گزارشی از روستای آب اسک»، سیدحمید میرمادی

● دبای سخن (شماره ۳۶، آذر ۱۳۶۹).

«نامه و شعری از احمد ساملو» / «هتورورنالیسم ایران»، فروغ بوریوری / «گفتگو با غلامحسین صالحیار»، محمد معلم / نا اسعاری از سعیدی کدکی، نعی خاوری، موحهر آنسی و هدا سایه

● رونی، اقتصادی، اجتماعی (سال ۱، شماره ۶).

«تررسی اعتیاد و نابرووری معتادان»، برور سران / «دهی لاهوتی و تغییر اجتماعی»، حواد یوسفیان.

● صنعت حمل و نقل، علمی، فنی، اقتصادی، حرری (شماره ۹۱، آبان ۱۳۶۹).

«حمل دریایی به مقصد ایران، بحستین آمان بحران» / «تحریم هوایی، موضع گیریهای جهانی، سابقه در ایران».

● فرهنگ (به مناسب هراه تدوین ساهنامه) مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (کتاب هفتم، نابیر ۱۳۶۹)

«دستویس ساهنامه فلوراس (۶۱۴ هم) هباهوی بسار برای هیچ»، مهدی فریب / «روایتی دیگر در مرگ رستم»، منصور رستگار فسایی / «ریدگی بهلوانانه استاد عباس فابع»، ع. روح بحسان

● فصلنامه تئاتر، ویره بروهنهای تئاتری مرکز هرهایی نمایی ورارب فرهنگ و ارساد اسلامی (شماره‌های ۶ و ۷ و ۸، تاستان و نابیر و رمستان ۱۳۶۸)

«آمار و ارقام در تئاتر»، علی منتظری / «رمینه فرهنگ مردم»، حلال ستاری / «تاریحجه تئاتر در تریر»، امرعلیرادگان / «کناساسی صحنه‌نمایش»، مصوره سحایی و سعله ناکراون این کناساسی شامل فهرست موضوعی نماسنامه‌های احرا سده در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ است و در ۱۰۰ صفحه تنظیم سده است.

● فصلنامه تعلیم و تربیت، سرنیه سارمان بروهس و ربنامه‌ریری آمورش و زارب آمورش و برورس (سال ۵، شماره ۴، رمستان ۱۳۶۸)

«نظریه یادگیری اجتماعی»، نافر سایی / «آرموبهای جامعه‌سحی»، گنجی / «تحول وضع سواد در ایران (۱۳۵۵-۶۵) و برآورد آن تا سال ۱۳۷۷»، سید جعفر سجادی.

● فصلنامه کتاب، شریه کتابخانه ملی ایران (دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۶۹).

«کتاب و کتاب در اسلام»، محمد رجبی / «نقش کتاب در توسعه فرهنگی»، ماندانا صدیق بهرادی / «گزارشی ارهفتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران (دهه فجر ۱۳۶۸)»، مهرداد نیکنام

● کتاب صبح (شماره ۸، مهر و آبان ۱۳۶۹).

«مدخلی بر متنی نوعی»، زرار ربت، ترجمه رضا سیدحسینی / «گریده‌ای از کتاب جنس بیکران ارنست همیگویی، ترجمه فرهاد غرایبی.

● کلک؛ ماهنامه فرهنگی و هنری (سال ۱، شماره ۹، آذر ۱۳۶۹)

«نقد افسانه فردوسی و محمود»، دکتر محمد امین ریاحی / «حدای -

نامه‌ها و شاهنامه فردوسی»، دکتر محمد روشن / «تحلیل ساختار ادبی»، دکتر محمدرضا شعیبی کدکی / «درباره اصالت نقاشی سنتی ما»، مرتضی معیز

● کیمیا، ماهنامه علمی - فنی - اقتصادی - حرری (سال ۳، شماره ۸، مهر ۱۳۶۹)

این شماره ویره بیوتکولوری است.

● کیهان علمی، برای نوحوانان (سال ۲، شماره ۸، ۳۰ آبان ۱۳۶۹).

«استفاده ار کامپیوتر»، مسعود رمایی / «ناران مرگزار»، فرانیه کریمی

● گردون (سال ۱، شماره ۲، آذر ۱۳۶۹)

«حلابی هری، آفریش ربنا»، احمد محیط / «پیدایس رمان نو در ایران»، حسن عابدینی / «هراتو، ساحب آفرینس»، گاری، ال، براور، ترجمه رضا رفحال

● ماهنامه دارویی راری، علمی - اجتماعی، واحد زیریک سرکت سهامی بخش راری (سال ۱، شماره ۱۰، آبان ۱۳۶۹)

«انحمنهای تحصیسی»، سیدمحمد صدر / «رسد بی رویه جمعیت یکی ار دلایل کمبود دارو»، محمد حسینی

● محله بهداسب ایران (سال ۱۸، شماره ۱۴، سال ۱۳۶۸)

«تررسی ابیدمیولوزیکی و فارح ساسی کحلی سردمدارس و مهد کودکهای بندرحاه بهار»، فریده ربی و علی فحری

● محله دانشکده ادبات و علوم اسایی؛ دانشگاه شهید بهشتی (دوره حدید، شمار ۱ و ۲، بهار و تاستان ۱۳۶۹).

«رستم ار دیدگاه فردوسی در غننامه سهراب»، سیدعلی محمد سجادی / «اسماعیلیان براری در تاریخ ایران»، اللهیار خلعتتری / «سکسپیر یک هرمند رنده»، حلال سحور

● محله فیریک، ار انتشارات مرکز سرداسگاهی (سال ۸، شماره ۱ و ۲، بهار و تاستان ۱۳۶۹)

«حرح اولن یک و کسف اسپین الکترون»، ابراهام بیس / «اندازه‌گیری دبی رمان»، نورمن رمی / «نظریه آرمون سبیت حاصی حیسب و حه لرومی داد؟»، رضا مصوری

● معارف، ار انتشارات مرکز سرداسگاهی (دوره هفتم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۶۹)

«معرفی چهار اثر کوتاه فارسی ار ابوحامد عرالی»، نا مقدمه و تصحیح نصرالله بورخوادی / «کتاب میهمانی افلاطون در آثار عربی»، دیمتری گوناس، ترجمه محمد سعید حائنی کاسایی / «تفسیر قرآنی و پیدایس رمان عرفانی»، بل نوبیا، ترجمه اسماعیل سعادت

● نشریه دانشکده ادبیات و علوم اسایی دانشگاه تبریز (سال ۳۳، شماره مسلسل ۱۳۴، بهار ۱۳۶۹).

«درباره دو بیت ارمنوی معوی»، امین ناسا احلالی / «حشش عدم تعهد در جهان سوم»، محمد حریری اکتری / «نگاهی گذرا به تاریخ روسهای آموزش رانها خارجی»، بهرور عزیدفتری

● نمایش؛ نشریه مرکز هنرهای نمایشی ورارب فرهنگ و ارساد اسلامی (سال ۳، شماره ۳۵)

«مصاحبه با غلامحسین نقشبیه» / «گزارشی ار سفر گروه نمایش عروسکی به تایوان».

## در ایران، در جهان

● ایران

### بزرگداشت فردوسی

کنگره بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی به مناسبت هزارة تدوین شاهنامه از اول تا هشتم دی ماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، با حضور استادان و صاحب نظران ایرانی و خارجی، برگزار شد.

کنگره با سخنان آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهوری اسلامی ایران آغاز به کار کرد. رئیس جمهوری ضمن سخنان خود گفت: «فردوسی از شخصیت های ارزنده تاریخی و مطرح کردن آنها که سبب تشویق استعدادها می شود یکی از اقدامات عالی و درخور توجه است و ... فردوسی یکی از ارزنده ترین شخصیت های است که ارزش برگزاری چنین مراسمی را دارد. و شاهنامه او یکی از کتاب های آرمایی روزگار ما به حساب می آید که در آن از ارزش های مفید سرب دفاع سده است.» رئیس جمهوری پس از آن به اهمیت زبان فارسی و لزوم تعلیم آن اشاره کرد و گفت: «من به دانشگاه ها و ادیان توصیه می کنم که برای رواج زبان فارسی در سب میان جامعه هم کنند»

پس از آقای هاشمی رفسنجانی، آقای فدریکو مایور، مدیرکل یونسکو درباره ارزش جهانی شاهنامه فردوسی صحبت کرد و گفت: شاهنامه یکی از آثار عمده ادبیات جهان است که در آن به ارزش های انسانی توجه بسیار شده است.

در این کنگره که هشت روز طول کشید حدیثی از اسناد خارجی از جمله اسناد ریلر لارار و سارل هابری دوفوسه کور (از فرانسه) سخنرانی کردند.

همزمان با برگزاری کنگره در تهران فعالیتهای فرهنگی و هنری بسیاری در تهران و شهرهای انجام گرفت که فهرست برخی از آنها نقل می شود.

● انتشارات در هفته بزرگداشت فردوسی چند کتاب درباره او و شاهنامه انتشار یافت و چند مؤسسه اقدام به تجدید چاپ شاهنامه کردند. شاهنامه چاپ رول مول فرانسوی توسط انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی در چهار مجلد،

● بهین نامه باستان، برگزیده ای شامل پس از هشت هزار بیت از اشعار شاهنامه به همت مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،

● زال و رودابه، در قطع رحلی هفت رنگ، همان مؤسسه،

● هنگامه کوه هماون، همان مؤسسه،

● داستان سیاوس، همان مؤسسه،

● دفتر دانی، شامل ۲۵۰ قطعه از شاهنامه، همان مؤسسه،

● کتاب بار، ویرۀ شاهنامه و فردوسی (مجموعه مقاله)، همان مؤسسه،

● برده هایی از شاهنامه، حاوی بارده میبیا تور رنگی و چهار تابلو

تذهیب و بارده تابلو میبیا تور به همراه اسعار منتخب شاهنامه، توسط انتشارات سروش،

● سرو سایه فک، نوشته دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، توسط انجمن خوشنویسان،

● مجموعه های فردوسی در آیه شاهنامه، همان انجمن،

● فرهنگ نامهای شاهنامه، تألیف دکتر منصور رستگار فسائی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی،

● فرهنگ، فصلنامه مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، شماره مخصوص فردوسی و هزارۀ شاهنامه،

● آذستان، ماهنامه ادبی مؤسسه اطلاعات، شماره ویرۀ (۱۲)،

● حات عکسی نسخه منحصر به فرد شاهنامه موجود در کتابخانه فلورانس

● نمایشگاهها در جریان بزرگداشت فردوسی «انجمن خوشنویسان ایران» چند نمایشگاه در تهران ترتیب داد

● نمایشگاه آثار خطی هنرمندان خوشنویس معاصر درباره مضامین شاهنامه،

● نمایشگاه نقاشی ایرانی، میبیا تور، برده های سنتی فیهو خانه ای مرتبط با مضامین شاهنامه،

● نمایشگاه نسخه های مختلف شاهنامه (خطی، چاپ سنگی، چاپ حدید)

علاوه بر اینها یک نمایشگاه تصاویر و نقوش قدیمی شاهنامه در موزه رضا عباسی تشکیل کردند که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. این موزه یکی از عتیق ترین و فعالترین موزه های ایران است.

● نمایشهای سنتی و نو در انام برگزاری کنگره فردوسی حدیثی مناسب سنتی و نو در تهران بر روی صحنه رفت

● راز سهر، کار فرساده فرسۀ حکمت در تالار مولوی که بر اساس داستان رستم و اسفندیار ساخته شده بود،

● براردی اسفندیار، نوشته علی خراعی به کارگردانی حسین فرحی به سبک «صحنه ای» در تالار وحدت،

● هزارۀ هزاره ها، نوشته کیوان اصلاح بذیر به کارگردانی مهدی خرحانی در سالن تئاتر چهار سو،

● نمایش «مجلس تعلیم هفت خوان» به کارگردانی آیلانسیانی در سالن تئاتر چهار سو،

● نمایش غرو سکی «هفت خوان رستم» به کارگردانی هما حدیکار در تالار سنگلج،

● نقالی و شاهنامه خوانی توسط ولی الله ترابی، مُرشد و نقال قدیمی در تالار محراب برنامه ولی الله ترابی که ۲۷ سال است شاهنامه خوانی می کند مورد استقبال بسیار قرار گرفت

● در شهرستانها

● مشهد، بیشترین فعالیت برای بزرگداشت فردوسی در شهر مشهد مقدس و طوس که آرامگاه شاعر بزرگ در آنجاست، انجام گرفت

کار مرمت آرامگاه که به همت سازمان میراث فرهنگی از مدتها پیش

آغاز شده بود با همکاری ادارات و سازمانهای ذیربط بموقع پایان گرفت و رور پنجم دی ماه مراسم باشکوهی با حضور جمعی از مقامات و محققان ایرانی و خارجی در آرامگاه حماسه سرای طوس برگزار شد. در این مراسم استاد صادقی علیشه نقل کهنسال خراسانی، بخشی از شاهنامه را نقل کرد و پس از آن هنرمندان تربت حام چند برنامه نمایش محلی اجرا کردند.

علاوه بر این در تالار هتل همای مشهد مراسم سخنرانی درباره فردوسی و شاهنامه انجام گرفت و پس از آن هنرمندان تربت حام نمایشهای محلی اجرا کردند. همچنین دو نمایشگاه کتاب توسط آستان قدس رضوی تشکیل شد. نمایشگاه سسجه های خطی و چاپی شاهنامه، و نمایشگاه هشت هزار عنوان کتاب. و بیرده تابلو مینیاتور از صحنه های شاهنامه، اثر استاد فاسم باسطرادر، در موره آستان قدس رضوی به نمایش گذاشته شد.

○ زابل. مجسمه رستم، پهلوان نامی شاهنامه در میدان رابل نصب شد این مجسمه در ایتالیا ساخته شده است و اربع سال پیش، به دلیل اختلاف سلیقه مقامات شهری بر سر محل نصب آن، همچنان در صندوق مانده بود. مجسمه رستم سوار بر رخش چهارده س ورن دارد و از برنر ریخته سده است

○ مهاباد. ادب دوستان و علاقه مندان فردوسی، در مراسمی که از سوی «سازمان تبلیغات اسلامی» مهاباد ترتیب یافته بود، خاطره فردوسی را گرامی داشتند. در این مراسم از فردوسی به عنوان «معمار کاخ بلند زبان فارسی» تحلیل شد به همین مناسبت نمایشگاهی از آثار خوشنویسان مهاباد در تالار شهرداری تشکیل شد.

○ قزوین. «تالار مس» استاد عباس فایع توسط آقای محمود بروحردی، رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی گسایش یافت این تالار که یک موره بی نظیر از کار بر روی مس است، حاوی مجموعه ها و مجسمه هایی است که زندگی رستم و پهلوانان شاهنامه را نشان می دهد مجموعه ای از این مجموعه ها با عنوان رستم از اوج تا سقوط توسط یوسکو منتشر می شود.

○ کاشان. کانون نشر فرهنگ اسلامی مراسمی با حضور گروهی از استادان دانشگاه، ادبا، شاعران و علاقه مندان برای بزرگداشت فردوسی برگزار کرد در این مراسم که به همت «انجمن شعر و ادب» این کانون برگزار شد، چند تن از استادان درباره عظمت شاهنامه، مبارعه فردوسی و سلطان محمود، و فرهنگ و تمدن کهن ایران سخن رانیدند. ○ اصفهان. دانشگاه اصفهان به منظور بزرگداشت فردوسی سمیناری در رورهای دواوردهم تا چهاردهم دی ماه برگزار کرد که در آن استادان و دانشجویان به سخنرانی و بحث درباره فردوسی و اهمیت کار او پرداختند.

### بزرگداشت فردوسی در جهان

فرارسیدن هزاره تدوین شاهنامه فردوسی فرصتی برای علاقه مندان به زبان فارسی و دوستداران فردوسی در کشورهای مختلف فراهم آورد تا شاعر بزرگ ایران را گرامی بدارند. مثلاً در هند و ترکیه و ایتالیا مراسمی با همکاری مقامات ایرانی برای بزرگداشت شاعر نامی ایران برپا گردید:

### ● هند

#### سمینار و نمایشگاه

معاون رئیس جمهوری هند سمینار بزرگداشت فردوسی و هزاره تدوین شاهنامه را افتتاح کرد و گفت «شاهنامه فردوسی بر بسیاری از نویسندگان، نقاشان و نمایشنامه نویسان جهان و مخصوصاً هند اثر گذاشته است و هند نخستین کشور جهان است که افتخار داشته است این شاهکار عظیم هنری را در سال ۱۸۱۱ چاپ کند».

معاون رئیس جمهوری هند همچنین پیام آقای سید محمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را قرائت کرد که در آن از «فردوسی به عنوان یکی از عوامل گسترش زبان فارسی و فرهنگ اسلامی» یاد شده بود.

چند تن از استادان دانشگاههای هند در این سمینار دو روزه در باره اهمیت شاهنامه و نقش آن در گسترش زبان فارسی صحبت کردند همزمان با این سمینار نمایشگاهی از سسجه های خطی شاهنامه در موره ملی دهلی نو تشکیل شد که یک هفته ادامه داشت. یکی از این سسجه ها که در نمونی نگاهداری می شود در سال ۷۹۸ هجری کتابت یافته است موره ملی دهلی نو هم دارای نسخه ای است که در سال ۸۳۲ هجری نوشته شده است

### ● ترکیه

#### سمینار و نمایشگاه

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران سمیناری با عنوان «شاهنامه» در آنکارا ترتیب داد که در آن جمع کنیری از استادان و نویسندگان ترکیه و دانشویان ترک و ایرانی شرکت کردند. در این گردهمایی استاد عبدالقادر قره حان درباره «سح خطی شاهنامه در کتابخانه تونکایی سرای استاسول»، دکتر امین پاسا احلالی درباره «پهلوان غالب، معلوب خود»، دکتر مرسل اورترک در باب «ترکان در شاهنامه» و بورغریری در زمینه «فردوسی و دی» سخن رانیدند همچنین نمایشگاهی از کتابهایی که درباره شاهنامه و فردوسی نوشته شده است ترتیب یافته بود.

### ● ایتالیا

#### غبار روبی مجسمه فردوسی

همزمان با هزاره تدوین شاهنامه شهرداری رم اقدام به غبار روبی و نظافت مجسمه فردوسی کرد که در میدان «ویلا بورگزه» نایتحت ایتالیا نصب شده است. مجسمه فردوسی در سال ۱۹۵۸ (۱۳۳۷ ش)، توسط شهرداری تهران به شهرداری رم اهدا شد و در میدان ویلا بورگزه، رومرووی گالری ملی هرهای مدرن نصب گردید. اقدام به غبار روبی به درخواست واسته فرهنگی ایران در ایتالیا انجام گرفت

### ● شوروی

#### ترجمه ترکی شاهنامه

مبارز علیزاده، استاد دانشگاه باکو، شاهنامه فردوسی را به زبان ترکی آذربایجانی ترجمه و چاپ کرده است. کار ترجمه شاهنامه که در شش جلد منتشر شده، بیست و هفت سال طول کشیده است. مبارز علیزاده که

برای سرک در کنگره فردوسی به تهران آمده بود، معتقد است که «فردوسی و آثارش همه جهان را همانند آفتاب فرا گرفته و ناهنامه او تمام کره رمن را زیر بر تو خود فرار داده است»

\*

## دیدار رئیس جمهوری از کتابخانه ملی

آقای هاسمی رفسنجانی رئیس جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه یازدهم اذر از ساختمان مرکزی کتابخانه ملی ایران و موزه ملی ایران دیدن کرد. کتابخانه ملی احرا از وزارت فرهنگ و امور عالی جدا شده و مستقیماً زیر نظر رئیس جمهوری قرار گرفته است. رئیس جمهوری در نمان این دیدار که پنج ساعت به طول انجامید، گفت «کتابخانه ملی ایران یکی از عظیم ترین دخانه علمی و فرهنگی، و از افتخارات تاریخ ماست». گفتی است که در سالهای اخیر فعالیتهای بسیاری برای گسترش و عنای کتابخانه های کشور صورت گرفته است و کتابخانه های عمومی در حدود ۲۵۰ هزار عضو فعال دارند. علاوه بر این فرار است که از سال آینده بخشی از درآمد شهرداریها صرف امور کتابخانه های عمومی شود.

## ایران: مرکز تحقیقات خرما و صنایع دسی

سکته تکنولوژی اسبا و اسبه به سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل متحد (اف ا او) ایران را به عنوان مرکز تحقیقات تکنولوژیک خرما انتخاب کرد. این مرکز با همکاری سکته تکنولوژی آسیا، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، سازمان خواربار و کشاورزی و وزارت کشاورزی ایران ایجاد می شود.

از سوی دیگر در نمان چهاردهم احلاس اسبابی شورای جهانی صنایع دسی که در اصفهان تشکیل شده بود، ایران به عنوان مسؤول صنایع دسی بخش غرب اسبا انتخاب شد. شورای جهانی صنایع دستی که واسبه به یونسکو است، در سال ۱۳۲۳ تأسیس شده است. همزمان با برگزاری این احلاس بهاسگاه صنایع دسی ایران در کنار راییده رود و بل حواحو تشکیل شد نه مورد استقبال وسیع مردم فرار گرفت.

## بازگردانی دوتابلو نفیس نقاشی

دوتابلو نقاشی نفیس و بی نظیر ایرانی که حد سال قبل از انقلاب از کاح گلسان به خارج اسفال نافته و حد ماه سن در لندن به معرض هراج گداسته شده بود، با تویسن «سازمان میراث فرهنگی کشور» به ایران بازگردانده شد.

یکی از این دوتابلو اثر کمال الملك عقاری و دیگری اثر اسناد سمیع الملك از نقاشان برر دوره فاحار است که برای آنها سن میلیون دلار قیمت بایه تعیین شده بود.

## همکاریهای ایران و یونسکو

فدریکو مایور، دبیر کل یونسکو، که برای سرک در کنگره فردوسی به تهران آمده بود، با آقای هاسمی رفسنجانی دیدار کرد، در این دیدار رئیس جمهوری ضمن اظهار رضایت از عملکرد مسب یونسکو گفت

«همه مردم باید این سازمان را از خود بدانند، اما اگر یونسکو بخواهد در احجام رسالت خود موفق باشد باید مستقل عمل کند و تحت تأثیر قدرتهایی که می خواهند از این سازمان فرهنگی سوء استفاده کنند فرار نگردد»

مدیر کل یونسکو در نایان دیدارهایی که با مقامات ایرانی داشت، گفت ایران و یونسکو برای گسترش فعالیتهای علمی و فرهنگی توافق کرده اند و مخصوصاً حفظ آثار و اسبه فرهنگی مورد تأکید فرار گرفته است که در این ان باهم و اسبابی میان دوطرف افزایش خواهد یافت.

## هفتادمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان

به مناسبت هفتادمین سالگرد شهادت میرزا کوچک خان، مراسمی در سبه آدرماه در تالار شهید بهستی شهرستان قومن برگزار شد. علاوه بر این در جلسه ای که در اوایل دی ماه در رسب تشکیل گردید به تسهاده اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کلان مقرر شد یک مجمع فرهنگی-هری در حوا آرامگاه میرزا کوچک خان ایجاد شود. به همین منظور محوطه آرامگاه نارسازی می شود. همچنین میدان راری رسب به میدان میرزا کوچک خان تغییر نام یافت.

## موزه شعر در خانه نیمایوشیج

بانه تصمیم سازمان میراث فرهنگی مارداران خانه نیمایوشیج که اکنون صدسال قدمت دارد، سن از نارسازی به «موزه شعر» تبدیل می شود. خانه سما که در اواخر عصر فاحار از سنگ و گل و حوب ساخته شده و ۶۰۰ متر مربع رر بنا دارد، در روسای بوس فرار گرفته است. بوس منطقه ای که هسانی در فاصله ۶۰ کیلومری دوراهی بلده و حاده هرا است.

## آیین ویژه سالگرد درگذشت زرتشت

به مناسبت سالگرد درگذشت اسور رست، هموطن زرتستی اسبهای وبره ای در ورور سجم دی ماه در بر برگزار کردند. در این مراسم مودان و مودناران ضمن تسبیح خوانی و تمحید از شخصیت زرتست، برای سربلندی ایران و صحت و سلامت هموطنان بیاس کردند.

براساس روایات زرتستی، در ورور سجم دی ماه (حورور) درحالی که سباه گساست بلح را برای حگ نادمسان ترك کرده بود، توربرابور بورای و ساهسن از هصب استفاده کردند و به بلح حمله بردند و زرتست را که در معد در حال عنادت بود، به قتل رساندند.

## تأسیس مرکز یزدشناسی

مرکز یردسناسی به همت کتابخانه وریری یرد تأسیس شد. وظیفه این مرکز جمع آوری و سرن آثار مربوط به فرهنگ و تمدن، آداب و رسوم و یرگیهای استان یرد است. مرکز یردسناسی، سن از مرکز کرمان سناسی که حدی بیس تأسیس شد، دومین مرکز تحقیقات غیردولتی و استانی است که در ایران ایجاد شده است.

کتابخانه وریری که وابسته به آسان قدس رضوی است توسط مرحوم حبب الاسلام وریری بنیاد نهاده شده و هم اکنون با داشتن ۸ هزار سنخه کتاب (از جمله ۲۲۰۰ حلد سنخه خطی) از بزرگترین کتابخانه های عمومی کشور محسوب می شود.



## ارسال ۵۰ هزار جلد کتاب به آفریقا

واحد فرهنگی آستان قدس رضوی سحاه هزار جلد کتاب را رایگان به کشورهای آفریقای صادر کرد. هدف از این اقدام ترویج مانی فرهنگ اسلامی است این واحد همچنین به مناسبت هزارهٔ تدوین ساهنامه مایسگاهی مسکله از هست هزار عنوان کتاب ترتیب داده بود از سوی دیگر کتابخانه مرکزی آستان قدس با همکاری مرکز ترمیم کتاب فرانسه، که از مراکز مهم در این زمینه به شمار می‌رود، قراردادی برای تعمیر و برمیم کتاب، آبار، اسناد و دست نوشته‌های قدیمی خود بسته است.

## جایزهٔ ادبی- تاریخی دکتر محمود افشار

دومین جایزهٔ ادبی- تاریخی دکتر محمود افشار به دکتر علامحسین یوسفی ادب متوفای ایرانی و دکتر امین عبدالعزیز ندوی، داسمندی مصری بعلی گرفت. اولین جایزهٔ دکتر محمود افشار در سال گذشته به دکتر بدیر احمد، داسمندی هندی اهداء شد

## چند خبر دانشگاهی

● رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمن گفت و گویی با خبرنگاران گزارشی از فعالیتهای این شورا در سال گذشته ارائه داد و گفت در این مدت شورای عالی انقلاب فرهنگی مسائل ریادی را بررسی کرده و برنامه‌های متعددی را به تصویب رسانده است

● حب الاسلام هاسمی رفسنجانی رئیس صوابط اعطای بورس تحصیلی و اعزام داسخو به خارج، طرح سجنس آموزش کشور، تاسیس داسکدهٔ خاص اهل سب، استفاده از افراد عالم اندسمند فافد مدرک تحصیلی، و بدیرس داسخو تان مسلمان کشورهای اسلامی را از جمله برنامه‌هایی برسمرد که در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده است.

● شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی احرراً چند برنامهٔ تازهٔ آموزشی را بررسی و تصویب کرد که از آن جمله است (۱) دوره‌های دکترای اقتصاد در دواره گرایس، (۲) دورهٔ کاردانی فنی نگهداری هواپیما، (۳) دورهٔ کارسسانی مرمت اشیاء فرهنگی، (۴) دوره‌های کارشناسی ارشد طراحی صنعتی و تصویرسازی

● دسر شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرد که این شورا در طی یک سال گذشته جمعاً ۲۶ جلسه برگزار کرده و ۶۰ مصوبه را در مورد داسگاهها و مؤسسات آموزش عالی به تصویب رسانده است این شورا می‌کوسد تا مدیریت داسگاهها حایگاه واقعی خود را در ادارهٔ داسگاهها کسب کند

● معاون پژوهشی دانشگاه مشهد اعلام کرد که در سس ماه اول سال جاری ۱۲ طرح تحقیقاتی در زمینه‌های کشاورزی، مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی تان یافته است.

● اولین آرمون سراسری گریس سردفتر اسناد رسمی با شرکت ۲۵۰۰ داوطلب در تهران برگزار شد.

● در تان اولین سمینار بیسکر و فراورده‌های حانی آن که با حضور استادان دانشگاه و کارسسان کشور در هفت تبه برگزار شد تاسیس دانشکدهٔ تکنولوژی نیشکر در حورستان مورد تصویب قرار گرفت.

● با موافقت وزارت فرهنگ و آموزش عالی و به ابتکار سارمان پژوهشهای علمی- صنعتی ایران یک «سهرک تحقیقاتی» در حومهٔ سیرار در رمینی به مساحت ۱۵ هکتار ایجاد خواهد شد

● در تان سیردهمین سمینار رؤسای داسگاه آزاد اسلامی که در ارسجان برگزار شد اعلام گردید که این سهر به رودی به یک «سهر داسگاهی» تبدیل می‌شود

● کارهای ساحتسانی داسگاه اسلامی کار در رمینی به مساحت ۳۵ هکتار در حرمدره آغاز گردید

● شورای گسرس داسگاههای علوم برسکی کشور با تاسیس چند دورهٔ تازه موافقت کرد از آن جمله است دورهٔ تخصصی بوسب و دورهٔ تخصصی زبان و زبان و دورهٔ تخصصی سبوسی در داسگاه همدان، دورهٔ تخصصی اعصاب در داسگاه کرمان، و چند دورهٔ تخصصی و کاردانی در باحهران، سدرعاس و راهدان

● عملیات ساحتسانی مرحلهٔ دوم داسکدهٔ علوم برسکی باحهران آغاز شد

● به ابتکار هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور یک مرکز آموزش عالی کتابداری تاسیس می‌شود هدف از این اقدام رفع کمبود بیروی اسانی محصص در کتابخانه‌های عمومی است

● بخش دورهٔ مسابقات علمی کشور با سرک ۴۵۰۰ داسخوی دحیر و سسر در دو مرحله برگزار شد و ۴۵۰۰ س به عنوان داسخو تان مسحت در چهار گروه برسکی، فنی و مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی ساحتته شدند و جوایزی دریافت کردند

● در سال جاری ۲۷۵ عنوان کتاب برسکی حات خارج به تعداد ۳۶۰ هزار سخته تان داسگاههای علوم برسکی سراسر کشور بوریع شد

● «مؤسسهٔ بوسعهٔ داس و پژوهس ایران» به منظور سهیل رسد فرهنگ، تحقیقات در میان مسؤولان و جامعه و «الگوسازی در کار تحقیق» و حذب محققان ساعل و غیر ساعل و آماده‌سازی طرحهای پژوهشی برای احررا، تاسیس شد.

● رؤسای داسگاهها و مراکز تحقیقاتی در تان هجدهمین سنس خود بر ضرورت سکیل هیأت اما در هرداسگاه و اسفلال مالی و اداری داسگاهها و لزوم گسدرس دوره‌های تخصصی و کاربردی تآکید کردند

● معاونان پژوهشی داسگاهها و مراکز تحقیقاتی کشور در تان دومین سمینار خود در یرد لزوم توسعهٔ آموزش عالی و اولوب تحقیقات داسگاهی را مورد تآکید قرار دادند

● در تان سمینار معاونان و مدیران کل امور داسخویی داسگاهها و مؤسسات آموزش عالی سراسر کشور که در سسرار سکیل شده بود، اعلام شد که در حال حاضر آهنگ رسد داسخو تان کشور به سح برابر آهنگ رسد جمعیت کشور رسیده است

## فعالیتهای هنری- فرهنگی در بیرون از مرزها

در حندماه گذشته همرمدان ایرانی بازارانهٔ آمار خود در خارج کشور، ضمن شان دادن نمونه‌هایی از فعالیتهای هنری- فرهنگی ایرانیان موفق

پس از آن پیام‌وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فرانت سد که در آن گفته شده بود: «جهان کمونی بیش از هر زمان دیگر به نفس حیات بحس عیسوی نیاز دارد زیرا که نجات اسان از ظلمت و وحشت و قرار در امیبت و روسایبی را فرآن مصداق احیاء می‌داند. باید با تمسک به پیام بهایی و حقیقی اسلام و مسیحیت، که همان توحید و عدالت است، به کمک مطلوبان و صعیبان شتافت».

پس از آن پیام عالی خناب سرافیم، سراسف کلیسای ارتدکس یونان فرانت شد که در آن پس از تشکر از رایزنی فرهنگی ایران در برگزاری سمپوریوم گفته شده بود: «ارتدکسی دین صلح و دوسی است و تلاش ما این است که همه اسانها در سعادت و آسایس ریدگی کند». آنگاه سید محمد ابطحی معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به تعریف هدفهای سمپوریوم پرداخت و گفت: «امروز ما سکسب مکتبهای سیاسی و اقتصادی جون مارکسیسم، نار دیگر یار سر به دین بیشتر از پیش احساس می‌سود و در چنین وضعی وظیفه متفکران و اندیشمندان دینی است که در صدد پاسخ به یارهای اجتماعی و معوی اسان معاصر ناشند... سمپارهای فرهنگی و معوی رمیه مناسب را برای مبادلات فکری و فرهنگی ایحاد کرده و ناب گفت‌وگو و مباحثه سالم و سازنده را میان مذاهب مختلف نار می‌کند. این سمپوریوم برای آسایس هرچه بیشتر داسمندان مسلمان و مسیحی نا یکدیگر تسکیل شده است و امید است نتواند محیط مناسبی را برای تبادل تفکر و همکاری میان مذاهب به‌وجود نآورد» سپس سهردار آن و نمایندگان داسگاههای آن و تسالو بیکی و بهران به حصار حوسامد گفتند

فرار بود که سخرا بیهای سمپوریوم در حول موضوعات اسان سیاسی و محیط ریسب در اسلام و مسیحیت ارتدکس ناسد، اما در عمل نجها به این موضوعات محدود نماند و سساری مباحث و موضوعات دیگر را در بر گرفت. این هم سیار طبعی بود، زیرا این سمپوزیوم در نوع خود کم‌سامه بود و ساید نجستین نار بود که دانشمندان مسلمان (عموماً سیه) و مسیحی ارتدکس نا هم می‌سستند و نظر یکدیگر را در مسائل مختلف می‌سیدند

مسیحیت ارتدکس مهمترین ساحه از کلیساهای سرقی است که بیروان آن عمدتاً در سرق ارونا و برخی از کنسورهای آسیایی به سر می‌یرد. مراکر مهم این مذهب عبارتند از سوروی (تعداد بیروان نامعلوم)، رومانی (حدود ۹ میلیون)، یونان (حدود ۸ میلیون) یوگوسلاوی، و بلغارستان. در کنسور ترکیه و برخی از کنسورهای اروپایی و آمریکایی نیز جماعات ارتدکس مذهب وجود دارند

هر چند مسلمانان و ارتدکسها همواره همسایه یکدیگر بوده‌اند، اما در قرون اخیر رابطه حدانی میان این دو مذهب وجود نداشته است، و روابط موحود هم غالباً حصانه بوده است. سقوط قسطنطنیه، که هنوز هم مهمترین و مقدسترین مرکز کلیسای ارتدکس است، به دست ترکهای عثمانی در قرن نازدهم میلادی و تسلط عثمانیان بر کنسورهای ارتدکس نشین حوره بالکان سبب شد که ارتدکسها به عموم مسلمانان به چشم دشمن سگرد و از سوی دیگر، بر اثر نفوذ استعمار اروپایی در کنسورهای اسلامی و روابطی که ملل مسلمان با اروپای غربی پیدا کردند، توحه مسلمانان به مسیحیت نیز بیشتر به مسیحیت غربی، یعنی مذاهب کاتولیک و پروتستان، محدود شد.



## دیدار اسلام و مسیحیت ارتدکس

### در یونان



نجسین سمپوریوم بین المللی اسلام و مسیحیت ارتدکس در رورهای بیست و چهارم نا بیست و ستم آذر ماه امسال در آتن برگزار شد. سمپوریوم به همت رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی در آتن و نا مشارک انجمن فرهنگی ایران و یونان بر ناسده بود، و در آن تعدادی از اسانید داسگاههای ایران و یونان و بعضی کنسورهای دیگر و مقامات روحانی مسلمان و ارتدکس سرک داسند

انتدا فرار بود که محل برگزاری سمپوریوم در داسگاه اتی ناسد، اما داسنجویان اعصابی که از چند رور بیس داسگاه را به نصرف خود درآورده بودند گفتند که احاره تسکیل هیج اجتماعی را در داسگاه نمی‌دهند و ار حمله اس اجتماع را دولت دست راسی یونان که حاسنین دولت سو سالیسب شده است مفراتی برای جلوگیری از اعتصانات و بیر برای اداره داسگاهها وضع کرده که دامنه ارادی کارگران و داسنجویان را سسار محدودتر از پس می‌کند و به این دلیل آماج محالتهای اس دو طایفه شده است. اعتصانات طولانی داسنجویان داسگاه اتی که نا درگیری نا پلیس همراه بود یکی از مظاهر این محالتهای بود. بر دیک بود انا راس اعتصانات دامگیر سمپوریوم اسلام و مسیحیت ارتدکس هم نشود، اما در آخرین ساعاب آهای آنتونی تریچیس سهردار آن، که در عین حال رئیس انجمن دوستی ایران و یونان است و در انتخابات سهرداری بر رفیش حام ملیا مرکوری بیور شده، به کمک آمد و مرکز فرهنگی سهرداری آن را در اختیار برگزارکنندگان سمپوریوم گذاست.

سمپوریوم ساعت ۷ بعد از ظهر رور جمعه سبب و سوم آذر ماه نا پیام رهبر انقلاب اسلامی گشایش یافت. در این پیام آمده بود که «در عصر حاضر که ماده‌گرایی و ماده پرستی عملی داتما گسترش می‌یابد، دین باید تعریفی از اسان که طریف ترین ترکیب میان ماده و روح، و مطهر هدایت ماده به سمت هدفهای معوی است، ارائه کند و بشر را که رور به رور از حقیقت و هدف خود بیشتر فاصله گرفته، به راه راست هدایت کند. این مسزولیت، بررگ شامل مناره نا هدتهایی که بر پایه ماده‌گرایی استوار شده و خود در سوق بشر به اعماق ماده پرستی و غفلت از معویت نفس اساسی دارند، هدتهایی که مناره نا آنان فصل عمده ریدگی حضرت مسیح (ع) و حضرت محمد (ص) بوده است، بیر می‌باشد».

معروف اند تقویم کهن یولیانی را رها نکرده اند و بسیاری از روحانیان ارتدکس با شرکت در محامی حون شورای جهانی کلیساها مخالفت، ریرا معتقدند که شرکت در این محامی به این معنی است که ارتدکسی تنها صورت راستین مسیحیت نیست!

تا این اواخر، سربوست تاریخی اروپای سرفی به این اروا و حدایی دامن می‌رد استیلای طولانی عثمانیان و سس از آن برقراری نظام کمویستی در غالب کسورهای ارتدکس‌نشین، به این مذهب احاره بی‌داد که حایگاه مهمی در ردگی حدید اجتماعی داشته باشد، اما اکنون با فرو ریختن نظامهای کمویستی در اروپای سرفی، کلیسای ارتدکس، که خود در بعضی از کسب‌ها در اس فروپاسی سهم مهمی داشته است، از یک سو به یک نیروی مؤثر اجتماعی تبدیل شده و بار تکالیف تازه‌ای را بر دوس خود احساس می‌کند، و از سوی دیگر شاهد نفوذ فراییده سیوه ردگی و ارزشها و تمدن «عربی» است

در غالب مقالات سخنرانان ارتدکس شرکت کننده در سموریوم این احساس دوگانه دیده می‌شد سخنرانان، در عین توجه به مسائل حدید اجتماعی، اصرار داشتند که بطر مذهب ارتدکس را در ان مسائل بیان و بر وجوه افتراق و اختلاف آن با بطر «غربیان» تاکید کند

اسف الکساندر کوزا، نخستین سخنران رور اول سموریوم، که از مسکو آمده بود، درباره هم‌ریشی مسلمانان و مسیحیان در سوروی، به خصوص در دورانی که تازه آغار شده است، و بر از مسائل حدید کلیسای ارتدکس روسیه در این دوران تازه سخن گفت سخنرانی دکتر ماریوس نگروس استاد دانشگاه آتن که یکی از برافیده‌ترین سخنرانیهای سموریوم بود، «اسان‌سناسی و آحرب در مسیحیت ارتدکس» نام داشت وی مدعی شد که مسیحیت ارتدکس، بر خلاف فلسفه یونانی حسم را حوار نمی‌سمارد. به بطر او عقایدی حون روره‌داری و ریاضت حسمانی، حفظ و تقدیس بقایای حسد قدیسی و اعتماد به معاد حسمانی حلوه‌هایی از اس اعتماد اساسی است

دکتر میلیتادیس کنستانتینوس استاد دانشگاه آتن در سخنرانی خود که «رمیه‌های عهد عتیق در اسان‌سناسی ارتدکس» نام داشت سعی کرد دو نکته را بیان کند، یکی اینکه متکلمان ارتدکس کتابهای عهد عتیق و عهد حدید را به چه تعبیری (یا به چه اعتناری) «کلام الله» می‌سمارند، و دیگر اینکه بر نایه تفسیر آیاتی از عهد عتیق چه تصویری از اسان و سبب او با حدادید حاصل می‌شود.

اسف آناساستیوس یانولائوس، که هم روحانی است و هم دانشگاهی، طاهراً بالاترین مقام کلیسایی بود که در این سموریوم شرکت داشت. او در سخنرانی خود با عنوان «دیالوگ بین مسیحیان و مسلمانان، محور و مشکلات» به بیان برخی از وجوه تشابه میان عقاید اسلامی (به خصوص شیعی) و مسیحی پرداخت و بر اعتقاد به موعود آخرالزمان و ارزش شهادت در دو مذهب تأکید کرد

دکتر دارکوتا سکویچ که از یوگوسلاوی آمده بود جامعه‌شناس بود و در شناخت فرق اسلامی یوگوسلاوی (به خصوص طریقه‌های صوفیانه) تخصص داشت. سخنرانی او با عنوان «تحقیقات مقایسه‌ای بین اسلام و ارتدکس در بالکان» بر حشبه جامعه‌شناختی داشت. بیست درصد از جمعیت ۲۲ میلیونی یوگوسلاوی را مسلمانان تشکیل می‌دهند، و طبعاً در کشوری که از اقوام و مذاهب گوناگون تشکیل شده است، این جماعت

# ان‌سپوزیوم بین‌المللی لام‌مسیحیت ارتدکس Πρώτο Διεθνές Συμπόσιο «Ορθοδοξία και Ισλάμ»

First International Symposium on  
«Orthodoxy and Islam»



15-17 Δεκεμβρίου 1990, Αθήνα 15-17 Dec 1990, Ather

Αθήνα: Γρατεία της Φιλοσοφικής Σχολής  
του Πανεπιστημίου Αθηνών (Πανεπιστημιούπολη Ζωγράφου)

ΟΡΓΑΝΟΣ Η  
ΜΟΡΦΩΤΙΚΟ ΚΕΝΤΡΟ ΤΗΣ ΙΣΛΑΜΙΚΗΣ ΔΗΜΟΚΡΑΤΙΑΣ ΤΟΥ ΙΡΑΝ  
ΚΑΙ Ο ΕΛΛΗΝΟ-ΙΡΑΝΙΚΟΣ ΣΥΝΔΕΣΜΟΣ Tel 6818154 - 6814191

اما نکته حالب این است که از لحاظ موقع تاریخی میان اسلام و مسیحیت ارتدکس شباهتهای فراوانی هست، به این معنی که هر دو هب یکباره خود را با دنیای حدید و مسائل آن مواحه یافته‌اند و هر دو س می‌کنند که باید برای مسائل مبهم دوران حدید راه‌حلی بیابند از نظر سیوه مقابله هر یک از این دو دین با مسائل دنیای حدید برای گری آموریده است.

مسیحیان ارتدکس خود را مسیحی واقعی و مذهب خود را حاضترین و رت مسیحیت می‌دانند. مسیحیت ارتدکس هرون وسطا نداشته است، اهد بهضت اصلاح دین بوده است، الهیات آن به انداره مذهب تولیک با مفاهیم فلسفه ارسطویی آمیخته (یا آلوده) شده است، از سانس و انقلاب علمی و انقلاب صنعتی دور مانده است، و خلاصه ریح خود را بر کنار از همه این ماجراها، که در دهس ما واژه غرب را اعی می‌کنند، گذرانده است.

به این اعتبار مسیحیان ارتدکس مذهب کاتولیک و مذهب پروتستان ادوروی یک سکه می‌سمارند و هر دورا به یک انداره از مسیحیت واقعی ححرف می‌دانند. با همه کوششهایی که واتیکان در دهه‌های اخیر برای بریب بین مذاهب مسیحی به عمل آورده است و با اینکه بطر بسیاری از رتدکسها نسبت به دیگر مذاهب مسیحی تعدیل شده است، اما هنوز هم نالب ارتدکسها میان خود و مسیحیت «غربی» گودالی پرنشدنی می‌بینند، و این احساس جدایی تا به حدی است که هنوز هم گروهی از مسیحیان ارتدکس که به «پروان تقویم قدیم» (Old Calendarist)

نیز مسائل خاص خود را دارند، به خصوص که تاریخ چند قره زندگی مشترک مسلمانان و مسیحیان در سبه حریره بالکان و ازو شیشهای بسیار داشته است.

دکتر کیت سی کیس استاد دانشگاه اوتاوا در کانادا در روز دوم سمپوزیوم سخنرانی داشت. او که هم کشیس اسب و هم رواسباس اجتماعی، از پیروان فرقه Old Calendarist اسب که به گفته خودش تنها پناه هزار نفر ارسه میلیون ارتدکس آمریکای شمالی را در بر می گیرد عنوان سخنرانی او گویای مطالب آن اسب «خطر عرب رذگی اسلام و ارتدکسی و سیطسب عرب» در این سحرایی او به وجود تفاوتی کلی میان روانشناسی اجتماعی سرفیان (و ار حمله مسیحیان ارتدکس و مسلمانان) و عربیان قابل سده بود و مدعی بود که عربها نمی تواند نظر سرفیها را در مسائلی چون رابطۀ فرد با اجتماع بفهمد. به نظر او، رذگی سرفیان، بر خلاف عربیان، تنها ار راه تعلق به جمع معنی می یابد و فردگرایی، به معنی غربی، آن در شرق سابقه ندارد.

مرحی دیگر از سحرا بیها بیسر حبهٔ تاریخی و اجتماعی داس  
دکتر یورگیوس دیمیر وکالس که متخصص تاریخ هر اس در بارهٔ نماد  
«مرع روح» در هر اسلامی و اردکس و بیر ریه های تاریخی این نماد  
سحرا بیهای دیگر موضوعی حو رابطهٔ موسیقی ایران و  
یونان و ترکیه، وصف مکه و مدیه در آثار حریتو موس بوتاراس اسقف  
اعظم اورسلیم (در سالهای ۱۷۰۰ تا ۱۷۳۰) و اهمیت تاریخی اسناد  
کتابخانهٔ کلیسای اسقفی اورسلیم را در بر می گرفت

سخنرانان مسلمان، که نه استنای یکی همه ایرانی و سعه بودند، سعی داشتند در سخنرانیهای خود از بیان وجوه افتراق فرق مسلمان بهره‌برد و اردیدگاه مشترك اسلامی سخن بگویند از این میان بعضی از سخنرانیها حقه تطبیعی داسب دکر مهدی محفی دربارهٔ فصائل اخلاقی از دیدگاه مسلمانان و یونسان سخن گفت دکر عبدالحواد فلاتوری استاد دانشگاه کلب که سالهاست در راه ایجاد تفاهم میان اسلام و مسیحیت می کوشد، در سخنرانی خود اسلام و مسیحیت را از لحاظ اعتقادات اساسی بسیار با یکدیگر بر دیک سرد و اختلافات این دودین را سشتر رابیده مکاتب کلامی و فلسفی داسب

دکتر غلامرضا اعوانی در سخنرانی خود به مقایسهٔ عقاید گریگوری نیسی و ابن عربی پرداخت و مشابهتهای آراء آن دو را دربارهٔ انسان برشمرد (هر چند رور بعد یکی از سخنرانان یونانی به اساره گفت که دکتر اعوانی گریگوری نیسی را از جنم عربیان دیده است!)

در سحرایی دکتر حسین لاسی، با عنوان «آفریس اسان و ظهور کلمه الهی» سعی شده بود که تفاوت اسان سیاسی اسلامی و مسیحی از راه مقایسه داستان آفریش در فران و کتاب عهد عتیق نشان داده شود. دکتر نصرالله پورجوادی در سحرایی خود با اشاره به مع (یا تحریم) تصویرگری و سمایل نگاری در اسلام و رابطه آن با حسس شمایل شکسی (Iconoclasm) در یراس، به بیان مسأله توصیف معشوق و اجزای صورت او در ادبیات فارسی پرداخت و میان این امر و شمایل نگاری مسیحی به نوعی تناظر فابل شد در سحرایی آفای محمد مسجد حامعی، تفاوت برخورد اسلام و مسیحیت با دیبای جدید ناشی از ساختمان دروئی این دو دین شمرده شده بود.

بعضی دیگر از سخرانان مسلمان سعی داشتند ماره‌ای از معاویه

اسلامی را برای مخاطبان مسیحی روس کند از این گروه حجه الاسلام محمد مجاهد سبستری دربارهٔ «معنای ایمان از نظر متکلمان و عرفا در اسلام»، دکتر غلامحسین انراهمی دینانی دربارهٔ «اسان کامل» از دیدگاه معارف اسلامی و عرفای مسلمان و حجه الاسلام سیدحس مصطفوی دربارهٔ «اسان و حب و پروردگار از دیدگاه حکمای اسلامی» سخن گفتند حجه الاسلام مصطفی محقق داماد با اسناد به آیات قرآنی سعی داشت نظر اسلام را دربارهٔ مسألهٔ محیط ریست از متن قرآن به دست آورد و حجه الاسلام عمید رحانی از مفهوم دعوت و اهمیت آن در اسلام سخن گفت. حام مصطفوی کاسانی و حام اعظم طالقانی دربارهٔ رن در کتب مقدس و مقام رن در اسلام سخن گفتند.

ایں گراس را ما بیان حمد بکتہ حاتمہ می دھیم

- با اینکه تغییر محل سمپوریوم رسماً اعلام شده بود، تالار سخنرانی صحفا و بعد از ظهرها از جمعیت نرمی شد و بیشتر این جمعیت جوانان مستافی بودند که صمیمانه در بحثها شرکت می کردند. این استقبال نشان می داد که سمپوریوم بحا و موفع برگزار شده است
- هر چند نای مسائل اعتقادی در میان بود، طرفین بهایب تفاهم و مدارا را با یکدیگر سسان می دادند و بحثها در محیطی صمیمی و تفاهم امیر حریان داسب

- بسیاری از سحرانان ایرانی طبق معمول حساب و فب خود را نکرده بودند و به این دلیل بیشتر سحرانها تاامام می ماند این امر ایاحت می کند که متن کامل سحرانها هرچه رودتر حات و منتشر شود
- غالب سحرانان ارتدکس به یونانی و بیسر سحرانان مسلمان به فارسی سحرانی کردند طبعاً در اس گونه مجامع علمی ترجمه همزمان نمی تواند همه منظور گوئیده را برساند و گاهی هم نظر گوئیده تحریف می شود گناه بر گردن سحرانانی است که متن سحرانی خود را به موقع به سمپوریوم برسانده بودند

● طبق معمول، بار اصلی این اجتماع بر دوش برگزارکنندگان اصلی ان، مسؤولان رایبری فرهنگي ايران در آت، بود که ا رهیج کوششی در برگزاری هرچه بهتر سمپوزیوم فروگذار نکردند و در این مدت سب و رور بداستند

● ما این همه، هور تا تفاهم واقعی میان مسلمانان و مسیحیان ارتدکس راهی طولانی است. این نکته‌ای بود که آخرین سحران محرم، دکتر مصطفی سربچ اریوگوسلای به آن تصریح کرد و وی که در الازهر و آمریکا درس خوانده و استاد دانشگاه و امام جماعت مسجد راگرت است، در کشور خود از بردن نام مسائلی که مسلمانان یا مسیحیان ارتدکس داشته‌اند و دارند آنساب. دکتر سربچ به این نکته اشاره کرد که در سهر آن هیچ مسجدی وجود ندارد و مسلمانی که به این سهر می‌آید جایی برای نماز خواندن پیدا نمی‌کند. او از شهر دار آتن خواست که هرچه رودتر به رفع این بیضه اقدام کند - به نشانه‌ایکه تفاهم میان پیروان مذاهب باید عملاً و با زدودن کینه‌هایی که از قرون گذشته باقی مانده است آغاز شود.

## حسین معصومی همدانی

## ● تاحیکستان

### هفته فرهنگی ایران و مبادلات فرهنگی

د. اواخر اذرماه يك هفته فرهنگی ایران در شهر دوسه، پایتخت تاحیکستان برگزار شد که طی آن نمایشگاهی شامل ۳۰ هزار نسخه کتاب در زمینه‌های تاریخ، مذهب، قرآن، آموزشهای فنی، علمی و اجتماعی تشکیل گردید در این نمایشگاه همچنین آثار حضرت امام (ره) و انواع فرآیندهایی که به زبانهای فارسی، روسی و ترکی در ایران چاپ شده است، ارائه شده بود و نیز مینیاتورهای ساهنامه‌ای، آثار جوسویسی و نمونه‌هایی از صنایع دستی ایران در معرض نمایش گذاشته شده بود.

همچنین يك هیأت که از سوی کابون پرورس فکری کودکان و جوانان به تاحیکستان رفته بود يك توافقنامه فرهنگی با مقامات آن جمهوری امضا کرد که براساس آن دو کشور در زمینه مبادله مجلات کودکان و کتابهای شعر و قصه و تشکیل نمایشگاههای هنری و نمایش فیلم و برگزاری مسابقات همکاری خواهند کرد.

## ● مصر

### يك سریال تلویزیونی از زندگی پیامبر اکرم (ص)

احمد طبطبای، کارگردان مصری، اخیراً فیلمبرداری سریال جدید خود، به نام «لآله الاالله» را به پایان رسانید در این سریال که حول محور مهاجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه و معاهده‌های فریب با او، ناراس دور می‌رود، عده‌ای از بازیگران سرشناس سینمای مصر شرکت دارند.

## ● تیوروی

### احیای مساجد و انتشار مطبوعات اسلامی

همزمان با تحولاتی که در سراسر کشور تیوروی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روی می‌دهد اعلام شد که وضعیت عمومی مسلمانان در جمهوری آذربایجان تیوروی به مراتب بهتر از گذشته شده و تاکنون در حدود هزار مسجد در آن جمهوری احیاء و بازگشایی شده است که در غالب آنها قرآن و احکام اسلامی تعلیم داده می‌شود.

همچنین ترجمه روسی قرآن پس از هفتاد و سه سال به رسم چاپ رفت و ترجمه ترکی قرآن که توسط صیاء سیادف و واصل محمدعلی اوف انجام گرفته است در باکو چاپ می‌شود علاوه بر این متن اصلی قرآن برای کسانی که به خط عربی اساساً نیستند به خط سریل برگردانده شده است.

از سوی دیگر اولین روزنامه مسلمانان با عنوان اسلام به زبان ترکی آذربایجانی در باکو منتشر شد. جمعیت اسلامی مسکو هم يك روزنامه با عنوان پیام اسلام به زبان روسی در مسکو منتشر کرده است. همجنس آکادمی علوم آذربایجان تیوروی به آقای محمود بحمی مرعسی دکترای افتخاری اهدا کرد. محمود بحمی مرعسی به دعوت آکادمی علوم آذربایجان تیوروی و شورای مذهبی ماوراء قفقاز به آن کشور سفر کرده بود.

علاوه بر این دانشگاههای باکو و تبریز يك تفاهم نامه علمی و فرهنگی امضا کردند.

## ● هند

### تجلیل از استاد عابدی و اهمیت زبان فارسی

در مراسمی که برای برگذاشت استاد عابدی در دهلی نو برگزار شد، بسیاری از شخصیتهای علمی و فرهنگی ایران و هند شرکت داشتند. استاد عابدی از استادان برجسته زبان و ادب فارسی در هند است. سابقکار دانا سرما، معاون رئیس جمهوری هند در این مراسم ضمن اشاره به اهمیت زبانهای فارسی و عربی پیشنهاد کرد که «مؤسسه مطالعات و تحقیقات زبان فارسی در هند» کتب فارسی و انگلیسی را وارد کند و آنها را برای تفهیم بهتر ساگردان ترجمه کند. هم‌اکنون در هند چندین کلاس سانه آموزش فارسی وجود دارد و در چند دانشگاه تدریس می‌شود.

علاوه بر این اخیراً يك دوره کوتاه مدت آموزش زبان فارسی در دانشگاه جامعه اسلامیه دهلی نو دایر شد که صد تن داسجوی هندی در آن شرکت کردند.

## ● چین

### ترجمه قابوس نامه

کتاب قابوس نامه، اثر عنصر المعالی ابن وسمگیر، توسط حان فویی، به زبان چینی ترجمه شده و در ۳۰۰ صفحه به چاپ رسید مترجم این کتاب که در اداره سر زبانهای خارجی در بکن کار می‌کند، قبلاً مدتی در ایران به سر برده و به جویی به زبان فارسی آشناس و بیس از این چند متن فارسی دیگر را به چینی ترجمه و چاپ کرده است که منتخبانی از اشعار رودکی، نظامی، خناب و نمونه‌های غزل فارسی از آن حمله است.

## ● یونان

### سرقت نسخه‌های نفیس قرآن

دو نسخه خطی قدیمی و نفیس قرآن محید از کتابخانه اسلامی جریره رودس در یونان به سرقت رفت. دزدان در کتابخانه و همچنین نفیس سسهای را که اس فرایها در آن نگاهداری می‌شد، شکسته بودند. کتابخانه اسلامی جریره رودس در قرن یازدهم هجری توسط فتحی باسا بنیاد نهاده شده است و فرایهای به سرقت رفته آن متعلق به فرهای بهم و دهم هجری بوده است.

## ● فرانسه

### جوایز ادبی: از ۵۰ تا ۳۰۰ هزار فرانک

یکی از دلمسعوئیهای عمده باسرا ن فرانسوی این است که در هر سال دست کم یکی از اسساراب خود را به مرع بحم طلایی تبدیل کند، یعنی بکوسد با يك حایره ادبی نصیب اسساراسان شود. در کشور فرانسه در هر سال فریب چهل حایره ادبی به کتابهای مختلف اهدا می‌شود. برخی از این حوایر اارس افتخاری دارند و به صورت مدال، حمایل و لوحه اهدا می‌شوند. ناره‌ای دیگر سبب می‌گردند که کتاب به يك اثر «برفروس» تبدیل گردد، و بعضی دیگر بروب کلان نصیب نویسنده می‌کند.

حایره گمکور که مبلغ آن فقط ۵۰ فرانک است (به نرخ رسمی نزدیک به ۴۷ تومان) افتخار امیرترین حایره ادبی در فرانسه است. پس از آن به

● پاکستان

لزوم اجباری شدن آموزش فارسی

حاوید اقبال، فرید علامه محمد اقبال لاهوری، اخیراً اعلام کرد فراگیری زبان فارسی در پاکستان باید اجباری شود و در فهرست دروس مدارس جای گیرد.

حاوید اقبال که از هواداران جدی زبان و ادبیات فارسی است، گزین زبان فارسی در حدود ۸۰۰ سال زبان رسمی شبه قاره هند بوده است مردم پاکستان و زبانهای متعددی به این زبان تکلم می‌کرده‌اند، به دلیل دولت پاکستان باید این زبان را احیاء کند و آموزش آن در مدارس اجباری گردد

● آلمان

عکاسی در خدمت مردم‌شناسی

از هنگامی که عکسبرداری انداختن سدهای عمده‌ای در همه رسته‌های علوم دیدار آمده و مخصوصاً مردم‌شناسی که علم بررسی اقوام غیرمتمدن است از آن بهره‌نمائی بسیار گرفته است اقوامی که در نقاط دور افتاده یا ناساخته زندگی می‌کنند و از نعمت سواد محروم‌اند، هر چند که «غیرمتمدن» سمرده می‌شوند، در واقع دارای فرهنگ‌های خاص خویش هستند که مطالعه آنها به روس شدن تاریخ فرهنگ و تمدن سر کمک می‌کند اما بی‌سروی سریع زندگی ماسی موجودیت این اقوام و فرهنگ‌ها را به خطر انداخته است به همین دلیل علمای مردم‌شناسی از عکاسی برای ضبط فرهنگ اقوام اندایی بهره می‌گیرند

عکاسی در سال جاری ۱۵۰ ساله شد و به همین سبب مراسمی در شهر مونیخ آلمان برگزار گردید و در ضمن آن نمایشگاهی به نام «عکاسی در خدمت مردم‌شناسی» ترتیب داده شد در این نمایشگاه تصاویری از اقوام ابتدایی مثل سرخپوستان آمریکا که در سال ۱۸۳۹ گرفته شده است، به نمایش گذاشته شده بود

● انگلیس

آنکه گفت آری، آنکه گفت نه!

محلّه هر جات لندن به مناسبت سب و پنجم سالگرد فوت لارس عربی سمارة مخصوصی انتشار داده و در یکی از مقالات آن قول ویستون چرچیل را درباره لارس نقل کرده است.

به گفته جرجیل «فرار بود به لارس سان «فرمانده ناب» (Commander of the Bath) داده شود. صف دراز کسانی که فرار بود سان بگیرند از برابر ناساه انگلیس روزه رفتند. بوبت سرهنگ لارس رسید ناساه نشان را از روی سینی محمل پوش مخصوص برداشت و خود را برای تسلیم آن به لارس آماده کرد. لارس ایستاد و با صدای ملایم و در نهایت احترام توضیح داد که در حالی که انگلیس به تعهداتی که به نام او سببت به اعراب کرده است خیانت می‌کند، او نمی‌تواند نشان اعلیحضرت را بپذیرد.

این صحنه و این حادثه بی‌سابقه بود. پادشاه شگفتی زده و رنجید شد. سانی که هزاران نفر خواش را می‌دیدند، دوباره در سینی حائ گرفت. لارس سلام نظامی داد، رفت و مراسم ادامه یافت...»

ترتیب حوازی مینا، مدیسیس، انترالی‌یه، و رمودو جای دارند در فرانسه دو مؤسسه حوازی کلان می‌دهند. «انجمن اهل ادب» و «فرهنگستان فرانسه». فرهنگستان فرانسه هر سال یارده حایره اهدا می‌کند که کلاترین آنها سیصد هزار فرانک (حایزه نل موران) و کمترینشان بیست هزار فرانک (حایزه موتار برای حمایت از خلق ادبی) است و البته پول حایزه ادبی از پرداخت مالیات معاف است. اکنون که سخن از حایره در میان است بد نیست اضافه کنم که در فرانسه برای گوشه حواره‌ترین فرد، برای محترکترین فرد، برای سیگاری ترس آدم و برای سرانحواره ترس کس هم حایره وجود دارد

● ایتالیا

۲۷۱۹۰۰۰ دانش آموز دبیرستانی

در ایالتا آموزش دبیرستانی به هفت رسته تقسیم می‌شود، یا در واقع هفت نوع دبیرستان در ایالتا وجود دارد دبیرستان راهمایی و سحیص اسعداد، دبیرستان فنی، دبیرستان تربیت معلم، دبیرستان علمی، دبیرستان کلاسیک، دبیرستان زبانهای خارجی و دبیرستان هرهای ریا در سال تحصیلی گذشته جمعاً ۲۷۱۹۰۰۰ دانش آموز در این مدارس تحصیل می‌کرده‌اند تعداد دانش‌آموزان دبیرستانی ایالتا در سی و سه سال پیش از آن یعنی در ۱۹۵۲ در حدود ۴۱۶ هزار نفر بوده است از ارقام موحود برمی‌آید که در این مدت توجه دانش‌آموزان ایتالیایی به رشته‌های فنی، علمی و هرهای ریا افزایش یافته و در عوض از توجه آنها به رشته‌های تربیت معلم و علوم کلاسیک کاسته شده است

● فرانسه

آخرین دیدار با بکت

یک ایرانی به نام احمد کامیابی که سالان دراز است در پاریس به کار نویسندگی و حات کتاب می‌پردازد، اخیراً کتاب کوچکی منتشر کرده است که آخرین دیدار با ساموئل بکت نام دارد

این دیدار در کافه یک هتل در پاریس انجام گرفته است و در ضمن آن ابتدا نویسنده ایرانی مجموعه‌ای از آثار بکت را که به فارسی ترجمه شده است، و نیز نسخه‌ای از ترجمه فرانسوی مقصور باغیات حیات را به او هدیه داد بکت از آنکه نمی‌تواند خط فارسی را بخواند ابرار تأسف کرد و گفت: «اینها در زمان برار، سحسد شاه، ترجمه شده است؟»

در این دیدار چند نکته روس شد بکت خوراک به ناساسی سال بود که در همان کافه و در کنار یک میز معین هر از ملاقات می‌گذاشت احاره صط مصاحبه را بداد و سان داد که از سیماگران و مخصوصاً کارگردانان به سبت برار است

این کتاب کوچک سی صفحه‌ای که با طرحهای بسیار ریا همراه است، آخرین گفت و گویی است که نویسنده بزرگ ایرلندی‌الاصل ساکن فرانسه انجام داده است

احمد کامیابی پیش از این چهار کتاب دیگر حات کرده است: آن سوی نیستی (ترجمه از فارسی، ۱۹۸۵)، کرگدن بودا (ترجمه، ۱۹۸۶)، اورن بوسکو و تئاتر او (۱۹۸۷)، و هشتمین سفر سداب (نمایشنامه بهرام بیضایی، ۱۹۹۰).

## ● آلمان

### هنر، راهگشای تفاهم وحدت فرهنگی

س از فروریختن دیوار برلین در آبان ماه گذشته سؤال عمده‌ای که ادهان بسیاری از آلمانیها را به‌خود مشغول داشت این بود که مشکل اختلاف فرهنگی در بخش سرفی و عربی برلین چگونه برطرف خواهد شد؟ اهالی برلین غربی، هرچند که محصور در دیوار، فرهنگ بومی و سنتی خود را تداوم بخشیده بودند و حال آنکه مردم برلین سرفی فرهنگ تازه‌ای یافته بودند که از کمونیسم سرچشمه می‌گرفت.

اما این سؤال به‌رودی پاسخ خود را بازیافت مستسلا و روستروبوویچ، سلیسب معروف بر روی ویرانه‌های دیوار، برای مردم دوطرف کسرت داد، دابیل باریوبیم در تالار فیلامویک برلین برای مردم آلمان سرفی کسرت اجرا کرد، فستوال فیلم برلین که در بهمن ماه برگزار شد، مردم دو آلمان را در کنار هم بناسد و فستوال تئاتر که در اردیبهست ترتیب یافت، مردم دو کشور را سستر از بیس به هم بریدک کرد.

الته تسهیلات مالی را هم باید دادند که آلمان سرفی برای تماسای فیلم و تئاتر به برلین عربی می‌روید و با هم‌مدان آلمان سرفی که در حسواره‌های آلمان عربی سرکب می‌کند، از سجاه درصد بحصف برخوردار می‌سود. موره‌های آلمان عربی هم امکانات مساهبی برای اباع آلمان سرفی در نظر گرفته‌اند و فراراسب موره‌های دو کشور نمایسگاههای مسرکی تشکیل بدهند همین همکاری در امر حاب و سر کتاب هم آعار سده اسب و کتابخانه‌های هر کشور از کشور دیگر عضو می‌بذیرد.

## ● هد

### کتابی درباره خط عربی

احیراً در هد کتابی تحب عنوان *فقه الخط العربی الاسلامی* از عتیق الرحمن صدیقی، باستانسباس هندی منتشر سده اسب که عمدتاً به سابعه و تأثیر کتابت به خط عربی (یا فارسی) در سه فاره هد در عهد اسیلای حکومتهای اسلامی بر این سرزمین می‌برد. دکر سکر دیال سرما، فائم مقام رئیس جمهوری هد، در تفریطی که بر این کتاب بوسه، اساره کرده اسب که خط عربی، همحان که در کتاب بسیاری از ربانهای دیگر دبا، در کتاب اکثر ربانهای سه فاره هد تأثیر و حضوری عظیم و واضح داسنه اسب مؤلف مرفعاتی از اسکال محتلف خط عربی، ماسد کوفی، نستعلیق (که ترکیبی ایرایی اسب)، فارسی و دیوانی، بیر به کتاب خود ضمیمه کرده اسب.

## ● آلمان

### سیمای ایران در آلمان

فصلنامه سیمای ایران که به ربان آلمانی در ن حاب می‌سود، سومین سال انتشار خود را شب سرگداسب این سریره، به مدیریت موچهر امیربور، می‌کوسد تا ضمن معرفی فرهنگ ایران و اسلام، حواسدگان خود را از فعالیتهای ادبی، هنری و فرهنگی داخل ایران آگاه کند و محققان و نویسندگان ایران را به آلمانی‌زبانان شناساسد. ترجمه

مفالاتی از سرباب چاپ ایران، که در سیمای ایران منتشر می‌شود، به همین منظور احام می‌گیرد حنانکه در سماره‌های اخیر آن مجله مقاله «فعا» (بوسنه عبدالله فوحانی) برگرفته از مجله باستان‌شناسی و تاریخ، «فلسفه عسق در عرفان احمد عرالی» و «دورسالة درباره سماع» (بوسنه نصرالله بورحوادی) برگرفته از معارف، «افسانه سیمرع» (نوسنه ران دورینگ) و «عرفان سعدی» (بوشنه جعفر آقاییانی جابوسی) برگرفته از لیمان (سربیة مرکز سر داسگاهای به ربان فراسه) .. دیده می‌سود.

در سماره‌های اخیر سیمای ایران همجین يك وازگان سیاسی آلمانی به فارسی که توسط موچهر امیربور فراهم آمده اسب حاب سده اسب که برای اهل فن بسیار سودمند اسب.

ع. روح‌بخشان

## ● سویس

### صدمیلیون کودک بیسواد

دومین کنفرانس بین‌المللی آموزش با سرکت بیش از ۶۰۰ تن از متخصصان و کارسباسان جهان در سسامبر ۱۹۹۰ / شهریور ۱۳۶۹ در ربو سکیل سب در این کنفرانس که به همت یوسکو برپا سده بود اعلام سد که بیس از یکصد میلیون کودک در جهان به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی از رفتن به مدرسه محرومند و فریب به يك میلیارد بن از بزرگسالان جهان بر همحان بیسواد؛ و این در حالی اسب که سال ۱۹۹۰ میلادی از طرف یوسکو سال جهانی مبارره با بیسوادی نامیده سده بود. سابر آمارهایی که در کنفرانس عرصه شد، ۳۵ درصد از جمعیت ربان جهان از نعمت خواندن و بوسن محرومند، و این سبب در کشورهای عقب‌مانده جهان به حدود ۸۰ درصد کل جمعیت ربان می‌رسد. گفته سده اسب که اجرای بخش اول برنامه یوسکو برای فراهم آوردن امکانات تحصیل همه کودکان و احب التعلیم و مالاً کاسن عده بسوادان جهان به نصف عده کوبی تا سال ۲۰۰۰ میلادی، حدود ۸۵ میلیارد دلار هریه دارد و این رقم معادل محارج نظامی تنها دورور کشورهای صنعتی جهان اسب از جمله کشورهایی که تا کون قدمی در تأمین این هریه برداسنه‌اند زاس اسب که يك کمک ۷۰۰ میلیون دلاری به گسترش و اجرای برنامه‌های سوادآموری یوسکو احتصاص داده اسب.

## ● آلمان

### قبله‌نمایی به شکل کارت ویزیت

يك سرکب آلمانی فله‌نمایی از بلاستیک ساخته که انداره‌ها و شکل طاهری آن به کارتهای ویریب معمولی سبیه اسب، و آن را «مُرشد» (با همین تلفظ و املا) نامیده اسب. به این کارت قبله‌نما که در يك کیف یا لفاف پلاستیکی ضدآب حای می‌گیرد، يك نقشه جامع جهان نیز ضمیمه شده اسب و این نقشه به دارنده آن کمک می‌کند تا در هر جای جهان که باشد براحتی جهت قبله را بیابد. این فله‌نما در حال حاضر در بازارهای لندن به قیمت ۳ تا ۴ پوند عرضه می‌شود.

● جهان عرب

نگاهی به وضع تألیف و ترجمه در جهان عرب

یوسکو گزاری دربارۀ وضع تألیف و ترجمه در جهان عرب منتشر کرده است که از آینده‌ای بومیدکننده حکایت دارد در این گزارش آمده است که جهان عرب برودی از کمبود مؤلف و مترجم دچار مشکل خواهد شد بنابراین گزارش عدهٔ کل جمعیت سرمشهای عربی امروزه به ۱۲۵ میلیون نفر می‌رسد، ولی متوسط تولید کتاب در جهان عرب کلاً ۵۰۰۰ عنوان در سال، یعنی معادل ۱ درصد کل عناوین کتابهایی است که سالانه در جهان منتشر می‌شود. غربها روی هم رفته حدود ۳۵ درصد کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، و با توجه به این که عدهٔ آنان نیز همچون بقیهٔ مسلمانان آهنگ رشد بسیار بالایی دارد، جهان عرب در حوالی سال ۲۰۰۰ میلادی به نحوی حدی با کمبود مؤلف و مترجم مواجه خواهد شد. سایر محاسبات یوسکو برای تأمین مطالب خواندنی مورد نیاز کل خوانندگان عرب که به طور روزافزونی افزایش می‌یابد، کشورهای عرب به قرب ۲۰۰۰ مؤلف و مترجم نیاز دارند.

● لیبی

نگاهی به جغرافیای سیاسی جهان اسلام

«مرکز مطالعات جهان اسلام» که مقر آن در مالت است امسال گردهم‌آیی سالانۀ خود را تحت عنوان «جغرافیای سیاسی اسلام و چشم‌نظرهای عربی / اسلامی» در فاصلهٔ ۱۵ تا ۱۹ اکتبر ۱۹۹۰ / ۲۳ تا ۲۷ مهر ۱۳۶۹ در طرابلس، پایتخت لیبی، برگزار کرد در این گردهم‌آیی ۷۵ نفر از محققان و صاحب‌نظران کشورهای مسلمان افریقایی آسیایی (و بیرونی) شرکت کرده بودند، ولی از ایران کسی در آن شرکت نداشت در این گردهم‌آیی که بسیاری از مسائل محتله جغرافیای سیاسی جهان اسلام مورد طرح و بررسی قرار گرفت، فهم هندی مصری دربارۀ «ایران و عربها» سخنرانی مسوولی ایراد کرد حاصل سخنان او آن بود که ایران پس از انقلاب اسلامی یکی دیرمندترین دوستان عربها خواهد بود، و قابلیت آن را دارد که بحرانی که هم‌اکنون کشورهای منطقهٔ خلیج فارس را فرا گرفته است به عنوان بیرومندترین کشور منطقه سر برآورد.

● مصر

قاچاق مخطوطات اسلامی و آثار منحصر به فرد

پلیس مصر احراز حدود ۴۰ نفر از کسانی را که در قاچاق مخطوطات بسیار نادر باستانی و اسلامی آن کشور دست داشته‌اند دستگیر کرده است در میان آثاری که از این قاچاقچیان بازپس گرفته شده است مجموعه‌ای از مجسمه‌های فراغه، سحهای خطی از تلمود بر روی پوست اهو که طول آن به ۶ متر می‌رسد، و نیز نسخهٔ خطی‌ای از قرآن مجید که با طلای خالص کتاب شده وجود دارد برخی از این آثار بسیار قدیمی است، چنانکه مثلا مجسمه‌های فراغه که بدنهٔ آنها برنری و جسمهای آنها از طلاست حدود ۵۰۰ سال قدمت دارد.

● مصر

تدارك يك سريال تلویزیونی از زندگی طبری

تلویزیون مصر در نظر دارد يك مجموعهٔ تلویزیونی از زندگی محمد، حریر طبری، مورخ، محدث، مفسر و دانشمند مشهور مسلمان ایران، تهیه کند. ساریو و داسان این مجموعه را عبدالرحیم ابراهیم بوسته در آن عرب‌الغلابی و امینه رقی نفسهای اصلی را بر عهده دارند در این مجموعه از زندگی و آثار طبری و بیرونگار و معاصران او سخن خواهد رفت این سریال احتمالاً از مجموعهٔ برنامه‌هایی است که تلویزیون مصر در نظر دارد تحت عنوان «علمای عرب» دربارۀ زندگی و آراء دانشمندان برجستهٔ مسلمان تهیه کند. برخی از کسانی که قرار است برنامه‌هایی دبل این عنوان دربارۀ آنها تهیه شود عبارتند از: اس‌ره اسپیلی، اس‌یوس مصری، اس‌طفیل، حاحط، مفریری، یاقوت حموی رازی (که ایرانی است)، و بطایر ایسان قابل توجه است که عربها هم همهٔ علمای مسلمان را، اعم از آن که ایرانی بوده باشند یا آسیایی رومی و غیر آن، عرب می‌خوانند.

● ژاپن

ادبیات ژاپنی در زبانهای دیگر

در سال ۱۹۳۵ «ایحس فلم» راس يك سالنامه انتشار داد که در آن نام و نشان کتابها و مقالاتی را که به زبانهای خارجی دربارۀ ادبیات ژاپنی در سراسر جهان انتشار یافته بود، گردآوری و ضبط کرده بودند این کار به صورت سب سالانه‌ای درآمد که با تغییراتی با به امروز ادامه دارد. ایحس فلم راس احراز فهرست جامعی از آثاری که در فاصلهٔ سالهای ۱۹۴۵ (سال پایان حک جهانی دوم) تا ۱۹۹۰ (سالی که گذشت) به زبانهای مختلف دربارۀ ادبیات ژاپنی در کشورهای مختلف جهان نوشته شده است، انتشار داده است این فهرست شامل آثار ۴۱۵۳ نویسنده است و نام و نشان کتابساختی سن از ۱۵ هزار اثر را در بر دارد.

● الجزایر

تحریم زبان فرانسوی

مجلس الحرایر با تصویب يك قانون استفاده از زبان فرانسوی را در آن کشور ممنوع اعلام کرد بر طبق این قانون تنها زبان رسمی کس «عربی» است و همهٔ بیابیه‌های دولتی، مکاتبات و قراردادهای رسمی کتب درسی باید به این زبان نوشته شود. زبان فرانسوی از اواخر قرن گذشته به شمال آفریقا راه یافت و تاکنون زبان رسمی و علمی آن کشور از جمله الحرایر بوده است مطبوعات فرانسوی تصویب این قانون را توهینی بی‌سابقه به زبان فرانسوی سمرده‌اند.

مرتضی اسعد

شردانش از همکار ژاپنی خود بر فسور کیمبوری با کامورا که نسخه‌ای از این اثر را به کتابخانهٔ مرکز سر دانشگاهی اهدا کرده است، سپاسگزار است.





دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی

دکتر محمدحسین مشایخ فریدنی روز سیردهم آذرماه در هفتاد و سه سالگی بر اثر سکته قلبی در کستی تحقیقاتی «حادثه آبی ابریشم» بردکی نمشی درگذشت

مشایخ فریدنی در ۱۳۳۳ هـ. ق. در محله عودلاخان (حد ناصر خسرو و مامار) تهران متولد شد. پس از تحصیلات مقدماتی فراگرفت علوم قدیم به تحصیلات جدید روی آورد و از دانشگاه تهران درجه دکترا در ادبیات دریافت کرد و به خدمت در وزارت معارف مشغول شد، اما به سبب اصرار علی اصغر حکمت در زمانی که وزیر خارجه به وزارت خارجه انتقال یافت و سالها در مقام راین فرهنگی و سفیر هند کسور عربی و مخصوصاً در هند و پاکستان خدمت کرد و به تقویت گسترش زبان و ادب فارسی در آن کشورها همت گماشت او به عربی مسلط و با زبانهای انگلیسی و فرانسه و اردو آشنایی داشت. هندساز بیر بود و برای بردن کردن دو فرهنگ ایران و هند و ملتهای کسور کوسسههای با آروسی به عمل آورد توجه مشایخ فریدنی به علامحمد اقبال، متفکر بزرگ مسری زمین، سبب شد که با آثار این شاعر نویسنده نامدار آشنا گردد و برخی از آنها را به فارسی در بیاورد. به توان گفت که پس از مرحوم علامرضا سعیدی هیچکس در ایران اداره مشایخ فریدنی با اندیشههای اقبال لاهوری آشنا نبوده است. دکتر مشایخ فریدنی در کنار سمتهای اداری به تحقیق و تألیف و تدریس و ترجمه سرگرم بود و حاصل کار او علاوه بر تعداد بسیاری مقاله که در سربیات معتبر فارسی چاپ شده است - چندین کتاب است - همچون: نوای ساعر فردا که روایت تازه ای از اسرار خودی و ره بی خودی اقبال لاهوری است، و رساله ای در سرح نظرات شیخ امیر المؤمنین (ع) و بالاخره گریده اغانی در دو حلد که حدی بیس حد شد و آخرین و مهمترین کار ادبی آن مرحوم به شمار می آید - مر مشایخ هر سالهای اخیر با دایرة المعارف تنبیع و دانشنامه جهان اسلام همکاری داشت و مقالاتی بیر برای این دو اثر تألیف کرده است.



دکتر غلامحسین یوسفی

دکتر غلامحسین یوسفی، اسناد داسگاه و عضو «فرهنگستان زبان و ادب فارسی» در روز چهارشنبه چهاردهم آذرماه در سفت و سه سالگی درگذشت

غلامحسین یوسفی در ۱۳۰۶ شمسی در مشهد متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در رادگاه خود به پایان رساند و در داسگاه تهران تحصیلات عالی خود را در رسته ادبیات انجام داد و به دریافت دکترا نایل آمد. آنگاه به رادگاه خود بازگشت و به تدریس در داسگاه پرداخت. یوسفی پس از انقلاب به تهران آمد و به تدریس و تألیف ادامه داد. در یکی دو سال اخیر یوسفی به علت بیماری حاد سس شده بود، اما با احرص لحظه حیات دست از مطالعه و تألیف بر نداشت. حواره او از تهران به مشهد مقدس انتقال یافت و پس از سببع ناسکوه در حواره حرم حضرت رضا (ع) به حاک سرده شد.

از استاد یوسفی آثار بسیار به حامانده است. مهمترین آثار تألفی او عبارت است از: برخی سستانی (۱۳۴۱)/ بومسلم (۱۳۴۵): نامه اهل حراسان (۱۳۴۷): دیداری با اهل فلم (۱۳۵۵): برگهایی در آغوس ناد (۱۳۵۶): کاغذ زر (۱۳۶۳): روانهای روس (۱۳۶۳) و حسمه روس (۱۳۶۹) که آخرین تألف استاد است.

دکتر یوسفی علاوه بر تألیف در ترجمه هم دستی حیره و روان داشت و با همکاری مترحمان دیگر حد کتاب از زبانهای انگلیسی، عربی و فرانسوی به فارسی در آورد که از آن حمله است داستان من و ساعر/ نرادر فانی (۱۳۵۶): سیوه های بعد ادبی/ دیوید دیحر (۱۳۶۶) و تحقیق درباره سعیدی/ هارری ماسه (۱۳۶۴).

نشر داتس درگذشت آن روا ساد را به حابواده آن مرحوم و دوستان و ساگرداش تسلیم می گوید.

## ترجمه قرآن به زبان رومانی

مطلب زیر، دلیلی است که بر مقاله و کتابشاهی جهانی ترجمه‌های قرآن (شیردانش، سال ششم شماره ششم) نوشته شده است. نویسنده استاد ریان و ادبیات فارسی در دانشگاه بخارست است

ن د

سیلویان اوکتاویان یوسی بسکو (Silvian Octavian Iosipescu) به سال ۱۸۷۸ در شهر «سوحه‌آوا» (Suceava، در شمال رومانی) در خانواده‌ای معلم بیسه به دنیا آمد. پس از پایان تحصیلات دبیرستانی در سال ۱۸۹۶ در دانشکده الهیات شهر «چرنه‌اوتی» Cernăuți (که امروزه در جمهوری اوکراین قرار دارد) ثبت نام کرد و پس از پایان تحصیلات موفق به اخذ درجه دکتری شد.

علاقه شدید وی به فراگیری زبانها، راه را برای اعزام او به مراکز علمی اتریش جهت تحقیق و مطالعه زبانهای سامی بار کرد. او علاوه بر آموختن زبانهای یونانی و لاتین و زبانهای جدید اروپایی، زبانهای آرامی، عبری، عربی، فسطی، سریانی و حتی ترکی را نیز فراگرفت، و پس از بازگشت به میهن خود، به تدریس زبانهای سریانی و کتاب عهد عتیق در همان دانشکده‌ای که از آن فارغ التحصیل شده بود، پرداخت.

در سال ۱۹۱۸ در شهر «یاس» Iași (مرکز ایالت ملداوی) به سلك روحانیون درآمد و در همین سال به کسب درجه‌ای بالاتر (ار لحاظ سلسله مراتب کسب‌های مسیحی) نایل شد. پس از این در دانشکده ادبیات یاس به تدریس ریان و ادبیات یونانی قدیم مسعودی وی در ۳۰ اوت ۱۹۲۲ درگذشت<sup>۱</sup>

یوسی بسکو در طول عمر کوتاه خود، به عنوان سرشناس، آثار بسیار ارزنده‌ای از خود به یادگار گذاشت. از جمله آثار او می‌توان کتابهای زیر را نام برد: ترجمه عهد عتیق که مستقیماً از زبان عبری انجام گرفته است، تحقیقی درباره ادبیات فسطی؛ ترجمه‌ای بسیار ارزشمند از آثار سریانی (برای نخستین بار در زبان رومانی)؛ انتشار تحقیقات دیگری در زمینه‌های مذهبی و غیر مذهبی.

گرچه این آثار سان دهنده استعداد و اهمیت کار این پژوهشگر است، اثر بخاماندنی وی ترجمه کامل قرآن مجید به زبان رومانی است<sup>۲</sup> که مستقیماً از زبان عربی انجام گرفته و در سال ۱۹۱۲ به حات رسیده است<sup>۳</sup> این ترجمه، تنها ترجمه‌ای است که در زبان رومانی وجود دارد و نسخ آن جزو آثار نادر و ارزشمند مجموعه‌داران کتب به شمار می‌رود.

یوسی بسکو در مقدمه خود - که به سال ۱۹۱۰ نوشته است - اعتراف کرده است که «قرآن، کتاب مقدس اسلام، امروزه به تمام زبانهای اروپایی ترجمه شده و همین امر مرا بر آن داشت که به ترجمه رومانی آن همت بگذارم، تا قدمی برای ترجمه ادبیات جهانی [به زبان رومانی] برداشته باشم»<sup>۴</sup>

### دکتر منوچهر جهانبگلو، استاد موسیقی

منوچهر جهانبگلو، استاد موسیقی اصیل ایرانی در سپیده دم سنجش به پانزدهم آذرماه در شصت و دو سالگی بر اثر حمله قلبی درگذشت. دکتر جهانبگلو پس از تحصیلات ابتدایی و متوسطه به آموختن موسیقی پرداخت و از درس و صحبت استادان بزرگ هنر، همچون حبیب سماعی و ابوالحسن صبا بهره گرفت. وی سپس برای تکمیل تحصیلات به اتریش رفت و در آنجا موفق به دریافت دکترای موسیقی گردید، و پس از بازگشت به ایران به تدریس پرداخت. از او کتابی در زمینه آموزش سنتور به جا مانده است. وی در سنتور نواری خود را ساگرد صبا می‌داند. منوچهر جهانبگلو از هنرمندان معتد و مؤمن و ناپسند به فحاشی مذهبی بود.

### سیدحسین میرحانی، استاد خوشنویسی

استاد سیدحسین میرحانی معروف به سراج الکتاب در روز سجم آذرماه در هشتاد سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت.

سیدحسین میرحانی فرزند سید مرصی برغانی است که در زمان خود از استادان خوشنویسی بود. میرحانی پس از تحصیلات مقدماتی به فراگرفتن خوشنویسی نزد استادان معروف آن زمان همچون میرزا محمدرضا کلهر، علامرضا اصفهانی و میرزا محمدحسین خان فروشی پرداخت و در همه رشته‌های این هنر به درجه استادی رسید و به تعلیم پرداخت. از جمله کارهای سودمند او تشکیل کلاسهای اراد خوشنویسی است که امروزه به نام «انجمن خوشنویسان ایران» معروف است.

استاد میرحانی که خود شاعر بود دیوان بعضی از شاعران نامدار ایران را با خط خوش کتابت کرده است که از آن جمله است کلیات سعدی؛ مثنوی مولوی، حمزه نظامی، دیوان حافظ، مجموع کتبهایی که به خط استاد به جا مانده است بیست و سه جلد است.

### مهدی خالدی، موسیقیدان با سابقه

مهدی خالدی موسیقیدان با سابقه و نامی معاصر در نیمه دوم آذر در هفتاد و یک سالگی در تهران درگذشت.

خالدی در ۱۲۹۸ شمسی در تهران متولد شد. وی پس از ابوالحسن صبا دومین نوازنده‌ای است که در رادیوسازها بواجب. او موسیقی را نزد صبا فراگرفت و از اولین شاگردان او و یکی از بارنده‌ترین موسیقی‌دانان نامدار ایران به شمار می‌رفت.

وی بعد از اینکه به جاب عربی قرآن مجید<sup>۵</sup> که مورد استفاده او بوده اساره می‌کند، از سه ترجمه آلمانی چنین یاد می‌کند: «ترجمه بوی سن (Boysen) ترجمه‌ای تفسیری و دور از اصل عربی است، با این همه محتوای آن را خوب بازگردانده و به همین سبب برای تفسیر قرآن بسیار مفید است، ترجمه اولمان (Ullmann) به اصل نزدیکتر است، با آنکه این ترجمه نیز تفسیری است؛ در این میان ترجمه هنینگ (Henning) از همه مفیدتر است، با این همه به علت عدم دقت کافی مترجم، ناهای افتادگیها در آن راه یافته است.»<sup>۶</sup>

«من تلاش فراوان کرده‌ام که تا سرحد امکان به متن اصلی عربی نزدیک شوم و تأکید بسیار بر برگرداندن هر چه دقیق تر متن داشته‌ام... به این ترتیب ترجمه من به متن اصلی نزدیکتر از ترجمه هینگ است؛ حتی از استباهاتی که در ترجمه او راه یافته، میری است.»<sup>۸</sup>

یوسی سکو با چنین ادعایی که نشان‌دهنده کیفیت علمی ترجمه او است، هر سکی را دریاب کمک احتمالی دیگران، یا استفاده از ترجمه‌های دیگر بر طرف می‌کند. «در اینجا باید خاطر نشان کنم که این ترجمه تماماً از آب خودم است، فقط از آن خودم. اگر فایده ریان اصلی را مورد توجه قرار داده‌ام، هیچکس بر من حربه نخواهد گرفت، زیرا [قرآن] ساسان می‌داند که آیات در دهها صفحه با یک فایده حتم می‌سوند، امری که رعایت آن در ریان رومانی محال است.»<sup>۹</sup>

با این همه مترجم یادآور می‌سود که بانویسهای توضیحی را از کتابهای یاد شده یا از بولد که برگرفته است<sup>۱۰</sup>، ناره‌ای از آنها را نیز از حافظه خود بقلم آورده که یافس مآخذ برای آنها دسوار است.

مترجم مقدمه مفصل خود را (از ص ۹ تا ۶۰) در چهار فصل ترتیب داده و تقریباً تمامی آن را از هینگ ترجمه کرده او خود معترف است که فصل تاریخ قرآن بوسه هینگ به سها کافی نیست بلکه ضعیف نیز هست. بنابراین با مراجعه به اثر نولدکه آن را عی تر ساخته و همان طور که اساره سد، بانویسهای متن را نیز از او آورده است. مترجم خود و اف است که به تنهایی و بدون یاری جستن از آثار دیگران، قادر به نگارس مقدمه‌ای بر چنین اثری نبوده است. مقدمه او شامل اطلاعاتی درباره اعراب بیس از حضرت محمد (ص)، شرح حال مختصر پیغمبر اسلام، معرفی قرآن مجید و دین اسلام است.

یوسی سکو توضیحات و تفاسیر خود را گاه در داخل متن ترجمه در بین برانتزها و گاه در بانویسها آورده است و به این ترتیب ترجمه خود را قابل استفاده برای مشتاقان شناخت کتاب بزرگ اسلام کرده است.

انتشار این ترجمه در آن زمان واقعه بسیار مهمی در فرهنگ رومانی به شمار می‌رفت. «نیکلای یورگا» (Nicolae Iorga) مورخ

و دانشمند بزرگ رومانی در مقاله‌ای اهمیت انتشار این ترجمه را یادآور شده است<sup>۱۱</sup>

گرچه آثار دیگر این مترجم بیستر در حامعه روحانیون کلیسا رواج یافت، اما قرآن مجید با ترجمه یوسی سکو امری بود که در فرهنگ مردم رومانی تأثیر فراوان نهاد و به همین جهت نام قرآن حواه و ناحواه در رومانی با نام مترجمش پیوند یافته است. ویورل باجاکو

حاشیه.

(۱) شرح حال یوسی سکو از معالات ریر برگرفته شده N Neaga, «Un Orientalist român S O Iosipescu» Mitropolia Moldovei și Sucevei, XXXIII (1957), nr. 5-7, p. 468-472, Gh V Speranță, «Clerici români orientalisti», Studii Teologice, XIX (1967), p. 359-374

(۲) درباره اسلام شناسی در رومانی و تاریخ تطبیعی ادیان معالات دیگری در دست نهه است

(3) Coranul-traducere dupa originalul arabic însoțită de o introducere, Cernăuți, 1912, 539p

(۴) مقدمه، صفحه ۳

(5) G. Fluegel, Corani textus arabicus Editio stereotypa C Tauchnitzii tertium emendata, Lipsiae, 1869

(6) F E Boysen, Der Koran das Gesetz der Muselmänner durch Muhammad den Sohn Abdal, Halle, 1773, L, Ullmann, Der Koran aus dem Arabischen wortgetreu neu ubersetzt und mit erläuterten Anmerkungen versehen, Bielefeld und Leipzig, ed VII, 1877, M Henning, Der Koran aus dem Arabischen und mit einer Einleitung versehen, Leipzig, 1901

(۷) مقدمه، ص ۳

(۸) مقدمه، ص ۳ تا ۴

(۹) مقدمه، ص ۴

(10) Th. Noldeke, Geschichte des Qorānus, Göttingen, 1860

(11) N Iorga, Cărți reprezentative în viața omenirii, București, 1916, p. 240-256

## نظری به کتاب «برگزیده متون ادب فارسی»

دانشجویی که از دبیرستان وارد دانشگاه می‌سود خود را در محیط تازه‌ای می‌یابد و طبع انتظارهای تازه‌ای نیز پیدا می‌کند از جمله انتظار دارد مطالبی بشود که در دبیرستان نشیده است و هم این مطالب را به سیوه‌ای تازه بیامورد. در کل، در این سطح تحصیلی مطالب باید به گونه‌ای ارائه شود که دانشجو را نادبیای امروزی دانش و معرفت آشنا سارد در درس ادبیات نیز همین حکم صادق است.

س از این مقدمه، نگاهی می‌افکیم به کتاب برگزیده متون ادب فارسی که به عنوان واحد فارسی ۱ و ۲ در دانشگاهها تدریس می‌سود. گردآورندگان در مقدمه کتاب درباره هدف از تألیف آن چنین می‌نویسد: «مقصود از نشر این مجموعه، آسایی با آثار ادبی زبان فارسی و گشودن دریچه‌هایی به حشماندازهای ادب کهنسال این سرزمین است تا دانشجویان و جوانان این روزگار در راه یافتن به نمونه‌های آثار ادبی نویسندگان و ساعران فارسی زبان، اندکی از دشواری کارشان کاسته شود.» ولی آنچه دانشجویانی با طرز فکر و

هنگام مرگ، هر رید خود را به غالب می سپارد و او تربیتش را خواستار می شود. این داستان روح جوانمردی و مردانگی را به طور غیرمستقیم در خواننده ریده می کند. فردوسی داستان می گوید و کمتر خود را نشان می دهد، تنها گاهی دو یکی دو بیت نتیجه اخلاقی مورد نظر خود را می گیرد، آن هم به ربایی بسیار مؤثر.

از نمونه های دسته دوم نیز می توان قطعات «ای ناسداران وطن»، «سخن از قصه عشق تورلولاک گذشت»، «زمان زمان حروش است و فصل حوشیدن» را نام برد که می توان آنها را مظهر تام ادبیات عصر خودشان سمرقند تا از این راه حواز ورود به منتخب ادبی را پیدا کنند. در قطعات دسته سوم، که اصلی ترین و اصیلترین بخش کتاب گزیده است، مطالب به لحاظ ارزشهای ادبی فراوانشان و به لحاظ اعتبار نویسندگان و سرایندگان آنها اهمیت زیادی دارند. ولی در اینجا نیز اسکالی هست و آن نحوه انتخاب آنها و تکراری بودن آنها در مقایسه با کتابهای دبیرستان است. مثلاً قطعه «این گرگ سالهاست که ناگله آشناس» از پروین اعتصامی در دبیرستان نیز تدریس شده است یا قطعات منتخب از نظامی گنجوی («نامه رسول اکرم به خسرو و ریز» و «عهد خود را با خدای خود محکم دار») نمی تواند دانشجو را با سبک این ساعر بزرگ آشنا کند. از آثار سعدی فقط اسعاری از بوستان و قطعاتی تکراری از گلستان برگزیده شده، ولی از غزلهای ناب و دلکس او حتی يك نمونه هم آورده نشده است. یا اسعار برگزیده از حافظ بهتر می بود از آن دست ناسد که همه اختصاصات شعر او - آهنگ ریا، ناری ما کلمات، معنای عالی و ساختمان منسجم - را نشان دهد و غزلهایی که این حصل را داشته ناسد در دیوان او کم نیستند.

انتخاب قطعاتی چون «لطف حق»، «ترجیع سدهات» و «آغار منوی»، که نشان دهنده اوج قدرت سرایندگان خودد، حننه مست کار مؤلفان است. ولی در مورد غزلهای مولوی، نمونه های مناسبتری می شد برگزید.

اسکال دیگر این کتاب تهی بودن آن از نقد ادبی است، در نتیجه کتاب نمی تواند دانشجویان را در بی بردن به ارزشهای ادبی قطعات یاری کند. نتیجه اینکه،

- خوانان به آموزش دینی و اخلاقی نیازمندند. اما این آموزش باید در حای خود فرار گیرد تا نتیجه مطلوب بدهد.

- در نحوه انتخاب آثار باید دقت شود و قطعات برگزیده به گونه ای باشند که دانشجو را تا حدی با نوع و ویژگی کار صاحب اثر آشنا سازند. در این باب پیشنهادی، که هر چند خام است، ارائه می شود و آن اینکه در برگزیده متون ادب فارسی که در دانشگاهها باید تدریس شود، شایسته است نمونه های برجسته و شاخصی از آثار «مشاهیر ادب» فارسی از نخستین آنها، مانند رودکی و فردوسی، گرفته تا شعرای قبل از مشروطیت در يك بخش، و آثار دوره مشروطیت و پس از آن در بخش دیگری گنجایده شود و این آثار به صورتی برگزیده شوند که بتوانند دانشجو را با سیر و تحول ادبیات متنور و منظوم فارسی اجمالاً آشنا کند. در مورد ادبیات و آثار بعد از مشروطیت هم باید دقت کرد که از آوردن آثاری که فقط اسم ادبیات دارند و در معنی با ادبیات بیگانه اند خودداری شود.

فرهاد امینی (دانشجو، اصفهان)

روحیه من در پی آسند آشنایی با ادبیات وسیع ادبیات، تأثیر پذیری از آن در امور تربیتی و اخلاقی و کسب نوعی لذت است

اما، در همان محدوده هدف گردآورندگان، باید دید محصول کار تا چه اندازه موفقیت آمیز است؟ قطعات برگزیده را به اعتبار موضوع و سیوه بیان به سه دسته می توان تقسیم کرد

الف) آنهایی که تنها جنبه دینی و اخلاقی و عقیدتی دارند و در نگارش آنها اصولاً مزایای ادبی در مد نظر نبوده است

ب) آنهایی که هم جنبه دینی و اخلاقی یا عقیدتی دارند و هم مایه ای از ارزشهای ادبی

ج) آثار مشاهیر ادب ایران که با ارزش ادبی خود در ردیف آثار ادبی بزرگ حای دارند

از دسته اول برای نمونه می توان قطعه «امام حسن در برابر مشکلا» را نام برد تا توجه به اسکه واحدهای متعددی در رسته دینی و اخلاقی و عقیدتی برای دانشجویان همه رسته ها پیش بینی شده است (معارف اسلامی ۱ و ۲، اخلاقی و تربیت اسلامی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تاریخ اسلام، متون اسلامی، منتخب آیات قرآن و نهج البلاغه و احادیث اسلامی، و وصیت نامه امام [ره]،) این سؤال پیش می آید که آیا بهتر نیست که، برای رعایت اصل طیفه بندی مطالب درسی، این گونه قطعات نیز در ضمن درس معارف اسلامی حای داده شود؟ مگر نه این است که گنجینه بسیار عظیمی از ادبیات هر از دو بیست ساله ما به اندازه کافی گریش قطعات را دسوار می سارد که حتی محالی برای آوردن بسیاری از قطعات صرفاً ادبی نیز در گزیده ای با این حجم محدود باقی نمی گذارد؟ هر چیزی باید در حای خود آورده شود، و گرنه آدرس آن مکتوم خواهد ماند. آموزش دینی و اخلاقی می تواند در درس ادبیات نیز منظور نظر فرار گیرد لیکن این تعلیم هر قدر غیرمستقیم تر باشد اثر بیشتری خواهد داشت.

کیمیای سعادت و گلستان سعدی را در نظر بگیریم که در آنها نمونه های درخشان آثار مبتنی بر تعلیم معارف و اخلاقی اسلامی به گونه غیرمستقیم بیان می شود، حال آنکه در کتابی مانند برگزیده متون ادب فارسی مطالب حقوقی و احکام اسلامی و معارف عرفانی به طور مستقیم القا می شود که البته تأثیر چندانی ندارد در مقابل، استاد سخن سرای طوس را در نظر بگیریم که در داستانهای شاهنامه آحنان با مهارت حوادث و موقعیتها را توصیف کرده که خواننده می اختیار خود را در شادبها و غمهای چهره های داستانی و ستایش سراییده از نیکبها و نکوهش او را بدبها شریک می یابد. مثلاً در داستان رستم و اسعدیار، دو قهرمان داستان به مصاف یکدیگر می روند. اما نه با کینه بلکه با محبت. جنگ آنها بر خلاف میل دروسی آنهاست و در پایان جنگ بر مغلوب، نه

نشر دانش

سال: یازدهم بهمن ۱۳۵۹

A black and white illustration featuring a large, stylized fish swimming upwards, surrounded by several smaller fish. The background is filled with intricate, swirling patterns.

۲	ع روح بحسان	فرهنگستان فرانسه
۲	وویحیح اسکا الموفسکی/ره ره ر ساس	حافظ و شکسپیر. دیدار شرق و غرب
۷	لطف الله یار محمدی	بحثی در فرهنگ نگاری ..
۳	ابراهیم شکورزاده بلوری	ترجمه های غریب و نامفهوم در زبان فارسی
۸	علی کافی	اطلاعرسانی و زمان
۲	حسن فروعی	اعلام در ترجمه
۵	میرور مصوری	توجه سلو قیان به «شاهنامه»

۳۸	سیدعلی آلاود	حرفارفا در نخستین سده های هجری
۴۲	حسین مسرب	نگرشی به «واژه نامه یزدی»
۴۶	مهدی صدری	ماده تاریخی: راهنمایی در تصحیح «حلاصة التواریخ»

۵۱ سعاد حمیدیان      طرحی مفید برای پیشبرد پژوهشهای سبک‌شناسی

۵۳ آراد بروهردی      نظر اجمالی به چند کتاب چاپ خارج

کتابهای تازه، معرفی، نشریه‌ها      امید طبراده      ۵۷

کتابهای برگزیده سال ○ سمینار فلسفه و روش‌شناسی ○ سمینار بررسی مسائل مطبوعات ○  
 فعالیتهای فرهنگی دهه فجر ○ نمایشگاه اسناد کودتای ۱۳۹۹ ○ چند خبر دانشگاهی ○  
 اعلام رسمیت جامعه ویراستاران ○ افزایش مدت تحصیلات اجباری در چین ○ عضویت  
 ایران در اتحادیه یونیکا ○ نمایشگاههای کتاب ○ شب شعر فارسی در هنگ‌کنگ ○  
 بزرگداشت ابریشم در فرانسه ○ جمعیت روز افزون کشورهای خاورمیانه، ...

Y1-A.

بہارِ گلِ مرادِ شیرِ شہین  
شادیِ حق میں عیشِ شہین  
طریقِ صدقِ باموذنِ آصفِ نایاب  
برائیِ طلبِ آزاد کی زنجیرِ مہین



• فرهنگستانهای جهان

## فرهنگستان فرانسه\*

ع روح بحثان

فرهنگستان فرانسه نخستین مؤسسه از نوع خود در تاریخ جهان است، اما اسوار برین و بامدار برین فرهنگستان جهان است و سرمسئول تأسیس و تشکیل بسیاری از فرهنگستانهای دیگر قرار گرفته است. آنچه در زیر می‌اند فسرده‌ای است از مطالب مندرج در اسناد فرهنگستان فرانسه که دبیرخانه آن از راه لطف برای سردارس ارسال داشته است.

### تاریخچه

سرمسئول فرهنگستان فرانسه گردهماییهایی است که از سال ۱۶۲۹ (۱۰۳۹ هـ. ق.) در خانه والاس کنرار/Valentin Conrart در خیابان سن مارس پارس تشکیل می‌شد. در این محفل به ادب که شش‌سازان از خانواده‌های مرفه پاریسی بودند شرکت می‌کردند. خود والاس کنرار به خانواده‌ای پروتستان از شهر والاسین تعلق داشت. پدر بزرگس را در سال ۱۵۶۹ به حرم مسارک در ویران کردن سمانلهای قدسان کابولیک گردن رده بودند و پدرش به پارس گریخته بود. رالاش کنرار در پاریس زندگی نسباً آرامی را می‌گذراند و نوالو، شاعر معروف، که با او دشمنی داشت، در شعری «سکوب محاطانه» او را به ریشخند گرفته است.

یکی از نه نفری که در محفل حیابان سن مارتین شرکت می‌کرد ران اوریه دوگومبو/Jean Ogier de Gombault بود که به آیین پروتستان گرویده و مورد توجه و حمایت ملکه ماری دومدیسبس فرار گرفته بود. یکی دیگر آنتوان گودو/Antoine Godeau نام

داشت که کشیش بود و بعدها اسقف گراس (جنوب شرقی فرانسه) شد. یکی دیگر زان ساپلن نام داشت که پدرش محضر دار و مورد اعتماد مارکی تروس و صاحب مکنت فراوان بود. پس از او باید از دوبرادر به نامهای فیلیپ آبر/Habert و زمرن آبر یاد کرد که خود از افراد مرفه و صاحب مکنت بودند. یکی دیگر آبر دومونمور/Montmaur بود که احتمالاً سرعموی دونفر قبلی بود. وی مخبر کمیسیون عراض در هیأت دول بود، به فیزیک و سیمی عسی می‌ورزید، و نخستین جلسات دانشمندی که بعدها فرهنگستان علوم از آنها دید آمد در خانه او تشکیل می‌شد. سن از او باید از شاعری به نام کلود دومولیل یاد کرد که منسی مارسال باسومیر/Bassompierre بود. و سرانجام لویی ریری در این محفل شرکت می‌کرد که عضو انجمن بزرگان فرانسه در دربار بود و نیز صاحب حدیث تألیف و ترجمه.

طولی نکشد که این گروه کوک گسترش یافت و مثلاً از فرانسوادو بوآ روبر کیسیس، که مورد توجه و حمایت مخصوص کاردینال رسلو صدراعظم بود، برای شرکت در جلسات دعوت شد در اس منان، والانتن کنرار اردواح کرد و اسخاص مجردی که هسته مرکزی محفل ادبی را تشکیل می‌دادند باحار به خانه دماره دوسن سورلی/Desmarets de Saint-Sorlin در هتل بل‌وه/Pelleve نقل مکان کردند. رور به رور بر سمارسان افزوده می‌شد و دیری نباید که تعدادشان به سب نفر رسید. بوآ روبر کیسیس از وجود این «حایهای روس» با کاردینال رسلو سخن گفت و کاردینال که مردی ارموده و مال اندیس بود، بیدرنگ میران اهمیتی را که حمایت روسنفران از حکومت اومی توانست داشته باشد دریافت و توسط بوآ روبر به دوستان والانتن کنرار پیشنهاد کرد که حمایت او را بپذیرند و محفل خود را به صورت یک سازمان رسمی درآورند. آنان نخست دودلی نشان دادند زیرا که سم آن داشتند که استقلال خود را از دست بدهند. اما رسلو مردی نبود که هرکس بتواند آسکارا در برابرش ایستادگی کند لذا بیسهاد بوآ روبر بپذیرفته شد و فرهنگستان فرانسه، که تعداد اعضایش از طریق معرفی و انتخاب اعضای اولیه به جهل نفر رسید، سدرسمی تولد خود را در رانویه ۱۶۳۵ با فرمان رسمی که به امضای لویی سیزدهم رسیده بود، دریافت کرد.

اما پارلمان پاریس، که به فرهنگستان به دیده یک رفیب خطرناک می‌نگریست، بیش از آنکه برای کار صخه بگذارد دیررمایی در کار فرهنگستان اخلال کرد تا سرانجام، در ۱۶ رونی ۱۶۳۷، به رسمیت آن رأی داد و تشریفات رسمی بر گزار شد. متر فرمان لویی سیزدهم و اساسنامه‌ای که در فوریه ۱۶۳۵ به تصویب فرهنگستان رسید، نخستین اسناد مکتوب فرهنگستان به سما می‌آید. پس از درگذشت ریشلیو در ۱۶۴۲، سگیه/eguer



کرار

سال از سس می گذست، نقاضا کرد که يك صندلی راحتی یا میل  
برایس بگذارند. و ساه دسور داد تا نه يك میل بلکه چهل میل در  
تالار اجتماعات بگذارند تا اصل برابری فرهنگستانی مراعات  
سده ناسد در دوره حکومت «دیر کوآر» (هاب مدیره) و در اوایل  
حکومت نابلئون، اسیتو هم در لوور سکیل جلسه می داد؛ اما در  
سال ۱۸۰۵ محل برگزاری جلسات آن به کاح مارارن منتقل شد.  
اس کاح مطابق نسخه ای که لووو / L. u. V. u (طراح قصر  
ورسای) کسیده بود و نه منظور استقرار «داسکده چهار ملت»  
ساخته سده بود. کاردینال مارارن دو میلیون فرانک از ماترك خود  
را وف آن کرده بود نه این سب که این مبلغ صرف آموزش سصب  
تن ار حوانان اناالتهایی سود که در ۱۶۵۹ نه موجب «بیمان بیرنه»  
نه فراسه سوسته بودند

این کاح بی گمان ریباترین سایی سبك ناروك در باریس اسب و  
كلسای كوچكس نه سبب گنبد بضی سكلس سهرن عام دارد. در  
دو سوی این كلیسا دو كباخانه مسهور وجود دارد: یکی كتابخانه  
مارارن که نخستین كتابخانه ای اسب که در باریس در به روی مردم  
گسود و به صورت كباخانه عمومی درآمد؛ و دیگر، كتابخانه  
انستیتو. علاوه بر اینها ساختمانهای اداری استیتو و تسکیلات  
دفتری خاص هریك از پنج فرهنگستان و نیز بایگانیهای آنها در  
بیرامون كلیسا قرار دارند.

فرهنگستان فرانسه جلسات عادی خود را در تالار كوچکی،  
که در ۱۸۳۹ ساخته سنده اسب، تسکیل می دهد و هرگاه که  
فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی جلسه داسنه باشد، تالار را در  
اختیار آن می گذارد. سه فرهنگستان دیگر از تالار دیگری استفاده  
می کنند که خیلی بزرگتر است و می تواند ۱۳۰ عضو بیوسته  
فرهنگستان علوم و نیز ۸۰ عضو وابسته خارجی آن را در خود  
جای دهد.

حاسینس سد و همچون سلف خود به حمایت از فرهنگستان فیام  
کرد. س از درگذشت سگیه در ۱۶۷۲، لویی چهاردهم بدیرفت که  
سخصاً انجمن را به زیر بال و بر خود بگیرد. از آن س فرهنگستان  
رسمب تازه یافت و نشستهای خود را در عمارت لوور برگزار  
کرد

فرهنگستان فرانسه و مؤسسات مسانه دیگری که تا آن هنگام  
به وجود آمده بود روز ۸ اوب ۱۷۹۳ به موجب فرمان  
«کواسیون» (مجلس انقلابی که ار ۲۱ ستامبر ۱۷۹۲ تا ۲۶  
اکتر ۱۷۹۵ حکومت فرانسه را در دست داسب) محل سدنند، سر  
ساری ار اعضای آن را نه گبوتس سرزد و نه ار ترس  
«حکومت وحسب» به خارج ار کسور گرختند. وقتی که  
«استتوی ملی فرانسه»، براساس ماده ۲۹۸ فانون اساسی ۲۲  
اوب ۱۷۹۵، تأسیس سد، وظایف فرهنگستان برعهده «کلاس»  
سوم آن نهاده سد که حنندن ار اعضای فرهنگستان سابق را نه  
عصوبت خود بدرف.

نابلئون بنابارب در فرمایی که در ۲۳ راونه ۱۸۰۳ در مقام  
كسول فراسه صادر کرد تغییراتی در سازمان این انجمن داد. به  
موجب این فرمان، «انستیتو» نه چهار کلاس نسیم سد. (۱) علوم  
فریکی و ریاضات، (۲) ربان و ادبیات فرانسه، (۳) تاریخ و ادبیات  
كهن، (۴) هنرهای ربا در ۲۱ مارس ۱۸۱۶، لویی هجدهم نه  
موجب فرمانی اعلام کرد که «انستیتو» مركب از چهار  
فرهنگستان اسب که همگی مرتبه و نر نام قدمی خود را حفظ  
خواهند کرد: فرهنگستان فرانسه، فرهنگستان مكتوباب و  
ادبیات، فرهنگستان علوم، و فرهنگستان هنرهای ربا ناگسه  
نماند که نار آفرینی فرهنگستان فرانسه با گریس و درحسب  
نارده عضو تاره همراه بود که لوسین بنابارب (برادر نابلئون) و  
حنندن از مقامات حکومت امرا توری از آن جمله بودند

تسکیلاتی که در ۱۸۱۶ برای انستیتو و فرهنگستانهای آن  
ایجاد سد تا به امروز به همان صورت باقی مانده اسب، جز آنکه،  
در ۱۸۳۲، لویی فیلیب بخش سجمی، به نام فرهنگستان علوم  
اخلاقی و سیاسی، به آن افزود.

از ۲۱ روتن ۱۸۱۶، که اساسنامه تازه فرهنگستان فرانسه در  
آن روز تصویب سد، هیچ تغییر عمده ای در ممرات آن داده  
سده است.

## کاخ فرهنگستان

تا روزی که انقلاب کبیر فرانسه روی داد نشستهای فرهنگستان  
فرانسه در کاخ لوور برگزار می سد. حضرات «چهل تن» در  
ابتدای امر گرداگرد يك ميز بزرگ بر روی صندلی می نشستند. يك  
روزی یکی از اعضا، به نام کاردینال دستره / d'Estrées که هشتاد

## فعالیتها

در نخستین اساسنامه فرهنگستان فرانسه مقرر شده بود که این انجمن «به منظور آنکه قواعد مطمئنی برای زبان فرانسه تنظیم کند و آن را نابتر، رساتر و قادر به بیان هنرها و علوم نماید» يك لغتنامه (یا فرهنگ لغت)، يك كتاب دستور زبان، يك كتاب معانی و بیان و يك كتاب فن شعر تدوین کند. همچنین پیش بینی شده بود که فرهنگستان آن دسته از کتابهای ادبی را که در اختیار س گذاشته می شود واری و در حق آنها داوری کند اما، در همان آغاز کار، جادنه ناخوسایندی برای فرهنگستان روی داد ریسلیو کوسید تا کونی را به سبب نوشتن سید / Cid ملامت کند، اما این کار خسم فرهنگستانیان را برانگیخت و آسویی برحاسب که حتی انتشار كتاب نظرات فرهنگستان در باره سید هم نتوانسب آن را فرو بنساند ار آن س، فرهنگستان توانسب عافلانه ار برخورداری از امتياز خطرناکی که ریسلیو برایش در نظر گرفته بود حسم بوسند همچنین ار تدارك و حاج يك كتاب دستور زبان خودداری کرد (با سرانجام در ۱۹۳۲ به اصرار یکی ار اعضای خود يك دستور زبان حاج کرد که حلی سستر از ان بکوهس سد تا سباس) و سر به بدوس کتابهای معانی و بیان و فن شعر اقدام نکرد، اما همت بر تنظيم و تدوین لغنامه ای گماسب که بحسبن حاج ان در ۱۶۹۴ منتشر سد

این كتاب، که در دو جلد به قطع بزرگ انتشار ناف، حاوی كلمات رایج در زبان فرانسه بود؛ اما اس كلمات، به حای آنکه به تربیب حروف الفبا نظم سده ناسد، به تربیب گروههای هم خانواده و هم رسه دسه بندی سده بودید و لذا رمایی درار طول كسند تا مورد استعمال اهل زبان فرار گورد در همین احوال، واقعه ناخوسایندی در فرهنگستان روی داد و ان این بود که یکی ار اعضا به نام فور بیر / Fournerie، با حاج يك لغنامه عمومی که خود او تدوین کرده بود، بر فرهنگستان سسی گرفت و هم محفلانش متهمس کردند که متقلبانه ار کارهای مدماتی فرهنگستان بهره گرفته اسب و لذا او را ار جمع خود بیرون کردند؛ لکن لویی چهاردهم فقط سس ار مرگ او احاره داد که دیگری به جایس برگزیده بسود

حاج دوم لغتنامه در ۱۷۱۸ مسر سد که الهه اس بار به تربیب الفبایی تنظیم سده بود و استفاده ار ان آساتر بود این لغتنامه در ۱۷۴۰ و ۱۷۶۲ تجدید حاج سد و در ۱۷۹۸ حاج سجم ان به کوسن دول انقلابی- که به هنگام انحلال فرهنگستان دستنوسه لغنامه را صط کرده بود- انتشار یاف. سس از آن، لغنامه در سالهای ۱۸۳۵ و ۱۸۷۸ و ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ تجدید حاج سد. لغتنامه فرهنگستان که مورد استعمال رورانه دارد، سکل كلمات را معین می کند و، به كمك تعاریف همراه با ساهد مثال،

معنای آنها را به دست می دهد. شماره واژههایی که در لغتنامه گرد آورده شده اسب در هر حاج به میزان قابل توجهی افزایش یافته اسب و تغییراتی در جهت سهولت خواندن و نوشتن كلمات در سکل آنها داده شده اسب. مثلاً در حاج ۱۷۱۸، حروف زاید و بیهوده ای را که در حدود يك سوم از كل كلمات بود حذف کردند. فرهنگستان فرانسه در حال حاضر کار تجدید نظر در حاج هسبم را به منظور آماده کردن حاج نهم دنبال می کند و تا به امروز تصمیمهای مختلفی در مورد سکل كلمات و وارد کردن كلمات تازه گرفته اسب. این کار هم در نسبتهای همگانی و هم در کمیسیون لغتنامه انجام می گیرد. علاوه بر این و تا هنگامی که تحریر تازه لغتنامه از حاج خارج سد فرهنگستان هسدارهایی به صورت دستورالعمل برای حلوگیری از ورود كلمات تازه نامناسب و یا بروز استباهات دستوری و املائی صادر کرده اسب.

## مواجب فرهنگستان

در زمان حكومت سلطنتی، برای هر جلسه ۴۰ لیره به اعضای فرهنگستان پرداخته می شد. علاوه بر این، اغلب آنان از خزانه ساهی حیره ماهانه می گرفتند و حتی یکی از ایسان به نام شالین / Chapelain حدین جیره دریاف می کرد به همین سبب، سعری ساخته سده بود که در يك سب ان گفته می سد «شالین خوس درآمدرس همه خانهای روشن اسب»

در سال ۱۷۹۶، سس از حدید سارمان «اسیتو»، فانو ۹ روئبه (سال چهارم انقلاب) برای هر عضو مواجب نایب ۱۵۰۰ فرانك در سال را بعین کرد. ما خود انسستو مصوبه ای برای تعیین سراط برداخب مواجب بدوس کرد که براساس ار مواجب اعضا به ساسب سابقه آنان پرداخت می سد و برای آنکه نوسانات بولی حبران سود و ار این بابت زیانی متوجه اعضا نگردد يك مأخذ براری تعین کرد که به موجب آن مقدار اس ۱۵۰۰ فرانك برابر ۷۵۰ ده هزار گرم (۷۵۰۰ کیلوگرم) گندم مرغوب تعیین سد.

این مبلغ بیس از يك فرن نایب ماند و کمابیس ارزش خود را حفظ کرده بود. اما ار اوایل فرن بیسبم ارزش آن روبه کاهش نهاد و در آستانه بروز خنك جهانی اول قدرب خرید آن به نیمی ار آنچه در آغار بود ترل یافته بود. در ۱۹۲۸، سس ار نباتی که رئیس جمهوری نوآكاره ایجاد کرد، مبلغ مواجب سالانه هر عضو فرهنگستان به ۵۰۰۰ فرانك افزایش یاف که کمابیس برابر با ارزش بولی طلا در زمان ایجاد فرهنگستان بود. اما، از آن پس، افزایش نرخ تورم و کاهش بیایی ارزش فرانك ارزش واقعی این مبلغ را می توان گفت به صفر رساند (حدود ۵۰ فرانك در سال) لذا در ۱۹۷۱ تجدیدنظری در میزان مواجب صورت گرفت و مبلغ



زبان فرانسوی، رمان، تئاتر، تاریخ (جایزهٔ اخیر به نام جایزهٔ گوبر/Gobert معروف است. گوبر در ۱۸۳۵ این جایزه را وضع کرد و هرچند که ارزش موفقات او برابر کاهش ارزش پول به میزان ناچیزی رسیده، هنوز هم نام او محفوظ مانده است).

در ۱۹۸۰، بل موران/ Paul Morand جایزه‌ای در اختیار فرهنگستان قرار داد که هر دو سال يك بار اهدا می‌شود و مبلغ آن ۳۰۰۰۰۰ فرانک است.

ادارهٔ فرهنگستان و سازماندهی امور مالی آن از وظایف «کمیسیون اداری» است که از دبیر دائم فرهنگستان در مقام رئیس کمیسیون و دوتی عضو به انتخاب اعضای فرهنگستان تشکیل می‌شود.

### نشستها و انتخابات

فرهنگستان روزهای پنجشنبه از ساعت ۳ر۵ تا ۴ر۵ بعد از ظهر تشکیل جلسه می‌دهد. معمولاً قبل از هر سبب، جلسهٔ کمیسیون لغتنامه تشکیل می‌شود که بعد از جلسهٔ عمومی فرهنگستان هم ادامه می‌یابد. علاوه بر این، فرهنگستان هر سال يك بار در ماه دسامبر (آذر) يك سبب همگانی در «تالار فرهنگستان» برگزار می‌کند و در همین سبب است که مراسم تسریقاتی پذیرش اعضای تازه انجام می‌گیرد.

ریاست هر سبب با يك «رئیس» است که جلسه را به كمك يك «مُهردار» (نایب رئیس) و يك «دبیر دائم» اداره می‌کند. رئیس و مهردار برای مدت سه ماه انتخاب می‌شوند اما منصب دبیر دائم حائز از ناموس بر می‌آید، مادام‌العمری است. در مادهٔ چهارم اساسنامهٔ ۱۸۱۶، که هنوز هم به فوٹ خود باقی است، تصریح شده است که

هرگاه يك کرسی، برابر درگذشت يك عضو، حالی شود حر آن در بدیکترین جلسهٔ بعد اعلام شده و در صورت جلسه منعکس می‌گردد

در همین ماده بیس بیسی شده بود که انتخاب عضو تازه حداقل يك ماه پس از ابلاغ خبر درگذشت عضو ففید انجام گیرد. در حال حاضر، اعلان خبر خالی شدن يك کرسی معمولاً يك ماه پس از درگذشت صاحب آن و انتخاب عضو تازه حدیس ماه پس از اعلان آن خبر صورت می‌گیرد. در طول تاریخ، کهگاه این فواصل زمانی خیلی بیستر از فاصلهٔ زمانی مقرر در اساسنامه بوده است، اما فرهنگستان در حال حاضر می‌کوسد که عضو حدید در حدود نسب ماه پس از مرگ عضو فدم انتخاب شود و پنج یا سس ماه پس از انتخاب شدن مراسم تحلیف را به عمل آورد و کرسی خود را اسغال کند.

روش انتخاب عضو در گذشته بسیار پیچیده بود؛ زیرا در

ن ۴۸۶۰ فرانک حدید تعیین شد، در حالی که کاهش ارزش فرانک همحنان ادامه داشت.

میزان مواجب فرهنگستان تابع تناسبات بسار سحیده است. در حال حاضر هر عضو فرهنگستان در حدود ۲۰۰۰۰ فرانک مواجب سالانه دارد که البته شامل «حق حضور» هم می‌شود و در صورت غیبت کاهش می‌یابد. به چهارس ار کهسالتترین اعضا و سر به چهارتن از رؤسای انتخابی فرهنگستان دوبرابر مواجب بعلی می‌گیرد. اما واقعیت این است که این مبلغ در مقایسه با ارزش پول در ۱۷۹۶ و حتی در ۱۹۱۴ اصلاً در حور اعتنا بیست.

### بنیادهای خیریه، درآمد‌ها و جوايز

فرهنگستان فراسه، صرف نظر از هزینه‌های اداری آن که در صورت بودجهٔ کل کسور وارد می‌شود، ادارهٔ ۳۶۶ بنیاد یا مؤسسه را که دارایی آن را تشکیل می‌دهد، بر عهده دارد

اس اموال، که مالکیتسان با فرهنگستان است، از طریق وقف و هبه به فرهنگستان رسیده است و سابقهٔ قدیمین آنها به قرن هجدهم می‌رسد. محل مصرف درآمد این هبه‌ها و اوفاف را بایان آنها مسخص کرده‌اند که عبارتند از اهدای حوایر ادبی، حیران کارهای فوق العاده (جایزهٔ فضیلت که مخصوصاً در قرن نوزدهم راجع بود) و كمك به خانواده‌های ساسه. البته این بنیادها و اموالسان از آسب کاهش ارزش پول در امان نماندند و اگر در طی حدسال گذشته كمكهای کلان به فرهنگستان اهدا نمی‌شد، مروره سرمایهٔ منقول فرهنگستان بس ناحیز می‌بود.

حوسختانه بحسی از آنچه وقف فرهنگستان شده اموال عر مسمول بوده است و از هنگامی که میزان مال الاحاره‌ها به ساسب افزایش هزینهٔ زندگی اهرایش یافته است درآمد ناسی از احارهٔ اماکن متعلق به فرهنگستان بخش عمده‌ای از درآمد‌های آن را تشکیل می‌دهد.

فرهنگستان فرانسه از محل درآمد‌های خود هر سال در حدود ۱۵۰ جایزه اهدا می‌کند. مبلغ این جوايز فبلا اندك بود، اما از حدود ده سال بیش در آن تجدید نظر و بین ۳ تا ۱۰۰۰۰ فرانک تعیین شده است. البته مبلغ برخی از جوايز خیلی بیستر است مثل جوايز بزرگ ادبیات، شعر، نقد، تحفین، داستان کوتاه، گسترس

ساسنامه ۱۷۵۲ تصریح شده بود که انتخابات در دو مرحله انجام می‌گیرد: مرحله اول با وره رأی که ضمن آن «نامردی که فرهنگستان در مورد او به توافق می‌رسید» مشخص می‌شد؛ اما بدرنگ مرحله دوم با مهره‌های سفید (موافق) و سیاه (مخالف) برگزار می‌شد که در آن رأی دهندگان آرای عمل بیشتر داشتند. نامزدی که با وره انتخاب می‌شد هرگاه در مرحله دوم يك سوم از کل اعضا با مهره سیاه با انتخاب او مخالفت می‌کردند، کنار گذاشته می‌شد و رأی‌گیری برای نامزد دیگر انجام می‌گرفت. این سیوه انتخاب ظاهراً برافاده است، اما اثر آن هنوز در انتخابات فرهنگستان برحاسب. به این معنی که به حای آنکه براساس آرای که داده شده است اکثریت را در نظر بگیرد، آنجا که آرای سفید به حساب نمی‌آید، اعضا می‌توانند روی رأی سفید يك علامت ضربدر بگذارند و بعد آن را در گلدان بریزند و همس آرا در محاسبه نهایی اثر می‌گذارد. مثلاً اگر يك نامرد ۱۵ رأی از ۳۰ رأی را به دسب ساورد، از آنجا که ۱۵ رأی دیگر با علامت ضربدر مشخص شده است باید رأی‌گیری دیگری انجام بگیرد، زیرا که میل این است که دونه‌ر به ساوی رأی آورده‌اند. در سابق، نوب رأی‌گیری محدود نبود و حتی اتفاق افتاده است که اعضا پس از ۱۹ بار رأی‌گیری هم به اکثریت دسب نیافته‌اند اما عرف معمول امروز نوب رأی‌گیری را به سه بار محدود کرده است. در عس حال فرهنگستان در صورت لزوم می‌تواند برای بار چهارم هم رأی‌گیری کند. و اگر در رأی‌گیری چهارم هم تکلیف نامزد ورود به فرهنگستان روشن نشود رأی‌گیری بعدی به رمایی پس از آن موکول می‌شود. اعلان یا سسهاد نامردی معمولاً در نامه‌ای تسلیم دبیر دائم می‌گردد. برای آنکه انتخاب عضو جدید صورت گیرد، درخواست رسمی دسب، کم سبب عضو ضرورت دارد اگر این رفم حاصل نشود رأی‌گیری به هسب رور بعد موکول می‌شود که در آن رور تعداد ۱۸ نفر موافق کفایت می‌کند و اگر در آن رور این حد نصاب حاصل نشود انتخاب منتهی می‌گردد. قبل از هر انتخاب باید ماده مربوط به نظرخواهی از اعضا، که در اساسنامه ۲۱ ژوئن ۱۸۱۶ ذکر شده و به شرح زیر است، قرائت گردد:

از آنجا که وجهه اعتبار فرهنگستان اساساً وابسته به توحهی است که به امر بر کردن کرسیهای خالی به وجه مطلوب شان می‌دهد، کمترین التفاتی به اسباب چنینها و تمناهای به هر شکل که باشد، نخواهد کرد، و هر عضو نظر خود را تا هنگام برگزاری انتخابات برای خود حفظ خواهد کرد و هنگامی آن را بیان می‌کند که شخص مورد نظر خود را واقعاً اصلح بداند. از نامزدان کرسیهای خالی خواسته می‌شود که از هر گونه دیدار با اعضا

به منظور جلب نظر ورأی آنان خودداری کنند همین اداره کافی است که سفاهاً با ا طریق نامه‌ای خطاب به یکی از اعضا و یا اراه ناموسی در دبیر خانه علاقه خود را به عصویت اعلان کند

هر حد متی این دستورالعمل بسیار سخت و جدی است رسم دیدار با اعضای فرهنگستان از همان ابتدا رواج یافت و امروزه پس ریس‌هدار و استوار است و بسیاری از اعضای فرهنگستان با رغبت نامردها را می‌بدرند. و این البته طبعی است که علاقه‌مند باشند شخصاً کسانی را که فرار است هر رور بنجسنبه آنان را در جلسه ببینند از نزدیک سسایند

در همان رور که انتخاب عضو جدید انجام می‌گردد تنحه رأی‌گیری به اطلاع رئیس کسور که حامی فرهنگستان است، می‌رسد او با تعیین يك وقت ملاقات با عضو جدید عملاً بر رأی فرهنگستان صحه می‌گذارد آنگاه در روز ملاقات رئیس فرهنگستان عضو جدید را به او معرفی می‌کند.

ننج یا سس ماه پس از آن، عضو جدید وارد فرهنگستان می‌شود و در «تالار» فرهنگستان نطفی در تسکر از فرهنگستان ایراد می‌نماید که فسمت عمده آن به ستایس سلفس اختصاص دارد. «رئیس وقت» فرهنگستان- یعنی کسی که در هنگام اعلان خالی شدن کرسی رئیس بوده است- به او پاسخ می‌گوید. البته در روز بنجسنبه پیش از آن در يك جلسه غیر علنی که در اتاو کمیسونها برگزار می‌شود، متن هر دو نطق فرائت می‌گردد؛ اعضا پس از وقت از کم و کیف آنها آگاه باشند. پس از ایر مراسم، عضو جدید را به تالار جلسات راهنمایی می‌کنند و او آ سس حق می‌یابد که در تدوین لغتنامه شرکت جوید.

#### سنتی که سه قرن پاییده است

فرهنگستان فرانسه کهنترین نهاد فرهنگی که از فرانسه فدیبه جا مانده باشد، نیست زیرا که «کولژ دو فرانس» يك قرن پیش آن تأسیس شده است و هنوز هم دایر است. اما فرق فرهنگ با مؤسسات مشابه در این است که هیچیک از آنها به فرهنگستان خصلت اولیه خود را حفظ نکرده است. اساس فرهنگستان- چنانکه دیده شد- در طی سه قرن هیچ تغییر عمد جز در جزئیات نکرده است و این تغییر عمدتاً در صورت ظ



عبارات و سبك متن بوده است نه در ماهيب آنها. به اين ترتيب هيچ نهادی به خوبی و دقت فرهنگستان سنتهای خود را حفظ نكرده است. فرهنگستان فرانسه در دل دنيايی كه تورم دامنه‌های خود را نه تنها بر عوالم مادی كه حتی به عوالم معنوی می‌گستراند، هرگز سمارهٔ اعضای خود را افزايش نداده و از اصول اولیهٔ خود عدول نكرده است و در انتخاب اعضای تازه هنوز هم همان آرادی عمل و دوف و سواس أمير در حصص حویی را كه در روزگار لویی چهاردهم داس حفظ كرده است.

مردانی كه طرز فكرهای متفاوت و مسلکهای گوناگون داشته‌اند همواره از برک برابری فرهنگسبانی در كار هم كرده‌اند. اعظم روحانیب مسیحی، دوکها، امرای عالترتبه، و ررا و حتی چند رئیس جمهوری با نویسندگان، ساعران، مورخان و نمایسامه‌نویسان در يك حانسیسه‌اند و در زیر گبید فرهنگستان با يكدیگر گفت‌وسود و همكاری و همفكری كرده‌اند البته بعد از هر يك از این اصناف در دوره‌های مختلف فرق می‌كرده است مثلاً در قرن هجدهم گاهی ۱۷ تن از ۴۰ عضو فرهنگستان كسب بوده‌اند در حالی كه در روزگار ما سمارهٔ آنان به يك با دوتی كاهش یافته است. غالباً از وجود «قبيله» با «حرب» و «دسته» در بطن فرهنگستان سحن به میان می‌آید. اما در واقع دسیه‌بندی در فرهنگستان وجود ندارد و این كلمات را باید بان سادهٔ يك تمثيل داسب. البته گاهی يك كرسی چند بار بانی به امرای فسوں یا كسبسان رسیده است، اما فرهنگسبان می‌كوسد ترتیبی به كار كرفته سود تا تنوعی در سخصیب كسانی كه هر كرسی را اسغال می‌كند به وجود آید.

فهرسب كسانی كه از ۱۶۳۵ تا به امروز به فرهنگسبان راه یافته‌اند سان می‌دهد كه از آغاز تاكون ۶۷۰ نفر به عضویب فرهنگستان در آمده‌اند. آمارگران آمارهای دقیمی دربارهٔ موسط عمر اسان و میزان مرگ‌ومیر «نامیرایان» فراهم آورده‌اند و به سابع حالب رسیده‌اند. مثلاً كرسی سمارهٔ ۲۶ از ابتدا تا به امروز در اسغال فقط ۱۱ نفر بوده است، و حال آنكه هر يك از كرسبهای سمارهٔ ۴ و ۱۹ را ۲۰ نفر اسغال كرده‌اند و این بدان معنی است كه صاحبان كرسی ۲۶ دراز عمرتر از دیگران بوده‌اند. در عین حال باید دانسب كه تاكون هيحك از اعضای فرهنگستان به سدسالگی نرسیده است. حتی فونتونل / Fontenelle هم كه دراز عمرترین عضو فرهنگستان بوده است چند ماه بیس از آنكه به سدسالگی برسد، درگذشت.

جوانترین عضو فرهنگستان دوك آرمن دوكوآسلن / كوآلن Armand de Coslin بوده است كه این ركوردر را برای همیشه حفظ خواهد كرد زیرا كه در ۱۷ سالگی به عضویب فرهنگستان انتخاب شد، شاید بدان سبب كه نوهٔ سگیهٔ صدراعظم بود.

اما يك كرسی چهل و يكم هم در عالم تصور وجود دارد، و این همان كرسی است كه مردم برای بررگان فرهنگ و ادب خود جعل كرده‌اند و همیب را دستاویز بكوهس از فرهنگستان فرار می‌دهند. در واقع فرهنگستان هرگز راصی نسد كه كسانی همحون مولیر، روسو، دیدرو، استاندال، بالراك، فلوبر و امیل زولا را در داخل خود بدیدرد. فهرسب اس فیل نویسندگان و ساعران درازتر از این است و اگر هر مورد خاص به دوف بررسی شود عیبب این افراد از فرهنگستان تأسف آور خواهد نمود. در عین حال، دلایلی برای این امر وجود دارد. امیل زولا حدین بار نامرد سد ولی هرگز بدیرفنه سد در حالی كه استاندال و فلوبر هرگز علاقه‌مند به عضویب در فرهنگسبان سدید. اما اسباه بررگ فرهنگستان كه هنوز هم تأسف آن را می‌حورد و برای جبران آن دسب به هر كاری می‌رند این است كه در سالهای قبل از ۱۹۷۰ زیر فسار قدرت حاكم [رنزال دوگل] از بدیرفتن نزرگترین ساعر رندهٔ زمانه [لویی آراگون] حودداری كرد

#### اساسنامه

صرف نظر از فرمان لویی سیزدهم كه در رابویهٔ ۱۶۳۵ صادر سد و حطوط کلی سازمان فرهنگستان را تعیین می‌كرد، سه اساسنامه تاكون برای این نهاد تدوین سده است: (۱) اساسنامهٔ ۲۲ فوریهٔ ۱۶۳۵ در ۵۰ ماده به امضای رسلو، (۲) اساسنامهٔ ۳۰ مه ۱۷۵۲ در ۱۲ ماده به امضای لویی چهاردهم، (۳) اساسنامهٔ مصوب ۲۱ روتن ۱۸۱۶ در ۱۸ ماده به امضای لنه / Lamé و زیر كسور كه هنوز هم به فوت خود بافی است. مواد اساسنامهٔ اخیر بدین سرح است:

#### مادهٔ ۱

فرهنگستان فراسه دارای چهل عضو و سه مقام ارشد است:

يك رئیس،

يك مهردار (نایب رئیس)،

يك دبیر كه در عین حال خرايه‌دار هم هست.

رئیس و مهردار با اكتریب مطلق آرا برای مدت سه ماه انتخاب می‌شوند و دبیر مادام‌العمر در این سمت خواهد ماند.

کارهای معمول فرهنگستان است. رئیس برای تعیین ترتیبی که باید به این موضوعها داده شود با اعضای فرهنگستان مشورت می کند. پیشنهادهایی که معیار با این اهداف باشد، هر اندازه که مهم باشد، مورد حمایت قرار خواهد گرفت مگر در شش خاصه که برای بحث درباره آن پیشنهاد تشکیل می شود رئیس یا قائم مقام او موظف است نظم جلسات را حفظ کند و مقررات اساسنامه را به اجرا در آورد

#### ماده ۷

فرهنگستان علاوه بر جلسات خصوصی هر سال يك نشست همگانی در ۲۵ اوت تشکیل می دهد [این نشست امروزه در دسامبر / ادر تشکیل می شود] جلسات همگانی برای پذیرش اعضای جدیدی که فرهنگستان برگزیده و به تصویب شاه رسیده باشد تشکیل می شود

#### ماده ۸

فرهنگستان هر سال جایزه ای به ادرس ۱۵۰۰ فرانک اهدا می کند که به تاوت نصیب يك نوسه و يك قطعه شعر خواهد شد. موضوع نوسه یا شعر را فرهنگستان به مسابقه می گذارد و از طریق روزنامه ها به اطلاع همگان می رساند

فرهنگستان درباره شکل مسابقه و شرایط آن بحث و تبادل نظر می کند و می تواند جایزه را به يك اثر بدهد یا در صورت لزوم میان چند اثر تقسیم کند و یا برای مسابقه بعد بگذارد. نظر فرهنگستان باید در جلسه ۲۵ اوت اعلان شود و جایزه در همان جلسه اهدا گردد

#### ماده ۹

فرهنگستان در نشستهای همگانی کرسیهای خاصی برای اعضای خود بیسی می کند و کرسیهای دیگری برای اعضای سه فرهنگستان دیگر بی آنکه حای مشخصی برای هر کس منظور شود

#### ماده ۱۰

فرهنگستان برای برگذاست حسن سس لویی [لویی بهم که در ۱۲۲۶ تا ۱۲۷۰ ناساه فراسه و مردی بیکوکار و بانی انار خیر ار حمله سورس بود، که انقلاب فراسه حسن او را ملعی کرد] رسوم سابق خود را به کار خواهد بست

#### ماده ۱۱

در جلسات همگانی هیچ قطعه شعر یا نوسه ای که قبلاً سه مقام ارشد و دو عضو انتخابی دیگر فرهنگستان آن را واری و تأیید نکرده باشد قرائت نخواهد شد. انتخاب آن دو عضو به قید قرعه انجام خواهد گرفت.

#### ماده ۱۲

سه مقام ارشد که هیأت رئیسه فرهنگستان اند يك کمیسیون دایمی، برای بررسی همه موضوعهای بحث که مستلزم واری حاص اند ولی منحصرأ به کارهای معمول فرهنگستان ارتباط می یابند، تشکیل می دهند. اگر موضوع خاصی مستلزم بررسی فوق العاده باشد، فرهنگستان می تواند دو تن از اعضای خود را تعیین کند تا به اعضای هیأت رئیسه، که قانوناً عضو همه کمیسیونها جز کمیسیون مندرج در ماده ۳ هستند، کمک کنند.

#### ماده ۲

رئیس شخصاً یا از طریق نماینده اس ریاست فرهنگستان را در جلسات علمی و خصوصی و در هر فرصت دیگر، در حضور شاه و شاهزادگان عهده دار است در این موارد او به نام کل انجمن سخن می گوید هرگاه سراطی بدید اید که بر اثر آنها رئیس نتواند وظایف خود را انجام دهد، مهرداد در تمامی سمنها حاسی او خواهد بود. در عیاب مهرداد، سمنهای رئیس بر عهده مستترین عضو خواهد بود و در عیاب او بر عهده دبیر

#### ماده ۳

اداره داراییهای فرهنگستان به عهده کمیسیونی است که بر اساس فرمان ۲۱ مارس ۱۸۱۶ شاه تشکیل گردیده و اعضای آن عبارتند از دبیر دایم که وظیفه حرايه داری و ریاست کمیسیون را به عهده خواهد داشت و دو عضو دیگر که با اکثریت مطلق آراء با و رفته انتخاب خواهد شد

#### ماده ۴

دبیر دایم موظف به حفظ دفاتر، عنوانها و مدالهای رسمی فرهنگستان و بیر من بطقها و اسعاری است که برای سرک در مسابقه دریافت می کند او مسؤول همه اقدامات لازم برای حفظ انتظامات داخلی و بوریع کرسیها در نشستهای همگانی است

#### ماده ۵

فرهنگستان در هر هفته دو جلسه برای کارهای عادی تشکیل می دهد يك جلسه در روز سه سبه و جلسه دیگر در روز سحسه و اگر یکی از جنبشهای رسمی با یکی از اس روزها مقادف شود جلسه در سب حسن یا در روز بعد تشکیل می شود.

زمان هر جلسه، از ساعت دوویم با چهارویم بعد از ظهر خواهد بود دبیر در رأس ساعت دوویم نام همه اعضای حاضر را فرائب می کند و دفتر را می بندد. کسانی که تأخیر کند یا بدون عذر موحه بیس از وقت جلسه را ترك کند از حق رأی و حقوق دیگر محروم خواهد شد

#### ماده ۶

هدف از تأسیس فرهنگستان فراسه کوسش در جهت تهذیب زبان و تثبیت آن و روس نمودن دسواریهای آن و حفظ خصوصیت و اصول زبان است، لذا اعضای فرهنگستان در جلسات خصوصی خود به هر آنچه که به این منظور کمک کند خواهد پرداخت بحث درباره آنچه به دستور زبان، معانی و بیان، شعر و ملاحظات انتقادی درباره وجوه خوب و بد نویسندگان مربوط می شود و بیر مباحثه به منظور تدارك جاب آثار کلاسیک فرانسوی و مخصوصاً تدوین يك لغتنامه تازه زبان موضوع

با اعضای فرهنگستان به منظور جلب نظر و رأی آنان خودداری کند. همین اداره کافی است که سفاهاً یا از طریق نامه‌ای به یکی از اعضا و یا از راه نامنویسی در دبیرخانه علاقه خود را به عضویت اعلان کند

#### ماده ۱۶

بیس از اهدام به رأی گیری برای انتخاب عضو جدید، دبیر فرهنگستان با صدای بلند فهرست نامزدها را، که قبلاً با رعایت مفررات و شرایط لازم بیسهاد شده‌اند، فرائب می‌کند و اعضای فرهنگستان حق ندارند به کسی حرآنان که در فهرست است نام سده اند رأی بدهند. پس از آن، دبیر متن آن مواد را اساساً حاضر را که به اشتباهات مربوط است فرائب می‌کند. آنگاه رئیس از هر يك از اعضای حاضر می‌پرسد که آیا به کسی از نامزدها قول رأی خود را داده است یا نه؟ و اگر چنین کاری کرده باشد، دیگر حق سرکب در رأی گیری را ندارد

#### ماده ۱۷

همین که انتخاب عضو جدید مطابق با آنچه گفته شد انجام گرفت، گراس آن بدرنگ توسط رئیس یا مهرداد، و در عیاب ایسان، توسط یکی از اعضا که به انتخاب فرهنگستان تعیین می‌شود به اطلاع ساه خواهد رسید و اگر این انتخاب به تأیید او برسد، فرهنگستان پس از آن و به همان گونه که گفته شد انتخابات دیگری انجام خواهد داد.

#### ماده ۱۸

عضو جدیدی که فرهنگستان انتخاب می‌کند و انتخاب او به تأیید می‌رسد حق حضور در فرهنگستان را ندارد مگر پس از برگزاری جلسه همگانی که به منظور بدرس و تحلیل او تشکیل می‌شود. او در آن نشست بطعی می‌شد که در ضمن آن از عضو فقید فرهنگستان، که خود او کرسیس را اسعال کرده است، ستایس می‌نماید و سر به بررسی حد موضوع ادبی می‌برد. در رئیس فصلی فرهنگستان، که در زمان او خبر حالی شدن کرسی اعلان شده است، ریاست احلاس را به عهده خواهد داشت و به بطق عضو جدید باسح خواهد گفت، در عیاب او مهرداد و در عیاب مهرداد يك عضو دیگر فرهنگستان این وظیفه را انجام خواهد داد

### نام و نشان و رنگ انتخابی فرهنگستان

نخستین نسب فرهنگستان در ۱۳ مارس ۱۶۳۴ (رمضان ۱۰۴۳ و...) تشکیل گردید اما نام آکادمی فرانسه (فرهنگستان فرانسه)، هسب رور بعد بر روی آن گذاشته شد. اعضا در ابتدا خود را «آکادمیسین» نامیدند، اما دو سال پس از آن عنوان «آکادمیسین» بر خود گذاشتند و این عنوانی است که هنوز هم به کار می‌رود. بعدها به اعضای فرهنگستان صف «نامیرایان» یا «خاودانان» داده شد و ادمون رُستان در وصفشان نوشت: «همه این نامها که حتی يك نفر سان نخواهد مرد، چه زیباست!» و این ساید بدان سبب است که شماره اعضای فرهنگستان هرگز تغییر نمی‌کند و کم و یا زیاد نمی‌شود و شاید هم از آن روست که نام عضو فرهنگستان به لحاظ فضل و معرفت صاحب آن هرگز فراموس نمی‌شود. ولتر در حق فرهنگستان نوشته است «گروه آزاده‌ای است مرکب از بزرگترین



يك كمیسیون نمی‌تواند حر به موضوع خاصی که برای بررسی آن تشکیل شده است بر دارد و ملزم است که در کوتاه‌ترین مدت گراس کار خود را بدهد.

فرهنگستان مراقب خواهد کرد تا هیچ بحث بیهوده‌ای آن را از کارهای اصلیس منحرف نکند

#### ماده ۱۳

انتخابات از طریق رأی گیری با ورقه انجام می‌گیرد رئیس و مهرداد به اکریب مطلق آرا و در جلسه‌ای که سرکب کنندگان در آن کمتر از ۱۵ نفر باشند انتخاب می‌شوند رئیس نمی‌تواند در دو دوره بیانی انتخاب شود اما انتخاب مجدد او يك سال پس از پایان دوره قبل مدیریت بلامانع است

مهرداد نمی‌تواند دوباره و بدرنگ در منصب خود و یا به جای رئیس اسحاب شود و برای انتخاب مجدد او باید سس ماه از پایان دوره قبل گذشته باشد

دبیر انتخاب نمی‌شود مگر در سسب خاصی که به همین منظور تشکیل می‌گردد و دست کم باید بیست تن از اعضا در آن حاضر باشند اسحاب قطعی او باید به تأیید ساه برسد

#### ماده ۱۴

وقتی که بر اثر درگذشت یکی از اعضا يك کرسی حالی شود، در اولین جلسه بعد حر آن اعلان می‌شود و در دهاتر فرهنگستان است می‌گردد. نمی‌توان عضو تازه‌ای را انتخاب کرد مگر اینکه از زمان اعلان حر بارور انتخاب حداقل يك ماه فاصله باشد و انتخاب در جلسه‌ای صورت می‌گیرد که به همین منظور تشکیل می‌گردد و حداقل بیست عضو باید در آن حضور یابند

اگر در جلسه مورد نظر تعداد حضار به بیست نفر برسد، انتخاب به هسب رور بعد موکول می‌شود که در آن صورت حضور هجده عضو کفایت می‌کند. اگر در آن جلسه هم تعداد حضار به هجده عضو برسد، انتخاب عضو جدید به وقت دیگری که رئیس آن را تعیین می‌کند موکول خواهد شد.

#### ماده ۱۵

فرهنگستان از آنجا که وجهه و اعتبارش وابسته به دقتی است که در بر کردن کرسیهای خالی به وجه مطلوب نشان می‌دهد، کمترین التفتاتی به اسباب جیسیها و تمناها، به هر شکل که باشد، نخواهد کرد، و هر عضو بطر خود را تا هنگام انتخاب برای خود حفظ خواهد کرد و هنگامی آن را بیان می‌کند که شخص مورد نظر خود را واقعاً اصلح بداند. از نامزدهای کرسیهای خالی خواسته خواهد شد که از هر گونه دیدار



راسی



مسکو

استتو بس از بجهای متوالی لزوم داشتن اوبیفورم مشخص و ساده را برای اعضا پذیرف و ضمن يك نسبی فوق العاده تصمیم گرفت که رنگ لباس اعضا سیاه و بابت باسد با يك نوار سبز به صورت ساخه زیتون از نج اریسم. همچنین تصمیم گرفته سد که تمامی حواسی لباس نواردوزی شود. در عین حال، اعضا آزاد بودند که لباس کامل با سلوار کوتاه یا بلند بپوشند

اس تصمیمها توسط وزیر کشور به اطلاع هیأت کنسولی رسید و کنسولها، ضمن يك فرمان سه ماده‌ای به امضای نابلور آنها را با تعییرات اندك تصویب کردند به این معنی که اعضا فرهنگستان محار سدید که لباس کامل یا معمولی بپوشند. لباس کامل عبارت بود از سبل، حلیقه یا کت، سلوارك یا سلوار که با به رنگ سیاه باسد و حاسه آنها با اریسم سبز بر رنگ نواردو سده باسد لباس معمولی عبارت بود از همان لباسها بدون سراسری در این لباس نوار فقط در حاسه آستین و یقه ده می‌سد. کلاه آنان کلاه سه‌رک فراسوی بود.

اندکی بعد این لباس صورت ساده‌تریاف و به حای رنگ رنگ سرخ و طلایی بیس نهاد سد، ولی کمیسیون که به منظور ار سوی دولت جمهوری تشکیل سد تصمیم گرفته رنگ لباس فهوهای تیره و رنگ نوار فهوهای روشن باسد. اس از آن، کنسول فرانسه تصمیم گرفت که رنگ لباس فرهنگستان سیاه باسد و يك نوار به صورت ساخه زیتون رنگ روی حاسه آن دوخته شود. کمر بند هم به همان رنگ گرفته سد با سربه‌هایی به رنگ لباس.

سرانجام برای نشانهای زینتی فرهنگستان رنگ سبز گرفته سد. رنگ سبز مخصوصی که روی سردوسیهای اعضا و روی کمرشان دیده می‌شود. علت انتخاب آن این در آن سالها رنگ سبز معنایی خاص داشت، مظهر انده سازندگی بود. البته برای انتخاب رنگ فرهنگستان سا روزها بحث و مجادله شد و هر رنگی به دلیل یا به دلایلی نا، اعلام گردید و فقط رنگ سبز يك رنگ جدی و برارنده فره ساخته شد.

اعضای فرهنگستان هر يك علاوه بر لباس مخصوص شمشیر هم داشته باشد که بر خلاف گذشته دیگر يك

سراں کشور و بزرگترین نویسندگان» و البته راست گفته اسد زیرا که، صرف نظر از حد مورد، فرهنگ و ادب فراسوی در فرهنگستان خلاصه می‌شود. ذکر چند نام مانند کوری، بوسونه، ارنست رنان، برگسن، بل والری، ولتر، منتسکیو، ویکتور هوگو، لاماریس، لافونتن، زولروم، مارسل ناسول، آندره موروا، فرانسوا موریاک، آناتول فرانس، الکساندر دوما، ساتوبریان، اورن یونسکو، ران کوکو، و راسی برای سان دادن عظمت فرهنگستان و گسرس دامنه فرهنگی آن کفایت می‌کند.

اما نشان فرهنگستان در بعد از انقلاب و در دوران کنسولی نابلتون وضع سد. تا آن هنگام اعضای فرهنگستان به دلیل برخورداری ارزندگی اسراف و بردیکی به دربار، عموماً لباسهای برزری و برق و مشخص می‌پوشیدند و نیاری به نشان خاص احساس نمی‌کردند. اما از سال چهارم تا سال نهم انقلاب اعضای فرهنگستان چندین بار علاقه خود را به داشتن نشان مشخص مل برگ شناسایی، مدال، نشان و لباس، اعلام داشتند، تا سرانجام



موریس درونون (دبیر دائم کرسی فرهنگستان)

سمسیر بستگی به شخصیت صاحب آن یاف و در مجموع به صورت نماد قدرت و صلابت فرهنگستان برای پاسداری از حدود و حرمت زبان در آمد.

#### فرهنگستان در استانه قرن بیستم

به نوشته موریس درونون / Maurice Druon، دبیر دائم فعلی فرهنگستان، این نهاد امروز بیستر از هر زمان دیگر تمامی خانواده‌های فرهنگی فرانسه، تمامی جریانهای فلسفی و سیاسی را از طریق کسانی که مظهر آن جریانها هستند، و نیز تمامی رشته‌های علوم و فنون قدیم و جدید را در خود فراهم آورده است... فرهنگستان همچنین همه اندیشه‌های متفاوت فرهنگ فرانسه را در خود گرد آورده و تداوم آن را تأمین و تضمین می‌کند. فرهنگستان اعضای خود را نه صرفاً به دلیل سهرت و عظمت ایشان بلکه همچنین با عنایت به وجدان آنان انتخاب می‌کند... و اکنون بیستر از آنچه در بند گذشته باشد در اندیشه آینده است. آینده‌ای آکنده از تداوم ارزشهای والای تمدن بشری. فرهنگستان در آستانه هزاره سوم میلادی، تضمین این تداوم را رسالت آینده خود می‌شناسد.

\* Je tiens à remercier vivement M. Maurice DRUON, Secrétaire perpétuel de l'Académie française, ainsi que le chef de son Cabinet, M. Laurent PERSONNE, qui ont eu l'obligeance de répondre à ma requête et d'avoir bien voulu m'envoyer les documents nécessaires à la rédaction de cet exposé.

A.R

حور نر و کسند نهسب بلکه حنبه نمادی و سبی دارد و البته هر سبب از سمسیر دارای مفهومی خاص است. فرهنگستان فرانسه از بدو تأسیس جزئی از دربار بود و نه همین سبب اعضای همچون دیگر درباریان اجازه حمل سمسیر پیدا کردند. کبیر فرانسه این امتیازها را ملعی کرد و نه اعضای گستان اجازه داد تا نه حای سمسیر یک حرران مزین نه ال میروا (الله حرد) حمل کنند. اما، بس از آن، نحای فرانسه دیگر سمسیر نه کمر بسند و فرهنگستانها از ایسان واس ندند. بویه که در فرن نوردهم توسعه قدرت دولت مفهومی تاره سمسیر داد و آن را نه صورت نسان کارکنان رسمی حکومت در زد. از آن بس، علاوه بر افسران ارتس، سفیران و دبران تارت و کسولها و فرمانداران ورؤسای بلس و بازرسان مالی و بی ساگردان برخی از مدارس سمسیر می بستند و دلبلی بداسب. اعضای فرهنگستان از سمسیر ستن منع سوید. اما به لحاظ سفکری و هرمدی ناگر بر سدند معای تازه‌ای برای سمسیر ود بیاسد. اولاً انتخاب سکل سمسیر برای اعضای فرهنگستان، خلاف افراد و گروههای دیگر آراد سد و باناً سکل و اندازه



هانری تروآ (قدیمی ترین عضو زنده فرهنگستان)

## حافظ و شکسپیر: دیدار شرق و غرب\*

بوشته و ویچینگ اسکالموفسکی  
ترجمه دکتر زهره زرشناس



ساب و غزل حداقل دارای ارزش ارسادی (heuristic) است مطالعه تطبیقی انواع ادبی مسابه گاهی می توان برای توصیف موارد ابهام در نك سبك ادبی، از وجود مضمونها یا مایه های ادبی (motif) مسابه و واضحتر در سبك دیگری یاری گرفت سابت های سکسیر و غزلیات حافظ موضوع واحدی دارند عسی دردآلود ساعر / راوی، به شخصی بوالهوس و عهدسکن (یعنی محبوب مورد نظر او) تفاوت اصلی میان سبك این دو صوری و مربوط به نحوه تلفی از موضوع است در سابت اس امر تفصیلی و مُصرَح است حال آنکه در غزل، موجز و کنایی است هر سابت تنها به جنبه خاصی از عالم سخن (universe of discourse) ساعر (مثلاً ناامدس، حسادش، زیبایی محبوب و عهده) می بردارد و آن جنبه را به تفصیل ارائه می کند. خواننده فقط هنگامی با این عالم سخن آشنا می شود که مجموعه سابت ها را به آحر دسال کرده باشد.

غزل مرکب از مجموعه ای از ابیات مستقل است که از طریق وزن و قافیه متحد می شوند. از آنجا که هر بیت غزل به یکی از حبه های مختلف علایق ساعر می بردارد، خواننده ناآشنا ممکن است این نوع ادبی، بخصوص نمونه های دوران کلاسیک آن را، فاقد وحدت موضوعی و نظم منطقی تلقی کند. از خواننده ایرانی انتظار می رود که با عالم سخن ساعر از پیش آشنا باشد در غیر این صورت تلمیحات سگفت آور و غالباً استادانه را که در هر غزل آمده است در نخواهد یافت. زیرا برای شاعر ایرانی، آنچه تضمین کننده وحدت و انسجام شعر اوست همانا این حقیقت است که تمامی ابیات سعرس، اساره ای به عالم سخن وی دارند به گونه ای که حتی مجموعه های ابیات بظاهر پراکنده و ناهمگون

سابت های سکسیر و غزلیات حافظ هر دو به سب سجیدگی و ابهامسان از شهرت سناری برخوردارند اما وجوه مشترک این دو گونه شعر سن از آن است که سابه به صفت ابهام و بیحدگی محدود سود بطور کلی باید گفت هر دو نوع شعر، برانه های عاسفانه ای هستند با سکی میکلف و مباله آمیز که الهام بحس آنها سحقیسهای ناساس اند که ما حتی در باره حسست آنان سر نمی توانیم بقطع و یقین حکم کسم اړک. کاربرد مناوب معشوق (به صیغه مذکر) و معشوقه (به صیغه مؤنث) در شعر حافظ و مطابقت آن با محبوب<sup>۲</sup> (lovely boy) (سابت ۱۲۶-۱) و محبوبه (mistress) (سابت ۱۵۴-۱۲۷) در آثار سکسیر ا. هیچ ارتباط با تأسردبری ادبی مستقیمی میان ساعر ایرانی قرن چهاردهم میلادی و نمایسنامه بوس انگلسی که دو قرن بعد راه او را دنبال می کند نمی توان فرض کرد اما، سابه هایی حد از ارتباط غیر مستقیم دو سبك وجود دارد باره ای هماسدیهای سکف آورد در انتخاب اسعاره ها، طرح موضوع و درجه اعرا، میان غزله و سابت ها وجود دارد که اسکار می کند هر دو ساعر در اصل نوع واحدی از شعر را به کار می برند، و محتمل است که هر دو سبك، ریشه در سنتی کهن و مسرک داسه ناسد به نظر می رسد که شکسپیر متأثر از سبب اناکراوی<sup>۳</sup> ناسد که از راه شعر لاتینی (عمدتاً شعر هوراس [Horace]) در اروپا رواج یافت و در دوره رنسانس از تحدید حیات کلی برخوردار گسب این ظهور مجدد با علاقه سدید به مزامیر داؤد در عهد عتیق همراه بود که می توان آن را نماینده سنت شرفی قدیم شعر بیمه عاسفانه / نغمه مداحانه داسب که ساید غزل دنباله آن ناسد. اما حتی اگر نتوان وجود ارتباط تاریخی میان این سنتها را اساب کرد، هماسدیهای میان



بیرمی تواند در ذهن خواننده یا سنونده ابروی بمنزله قطعه سحر  
واحد پذیرفته شود.

در مقایسه سانس و غزل، می توان مجموعه ای از سانس ها را  
تقریباً بمنزله غزلی دانست که هر بیتی از آن در قطعه سحر مستفلی  
اراحمال به تفصیل رسیده است. در مقابل، هر غزل را می توان  
مجموعه ای بسیار فسرده از سانس ها تلقی کرد. در حقیقت، همه  
غرلهای حافظ برسان و بی نظم نیستند، در بسیاری از آنها  
وحدت و بیوستگی موضوع و مایه به جسم می خورد و نیز تعدادی  
از سانس های سکسیر واقعاً مستقل نیستند و بیستر بخشی از یک  
رسم طولانی تر از سحرها به شمار می آیند.<sup>۴</sup>

سانس و غزل هر چند از لحاظ شکل و صورت با یکدیگر فری  
دارد از جنبه های متعدد قابل مقایسه اند ما آنکه تناظر دویی که  
حتی تا سطح ساخت عبارت بیس می رود میان این دو نوع امر  
مسلاده می شود، اما مقاله حاضر فقط به وجوه استراک در  
مایه های سحر می بردارد. اساساً هر یک از سانس های سکسیر  
را خواه از محبوب سخن بگوید یا از محبوبه<sup>۵</sup>، می توان به یک  
مضمون واحد تبدیل کرد: برای مثال، بی وفایی محبوب<sup>۶</sup>، ربایی  
حاروق العاده<sup>۷</sup> محبوب یا فرای محبوب<sup>۸</sup>. در این مقاله خواهیم دید  
که فرس اکرم موضوعهای سانس های سکسیر در ابیات غرلهای  
حافظ سر دنده می شود

به درستی می توان گفت که مجموعه مایه ها در یک ابر ادبی،  
ناربابی از عالم سخن صاحب امر است. عالم سخن دو ساعر مورد  
نحب از سه رکن بنیادی، به تنهایی و یا در ترکیب با یکدیگر تسکیل  
سده است. ش (= ساعر / راوی)، ع (= عسی وی)، م  
(= محبوب)، ش + ع، م + ع و ش + م. این بررسی که به جنبه های  
ساحاری نمی بردارد، مقایسه ای موضوعی و منظم از وجوه  
مسرك علایی دو ساعر را به دست می دهد، تا بتوان به گونه ای  
بس زمینه عالم سخن این دو ساعر را باز ساخت.

ش — (۱) سالخورده است، (۲) اسیر عسی م است، (۳) سحر  
می سزاید.

ع — (۱) مطلق و جاوید است، (۲) برای ش محب زاست،  
(۳) مایه تسلای خاطر است.

م — (۱) سنگدل است، (۲) جوان و رباروس، (۳)  
عهدشکن و اغلب دور از ش است، (۴) بی وفاست.

ش + ع — (۱) پیامدهای جسمی ع برای ش:

(الف) ش درهم سکسته، بیمار و رو به مرگ است؛

(ب) آرام و خواب ندارد؛

(ج) اغلب می گریه، آه می کشد و غره

(۲) پیامدهای روحی ع برای ش:

(الف) نقش م همیشه در خاطر ش حاضر است؛

(ب) بالاتر از م در زندگی وجود ندارد؛

(ج) ش به سائرین رسک می برد - حتی به اشیاء  
مادی که با م در تماسند؛

(د) سحر محصول بی واسطه عسی ش است.

م + ع — (۱) م روایی از ش با عسیس و یا سحرش ندارد.

(۲) م بوالهوس و خودسر و سلطه جوسب؛ بر سر مهر

حاشیه.

\* این مقاله برحمای است از

Wojciech Skalmowski "Hafiz and Shakespeare: An East-West  
Encounter" Acta Iranica, Vol. 25, pp. 583-591, 1985

Sonnet ۱۴ فسیده ای است مستمل بر ۱۴ سب که سحرای ایتالیا آن را در قرن  
۱۳ میلادی انداع کردند

(۲) در اینجا محسی از سانس ۱۲۶ به عنوان نمونه می آید

O thou, my lovely boy, who in thy power

Dost hold Time's fickle glass, his sickle hour

(۳) Anaercon، ساعر عیایی یونان که ظاهراً از ۵۶۳ تا ۴۷۸ قبل از میلاد  
می رسته و اسعار رمی دلگیری داشته است اسعار معروف او در مدح شعر، سراب  
و عسی است از اسعارس ریاد بحامانده و بیستر اشعاری که به او سبب می دهند از  
دیگران است

(۲) برای مثال سانس ۱۵ و ۱۶ - م

(۵) 'black lady' برای روس سدن مقصود ساعر از واره مذکور، سانس ۱۲۷  
به عنوان نمونه در اسحا می آید

In the old age black was not counted fair,  
Or if it were, it bore not beauty's name,  
But now is black beauty's successive heir,  
And beauty slander'd with a bastard shame,  
For since each hand hath put on nature's power,  
Faring the foul with art's false borrow'd face,  
Sweet beauty hath no name, no holy bower,  
But is profan'd, if not lives in disgrace  
Therefore my mistress' brows are raven black,  
Her eyes so suited, and they mourners seem  
At such who, not born fair, no beauty lack,  
Sland'ring creation with a false esteem  
Yet so they mourn, becoming of their woe,  
That every tongue says beauty should look so

بیر رجوع کنید به سانس ۱۵۲-۱۵۳ سانس های ۱۵۳-۴ فقط اساره ای به این  
موضوعها دارد و در این حا به حساب پیامده است - م

(۶) سانس ۴۰-۴۲، ۹۳ و ۱۴۳ - م

(۷) سانس ۵۹، ۷۰، ۱۰۶ و ۱۰۸ - م

(۸) سانس ۴۵، ۴۴، ۵۰، ۵۱، ۱۰۹ و ۱۱۰ به نظر می رسد که ترتیب سانس ها در

چاپ حشینی ۱۶۰۹ مادر نظر گرفتن این اصل بوده است سانس ها حول مایه های  
مسترکی مرتب سده اند - م



## حافظ و شکسپیر: دیدار شرق و غرب

«س شادمان من، که دوست می‌دارد و دوست داشته می‌سود/  
که از یاد نخواهد برد و از یاد نخواهد رفت» (بیت ۱۴-۱۳).  
حافظ ۴۶/۱:

گل در برومی در کف و معشوق<sup>۱۲</sup> به کامست  
سلطان جهانم نه چین رور غلامست

م (۱) — دو ساعر، جوانی و زیبایی خارق العاده محبوب را  
می‌ستایند. این ستایش اغلب با اشاره به بی‌اعتنایی و سنگدلی  
وی همراه است، هر چند که این بی‌مهریها گاهی بخشیده شده و  
ناگیر بدیرفته می‌شود:

«بیس ار این بر آنچه کرده‌ای، اندوهی نیست/ گل‌های سرح  
خار دارند و حسمه‌های نفره‌ای گل...» (سانت ۲-۱ و ۳۵)  
حافظ ۲۶/۹:

حافظ ار باد حراں در حمں دهر مریح  
فکر معقول نمر ما گل بی حار کحاس

م (۲) — محبوب طبعاً آن قدر زیباست که نه زیور آراس  
ناری ندارد و ستایش ساعر نیز نمی‌تواند چیزی بر او بیفزاید:  
«همواره برای نثار از آراسن دیده‌ام/ و ترا نه آب و رنگ و  
حال و خط نیازی نیست» (سانت ۲-۱ و ۸۳)<sup>۱۵</sup>  
حافظ ۱۹۰/۷:

گوهر ناک تو ار مدح ما مستعیس  
فکر مساطه حه ما حس حداداد کند

در حقیقت زیبایی محبوب مطلق فرص سده اسب در نتحه  
فرا تر ار ربایی حورسند، ماه، بهار و گلهاسب. اساس سانت ۹۹  
بر این محور فرار دارد که همه گل‌های باغ زیبایی سان را از  
محبوب ربوده‌اند و این بازتاب مضمونی مکرر در غزلیات حافظ  
اسب، برای مال:  
حافظ ۳۲۹/۱۵:

بر گلسی اگر نگدستم حو ناد صبح  
بی عشق سرو بود و نه سوو صنوبرم<sup>۱۶</sup>

م (۱+۲) — ستایش زیبایی محبوب اغلب با نکوهش سنگدل  
وی همراه است، در سانت ۱۰۵ می‌بینیم که محبوب در اصل با:  
ریبا، مهربان و درست پیمان باسد اما دریقا:

«زیبایی، مهربانی و درست پیمانی هر يك تنها می‌زید/ تاكنو  
هر گز این هر سه در يك تن نگنجیده است» (بیت ۱۴-۱۳)  
حافظ ۹ و ۱۷۷/۵:

وفاو عهد<sup>۱۷</sup> نكو باشد ار بیاموزی  
و گرنه هر که تو بیبی ستمگری داند  
به قد و چهر هر آنکس که شاه خوبان شد  
جهان بگیرد اگر دادگستری داند<sup>۱۸</sup>

م (۳) — نه تنها محبوب غالباً از شاعر دور است، بلکه امید:

نمی‌آید (اس مسئله خود منجر به رابطه ش+م (۱)  
می‌شود)

م+ — (۱) ش نه گدایی سفت م می‌ستاند.

(۲) ش زبانی م را می‌ساید.

(۳) ش بی‌مهری م را نکوهش می‌کند

(۴) ش، م را نه گذر عمر، آمدن سری و روال زیبایی،  
هسدار می‌دهد

با آنکه همه این نکات مساطر را به تفصل می‌توان سرح داد،  
ر ایضا فقط به ذکر مثال برای مواردی اکتفا خواهد شد که ابهام  
بستری دارند و در حالیکه اغلب گونه‌های متفاوت مضمونهای  
معری شکسپیر در اسات متعدد حافظ وجود دارد، جهت اختصار  
بر هر مورد فقط يك مثال خواهد آمد<sup>۹</sup>

ش (۱) — شکسپیر و حافظ هر دو اغلب از سالخوردگی خود  
متأسف‌اند.

«... بیهوده می‌اندسم او (ر) مرا حواں ندارد/ گرچه او يك  
می‌داند رورهای من گذشته‌اند. (سانت ۵-۶ و ۱۳۸)<sup>۱</sup>  
حافظ ۳۶۶/۶:

گرچه بیرم تو سی سگ در اغوسم کنش<sup>۱۱</sup>  
ما سحرگه ر کنار بو حواں بر حیرم

ش (۲) — تأکید بر تمامیت عشق گاه منجر به بیان اس مطلب  
می‌شود که این احساس س از مرگ ساعر نیز ادامه خواهد  
یافت.

«بسنر خاك، جز خاك نیست، که از آن اوسب/ روح من،  
بهترین بخش هستی من، از آن توسب» (سانت ۷-۸ و ۷۴)  
حافظ ۲۳۳/۲:

بگشای تربتم را بعد ار وفاتم<sup>۱۲</sup> و بگر  
کز آتش درونم دود ار کھ<sup>۱۳</sup> بر آید

ع (۱-۳) — گرچه هر دو شاعر اغلب از غم این عشق نالانند،  
لیکن لحظه‌های بارور عشق چنان روح آنان را سراسر از شادی  
می‌کند که هیچ پیروزی این جهانی را با آن توان مقایسه نیست.  
سانت ۲۵ بعد از مویه بر بی‌ثباتی پیروزیهای دنیوی، چنین خاتمه  
می‌یابد:

بیز به عهد وی برای وصل نیست. سانت ۳۴ جنین عهد  
سکسته‌ای را به کنایه توصیف می‌کند:

«حرا چنین روز زیبایی را وعده کردی / و مرا واداشتی بدون  
ردایم سفر کنم / تا ابرهای فرومایه بر من در راهم بیسی گیرند / و  
ریبایی ترا در خاکستری بوسیده خود بپوسانند؟» (بیت ۱-۴).  
حافظ ۱۶۸/۲ و ۳:

نه لانه گفت سی میر مجلس تو سوم  
سدم نه رعیت حوینس کمین علام و سد  
پیام داد که حواهم سنسب تا ریدان  
نشد نه ریدی و دردی کسم نام و سد

م (۴) — نه تنها فراموشکاری محبوب، بلکه بی‌وفایی وی نیز  
این دو ساعر را سخت می‌آزارد:

«آیا تو خواسته‌ای که نفس خاطر تو بلکهای سنگم را / در  
سبهای خسته بی خواب بدارد؟... حرا که حسم در راه توام و تو در  
حای دیگر بداری / از من دور و به دیگران بسار نزدیک» (سانت  
۱۳-۱۴ و ۱۲-۶۱)  
حافظ ۱۵/۲:

حوام بندگان دیده درین فکر حگر سور  
کاعوس که سد مرل آسای حواب<sup>۱۱</sup>

این مایه‌ای مکرر در اسعار حافظ است و حداقل یک عرل یعنی  
سماره ۶۷ کاملاً بر این پایه اسوار است. در حای دیگر (حافظ  
۱۶۰/۲) ساعر ایرانی با استفاده از باری ریا و جالب توجه  
اره‌هایی که از حرم (به معنی منع شده، لمس ناکردنی) ریه  
گرفته‌اند به آراستن این مضمون می‌پردازد:  
حافظ ۱۶۰/۳:

روا مدار حدانا که در حریم وصال  
رفیق محرم و حرمان نصیب من ناسد

ش + ع (۲) (ج) — سانت ۱۲۸ بر این مایه استوار است که  
ساعر حتی به رفبای بی‌جان و بی‌روح خود رسک می‌برد:  
«من به آن خرنک حسد می‌ورزم که به سرعت از جامی عهد / تا  
به لطافت کف دست تو بوسه زند / و لبهای بیحاره من که باید  
حرمن (لبهای تو) را درو کند / در گستاخی بیسه، سرمسار در کنار  
تو ایستاده است» (بیت ۵-۸).  
حافظ ۲۲۹/۳:

رلش کشید<sup>۲۱</sup> باد صبا چرخ سفله بین  
کانجا مجال باد وزانم نمی‌دهد

ش + ع (۲) (د) — تصوّر دیگری که هر دو شاعر در آن اشتراک  
ظن دارند این است که سهم معشوق در شعر ایشان کمتر از خود  
نان نیست.<sup>۲۲</sup> شاعر با این نگرش هم از قدر خویش می‌کاهد و

هم بر سان معسوق می‌اھراید:

«از آنچه سروده‌ام بر خود سال / که نمره عسوق تو و زاده  
توست» (سانت ۱۰-۹ و ۷۸).

حافظ ۵۲/۴:

تا مرا عسوق تو تعلیم سخن گفت کرد<sup>۲۳</sup>  
خلق را ورد زبان مدح و تحسین مست

م + ع (۱) — رایجترین مضمون سانت‌ها و غزلیات سکوه از  
بی‌مهری محبوب است. اسعاری که مبتنی بر مضمون بجات و

حاشیه.

۹) سماره سانت‌ها بر اساس جاب حستی ۱۶۰۹ است؛ اشعار حافظ به نقل از  
«حافظ فروبی - عی»، جاب تهران، است

۱۰) تمام سانت‌ها به صورت اراد ترجمه شده است

۱۱) در بعضی نسخ گیر

۱۲) در نسخه مورد استفاده مؤلف و نمیه نسخ وفات

۱۳) در بعضی نسخ ده

۱۴) در بعضی نسخ معسوفه

۱۵) سانت‌های ۶۸، ۶۹ و ۸۴-۸۲ نیز این مضمون سعری رامی پروراند  
۱۶) مضمون سانت ۹۹ دقیقاً همس است ولی بیت نمونه مؤلف با این مضمون  
هماهنگی موضوعی ندارد ابیات مناسب‌تری که در مورد مضمون فوق به خاطر  
می‌رسد حافظ ۴۰۲/۴، ۳۹۹/۶، ۳۹۴/۷، ۴۳۳/۱ و

ای قصه بهسب ر کوی حکایی

سرخ حمال حور دروید روایتی

انفاس عیسی ار لب لعل لطیفه‌ای

آب حصر ر بوس لبابت کنایتی

هر باره ار دل من و ار عصفه‌ای

هر سطری ار حصال بو و در رحمت اینی

کی عطرسای مجلس روح‌نیاں سدی

گل را اگر نه بوی تو کردی رعابنی

۱۷) در بعضی نسخ وفای عهد

۱۸) در بعضی نسخ این بیت بیامده است بیت مناسب‌تری که با مضمون فوق به

خاطر می‌رسد

حر این قدر نتوان گفت در حمال تو عیب

که وضع مهر و وفا بیست روی ریا را

۱۹) در بعضی نسخ منزل و مأوا که خوات

۲۰) این صنعت شعری به طریقی نظیر هماهنگی آواها در این اثر شکسپیر

است. برای مثال سانت ۱۳، بیت ۱۴، «let your son say so» -م.

۲۱) در بعضی نسخ کشیده یا گشاده

۲۲) سانت‌های ۳۸، ۷۶ و ۷۸ این مضمون را جلوه‌گر می‌سازند.

۲۳) در بعضی نسخ: سخن گفتن داد.

یدار معشوق در آخرین دم - درست پیش از آنکه ساعر از ناکامی ر عشق جان بیازد - باشد حقیقتاً نادر است.<sup>۲۴</sup>

ع+م (۲) — هر دو ساعر با تأسف به این حقیقت معترفند که رای سر مهر آوردن محبوب چاره‌ای جز گدایی سفقتس ندارند رك. ش+م (۱). محبوب به مابه موجودی کامل یا قائم به ذات صویر می‌شود که بی نیاز از هر ستایش یا عسمی است. این کیفیت در زبان فارسی استغنا خوانده می‌شود. این کیفیت هم رفتار محبوب را در بر می‌گیرد و هم زیبایی فوق سری او را: «باسح بده، ای الهه هر<sup>۲۵</sup>، آیا نخواهی گفت؟/ حقیقت همیشه به يك رنگ است، آن را ناری به رنگ نیست/ زیبایی حقیقتی گسترده است، بی نیاز از مداد آرایس/ آری، بهترین، بهرین است حتی اگر بیرایه‌ای بر آن نبسته باشند/ چرا که او (مذکر) بی نیاز از ستایش است، آیا نمی‌سنوی؟» (ساب ۹-۵ و ۱۰۱).

حافظ ۳/۳

ر عسی باتمام ما حمال یار مسعیست

به اب و رنگ و حال و خط‌حه حاجب روی ریا را

ش+م (۱) — به دلیل برتری محبوب (رك م+ع (۲)) ساعر نحوه‌ای برای سسکس و بیر بهانه‌ای برای گفتگو که ناداس عسفس باشد، ندارد. او چاره‌ای جز گدایی محبب نمی‌بند. این مضمون با بیان احلاص و ار خودگدستگی ساعر در عسو ترکیب می‌شود و ترکیب آنها به سان این نکته راه می‌برد که ستایش او را محبوب فقط به منظور حوسامدگویی سست و ار برای ناداسی انعام نگرفته است در سانب ۲۶ ساعر از ابرار عسی رندانه خودداری کرده و برخلاف معمول حموسی را (حداقل موقتاً) به‌عنوان تنها راهی که شاید به‌حلب عایب خاص معسوق بینجامد، برمی‌گیرد

«آن رمان که کوک هداب/ بدرخسد و طالع بر روی من لبخند رند/... آن رمان شاید حسارت آن یام که آسکارا لاف عشق تورنم؛/ تا آن رور در جایی که تو را در بطر آیم، دیدار نخواهم سد» (بیب ۱۰-۹ و ۱۴-۱۳)

حافظ ۱۷۷/۳

تو سذگی جو گدایان به شرط مرد مکی

که دوست<sup>۲۶</sup> خود روش سده بروری داد

اشاره ضمنی (که گاه نیز بی پرده از آن سخن می‌رود) که بنا بر این نباید دیدار عاشق را چندان به تعویق افکند.

«آینه‌اب ترا خواهد نمود که چگونه زیباییهایت زوال می‌گیرند/ صفحه ساعت تو را خواهد گفت که چگونه دقایق گرانبها فنا می‌شوند» (سانت ۲-۱ و ۷۷). حافظ ۴۰۷/۵:

گوسوار رو و لعل ارحه گران دارد گوس  
دور حوی گزراں است، بصیحت ستنو<sup>۲۷</sup>

این مقایسه کوتاه میان بارزترین نمونه‌های مضامین سانت‌های سسکسیر و غزلیات حافظ به روشنی نشان می‌دهد که وجوه مسترك اینها به عاسقانه بودن آنها ختم نمی‌شود. وجود تناظر نامتعارف میان عناصری حون معلوم بودن جنسیت محبوب، هسدار ساعر بر روال زیبایی وی و تمایل خود آزارانه ساعر به بدیرس ستم و جور محبوب نمی‌تواند اتفاقی باشد ار سویی دیگر نکته مهم و مسترك وجود اغراق و تصنع و تکلف، و در سبجه سرسار بودن اسعار این دواز صنایع بدیعی است. خصصه مرور این احتمال را تعویب می‌کند که هدف ساعر مبهور کردن خواننده با مهارت خود در فن ساعری بوده است با فرض این هدف می‌توان نداس که سایر اجزای سحر ار فبیل مضمون آن بیر تابع فصاحب کلام و ابرار آن بوده‌اند. این احتمال، اعتقاد رایج مبی بر عرفانی بودن مضامین اسعار حافظ و حدیب نفس بودن سانب‌های سسکسیر را مورد تردید قرار می‌دهد. نگارنده این نظرگاه را که آثار سحرای مزبور بر تجارت شخصی استوار بیس و جبیه تصعی دارد، مطرح می‌کند. آنچه مضمون این اشعار تله سده است، در حصفت نمره تسلط بر عناصر مختلف يك عالم هر دادی سخن است. این عالم در مورد هر دو ساعر به سنتی که می‌گردد و نیز احتمال دارد که این سنتها ریشه در خاستگاه مسترك داشته باشند.

برای نگارنده، آثار سسکسیر و حافظ مطلبی را در مورد زنده و یا شخصیت آنان روشن نمی‌کند - جز آنکه باید گفت هر هنرمندانی متعالی بوده‌اند.

حاشیه:

(۲۴) معهدا، رك. سانت ۱۰۷ و عرل حافظ: ۱۸۳

(۲۵) Muse، هر يك از ۹ الهه نگهان شعر و موسیقی و رقص و تاریخ و اساطیر یونان.

(۲۶) در بعضی سح: که خواجه.

(۲۷) در بعضی سح این بیت نیامده است.

(همه پانوشتها، جز پانوشتهایی که با حرف «م» (= مؤلف) مشخص شده از است.)

ش+م (۴) — در شعر عاسقانه، هساند دورابطه ش+م (۲) و (۳) بسیار است و در این جا نیاری به سرح بیستر نیست. اما در اشعار حافظ و سسکسیر مضمونی هست که به‌نظر می‌رسد در اشعار عاشقانه متعارف تقریباً جایی ندارد. در سحر این دو پیوسته به محبوب، گزر عمر و زوال ریبابیش گوسزد می‌شود، همراه با این

# بحثی در فرهنگ نگاری

## و

### فرهنگ دوزبانه فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی

دکتر لطف الله یارمحمدی



در این مقاله بحثی درباره اصول فرهنگ نویسی يك زبانه به طور اعم و دوزبانه به طور اخص و اساراتی در زمینه فرهنگهای دوزبانه انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی خواهیم داشت.

#### ۱) فرهنگ ذهنی

ما برای ادای مقصود خود لغات و تعبیرات را در قالب جمله در حای و مقام خاص به کار می گیریم و معمولاً (حداقل در صحنهای عادی) لغات و تعبیرات مورد نظر را درست هم به کار می گیریم، یعنی به طور خودکار به کاربرد تک تک آنها در موقعیتهای مختلف آگاهی داریم. در موقع لزوم اورای ذهن خود را وری می ریم، به سرعت کلمات مناسب بیت و موقعیت را برمی گرینیم، ارتباط لازم را برقرار می نماییم و بیار خویش را برطرف می کنیم. پس می توانیم ذهن را به کتابی تشبیه کنیم که تمام لغات و تعبیراتی که می داریم و به کار می ریم در آن بیت و ضبط شده است. این «کتاب» تنها حاوی سیاهه لغات و تعبیرات است، بلکه تمام اطلاعات مربوط به املا، تلفظ، معنا، منظور و دیگر خصوصیات مربوط به کلمات، عبارات، جملات و کاربرد آنها در موارد مختلف و متون گوناگون در آن ضبط است و منطماً سر نماند همین طور باشد. پس چه خوب است که سعی کنیم که بسیم در ذهن و معز ما، تا آنجا که مربوط به زبان است، چه بهفه است. اگر بتوانیم آنچه را در اورای دفتر ذهن ماسر بر روی کاغذ معمولی بیاوریم ساهکار کرده ایم، و این همان هدفی است که ریاساس در نظر دارد. باز هم واضح است که واحدهای اولیه گفتار، از روی نظام، در قالب الگوها و قواعد با هم ترکیب می شود و تمام این الگوها و قواعد در کتاب ذهن ما جای دارند. این اطلاعات مضبوط در ذهن را امروزه زیر عنوان کلی «دستور» حای می دهند. دستور، به این معنی، تلفظ (حتی املا) و وارگان، قواعد ترکیب و حتی ویژگیهای سبکی را در بر می گیرد. هر يك از این زیر مقوله ها نیز زیر عنوانهای آواشناسی، تکیوارشناسی، دستور به معنی اخص، معناشناسی، منظورشناسی (pragmatics) و متن شناسی (textology) بررسی می شوند. آنچه مربوط به شکل و معنا و کاربرد واژه ها می شود در اصطلاح به وارگان (lexicon) تعبیر می شود و بررسی و مطالعه آن را می توان واژه شناسی (lexicology)

نامید. بر امر تقسیم کاری که صورت گرفته است در بیستر حالات عملاً اطلاعات مربوط به واژه شناسی، در ذهن ما، در دو دفتر جداگانه «دستور» و «فرهنگ لغت» حای می گیرد. این نوع فرهنگ را که اسار به اطلاعات مضبوط در ذهن درباره وارگان و خصوصیات آن دارد به فرهنگ ذهنی تعبیر می کنیم که با فرهنگهای مکتوب کاملاً مطابقت ندارد، همچنانکه دستور زبان مکتوب بیر آیه تمام نمای دستور مضبوط در ذهن ما بیست. این دو از جهات ریر فرق دارند؛ یکی اینکه واژه ها در فرهنگهای مکتوب با بر حسب حروف الفبا تنظیم شده اند (که ممکن است حرف اول واژه ملاک باشد یا آخر آن) و یا بر حسب مسترکات معنایی آنها. نوع اول را لغت نامه (dictionary) و نوع دوم را گنجینه لغات (thesaurus) نامیده اند البته گاهی ترتیب کلمات بر اساس ترکیبی از دو عامل فوق استوار است. مثلاً کلمات کلیدی را بر حسب حروف الفبا مرتب می کنند و متفرعات و ترکیبات و مشتقات آنها را در زیر کلمات کلیدی می آورند. هر حد اطلاعات تراکنده و محملی از طریق رواسناسی زبان در اختیار داریم ولی به طور قطع نمی داریم که ترتیب این واحدها در ذهن ما چگونه است. کتاب ذهن ما مرتب تجدید حاب می شود و مدام در آن تجدید نظر صورت می گیرد. یعنی در طول زمان واژه هایی به این کتاب اضافه یا از آن حذف می شود و یا واژه هایی در صورت و معنا تغییر می یابد. فرهنگ مکتوب معمولاً بسیاری از این لغات محدود را در خود جای می دهد و احتمالاً برخی از لغات اضافه شده را بیت نمی کند و یا واژه های تعبیر یافته را به صورت قدیمی آنها ضبط می کند. مثلاً الفاظ شلیدن و شپوختن و مدخلهای فراوان دیگر که در فرهنگ معین آمده است به طور قطع در فرهنگ ذهنی عموم فارسی زبانان یافت نمی شود. از طرفی فرهنگ مکتوب هیچ گاه نمی تواند تمام ظرافتهای فرهنگ ذهنی را منعکس کند.

دیگر اینکه در فرهنگهای معمولی برای مفاهیمی خاص مدخلی معین فایل می شویم که معلوم نیست با آنچه در ذهن ماست مطابقت داشته باشد. مثلاً در زبان فارسی به کلماتی نظیر آوردم، می آورم، آورده بود، و خواهم آورد بر می خوریم. برای اطلاع از معنا و کاربرد آنها به مدخل آوردن مراجعه و معنای اصلی را در این



پسوند از معنا به ذات تبدیل می‌شوند؛ مانند دانش ← دانشمند و بعضی دیگر با اضافه شدن پسوند از خاص به عام؛ مانند شیراز ← شیرازی

۴) در فارسی پسوند «-ش» به گروه خاصی از افعال، مانند کوشیدن و ستودن، می‌جسبد (کوشش، ستایش). اسامی حاصل می‌توانند با کردن ترکیب شوند (کوشش کردن، ستایش کردن). معناهای کوشش و کوشش کردن را می‌توان مستقیماً از روی فاعله از کوشیدن استنتاج کرد. این پسوند با گروهی دیگر، مانند فروختن و دویدن، ترکیب نمی‌شود و تعبیرات فروش و دووش وجود ندارد. «-س» با گروهی دیگر، مانند خوردن، ترکیب می‌شود و خورش می‌سازد. ولی معنای این کلمه را نمی‌توان مستقیماً از خوردن گرفت. بعلاوه خورش با کردن نیز ترکیب نمی‌شود و تعبیر خورش کردن غیردستوری است. همین‌طور است در مورد دیگروندها. مثلاً پسوند «-ه» (۵-۴) به بن مضارع افعالی مانند خندیدن و نالیدن می‌جسبد و خنده و ناله را می‌دهد. در نتیجه می‌توان الفاظ خنده کردن و ناله کردن را ساخت. حال آنکه به افعالی مانند جنیدن و افتادن نمی‌شوند. لذا تعبیرات خنده و افتاده غیردستوری است. ولی همین پسوند با افعالی مانند مالیدن و گرفتن و پریدن ترکیب می‌شود و ماله، گیره، و پره را می‌سازد. ولی معنای این کلمات از احرای آنها قابل استنتاج نیست. از این رو جملاتی، مانند ماله عضلات بدن به دست دلاک، گیره دزد در موقع دزدی و پره حسن از روی جوی همگی غیردستوری است. همچنین ترکیبات حاصله، بجر ماله (آن هم با تفاوت معنا) با کردن نمی‌توانند فعل بسازند لذا ما گیره کردن و پره کردن در زبان فارسی نداریم.

۵) کلمات بسیط با نظم خاصی ترکیب می‌شوند. در فارسی زلزله زده و دانشجو داریم ولی زده زلزله و جودانش نداریم. معنای دانشجو را می‌توان از جمع معناهای دانش و جو به دست آورد ولی چنین چیزی در مورد جوانمرد عملی نیست. کتک با خوردن ترکیب می‌شود و کتک خوردن می‌سازد ولی کفش با خوردن ترکیب نمی‌شود.

۶) اطلاعات مربوط به رابطه هم‌نسبیتی واره یا تعبیر مورد نظر دیگر تعبیرها یا واره‌ها در کلام. مثلاً فعل نوشتن باید فاعل انی داشته باشد. از این رو جز در معنای مجازی و سبک عراقیه نمی‌توان گفت گربه نامه‌ای نوشت و یا سنگ نامه‌ای نوشت. دادن حتماً به مفعول نیاز دارد و خوردن به مفعول خوردنی و برین قیاس.

۷) اطلاعات سبکی تعبیرات. بعضی تعبیرات تنها در موضوع یا رشته خاصی کاربرد دارند، لغاتی از قبیل دادخواست، بندپایان و مقاوله‌نامه از این دسته‌اند. همچنین برخی تعبیرات در متن اجتماعی ویزه‌ای به کار می‌روند. مثلاً تعبیرات مُرد، عمرش را به شما داد، به رحمت ایزدی پیوست، به ملکوت اعلی شتافت، دارفانی را وداع گفت، گور به گور شد، سقط شد، به درک و اصل شد، با اینکه از لحاظ معنای مابه یکسان‌اند، هر یک در مقام معینی به کار می‌روند. بسته به اینکه که هستیم، با که صحبت می‌کنیم، در کجا صحبت می‌کنیم، راجع به چه چیزی صحبت می‌کنیم و از چه وسیله‌ای برای بیان مطلب استفاده می‌کنیم، تعبیرات متفاوت بهره می‌گیریم. (۸) اطلاعات مقالی تعبیرات. بسیاری از لغات و ترکیبات معانی خاصی دارند که در قالب متن معینی از آنها استفاده می‌شود. تعداد زیادی از احرای کلام، از قبیل ضمائر، اسرار، صفات فضلی، بسیاری از مود مکان و زمان، ادب ربط و غیره معانی سیال دارند و مرجع و معنی مراد از آنها فقط در متن کلام مشخص می‌شود. یکی از کارهای عمده‌ای که این اجزا انجام می‌دهند، ایجاد ارتباط بین کلمات در داخل جمله و بین جملات یک متن است. مثلاً در عبارت «مهدی و حسن در دانشگاه تحصیل می‌کنند. هر دوی آنها ساگردان ممتازی هستند»، «هر دوی آنها» معنای «مهدی و حسن» می‌دهد، اما در جای دیگر ممکن است به افراد دیگری، مانند «علی و حسین»، اشاره کند. بعلاوه معنای عمده دیگری نیز از این عبارت به دست می‌آید و آن اینکه دو جمله آن به هم مربوط اند و بر روی هم واحدی به نام «بافت» می‌سازد. البته در اینجا دو جمله محاوره به هم مربوط شده‌اند. اما گاهی ممکن است دو جمله مرتبط غیرمجاور باشند. امکان دارد واره یا عبارتی چند جمله را به هم مربوط کند. مثلاً دو جمله «مهدی و حسن در دانشگاه تحصیل می‌کنند. در خاتمه باید گفت که ساگردان ممتازی هستند» به ترتیبی که سبب سرهم قرار گرفته‌اند قابل قبول نیست. عباراتی مانند «در حاتمه»، «در نتیجه»، «به طور خلاصه» و غیره را وقتی به کار می‌بریم که بخواهیم چند جمله را به هم مرتبط سازیم. همه آن‌ها در این بخش گفتیم و بسیاری دیگر که گفتیم با تمام ظرافتهای خود در فرهنگ ذهن ما ثبت است.

۳) ویژگیهای فرهنگ مکتوب و روش تهیه آن  
طبعاً فرهنگ مکتوب مطلوب فرهنگی است که منعکس‌کننده

حاشیه:

1) Cowan, R and Yarmohammadi, L. (1978), «The Persian Verb Reconsidered», *Archiv Orientalni* Vol 46. pp 46-60

2) Moyne J.A. (1970), «The Structure of Verbal Constructions in Persian», Harvard University Ph D Dissertation.

۳) حق شاس، علیمحمد (۱۳۶۸)، «یک اصل ساده فرهنگ‌نویسی»، آدینه، شماره ۳۳.

فرهنگ ذهنی ما باشد و احیاناً، برای اهداف خاصی، تاریخچه‌ای را نیز از آنچه در طول فرنها بر این محتویات ذهنی گذشته است به ما نشان دهد. البته باید بگوئیم که مرز و حد بین فرهنگ و دستور هیچگاه روشن نبوده است و هنوز هم نیست. می‌گویند مطالب و فوایدی که عمومیت بیستر دارند در دستور و مطالبی که شمول موضعی و محدودتر دارند در فرهنگ لعب جای می‌گیرند. اما ملاک‌هایی که فرهنگ‌نگاران در این باره به کار می‌برند یکسان نیست.

اکنون باید دید چگونه می‌سود همه اطلاعاتی را که مذکور افتاد به صورت مکتوب در آورد. قدم اول جمع‌آوری بیکره (corpus) زبانی است، یعنی فراهم آوردن مجموعه‌ای که حاوی کاربرد لغات و تعبیرات زبان باشد. هر قدر این سکره گسترده‌تر و متنوع‌تر باشد اسساح ما از معانی و کاربرد واژه‌ها و تعبیرات به واقعیت نزدیکتر خواهد بود. از روزگاران قدیم عالماً برای جمع‌آوری سکره از نوشته‌ها فس تهیه می‌کرده‌اند. امروزه از گفتار بزرگوار، سس از ضبط آن بر روی نوار، می‌توان فس برداری کرد. طبیعی است که سس زبانی ما بر خود منبع مهمی برای تهیه این بیکره است. انتخاب منابع برای تشکیل بیکره بسیار مهم است و بنا به هدف فرهنگ‌نویس می‌توان سکره‌های متفاوت داشت. مثلاً اگر فرهنگ‌نویس به تطوّر لغات و تاریخ زبان عیای دانشه باشد، طبعاً سکره زبانی او بستر همان متون بوستاری گذشته خواهد بود. بعد از تهیه بیکره و یا همزمان با آن، فرهنگ‌نویس، با استفاده از اطلاعات بطری موجود واره‌سناسی و احیاناً با استمداد از سس زبانی خود، به تجربه و تحلیل لغات و تعبیرات می‌پردازد. برای آسان شدن تحلیل، فرهنگ‌نویس همه پیشهای عبارات، جملات و پاراگرافهای مربوط به هر مدخل را در يك جا گرد می‌آورد. بدین ترتیب، همه رخدادهای يك واحد زبانی، در قالب سواهد و امثال، در مقابل دید فرهنگ‌نویس قرار می‌گیرد. امروزه در معرب رمیس کار تهیه فس و مرتب کردن آنها به کمک کامپیوتر صورت می‌گیرد. بدین ترتیب که سس از ضبط داده‌های زبان (از هر نوع که فرهنگ‌نویس بخواهد) در حافظه کامپیوتر، می‌توان با استفاده از برنامه‌های سامدی (concordance) یا برنامه‌های مسابه تمام رخدادهای يك واحد را در يك جا ردیف کرد. این کار موجب سواهد سد که بتوانیم از بیکره‌های بسیار گسترده حد میلیون کلمه‌ای بهره‌گیریم، کاری که هیچگاه با فیس برداری عملی بیست گذشته از این، تمام این بیکره وسیع را (که ممکن است شامل چندین هزار فیس باشد) می‌توان بر روی يك نوار یا فرص مستقل کرد و آن را با خود بمل و اتمال داد. اطلاعات متعدد دستوری و وارگانی و بسامدی را سرعت می‌توان از کامپیوتر گرفت. در اینجا به اساره یادآور

می‌شوم که آنانی که در کار فرهنگ‌نویسی هستند به‌خصوص مؤسسات دولتی و نیمه‌دولتی (حون مؤسسه لغت نامه دهخدا که کادر با تجربه و با درایت دسترسی دارد) دیر یا زود مجبور خواهد شد به این وسیله آسان و مؤثر روی آورند و چه بهتر که زودتر این کار را بکنند. اکنون فرهنگ‌نویس می‌تواند، با عنایت به سواهد امثال و استعانت از سس زبانی خود، به استنتاجهای نحوی معیای، منظوری و کلامی از نوع آنچه در بالا مذکور افتاد سه یابد. مهارت و خلافت فرهنگ‌نویس در اینجا بیس از جاهای دیگر به کار می‌آید. ابتدا مدخلها و ترتیب آنها را مسخص می‌کند این کار می‌تواند، با توجه به هدفهای فرهنگ‌نویس و زبان مورد بررسی، اسکال متفاوتی به خود بگیرد. فرهنگ‌نویس درباره نوع فرهنگی که می‌خواهد تدوین کند تصمیم می‌گیرد. فرهنگ می‌تواند جامع، عمومی، گویسی، تاریخی و یا موضوعی باشد خود فرهنگ موضوعی ممکن است مربوط به ساحه‌ها رسته‌های ویژه‌ای، چون سیمی، پرسکی، اقتصاد و غیره، مجموعه‌ای از لغات مترادف، متضاد، کلمات مرکب، اصطلاحات و با اختصارات باشد. گزیس مدخل برای هر نوع فرهنگ ح تصمیم بسیار مهمی است. آیا ضرورت دارد که در فرهنگ کلمات مرد، حوان، جوابمرد، مرد حوان، حوانمردی (فتوت) مدح خداگاه داشته باشند؟ آیا لارم است که مصدر و تمام صیغه‌ها فعل و مسفات آن (ملل پردن، براندن، می‌برم، پریدم، برش، پریده، پریده، بران و غیره) هر يك مدخل خداخانه‌ای داشته باشند؟ هر حال ملاك گزیس مدخل باید مسخص باشد.

برسب مدخلها نیز سایان بوجه است. می‌تواند به صورت لغت نامه باشد یا تساروس (گجینه لغات). اگر صورت لغت نامه دارد می‌سود همه مدخلها را بر حسب حروف الفبا مرتب کرد یا بر حسب کلمات کلیدی. در صورت دوم می‌توان مدخلهای فرعی و ترکیبات و مسفات مربوط را در زیر همان مدخلهای کلیدی درج کرد فرهنگهای المنجد عربی و تا حدی *Advanced Learner's* انگلیسی از نوع اخیرند. آنگاه نوبت می‌رسد به درج صورتهای املائی و تلفظی و ضبط اطلاعات واره‌ساختی، نحوی، معیای، منظوری و مقالی. برای ارائه تك تك این اطلاعات، فرهنگ‌نویس از مکایسمهای مختلفی، حون اختصارات، توضیح، تعریف، تصور، امیله و سواهد، استفاده می‌کند و بر حسب مورد از تضاد، ترادف نیز بهره می‌گیرد. امیله و سواهد نیز می‌تواند عبارات جمله، جملات و حتی يك یا چند پاراگراف باشد. مثلاً بسود *able* در انگلیسی باید مدخلی جدا داشته باشد. در اینجا ابتدا باید برای توضیح گفته سود که *able* - پسوندی است که فقط به فعل متعدی می‌جسبد و آن را تبدیل به صفت می‌کند. اگر استثنائاتی وجود دارد در همین جا آورده می‌شود. معنا (یا معناهای آن) نیز به هنگام



ترکیب توضیح داده می‌شود. آنگاه امثله یا سواهد برای تمام کاربردهای مشخص آورده می‌شود و تلفظ ترکیبات حاصله نیز سان داده می‌شود.

در اینجا فرصت آن نیست که به تفصیل دربارهٔ يك يك این مکایسمها صحبت سود اما به عنوان نمونه، به ساختمان مدخلها در فرهنگ *Advanced Learner's* (حاج ۱۹۸۹) که در تهیهٔ آن از دساوردهای زبانشناسی جدید استفاده شده است، نظری می‌افکنیم. با نظری گذرا بر این فرهنگ می‌بینیم که اطلاعات متنوعی دربارهٔ مدخلها به شرح زیر داده شده است: (۱) تعریف معنایی وارهٔ (کلیدی، ۲) مثال در مورد کاربردهای مختلف وارهٔ (کلیدی، ۳) املا (کلمه، ۴) صورتهای دیگر املا (کلمه اگر وجود داشته باشد، ۵) مترادفات، (۶) کلمات دیگر با معانی نزدیک، (۷) اصطلاحاتی که این واره در آنها به کار رفته است، (۸) تلفظ و اختلاف تلفظ امریکایی و انگلیسی، (۹) تکیه در کلمات و اصطلاحات، (۱۰) حروف اضافه‌ای که بعد از وارهٔ کلیدی به کار می‌رود، (۱۱) ویژگیهای دستور و کاربردی، (۱۲) مقولهٔ دستوری، (۱۳) صورت املائی و تلفظی افعال بفاعله، (۱۴) الگوهای دستوری که این واره در آنها به کار می‌رود (الگوهای دستوری کلی در ضمایم فرهنگ آمده است و می‌توان به آن رجوع کرد)، (۱۵) صورتهای تفصیلی و عالی صفت، (۱۶) اطلاعات دستوری و مختصاتی دربارهٔ صفت و اسامی، (۱۷) صورت املائی و تلفظی جمع اسامی بفاعله، (۱۸) اطلاعات مربوط به کاربرد سبکی لغات، (۱۹) عنوانهای مناسب جهت مشخص کردن اینکه واره به چه رشته‌ای اختصاص دارد، (۲۰) اطلاعات مربوط به افعال ترکیبی، (۲۱) کاربرد افعال ترکیبی و افعالی که با حروف اضافهٔ خاص همراه اند، (۲۲) تغییرات املائی و تلفظی وارهٔ کلیدی با دیگر کلمات و وندها، (۲۳) کاربرد وارهٔ کلیدی در مقایسه با کلمات و تعبرات مشابه، (۲۴) املا و تلفظ بصفات وارهٔ کلیدی، (۲۵) املا و تلفظ و تکیه کلمات مرکب، (۲۶) معنای بوسطاری واره، (۲۷) اختلافات وارگانی انگلیسی و امریکایی، (۲۸) ارجاع وارهٔ کلیدی مورد نظر به واره‌های کلیدی دیگر که با آن مشابه دارند و هم بر این فیس البته در این فرهنگ ارههٔ سیوه‌های توضیح، تعریف، تصویر، امثله و سواهد نحو مطلوب بهره گرفته شده است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که بسیاری از اطلاعات فرهنگ ذهنی ما در این فرهنگ آمده است، گو اینکه هنوز جا برای بهتر شدن دارد.

## فرهنگ دوزبان

نویسنده بحث را متوجه فرهنگ دوزبان می‌سازیم. تصور کنید که خواهید فرهنگ ذهنی گویندهٔ انگلیسی زبان را در قالب

فرهنگ ذهنی فارسی زبان و بالعکس عرضه دارید. واضح است که قبل از هر چیز باید توصیف کامل وازه ساختی از دوزبان در دست داشته باشید. در مورد تهیهٔ فرهنگ انگلیسی-فارسی کار آسانتر است؛ زیرا که می‌تواند یکی از فرهنگهای عمدهٔ انگلیسی را برای شروع کار مینا قرار داد. ولی چون حین حیزی در مورد زبان فارسی در دست نداریم، فرهنگ نویس باید در زمینهٔ توصیف فارسی کوسسی فوق العاده مبدول دارد. پس از اینکه توصیف مطلوبی از دوزبان در اختیار داشتیم، آنگاه با مسائل مهم دیگری روبرو می‌شویم. می‌دانیم که تصورات در دوزبان یکسان تقطیع شده اند. مثلا کلمهٔ دست در زبان فارسی معمولا از کتف تا کف را می‌تواند در بر گیرد، حال آنکه نزدیکترین معادل آن در انگلیسی یعنی *hand* معمولا از مح دست تا انگستان را شامل می‌شود. لفظ *know* انگلیسی در جمله *I know it* به دانستن و در جمله *I know him* به شناختن ترجمه می‌شود. سگ معادل *dog* است ولی سگ ماده که در فارسی از دو تصور سگیل سده است برابر *bitch* انگلیسی قرار می‌گیرد. یا اینکه لفظ *داماد* فارسی بسته به بافت می‌تواند در مقابل دو تعبر *son-in-law* و *bridegroom* قرار بگیرد. به طور کلی در هر زبان مجموعه‌ای از لغات که به زمینهٔ خاصی مربوط می‌شوند، در داخل خود، شبکه‌ای بیحیده تشکیل می‌دهند. ذهن ما بر کارکرد این شبکه‌ها و روابط اجزای آنها آگاهی کامل دارد. مسها آگاهی ما از ویژگیهای این شبکه‌ها و نظام آنها هنوز پیشرفته نیست.<sup>۴</sup>

اکنون باید نتیجه گرفت که در فرهنگ دوزبان لغات و تعبراب با توجه به روابط آنها در داخل شبکه‌های معنایی معادل‌یابی می‌شوند و ما از طریق تجزیه و تحلیل مقاله‌ای وارگانی می‌توانیم این اطلاعات را به دست آوریم و بر آن اساس فرهنگ دوزبان را تدوین کنیم.<sup>۵</sup> البته، علاوه بر معادل‌یابی شبکه‌ای که امری بس طریف و فنی است، برخی ملاحظات دیگر نیز در این مورد باید مرعی گردد. مثلا لغت *cat* در فرهنگ *Advanced Learner's* «حیوان اهلی کوچک مودار دست‌آموز و وسیلهٔ سکار موسها» تعریف شده است که در فرهنگ انگلیسی-فارسی درج معادل آن حاشیه.

(۴) برای بحث مختصری در این باره رجوع کنید به یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۵) «توصیف مقاله‌ای زبان علم در فارسی و انگلیسی»، زبان فارسی، زبان علم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۷۸-۶۵، و یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۴) «طرح کلی پیرامون اصول و ضوابط حاکم بر ترجمه و پژوهش و آموزش آن در دانشگاه»، محله علوم اجتماعی و اساسی دانشگاه شیراز صص ۹۸-۷۹ (۵) در زمینهٔ مقالهٔ وارگانی انگلیسی رجوع کنید به

Juliani, F (1990) «A Lexical Error Analysis» Shiraz University M A. thesis, and Yarmohammadi, L (1980) «Contact Analysis of English and Persian Measure Words for Pedagogical Purposes», *IRAL*, Vol XVIII, No 1 pp. 1-20.

گرچه بدون تعریف کافی است. اما بسیاری از تعبیرات فرهنگی علمی یک زبان ممکن است در زبان دیگر معادلی نداشته باشد. مثلا الفاظ کیسه‌کش، رمال، جن‌گیر و امثال آنها در انگلیسی معادلی ندارند و لذا در فرهنگ دوزبانه فارسی-انگلیسی توضیح بیشتری لازم دارند. از این رو فرهنگ دوزبانه از جهاتی گسترده‌تر و از جهاتی دیگر خلاصه‌تر از فرهنگ یک زبان خواهد بود.

\*

معرفی سنت فرهنگ‌نویسی در ایران و تحول آن و همچنین بررسی فرهنگ‌نویسی نوین و نارساییهای آن خود بحث جداگانه‌ای است، که هر چند درباره آن مطالب مسروح و ممتعی نوشته شده، سار به مجال دیگری دارد و در این مقال به آن نمی‌پردازیم و تنها به حد فربه کار مفید که در این رساله انجام گرفته است اشاره می‌کنم.

## ۵) فرهنگ‌نویسی در ایران

در مقدمه لغت نامه دهخدا (۱۳۳۷)، استادان فنی، برخی از فرهنگهای مهم قدیمی فارسی از لغت فرس اسدی طوسی گرفته تا فرهنگ نظام را معرفی کرده‌اند. در این باره می‌توان به مقاله سعید نفیسی در مقدمه برهان فاطم به تصحیح دکتر محمد معین (۱۳۳۵) سر رجوع کرد. در زمینه گویسها و فرهنگهای مربوط به آنها خواننده می‌تواند به گلس<sup>۶</sup> (۱۳۵۶)، راست بیگلا<sup>۷</sup> (۱۳۳۲) و ایرج افشار<sup>۸</sup> (۱۳۳۴) مراجعه کند. نکته گفتمی آن است که اغلب این فرهنگها در سطح بارل و فوق العاده نامطلوبی نهاده شده‌اند و به بی‌روسی دچارند.

در زمینه فرهنگهای دوربانه باید گفت که ابتدا خارجیان بودند که دست به تهیه فرهنگهای فارسی-انگلیسی زدند. در مقدمه لغت نامه دهخدا (۱۳۳۷) کساناساسی فرهنگهای اروپایی-فارسی به فلم ایرج افشار درج شده است. در این کتابساسی، تاریخ تدوین اولین فرهنگ فارسی - عربی - انگلیسی به نام *A Dictionary of Persian, Arabic and English* by J. Richardson, Oxford, 2 Vols. سال ۱۷۷۷ میلادی ذکر شده است. این فرهنگ با تحدید نظرهایی در سالهای ۱۸۰۶، ۱۸۱۰ و ۱۸۲۹ تجدید حاب شده است. سن از آن نیز، فرهنگهایی در هندوستان و انگلستان منتشر شده‌اند. یکی از معروفترین و شاید بهترین این فرهنگها فرهنگ استیگاس است با عنوان *A Comprehensive Persian-English Dictionary* که در سال ۱۸۹۲ میلادی در لندن منتشر شد. این فرهنگ حد بار تجدید حاب شده است. حاب ششم در سال ۱۹۷۷ در لندن منتشر شد که در همان سال (۱۳۵۵ شمسی) به همت شرکت سهامی انتشارات حوارمی در داخل

ایران توزیع گردید.

البته باید اضافه کرد که در خلال سالهای ۴۰ و ۵۰ و بعد از آن تعداد معتناهی فرهنگهای موضوعی دوزبانه منتشر شده است. کتابنامه مبسوطی مرکب از ۲۲۷ فقره از این فرهنگها تحت عنوان «کتابنامه فرهنگنامه‌های موضوعی» از نگارنده در سال ۱۳۶۱ در نسر دانش چاپ شده است.<sup>۹</sup> از فرهنگهای عمومی دوزبانه انگلیسی-فارسی در حال حاضر از دو فرهنگ حیم و آریانور (دو جلدی) سستر استفاده می‌شود که هر دو نقایص زیادی دارند در مقام مقایسه این دو فرهنگ می‌توان گفت که:

○ در فرهنگ حیم، الف) تلفظ کلمات به طور ناقص آورده شده است. به قول خود مؤلف تلفظ لغات دسوار داده شده است. از طرفی تلفظ بسیاری از کلمات فارسی داده شده است که واقع کاربرد حدانی ندارد. خود مؤلف می‌گوید که این کار را «برای اینکه خارجیان را سودمند افتد» انجام داده است، ب) تکه کلمات و تعبیرات نسان داده شده است، ج) در مواردی ترکیبات و امثال انگلیسی که کاربرد واره را نسان می‌دهد عینا آمده و ترجمه آنها سر داده شده است. این امر حتی در این حد از محاسن بزرگ این فرهنگ بسمار می‌رود، د) مقولات کلی دستوری واره‌ها مشخص شده‌اند، ه) در بعضی موارد به برخی ویرگهای سبکی اسارت رفته است، و) از هیچگونه تصویری استفاده شده است.

○ در فرهنگ آیانور، الف) نسان دادن تلفظ کلمات از فرهنگ حیم گسترده‌تر است، ب) هحاسدی کلمات با نقطه مشخص شده‌اند، ج) حدود هزار تصویر در فرهنگ آمده است، د) مقولات کلی دستوری نیز نسان داده شده‌اند. اما دو ویرگی مهم فرهنگ حیم یکی نسان دادن تکیه و دیگر آوردن ترکیبات و امثال در فرهنگ آریانور نادیده گرفته شده است. حکم به اینکه کدا، یک از این دو فرهنگ بر گردانها را مبسوط‌تر و دقیرتر انچه داده‌اند نیاز به بررسی بیستر دارد. ولی من حیت المجموع می‌توان گفت که از فرهنگ حیم بهره سستری می‌توان گرفت

حاشیه

- ۶) گلس، محمد (۱۳۵۶)، کتابساسی زبان و خط تهران، مرکز اسناد فرهنگ آسیا
- ۷) راست بیگلا (۱۳۳۲)، «فهرست مآخذ زبانها و لهجه‌های ایرانی»، فرهنگ ایران زمین ج ۱، صص ۱-۴۰
- ۸) افشار، ایرج (۱۳۳۴)، «کتابساسی زبانها و لهجه‌های ایرانی»، فرهنگ ایران زمین، ج ۳، صص ۷۸-۹۳
- ۹) یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۱)، «کتابنامه فرهنگنامه‌های موضوعی سر دانش، سال سوم، شماره اول، صص ۴۸-۵۵؛ نیز رجوع کنید به یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۶۳)، «کلیات راه و رسم نگارش فرهنگنامه‌های موضوعی» آگاه، صص ۳۳۲-۳۴۱

# ترجمه‌های غریب و نامفهوم در زبان فارسی

دکتر ابراهیم شکورزاده بلوری

در این مقاله روی سحن با مترجمان توانا و داسمند و خوب که وجودشان همواره مانه افتخار کشور ماست و آثار ادبی و علمی مشهور جهان را به وحی و بیکو و دقیق ترجمه می‌کنند نیست، بلکه با عده‌ای از مترجمان ناسی و کم‌سواد و بی‌ماهه است که زبان فارسی بی‌داند و با زبانهای خارجی بیرحمان اسبابی ندارند و از طریق انتشار ترجمه‌های غلط و نامفهوم اندک اندک زبان فارسی را به سوی تاهی و نابودی می‌کشاند مترجمان خوب و داسمند و سحن‌ساز همواره مورد احترام و ستایش اند و ارزش ترجمه‌های دقیق و سودمند آنان نوسیده و نهان خواهد ماند

سال و اندی بیس، به هنگام عبور از جلوی يك كتابفروشی حشم، كتابی افتاد كه به نارگی در باره ادبیات ارواحات و منتشر شده بود. اس كتاب ترجمه‌ای بود از يك اثر مهم به فلم یکی از ریستدگان مشهور جهان از دیدن آن در بست سباط كتابفروشی، اقتضای سغل آموزشی و خوی معلمی و معرفت اندوری، بلافاصله سدم كه آن كتاب را از بردنك ببینم و از مندرجاتش آگاه بوم. با علاقه و سوی فراوان وارد مغاره سدم و از كتابفروس نواهن كردم كه آن كتاب را خند لحظه در اختیار من بگذارد. ناامروس سز به سانه دوستی قدم با لطف و گساده‌رویی كتاب را را اختیارم گذاشت. فصلی از این كتاب مربوط به مارسل بروس، ویسده سهر فرن بستم فرانسه، و اثر معروف وی، در مسجوی آیام از دست‌رفته، بود. از آنجا كه ارادتی خاص به مارسل بروس دارم، مستاق سدم كه آن بخش از كتاب را بخوام. در اعار فصل این عبارات از نظر گدست:

«در جستجوی رمان گمسه (... ) يك بارخوان یا احضار اسب ( ) این بارخوان گذشته با کسیدن تعدادی از لحضات به لطف برگزیده به ریر روسنایی ممکن سده اسب، كه دسال هم فرار گرفن نابوها و تصویرهاست. به واقع تمامی این کار سگرف جیری بیس حزمائله موسع كه دور الفاظ حناكه گویی بگردد.» همان رور در دو كتاب دیگر كه از زبان فراسه ترجمه سده بود، بی عبارات به چشم خورد:

«ته گرده آبی لزج، ته زمان «ما» بهن می‌سود!»  
«آنها آینه‌ای سگرف و نامهربان یکی از زاویه‌های اتای را  
كج می‌بست»!

«وقتی موهای ترا نوازش میکنم بزمین، بخارج مهروس از

ا بریشم و توی آن فكر میکنم»!

«مه غلیظ سفید است، این مرارع را می‌تراسد»!

«وقتی سما مرا ترك میکنید، آن احاطه‌ام میکند، ریرا سما توی آن هسید»!

از خواندن این عبارات هدیان گونه به فكر فرو رفتم و با خود گفتم: ای كاس فردوسی و حافظ سر از بالین خاك بردارند و روق بارار «علط نویسی» را در میان هم‌میهنان خوبس ببینند! نوسنده این سطور فیلاً بیر در ترجمه دهها كتاب دیگر از آثار مشهور جهان و مقاله متن اصلی آنها با ترجمه فارسی، الفاظ و برکیات سگفت و غریب - نظیر «حنده ررد، فكرهای خرنجگی، دستهای ملبی، آسمان گوسفندی، هكل زبوری، جدایی کیلومری (بین دودلدار)، سات گحاه، بوی تبیل، بوی باهضم، صدای دورما» و عباراتی از فبیل «من ترا هیخوف نداسته‌ام»، «انسان باید روی فرم باسد»، «بدرس، او، گفت: يك سانس روی دو ما موفق خواهیم سد»، «مادرم سسنهاده كرد، برحلاف عادتیم، برایم كمی حای بسازد»، «حالا سب و روز به هم تنه می‌زنند»، «با همان سیمی بریسایی اس...»، «می‌توان سعی نمود كه از دم رمان گرف»، «جویی بد میحرحید، اما گمان نكید كه بدی خوب میحرحید»، «آیا ما رنده‌ایم یا دوباره تسکیل سده‌ایم؟» - بسیار دیده بود.

از اینها عجیتر دو عبارت زیر اسب كه از ترجمه فارسی یکی از آثار مهم ران بل سارتر اسخراج سده است:

«با حسمان ریز كرده بالانسم می‌كند، طفه بندیم می‌كند».  
«آنها رندگی سان را با كرحی و خواب زدگی خرخر كسیده‌اند».  
برای آنكه خوانندگان به غراب و نادرسستی این عبارت می بیرد اصل فرانسه را نقل می‌كیم:

Il me toise en faisant le myope, il me classe  
Ils ont traîne leur vie dans l'engourdissement  
سالاها بود كه با خواندن عباراتی نظیر آنچه نقل كردم سخب متأر بودم اما دم نمی‌زدم و از اینكه می‌دیدم این مترجمان از يك طرف با ترجمه‌های عجب و غریب خود دارند ربان فصیح و دلنسیس فارسی را به سوی نابودی و تاهی می‌كشاند و از طرف دیگر ساهكارهای ادبی كنسورهای مختلف دنیا را - كه برحی از آنها خون گوهری تابناك بر تارك ادبیات جهان می‌درحسند - این حسن با ترجمه‌های غریب و نامفهوم خود مسح می‌كند، بسیار اندوهگین بودم و مخصوصاً دلم به حال زبان فارسی می‌سوخت و در می‌فرستی می‌گستم تا وضع آسفته و ناگوار ترجمه را در ایران تسریح كنم و با ارائه دلایل و سواهد بگویم كه زبان فارسی در خطر است.

ایرانیان در كدام دوره از حیات ترا افتخار ادبی و فرهنگی خود

به جای سخن دلاویز سعدی و کلام خوش رنگ و بوی فردوسی و الفاظ و تعبیرات دلنشین حافظ و ابیات زیبا و دلتواز نظامی بدین گونه برپیشان گویی کرده اند؟

متأسفانه باید گفت که کار ترجمه از سی چهل سال پس بازیه مستی کم مایه سده و ادبیات فارسی امروز از طریق همس ترجمه های نادرست و سخیف به بلایی گرفتار آمده که بدتر از آن را هرگز کسی ندیده است.

هر کس اندک مایه ای در زبانهای خارجی داشته باشد نمی تواند - و بلکه حق ندارد - فلم بردارد و به کار ترجمه بردارد و ساهکارهای ادبی و علمی جهان را فدای فکر علمی و ادبی خود کند. مترجمی که در زبان فارسی و فرانسه آن قدر کم مایه باشد که دو کلمه «حاسس» و «حواس» را از هم نارسیاسد و «مع الوصف» را به صورت «معلوصف» و «مثله» را به صورت «مصلح» بوسد و در زبان فرانسه میان دو کلمه d'après و après فرق نگذارد و jardin را «منزل» و fenêtre را «بیسحوان» و coin را «گهواره» و souvent را «بدر» و nullite را «سردمراج» و agrement را «گردهمایی» و عبارات les petits chats را «گردهای ریز» و de l'avis general را «سانه گفته دربار» و اصطلاح filer a l'anglaise را «به انگلیسان رفتن» ترجمه کند، چه حق دارد که فلم بردارد و ساهکارهای ادبی جهان را ضایع سازد؟ به هرره طالب سمرع و کیمیا نمی توان سدا در کار ترجمه شرط اول قدم آن است که مترجم زبان مادری خود را خوب بداند و به دفاعی و رمور و طرایف آن کاملاً آسا باشد. اس ترجمه های غلط و نارسا و حتی گاهی حنده اور و نامفهوم که سالی هزاران هزار صفحه از آنها در کسور غرر ما میسر می شود و دهها هزار سند کاعد نهوده و عب به مصرف آنها می رسد باسی از حسب؟ حسب از بی مایگی و فکر علمی و ادبی مترجمان؛ دوم از عدم آسانی کامل آنان به زبانهای خارجی، سوم از فقدان فرهنگهای معبر و دق و کامل عده ای از مترجمان به هنگام ترجمه کتب و رسالات از زبانهای خارجی به سبب همس بی مایگی و فکر ادبی و علمی برای برگرداندن برخی از واژه ها و اصطلاحات به زبان فارسی در می ماسد و گمان می کند که در زبان فارسی معادل دقی و روسی برای آن واژه ها و اصطلاحات وجود ندارد و چون قادر نیستند معادل درخور را بیاسد، ناگزیر از همان الفاظ و اصطلاحات رایج در زبانهای خارجی از قبیل: ناراکراف، برسیر، بلان، برسکتو، سی بر، ساین، سمباتی، سستم، ریسک، ساس، سومیه، تکنیک، مدل، ماسار، دینامیسم، موومان، ابسرکسون، بلوف، سانسور، سنوک، آنتی راسیونالیسم، دکالار رمایی، فار فرهنگ، اوتوبی، اتوکران استفاده می کنند.

عده دیگری هستند که هرچه به فلم آنها جاری سدگاه به طور

تحت اللفظی و گاه به طور «من در آوردی» روی کاغذ می ریزند و ذوق و اندیشه کج خود لغت تراسی می کنند و دسب به «ابداء» واژه ها و اصطلاحات غریبی می زنند. محصول این «ابداع» گاه آن قدر خنده آور و ابلهانه است که به قول سادروان دکتر خانلر گویی از زبان قوم یاجوج و ماجوج به عاریب گرفته سده است. نمونه اس ایسکه man-fleuve, haute trahison, rire jaune induction transfinie, ciel moutonne را «خنده زرد»، «خیال بلند»، «رمان رودخانه ای»، «آسمان گوسفندی» و «استمر تراسفسی» ترجمه کرده اند؛ و حال آنکه در زبان فارسی بر ترجمه آنها تعبیرات در حوری حون «خنده فباسوختگی»، «حیات به مهن» و «رمان مطول» و «آسمان بیسه» (یا: آسمه ابلو گون) و «اسساح لایساهی» داریم.

ایمان اگر اندکی با زبان فارسی اس و اسایی داستند متو می سدند که این زبان به تنها فقیر نیست، بلکه بسیار غنی و بره است و اگر احیاناً در آن معادلی برای ناره ای از الفاظ و عبارا نافت سواد، مانند تمام زبانهای ریده دبا استعداد آن را دارد که ساختن معادلهای مناسب از طریق استقاف و ترکیب محال و میدا دهد. در مل می توان به حای «ناراکراف» سد و به حای «اتسک» بر حسب و به حای «موومان» حرکت و حسب و به حای «نکند» سوه فمی و به حای «دینامیسم» نوایی و توانمندی و به حای «ساس» بحث و افعال و به حای «آسی راسونالیسم» خردسیر و به حای «اوتوبی» آرمان سهر و به حای «اتوکران» خودکا به کار برد؟

زبان سحر و سر در ادب فارسی خندان غنی است که می توان ناریکترین و ظریف ترین مفاهیم را نیز با آن بیان کرد. مثلاً در زبان فارسی، در ارای aggression «ترحاسگری»، multitude «همگونی»، idéogramme «معنی نگاشت»، surchargé «گراسار recit «آبیسگ»، affluent «ریرابه»، niche trilobe (اصطلاح معماری) «اسرسته فوسی»، و سرانجام، برای universalisme «جهان منسی» را داریم.

به یاد دارم چند سال پس بخشی از کتاب آمار ایران تألیف آندره گدار (فصل مربوط به «رباط سرف»، یکی از آثار باستا بسیار معروف ایران در خراسان) را برای انتشار در یکی از مجلا کسور ترجمه می کردم و چون معماری فن من نبود، برای ترجمه برخی از اصطلاحات و ترکیبات از جمله نامهای دوازه نوع ط در ماندم و ناگزیر به دو معمار کهنسال مراجعه کردم و حتی به آته آن دو به رباط سرف، واقع در ۱۱۰ کیلومتری جاده منهد سرخس، سفر کردم. طافها را يك يك از روی تصویر به آنها نه دادم. نامهای آنها در فرانسه به این شرح است:

1 arc en ogive 2) arc en doucine 3) arc surbaissé

در شرح حوادثی که برای یکی از قهرمانان داستان رخ می‌دهد این کلام معروف را آورده است:

Quand on casse un carreau, on s'y coupe toujours un peu

و مترجم آن را چنین ترجمه کرده است: «وفتی که انسان مربع يك نجره را می‌سکند دسب خودش هم کمی بریده می‌شود». مترجم اگر می‌خواست عبارت ویکتور هوگو را تحت اللفظی و ساده هم ترجمه کند می‌بایست از عبارتی نظیر «وفتی انسان يك سیسه سحره را سسکند دسب خودش نیر اندکی رخمی می‌شود» یا جراحات برمی‌دارد»، اسفاده کند اما عبارتی که ویکتور هوگو به کار برده است بعدها ملل سایر سده است و متناظر با آن را در زبان فارسی در این بیت اسدی طوسی می‌توان سراع گرفت: سر حصم اگر بسکند مسب تو سود سر آزرده انگسب تو

حالت این حاسب که برخی از مترجمان نه تنها رحمت یافتن معادلهای فارسی را به خود راه نمی‌دهند بلکه هر جا به مسکلی برخوردند آن لغت یا آن جمله مسکلی را از متن مورد ترجمه حذف می‌کنند. چنانکه در کتاب دختر ماهیگیر، ابر نالزاک، مترجم در حدود ۱۵۰ صفحه از متن اصلی کتاب را از قلم انداخته و در کتاب بیجانمان، ابر هکتورمالو، مترجم بیس از ۵۰ صفحه از کتاب را حذف کرده و در کتاب دوست من ابر آنا تول فرانس، بیس از دو بلب از متن اصلی کتاب ترجمه نشده است. تازه اگر گاهی هم این نوع مترجمان بخواهند به قول خودسان در ترجمه امانت به خرج دهند و دقیق و دلسوز باشند معنی یا معادل فارسی لعاب را از فرهنگها استخراج می‌کنند و آنها را عساً به همان ترتیب که در متن اصلی هست ملل دانه‌های تسبیح به دنبال یکدیگر به رسته می‌کنند. گاهی بیر برای آنکه ترجمه آنها به زعم خودسان صورت زیبا و فریبده‌ای داشته باشد به جای جمله حذف سده جمله دیگری که از بافته‌های فکری و فلفلی خود آنهاست می‌افزاید. از جمله این نوع ترجمه‌ها می‌توان از ترجمه دو کتاب کسپس دهکده، ابر نالزاک و گراز یلا و راهاتل، ابر لامارتین، نام برد.

در اینجا شاید بیفایده نباشد که در حاسیه تحت خود به این مطلب نیر اساره کنم که در نیم قرن اخیر، بویژه از سال ۱۳۲۵ به بعد که سوق و رغبت بیستری در میان مردم به خواندن آثار ادبی و علمی جهان پیدا شد، برخی از مترجمان به فکر یافتن طریقه جدیدی از ترجمه افتادند تا هم در کار خود ربح کمتری متحمل شوند و هم سود بیستری ببرند. در بی چنین اندیشه‌ای، عده‌ای از آنان به جای آنکه در صحت ترجمه و مطابقت آن با اصل اهتمام ورزند دست به لفاظی و عبارت برداری زدند و با دخل و تصرف در متن اصلی و بسط عبارات و فراخ گوییهای بیجا سعی کردند که

- 4) arc surhaussé 5) arc rampant 6) arc lancéole  
7) arc elliptique 8) arc diagonal 9) arc en flechi  
10) arc outrepassé 11) arc brisé 12) arc en plein cintre

هرگز کمان نبرده بودم که در زبان فارسی بتوان معادلهای دومی برای این دوازده نوع طاق یافت؛ لکن آن دو معمار برای آنها ترتیب دوازده معادل معتبر بدین سرح در دسترس من گذاشتند:

- ۱) طاق جناهی (پاساه عباسی)، ۲) طاق محرابی، ۳) طاق برمسی، ۴) طاق دور تمام گلویی، ۵) طاق سمسیری، ۶) طاق نیر ای، ۷) طاق هلو حین، ۸) طاق مورب، ۹) طاق وارونه، ۱۰) طاق بعل اسبی، ۱۱) طاق سکسته ۱۲) طاق هلالی.

در میان مترجمان ناسی و کم مایه عده‌ای هستند که، به سبب سخبری از امکانات بی حد و حصر در زبان فارسی و نیر به علت ناآسایی به زبان اصلی، الفاظ و مفاهیم و عبارات را در حد فهم و معلومات ناقص خود به صورتهایی برمی‌گردانند که هیچ نا سوادى از معنی آنها سر در نمی‌آورد. نمونه کار این گونه مترجمان را در عبارات زیر که از ترجمه یکی از نمایسامه‌های معروف ران بل سارتر استخراج کرده‌ام ملاحظه فرمایند.

این عمیده شخصی و غرقابل استعمال است (ص ۳۶)  
من حلو می‌اندازم، يك روز کلمات از من بحودی خود بیرون خواهد آمد (ص ۶۰).

کلمات بر عکس من رفتار می‌کنند (ص ۶۷).  
س من به فرن سی ام بالا می‌روم (ص ۶۸)  
حسرات، چهلمن چه خواهد گفت، اگر بیسمین گم شود؟ (ص ۷۳)

این عضو (قلب) بدون کیفیت بیس بینی سده، احتمالاً ول مسد (ص ۷۵).

اگر باور کنید، بیسمار میسوم (ص ۹۲).  
آنا من همگانی هستم؟ (ص ۱۱۸).  
ما سنبه‌ای خواهیم داشت، آه حام، ساعت، آنرا نمی‌گویند (ص ۱۱۹).

آب توی حمام، دوباره روی گوسب سما ظاهر می‌شود (ص ۱۲۵).

ما دو نفریم، یکی از ما زیادیسب که باید خودش را تعیین کند (ص ۱۵۱).

سب که میسد او روی هوا بود، هر سب (ص ۱۵۸).  
عاملیتهايس را خودش تسکیل و استخدام می‌کند (ص ۱۶۷).  
به من چه که کسی می‌برد یا می‌بازد، هنگامیکه ما را خرد می‌کند من درست کرده‌ام! (ص ۱۶۹).

همه می‌دانند ویکتور هوگو رمان معروفی دارد به نام نودوسه (Quatre-Vingt-treize). این نویسنده در فصول آخر کتاب خود

hommes dont 700 portent armures. Ce ne sont pas les armures métalliques des guerriers du nord-ainsi équipés, les soldats du désert mourraient rôtis comme sur le gril. Les 700 Qoraichites portent des cottes de mailles, très efficaces contre les armes du temps (C. Virgil Gheorghiu, *Vie de Mahomet* Ed. Plon, Paris, 1962, p. 232)

و مترجم این قطعه را به صورت زیر ترجمه کرده است:

### جنگ (احد) و شجاعت دلیران اسلام

گفتیم که (ابوسفیان) با چهارصد سربار به مدینه آمده بود تا اینکه به کمل یهودیها محمد (ص) و مسلمین را از ما در آورد ولی یهودیها ترسیدند که عله محمد و له فریس وارد جنگ شوند و (ابوسفیان) دستردی به مارول مسلمین رد و دو نفر را کسب و گریخت و حوون مورد تعقیب مسلمانها فرار گرفت سربارانش حوالهای بر از آرد حو را (برای آنکه سبک شوند) به رمس انداختند و به همس جهب جنگ مر نور موسوم به (دسترد آرد حو) سد و نه رمان غربی (دسترد سوبی)، حوون آرد حو را به غربی (سوبی) می خوانند (ابوسفیان) بعد از اینکه در مکه يك فسون بر رگ فراهم کرد در ماه مارس ۶۲۵ میلادی مطابق با ماه سوال سال سوم هجری به مدینه مراجعت کرد آن بار (ابوسفیان) دارای سه هزار مرد جنگی بود که «هفتصد تن از آنها روئین تن بودند» (۱) و (صفوان ابن امیه) بر در آن سناه فر مانده دوم به سمار می آمد وقتی می گوئیم که هفتصد تن از سربارن (ابوسفیان) روئین تن بودند باید تصور کرد که مثل جنگاوران کسورهای سردسیر لباس اهین بر تن داشتند برای اینکه در صحراهای عربستان می توان لباس آهس بوسید و اگر کسی آن لباس را برای سرک در میدان حکم در بر نماید فل از اسکه وارد میدان کارزار شود، گرمای افتاب او را خواهد کسب (نقل از کتاب محمد، یعمیری که از بو ناند سناح، از انتشارات محله خواندنی، حاب دواردهم، تهران، ۱۳۴۳، ص ۲۷۰)

از مقایسه این ترجمه با متن اصلی آن می بینیم که اولاً حجم نوشته گنورگو سه برابر سده است، ثانیاً هیچیک از لغات و عبارات و حتی عنوان فصل که عبارسی ریب و بر معنی است با متن اصلی مطابقت ندارد (بجز سه یا چهار کلمه، مانند «هفتصد تن از آنها» و «سه هزار مرد جنگی» و «علیه محمد» و «ماه مارس ۶۲۵») و آنچه مترجم نوشته همه از بافته ها و گفته های خود اوست گذشته از این، مترجم در ترجمه خود مرتکب دو خطای بر رگ سد، است. یکی آنکه در ترجمه عبارت *lont sept cents portaient armures* به جای آنکه بگوید «هفتصد تن از آنان زره بر تن داشتند» نوشته است: «هفتصد تن از آنها روئین تن بودند» «روئین تن» کجا و «زره بر تن داشتن» کجا! خطای دیگر در ترجمه نارسا و بی فید و بند جمله آخر است که خوانندگان خود از مفاد دو متن به آسانی در خواهند یافت.

بد نیست اکنون چند مثال نیز از فرهنگها و کتابهای درسی کمک درسی بیاوریم.

در فرهنگ دو جلدی نفیسی که معروف ترین فرهنگ فرا- به فارسی در ایران است بیش از پانصد مورد اشتباه و خطا

ترجمه های خود را با ذوق و طبع خوانندگان ایرانی منطبق و موافق سازند. بدین طریق، مسئله حفظ امانت در ترجمه بیش از پیش از میان رفت و نوع خاصی از ترجمه در کسور ما به وجود آمد به نام «ترجمه و اقتباس» که در حقیقت باید آن را در زمینه مطبوعات و بارار انتشار کتاب نوعی کالای قلب به سمار آورد. این نوع ترجمه بیشتر به «ابنکار» کسانی اختراع سد که زبان فارسی را نسبتاً خوب می دانستند اما به زبانهای خارجی آشنایی و تسلط کافی نداشتند و این توانایی در آنان بود که کلیه عبارات و ترکیبات و مفاهیمی را که در متن اصلی هست درک کنند و به قالب زبان فارسی بریزند. گدسه از آن، می خواستند از این راه بر حجم ترجمه خود بیفزایند با سود و سهرت بیستری کسب کنند. در این زمینه می توان از کتابهای سه تفکدار، عرش طوفان، عایسه بعد از پیغمبر، ایران و بابر، سقوط فسططینیه، سلیمان خان فابوسی، ملا صدرا، محمد یعمیری که از بو ناند سناح، غزالی در بعداد، سیوه طبیب فرعون، عارف دهبیم دار و نظایر آنها نام برد.

کتاب سه تفکدار در متن اصلی (حاب Pleiades) ۷۰۸ صفحه است که در ترجمه فارسی به ۲۵۰۰ صفحه رسیده؛ کتاب عرش طوفان در اصل ۱۱۰۰ صفحه است و در ترجمه ۳۵۰۰ صفحه سده است؛ و همس طور سائر ترجمه های مترجم این دو کتاب، سما اگر فی الملل ترجمه کتاب عایسه بعد از یعمیر با محمد، یعمیری که از بو ناند سناح را بردارند و با متن اصلی آنها مقایسه کنند ملاحظه خواهند فرمود که در هر صفحه حر حد کلمه با حد عبارت کوتاه با متن اصلی مطابق نیست، باقی مطالب همه از ساخته ها و بافه های فکری خود مترجم است، متنها، حوون مترجم فلم سیرین و عامه سیدی دارد کتابها س گل کرده و غالباً حد هفته س از انتشار داخل نارار سناه سده و نابات گسه است.

برای اینکه نمونه ای از کارهای اس مترجم را ارائه داده باشیم بخشی از کتاب محمد، یعمیری که از بو ناند سناح، بوسه ویریل گنورگو، را اسحاب می کنم اولاً عنوان این کتاب در زبان رومانی و ترجمه فراسوی آن (که ظاهراً مترجم از آن استفاده کرده است) ریدگانی محمد است به محمد، یعمیری که از نو باید سناح، ثانیاً گدسه از خطاهای فراوانی که مترجم مرتکب سده، در هر حا که بواسته است در متن اصلی کتاب تصرفات ناروا و عبر محار کرده و حتی در برخی از موارد مطلب را در سب بر حلاف نظر اصلی بویسده به فارسی نقل نموده است فصل سصب و یکم این کتاب تحت عنوان «عروه احد» در ترجمه فراسوی کتاب حنین آغار می سود

OHOD: Les defaites sont aussi l'œuvre de Dieu

Le 11 mars 625, La Mecque dépêche une armée puissante contre Mahomet. Les effectifs de cette armée se montent à 3000

که ترجمه شده است: «به وسیله اوست که من اینجا هستم.»  
و در جای دیگر مستقبل مقدم از فعل finir را چنین ترجمه کرده است:

من تمام کرده خواهم بود  
تو تمام کرده خواهی بود  
او تمام کرده خواهد بود...

آیامی توانم متوقع باشم که ساگرد با خواندن چنین کتابهایی زبان فراسه پیامورد؟

ترجمه‌های غلط و نارسا که در آنها الفاظ نادرستِ غریب و نامفهوم حائسین لغات و تعبیرات مورو و خوش آهنگ فارسی می‌شود دوزیان بزرگ دارد: یکی آنکه ورود لغات خارجی ار راه ترجمه‌های غلط و نامفهوم در زبان فارسی و رواج و انتشار اصطلاحات و ترکیبات «خودساخته» در سجاه سال اخیر سبب شده است که سر فصیح و دلنسیس فارسی ضایع شود.

زبان بزرگ دیگر این است که فرهنگ و ادب کشورهای دیگر جهان و گنجینه آثار نویسندگان و سخن‌سرایان و متفکران مسهور دنیا به غلط و با صورت و هیأتی مسح شده به ما معرفی می‌گردد و افکار ترمایه و عمیقی که در این آثار وجود دارد به صورت مستی سخن‌یاوه و اراهم ناسیده و نامورو و بی‌معنی و نامفهوم به هم می‌پاشد ما عرصه می‌شود. مترجمان کم‌مایه با این راهی که در بس گرفته‌اند بسیاری از داستانهای دل‌دیر و ترمعرو لطف و آموزنده و سببهای بدیع برگان ادب جهان را مدلل به یک رسته عبارات و مطالب سروح و سرد و نامفهوم می‌کنند بر استادان و دانشمندان و ادبا و فضایی کشور و مقامات عالی‌دولتی و فرهنگی است که برای جلوگیری از گسرس این خطر حاره‌ای بیدیسند و کاری کنند که این سر حسمه فساد بحسکد و نگذارند که مستی مترجم‌ها که از دفاعی زبان فارسی بی‌خبرند هر روز ار راه ترجمه‌های غلط و اساعه زبان عجیب و غریب خود دوی سسل حوان را به فساد کساند زبان فارسی زبان ترمعرو لطیف و روح‌رور و رنده‌ای است؛ این زبان را همه هم می‌پاشد ما ناید بساسند و به آن مهروررید و از آن دفاع کنند کلام دل‌سین و بر عظم فردوسی و سخن دلاویز سعدی و تعبیرات رینا و دل‌دیر رودکی و حافظ و نظامی نباید با اعتیاد حوانان به زبان ناسالم و الکن فراموس شود یا قدر و سرف آن ناساخته نماند.

حاشیه:

(۱) و این درست عکس معای این واژه است

(۲) که معادل آن «حکیم‌بازی» است که در هر فرصت تقصیر را به گردن اومی افکنند و درارش می‌کردند یا «دیوار کوتاه» می‌تواند باشد

ترجمه غلط و نارسا وجود دارد و ما در این جا فقط به ذکر چند نمونه از آنها اکتفا می‌کنیم:

در جلد اول، صفحه ۲۹۹ فرهنگ مذکور مؤلف تعبیر تمنیلی Mettre la charrue devant les bœufs را چنین ترجمه کرده است: «ار جایی که باید بدان تمام کند شروع کردن» و حال آنکه به جای این عبارت نارسا می‌توانست سه معادل فارسی زیر را بیاورد: «سُرا را از سرگسادس باد کردن (یا: سُرا را از ته باد کردن)؛ حوب را از بهنا برتاب کردن؛ نیش به ته خسخاس زدن».

در صفحه ۸۸۸، اصطلاح Avoir le gosier pavé چنین ترجمه شده است: «توانستن مقدار زیاد چیزهای بسیار گرم و ادویه‌دار و غیره خوردن و آسامیدن» در صورتی که مؤلف می‌توانست به جای آن معادل درست فارسی عبارت اصطلاحی «دهان کسی آستر داشت» را بنویسد: مثل معروف Jeu(x) de main, jeu(x) de vilain را سر بدین گونه ترجمه کرده است: «فقط اسخاص بی‌ترستند که در بازی یکدیگر را می‌زنند» (حزایری سر این مثل را در فرهنگ اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های خود ترجمه کرده است. «سوخی دستی کار اسخاص سست و رذل است») این مثل نغز و بر معنی با آن‌ها که سده اطلاع دارم در زبان فارسی چهار معادل ربا و یک معادل عربی به این شرح دارد:

«سوخی سوخی آحرس جدی می‌شود» (یا. آحرس به جدی می‌کشد)؛ «ناد ناران آورد بازجه جنگ» (.. مرد مهمان آورد نامرد سگ)؛ «سا فالالا که از نارجه برحاست»؛ «ظرافت افرورحدایست» (.. ادب آب حیات آسایست) (صائب)؛ راح مُقَدَّمُ السَّرِّ» (ار فابوس نامه)

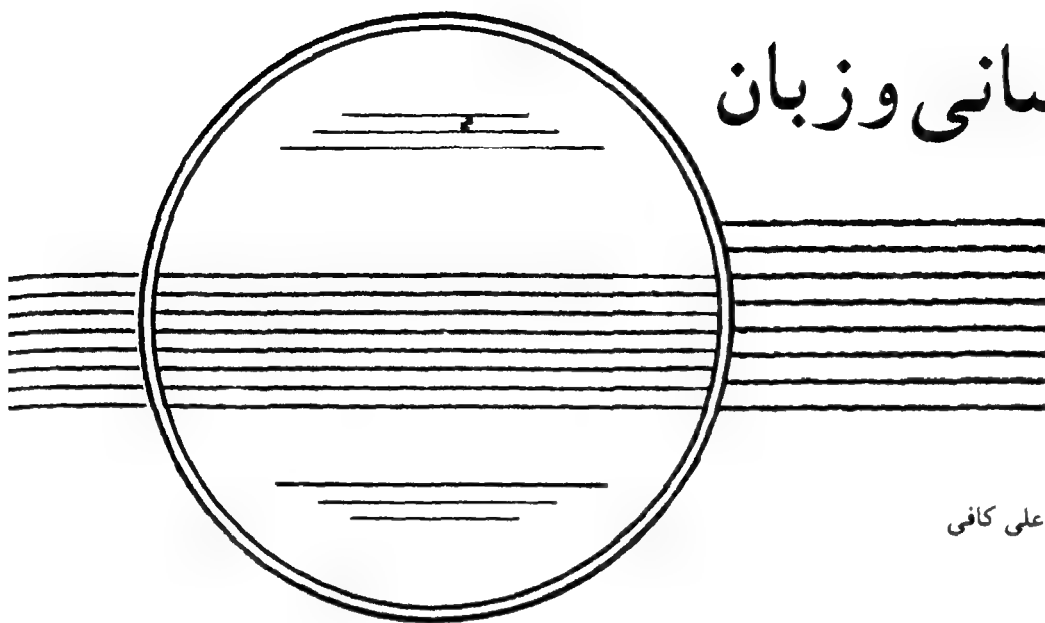
در اس فرهنگ، در ترجمه لغات و اصطلاحات سر، خطاها و مایبهای فراوان به حسم می‌حورد. از آن حمله‌اند ترجمه لغات طلاحات Blanchu و Antilope (که از حمله متهم کردن، مقصر ن، بدنام کردن، رسوا کردن معنی سده است) و Boue émise (که از حمله بُزبیسرو، تراحمس معنی سده ۲) و A proportion que و Pont aux ânes و Le dessus du par و Sans rémission و Domuchia و نظائر آنها.

در میان کتبی که برای آموزش زبانهای خارجی تألف شده به بیر متأسفانه چند کتاب هست که با آسانی مؤلفان آنها را به زبان فارسی و خارجی می‌رساند. یکی از آن کتابها دستور مل زبان فرانسه طبق متد موره است که در سال ۱۳۴۹ توسط فروسی فروغی در تهران چاپ و منتشر شده است. عبارات و لابات ذیل را محض نمونه از آن نقل می‌کنم.

Voilà des fleurs auxquelles nous donnons préférence

که ترجمه شده است: «آنست گلی که ما به آن ترجیح دهیم»!

## اطلاع رسانی و زبان



علی کافی

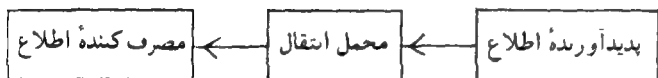
## مقدمه

عملکرد هر جامعه‌ای مبنی بر تصمیماتی است که مدیریت جامعه اتخاذ می‌کند. تصمیم‌گیری و اطلاعات دو روی یک سکه‌اند. ضعف و نقص اطلاعات موجب تصمیم‌گیری‌های ناسحا و نالطیع عملکردهای نادرست می‌شود. گفتم می‌شود که از این سن تفاوت کشورهای سرفره و عقب‌مانده دیگر بر سر میزان منابع مالی یا تسلیحات نظامی نخواهد بود، بلکه عامل بنابر مقدار اطلاعاتی است که این کشورها در اختیار دارند. از همین روست که امروزه غالب کشورهای جهان در راه کسب اطلاعات کوششهای بسیار می‌کنند. سرمایه‌گذارهای فراوانی که علی‌الحصول کشورهای شرفره برای کسب اطلاعات انجام می‌دهند بسان‌دهنده آن است که ما عصر نوینی را در پس داریم. گاه از این عصر به عنوان «عصر اطلاعات» یاد می‌شود.

ما برای همگام‌ساز شدن با جامعه سرفره و رسیدن به «عصر اطلاعات» از دوراه می‌توانیم عمل کنیم (۱) اطلاع‌آفرینی (۲) اطلاع‌گیری راه‌حل اول با تفویض مراکز تخصصی و بروهسی مسیر است، و راه‌حل دوم، یعنی «اطلاع‌گیری»، با سوسن به شبکه‌های جهانی اطلاعات عملی است. اطلاعاتی که از طریق شبکه‌های اطلاعاتی می‌توان دریافت کرد مناسب برای جامعه ما نیست. یکی از دلایل این عدم مناسب مسئله زبان اطلاعات است. موضوع این مقاله سرفهس است.

## فرایند اطلاع‌رسانی

فرایند اطلاع‌رسانی سه جزء اصلی دارد: بدیدآورنده اطلاع، محل انتقال اطلاع، و مصرف‌کننده اطلاع (مودار ۱)



مودار ۱ سه جزء اصلی فرایند اطلاع‌رسانی

بدیدآورنده اطلاع شخص، سازمان، یا ماسنی است که طی فرایند با فرایندهای خاص به داسی دربار، یک موضوع دست می‌یابد. برای انتقال این دانس محملی لازم است. سن از اسکه داس بر محملی حمل شد به صورت اطلاع در می‌آید. سس اطلاع، سته به نوع تکنولوریهایی موجود، با انزارهای گوناگون (در گدسه الواح‌گلیس، بوسب حیوانات، و بارسوس؛ و امروزه کاغد، فلم، و دیسک) در احتبار مصرف‌کننده اطلاع قرار می‌گیرد.

برای برفراری یک نظام اطلاع‌رسانی مناسب باید این سه جزء اصلی را به‌خوبی ساسسم بخشین گام، تشخیص نوع اطلاعات مورد سار است. طبقه‌بندی اطلاعات و طبقه‌بندی مصرف‌کنندگان اطلاعات از ملرومات برنامه‌ریزی برای یک نظام اطلاع‌رسانی به جامعه است.

یکی از امور مهم در برنامه‌ریزی اطلاع‌رسانی این است که اطلاعات مناسب حال مصرف‌کننده باشد. یعنی مصرف‌کننده بتواند با حداقل صرف وقت و هزینه به اطلاعات مورد نیاز خود دست یابد. در این مورد باید به دو مسئله توجه شود: یکی مسئله اطلاع‌رسانی و دیگری محل انتقال اطلاعات. امروزه وسایل اطلاع‌رسانی متنوع‌اند: کتاب، مجله، فیلم، دیسک و غیره. آنکه مصرف‌کنندگان اطلاعات از کدام طریق بهتر می‌توانند به



غات لازم دست یابند باید مورد توجه کامل قرار گیرد. اما ر از وسایل اطلاع رسانی محمل انتقال اطلاعات یعنی «ن» است. اکنون ما هر اطلاعی را که بخواهیم از خارج از خود دریافت کنیم به زبانی غیر از زبان فارسی است. در سؤال اساسی این مقاله مطرح می شود: غالب اطلاعات نیاز ما به زبانهای غیرفارسی است، پس چه سیوه ای را بنیم تا جامعه بتواند از این اطلاعات بهره گیرد؟

## فارسی و اطلاعات

از دلایل عمده ضعف اطلاعاتی جامعه ما مسئله «رَبان» است. کلیه کارشناسان و محققان رشته های مختلف (حتی علمی نظیر ایران شناسی و اسلام شناسی) الرأی اند که برای دستیابی به اطلاعات دست اول، منابع عاتی به زبان فارسی در اختیار نرسد و ناگزیر باید به منابع فارسی مراجعه کرد. این دسواری تنها در حوزه تحقیقاتی ندارد بلکه در مبادی علم نیز با این مشکل مواجهیم. غالب های درسی دانشگاهی ما به ربان غیرفارسی است، و کتابهای سی که حاوی اطلاعاتی در زمینه مادی علوم ناسد بسیار کم ، حر یک دائرة المعارف معبر ولی بسیار ناقص و قدیمی هیچ ع حدی و قابل استنادی به زبان فارسی وجود ندارد. کارگران و تکنسینهای ما مبعی برای مراجعه جهت آسانی بیشتر با ن که انجام می دهد در احیار ندارد علمای حوزه های دینی نها با فلسفه ها و ادیان دیگر بلکه حتی با تحقیقاتی که در به و کلام و تاریخ اسلام در خارج می سود، ار آنجا که ربان فارسی نیست، آشنا نیستند.

ما برای جدا از عوب و نقایصی که در نظام اطلاع رسانی در ما وجود دارد ما با مشکل حدتتری مواجهیم و آن «ربان» است. حناحه همه عوب و نقایص اطلاع رسانی ما رف سود و کلیه اطلاعات را حتی با بیجیده ترس اربار در بار گیریم ار آنجا که این اطلاعات به ربان غیرفارسی است ب حال غالب نیازمندان اطلاعات در جامعه ما نرسد

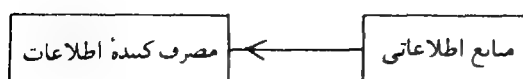
برنامه ریزی برای اطلاع رسانی بدون برنامه ریزی برای ربان بی فایده ای است. بنابراین ما باید نحسب وضعمان را با «ن» اطلاعات دریافت سده روسن کنیم و سپس درباره برنامه ع رسانی تصمیم بگیریم. در سراط فعلی سه راه در سن روی م. این سه راه عبارت اند از: (۱) آمورس يك ربان سگانه در لبح وسیع به منظور استفاده مسقیم کلیه مصرف کنندگان (عاب از منابع اطلاعاتی، ۲) ترجمه کلیه اطلاعات لازم به ن فارسی، (۳) طبقه بندی اطلاعات و مصرف کنندگان اطلاعات ستاده از روسی که تلفیقی از دوروس قبل ناسد، به این معنی که

تا سطح بخصوصی کلیه اطلاعات به زبان فارسی ترجمه سود و از این سطح به بالا مصرف کنندگان اطلاعات بتوانند از اطلاعات به زبان غیرفارسی بهره گیرند.

هر يك از این راه حلها باید دققاً مورد بررسی قرار گردد و باید بطر گرفتن کلیه حواب، راه حل مناسب اسخاب سود و تمهیدات لازم برای تحقق هدفهای راه حل برگزیده فراهم آید. در اینجا به سرح بیشتر هر يك از این سه راه حل و طرح مسائل اصلی آنها و نیز ذکر معایب و مزایای آنها می نرداریم.

● راه حل اول. هدف اصلی این راه حل این است که کلیه مصرف کنندگان اطلاعات سواست مسقیماً از اطلاعات که معمولاً به ربانهای غیرفارسی است بهره گیرند. برای این منظور باید کلیه مصرف کنندگان اطلاعات را با يك ربان غیرفارسی آشنا کرد به گونه ای که آنها سواست به سهولت از منابع اطلاعاتی استفاده کنند. سؤال مهمی که اسخاب مطرح می سود این است که این زبان عرف فارسی چه ناسد البته ناسح دادن به این سؤال در سراط فعلی حدان دسوار نرسد اکنون غالب اطلاعات لازم، به خصوص در رمنه های علمی و فنی، به ربان انگلیسی است لذا انتخاب ربان بیگانه حدان دسوار نرسد مسئله دیگر ارزبانی امکانات آمورس ربان بیگانه است. اگر این راه حل انتخاب سود باید مسئله آمورس ربان سگانه کاملاً حدی گرفته سود. آمورس زبان ناند از سطوح مدماتی، آمورس صورت گیرد به طوری که داس آموران سواست در دوران آخر تحصیلات متوسطه از منابع عرف فارسی استفاده کنند

مهمترین مزیت این راه حل به وجود آوردن امکان مستقیم دسبانی مصرف کنندگان به اطلاعات مورد نارسا است (مودار ۲). آنان می توانند از این افناس بی کران اطلاعات بهره گیرند و حناحه خود بدید آورده اطلاع ناسد به سبکه های اطلاع رسانی سوندند.

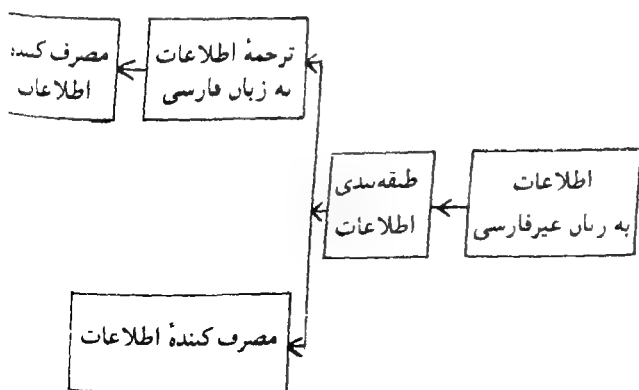


مودار ۲ مطابق راه حل اول مصرف کننده می تواند مستقیماً از منابع اطلاعاتی بهره گیرد

۶

ملی می‌شود عیب عمده این راه‌حل نیز این است که ما به هر حال نمی‌توانیم کلیه اطلاعات را به زبان فارسی ترجمه کنیم و ممکن است که از نظر دریافت اطلاعات آسیب بینیم

● راه‌حل سوم. این راه‌حل آمیزه‌ای از دو راه اصلی است هدف اصلی این راه‌حل این است که در بخشی از جامعه، اطلاعات به زبان فارسی عرضه شود و بخشی دیگر بتواند از اطلاعات به زبان غیر فارسی بهره‌گیری کند. تمار میان این دو بخش، سطح اطلاعات یا نوع مصرف‌کنندگان آن است (نمودار ۴). مهمترین مسئله این راه‌حل طبقه‌بندی اطلاعات و تعیین نوع مصرف‌کنندگان است این راه‌حل بسبب به دوراه‌حل دیگر سنجیدگی بیشتری دارد و لذا برنامه‌ریزی برای این راه‌حل دشوارتر است امکان تحقق هدفهای این راه‌سنگی به ارائه یک برنامه‌ریزی مناسب و اجرای دقیق آن دارد. معایب این راه‌حل نیز سنگی به میزان موفقیت در اجرای برنامه‌های آن دارد. چه بنا بر برنامه‌ریزی نامناسب یا اجرای ناموفق آن موجب شود که عیب هر دو راه‌حل بسبب ظاهر شود، یعنی هم به انروای زبان فارسی و هم به ان دست‌دادن اطلاعات منحرف شود (چنانکه بعد اساره خواهیم کرد، وضعیت کنونی ما چنین است). مرتب عمده این راه‌حل نیز این است که چنانچه در برنامه‌ریزی و اجرای موفق ناسم توانسته‌اند زبان فارسی را حفظ کنیم و ضمناً به منابع اطلاعاتی در سطح بالا دسترسی نایم و از آنها بهره‌گیریم

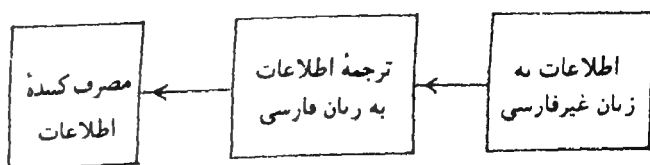


نمودار ۴ مطابق راه‌حل سوم باید بحسب اطلاعات را طبقه‌بندی کرد کلیه اطلاعات با سطح خاصی ترجمه و در اختیار مصرف‌کنندگان قرار گیرد و برابر آن سطح، مصرف‌کنندگان مستقیماً از اطلاعات استفاده کنند

مهمترین ضرر این راه‌حل مزوی کردن زبان فارسی خاصه در ساحب علوم است بیسبب ما در مواجهه با تمدن اسلامی همس راه‌حل را برگزیدند آنان برای اطلاع‌گیری و بخصوص اطلاع‌رسانی زبان عربی را بر زبان فارسی ترجیح دادند و از همین باب زبان فارسی رسد و غنای لازم را یافت اکنون بر اگر بخواهیم از يك زبان سگانه (مثلاً انگلیسی) به عنوان زبان اطلاعات بهره‌گیریم آثار آن به احتمال زیاد بسیار محترتر از گذشته خواهد بود البته باید با برنامه‌ریزیهای دقیق توان سأن و مرلت زبان فارسی را حفظ کرد و در کنار استفاده از زبان سگانه برای مصارف مستحق به تقویت زبان فارسی نیز پرداخت

● راه‌حل دوم هدف اصلی این راه ترجمه کلیه اطلاعات لازم به زبان فارسی است با همه مصرف‌کنندگان اطلاعات نواند به سهولت از آنها استفاده کنند در این راه‌حل مصرف‌کنندگان اطلاعات نمی‌توانند مستقیماً از اطلاعات به زبان سگانه بهره‌گیرند و باید بحسب اطلاعات به زبان فارسی در اند و انگاه در احسار آنان قرار گیرد (نمودار ۳). برای تبدیل اطلاعات از زبان فارسی به زبانهای دیگر نیز باید بحسب اطلاعات از زبان فارسی به زبان مورد نظر ترجمه شود

برای تحقق هدفهای این راه‌حل باید بحسب به تقویت زبان فارسی پرداخت ما این زبان فایلت حمل کلیه مطالب علمی را بیاید. دیگر اینکه باید اقدام به سکنل يك سازمان بسیار عظم و توانا برای ترجمه کلیه اطلاعات مورد نظر کرد این کار حراً با فراهم آوردن زمینه‌های يك بهفست ترجمه مسر بسب بحرنه حید کسور دنیا نظیر راس و سوروی سسان می‌دهد که این راه عملی است اما اسان بیست مهمترین مرتب این راه‌حل حفظ و تقویت زبان فارسی است که باعث تقویت مبانی وحدت و هویت



نمودار ۳ مطابق راه‌حل دوم، بحسب باید کلیه اطلاعات لازم به فارسی برگردانده شود و سپس در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد

## وضعیت کنونی اطلاع‌رسانی و زبان

به نظر می‌رسد که وضعیت کنونی اطلاع‌رسانی در ایران بر روی باحواسته از راه حل سوم باشد. از آنجا که بر روی این راه حل بسی بر برنامه‌ریزی مشخصی نبوده است، اسکالات فراوانی دارد. برنامه‌ریزی برای آموزش زبان انگلیسی به گونه‌ای است که حتی دانشجویان دانشگاهها پس از گذراندن دروس تخصصی زبان بر نمی‌توانند به سهولت از کتابهای درسی به زبان انگلیسی بهره بگیرند. ضمناً کتابهای درسی دانشگاهی به زبان فارسی حتی در سطح دورهٔ لیسانس (کارشناسی) به آن اندازه نیست که بتواند ببار آنان را برآورده سازد، و در دورهٔ آموزش عالی نیز کمتر کتابی به فارسی به چشم می‌خورد. برای غلبه بر این مشکلات لازم است که در نظام آموزشی از سطوح ابتدایی گرفته تا عالی هدفهای آموزش زبان بیگانه روس سود و آموزش به گونه‌ای انجام شود که نه هدفهای مورد نظر بتوان دست یافت

مسئلهٔ اطلاع‌رسانی تنها به دانش‌آموزان و دانشجویان محدود نمی‌شود. کلمهٔ فسرهای جامعه نیاز به اطلاعات دارند. پزشکان، مدیران، مهندسان، کارکنان، کارگران، صاحبان حرفه‌های مختلف برای روآمد کردن دانش خود نیاز به اطلاعات دارند. وضعیت اطلاع‌رسانی در این بخش از جامعه بسیار اسفناار است. افراد جامعه حر اطلاعات لازم برای کار حرفه‌ای خود نه اطلاعات عمومی بر احصا دارند. این اطلاعات عمومی شامل اطلاعات مربوط به تاریخ، فلسفه، دین، سیاست، منادی علوم، ادب، هنر و غیره می‌شود. در این زمینه بر حو دانشگاههای فرهنگی سیاسهای مشخصی را در پس ندارند الگوهای اسحاب سده سستی به نظر فسرهای خاصی از احصاع دارد که موجب ناسامانی فراوان در این بخش از اطلاع‌رسانی سده است.

سجده

(۱) عصری که در پس روی داریم عصر اطلاعات است و

جامعهٔ ما باید هر چه رود بر سیاسهای مناسبی برای کسب و تبادل اطلاعات اتحاد کند

(۲) برنامه‌ریزی برای زبان بر برنامه‌ریزی برای اطلاع‌رسانی مقدم است

(۳) یکی از مشکلات اساسی ما نامناسب بودن عرضهٔ اطلاعات یعنی «زبان اطلاعات» است.

(۴) برای عرضهٔ مناسب اطلاعات سه راه در پس روی داریم:

الف) آموزش وسیع يك زبان بیگانه به گونه‌ای که فارمندان اطلاعات بتوانند مسفماً از اطلاعات به زبان غیر فارسی بهره گیرند

ب) ترجمهٔ همهٔ اطلاعات مورد نیاز به زبان فارسی

ج) طیفه‌بندی اطلاعات به دو سطح مختلف: ارائهٔ اطلاعات در سطح خاصی به زبان فارسی و ارائهٔ اطلاعات در فراتر از آن سطح به زبان با زبانهای اصلی

(۵) وضعیت کنونی اطلاع‌رسانی دست کم به لحاظ زبان اطلاعات ناسامان است و همس امر موجب فقر اطلاعاتی سدید جامعه سده است

(۶) بر عهدهٔ مسؤولان فرهنگی کشور است که بر اساس بررسهای دقیق کارشناسانه دربارهٔ زبان و اطلاع‌رسانی برنامه‌ریزی دقیقی انجام دهند

### چهارمین سمینار زبان فارسی

مرکز سر دانشگاهی در نظر دارد در هفتهٔ آخر اردیبهست ماه انده سمیناری بح عنوان «زبان فارسی و زبان علم» در مهران برگزار کند. در طی این سمینار به بررسی و برگشهای زبان علم و زبان فارسی پرداخته می‌شود.

مرکز سر دانشگاهی پس از این سه سمینار دیگر بح عنوانهای «مسائل به فارسی» (آنان ۱۳۶۱)، «زبان فارسی، زبان علم» (سهر نور ۱۳۶۳) و «مسائل زبان فارسی در هند، ناکسان، بنگلادس» (خرداد ۱۳۶۵) برگزار کرده است.

علاقه‌مندان به شرکت در این سمینار می‌توانند با آقای مهندس علی کافی، دبیر شورای برگزاری سمینار، در مرکز سر دانشگاهی تماس بگیرند.



## اعلام در ترجمه

حسن فروعی

لاتینی<sup>۱</sup> برخورد کند که با صورت اصلی و متداول آنها در زبان فارسی کمابیش فرق دارد. در این موارد مترجم باید هم به وجود این فرق عالم باسد و هم صورت اصلی و متداول آن را بشناسد یا بتواند بیابد. متأسفانه همه مترجمان ما در بند حل این مشکل نیستند و در انتقال آیین اسامی به زبان فارسی با همان صورت محرف فرانسوی یا لاتینی تردید یا دغدغهای به خاطر راه نمی‌دهند. اسامی زیر نمونه‌هایی از اعلام ایرانی هستند که در ترجمه به فارسی گاهی به صورت اصلی آنها توجهی نمی‌شود اردوان (نام برخی از ساهان اسکانی) = ارتبان، آرتابانوس Artaban: اردسیر (نام خندتن از پادسahan هخامنشی و ساسانی) = ارتاکسرکسس Artaxerxes: کبوحیه یا کمبوحیه (پادشاه هخامنشی) = کامبیز Cambyse: هوخستره (پادشاه ماد) = سیاکزار Cyaxare: هگمتانه (سهر و پایتخت مادها، همدان فعلی) = اکباتان Ecbatane: فرهاد (پادشاه اسکانی) = فراآب، فراآتر Fraate.

اعلام زیر نمونه‌های دیگری هستند که اغلب صورتی اسلامی در متون فارسی-اسلامی دارند و در ترجمه، هنگامی که متون کهر مدار بحث است یا از آنها مطالبی نقل به مضمون می‌شود آوردن همان صورتهای قدیم ارجح می‌نماید. اینک چند نمونه از ایر موله:

فرسونه (سهری در جنوب فرانسه) = کارکاسون، کارکاسو Carcassonne: الرها (سهری باستانی در بین‌النهرین علیا) = ادس، ادسا، ادره، الرها Edesse: لسیونه یا اسبونه (پایتخت کسور برتغال) = لیسبون Lisbonne: لیکنای (سهری در اناول وین فرانسه) = پواتیه Poitier: اسپیلیه (سهری در جنوب اسپانیا) = سویل Seville: صلیه (جزیره‌ای در مدیترانه) = سیسیل Sicile تراکیا یا تراکیه (منطقه‌ای قدیم در آسیای صغیر) = ترایر Thrace: طلیطله (سهر تاریخی در اسپانیا) = تولد، تولدو Tolède بلنسیه (سهری در شرق اسپانیا) = والانس، والانسیا Valence بررسی عینی تر چند مورد از این برگردانهای اعلام بخصوص در متونی که جنبه مرجع در تحقیق دارند، آسفتگی و نابسامانی حاکم بر کار انتقال اعلام در ترجمه را بهتر نمایان می‌سازد □ در تاریخ فلسفه اسلامی<sup>۲</sup>، Tolède یک بار به صورت اسلام و متداول آن در متون فارسی-اسلامی یعنی طلیطله (ص ۳) یک بار به صورت فرانسوی کلمه یعنی تولد (ص ۳۱۲) ضبط شده است. همچنین خوب می‌دانیم که این کلمه در بسیاری ترجمه‌ها دیگر با صورت اصلی و اسپانیایی آن، یعنی تولدو، نیز به‌فرا برگردانیده شده است و در نتیجه برای این اسم خارجی جدا سه صورت در زبان فارسی وجود دارد. همان‌طور که Cordove چهار صورت اسلامی، فرانسوی، انگلیسی و اسپانیایی (فرط

انتقال صورت اعلام از ربانی به ربان دیگر ظاهراً کار ساده‌ای است ولی همس کار به‌ظاهر ساده گاهی مشکلاتی در بر دارد. در واقع، برگرداندن صورت يك اسم خاص از ربانی به زبان دیگر وقتی آسان است که آن اسم خود صورت مقلوبی از يك نام خارجی در ربان مبدأ باشد یا صورت متداول متفاوتی در زبان مقصد نداشته باشد. در این حالت مترجم می‌تواند صورت نوشتاری در حور آن اسم خاص را به راحتی ساند و برای برهیر از هر گونه ابهام صورت بوساری اصلی در ربان مبدأ را سر به دست دهد و اگر لازم باشد توضیحی مختصر در معرفی مسقی بیفرازد. اما هرگاه تلفظ و صورت اسم در ربانهای مبدأ و مقصد کمابیش متفاوت باشد یا در خود زبان مبدأ محرف آن متداول باشد، مترجم باید تلاش کند صورت رایج در ربان مقصد یا صورت اصلی آن را بیابد. مثلاً در ترجمه فراسه به فارسی، نام Gènes (ژن)، صورت فرانسوی نام سهر ایبالایی، باید به صورت اصلی آن (جنوا، Genova) یا نام Cologne (کولونی) به صورت اصلی و آلمانی آن کلن (Köln) درآید. هم‌چنین در مقابل Jerusalem باید «اورشلیم» یا صورت متداول و اسلامی آن در ربان فارسی یعنی «بیت المقدس» را به کار برد. اما دستبازی به صورت اصلی یا متداول اعلام همواره سهل نیست. زیرا بسیاری از اعلام خارجی در هر زبانی، به دلایل تاریخی یا ربانی، صورتی کمابیش غیر از صورت اصلی پیدا کرده‌اند و برای پارسایی صورت اصلی یا متداول آنها به تفحص نیاز است. از این‌رو، گاهی برخی از مترجمان سانه از زیر این بار حالی می‌کنند و همان صورت محرف یا نامانوس و گاه گمراه‌کننده را در ترجمه می‌آورند.

در ترجمه متون فرانسه به فارسی بویژه پوسته‌هایی که موضوع آنها به ایران یا اسلام مربوط است، مترجم چه‌بسا با تعداد زیادی از اعلام ایرانی یا اسلامی با صورتی فرانسوی یا

زیرا از يك سو همهٔ اعلام و بخصوص اعلام ایرانی و اسلامی در این فرهنگها وجود ندارند؛ از سوی دیگر، تعاریف و اطلاعات داده شده دربارهٔ این اعلام الزاماً به صورت صحیح و متداول آنها در زبان اصلی راهبر نیست، بویژه اگر صورت يك اسم در زبان خارجی با صورت آن در زبان اصلی تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد.<sup>۹</sup>

برای برگردانیدن اعلام ایرانی و اسلامی، که در متون خارجی به صورت محرف ضبط شده‌اند محلی برای اعمال سلیقه‌های شخصی وجود ندارد؛ لذا، به خلاف آنچه دربارهٔ معادلهای مفاهیم میسر است، مترجم ناگزیر باید تنها به ضبط واحد یا ضبطهای محدودی دسترسی پیدا کند و همان را به کار برد.

دگرگونی و تغییر صورت اعلام ایرانی و اسلامی در زبان فرانسه، همانند تغییر صورت تمام اعلام دیگر در يك زبان خارجی، مراتب و عللهای گوناگونی دارد که بحث و بررسی آن مقتضی مقال دیگری است. اما بد نیست در اینجا نیز به‌طور خلاصه به نمونه‌هایی از تفسیرات و دگرگونیهای صورت این اسامی در زبان

#### حاشیه

- (۱) این صورت فراسوی یا لایبسی خود می‌تواند محرف صورت اصلی (یونانی یا عربی) باشد.
- (۲) هابری کورس، تاریخ فلسفه اسلامی از آغاز تا درگذشت ابن رشد، ترجمه دکتر اسدالله مسری، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۱.
- (۳) دلسی اولیری، اسفار علوم یونانی به عالم اسلام، ترجمه احمد آرام، انتشارات جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۳۵.
- (۴) در این کتاب گاهی صورت اسلامی و متداول برخی اعلام داخل براسر آورده شده است.
- (۵) محمد بن اسحاق بدیم، المهرسب، ترجمه م. رضا نحد، انتشارات کتابخانه ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۳.
- (۶) گوستاو لوبون، مدن اسلام و عرب، ترجمه فخر داعی گیلانی، نگاه مطبوعاتی علی‌اکبر غلمی، چاپ چهارم، ۱۳۳۴.
- (۷) جورج سارون، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، جلد اول، انتشارات دفتر برویج و رارث فرهنگ و امورش عالی، ۱۳۵۳.
- (۸) البته مترجم محرم کتاب، با عبات کامل به این مشکل، نهایت تلاش خود را در انتقال صورت صحیح اسوه اعلام کتاب به عمل آورده‌اند و همس کلمه Alhazen را در صفحه دیگری از کتاب (ص ۸۲۷) با صورت صحیح و اصلی آن به فارسی برگردانیده‌اند. لذا مورد یاد شده از موارد نادری است که در آن مسامحه رفته است.
- (۹) یادآور می‌شوم که دو فرهنگ موجود در این رسته (فرهنگ مترجم و فرهنگ اعلام کتاب مقدس) هر دو انگلیسی-فارسی‌اند و در مورد حکوینگی انتقال صورت فراسوی برخی اعلام که با صورت انگلیسی آنها متفاوت است کارگشا نیستند از طرف دیگر، تأکید هر دو کتاب، اولی بطور اعم و دومی بطور احص، بر روی اعلام کتاب مقدس است و در رسته اعلام ایرانی و اسلامی فراگیر نیستند برای هموارتر کردن راه مترجمان و بخصوص مترجمان جوان در یافتن صورت متداول اعلام و بخصوص اعلام ایرانی و اسلامی که صورت آنها در متون فرانسه با صورت اصلی و متداولشان در زبان فارسی نسبتاً متفاوت است، فهرستی از این اعلام به صورت يك فرهنگ کوچک اعلام ایرانی و اسلامی (فرانسه-فارسی و بالعکس) تدوین گردیده که درودی در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

و، کردوا، کردوا)، و Edesse، همانطور که اساره شده، به سح رب به فارسی ضبط شده است.

[۱] در کتاب انتقال علوم یونانی به عالم اسلام<sup>۲</sup> به‌رغم وجود ربهای مأنوس و متداول در زبان فارسی، برخی از اعلام با ل زبان مبدأ یا با ضبط نامأنوس کهن به فارسی انتقال داده<sup>۳</sup> ادسا (ص ۱۲) = الرها؛ باکتریا (ص ۱۵۱)، باکتریا (ص ۱۷۹) = بلخ؛ حاراکس (ص ۱۵۳) = خرمسهر؛ سکدیان (ص ۱۷۹) = سغد؛ آلساندرا (ص ۱۷۹) = اسکندریه؛ مارس (ص ۱۸۳) = سجون، سردریا؛ اکسوس (ص ۱۸۳) سیحون، آمودریا.

[۲] در ترجمه المهرسب<sup>۵</sup>، «اردسر» (نام پادشاه هخامنشی) به رب عربی آن ارطحاسب (ص ۴۴۸) ضبط شده است.

[۳] گاهی مترجم بدون توجه دقیقی به صورت کلمه در زبان مبدأ صورت متداول آن در زبان مقصد، صورت حدیدی برای اعلام رحمه اختیار می‌کند که وضع آسفته امر اسفال صورت اعلام را نه بر می‌سازد. در تمدن اسلام و عرب<sup>۶</sup>، Castille (= قستاله) ورت قستله (ص ۳۳۵)، Valence (= بلسیه) به صورت س (ص ۳۳۶)، و Aragon (= اراعون) به صورت آراگان و و (ص ۳۳۶) درآمده است. گاهی هم به دلیل تفاوت فاحس رب اسم در زبان مبدأ با صورت اصلی آن، مترجم در تطبیق دحار خطا شده است؛ از جمله در مقدمه بر علم تاریخ<sup>۷</sup>، کلمه Alhazen = الحسن ابن هیم، رباضیدان، فیریکدان و فیلسوف (ص ۴۰۰) در چهارم هجری قمری، با خازنی (عبدالرحمان)، سیدان و فیریکدان مسلمان فرون نجم و سسم هجری قمری گرفته شده است (ص ۸۶).<sup>۸</sup>

این نااهمانگیها و آسفتگیها در کار انتقال صورت اعلام از بهای خارجی به زبان فارسی دلایل گوناگونی می‌تواند داسه بد که ستابزدگی مترجم، کم‌اهمیت انگاستن موضوع انتقال رب اعلام، نقص آگاهیهای تاریخی و فرهنگی، نقص ابرار مرجع و نبودن مرجع خاصی که بتواند مترجم را از رب عتها مطالعه و تحقیق برای یافتن ضبط درست اعلام معاف رد از جمله این دلایل است.

فرهنگهای يك‌زبانی اعلام در این راه کمک مؤثری نمی‌کنند؛

و در مورد اسامی زیر از صورت بهلوی آنها:

مهرداد = Mithridate؛ فباد اول = Kavadh؛ اردوان

Artaban؛ هرمز = Ormizd؛ اهورامزدا = Ohrmazd

□ گروهی از اسامی خارجی نیز هستند که صورتی عربی اسلامی و متداول در زبان فارسی بخصوص در متون اسلامی دار و مترجم باید در ترجمه این گونه متون، به این ضبطها توجه داند و در مواقع مقتضی آنها را به کار برد:

غرناطه، غرناطه = Grenade؛ جلیفه = Galice؛ فستاله

Castille؛ بلنسیه = Valence؛ طلیطله = Tolède؛ لسبونه، اسبونه  
Lisbonne

□ تعدادی از اسامی هم هستند که صورت فراسه آن گرفته‌ای از وسط فارسی یا عربی است و برعکس. بدیهی است این اسامی را نباید از روی صورت معنایی آنها به صورت ترجمه‌ای فراسه برگرداند؛ بلکه مترجم باید الزاماً تنها صورت معادل و متداول هر اسم را در مقابل صورت خارجی به کار برد. هلال حصیب = Croissant Fertit؛ ساح زرین (ساحا بوسفور) = Corne d'or؛ دارالبضا (سهری در الحزایر) Maison-Blanche؛ اخوان المسلمین = reres Musulmans؛ فرلیاس = Tête Rouge؛ فرا فو بلو = Mouton Noir؛ آو فو م  
Mouton Blanc =

□ سرانجام، گروهی از اعلام، اغلب خارجی، وجود دارند

در زبان فراسه و فارسی دو صورت کاملاً متفاوت دارند، درست صورت فراسه کمکی به مترجم برای یافتن صورت متداول آن در فارسی نمی‌کند، بخصوص اگر اسم مورد نظر از اعلام مهجور کاربرد کم باشد؛ نمونه‌های این گروه عبارتند از

Peuls (les) = فولانی‌ها (نام یکی از اقوام مسلمان افریقای باحتری)؛ فرس = Chypre؛ حسه = Abyssinie؛ بن الهمرین = Mesopotamie؛ یحیی معمدان = Jean-Baptiste؛ ماوراء النهر = Transoxiane؛ دجله = Tigre

اسامی بسیار دیگری نیز هستند که به‌رغم تسابه صورت خارجی و فارسی‌شان می‌توانند مشکل آفرین باشند، از این جهت که صورت فارسی بسیاری از این اعلام در فرهنگهای ما دبل حروف مربوطه وجود ندارد، و این اعلام را به دلیل ویژگیهای دستگاههای آوایی و نوشتاری زبان فراسه و فارسی می‌توان حد صورت به فارسی برگرداند؛ لذا مترجم نمی‌داند کدام صورت را برگزیند. من باب مثال Aja (سلسله جبالی در غرب عربستان سعودی) به صورتهای متعدد قابل انتقال به زبان فارسی است

ترانسه اساره سود:

□ يك گروه از این اسامی اعلام مربوط به حکومتها و اقوام و برهه‌های مذهبی است که در انتقال صورت فارسی با اسلامی آنها به زبان فراسه تغییرات با روس و فاعده‌ای منظم و معین روی داده است، به‌طوری که از روی وسط فراسه صورت صحیح و متداول فارسی آن را نسبتاً به‌آسانی می‌توان یافت.

ایوبیان، کردان ابویی، سی ابوب = Ayyubides؛ عباسان، آل عباس، سی عباس = Abbāsides؛ معتزله = Mu'tazilites؛ غزنویان = Gaznevīdes, Gaznavīdes؛ زیدیه = Zaydites؛ امویان، سی‌امه = Umayyades, Omyades =

چنانکه ملاحظه می‌شود، برای برخی از این اعلام گاهی دویا سه صورت متداول در فارسی یا فراسه وجود دارد

□ گروه دیگر اعلامی هستند که در صورت فراسوی یا لایبی متداول آنها در زبان فراسه دگرگوئیهای بسیاری صورت گرفته و در نسخه بن دو صورت يك اسم در زبانهای فراسه و فارسی تفاوت فاحشی ایجاد گردیده است لذا کار مترجم در یاریابی ضبط درست این اسامی دشوارتر و مستلزم تفحص بسیاری است. ابو عبدالله محمد یاردهم (آخرین حکمران سلسله اسلامی در قرطبه، اسپانیا) = Boabdil؛ قطوره (همسر سوم حضرت ابراهیم) = Cetura؛ چابرس حبان = Gebet؛ چابرس اقلج = Geber؛ کیکاووس، کاووس = Kertiaus

□ اعلامی نیز هستند که صورت فراسه با صورت لاتینی متداول آنها در زبان فراسه از صورت عربی، یونانی، یا بهلوی آنها مأخوذ است و در نسخه به این صورتهای تردیدکننده و با صورت متداول آنها در زبان فارسی تفاوت بسیاری دارد. اینک نمونه‌هایی از این فصل

ابن باجه = Avempace؛ عرالی = Algazel؛ ابن طفیل = Abubacer؛ ابن رسد = Averroes؛ اس رهر = Avenzoar.

□ صورت فرانسه اسامی زیر از صورت یونانی آنها گرفته شده:

حسرو انوسیروان = Chosroes، اردشیر = Artaxerxes؛ هخامنشیان = Achemenides؛ ویستاسب، گستاسب = Hystape؛ هوحشتره = Cyaxare

# توجه سلجوقیان به «شاهنامه»

فیروز منصوری

حروسی حروسدم ار سب رین  
که خون اسنا سد برسان رمین<sup>۱</sup>

در قرن سیم هجری، شاهنامه فردوسی سبب مورد توجه و تکریم دانشمندان و سخن‌سبحان بوده و برای آن ارج فراوانی قایل می‌سده‌اند. بانه یوسه راویدی، در مجلس آرابی سلطان طغرل، ادبا و شعرا و دانشمندان سرک می‌کردید که یکی از آنها سمس‌الدین احمد بن موحهر سبب کله بوده است، وی ار راهمایبهای اسناد خود، سد اسرف حسن عربوی (وفات: ۵۵۶ هـ.ق)، برای تمرین طبع و برورس فوه ساعری، در مجلس سلطان حسن رواست کرده بود «سد اسرف نه همدان رسد و در مکنهای می‌گردید نا که را طبع شعر است مصراعی به من (موحهر سبب کله) داد نا بران ورن دوسه سبب گفتم، نه سمع رضا اصعا فرمود و مرا بدان بسود وحت و تحریض واجب داسب و گفب. ار اسعار مأحران، خون عمادی و انوری و سداسرف و بلقرج روی، و امال عرب و اسعار تاری و حکم شاهنامه آنچه طبع تو بدان میل کند قدر دوست سبب ار هرحا احسان کن و نادگر و برخواندن شاهنامه مواظب بای نا شعر نه غایت رسد»<sup>۲</sup>

راویدی در بزرگداشت شاهنامه سخنهارانده و آن را برورس و کرامتس کتابها دانسته است «نام سبب مطلوب جهانان است، و در شاهنامه، که سادنامه‌ها و سردفتر کتابهاست، مکر سس از هزار سبب مدح سببکوامی هسب»<sup>۳</sup>

ساهد دیگر، «و در شاهنامه، که سادنامه‌ها و سردفتر کتابهاست، وحت مارندران خوانده بودم»<sup>۴</sup>  
راویدی سسر سبب صفحات کتابس را نا اسعار شاهنامه اراسه

حاشیه

(۱) «چه القصده» به السره بحواله الدین ابی دد محمد بن علی بن سلیمان اویدی، علی ابن علی، تهران، ۱۳۴۳، ص ۴۴

(۲) همان، ص ۳۳۳

(۳) همان، ص ۳۶۸ راویدی تران سلطان طغرل بر سبب برده است

(۴) تاریخ جهانگشای جمعی، نه سعی، اهتمام محمد عبدالوهاب فروسی، خاب لندن، ۱۹۱۶، ج ۲، ص ۳۱

(۵) راحه الصدور، ص ۵۷، ۵۸

(۶) همان، ص ۵۹

(۷) همان، ص ۳۵۷

سلجوقیان، س از استیلا و استفرار در ایران و روم، سیفته فرهنگ ایرانی سدنند و به زبان فارسی و فرهنگ ایران خدمتها کردند. سلاطین سلجوقی به تذهیب و نفاسی کتابهای مورد علاقه خود می‌برداشتند. مؤلف کتاب راحه الصدور و آیه السرور، س اردکر خط آموختن سلطان طغرل اس ارسلان ار محمود بن محمد بن علی راویدی در سال ۵۷۷ هـ.ق، حسن می‌یوسد «خون خط مسوب سد سرك کرده به کلام رب العالمین و بمسک نه حدیب سدالمرسلین که خبر من کسب سم الله الرحمن الرحیم فأحسن خطه عفرله، مصحفی سی ناره مندا کرد و می‌یوسب و نقاشان و مدهان را بناورد نا هرح او می‌یوسب ایسانس نه زر حل بکحل می‌کردید هر حروی سی ناره صد دیوار معربی حرح می‌سد»<sup>۱</sup>  
همچین در صفحه ۵۷ این کتاب آمده است «و سبب تألف اس کتاب ان بود که در سهور سبه نماس و خمس مائه خداوند عالم، کن الدینا والدین طغرل س ارسلان را هوای محمودهای بود ار اسعار، حال دعاگوی، رس الدین، می‌یوسب و جمال نقاس اصمهای را صورت می‌کرد و خداوند عالم بر آن مجلس می‌اراست»

طغرل س ارسلان علاوه بر مجلس آرابی و گردآوری اسعار، حد بر شعر می‌گفت و جدول می‌اراست راویدی می‌یوسد «معرفهای او در زبان عوام مسهور و مذکور بر ار آن است نه نا سرح حاجب افند و این دوسی دیگر در تاریخ سبه خمس و خمس مائه یوسب و نه سبب مبارک خود نه زر حل بکحل کرد و نه اثابک سهند و ناساه کریم، مظفر الدینا والدین، در ارسلان فرستاد»<sup>۲</sup>

طغرل در مندایهای سرد، بر حسب عادت، سسانس لسکران شاهنامه می‌خواند عظاملك محمد بن محمد حوسی، حک اساع طغرل و کسه سدن وی را در سهرری، حسن نه فلم اورده است «خون اساع بر دیک رسد او بر تعبیه لسکر کرد و لباس حرب سبب سلطان طغرل را گزری گران<sup>۳</sup> بودسب که بدان ماهاب خوردی و در سس لسکر می‌راند و بر عادت این اباب شاهنامه را می‌خواند

خو ران لسکر گس برحاست گرد

رج نامداران ما گسب ررد

من آن گرر يك رجم برداسم

سه را همان حای بگداستم

مراوراد را به عمارتند در طایفه مایند و شایند  
 برد دهنده و می خندند بخواری بردن کوی خند  
 که موافق از دستاورد گفتار در کشور است  
 درودی پس روی ترستا بگویند که خنوع دیند شای  
 بود کرده ترازو تمام نگاه چرخ برار تمام  
 یانده پیش تیلو سینه که ای ستمگر خنوع دیند  
 کی شایع سازانیم من که ای راء از دست و دار  
 سیرت و شایع دیند که دین برار از دست و دار  
 مراکز دیند که شایع دیند که دین برار از دست و دار  
 سیم هم را با من سینه ساد و سیم و سیم و سیم  
 که خنوع دیند که شایع دیند که دین برار از دست و دار



نک صفحه از شاهنامه (۱۲۱۰-۱۲۰۰ هـ)  
 محفوظ در مجموعه «احب کور» کلکته

معروف خود، الاوامر العلانیه فی الامور العلانیه از سیاسی فردوسی دربع سموده و اس کوبه از او یاد کرده است « حدانکان سلاطین کلام و مالک الرفات عمله افلام، عوّا صبحا حکم، نسوای حکمای عرب و عجم، فردوسی طوسی رضى الله عنه»<sup>۱</sup> و در حاشی دیگر او را «سلطان ممالك کلام» خوانده است

شاهنامه منقور بر رجه های مرمر علاء الدین کفصا اول (۶۱۶ تا ۶۳۴ هـ.ق)، ناساه لایق و هرمند سلاحه روم و حامی داسمندان، در سال ۶۱۶ هـ در فویه بر تحت سلطنت سبب شهر تاریخی فویه تا آن زمان برج و بارو نداست، به فرمان علاء الدین کفصا در سال ۶۱۸ برگرد شهرهای فویه و سواس سورهای عظیم سنگی کسندند سور فویه با سنگهای برگ و تراشیده بنا شده بود و ۱۲ دروازه با منارهای محسوم داس دیوارهای اس حصار سنگی و با سکو با نقاشیهای ربیایی برین یافته و هیکلهای بهلوانان و سرهای بر و عفاها را از سنگ تراشیده و به صورت برجسته در سر و سینه سور و بروج تفسه کرده بودند. کتیبه یکی از دروازه های حصار را، به در خواست علاء الدین کفصا، مولانا حلال الدین رومی نوشته بود که آن نوسه را در سنگ مرمر حک و بر بالای دروازه نصب کرده بودند متن این کتیبه حسن بود: هذه دائره تدفع السيل الدافق و منع الخيل الساق و لاتمتع الويل الطارق فی لیل العاسق.<sup>۱۱</sup>  
 علاوه بر این تریبات، آیاتی از قرآن کریم و نمونه هایی از احادیث شریف نبوی و آیاتی از شاهنامه فردوسی را بر روی تخته سنگهای مرمر سفید بر کرده و در دیوارهای سور سنانده بودند

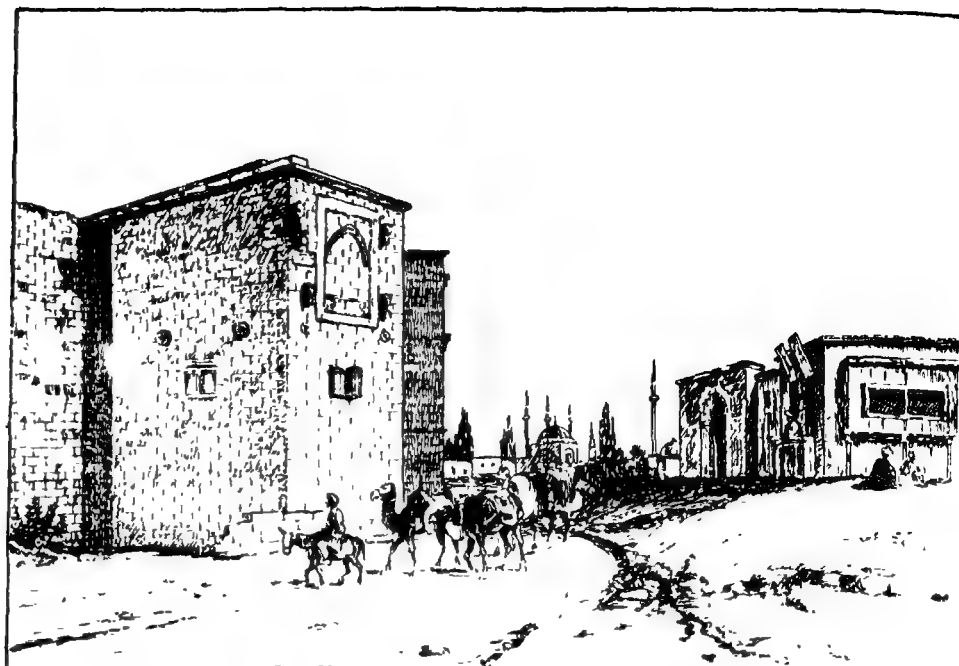
است مصحح محرم کتاب، در دلیل صفحات، سقصد مورد از آنها را با ذکر سیاسی معرفی کرده است

فدیسیرین شاهنامه مصوّر از دوران سلجوقیان راحه الصدور راودنی در سال ۶۰۳ هـ ق ایام نافه و در فویه به عبات الدین کشمیر وین فلح ارسالان بقدیم سده است درست از همن سال، شاهنامه مصوّر تری بر حای مانده است که در مجموعه هری «احب کور» کلکته نگهداری می شود. نسخه ای که در سال ۱۹۳۱ به نماسگاه هری ایران، واقع در بارسکون هاور لندن، فرساده سده بود از مسحفات کامل این نسخه اطلاعی در دست نیست سرکت هودسون و کرس لندن، عکسهای ربیایی از ۱۸۶ فلم ابواع محفل و سابل هری ایران در نماسگاه ۱۹۳۱ برای کمنه احرابی نماسگاه فراهم آورده و با عنوان «نادگاری مصوّر از نماسگاه هری ایران» مسر کرده است در ان مجموعه نفیس، نک برگ از اس شاهنامه مصوّر کلکته و حاب سده است<sup>۱۲</sup> که از لحاظ خواندگان می گردد

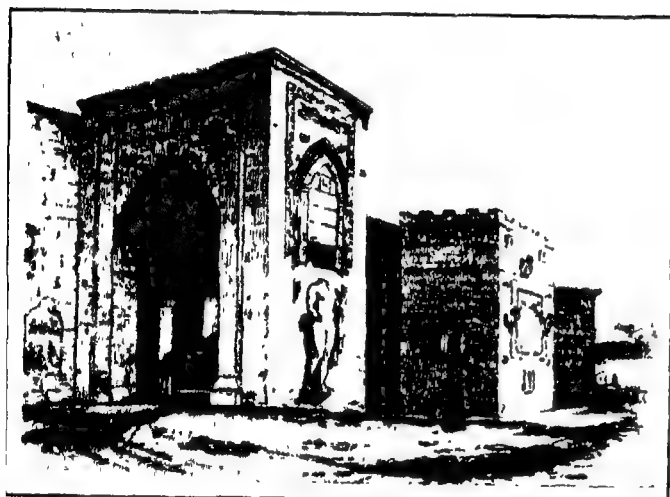
تجلیل مورخ در بار سلاحه روم از فردوسی از فرار معلوم، سلجوقیان، بعد از قرآن کریم و احادیث شریف نبوی، برای شاهنامه فردوسی سسیرین ارج و احرار را قابل بودند آنان به این گمنه بی نظر صرفا به عنوان منظومه ای ساده نمی نگرستند، بلکه آن را مجموعه سد و حکمت می داسسد و با تعبیر «جگم شاهنامه» از آن یاد می کردند. همچنانکه مؤلف راحه الصدور آن را «ساوانامه ها و سرآمد دفترها» خوانده است، ابن بی بی، مورخ مسهور در بار علاء الدین کفصا بر در تاریخ



طرح ۱ قلعه تپه قونیه



طرح ۲ دروازه سورقونیه



حاشیه

8) *Persian Art, An Illustrated Souvenir of the Exhibition of Persian art at Burlington House, London, 1931* p. 32

۹) *الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة*. حسین بن محمد بن علی الجعفری (اس بی بی)، نسخه عکسی، به اهتمام بخانی لوعال، صادق عدنان ارری، آنکارا، ۱۹۵۶، ص ۷۲

۱۰) همان ص ۲۰۲

11) Friedrich Sarre *Der Kiosk von Konya*, Berlin 1935

این کتاب را معمار سہات الدین اور لوك Mimar Şahabeddin Uzluک نامعنوان *Konya Kiosk* (کونشك فونیه) به ترکی ترجمه و در آنکارا به چاپ رسانیده است. نگارنده از ترجمه اخیر (ص ۳۱) برخوردار بوده است.

۱۲) *الاوامر العلانیة فی الامور العلانیة*. ص ۲۵۲ تا ۲۵۶ و نیز ترجمه تواریخ آل سلجوق (مختصر اس بی بی)، طبع م ب هوتسما، بریل، ۱۹۰۲، ج ۳، ص ۲۵۸ و محمد فزاد کورولو، *ترك ادبیاتندا ایلک متصوفلر*. استانبول، ۱۹۱۸، مطبعة عامره، ص ۲۱۶

۱۳) حبیب السیر، تهران، کتابخانه حیات، ج ۳، ص ۴۹۰

۱۴) مأخوذ از کتاب Friedrich Sarre *در دایره المعارف اسلام*. چاپ استانبول، بیل، دیل Konya. قطعه ای از آن به طبع رسیده است

اس بی بی، مورخ دربار سلطان علاء الدین کیمشاد، ذیل عنوان «دکتر عمارت باروی فونیه و سیواس و توزیع آن بر امرای دولت در سینه نمان عسیر و ستمانه» در اس باره اطلاعات کافی به دست داده است که قسمتهایی از آن نقل می شود. «بررگان دولت و اعیان حضرت سلطنت در فونیه و سیواس اساس باروها آغار کردند و به سب و رور بر فدر رور و توان و قدرت و امکان در انعام آن عمارت قیام نمودند و به بعضیت و حسد، بر حسب تحریضی که ار هادی بوفیق یافتند، اجتهادی هر چه بلع تر نمودند و از احکام فواعد و علای ابدان و بسند بروح و ترس و توسیح آن به انواع بضاویر و تماسل رحام خون برهه حام، بروقی و نمونه مرمر ناب، در بحر حجر و کتب آیات قرآن و مساهیر احادیث نبوی و امثال و حکم اسعار شاهنامه هنج بافی نگذاشتند و در انام فلایل، به فر بردایی و دولت سلطانی، از عمارت آن فراعبت حاصل دیدند»<sup>۱۳</sup>

سای حصار سنگی شهر سیواس نیز مطابق طرح فونیه در سال ۶۲۱ هـ به اتمام رسیده بود. تیمور لنگ قلعه و حصار سیواس را، بران کرد<sup>۱۴</sup>، ولی سوره های سنگی شهر فونیه تا سده اول قرن نوزدهم میلادی باقی بود و جهانگردانی، چون کارسن سور، چارلز نکسیه، بل لوکاس، و لئون دلاورد، آنها را دیده و از آنها طرحها تهیه کرده و درباره آنها مقاله ها نوشته اند که محض نمونه دو طرح از آنها، که در سال ۱۸۲۵ به دست دلاورد تهیه شده، نقل می شود<sup>۱۵</sup>

امروزه کتیبه ها و هیكله های سنگی و بقیه آثار باستانی و ساختمانی سوره های فونیه در محلی «سر بسته و متروک» (Metruk Bedest)، در میان توده های خاک، در فونیه نگهداری می شود تا نفس بند تقدیر بر آینده آنها چه رقم زند.

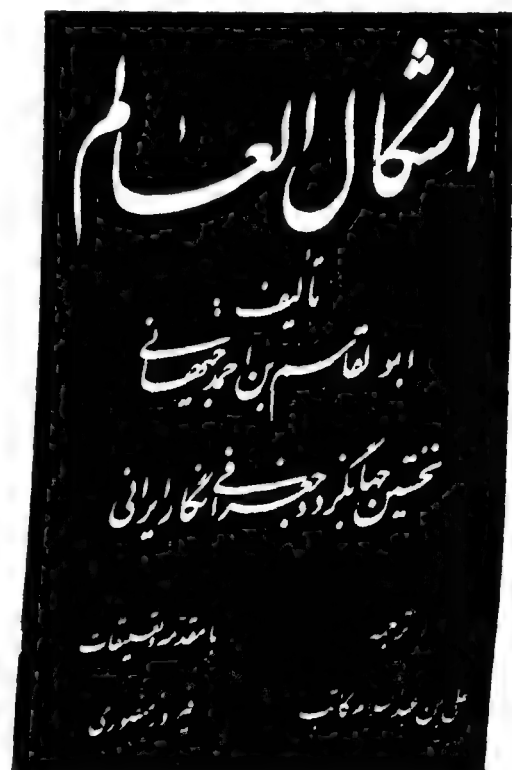
اشکال العالم. تألیف ابوالقاسم بن احمد جیهانی. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. با مقدمه و تعلیقات فیروز منصوری. مشهد انتشارات آستان قدس رضوی (شرکت به نشر). ۱۳۶۸. ۳۲۴ صفحه

متون جغرافیایی که از سده‌های نخستین هجری بر جای مانده انگست شمار است. جغرافی نگاران دیبای اسلام س از آسنایی با کتاب نطلمیوس و بر منای آن نه نگارس تألیفاتی در این رمسه برداحند در این میان، غیر از المسالك والممالك ابن حرداد نه که متن فعلی آن ظاهراً تلخیصی از کتاب اصلی اوسب، اثر گمسهده جیهانی شهرت بستری دارد خاندان حیهایی یکی از حد خانواده معروف دوره سامانی بود که افراد آن سالان درار مقام ورار امران سامانی را بر عهده داشتند نام آورترس فرد این خاندان ابو عبدالله محمد بن احمد حیهایی است که افرون بر مقامات سیاسی داسمند و جغرافی دانی برحسه بود

## جغرافیا در نخستین سده‌های هجری

سید علی ال داود

در سال ۳۰۱ ق. / ۹۱۳ م احمد بن اسماعیل دومس فرمانروای سامانی به قتل رسید و فرزند حردسال ۸ ساله او نصر بن احمد (۳۰۱-۳۳۱ ق. / ۹۱۳-۹۴۳ م) به حایس سست در این هنگام ابو عبدالله محمد حیهایی، در مقام ورار، نایب سلطت نادسای اندک سال را نر بر عهده گرفت و فلرو فرمانروایی سامان را حدس سال نادرایت اداره کرد<sup>۱</sup> او در ۳۰۹ ق. / ۹۲۱ م با اس فصلان سیاحنگر نامی در بحارا ملاقات کرد و اس سیاح در سفرنامه خود نه نکلی از او نام برده است<sup>۲</sup> از تاریخ درگذست ابو عبدالله جیهایی اطلاع دهقی در دست سست اما مسلم است که در ۳۲۶ ق. / ۹۳۸ م هنگامی که فرزندس ابوعلی محمد بن محمد بن احمد حیهایی ورار نصر بن احمد را به دست گرفت، دیگر در قند حیات بوده است ابوعلی بر سس از چهارسال ورار نه قول اس اسر در سال ۳۳۰ ق. / ۹۴۲ م. بر اوار حان سر د<sup>۳</sup> حیهایی سوم، ابو عبدالله احمد بن ابوعلی محمد بن محمد بن احمد حیهایی فرزند ابوعلی است. او نواده حیهایی اول بود و مدتی ورار منصور بن بوح سامانی را بر عهده داسب و چون منصور درگذست او همچنان ورار حاسس بنوح بن منصور را عهده دار بود با اسکه در ۳۶۷ ق. / ۹۷۷ م. از ورار کناره گرفت<sup>۴</sup> از آن سس دیگر نامی از او در منابع آن عصر نه حسم نمی خورد بسیاری از نویسندگان او را با حدس جیهانی اول استباه گرفته اند. با توجه نه مساهتهایی که در نام و شهرت و کنته افراد خاندان حیهایی وجود دارد حوادث زندگی آنان در هم امیخته سده است. مثلاً یاقوت حموی دوبار در معجم الادباء<sup>۵</sup> سرح رنگانی ابو عبدالله جیهایی (اول) برداخته و در یکی از این دو حا مطالب را با احوال فرزدان او در هم آمیخته است.<sup>۵</sup> از معاصران، عبدالحی حبیبی دانسمند افغانی در حواس



سهرت او واهمیت کتابش را یادآور شده است.<sup>۱۱</sup> نخستین بار، سارل ریو فهرست نگار موزه برنابا ضمن فهرست نویسی کتب خطی فارسی آنجا با کتابی به نام *اسکال العالم* اثر ابوالقاسم بن احمد جیهانی مواجه شد. او پس از بررسی متن یافته شده به این نتیجه رسید که ترجمه به دست آمده با فرائی که در دست است نمی تواند ترجمه ای از کتاب اصلی ابو عبدالله جیهانی باشد، بلکه ابری است بسیار تازه تر که بعدها بدید آمده است. پس از آن این نسخه مورد توجه و دقت مورسکی قرار گرفت. وی بر نادلایل متعدد و یادآوری نقل قولهایی که از کتاب اصلی جیهانی در کتب مقدسی و ابن حوفل و دیگران آمده، نتیجه گرفته که نسخه *اسکال العالم* موجود در موزه برنابا، فقط تلخیصی از کتاب *المسالک و الممالک* ابوالحسن استخری است. او افزود است که شاید مترجم فارسی، نام نویسنده معروفی چون جیهانی را از حافظه خود بر این کتاب باساخته نهاده باشد<sup>۱۲</sup> از آن پس نسخه دیگری از *اسکال العالم* در کابل به دست آمد و داسمند افغانی هاسم سابق مقالات مفصلی در بوحسب آن نگاشت؛ او با هیجان فراوان یافته خود را اثر اصلی جیهانی خواند و آن را همچون

تاریخ گردیزی (حاشیه ص ۷ و حاشیه ص ۵۹۷) در ساسانی حادان جیهانی به استباه افتاده و *المسالک و الممالک* جیهانی را اثر ابو عبدالله احمد (جیهانی سوم) دانسته است. سادروان سعید نفسی هم، در ضمن بیان مطالبی درباره *اسکال العالم* و به اسناد تازه ای از محتویات کتاب، آن را اثر فرد احیر به شمار آورده و افزوده است که حداقل نمی توان مؤلف کتاب را جیهانی معروف داسب.<sup>۱۳</sup>

چنانکه گفتیم ابو عبدالله محمد بن احمد جیهانی وربری داسمند بود و خود از ادیبان و داسوران حمایت می کرد او که به ساحن ممالک و ولایات دور دست عسقی فراوان داسب از هر سوی آگاهان را گرد آورد و با تدوین آگاههای آنان و نیز اطلاعاتی که از مسافران به دست می آورد به تدوین و تنظیم کتاب عظم خود پرداخت. اثر او همچون کتاب ابن خردادبه، *المسالک و الممالک* نام داسب و مؤلف از کتاب احیر بر بهره فراوان برد. اثر جیهانی از همان اعار سهرت فراوان یافت و کسانی آن را مورد اقتباس و گاه انتحال قرار دادند. به گفته ابن بدیم، کتاب البلدان ابن فقه همدانی خلاصه گونه ای از این کتاب است<sup>۱۴</sup> مقدسی، در *بسکمار احسن التفاسیر*، جیهانی را از نخستین سسگامان جعرافا خوانده و روس کارس را سیرج داده است. هموگوید که من کتاب جیهانی را در هفب محلل در کتابخانه غصددلوله دیلمی دیدم، اما نام مؤلف بداسب. برخی می گفتند که این اثر از ابن خردادبه است. اما بعداً نسخه مختصر آن را همراه با نام مؤلف در بسساور دیدم.<sup>۱۵</sup> همچنین مسعودی در *التسبه و الاسراف*<sup>۱۶</sup> (تألیف به سال ۳۴۵ ق. / ۹۵۶ م.) و ابن حوفل<sup>۱۷</sup> از جیهانی و اثر او یاد کرده و تازه ای مطالب آن را در آثار خود درج کرده اند.

اصل کتاب جیهانی با همه سهرت و اعتباری که داسب در همان آغاز از میان رفته یا حنان دستخوس تغییرات و دگرگونیها شده که سناختن اصل آن هیچگاه ممکن نبوده است. دانسمندان معاصر و بویژه سرو ساسان با همه علاقه ای که به یافتن *المسالک و الممالک* جیهانی ابراز کرده اند، جستجوها و کوسسهایسان نمری نداده است. کراحوکوفسکی سرو ساس روسی در تحقیق گرانقدر خود نخست به جیهانی پرداخته و

#### حاشیه

(۱) بر سخی، ابو بکر محمد بن جعفر، تاریخ بخارا، به تصحیح محمد نفی مدرس رضوی، تهران، نوی، ۱۳۶۳ س. ص ۱۲۹، مهراج سراج، طبقات ناصری، به تصحیح عبدالحی حسینی، کابل، انجمن تاریخ، ج ۱، ص ۲۷ و ۲۸، ابن اسیر، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ق. ح ۸، ص ۷۸.

(۲) ابن فضلان، سفرنامه، ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران، ساد فرهنگ ایران، ص ۶۲.

(۳) ابن اسیر، الکامل، بیروت، دارصادر، ۱۴۰۲ ق. ح ۸، ص ۳۹۳. حوادث سال ۳۳۰ ق.

(۴) فروسی، محمد، یادداشتها، به کوسس ابرج افسار، تهران، علمی، ۱۳۶۳ س. ح ۲، ص ۲۰۷.

(۵) نافوت حموی، معجم الادباء، مصر، دارالمأمون، ۱۹۳۷ م. ح ۱۷، ص ۱۵۶ و ح ۴، ص ۱۹۰ به بعد.

(۶) فیسسی، سعید، «ترجمه اسکال العالم» در راهنمای کتاب، سال ۲، شماره ۳ (آذر ۱۳۳۸ س.)، ص ۳۷۵ تا ۳۷۷.

(۷) ابن بدیم، ابوالفرج محمد، الفهرست، به تحقیق رضا نحد، تهران، ۱۳۵۰ س. ص ۱۷۱.

(۸) مقدسی، ابو عبدالله محمد، احسن التفاسیر، ترجمه عسقی مروتی، تهران، سرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ح ۱، ص ۵.

(۹) مسعودی، علی بن حسین، التسبه و الاسراف، بیروت، دارصف، ص ۶۵.

(۱۰) ابن حوفل، صوره الارض، به کوسس کرا، س. لندن، بریل، ۱۹۳۹ م. ص ۴۵۲.

(۱۱) کراحوکوفسکی، تاریخ الادب الجعرافی العربی، ترجمه صلاح الدین عثمان هاسم، فاهره، جامعه الدول العربیه، ۱۹۶۳ ق. ح ۱، ص ۲۲۰ و ۲۲۱.

(۱۲) میورسکی، ولادیمیر، «جیهانی که جیهانی بود»، اریانا، دوره ۲۵، شماره ۵۶ (میران - حدی ۱۳۴۶ س.)، ص ۲۹ به بعد.

جیست و تحقیقات او به چه نتیجه‌ای رسیده است؟ به گفته ایسان «اشکال العالم لا اقل بیست سال سن از مرگ مسعودی (۳۴۵ ق. / ۹۵۶ م) تنظیم یافته» (ص ۴ بیسگفتار) ولی معلوم نکرده‌اند که اگر این نظر را صحیح بدانیم سن افوالی از جیهانی که در کتب تألیف شده بیست سالها نقل شده از چه کتابی است و مؤلف آن کیست؟ اندکی بعد با تاختن به مقدسی تلویحاً ابر مسهور او احسن التفاسیر را محمول و حریف شده خوانده‌اند. کاس مأخذ و یاد لایل سخنان خود را بیان می‌کردند که مورد استفاده اصحاب تحقیق قرار می‌گرفت.

در صفحات بعد باز هم مصحح، استنباط باره‌ای کرده‌اند مطابق این نظر ابو عبدالله محمد حبهانی که در ۳۰۱ ق. / ۹۱۳ م وزیر نصر بن احمد سامانی بود در سال ۳۶۵ ق. و به ورورگار بیری دیگر بار به ورارت رسید و در این سمت دوسال دوام یاف و ابو القاسم جیهانی مؤلف کتاب هم معاصر او بود و کاس را در همین زمان به رسته نگارس در آورد. اگر بیدیریم ابو عبدالله جیهانی در سال ۳۰۱ ق. که به مقام ورارت و بیات سلطنت رسیده لا اقل مردی بخته و حاد افتاده بوده، چگونه می‌تواند ۶۷ سال دیگر هم رنده و به طور متناوب وریر سامانان بوده باشد؟ به قول مرحوم فزوی «لازمه اینکه او وزیر هم نصر بن احمد و هم منصور بن نوح و نوح بن منصور باشد این می‌سود که او ۶۷ سال وزارت اغلب ملوک سامانه را (علی سبیل الانقطاع و التعاقب مع عره لاند) کرده باشد و این امر عادتاً بسیار بسیار مسبعد است»<sup>۱۱</sup> البته در مس فعلی اشکال العالم گزارشهایی در حوادث دوران نوح بن منصور (۳۶۵-۳۸۷ ق. / ۹۷۵-۹۹۷ م.) به چشم می‌خورد و این خود دلیل محکمی است بر آنکه اشکال العالم ربطی به المسالك و الممالك جیهانی ندارد. مطالبی که در باب تاریخ ترجمه فارسی اشکال العالم به نقل از ریو و نفسی آمده و ترحیح بی دلیل نظر ریو، مستدل نیست و بهتر بود مصحح دلایل خود را در این باب ذکر می‌کردند (ص ۹ و ۱۰ بیسگفتار).

با دقت در مراتب فوق می‌توان احتمال داد که متن فعلی و موجود اشکال العالم تحریر تازه و مؤخری از المسالك و الممالك جیهانی است که به ظن فوی آن را مؤلف دیگری از افراد این حادان یا نویسنده دیگری نوشته و نام جیهانی را بر آن نهاده است این نکته را هم باید بر سایر دلایل افزود که در متون کهنی از کتب اصلی ابو عبدالله جیهانی مطالبی نقل شده که مطلقاً در اشکال العالم دیده نمی‌شود. شرح مفصلی که گردیزی<sup>۱۵</sup> درباره فرهنگ هندوان آورده یا آنچه بیرونی درباره اسطوانه‌های جامع فیروان<sup>۱۶</sup> گفته یا مطالبی که یاقوت در توصیف شهر صفد (= سعد) ماوراءالنهر آورده<sup>۱۷</sup> از این گونه است، و همه اینها دلایل محکمی بر رد انتساب اشکال العالم به جیهانی است. کاش ایسان

کنشی تازه به دنیای تحقیق عرضه داشت.<sup>۱۳</sup> به این ترتیب تاکنون سه نسخه از اشکال العالم مسوب به جیهانی به دست آمده که دو نسخه آن در موزه بریتانیا و یک نسخه در کابل است.

اشکال العالم بر اساس میکرو فیلم یکی از نسخ موزه بریتانیا، موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به کوسس آقای فبرور منصوری با مقدمه و تعلیقات به ریور طبع آراسته شده است. اینک بسیم مصحح گرامی با این انبوه تردیدها و مشکلات و سؤالاتی که درباره جیهانی و ابر او وجود دارد و از زمان مقدسی تاکنون گریبانگیر حرافیدانان و دیگر محققان بوده، چگونه برخورد کرده و پاسخ آنها را چه سان برداشته است مصحح در بحسب سطر بیسگفتار با صراحت مؤلف کتاب را «ابو القاسم بن احمد حبهانی» دانسته و او را دانشمندی مسهور و صاحب تألیفات گوناگون خوانده است بی‌بردید با توجه به مطالبی که یاد شد، فرد نامور و برجسته دودمان جیهانی همان ابو عبدالله محمد بن احمد است. و از ابو القاسم جیهانی تا پیدا شدن نسخه رحمة اشکال العالم نامی در هیچ جا به چشم نمی‌خورد. مصحح در صفحات بعد به تفصیل درباره تألیفات جیهانی (بی آنکه معلوم باشد کدام جیهانی منظور نظر اوست) با استفاده از آثار مسعودی و مقدسی و دیگران سخنانی بیان داشته و چون مقدسی در اثر خود بر جیهانی استنادی کرده، سبب باسزارا متوجه او ساخته است انگاه ضمن بر سردن افراد حادان جیهانی، با استنباط مادرست از سخنان این بدیم به نتیجه آسپاه آمیزی رسیده است. این بدیم در الفهرست ضمن بیان محضر احوال ابو عبدالله محمد (جیهانی اول) اساره کرده که او متهم به نبوت و مانوی‌گری است اما مصحح حین ننداسته که منظور این بدیم همانا ابو عبدالله احمد بوده جیهانی اول است که اشکال العالم هم به دست او نگاشته شده است. (رک. ص ۳ بیسگفتار). در ادامه مطلب در فصلی زیر عنوان «تألیفات مسوب به جیهانی» همه آثار ابو عبدالله محمد جیهانی را که سن از سال ۳۶۷ ق. / ۹۷۷ م. (که سال تألیف اشکال العالم تصور شده) تدوین شده، تلویحاً ابر نواده او خوانده است. برای خواننده بالآخره روشن نمی‌شود که نظر مصحح در مورد افراد مختلف جیهانی

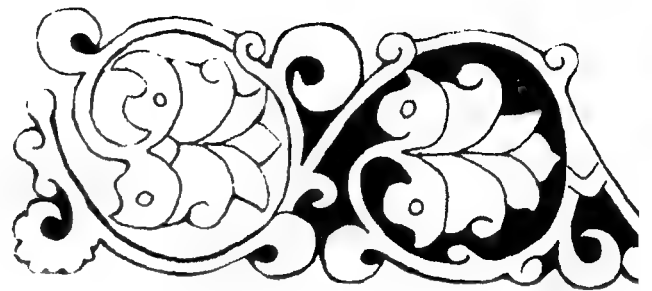
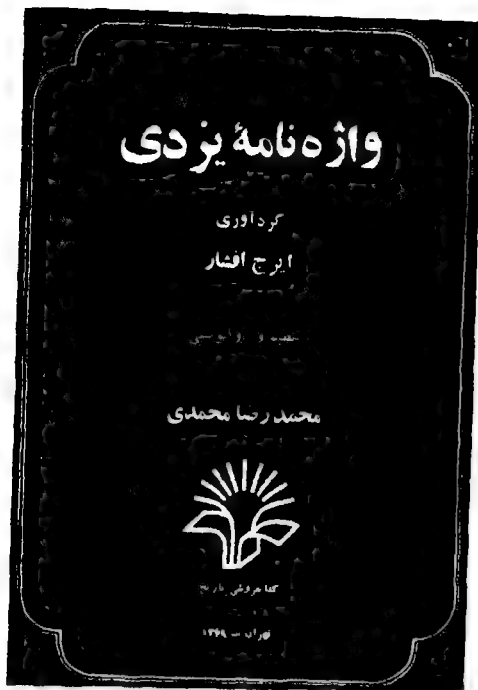
۲۳۶). و در ادامه موضوع چنین گفته‌اند: «در دهه‌های سوم و چهارم قرن چهارم هجری بخارا مرکز علم و دانش و مجمع مساهیر فضل و ادب بوده، جبهانی علاوه بر تنظیم اسکال العالم، در بیان فضیلت سایر اقوام بر عرب، کتاب می‌نویست. در همچو زمان و مکانی ابودلف خزرچی گدایسه توبره به دوس در دربار سامانی حه کار داس.» (ص ۲۳۸) و سرانجام تکمله کتاب با این عبارات خواندنی پایان می‌یابد: «دسمنان ایران زمین با این تحریف و تبدلها حواسه‌اند همواره فرهنگ و تاریخ ایران را وابسته فلمداد کرده و آثار اصل ایرانی را به نامهای این حوغل‌ها و ابودلف‌های مجهول الهویه با گدایسه و اس فضلان و استخری‌های گمنام و یاقوب حموی‌ها سبب داده و کتمان حقیقت نمایند.» (ص ۲۳۹) چند صفحه از مقدمه کتاب به فرهنگ لغات و اصطلاحات اختصاص یافته که بهتر بود این مطالب به آخر کتاب برده می‌شد. در اس چند صفحه هم رعایت اعتدال سده و مثلاً برای واژه «اسباب» سه صفحه مطلب فراهم آمده است.

البته باید ناره‌ای ساده اندلسان با دوستان مصحح برای این اکسافات حالت و سگفت‌انگیزه اسان سرنك بگویند لیکن باید افزود که سر کتاب به صورت فعلی به سبها مسکلی را حل نمی‌کند بلکه مندرجات مقدمه و تعلقات سردرگمیهای تازه‌ای برای خوانندگان و تکالیف جدیدی برای محققان ایجاد خواهد کرد. نکته آخر آنکه حوغل مصحح تحقیق خود را بر اساس یکی از سه نسخه موجود و سباحه سده انجام داده‌اند، در باب سه نسخه تصحیح و کیفیت استنساخ از نسخه عکسی بر مطالبی باید سان کرد که عحالتا به سبب احتیاط از تطویل کلام آن را به فرصتی دیگر وا می‌گذاریم.

#### حاشیه

- ۱۳) هاسم سابق، آریانا، سال اول، شماره ۲ (۱۳۲۱ س)، مقاله «اسکال العالم» ص ۳۰ و ۳۱
- ۱۴) فروبی، یادداشتها، ح ۲، ص ۲۰۷ و ۲۰۸
- ۱۵) گردیری، تاریخ، به تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران، دبای کتاب، ۱۳۶۳ س، ص ۶۱۲ تا ۶۱۹
- ۱۶) بیروبی، ابوریحان، آثار النافیه، ترجمه اکبردانا سرسب، تهران، امیرکبیر، ص ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۹۲
- ۱۷) یاقوب حموی، معجم البلدان، به تصحیح فردیناند وستفالد، چاپ افست، تهران، اسدی، ۱۹۶۵ م، ح ۳، ص ۳۹۴

ان‌گونه که به نقل گفتار بروهسگران غربی حوغل ریو و ورسکی برداخته با دلف در نظر آنان به نتایج بهتر و روشن‌تری رسید و به جای بیراه گفتن به کسانی حوغل مقدسی و استخری صان خود را با احتیاط بیستری ابرار می‌داس. استخری به سبب که از احوال چیز زیادی دانسته نیست مورد بی مهری از گرفته و دخونه هم که کتاب او را حاب کرده تلویحاً در رص اسفاد فرار گرفته است (ص ۲۴ بیسگمار). مصحح انجام با اعلام این مطلب که کتابهای خطی فارسی با عیگهایی روبر و سب حکم قطعی را به این صورت بیان کرده است: «... نگارنده بدین نسخه رسیده‌ام که سحقی معروض و کم ه، با منظور خاص و احتلال آمر، مقدمه و مؤخره مترجم و نام الفاسم جبهانی را از آغاز و انجام کتاب سرون کسیده، سس با نویسی نسخه، کتاب را مسالك و ممالك نام نهاده و مؤلفی هم بر عیس نکرده است، و این افای دخویه بوده که ابواسحق خجری را به عنوان مؤلف بر آن افروده است.» (ص ۲۵) در صاف کتاب هم این ادعاها تکرار سده که خواندنی است سمنان فرهنگ و تاریخ ایران در فرون گدسته، ناجعل کتابهای برافسانی به نامهای مسالك الممالك استخری و صورالارض حوغل، این نویسته جبهانی را هم تحریف کرده و ناعب راهی بروهسگران آینده سده‌اند.» (ص ۲۱۱). و در حای گر گوید: «این نویسته‌ها سان می‌دهد که گردآورندگان مسالك مسالك و صورالارض که تابع يك مرکز مخصوص بودند، فصد لال در تاریخ صفاریان را داسته‌اند. یعقوب را غلام روگر رفی کرده، تاریخهای دروغی هم به نام آنان تنظیم می‌نماید.» (ص ۲۲۵). تکمله کتاب هم خواندنی است، و چند بخش کوتاه از ، نقل می‌سود: «از فرار معلوم، دسمنان فرهنگ و ملیب ایرانی، برمان با تغییر نام جبهانی و تبدیل و تحریف نویسته‌های وی به نام خجری و این حوغل، اطلاعات و نویسته‌های از فلم افتاده بوط به اقلیمهای سیزدهم و چهاردهم را از متن اسکال العالم اراج کرده و با افزودن ساخ و برگ‌ها و افسانه‌ها، به نام سفرنامه و دلف جارده‌اند.» (ص ۲۳۵). «همچنین سفرنامه این فضلان که رح مسافرت از بغداد به بخارا، حتی يك صفحه سفرنامه را هم در نمی‌گیرد... مأخوذ و مسروق از اسکال العالم است.» (ص



## نگرشی به «واژه نامه یزدی»

حسین مسرت

واژه نامه یزدی. گردآوری ایرج افشار. تنظیم و آوابوسی: محمدرضا محمدی تهران کتابروشی نارنج ۱۳۶۹

عبارات، ترکیبات و اصطلاحات یزدی در آن نامده یا به ترکیب توحه حدائی سده است.

به هر حال، این کار آغار بیکویی است که سراوار است و گرفته شود. گردآورنده بیر خود در دیباچه آورده است: «بی گما، فرهنگ یزدی. من واژه نامه کاملی نیست. هورچه بسیار واژه هام که من بسیدم... مخصوصاً کلماتی که ارجیب آوا و آهنگ در برد؛ به سکی گفته می شود که در تلفظ عمومی فارسی و در صا لغتنامه ها به صورتی دیگر یاد شده. کار من اتقافی بوده است هرگر به مانند یک زبانساس، در بی آن بوده ام که لغات را نا دست داستان راهما [informateur] گرد آورم.»<sup>۲</sup>

اگر وارگان یزدی مندرج در هفته نامه ندای یزد، داستان شهره و سرس از محمدتقی عسکری کامران، روزها و همج تجربه های بسته از دکتر محمدعلی اسلامی ندوسن، مره بهدینان از حمسید سروسیان، یادداشت های حسک یزدی در گیلان از کریم کساورز، سینوا و همحنین بلوک مبد از محیدریه راده، پله های سنگی (در اشعار نه در واژه نامه عبدالحسین جلالیان و دهها متن از همین گونه استخراج می اگر همه افرادی که نگارنده می سناسد، که هر کدام جداگانه با گردآوری و ضبط واژه ها و کلا فرهنگ یزدی دست بکارند، را داستند به سان دانه های تسبیح به یک رشته می کنسیدند، از می توانستیم شاهد واژه نامه یزدی کاملتر و پرمایه تری باسی عده ای از یزدیه های علاقه مند از دیر باز مستقیماً یا د

سالها پیش از اس در ناورفی کتاب ارزشمند یادگارهای یزد نوشته ایرج افشار خوانده بودیم که واژه نامه یزدی را فرار است مرکز بروهنهای فرهنگ عامه به زیر حاب برد،<sup>۱</sup> و سرانجام، امسال جسممان به دیدن اس واژه نامه روس سد

دیرزمانی است که سار به واژه نامه ای برای گوس یزدی احساس می شود وجود واژه هایی حو «ناسده» و «بودیه» و «شاه اسیرغم» در گویس یزدی که آنها را تنها در مون سده های نخستین ادبی ایران و فرهنگهای کهن می توان سراغ گرفت، نشانه ریشه دار بودن این گویس است.

اینک به پشتکار و کوسس استاد ایرج افشار و همکاری محمدرضا محمدی این مهم انجام پذیرفته است. با اینکه گردآورنده متولد تهران است و بیستر بنا به مقتضبات و ضرورت های پژوهشی به زادگاه مدرس می آمده، گردآوردن این مقدار از واژه ها آن هم با ضبط نسبتاً صحیح جز به انگیزه عشق و دلبستگی به زبان مادری میسر نمی سد.

وقتی در دیباچه می خوانیم که پدر ایشان اصلاً با فرزندان یزدی حرف نمی زد و آنان را نیز از سخن گفتن به گویس یزدی باز می داشت، به عمق این دلبستگی پی می بریم. از این رونمی توان بر محصول کار گردآورنده خرده گرفت که بسیاری از واژه ها،

نارهای دیگر به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند، از جمله آقای بلی اکبر شریعتی که تحقیق نسبتاً جامعی در حدود ۸۰۰ صفحه درباره فرهنگ و آداب و رسوم و بازیها و ترانه‌ها و واژه‌های یزدی بحام داده است و جا دارد که پژوهش ایشان جداگانه به حاب رسد؛ آقای دکتر عبدالحسین جلالیان که در مقدمهٔ نله‌های سنگی بر مردهٔ حاب فرهنگ اصطلاحات و لغات عوام یزد را داده است؛ فای مهدی آذر یزدی و دینیار شهزادی، که در دیباجهٔ واژه‌نامهٔ ردی نیر به آنها اشاره شده است؛ آقای محمدهفی عسکری نامران، سردبیر هفته‌نامهٔ ندای یرد؛ آقای دکتر احمد حراری، و... اکنون کتاب را از نظر می‌گردانیم. بحسب بیسگفتاری از حمدرضا محمدی بیس روی داریم دربارهٔ آواویسی و نسانه‌های کار بردی در کتاب که راهنمای درست حوایی واژه‌هاست. آقای حمدهی، با اینکه یردی نیست، خوب توانسته از عهدهٔ آوانویسی راند. در این بیسگفتار آمده است که هنگام تنظیم مواد نزدیک به ۵۰۰ برگه واژهٔ یزدی گردآورده آقای بدالله جلالی به دست نولقان رسید که در من و واژه‌نامه با علامت ستاره مشخص شده‌اند. ین واژه‌های ستاره‌دار ار لحاظ ضبط و کاربرد و بار معنایی درخور وخته‌اند.<sup>۳</sup>

سبس بادداسب گردآورده را سس‌رو داریم که در آن ار حگوگی آسانایی و دل‌بستگی خود با گویس یزدی و اندیشهٔ گردآوری مواد آن و مختصری دربارهٔ بیاکان یردی خویش و در نایان ار کسانایی که به گونه‌ای به ین کار مسغول اند و می‌توانند آن را به انجام برسانند یاد کرده است.

متن کتاب از صفحهٔ ۱۵ شروع شده و تا صفحهٔ ۱۸۴ ادامه دارد. سس از آن، سوستهای کتاب قرار دارد که بسی بر فایدهٔ آن افزوده است.

بیوسب ۱ (ص ۱۸۵ تا ۲۰۳) در یردارندهٔ واژه‌های متعلی به حرفه‌های آسیابایی، بافندگی سنتی، بنایی، خرماکاری (در نافو)، رنگری، روغن‌گیری، کساورری، گوسفندداری و درودگری یزد است که به همت دو دانسجوی تهرانی در سال ۱۳۴۵ گردآوری شده است و، چون ین داسحویان یزدی سوده‌اند، اکثر واژه‌ها بر اساس تلفظ تهرانیها ضبط شده‌اند. با ین وصف، نتیجهٔ کار سودمند است.

بیوسب ۲ (ص ۲۰۴ تا ۲۰۷) شامل واژه‌های نویافته‌ای است بیسبر مستمل بر واژه‌های شهر مهریز یزد که به کوسنی علامحسین زارع‌زاده گردآوری شده و در هفته‌نامهٔ ندای یزد قبلًا به حاب رسیده بود.

بیوسب ۳ (ص ۲۰۹ تا ۲۵۲) نیز تماماً از ص ۴۰۹ تا ۴۶۰ نله‌های سنگی، سرودهٔ عبدالحسین جلالیان، افست شده است. کاس آقای افشار واژه‌نامهٔ آقای جلالیان را در متن درج می‌کردند.

اکنون می‌پردازیم به مس کتاب و کیفی صبط واژه‌ها:

۱) افعال در فرهنگها و واژه‌نامه‌ها به صورت مصدر می‌آید؛ اما در ین متن گاهی به صورت اول شخص (دَلِمَ گِرَحَت، ص ۹۴) یا سوم شخص (ناس تو گود رفته، ص ۴۹ و نيله، ص ۱۷۱) آمده است.

۲) «ك» (تصغیر (تحییب)، که سستر یردیان به آخر واژه‌ها می‌افزاید، بی‌ملاك مسخصی به طور دیمی در بایان برخی از واژه‌ها، حو سَكُك، سَرَكُك، سِر گَرُمُك، سیر سَكُك، كَرَتِيك افزوده شده است.

۳) تلفظ «آب» در یزد راح سسب و تنها در سالهای اخیر به تأثیر برنامه‌های رادیو بلویزیون و نفوذ تلفظ ساکنان بایتح در سرتاسر ایران در رمان گروههای با سواد راه یافته است. به هر حال، یزدیها آن را به صورت «او» ow تلفظ می‌کند. در متن واژه‌نامه هم مدخل «آب» دیده می‌سود (آب تراس کردن، آب نباتی، آب تَلَك و ۱۸ واژه دیگر) و هم مدخل «او» (اوتراس، اویداز، اوگردون و ۱۱ واژه دیگر)، بهتر آن می‌بود که همهٔ ترکیبات دیل «او» می‌آمد و مدخل «آب» به «او» ارجاع داده می‌سد

۴) واژه‌هایی در متن آمده که اصلاً یردی نیست و یردیها نیز آنها را به کار نمی‌برد. ینك چند نمونه از ین گونه واژه‌ها با معادل یزدی آنها درون برانتز:

ص ۷۲: جاری (هم عاروس hamâros):

ص ۱۱۹: سیکو ندن (سکسن šekessan):

ص ۱۷۲: همساده (همسایه).

یا واژه‌ها و ترکیباتی که ویرهٔ یزد نیستند مانند:

حاشیه:

۱) یادگارهای یرد، ایرج افشار، احس آثار ملی، تهران، ۱۳۵۴، ص ۹.

۲) دیباجه، ص ۹.

۳) اکنون به لطف آقای جلالی برگه‌ها برای تدوین فرهنگ مردم یزد در اختیار نگارنده قرار گرفته است.

ص ۱۱۱: سَنَکَه یه بول کردن؛

ص ۱۴۰: کَلَه بولک؛

ص ۱۵: آتیش.

(۵) معنای برخی از واژه‌ها نادرست است، مانند:

ص ۶۱: «تا شدن» که به معنای رد شدن و پس سر گذاشتن

است و هم به معنای تاب‌ور داشتن و کج شدن نه به معنای راه را کج کردن و پیچیدن.

ص ۸۷: «خودسیری» بیشتر به معنای حابلوسی کردن و خود

را در دل جا دادن به کار می‌رود نه فضولی کردن.

ص ۹۴: «دل هم‌رن» نه ادم کیف و حیزهای تهوع آور گویند نه

حالت استفراغ داشتن.

ص ۹۷: «دور وایساده» (صیغ در ست آن: دور وایسیده) به

معنای دور ایستادن است، مثلاً گویند: دور وایسیده و می‌گه لِنِگِس کن.

ص ۱۰۳: «روکار کسی دُئیدن»، معنای رانج آن در یرد،

پارتی‌باری و کار کسی را رودتر انجام دادن است و معنای «برای

کسی مشکل تراشدن» خندان متداول نیست. نه کانه بیر به کار می‌رود.

ص ۱۰۵: «رردویی» همان رردآبی است و بر حالت غلبه کردن

صفرا اطلاق می‌شود. در معنای آفتاب‌زدگی و سرگیجه ناسی ار

آن نیز به کار می‌رود در کتاب نه معنای احص «کسی که در

اتومبیل دلس نه هم می‌خورد» گرفته شده است

ص ۱۳۴: «کدواک» (کدو + ک تصعیر) نه کدوهای مستایی

گفته می‌شود نه نوعی علف.

ص ۱۸۳: «هیکلک» (هیکل + ک بصعیر) مصعّر هیکل است نه

به معنای خسته و کوفته.

(۶) برخی از واژه‌ها درست یا در حای خود صیغ نشده‌اند که در

اینجا صیغ درست درون برابر می‌آید.

ص ۱۸: «آفتو کورک» (اوفتو کورک، بر طبق ضبط ص ۳۰)

ص ۴۸: «باتله» (ماتیل)؛

ص ۵۹: «پیس آمد» (سس او مد prkumad)؛

ص ۷۹: «جش و هم‌جشی» (جش و هم‌جشی čašohamčasy)؛

ص ۹۱: «دجله» (دَرَجَن darjan)؛

ص ۹۱: «درخت تخمه گلگ» (دیل «تخمه گلگ»)

ص ۱۰۳: «دئیدن» (دویدیدن)؛

ص ۱۲۳: «عربونه و عرنه» صیغ آن ذیل حرف الف نیکوتر

است؛

ص ۱۴۶: «گادوسه» (گادیشه gādiša)؛

ص ۱۴۸: «گرد» (گَرَت gart، مانند «گَرَت نَخَوْدُک»)

۴

ص ۱۶۹: «نخودآب» (نخودو naxodow)؛

ص ۲۰۵: «آب نایین کردن» (او نایین کردن، بر طبق ضبط ص ۲۸).

(۷) توضیح همراه معانی برخی از واژه‌ها نارساست، مانند:

ص ۷۸: «خرس» (نه تنها در روستای ده بالا بلکه در شهر برد

نیز به کار می‌رود و گاه «čarz» نیز تلفظ می‌کنند)؛

ص ۸۷: «خورسیدی» (همان است که در معماری و گره و

مسبک‌سازی به آن «سَمسه» گویند)؛

ص ۹۳: «دُسبُل» (صورت دگرگون شده واره «دُرَبُل» است، در

فرهنگ فارسی معین دیل «دزبیه» آمده است «دزبیه = دربه =

دزبیه، غده‌ای بزرگ که ریر پوست باضم مخاطهای بدن بر آید،

دُسبُل، دُسبیل»؛

ص ۹۷: «دوک» (همان دوک بح رسی، و به سبب تاریکی نه

کنایه به افراد لاغر نر اطلاق می‌شود)؛

ص ۱۰۶: «زبجومه» (ریر حامه و نه طور احص ریر سلواری)؛

ص ۱۱۸: «سفتالو» (همان گونه که در فرهنگ فارسی معین،

دیل این واره آمده، در اکثر جاها هلو و سفتالو را مرادف با هم نه

کار می‌برند، در تهران به فتح و در یزد نه کسر «س» به کار

می‌رود)؛

ص ۱۳۲: «کاسه کو» (همان کاسکو، گونه‌ای از طوطی

است)؛

ص ۱۴۸: «گاس» (مخفف «گاه است» و به معنای گاهی، شاید

و احتمالاً).

(۸) در تکمیل معانی برخی از واژه‌ها افزودن توضیحات ریر

بیسهاد می‌شود:

ص ۱۸: «آکی» (از خطابهای کودکان به همدیگر)؛

ص ۲۵: «الف» (واره «فاس qās» در یزد بیشتر رایج است)؛

ص ۴۸: «باحوش کردن» (در روستای ده بالا، پادیش pādiš نیز

گویند)؛

ص ۷۰: «تیر و کمون» (در گویش یزد تیر تمونک irtamunok

رایجتر است)؛

ص ۷۴: «چندر چندر» (چندر چندر jendera jendera نیز به



کار می‌رود):

ص ۱۰۰: «راچینه» (راچونه rāčuna نیز گویند):

ص ۱۰۴: «ریشه متک» (مردم بهاباد یزد بدان ریشه ماکو māku گویند):

ص ۱۱۲: «سنگ کنی» (به معنای کسی را در زحمت انداختن و کسی را دنبال کاری سخت فرستادن نیز به کار می‌رود):

ص ۱۲۴: «غتمله» (غلمبه qolomba نیز گویند):

ص ۱۳۵: «کرکر کردن» (به معنای غرولند کردن نیز به کار می‌رود):

ص ۱۳۵: «کوروس» (سکل رایج آن در یزد کوروسک kurusok است، به معنای حالت هوز کردن توأم با افسردگی: کولورک kuluzok نیز گویند):

ص ۱۳۷: «کِف و کول» («کِف» به معنای کتف می‌بایست مدخل جداگانه می‌داشت):

ص ۱۵۲: «گوگرچین» (همچنین کنایه است از آدم سرگردان و حواس پرت):

ص ۱۵۹: «لوز بافلوا» از فلم افتاده است:

ص ۱۶۲: «مُتَوَصَا» (متوررا motavarzā نیز گویند):

ص ۱۶۳: «مرع از تخم رفتن» (بسیتر خطاب به شخص کریه صوب و ناچوس آواز به کار می‌رود خطاب به او گویند نحو که مُرعا از تخ رفتن):

ص ۱۷۱: «بوچه» (به برورس یافتگان لوطیان و برن بهادران سرگویند):

ص ۱۳۵ و ۱۷۲: «نون کرنو» (بسیتر در بخش سرفی یرد، بویه سهر بابک و دهج، بخته می‌سود).

۹) کلیشه کردن طرحهایی کوحک و گویا در کنار برچی از ابرارها و اسیای ناآشنا، مانند: «کلی»، «هَرُشُم»، «کُتک» می‌توانست به آشنایی بیستر با آنها کمک کند.

۱۰) واره‌هایی فاقد توضیح‌اند و تنها آوانوسی سده‌اند مانند.

ص ۲۴: «اسکنه سرکه‌سیره»، غذایی مرکب از تخم مرغ، بیاز، روغن، سرکه‌سیره و آب جوس.

ص ۲۴: «اسکنه مرزنگوس»، غذایی مرکب از برگهای گیاه مرزنگوش، روغن، بیاز، تخم مرغ و آب جوس.

ص ۲۴: در همین ماده «اشکنه گوری gowry» که نسبتاً اعیانی است و مرکب است از گوشت جرخ کرده، سیب زمینی، روغن، بیاز و آب جوش؛ و نیز «اشکنه سماوری یا فوری» که غذایی ساده است و مرکب از پیاز، روغن و آب جوش، و نیز «اسکنه آرتی arty» که همان «اشکنه مرزنگوش» است و با افزودن آرد تفت داده در

روغن تهیه می‌شود؛ و نیز «اشکنه آرده arda» که از آرده و آب جوش درست می‌شود؛ و نیز «اسکنه سیب زمینی» که از روغن، سیب زمینی، گوجه فرنگی و آب جوش درست می‌شود، از قلم افتاده است.

ص ۸۸: «خیار حاجی سیدحسینی»، خربزه سبزرنگ با پوست زبر.

ص ۸۸: «خیار خانمی»، خربزه‌ای که پوست صاف دارد.

ص ۸۹: «خیار رسیدی»، خربزه‌ای کشیده سبیه گرمک که به «خیار مندوایی» مشهور بوده است.

ص ۸۹: «خیار ریزوک»، خیار سبز ریزه که بیشتر در تهیه خیار سور به کار می‌رود.

ص ۸۹: «خیار سوسکی»، خربزه‌ای باریک به باریکی خیار حنبر که تخمه آن را از مسهد می‌آوردند و در فهرج یزد کاسته می‌شد و دیگر کسب نمی‌سود. و نیز، در همین ماده، «خیار نینگ seng» از فلم افتاده است.

ص ۱۴۸: «گرنه سه رنگ»، کلاً نراد گرنه‌های یزد و کرمان از نرادهای خوب این جا بودند. گرنه سه رنگ سسار ریا و حوسرنگ و معمولاً به رنگهای سیاه و سفید و خاکستری است. یردها معتقدند که بودن این گرنه در خانه سگون دارد و صاحبخانه را دولت مند می‌کند، بخصوص اگر از جس نر باشد: گرنه سه رنگ گر نر گردد

خادئات بر ارر گردد (نفل از عباس مسرت) ص ۱۴۸: «گرنه بیدجلی»، گرنه‌ای به رنگ دانه‌های بیداحیر (کَرَحْ) که تلفیقی ریا و جسم نواز از رنگهای سیاه و سفید و خاکستری و فیهوای و زرد است.

ص ۱۷۰: «نفل آلوحه»، نام دیگر «سکر نیر» است و به شکل آلوحه است.

ص ۱۷۰: «نفل بادومی»، نفلی که در میان آن مغز بادام نهاده باشند.

ص ۱۷۰: «نفل کریم خانی»، نفل بادامی درست که در خواصه عهد بر روی هم حیده و با سیره سکر به هم حسابانده می‌سود.

ص ۱۷۰: «نفل نارگیلی»، مغز آن خلال نارگیل است.

ص ۱۸۲: «هندونه تو زرد»، هندوانه گرد محلی است که از مروت یزد می‌آورند و داخل آن زرد و بخته‌های آن سیاه است.

حاشیه:

۴) مرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، امیرکبیر، چاپ هفتم، تهران،

۱۳۶۴

۵) همان کتاب

## ماده تاریخ: راهنمایی در تصحیح «خلاصة التواريخ»

مهدی صدری

خلاصة التواريخ. تألیف قاضی احمد بن شرف الدین الحسین الحسینی القمی. تصحیح دکتر احسان اشراقی. دو جلد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ۱۲۰۰ صفحه.

خلاصة التواريخ از مآخذ مهم تاریخ عصر صفوی است بخصوص بخش مربوط به وفایع نیمه دوم قرن دهم آن که در زمان حیات مورخ روی داده است. با تحصی که درباره رجال نیمه دوم قرن دهم دارم تو جهّم به این کتاب جلب شد و با مطالعه آن به لرزش و استباهاتی برخورد کردم که نمی توان بسادگی از آن گذشت و دیلاً آنها یاد می سود

کتاب فاقد علّنامه است و در بسیاری موارد اختلاف نسخ کلمه یا عبارت صحیح به صورت نسخه بدل در مانوست آمد است. به ماده تاریخها و محاسبه آنها نیز توجهی نشده است و موارد متعدد با سال واقعه سازگاری ندارد و متأسفانه این عدم مطابقت را مصحح تذکر نداده است.

در متون تاریخی، بخصوص در کتب تاریخ زمان صفویه، برآ: نبت وفایع، ماده تاریخ می سرودند. در عصر ما نیز، بویژه در مورد وفیات رجال، ماده تاریخ سرایی کمابیش رایج بوده است. ما، تاریخ برای تصحیح این نوع کتب تاریخی راهنمای خوبی است در مورد خلاصة التواريخ، از بررسی ماده تاریخها و استخراج سنوات واقعه از آنها و تطبیق آن با تاریخ وقوع واقعه حدّ برمی آید که اگر نسخه برلن اصل قرار داده می شد مناسب می بود. این نسخه حاوی اضافاتی مفید است و در بعضی موارد مطالب آن مکمل نسخ دیگر است.

اینک نتایج بررسی ماده تاریخها:

□ (ص ۱۶۳) ذیل وفایع سال ۹۳۲، ماده تاریخ در دورمیش خان شاملو ضمن مصرع «افسوس و هزار حیف افسوس» (۹۳۸) از یک رباعی ضبط شده که ظاهراً «افسوس حیف افسوس افسوس» (۹۳۲) به حذف «و» (۶) درست است

ص ۱۸۲: «هندونه سیا»، هندوانه ای است با پوست سیاه که معمولاً در قم کاشته می شود و به قمی معروف است، نوع دیگرش را از بلوک میبد یزد می آورند و تخمه های ریز سیاه (پاکستانی) دارد و به تخم شوکور نیز مشهور است.

ص ۱۸۲. «هندونه سیفید»، هندوانه ای به رنگ سبز روشن مایل به سفید که به «هندونه مهندسی» یا جیرفتی نیز معروف است. ص ۱۸۲: «هندونه کور ناغه ای»، هندوانه ای بیضی شکل با خطهای راه راه سبز بررنگ و کم رنگ

ص ۱۸۲. «هندونه گرجی»، هندوانه ای که تخمه های سفید دارد و بیشتر به «هندونه تخمه گرجی» مشهور است و در بلوک رستای یزد کاسه می سود

ص ۱۸۲: دیگر هندوانه هایی که در یزد نزد موه فروشان نام برده می سود عبارتند از: «هندونه ایرونی» (iruni) که از تخمه های منهدی و به رنگ سیاه است؛ «هندونه اهوازی»؛ «هندونه بلنگی» یا کُل بلنگی و «هندونه کُل باقلایی» که هر دو گرد و خط دارند و در همدان کاشته می شوند و به «هندونه همدونی» نیز معروف اند؛ و «هندونه مهندسی یا سیفید»

(۱۱) همان گونه که خود گردآورنده سر یادآور شده، برخی از واره ها را نواسته است از حیب آوا و آهنگ به گونه درستی ضبط کند، مانند: ایشون aysun (ص ۳۱)؛ نخود naxod (ص ۱۶۹)؛ نک nak (ص ۱۷۰)

(۱۲) این نکته نیز باید خاطر ساس سود که، حر در مواردی نادر، واره ها متعلق به شهر برد است و اگر بخواهیم واره های شهرها و روستاها و دیگر مناطق یزد (از جمله شهرهای اردکان، بافق، بفت، مهریز، میبد و روستاهای بهاباد، خرائی، بدوسن، نیز، همدس) را نیز فراهم آوریم و بر فرآورده واره نامه استان برد اطلاق کنیم، بی گمان حجمی حدّین برابر این خواهد داشت. (واره های زرتشتیان یزد خود مهوله ای است خدا)

چون کتاب در تیرار کم (هزار نسخه) به حاب رسیده، این امید را بدید می آورد که گردآورنده قصد دارد، با توجه به نقد و نظرها و افزودن واره های نو یافته، کتاب را برمایه تر برای حاب دوم مهیا سازد.

نگارنده نیز با گردآورنده (دیباچه، ص ۹ و ۱۰) همسخن شده اظهار امیدواری می کند که «دانش دوستان و همشهریانی که به پژوهشهای مربوط به یزد پرداخته اند، این رسته را بیش از این دنبال کنند و آن را به آنچه باید بنسود برسانند».

سخن آخر اینکه، بی گمان اقدام استاد ایرج افشار سایسته بسی فدردانی و ستایش است.

□ (ص ۲۸۲) ذیل وقایع سال ۹۴۵، تاریخ فتح سروان در ریح «از ادب سدره نسیبان فلک از می هم» (۹۴۰) ضمن دوبیت ک قصیده آمده که در نسخه برلن صورت صحیح آن، «وز ادب ره نسیبان فلک از می هم» (۹۴۵) «ور» به جای «ار» ضبط شده است.

□ (ص ۳۶۶) ذیل وقایع سال ۹۶۰، ماده تاریخ وفات راعبدالباقی ضمن مصرعی از یک قطعه رباعیه به این صورت: «که ز عالم به حوای رفتم» (۹۷۰) آمده است، که با سال به تطبیق نمی‌کند.

□ (ص ۳۸۶) ذیل وقایع سال ۹۶۳، وفات امیر اسدالله ستیری نر آمده و حال آنکه سال ولادت او سنه ۷۸۵ و بمات و بمات (۹۸۸) و عمرش ۸۶ سال ذکر شده است؛ ظاهراً، در تاریخ ولادت، ضبط نسخه برلن (سال ۸۸۸) درست است که بر اساس با توجه به سال وفات (۹۶۳) مدت عمر این شخص جای ۸۶ سال ۷۵ یا ۷۶ سال می‌شود.

□ (ص ۴۳۱) ذیل وقایع سال ۹۶۹، در سطر ۱۸ کلمه «س» به و در ذیل آن فقط یک مصرع دیده می‌شود. در نسخه بدل آن کلمه «مصرع» ضبط شده که درست است.

□ (ص ۴۳۵) ذیل وقایع سال ۹۶۹، مرگ مالک دیلمی، سنویس معروف، آمده است ولی عبارت ماده تاریخ «یا فو بر مالک» (۹۶۸) است.

□ (ص ۴۴۱) ذیل وقایع سال ۹۷۰، ماده تاریخ وفات حکم الدین ضمن مصرعی از قطعه سروده محتشم به صورت «سرور عالم» (۶۴۳) آمده که وجه صحیح آن برابر مادیوان محتشم، سخته خطی، شماره ۲۴۷۴، کتابخانه ملی ایران) چنین است: «رور اهل حکم» (۹۷۰) «حکم» به جای «عالم».

□ (ص ۵۶۰) ذیل وقایع سال ۹۷۶، سه بیت از قطعه‌ای از تسم کاسی به این شرح نقل شده است.

در این قصیه خو تاریخ خواستند ر من  
ز غیب داد یکی این دو مصرع بر من  
«نمود واقعه کر بلا بار دگر» (۹۶۲)

«عجب که تا به ابد نوحه بس کند دوران» (۹۸۱)

تو ای رفیق زهر مصرعی بجو تاریخ  
که من به گریه رفیق مرا چه فرصت آن

مورد مصرع دوم بیت دوم، ضبط «باید» به جای «به ابد» ناید تیار سود تا با سال واقعه (۹۷۶) تطبیق کند. اما در مورد مصرع ل این بیت باید خاطر نشان شود که به صورت مضبوط ورن ارد ظاهراً صورت صحیح مطابق است با ضبط نسخه «ن» به صورت: «نموده واقعه کر بلا جو بار دگر» (۹۷۶).

□ (ص ۵۶۱) باز ذیل وقایع سال ۹۷۶، ماده تاریخ کشته شدن معصوم بیک ضمن مصرع «حیف معصوم شهید راه حق» (۹۷۷) آمده است که یک سال با سال واقعه اختلاف دارد، و در ماده تاریخها بارها به یک سال اختلاف برمی‌خوریم.

□ (ص ۵۶۵) ذیل وقایع سال ۹۷۷، ماده تاریخ غرق شدن مرحجعفر کاسی برادر مرححدر معمای، که علامه زمان بود، در مصرعی از قطعه سروده محتشم به صورت «به دریای احل یونس فرو شد» (۹۸۲) آمده که ضبط درست آن «دریای...» (۹۷۷) (به حذف «ه») ناید باشد.

□ (ص ۶۱۹) ذیل وقایع سال ۹۸۴، مولانا محتشم کاسی درباره جلوس شاه اسمعیل نانی قصیده‌ای در سی و دو بیت سروده\* که از هر مصرع آن تاریخ ۹۸۴ (سال جلوس) استخراج می‌شود. اکثر اسباب این قصیده معلوم شده و گویای سال واقعه نیست و، در تسر موارد، اسکاال از حد بوسستن «به»، یعنی نقل در تصحیح و حات است و ابتدا به ذکر همین موارد می‌پردازیم:

مصرع دوم از بیت سوم، «به حارس» به جای «بحارس»؛ مصرع اول از بیت هفتم، «به اقبال» به جای «ناقبال»؛ مصرع دوم از بیت هشتم، «به کمال» به جای «بکمال»؛ مصرعهای اول و دوم از بیت نهم، «به هجا» به جای «بهجا» و «به ننان» به جای «بنان»؛ مصرع دوم از بیت دهم، «به اساسی» به جای «ناساسی»؛ مصرع اول از بیت بیستم، «به تکلف» به جای «تکلف»؛ مصرع اول از بیت سی ام، «به دوران» به جای «بدوران»؛ مصرع اول از بیت سی و دوم، «به رمر» به جای «برمر».

علاوه بر این، در اسباب دیگر اسکالهایی هست که ذیلاً خاطر نشان می‌شود:

مصرع اول از بیت سیم، «بارحان سب را اهدام این» که در آن، بر اساس گفته ساعر، ضبط درست «از اهدام» است؛ مصرع دوم از بیت یازدهم: «مانده رفاهیت کون و مکان» که در آن، ضبط «ماند» بر طبق نسخه بدلهای «مز» و «م» درست است؛ مصرع اول از بیت چهاردهم: «هست محال اینکه ببندد به فکر» که در آن، بر طبق گفته ساعر ضبط «آنکه» درست است و «به فکر» باید به صورت «بفکر» نوشته شود؛ بیت هفدهم: «کان رر تو سکه ساهی که کرد/ سکه در ایات به فلب و لسان» که در مصرع اول آن، «نو» به جای «تو» و در مصرع دوم «بفلب» به جای «به فلب» ضبط درست است؛ مصرع اول از بیت نوزدهم: «سد خو به این بحر دلی آسا» که در آن، ضبط «باین» به جای «به این» و ضبط «ولی» به جای «دلی» رفع اسکاال می‌کند؛ مصرع دوم از بیت بیست و یکم: «کس کند از اسم معما عیان» که در آن ضبط «کس» به جای «کس» و ضبط «رسم» به جای «اسم» مشکل را حل می‌کند؛ مصرع دوم از بیت

بیرام خان بهارلو (شهید سد محمد بیرم) به حساب جمل ۶۷ می شود و يك سال با تاریخ بیت واقعه اختلاف دارد.

□ (ص ۹۸۱) ذیل وقایع سال ۹۶۷، برای تاریخ آمدن سلطا بایزید نادرشاه روم به دربار ساه طهماسب، خواجه محمد میر خبیصی متخلص به \* ناطقی قطعه ای ساخته است که در آن، بی تاریخ این است.

گشت تاریخ سال آمدنش

فصر آمد... روم آورد

مصرع تاریخ نافص است. در باورهای اساره سده است که ظاهر مصرع ناند حین باشد: «فیسر آمد روم و روم آورد». لیکن از صورت سرحه از نظر معنی و حه از نظر تاریخ درست نیست زیرا به حساب جمل ۱۱۶۱ می سود و با تاریخ بیت واقعه مطابق ندارد.

□ (ص ۹۸۸) ذیل وقایع سال ۹۷۲، در تاریخ کشته شدن هراذ سیح کمال تربنی قطعه ای ساخته است که بیت تاریخ این است:

فتلس حو هسب باغب معموری هری

تاریخ قتل او سده «مأموری هراب»

که ضبط «مأموری هراب» نادرست و درست آن «معموری هراب» است که برابر با سال ۹۷۲ می سود.

□ (ص ۹۸۸) ذیل وقایع سال ۹۷۳، ماده تاریخ قتل ع سلطان (مردۀ قتل علی سلطان اوربك آمدن) به حساب جمل ۷/ می سود که با تاریخ ست واقعه مطابقت ندارد.

□ (ص ۱۰۰۷) ذیل وقایع سال ۹۸۴، ماده تاریخ مرگ سلط مصطفی میرزا (میررای بهستی) به حساب جمل ۹۸۵ می سود يك سال با تاریخ ست واقعه اختلاف دارد.

□ (ص ۱۰۳۵) ذیل وقایع سال ۹۹۲، تاریخ ازدواج سلط حمزه میرزا ناهمه علیا اغلان ناسا خانم را سیح بهایی در بیت درج کرده است.

حو حیر عقود بود از روی سرف

تاریخ وفود سد «حیر عقود»

که در آن وزن مختل است و عبارت «حیر عقود» نیز به حساب جمل ۹۹۰ می سود و با تاریخ ست واقعه مطابقت ندارد.

□ (ص ۱۰۴۵) ذیل وقایع سال ۹۹۴، ماده تاریخ مرگ عثمان (گوفرعون نانی) به حساب جمل ۹۹۳ می سود که يك سال تاریخ بیت واقعه اختلاف دارد.

حاشیه:

\* این قصیده در دیوان جایی محتشم نیست و با نسخه های تصحیح شدۀ محتشم مطبوعه، متعلق به شاعر و فاضل گرامر حساب آقای مصطفی به سخته حطی دیوان محتشم به شماره ۲۴۷۴ کتابخانه ملی ایران مقاله و اصلا است.

بیست و چهارم: «شادی و اصلاح جهان بر کران» که در آن، ضبط «شاهی» به جای «شادی» درست است؛ مصرع دوم از بیت بیست و نشتم: «فاعده های نواین خاکدان» که در آن به رسم قدیم «های» غیر ملفوظ در جمع بستن کلمه به «ها» در کتاب حذف می شود و بدین سان ضبط «فاعده های» (مطابق با نسخه بدلهای «ن» و «م») به جای «فاعده های» باید اختیار شود؛ بیت بیست و هشتم: «گرچه به لوح دل دانای خود/ زد روم از مدب امن و امان» که باید در مصرع اول آن، ضبط «لوح» به جای «به لوح» اختیار شود و در مصرع دوم «ار» بر طبق نسخه بدلهای «ب» و «م» و «ن» حذف گردد؛ مصرع دوم از سب سی و یکم: «کامد يك فکر از این داستان» که در آن بر طبق نسخه «م» ضبط «کامده» به جای «کامد» باید اختیار شود و «ارایی» به صورت «ارین» در آید.

□ (ص ۶۷۰) ذیل وقایع سال ۹۸۶، در مورد اعطای منصب صدارت بواب مرسمس الدس محمد کرمانی، میرحیدر معامی کاسی ماده تاریخی سروده است و ست ماده تاریخ این است.

گفتد چهارسان بی اس تاریخ

آمد صدر رمان نه افلم عرای

که باید ضبط «نافلیم» به جای «نه افلم» در آن اختیار شود □ (ص ۷۳۶) ذیل وقایع سال ۹۹۰، مولانا فوام الدین سراری، در مورد دستگیری و قتل قلندر کوه کلویه، ماده تاریخ ذیل را ساخته است

حو تاریخ این فتح می حواسم

«گر بر مخالف» موافق فساد

لیکن «گیر مخالف» به حساب جمل ۹۸۸ می سود که با تاریخ بیت واقعه مطابقت ندارد

□ تاریخ وقایع در سرصفحه های صفحات ۷۳۷ تا ۷۴۳، به جای ۹۹۱، ۹۹۰ و در سرصفحه های صفحات ۷۷۳ تا ۷۷۵ و صفحات ۸۰۹ و ۸۱۱ و ۸۱۳ به جای ۹۹۴، ۹۹۳ ذکر شده است.

□ هرم بدی صفحات ۸۲۵ تا ۸۴۰ (۱۶ صفحه) آسته است □ (ص ۸۴۴) ذیل وقایع سال ۹۹۴، در ماده تاریخ کسه سدن سلطان حمزه (آه از کشتن سلطان حمزه)، «حمزه» غلط مطبعی است و باید به «حمزه» تصحیح شود

□ (ص ۹۳۸) ذیل وقایع سال ۹۲۴، ماده تاریخ قتل مولانا امیدی رازی (آه از خون ناحی من آه) به حساب جمل ۹۲۵ می سود.

□ (ص ۹۵۸) ذیل وقایع سال ۹۴۹، ماده تاریخ وفات

امیرغیاث الدین منصور «عقل حادی عسر نماد نجا» ضبط شده

که به حساب جمل ۹۴۴ می سود که در آن وجه صحیح احتمالی به جای «نماد»، «نمانده» است.

□ (ص ۹۸۱) ذیل وقایع سال ۹۶۶، ماده تاریخ کشته شدن



## زندگی صلاح‌الدین ایوبی

لر شاندور، صلاح‌الدین ایوبی. ترجمه محمدقاضی. تهران: انتشارات رین. ۱۳۶۹. ۵۸۱ ص. ۴۰۰ تومان

یوسف بن ایوب معروف به صلاح‌الدین ایوبی (۵۳۲ تکریم-۵۸۹ دمشق) از نامدارترین سرداران اسلام است. سبب نام‌آوری او حد حیز است؛ نخست اسکه به فولی تنها سردار کرد است که بواسطه در یک سرزمین عرب حکومت نسبتاً مستقل بدید آورد و سلسله‌ای بنیاد گذارد که از ۵۶۷ تا ۶۴۷ در مصر و تا ۶۸۳ در حماه دوام آورد. دوم اینکه او سلطنت خانواده فاطمی، و به قول خودسان خلافت این خانواده را که از سال ۳۵۹ بر مصر و غالباً بر حریره العرب فرمان می‌راندند، برانداخت و باردیگر سلطه عباسیان را بر مصر استوار ساخت. سوم، و مهمتر از همه، اینکه در روزگار صلاح‌الدین صلیبها که از حدود یک قرن پیش از آن بر سام و فلسطین و بخشی از اردن حیره شده بودند برابر سکستهای سختی که از او خوردند، موفتاً خندگاهی آن سرزمینها را به مسلمانان رها کردید و شاید اگر شخصیت بیکارجو و دوراندیسی حو صلاح‌الدین در برابر ایسان فد نرنیفر استه بود سرنوشتی دیگر در عالم اسلام رهم می‌خورد.

آگاهی ما فارسی زبانان از کارها و زندگی صلاح‌الدین، با آنکه نام او را بسیار شنیده‌ایم، پس اندک است. ظاهراً تاکنون سه کتاب افسانه‌آمیز اندک مایه و شتابزده درباره او به زبان فارسی حاب شده است که به خواندن نمی‌ارزند: نخست کتابی سراسر ساحتگی در دو جلد در قطع جیبی با عنوان یوسف ایران: صلاح‌الدین، نوشته فروزان کرمانی، که محل حاب و تاریخ انتشار آن معلوم نیست و صلاح‌الدین را به ابومسلم بیوند زده است. دوم کتابی در قطع رحلی در ۱۵۷ صفحه با نام صلاح‌الدین ایوبی، نوشته جرجی زیدان و ترجمه محمدعلی سیرازی، که توسط انتشارات گنجینه در «مورخ ۲۲/۱۲/۳۵» به نیت کتابخانه ملی رسیده است و نام مؤلف و مترجم کتاب معرف گویای محتوای آن است. سوم کتابی تحت عنوان صلاح‌الدین ایوبی و حد گفتار دیگر از مهرداد مهرین در ۹۶ صفحه که دقیقاً نیمی از آن به زندگی و احوال صلاح‌الدین تعلق دارد، و ترجمه و اقتباسی است از چند نوشته انگلیسی زبان مخصوصاً کتاب صلاح‌الدین از استابلی لین-پول. لذا انتشار کتاب حاضر کاری است در

خور تقدیر، زیرا که از برکت آن خواننده آگاهی دقیق و کاملی از زندگی صلاح‌الدین و تحولات سیاسی و نظامی روزگار او به دست می‌آورد.

کتاب حاضر به حد دلیل در خور توجه است: نخست اینکه تنها کتاب فرانسوی است که مستقلاً درباره صلاح‌الدین نوشته شده است دوم اینکه فهرمان کتاب به فول نویسنده ان «تاب‌ترین سردار اسلام» است. سوم اینکه تنها کتابی است که به سیوه علمی و مستند درباره زندگی صلاح‌الدین در دسترس خوانندگان فارسی زبانان فرار می‌گیرد. چهارم اینکه مترجم آن، محمدقاضی، مترجم نامدار و برکار روزگار ماست که مستغنی از توصیف است و به حهاب گوناگون کسی بهتر از او برای ترجمه این کتاب یافت نمی‌سد

البته برگرداندن يك کتاب از فرانسوی به فارسی، آنهم کتابی تاریخی که حاوی بررسی و فایع نهصد سال بیس است، ساده و آسان نیست. دسواری کار مخصوصاً از این ناسی می‌سود که کتاب آکنده از اسامی خاص اسخاص و حفرافیایی است که اولاً بسیاری از آنها از میان رفته‌اند نه در فرهنگها و خود دارند و نه در نمسه‌ها یافت می‌سوند؛ ماننا آن اسامی هم که بازمانده‌اند چندان تعییر سکل داده‌اند که انطبای سکل امروزی آنها با اسخاص و اماکن آن روزگاران کاری است کارستان که خوشوفتانه مترجم بدان توحه داشته و حوب از عهده اجام آن برآمده و نهایت کوسس را برای سناختن و به دست دادن شکل درست اسامی به کار برده است. ضبط ففر (ص ۱۴۷) که متأسفانه امروزه به صورت «کفر» در زبان و بیان ما راه یافته است، یا فصر نجم‌الریاح (ص ۳۲۰) که نویسنده در اصل به صورت «فصر ستاره بادها» ارائه داده بوده است، از نموه‌های دفت و سواس آمیز مترجم است. با وجود این در جای جای کتاب سهوهایی روی داده است. مثلاً وقتی «بنیامین دو تودل» را به صورت «بنیامین تودلایی» ضبط می‌کنیم (ص ۳۱) و هیچ ایرادی هم در آن نیست، دلیلی ندارد که مثلاً «رنودوساتیون» (ص ۲۴) را «رنوی ساتیونی» ننویسیم و نیز «کنب سارت» به جای «کنت دوسازت» (ص ۳۵۷). علاوه بر این صورت فرنگی یا لاتینی اسامی مرتباً تکرار شده است و حال آنکه همان ضبط اول کفایت می‌کرده است. و بالاخره دو یادآوری در مورد ضبط فارسی دو اسم: کراک در صفحه ۱۹۷ نادرست است و درست آن کِرک است بدون «الف»، و نیز صورت فارسی و عربی «جریسو» (ص ۳۰۷) «اریحا» ست.

صرف نظر از این نکته‌های کوچک باید گفت که کتاب حاضر جای خالی «سردار بزرگ اسلام» را در زبان و ادب فارسی پر می‌کند و کار مترجم ارجمند آن زحمتی است مشکورو مأجور. ع. ر.

شیمی و مهندسی شیمی و معادلهای فارسی آنها از کتابهایی که منتشر شده است توانسته است بس از نزدیک به ده سال تلاش مجموعه‌ای تحت عنوان واژگان شیمی و مهندسی شیمی منتشر کند. سودمندی این واژگان در آن است که گزینش معادلهای مناسب در برابر واژه‌های خارجی را امکان‌پذیر می‌سازد. مجموعه حاضر شامل واژه‌های به کار رفته در یکصد جلد کتاب است که از سال ۱۳۲۵ تا سال ۱۳۶۴ منتشر شده است. چنین مجموعه‌ای هنگامی می‌تواند مفید واقع شود که همچون یک بانک اطلاعاتی در هر زمان حاوی معادلهای به کار رفته در کتابهایی باشد که تا آن تاریخ منتشر شده است. پیش‌بینی می‌شود ویرایشهای جدید این واژگان در سالهای آینده با استفاده از منابع بیشتر به صورت منظم منتشر شود.

واژگان شیمی و مهندسی شیمی شامل بیش از ۱۵۰۰۰ واژه و اصطلاح انگلیسی است که با احتساب تعدد معادلهای هر واژه و بسامدها حدود ۴۰۰۰۰ واژه فارسی می‌شود. در تدوین این مجموعه دخل و تصرفی در واژه‌های استخراج شده به عمل نیامده است، بدین ترتیب می‌توان در بررسیهای زبان‌سنجی و کار واژه‌گزینی با اعتماد بستری به آن مراجعه کرد.

مجموعه حاضر در دو بخش انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی تنظیم شده است. در بخش اول می‌توان تمام معادلهای فارسی را که در برابر یک واژه انگلیسی آمده است ملاحظه کرد. در بخش دوم به عکس ملاحظه می‌شود یک واژه فارسی در برابر چه واژه‌های انگلیسی به کار رفته است. واژگان شیمی و مهندسی شیمی برای زبان‌شناسان، مؤلفان مترجمان و دست‌اندرکاران شیمی و مهندسی شیمی قابل استفاده است  
س. م

## واژگان شیمی و مهندسی شیمی

واژگان شیمی و مهندسی شیمی. انگلیسی-فارسی، فارسی-انگلیسی. ویرایش اول. گردآوری علی پورجوادی مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. ۷۳ ص. رحلی. گالینگور.

جمعه و تألیف کتابهای شیمی همچون ترجمه و تألیف در دیگر شاخه‌های علمی با مشکلات بسیاری روبه‌روست. از مهمترین بین مشکلات انتخاب یا وضع معادل فارسی برای واژه‌های تخصصی است. تجربه‌ها و فعالیتهای چنددهه گذشته گره‌ها را برای مروسامان دادن و یافتن راه و روشی خاص در معادل‌سازی تا مدی مفید بوده ولی به علل گوناگون، از جمله پراکندگی و عدم مکرر و احیاناً غیر علمی بودن، نتیجه مطلوبی ندانسته است. با این حال هر زمان که بنا باشد کاری در این زمینه انجام شود، سترسی به فعالیتهای گذشته و معادلهای ساخته شده بیسیب همیب فراوان خواهد داشت. از طرف دیگر، یکی از خصوصیات کتابهای درسی این است که زبان مسرک داشته باشند چرا که ناهماهنگی در استفاده از اصطلاحات علمی موجب اغتشاس مفهوم در ذهن خوانندگان می‌شود.

گروه شیمی مرکز سر دانشگاهی با جمع‌آوری واژه‌های

## مجله زبان‌شناسی

نشریه مرکز نشر دانشگاهی

سال هفتم، شماره اول  
با مطالب زیر منتشر شد

### مقاله

■ پیرامون 'را' در زبان فارسی

■ تحلیلی بر رده‌شناسی زبان

■ ویژگیهای رده‌شناختی زبان فارسی

■ تحول پسوند حاصل مصدر از بهلوی به فارسی

■ صرف اسم در زبان سفدی

دکتر محمد دبیرمقدم

دکتر یدالله نمره

دکتر علی‌اشرف صادقی

دکتر بدرالزمان قریب

■ نامشناسی داستانی

نقد و معرفی کتاب

■ جبهه‌های سیاسی زبان‌شناسی

گزارش

■ نخستین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی

خلاصه مقالات به انگلیسی

احمد اخوت

(دکتر اسماعیل فقیه)

(دکتر محمد دبیرمقدم)



## طرحی مفید برای پیشبرد پژوهشهای سبک‌شناسی

دکتر سعید حمدیان

برایشان جوابی اندیشیده شده باشد. تهیه منبعی موسوم به فرهنگ بسامدی برای کلیه متون شعر و نثر همراه با تمام اطلاعات و آمارگیریهایی لازم اولیه که بالقوه در تحقیقات مربوطه به کار می‌تواند آمد، و همچنین دستورهای تاریخی و فرهنگهای تاریخی، اساسی‌ترین گام در راه علمی کردن استنتاجات و تحلیلهای سبک‌شناختی است، همچنان که این نوع منابع در سایر صنوف تحقیقات زبانی و ادبی و حتی برخی زمینه‌های مشترک میان رمان و ادبیات و سایر رشته‌های علوم انسانی نیز به کار می‌آید.

مدتی قبل، دوست داسمید فارسی‌ساز و رئیس گروه مطالعات اروپایی-آساسی داسگاه ویز با ارسال نامه‌ای به وزارت ارشاد اسلامی قصد گروه خود را دایر بر اجرای طرحی برای کمک به پژوهشهای سبک‌شناختی بر مبنای حدود بیست تا سی متن شعری فارسی اعلام داسب و در ضمن آن ار ورارن مذکور برای اجرای این طرح بره‌ریه و عظیم کمک مالی خواست. متعاف آن، وزارت ارشاد از انحناف (و ساند هم از برخی افراد دیگر آسنا با این رمینه) در باب ارس و فایده طرح بطرح‌خواهی کرد، و سده نیز با توجه به احساس نیاز سندی که سنده‌ای از آن گفته آمد باسح مسب خود را نه آن ورارن اعلام داسب. اکنون بسی مایه مسرت است که می‌بیند این طرح به مرحله عمل درآمده و ان شاء الله در صورت آگاهی اهل فن از آن باسراب خاص خود را در پژوهشهای سبک‌شناسی و ساخه‌های حول و حوس آن آسکار خواهد ساحب.

ناری، گروه ایپالایی مجری طرح حاضر نیز همان احساس و نظر را دارد که نگارنده این سطور، و آن را در مقدمه راهمایی که به زبان انگلیسی برای تسریح کم و کیف و حگونگی استفاده از رسته تألیف مورد نظر نوشته‌اند در میان نهاده‌اند. آنان به درستی متذکر عجب ماندگی این سعبه از علم ادب و علل آن سده و راه حل عملی را برای رفع این نفیصه در آن دیده‌اند که به عنوان نخستین گام بر روی متون شعر غنائی فارسی (اعم از غزلیات و تغزل و تنسیب‌های فصاید) کار کنند، و برطبق توضیحات خودسان عجالاً متونی را مورد بررسی قرار می‌دهند که طبع منفع و استفادی از آنها به دست ساسد. نحوه کار حنان است که از هر متن یک‌هزار بیت به صورت غزله‌ها یا نسبیهای کامل اختیار می‌کنند و به شرحی که خواهیم گفت بسامدگیریهایی گوناگون و جداول و نمودارهای لازم را در خصوص هر شاعر در مجلدی جداگانه در اختیار جویندگان می‌گذارند تا از آنها به عنوان مواد خام در پژوهشهای خود سود جویند. گروه مذکور تاکنون سه مجلد از رسته تألیفات خود را به ترتیب درباره حافظ و بابا فغانی شیرازی و طالب آملی به چاپ رسانده و چونان طلائه مجلدات بعدی به ایران فرستاده

اما از خود ترسیده‌ایم که چرا تحقیقات سبک‌شناختی-همچون برخی رمینه‌های دیگر پژوهس در رمان و ادب فارسی-ار فرط ففر به سانی ففر می‌ماند و تا بدین حد سترن است؟ و چرا هنوز حر حدان مهمی به کوسسهای آغار سده در حهل سجاه سال سس، بوبره به دست سادروان ملك السعراى بهار، افزوده نسنده است؟ اطمینان دارم که دست اندرکاران ادب، خاصه اساتید دردا ساسایی که به تدریس درس سبک‌شناسی نظم و نثر می‌پردازند این را از خود می‌برسند. اما جوابی اجمالی که نگارنده می‌تواند به این برس بدهد این است: تحقیقات و تألیفات محدود و معدود مادر این رمینه مهم بدبختانه تاکنون کمتر بر بایه‌های استوار از روس سناسی علمی و منابع مبنایی، بوبره آمارها و بسامدگیریه‌ها و محاسبات و استنتاجات متفن از مواد و مصالح کار، استوار بوده است. نمی‌خواهم یا نمی‌توانم منکر زحماتی سوم که اهل تحقیق تاکنون با دست خالی در این راه کسیده و حاصل آن را به صورت حد کتاب و مقاله به تسنگان این وادی عرضه داشته‌اند؛ و به گمانم خود این افراد بهتر از هر کسی می‌دانند که این گونه تلاشها را بایه‌های کامل و بی خلل دانستن یا تعارف است و یا خود گول زدن، در هر حال بدور از سأن علم و تحقیق است. حقیقت این است که کوسسهای انجام سده در این زمینه بیستر حنبه برخورد حصی داشته و عمدتاً بر بایه ذوق، دید، دریافت، تجربه، حافظه و الاغاب شخصی (و به قول فرنگیان impressionistic) با گرندیده است که بی شک محدود و خلل پذیر خواهد بود، زیرا برای گرفتن یج علمی یا تقریباً علمی صرفاً نمی‌توان به عوامل یاد سده اتکا کثفا کرد. چنین است که هنوز بسیاری از مقولات و مسائل در ن سعبه پژوهشی حتی مطرح نسنده، تا چه رسد به این که

ست، با این مشخصات:

1) Daniela Meneghini Correale. *Hafez; Concordance and Lexical Repertories of 1000 Lines* Venezia, 1989, 438p.

2) Roscianach Habibi [and] Riccardo Zipoli. *Faghan Concordance and Lexical Repertories of 1000 Lines*. Venezia, 1989, 415p

3) Daniela Meneghini Correale. *Taleb Concordance and Lexical Repertories of 1000 Lines* Venezia, 1990

مچنین عنوان کلی این رشته تألیفات «*Lirica Persica*» (شعر نرلی فارسی) است.

شکل کلی کار در بخشهایی از هر کتاب همانند کتابی است که بلا به مناسبت برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت حافظ (۱۳۶۷) با مشخصات زیر انتشار داده‌اند:

Daniela Meneghini Correale. *The Ghazals of Hafez Concordance and Vocabulary* Roma, 1988.

(برای اطلاع بیسنر درباره این اثر بنگرید به مقاله‌ای که گارنده در معرفی و نقد آن در شماره اول از سال نهم همین مجله آذر و دی ۱۳۶۷-بوسته است).

و اما مشخصات راهنمایی که گروه برای تسریع جزئیات و فایده طرح خود انتشار داده است حسن است.

Daniela Meneghini Correale, Giampaolo Urbani, Riccardo Zipoli. *Handbook of Lirica persica* Venezia, 1989, 116p

در این راهنما پس از مقدمه‌ای در باب وضعیت بروهسهای مربوط به سبک‌سازی (که قبلاً بدان اسارت رفت)، مطالبی از این گونه آمده است. زمینه بروهس، مثل اسعار و ساعران مورد نظر؛ متدولوری بروهس، شامل توضیحاتی در باب متون حاسی، کار با کامپیوتر، نمونه‌برداری، آوانویسی اسعار و نحوه استخراج دخیلها؛ توضیح درباره اهداف بروهس، چگونه سسرود طلاعات بدست آمده؛ تسریع ساختمان و بخشهای مختلف هر يك از مجلدات؛ و بالاخره توضیحاتی درباره حبه‌های فنی کار با کامپیوتر.

در این جا بحسهای مختلفی از محلد مربوط به فغانی را به عنوان نمونه به اختصار معرفی می‌کنیم (البته ساختار همه کتابها یکسان است):

(۱) فهرست عزلها.

(۲) متن یکهزار بیت از غزلیات ساعر، که البته به حروف الفبای لاتینی و نیز با استعاده از نسانه‌های فونتیکی آوانویسی شده است.

(۳) فهرست بسامدی به ترتیب الفبایی، بدین سان که در مقابل هر مدخل، بسامد یا «فرکانس» (یعنی تعداد دفعات کاربرد در هر بیت مذکور) و محل ظهور واره در متن به ترتیب نشان داده شده است، و هر مدخل به متن آوانویسی شده بیتگفتار ارجاع می‌شود. بدیهی است که ترتیب الفبایی موحود با الفبای فارسی

تفاوت دارد، چنان که مثلاً حرف «ع» (Θ) نخستین حرف در این فهرست است.

(۴) فهرست الفبایی معکوس، به این صورت که مدخیلها از حرف آخر به سمت اول ترتیب یافته و مقابل هر کدام بسامد آن ذکر شده است. \*

(۵) فهرست واژه‌ها بر حسب بسامد؛ در این فهرست، مدخیلها به ترتیب عدد بسامد (از بالاترین تا پایین‌ترین) مرتب شده‌اند، چنان که مثلاً کسره اضافه (ε) با بالاترین عدد در رأس قرار گرفته و س از آن افلام بر کار بردی مل «که»، «از»، «با»، آمده است، و بر همین فیاس تا پایین‌ترین بسامد (عدد يك).

(۶) جدول شماره ۱، حاوی آمارها و محاسبات کلی از جهات مختلف.

(۷) فهرست بسامدی اجزای کلمات، بدین صورت که عناصری که جزء دوم هر کلمه مرکب را تشکیل می‌دهند به ترتیب الفبایی همراه با بسامد آن آمده‌اند، مانند عنان در ترکیب «هم عنان»، عیار در «ناك عیار» و عدار در «گلعدار».

(۸) فهرست بسامدی صورتهای کاربردی هر ماده به ترتیب الفبایی، بدین سان که ابتدا اصل ماده و بسامد مجموع صورتهای کاربردی آن ذکر شده و سپس در مقابل آن هر يك از صورتهای همراه با بسامد خاص خود آمده است. برای مثال در قسم حرف «ع» ابتدا آمده «عاسق» و مقابل آن عدد ۳۶، یعنی این کلمه و مستقبات آن جمعاً ۳۶ بار در شعر فعاسی به کار رفته، و انگاه در جلو آن آمده است:

24 Θaseq  
8 Θaseqan  
4 Θossaq

نابر این معلوم می‌شود که عاسق ۲۴ بار، عاسقان ۸ بار و عساو ۲ بار در متن ظاهر شده که بر روی هم بالغ بر همان ۳۶ بار می‌شود البته جابحه کلمه‌ای فقط به يك صورت به کار رفته باشد (مثل واره «داب») خود آن با بسامد مربوطه ذکر گردیده است.

(۹) فهرست صورتهای کاربردی (مذکور در ذیل شماره ۸) ترتیب بسامد واره‌ها، یعنی مثلاً کسره اضافه با بسامد ۲۵۰۹ در رأس و واره «داب» با بسامد ۱ در انتهای فهرست قرار گرفته است.

(۱۰ تا ۱۴) جدولهای شماره ۲ تا ۶، به همان صورت که در ذیل شماره ۶ ذکر شد.

(۱۵) نمودارهای مختلفی که بر اساس اطلاعات مندرج در جدولهای پیشگفته ترسیم شده است (جمعاً ۲۹ فقره) منحنی‌های موجود برای پژوهندگان می‌تواند شاخصهایی تعیین برخی ویژگیهای سبک‌شناختی باشد.



۱۶) فهرست بسامدی هر غزل به صورت جداگانه آمده، یعنی می کلمات و عناصر دستوری موجود در هر شعر به ترتیب از 'ترین تا پایین ترین بسامد مرتب گردیده است.

به نظر اینجانب طرح حاضر با توجه به فواید عملی آن در ببرد و ارتقای سطح نزو هس و همچنین کمک سایانی که به سازی متدولوژی تحقیق می تواند کرد، دریغ است که مهجور و استفاده بماند یا نهایتاً بهره گیری از آن به سماری معدود از ادب محدود شود. به خصوص که رهبر طرح، بروفسور ولی، در نامهٔ پیشگفته اظهار داشته بود که حیزی در حدود ۶۰ خه از رشته تألیفات مربوط به این طرح را برای هموطنان قه مند ما به ایران خواهند فرستاد، با فید این که تعداد قه مندان مسلماً بیش از این نخواهد بود. البته با توجه به خالی ن رمینۀ این گونه برو هسها احتمال می رود که تعداد برو هندگان ک سناسی و دست اندرکاران نیازمند به این نوع منابع مبنایی ن از اینها باشد، و لذا در صورتی که اطلاعات لازم و کافی از ئونگی طرح و طرق استفاده از آن در اختیار تسنگان این وادی ار گیرد، شاید تخمین مذکور دقیق ناسد؛ بیا بر این در ایجا به ریان طرح بیسناد می کنم که برای گسرس هر چه بیستر صل رحما ب خودسان حزوه ای کوحک به زبان فارسی حاوی اهیهای لارم دربارهٔ طرح و طرز استفاده از آن انتشار دهند تا آن ته از دست اندرکاران زبان و ادب فارسی که کمتر با ریان ئلیسی آسنایی دارند از وجود این طرح آگاه و به بهره گیری ار انگخته شوند.

در خاتمه جا دارد که وزارت ارساد اسلامی به منظور مه کوسسهای محققان ایتالیایی و نسر و گسترش حاصل آن در حل کسور اولاً ترتیبی دهد که از کارهای متسره به دست ایسان حه هایی به تعداد کافی برای استفاده کتابخانه ها و افراد علاقه در سراسر کسور توریع گردد؛ باباً ار آن حا که ممکن ب استفاده از صورت فعلی این رسته تألیفات با توحه به ابویسی و ترتب الفبای لاتینی برای برو هندگان ایرانی تا نودی دسوار باشد، با تقبل زحمتی، که در برابر آن دوستان الیایی ناچیز خواهد بود و مثلاً به عنوان يك طرح برو هسی حت مفید، راهنمایی کامل، شامل تمامی اطلاعات لارم در باب س کار در سبك شناسی، همراه با نمونه ای حتی محدود از سیوه استخراج مواد بر مبنای یکی از متون فارسی، سامدگیری، تهیه داوول حاوی در صدگیری های لازم برای استنتاج مربوطه و ایر ملزومات آن تهیه و میان علاقه مندان منتظر توزیع کنند، تا مان نسود که این کوسس و خدمت برگ فارسی دانان بر ایرانی در مملکت ما بلا استفاده و بی دنباله بماند و ما همحنان ماماده از قافله پژوهشهای روسمندانه جدید.

نظر اجمالی به

## چند کتاب چاپ خارج



### روایت تاجیک داستانهای کوتاه ایرانی

*Hikoiatohi Eron, Navisandagani Mouasiri, Ibarat ae do cild, Došanbe, Adib, 1988- 1989, 336+331 p*

داستانهای ایرانی ار نویسندگان معاصر، در دو حلد، دوشنبه [تاجیکستان]، انتشارات ادیب، ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، ۳۳۶+۳۳۱ ص.

حنانکه در مقدمۀ کتاب آمده است باره ای از کسانی که دربارهٔ ادبیات معاصر ایران تحقیق کرده اند علی اکبر دهخدا را بنیادگذار داستان کوتاه در ادبیات امرور ایران می دانند. البته ساده نویسی در عصر فاجار به همب نویسندگانی حون قائم مقام فراهانی، سهر، رصافلیحان هدایب، سیح احمد روحی، ملکم حان، طالوف، مراغه ای، میرزا آفاخان کرمانی، میرا حبیب اصفهانی آغار سد اما توسط دهخدا و اسلافس به کمال رسید و به دست محمدعلی جمالزاده سکل تازه به حود گرفت. «فارسی سکر اسب» حمالزاده اولی داستان کوتاه در ادبیات معاصر فارسی اسب که در آن نویسده هم باکیزگی و یگانگی زبان ملی را مورد توحه قرار داده و هم ار بیعدالتی و هرح و مرج نکوهش کرده اسب اما دوره سلطن رضا ساه که «همحون دوره سباه تاریخ ایران معروف اسب، برای اهل ادب و برای رواج علم و هر حیلی نامساعد بود. هر گونه آزاداندیسی و آزادی بیان و زویه دموکراسی مورد تعقیب نیروهای ارتجاعی... قرار می گرفت... و ادیبان بیسرو کسور، میراده عسفی، فرحی یردی، بهار، بزرگ علوی و امال اینها گرفتار سکنحه و اسارب سدند». در عین حال «صادق هدایت توانست بر ضد سیاست تعصب آمیز و ستمکارانه دولت و بیسامانی کسور... به مبارزه برخیزد» او یک «حکایه نویس برجسته اسب... که از بی سراجامی وطن، و فقر و بینوایی ملت

پیوسته ناراحت» است.

نویسندگان دیگر روش جمالزاده و هدایت را در داستان نویسی دنبال کردند و آثار عمده بدید آوردند. غالب آثار این نویسندگان در شوروی ترجمه و حاب شده است. اما در تاجیکستان که زبان مردمس فارسی است تاکنون کمتر نام و نشانی از نویسندگان معاصر ایران دکر سده است. به همین جهت فراهم آوردندگان دوجلد کتاب حاضر آثار غالب این نویسندگان را به زبان فارسی تاحیک و به خط روسی درآورده اند تا خوانندگان تاجیک با ادبیات معاصر فارسی آشنایی بیابند. نام این نویسندگان و عنوان برخی از فسه هایسان به این شرح است.

● جلد یکم

- علی اکبر دهخدا (ص ۱۴ تا ۳۷). حرنند و برید،
- سید محمد علی جمالزاده (۳۸ تا ۹۶): فارسی سکر است...
- سعید نفیسی (۹۷ تا ۱۲۳). راه آدم سدن..
- صادق هدایت (۱۲۴ تا ۱۷۲): داس آکل، آبجی خانم....
- بزرگ علوی (۱۷۳ تا ۲۲۳): گیلهمرد، ..
- محمد حجاری (۲۲۴ تا ۲۸۲): مناجاب، ..
- محمود اعتمادزاده (به آدین) (۲۸۳ تا ۳۰۲). ربر سف

آسمان....

- جواد فاضل (۳۰۳ تا ۳۲۸)....

● جلد دوم

- صادق حوئك (۳ تا ۲۵): اسب حوئی، دوست....
- جلال آل احمد (۲۶ تا ۸۸): زن زیادی، سوه
- آمریکایی،.... و
- غلامحسین ساعدی (۸۹ تا ۱۱۹)،
- رسول پرویری (۱۲۰ تا ۱۳۱)،
- فریدون تنکابنی (۱۳۲ تا ۱۶۷)،
- سیمین دانشور (۱۶۸ تا ۲۱۲)،
- جمال میرصادقی (۲۱۳ تا ۲۵۱)،
- خسرو ساهانی (۲۵۲ تا ۲۸۰)،
- صمد بهرنگی (۲۸۱ تا ۲۹۶)،
- نادر ابراهیمی (۲۹۷ تا ۳۲۵).

فراهم آوردندگان این کتاب مقدمه ای در دوارده صفحه در ابتدای جلد اول درباره ادبیات معاصر فارسی آورده اند. این مقدمه را آقای میرزا ملا احمد به خط فارسی درآورده و ماسین کرده و برای نشر دانش فرستاده است. خلاصه ای از شرح احوال نویسندگان نیز در پایان هر جلد آمده است.

## راهزنی اعراب در «خلیج فارس»

QASIMI, Sultan Muhammad *The Myth of Arab Piracy in Gulf*, London, Routledge, 1988, 244 p, 20 photos

سلطان محمد القاسمی. *افسانه راهزنیهای اعراب در خلیج فارس*. ل انتشارات راتلج. ۱۹۸۸. ۲۴۴ ص، ۲۰ تصویر.

انگلیسیها از اوایل قرن یازدهم هجری به خلیج فارس راه یافته در اواخر این قرن به صورت قدرت فائق بر آنجا دست انداخته حیرگی خود را گسترش دادند. بهانه ایسان برای دست انداز سلطه یابی، راهزنی دریایی اعراب و ناامنی در آبهای خلیج فا بود.

نویسنده کتاب حاضر کوسیده است تا این اتهام را رفع کسان دهد که موضوع «خطر راهزنی و ناامنی» اصلاً صاحب ندا و گردانندگان سرک هند شرقی آن را جعل کرده بودند تا بهانه برای نفوذ در خلیج فارس بیابند و منافع بازرگانی خود را افزا دهند. هدف اسان از میان بردن رهاب کستیرانی دریانور بومی بود که به هندوستان رفت و آمد می کردند. عمده دریانور آن روزگار «غواصان» بودند و به همین نام شهر یافته اند چون سرک هند شرقی ناو جنگی برای درهم سکستن ناو آنان نداسب، بر آن شد تا دولت انگلیس را وادارد تا نیروی در جنگی خود را وارد معرکه کند و به کمک آن اداره دریانوردی خلیج فارس را در دست خود بگیرد. شرکت هند شرقی برای به این مقصود دست به تحریف اخبار و جعل اطلاعات سرانجام دولت انگلیس را متقاعد کرد که غواصان دزد در هستند و امنیت بازرگانی را در آبهای اقیانوس هند و دریای به خطر انداخته اند. این فعالیت دشمنانه چندان ادامه یاف سرانجام انگلیس در سالهای ۱۲۲۵ تا ۱۲۲۷ ه. ق. رأس ال را اشغال و تصرف کرد و غواصان را برای همیشه از میان بردا. کتاب حاضر حاصل تحقیق و واریسی دقیق و منظم بایگان بمبئی و اسناد قدیمی شرکت هند شرقی است و روشنایی تا بر یکی از دورانهای تاریک یکی از حساسترین مناطق می اندازد و پرده از اسرار شرکت هند شرقی که در دوران انگلیس با نیرنگ و خدعه بر هندوستان و منطقه خلیج فارس

## باز هم بنیادگرایی اسلامی

AHMAD, Amin Husayn et alia. *Le défi du fondamentalisme islamique*, Genève, Laber et Fides, 1988, 115p.

حسین امین احمد و همکاران. ستیز بنیادگرایی اسلامی. ژنو. لابر+فید. ۱۹۸۸ ۱۱۵ص.

این کتاب از چند مقاله فراهم آمده که نویسندگان آنها عبارتند از: حسین احمد امین، دو اپالزا، رنه کان، سیمون ژارگی، سی. کالر، ا. مطهری، اس. نائف و... که همگی از کارشناسان جهان غرب و جهان اسلام هستند.

بدیهی است که میان نویسندگان اختلاف رأی و سلیقه وجود دارد اما کوشش همه ایشان معطوف به این است که بدیده مذهبی را که در سالهای اخیر پیدا شده است و اسلام رزمنده امروز نماینده و معرف آن است، بساسند و توضیح بدهند. در واقع دو عالم متفاوت یعنی مسیحیت و اسلام که در طی پانزده قرن رودر روی یکدیگر بودند امروزه هر دو رودروی بدیده بازگست به دین ناب و حصلت ررمندگی آن هستند زیرا که حرکت اسلامی سالهای اخیر به عالم اسلام محدود نمانده و موجب بروز یک حرکت عمومی مذهبی در جهان شده است.

## کاخ سفارت ایتالیا در تهران

PIEMONTESE, Angelo Michele (ed), *The Italian Embassy in Tehran*, Padova (Italy), Sezione Culturale dell'Ambasciata d'Italia in Iran, 1990, 80p., illustr

تهران قدیم، مخصوصاً قسمتهای شمالی آن از دیربار پوشیده از باغ بوده است. این باغها که غالباً به بزرگان دربار و دولت تعلق داشتند، س از آنکه تهران بزرگ سد، در داخل شهر قرار گرفتند و اندک اندک، بخصوص در دوره پهلوی از باغ به اماکن مسکونی تبدیل شدند. اما آن دسته از باغها که در تصرف خانواده‌های مرفه و یا سفارتخانه‌های خارجی بودند کمابیش از گزند ویرانی و «بساز و بفروسی» در امان ماندند که باغهای سفارت ایتالیا از آن حمله است.

یکی از رجال دوره مظفرالدین ساه به نام حاج عبدالله فراگزولو، که حاج امیرنظام لقب داشت، هنگام مرگ سه باغ در تهران برای سه پسر خود به ارث گذاشت. یکی از این سه پسر حسینقلی خان فراگزولو نام داشت که در ۱۳۰۴ ش. باغ و استخر و ساختمان بیرونی و حق آبه قنات باغ را به سفارت ایتالیا فروخت. این باغ و استخر بزرگ آن در سمت غربی خیابان حسن آباد

مد، بر می دارد.

نویسنده کتاب که حاکم شارجه و فارغ التحصیل دوره دکتری تاریخ از دانشگاه انگیزی «اکستر» است با تحقیق جدی و عمیق مود توانسته است گوشه‌های تاریک بخشی از تاریخ منطقه را وسن کند و به کمک اسناد و مدارک مسلم کتاب خود را به صورت دعانامه‌ای علیه سلطه‌جویی انگلیس در آورد. یک کتاب شناسی تنمادی، که البته مورد استناد مؤلف بوده است، به اررس کتاب فروده است.

## جنگ پایان یافته افغانستان

BRIGOT, André et Olivier Roy *The War in Afghanistan*, New York/ London/ Sydney/ Tokyo, éd. Harvester 1988, 157 p

درد بریگو (و) اولیوی به رونا. جنگ در افغانستان. نیویورک/ لندن/ سیدنی/ توکیو. انتشارات هاروستر. ۱۹۸۸. ۱۵۷ص.

کتاب حاضر گزارشی است از چگونگی مداخله نظامی شوروی در افغانستان و وضعیت جنگی آنجا و چگونگی مقاومت نیروهای مجاهد و مسائل مرتبط با مداخله و جنگ و مقاومت. علاوه بر این بررسی بنیادها و ساختارهای اجتماعی و سیاسی نهضتهای مقاومت و سیاست شوروی و عوارض و آثار بین‌المللی این بحران هم از نظر مؤلفان دور نمانده است.

به این ترتیب، با آنکه نیروهای شوروی افغانستان را ترك کرده‌اند، کتاب حاضر به سبب استعمال بر اطلاعات دقیق و عمیق کمک عمده‌ای به فهم مسائل افغانستان، اوضاع سیاسی منطقه، سیاست خارجی شوروی و چگونگی سربرآوردن نیروهای اسلامی در برابر نیروی مهاجم می‌کند.

نویسندگان کتاب از کارشناسان خبره و صاحب نظر و نامدار در مسائل افغانستان به شمار می‌روند و توانسته‌اند بابر خوردار از کمک يك مؤسسه که کارش کمک دارویی به جهان سوم است به افغانستان بروند و در محل به تحقیق بپردازند. از اولیوی به رونا قبلاً کتابی با عنوان اسلام و مقاومت در افغانستان (دانشگاه کیمبریج، ۱۹۸۶) چاپ شده است.

گنجینه‌هایی از معماری و هنر ایران دوره قاجار را در دل خود نهفته دارد.

## تصوف و روان‌شناسی

Mortazavi, Djamchid. *Soufisme et psychologie*, Monaco, Ed. du Rocher, 1989, 255 p

جمشید مرتضوی تصوف و روان‌شناسی، موناکو، انتشارات روش، ۱۹۸۹، ۲۵۵ ص.

نویسنده کتاب دکتر ادیب و استاد سابق دانشگاه تبریز است. آثار او بسیر درباره تصوف، مسایح متصوفه و نمادگرایی در ایران است. کتاب حاضر را با اشاره به چند مفهوم اساسی در تصوف و عرفان اسلامی، زندگی معنوی و اتحاد با خدا آغار می‌کند. آن به موضوع اصلی کتاب می‌پردازد یعنی روان‌شناسی، خودکاوی انسان معنوی که می‌کوشد خود را از بدیها و نقصه‌ها برهاند و از حمزه دهنی بیرون رود و نه فنا برسد. روشنی‌ورهای روح مسلمین صاحب خود است. لذا نویسنده مسائل مربوط به سماریهای دهنی را مطرح می‌کند و به بررسی مفاهیم مربوط به ناخودآگاهی می‌پردازد.

روس نویسنده عمدتاً متکی بر روایت قصه و تاریخ برای روس کردن موضوعهای مورد بررسی است. این قصه‌ها و تاریخها همه از فارسی ترجمه شده است و به نظر نویسنده «بها» و سله با ابراری است که يك تحلیل روان‌ساختی و حتی تحققی درباره حامه‌شناسی تاریخی و روان‌سازسی اجتماعی در مورد متصوفه در اختیار دارد». هدف او نوشتن کتاب تازه‌ای درباره تصوف بوده است زیرا که در این باره کتاب فراوان وجود دارد، بلکه گفت و گو از روان‌سازسی متصوفه از ورای داستانهای ایرانی بوده است.

آزاد بروجردی

(حافظ) فرار داسب و در شمال آن حیابانی دیده می‌شد که به سبب وجود چند سفارتخانه در آنجا به «بولوار سفارت» شهرت یافت و بعدها حیابان فراسه (بولوار لوساتو) نام گرفت. سفارت ایتالیا پس از تملك باغ و بیرونی می‌آنکه دسب به ترکیب ساحمان برید عمارت دیگری در آنجا ساخت که نقشه آن را مارکوف معمار معروف روسی کشیده بود (همان که طرح میدان توپخانه و رندان قصر را داده است) که ترکیبی است از معماری سنی ایرانی و معماری مدرن اروپایی. این بنا امروزه محل سفارت و اقامتگاه رستمایی سفیر است.

سفارت ایتالیا در سال ۱۳۱۹ س. يك باغ و عمارت تاستانی در تهران خرید. این باغ که دارای دو عمارت سرونی و اندرونی است و به باغ فرمانیه هم معروف است در انتهای رسم آباد فرار دارد و ساحمانهای آن دسب کم در حدود ۱۲۰ سال بیس ساخته شده است.

بخش فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران برای معرفی این دو بنای قدیمی و نفس يك کتاب مضور بسیار زیبا انتشار داده است که در آن علاوه بر بیان تاریخچه بناها، آثار دهنیمت موجود در آنها مانند کاسیکاری، منبت کاری، تابلو نقاشی و... معرفی شده‌اند. از آنجا که همه کس بحب راهبانی به داخل سفارتخانه و مساهده اس بناهای زیبا و آثار نفیس مکنون در آنها را ندارد، حاب کتاب حاضر اقدامی بس سودمند و درخور تقدیر است و امید است که سرمسمی خوب برای سفارتخانه‌های قدیمی دیگر باشد که هر يك

## مجله شیمی

از انتشارات مرکز سر داسگاهی

(سال سوم، شماره سوم، آذر - اسفند ۱۳۶۹)

منتشر شد

■ عنوان برخی از مقاله‌ها:

□ شیمی در چین باستان و قرون وسطی

□ دستوارگی جهان

□ امواج سیمایی

□ بنزین بدون سرب و ارتباط آن با صنایع سیمایی

□ زمین شیمی زغال سنگ

□ نقد و معرفی کتابهای تازه و نشریه‌های ادواری

## کلیات

### ● دایرة المعارفها

۱) طاهری عراقی، احمد (و) سید مصطفی میرسلیم (و) نصرالله پورجوادی (زیر نظر) دانشنامه جهان اسلام (حرف ب، جزوه اول). تهران بنیاد دایرة المعارف اسلامی. ۱۳۶۹. ۱۶۰ ص. مصور. نقشه. ۲۸×۲۱ سانت.

دانشنامه جهان اسلام دایرة المعارفها است در باره شریعت اسلام و تاریخ و تمدن و فرهنگ ملل مسلمان از صدر اسلام تا کنون که مباحث گسترده ای چون علوم قرآنی و حدیث و فقه و کلام، عرفان و فلسفه و ادبیات و هنر، سیره اشیاء و اولیاء و ائمه (ع)، سرح حال و اراء مفسران و محدثان و فقها و متکلمان و فلاسفه و حکما و عرفا و مورخان و شاعران و هنرمندان عالم اسلام، تاریخ سیاسی اسلام و سرگذشت خلفا و سلاطین و وررا و خاندانهای حاکم، جغرافیای کشورها و بلاد اسلامی و مباحثی از این دست را در بر دارد مدحلهای این دایرة المعارفها از منابعی چون دایرة المعارفها اسلام، دایرة المعارفها ایرانیکا، اسلام آسیکلو پیدیسی (ترکیه)، و غیره انتخاب و ترجمه شده است، اما بخشی از مقالات نیز، بخصوص آنچه درباره اسلام و ایران و ادب فارسی است، اختصاصا برای همین دانشنامه تألیف شده است فرار است از این سن هر چند ماه یک حروه از این دانشنامه انتشار یابد

۲) موسوی بختوردی، کاظم (زیر نظر) دائرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۳ (این ارق- این سیرس) تهران مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی ۱۳۶۹ یارده + ۷۴۳ ص ۱۰۰۰۰ نسخه. ۱۰۰۰۰ ریال

جلد بحسب این دایرة المعارفها در سال ۱۳۶۷ منتشر شده است رک سرداس، س ۹، س ۳

۳) عاقلی، ناصر روز شمار تاریخ ایران (از مشروطه تا انقلاب اسلامی) [ج ۱]. تهران نشر گفتار ۱۳۶۹. ۴۸۲ ص. مصور. فهرست راهنما ۶۴۰۰ ریال.

روز شمار حوادث تاریخی مهم ایران به ترتیب زمان و وقوع از روز ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ خورشیدی (صدور فرمان حکومت مشروطه توسط مظفر الدین شاه) تا پایان روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (سموط حکومت ملی دکتر مصدق) است روز شمار دنباله این وقایع تا قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در جلد دوم کتاب ارائه خواهد شد بخشی از کتاب اختصاص به ضمانت و تعلیماتی دارد که متن فرادادهای، بیمه های نظامی، اعلامیه های مهم، نظمها، و مقالات حساس را شامل می شود

### ● فهرست، کتابشناسی

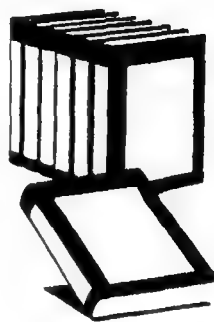
۴) حاشی، شهراد کتابشناسی نقد فیلمهای ایرانی (۱۳۶۷). تهران. فیلمخانه ملی ایران (با همکاری) دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۶۹. ۲۱۱ ص. جدول. نمودار. فهرست ۱۰۰۰ نسخه ۸۶۰ ریال

این کتاب در واقع دنباله کتابشناسی نقد فیلمهای ایرانی (۱۳۵۸-۱۳۶۶) است که به معرفی بدهای سال ۱۳۶۷ اختصاص دارد تقریبا کلیه بدهایی که در سال ۱۳۶۷ در کتابها و سریات گوناگون بر فیلمهای فارسی (اعم از فیلمهای سینمایی بلند و کوتاه و فیلمها و سریالهای تلویزیونی) نوشته شده در این کتاب معرفی شده است

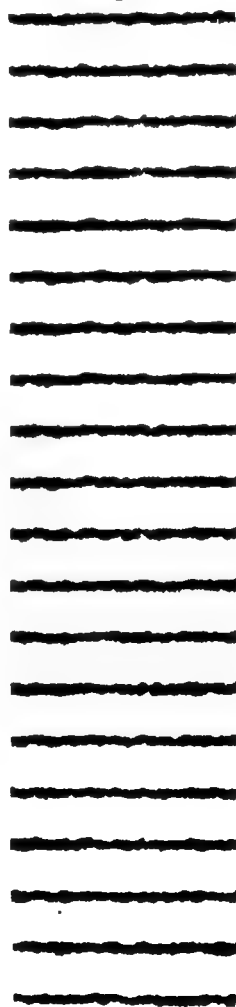
۵) سارمان اسناد ملی ایران، دفتر پژوهش و تحقیقات فهرست اسناد علاءالدوله و حشمت الدوله. بی جا. بی تا. ۵۲۲ ص. فهرست اعلام ۱۰۰۰ نسخه. ؟ ریال

بخش اول کتاب به اسناد محمد رحیم خان علاءالدوله، وزیر دربار ناصر الدین شاه اختصاص دارد و شامل ۶۲۸ قطعه سند است بخش دوم کتاب به اسناد حشمت الدوله حمزه میرزا، عموی ناصر الدین شاه و امیر جنگ و والی خراسان، و عبدالله میرزا حشمت الدوله، برادرزاده حمزه میرزا، اختصاص دارد که در ۴ بخش با عناوین نامه ها، نامه های بیم ورمی، دستورالعمل ها و تلگرافات تنظیم شده است.

## کتابهای تازه



امید طیب زاده



موضوعاتی چون تاریخ، دین، فلسفه و غیره منتشر بشود. «رودکی و اختراع رباعی»، «اس سینا یکی از دانشمندان بزرگ ایران»، «شاهنامه فردوسی شاهکار سخنوری و سخنرانی»، «افکار و عقاید مولوی»، «میرزا محمدعلی اصفهانی»، «استاد بهمنیار»، عنوان برخی از مقالات کتاب است.

## ● اسناد

۱۴/ اسناد افتخار. تهران. سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۶۹. ۱۵۹ ص. ۴۰۰ ریال.

کتاب شامل نامه‌های مبادله شده میان رؤسای جمهوری ایران و عراق پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است

## دین، عرفان و فلسفه

### ● اسلام

۱۵/ چهاردهی، نورالدین، اسرار فرق خاکسار- اهل حق. تهران. بیک فرهنگ. ۱۳۶۹. ۳۱۹ ص. مصور. فهرست راهنما. ۱۲۰۰ ریال.

۱۶/ شیبستری، شیخ محمود (و) دیگران. مجموعه رسائل عوارف المعارف (از آثار عرفای نامی). تهران کتابخانه احمدی شیراز ۳۷۵ ص. ۳۰۰۰ نسخه

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از رسالات و اسعار برخی از عرفا و شعرای بزرگ اسلامی «حق الیقین» و «مرآت المحققین» از شیخ محمود شیبستری، «نورالوحده» از حواحه حوراء معری، «کبرالرموز» از میرحسینی، «اصول و فروع دین استدلالی» و «اسرارالغلو» از بوعلی‌سنا، ترجیع بند ناصر خسرو، و ترجیع بند هاف اصفهانی، عنوان برخی از مطالب کتاب است

۱۷/ شهید ثانی اسرار نماز (ترجمه اسرارالصلوة) ترجمه علی‌اکبر مهدی‌پور تهران انتشارات کعبه ۱۴۱۰ هـ ۲۷۸ ص. فهرستها. ۵۰۰۰ نسخه ۶۵۰ ریال.

شرح و طایف فنی مبارک‌دار و حصه رطب وی در این امر، از موضوعات عمده کتاب است

۱۸/ صالحی کرمانی، محمدرضا. درآمدی بر علوم قرآنی. تهران جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران. ۱۳۶۹. ۲۸۳ ص. ۱۱۰۰ ریال.

«علوم قرآنی»، «مادی علوم قرآنی»، «طه‌سندی علوم قرآنی»، «روس تحقیق در علوم قرآنی»، «علم تفسیر»، «تاریخ قرآن»، «علم تحوید» و غیره عناوین برخی فصلهای کتاب است

۱۹/ طباطبایی، [علامه] سیدمحمدحسین، نهایة الحکمة ترجمه علی شیروانی هندی. تهران. انتشارات الزهراء ۱۳۶۹. ۱۹۵ ص. ۴۴۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل یک دوره فشرده فلسفه اسلامی است که علامه طباطبایی آن را به عنوان اولین کتاب درسی، به جای کتب قدیمی فلسفه برای طلاب حوزه‌های علمی نوشته است.

### ● فلسفه غرب

۲۰/ برت، ادوین آرتور مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (و) مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹. پنجاه و چهار + ۳۴۵ ص. فهرست اعلام و موضوعات ۲۳۵۰ ریال.

نویسنده کتاب از جمله فلاسفه‌ای است که با اندیشه پوریتویستی غالب در فلسفه تاریخ علم مقابله کرده‌اند این کتاب، با اینکه چندین دهه از تألیف آن می‌گذرد، هنوز اهمیت خود را حفظ کرده است «کهریک و کپلر»، «گالیله»، «دکارت»، «فلسفه بریتانیا در قرن هفدهم»، «گیلبرت و بویل»، «متافیزیک نیوتن»، عناوین برخی فصلهای کتاب است

۶/ — فهرست راهنمای اسناد آماده بهره‌برداری. بی‌جا. سازمان اسناد ملی ایران. بی‌تا. ۱۱۰ ص. ۱۰۰۰ نسخه ۲ ریال.

«فهرست اسناد و موقوفات»، «مالکیت و زمین»، «فهرست اسناد انتصاب، امور حقوقی و سایر امور مملکتی» عناوین مطالب کتاب است ذکر محل و تاریخ انتشار و مشخص ساحتی نهایی کتاب کمترین انتظاری است که از دست‌اندرکاران تهیه فهرستهای تخصصی می‌توان داشت

۷/ رعیت علی‌آبادی، مریم (و) شهرزاد طاهری لطنی (و) نوشین عمرانی. مقاله‌نامه‌ری (مجموعه منابع فرهنگی-سیماهی) ۴/ تهران دفتر پژوهشهای فرهنگی. ۱۳۶۸ [توریع ۶۹]. ۲۳۶ ص. ۸۵۰ ریال

فهرست موضوعی مقاله‌هایی است که درباره مسائل مختلف مربوط به زبان در شریات گوناگون و مجموعه‌های مقالات قبل و بعد از انقلاب در ایران انتشار یافته است

۸/ فهرست مندرجات مجلات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی (دوره پنجم، شماره چهار (۲۰)، بهار ۱۳۶۸).

شامل فهرست گزیده مندرجات مجلات بهار ۱۳۶۸، موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است.

۹/ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتابخانه ۶۹ (فهرست کتب منتشره خرداد ۱۳۶۹) تهران مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی. ۱۳۶۹. ۱۶۹ ص. نمایه. جدول. ۱۰۰۰ نسخه. ۲۰۰ ریال.

در این ماه ۶۵۶ عنوان کتاب با ۴۲۵۰۶۵۰ تیراژ منتشر شده است

۱۰/ — کتابنامه ۷۰ (فهرست کتب منتشره تیر ۱۳۶۹) تهران مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی. ۱۳۶۹. ۱۷۳ ص. نمایه. ۱۰۰۰ نسخه. ۲۰۰ ریال.

در نیمه‌ماه ۱۳۶۹، ۷۰۲ عنوان کتاب شامل کتابهای چاپ اول و چاپ چندم و کتابهای هست جاری منتشر شده است

### ● کتابداری و اطلاع‌رسانی

۱۱/ احسان اغلو، اکمل‌الدین (و) دیگران. شبکه اطلاع‌رسانی در کشورهای اسلامی ترجمه عبدالحمید آذرننگ (و) دیگران تهران. دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۶۹. ۱۴۰ ص. نمودار ۷۵۰ ریال

مجموعه سخنرانیهایی است که از میان ۵۰ سخنرانی و گزارش عرصه شده در سومین کنگره متخصصان علوم اطلاع‌رسانی و کتابداری (ترکیه، ۱۳۶۸) انتخاب شده است.

### ● مجموعه‌ها

۱۲/ میرشکاک، یوسفعلی. ستیز با خویشتن و جهان (مجموعه مقالات). تهران. انتشارات برگ. ۱۳۶۹. ۱۷۲ ص. ۱۱۰۰۰ نسخه ۵۲۰ ریال.

مجموعه مقالاتی است درباره هنر و ادبیات و تاریخ که بیش از این در برخی از روزنامه‌ها و نشریات به چاپ رسیده است

۱۳/ همایی، جلال‌الدین. مقالات ادبی تهران. مؤسسه نشرها ۱۳۶۹. ۴۹۶ ص. ۳۳۰۰ نسخه. ۳۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر مشتمل بر ۲۵ مقاله در زمینه ادب ایرانی است طاهراً این کتاب نخستین محله از مجموعه‌ای است که قرار است از آثار استاد درباره

## ● سیاست

۲۱) استوارت میل، جان. تأملاتی در حکومت انتخابی. ترجمه علی رامین. تهران. نشر نی. ۱۳۶۹. ۲۹۴ ص. ۱۵۰۰ ریال.

جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳)، فیلسوف و سیاستمدار انگلیسی، در این کتاب، که نخستین چاپ آن به سال ۱۸۶۱ صورت گرفته، درباره فلسفه سیاسی و عقاید خود در خصوص نظریه عمومی حکومت و بهادهای دموکراتیک و همچنین مسائل سیاسی عصر خود بحث می‌کند.

۲۲) اسلامی، مسعود. ریشه‌یابی مواضع و عملکرد کویت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران (بررسی موقعیت کشورهای کوچک در روابط بین‌الملل). تهران. نشر همراهِ. ۱۳۶۹. ۳۶۲ ص. ۱۱۰۰ ریال.

۲۳) پادووانی، مارسل. آخرین سالهای مافیا ترجمه عباس آگاهی مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۲۴۳ ص. ۹۷۰ ریال

بویسده تاریخچه و عملکرد سازمان مافیا را از ابتدا تا سال ۱۹۸۷ تحلیل کرده و ارتباط آن را با نهادهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و حکومتی در ایتالیا، خصوصاً در سیسیل و بالرمو، مورد بحث قرار می‌دهد.

۲۴) پارسادوست، موجهر. نقش عراق در شروع جنگ (همراه با بررسی تاریخ عراق و اندیشه‌های حزب بعث). تهران شرکت سهامی انتشار. ۱۳۶۹. ۴۲۴ ص. نمایه ۲۹۰۰ ریال.

بررسی سرباط جغرافیایی و پیشینه تاریخی عراق تا قبل از روی کار آمدن حزب بعث، بحث درباره اندیشه‌های ایدئولوژیک و سیاسی حزب بعث، روابط حزب بعث از ابتدای تشکیل خود با ایران، آسکار سدن بحسین گرایسهای جنگ طلبانه حزب بعث، فعالیت‌های دیپلماسی و نظامی عراق برای شروع جنگ، و بالاخره اهداف عراق از آغاز درگیری با ایران از جمله مطالب کتاب است. از این بویسده کتاب دیگری با عنوان ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق (۱۳۶۸، ج ۴) به چاپ رسیده است.

۲۵) چامسکی، نوم مثلث سرنوشت (آمریکا، اسرائیل و فلسطینها). ترجمه هرمز همایون‌پور بخش اول تهران نشر آگاه. ۱۳۶۹. ۴۴۵ ص. ۲۱۰۰ ریال.

نوم چامسکی ریاض‌شناس بررگ و معتمد معروف نظام اجتماعی آمریکا در این کتاب با استناد به آمارها و اطلاعات سیاسی و نظامی و اقتصادی به تشریح اوضاع حاورمیان به پرداخته و از همدستی آمریکا و اسرائیل در نایمال کردن حقوق فلسطینیان سخن گفته است. به اعتقاد چامسکی دولت امریکا باید هرچه سریعتر از تأمین تدارکات نظامی اسرائیل و دفاع کردن از آن کشور دست بردارد و بکوشد تا حواسته‌های رحق اسرائیلیان و فلسطینیان هر دو برآورده شود. او به اثبات این نظر می‌کوشد که با افرایش یافتن قدرت نظامی اسرائیل فرصت برای چنین کاری هر سال کمتر از سال پیش می‌شود و شاید به رودی مرحله‌ای پدید آید که برای اسرائیل، فلسطین و تمام جهان خطرناک باشد. نخستین بار این کتاب در سال ۱۹۸۳ در انگلستان به چاپ رسیده است.

۲۶) دوبوروگار، فیلیپ (و) دیگران. سیاست آسیایی چین. ترجمه عباس آگاهی. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۳۲۰ ص. نقشه. ۱۳۰۰ ص.

به اعتقاد نویسندگان کتاب، برای روشن ساختن جگویی توسعه استراتژی کلی چین و ارزیابی نتایج حاصل از آن، و برای پی بردن به سیاست خارجی چین و نقش آن در سیاست جهانی، لازم است قبل از هر چیز سیاست منطقه‌ای چین یعنی اهداف و عملکرد آن کشور در آسیا بررسی شود. بررسی مسائل مهم مورد مبارعه مرزی و مسائل مربوط به قلمروهای از دست رفته (تایوان، هنگ کنگ و ماکائو)، بررسی روابط چین با مهمترین همسایگانش (ژاپن، هند، ویتنام، و کشورهای آسه‌آن)، مطالعه چگونگی کنار آمدن چین با کشمکشها و برخوردهای نزدیک به آن کشور در کره، هندوچین و افغانستان- از جمله مسائل مورد بحث در کتاب است.

۲۷) زینوویف، الکساندر. کاتاستروفیکا (دهکده‌های پوتمکین گورباچف) - با مقاله‌ای از هنری کسینجر درباره گورباچف. ترجمه

عبدالرحمن صدریه. تهران نشر آبی ۱۳۶۹. ۱۹۸ ص. ۸۵۰ ریال.

کلمه «کاتاستروفیکا» مرکب است از جزء اول لغت یونانی «کاتاستروف» (فاجعه) و جزء دوم لغت روسی پراسر ویکا بویسده برای اشاره به حرایات اخیر شوروی به طمع از این کلمه خودساخته استفاده می‌کند. به اعتقاد او، ظهور گورباچفسم در شوروی به هیچ‌وجه بدیده تازه‌ای نیست، تنها چیر تازه آن اهمیت است که رسانه‌های گروھی عرب به آن می‌دهند. او در تحلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی شوروی، امکان عملی بودن پراسر ویکا را بکسره متنی می‌داند.

۲۸) روا، اولیور افغانستان، اسلام و نوگرایی سیاسی ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم مشهد آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۳۵۸ ص. نقشه فهرست اعلام ۱۴۰۰ ریال

به اعتقاد بویسده، بهشت مقاومت افغانستان از یکسو ریشه در سنتهای قدیم جهان اسلام دارد و از سوی دیگر از حسس تحدید حیات دینی که امروزه جهان اسلام را فرا گرفته بدنه می‌کند. او بنیادگرایی اسلامی را به بهشت بروستانهای مسیحی قرن ساردهم تنسبه می‌کند «دولت و جامعه در افغانستان»، «اسلام در افغانستان»، «مبانی سادگرایی افغان و بهشتهای مردمی تا سال ۱۹۴۷»، «اصلاحات کمونیستها و سرکوبی (۱۹۷۸-۷۹)»، «استقرار احزاب از سال ۱۹۷۹»، «حضور سیمان در بهشت مقاومت» از جمله عناوین فصلهای کتاب است.

۲۹) سید قطب. چرا اعدام کردید ترجمه مصطفی اربابی. بلوچستان. کتابروشی خالدن ولید سراوان ۱۳۶۹. ۸۶ ص. ۳۰۰۰ نسخه ۵۰۰ ریال.

حانکه در مقدمه کتاب آمده، این کتاب سیدی است که سید قطب خود آن را به رسته تحریر درآورده است. از آنجا که مطالب کتاب عموماً در پاسخ به سؤالات نارحویان مطرح شده و حدیث نار بیر از ریردست نارحویان گذشته است، اعتماد جدایی به صحت آن نیست، معهدا در حای حای کتاب نکاتی به چشم می‌جورد که بنابر برخی از عقاید سید قطب است.

۳۰) گلدمن، مارشال بیکار گورباچف (اصلاحات اقتصادی در عصر تکنولوژی) ترجمه حسین حکیم‌زاده جهرمی. تهران. فرهنگ معاصر. ۱۳۶۹. ۳۸۵ ص. جدول. طرح. ۱۴۵۰ ریال.

۳۱) مور، برینگتن. ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دمکراسی (نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو)، ترجمه حسین بشیریه. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. بیست و دو + ۳۹۶ ص. فهرست راهنما. ۵۰۰۰ نسخه. ۲۲۰۰ ریال

بویسده به قصد کشف راههای مختلف توسعه و بوساری. قوانین تحول سیاسی و اجتماعی در حوامع متنی بر نظام رمیداری، و با بهره‌گیری از روش جامعه‌شناسی تطبیقی تاریخی، می‌کوشد ریشه‌های تاریخی اوضاع سیاسی جهان معاصر را نشان دهد و چگونگی تحول جامعه سنتی به جامعه صنعتی را روشن سازد. او برخلاف مارکسیستها که عدم توسعه برخی از کشورها را ناشی از استثمار شدن آن کشورها توسط کشورهای قدرتمند می‌داند، معتقد است که مهمترین عامل در توسعه یا عقب‌ماندگی عبارت از عوامل داخلی است. او همچنین برخلاف ماکس وبر که عوامل پیدایش سرمایه‌داری را در ساختار اعتقادی و اخلاقی مذهبی جستجو می‌کند، معتقد است که عوامل فرهنگی در همه حال بازتاب عوامل اجتماعی است. مترحم برای مفهوم تر ساختن مطالب کتاب برای خوانندگان ایرانی برخی از حرئیات و مثالهای تاریخی کتاب را

حذف کرده و فصل ختام آن را که خلاصه مطالب نظری کتاب است در آغاز آن قرار داده است.

(۳۲) نوازی، بهرام. *عهدنامه ایران و شوروی* (۲۶ فوریه ۱۹۲۱- بررسی تحلیلی زمینه‌های انعقاد عهدنامه مودت، و اثرات آن در تأمین منافع ملی ایران). با مقدمه‌ای از دکتر باوند تهران. نشر همراه. ۱۳۶۹. ۲۳۵ ص. ۹۰۰ ریال.

نویسنده ضمن مطرح ساختن نظریات گوناگون درباره عهدنامه ۱۹۲۱ ایران و شوروی و بررسی شرایط شکل‌گیری آن، می‌کوشد به دو سؤال اساسی پاسخ دهد. آیا مقامات شوروی در انعقاد عهدنامه مودت حسن نیت داشته‌اند؟ آیا عهدنامه مودت ایران و شوروی اثری در تأمین منافع ملی ایران داشته است؟ نویسنده به این دو سؤال پاسخ مثبت می‌دهد متن معاهده سیاسی ترکمنچای، مقاله نامه تجاری ترکمنچای، و متن عهدنامه مودت از جمله مطالبی است که در صمیمه کتاب آمده است.

### جمعیت شناسی

(۳۳) تقوی، نعمت‌الله، مبانی جمعیت شناسی. تبریز. انتشارات نیما. ۱۳۶۹. ۱۰۵ ص. نمودار. واژه‌نامه  
از این کتاب می‌توان به عنوان کتاب درسی پایه برای تدریس مبانی جمعیت شناسی در دانشگاهها استفاده کرد. «جمعیت و جمعیت شناسی»، «روشهای جمعیت شناسی»، «مساحت و ترکیب جمعیت»، «حاجواده و اردواح»، «سیاستهای جمعیتی» از جمله مباحث مطرح شده در کتاب است.

### اقتصاد و مدیریت

(۳۴) برجی، محمدرضا، مدیریت آموزشی (کاربرد نظریه‌های مدیریت در مدیریت و نظارت آموزش و پرورش). تهران. سیر و سیاحت. ۱۳۶۹. ۳۰۳ ص. جدول نمودار ۱۲۵۰ ریال.  
(۳۵) ترواث، رابرت (و) جین نیو پورت. اصول مدیریت و رفتار سازمانی. ترجمه عین‌الله علا تهران. انتشارات زوار. ۱۳۶۹. ده+۳۰۹ ص. ۱۸۵۰ ریال.  
(۳۶) رزاقی، ابراهیم الگویی برای توسعه اقتصادی ایران. تهران. نشر توسعه. ۱۳۶۹. ۲۲۲ ص ۱۲۰۰ ریال.  
«تصویری از اقتصاد جهان»، «تصویری از اقتصاد کوبی ایران»، «الگوهای توسعه و پیامد آن در سالها پیش و پس از انقلاب»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است. اقتصاد ایران (شربی، ۱۳۶۸)، و قراردادهای معنی یا اسناد حیات (روربهان، ۱۳۵۸) از آثار دیگر این نویسنده است.

### جامعه شناسی

(۳۷) طالقانی، محمود. مطالعات جامعه شناسی شهر تهران (تهران مرکز حکومت دویست ساله ایران). ج ۳. مسکن. تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی- گروه پژوهش درباره تهران ۱۳۶۹. ۲۱۲ ص. جدول. ۲۰۰۰ نسخه. ۸۰۰ ریال.  
بررسی تحولات جمعیتی شهر تهران از سال ۱۲۶۲ و بررسی دگرگونیهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکماتهای تهرانی و ارتباط این دگرگونیها با نحوه تصرف واحدهای مسکونی، موضوعات عمده کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

(۳۸) فرهادی، مرتضی. نامه کمره (ج ۱: جغرافیا و جغرافیای تاریخی کمره (شهرستان خمین) و معناشناسی نام برخی جایها؛ ج ۲: چند برش در فرهنگ کشاورزی و دامداری کمره). تهران. امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۷۰۵ ص. مصور. جدول. نقشه. نمونه سند. فهرست نامها و جایها. ۲۲۰۰ نسخه. دوره دوحلدی. ۳۵۰۰ ریال.

۴

پیش از مستقل شدن خمین از محلات، و قبل از آن از گلهایگان، به خمین و روستاهای آن منطقه کمره می‌گفتند. نویسنده با تکیه به منابع قدیمی و مشاهدات میدانی خود، گذشته و حال کمره را از ابعاد گوناگون تاریخی، جغرافیای تاریخی، جغرافیائی، جامعه‌شناسی و بهائیت فرهنگی بررسی کرده و موبوگرافی مفصلی از این منطقه فراهم کرده است. «حرفهای تاریخی کمره»، «کمره و خمین در رورگارما»- شامل نکاتی پیرامون کشاورزی، رمین شناسی، آب شناسی، و بهره برداری و مالکیت منابع آب در دشت خمین- «دهستانهای کمره» و «کوههای کمره» عناوین بخشهای حلد اول کتاب است حلد دوم عمدتاً به بررسی جامعه‌شناسی و مردم شناسی این منطقه اختصاص دارد. «کیوتر حایهای کمره»، «فرهنگ آب و هوایی در کمره»، «اوره، نوعی تعاونی سستی و کهن و ربابه در کمره»، «آیینها و باورهای مشکه‌زی در کمره» عناوین فصلهای حلد دوم کتاب است  
(۳۹) فولان. کلود. سیاهان در ایالات متحده (از مجموعه «چه می‌دام؟») ترجمه قاسم صنعوی. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۱۴۴ ص. ۵۵۰ ریال.

تحقیق دربارهٔ روردهای دوحامه سیاه و سفیدپوست آمریکا موضوع این کتاب را تشکیل می‌دهد. نویسنده بررسی خود را از نیمه‌های قرن هفدهم (ورود نخستین برده‌های سیاه‌پوست به آمریکا) آغاز کرده و آن را تا اواخر دهه شصت این قرن دنبال کرده است. کتابهای مجموعه «چه می‌دام» را سارمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی هم ترجمه و منتشر می‌کند امید است کار به دوباره کاری نکند.

### روان شناسی

(۴۰) اوزوالد، یان خواب ترجمه محمدرضا باطنی. تهران. فرهنگ معاصر. ۱۳۶۹. ج ۲. ۲۹۷ ص. واژه‌نامه. فهرست موضوعی. ۵۰۰۰ نسخه. ۸۵۰ ریال.

(۴۱) دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. مکتبهای روانشناسی و نقد آن. ج ۱. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها. ۱۳۶۹. ۴۳۰ ص. فهرست اسامی. ۵۰۰۰ نسخه. ۱۲۰۰ ریال

در این کتاب، نحسب هر مکتب روان شناسی معرفی می‌شود و در پی آن نظر علما و روان‌شناسان سست به ضعف و قوت آن مکتب می‌آید. مکاتب تداعی‌گرایی، ساخت‌گرایی، کش‌گرایی و تحلیل روانی در این کتاب معرفی و نقد می‌شود این کتاب اصولاً برای تدریس در مراکز آموزش عالی تدوین شده است.

(۴۲) گروسمن، هربرت جی. اصطلاح شناسی و طبقه‌بندی در عقب ماندگی ذهنی. ترجمه فرهاد ماهر. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۸. ۲۵۶ ص. جدول. نمودار. فهرست موضوعی. ۱۰۰۰ ریال

(۴۳) منصور، محمود (و) پریرخ دادستان. روانشناسی ژنتیک (از روان تحلیل‌گری تا رفتارشناسی). تهران. ژرف. ۱۳۶۹. پیست + ۳۳۴ ص. واژه‌نامه. ۱۸۵۰ ریال.

(۴۴) والاس، جرال (و) جیمزا. مک لافلین. ناتوانیهای یادگیری (مفاهیم و ویژگیها). ترجمه م. تقی منشی طوسی. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. نوزده+۶۵۵ ص. مصور. جدول. واژه‌نامه. فهرست موضوعی.



مهارت‌های اصلی زبان (گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن) به دانش آموزان اشتغال دارند. از آنجا که مفاهیم کتاب اصولاً مبتنی بر تحقیقات و مطالعات زبانشناختی بوده، کتاب با ارائه اطلاعاتی نظری درباره مبانی زبان شناسی عمومی آغار شده است «فرایندهای نوشتار»، «نگاهی به هجی کردن»، «فرایند خواندن»، «ادبیات کودکان و نوجوانان»، «گونه‌های زبانی» و «کودکان استثنائی» عنوان برخی فصلهای کتاب است

## واژه‌نامه و فرهنگ

(۵۱) افشار، ایرج (گردآوری) (و) محمدرضا محمدی (تنظیم و آوانویسی). *واژه‌نامه یزدی*. تهران: ناشر: گرد آورنده. ۱۳۶۹. یازده+۲۵۲ ص. مصور. ۱۰۰۰ نسخه. ۲۰۰۰ ریال.

در مقدمه کتاب، اشاره محصری به سیر تحول گویش شناسی در ایران و گردآوری واژگان گویشها و لهجه‌ها توسط ایرانیان و فرنگیان شده است. کتاب حاضر علاوه بر واژگان عمومی و اصطلاحات زبان مردم شهر یرد و برخی از نقاط اطراف آن، شامل فهرستی از واژه‌های حرفه‌ای (زارگی) یزدی در حرفه‌هایی چون آسیابانی، بافندگی سنتی، سائی، رنگری، کشاورزی و غیره، و همچنین چند شعر به لهجه یزدی اردکتر عبدالحمید حلالیان است (به بخش نقد و معرفی کتاب در همین شماره رجوع فرمایید).

(۵۲) افغانی نویسی، عبدالله. *لغات عامیانه فارسی افغانستان*. بی‌جا. مؤسسه بلخ. ۱۳۶۹. افسست از روی چاپ اول افغانستان (۱۳۳۵). ی+۵۹۲ ص. ۲۶۰۰ ریال

فرهنگ حاضر را می‌توان نوعی فرهنگ واژه‌های فارسی در افغانی معاصر دانست چنانکه در این کتاب پیداست، بسیاری از لغات و اصطلاحات فارسی که امروزه در زبان فارسی مهجور و فراموش شده‌اند، هنوز در زبان عامیانه (محاوره) مردم افغانستان متداول است

(۵۳) بازارگادی، علاءالدین. *فرهنگ متداول انگلیسی به فارسی (اصطلاحات و ضرب‌المثلها)*. تهران: نشر نظر. ۱۳۶۹. ۸+۲۶۴ ص. ۳۰۰۰ نسخه. ۱۱۰۰ ریال.

شامل حدود ۴۷۵۰ اصطلاح و ۱۵۵ ضرب‌المثل رایج انگلیسی و معادل فارسی آنها است

(۵۴) حسینی، صالح. *واژگان اصطلاحات ادبی (انگلیسی-فارسی) [و] فارسی-انگلیسی]*. تهران: انتشارات نیلوفر. ۱۳۶۹. ۱۱۶ ص. ۹۰۰ ریال. فرهنگ حاضر ناتوجه به نیاز دانشجویان رشته ادبیات انگلیسی به رشته تحریر درآمده و شامل تعدادی از مصطلحات داستان، نمایشنامه و شعر و نقد، و همچنین برخی اصطلاحات سنتی رشته‌های بدیع، معانی، بیان، عروض و قافیه فارسی و انگلیسی است در این رمیه کتاب دیگری از مرحوم دکتر محمد طباطبائی با عنوان *فرهنگ اصطلاحات صایع ادبی* (آستان قدس رسوی، ۱۳۶۷) نیز انتشار یافته است (← رصاهر حمال، «فرهنگ اصطلاحات صایع ادبی»، *مجله رباشناسی*، س ۵، ش ۲، و صالح حسینی، «در حاشیه معرفی و نقد...»، *مجله رباشناسی*، س ۶، ش ۱)

(۵۵) [عزیزی، عبدالکریم]. *فرهنگ صرب‌خرواتی-فارسی*. بلغراد. سفارت جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۹ هـ ش/ ۱۹۹۱ م. ۸+۲۲+XVIII ص. مصور

شامل بیش از ده هزار لغت و اصطلاح روزمره صرب‌خرواتی (یکی از چهار زبان رسمی یوگسلاوی، و رایجترین آنها) که طاهر آ برای استفاده دانشجویان فارسی‌زبان که قصد تحصیل در یوگسلاوی دارند تدوین شده است دستور زبان مختصر زبان صرب‌خرواتی نیز در ۶۸ صفحه ضمیمه کتاب است.

(۵۶) نیک گهر، عبدالحمید. *فرهنگ علوم اقتصادی، بازرگانی و مالی (انگلیسی-فرانسه-فارسی)*. تهران: انتشارات علمی (و) صفار. ۱۳۶۹. ۸۰۳ ص. ۶۲۰۰ ریال

فرهنگ توصیفی انگلیسی-فرانسه-فارسی، شامل اصطلاحات اقتصادی، مالی، بانکی، پول و ارز، بورس معاملات، اوراق بهادار، امور بازرگانی،

## حقوق و قوانین

(۴۵) عبادی، شیرین. *حقوق ادبی و هنری (حقوق حرفه و فن)*. ح ۲. انتشارات روشنگران. ۱۳۶۹. ۲۲۸ ص. ۱۲۰۰ ریال.

با افزایش یافتن کارهای فرهنگی و قلمی و بالا گرفتن کار چاپ و نشر کتاب و مجلات، ضرورت وجود کتابی که بیچ و حمهای حقوقی و قانونی این امور را به ناشرین و نویسندگان و مترجمان آحاداً تاره‌کارشان بدهد کاملاً محسوس بوده است. کتاب حاضر به معرفی، شرح و تفسیر قوانین و مقررات مربوط به مشاغل هنری و ادبی که تا پایان شهریورماه ۱۳۶۹ تصویب شده اختصاص دارد و تأکید نویسنده بیشتر بر مسائلی است که عالماً برای صاحبان این مشاغل پیش می‌آید. برای اساس انواع حرائم در این زمینه بر شمرده شده و حدود محازات‌ها و راههای برخورد قانونی با آنها نیز شرح داده شده است اشاره به موارد متعددی که قوه مقننه عملی را حرم دانسته اما محازات آن را مشخص ساخته اردیگر ویژگیهای این کتاب است حقوق کودکان اردیگر آثار همین نویسنده است که در همین سلسله به چاپ رسیده است

(۴۶) ضیائی بیگدلی، محمدرضا. *اسلام و حقوق بین‌الملل تهران شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹] ۲۴۰ ص. فهرست راهنما. ۹۰۰ ریال.*

## زبان، زبان شناسی و ترجمه

(۴۷) برتن، س. ه. *املائی انگلیسی*. ترجمه امیر دیوانی، کتاب ماد. ۱۳۶۹. ۶۱ ص. ۵۰۰۰ نسخه. ۳۰۰ ریال.

واژه‌هایی که املائی مشکلی دارند در چند مقوله کلی و ساده دسته‌بندی شده‌اند و قواعدی برای املائی آنها عرصه شده است کتاب حاضر اروری چاپ بحم نسخه انگلیسی (۱۹۸۸) ترجمه شده است

(۴۸) سرتیپ پور، جهانگیر. *ویژگیهای دستوری و فرهنگ واژه‌های گیلکی*. رشت. نشر گیلکان. ۱۳۶۹. سی+۳۱۹+۲۲ ص. مصور. ۱۴۵۰ ریال

بخش اول کتاب شامل دستور زبان مختصر گویش گیلکی است و بخش دوم آن شامل مجموعه‌ای از واژه‌هایی است که در محاوره مردم شهرستان رشت، حمام، خشکار، کهمد، کوچمهمان ولشت شاهه کار می‌رود بحث در خصوص ویژگیهای آوایی و واحی گیلکی، و همچنین شت برخی از واژه‌های حرفه‌ای (زارگی) و اصطلاحات کهن و نیمه مهجور گیلکی از ویژگیهای کتاب است (۴۹) سلماسی زاده، جواد. *تاریخ ترجمه قرآن در جهان تهران*. انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۱۶۸ ص. ۴۴۰۰ نسخه. ۸۵۰ ریال.

«مترجمین انگلیسی»، «مترجمین فراسوی»، «مترجمین آلمانی»، «مترجمین ایتالیائی»، «ترجمه قرآن به زبانهای آسیایی»، «سیر ترجمه قرآن محید در آفریقا» عنوان برخی از فصلهای کتاب است ظاهراً کتاب حاضر صورت ویرایش شده کتابی است که اول بار در سال ۱۳۴۲ در تهران منتشر شده است.

(۵۰) فلاذ، جیمز (و) پیتراج. سالوس. *زبان و مهارت‌های زبانی*. ترجمه علی آخشینی. مشهد. آستان قدس. ۱۳۶۹. ۵۰۰ ص. مصور. جدول. سودار. واژه‌نامه. فهرست موضوعی. ۲۰۰۰ ریال.

این کتاب برای استفاده معلمانی نوشته شده است که به امر آموزش

صادرات و واردات، حمل و نقل، بیمه و حسابداری و غیره. وجود يك واژه نامه ساده فارسی- انگلیسی می تواند نیاز مراحمین را در پیدا کردن معادل های انگلیسی اصطلاحات فارسی نیز برآورده سازد.

۵۷) ملکیان، فریدون (مترجم). واژه نامه ی نفت و گاز (هشت زبانه: انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی، ایتالیایی، هلندی، آلمانی، عربی، فارسی). تهران: انتشارات فرهنگان. ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹]. ۶۸۰۰ ریال

واژه نامه ای است با ۴۸۴۳ اصطلاح در زمینه های اکتشاف، حفاری، تولید، انتقال، پالایش، به ویژه در رشته رمین شناسی و صنعت نفت و گاز. مترجم هرحا که لازم بوده از معادل های به اصطلاح عامیانه فارسی، چون سگ دست، سگ پا، سوراخ موش، شتر گلو و غیره، برای اصطلاحات هر یکی استفاده کرده و در مواردی خود معادلی را پیشنهاد کرده است. شیوه ارائه اصطلاحات به گونه ای است که مراجعه کننده می تواند از طریق هر يك از زبان های هشت گانه کتاب به آن وارد شود.

۵۸) یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (و) سروش. ۱۳۶۹ ۴۷۱ ص. ۵۰۰۰ نسخه. ۳۳۰۰ ریال

فرهنگ حاضر حاوی بسیاری تلمیحات بهفته در شعر و ادب فارسی و بحث در باره آنهاست مؤلف در گرایش مدحلهای فرهنگ به اعلام و اشخاص کماب نکرده و هر عنوان و مطلبی را که به نوعی مظهر اندیشه ای افسانه ای بوده و جبهه ای تلمیعی و اساطیری در ادب فارسی داشته ثبت کرده است ارائه مثال و شاهد برای هر يك از سرازه های کتاب از ویژگی های دیگر آن است برخی از سرازه های این فرهنگ به عنوان مثال «آب»، «افرش»، «بلقیس»، «تاوت عهد»، «عراریل»، «عشای ربانی»، «قریانی»، «گناه محبتیں»، «میکانیل»، «یهوت» هر مدخل تقریباً حکم مقاله کاملی را دارد

## علوم

### ● مباحث عمومی

۵۹) آذرنگ، عبدالحسین (ترجمه و تدوین). چند بحث و نظر در باره تکنولوژی. تهران: نشر دریا. ۱۳۶۹ ۱۹۲ ص ۶۵۰ ریال

۶۰) آلف ون، هانس. اتم، انسان و جهان (زنجیره طولانی پیچیدگیها). ترجمه بهزاد قهرمان. مشهد: آستان قدس. ۱۳۶۹. ۱۳۲ ص. ۵۲۰ ریال

۶۱) سادات، علی. بازگشت به خورشید. با نقاشی های علی اکبر بیواره. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۳۲ ص. مصور. ۳۰۰ ریال. کتاب باربایی ساده و با استفاده از تصاویر مسائلی را پیرامون علوم تجربی برای کودکان و نوجوانان مطرح می سازد

۶۲) گلشنی، مهدی. تحلیلی از دیدگاه های فلسفی فیزیکدانان معاصر. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۲۸۸ ص. واژه نامه. فهرست اعلام. ۱۴۰۰ ریال. بحث مفصلی پیرامون بگزش پوریتویستی و علل تحول آن در علوم، خصوصاً در فیزیک، و ارزیابی آن در مقابل با بگزش متامیریکی شالوده کتاب حاضر را تشکیل می دهد.

### ● کامپیوتر

۶۳) روحانی رانکوهی، سید محمدتقی. مقدمه ای بر سیستم و ساختار فایلها. ج ۱. تهران: کانون انتشارات علمی. ۲۰۰۰ نسخه. ۳۰۰۰ ریال. ۶۴) نقیب زاده، محمود. آرشیکت کامپیوتر (طراحی اجزاء اصلی کامپیوتر و ساخت يك کامپیوتر ساده). ج ۱. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۲۱۵ ص. نمودار. ۹۰۰ ریال.

### ● ریاضی

۶۵) بین مور، ک. ج. مبانی ریاضیات، ترجمه اسدالله نیکتام (و) ابوالقاسم بزرگ نیا. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۱۶۳ ص. جدول. طرح. واژه نامه ۷۰۰ ریال.

کتابی سبباً مقدماتی برای آموزش مبانی منطقی و حبری آنالیز ریاضی است

۶۶) سیلورمن، هرب. متغیرهای مختلط ترجمه محسن نقشینۀ ارجمند اصفهان. جهاد دانشگاهی اصفهان. ۱۳۶۹. ۴۸۷ ص طرح. ۲۲۰۰ ریال. ۶۷) فرالی، جان بی. نخستین درس در جبر مجرد. ترجمه [مرحوم] مسعود فرزاد. ج ۲. ۳۱۵ ص. فهرست راهنما بی جا. بی نا. ۱۳۶۹. ۱۱۰۰ ریال.

بحثی پیرامون نظریه حلقه و میدان. حلد بحث این کتاب به ترجمه همین مترجم (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷)، در سال ۱۳۶۸ عنوان ترجمه برگزیده در علوم محص را به خود اختصاص داده

۶۸) مینورسکی، وی. بی مسائل در ریاضیات عالی. ترجمه علی اکبر عالم زاده (و) غلامرضا زیاندان. [تهران] مؤسسه نشر علوم نوین. ۱۳۶۹ ۴۱۱ ص طرح. جدول. ۲۰۰۰ نسخه. ۱۵۰۰ ریال.

شامل ۲۵۷۰ مسئله از بسیاری از شاخه های ریاضیات دانشگاهی برای دانشویان علوم و مهندسی است

۶۹) یانگلم، ای. م. تبدیلهای هندسی. ترجمه محمد هادی شفیعیا ج ۳ تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. ۳۱۰ ص. طرح. ۱۴۰۰ ریال. ۵۰۰۰ نسخه

### ● شیمی

۷۰) آبراهارت. رنگینه ها و واسطه های آنها ترجمه محسن حاجی شریفی تهران: مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. شش + ۳۰۶ ص. طرح واژه نامه. ۵۰۰۰ نسخه. ۱۶۰۰ ریال.

۷۱) موریسون (و) بوید. شیمی آلی. ترجمه مجید هروی (و) مهدی بکاولی (و) محمود رحیمی زاده. مشهد: نشر مشهد. ۱۳۶۹. ج ۲. ۱۳۵۷ ص. طرح نمودار. ۵۰۰۰ نسخه. ۶۰۰۰ ریال.

### ● جانورشناسی و گیاهشناسی

۷۲) سپیدار، علی اکبر. موش ها (جوندگان، شناخت و روش مبارزه با آنها). ج ۲. تهران: شرکت سمیران. بی تا. ۲۵۸ ص + ۲۲ ص (لاتین). مصور. ۲۴۰۰ ریال.

حلد اول این کتاب با عنوان حشرات خانگی و آباری در سال ۱۳۶۴ منتشر شده بود.

### ● فیزیک

۷۳) جواد، ح. تشریح مسائل فیزیک هالیدی (مکانیک). ج ۱. تبریز: انتشارات نیما (و) منصور مددی نوعی. ۱۳۶۹. ۴۸۷ ص. نمودار. طرح ۱۵۰۰ نسخه. ۲۸۰۰ ریال.

۷۴) سروی، ریموند. مفاهیم، مسائل و حل آنها در فیزیک عمومی. ترجمه عزیز بهکامی (و) نعمت الله گلستانیان. ج ۱. تهران: علوی. ۱۳۶۹. پانزده + ۴۶۱ ص. جدول. طرح. واژه نامه. فهرست راهنما. ۳۰۰۰ نسخه. ۲۲۰۰ ریال.

۷۵) هویل، فرد (و) جابانت نارلیکار. مرزهای فیزیک - ستاره شناسی: ترجمه بهزاد قهرمان. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. نه + ۵۹۲ ص. مصور. نمودار. طرح. ۲۴۰۰ ریال.

«نمودار فضا - زمان و ساختمان ماده»، تابش، مکانیک کوانتومی و خطوط طیفی»، «اجسام سیاه، طیفهای ستاره‌ای و نمودار H-R»، «ستاره‌شناسی رادیویی»، «اندازه‌گیری فواصل ستاره‌شناختی»، «جهان انفجار بزرگ»، «اینرسی و کیهان‌شناسی» عنوان برخی از فصلهای کتاب است.

## فن و صنعت

(۷۶) تائیدی، کامبیز (و) محمد صالحیان (مجریان طرح). بهترین دانه‌بندی شن و ماسه جهت ساخت بتن. تهران. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. ۱۳۶۹. ۶۰ ص. جدول. نمودار. ۳۶۰ ریال.

(۷۷) حامی، احمد. روسازیهای سیاه. [تهران]. وزارت مسکن و شهرسازی - مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. ۱۳۶۹. ۱۴۲ ص. مصور. جدول. ۴۰۰ ریال.

این کتاب برای راهمایی کارشناسان آسفالت کار، جهت گسترش و روسازی سطح آسفالت شده خیابانها و راهها نوشته شده است.

(۷۸) چادلی، ری. تکنولوژی ساختمان. ترجمه اردشیر اطمینانی. [تهران]. ناشر: مترجم. ۱۳۶۹. ۲ ج. ۶۶۱ ص. طرح. جدول. واژه‌نامه. ۴۸۰۰ ریال.

حیبه‌های مختلف ساخت و احراقی می و علمی انواع مختلف ساختمانهای سنتی و صنعتی در این کتاب شرح داده شده است.

(۷۹) فولز، گرانت ر. مکانیک تحلیلی. ترجمه حسن حقیقی تاجور (و) علیرضا پیش مشهد. انتشارات پویا ۱۳۶۹ ج ۴۹۴ ص. طرح. ۱۸۰۰ ریال.

(۸۰) کایت، ج. دلیلو، تحلیل فراوانی وقایع و ریسک در هیدرولوژی. ترجمه ابوالقاسم بزرگ‌نیا (و) امین علیراده (و) محمود نقیب‌زاده (و) حمید خیابانی. مشهد. آستان قدس رضوی ۱۳۶۹. ۳۰۰ ص. جدول. نمودار. ۱۰۵۰ ریال.

(۸۱) گورد، ل. م. اصول تکنولوژی جوشکاری ترجمه محمد حسین حجتی. بی‌جا. دانشگاه مازندران. ۱۳۶۹. ۳۲۸ ص. مصور. جدول. واژه‌نامه. فهرست راهنما ۱۲۰۰ ریال.

(۸۲) مون کریف، آر. دلیلو. الیاف مصنوعی. ج ۱. ترجمه علی اکبر سمنارشاد. بی‌جا. ناس. ۱۳۶۹. ۲۳۴ ص. مصور. ۲۵۰۰ ریال.

برای دانشجویان و مهندسان رشته مهندسی سازه

## کشاورزی

(۸۳) بالوگ، جی. (و) آی. گرگلی. آبیاری قطره‌ای. ترجمه امین علیرزاده (و) حمید خیابانی. مشهد. آستان قدس رضوی ۱۳۶۹. ۲۷۵ ص. مصور. جدول. نمودار. فهرست موضوعی. ۱۱۰۰ ریال.

(۸۴) عباسی، حسن. درختان سریع‌الرشد تهران واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۹. ۱۹۲ ص. مصور. فهرست راهنما ۱۰۰۰ نسخه. ۷۰۰ ریال.

کتاب حاضر به معرفی و بررسی خصوصیات آن دسته از درختان و گیاهان رودرشدی اختصاص دارد که با شرایط آب و هوایی مختلف مناطق گوناگون ایران سازگاری دارند.

(۸۵) غنبرانی، محمود. درخت طلا و ابریشم. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۶۸ ص. مصور. ۳۹۰ ریال.

فصل اول کتاب به بررسی درخت توت و هواید، گوبه‌ها، کاشت، بیماریها و انتهای آن اختصاص دارد، و فصل دوم آن به خصوصیات کرم ابریشم و تاریخچه پرورش آن و صنعت ابریشم در ایران می‌پردازد.

## پزشکی

(۸۶) پاسیک، آندره. درمان طبیعی بیماریهای تنفسی. ترجمه ساعد زمان. تهران. انتشارات ققنوس. ۱۳۶۹. ۲۳۶ ص. مصور. فهرست راهنما.

۳۰۰۰ نسخه. ۹۵۰ ریال.

تعریف و علل ناراحتیهای تنفسی و ارائه تمرینهای ورزشی و روشهای طبیعی برای درمان آنها

(۸۷) — درمان طبیعی بیماریهای چشم. ترجمه ساعد زمان. تهران. انتشارات ققنوس. ۱۳۶۹. ۲۵۰ ص. مصور. ۳۰۰۰ نسخه. ۱۰۵۰ ریال.

(۸۸) پرادفوت، الکساندر. تشخیص و درمان مسمومیتها. ترجمه مهوش صدیقیان راد. تهران. شرکت فرهنگ نشر نوین. ۱۳۶۹. ت + ۱۹۵ ص. جدول. نمودار. ۹۰۰ ریال.

(۸۹) جاوز، ارنست. ویروس شناسی پزشکی. ترجمه محمد مولوی اردکانی (و) مسعود لك. زیر نظر علیرضا یلدا (و) رخشنده ناطق. تهران. انتشارات دانش پژوه ۱۳۶۹. ج ۲. ۴۲۷ ص. مصور. ۴۴۰۰ نسخه. ۱۳۰۰ ریال.

(۹۰) زومان، لنور. نقش ورزش در کارایی قلب. ترجمه امیرسپکتکین (و) حجت‌الله نیکبخت. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۶۴ ص. طرح. جدول. ۳۵۰ ریال.

(۹۱) سرینی واس، وی. اختلالات حاد شکم. ترجمه مرتضی دلاورخان. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. ۱۷۰ ص. مصور. ۹۵۰ ریال.

(۹۲) فاستر، والتر. تی. آناتومی (برای استادان و دانشجوین). ترجمه عربعلی شروه. تهران انتشارات و کتابفروشی بهار. ۱۳۶۹. ۴۴ ص. مصور. ۲۸×۲۲ سانت. ۵۰۰۰ نسخه. ۶۵۰ ریال.

(۹۳) فرید حسینی، رضا. آلرژی و ایمونولوژی بالینی. با همکاری شهریار زهتابچی. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۵۹۶ ص. مصور. جدول. ۲۴۰۰ ریال.

(۹۴) فرید حسینی، رضا (و) دیگران. ایمونولوژی. مشهد آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ج ۲. شانزده + ۴۶۴ ص. مصور. ۳۰۰۰ نسخه. ۲۰۰۰ ریال.

(۹۵) گلیکستین، میلتن. توصیه‌های یک پزشک در مورد کمر درد. ترجمه بهرام قلی‌زاده صفار. تهران. پژوهش. ۱۳۶۹. ۱۸۰ ص. مصور. ۵۰۰۰ نسخه. ۶۰۰ ریال.

ساختن کمر، علل کمردرد، روشهای پیشگیری و درمان، اثرات کمردرد در زندگی روزمره، و رابطه احساسات و روابط جنسی (خصوصاً در مردها) با کمردرد از جمله مطالب مورد بحث کتاب است.

(۹۶) ماران. آموزش بیماریهای گوش، حلق، بینی و سر و گردن (همراه با اطلس رنگی و تصاویر رادیوگرافی). ترجمه و تدوین امان قوجقی (و) سیدجعفر مطهری. تهران. جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی. ۱۳۶۹. ۴۲۱ ص. مصور. ۱۹۰۰ ریال.

(۹۷) مقتدر، رضا. بیماریهای بافت همبند (پاتوفیزیولوژی - بالینی - درمان) تهران. دفتر علمی شرکت پخش البرز. ۱۳۶۹. ۴۵۶ ص. نمودار. جدول. رایگان (برای صاحبان جرف پزشکی).

(۹۸) [هاریسون]. اصول طب داخلی هاریسون؛ بیماریهای کبد، کیسه صفرا و پانکراس (به انضمام شرح تصویری بیماریهای کبد). ترجمه (و شرح) امیرحسین سجادی. بی‌جا. انتشارات بال کیوتران. ۱۳۶۹. ۵۶۰ ص. مصور. جدول. ۵۰۰۰ نسخه. ۲۶۵۰ ریال.

ترجمه بخش کبد و پانکراس کتاب پزشکی معروف هاریسون است که شرح و توضیحات مترجم و همچنین ترجمه قسمتی از شرح تصویری از بخش ابتدائی اطلس کبد شرلاک بدان افزوده شده است.

## ورزش

(۹۹) سلیم زاده، محمد حسین قایق‌ها. [تهران]. ناشر: مؤلف. ۱۳۶۹. ۱۸۶ ص. مصور. ۲۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر برای افراد غیر حرفه‌ای علاقمند به ورزش قایق رانی نوشته شده است و شامل توضیحاتی درباره اصول بین‌المللی قایق رانی و اطلاعاتی پیرامون انواع قایقهای ورزشی، تفریحی و بومی جهان است.

## هنر و معماری

### ● مباحث عمومی

۱۰۰) بورکهارت، تیتوس. هنرمندس (اصول و روشها). ترجمه جلال ستاری. تهران. سروش ۱۳۶۹. ۲۱۱ ص. مصور. ۹۰۰ ریال.

نویسنده کتاب هر اثر هنری را که واحد موضوع یا صورتی مذهبی باشد «هنرمندس» نامیده است. او در این کتاب هنرمندس را در حیطه پنج آیین هندو، مسیحیت، اسلام، بودیسم و تائوئیسم بررسی و درباره ارتباط میان آنها بحث کرده است. نویسنده بیش از همه به هنر مسیحی پرداخته است.

۱۰۱) جنسن، ه. و. تاریخ هنر (پژوهشی در هنرهای تجسمی از سبیده دم تاریخ تا زمان حاضر) ترجمه پرویز مرزبان تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۸ [توزیع ۶۹ ج ۲ ۶۱۲ ص مصور. جدول. واژه نامه. فهرست راهما ۳۰۰۰ نسخه ۹۰۰۰ ریال

این کتاب از روی همدبین حاب ان (۱۹۷۳) ترجمه شده و ترجمه بخشهای دیگری درباره هنر باستانی و هنر اسلامی در ایران (ار رینارد ایتیکهاورن) بدان افزوده شده است کتاب در قطع ۲۲×۲۹ سانت، با تصاویر متعدد سیاه و سفید و رنگی، بر روی کاغذ گلاسه حاب شده است

### ● سینما

۱۰۲) هانتی، لویس. شناخت سینما. ترجمه ایرج کریمی. تهران. انتشارات فیلم ۱۳۶۹ ۲۰۴ ص ۸۵۰ ریال.

نویسنده به غیر از مضمون یا محتوای فیلم، راههای دیگری را برای درک و التداد زیبایی ساختاری از آثار سینمایی مطرح ساخته است بحث درباره تفاوتی سینما و ادبیات از دیگر موضوعات کتاب است

۱۰۳) ماریوریو، سوتو دوریهایی فیلمبرداری ترجمه ع شجاع نوری. تهران اداره کل تحقیقات و روابط سینمایی ۱۳۶۹. ۳۱۲ ص مصور. جدول واژه نامه. ۳۰۰۰ نسخه ۱۲۰۰ ریال

«دوریهایی فیلمبرداری»، «بررسی دوریهایی ۳۵ میلیمتری»، «دوریهایی مخصوص»، «اسحاب، نگهداری و مرافق از دوریهایی»، «تکنیکهای فیلمبرداری»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است

### ● موسیقی

۱۰۴) سعیدی، ملیحه. آموزش ساز قاپون. با نظر و همکاری حسین دهلوی. ج ۱. بی جا. ناشر مؤلف. ۱۳۶۹ ۱۳۸ ص مصور. ۱۷۰۰ ریال

آموزش شیوه نوازندگی این ساز قدیمی ایرانی موضوع اصلی این کتاب را تشکیل می دهد پیشنهادهایی در جهت تکامل برده سدی این ساز در موسیقی ایرانی از مطالب دیگر کتاب است

۱۰۵) کیانی، مجید. دستگاه شور ردیف میرزا عبدالله (براساس روایت نور علی برومند). تهران. نشرنی ۱۳۶۹. ۶۰ ص ۱۱۵۰ ریال

### ● نقاشی و خط

۱۰۶) سیف، هادی نقاشی قهوه خانه. ترجمه کلود (سیروس) کرباسی. تهران. سازمان میراث فرهنگی کشور. ۱۳۶۹. ۲۲۲ ص + ۱۶ ص لاتین. مصور. ۳۰۰۰ نسخه. ۲۴×۳۱ سانت. ۱۵۰۰۰ ریال.

معرفی تاریخچه مختصر مکتب نقاشی قهوه خانه ای ایران و شرح برخی از خصوصیات آن، شرح احوال دو تن از پیشگامان این مکتب، استادان حسین قولر آقاسی (متوفی ۱۳۴۵) و محمد مدبر (متوفی ۱۳۴۶)، و همچنین ارائه ۶۵ تصویر رنگی از پرده ها و شمایل و تابلوهای نقاشان این مکتب، موضوع کتاب حاضر را تشکیل می دهد. در صفحه حقوق کتاب از مترجم نام برده شده است، اما هیچ معلوم نیست که ترجمه از روی چه متنی انجام گرفته است

۱۰۷) مستوفی شیرازی، میرزا محمدعلی. مرقع قند پارسی. با مقدمه حسین محی الدین الهی قمشه ای (و) عبدالله فردادی. تهران. مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. ۱۳۶۸. ۴۹۰۰ ریال.

مجموعه ۱۶ قطعه از آثار میرزا محمدعلی مستوفی، ملقب به مقدر دیوان، از

کاتبان و خوشنویسان اواخر قرن ۱۳ و اوایل قرن ۱۴ است.

۱۰۸) مهدی زاده، مصطفی (و) حسین رزاقی. منتخبی از مرقعات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد. کتابخانه آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۱۱۴ ص. ۵۰۰۰ نسخه. ۲۴×۳۵ سانت. ۱۰۰۰۰ ریال.

مجموعه ای از آثار خوشنویسان بزرگ ایران همراه با شرحی پیرامون ردگی هر خطاط و سنگ کار او در این مجموعه آثار خوشنویسانی چون علی رضا عباسی، میر عماد، میر علی هروی، محمد صالح الکاتب، عباس بن یحیی استرآبادی، شاه محمود نیشابوری، محمد شفیع حسینی، درویش عبدالمجید طالقانی و دیگران به چشم می خورد. تمام تصاویر کتاب رنگی است و بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده است

### ● صنایع دستی

۱۰۹) احسانی، محمد تقی. جلدها و قلمدهای ایرانی تهران. امیرکبیر ۱۳۶۸. م ۱۷۴ ص + ۹ ص لاتین. مصور. ۴۴۰۰ نسخه ۳۷۰۰ ریال.

معرفی صنایع دستی یا هنر روعی، بررسی پستیة تاریخی این هنر در ایران، و شرح برخی از جلدها و قلمدهایی که رویدادی از تاریخ ایران، یا داسانی از ادب فارسی بر آنها تصویر شده، از جمله مطالب کتاب است کتاب بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده و دارای تصاویر رنگی بسیاری است

## ادبیات

### ● شعر کهن

۱۱۰) [ابوسعید ابوالخیر]. دیوان ابوسعید ابوالخیر به کوشش محمد عالمگیر تهرانی. با پیشگفتاری از رحیم چاوش اکبری. [تهران] نشر محمد. ۱۳۶۹ ۱۲۵ ص ۱۵۰۰ ریال.

رباعیانی مسسوب به عارف قرن چهارم و پنجم (متوفی به سال ۴۴۰ هـ و) ایران است

۱۱۱) احمدی بیرجندی، احمد. مناقب فاطمی در شعر فارسی. مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ ۱۴۸ ص. ۷۰۰ ریال.

گزیده اشعاری از شعرای ایرانی است که در مقبص حضرت فاطمه (ع) سروده شده است عاشق اصفهانی، اقبال لاهوری، علامه ماردربانی، پریسان کاسانی، الهی قمشه ای، و مسبق کاشانی از جمله شعرای این مجموعه هستند

۱۱۲) [شیرازی، عطار]. دیوان عطار شیرازی (روح عطار). به کوشش احمد کرمی بی جا سلسله نشریات ما. ۱۳۶۹. ۱۳۸ ص. ۱۲۵۰ ریال.

عطار شیرازی از شاعران قرن هشتم هجری و از معاصران حواحوی کرمایی، سلمان ساوچی و حافظ بوده است این کتاب شامل فصاید، مثنویات، مقطعات و رباعیانی از ساعر است

۱۱۳) [فردوسی، ابوالقاسم] بهین نامه باستان (خلاصه شاهنامه فردوسی). گزیش و توضیح محمد جعفر باحقی. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. سی و دو + ۵۴۳ ص. فهرست توضیحات. مصور. ۳۲۰۰ ریال.

۱۱۴) — شاهنامه فردوسی. به تصحیح ژول مول. تهران. انتشارات آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۹. ج ۴. ج ۳. ۲۲۷۴ ص. بهای دوره چهار جلدی ۱۰۰۰۰ ریال.

چاپ عکسی به قطع رقیع از روی چاپ معروف ژول مول است که قبلاً هم چند بار به قطع جیبی است شده بود. يك طبع دیگر هم از روی همین چاپ منتشر شده است.

۱۱۵) قمی، خواجه مسعود یوسف و زلیخا و شمس و قمر. تصحیح و تدوین سیدعلی آل داود. تهران. چاپ و انتشارات آفرینش. ۱۳۶۹. ۳۶۷ ص. استاد. مصور. ۲۳۰۰ ریال.

خواجه مسعود قمی از شعرا و ادیبان قرن نهم هجری، و در منظومه سرائی از مریدان حکیم نظامی گنجوی است. این مجموعه مشتمل است بر دو منظومه و اشعار پراکنده او. زندگانی شاعر، اشعار وی، و بررسی نسخ خطی موجود،

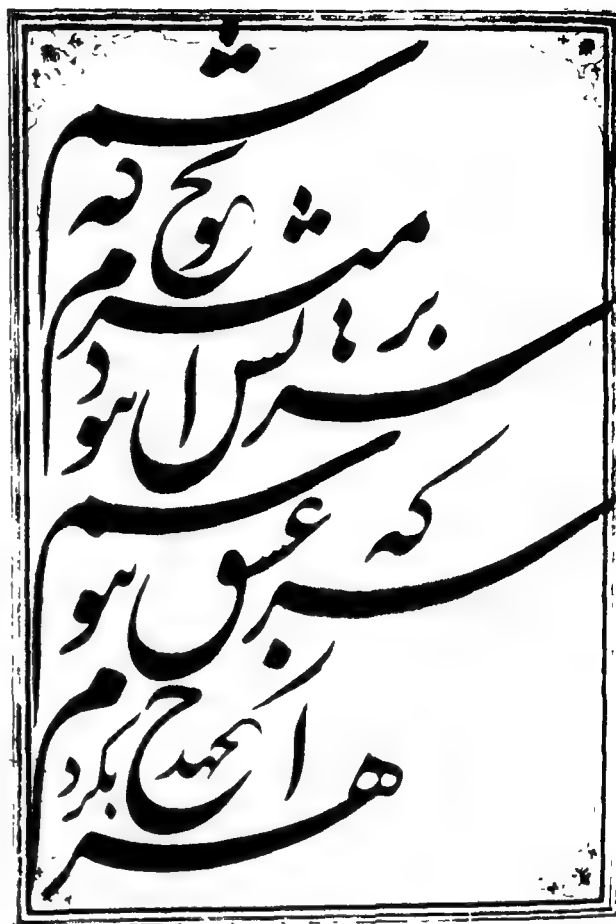
مطالب کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. مثنوی شمس و قمر فیلاً در پاکستان به چاپ رسیده بوده است.

### ● اشعار محلی

(۱۱۶) فیضی، عباس (گردآورنده) *آلاله‌های الوند*. همدان. مؤسسه چاپ و انتشارات افشار [بی‌تا]. ۴۶ ص. ۴۸۰ ریال.  
مجموعه چند شعر از شاعران همدانی به لهجه محلی همدانی و برگردان آنها به فارسی است.

### ● شعر معاصر

(۱۱۷) اخوان ثالث، مهدی *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم*. تهران مروارید ۱۳۶۹ ج ۲ ۴۸۰ ص ۵۵۰۰ نسخه ۱۱۰۰ ریال  
(۱۱۸) اولاد، غلامحسین (م. اندیش) *باغ آتش شیراز* نوید ۱۳۶۹  
حدود سیصد غزل از ساعر غزلسرای سیرازی طاهر از نخستین مجموعه‌ای است که از این ساعر به حات می‌رسد.  
(۱۱۹) بابا چاهی، علی *گریه اشعار* (۱۳۴۰ تا ۱۳۶۸). تهران نشر ویس ۱۳۶۹ ۳۲۶ ص ۱۶۰۰ ریال  
نامقدمه‌ای انتقادی از ساعر بیرامون بحله‌های شعری معاصر ایران اشعار اس گریه از کتابهای درسی بکیده‌گاهی (۱۳۴۶)، جهان و رونسائیه‌های عمالک (۱۳۴۹)، از سسل آفتاب (۱۳۵۲)، صدای سن (۱۳۵۶) حسن جیون (۱۳۵۶)، آوای درنامردان (۱۳۶۸)، و از اسعار برآکده سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۸ انتخاب شده است.  
(۱۲۰) بیابانی، محمد حماسه *درخت گلانو تهران* شهر مرکز ۱۳۶۹ ۱۶۳ ص ۸۵۰ ریال  
مطومه‌ای در اوران میمانی که تأثیر گرفته از اساطیر شاهنامه فردوسی است.  
(۱۲۱) حافری، سیرین *رحم سایه* و *بید تهران* ناشر مؤلف ۱۳۶۹ ۹۵ ص ۷۷۰ ریال  
(۱۲۲) خصرانی، اورنگ *چکاد بلند* (در ارجگزاری فردوسی)، اصفهان. انتشارات فیروز. ۱۳۶۹. ۴۷ ص.  
(۱۲۳) دیهیم، محمد *تذکره شعرای آذربایجان* (تاریخ زندگی و آثار). ج ۳ *تبریز بی‌نا* ۱۳۶۸ [توزیع ۱۳۶۹] ۸۴۷ ص. ۴۲۰۰ ریال  
شرح احوال بیس از ۲۰۰ شاعر آذربایحانی است همراه با یک یا چند نمونه از اشعار هر یک.  
(۱۲۴) سایه، ه. ا. *آینه در آینه* (برگزیده شعر). به انتخاب محمدرضا شفیعی کدکی تهران. نشر چشمه ۱۳۶۹ ۲۱۷ ص. ۵۰۰۰ نسخه. ۱۳۰۰ ریال.  
انتخاب اشعار بر اساس تاریخ سرودن آنها و نه گونه‌ای بوده است که نموداری از مراحل مختلف خلافت هری ه. ا. سایه و تحارب گوناگون اودر کار سرایش شعر فراهم آید اشعار این مجموعه از کتابهای سراب (۱۳۳۰)، سیاه مشق ۱ (۱۳۳۲)، نسکیر (۱۳۳۲)، *مرحان* (۱۳۳۴)، *چند برگ از یلدا* (۱۳۴۴)، *سیاه مشق ۲* (۱۳۵۲/۶)، *یادگار حون سرو* (۱۳۶۰)، *سیاه مشق ۳* (۱۳۶۴)، *هرگام رمان* (زیر چاپ) انتخاب شده است.  
(۱۲۵) شمس گیلانی، جعفر. *خاطرات*. بی‌جا. ناشر. مؤلف. ۱۳۶۹. ۲۴۰ ص. ۱۴۰۰ ریال.  
(۱۲۶) صالحی، بهمن. *نخل سرخ*. تهران. مؤسسه فرهنگی گسترش هنر. ۱۳۶۹ ۹۷ ص ۶۱۰ ریال.  
(۱۲۷) فولادوند، عزت‌الله. *رؤیای سبز بهاران*. تهران. بازننگ. ۱۳۶۹. ۱۲۸ ص. ۸۰۰ ریال.  
عزت‌الله فولادوند شاعر، سوای عزت‌الله فولادوند مترجم است. شاعر در ابتدای کتاب خود به این نکته اشاره کرده است.  
(۱۲۸) کوهن، منوچهر. *درآوردیا* (مجموعه شعر). تهران. انتشارات هیرمند. ۱۳۶۹. ذ + ۱۸۸ ص. ۳۰۰۰ نسخه. ۱۰۵۰ ریال.



ار این شاعر مجموعه دیگری نیز با عنوان دوق حضور (۱۳۶۸) منتشر شده است.

(۱۲۹) [محتشم، غلامحسین]. نوای محتشم (گزیده‌ای از سروده‌های غلامحسین محتشم). تهران: انتشارات پاسارگاد. ۱۳۶۹. ۱۲۶ ص. ۲۰۰۰ نسخه. ۵۵۰ ریال.

(۱۳۰) محمود، ثابت (سهیل). فصلی از عاشقانه‌ها (دفتر غزل). تهران: نشر همراه. ۱۳۶۹. ۲۲۴ ص. ۱۶۰۰ ریال.

### ● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه فارسی

(۱۳۱) زرین، محمد. جایی چراغی روش است تهران نشر آگه. ۱۳۶۹. ۲۳۴ ص. ۱۵۰۰ ریال

مجموعه چهار داستان کوتاه. از این نویسنده قبلاً کتاب ناع بی‌حصار منتشر شده است.

(۱۳۲) شفیعی، شهرام. در نوحه‌ای (مجموعه داستان) تهران: کتابهای بنفشه. ۱۳۶۹. ۷۹ ص. ۱۱۰۰۰ نسخه. ۲۵۰ ریال.

(۱۳۳) امید، آرمان. کبودان و اسفندیار [نمایشنامه]. تهران: انتشارات نمایش. ۱۳۶۹. ۳۹ ص. ۲۰۰ ریال

(۱۳۴) پورمقدم، یار علی. گنگنه‌های درد تهران نشر نی. ۱۳۶۹. ۱۹۵ ص. ۹۰۰ ریال

مجموعه ۶ فیلمنامه و نمایشنامه و قصه کوتاه.

(۱۳۵) عبداللهی، اصغر سایانی ارحصیر تهران: نشر چکامه. ۱۳۶۹. ۱۱۸ ص. ۶۰۰ ریال

مجموعه هفت داستان کوتاه. بعضی از داستانهای این مجموعه بیش از این در برخی از نشریات ادبی چاپ شده بود. ظاهراً نویسنده این داستانها را طی چند سال نوشته و در هر کدام تکمیل خاصی را ارموده است.

(۱۳۶) میرکیانی، محمد. قصه ما همین بود (هفت قصه قدیمی) تهران: انتشارات پیام آزادی. ۱۳۶۹. ۱۲۷ ص. مصور. ۱۵۰۰۰ نسخه. ۳۰۰ ریال.

چند قصه برای کودکان و نوجوانان

### ● درباره ادبیات فارسی

(۱۳۷) بیگدلی، غلامحسین. چهره اسکندر در «شاهنامه» فردوسی و «اسکندرنامه» نظامی تهران: نشر مؤلف با همکاری انتشارات آفریش. ۱۳۶۹. ۲۹۶ ص + ۶ ص لاتین مصور نقشه. ۳۰۰۰ نسخه. ۲۲۰۰ ریال

(۱۳۸) حکیمی، محمود (و) کریم حسینی تار (به کوشش) جهان‌سنى و حکمت فردوسی تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۶۹. ۱۳۶ ص. ۵۵۰ ریال.

گزیده‌ای است از اشعار فردوسی که تحت عناوینی چون «حداساسی و دسرداری»، «عدل و داد»، «سحر و سحوری» و غیره تنظیم شده است.

(۱۳۹) رحیمی، مصطفی. تراژدی قدرت در شاهنامه تهران: بیلوفر. ۱۳۶۹. ۲۷۱ ص. ۱۵۰۰ ریال.

بخش اول کتاب درباره نفس قدرت در تفکر و زندگی انسان است. در دو بخش دیگر نویسنده بر اساس نظریه ادبی خاصی به نقد دو داستان «رستم و اسفندیار» و «رستم و سهراب» شاهنامه می‌پردازد و نفس و عملکرد قدرت را در شخصیت‌های این دو داستان بررسی می‌کند.

(۱۴۰) رضوی، مسعود (به کوشش). در پیرامون شاهنامه [مجموعه مقالات]. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران. ۱۳۶۹. ۲۷۸ ص. ۳۰۰۰ نسخه. ۱۲۰۰ ریال.

«باورهای رروانی در شاهنامه»، محمود عبادیان / «سهراب و سیاوس، گومبش و ویجارش»، میرحلال‌الدین کراری / همسر گریبی در ایران باستان و شاهنامه»، مریم حلالی دهکردی / «اسطوره حمسید»، حمیدرضا اسلامی شهرناکی. عنوان برخی از مقالات و نویسندگان کتاب است.

(۱۴۱) سجادی، محمدعلی (به اهتمام). گفت و شنود. تهران: نشر اوجا. ۱۳۶۹. ۸۲ ص. ۵۰۰۰ نسخه

کتاب حاضر حاوی گفت و گویی است که در سال ۱۳۵۸، به هنگام سفر برگ علوی به ایران، میان او، محمود دولت‌آبادی، باقر مؤمنی، محسن یلعانی و ابراهیم رهبر پیرامون قصه‌نویسی و نقد ادبی و ادبیات معاصر ایران صورت گرفت.

(۱۴۲) گلسترخی، ایرج. روایت شاهنامه به نشر. تهران: اسپرک. ۱۳۶۹. ۸۰۸ ص. ۶۲۰۰ ریال.

مؤلف به منظور آشتی دادن دوباره شاهنامه و مردم، بخشهایی از شاهنامه را به زبان امروز بازگردانده است. «آغار دوره پيسدادیان»، «پادشاهی حمشید»، «داستان سهراب و رستم»، «داستان سیاوش»، «برد رستم و اشکبوس»، «داستان بیز و میزه»، «جنگ دوارده رح»، «کشته شدن اسفندیار به دست رستم»، «داستان مرگ رستم»، «پادشاهی بهمن» از جمله بخشهای کتاب است. (۱۴۳) محمدزاده صابق، حسین. سیری در اشعار ترکی مکتب مولویه تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۶۹. ۲۶۲ ص + ۲ ص لاتین. ۱۱۰۰ ریال. نویسنده کتاب معتقد است که مولوی دیوان کبیری به ترکی داشته که بخشی از آن به ذکر منافع ائمه معصومین (ع) اختصاص داشته [۱] و امروزه از آن مجموعه چیزی جز چند عرل و قطعه و ترانه و تک بیت باقی نمانده است. شرح کوتاهی پیرامون زندگی مولوی و برخی از معاصران وی، نقل اشعار ترکی مولوی، شرح مختصر لغات و ترکیات نحوی آنها، ذکر ابیاتی از دیوان مولوی که واژه‌های ترکی در آنها به کار رفته، و بالاخره معرفی چند تن از بیروان مولوی در تاریخ ادبیات ترک از جمله مطالب کتاب است.

### ● شعر خارجی

(۱۴۴) [پاسترنک، بوریس] زندگی حواهر من است (منتخب اشعار بوریس پاسترنک - زمینه و تقدیر - نقد و معرفی پاسترنک، نوشته لف اوروف) ترجمه فرشته ساری تهران: نشر مؤلف. ۱۳۶۹. ۱۵۰ ص. ۷۵۰ ریال

(۱۴۵) العریضی الخراسانی، العلامة الفقیه السیدحسن. أربع أراجیر مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۱۳۲ ص. ۵۰۰ ریال.

شامل چهار مظلومه عربی در اصول، فقه، عقاید و منطق است.

### ● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه خارجی

(۱۴۶) آبیترز، بروو. برهه میان گرگها ترجمه عبدالحسین شریفیان تهران: انتشارات نگاه. ۱۳۶۹. ۵۳۵ ص. ۳۰۰۰ نسخه. ۲۵۰۰ ریال

(۱۴۷) آستوریاس، میگل آنخل چشمان بخته در گور. ترجمه سروش حبیبی. تهران: نشر نو. ۱۳۶۹. ۷۶۷ ص. ۴۷۰۰ ریال

(۱۴۸) آلکوت، لونیزا ام. زبان کوچک. ترجمه شهین دخت رئیس راده تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹. ج ۲ (با حروفچینی مجدد) ۴۷۷ ص. ۱۴۰۰ ریال

ابری با مایه‌های اخلاقی و مذهبی سرگرم کننده، از یک نویسنده زن قرن ۱۹ آمریکا

(۱۴۹) اورتمان، فریتس و دیگران. سفر به گمسک (مجموعه داستان آلمانی). ترجمه ماریا ناصر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و) نشر قرن. ۱۳۶۹. ۱۵۸ ص. ۱۱۰۰۰ نسخه. ۳۵۰ ریال.

مجموعه چند داستان کوتاه از چند نویسنده آلمانی. هربرت مالخا، هاینریش بل، باول ارسب، کورت کوربرگ، آلترتمان، فریتس اورتمان، برنولت برشت و توماس مان

(۱۵۰) بلوگین، آ. تیرالماس و قصه‌هایی دیگر از کشورهای بالت ترجمه قاسم صنعوی. مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۳۳۶ ص. ۱۲۰۰ ریال

مجموعه‌ای است از قصه‌های عامیانه کشورهای بالت (سه جمهوری استونی، لتونی و لیتوانی).

(۱۵۱) رایبیز، هارولد، سنگی بر مزار دنی فیش. ترجمه مهین شکرانی (جهانبگلو). تهران: چاپ و انتشارات آفرینش. ۱۳۶۹. ۳۶۵ ص. ۱۸۰۰ ریال.

۱۵۲) ژنوا، مورس. شکار. ترجمه محمدتقی غیائی. تهران. انتشارات نیلوفر (و) انتشارات ناهید. ۱۳۶۹. ۲۵۴ ص. ۴۰۰۰ نسخه. ۱۴۰۰ ریال.

داستانی از بویسده واقع گرا و معاصر (۱۸۹۰-۱۸۹۰) فراسوی ۱۵۳) شی، لاتو. چاپخانه. ترجمه محمدرضا پوراکبر. تهران. نشر نی. ۱۳۶۹. ۱۵۴ + ۸ ص. مصور. ۸۰۰ ریال.

مابیننامه‌ای از طربویس معاصر جیبی (۱۸۹۹-۱۸۹۹) اسب ۱۵۴) کروس، جیمز. خنده فروخته شده. ترجمه فریده لاشانی. تهران. اسپرک. ۱۳۶۹. ۳۱۶ ص. ۱۸۰۰ ریال.

داستانی از یک بویسده آلمانی است ۱۵۵) گورکی، ماکسیم. کلیم سامگین ترجمه محمد قاضی ج ۴. تهران. انتشارات سحر. ۱۳۶۹. ۷۷۳ ص [از ص ۲۲۴۳ تا ۳۰۱۶] ۳۳۰۰ نسخه. ۴۰۰۰ ریال.

۱۵۶) لی، کامارا کودک سباه. ترجمه فرهاد غبرائی تهران. نشر همراه ۱۳۶۹. ۱۵۰ ص. ۶۰۰ ریال.

داستانی از بویسده معاصر گیه‌ای است ۱۵۷) موام، سامرست. عشق زندگی است. ترجمه سوسن افشار تهران شرکت انتشاراتی رسام ۱۳۶۹. ۴۲۷ ص. ۱۲۰۰ ریال  
داستانی اسب از بویسده معاصر انگلیسی (۱۸۷۴-۱۸۷۴)

## ● درباره ادبیات خارجی

۱۵۸) پراپ، ولادیمیر. ریختشناسی قصه‌های پریان ترجمه فریدون بدره‌ای تهران. انتشارات توس ۱۳۶۸ سی + ۲۸۲ ص ۱۶۰۰ ریال.  
این کتاب سالها بعد از انتشار در سوروی (۱۹۲۸) یک بار دیگر، و این بار از نظرگاهی کاملاً متفاوت، توجه بسیاری را در دبای عرب (۱۹۵۸) به سوی خود جلب کرد. بویسده یارویکدی ساختگر امانه به بررسی قصه‌های بریان پرداخته و از این طریق دریچه‌های تازه‌ای را در مطالعه و بررسی «سمیوتیک» یا «سمیولوری» (شانه‌ساز) بر روی محققین گسوده اسب مترجم در مقدمه مسوط خود بکاتی را برامون نظر براب و سیر تحول این گونه نظریات در روسیه، و همچنین برخورد ارگاههای ادبی-خری شوروی را با کتابهای او سرچ می‌دهد. اخیراً ترجمه دیگری از این کتاب (ارمدیاکاسیگر) به بازار آمده اسب.

## متون کهن

۱۵۹) ابوعلی سیبا. قانون در طب (کتاب پنجم) ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هزار)، ج ۷. تهران. سروش. ۱۳۶۷. بیست و هشت + ۵۴۶ ص. ۵۰۰۰ نسخه. جلد نرم ۲۱۰۰/ زرکوب ۲۸۹۰ ریال.

آخرین محلد از ترجمه فارسی قانون و موضوع آن بحث در ریمه سمها و ارایس و برایش، داروهای ترکیبی و خواص و طرز تهیه و موارد مصرف آنهاست. قرار اسب جلد مستقل دیگری نیز حاوی فهرست راهمای جامع کلیه محلدات پیسی منتشر شود.

۱۶۰) شایست ناشایست؛ متنی به زبان پارسی میانه (پهلوی ساسانی) آوایی و ترجمه کتابون مزدپور. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۹. سی و دو + ۳۰۱ ص. نمایه. ۲۰۰۰ نسخه ۱۳۰۰ ریال  
شایست ناشایست کتابی اسب به زبان پهلوی ساسانی یا فارسی میانه ررنشی که شامل مهمترین مباحث فقه ررنشتی در عهد ساسانیان اسب گاهان و انواع و کیفر آنها، روش تطهیر آلودگی ناشی از تماس نامرده، احکام رن حائض، شیوه انجام دادن بعضی مراسم مذهبی و غیره موضوع این کتاب را تشکیل می‌دهد. ترجمه این اثر از روی متن پهلوی آن صورت گرفته اسب این تحقیق برای تدوین واژه‌نامه فارسی میانه-فارسی دری، که در مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در دست تهیه است انجام گرفته است  
برای اطلاعات بیشتر درباره این کتاب و چاپهای گوناگون آن، رک دکتر

علی اشرف صادقی، مجله رباشناسی، سال ۳، شماره ۲، پاییز و ربستان ۱۳۶۵، ص ۱۰۸.

۱۶۱) هاشمی نژاد، قاسم (مترجم) کارنامه‌ی اردشیر بابکان (از متن پهلوی). تهران. نشر مرکز. ۱۳۶۹. ۸۴ ص. ۵۵۰ ریال.

مترجم در عین رعایت سک باستانی اثر کوشیده اسب حصائص داستانی آن را با برجستگی بیشتری نمایش دهد در واقع می‌توان گفت مترجم به این اثر بیشتر به عنوان یک اثر ادبی نگاه کرده اسب تا یک متن کهن و اثری تاریخی. اخیراً چاپ دیگری برار اس کتاب صورت گرفته اسب که شامل آواگذاری و متن کامل پهلوی آن اسب (محمودحواد مشکور (به اهتمام)، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۹)

۱۶۲) هذا ما یذکره المجوس فی صبدأ الخلق. به کوشش محسن ابوالقاسمی تهران هیرمند. ۱۳۶۹. ۱۶ ص. ۱۰۰۰ نسخه

رساله هفتم از ۲۹ رساله یکی از نسخه‌های خطی کتابخانه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد اسب این رساله جمعاً ۴ صفحه از آن نسخه خطی را شامل می‌سود که تاریخ ندارد و فاقد عنوان اسب (حملة پایانی رساله به مرله عنوان آن انتخاب شده اسب) بین این رساله و مطالبی که ابوریحان بیروبی در الآثار الباقیه پیرامون کیومرث آورده ساهتهای فراوانی وجود دارد کتاب حاضر حاوی عین نسخه عکسبرداری شده رساله، نسخه حروفچینی سده آن و یادداشتهای دکتر ابوالقاسمی اسب

## تاریخ

### ● ایران

۱۶۳) بشیری، احمد (به کوشش) کتاب آبی، گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران ج ۸ (از تاریخ ۹ مارس ۱۹۱۲ تا ۱۵ فوریه ۱۹۱۳) تهران نشریو. ۱۳۶۹. ۶۰۷ ص [از ص ۱۶۸۱ تا ۲۲۸۸]. فهرستها.

آخرین حلد اسب از مجموعه محاربات و مراسلات نمایندگان انگلیس در ایران

۱۶۴) تاریخ معاصر ایران (کتاب دوم مجموعه مقالات). تهران. مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی ۱۳۶۹. ۳۰۶ ص. مصور. سده. ۱۵۰۰ ریال

کتاب در چهار بخش مقالات، خاطرات، اسناد و سحنه‌شناسی تنظیم شده است «حاستگاه تاریخی ایل فاجار»، محقق فرویی/ «خاطرات ملکه توران» [سومین همر رصانشاه پهلوی]/ «اهمیت و جایگاه اسناد تصویری در تاریخ به انضمام چهارده عکس»/ «دیدنی ترین عکس رصاحان»، سهلعلی مددی/ «سفرنامه هد و کشمیر و برمه»، صفاءالدین کاظمی، عنوان برخی از مطالب کتاب اسب

۱۶۵) ثعالی نیشابوری، ابومصور عبدالملك بن محمد بن اسماعیل تاریخ ثعالی (غور اخبار ملوک الفرس و سیرهم-پاره نخست-ایران باستان). ترجمه محمد فصائلی. همراه با ترجمه مقدمه زنتبرگ و دیباچه مجتبی مینوی. تهران. نشر نقره. ۱۳۶۸ [توزیع ۱۶۹]. صد و بیست و پنج + ۵۲۰ ص فهرست اعلام ۴۰۰۰ ریال

ابومصور ثعالی (متوفی ۴۲۹ هـ) از دانشمندان معاصر سلطان محمود غروی و فرزندش سلطان مسعود، و از واستگان به دستگاه امیر نصرس ناصرالدین، برادر محمود، بود. کتاب مشتمل است بر تاریخ ایران باستان از دوره‌های پیش از تاریخ و اسطوره‌ای تا پایان دوره ساسانیان. حلد دوم این کتاب تا ظهور اسلام و به خاک سپردن حضرت محمد(ص) را در برمی‌گیرد. طاهرأ این کتاب از مآخذی بوده که فردوسی در سرودن شاهنامه از آن بهره برده است. مترجم در این مورد که آیا بویسده واقعی کتاب حسین بن محمد المرعی (نظر محتوی مینوی و بعضی دیگر) بوده یا ثعالی نیشابوری (نظر رتبرگ و ملک الشعراء بهار) مفصلاً بحث می‌کند و با استناد به مطالعات متن ساسی و تطبیقی نظر رتبرگ را صحیح می‌خواند. نخستین باره-رتبرگ

نسخه عربی این کتاب را در سال ۱۹۰۰ همراه با ترجمه آن به فرانسه در پاریس منتشر ساخته است.

(۱۶۶) جعفریان، رسول. بررسی تطبیقی و تحقیق در جنبش مشروطیت ایران (بررسی کامل ابعاد تحسن مشروطه خواهان در سفارت انگلیس). قم: انتشارات طوس. ۱۳۶۹. ۳۷۳ ص. فهرست اشخاص. ۱۲۰۰ ریال. به اعتقاد نویسنده نقش عمده را در جنبش مشروطه علما بر عهده داشته اند، اما در کنار آنان نیروی دیگری نیز «مور الفکرهای لیبرال» با حکومت درگیر بود که بنا به عللی رهبری فکری مشروطه را به دست خود گرفت این کتاب به بحث درباره طبقه بندی این نیروها و اهداف و نظرات هر یک و چگونگی ارتباط آنها با نیروهای بیگانه، خصوصاً انگلیسی ها، پرداخته است. کتاب حاضر قلاً در حجم کمتری و با عنوان دخالت انگلیس در واقعه مشروطه منتشر شده بود (۱۶۷) غفاری کاشانی، ابوالحسن. گلشن مراد. به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: انتشارات زرین. ۱۳۶۹. [۱۲] + ۹۱۱ ص. فهرستها. نمونه سند. ۶۹۰۰ ریال.

این کتاب شامل ۳۶ سال تاریخ دوره زندیه است از ۱۱۶۷ ه. ق. که مصادف است با حرکت کریم خان رید از شیراز و فتح اصفهان تا ۱۲۰۳، که مقارن است با کشته شدن محمدجعفرخان رید و حلوس سید مرادخان دو فصل جداگانه بزرگ به شرح به قدرت رسیدن آقامحمدخان قاجار در مازندران و حرکت وی به سوی تهران و عراق عجم در کتاب آمده است. طاهر آقاسیهای مربوط به وقایع دوران کریمخان و شرح احوال سمر و علمای آن دوره نوشته میرزا ابوالحسن عفری، و دسالة کتاب، از شرح سلطنت صد رویره رکی خان (۱۱۹۳) تا آخر، نوشته میرزا محمدباقر عفری سر میرزا ابوالحسن است. میرزا ابوالحسن عفری از مشایخ دربار کریمخان رید بوده است (۱۶۸) بوانی، عبدالحسین ایران و جهان (از قاجاریه تا پایان عهد ناصری). ج ۲. تهران: نشر هما ۱۳۶۹. ۸۵۵ ص. ۴۰۰۰ ریال.

این کتاب جلد دوم از مجموعه ای سه جلدی است که به بررسی تاریخ روابط ایران با خارجیان، از معول تا پایان دوره قاجار اختصاص دارد. وجود فهرست مندرجات، فهرست راهنما و فهرست ماحد می تواند کارائی کتاب را دوچندان کند. امید است این مجموعه در جلد سوم رفع شود.

## ● جهان

(۱۶۹) باین، استانیلی، جی. اسپانیای فرانکو ترجمه ارسطو آذری. تهران: امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۱۹۲ ص. جدول ۴۴۰۰ نسخه ۸۹۰ ریال. کتاب حاضر به تحولات اسپانیا در زمان حکومت فرانکو می پردازد و براساس امار و اطلاعات موجود تحولات اجتماعی، توسعه اقتصاد و وضع فرهنگی اسپانیا و همچنین وضعیت مخالفان داخلی فرانکو را تحلیل می کند. ظاهراً این کتاب قبل از مرگ فرانکو نوشته شده است. بدو اگر مترجم در این زمینه توضیحی می داد (۱۷۰) دورانت، ویل (و) آریل دورانت تاریخ تمدن (عصر لویی چهاردهم). ترجمه پرویز موزیان (و) ابوطالب صارمی (و) عبدالحسین شریفیان. ج ۸. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۸ [توزیع ۱۶۹] [۵۰] + ۱۰۲۱ ص. نقشه مصور. نمایه. ۱۰۰۰۰ نسخه. ۵۶۰۰ ریال.

چاپ جدید این کتاب با تعدیل ویرایش محتوایی و فنی و افزودن فهرستهای راهنما بدین صورت گرفته است. این کتاب ترجمه هشتمین جلد از یازده جلد متن انگلیسی تاریخ تمدن است. محلد حاضر به تاریخ و تمدن اروپا از پیمان وستفالی (۱۶۴۷) تا مرگ لویی چهاردهم (۱۷۱۵) اختصاص دارد. (۱۷۱) عنان، محمد عبدالله. تاریخ دولت اسلامی در اندلس ترجمه عبدالمحمد آیتی. ج ۳. تهران: انتشارات کیهان ۱۳۶۹. ۵۴۳ ص. نقشه. فهرست اعلام (بدون صفحه شمار). ۳۳۰۰ ریال.

بررسی نظام حکومتی و اوضاع سیاسی و نظامی و اداری و دبیری اندلس در دوره تسلط صوبنجاه ساله دوامراطوری مرگ مراطین و موحدین، موضوع

کتاب حاضر را تشکیل می دهد.

(۱۷۲) کسلز، آلن. ایتالیای فاشیست. ترجمه محمدابراهیم اقلیدی. تهران: انتشارات معین. ۱۳۶۹. ۲۰۳ ص. لاتین. ۲۲۰۰ نسخه. ۹۸۰ ریال. کتاب حاضر به بررسی دوران فاشیسم در ایتالیا، از زمان به قدرت رسیدن موسولینی (۱۹۲۲) تا قتل وی (۱۹۴۵) اختصاص دارد. نویسنده وقایع این دوره را با توجه به دو محامل عمده، یعنی زندگی و شخصیت و عملکرد سیاسی موسولینی از یک طرف و شرایط تاریخی و انگیزه های روانی و اجتماعی گوناگونی که به ظهور فاشیسم در ایتالیا منجر شد از طرف دیگر بررسی می کند. به اعتقاد نویسنده ظهور فاشیسم در ایتالیا تا اندازه زیادی نیز حاصل گرایشهای دیرین تاریخ ایتالیا بوده است، از این رو بخشهای آغازین کتاب به شرایط تاریخی قدرت گرفتن فاشیسم در آن کشور اختصاص دارد. (۱۷۳) کندی، پال. ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ (بخش اول. استراتژی و اقتصاد در دنیای پیش از صنعت). ترجمه محمد قاندر شرفی (م قاندر). تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۹. دوازده + ۲۳۸ ص. نقشه. جدول. ۵۰۰۰ نسخه. ۱۶۰۰ ریال.

(۱۷۴) هاردی، پی. مسلمانان هند بریتانیا. ترجمه حسن لاهوتی. مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۶۹. ۳۸۵ ص. نقشه. نمایه. ۱۱۵۰ ریال. نویسنده ابتدا سرگذشت مسلمانان هند را از زمان ورود اسلام به هند تا پایان امراطوری معولان مختصراً بررسی کرده، و سپس با تفصیل بیشتری به حران مبارره های آنان تا تشکیل دولت مستقل پاکستان پرداخته است. (۱۷۵) هامرپور گشتال، یوزف، تاریخ امراطوری عثمانی (به انضمام «دیل تاریخ امراطوری عثمانی»، اثر هانری ماتیه). ترجمه میرزا زکی علی آبادی، به اهتمام حمشید کیانفر. ج ۵. تهران: انتشارات زرین ۱۳۶۹. سیزده + ۹۳۳ ص (از ص ۳۲۳ تا ۴۱۶۶). فهرستها.

جلد پنجم و آخرین جلد از تاریخ امراطوری عثمانی است که تاریخ این امراطوری را تا اواسط قرن ۱۸ (سلطنت سلطان حمید اول) حکایت می کند. حو هامر تاریخ دولت عثمانی را از آغار تا سلطنت سلطان حمید اول تألیف کرده، مترجم برای تکمیل کاروی وقایع ایام سلطنت بیخ مر از سلاطین دیگر (عبدالحمید اول، سلطان سلیم ثالث، سلطان مصطفی رابع، سلطان محمود ثانی، سلطان عبدالحمید اول) را از کتاب تاریخ هامری مانیه فراسوی بر حمله و نه کتاب حاضر افزوده است. ترجمه این کتاب به دستور ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۳۱۳ ه. ق به اتمام رسیده است. افزودن فهرستهای راهنمای مفصل و یک دست کردن و تصحیح اعلام کتاب از ویژگیهای این کتاب است.

## زندگینامه، خاطرات، سفرنامه ها

(۱۷۶) آل احمد، جلال. سفر روس. با مقدمه، حواشی و فهرس زیر نظر شمس آل احمد. تهران: انتشارات پرگ ۱۳۶۹. ۳۳۶ ص. فهرست اعلام. ۱۱۰۰۰ نسخه. ۱۴۰۰ ریال.

حاصل سفر سی و یک روزه جلال آل احمد است به شوروی در سال ۱۳۴۳ (۱۷۷) نویهریزلر، یوهان (و) نیکوروست. بازداشتگاه داخائو. ترجمه صوچهر ضرابی تهران: کتاب سرا. ۱۳۶۹. ۲۰۸ ص. مصور. جدول. ۱۰۰۰ ریال.

بازداشتگاه داخائو نخستین اردوگاه ریداییان در آلمان فاشیست بود که در سال ۱۹۳۳ به دستور هیملر تأسیس شد. کتاب حاضر حاوی خاطرات کشیشی مسیحی است که در فاصله سالهای ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۵ در این بازداشتگاه اسیر بوده است.

(۱۷۸) همینگوی، ارنست. جشن بیکران. ترجمه فرهاد غبرائی. [تهران] ناشر: مترجم. ۱۳۶۹. ۱۷۴ ص. ۷۰۰ ریال. خاطرات ارنست همینگوی، نویسنده آمریکائی است طی دوران اقامتش در پاریس در سالهای ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۶.



## جغرافیا

### ● ایران

- «روشنفکر من...» عبدالرحمن صدریه / «مادر و بمب نوترونی»  
[بخشی از يك شعر بلند]، یوگنی یفتوشنکو، ترجمه م. سجودی.  
● آینه (سال ۲، شماره ۵۸، بهمن ۱۳۶۹).  
«گفتگو با علی باباجاهی - شاعر و منتقد: موج باری از عوارض بحران در شعر است» [ادامه این گفتگو در شماره بعد آینه منتشر شد].  
● بهداشت جهان (سال ۵، شماره ۳، ۱۳۶۹).  
«معمای حوشبختی»، دایان سوانبرو، ترجمه فاطمه خواجوی هر /  
«برنامه ریشه‌کشی فلح اطفال در ایران»، محمد تقی چراغچی / «آلودگی هوای تهران»، ماشاءالله توحیدی / «حانه بهداشت رودك» فاطمه خواجوی هر  
● بهکام (سال ۱، شماره ۶، دی ۱۳۶۹)  
«تر آزدی زندگی حلیل فارو»، ترجمه موچهر رفعت / «تأثیر تعذیه بر بیماریها و دردهای ماهانه حانمها»، فرحار پیدا / «کبد نخست وزیر بدن»، هما بطحانی.  
● تماشاخانه (سماره ۱، آذر ۱۳۶۹)  
«گفت‌وشنودی با علی منطری، سرپرست مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، / «ماحرهای بزرگ تئاتر»، کی لکرك، ترجمه ن. همدانی / «بای صحت حمشید مشایخی».  
● حاسار- ماهنامه حاباران انقلاب اسلامی (سماره ۱۱، آذر ۱۳۶۹).  
«بخنی در اعاد مختلف توابعشی» / «حاساران و فرهنگ رفتاری حابواده‌ها» / «در حلوب دوستیها و مهر نایبها - گفتگو با همسر جانباز»، مهری ساحلی.  
● حبرامد احمن فیریک ایران (سال ۲، شماره ۳، بایز ۱۳۶۹).  
«احبار احمن فیریک ایران» / «احبار دانشگاهها و مؤسسات علمی» / «احبار مرکز تریت و آکادمی علوم جهان سوم».  
● درسهای ار مکتب اسلام (سال ۳۰، شماره ۷، آمان ۱۳۶۹).  
«طلولای بودن روز قیامت» / «نگاهی احمالی به وهابگری» /  
«اساعره و صفات حبریه»، حعفر سحانی / «احکام اسیر در قرآن»  
علی اکبر حسی  
● دیبای سخن (سماره ۳۷، دی ۱۳۶۹).  
«گفتگو با ناقر برهام» / «شرخی بر قصیده حملیه» [داستان کوتاه].  
هوشگ گلشیری / «دو نامه ار ناکوبیس و پرودون به مارکس»، ترجمه هرمر عبداللهی / «شستشوی معزی»، محمدرضا ناطنی

### رشد

- ~ آموزش ریاضی (سال ۷، شماره ۲۶، ۱۳۶۹)  
«تدریس نظریه اعداد به روش دیگر»، حواد لالی / «اعداد مختلط»، محمود بصیری.  
● ~ تکنولوژی آموزشی (سال ۶، شماره ۳، آذر ۱۳۶۹).  
«تکنولوژی آموزشی و ضرورت تحول در نظام آموزش و پرورش» (۳)، حسرو شجاعی قلعه‌بی / «طراحی آموزشی»، محمدعلی شمیم.  
● ~ حوا (سال ۷، شماره ۳، آذر ۱۳۶۹)  
«تحقیر و تلقین»، شمس‌الدین رحمانی / «اسپانیای»، رسول خیراندیش.  
● ~ دانش‌آموز (سال ۹، شماره ۳، آذر ۱۳۶۹).

- (۱۷۹) روحانی‌نیا، رمضان علی. بیضاء در گذشته و حال. شیراز (۲)، بی‌نا. ۱۳۶۹. ۲۲۰ ص. جدول. ۱۰۰۰ نسخه. ۴ ریال.  
(۱۸۰) عارف، محمد. جغرافیای عالم اسلام. تصحیح صدیقه سلطانی‌فر. [تهران]. واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۹. ۲۷۳ ص. نقشه. جدول. نمونه خط. ۱۰۰۰ نسخه. ۱۴۰۰ ریال.  
این کتاب از جمله نسخ خطی کتابخانه ملی ایران است که در فهرست سیدعبدالله انوار با شماره ۵۰۱ ثبت شده است. متن کتاب در سال ۱۳۰۹ هـ.ق. نوشته شده و موضوع آن بررسی و شرح حدود ممالک عالم اسلامی، و نیز عوارض زمین از قبیل کوه و دشت و دریاچه‌هاست. بحث درباره عقاید و سنن مردم مسلمان این نواحی، و اشاره به مدارس و خط و گویشهای آن از جمله دیگر مطالب کتاب است. مصحح فهرست راهمای مفصلی (۱۰۰ صفحه) برای کتاب تهیه کرده است.  
(۱۸۱) محمدی، علی. کتاب افشار. با مقدمه ایرج افشار. بی‌جا. ناشر. مؤلف. [۱۳۶۹]. ۳۶۸ ص. مصور. نقشه. ۲۴۰۰ ریال.  
کتاب افشار منطقه‌ای است واقع در میان ریحان، بیجار، صاس، قلعه، سقرو میاندوآب که به علت دور افتادن از شهرهای بزرگ و نداشتن راههای ارتباطی آسان گذر، سبباً مهجور و ناشناخته باقی مانده است «موقع و مساحت»، «اوضاع طبیعی»، «پوشش گیاهی»، «حانوران»، «ایلات و عشایر»، «تأسیسات شهری»، «صنایع»، «دامپروری»، «دین- زبان»، «حفارهای تحت سلیمان»، «ادما و شعرا»، «مراسم ازدواج»، عنوان برخی فصلهای کتاب است

## معرفی نشریه‌های علمی و فرهنگی

- ادبستان (شماره ۱۳، دی ماه ۱۳۶۹)  
«داریوش مهرجویی» و «سال بلو» کاشعان غربت و تعلیق کودکان روشنفکر»، بهراد قادری / «ترجمه خوب نوعی آفرینش هنری است»، گفت‌و‌نشود با صفدر تقی‌زاده مترجم معاصر.  
● — (شماره ۱۴، بهمن ۱۳۶۹)  
«مردگان حاندار» [سعی ار تی. اس. الیوت]، ترجمه رهرا میهن‌خواه / «فرا گرفتن موسیقی ایرانی سه مرحله دارد.»، حانم بریسا / «گفتگو با سیمین دانشور».  
● آدینه (سماره ۵۳، دی ۱۳۶۹).  
«دانشگاه آزاد، آزاد در گرفتن وجوهات»، محمدرضا باطنی / «من میراث‌دار هدایت بودم نه نیما» [مصاحبه با نصرت رحمانی] / اشعاری ار احمد شاملو، پرویز خائفی، محمدرضا تاج‌دینی / «عمر کارکردهای اجتماعی شاهنامه به سر رسیده»، مهرداد بهار / و مقالاتی ار اجوی شیرازی، مهدی قریب و دکتر عباس رریاب‌خونی درباره فردوسی و شاهنامه.  
● — (شماره ۵۴، بهمن ۱۳۶۹).  
«معیار مردمی بودن انتخابات آزاد است»، مصطفی رحیمی / «وفتی روح ساعدی از مرگ مرخصی می‌گیرد»، رضا براهی / اشعاری از سبائلو، نصرت رحمانی، فرشته ساری و دیگران / «موهنتی به ارش آتش»، بهرام معلمی.  
● آرمان (شماره ۸ و ۹، دی ۱۳۶۹).

ابوالحسن نجفی پرداخته است. متأسفانه مسؤولان فنی مجله به جای اینکه مقاله «به بهانه» را مانند مقالات دیگر با عنوان سیاه و به طور مستقل عرضه کنند، آن را درست در زیر مقاله قبلی قرار داده‌اند و با حواسته دو مقاله را یکی کرده‌اند.

● کیمیا (سال ۳، شماره ۹، آبان ۱۳۶۹).

«تکنولوری در منظر اقتصاد، سیاست و علوم» / «تفلون یا طلا»، ترجمه موسی قائم / «مواد اولیه صنایع شیشه»، محمدعلی میرمحمدی / «جوهر ردایی و جداسازی الیاف از کاغذهای ناپل»، عسگر خجسته.

● گردون (سال ۱، شماره ۴، دی ۱۳۶۹).

«بختین شاعر نوپرداز ایران»، سمس لنگودی / «جوهر سر و سرگدهای رفته»، علی ناناچاهی / «نایان»، حورحه لویس بورخس، ترجمه سهکام حولایی

● ماهنامه پاسدار اسلام - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (شماره ۱۰۹، دی ۱۳۶۹)

«همسانی زن و مرد در بیسگاه ربوبی» / «تفسیر سوره رعد، حس حساب و سوء حساب»، آیه الله حوادی آملی / «شفاعت رور قیامت» (۴)، آیت الله حسین نوری

● ماهنامه فرهنگی سیمرغ (سال ۱، شماره ۵، خرداد ۱۳۶۹)

«حرک جوهری در گذرگاه تاریخ»، دکتر سید جعفر سجادی / «کتابخانه آستان قدس رضوی»، و ایوانف، ترجمه سید محمدباقر طباطبائی / «تعریف در توابع اصفهان»، محمد حسن رحانی رفراهی.

● محله سیاست خارجی - دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (سال ۴، شماره ۳، ۱۳۶۹)

«تلاش مسلمانان در نظام لائیک در بحریره»، سید حسن موسوی حراسانی / «مفهوم تلافی در حقوق جنگ»، محمدرضا صیانی بیگدلی / «تأثیرات احتمالی برسترویکا بر حربه‌های استراتژیک روابط بین‌الملل»، ناصر بقعی عامری.

● موره‌ها - انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (شماره ۹ و ۱۰، شهریور ۱۳۶۹)

«نگاهی به موزه ملی ایران»، احمد تهرانی مقدم / «ناردهمین کفراس ایکوم»، ناهر سیراری / «گالری اوفتیری»، کلود کراسی.

● نامه فیلمخانه ملی ایران (سال ۱، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۹). «آرشیوهای فیلم در آمریکا، گذشته و حال»، جان کوپیر، ترجمه رضا رضایی / «حاستگاهها و توسعه سینمای چین»، تسای هوشن، ترجمه هادی عبرانی / «دو خواهر صحنه - سکوفایی ریایی شناسی انقلابی»، جیسا مارکتی، ترجمه هادی عبرانی / «گفتگو با فریدون ناصری [آهنگ‌ساز]

● نور علم - سریه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (دوره ۴، شماره ۱، آبان ۱۳۶۹)

«باسخی به تفسیر محرف مفهوم حدال در حج»، سید محمد باقر حجتی / «توحید و سرک در عبادت»، جعفر سبحانی / «ناگفته‌هایی از حیات شیخ مفید (۳)»، سید محمد جواد شبیری.

«فقط خوبی می‌بیند»، فرسا کلهر / «سعی از مصطفی

رحماندوست»

● ~ علم (سال ۹، شماره ۳، آذر ۱۳۶۹)

«راز طول عمر معلمان»، سیدرضا رضوی / «رماداری ساسانیان»، گل‌نوش پوربراد / «سرگذشت آموزگار فاسم علی فرهمند» (۱۳۳۵-۱۲۷۰)، عباس رمایی

● ~ نوآموز (سال ۹، شماره ۳، آذر ۱۳۶۹)

«چه کسی در دریا نمک ریخته است»، ملیحه ایوبی

● ~ نوحوان (سال ۹، شماره ۳، آذر ۱۳۶۹)

«پناهگاهی در نور»، سمیرا اصلا نوری / «خاطره جنگ»، ابوالقاسم اسماعیلی.

● صفا - نشر نه داسکده معماری و شهرسازی داسکده شهید بهسی (سال ۱، شماره ۱، ۱۳۶۹)

«معایسه هربه‌های حاجایی و یا درحاساری حرمسهر»، سید حسن میری / «واحد همسانی»، حهاساه ناکرد / «نگاهی به مفهوم شهر در ایران»، سید محسن حبیبی / «حنی بیرامون نمود خلافت»، محمود رازجویان.

● صعب حمل و نقل (آذر ۱۳۶۹)

«بازار بورس حبس»، بورس در ایران با سانه اما هور حایفته» / «نفس حمل و نقل هوایی در گسترش بیماری ایدز»

● فارسی - فصلنامه سینمایی (دوره ۲، شماره ۲ و ۳، ۱۳۶۹)

«هامون، مرگ در دریا»، محمد سعید حنایی کاشانی / «موسیقی فیلم در سینمای ایران»، گفتگو با تورج زاهدی

● فرهنگ ار انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، کتاب ۶ (بهار ۱۳۶۹)

این شماره فرهنگ که ویراستاری آن را دکتر یحیی مدرسی بر عهده داشته به مقالات زبان‌شناسی اختصاص دارد «هیج، ایج»، ماهیار نوایی / «واژه‌های کهن و گویشی در اللمه»، محمدتقی راسد محصل / «قطعه‌ای به ربان سفدی در نگوشت میحوارگی»، رهه ررساس / «ماه در ایران از قدیمترین ایام تا ظهور اسلام»، کتابون مردابور / «ساحت فعل در گویش مازندرانی ساری»، گیتی سگری.

● کتاب صبح (شماره ۹، آذر و دی ۱۳۶۹)

«ربان و تنهایی انسان»، ابوالحسن نجفی / «به بهانه» [قسمتی از ویرایش حدید غلط نویسیم - زیر چاپ]. ابوالحسن نجفی / «رمان - تراژدی» و یا جسلو ایوانف، ترجمه رضا رضایی / «بیج نو» باستان، از نمایش ژاپن، بهرام بیضایی / «برده آشپز»، بلرساندرا اکدا. این شماره کتاب صبح همچنین به معرفی کتابها و مقاله‌های

- موتورهای درونسوز، مهندس سیدمصطفی میرسلیم،
- بتن شناسی، ترجمه دکتر هرمز فامیلی،
- شعله و احتراق، ترجمه محمد خشنودی،
- آیینة جام، دکتر عباس رویاب خویی،
- فرائدالسلوک، تصحیح دکتر بورای وصال و دکتر غلامرضا اهراسیانی،
- سرود سپیده (شعر)، حمید سیرواری،
- الاعالی (برگزیده)، ابوالفرج اصفهانی، ترجمه دکتر محمد منایح فریدی،
- مجموعه آثار، مصطفی رحماندوست،
- نمونه‌های نخستین اسان و نخستین شهریار...، ترجمه زاله آموزگار، احمد تقصلی،
- تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تألیف محبوبی اردکانی، علاوه بر اینها حد کتاب دیگر در زمینه‌های دین، علوم اجتماعی، علوم حالص، علوم عملی، هنر، ادبیات، و جغرافیا مورد تشویق قرار گرفت

#### سمینار بررسی مسائل مطبوعات

در نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران که به ابتکار معاونت امور مطبوعاتی و تبلیعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در هفته اول اسفند در تهران تشکیل شد، لروم مقابله مطبوعات و نویسندگان ایرانی با سلطه فرهنگی عرب مورد تأکید قرار گرفت

در این سمینار که دو روز طول کشید، بیس از ۲۵ تن از صاحب نظران، استادان و دست اندرکاران درباره وضع کنونی مطبوعات، اطلاع رسانی، مشکلات و کمبودهای کمی و کیفی کار صحبت کردند

دکتر محمد حاتمى وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی که کفرانس را افتتاح کرد، گفت: «گردندگان وسایل ارتباط جمعی در روزگار ما روسفکران و نه معنای عام کلمه تحصیلکرده‌ها هستند و وسایل ارتباط جمعی دو نفس اصلی دارند آگاهی رسانی به مردم و دفاع از آزادی و حقوق مردم که البته تعریف آنها ضرورت دارد و صورت عربی آن که خود را مدار و محور عالم می‌داند و نه خود حق می‌دهد که فرهنگ و تلفی خود را از ریدگی نه کل بشریت تعمیم دهد مطرود است و خودباختگی نسبت به ارزشهای تحقق یافته در غرب هم مدموم اسب و صورت مطلوب آن این است که مسؤولان و صاحبان وسایل ارتباط جمعی در جهت حاکمیت و مشارک مردم در سربوست خود و جامعه تلاش کنند و محدوده‌های واقعی فعالیت مطبوعاتی را براساس قانون مطبوعات روس سازید تا راه بر فیل و فالهای ناسی از سلیمه‌های سحصى سته سود»

ضرورت اعتنار بحسیدن به تشکیلات صفی روزنامه‌نگاران، ضرورت همکاری و حمایت متقابل دولت و مطبوعات، ضرورت ایجاد تحول اساسی در محتوای مطبوعات، ضرورت توجه داسگاهها به رشته روزنامه‌نگاری، ضرورت توجه به سرباب تحصصى، ضرورت افرایش بیروى کار و افرایش سطح علمى آن ار بکاتی است که در طى سمینار بر آنها تأکید شد

آچه در حاشیه این سمینار دکرش ضرورت دارد این است که اولاً کارت دعوت برای شرکت در سمینار با وجود فید «هورى» بودن بر روى

## در ایران، در جهان



• ایران

#### کتابهای برگزیده سال

- در مراسمی که با حضور آفایان هاسمی رفسحایی رئیس جمهوری و محمد حاتمى وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در تالار وحدت برگزار شد، بهترین کتابهای سال ۱۳۶۸ معرفی شدند و به مؤلفان یا مترجمان آنها جوایزی اهدا شد این کتابها عبارتند از:
- المعجم الاحصایی لإلفاظ القرآن الکریم، تألیف دکتر محمود روحانی،
- فلسفه کانت، ترجمه عرب الله فولادوند،
- شرح اسماء اربعه، آیت الله حوادی آملی،
- درآمدی به منطق حدید، ضیاء موحد،
- صاحب، پدیدآیی و تحول نسخصیب، ترجمه دکتر محمود منصور،
- نهج البلاغه، ترجمه دکتر سیدجعفر سبهیدی،
- مئیه المرید فی ادب المعید والمستعید، تألیف شهید نابی، تصحیح رضا مختاری،
- اسس الثائیین، تصصیف شیخ زنده بیل، تصحیح دکتر علی فاصل،
- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، دکتر ابوالفضل قاضی،
- درآمدی بر جامعه شناسی ریان، دکتر یحیی مدرسی،
- گویش فاین، دکتر رضا رمردیان،
- جزه وکل، ترجمه مهندس حسین معصومی همدانی،
- طرح فیزیک هاروارد، ترجمه هوسنگ شریف راده، احمد خواجه نصیر طوسی،
- مفتاح الطب و منهاج الطلاب، تألیف ابن هندو، تصحیح دکتر مهدی محقق،
- تب روماتیسمی و بیماریهای دریچه‌ای قلب، دکتر محمد داش پزوه،
- متالورژی مس، دکتر حکمت رضوی زاده، دکتر رامروفر،
- آسنایی با میکروویو، مهندس بهرام رزموش،

## سمینار فلسفه و روش‌شناسی

بحسب سمینار فلسفه و روش‌شناسی علوم تجربی از سوی مرکز تحقیقات فیزیکی و ریاضیات و با همکاری دانشگاه صنعتی شریف و انجمن حکمت و فلسفه ایران از ۱۱ تا ۱۳ دی ماه ۱۳۶۹ در دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد. در این سمینار مقالاتی درباره فلسفه علوم تجربی و مباحث فیزیکی این علوم ایراد شد. همه سخنرانان از محققان داخل کشور یا از محققان ایرانی بودند که در خارج از کشور به تحقیق یا تحصیل اشتغال دارند و از این نظر سمینار فرصتی فراهم آورد که این دو گروه با یکدیگر آشناتر شوند. غالب مقالات سمینار به مباحث جاری فلسفه علوم جدید اختصاص داشت، اما برخی نیز به تطبیق و تاریخی داس

هر چند مقالات سمینار، روی هم رفته، آبرومند و سسته‌رفته بود، از عرصه مقالات بسیار تخصصی بهره‌بردار شده بود و برگزارکنندگان سعی کرده بودند که این مجمع، که در نوع خود اولین بود، برای عموم قابل استفاده باشد. استیصال محققان و دانشجویان، که از دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های سراسر کشور بودند، گواه نیاز محیط علمی ما به طرح این گونه مباحث فیزیکی است. امید می‌رود که بظایر این سمینار در آینده با روی بستر و کیفیت بهتر تشکیل شود، و به خصوص با تشکیل یک دوره‌ی دانشگاهی در فلسفه و تاریخ علم کوسسه‌های صمیمانه و برانگیزه‌ای که در این دورمینه در کشور ما می‌سود به مسیر درست خود بیفتد.

## نمایشگاه اسناد کودتای ۱۲۹۹

مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، وابسته به بنیاد مستضعفان و کارسازان انقلاب اسلامی ایران در اوایل اسفندماه امسال نمایشگاهی از اسناد مربوط به کودتای ۱۲۹۹ در موزه دوفیه تهران تشکیل داد. مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی که اسناد بسیاری از خانواده‌های متقدم و صاحب‌مقام‌رزم گذشته را در اختیار دارد، به منظور آساکردن مردم با حقیقت و واقعی که در فرس حاضر در این کشور روی داده است، اقدام به طبقه‌بندی این اسناد و بررسی و انتشار آنها کرده است و به همین منظور تاکنون دو مجموعه تحت عنوان تاریخ معاصر ایران انتشار داده است. اما چون انتشار همه اسناد در یک زمان امکان‌پذیر نیست، هر سال یک نمایشگاه ترتیب می‌دهد و از آنها که امسال مصادف با هفتادمین سالگرد کودتای سوم خوت (اسفند) ۱۲۹۹ بود نمایشگاه به ارائه اسناد مربوط به آن واقعه اختصاص داشت که در پنج بخش مرتب شده بود: انگلیس و کودتا، عوامل داخلی کودتا، محبوسین و تبعیدیهای کودتا، تضییقات و تنگناها و فشار کودتا بر مردم، تبریک به کودتاجیان.

در این نمایشگاه تماشاگر به کمک قریب ۲۵۰ سند با حوادث روزبه روز واقعه‌ای که به نیرنگ انگلیس شکل پذیرفت و موجب سلطه حکومت دیکتاتوری گردید، آشنا می‌شد. ۸۰ درصد از این اسناد برای اول بار به تماشا گذاشته شده بود.

پاک آن در روز آخر به دست برخی از دعوت‌شدگان رسید و مایا روزنامه اطلاعات گزارش مفصلی در هفت شماره در بررسی وضع مطبوعات و کم و کف مسائل و مشکلات آن چاپ کرد که امورده و مأحور بود.

## سمینار امنیت در خلیج فارس

در سومین سمینار خلیج فارس که در اوایل بهمن ماه توسط دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در تهران برگزار شد، سخنرانان ایرانی و خارجی بر لزوم حفظ امنیت خلیج فارس توسط کشورهای منطقه و خروج نیروهای بیگانه از منطقه تأکید کردند. سمینار در رمای تشکیل شد که جنگ عراق با نیروهای متحد به نقطه اوج خود رسیده بود و همین امر موجب شد تا شرکت‌کنندگان در سمینار عمده‌ی بحث درباره بحران موجود و انگیزه‌های آن و تحولاتی که خواهد یافت و اثراتی که خواهد گذاشت، بردارند. از مجموع مباحث این نتیجه حاصل شد که برای رفع بحران در منطقه و جلوگیری از بروز حوادث مشابه ضرورت دارد که یک طرح امنیتی جامع با همکاری کشورهای دینفع منطقه تدوین و اجرا گردد تا دیگر رمیهای برای تحاور و مداخله نامی نماید این امنیت باید براساس موازین منطقی و تفکر سیاسی همه‌پسند و به دور از رور و فشار یابیم و هراس فراهم آید تا پایدار نماید.

## شورای عالی آموزشهای علمی کاربردی

شورای عالی انقلاب فرهنگی آیین‌نامه تشکیل شورای عالی آموزشهای علمی کاربردی کشور را تصویب کرد. هدف از تشکیل این شورا که با توجه به برنامه‌های توسعه بلندمدت اقتصادی و اجتماعی کشور تشکیل شده است ایجاد کانونی است برای تأمین و آموزش افراد متخصص مورد نیاز بخشهای مختلف کشور در واقع توسعه تکنولوژی و تعمیرات آن و همچنین برنامه‌های بلندمدت دولت ایجاب می‌کند که آموزشهای علمی-کاربردی (تکنولوژیک) به‌طور وسیع مورد حمایت قرار گیرد. بدیهی است که این دسته از آموزشها به آموزشهای فنی و مهندسی محدود نمی‌شود، بلکه باید به عنوان یک اندیشه عام و یک محور برای تأمین نیروی انسانی مورد توجه قرار گیرد.

طرحی که برای سروسامان دادن به آموزشهای علمی-کاربردی تهیه و تصویب شده است می‌تواند گام مؤثری برای رفع کمبودهای موجود باشد.

خارجی، صندوقهای پستی، کتابخانه تخصصی و بخش مخابرات است. بیش‌بینی می‌شود که این موزه به يك مجموعه و محیط فرهنگی برای استفاده همگان تبدیل گردد. گفتمانی است که در این موزه ۷۳ هزار نوع تمپر گردآوری شده است.

● موزه هرهای ملی ایران نمایشگاهی از آثار استاد فقید محمدعلی زاویه که از سرآمدان هر میبایست بود، ترتیب داد.

● در موزه هرهای تربیتی ایران «نمایشگاه خط و کتابت» تشکیل شد که در آن آثار نفیس و بی نظیری از هر خطاطی و کتابت ایرانی به نمایش گذاشته شده بود. قدیمی ترین این آثار متعلق به اواخر قرن سوم هجری است و ریزانتریشان بر روی پوست آهو با مرکب نگاشته شده است.

● موزه سکه در بانک سه بار دیگر دایر شد این موزه دارای انواع سکه‌های ایرانی و خارجی است که قدیمی ترین آنها ۲۷۰۰ سال بیس صرب شده است.

● موزه تاریخ طبیعی ایران، وابسته به سازمان حفاظت محیط زیست، پس از مدتی تعطیل افتتاح و دایر شد.

### چند خبر دانشگاهی

● شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسات مختلفی که در چند ماه گذشته تشکیل داد چندین طرح و برنامه علمی و آموزشی را تصویب کرد که از آن جمله است: «طرح تغییر آموزش متوسطه و ایجاد دوره بیس دانشگاهی» بر اساس این طرح دوره تحصیل متوسطه (دیرستان، که تاکنون چهار سال بود) به سه سال کاهش می‌یابد و برای آماده کردن فارغ التحصیلان دوره متوسطه برای ادامه تحصیل يك دوره بیس دانشگاهی دایر می‌شود هدف از این طرح فراهم آوردن شرایط و امکانات کافی برای ارتقاء کیفیت آموزشهای متوسطه و توسعه کمی این آموزشهاست.

● رئیس دانشگاه بین المللی اسلامی امام خمینی (ره) اعلام کرد که به منظور تقویت و گریس بهترین دانشجویان خارجی کشورهای اسلامی که داوطلب تحصیل در این دانشگاه هستند يك دبیرستان بین المللی اسلامی تأسیس می‌شود که طرح آن به تصویب کمیته علمی شورای عالی تعاون جهانی اسلام رسیده است تاکنون بیس از ۳۰۰ خارجی داوطلب تحصیل در دانشگاه بین المللی اسلامی شده‌اند.

● اعتبارات تحقیقاتی در بودجه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور در سال آینده معادل دو برابر اعتبارات سال جاری بیش‌بینی شده است تا احجام طرحهای تحقیقاتی از لحاظ کمی و کیفی گسترش یابد.

● شورای گسترش دانشگاههای علوم پزشکی کشور با ایجاد پنج دوره تخصصی، نارساسی ارشد و کارشناسی در دانشگاههای کرمان و مازندران و نیز تأسیس دوره کارشناسی کتابداری شاحه پزشکی موافقت کرد.

● دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی افتتاح شد. این دانشکده دارای ۱۹۸ دانشجو، ۳ آزمایشگاه، يك آمفی تئاتر و يك کتابخانه تخصصی است.

● دوره کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی که چندی پیش به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده بود، در وزارت نفت تأسیس شد.

### دهه فجر: دهه فعالیت‌های فرهنگی و هنری

سالگرد دهه فجر انقلاب اسلامی هر ساله فرصتی به مسئولان و هنرمندان می‌دهد تا حاصل يك سال کار خود را در معرض دید همگان قرار دهند. در دهه فجر سال جاری نیز فعالیت‌های هنری و فرهنگی بسیاری انجام گرفت که احتمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود.

● مراسم معرفی کتابهای سال که هر آن جداگانه آمده است

● کابون پرورس فکری کودکان و نوجوانان از ۱۷ تا ۲۷ بهمن ماه

صد نمایشگاه و فروشگاه کتاب در ۸۹ شهر تشکیل داد.

● فرهنگستان علوم ایران متشکل از سخ بحس می، مهندسی، کشاورزی، علوم پایه، علوم و معارف اسلامی که حد ماه بیس تشکیل شده بود، رسماً فعالیت خود را آغاز کرد.

● بهمن جشنواره بین المللی فیلم فجر برگزار شد و «بهترینها»ی آن انتخاب و معرفی شدند در این جشنواره ۴۲ فیلم ایرانی و دهها فیلم خارجی از جمله ۱۵ فیلم فرانسوی شرکت کرده بود.

● يك نمایشگاه کتاب با شرکت ۲۵۰ مؤسسه انتشاراتی در محل دائمی نمایشگاههای بین المللی تشکیل شد که در آن ۲۵۰۰ عنوان کتاب ارائه شده بود.

● اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی کرج نمایشگاهی از آثار حوسویسان و هنرمندان آن شهرستان تشکیل داد که در آن ۹۰ هنرمند بیس از ۳۰۰ اثر را به تماشا گذاشته بودند.

● دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۳۵ هزار جلد کتاب برای تقویت کتابخانه‌های کارگری کشور به وزارت کار و امور اجتماعی اهدا کرد.

● يك نمایشگاه بزرگ کتاب در ترمینال مسافرتی غرب (آرادی) تأسیس شد. شهردار تهران ضمن افتتاح این نمایشگاه یکهزار جلد کتاب به آموزش و پرورش تهران اهدا کرد.

علاوه بر اینها چندین نمایشگاه کتاب، عکس، بوستر و نیز حد سمیار و برنامه هنری دیگر در تهران و شهرستانها برگزار شد.

### فعالیت‌های تازه موزه‌ها

هنرمان با دهه فجر موزه‌های تازه‌ای در سراسر کشور افتتاح شد و موزه‌های تهران نمونه‌هایی از فعالیت‌های خود را ارائه دادند.

● اولین «موزه پست ایران» با حضور آقای حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهوری افتتاح شد. این موزه شامل گنجینه‌های تمپر داخلی،

آقای سمعی خاطر نشان کرد که شغل ویراستاری در جامعه نشر کتاب و مطبوعات ما جا افتاده است و مقاومت‌هایی که در برابر کارهای ویرایشی می‌شده، فوق‌العاده کاهش یافته و خفیف شده است. او همچنین به شرح وظایف جامعه ویراستاران و چشم‌انداز و بیز برنامه فعالیت آن پرداخت و بر خصلت فرهنگی این جامعه و لزوم مراقبت در حفظ آن تأکید کرد و افزود که حیثیت و اعتبار جامعه بستگی نام به رفتار ویراستاران و تقید آنان به رعایت اخلاق و آداب ویراستاری و وجدان کار و توجه به حفظ شرافت این شغل دارد.

باطق در خاتمه اظهار اطمینان کرد که جامعه ویراستاران مقاصد والای جمهوری اسلامی ایران، بویژه تأمین استعلاال فرهنگی کشور را همواره در مد نظر خواهد داشت.

### مرد سال فیزیک

در مراسمی که برای اعطای حوایر دانش‌آموران برگزیده المپیادهای جهانی ریاضی و فیزیک در ساختمان مرکزی وزارت آموزش و پرورش برگزار شد، دکتر غلامعلی حداد عادل اعلام کرد که یکی از مؤسسات علمی و تحقیقاتی بین‌المللی آقای دکتر محمود حسابی را به عنوان مرد سال ۱۹۹۰ در رشته فیزیک انتخاب کرده است.

حسین کاندیداتوری استاد محمود حسابی که چند ماه پیش در مطوعات تهران منتشر شد اکنون به حقیقت پیوسته و افتخار تازه‌ای بر افتخارات ایران اسلامی افزوده شده است.

دکتر محمود حسابی در ۱۲۸۱ هـ.س در تهران متولد شد از کودکی به تحصیل علوم قدیم و جدید پرداخت و به سبب مسافرت همراه خانواده اش به بغداد و دمشق و لسان به زبانهای عربی و فرانسوی تسلط یافت و تا سال ۱۳۰۶ که به ایران بازگشت از حداد دانشگاه در بیروت و ناپس فارغ التحصیل شد و به مدارج عالی علمی دست یافت.

استاد دکتر محمود حسابی پس از آمدن به ایران و اشتغال در خدمات دولتی در جهت آشناسدن ایرانیان با علوم جدید کوشش بسیار کرد و سرانجام در سال ۱۳۱۳ دانشگاه ملی تهران را بنیاد گذاشت او همچنین در سال ۱۳۲۱ دانشگاه علوم را بنیاد نهاد و از بدو تأسیس تدریس فیزیک آن را بر عهده گرفت، که هنوز هم به این کار ادامه می‌دهد.

دکتر محمود حسابی صاحب آراء و نظرات تازه‌ای در باب فیزیک جدید است و در این رشته تألیفات بسطیر دارد. او همچنین با استادان و دانشمندان بزرگ عالم فیزیک ارتباط و مکاتبه و دوستی دارد اما اهمیت او در این است که با وجود تبخری که در فیزیک و علوم مرتبط به آن دارد، هرگز از رعایت به زبان فارسی و کوشش در راه اعتلای آن غفلت نکرده است و بحق می‌توان او را از پایه‌گذاران شیوه نو در امر واژه‌یابی و واژه‌گیری فارسی و وضع اصطلاحات علمی مناسب و درست، دانست.

### سمینار فرهنگ و تبلیغ

در «سمینار فرهنگ و تبلیغ» که در نیمه اول اسفند در دانشگاه تهران برگزار شد، آقای دکتر محمد خاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ضمن پیامی خاطر نشان کرد که «در اندیشه‌های اصیل اسلامی تبلیغ

● مرکز عالی پژوهشهای تجهیزات پرستی و مهندسی توانبخشی جانبازان با حضور دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس جمهوری افتتاح شد. در این مرکز با استفاده از دستگاههای بسیار پیشرفته آسیب‌دیدگیهای شدید درمان می‌شود.

● دوره دکترای رشته حاکم‌سازی کشاورزی در دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران تأسیس شد.

● دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد افتتاح شد. محل دانشکده را که یک ساختمان قدیمی با معماری سنتی است و قریب دو هزار متر مربع زیر مساحت دارد، یک فرد بیکوکار به دانشگاه اهدا کرده است.

● دانشگاه تهران با وزارت صنایع سگین موافقتنامه‌ای به منظور همکاری در زمینه‌های آموزشی، تحقیقاتی، مشاوره‌ای و مهندسی امضا کرد.

● دانشکده شیمی دانشگاه تبریز با حضور وزیر فرهنگ و آموزش عالی افتتاح شد.

### اعلام رسمیت جامعه ویراستاران ایران

در اجتماع بررگی که در هفته دوم اسفند در محل «انجمن حکمت و فلسفه» با شرکت جمع اسوهی از استادان، نویسندگان، مترجمان، ویراستاران و کارشناسان فنی جاب برگزار شد موجودیت «جامعه ویراستاران ایران» رسماً اعلام گردید.

در ابتدای جلسه آقای محمود بروجرودی ضمن ابراز خوشحالی از تشکیل آن جمع اسوه فعالیت‌هایی را که در طی یکی دو سال اخیر در جهت رسمیت بخشیدن به امر ویرایش انجام گرفته است بر شمرد و خبر داد که وزارت فرهنگ و آموزش عالی با تأسیس دوره کارشناسی ارشد ویراستاری موافقت کرده است.

پس از آن آقای کریم امامی گراشی از سابقه ویرایش به معنای تازه آن ارائه داد و به فعالیت‌هایی که از یک سال پیش برای سامان دادن به این امر در جهت ایجاد یک واحد صمیمی انجام گرفته است، اشاره کرد و ابرار امیدواری کرد که «جامعه» پس از یارگیری و تشکیل بتواند علاوه بر تشکیل دوره‌های آموزشی و ارائه خدمات به ناشران یک شریه صمیمی هم منتشر کند.

سپس آقای احمد سمعی به صحبت پرداخت و یادآور شد که صنعت نشر، با تولید انبوه و فراورده‌های علمی و فرهنگی متنوع به صورت فعالیت تولیدی پیچیده و بسیار پیشرفته‌ای درآمده است که برنامهریزی و کارشناسی در آن اهمیت حیاتی یافته است و ویرایش در جریان کار سر حائز اهمیت و نقش عمده است.

دکتر کمال‌الدین آرمین، دکتر منوچهر دوائی، دکتر ضیاء‌الدین شمس، دکتر بهادر اعلی‌هرندی، دکتر حسین میرشمسی، دکتر فرخ سعیدی، دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر حسن عارفی، دکتر رضا قریب، دکتر عباسعلی دانشور، دکتر ابوالحسن بدیم و دکتر هرسته معتمدی

### فعالیت‌های هنری-فرهنگی در بیرون از کشور

در چندماه گذشته هم‌مدان ایران با ارائه آثار خود در کشورهای مختلف موفقیت‌های تازه‌ای کسب کردند.

- فیلم «دندان مار» ساخته مسعود کیمیایی در فستیوال بین‌المللی فیلم برلین که در اوایل اسفند برگزار شد، مورد تقدیر قرار گرفت. در این جشنواره ۷۰۰ فیلم از جمله چند فیلم ایرانی دیگر به نمایش گذاشته شد.
- فیلم سیمایی «ماهی» در فستیوال بین‌المللی مالو در سوئد شرکت کرد این فیلم در چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان برنده جایزه برنیه ررین شده بود
- در جشنواره روز که در بلژیک برگزار شد سه فیلم سیمایی «نایسیکل‌ران»، «دیده» و «آب، باد، خاک» به نمایش گذاشته شد
- در جشنواره دیگری که در سیدنی بلژیک تشکیل گردید ۹ فیلم ایرانی از جمله «ان سوی آتش» ساخته کیانوش عیاری و «خانه دوست کجاست» به کارگردانی عباس کیارستمی به نمایش درآمد
- در فستیوال بین‌المللی مدرس (هندوستان) که در اواخر دی ماه برگزار شد فیلم نایسیکل‌ران شرکت داده شد.
- یک «هفته فیلم‌های ایرانی» در اواخر دی ماه و اوایل بهمن ماه در داکا پایتخت بنگلادش برگزار شد

### ● مکزیک

#### مطبوعات در آمریکای لاتین

احمن آمریکایی مطبوعات در چهل و پنجمین اجلاس عمومی خود که در پایتخت مکزیک برگزار شد، قطعنامه‌هایی را در جهت بهبود وضع روزنامه‌نگاران و توجه بیشتر به کیفیت اخبار و گزارش‌های خبری تصویب کرد.

وضع مطبوعات در قاره آمریکا مخصوصاً در آمریکای لاتین آشفته و نابسامان است از یک سو از محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که از سوی دولت‌ها اعمال می‌شود کاسته شده است و از دیگر سو دشمن تازه‌ای برای مطبوعات آزاد پدیدار شده است که به آن «تروریسم در پوشش مواد مخدر» نام داده‌اند و به صورت‌های گوناگون مانع فعالیت مطبوعات می‌شود مثلاً در کلمبیا که در آنجا کارتل‌های مواد مخدر بیشتر از هر نقطه دیگر فعالیت دارند در طرف ۱۲ سال گذشته ۱۴ روزنامه‌نگار به قتل رسیده‌اند و ده‌ها نفر نمایندگی و ادارات مرکزی چند روزنامه بوسیله مواد منفجره مورد حمله قرار گرفته و ویران شده است

حتی در زمانی که اجلاس انجمن آمریکایی مطبوعات برپا بود جنایات مختلفی علیه روزنامه‌نگاران در کلمبیا روی داد که توسط سازمان‌های توریع مواد مخدر انجام گرفت و به همین دلیل در یکی از قطعنامه‌ها «فاچاق مواد مخدر مهمترین دشمن آزادی مطبوعات در آمریکای لاتین» دانسته شده است.

مبانی و ارشاد عقاید به عنوان يك وظیفه قطعی و ضروری بر آحاد مسلمین مفروض گشته است... و تحولات سریع جهانی به گونه‌ای است که امروزه القاء اندیشه‌ها و عقاید گوناگون با به کارگیری ابزارهای مؤثری همچون رسانه‌ها در کوتاه‌ترین زمان صورت می‌گیرد و هر روز بر گسترش و پیچیدگی دستگاه‌های تبلیغاتی افزوده می‌شود... در چنین شرایطی پرداختن به مباحث علمی برای شناخت سیوه‌های ارتباط و ابلاغ پیام‌های هدایتگر اسلامی از جمله مسائل مهم و اررسمند است...

هدف از تشکیل این سمینار «بررسی نقاط ضعف موجود در نحوه تبلیغات و دستیابی به فرهنگ مستقل در امر تبلیغ» بود و شرکت کنندگان در آن درباره اهمیت تبلیغات، فرهنگ تبلیغ، تبلیغات در انقلاب اسلامی، سابقه و تاریخچه تبلیغات صحبت و تبادل نظر کردند

### بزرگداشت ابوالکلام آزاد

مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی عصر رور نهمین ۱۶ اسفند مراسمی برای بزرگداشت مولانا ابوالکلام آزاد در محل انجمن حکمت و فلسفه برگزار کرد که گروهی از استادان و علاقه‌مندان در آن شرکت کرده بودند

در آغاز آقای محمود بروجرودی سرار تسکیر از حضور مهمانان به تسریع دلیل برگزاری آن مجلس پرداخت و سمدای اراحوال ابوالکلام آزاد بیان کرد که در ۱۳۰۶ هـ ق در مکه معظمه متولد شده و به سرزمین پدری رفته و تحت تعلیم فرار گرفته و از چهارده سالگی با مقاله‌نویسی در مجله اردو زبان مخزن وارد عالم علم و ادب شده است. ابوالکلام از محدثین اندیشه اسلامی و سیاست‌گران نامدار اوایل قرن حاضر است و در تحریض علمای مسلمان هندوستان به پیام و اقدام علیه استعمار انگلیس نقش عمده داشته است.

آقای بروجرودی در پایان سخنان خود به مسأله کشمیر و مسلمانان هندوستان اشاره کرد و آرزو کرد که دولت هندوستان ترتیباتی برای جلوگیری از آزار مسلمانان بدهد

س از آن آقای محمدحامد انصاری سفیر هندوستان در تهران به صحبت پرداخت و گفت ابوالکلام آزاد «از شخصیت‌هایی بود که در شکل‌گیری فکر سل احیر هند نقش برجسته ایفا کرد... او يك دانشمند، خطیب، متفکر اسلامی، نابغه عظیم، مفسر قرآن کریم، رفیق و همکار گاندى و بهرو، رهبر مردم هند... و بالاتر از همه مطهر فرهنگ مشترك هند، که طی هزار سال در هند درخشیده، بوده است. بهرو او را «امیرکاروان» خطاب می‌کرد، و این خطاب حق او بود.

سپس آقای دکتر ناستانی پاریزی به گفت و گو درباره عظمت فکر ابوالکلام آزاد پرداخت و مخصوصاً بر کتاب او با عنوان دوالفرین یا کورش کبیر تکیه کرد که چاپ اول ترجمه آن در چهل سال پیش در نهران منتشر شده است.

### اعضای فرهنگستان علوم پزشکی

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ای که در دی‌ماه گذشته تشکیل شد اعضای فرهنگستان علوم پزشکی ایران را به این شرح اعلام کرد: دکتر محمود نجم‌آبادی، دکتر ابوتراب نفیسی، دکتر علیرضا یلدا،

● پاکستان

قرآن مجید و قرن بیست و یکم

يك سمینار بین المللی تحت عنوان «قرآن مجید و قرن بیست و یکم» در نیمه دوم اسفند ماه در اسلام آباد پاکستان برگزار شد. در این سمینار که در بوع خود بیسافه بود و سه روز طول کشید، دانشمندان و پژوهندگان چند کشور مسلمان به دعوت «بنیاد تحقیق قرآن» درباره نقش هدایتگر قرآن کریم در تمامی رمیه‌های زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اسان بحث و گفت‌وگو کردند و بر ضرورت این نکته تأکید نمودند که جوامع اسلامی باید از هم اکون خود را برای ورود به قرن بیست و یکم که قرن دگرگونیهای عمده در همه شئون زندگی است، آماده کنند و برای دستیابی به زندگی سالم و بدور از آلودگیهای مادی و معنوی رهمودهای قرآن را سرمشق خود قرار دهند. سفیر جمهوری اسلامی ایران در پاکستان که در این سمینار شرکت کرده بود ضمن سخنان خود تحت عنوان «بارگشت به قرآن» تأکید کرد که کلید حل مشکلات حوامع در قرآن و روایات معصومین و عمل به دستورهای خداوند بهمه است.

● یونان

لزوم بازگرداندن آثار باستانی

ملیا مرکوری، هنرپیشه اسبق و وزیر سابق فرهنگ یونان در اجلاس سالانه یوسکو که در مکزیک برگزار شد مسأله بازگرداندن آثار باستانی موجود در کشورهای بیگانه را به صاحبان اصلی آنها، مطرح کرد. این پیشنهاد با کوشش نمایندگان چند کشور از جمله یونان و ایران به تصویب یوسکو رسید و مقرر شد که تمام اناری که متعلق به کشورهای گوناگون است و در نقاط دیگر یافت می‌شود به صاحبان آنها بازرس داده شود. کشورهای اروپایی از اوایل قرن گذشته به شکلهای مختلف وارد کشورهای قدیمی شدند و به طری گوناگون آثار باستانی و تاریخی آنها را به یعام بردید و به تربیین موره‌های خود پرداختند. شناسایی و صورت برداری آن دسته از این آثار که در موره‌ها یافت می‌شود، آسان است، اما ایجه در مجموعه‌های خصوصی نهاد است از دسترس همگان به دور است و یوسکو باید حاره‌ای هم برای آنها بیندیشد.

عالب آثار باستانی یونان از جمله سگهای مرمر معد نارتون در موره‌های انگلیس جا دارند و دولت یونان از اینکه یوسکو دستور بازرس دادن آنها را صادر کرده است، حوسحال است هر چند که واکس دولت انگلیس هنوز روشن نیست.

● ژاپن

نشریه توسعه کتاب و شاهنامه خوانی

ماهنامه توسعه کتاب در آسیا و اقیانوسیه در شماره سوم از دوره بیست و یکم خود، در بخش فعالیتهای ادبی- فرهنگی کشورهای منطقه تصویری چاپ کرده است که يك فعال پیر ایرانی را در حال نقل شاهنامه شان می‌دهد.

چندی پیش هراه تدوین شاهنامه از طرف یوسکو در نقاط مختلف جهان گرامی داشته شد و ماهنامه توسعه کتاب... هم نا چاپ این تصویر سب به شاهنامه و سراییده آن ادای احترام کرده است.

● تایلند

زنان دو سوم بی سوادان را تشکیل می‌دهند

در کنفرانس جهانی آموزش که در هروردین گذشته در تایلند برگزار شد اعلام گردید که در کشورهای آسیا و اقیانوسیه دو سوم بی سوادان زن هستند و لذا برنامه‌های آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که در آنها زبان و دختران بی سواد در اولویب قرار گیرند.

بدیهی است که وسایل ارتباطات جمعی یا رسانه‌های گروهی در شان دادن اهمیت باسوادی وریشه‌کن کردن بی سواد می‌توانند نقش عمده ایفا کنند و یکی از این ابرارها، وسایل آموزش سمعی- بصری است که محصوفاً در اختیار تلویریون قرار دارد و اگر این وسایل به انزار مکتوب منضم گردد کارایی بیستری خواهد داشت.

به همین سبب هشتمین کارگاه منطقه‌ای تدارك وسایل سمعی- بصری آموزش محیطهای روستایی در مهرماه به كمك یونسكو و جد مؤسسه منطقه‌ای در تایلند تشکیل شد و برنامه‌ای برای آموزش زنان بی سواد تدوین کرد که در آن ر استفاده از وسایل سمعی- بصری تأکید شده است. در این گردهمایی ۲۱ کشور، از جمله ایران شرکت کرده بود.

● چین

افزایش مدت تحصیلات اجباری

دولت چین به منظور بالا بردن کیفیت بیرونی کار مدت دوره آموزش اجباری را که تاکنون سس سال بوده است، به نه سال افزایش داده است و در نتیجه رقم اهرادی که دوره ابتدایی را می‌گذرانند از ۷۳ درصد در حال حاضر به ۹۳ درصد در پایان ۱۳۷۴ و به ۹۷٫۴ درصد در ده سال دیگر یعنی سال ۲۰۰۰ خواهد رسید.

دولت چین برای ناسواد کردن مردم يك «برنامه ملی مبارزه با بی سواد» تنظیم کرده است که هدف از آن امحای بی سواد و کم سواد در میان افراد ۱۵ تا ۴۰ ساله تا پایان قرن حاضر است. به همین منظور علاوه بر مدارس اردو کانال تلویریونی استفاده می‌شود که هر يك هفته‌ای ۳۰ ساعت را به آموزش ابتدایی اختصاص داده است و قرار است به‌رودی يك کانال دیگر بر آنها اهروده شود. از این طری تاکنون ۲۰ میلیون نفر ناسواد شده‌اند.

دولت در نظر دارد در حد سال آینده برای انتقال برنامه‌های آموزشی از ماهواره استفاده کند. گفتنی است که جمعیت چین را در حدود يك میلیارد و دویست میلیون نفر برآورد می‌کنند.

● پاکستان

نمایشگاه و جشن فارغ التحصیلی

نمایشگاهی از آثار تصویرگران ایرانی کتابهای کودکان در بهمن ماه در گالری هنرهای ملی پاکستان در اسلام آباد تشکیل یافت. در این نمایشگاه که به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد، از کوششهایی که در سالهای اخیر برای پیشرفت ادبیات و هنر کودکان در ایران انجام گرفته است ستایش شد.

همچنین نمایشگاهی از آثار خطی استاد حبیب الله فضائلی، رئیس انجمن خوشنویسان اصفهان در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی در



## ● شوروی

### گسترش تماسهای فرهنگی

در چند ماه گذشته تماس میان مقامات فرهنگی ایران با مقامات جمهوریهای شوروی که در همسایگی ما قرار دارند، رو به گسترش نهاده است. از جمله اینکه در اوایل اسفند يك قرارداد همکاریهای ادبی، هنری و فرهنگی میان آذربایجان شوروی و ایران امضا شد که براساس آن هر دو سال يك بار کنفرانسهای مشترکی در باکو و تبریز برگزار خواهد شد.

همچنین موافقت شده است که مطالعات مشترکی در باب فرهنگ مردم و ساعران بزرگ ترك رمان همچون شهریار و فصولی احام گیرد. از سوی دیگر رادیو باکو چندی پیش بورور را عید ملی مردم آذربایجان شوروی اعلام کرد و افزود که از این پس دیگر به هنگام زانو به حش گرفته نخواهد شد.

همچنین وریر امور خارجه و معاون وریر فرهنگ ترکمنستان شوروی ضمن دیدار با وریر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار گسترش روابط فرهنگی دوطرف شد و از ایران حواس که به امر آموزش زبان فارسی در ترکمنستان شوروی کمک کند.

## ● سوئد

### عضویت ایران در اتحادیه یونیکا

یونیکا (UNICA) یا اتحادیه بین المللی سیمای غیر حرفه‌ای که در ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) تأسیس شده است، اخیراً «انجمن سیمای جوانان ایران» را به عضویت خود پذیرفته است.

یونیکا يك سازمان فرهنگی است که در اتحادیه بین المللی فیلم و تلویزیون و بیر در سازمان یوسکو عضویت دارد این اتحادیه علاوه بر اینکه هر سال يك حسواره در یکی از کشورهای عضو برپا می‌کند فعالیتهای دیگری هم به سرچ ریر دارد.

- برگزاری مجمع عمومی سالانه برای برنامه‌ریزی فرهنگی و بررسی امور اجرایی،

- برگزاری مسابقات بین المللی فیلم در جهت تبادل فرهنگی،

- مبادله فیلمهای غیر حرفه‌ای به صورت غیر اجتماعی میان اعضا،

- برگزاری سمینارهای بین المللی،

- تدوین صاحب نظری جدید در زمینه سینما و فرهنگ،

- انتشار کتاب و حروه در زمینه سینما.

آرسيو این اتحادیه یکی از عی‌ترین آرسيوهای سیمایی جهان است و در حسواره امسال سس فیلم از ساخته‌های «انجمن سیمای جوانان ایران» به نمایش گذاشته شد.

## ● آمریکا

### نگرش و نگارش زن: گسترش فعالیتها

چند تن از ایرانیان، که غالب ایشان در آمریکا زندگی می‌کنند، يك مؤسسه انتشاراتی به نام «نگرش و نگارش زن» تأسیس کرده‌اند که هدف آن شناخت «چگونگی تولید اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حقوقی زن و

## ● لاهور گشایش یافت

از سوی دیگر ۷۸ تن از دانشجویانی که در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی در لاهور به آموزش زبان و ادبیات فارسی اشتغال داشتند فارغ التحصیل شدند و ضمن مراسمی گواهینامه‌های خود را دریافت کردند.

## ● هند

### سیزدهمین سمینار استادان زبان فارسی

سیزدهمین گردهمایی استادان زبان و ادبیات فارسی در کشور هندوستان، در اوایل اسفند ماه در دانشگاه «رایندرانیات ناگور» در ایالت ننگال غربی برگزار شد.

در این سمینار که با پیامهای رئیس جمهوری هند و وریر فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران افتتاح شد، دکتر سید جعفر سیدی و چند تن از استادان ایرانی شرکت داشتند و همای استادان هندی به بحث و گفت‌وگو درباره وضع زبان فارسی در هند، راههای گسترش آن و روشهای نو در آموزش زبان پرداختند. همراهان با سمینار نمایشگاهی از عکسهای تاگور ساعر ملی و بزرگ هند ترتیب یافته بود.

## ● بنگلادش

### شب شعر فارسی

گروهی از ساعران بنگلادسی که به زبان و ادبیات فارسی علاقه‌مند هستند، يك شب شعر در خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در داکا برگزار کردند که در آن جمعی از شاعران ایرانی و ایرانیان مقیم بنگلادش شرکت داشتند در این مراسم پیشهاد سديک «مرکز تحقیقات فارسی» در بنگلادش به منظور گسترش زبان و ادبیات فارسی تأسیس گردد.

## ● سوریه

### آموزش زبان فارسی

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دمشق از چندی پیش اقدام به تأسیس دوره‌های آموزش زبان فارسی کرده است. در دومین دوره آموزش که سه ماه طول کشید بیش از ۹۰ تن از علاقه‌مندان شرکت کردند. در میان دانشجویان این دوره دو استاد دانشگاه دمشق و نیز چند تن از اتباع لبنان، الجزایر، یمن و چند کشور آفریقایی دیده می‌شد.

زنانگی در دوره‌های تاریخی و طرزهای ادبی و هنری متفاوت است. گردانندگان این مؤسسه، که به ابتکار محمد توکلی طرقي و افسانه نجم‌آبادی پدید آمده است، امیدوارند که با «چاپ اسنادی که بیانگر چگونگی نگرش و نگارش زن در زمانه‌ها و طرزهای متفاوت است به شناختی تاریخی از رابطه قدرت و جنسیت در ایران» برسند.

برای مطالعات اولیه موضوعها و زمینه‌های گوناگون مثل بررسی زن در متون کهن، و سفرنامه‌های ایرانیان و آثار اندیشه‌گران و حقوق و آمار و جنبشها... در نظر گرفته شده و از صاحب‌نظران دعوت به همکاری شده است. نشانیهای بانیان مؤسسه به قرار زیر است:

Afsaneh Najmabadi  
Center for Middle Eastern Studies  
Harvard University  
1737 Cambridge Street  
Cambridge, MA 02138  
U S A

Mohamad Tavakoli-Targhi  
Department of History  
Illinois State University  
Normal, Illinois 61761  
U S A

## ● زاین

### زن در کار نشر در آسیا و اقیانوسیه

فصلنامه توسعه کتاب در آسیا و اقیانوسیه که به زبان انگلیسی در توکیو توسط مرکز فرهنگی آسیا و استه به یونسکو منتشر می‌شود، آخرین شماره خود را که به تازگی به دست ما رسیده است، به بحث درباره فعالیتهای انتشاراتی زبان این مناطق اختصاص داده است.

در «زنان و کتاب در تایلند» نشان داده می‌شود که زن تایلندی هورنا کتاب آشنا شده است و به سبب بی‌سوادی و اشتغال در بیرون از خانه فرصت کتاب خواندن پیدا نمی‌کند (جمعیت تایلند در حدود ۶۰ میلیون نفر است)، علاوه بر این ۲ تا ۳ هزار عنوان کتاب که چاپ می‌شود تنها یک عنوان آنها به زنان اختصاص دارد.

بهال هم با ۱۸ میلیون جمعیت که ۶۰ درصد آن بی‌سوادی است وضع مشابهی دارد، و وضع جمعیت روستایی آن که به کلی حداثه محیطهای شهری زندگی می‌کند، بسیار بدتر است. رعیت مردم به وسایل آموزش بصری هم مزید بر علت شده است.

اما در ایران زن نقش بیشتری در فعالیتهای روزمره، از جمله کتابت و انتشار کتاب پیدا کرده است و توانسته از سد دو بیروی بازدارنده سنت دست‌وپاگیر و نوگرایی عرب‌برده برهد و در کشاکش زندگی نقش تازه‌ای ایفا کند. زن ایرانی که روزگاری میان دو قطب مخالف سرگردان بود، اکنون راه خود را برای زندگی در خانه و اجتماع پیدا کرده و مخصوصاً در زمینه‌های آموزش، نویسندگی، اداره کتابخانه، نقاشی، طراحی، سینما و... بسیار فعال شده است. گاهی به فهرست کتابها و مقالاتی که به دست زن ایرانی یا درباره زن ایرانی نوشته می‌شود هم دامنه گسترده‌ای و هم تنوع فعالیت زن را نشان می‌دهد...

ع. روح‌بخشان

## ● جهان عرب

### کاهش نسبت بی‌سوادی در کشورهای عرب

مدیرکل سازمان آموزشی، فرهنگی، علمی عرب (اختصاراً الیکسو) اخیراً اعلام کرده است که در مدت ۳۰ سال گذشته نسبت بی‌سوادی در کشورهای عربی از ۸۱ درصد کل جمعیت آنها به ۴۳٫۶ درصد کل جمعیت کاهش یافته، و از ۳۶ میلیون نفر در سال ۱۳۳۹/۱۹۶۰ به ۴۳ میلیون نفر در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ رسیده است. همو، در نظمی به مناسبت «روز عربی مبارزه با بی‌سوادی» اشاره کرده است که در سال جاری میلادی نسبت بی‌سوادی در کشور عراق به ۷٫۲ درصد کل جمعیت، در سوامالی به ۶۴ درصد کل جمعیت، در مصر به ۴۵ درصد کل جمعیت، در الحاریر به ۴۴٫۹ درصد کل جمعیت، و در سودان به ۶۰٫۴ درصد کل جمعیت رسیده است.

## ● بیروت

### طبع «آداب الملوك» ثعالبی

مؤسسه انتشاراتی دارالمعرب بیروت اخیراً کتاب آداب الملوك امی‌مصور عبدالملك بن محمد ثعالبی را، به تحقیق و تصحیح حلیل‌الطیبه، منتشر کرده است.

این اثر براساس نسخه خطی منحصر بفردی که از این کتاب در یکی از کتابخانه‌های استانبول موجود بوده است تصحیح و طبع شده است. این کتاب تنها اثر سیاسی در مجموعه آثار ثعالبی، صاحب یتیمه‌الذهر، است که به دست ما رسیده است؛ ظاهراً ثعالبی ۷ اثر سیاسی دیگر نیز داشته که از بین رفته است.

## ● مغرب عربی

### تأسیس دانشگاه مغرب و فرهنگستان علوم مغرب

در گردهم‌آیی وررای آموزش و پرورش کشورهای مغرب عربی در شهر رباط مقرر شد که به منظور یکسان کردن برنامه‌های آموزش عالی کشورهای پشگاه عضو اتحادیه مغرب عربی، یک دانشگاه و یک فرهنگستان علوم متحد و یکپارچه تشکیل گردد. اعضای اتحادیه مغرب عربی عبارتند از مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، و موریتانی.

## ● خاورمیانه

### جمعیت روزافزون

کارشناسان مسائل جمعیتی اعلام کرده‌اند اگر رشد جمعیت کشورهای خاورمیانه با همین نسبتهای فعلی ادامه پیدا کند، جمعیت کل این منطقه از جهان از ۴۶۰ میلیون نفر در حال حاضر به ۶۵۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی خواهد رسید که ۵۰ درصد از کل رقم جمعیت خاورمیانه

در سال ۱۳۶۵/۱۹۸۶ بیشتر خواهد بود. طبعاً، با توجه به این افزایش و زمینه‌های اقتصادی - فرهنگی موجود در کشورهای خاورمیانه، بر جمعیت شهرهای بزرگ و پرتراکم این منطقه نیز بشدت افزوده خواهد شد؛ بنابراین محاسبات سازمان ملل متحد، تا سال ۲۰۰۰ میلادی شهر قاهره پنجمین و کراچی هشتمین شهر پرجمعیت جهان خواهند بود.

● سوریه

#### چهارمین کنگره عمومی نویسندگان عرب

چهارمین کنگره عمومی نویسندگان عرب جندی پیش (در اوایل سپتامبر) در دمشق برگزار شد. یکی از مواد قطعنامه پایانی این کنگره ضرورت عنایت به رمان عربی بود. ضمناً بر بیگیری کار طبع و نشر موارد فرهنگی عربی، و نیز دقت در انتخاب متونی که از رمانهای دیگر به عربی ترجمه می‌شود، تأکید شد و معرر گردید که حریان اعطای حوایز سالانه به نویسندگان و بیروضع و تصویب قوانینی برای تضمین حقوق مادی و معنوی مؤلفان و بازگرداندن احساس اطمینان و اعتماد به حوزه نشر کتاب دقیقاً مورد توجه قرار گیرد.

● مجارستان

#### نشریات فرهنگستان علوم مجارستان

فرهنگستان علوم مجارستان که در سال ۱۸۲۸ (۱۲۴۴ق) بنیاد گذاشته شده است، هر سال نتیجه پژوهشهای همکاران خود را از طریق چاپ فصلنامه‌ها و سالنامه‌های مختلف در دسترس علاقه‌مندان و محققان می‌گذارد. این نشریات آکتاوری یتالیا (مطالعات سرفی)، آکتا آنتیکا (مطالعات باستانی) و آکتالیگونیستیکا (مطالعات زبان‌شناسی) نام دارند. مقاله‌هایی که در هر یک از این مجموعه‌ها چاپ می‌شود معمولاً به یکی از زبانهای لاتین، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی و ایتالیایی است.

در شماره سی و یکم آکتاوری یتالیا که اخیراً به دست ما رسیده است مقاله‌ای از جی وولسکی تحت عنوان «اسکندر کبیر و ایران» جلب نظر می‌کند که در آن نویسنده می‌کوشد به کمک منابع شفاهی صحنه‌های سیاسی میراثی که به سلوکیدها و اشکانیان رسیده بوده، وجود اسکندر را اثبات کند. فیلیپ ژینیو هم به بررسی «میراث ارزش منابع ارمی برای تدوین تاریخ ساسانی» پرداخته است و از اشمیت «زبانهای ایرانی در افغانستان پیش از اسلام» را بررسی کرده است. نشانی این سه سربیه این است:

Kultura Foreign Trading Company,  
H-1339 Budapest, p. Box 149,  
Hungary

● فرانسه

#### بازهم قرآن خطی

در طی حراج آثار هنری اسلامی «درو» در پاریس، یک نسخه محطوط از قرآن مجید، متعلق به قرن هفتم هجری به مبلغ ۲/۱ میلیون فرانک فرانسه (معادل ۳۶۸ هزار دلار) فروخته شد. این قرآن در سال ۶۵۴ توسط کاتبی مراکشی بر روی ورقهایی به ابعاد ۲۶×۲۹ سانتیمتر کتاب شده است و جلدی مذهب دارد.

● مصر

#### هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودکان قاهره

هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب کودکان قاهره در فاصله بیست و چهارم نوامبر تا هفتم دسامبر ۱۹۹۰/ سوم تا سیزدهم آذر ۱۳۶۹ در این شهر برگزار شد. در این نمایشگاه ۳۶۰ ناشر که اختصاصاً در زمینه طبع و نشر کتابهای کودکان فعالیت می‌کنند، از ۲۸ کشور اروپایی، آسیایی، آمریکایی، و عرب شرکت داشتند. در حاشیه این نمایشگاه یک گردهم‌آیی بر برای بحث و گفتگو درباره مجلات کودکان در کشورهای عربی برگزار شد.

● آذربایجان شوروی

#### تمهیداتی برای تغییر خط

نابیر آنچه برخی از مطبوعات نوشته‌اند، ظاهراً با اعمال نفوذ ترکیه و آمریکا، حریباتی در جهت تغییر خط مسلمانان جمهوری آذربایجان شوروی به خط لاتین در کار است، و گویا دولت مرکزی شوروی هم با آن مخالفتی ندارد. تبعات و عواقب فرهنگی - مذهبی و حتی بعداً سیاسی اینجس کار کاملاً روشن است و بد نیست (یا شاید لازم است) که «اهل حل و عقد» به نحو جدی‌تری به آن توجه داشته باشند.

● اسپانیا

#### اولین کنگره بین‌المللی درباره ابن‌العربی

اولین کنگره بین‌المللی درباره ابن‌العربی در ماه نوامبر ۱۹۹۰/ آبان ۱۳۶۹ در شهر مرسیه اسپانیا، زادگاه ابن‌عربی، برگزار شد. مدیر امور فرهنگی حکومت مستقل منطقه مرسیه در بطن افتتاحیه این کنگره اعلام کرده بود که برگزاری این کنگره به معنای اعتراف ضمنی به عمق تأثیر فرهنگ اسلامی در این منطقه از اروپاست. در این کنگره حدود ۶۰ نفر از متخصصان ابن‌عربی‌شناس از کشورهای مختلف شرکت کرده بودند.

● ترکیه/ تونس/ مغرب

#### انتشارات جدید مرکز مطالعات تاریخ عثمانی

مرکز مطالعات و بررسیهای عثمانی و مورسکی تاریکی کتابها و نشریاتی منتشر کرده است که عبارتند از دولت عثمانی و معارف اندلس، از عبدالجلیل تیمی (۱۳۶۸/۱۹۸۹)؛ حرکت‌های تبشیری در مغرب اقصی در سیمه دوم قرن نوزدهم (۱۳۶۸/۱۹۸۹)؛ منابع فرانسوی تاریخ مغرب اقصی (ج ۳) از سنتال دول فیرون (۱۳۶۹/۱۹۹۰)؛ تأثیر اسلام در ادبیات اسپانیا از قرون وسطی تا زمان حاضر، از لوت لوپازمارلت؛ المجلة التاريخية العربية للدراسات العثمانية، شمارهای اول و دوم به زبانهای عربی و انگلیسی و فرانسه؛ اشتغالات حرفه‌ای و حیات مذهبی مغاربه اندلس، زیر نظر عبدالجلیل تیمی، به زبانهای فرانسه، اسپانیایی، انگلیسی، و عربی؛ و بالاخره حیات فکری در ولایات عربی خلافت عثمانی، ایضاً زیر نظر عبدالجلیل تیمی.

● مصر

#### کتابی درباره مصر در عهد عثمانی

اخیراً در سلسله کتابهای «تاریخ المصرین» کتابی تحت عنوان

سورتن پاریس سلسله بحثها و سخنرانیهای دربارهٔ حیات و آثار ابن رشد، فیلسوف اندلسی مسلمان، برگزار شد. در این سلسله بحثها و سخنرانیها که به مدت ۳ رور ادامه داشت و به مناسبت هشتصدمین سال ظهور آثار فلسفی ابن رشد برگزار شده بود، عده‌ای از متفکران عرب و اروپایی، از جمله اولیور لیمن، محمد بوغالی، ژاک ویرزه، سوفی عبدالامیر، سعدی یوسف، و ژان یواری، شرکت داشتند.

## ● فرانسه

### انتشار سالنامهٔ جدید آماری یونسکو

سالنامهٔ جدید آماری یونسکو که شامل آمارهایی دربارهٔ سؤن فرهنگی و علمی و آموزشی همهٔ کشورهای جهان است، اخیراً در ۳ جلد انتشار یافته است. یکی از نکات قابل توجهی که از این سالنامهٔ آماری جدید برمی‌آید این است که در حال حاضر ۳۶ کشور در جهان از داشتن تلویزیون و برنامه‌های تلویزیونی محرومند.

مرتضی اسعدی

مصلحی از تاریخ اجتماعی و اقتصادی مصر در عصر عثمانی (= مصول من تاریخ مصر الاقتصادية والاجتماعی فی العصر العثماني) از دکتر عبدالرحیم عبدالرحمن عبدالرحیم منتشر شده است. در این کتاب گوشه‌های مختلف حیات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مصر در سالهای ۱۵۱۷ تا ۱۷۹۸ میلادی بررسی شده و تصویری از رشد و زوال و روابط و علایق گوناگون مصر با سایر کشورهای اسلامی عرب ارائه گردیده است. مؤلف کتاب در این اثر اسناد و مدارکی سودجسته است که برخی از آنها پس از این حدان ساحتی شده بوده‌اند.

## ● مالت

### انتشار يك نشریه جدید

احیراً بحسب شمارهٔ نشریهٔ جدیدی تحت عنوان مستقبل العالم الاسلامی (= آیندهٔ جهان اسلام) از سوی مرکز مطالعات جهان اسلام در حریرهٔ مالت انتشار یافته است. برخی از مقالات این نشریه، که قرار است صرفاً به مطالعات استراتژیکی اختصاصاً اسلامی بپردازد، عبارتند از: بحثی دربارهٔ جغرافیای سیاسی جهان اسلام، پژوهشی دربارهٔ نظام قطبی بین‌المللی و سیطره بر منابع نفت، و سهم نفت در انگیزش بحران خلیج فارس.

## ● مصر

### بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره

بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب قاهره از هشتم تا بیست و یکم ژانویهٔ ۱۹۹۱/ هجدهم دی تا اول بهمن ۱۳۶۹ در شهر قاهره برگزار شد. در این نمایشگاه ۱۷۵۰ مؤسسهٔ انتشاراتی از ۶۲ کشور جهان شرکت داشتند و روی هم رفته ۴۲ میلیون جلد کتاب عرضه کردند. حاشیهٔ این نمایشگاه بین‌المللی کتاب، که یکی از معیارات آن فروش نقدی است و لذا مورد استقبال عظیم مصریان قرار می‌گیرد، گردهم‌آیهای گوناگون برای بحث و بررسی مسائل مختلف فرهنگی مصر یا کلاً جهان عرب برگزار می‌شود. امسال اوکتاویو پار شاعر مکریکی و برندهٔ نوبل ادبیات سال ۱۹۹۰، نیز جزو میهمانان این نمایشگاه بود.

## ● فرانسه

### بزرگداشت ابن رشد در فرانسه

در اوایل سال ۱۹۹۱ میلادی/ اواخر ۱۳۶۹ شمسی از سوی دانشگاه

## تصحیح اشتباه

در خبر مربوط به برگرداندن هزارهٔ شاهنامه در هد که در شمارهٔ قبل (ص ۶۵) چاپ شد، اشتباه نوشته شده است که «معاون رئیس جمهوری هد پیام وریر فرهنگ و ارشاد اسلامی را فرانت کرد» در حالی که پیام مربوط در حضور مشاورهٔ فرانت گردید.

## لقمان

نشریهٔ مرکز نشر دانشگاهی به زبان فرانسوی

سال هفتم - شمارهٔ اول

■ شاهنامه، شاهکار ادبیات جهانی	مدریکو مایور
■ ابومنصور اصفهانی، صوفی حنبلی	بصرالله پورجوادی
■ رأی اسماعیل گرگانی در باب ماخولیا	دکتر تیری دیکر و سل دره‌پس
■ نکته‌های شیرین سفرنامه‌های خارجی	آمارتی موئی
■ طریقت، شریعت و سلطنت سمرکن پادشاهی صفوی	رضا شعبانی
■ اسم اشاره در فارسی	رضا میرسمعی
■ اسلام رویاروی بحران معنویت	رضا فیض
■ دربارهٔ ام‌الکتاب	علی‌اشرف صادقی
■ یادداشت‌هایی دربارهٔ نوروز	ع. روح‌بخشان
■ کتابشناسی	
■ اخبار	

# نشر دانش

سال یازدهم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰  
مدیر مسئول و سردبیر نصرالله پورجوادی



روی جلد: از میباناتورهای «حمسه نظامی» (از محمدزمان، اواخر قرن یازدهم)

## سرمقاله

ماهی که گذشت

نصرالله پورجوادی

۲

## مقاله

- روایات معراج در آثار نظامی  
فرهنگستان و تغییر اسامی جغرافیایی در ایران  
مشکلات محققان در استفاده از اسناد آرشیوی ایران
- هاری دوفوسه کور/احمد سمیعی  
کاوه نیاب  
محید تفرسی
- ۵  
۱۲  
۲۵

## نقد و نظر منتقدین

- برجسته حدیدی از قرآن کریم  
بارهای از مادی مابعدالطبیعی علوم نوین
- بهاءالدین حرماهی  
سندحسین کمالی
- ۲۸  
۳۵

## تجربیات

- شیخ بهانی و «کشکول» او  
تاریخنگاری و خطر بی پروایی  
سرگذشت بخش عرب زبان جهان اسلام  
نظر اجمالی به چند کتاب چاپ خارج
- دوین حی استوار/حسین معصومی  
فرهنگ رحانی  
مرتضی اسمعی/آراد بروخردی
- ۴۴  
۴۸  
۵۱  
۵۵

## نشریه‌ها

- کتابهای تازه، نشریه‌های علمی و فرهنگی
- امید طیب‌زاده
- ۵۸

## خبرها

- سایشگاه بین المللی کتاب ○ کتابهای برگزیده دانشگاهها ○ آزادی صدور کتاب ○ کتابی درباره آقای هاشمی رفسنجانی ○ سمینار زبان فارسی، زبان علم، ○ گردهمایی مطبوعاتی ○ همکاری فرهنگی ایران با چند کشور ○ اطلس جهان عرب ○ ادبیات اسلامی در شبه‌قاره هند ○ حکومتها و آزادی مطبوعات ○ مشکل اعتیاد به کار ○ کتابی درباره انقلاب اسلامی ○ انتشار طبع جدید کتاب «عجایب الهند»
- ۷۳-۸۲

## نام‌ها

هر نزد ایرانیان است و بس  
توجه سلجوقیان به شاهنامه!

۸۳-۸۴



## ماهی که گذشت

از شنیدن خبر درگذشت دوست نازنینم احمد طاهری عرافی در روز سنبه چهاردهم اردیبهست مانند دوسار دیگرى که ما او مانوس بودند سخب متأر سدم. مرگ بزرگترین حاده‌ای اسب که برای هر کس اتفاق می افتد. همه ما باید روزى طعم مرگ را بحسیم؛ هر کس بنهایی. هبج کس نمی تواند در این تجربه با دیگرى سهیم سوب. اما مرگ کسانى که ما با آنان مانوس بوده و در بخشی از مسر رى دگى با هم همسفر سده ایم، در یحه‌ای را به رى دگى آنان برومان می گساند و تصویر دیگرى ار آنان برايمان می سارد مرگ سایه زى دگى اسب و ما با دکر مرگ خود سرائانى فامب وجود خود را مساهده می کنیم. مرگ يك دوست نیز سایه‌ای اسب از سخصنى که ما در رى دگى با ان مانوس سده ایم. در روابط و مناسباتى که در طول زى دگى با او دارم، غالباً به امور حرنى توجه می کنیم و در هر مصاحب بخشی ار فامب وجود او را در بظر می گنرم، اما همیشه که این راه به اسها رسد و سایه‌ای که مرگ نام دارد در برابر ما ظاهر سد، ساسب دیگرى از دوست خود سدامى کنیم و اس بار در ان سانه سرائانى حباب او را مساهده می کنیم و به تمامب زى دگى او می انیسیم. تصویرى که سس ار مرگ يك دوست برايمان سدا می سوب تصویرى اسب جامع که معمولاً ار اولین دبدار و گاه ار روز ولادب او آعار می سوب و همه خصوصاب اخلافى و انارى که ما ار او می سناخیم در ان ظاهر می گردد.

وفتى ار گورسان بهست زهرا بر مى گستم، حس حهره‌ای ار دکر طاهرى در نظرم محسم سده بود. یاد روزى افتادم که اولین بار او را در لندن دیدم، در داسگاه ادینبورو مسعول تمام کردن رساله دکرانى خود بود. بیس از اینکه او را ببینم ار طریق آنارس با او آسنا سده بودم. سس سال بیس ار آن، اولین بار اسم ار را در روى جلد کتاب قدسیه دیده بودم. سال ۱۳۵۵ بود و او تازه ان امر را تصحیح و حاب کرده بو. قدسیه يك امر درجه يك نبود، ولى کارى که دکر طاهرى در تصحیح و تحسیه آن کرده بود يك کار درجه اول بود. از لحظه‌ای که این کتاب را دیدم به مصححى

که نمی‌شناختم آفرین گفتم. احساس کردم يك نفر  
پیدا شده است که روس علمی و انتقادی صحیح متون  
را بخوبی می‌داند.

از وقتی که به ایران برگشته بود معاونت علمی بنیاد  
انزله المعارف اسلامی را به عهده گرفته بود و بهر باب  
خدمت و وف و همت خود را بر سر تهیه دانشنامه جهان  
اسلام گذاشته بود من مدیر عامل بنیاد بودم، ولی عملاً  
همه کاره او بود. اولین جزوه دانشنامه را تازه منتشر  
نکرده بود و هنوز حسنگی سس هفت سال کار مداوم و  
تأثبات فرسار سس بیرون برفته بود که خود ارمایان ما  
رفت

طاهری مردی نودمس، با ظاهری آرام و باوقار. به  
فرهنگ و تمدن اسلامی شدیداً عسقی می‌ورزید، عسقی  
و علاقه‌ای که با ایمانی راسخ به دین اسلام نوأم بود.  
و حتمت علمی در وجود او به کمال رسیده بود. او يك  
محقق واقعی بود و حاضر بود همه حر خود را در راه  
تحقیق و بارسناسی آثار تمدن اسلامی فدا کند.  
افسوس که مرگ امان نداد با جامعه علمی ما قدر او را،  
ایحسان که باند، بسپاسد. من کمتر کسی را می‌سپاسم  
که سواند جای خالی او را از هر جهت بر کند.

دکتر طاهری را تیی چند از اعضای فرهنگستان  
زبان و ادب فارسی از نزدیک می‌شناختند و از فضائل و  
کمالات و وسعت اطلاعات او در منابع ادب فارسی و  
تحقیقاتی که در این زمینه انجام داده بود کم و سس  
آگاه بودند، و به همین جهت در نظر داشتند که او را  
نامرد عضوب در فرهنگستان کنند

\*

مراسم تر حیم دکتر طاهری بعد از ظهر سه‌شنبه ۱۷  
ردسپس در مسجد دانشگاه تهران برگزار شد. بعد از  
مراسم، اعضای فرهنگستان زبان و ادب فارسی که  
سسر آنها در مجلس تر حیم سرک کرده بودند، طبق  
تراری که گذاشته شده بود، در تالار رسدالدین  
فضل الله در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جمع  
شدند و دومین جلسه فرهنگستان را تشکیل دادند در  
سدای جلسه، آقای دکتر حسن حبیبی که ریاست  
حسه را به عهده داشت از سه تن از ادبا و محققانی که

در ماههای گذشته حسم از جهان فرو بسته بودند یاد  
کرد. از دکتر غلامحسن یوسفی، دکتر مسایخ  
فریدنی، و دکتر احمد طاهری عراقی.

دکتر یوسفی خود عضو فرهنگستان بود. با  
درگذشت او یکی از تعداد اعضای اصلی فرهنگستان  
کاسته شده بود و اعضای حاضر می‌بایست عضو  
دیگری را به جای او انتخاب کنند. دوا رده عضو حاضر  
بودند و دو نفر هم، یکی به علت مسافرت و دیگری به  
علت کسالت، غایت اعضای حاضر اسدا اسحاصی  
را نامزد کردند و سس به رأی‌گیری پرداختند.  
انتخاب هر عضو حدید مستلزم دوسوم آرای کل  
اعضاء یعنی ده رأی بود مأسفانه یکی از اعضای  
حاضر از دادن رأی خودداری کرد از بازده نفر حاضر  
ده نفر به آقای عبدالمحمد آیی رأی دادند و بالنیجه  
اسان به عنوان عضو حدید انتخاب شد. نامردهای  
دیگری هم بودند که به هر يك از آنان اکثرت اعضاء  
رأی دادند، ولی مجموع آراء به علت فلت اعضای  
حاضر به حد نصاب نرسید.

جلسه دوم فرهنگستان که بعد از هفت ماه تشکیل  
می‌شد با انتخاب يك عضو حدید به کار خود حاتمه  
داد دسور جلسه بعدی اسحاب اعضای جدید و رئس  
فرهنگستان است

\*

ده زورس اردوس احلاس فرهنگستان زبان و ادب  
فارسی، در تالار علامه امسی که درس مقابل تالار  
رسدالدین فضل الله است مراسمی با نام سمینار  
«زبان فارسی، زبان علم» افساح شد. بانی سمینار  
مرکز سرداسگاهی بود. مرکز در سالهای گذشته سه  
سمینار دیگر درباره زبان فارسی ترتیب داده بود که  
یکی از آنها دهفا به مسأله زبان علم و اصطلاحات  
علمی در فارسی اختصاص داشت.

مسأله اصطلاحات علمی و ترجمه آنها به فارسی  
بدون سك یکی از پررگرین و دسوارترین مسائل زبان  
فارسی است همه کسانی که با علوم حدید و فنون و  
صناع سرو کار دارند با مسکلاتی که اصطلاحات  
علمی و اسامی فرهنگی ابرارها و ماسین آلات برای

فارسی ایجاد کرده است کم و بیس آشنایی دارند. مرکز نشر دانشگاهی به دلیل ماهیت کاری که به عهده دارد شاید بیش از هر مؤسسه و سازمان دیگری ابعاد و عمق این مسأله را درک کرده است. این مرکز هم اکنون بزرگترین ناسر کتابهای علمی و دانشگاهی است و کم و بیس هفته‌ای سه کتاب یا نشریه علمی به زبان فارسی منتشر می‌کند. موضوع این کتابها و نشریات همه رشته‌های علمی را دربر می‌گیرد، و نویسندگان و مترجمان و ویراستاران مرکز در همه رسته‌ها همواره با يك معضل اصلی روبرو هستند و آن اصطلاحات و واژه‌های علمی و فنی است.

مسأله زبان علم صرفاً مسأله اصطلاح و واژه نیست. این مسأله چندین جنبه و بُعد دارد. بدا کردن با وضع واژه‌های فارسی برای واژه‌های فرنگی یکی از ابعاد این مسأله است. يك جنبه دیگر مسأله حگوگی ساخت حمله‌ها و نحوه بیان مطالب علمی است. اهمیت این جنبه برای زبان فارسی از واژه‌سازی و واژه‌یابی کمتر بیست.

در اولین سمیناری که مرکز سر درباره «زبان فارسی، زبان علم» برگزار کرد تأکید سخنرانان بستر بر جنبه واژه‌سازی و واژه‌یابی بود. اما در دومین سمینار که س از هفت سال سکیل می‌سد، حبه دیگر مسأله زبان علم، یعنی حگوگی بیان یا سوه اسای مطالب علمی نیز مورد توجه واقع سد

مسأله زبان علم مسأله‌ای است که يك ناسر دانشگاهی بخصوص با آن مواجه است. اما این مسأله فقط در مورد کتابها و سرباب داسگاهی ندید نمی‌آید. نویسندگان کتابهای دبستانی و حتی دبستانی هم با این مسأله روبرو هستند. علاوه بر این، مراکز دیگری حو رادیو و تلویزیون و حتی مؤسسات صنعتی نیز از این مسکل برکنار نیستند. در واقع یکی از موانعی که امروزه در راه تحول و تکامل زبان فارسی به عنوان يك زبان علمی وجود دارد، کم توجهی و حتی گاهی بی توجهی این مراکز و مؤسسات به این مسأله است. دانشگاهها و ناسران داسگاهی بیس از بیس بر اهمیت این مسأله واف سد و راه‌حلهایی هم برای بعضی از جنبه‌های آن پیدا کرده‌اند. ولی متأسفانه این

راه‌حلهها کمتر مورد استفاده مراکز و مؤسسات دیگر، بخصوص رادیو و تلویزیون، واقع شده است. از جمله نکاتی که در این سمینار مورد تأکید واقع سد، لزوم همکاری و هماهنگی میان مراکز و دستگاههای مختلف، دانشگاهها و ناسران داسگاهی، مؤسسات صنعتی، رسانه‌های همگانی، بخصوص رادیو و تلویزیون، و همچنین مؤسسات آمورس و برورس و کتابهای دبستانی و دبیرستانی بود.

سمینار «زبان فارسی، زبان علم» س از سه روز، با ارائه حدود بسب سخنرانی به کار خود حانمه داد. در مراسم اختتامه میرگردی سکیل سد که در ان جمعی از استادان و زبانسنان سرک کردند. مهمترین نکته‌ای که در طول سمینار و بخصوص در مزگردرور احر بر آن تأکید سد، ادامه این نوع فعالیتهای جمعی و ایجاد هماهنگی میان محققان و دستگاههایی بود که کار انها آمورس علوم است. حبه‌های مختلف مسأله زبان علم در زبان فارسی روز برور بستر مورد توجه واقع می‌سود. و محققان و ناسران و مؤسسات بروهسی محلف هر يك قدمهایی در راه حل اس مسأله برمی‌دارند. اما این تحقیقات و فعالیتها ناند اولاً هماهنگ سد و نانا حاصل آنها بوسط محققان دیگر مورد بررسی و ارزیابی فرار گردد با سراحام نوان از آنها عملاً استفاده نمود. یکی از وسایلی که می‌بواند در ایجاد این هماهنگی مؤثر واقع سد انتشار سریه با سرباب ادواری در خصوص مسأله زبان علم در زبان فارسی است. ولی اهمیت این مسأله و لزوم رسیدگی به آن اقتضا می‌کند که نهاد حاصی بولب این کار رابه عهده گیرد و نه تنها از لحاظ برنامهریزی تحقیقات و جهت دادن به آنها کمک کند، بلکه از لحاظ مالی و مادی نیز هزینه‌های این نوع تحقیقات را بامن کند. مناسبترین نهاد هم البته فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، فرهنگستانی که عظمت و فوریت این مسأله و مسائل دیگر زبان فارسی را درک کند و بتواند حرکت خود را با ستایی که در هجوم این مسائل بر بیکر زبان فارسی وجود دارد متناسب نماید.

نصرالله بورجوادى



حریان تاریخ ادب فارسی بی آنکه از آثار نظامی سانی در آن  
 باشد چه حالی پیدا خواهد کرد؟ آثار منظوم نظامی گنجوی (حدود  
 ۵۳۶ هـ تا ۶۰۵ هـ) را ائحان اصالتی است که هور قدر آن  
 بدرسی ساخته شده است.

این اصالت در استفاده از مواد سنتی به منصب ظهور رسیده  
 است. نظامی، اس گردآورنده حیره دسب و موسکاف، مواد مذکور  
 را با نهادن مهر نبوع حوس بر سنی که آنها را به دسب او سرده  
 بود به کار برده و به طری س در حسان هم به کار برده است: ریان  
 او به تمام معنا ساعرانه و در عس حال دسوار است و از این رو  
 افسانهایی حد را باعث شده است

نمونه وار، در اس مقام، حیدده سنی ار میان هرازان پت سروده  
 نظامی برمی گزیم آنها همان اناتی هستند که ساعر به روایب  
 داستان معراج مخصوص داسه است وی به این داسان سخت  
 دلسته بود، حوس می سیم که در هر يك از منظومه های خود آن را  
 نبوعی برورانده است ساعر در اس مانه بفاریق پنج نار داد  
 سجن داده است. حواهم دید که نظامی با اعار حرکت ار موادی  
 سنتی که يك ما آنها اسان بوده حگو به فرجه ورری کرده و گلحن  
 نموده و ابری احسل ساحه و برداحه است

به ضرورت احصار و بر به حکم دوی سحسی، آن روایت  
 معراج را مرجع احصار می کنم که در هفت سکر مندرج است. به  
 نظر ما، نظامی، در موضوع معراج، در هس رواب است که به  
 بحثگی فکری رسده است.

✱

موادی که نظامی برای سجن راندن ار معراج<sup>۱</sup> احسانا در اختیار  
 داسه فراوان بوده است ار نظر مبوس عربی، فسیری<sup>۲</sup>، ار رحال  
 بیسانور، در رساله ای کر انقدر (کتاب المعراج)، که سس ار ۴۶۵  
 هـ نبوسه شده، مقداری ار روایات اسلامی در باره این موضوع را  
 فراهم آورده و به روس کلامی دلائل له معراج حسمانی و صمن  
 آن مسئله روت را برورانده بود داسان معراج در بحثن منوی  
 نظامی، محرر الاسرار، طاهرا تحب ناسر احوال فسیری سروده  
 شده است.

حاشیه

(۱) مان «اسراء» (سفر سانه) و معراج (سفر به جهان بالا، يك <دایره المعارف  
 اسلام>، ویرایس اول، دبل هس ماده) فری نهاده اند ما، بر وفق روایات متأخر،  
 سق ساده را برگزیده سها ار معراج سجن می گویم  
 برای آسانی ما نظامی مراجعه به ار خود

*Histoire de la littérature persane, 1 Période classique Introduction*  
 (تاریخ ادبیات فارسی، ۱، دوره کلاسیک مقدمه)  
 Paris, 1985, Université de Paris III, Service des Publications, pp 35-41

و کتاساسی ان را نبوسه می کنم  
 (۲) يك <دایره المعارف اسلام>، ویرایس دوم، دبل «al - Kūshayri -  
 (الفسیری)



## روایات معراج در آثار نظامی

روسته شارل هانری دوفوشه کور  
 ترجمه احمد سمیعی (گیلانی)

## روایات معراج در آثار نظامی



لیکن، از همان قرن چهارم هجری، در حوزه فرهنگی ایران، در متون فارسی متعددی، این موضوع سگبری و روایت معراج به صورتی اصیل بروراده شده بود. ابن متون در دست مطالعه است<sup>۳</sup>، در اینجا به ذکر متونی معطوف به سبوات مختلف<sup>۴</sup> با ملاحظاتی مختصر که لازمه موضوع است فناعب می‌کنیم:

۱. تفسیر طبری، که بلغمی از بو آن را به قالب و ربان فارسی

در آورده و در ۳۴۵ هـ به اتمام رسیده است

۲. معراج نامه، منسوب به ابن سینا (وفات ۴۲۹ هـ)؛ من

کهن

۳. (کتاب المعراج فیسری که سنس از ۴۶۵ هـ بوسه شده است.)

۴. تفسیر سورآبادی، که سنس از ۴۹۴ هـ بوسه شده است

۵. تفسیر مسندی، که در ۵۲۰ هـ بوسه شده است

۶. حدیقه الحقیقه سنائی، که سنس از ۵۲۵ هـ بوسه شده است

۷. تفسیر ابوالفتح رازی، که سنس از ۵۳۸ هـ بوسه شده است

۸. معراج نامه عبادی مروزی، که سنس از ۵۴۷ هـ بوسه شده است

۹. مخزن الاسرار نظامی، که قطعا در ۵۷۰ هـ سروده شده است

۱۰. حسرو و سرس نظامی، که در ۵۷۶ هـ سروده شده است

۱۱. لیلی و محبوب نظامی، که در ۵۸۴ هـ سروده شده است

۱۲. مقصد نامه عطار، که سنس از ۵۸۶ هـ سروده شده است

۱۳. الهی نامه عطار، که سنس از ۵۸۶ هـ سروده شده است

۱۴. هفت سکر نظامی، که در ۵۹۳ هـ سروده شده است

۱۵. سرفنامه نظامی، که در ۶۰۰ هـ سروده شده است

فسری (سماره ۳)، با رد قول به معراج صرفا روحانی و

غیر جسمانی، رساله خود را در جهت خلاف چندی بوسه که در

متن منسوب به ابن سینا (سماره ۲) احسار شده است. بلیقی

روایات معراج را در روایت ابوالفتح رازی (سماره ۷) می‌توان

یافت و آن مجموعه‌ای است سترگ که با دقت تمام تألف شده

است. لیکن روایت تفسیر سورآبادی (سماره ۴) خود سنس از آن

دارای هیئت تألفی بوده است که از جهت اتقان و نظم و نسق

حلت نظر می‌کند، بوبره اگر با تفسیر طبری - بلغمی (سماره ۱)

سجده شود. سفر «افقی» از مکه [مسجد الحرام] تا بیت المقدس

امسجد الاقصی سفری است برای رازآسایی و متضمن

خطر گاههای سرنوشت سار در بیت المقدس، سامبر (ص) در

رأس همه سامبران بیس از خود جای می‌گیرد؛ سنس عروج به

ملا اعلی اعار می‌شود. مفهوم سقاعب آفت نیز در این روایت به

صورت بارری درآمده است این مفهوم، در بی تفسیر سورآبادی  
اس بار در حول اصطلاح برات، به فارسی برات («براب» خلاصی  
که خداوند به گنهکاران ارزایی می‌دارد)<sup>۵</sup> دامنه وسیعتری شد  
می‌کند منسندی (سماره ۵)، که سینا، سجده است، بوبره  
جهت رؤت، اس مواحه عظیم که در آن سامبر (ص) «از جو  
سجود گسب و محیر مانده» (ص ۴۹۳)<sup>۶</sup>، منابر است.

روایت سنائی (سماره ۶، حدیقه، حصص ۱۹۵-۱۹۷)، هر چند  
حاوی اس نکته عرفانی سنس، بارگی دارد روایت مذکور کوتاه،  
بی ساخت و برگ است، لیکن اس برآستگی برای آن است ن  
نظرها بهر متوجه شخص سامبر (ص) گردد اس عطف نظر،  
شخص سامبر (ص) از منبراب همه روایات بعدی است نظامی -  
روایت سنائی اسبا بوده و، حناکه می‌دانیم، در اس  
محرن الاسرار به اس اشاره کرده است<sup>۷</sup> سنائی، سنس از وصف  
کویه هر يك از مدارح معراج که در روایات تفسیر امده  
(معراج/ بردان، بیت المقدس، صخره، رفوف، فاب فوسن)  
عبور سامبر (ص) در سر صعودی از افلاك سبعة را بوسند  
می‌کند و اس راه صاحب ماورای کهایی شخصیت سامبر (ص)  
را سنس می‌دهد سامبر (ص) «لوح محفوظ» را بر، که اعمار  
ادمان بر اس بوسه شده است، گذاره می‌شود و، بدس سنس،  
حانگاهی را که سرنوشت اسان در اس بت گردیده در می‌بوردد،  
از اس فرار می‌رود

سایسه است به اس نکته توجه شود که عطار و نظامی  
(سماره‌های ۹-۱۵)، هر دو، روایات معراج خود را در ربع اخر  
فرس سسم هجری سروده‌اند اما نظامی با روایت اصلی عطار، ن  
در الهی نامه<sup>۸</sup>، یعنی اخرین منوی این ساعر عارف، آمده است  
بوده است؟ روایت عطار در عبت نامه سامبر درج گردیده و مقصود  
از اس ستاس شخص سامبر بوده است در این روایت، در س  
مرحله، با سیاری از چهره‌ها، بوبره با اسبا و ملانکه، روبر  
می‌شویم؛ به مضمون «فاب فوسن» (دو سر يك کمان که مفید  
توحید را بروس می‌سازد) اهمیت داده شده است. ساعر  
از سویی، سامبر (ص) را به صفات اختران متصف می‌سازد،  
سوی دیگر، انوار خاص سامبر را بر آنها می‌تاباند. در این روایت  
از سقاعب و براب یاد نشده است؛ فقط نسان داده شده است

سامبر (ص)، هر چند در میان گنهکاران به سر می برد، منزّه و مزنگی  
 را از علم لدنی بهره مند است و این او را از آلات مادی بی نیاز  
 می دارد.

\*

نظامی، چون نه بوبه خود به صاحب و برداشت داسانی روایی  
 را معراج دست می زند، با روایی روبرو می شود که به حذف  
 ناره ای از خوانهای سر در «جهان بالا»، بوبره دیدار بهشت و  
 دورخ به مکاسفه، گراس دارد. این حذف تنحه نظر دوری محدّد  
 بر سالک راه و پیسنده، یعنی سامبر (ص) است راوی، از این سن،  
 دیگر محدّب یا متکلم نسبت بل ساعری است رفیق راه این  
 همسر همه نفسهای کارگاه حبال حوس را برای ستایس از  
 وجودی عدیل سامبر (ص)، که نامعراج سوده و برگریده خداوند  
 کسه، به کار می رند. در این باب خواهیم دید که اندسه بر توان  
 نظامی نه چه درجه از عنای تصوّر و دریافت توانسه است برسد  
 اکنون به روایت معراج در هفت سکر (حاج و حید دستگردی،  
 تهران، ۱۳۱۶، صص ۹-۱۴) می برداریم. سپس نشان خواهیم  
 داد که سه روایت سسی نظامی چگونه این روایت را نمهند  
 کرده اند.

سب اول (ار ۷۸ سب مربوط به معراج) لت معنای تمامی  
 روایت را به طرزی عالی افاده می کند سامبر حدان بلند بانگاه  
 سب که وجودش حر سرون از مرزهای این جهان، نامعراجی که  
 بی راتا عرس بالا کند، نمی گنجد<sup>۱</sup> این همان حبری است که از  
 وایت برمی آید روایت معراج در هفت سکر شامل سس ناره  
 سب

۱. اسباب ۲ تا ۲۲ حبرنیل سامبر (ص) را به سفر سبانه به  
 سوی عرس فرامی خواند حبرنیل، رمام برای (مرکت اسمایی)  
 به دست، بر سامبر (ص) ظاهر می شود اسر بلندیس را ر نایه  
 سب/حبرنیل آمده برای به دست. (سب ۲) و او را دعوت  
 می کند که نه بوبه خود ناس سب را نگهنا ناسد اسب سب را ر  
 حبل حانه خاص/نوبی اسب سب دار خلاص سرعت برو  
 سب برای نراسب/بر سس کامسب اسب یاق نراسب (اسب ۴ و  
 ۵) و جرح و کواک و هذسان را در بوسه انگذران ار سماک  
 ح ح سمند/هذسیان را در آس سر به کمند (سب ۹) و لا مکان و  
 سب برسد. دعوت حبرنیل در حکم روایت بیس از وقوع معراج  
 سب که مقصدها را نشان می دهد سس از هر حیر، نا در نویس  
 سب انگذران مرکب از سهر بلند (سب ۱۴ مصرع ۱)، بیامبر  
 سب سارکان زندگی نو می بحسد و آنها را به درحس در می آورد  
 سب سب را سکوفه ده جو جراع (سب ۱۵ مصرع ۱) و اس  
 سب طریقه اظهار فضل او بر سراسر کاینات است اس  
 سب سس به صورت سروری و حیرگی در آمده آسکارتر

می سود: «بر کواک دوان که شاه تویی» (بیت ۷ مصرع ۲)،  
 «درکش ایوان قدس را به کمند» (بیت ۱۴ مصرع ۲)، «تاح بستان  
 که تاجور تو سدی/بر سر آی ار همه که سر تو سدی» (بیت ۱۹)،  
 «دو جهان خاص کن به تاختی» (بیت ۲۰ مصرع ۲)، «بر دو عالم  
 روان سود علم» (بیت ۲۲ مصرع ۲). مقصد سوم تحلیل  
 بیامبر (ص) است. افلاک و فرستگان جسم به راه اویند و ستارگان  
 عاسق او سده اند اسطرسیای سب به کار تواند/سبز بوسان در  
 انتظار تواند بارینان مضر این برگار/بر تو عاسق سندن  
 یوسف وار حر تا در تو یک نظاره کند/هم کف و هم ترنج ناره  
 کند (اسب ۱۰-۱۲)، «سر برآور به سر فراحتی/دو جهان  
 خاص کن به تاختی» (سب ۲۰)، «حمه رن بر سریر حانه عرش»  
 (سب ۱۷ مصرع ۲) سرانجام، آخرین مقصد، که هر چند تنها در  
 یک بیت اسب سب و وف و وف دعا سب/یافت خواهی هر  
 انچه خواهی حواسب (بیت ۱۶) بیان سده و روسن و آسکار  
 است، همان دعا سب

۲. اسباب ۲۳ تا ۲۹. سامبر، که از بیس آماده دریافت وحی  
 بوده، نام حبرنیل را یک بدرامی سود اسون محمد ر حبرنیل به  
 رار/گوس کرد اس نام گوسوار (بیت ۲۳). نظامی سان رنگین

حاسبه

۳. برای ابری نامکاری نابو کلود کاپلر Mme Claude Kappler، که در آتیه  
 مسر خواهد شد

۴. برای احتصار، هر سرحی بر قران را تفسیر می حواسم روایات معراج  
 علی الرسم در تفسیر آنه یکم از سوره هفدهم (سی سرائیل/اسراء) سرح می آید  
 معراج نامه ابری است مسسل در معراج دیگر متنها آزاری به زبان فارسی اند که  
 سابر معمول، در بی بعت سامبر (ص)، در حید ده سب، حاوی داستان معراج اند  
 ۵. این تعبیر در تفسیر سورانیادی به صورت مقصدی «تبری» (تبراً) درآمده و به  
 معنای «خلاصی از مسئولیت» بردک سده است سامبر از آس گنهکار خدا سده و  
 همس امر سفاعت او را میسر سناحه است

۶. هجو بری (کسف المحبوب، ص ۳۶۴) بیس از ان به موضوع قرب به خدا،  
 نه ناعت سد محمد (ص) حرابی سب حوس را حواسنار سود اسون صفت بیعبر  
 است صلعم که اندر سب معراج و را به مقام قرب رسایند سب نه صفت قرب اندر  
 همه از همه خدا سب، حواسب سب حراب سود و سحن نکدارد اساره کرده  
 است

۷. نوبا اساره نه اس اسباب ناسد

ار بی ناز آمدن نای سب

موتیان سحن الملق به دست

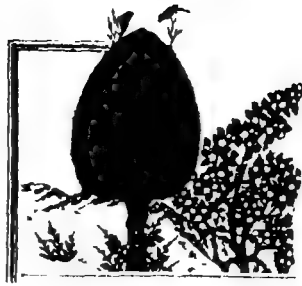
حون یک املق به تمامی رسید

عاسه داری به نظامی رسید

۸. الهی نامه، مصحح فؤاد، وحابی، تهران ۱۳۳۹، ص ۱۱ (بیت ۲۵۶) ناص  
 ۱۶ (بیت ۳۹۴) ترجمه انگلسی بویل L A BOYLI

The Hah - nama, Manchester 1976 pp 12-18

۹. حون نگنجد در جهان ناحس/نعت بر عرس سب معراجس ابیت ۱  
 تاج رمر کوهر والای سامبر (ص) است فس هفت سکر، ص ۶، بیت ۸ سب  
 سمران به بیع و نه تاح/سع او سرح و تاح او معراج معراج (برندان) محاربه  
 معنی غروح نه جهان نالاست



نفره کاری دسب / رنگی از کوره رصاصی بست (ست ۴۴): زهره  
را از فروغ مهتابی برقع بر می کسد ارهره را از فروغ مهتابی /  
برفعی برکنسید سیمایی (بیت ۴۵): با گرد راهس تاج درین بر  
سر مهر می بهد [گرد راهس نه ترکثار سهر / ناح درین نهاد بر  
سر مهر (بیت ۴۶): بر بهرام به دیدن جامه سبر خود سرح بوسی  
می گذارد <sup>۱</sup> [سر بوسد حون حلقه سام / سرخ بوسی گداس  
بر بهرام (بیت ۴۷): بر مستری بیمار صدل می ساند <sup>۲</sup> [مستری  
را ر فری سر ما نای / دردسر دید و گسب صدل سای (ست ۴۸):  
سراحم، فراتر از کیوان [ناج کیوان جو بوسه رد قدمس (ست  
۴۹ مصرع اول): «در سواد عبیر سد غلمس» (بیت ۴۹ مصرع  
دوم)

۵. ابیات ۵۰ تا ۶۰ سر بهایی، ورای هف فلك، با خطرگاه  
فرب سبحانی این ناره، حون نه معرف طولانی نیاز دارد، بهتر  
اسب عیناً نقل گردد:

او حرامان جو ناد سگیری  
بر هسوی جو سیر ربحیری  
هم رفیس ر برکتار افتاد  
هم برافس ر بویه بار افتاد  
مزل آنجا رساند کر دوری  
دید در جبرئیل دستوری  
سر برون زد ز مهد میکائیل  
نه رصدگاه صوراسرافیل <sup>۱۲</sup>  
گسب اراں تخ بر رحب گرای  
رهرف <sup>۱۳</sup> و سدره <sup>۱۴</sup> هر دو ماند نه جای  
همرهان را به سمه ره بگداس  
راه دریای بیحدودی برداس  
فطره بر فطره ران محیط گذست  
فطر بر فطر هرچه بود بوس  
حون در آمد به ساق عرس فرار  
نردبان ساخت ار کمند نیاز  
سر برون زد ز عرس نورانی  
در خطرگاه سر سبحانی  
حیرتش حون خطر بذیری کرد  
رحمت آمد لگام گیری کرد  
قاب فوسین <sup>۱۵</sup> او درین انا  
از دنی رفت سوی «آوادی»

می بینیم که نظامی چگونه از ساده ترین مواد روایات معراج  
برای ساختن و پرداختن متن دقیق کوتاهی، حاکی از راز آسانی  
روحانی پیامبر (ص) با طی مدارج نیاز و خطرگاه و حیرت  
رحمت و قرب، استفاده کرده است.

و بر تکلفی دارد، ولی رناس رساست. نام تمام و کمال از گوس نه  
هوس، که آماده فهم اسرار است [راں سحن هوس را تمامی داد /  
گوس را حلقه غلامی داد (بیت ۲۴)] و از گوس محرم نه خرد نافد  
و فرمانبردار می رسد [دو امین بر امانتی گنخور / این زدو آن ر  
دو مردم دور / ان امین حدای در تزیل / وین امین خرد به قول و  
دلیل / ان رساند آنچه بود شرط بام / وین سسد آنچه بود سر  
کلام (ابیات ۲۵-۲۷)]. این فرایند حیری بیس از بیوسدن و  
بذیرفتن است. «در سب تیره ان سراح مبیر / سد ر مهر مراد  
نفس بذیر» (بیت ۲۸). جنس می ماند که مهر سوب نه هنگام  
بذیرس پیام جبرئیل نهاده سده است.

۳. ابیات ۳۰ تا ۳۹. پیامبر بر برای سست و تنک نه افلاک سد  
[برق کردار بر برای نسست / باریش ریر و باریانه نه دسب (بیت  
۳۰)]. نظامی، با تسبیحاتی نه عقاب، کبک، ستوری که ماهای  
بالدار به رنگ بر طاووس دارد، مهد کاووسی که چهار عقاب  
حامل حویس، کنایه از چهار عنصر حاکی، را نه جای می گذارد،  
این مرکب آسمانی را مصور می سازد [حون در آورد در عبابی  
پای / کبک علوی حرام جسب ز حای / برزد از نای بر  
طاووسی / ماه بر سر جو مهد کاووسی / می برید آحسان کران  
تک و تاب / بر فکند از بیس چهار عقاب. (ابیات ۳۱-۳۳)] گفته  
نشده است که این مرکب چهره انسانی دارد. سرعت او سرعت  
وهم و بری است؛ و بار ادر وصف همین سرعت: «وهم دیدی که  
چون گذارد گام / بری چون تیغ بر کند ز نیام؟ (بیت ۳۵)،  
«سرعت عقل در جهانگردی / جنبس روح در حوانمردی؟ (بیت  
۳۶)». این سرعتها [در برابر سرعت بران] هیچ نیست و نیز  
سرعت قطب که جندان تند بر گرد خود می گردد که جنبش آن را  
نتوان دید. تک بران بی نظیر است. می دانیم که مینیاتورسازان با  
چه دقتی بران نظامی را تصویر کرده اند.

۴. ابیات ۴۰ تا ۴۹: پیامبر هفت فلك را در می نوردد و به هر  
اختری رنگ خاص خود را می بخشد. چون از کره خاکی  
بر می رود (راه دروازه جهان برداست / دوری از دور آسمان  
برداست. بیت ۴۱)، بر تو سمایل او ماه را سرسبزی می دهد [ماه  
را در خط حمایل خویش / داد سرسبزی از سمایل حویس (بیت  
۴۳)]: عطارد را با دست نفره کار رنگ می بندد [بر عطارد ز

۶. آیات ۶۱ تا ۷۱: سامیر (ص) خون از بود خود هراتر سد، ای جهاب، خدا دندس مسر سد «خون حجاب هراتر نور / دنده در نور بی حجاب رسد گامی از بود خود هراتر / تا خدا دیدس مسر سد» (آیات ۶۱ و ۶۲). در این ناره، سامی مفهوم «بی جهتی» را می‌برورد «دیدن بی جهب حبان سد» (آیت ۶۹ مصرع ۲). سامیراین، در اینجا با وارونه گدار سر از جهاب، که در ناره‌های ۱ تا ۵ از آن سخن رفته بود و روبرو می‌شود.

۷. آیات ۷۲ تا ۷۵: حمره معراج خلاصی ابرائیل / برات / چهاران است سامیر (ص)، که به سرف دولت معرف روحانی سنده، «ناف از قرب حق برات» خلاص «آیت ۷۲ مصرع ۲»، می‌بخشد خلاصی آفت از کفر.

آیات ۷۶ تا ۷۸: دعوت نظامی است خطاب به خود «عقل را بر نقشه دارد ناس / رسنگاری به نور سرع سانس» (آیت ۷۸).

✱

این می‌ماند که درجه اصالت روایت معراج در هفت سکر را، با تفسیر آن با روایهایی که نظامی در هر یک از چهار مسوی دیگر نموده خود آورده، سنجیم. ناره‌های ۴ تا ۷ با تمامی روایت معراج در مخزن الاسرار (حاج وحید دستگردی، تهران، صص ۱۹-۶۸، آیت ۶۸) مطابقت دارد نسبت و سه بیت اول در وصف مریح سنان (اسراء) است. سامیر، هنگامی که آدمیان در جواب اند بیدار می‌شود و در دل سب روان می‌گردد ایم سبی کان / بیمارور / کرد روان مسعل گیتی فروز (آیت ۱) / جان او بی / نی را بالا می‌برد و او از جهاب اراد می‌شود / با نفس قالب / در دامگاه / مرغ دلس رفته به آرامگاه (آیت ۶) / از دواورده / در فلکی منطقه البروج و از سنازگان صفایی می‌سازد / او / سده سسکس از سفر / از سلطان تاج و رجوراکمر (آیت ۱۵) (بعد) آیات ۲۴ تا ۳۳: سامیر (ص)، سوار بر ترائ، از دیگر / مهران و از فرسگان و سدره در می‌گذرد و همراهان را به حای / سه / همسفر اس سیر اداختند / نال سکستند و بر اداخند (آیت ۳۳) / به عرس می‌رسند. در اینجا (آیات ۳۴ تا ۶۰)، این / غرب راه، که عرف حیرت است، خود را بیرون از زمان و مکان / می‌بیند که در تصور ما بیز می‌گنجد / او به بحر حو غریبان راه / حیدرمان بر در آن نارگاه / رفت بدان راه که همراه بود / این / سانس ران قدم آگه نبود .. (آیت ۳۴ و بعد) / خدا را به جسم / می‌سند / دیدیم به به جسمی دیگر / بلکه سانس جسم سر این / جسم سر / دیدن آن برده مکانی بود / رفتن آن راه زمانی بود (آیت ۵۶ و ۵۷)، / لکن در اینجا که جز خدا نسبت دیری / می‌سند، حمره معراج (آیات ۶۱ تا ۶۶) / رحمت خداوندی بر آفت / معنی است / خورد سربابی که حق آمخته / حمره آن در گل ما

رنجسته / لطف ازل با نفس همس / رحمت حق نازکس او / نارین لب به سکر حیده نازاسه / آفت خود را به دعا / حواسه / همس از گنج بویگر سده / حمله مقصود مسر / سده / نسبت قوی گشته از آن نارگاه / روی در آورد بدین کارگاه (آیات ۶۱-۶۵) / این سفر عسی نک دم نس بود / از آن سفر عسی ناز آمده / در نفسی رفته و بار آمده (آیت ۶۶)

این روایت معراج محمد (ص) تلقی نظامی را از معراج سنان می‌دهد معراج در نظر نظامی نهایت سکوفانی و خود بی‌عبدل / سامیر و مکاسفه / انی رؤیت خدا و عطای رحمت ابدی به آفت / مسلمان است / در این روایت، بر حصال نبوی و عرفانی و رستگاری بحس شخص سامیر تأکید نشده است.

نظامی، در روایت معراج خود در بابان داستان خسرو و سیرین (حاج ناگو، ۱۹۶۰، صص ۷۶۱-۷۶۵، ۴۳، آیت)، بخلاف، بر حسی سفاع و رستگاری بحس سامیر (ص) تأکید می‌کند. این روایت با وصف ترائ («اورده از نور») / ترائی بری سر آورده از نور (آیت ۲ مصرع ۲) / آغاز می‌شود، سپس نظامی مدارح معروف معراج را با رؤیت خداوند بر می‌سمارد. در این هنگام است که به سامیر (ص) ندا می‌رسد (آیت ۷۶۵) که هر آنچه می‌خواهد بگوید او سر در دم برات گنج رحمت خداوندی را / خواستار می‌شود (آیت ۳۸) / خطاب آمد که ای مقصود درگاه / هر آن حاجت که مقصودست درخواه / سرای فضل بود از رحل

حاشیه

۱. عسی و قرب

۱۱) تبدیل، همانکه نظامی شرح می‌دهد (هفت سکر، ص ۲۹۱)، هم / دا، و هم رنگی حاکسیر / تبدیل اساس روان دارد، و بی تبدیل سنان جان / دارد / تبدیل بوده در دسر سرد / بی بدل ناس از حکر / ۱۲) فرسته مرکب اگدا، درباره نفس و طیفه چهار ملک مغرب (حیرنیل، مکیانل اسرافیل و عزرائیل) نگاه کنند به اسفار ربانی مولی (اموی معوی، دفتر پنجم آیت ۱۵۵۶ و بعد) به مناسب افریس ادم / ۱۳) قرآن الزحمت ۵۵: ۷۶، رهوی خانه اسرافیل است / ۱۴) قرآن، نجم ۵۳: ۱۴ این در حجت سنان خدا، مروهه اعمال مخلوقات است / ۱۵) قرآن، نجم ۵۳: ۹ و ۸، گنایه است از قرب و بر دخی / ۱۶) برات، نامه‌ای از سلطان، که فی‌الصلب فرمانی بود برای آزادی زندانی از زندان

خالی / برات گنج رحمت خواست حالی (ابیات ۳۷ و ۳۸). خداوند خواهش او را برای بخشایش گناهان امت احابت می کند و او با «گنج اخلاص» (گنج برائت) بارگشته «براب سادی» برای امت به همراه می آورد [گنهکاران امت را دعا کرد / حدایس جمله حاجتها روا کرد / چو نوسید از کرامت خلعت حاص / پیامد بازبس با گنج اخلاص.. خلائق را براب سادی آورد / ردورح نامه آزادی آورد (ابیات ۳۹ و ۴۰ و ۴۲)].

می سود و در می باید و بی کم و کاست به آن عمل می کند و س گنهکاران می سود، صف رستگاری بحس (براب خلاصی بر ا گنهکاران می آورد)، صف مرد روحانی (ار بود خود فرامر می و خدا را می بند).

بهره ای (۴۷ بیت) از آخرین روایت معراج، که نظامی در نخستین بخش اسکندرنامه خود (سرفنامه، مصحح و دستگردی، تهران، صص ۱۷-۲۵، ۶۵ ست)، به نظم در آور، گراس سفر است. در اینجا باز مسئله سبب هر يك از روانا معراج با مسوی حاوی آن مطرح می شود اس نیست بوضو نمایان نیست بی گمان، روایت معراج در محزن الاسرار، ما خود این منظومه، دارای حنبه عمده تی و کلامی بیستری است<sup>۱</sup> روایت در خسرو و سیرین دوفی تر و بر حوردار از حساس (حرب، براب خلاصی، براب سادی) بیستری است؛ و در لیل مجنون لحنی مستقیم (به صعه محاطب) دارد و فای در عسب به تأثیر عشق را انگاره می بندد، و این همان سوه ای است که لیلی و مجنون حامی برورده سده است. معراج هفت بیکر به ح ساعری است بخته و ساید کماگر<sup>۲</sup>، معراج سرفنامه بر حر سفر پیامبر (ص) تأکید دارد که طی آن بویه ملاقات با حصر به می آند انه هاروینس حصر و موسی دوان / مسیحا حه گویم موبک روان [ (بیت ۳۵). رواناب معراج در مسو بهای بظا دارای لحنی کلی بیر هسند که با مسو بهای حاوی این روان تناسب دارند. لیکن، فی الحال، تأکید بر حری روستتر و دهمسر این ضروری به نظر نمی رسد.

روایت معراج در سرفنامه به سرح ریر مرتب سده است ۱ سسی حوس [سبی کاسمان مجلس افرور کرد / سب از رو دعوی روز کرد. ] (ابیات ۱ تا ۳): پیامبر بر افلاك رهب [محد که سلطان این مهد بود / رحنیدین حلیفه ولیعهد بود... دل از به حجره بردا حه / نه به حجره آسمان تاحه / برون حه رین کنده خاربد / فرس رانده بر هف حرح بلند] (ابیات ۴ تا ۹): ۲ این سرور سروران جهان از بت اقصی، ناف رمین بیت المقدس)، به فلك الافلاك رهب [سرافه در بیت افه گشاد / ر ناف رمین سر به اقصی بهاد (بیت ۵)]: حون بدین - از بندهای این جهان آزاد گشت، در میان خادمین عرس

روایت معراج در لیلی و محنون (حاب وحید دستگردی، تهران، صص ۱۲ تا ۱۶، ۴۴ بیت) کونا و بی برایه و به صیغه مخاطب است (خطاب نظامی به رسول اکرم (ص)) ابیات ۱ تا ۶: خطاب جبرئیل به پیامبر (ص). ابیات ۷ تا ۱۷؛ وصف معراج با استفاده از صیغه محاطب: ابیات ۱۸ تا ۴۴). همه احرای اصلی معراج در این روایت درح سده است، خواننده، در آن، شاهد ظهور جبرئیل است؛ در این روایت حنبه روحانی برورانه نسده است. شب معراج «سب قدر» وصف سده است، یعنی سسی که آنحه مقدر پیامبر (ص) بوده فعلیت یافته است [امسب سب قدر تسب بنشباب / قدر سب قدر حویس دریاب] (ست ۱۷). نظامی، در آخرین خطاب از خطابهای سه گانه [رك. حید سطر بالاتر]، آنحا که خطاب به پیامبر (ص) می گوید که از معراج خود حه ها حاصل کرده، بر این معنی تأکید می نماید که رسول اکرم (ص) همه مدارج را در نور دیده و همه کسانی را که در اس سر و سفر دیده در سمراه گذاشته و به آنجا که فارغ از حهاب است در آمده است [تنها سدی از گرانی رحب / هم تاح گداستی و هم رحب / بارار حهب بهم شکستی / از رحمت تحب و فوق رستی (ابیات ۳۶ و ۳۷)]. در بیت ۴۴، نقش رستگاری بحس سامر (ص) بارر و بر حسته است. «آورده براب رستگاران / از بهر حو ما گناهکاران».

بنابراین، اندیشه نظامی رفته رفته به سادگی گراییده است. در این اندیشه، انگیره های بررگی، که به معراج نفس سر بوسن ساز در حیات نبوی محمد (ص) اررانی می دارد، بارر و بر حسته شده اند. شاعر می خواهد از حصول دفعی و یکسه جیری سحی بگوید که پیامبر (ص) بعداً طی رددگی حوس و در معرض انظار تحقق بخشیده است. معراجی که در هف سکر وصف و در باره های هفت گانه آن برورانه سده تکرار همان روایات سسین نظامی نیست، بلکه شیوه ای برای ار سرگری محدّد اس روایات است در آن، حنبه داستان روایی، حناکه دیدیم، بهتر رعایت سده و داستانی با قوت و لطف شاعرانه به روایت در آمده و ساعر آنحه را که شنیده یا خوانده، در بر تو قدرت کلام، برای سونده یا حواسده محسوس و مجسم ساخته و، بدین سان، او را با سر مسی بیسهادی بیوند داده است. صفات اصلی محمد (ص)، در این روایت، نیک برورانه سده است؛ یعنی صف نبوت (وی پیام جبرئیل را



تا خود یکی سال بود / خو ساند که جانهای مادر دمی / بر آید به  
سراسر عالمی / تن او که صافی تر از حان ماس / اگر سد به يك  
لحظه و آمد رواست (ایات ۵۹، ۶۵)

ساراس، نظامی حواس تا در آغاز اسکندرنامه سفری را  
روایت کند، لیکن سفری در ساین با سفر اسکندر، این سفر معراج  
سامبر (ص) نظامی را به نارسه پیامبر، که از جهت مناسبات خود با  
جهان بالا مریهانی دارند، افکنده است. به یاد خضر و موسی و  
مسیح تا این جهت گیری، روایت معراج در اسکندرنامه  
می بایست نظم و سنی غیر از آنچه در روایت هفت بیکر دارد  
داشته باشد. نام حرنیل به سامبر (ص) و شنیدن این نام از حات  
سامبر (ص) در روایت اسکندرنامه حذف شده است و دیگر بر  
خصایص نبوی رسول اکرم (ص) تأکید نمی شود؛ در پایان معراج،  
خطاب و حواص خدا و سامبر (ص) تصویر غایب قرب را محسّم  
می سازد، لیکن نظامی از این باب دیگر خبری نمی گوید، آیا  
وی هم در آن زمان به ناردید اسکندر از آرامگاه کیخسرو  
می اندیشده است؟

\*

از میان روایات نوحگانه معراج که نظامی در منظومه های خود  
آورده، روایت هفت بیکر از هر آنچه سبب دیرینه معراج به ساعر  
تلفیق کرده، از حیث بیان، بر فوق تر است. این متن در میان همه  
مبوت معراجی ساهکار است و از این سن بر مبنای همین ساهکار  
است که بر سراسر سبب سابق بر آن باید از نو نظر افکنده شود.

حاشیه

(۱۷) این همان نتیجه گیری مقاله سن حالت گنورگ کرانکوف (Georg Krotkoff) است

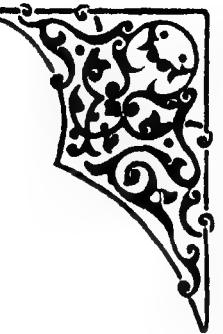
«Colour and Number in Haft Paykar» dans Logos Islamiques, in Honorem G-M Wickens, R M Savory and D A Agius, ed., Toronto, 1984, pp 97-118

نویسنده این مقاله نادآور می شود که (H. Ritter) بیسر به کیفیت استنباطی  
روایت معراج در هفت بیکر توجه نموده بود ریتز در این منظومه (ص ۱۱۰)  
اساره ای مهم به افلاک به گانه سراع گرفته است

(۱۸) در خبر است که سبب معراج خطاب رسید «السلام عليك ايها النبي و  
رحمة الله وبركاته»، ببعمر (ص) ناسخ داد «السلام عليا وعلي عباد الله  
الصالحين» - م

برنده سد از بند جهان داد خود را خلاص / به معسوفی غریبان  
سبب خاص (سب ۱۶)، مرکب او، برای، برو کردار و  
سنان بود ابراهیمی سناننده در برس خو برو / سانس خو  
سید در روز عرق (سب ۱۰) [وصف برای در ایات ۱۰ تا ۲۱  
است]؛ ۴ سامبر، در راه، افلاک را گرگون صاحب و به هر  
حدی صفت خاص خود را ارزانی داس [خو رین حاشیه عرم  
کرد] به دسسن فلك حرفه را تاره کرد. به مه داد گهواره  
سبب را / سن انگه فلم بر عطار د سکسب.. طلاق طسب به  
سبب داد / بسکرانه فرمی به خورسند داد / به مریخ داد آتس  
م خویش، رعوب رها کرد بر مسری / سواد سفسه به  
وای سبرد (سب ۲۲ و بعد) خضر و موسی و مسیح به اودرود  
سند [سب ۳۵] و نا گامهای بلند به اوح افلاک رسید [به اندازه  
یکه يك دم رنند] به يك جسم رحمی که برهم رند / رحر سسته  
سنان در گدسب / رمس و رمان را وری در بوسب (ایات ۳۶ و  
۳۷) در راه، حرنیل را بر حای نهاد، از اسرائیل و رفرف و سدره  
اندسب، و از جهات حاکی و آسمانی بر بر رف [بر جبرئیل از  
سبب ریخته / سرافیل از آن صدمه بگر بجه / رفرف گدسبه به  
رسنگها / در آن برده نموده اهنگها / در واره سدره تا ساق  
مرس / قدم بر قدم عصمت افکنده فرس... جهت را ولایت به  
ایان رسد / قطیعت به برگار دوران رسید / زمین راده آسمان  
جه / رمس و آسمان را سن انداخه (ایات ۴۲-۴۷)؛ ۵. سس  
سوان بود او هیج با او نماید، خود را در برابر خداوند سهای تنها  
سبب [مجرد روی را به جایی رساید / که از بود او هیج با او نماید  
سب ۴۸]، حجاب سیاسب بر انداحسد / ر بیگانگان حجره  
براحسد (سب ۵۲)، بر خداوند درود فرسناد و خداوند او را  
سراسد [در آن جای کاندیسه نادیده حای / درود محمد قبول از  
حای] ۱۸ (سب ۵۳) [ندای خداوند را بی آلب سسد / کلامی که  
بر آلت آمد سسد (سب ۵۴ مصرع ۱)، ملاحظه می شود که در  
سسر بوسیده مسامحه رفته است. بی الهی مربوط به کلام  
خداوند است به استماع آن] و روی او را به طریقی که در وهم  
کنجدید [لقایی که نادیدنی بود دید (سب ۵۴ مصرع ۲)، هر سر  
سوی او جسم سد [همه دیده گسته خو برگس تس (سب ۵۶  
مصرع ۱)؛ ۶. (ایات ۵۸ تا ۶۵)، گذر بر سر حوان اخلاص  
سرد، هم او خورد و هم بحس ما خاص کرد (سب ۵۸) در ناره  
جهن همه علمها را از خداوند فرا گرفت و رخ افروخته از سفری  
تا يك لحظه بیس نماید نارآمد [دلس نور فصل الهی گرفت /  
سسی بگر تا چه ساهی گرفت / سوی عالم آمد رخ افروخته /  
سسه علم عالم در آموخته / حنان رفته و آمده نارس / که ناید در  
سسه هیج کس / ز گرمی که خون برو بیمود راه / سد گرمی  
سبب از خوابگاه / ندانم که سبب را چه احوال بود / سبی بود

# فرهنگستان و تغییر اسامی جغرافیایی در ایران



منوط سود ولی بیس ار آن که به روس و عملکرد فرهنگستان  
این زمینه بردازم جای آن دارد که چگونه این تغییر و تبدیله  
تا بیس از تسکيل فرهنگستان نیز مورد توجه قرار دهیم.

\*

محستين مرحله در تعيیر اسامی سهرهای ایران از شروع دور  
حدید تاریخ معاصر کسور ار رمان تسیت رضاحان سردار سه  
عنوان هیره مقتدر مملکت آغارمی سود؛ یعنی ار اواخر ۱۳۰۳  
رضاحان بحراهای سیاسی حون ماحرای حمهوری و کس  
سدن مارور ایمبری و لسکر کسی خوزستان را ست سر گدا  
بود. در ۳۰ حوب (اسفند) ۱۳۰۳ سرتیب محمد حسین خان ار  
فرمانده تب مستقل شمال طی تلگرافی به رضاحان، اظهار داس  
که «تأیراب عملیات مسعسع و فداکاریهای تاریخی داب مقدمه  
برای سعادت و بجات مملکت باستانی در احساسات سراسره  
فرد ایرانی، انتساب به نام نامی مبارک. برای آنها افقه  
ابدی.» «خواهد داس و از این رواهالی انرلی تفاضا کرده اند  
احاره داده سود...» انرلی را به نام بندر بهلوی نام گذاری کند  
رضاحان در پاسخ اظهار داس اگر چه شخصاً به این کار مان  
سبب «... ولی حالا که خود اهالی حین تفاضایی دارند دور  
مانعی نمی بیند و تصویب می نماید...»<sup>۵</sup>.

هیئت دولت در جلسه ۸ فروردین ۱۳۰۴ این درخواست  
تصویب کرد<sup>۶</sup> و مراتب را به تمام ورارتخانه ها ابلاغ نمود  
بر اساس گزارش تلگرافی حسین کی استوان که در آن وه  
حکومت انرلی را بر عهده داس در سب ۸ فروردین، یعنی  
محض دریافت خبر موافقت هیئت دولت با تغییر نام انرلی  
مجلسی نا «... حضور حضرت رئیس تیب شمال و مأمورین داح  
و خارجه و بعضی ار نمایندگان محترم و مدیران حراند  
محرین.» «در میدان تو بخانه برگزار سد. در این مجلس بحث  
تصویب نامه دولت فرائب و سس اعلام سد که محسمه رضاحان  
در این محل نصب خواهد سد. آنگاه جلسه با «... فریادهای ر  
باد و تیریکات دوام عمر و سر برسی حضرت اسرف...»<sup>۷</sup>  
تقاضای ادامه خدمات «ترقی پرورانه» او تحت «فرمانفرما  
حضرت سرتیب محمد حسین خان [آیرم] از درگاه دادار آسمان»  
خاتمه یافت.<sup>۸</sup>

## کاوه بیات

از دیر بار سیاری ار بحولات تاریخی با تعییر اسامی جغرافیایی  
توأم بوده و تاریخ کسور ما سر ار این فاعده مستما بوده اسب.  
یکی از آخرین مراحل که تاریخ ما در این زمینه سب سر گذاسته  
دوره بهلوی بود. آنچه در این بررسی بر اساس اسناد آرسیوهای  
دولتی ایران مورد توجه قرار می گردد دگرگوئیهای اسب که از  
سالهای نخست اقتدار رضاحان سردار سه تا فروبانی حکومت  
اودر سهر یور سبب، در اسامی سهرها و روستاهای ایران به وجود  
آمد.<sup>۱</sup>

در سالهای میانی سلطنت رضاساه، یعنی در سالهای ۱۳۱۲ تا  
۱۳۱۴، تغییر و تبدیل اسامی جغرافیایی کسور با حسان بی نظمی و  
اغتشاسی همراه سد که حتی دوابر مسؤول دولتی حون ورارب  
کسور یا دفتر نخست وزیری برار مجموع این تعییرات اطلاعی  
در دست نداشتند. در اسفند ۱۳۱۲ ورارب داحله ار دفتر ریاست  
وزرا خواست که فهرست اسامی سهرهایی را که احیراً نام آنها  
تغییر کرده بود ارسال دارد دفتر ریاست وررا نیز که ار کم و کیف  
این دگرگوئیها اطلاع دهی در دست نداشت از ورارب ست و  
تلگراف پرسش کرد و در حلال مکاتباتی که به عمل آمد روس سد  
که نه تنها دفتر نخست وزیری، بلکه ظاهراً هیچ یک ار دیگر  
بخشهای ذی ربط دولتی بر تصویر کاملی ار این دگرگوئیها در  
دست ندارند.<sup>۲</sup> تنها پس از تأسیس فرهنگستان ایران بود که تلاش  
گردید با تشکیل «کمیسیون جغرافیا» در عین حال که برای  
«تبدیل اسامی بیگانه اماکن ایرانی به لغات فارسی»<sup>۳</sup> اقدام  
می سد، هر گوه تعییر و تبدیلی در این رمیه به تصویب فرهنگستان



مراسلات آن وزارت حلیله ملاحظه شد که به جای شهر ارومیه کلمه رضاییه استعمال شده است، چون تاکنون به طور رسمی به تبدیل نام شهر ارومیه تصمیم گرفته نشده و شهر مزبور نیز نام تاریخی معروفی دارد، خوب است توضیح فرمایید این تبدیل اسم مبیی بر چه دستوری است. اگر از طرف قرین الشرف ملوکانه امری در این باب صادر شده اینجاست را مطلع فرمایید.<sup>۱۷</sup> وزارت جنگ نیز طی ارسال نامه ای که در واقع به دست نخست وزیر جدید یعنی مستوفی الممالک رسید، اظهار داشت که «... تبدیل اسم شهر ارومیه بنا به استدعای اهالی آنجا و تصویب ذاب مقدس ملوکانه بوده است»<sup>۱۸</sup> و دیگر بررسی در این باب مطرح نشد.

حاشیه:

(۱) بحث عمده این بررسی بر اساس اسناد دفتر نخست وزیر انجام شده است در باره ای از موارد زیر اسناد شهرداری تهران استفاده شده است بکارنده اسنادمان اسناد ملی ایران که نگهدارنده و د. واقع احیاکننده این اسناد است، برای امکاناتی که جهت بررسی آنها فراهم کرده است، سپاسگزار است (۲) در بخشهای بعدی بررسی، این موضوع به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است

(۳) فریدون بدره ای، گزارشی درباره فرهنگستان ایران، تهران، ۱۳۵۷، ص ۷۵  
(۴) اداره تلگرافی دولت علیه ایران، رشت به طهران، نمرة ۱۳۷، ۳۰ - توت  
[اسفند] ۱۳۰۳، سازمان اسناد ملی ایران، اسناد بحسب وریری که تحت شماره ۱۰۳ - ۱۰۳ نگهداری می شود (از اس اسناد سن ارایین به صورت ۱۰۳۰۰۱۳ یاد خواهد شد).

(۵) ریاست وررا به حکومت رست، نمرة ۱، اول حمل [هر وردس] ۱۳۰۴ ن ۱۳ - ۱۳

(۶) ریاست وررا، نمرة ۱۶۳، ۹ حمل ۱۳۰۴ ن ۱۳۰۰۱۳  
(۷) ریاست وررا، متحدالعال به تمام وزارتخانه ها، نمرة ۸۳، ۸ حمل ۱۳۰۴ ن ۱۳ - ۱۳

(۸) اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از ابرلی به طهران، نمرة ۴۸، ۱۰ حمل ۱۳۰۴ ن ۱۳۰۰۱۳

(۹) اداره تلگرافی دولت علیه ایران، نمرة ۵۳، ۱۲ حمل ۱۳۰۴ ن ۱۳۰۰۱۳  
(۱) ریاست وررا، نمرة ۳۵۷، ۱۵ حمل ۱۳۰۴ ن ۱۳۰۰۱۳

(۱۱) اسدالله معنی، جغرافیای تاریخی گرگان و دست، تهران، سرک سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۴، ص ۷۵ سندی دال بر تأیید رسمی یا حتی اطلاع این دگرگونی ملاحظه شد ولی این نام حا افتاد سگر نه به فرهنگ جغرافیایی ایران، ح ۳، تهران، ۱۳۲۹، ص ۶۸ که از آن به نام بقیرآباد یاد کرده است

(۱۲) وزارت جنگ به ریاست وررا، نمرة ۲۵۰۰۹/۱۳۴۲۵، ۱۰ اسفند ۱۳۰۴ ن ۱۳۰۰۱۳

(۱۳) ریاست وررا، نمرة ۱۵۲۸۸، ۲۰ اسفند ۱۳۰۴ ن ۱۳۰۰۱۳  
(۱۴) وزارت داخله به ریاست وررا، نمرة ۲۹۹۱/۴۴۵، اول اردیبهست ۱۳۰۵ ن ۱۳ - ۱۳

(۱۵) ریاست وررا به دفتر مخصوص، نمرة ۱۶۸۰، ۱ اردیبهست ۱۳۰۵ ن ۱۳ - ۱۳

(۱۶) دفتر مخصوص به ریاست وررا، نمرة ۲۲۹۴، ۱۵ ارد ۱۳۰۵ ن ۱۳۰۰۱۳

(۱۷) ریاست وررا به وزارت جنگ، نمرة ۲۸۰۴، ۵ تیر ماه ۱۳۰۵ ن ۱۳۰۰۱۳

(۱۸) وزارت جنگ به ریاست وررا، نمرة ۲۳۹۹/۳۳۹۹، ۱۴ ارد ۱۳۰۵ ن ۱۳۰۰۱۳

در همان شب اداره بلدیه انزلی نیز به همین مناسبت مراسم سی برپا داشت و مراتب «جسن و سرور» به تهران اطلاع داده شد.<sup>۱۹</sup> رضاخان در پاسخ به این بلگراف اظهار داشت که آنها «در سطح مؤسسات بلدیه و تعمیم معارف و رعایت حسن حرمان امور اقتصادی آنجا که متضمن سعادت و آسایش ساکنین بندر بهلوی است اهتمام نمایند، من هم به نوبت خود از هیچگونه مساعدتی مضائقه نمی کنم.»<sup>۲۰</sup> و به این ترتیب مراسم و سرریقات بحسین مس. نام یکی از شهرهای کسور در عصر بهلوی بایان گرفت اندکی بعد سرتب محمدحسین خان از ریاست شب مستقل معالی برکنار و سرتب فضل الله خان بصیر دیوان (راهدی) به جای او منصوب شد. او نیز که خود را کم از سلف خویش می بداشت، کار تغییر و تبدیل اسامی جغرافیایی را ادامه داد. مسب در جریان لسکرکسی به ترکمن صحرا در اوایل باس ۱۳۰۱ دهکده سلاح را که به دست بیروهایس به آتش کسیده شده بود، بصیرآباد نام نهاد<sup>۲۱</sup> و چندی بعد نیز تقاضا کرد که نام آن قلعه بصیرآباد به بهلوی در تبدیل شود و وزارت جنگ این درخواست و مراتب بدیرس آن را از سوی رضاشاه به ریاست وزرا اطلاع نمود<sup>۲۲</sup> و دفتر ریاست وررا بر موضوع را به تمام وزارتخانه ها و بهرداریها اطلاع داد.<sup>۲۳</sup>

در اول اردیبهست ۱۳۰۵ که با جریان تاحگذاری رضاشاه ستادف بود، وزارت داخله به ریاست وررا اطلاع داد که بر اساس س. س. واصله از نظمیة ارومیه اسم شهر به «رضاییه» تبدیل شده و اعلامی هم از طرف مصادر نظامی راجع به این مسئله در شهر پسر شده است. ولی در این خصوص هنوز از آن مقام منبع است و سب وزرا دستور می دهد وزارت داخله برسیده، مستدعی است. صورتی که از این قرار باید اقدام شود دستور صادر فرماید»<sup>۲۴</sup>  
- سب وررا نیز حد و حور این امر را از دفتر مخصوص - هسهای اعلام کرد<sup>۲۵</sup> دفتر مخصوص پاسخ داد که «... این س. س. بر حسب استدعا و استخاره از بیسگاه سریراعلی بوده است»<sup>۲۶</sup> ولی ظاهراً این توضیح یا در آن زمان هنوز کفایت نمی کرده یا در هیاهوی تاحگذاری گم شد زیرا حدی بعد در ۵ تیر ۱۳۰۵ - یعنی آخرین روزهای کابینه محمدعلی فروغی - سب وررا به وزارت جنگ نوشت که «...در ضمن بعضی از

یابد.<sup>۲۲</sup> چند روز بعد وزارت دربار به ریاست وزرا «...رحم می‌دهد که اسم گلشن برای شهرنویسندگان مناسب نه می‌آید و در همان حال اسم ایران شهر هم البته خیلی برای بزرگ است...» و درخواست می‌کند که اسم مناسب دیگری نظر گرفته شود.<sup>۲۵</sup> در حاشیه این نامه و ظاهراً از سوی ریاست وزرا یادداشت شده است «افای سمیعی اوربر داد کاسه محرر السلطنه هدایت، اسم دیگری در نظر گرفته شود. همچنین در دلیل آن نیز یادداشت شده است «بهر است موفقی که افایان وزرا تسریع دارند مذاکره فرماید بلکه اسم مناسب دیگری پیدا شود. حضرت افای وزیر دربار (تمورناس) امروز تسریع می‌آورند، ممکن است در حضور ایشان عرض شود.»<sup>۲۶</sup>

نامه وزارت دربار به انصام نوح صاحب مدرج در حواشی به وزارت داخله اطلاع شد.<sup>۲۷</sup> و پس از مدتی وزارت دربار ریاست وزرا اطلاع داد «هرگاه اسم آنجا به فردوس تبدیل شود با وضعیت محلی و حوی آب و هوای آنجا بی‌نیازی نیست خواهد بود»<sup>۲۸</sup> ریاست وزرا این پیشنهاد را به وزارت دربار اطلاع داد.<sup>۲۹</sup> و دربار بر موافقت شاه را با تبدیل نام بون به فردوس اطلاع داد.<sup>۳۰</sup> این مسئله در جلسه ۷ شهریور هشت دولت مطرح تصویب شد.<sup>۳۱</sup> و ریاست وزرا این تصحیح را به اطلاع سایر وزارتخانه‌ها رساند.<sup>۳۲</sup>

با این حال برای نفع اسامی شهرها ملاحظات عملی بری مطرح می‌شد؛ در شهریور ۱۳۰۷ ریاست کل سبب به وزارت سبب و تلگراف بوسه که به علت تشابه اسمی میان اسدآباد استرآباد و همچنین سفر و سفر غالباً در توریع مراسلات به اسباه می‌شود و حتی اعتبار احداث خط تلگراف سبب به سبب که در مجلس چهارم به تصویب رسید، صرف احداث خط تلگراف به سفر گردیده است، لهذا «... به مراکزی مربوط دستور داد شد که با مراجعه به مطلعین و دانشمندان و مورخین محلی اسامی حدی را که انتخاب آنها از لحاظ تاریخ و محاسبات دیگر محاسبی مورد نیاز است پیشنهاد نمایند که ارجح است هر يك که در مرز سببیده شد به مقامات مربوط پیشنهاد گردد» وی همچنین توصیه کرد که اسامی حامله برای اسدآباد و اردر با حسره برای سفر پذیرفته شود.<sup>۳۳</sup> وزارت سبب و تلگراف مقادیر مربوط را به اطلاع ریاست وزرا رساند.<sup>۳۴</sup> پس از مدتی نامه‌نگاریهای اداری محرر السلطنه هدایت به وزارت سبب و تلگراف پاسخ داد «... عوض کردن اسامی سهل است و چگونه در اذهان مردم وارد خواهید کرد؟ مدتی گرفتار اسک می‌گردد خواهید گفت به وسیله اعلان. در این صورت با اعلان مردم را مسیوق فرمایید که در تحریر این اسامی استباه نمود.

تغییر و دگرگونی نام شهرها فقط به مناطق تحت نظارت نظامها محدود نبود در باره‌ای موارد درخواست تغییر نام با نوعی امید و آرزوی دگرگونی و بهبود وضع بون بود فمسه از نقاطی بود که سالها از لحاظ حکومتی میان حوره‌های اداری ایالات اصفهان و فارس در بوسه بود و تصور اهالی بر آن بود که این امر بر نابسامانیهای موجود افزوده است. در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۵ گروهی از علما و چهره‌های سرساز فمسه طی مقدم عریضه‌ای به وزارت داخله اظهار داشتند که «... البته خاطر مبارک مسوق و مستحضر است که عرض اهالی از تحریک فمسه از اصفهان و تمسک به نام نامی اعلیحضرت اقدس ساهساهی ارواحافاده در ظل نام بهلولی شهر همانا کسب افتخار و سرف باریجی و جلب حیثیات شهری و مرکز دادن فمسه برای مصافات و توافع است و اینکه مستمماً وزارت حلیله داخله دامت سوکوه و سایر وزراء عظام عمال خود را به این حدود اعزام فرماید که رسوم سابقه مدرسه که رعایا را در معرض بعم و سراء می‌گذارد مرتفع گردد...»<sup>۳۵</sup>

در عریضه دیگری که فافد تاریخ است ولی احتمالاً همزمان با عریضه فوق ارسال شده است، تقاضا شده بود «همان طور که اهالی بلاد شمالی از قبل شهر بهلولی و بهلولی در مفرح گردیدند که با نام نامی داب اقدس شهر باری مفتخر و تحت اسم مبارک روز به روز به ترفیات و لایات خود بفرمایند» نام فمسه بر به بهلولی شهر یا شهرضا تبدیل شود.<sup>۳۶</sup> این عراض به دربار بهلولی ارسال شد و جندی بعد تمورناس در ترمه ۱۳۰۵ به ریاست وزرا اطلاع داد که «... استدعای آنها در حاکم بای مبارک موقع قبول پذیرفته و مقرر فرمودند بلده فمسه موسوم به شهرضا گردد»<sup>۳۷</sup> ریاست وزرا نیز مراتب را به کلیه وزارتخانه‌ها اطلاع کرد.<sup>۳۸</sup>

در اردیبهشت ۱۳۰۶ وزارت دربار به ریاست وزرا اطلاع داد که «... بر حسب استدعای اهالی بون، حسب الامر مطاع مبارک همایونی مقرر است که اسم بون تبدیل به اسم دیگری شود ابلاغاً رحمت می‌دهد که اسم مناسبی تهیه فرموده ... سیحه را برای عرض حاکم بای مبارک اسعار فرماید.»<sup>۳۹</sup> از نامه ریاست وزرا به دربار چنین برمی‌آید که اهالی میل داشتند نام بون به ایران شهر تبدیل گردد ولی دولت پیشنهاد کرد که به گلشن تغییر

مسا رالیهار رسیده و به مناسبت مناظر طبیعی اسم دل گسا را به جهت آنجا احتیاط و رسمیت آن را تقاضا و سنهاد نموده است.<sup>۴۲</sup> ولی ریاست وزرا کماکان با تغییر نام دهجوارفان مخالف بود. بویژه آنکه به عقیده او «... اطلاق دلگسا... به يك ناغ مخرج و گردشگاه عمومی مناسبتی...» به نظر می‌رسید، و در پایان گفته بود «... خوب است ایالت را منعقد فرمایید که دهجوارفان را به حال خود نگذارند». این توصیه ریاست وزرا برای مدتی

#### حاشیه

- (۱۹) عریضه اهالی قمسه، ۱۳ دیهست ۱۳۰۵ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۰) عریضه اهالی قمسه، بی تاریخ، ۱۳ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۱) وزارت دربار بهلوی به ریاست وزرا، نمره ۸، ۱۶، ۱۳، ۱۳۰۵ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۲) ریاست وزرا، متحدالعال به وزارتخانه‌ها، نمره ۵۲۸۶، ۱۶، ۱۳۰۵ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۳) وزارت دربار به ریاست وزرا، نمره ۴۹۳، ۱۴، اردیبهست ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۴) ریاست وزرا به وزارت دربار، نمره ۱۸۷۸، ۳۰، خرداد ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۵) وزارت دربار به ریاست وزرا، نمره ۱۱۲۴، ۳، ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۶) همانجا
- (۲۷) ریاست وزرا به وزارت داخله، ۲۵۱۱، ۲۶، ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۸) وزارت داخله، اداره سری، به ریاست وزرا، نمره ۵۱۷/۱۶۴۳۳، ۱۱، مرداد ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۲۹) ریاست وزرا به وزارت دربار، نمره ۳۵۹۰، ۲۹، مرداد ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۰) وزارت دربار به ریاست وزرا، نمره ۲۲۴۹، ۲، شهریور ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۱) ریاست وزرا، نمره ۴۳۰۷، ۸، شهریور ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۲) ریاست وزرا به وزارت داخله، نمره ۴۳۰۷، ۸، شهریور ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۳) وزارت ست و تلگراف، سواد مراسله ریاست کل ست، نمره ۱۰۸۳۳، ۵، ۷، ۱۳۰۶ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۴) وزارت ست و تلگراف به ریاست وزرا، نمره ۳۳۷۴، ۱۴، ۷، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۵) ریاست وزرا به وزارت ست و تلگراف، نمره ۴۴۶۸، ۱۲، ۱۰، ۷، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۶) نامه محرر فرهمند به ریاست وزرا، ۱۴ بهمن ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۷) ریاست وزرا به محرر فرهمند، نمره ۷۹۶۷، ۱۸، ۱۲، ۷، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۸) ریاست وزرا، نمره ۲۷۴۳، ۲۲، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۳۹) ریاست وزرا، متحدالعال به وزارتخانه‌ها، نمره ۲۷۴۳، ۲۶، ۷، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۴۰) وزارت داخله، سواد مراسله انال، آذربایجان، نمره ۹۸۵۷، ۵، ۷، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۴۱) وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۵۲۱۹/۲۹۹۸۰، ۱۴، ۹، ۷، ۱۳۰۷ ن ۱۳۰۰۱۳
- (۴۲) وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۴۷۷۲، ۲۲، ۴، ۸، ۱۳۰۸ ن ۱۳۰۰۱۳

خط حروف را ترك نکنند.<sup>۳۵</sup>

حدیدی بعد حسن خان محبر فرهمند نمائنده همدان در مجلس شورای ملی ضمن ارسال نامه‌ای به ریاست وزرا باز دیگر مسئله سانه اسمی اسدآباد و اسرآباد را طرح کرد و اظهار داشت اهالی اسدآباد اسدعا و تقاضا دارند که کلمه اسدآباد تبدیل به سانه که موطن مرحوم آفاسیدجمال الدین است شود.<sup>۳۶</sup> حر السلطنه هدایت باز دیگر در پاسخ اظهار داشت که اگر در کارش قواعد نقطه‌گذاری رعایت شود، اسباهی رح نخواهد

النه برخی موارد نیز، چون نامگذاری سدر حدیدی که در موموسی ساخته می‌شد به نندر ساهبور، به سادگی در جلسه شنب وزرا (۱۳ تیر ۱۳۰۷) طرح و بصورت شد<sup>۳۸</sup> و برای اطلاع سایر وزارتخانه‌ها اطلاع گردید.<sup>۳۹</sup> ولی رو بهمرقه می‌توان مت که در انام بحسب وریری محر السلطنه هدایت دگرگونی سامی سهرها با استیصال خندانی از سوی ریاست وزرا و روبرو بوده است. برای مثال می‌توان به ماحرانی بعسر نام دهجوارفان ساره کرد در اواخر تاسر ۱۳۰۷ منصورالملک والی آذربایجان س از سفر به دهجوارفان به وزارت داخله بوسه از آنجانی که رای عمران و آبادی آنجا برنامه‌های مفصلی در سر دارد و این مقامات به رودی «... این قصه را مندل به يك سهر می‌کند، دیگر به دهجوارفان برای آن مناسبت نخواهد بود» و لهذا تقاضا شد که نام آن به ساهی تبدیل شود.<sup>۴۰</sup> وزارت داخله ضمن ارسال بوسه نامه مر بور به ریاست وزرا، خواستار موافقت با تقاضای بی آذربایجان شد<sup>۴۱</sup> در حاشیه این نامه و ظاهراً از سوی بحسب وریر نوشته شده بود. «هرگونه تغییر وضعی به صرفه دهجوارفان که بتوان کرد، سباز خوب است مگر بعسر اسم که به ورینی ندارد.»

حتمالاً این نظر به مقامات ذر خط اطلاع شد زیرا تا مدتی از برای تغییر نام دهجوارفان خبری نشد تا آنکه س از چند ماه ب داخله دوباره این مسئله را مطرح کرد در نامه وزارت حبه به ریاست وزرا آمده بود «... در همان تاریخ [اذر ۱۳۰۷] به سب آذربایجان نوشته شد که لغب دیگری را که بهتر و مناسبتر به انتخاب نموده و به مرکز اطلاع دهد. احراز اورتی از انال

کارگر افتاد و تا مدتی برای تغییر نام دهخواران اقدام نسد.<sup>۲۳</sup> در همین ایام مرزهای شمال غربی کسور و مسائل آن اهمیت بسیار یافت، نویره آنکه با سورش کردهای ترکیه به رهبری احسان نوری ناسا و ادعای دولت ترکیه منی بر همدستی کردهای ایران با کردهای سورش آزاراب و ارسال کمک ارسوی ارمیهای ایران به کردهای ترکیه، دولت بر آن سد که نیروهایی به منطقه اعزام دارد. در خلال سالهای ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۰ لسكر كسيه‌ای گسترده‌ای در مرزهای شمال غربی ایران انجام گرفت. این تحولات مرری مسئله تعبر اسامی جغرافیایی را بر تحت تأثیر خود قرار داد؛ و راراب جنگ در تیرماه ۱۳۰۸ رونوس «... صورت اسامی هرا و دهاب ماکو ارا» که به لغاب ارمی اا موسوم و لشکر شمال عرب به ارکان حرب کل فسون ارسال و تغییر اسامی آنها را بیس نهاد نموده ..» بود برای ریاست و ررا ارسال و تفاضا کرد «... از تصمیمی که در این موضوع اتحاد خواهند فرمود و راراب جنگ را مستحصر دارند.»<sup>۲۴</sup> در فهرست و راراب جنگ صورت اسامی روساهای مرور (که حندان هم به «لغاب ارمی» موسوم بود) و نامهایی که می بایست بدانها تغییر یابد ذکر شده است. در برابر هر نام بس نهاد شده نر نظریه‌ای (ظاهراً از سوی ریاست و ررا) یادداشت شده است که اینک به ترتیب ذکر می شوند:

نام روستا	نام پیشنهاد شده	نظر ریاست وزرا
بارون	امیریه	می تاسب بیست
قره کلیسا	امان آباد	صرر ندارد
هاسون	هارون آباد	صرر ندارد
محال چالدران	محال فراعیبی	«چالدران» و «فراعیبی» هر دو اسم تاریخی است و موجود است تعبرس حوب بیست
قلعه جوق	عرب آباد	[در مقابل سه اسم «قلعه حوق» و «ماعچه حوق» و «قره حاج» و نه اسامی پیشنهادی یادداشت شده است] حوب است.
باغچه حق	سردار آباد	
قره خاج	علی آباد	
کمش تپه	دورتا کند	[در مقابل «کمش تپه» یادداشت شده بود] بهتر است بماد
چرس	اصلا بیه	صرر ندارد
کشیش آژخی	اسمعیل آباد	صرر ندارد
کلیسا کندی اواجیق محمدآباد		[در مقابل «کلیسا کندی» یادداشت شده است.] حوب است بماد.
دانالو	اکر آباد	ابدأ نباید تعبر داد.

فهرست مرور به انضمام یادداسته‌ای اضافه شده بر و راراب جنگ ارسال سد. در نامه ریاست و ررا آمده بود که «تغیر یاردای اربامهای آنها، اینجاب موافقت می نماید»<sup>۲۵</sup> ولی اسناد بررسی شده سانی از ابلاغ تصمیم بهایی دولت در زمینه ملاحظه سد و با توجه به یاره‌ای از مراجع جغرافیایی حد به نظر می رسد که علی رعم «صرر ندارد» های رئیس الوررا اند هیچ يك از تعبر و تبدیل های مورد بحث صورت نگرفته است اصولاً تا زمانی که محبر السلطنه هدایت بر سر کار بود. تعبراتی که در اسامی سهرها و اماکی حاصل شده «حسب الام ساه بود. در آذر ۱۳۰۹ از دفتر مخصوص به ریاست و ررا ابلا سد که نصرت آباد (مرکز سیستان) به زابل و درداب به راهد تبدیل سود.<sup>۲۶</sup> ریاست وزرا بر این تعبر و تبدیل را به دوا دی ربط اطلاع داد<sup>۲۸</sup> ولی در این میان در مورد ساسا، «نصرت آباد» اسکالانی سن آمده بود؛ و راراب مالیه صم ارس نامه‌ای ار ریاست و ررا برسد که آنا نصرت آباد «... سیستان را» شده یا سهر نصیر آباد که حکومت سین و مرکز است.»<sup>۲۹</sup> نامه برای اظهار نظر به و راراب داخله ارسال سد<sup>۳۰</sup> «مصد نفسه کسی» وزارت داخله در ذیل ان نامه توضیح داد که «در نه انگلیس نصرت آباد است. در نفسه عبدالررای حان نصرا است و در جزء جمع هم به اسم نصرت آباد بوده و حالا هم نصرت بر آن اضافه شده...»<sup>۳۱</sup> بالآخره روس سد که منظور نصرا است که به رائل تبدیل شده است.<sup>۳۲</sup> در خلال سفر نابیزی رصاساه به صفحات شمالی کسور ۱۳۱۰، وزارت داخله به ریاست وزرا اطلاع داد که بر اسات تلگراف حکومت مارندران «حسب الامر» نام باره روس به نا تعبر کرده است.<sup>۳۳</sup> سن ار حندی نیز در بهمن همان سال و راراب ست و تلگراف به ریاست وزرا اطلاع داد که «حسب الام علی آباد مارندران به ساهی تعبر کرده است.<sup>۳۴</sup> مدتی بعد بر دی ۱۳۱۱ تیمورتاس به ریاست وزرا اطلاع داد که «حسب الام نام سهر ناصری به اهواز تغییر کرده است.<sup>۳۵</sup> در پی برکناری مخبر السلطنه هدایت و انتصاب محمد فروغی به مقام نخست وزیری، وزارت داخله به ریاست و ررا اطلاع داد که اهالی ترسین به والی خراسان سکایت کرده اند

۴۳) ریاست وررا به وزارت داخله، فافد تاریخ و شماره صدور ۱۳۰۰۱۳  
اخرجه منسوب الملك در ایام بقدری ایالت آذربایجان به تعبیر نام دهجواران  
به قو ساف ولی حسن به نظر می‌رسد نه بالآخره در ایام بحسب وریری اس (تیر  
۱۳۱۹ ماسهر نور ۱۳۲) حسن شرد حال ملک ساسانی در نامه‌ای به محله ارمعان  
حسن اسناد از رویه فرهنگستان در عصر اسامی سهرها، به تعبیر نام دهجواران به  
ادر سهر اساره داد که «در یکی ۱ شماره‌های ماه گذشته به نامه ایران مطبوعه  
بهران آخرو اسامی سهرها را که فرهنگستان عوض کرده بود» ذکر شده بود  
وی پس از سرخی از سوانی تاریخی دهجواران اظهار داشت «تا این سوانی به  
هیچ وجه و واسطه که حکم حسن اسم تاریخی نه ۱۵ قرن صد ساله عمر دارد مندل به  
یک ثلثه عادی و بی مسمی سود، بلکه سراوار است که املا و تلفظ اصلی آن باز  
گردد» (ارمعان، سال ۲۲، شماره ۵ و ۶ مرداد - سهر نور ۱۳۲۰)

۴۷) دفتر مخصوص به ریاست وررا، نمره ۸۱۷۶، ۱۳۰۹۹۱۸، ۱۳۰۰۱۳  
۱۳۰۰۱۳ سرلسکر امان‌الله میرزا جهاسانی فرمانده نیروهای اعرامی به  
سیستان و بلوچستان، بوسه است که در دات با به پیشنهاد او به راه‌انداز تبدیل شد  
امان‌الله جهاسانی، عملیات حسن در بلوچستان از مرداد تا بهمن ۱۳۰۷، تهران،  
۱۳۳۶، ص ۱۱

۴۸) ریاست وررا، متحدالمال به ورا تخته‌ها، نمره ۶۵۲۹، ۲۰، ۱۳۰۹۹۲۰، ۱۳۰۰۱۳

۴۹) وزارت مالیه به ریاست وررا، نمره ۱۱۴۵، ۱۷، ۱۳۱۰۱۷، ۱۳۰۰۱۳  
۵۰) وزارت داخله به ریاست وررا، بدون شماره، ۲۲، ۱۳۱۰۲۲، ۱۳۰۰۱۳  
۵۱) همانگونه که ملاحظه شد چون تغییر اسامی حمرایایی سیستان و  
بلوچستان سسر با به درخواست مقامات نظامی صورت گرفت، اینها می‌تواند  
در نقشه‌های نظامی آن روزگار نیز انعکاس یابد بسیاری از نقشه‌های «سعه  
نفسه برداری ارکان حرب کل قسور» در ادوار بحسب تشکیل ارتش بوی ایران،  
«بر حقه» نقشه‌های روسی و انگلیسی بود و در این مورد خاص می‌توان به مجموعه  
نقشه‌های ایران اساره کرد که در ۲۰ قطعه و در خلال سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۷  
سمی از وی نقشه یک ملیونیم انگلیس تهیه شد در این مجموعه در نقشه‌های  
شماره ۳ (سیستان) و ۷ (کرمان) همانند نقشه‌های انگلیسی (مانند نقشه شماره ۳۰  
سیستان از مجموعه Offices, Calcutta, 1918) مرکز سیستان «نصرت آباد» نگاشته شده است و برای  
مقایسه کردن آن از «نصرت آباد» مهم دیگری که در همان منطقه (هریة واقع بر سر راه  
سیستان به نام واقع بوده، نصرت آباد اخیر را Nasrat Abad Sipi نامیده که عیناً در  
نقشه قسور نیز منعکس شده است در نقشه ۱۶ قطعه‌ای مرحوم عبدالرزاق خان  
نمایری که در ۱۳۱۶ هـ ق منتشر شد، مرکز سیستان نصرت آباد و دیگر هریه به مورد نظر  
نصرت آباد (بدون «سنی» هریگی آن) ذکر شده است

۵۲) وزارت داخله به ریاست وررا، بدون نمره، ۲۲، ۱۳۱۰۲۲، ۱۳۰۰۱۳  
۵۳) وزارت داخله به ریاست وررا، نمره ۲۴۱۶۹، ۲۷، ۱۳۱۰۲۷، ۱۳۰۰۱۳

۵۴) وزارت سب و تلگراف به ریاست وررا، نمره ۵۱۶۵، ۲۸، ۱۳۱۰۲۸، ۱۳۰۰۱۳

۵۵) وزارت دربار به ریاست وررا، نمره ۵۰۵۰، ۵، ۱۱۱۹۵، ۱۳۰۰۱۳  
۵۶) وزارت داخله به ریاست وررا، نمره ۱۲۳۸۶، ۱۶، ۱۳۱۳۳، ۱۳۰۰۱۳

۵۷) ریاست وررا به دفتر مخصوص، نمره ۱۷۴۴، ۱۱، ۱۳۴۰۱۱، ۱۳۰۰۱۳  
۵۸) دفتر مخصوص به ریاست وررا، نمره ۲۷۲۴۶، ۲۵، ۱۳۴۰۲۵، ۱۳۰۰۱۳

۵۹) ریاست وررا به وزارت داخله، نمره ۲۴۴۲، ۱۰، ۱۳۵۱۰، ۱۳۰۰۱۳  
۶۰) وزارت داخله بدون نمره، ۲۲، ۱۳۴۰۲۲، ۱۳۰۰۱۳

۶۱) ریاست وررا به وزارت داخله، نمره ۲۳۹۳، ۴، ۱۳۴۰۴۴، ۱۳۰۰۱۳  
۶۲) وزارت داخله، اداره استخبارات و امور بلدیه و محلی، بدون شماره،  
۲۴، ۱۳۴۰۲۴، ۱۳۰۰۱۳

۶۳) ریاست وررا به وزارت داخله، نمره ۲۹۵۸، ۲۸، ۱۳۴۰۲۸، ۱۳۰۰۱۳

ریاست سسی و مال الحاره‌هایی که بذایجا ارسال می‌سود  
دست اسبها به تیر نزو سسر بر می‌رود و تقاضا دارند که نام  
به کاسمر که «محل در حب سراسر و در تواریخ هم از  
دکتری سده» تبدیل سود. ۵۶) ریاست وزرا بر ضمن اطلاع  
رابط به دفتر مخصوص، اضافه کرد «اسم کاسمر از اسامی  
بیم یکی از آبادی‌های آن ناحیه است.. کمال مناسب را دارد که  
به واسطه تبدیل اسم بر سر در این دوره افتخار ایران احباء  
بود» ۵۷) دفتر مخصوص سیر احاره داد ۵۸) و ریاست وررا تصویب  
ن را اطلاع کرد. ۵۹)

در اردیبهست ۱۳۱۴ سز گروهی از اهالی حمن با ارسال  
مرتبه‌ای به حکومت کمره خواهان تغییر نام موطن خود شدند  
این عریضه آمده بود: «حمن به طوری که فدا گفته و مسهور  
ست از ناهای همای بیت بهمن و نام اصلی آن همایون بوده و سیر  
رمکوبات و دفاتر قدمه که برد اسخاص مشاهده [و تا] سست و  
سج سال قبل هم به همی اسم موسوم و نامیده شده  
ست» و بر این مرور زمان به حمن تبدیل شده و «... این است  
به از مقام منبع آن وزارت حلیله اسدعا بلکه اسر حام می‌کنم  
تا با صدور یک متحدالمال اعطای نام باستانی اس سهر کو حک  
همین) را اعلام و به عموم افراد اهالی از عالی و دانی مت  
شد» ۶۰) ولی فروعی بر ظاهراً در صدور احاره تغییر و تبدیل  
سمی سهرها امساک داشت، زیرا در پاسخ به وزارت داخله اظهار  
شده است که این عصر لرومی ندارد ۶۱)

اندکی بعد در تیر ماه همان سال باز هم وزارت داخله گراس  
بر که حکومت نظامی سراوان تقاضا کرده است «... چون ولایت  
سراوان وجه سسمه معینی ندارد، اسم سراوان را تبدیل به داود ساه  
کر حکومت سسین آنجا هم سسسان ناسد. ۶۲) ریاست وررا  
سج داد که «... وجه تسمیه نداستن سراوان دلیل بر تغییر اسم  
سود و اگر اس نظر رعایت سود اکثر اسامی را نایست عصر  
سیر این رو با درخواست حکومت نظامی سراوان موافقت  
سده علاوه در پاسخ ریاست وزرا همحین اضافه شده بود که در  
حکومت نسبی آن منطقه نیز «... استعلام فرمایید که کجا  
و اسم آن فعلاً چیست تا تصمیم اتخاذ سود» ۶۳) حالت آن  
سده «دائرة کابینه» [دفتر وزارخانه] داخله که معمولاً رسیدگی به

این گونه امور و مکاتبات را بر عهده داسب خود از صدور حنس درخواستی بی اطلاع بود و در بی وصول ناسح مربوط از دفتر ریاست وزرا رسید که درخواست حکومت نظامی سراوان از طریق کدام بخش یا اداره وزارت داخله به دفتر ریاست وریا تسلیم شده است<sup>۶۴</sup> بی نظمی حاکم بر دگرگونی اسامی جغرافیایی چنان بود که حتی دوا بر مسئول دولتی بر در جریان نبودند. احتمالاً این موضوع باعث شد که در مرداد همان سال (۱۳۱۴) وزارت داخله ضمن ارسال فهرستی از اسامی دگرگون شده شهرها و اماکن به دفتر ریاست وریا، تقاضا کند که رونیسی از تصویب نامه های مربوط به این تغییرها را برای آن وزارتخانه ارسال دارند، چون سوانمی از این دگرگوئیه در دسب داشتند.<sup>۶۵</sup> فهرستی که وزارت داخله برای تعیین سوانی مربوط به دگرگونی اسامی شهرها به دفتر ریاست وریا ارسال داسب در واقع همان فهرستی بود که خود حندی سس از دفتر مربوط دریافت داشته بود؛ در اسفند ۱۳۱۲ وزارت داخله از دفتر ریاست وزرا تقاضا کرد: «صورتی از شهرهایی که اسامی آنها اخیراً تغییر کرده است.» ارسال شود.<sup>۶۶</sup> دفتر ریاست وریا نیز که ظاهراً از کل این تغییر و تحولها مطلع بود از وزارت سس و تلگراف خواست که اسامی مربوط را گراس کند.<sup>۶۷</sup> در فهرستی که وزارت سس و تلگراف به دفتر ریاست وزرا ارسال داسب، گذشته از نامهای ارومیه، قمسه، نارفروس، علی آباد، نصرآباد، دزداب، تون، انزلی، آق قلعه و حورموسی، که از حگوئگی بعبر آنها آگاه سدیم، از دگرگوئیه های دیل بریاد شده است که سوانی آنها در اسناد کابینه ریاست وریا موجود بود سلماس به ساهور، هارون آباد به ساه آباد، حب آباد به ده بو، سدر حر به سدرساره [در حاشیه سند یاد داسب شده است: «سدر حر عر از سدر ساه است»]، حصی به سهداد، حسن آباد به علام، استرآباد به گرگان، سمور به ایراسهر، سلدور به نقد، و سحرای برکم به دسب گرگان<sup>۶۸</sup> دفتر ریاست وریا بر اس فهرست را به وزارت داخله ارسال داسب.<sup>۶۹</sup> سها سس از دسب يك سال و اندی و نا افزایش جسمگتر اعساس در بعبر و سبدیل اسامی جغرافیایی کشور بود که وزارت داخله به فکر سگری اس مسئله افتاد و در مرداد ۱۳۱۴ با ارسال همان فهرست<sup>۱</sup> به انضمام موارد سبدیل ده کرد به سهر کرد، فهرج به داورساره، که در فاصله اس مکاتبات انجام یافته بود و از حگوئگی آنها بر سوانمی در دسب نیست) از دفتر ریاست وریا، مجدداً حواسار آگاهی از تصویب نامه های مربوط شد<sup>۷۰</sup> دفتر ریاست وریا بر ضمن ارسال رونیسی از تصویب نامه هایی که از این دگرگوئیه در دسب داسب به وزارت داخله، افزود: «... که زاندا بر حری در کاسه ریاست وریا موجود نیست...»<sup>۷۱</sup>

ولی وزارت داخله که این بار ظاهراً بیگیر ماجرا بوده است، هم طی ارسال نامه ای به دفتر بحسب وریری بر ضرورت آگاهی دیگر تصویب نامه های موجود تأکید وررید و اضافه کرد: «... ص اگر راحع به تغییر اسامی فهرج به ایراسهر و دزک به داور- سوانمی در دسب است سواد آن را هم امر بر ارسال فرماید» دفتر ریاست وزرا ضمن اظهار بی اطلاعی مجدد از سوانی مربوط اظهار داشت که در نامه احبر وزارت داخله<sup>۷۲</sup> آمده است که فهرج به داورساره سبدیل شده، ولی ایك از سبدیل فهرج به ایراسهر درك به داورساره سحن به مان می آید و بر اساس همین فهرس نیز سمور به ایراسهر سبدیل شده است، بنابر این تأکید شده: «... این اختلافات را تحت نظر فرار دهید و اسامی صحیح، بقاط را مسحص فرمایید.»<sup>۷۳</sup> اگرچه در اسناد بررسی شده سند دال بر ادامه این مکاتبات ملاحظه نسد، ولی از این مرحله به عا یعنی از مرحله ای که در واقع نقطه اوج اسفته بازار بعبر اساه، سهرها و روستاها به سمار می رفت - بود که سعی سد با بعبر «فرهنگستان» به عنوان مرجع تصمیم کبرده در این باب نظم برینی در تغییر و سبدیل اسامی جغرافیایی کشور ایجاد شود با آنکه در آیین نامه فرهنگستان برای سسکیل کمسیون جغرافیا ماده ای بیس سنی شده بود ولی در همان جلسات اولیه محمدعلی فروعی لروم سسکیل کمسیون و بره ای را بر «مطالعه در لغات جغرافیایی و سبدیل اسامی بیگانه اماکن ایرانی لغت فارسی» ناداور سد و هشتی مرک از ملك السعراى به بدیع الزمان فروراعر، حسن گل گلاب، سعید بقیسی و ... ناسمی به عصبوب «کمسیون جغرافیا» در آمدند.<sup>۷۵</sup> در بحسب گفتگوهای که در این باره به عمل آمد فرار سد احیار لغات حدید در درجه اول احیای نامهای قدیم این اماکن بر دیک بدانها با مراجعه به کتب و منابع موجود در نظر بر سده، و در درجه دوم وضع لغات حدید مطابق مناسبات محسب کتاب جغرافیایی ملحوظ<sup>۷۶</sup> گردد<sup>۷۷</sup> حندی بعد بر سح اس تغییر و سبدیل اسامی جغرافیایی به تصوب رسد بر حسب اصول مقرر سد در سبدیل نامهای جغرافیایی، اماکنی که - اسامی آنها به نامهای ایرانی ... به حهتی از جهاب دارای - بیستری است بر سایر اسامی مقدم سمرده شود.» در مورد<sup>۷۸</sup>

«بها» توضیح بسطی داده شده است همچنین در این باره تأکید شده بود که اگر این اماکن دارای نام فارسی تاریخی اند، همان نامها احیا شود و الا اگر این اسامی با کلمات «حای»، «سو»، «داع»، «بلاغ» و امثال آنها ترکیب شده است، در تعیین اسامی جدید کلمات بیگانه مربوط به فارسی ترجمه شود (به استثنای کلمه «کند» که «به دلایل عمده فارسی شناخته شده است و باید در ضمن این برکنات نگهداری شود») ۷۷ نکته ای که در این اصول مورد توجه قرار گرفت تبدیل اسامی تاریخی یا غربی طوایف و نبره های عساکر ایران به فارسی بود و رسید که چون «امروزه در سهرسبی مثال سعی می شود»، نام آنها به اسامی مکان تبدیل گردد. ۷۸

ظاهراً نخستین اقدامی که فرهنگستان در این زمینه به عمل آورد تغییر تعدادی از اسامی جغرافیایی خوزستان و آذربایجان بود ۷۹

از سوی دیگر، چنین به نظر می رسید که سایر بسکلات دولتی نیز فرهنگستان را به عنوان مرجع تصمیم گیرنده در این گونه موارد به رسمت شناخته اند، حناچه هنگامی که در دی ماه ۱۳۱۴ وزارت معارف به ریاست وزرا اطلاع داد که پیشنهاد شده است که نام سفر به سیاه کوه تبدیل شود، ۸۰ ریاست وزرا در پاسخ اظهار داشت «... موافقت می شود که برای سفر و همچنین برای سایر قطعات کشور که اسامی نامناسب و غیر فارسی دارد، فرهنگستان اسامی مناسب و بهتری تهیه کند...» ۸۱

فرهنگستان، گدسه را آنکه به تدریج به وضع اسامی جدید جغرافیایی مسعود شد ۸۲، برای جلوگیری از دحالت سایر مراجع در عصر و تبدیل اسامی جغرافیایی هم وارد عمل شد. در فروردین ۱۳۱۵ بحسب وریری با صدور بحسامه ای به وزارتخانه ها و ادارات مستهل اعلام داشت که فرهنگستان گراس کرده است که بر سجه مداخله برخی از وزارتخانه ها و ادارات در تعبیر نامهای جغرافیایی و اسامی خاص، اسبهاهی در این زمینه برور کرده است «مانند عیلام که برای یکی از نقاط کشور انتخاب شده و از لحاظ علمی و جغرافیایی با نقطه ای که بدان نام داده شد نطبی نمی کند...» و برای جلوگیری از تکرار چنین مواردی و اصلاح اسبهاها موجود «کلماتی که تاکنون برای اسامی جغرافیایی و تاریخی و غیره انتخاب شده است، صورت آن را به فرهنگستان ارسال دارید که دفتهای لارم در تصحیح آن به عمل آند» و در آنده بهرگاه بخواهند کلماتی را تغییر دهند «... پیشنهادهای خود را به شمس اسامی سابق و کلمات جدید و دلایل تغییر و انتخاب ...» سند به فرهنگستان ارسال دارند که با رعایت مناسبات لغوی تاریخی و جغرافیایی برای تأمین منظور آنها اقدام شود ۸۳

این مان با دستوری که بحسب وریری برای گردآوری

اسامی کلمه شهرها و روستاهاهی که نام سگانه داشتند صادر کرد، ظاهراً تلاش شد که برای همیشه به این مسئله حناچه داده شود. بر اساس این دستور از کلمه ولایت و حکام کشور حواسته شد که فهرست اسامی غیرایرانی اماکن جغرافیایی حوره های تابعه خود را همراه با «... اسامی ایرانی که مناسب برای هر نقطه به نظر سان می رسد با دداسبت نماید که به فرهنگستان داده شود [۱]» به هر نحو که مقتضی است در تبدیل آن تصمیم بگیرد. ۸۴

اسناد بررسی شده علل صدور چنین بحسامه ای و تأکید خاصی را که بر یکسره کردن مسئله تبدیل اسامی جغرافیایی به کار

#### حاشیه

۶۴ وزارت داخله. اداره تاسه به ریاست وزرا، نمره ۲۶۳۵، ۱۴۰۵۱، ۱۳۰۰۱۳

۶۵ وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۳۲۲۶۹، ۲۹ مرداد ۱۳۱۴، ۱۳۰۰۱۳

۶۶ وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۵۱۷۱۷، ۲۰/۱۲/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۶۷ ریاست وزرا به وزارت ست و تلگراف، نمره ۸۳۹۸، ۲۶/۱۲/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۶۸ وزارت ست و تلگراف به ریاست وزرا، نمره ۱۱/۳۲، ۱۶/۱۳/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۶۹ ریاست وزرا به وزارت داخله، نمره ۲۰۷، ۱۸/۱۳/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۷۰ وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۳۲۲۶۹، ۲۹/۱۴/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۷۱ ریاست وزرا به وزارت داخله، نمره ۳۸۳۳، ۱۵/۱۴/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۷۲ وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۳۶۸۳۶، ۱۹/۱۴/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۷۳ وزارت داخله به ریاست وزرا، نمره ۳۲۲۶۹، ۲۹/۱۴/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۷۴ ریاست وزرا به وزارت داخله، نمره ۴۲۷۱، ۲۵/۱۴/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۷۵ ندره ای، سبب، ص ۲۹ و ۷۵-۷۶

۷۶ همانجا، ص ۷۶

۷۷ همانجا، ص ۷۷

۷۸ همانجا فرهنگستان در این زمینه حر تصویب تغییر نام طوایف اسماعیلی رایی و یاراحمدزایی مکران به سه بخش و سه نواز اقدام دیگری مدول بداست

۷۹ در خورسان بی طرف به دست مسلمان، عبادان به انادان، سانبی به سستان، حفاچه به سوسگرد، مال امر به انده، محمره به حر مسهر، فلاحیه به سادگان، حوره به هویه در آذربایجان آبی حای به تلخه رود، صانبی قلعه به سانبی در، ساوخلای مکرانی به مهاناد، فراحص به سانبی حص، مندایحای به مهرابود، حصو حای به رسته رود، هاجه داع به ارساران، منایح به میانه و هرل اورن به سمند رود

۸۰ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه به ریاست وزرا، نمره ۵۹۳۲۲، ۳۰، ۱۴/۱، ۱۳۰۰۱۳

۸۱ ریاست وزرا به وزارت معارف، نمره ۸۲۸، ۱۴/۱۱/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

۸۲ مانند اسامی فوق الذکر آذربایجان که در ۱۴/۱۱/۱۳۰۱ از طرف دفتر ریاست وزرا، سایر نواز بلایع شد

۸۳ ریاست وزرا به وزارت داخله، متحد المال، نمره ۵۶۳، ۱۲/۱۳/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

سهرداری  
۸۴ بحسامه نمره ۴۷۹، ۲۹/۱۰/۱۳۰۱، من اصلی این بحسامه ملاحظه شد  
ایچه ذکر شد به نقل از وزارت مالیه به ریاست وزرا، نمره ۴۲۱۴۴، ۲۵/۱۲/۱۳۰۱، ۱۳۰۰۱۳

رفته است، چندان روس نمی‌کند. احتمالاً در این تصمیم نیز ناره‌ای ملاحظاتی سیاسی بویژه در مورد مرزهای غربی کشور در میان بوده است اندکی پیش از صدور این بخشنامه یکی از مقامات عدلیه آبادان گزارش کرده بود که «... اسامی کلیه فراء و فصبات حوره آنجا به زبان عربی است و اوصاف و احوال سرحدی تغییر اسامی مزبور را به فارسی ایجاب می‌نماید».<sup>۸۵</sup> جالب آن است با آنکه ریاست وررا طی بخشنامه شماره ۴۷۹ دستور جمع‌آوری این گونه اسامی را صادر کرده بود، باز هم جداگانه از وزارت داخله درخواست کرد که اسامی روستاهای خوزستان را «... صورت دهند تا در تغییر آنها اقدام شود.»<sup>۸۶</sup> و اندکی بعد سر در تکمیل این دستورالعمل از یو به ورار داخله نوشت که پس از گردآوری اسامی «... فصبات محاور سرحدات غربی و خاصه حورسان... بطر حکومت محل را بر حواسه و با تسکیل کمیسون به اسامی فارسی مناسبی تبدیل نمایند...»<sup>۸۷</sup> در اسناد بررسی سده از نتیجه یا ادامه این مکاتبات سانی ملاحظه نشد ولی بحسامه ۴۷۹ ابوهی از گزارشها و مراسلات را به دیال آورد.

تا نیمه اول فروردین ۱۳۱۶ ورار داخله فهرست اسامی بسیاری از روستاها و آبادیهای مورد بطر آذربایجان، همدان، کرمان، خوزستان، اصفهان و فارس را دریافت داشت.<sup>۸۸</sup> ریاست وزرا نیز، ضمن گزارش وصول این فهرستها به دفتر مخصوص ساهنسانی، بقاضا کرد «... در صورتی که احاره می‌فرماید صورتهار را به فرهنگستان فرستاده، بقاضای تعمیر اسامی سود از سایر ولایات هم همین که صورتهار رسد به همین ترتیب به فرهنگستان مراجعه سود.»<sup>۸۹</sup> دفتر مخصوص بر احاره لارم را صادر کرد.<sup>۹۰</sup> و فهرستها به فرهنگستان ارسال شد.<sup>۹۱</sup>

یکی از نخسین مسائلی که در بهیه و ارسال این گزارشها پیش آمد مسئله وضع و بسنهاد بر ایهایی در مورد اسامی «سگانه» بود. حنانچه ملاحظه شد در بحسامه شماره ۴۷۹ آمده بود که حکام و ولات، گذشته از ارسال نام اسامی عبرانی حوره‌های حکومتستان، اسامی ایرانی مناسبی را سر که در بطر داشتند پیشنهاد کنند. ایالت فارس پس از ارسال فهرست مورد بطر به ورار داخله گزارش کرد که «... فهرست اینگونه لعاب خارجی تهیه شده و حاضر است لیکن تهیه نمودن لعاب مناسب فارسی در مقابل آنها... مستلزم وقت و فرصت سسری است و با آخر بهمن [۱۳۱۵] که موعد معین سده نمی‌رسد.»<sup>۹۲</sup> ورار داخله بر مراتب را به ریاست وررا گزارش کرد.<sup>۹۳</sup> ولی اسک ریاست وررا ظاهراً برخلاف آنچه قبلاً اظهار داشته بود، پاسخ داد که «... انتخاب لغات فارسی به جای لعاب احببی از وظایف فرهنگستان است...» و حواس است که به همان ارسال فهرست اسامی بیگانه

اکتفا سود.<sup>۹۴</sup>

در اس میان در عین حال که ارسال فهرست اسامی مورد بطر اردیگر بخشهای کشور ادامه داشت.<sup>۹۵</sup> فرهنگستان نیز اطلاع داد که کمیسون حفرافا بررسی این نامها را آغاز کرده و برودی نتیجه را اعلام خواهد داشت، ولی در مورد برخی از اسامی بسنهاد سده نیز نکاتی ملاحظه سده است که سانی تذکر می‌بازد در صورتهای بسنهادی «... برخی نامها سده می‌سود که هیچ سباهتی به ترکی و عربی ندارد و تغییر دادن آنها حدان لرومی ندارد، حان که در شماره ۱۴ به حای زاع آباد، کلاع آباد، در شماره ۱۰ به جای کرخ، سرهنگ آباد بسنهاد سده است در صورتی که نامهای بحسین آنها بهر است. ولی ممکن است بسنهادکنندگان مدارکی داسه ناسد که فرهنگستان از این بی اطلاع ناسد. در این صورت متممی است مقرر فرماید فرهنگستان را از آن مدارک آگاه فرماید»<sup>۹۶</sup> علاوه بر اس بدتر داده سده بود که حون این تغییر و بدیلها می‌نواند از لحاظ سی دسواریهایی پس آورد لارم است که ورار عدلیه و اداره ست بر در حران باسد.<sup>۹۷</sup>

از آنجایی که دستورالعمل مسحقی صادر سده بود هر یک حکام و والیان بر حسب سلفه سحقی خود بطرها و بسنهادهایی ارائه کردند. والی فارس که در فهرست ارسالی خود فقط به در اسامی «عبرانی» حوره حکومتی خود اکتفا کرده و برای تعمیر آنها بسنهادهایی ارائه نکرده بود.<sup>۹۸</sup> تنها این توضیح را افزود «... دهایی که به اسامی اسحاض نام گذاری سده و اکثر آنها مکر است در صورتی که فرهنگستان تصویب کند اسامی آنها تبدیل، کلمات فارسی سود»<sup>۹۹</sup> حکومت ساهرود سر در بی بررس اسامی آبادیها و روستاهای حوره حکومتی حوس سوست «... لفظ و اسم ترکی بین آنها به بطر نمی‌رسد اگر ناید الفاظ عربی از قبل بی‌آباد، علی آباد، حسن آباد و غیره تعمیر کند فرهنگستان به جای الفاظ مزبور الفاظی وضع خواهد کرد... دهات مزبور پس از آن بدان نام خوانده سود»<sup>۱۰۰</sup> ولی همه حکام وظفه تعمیر اسامی دهات را به فرهنگستان میویض نکردند. حکومت بندرعباس در فهرستی که از «اسامی قدیم» حوزه حکومتی خویش ارسال داشت «اسامی بونی» سر-



بر هر يك از آنها بیسناد کرده بود. بسندهاها بیستر جبه  
 سلاح اسامی موجود را داس تا تغییر و دگرگونیشان برای مثال  
 ی توان به موارد ذیل اشاره کرد. دعو وسطی به ده مان، دعو به ده  
 و حك، ماحاتونی به ماه حاتونی، حواریکو به حوی باریك،  
 حمی بالا به داوری بالا...<sup>۱۱</sup> برخی دیگر از حکام نیز در  
 پرهستهایی که ارسال کردند ظاهراً مصوبه فرهنگستان را نیز در  
 نظر داشتند و در بسندهای خود برای تعبیر اسامی مرکب با  
 اژه‌های بیگانه از ترجمه سر استفاده کرده‌اند، مانند حکومت  
 یلان که بیسناد کرد نامهایی چون فوس محله (از توابع سبگر)  
 ، ساهین ده، آی اولر (توابع گرگ‌آورد) به سمن ده، فره گل  
 گرگ‌آورد) به سیاه استخر، سوباتان (گرگ‌آورد) به تازه ده، آی  
 سجد (طالس) به نره ده... تعبیر کند.<sup>۱۲</sup>

در بسیاری دیگر از بیسندهایی که در این زمینه رسید نیز  
 بوابط مشخصی به حسم نمی‌خورد. مثلاً در فهرست نالسه  
 نصلی که سرگرد رحیمی حاکم نظامی حاه‌نهار ارسال داس،  
 سهاد سده بود که نندر حاه‌نهار به نندر سرمر رهلوی، سرگام به  
 یراناد، سماح به ارج آباد، قدر به افسراناد، نگور به  
 معدی آباد، کج به حافظ آباد و کلات به فریدون آباد. تعبیر  
 بد<sup>۱۳</sup> با بیسندهای مسابه حکومت کرمان که نقاضا کرده بود  
 اردهای از اسامی روستاهای رفسنجان و سهداد، خون قائمیه به  
 حب گاه، عرب آباد به ارحمدگاه، ترکان آباد به فرانه‌آباد،  
 سوبه به سبدرگاه، خالصه به ده‌سها... تعبیر کند.<sup>۱۴</sup>

حناکه از اسناد و مدارك بررسی سده برمی‌آید تب و تاب  
 حسامه<sup>۴۷۹</sup> یکی دو ماه پس طول نکسید. با توجه به فهرست  
 واره‌های نو» فرهنگستان و مصوبات بعدی فرهنگستان در زمینه  
 سیر اسامی حرافسانی که در بحسهای بعدی این بررسی ملاحظه  
 خواهد شد، حسن به نظر می‌رسد که فرهنگستان به دربی وصول  
 فهرستها و به در مراحل بعدی- به اسسای دو مورد احتمالی  
 بدان اشاره خواهد شد- اعدام حسگری بر اساس اس  
 پستها به عمل نآورد. همانگونه که از علل و انگره اصلی  
 سیر حسن بحسامه‌ای آگاهی کامل نداریم، دلیل عدم سگیری و  
 مسر و تبدیل اسامی واصله را از سوی فرهنگستان بر نمی‌دانیم.  
 سحناکه بسیاری از بسندهای دیگری که، در مراحل بعدی،  
 بحسل بسندهای ارسال سده نسین به دفتر ریاست و ررا  
 سده با اصولاً محتاج به تعبیر سحیص داده سده و به فرهنگستان  
 سال سده و یا آنکه تنها مواردی حد از آنها برای آگاهی  
 رنکستان فرساده سده. در این زمینه می‌توان به موارد ذیل اشاره  
 - ایالت کرمان درخواست کرده بود که درب مرار (نام یکی از  
 سهاهای جیرف) به گلشنه تبدیل سده.<sup>۱۵</sup> ریاست و ررا در  
 سح اظهار داس که «... تعبیر آن لزومی ندارد»<sup>۱۶</sup> در همان ایام

نیر ایالت خراسان گزارش کرد که رئیس شهرمانی سری بسنهاد  
 کرده است خون در حز»... حله که مادره‌ای که گرداسه باسد ندارد  
 ... خون محل تولد نادر ساه افسار است، در حز را نادریه  
 بهامند...»<sup>۱۷</sup> ریاست و ررا در این باب بر ناسح داد که «... درگز  
 فارسی و احتیاحی به فید اسم ندارد.»<sup>۱۸</sup> باز هم از ایالت کرمان  
 بسنهاد سده که ناره‌ای از اسامی دهات بم و برماسر تعبیر کند<sup>۱۹</sup>،

#### حاشیه

(۸۵) وزارت عدله به ریاست و ررا، نره<sup>۳۵۷۷۰</sup> ۱۰۲۴/۱۰۲۵، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۸۶) ریاست و ررا به وزارت داخله، نره<sup>۱۲۹۶۵</sup> ۱۰۲۵/۱۱/۱۵، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۸۷) ریاست و ررا به وزارت داخله، بدون شماره، ۱۰۲۹/۱۵/۱۰۳۰۰۱۳  
 (۸۸) گزارشهای وزارت داخله به ریاست و ررا، نره<sup>۴۲۴۴</sup> ۱۵/۱۲/۲۵، ۱۰۲۹/۱۵، ۱۰۳۰۰۱۳

(۸۹) ریاست و ررا به دفتر مخصوص، نره<sup>۶۱</sup> ۱۸/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۹۰) دفتر مخصوص به ریاست و ررا، نره<sup>۳۲۵</sup> ۲۱/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۹۱) ریاست و ررا به فرهنگستان، نره<sup>۱۰۳۵</sup> ۱۰/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۹۲) وزارت داخله به ریاست و ررا، نره<sup>۱۷</sup> ۳/۱۰/۲۰۶۳، ۱۵/۱۲/۲۵، ۱۰۳۰۰۱۳

۱۰۳۰۰۱۳

همانجا

(۹۴) ریاست و ررا به وزارت داخله، نره<sup>۱۵۰۳۱</sup> ۱۲/۱۲/۱۵  
 (۹۵) وزارت داخله صورت اسامی بحسهای از خراسان و ادرمانان را طی نامه  
 نره<sup>۴۶۸۹</sup> ۱۶/۳/۱۰۳۰۰۱۳ و اسامی حوره‌های حلفا و مرید و تیکان به را بر طی نامه  
 نره<sup>۱۲۷۱۰</sup> ۱۵/۱۲/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳ به ریاست و ررا ارسال داس ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۹۶) وزارت معارف، فرهنگستان ایران به ریاست و ررا، نره<sup>۱۰۷</sup> ۲۲/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳

۱۰۳۰۰۱۳

همانجا

(۹۸) وزارت داخله، رنو سب نامه ایالت فارس، شماره<sup>۱۶۱</sup> ۱۰/۱۰/۱۶  
 این فهرست که مسمل بر ۲۷ مرک است و مواردی خون اسامی<sup>۲۴۶</sup> روسا، ۱۵۶  
 سره و طافه از عسائر فارس و اسامی ناره‌ای از کوهها و رودهای منطقه را  
 در بر می‌گرفت در واقع رنو سب بی شم و کاسی از برخی اسامی مندرج در فارسنامه  
 ناصرین بود

۹۹

همانجا

(۱) وزارت داخله، رنو سب نامه حکومت ساهرود، نره<sup>۲۷۴</sup> ۱۹/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۱۰۱) وزارت داخله به ریاست و ررا، نره<sup>۲۵۳۳۲</sup> ۱۷۸۳۱/۲۵، ۱۰۲۵/۵/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۱۰۲) وزارت داخله، رنو سب نامه حکومت گیلان، شماره<sup>۱۳۰۶۸</sup> ۱۶/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳

۱۰۳۰۰۱۳

(۱۰۳) حکومت حاه‌نهار به وزارت داخله، شماره<sup>۱۶۰۳۹</sup> ۱۶/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۱۰۴) وزارت داخله به ریاست و ررا، شماره<sup>۱۲۵۳۶</sup> ۱۱/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۱۰۵) وزارت داخله به ریاست و ررا، شماره<sup>۸۹۸۷/۱۲۶۲۰</sup> ۲۴/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳

۱۰۳۰۰۱۳

(۱۰۶) ریاست و ررا به وزارت داخله، شماره<sup>۲۴۸۵</sup> ۳۱/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۱۰۷) وزارت داخله، رنو سب نامه ایالت خراسان، شماره<sup>۵۵۶۹</sup> ۲۹/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳  
 (۱۰۸) ریاست و ررا به وزارت داخله، شماره<sup>۵۳۳۴</sup> ۷/۱۰/۱۶، ۱۰۳۰۰۱۳

۱۰۳۰۰۱۳

(۱۰۹) بسنهاد سده بود که حواجه عسکر به ده سر نادر، اسفگان به اسفید کهن،  
 قصر به کاج، عامر به به شهر یاری، حب المأوی به کل اور و عیدم العال به ابر حی  
 تعبیر کند

ولی دفتر ریاست وزرا تنها دو مورد از موارد پیشنهاد شده را به فرهنگستان اطلاع داد.<sup>۱۱۱</sup>

کردستان نیز از حمله نفاطی بود که این تغییر و تحولات دامنگیرش شد. در بهمن ۱۳۱۵، یعنی اندکی پس از صدور بحسامه ۴۷۹، حکومت کردستان به وزارت داخله گزارش کرد «به طوری که از پوستجات نازهای و فایع نگاران و محققان اسحا ملاحظه می شود آن قسمت از خاک ایران که فعلاً کردستان ایران نامیده می شود ولایت 'سنه' نام داشته و بعدها اطلاق این اسم به این ولایت با عمداً سایر ملاحظات سیاسی دول بیگانه و بی فیدی و با فحشی دولت ایران در زمانهای سابق به طای فراموشی سرده شده یا بدون این مقدمات همان موقع که دولت به لرسان و غرسسان و غره ها به مناسب اسمای طوائف مقیم اسحا اسم می داد به ولایت 'سنه' هم اسم کردستان داده» و پس از این مقدمات پیشنهاد کرد که کردستان به سنه و سیدج هم به سنه در تبدیل شود.<sup>۱۱۲</sup>

دفتر ریاست وزرا و ریاست این نامه را برای اظهار نظر به دفتر مخصوص ارسال داشت.<sup>۱۱۳</sup> دفتر مخصوص پاسخ داد که «... تغییر اسم کردستان و سیدج به سرحی که مرقوم داشته اند مناسب به نظر می آید، مطلب را به فرهنگستان مراجعه نمایید، مورد مطالعه قرار ندهد».<sup>۱۱۴</sup> دفتر ریاست وزرا بر ضمن گزارش نامه ای از پیشنهاد حکومت کردستان و توصیه دفتر مخصوص به فرهنگستان خود بر توضیحی به قرار دیل بر آن افزود: «صمناً اشعار می شود که قطع نظر از گزارش حکومت کردستان آنچه به نظر می رسد ولایت کردستان سابقاً به اسم اردلان در کتب تواریخ... نامیده شده و سیدج هم محقق کلمه سابقان در است... علی ای حال مطالعاتی که در این قسمت لازم است فرموده و تصمیمی را که اتحاد خواهد نمود و نتیجه را اعلام دارید».<sup>۱۱۵</sup>

فرهنگستان این موضوع را در جلسه ۷۳ خود مورد مذاکره قرار داده و تبدیل کردستان به اردلان و سیدج به سنه را تصویب کرد.<sup>۱۱۶</sup> و مراتب تغییر و تبدیل مربوط به دفتر مخصوص اطلاع داده شد.<sup>۱۱۷</sup> ولی این بار بر خلاف معمول دفتر مخصوص بود که به سادگی زیر بار نرفت و حواسبار تحقیق و بررسی بیسر شد بویژه آنکه نام اردلان و اسحا از برای آن دفتر هم بارگی داشت «حسب الامر» از ریاست وزرا «... استعلام می شود که کلمه اردلان از اسامی قدیمی فارسی و نام محل است با طایفه؟ اگر اسم محل بوده آیا مکان مربوط فعلاً جزو کردستان ایران یا خارج از آن منطقه است؟ فدغن فرماید با دقت ستر این موضوع را مطالعه نموده با ذکر اسناد تاریخی مجدداً مطلب را به عرض برساند که تکلیف معین گردد».<sup>۱۱۸</sup>

باسح فرهنگستان فاقد صراحح لازم بود و حسن به نظر

می رسد که کفه انباء نام کردستان بر کفه دگرگون ساحس سنگینی می کرد؛ بر اساس تحقیق و بررسی فرهنگستان ط... اردلان از ناصدسال پس در این ولایت بوده و سرحی از افراد سرحی مدعی حکمران آن بوده اند و «سایر مدرحات کناخ سرحان ملکولم و لرد کردن و فسه های که خارجان برای این سظم کرده اند در صد سال قبل ولایت فعلی کردستان به نام ولایت اردلان موسوم بوده است» ولایت اردلان هم بر اساس فسه های کتب مربوط به کردستان فعلی ایران تطبیق دارد مع هذا این سرحی تصریح شده بود که «در کتابهای قدیم با حال حر کله کردستان اسمی برای آن ولایات به نظر بر سیده است» با این حال «هر چند حسین سسنادی از وظائف فرهنگستان خارج است فقط من باب تذکر معروض می گردد» که در صورتی که کله اردلان تصویب شود می توان ولایت کردستان را بر دو بخش کر بخش شمالی صمناً آذربایجان و بخش جنوبی صمناً کرماساهاان سود و یا آنکه «حون نام قدیم این قسمت ها (معرب مرکر ایران) ماد بوده و بعد از اسلام مادر اماه می گفته اند مثلاً نصره و ماه کوفه و ماه بهاوند... می توان لفظی از این کلمه استفا نمود مثل ماهستان یا ماهگان یا ماهیان».<sup>۱۱۹</sup>

با آنکه به دلیل حرک گسرده ای که برای بعضی اسام حرافایی آغاز شده بود و همچنین مقدمانی که برای تهیه فابو حدید بقسمات کسوری (مصوب آبان ۱۳۱۶) در دست تهیه بود تمام سراط برای تغییر نام کردستان فراهم به نظر می آمد و مکاتبات مربوط ادامه بیافت و در این زمینه اقدامی شد نام انال تغییر بیافت، ولی اسامی نازهای از آبادیهای آن (بویژه در مط سفر) دگرگون شد. در سرح ۱۳۱۶ حکومت کردستان به وزارت داخله اطلاع داد «... که اسامی اغلب دهات کردستان، کرد است... و در صورت لزوم فهرستی از آنها برای تغییر ارسال شود».<sup>۱۲۰</sup> اگرچه فهرستی از اسامی کردی آبادیهای اسحا فاد شد ولی در همان ایام ۴۴ نام از اسامی کردستان (که غالباً بر مآند) دگرگون شد.<sup>۱۲۱</sup> این تغییر و تبدیل به انضمام نام ۱۰ آباد از آبادیهای گرگان که در همان ایام دگرگون شدند، یکی آحرس و معدود موارد از سنه دگرگونیهای دسته جمعی و کلی است که فرهنگستان تصویب کرد در این دو مورد سرحی تا اصول سسنادی فرهنگستان مبسی بر ترجمه احزای سرحی کلمات مورد نظر بود.

طولی نکشد که روال طبیعی اقدامات فرهنگستان در تغییر اسامی حرافایی از سرح گرفته شد. در آبان ۱۳۱۶ فرهنگستان بر حسب سسناد وزارت طرق بر تعدادی ایستگاههای راه آهن نام نهاد.<sup>۱۲۲</sup> ولی پس از حدی فرهنگستان متذکر شد که «... دیده می شود بعضی از آن نامها را محسنه

ایستگاه دانسته و برای سهر یا آبادی که ایستگاه در آن واقع شده  
 «سار نمی برید...» و تقاضا کرد که این نامها هم به استگاههای  
 «سور و هم به سهرها و آبادیهایی که در آنها واقع شده اند اطلاق  
 شود»<sup>۱۲۲</sup>

وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی سرگام به گام سبادهایی در  
 سبده عصر اسامی جغرافیایی عنوان می کردند که غالباً به تصویب  
 می رسید. در آبان ۱۳۱۶ سرکت نفت انگلستان و ایران از طریق  
 وزارت مالیه بیهیاد کرد که گنج فره گلی به گنجساران تبدیل شود و  
 این بیهیاد موافقت شد.<sup>۱۲۳</sup> حندی بعد سر بعضی اندکی پس از  
 سرکت سیخ حرعل (خرداد ۱۳۱۵) بر اساس سبادهای وزارت  
 جنگ و مالیه اسامی حرعل آباد به حسر و آباد و حرعله به حرم  
 نوسک تبدیل شد.<sup>۱۲۴</sup>

با این حال هنوز هم برخی از اسامی جغرافیایی بدون نظر  
 فرهنگستان تعییر می یافت؛ در آذر ۱۳۱۵ ریاست وررا به وزارت  
 معارف اطلاع داد که «... فذعن فرماند کلمه طبات را به نای باد  
 به لغت صحیح آن است تبدیل و به دوا بر مریوطه آن وزارتخانه  
 اطلاع نمایند.»<sup>۱۲۵</sup> و با تبدیل نام مسهدسر به نالسر که دستور  
 تبدیل آن «حسب الامر» از دفتر مخصوص به ریاست وررا صادر  
 شد<sup>۱۲۶</sup> وزارت جنگ نیز به ریاست وررا اطلاع داد که  
 «حسب الامر» نام گه واقع در مکران به نیک سهر تبدیل  
 برنده... است»<sup>۱۲۷</sup>

\*

فرهنگستان با نایان ۱۳۱۹، یعنی تا چند ماهی پس از نایان دوره  
 بل فعالیتها پس، حدود ۱۰۷ نام جغرافیایی را به تصویب رساند  
 این بخش از اقدامات فرهنگستان را می توان از دو لحاظ بررسی  
 کرد یکی خط ممسی آن در زمینه تعییر اسامی حدید، و دیگری  
 به نسی با ناکامی آن در تحقق مصوبات و حواسه هایس

همانگونه که در بررسی مراحل پس از تشکیل فرهنگستان  
 ما حظه شد، در سالهای نخست سبب قدرت رجاساه امیره ای از  
 «بل و انگیره های گوناگون در کار تبدیل و تعییر اسامی  
 جغرافیایی دحالت داسه است؛ انگیره های حور حواس  
 «بل به ناره ای از مساهیر روزگار، مانند تقاضای تبدیل نام  
 «نار به حمالیه» خودسرییی مقامات نظامی حور موارد تعییر  
 زلی و سلماس و ارومیه» و سر نوعی احساس بحواهی و  
 «... بی همانند مسائلی که در ناره تعییر نام فمسه و حمس مطرح  
 شد»<sup>۱۲۸</sup> تقاضای تعییر ناره ای اسامی که بنا به دانفده و سلبقه آن  
 «... «سک» و «امروزی» به نظر نمی آمدند

... به تدریج- حبانکه نسانه هایی از این بحول در ماحرات  
 «... ساسی ناره ای از آبادیهایی اطراف ماکو در ۱۳۰۸ ملاحظه  
 شد- پس عامل ملاحظات «ملی» اهمیت حسه گیری می باشد»<sup>۱۲۹</sup>

نحوی که پس از تشکیل فرهنگستان این امر تحت عنوان «تبدیل  
 اسامی سگاه اماکی ایرانی به لغت فارسی» تا مدتی به خط ممسی  
 اصلی فرهنگستان در تغییر و تبدیل اسامی جغرافیایی مبدل  
 می شود. احتمالاً بحارب سیاسی فروعی و ونوی الدوله، رؤسای

#### حاتیه

(۱۱۰) حب العاوی و عذیم العال، ریاست وررا به فرهنگستان، نمره ۶۶۶۸،  
 ۱۶۵۷ سبهاد دیگر ایالت کرمان ممسی بر تعییر اسامی برخی از روستاهای  
 فسحان و سبهاد که فلا ندایها اساره شده بود بررد گردید. ریاست وررا به وزارت  
 داخله، شماره ۷۱۲۹، ۱۶۵۲، ۱۳۰۱۳

(۱۱۱) وزارت داخله، حکومت کردستان به ریاست وررا، شماره ۸۲۸۲،  
 ۱۱۹، ۱۱۵، ۱۳، ۱۳

(۱۱۲) ریاست وررا به دفتر مخصوص شماره ۱۴۴۷۴، ۱۵، ۱۲، ۱۹،  
 ۱۳، ۱۳

(۱۱۳) دفتر مخصوص به ریاست وررا، شماره ۹۱۵۲، ۱۵، ۱۲، ۲۲،  
 ۱۳، ۱۳

(۱۱۴) ریاست وررا به فرهنگستان، شماره ۱۵۷۳۵، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۳

(۱۱۵) فرهنگستان به ریاست وررا، شماره ۵۳، ۱۶، ۱۳، ۱۳، ۱۳

(۱۱۶) ریاست وررا به دفتر مخصوص، شماره ۱۴۹۱، ۱۶، ۱۲، ۱۳، ۱۳

(۱۱۷) دفتر مخصوص به ریاست وررا، شماره ۷۹۴، ۱۶، ۱۲، ۱۳، ۱۳

ریاست وررا بر مفاد این نامه را به فرهنگستان اطلاع کرد ریاست وررا به  
 فرهنگستان، شماره ۱۸۸۵، ۱۶، ۱۳، ۱۳، ۱۳

(۱۱۸) فرهنگستان به دفتر مخصوص، شماره ۱۰۴، ۱۶، ۱۳، ۱۳، ۱۳

(۱۱۹) وزارت داخله (روبوست نامه حکومت کردستان) به ریاست وررا، شماره  
 ۱۸۵۴، ۱۶، ۱۳، ۱۳، ۱۳

(۱۲۰) تقوی سنامه این اسامی ملاحظه شد ولی بر اساس بررسی کتابهای

«وارداتی نو» (از اسبابات فرهنگستان) عبارتند از حسن آباد فاسی به آباد

نوسک، ایلو به الا، انجی به اسه، ناسماق به ناسه، نایگلو به نایگی، ایاع حی به

نادر، ابوالعموم به نا سا، عرب سنگ به نلک در، نیکانلو (یا نیکانلو) به نیکان،

حاجرلو به حاجر، الله نار (یا اله نار) به حدانار، آطون تلیا به رزیه بالا، الطون

سفلی به رزیه ناس، قطانچی به سرده، کره سی به سرکوه، ناس بولاق به

سر حسیسه، ای به به سفید به، سلیمان تندی به سلیمان کید، سماق لو به سماق ده،

فردمان به سیاه دست، فره کل به سیاه کل، فره بعده به سیاه گندم، فره ناو به سیاه ناو،

عرب اوخلو به فرح راد، فله بولای به فله حسمه، فره حمس به سیاه حمس، فره عانه

به سیاه ناه، فاحسان به کامار، فویلو به شودان، فله حقه به کلا حک، فیلون به

کلانده، ده فلا لو به نولان، فو حی به نوحک، فلان به گل حیران،

فوزلو علیا به دل راز بالا، فوزلو سفلی به گل راز پایین، کلس به کلس، ظاهر بو عدا

به گندمان، مامی علیا به مامک بالا مامی سفلی به مامک پایین، ساو حلا ع به مهاناد،

فامسله به سستان بورعل به نارتل

(۱۲۱) فرهنگستان به ریاست وررا، شماره ۲۹۷، ۱۸، ۱۶، ۱۳، ۱۳

(۱۲۲) به اسبابات استگاههای نریدک و ناع نیک که «آبادیهایی نریدک به آنها به

نامهای خود یعنی، حیم اماده، فاضی آباد باقی حواهد ماند» بر این نام این ده ایستگاه

از آبادیهایی دیگر نیز شرفه شده بود که اندکی دورتر از ده آبادی فوق الذکر واقع شده

بود. فرهنگستان به ریاست وررا، شماره ۳۱۱، ۱۴، ۱۶، ۱۳، ۱۳

(۱۲۳) فرهنگستان به حسب ورری، شماره ۲۷۷۷، ۱۶، ۱۳، ۱۳

(۱۲۴) فرهنگستان به حسب ورری، شماره ۳۹۱، ۱۶، ۱۲، ۱۳، ۱۳

(۱۲۵) ریاست وررا، به وزارت معارف، شماره ۱۱۲۴۲، ۱۵، ۱۲، ۱۳

(۱۲۶) دفتر مخصوص به ریاست وررا، شماره ۸۳۸۶، ۱۵، ۱۱، ۱۳

(۱۲۷) وزارت جنگ اداره غیر نظامی به ریاست وررا، شماره ۳۲۵۱۷/۱۱۷۵،  
 ۲۳، ۱۸، ۱۳، ۱۳

اولیه فرهنگستان (۱۳۱۴ تا ۱۳۱۷)، و بویژه فروغی که برای مدتی امر تسویه اختلافهای مرزی ایران و ترکیه را برعهده داشت، در این تأکید و توجه خاص مؤثر بوده است.

پیش ازیمی از نامهایی که به تصویب فرهنگستان رسید، یعنی حدود ۶۵ نام از مجموع ۱۰۷ نام جغرافیایی به اسامی آبادیهایی در امداد مرزهای عربی ایران، از حوزسان گرفته تا ماکو، اختصاص دارد چرا که این امر اهمیت سیاسی سایان توجهی داشت. مرزهای غربی کشور اردر بار صحنه کشمکش و اختلاف ایران و عثمانی بود این اختلافها حنا ریسهدار بود که حتی س از فروبایی امرا توری عثمانی در نایان جنگ جهانی اول، دولتهای جدید جمهوری ترکیه و پادشاهی عراق که در منطقه تشکیل سدید ناره ای از آن مسائل را با رنگهای ناسیونالیستی «نان ترکبسم» و «نان عربسم» به ارب بردند

این مسائل در روابط خارجی و سیاسهای داخلی ایران در فاصله جنگهای اول تا دوم جهانی نفس مهمی داشت. در این ایام دولت سعی داشت سایر سسحیص و مصلحت خود ر مییه مناسبی را جهت تحکیم وحدت ملی و تنبیت تمامیت ارضی کشور فراهم سارد. روسی که فرهنگستان به طور کلی، و بالأخص در مورد تعسر و تبدیل اسامی جغرافیایی در بیس گرفت، بر همین اساس و انگیزه بود. فرار و سیبهای تاریخی ایران در ربهای احیر و بویژه تحولات مرزهای عربی کشور درستی و بها بودن حسن حساسیت و توجهی را آسکار ساخته و می سارد. ولی طرح این پرسش نیز ضروری است که آیا سوه ای که حکومت رضاساه در این زمینه در بیس گرفت و بداسری که برای تحکیم وحدت ملی و تنبیت تمامیت ارضی کشور اتخاذ کرد، صحیح و کارساز بوده است یا خیر؟ واقعیت آن است که اینگونه اقدامات هماسد ناره ای از دیگر اقدامات عصر بهلوی به نوعی راه حل ظاهر فریب بیسنر شباهت دارد تا اقدامی اساسی

اصولاً اسامی سهرها و آبادیها سناه هویب تاریخی هر کشور یا منطقه ای به سمار می روید و از این روی ساسسته ناسداری و نگهداری اند. اگر نام ده یا روسایی ترکی یا عربی است، این امر بیانگر بخشی از تاریخ سیاسی و فرهنگی آن است علاوه بعسر و تبدیل آن نه تنها بر واقعیهایی حون سخن گفتن بسیاری از ایرانیان این مناطق به ترکی یا عربی و لهذا مساعد بودن ر مییه فعالیت حریانه های سیاسی و فرهنگی رفیب تأییر ندارد، بلکه ساید بتوان گفت اینگونه دلحوسیها نوعی حسم فروبستن بر واقعیت نیز باسد. نیل به وحدت ملی و تنبیت تمامیت ارضی، حرا با درك و سماخت واقعیت موجود و نسانه های آن و اقدام در جهت رسد و توسعه بیوندهای اداری و اقتصادی و فرهنگی کشور مسر نمی باسد و راه میان بر هم برای تحقق این اهداف وجود ندارد.

میزان کارسار بودن اس بحس از اقدامات فرهنگستان را می با ارزیابی میزان تأییر و تحقق حواسته ها و مصوباتس در این رم ساهده کرد.

در مورد آنکه آیا اصولاً عامه مردم و بویژه اهالی مناطق مو بحب از این تغییرات مطلع سدید و احسانا آن را بدیرفته و نه ر برده ناسد نمی توان نظر دهقی ارائه داد، ولی حناکه از بررس بوسته های رسمی و مسیدی حون / اسامی دهات کسور (۱۳۲۹) فرهنگ جغرافیایی ایران (۱۳۳۰) برمی آند، نا گدسب رمان ح دوانر دولتی هم غالب این تعسر و تبدلها را جدی نگرفسد حه ر، به مردم. با این حال وضع در مناطق مختلف یکسان نبود. به عوا مثال می توان به دو مورد دسب گرگان و کردستان اساره کر در حالی که در دسب گرگان به علت حضور بالنسبه گسترده تسکیلات اداری و توسعه روابط فرهنگی و اقتصادی اکثر فر به اتفاق ۱۰ مورد بعیر اسامی جغرافیای مصوب فرهنگستان ان منطقه، لافل از لحاظ رسمی، کاربرد یاف و در مراد فوق الذکر نام دگرگون سده آنها بب سده است، ولی کردستان حنین تعسر و تحولی رح بداد و کاربرد اسامی دگرگو سده از حول و حوس حد نفسه و گراس نظامی فراتر رفب. اسامی مرور در آخر به همان نام قدیمی خود بر حای مار در حالی که در اسامی دهات کسور فقط حدود بیمی از ۴۴ مو اسامی تعسر ناهه کردستان به صورت جدیدسان (و آن هم ناد اسامی فلی) بب سده است در فرهنگ جغرافیایی ایران حندی بعد مسر سد اکثر فریب به اتفاق این اسامی به صورت قدیمی و اصلسان و از میان ۴۴ اسم تنها ۵ مورد به صورت جدیدسان بب سده است

ساید نتوان در مجموع اقدامات فرهنگستان را در ر مییه بعیر بدیل اسامی جغرافیایی موقسب امیر توصیف کرد ولی در ا نکته سر تردید بیسب که نا توجه به آنکه متأسفانه این گونه تعس تبدلها حزه اجتناب نایدیر فراز و سسبهای تاریخی به نظر می ا و اگر هم به حال خود رها سوبد حاصلی جر هر ج و مرج موضو نخواهند داسب، تعیین مرجعی دی صلاح حون فرهنگستان بر رسیدگی به این موضوع ضرورت تام داسب عملکرد ا فرهنگستان نیز در این رمسه لافل از لحاظ حا افتادن و کار واره ها و اسامی بو، حون با تأمل و تأنی بیستری توأم بود، ب ارمصوبات بر دامنه سالهای بعد موقی بوده است. ولی در مراد بعدی، که با کنارگری ناره ای از صاحبظران ودانسمندان ک از کار فرهنگستان و عدم امکان هر گونه بحب و انتقاد بیرا ارمصوبات آن توأم سد، سیر نزولی فرهنگستان و بنگانگی فر آن ارمس اصلی فرهنگ و ادب ایران آغاز گسب.



## مشکلات محققان در استفاده از اسناد آرشیوی ایران

محید تفرشی

می‌سد. تنها در بخشی از دوره سلطنت صفویان در ایران، برخی از اسناد روابط خارجی نسبتاً محفوظ مانده و به روزگار ما رسیده است. از اوایل حکومت قاجاریه به دلایلی چون رونق محدود روابط با جهان و بیست و آرامش نسبی اوضاع داخلی و برخورد با فرهنگ اروپایی، توجه به مراسلات رسمی شروع شد و وزارت امور خارجه مدارك خود را نگهداری می‌کرد. در دوره ناصری این توجه بیشتر شد و به دلیل علاقه شخصی شاه به حفظ یادداشتهای اسناد مملکتی، يك اتاق آرسو در دربار ایجاد شد که به منابه مایگانی بود و فعالیت آرسوئی دیگری نداشت.

پس از استقرار حکومت مسروطه در ایران و مسکمل دواير دولتی به سبک جدید، هر اداره دولتی از يك مایگانی مخصوص بهره‌مند بود و سیستم حفظ و طبقه‌بندی اسناد به شکل ابتدایی به احراز درآمد این وضع با اندك تعبیراتی که به مقتضای گذشت زمان ایجاد می‌شد تا سال ۱۳۰۴ و سقوط سلطنت قاجار ادامه داشت. در دوران سلطنت و اهدار رضاشاه وضع اسناد عادی دولتی تا حدی شکل سابق خویش را حفظ کرد، ولی در مسائل مهم امنیتی، سیاسی و نظامی، به دستور شاه، مطالب و گزارشهای محرمانه نابود یا در دفتر مخصوص وی نگهداری می‌گشت و از ارسال محدود آنها به دواير مربوطه خودداری می‌شد. این امر موجب آن شده که اسناد بسیار مهمی از این دوره تاکنون از دسترس پژوهشگران به دور بماند.

در سالهای پس از ۱۳۲۰ به دلیل رسد کمی و تعبیرات کمی نظام دیوان‌سالاری، مانگاسهای اسناد سکلی نسبتاً مرتب‌تر یافت، ولی اسناد همجان تنها جهت مراجعات اداری جاری طبقه‌بندی می‌شد. از اوایل دهه ۱۳۴۰ فکر تأسیس آرسو ملی در ایران قوت گرفت. شورای عالی اداری کشور در شهریور ۱۳۴۴ طی گزارش مفصلی لزوم و اهمیت آرسو ملی ایران را به نظر مسؤولان وقت رساند و سرانجام در سال ۱۳۴۸ آرسو ملی تحت عنوان «سارمان اسناد ملی ایران» تأسیس شد.

بر اساس فواید سارمان مربوطه کلبه اسناد دولتی چهار مرحله را از سر می‌گذراند. (۱) بهیه؛ (۲) حران؛ (۳) رکود؛ (۴) امحا و یا نگهداری دائم کلبه اسناد دولتی می‌باید در مرحله چهارم زمانی به سارمان اسناد منتقل شوند و هدف سارمان بیه حفظ، طبقه‌بندی و ارائه اسناد به علاقه‌مندان است.

آمار طی ۲۲ سالی که از تأسیس آرسو ملی می‌گذرد، سارمان اسناد همور امکان انتقال کلبه اسناد دولتی را کدرانه دست ناورده و بسیاری از این اسناد در بیاسگانی ادارات محفوظ و همجان از دسترسی پژوهشگران به دور مانده است. گذشته از سارمان اسناد ملی، مؤسسات دیگری نیز رأساً به آرسو کردن اسناد خویش مسعول شده‌اند که از میان آنها

موزن و نگارس تاریخ، بدون داشتن اندسه‌ای مسجم و روس علمی و بزم منابع و مدارك دق و موبی ممکن نیست با اندك بخشی در سیر تاریخ نگاری در ایران فرو حدید (ار قاجاریه به بعد) می‌توان دریافت که اکثر آثار نویسندگان ایرانی در این موضوع، در سطحی پایین بر از کتب مسانه اروپایی و امریکایی است. این مسئله از نداسن روس و در دسترس بودن منابع باسی می‌سود.

مواد نخستینی که در نگارس تاریخ به کار می‌رود، اسناد، کتب، سرباب، عکسها و نظایر آنها هستند. صحبت از کم و کیف تعائبات کتابخانه‌ها در ایران از موضوع بحث ما خارج است و تنها مسئله آرسیوها و مراکز اسناد است که مورد بحث قرار خواهد گرفت.

در ایران تا قبل از سلطنت قاجار، آرسو اسناد به شکل رایج و مستتر وجود نداشت. گاه اسناد مهم شخصی یا دولتی به منظوری خاص حفظ می‌شد ولی پس از مدتی از بین می‌رفت و یا فراموس

کرده‌اند. در نتیجه برخی اسناد در ذیل عناوین پیشنهادی مختلف فهرست می‌شدند و در مقابل برخی دیگر قابل طبقه‌بندی در هیچ یک از عناوین فرعی نبودند (حون موضوعات جدیدی در اسناد جدید مطرح می‌شد که این امر غالباً در سیستم بایگانی سه‌بش‌بینی سده‌ها بود و اساساً این قبیل مؤسسات احتمالاً نمی‌داده‌اند که این اوراق مزاحم‌روزی مدارک مهمی جهت روسد شدن گوسه‌هایی از تاریخ تلقی خواهند شد).

○ دومین مشکل مراکز اسناد در ارائه مدارک خویش، بروهسگران، احالۀ عرضه اسناد به رمان فهرست و کاتالوگ شد. دویی آهاسب که در برخی موارد نوعی تعلیق به محال تلقی می‌شود، زیرا فهرست‌برداری از اسناد برخی ادارات هو شروع نشده و شاید هیچ‌گاه نیز به انجام نرسد. در عین حال مؤسساتی از قبیل سازمان اسناد ملی و وزارت امور خارجه که مسغول فهرست‌برداری و کاتالوگ کردن اسناد خود هستند، توجه به امکانات و تجهیزات آرسویی محدودسان و در مقاسه حجم انبوه اسناد فهرست شده، بسیار کند عمل می‌کند و امکان استفاده از برخی اسناد فهرست شده آنان اگرچه محال نیست ولی سهل الوصول نبوده نظر نمی‌آید هر چند به دلیل نارسا بودن فهرست برخی از اسناد آماده بهره‌برداری، دسرسی سب، محقق به این سری از مدارک سرحدان راحت نیست.

○ سومین دلیل مؤسسات آرسوی در ارائه نکردن اسناد، محققان، موکول کردن این امر به انتشار اسناد به صورت کتاب سویی همان مؤسسه می‌باشد. بی‌گمان هیچ مؤسسه آرسوی جهان امکان جاب همه اسناد مهم حوس را نداسه است و جاب همه مدارک آرسوی به ممکن است، نه لارم و نه حر، وظانۀ اصلی آرسوهاست در سرح و وظائف هیچ مؤسسه آرسوی اسناد بر ارائه اسناد به محققان مقدم سمرده شده است نه بنا دیگر هر مرکز اسناد اول می‌بایست کلبۀ مدارک قابل بهره‌بردار حوس را در احتیار علاقه‌مندان فرار دهد و سپس در صورت امکان برگزیده‌ای از موضوعات مهم را میسر سارد نگذرد. این که برخی مؤسسات وظیفۀ خود می‌داند که حتی سب حاه هم میسر نکند بلکه براساس اسنادی که در احتیار هیچ فرد بحر خودسان نیست بازح نویسد و منتشر کند حوسمره بر که برخی از آنها گاهی در جهت محکم کاری، در این گونه انار، بانوس صفحات به مجموعه‌هایی از اسناد ارجاع می‌دهند هیچ کس امکان بررسی بودن و نبودن با صحت و سقم مطالبی را که آنها سب داده شده ندارد و لابد برای سوزاندن دل بروهسگر که دسسان از این منابع کوتاه است بدانها اشاره می‌سب. بانرا این ارائه اسناد اولس وظیفۀ طبعی هر آرسو سب طبقه‌بندی است و انتشار اسناد هر گر نمی‌بایست بهانه‌ای بر

می‌توان به آرسوهای اسناد بانك مرکزی، بانك ملی، سازمان برنامه، وزارت نفت، وزارت امور خارجه، وزارت کسور (بخشهای منتقل نشده به سازمان اسناد)، مجلس، بخش وریری (بخشهای منتقل نشده به سازمان اسناد و دیگر آرسوها)، وزارت ارساد، علوم، آموزش و پرورس (بخشهای منتقل نشده به سازمان اسناد)، فرهنگ و هنر، وزارت جنگ، فرمانداریهای نظامی و ساواک، ستاد مشترک، سهربانی و دربار اشاره کرد.

پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، مراکز اسناد دیگری نیز به آرسوهای فوق افزوده شد که از میان آنها می‌توان به مرکز اسناد انقلاب اسلامی (اسناد ساواک)، مؤسسه بروهس و مطالعات فرهنگی (اسناد مصادره شده از حابواده‌های حکومتمگر و...)، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی (اسناد خریداری شده و برخی اسناد دولتی)، مرکز مدارک انقلاب اسلامی (اسناد مراکز فرهنگی و برخی اسناد دولتی)، سازمان میراث فرهنگی (اسناد موجود در کاحهای گلستان، سعداباد، ناوران و...) اشاره کرد. هر يك از مؤسسات مذکور درواقع وارث بخشهایی از اسناد دولتی و خصوصی شدند و مراکز اسنادی بر بر این اساس تأسیس کردند بسیاری از مراکزی که در بالا ذکر شدند باری به بار کردن کامل آرسوهاسان به روی محققان نمی‌دیده‌اند با لافل محققان در کار استفاده از اسناد آنها با مشکل مواجه بوده‌اند. این امر دلایل مختلفی داسه است که به برخی از آنها اشاره حواهم کرد.

○ نخستین مشکلی که آرسوها جهت ارائه اسناد خود با آن مواجه هستند، نداسن سیستم آرسوی علمی و سهل الوصول است که به این دلیل گاهی به سبها محققان بلکه خود مسؤولان آرسوها بر ار سباحب دویی موجودی حوس عاخرید. این امر معمولاً حند علت دارد اولاً ناگانی را که اکثر ادارات انار کاعده‌های را که و مراحمی تلقی می‌شد که صرفاً به جهت دفع سب آنها به دست کارمندان حاظی و معضوبی سمرده می‌شد که معمولاً بدترین کارمندان هر اداره محسوب می‌شدند و ان قسمت درواقع تبعیدگاه اداری آنان بود و لذا کوسسی در جهت تربیت و نظم مدارک موجود صورت نمی‌گرفت. بانا اکثر ادارات با مدبها از دسرسی به سیوه‌های علمی و جدید قابل اسناد عبحراحی بی بهره بوده‌اند و براساس سیوه‌های سبی حوس عمل

نباشد که چه می‌خواهد بگوید یا چه موضعی اتخاذ کند. حال اگر موضوع تحقیق مثلاً زمین‌داری در دورهٔ سلاجقه بود حساسیت هیچ‌کس علیه او برانگیخته نمی‌شد.

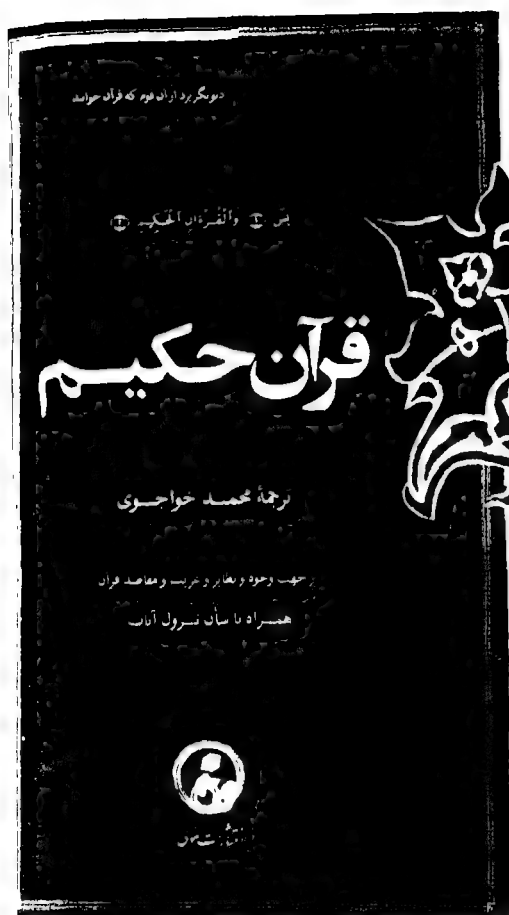
○ سسمین مشکل در ارائهٔ اسناد به پژوهشگران، علاقهٔ برخی از مسؤولان و همکاران آرسوها به عدم استفاده از اسناد است که این مسئله گاه به دلیل استنای آنان به بررسی شخصی در آن اسناد صورت می‌گیرد و گاه به تصور این که استفاده از یک سند در یک تحقیق و یا حتی حالت مت‌کامل آن باعث لطمه خوردن به اعتبار و ارزش اسناد مؤسسات می‌شود حال آن که بر اساس یک مجموعهٔ سند می‌توان دهها مقاله و رساله تهیه کرد و آن اسناد کماکان اصالت و اهمیت خود را حفظ کند و بملک آن برار مؤسسهٔ مذکور سلب شود. زیرا هر محقی بر اساس سس خاص خود بر داسب خاصی از رویدادها دارد و لذا نتیجه‌های متفاوتی از بررسی اسناد یکسان گرفته می‌شود. نا توجه به این مسائل مسؤولان آرسوهای اسناد در ایران اکراً بر حجت می‌دهند که با يك «نه» گفتن خیال خود را راحت کند و همچنان به اسار کردن بی‌مصرف و به مرور به نابودی اسناد تاریخی ادامه دهند.

موارد فوق نمونه‌هایی از مشکلات محققان در استفاده از آرسوهای دولتی بود ولی این موارد به معنای دست‌کم گرفتن کار سستاً بررگی که در رسمهٔ حفظ و در احسار نهادن اسناد صورت گرفته سست مؤسساتی از فیل سارمان اسناد ملی بیار به حمایت بسری دارند هر چند امکانات و بودجهٔ این سارمان از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۰ هسب برابر سده ولی این مقدار برای رفع مشکلات و احرای وظائف خطر این فیل مراکز و کم کردن فاصلهٔ زیادی که هور با مؤسسات مسانه جهان داریم هرگز کافی سست. ارائهٔ اسناد بر اساس فهرسهای دفعی به وسيلهٔ بلفاکس به پژوهشگران سهرسانی و خارج از کشور، اتحاد آرسوهای محلی در سهرستانها، افراس سروی متحصص در جهت هماهنگی حجم فرایندهٔ تولد سند با ارائهٔ آن، جلب اطمینان جابواده‌ها برای اهدا یا فروش اسناد شخصی و با تهیهٔ فهرسب این فیل اسناد، بهبه و احرای طرح تاریخ سفاهی و مضاحبه با معمرس، خرید سحبه‌هایی از اسناد مربوط به ایران از آرسوهای معمر جهانی و خرید فهرسهای آنها و بهاساً فراهم آوردن اسناد قدیمی و سریع استفاده از آن برای ارفقای کیفی و کمی تاریخ‌نوسی در ایران، از مهمربین وظائف آرسوهای ایران به شمار می‌رود.

بر سه بکردن آنها گردد.

○ چهارمین مشکل مراکز آرسویی اساره به میان کسیدن مصالح مملکتی و حساسیتهای امنیتی، ساسی و نظامی است این سیکال که به نوعی در همهٔ دوایر وجود دارد، بسسر در ورارب خارج، ورارب کشور، ورارب اطلاعات، ورارب جنگ و ... ساهده می‌گردد. علت برور این معضل رواج بداستن فواسن رسوی یکسان در سراسر کشور است در اغلب کشورهای جهان بیس از ۹۰ درصد اسناد سس از سی با سجاه سال (بنا به بانون هر کشور) قابل استفادهٔ عمومی است و در مورد اسناد عدودی که سس از موعد مقرر آزاد نمی‌شوند ادارات اسناد باید لیل محکمه بسندی ارائه دهند و در بسجستن زمان ممکن آنها را بر ارائه کنند. حتی در برخی از کشورها افراد محقی حق سکایب ز آرسوهای مربوطه را در مورد اراد بسدن اسنادی که زمان ارائهٔ آنها فرا رسیده دارند و مسؤولان هر قسمت می‌بایست در سورت طرح سکایب، به دفاع از اقدام خود سزدازند و دادگاه را تابع کند و با اسناد را در احسار فرار دهند در ایران حد زمانی ب فف اسناد در مورد سارمان اسناد ملی چهل سال سس از تاریخ فر برورده (و ۳۰ سال در مورد اسناد ورارب خارج) است در کار بر افری که این فیل مشکلات را مطرح می‌کند، معمولاً هیچ فاعده و ضابطهٔ کلی برای تسحص مصالح مملکتی وجود ندارد از نظر برخی مسئلهٔ جنگهای ایران و روس هور هم مسئله‌ای سست که بررسی اسناد آن به مصالح مملکتی نظمه می‌رند و در نظر بکری جنگ ایران و عراق يك مسئلهٔ صرفاً تاریخی است که - بخر آثار و عوارض ساسی ندارد.

○ سحمن مسئله‌ای که در استفاده از اسناد آرسوی وجود دارد، بر خورد مالکانه برخی از مسؤولان با اسناد تاریخی است و بد بر اساس معیارهای کاملاً سحصبی با مدارك را در احتسار فرار سی‌دهند و یا به عنوان يك اسماز محصوص (و نه حق عمومی) به - حی کمک می‌کند و حق هیچ‌گونه اعراضی بر وجود ندارد - سه از این، برخی موضوعات فی نفسه حساسست برانگیز است بر کسی راجع به مسابلی حون مسابیل مرری، فراماسونری، سسور، مرراملکم‌جان، احزاب سیاسی، ارس و ... تحقیق کند، خورد خود در دهی برخی اتحاد سبه می‌کند و ساند اصلاً مهم



## ترجمه جدیدی از قرآن کریم

بهاء الدین حرمناهی

قرآن حکیم. ترجمه محمد خواجوی (از جهت وجوه و نظائر و غریب و مقاصد قرآن، همراه با شأن نزول) تهران انتشارات مولی ۱۳۶۹. پنجاه و یک صفحه مقدمه + ۲۵۰ صفحه متن قرآن + ۲۵۰ صفحه ترجمه + ۱۶۵ صفحه شأن نزول و مسمات قرآن [جمعاً ۷۱۶ ص] قطع رحلی. ده هزار نسخه هدیه ۱۸۵۰ تومان

ترجمه قرآن محمد به فلم آقای خواجوی، ترجمه ای عالمانه و استادانه است و دارای مقدمه، و مؤخره ای مفصل (در شأن نزول آیات) است، و دو رباعی است، یعنی متن مصحف شریف. که معرفی آن خواهد آمد. در صفحات دسب راست (زوج) و ترجمه در مقابل آن، در صفحات دسب چپ (فرد) آمده است. مقدمه، خود رساله ای مستقل در زمینه قرآن سیاسی است. شامل دوازده فصل با مسرور است. اول: در معانی وجوه و نظائر قرآن: دوم: حقیقت قرآن، سوم: در لوح محفوظ: چهارم: در باره فهم بطور کلام الهی؛ سجم در بلاغ قرآن؛ سسم: در محکم و متسانه ادب قرآنی؛ هفتم: در تعریف قرآن از زبان معصومین علیهم السلام. هشتم در آداب خواننده قرآن، نهم در طبقه بندی و نامهای فاع. هفتگانه، دهم: در معرفی قرآن حاضر؛ یازدهم در ساختن برول آیات، دوازدهم در تاریخ قرآن.

هر فصل یا مسرور، به فصلهای فرعی به نام اسرای بدیده است. فصل دهم، سرانجام ترجمه خاتمه الطبع قرآنی است در طبع حاضر، با تغییر صفحه آرای، برای نخستین بار در تعیین جاب شده است. این قرآن، به قرآن فاهره، و از آن به قرآن به قرآن فؤاد اول معروف است، که در سال ۱۳۳۷ ه. ق. تحت نظر و به کوشش عده ای از علمای الازهر و فاریان و...

اخیراً ترجمه سیوا و امروریزی از قرآن مجید، به فلم آقای محمد خواجوی از سوی انتشارات مولی اسرار نامه است. آقای خواجوی از صدر اساسان نامدار عصر حاضر هستند و در دودهد اخیر چندین متن اساسی از آثار صدر المآلهین (ملاصدرا) را تصحیح و سیر ترجمه کرده اند، از جمله تصحیح و طبع مفتاح العیب، همجنس ترجمه آن. تصحیح و طبع اسرار آیات، همجنین ترجمه آن. تصحیح و طبع سرح اصول کافی، همجنین ترجمه آن. تصحیح و طبع مجلدات هفتگانه تفسیر ملاصدرا بر قرآن مجید، و ترجمه بعضی از سوره ها از جمله سوره نور، واقعه، حمه، طارق، اعلی، و رلرال. تصحیح و طبع رساله حسر، تصحیح رساله حدود. همجنین لمعات فخرالدین عراقی و مشارب الادواق امیر سید علی همدانی را سیر تصحیح کرده، به طبع رسانده اند.



و قرانت سناسان و قرآن سناسان طراز اول مصر، بر مبنای  
الخط عثمانی- که متخذ از رسم و کتابت مصاحف عثمانی در  
۱۴ قرن بیس است، و طبق رأی بسیاری از فقها و نیز قرآن  
سناسان بزرگ قدیم و جدید عالم اسلام، تغییر و تبدیل و حتی  
اصلاح و یکسان سازی آن سرعاً روا نیست- با نهایت دقت در سب  
وسط و هوف و علامات سجاوندی و شماره گذاری آیات، نوشته و  
با نهایت انضباط و دقت غلط گیری شده است.

این تصحیح و طبع سرآمد و نقطه عطف تصحیح و طبع علمی  
قرآن مجید است و تاکنون هیچ اقدام مهمتر و علمی تری در  
تصحیح و طبع قرآن مجید که همطر از آن یا فراتر از آن باشد انجام  
نگرفته است. قرآن عالمگیر خوشنویس هرمند سوری، عثمان  
طه، بر مبنای همین قرآن و از روی آن نوشته شده است. همین  
قرآن کتاب عثمان طه- که بارها در سراسر جهان اسلام و ایران،  
به طرز سکیل و با آرایشهای هنرمندانه تجدید طبع یافته است و  
صحفه گروه قرآن سناسان ایرانی را سر در حاتمه الطبع بعضی از  
حائس دارد، همان است که تحت نظر گروهی از قرآن سناسان  
حجاز در مکه به تصحیح و بازنگری بهایی رسیده است و با عنوان  
مصحف المدینه، با تغییرات و اصلاحات حرنی- که تقریباً همه  
مربوط به علامات و انواع وقف است- به طریقه عکسی و افس  
نارخات شده و اکنون مدت هشتاد سال است که سالانه در حدود  
یک میلیون نسخه از آن از طریق اهدا به حجاج سراسر جهان  
به سعادت اسرار یافته و همه پژوهشگران و قرآن سناسان و فارسیان و  
سربان و خوشنویسان و حائگران قرآن مجید در سراسر افطار  
سالم آن را گرامی داشته و ساندس از فرنها، آرووی دیر یاب  
«توحد نص» (نگانه سازی یک مصحف رسمی برای همگان)  
نسخه یافته باشد

قرآن فاهره (مصحف ملك فؤاد اول) در اصل در ۸۲۷ صفحه  
نسخه شده است و با آنجا که نگارنده این سطور می داند، در ایران  
قبل از تهیه و تدوین ترجمه حاضر، به سوه افس تجدید طبع  
شده بوده است. انتشارات مولی قرآن فاهره را با تغییر  
به آرای و افزایش به طول و عرض هر صفحه و رساندن آن به  
نسخه رحلی، در ۲۵۰ صفحه بازسازی کرده و به طرز سکیل همراه  
با ترجمه به طبع رسانده است.

#### ۱. کیهای ترجمه

سرحم در معرفی این ترجمه در مسرق اول مقدمه توضیحاتی  
دارد که چند گزاره از آن را نقل می کنم  
«کار ما در این ترجمه مراجعه به رسم و اصل لعب بوده  
یعنی عین آنچه را که يك عربی زبان می فهمد به فارسی  
ترجمه کردم، جز در مورد مجازها و وجوه و نظائر و غریب که در

جاء، خود توضیح داده ایم.»

۲) «منای ترجمه ما بر وجوه و نظائر و غریب و مقاصد قرآن  
بنیان گذارده شده است.»

۳) «س ترجمه ما جر در ابواب یاد شده، يك ترجمه  
تحت اللفظی است بدون کم و زیاد.»

۴) «برعکس مترجمان دیگر از آوردن مفهوم و عبارات اضافی  
خودداری کرده ایم و تنها در مواردی که نظم سخن به واسطه حذف  
و ابحار و غیره که در قرآن فراوان است و شیوه سخن الهی این  
گونه است، ضرورت پیدا می کرد، گاهی يك و یا چند کلمه بر  
ترجمه قرآن در قلاب افروده ام.»

در ناره مهمترین ویژگی این ترجمه که بیان وجوه معانی و  
سرح و آسکار سازی لغات غریب و مبهم است، پس از این  
مسرح و حتر سخن خواهم گفت، ولی بیستر باید گفت که گزاره سوم  
از گزاره های که در بالا نقل کردیم، بیارمند به توضیح است اینکه  
مترجم محترم ترجمه خود را «تحت اللفظی» می خواند نباید  
موهم این معنا باشد که این ترجمه، مانند ترجمه هایی که  
سن السطور قرآن می نویسد حسته حسته و بریده بریده و بدون  
سوانی است به عبارت دیگر مانند ترجمه «قرآن مترجم قدس»  
یا ترجمه تفسیر طبری- که در جای خود نظر به قدمت ده یارده  
فره سان بسیار مهم اند- یا مثال از عصر حدید بریم، مانند ترجمه  
تحت اللفظی مرحوم کاظم معری و اساه و نظائر آن نیست، چون  
اصولاً ترجمه های تحت اللفظی مقید به اس بوده اند که در ارای  
هر کلمه یا تعبیر قرآنی، بدون در نظر گرفتن تفاوت محل نحوی و  
سأن دستوری کلمات فارسی با کلمات عربی، يك کلمه یا عبارت  
فارسی بناورند. حال آنکه ترجمه حاضر مفید به ترجمه لفظ به  
لفظ بوده، بلکه در سد ترجمه آیه به آیه، بدون ایراد حسو و  
اضافات است به عبارت دیگر اسلوب و زبان اس ترجمه به طور  
کلی امرورس و ساده و مفهوم و معارف است بطور ترجمه مرحوم  
ابوالقاسم باند، و مرحوم رس العادین رهبا در مقام مقایسه با  
ترجمه های معاصر باید گفت ترجمه افای حواحوی از ترجمه  
سادروان الهی فمسه ای کم تفسیر و کم معرصر، و از ترجمه  
سادروان آل آفا و زین العادین رهبا دفعو تر و مستندتر و قابل  
مقایسه با ترجمه دو مترجم توانای قرآن یعنی مرحوم پاینده و

استاد عبدالمحمد آیتی است.

مهمترین ویژگی ترجمه حاضر که تاکنون در ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن معمول نبوده است، این است که نه «وحوه و نظایر» برداشته است. برهان الدین زرکسی نوع چهارم از کتاب البرهان فی علوم القرآن خود را به وحوه و نظایر اختصاص داده است و در تعریف آن می نویسد: «در این رمیه از قدام مقابل بن سلیمان و از متأخران ابن الراغوبی و ابوالفرح بن حوری و دامعانی و ابوالحسن بن فارس آثاری تألیف کرده اند وحوه لفظ مسرک است که در حد معنی به کار می رود مانند امه. و نظایر الفاظ متواطی است. و گفته اند نظایر در لفظ است و وحوه در معانی.» سیوطی نیز در اتقان همین توصیف و تعریف را نقل کرده است. در توضیح این تعریفها که کمابیس میهند باید گفت که لفظ مسرک یعنی لفظ واحدی که وصفاً حد معنی داشته باشد مانند سیر در ربان فارسی که هم به معنی نوسدنی معروف است، هم حواص درنده و هم وسیله قطع و وصل حریان مایعات. و مراد از الفاظ متواطی، نه متواطی منطقی، بلکه کلمات مرادف است که (کمابیس) با معانی واحد یا لافل بسار بردیک به هم به کار می رود. مانند حواد و کریم و بدحو و درحو الله بعضی از لغویان و زبان‌شناسان مسرک وجود مرادفات اند و برآید که الفاظ مترادف، تفاوت معانی نامحسوسی دارند در اینجا یا بحث مترادف و حقیقت داشتن یا نداشتن آن کاری نداریم. اصولاً وحوه و نظایر هم به نظر نمی رسد که با مترادفات کاری داشته باشند و کتب وحوه و نظایر از جمله کتاب مقاتل بن سلیمان و دامعانی و معتزک الافران سیوطی که همه مربوط به این فن اند، به مترادفات برداشته اند، بلکه همه با همان لفظ مسرک کار دارند. آنهم به مسرک وضعی، بلکه مسرکی که معانی متعدد آن در طول زمان یا در رمنه‌های معنایی مختلف، بدید آمده است. تعریفی که حاجی خلیفه از علم وحوه و معانی به دست داده است، ار همه روس بر است، به میزان بیار از آن ترجمه و نقل می کنیم.

«علم وحوه و نظایر، از فروع تفسیر است و معنای آن این است که کلمه واحدی در مواضع مختلف قرآن، به لفظ واحد و حرکت واحد، ولی هر بار با معنای متفاوت به کار رود. به طوری که لفظ هر کلمه‌ای که در مواضع مختلف به کار می رود نظیر [یا عین] لفظ مذکوره در موضع دیگر باشد که به آن نظایر می گویند. و تفسیر [یا معنای] هر کلمه با دیگری فرق داشته باشد که به آن وحوه گویند. لذا نظایر اسم الفاظ و وحوه اسم معانی است...» (کشف الظنون، ستون ۲۰۰۱)

استاد دکتر مهدی محقق در مقدمه‌ای که بر تصحیح و طبع وحوه قرآن تفسیری نوشته اند، بیان عالمانه‌ای در توضیح وحوه دارند: «مراد از وحوه موضوع له کلمه نیست، بلکه مستعمل قیه آن

است. یعنی کلمه‌ای در حین به کار بردن انصراف به يك معنی سدا می کند، اعم از اینکه آن معنی، معنی حقیقی باشد یا مجاری یا استعاری یا کنایی، و سر به نحو استراک لفظی باشد یا استراک معنوی» (وحوه قرآن، سسگفتار مصحح)

حاصل آنکه تعریف دوم زرکسی و سیوطی با تعریف صریحتر حاجی حلقه همخوان است و به اختصار باید گفت که مراد از وحوه (که نه قول زرکسی و سیوطی در «معانی» است) معانی متعدد و مراد از نظایر لفظ واحدی است که آن معانی متعدد در زمسه‌ها و سیاق عبارات مختلف، از آن بر می آید. فی العمل «هدی» یا «سوء» که کلمات فرآبی هستند، هر کدام نظیر یا نظایر اند، و معانی هست ده گانه آنها در آیات مختلف قرآن، وحوه آنها است.

حال برای آنکه بهر معلوم سود که مرحم داسور در این ترجمه چگونه ارمساله وحوه و نظایر استفاده کرده اند، یعنی وحوه معانی کلمات مختلف فرآبی را در محل خود در ترجمه فارسی ظاهر کرده اند، مثالهایی ار همان صفحات اول، یعنی از سوره نوره می رسم.

۱) رکات: و ار آنحه روری سان داده ام، رکات می دهند (نفره، ۳، که رکات دادن را در برابر یفقون آورده اند و در نای صفحه دو مسع برای آن ناد کرده اند: «ت» [= وحوه قرآن تفسیری، «د»] = اصلاح الوحوه والنظایر دامعانی]

۲) حجت: آنان بر حجت و دلیل روشنی از حاب بروردند. حویسد (نفره، ۴، که حجت را با استناد به وحوه قرآن تفسیری در برابر هدی آورده اند).

۳) نفاق: در دلها یسان نفاق است. خداوند نفاقسان را ابرو کد. (نفره، ۱۰، که نفاق را با استناد به انفاق سیوطی در ترجمه مرض- فی فلو بهم مرض فرادهم الله مرضاً آورده اند)

۴) کاهنان خویش: و حو نا کاهنان حوس خلوب شد (نفره، ۱۴، که با اسناد به وحوه قرآن تفسیری، سیاطیهم - و اذا خلوا الی سیاطیهم- کاهان آورده اند).

در این مورد، نگارنده این سطور به منابع دیگر هم مراجعه کرد. طبری چندین قول در تفسیر «سیاطیهم» دارد، از جمله «روسی آنان در کفر» و «یاران منافق و مسرک آنان». برهان زرکسی در فصلی که تحت عنوان «وحوه و نظایر» دارد، در این سوره

۱۰) قتل (بقره، ۸۰، در ترجمه «خزى»، به استناد به وجوه

قرآن تفلیسی).

این سیوه سسابقه، یعنی طاهر سازی وجوه معانی، که به گفته قرآن سناسان، همانا سعبه‌ای از تفسیر است، سود و زیانش آسکار است. سودس روسن تر کردن ترجمه و ابهام‌زدایی، و زیانش مفید و متعهد شدن به يك - فقط يك - معنا از میان وجوه معانی محتمل است. فی الملل وفتی که مرض قلبی را در آیه دهم سوره بقره، به تفاه ترجمه می‌کند، معنای آیه مفهوم و زودباب می‌سود. این از فواید این روس است. اما برعکس وفتی که فی الملل شجره به گندم ترجمه می‌سود، معنایش این است که مترجم فاطعانه فایل به آند که مراد از سحره، گندم بوده است، و درختان دیگر از جمله سب، با درخت اسرارآمیزی که در جای دیگر قرآن مجید از آن به شجرة الخلد (درخت جاودانگی بخش) تعبیر شده است (طه، ۱۲۰)، نسبت

اگر ستوانه و مستند مترجم محترم در این کار استنباط خودسان بود، طبعاً حای حو و حرا بسیار داس. ریرا از مقله تفسیر به رأی می‌سد. افای حواحوی در این کار، نه‌حای عمل به احتیاد، نه راه احتیاط رهنه‌اند و دوارده مسع معتبر را که قدیمترین آنها (آثار ابن قتیبه) به فرن سوم و حدیدترین آنها (تفسیر سیر) نه اوایل فرن سیردهم تعلق دارد، مبنای کار فرار داده‌اند، و در هر فولی، یعنی در سان هر وحی یا بوضیح هر مهمی، از يك یا چند مسع از این منابع سود برده‌اند این منابع در حاسه صفحات ترجمه فارسی (صفحات دسب حب یعنی فرد قرآن حاضر)، با حروف رمر با احتضاری ناد شده است. و هسب صفحه‌ای از صفحات این ترجمه سسب که در حدود سی چهل فقره، و گاه حبی سباه و سسر، بانوسب ایسسی، یعنی اسناد کتابساختی احتضاری بداسه ناسد منابع دوارده گانه با رمر هر يك، حنانکه دوار در مقدمه مترجم (صفحات ۴ و ۹) ساسانده شده، از این فرارند

۱) تفسیر مجمع البان (مخ) ۲) تفسیر حلالس (ح) ۳) تفسیر سیر (ز) ۴) مفردات راغب (م) ۵) عرب القرآن ابن قتیبه (ع) ۶) ناهل مسکل القرآن ابن قتیبه (س) ۷) ترهان ررکسی (ب) ۸) انشان سوطی (ق) ۹) عرب القرآن سحسانی (س) ۱۰) فرهنگ لغات قرآن خطی اسان قدس رضوی (ف) ۱۱) وجوه قرآن تفلیسی (ب) ۱۲) اصلاح الوجوه و النظائر فقه دامعانی (د)

طبعاً حواندکان سس از حد بوب که با این منابع و احتضارات آنها کار کردند، نه رودی حفظسان خواهد سد، و در طول مطالعه هر حا که نه علایم احتضاری حاسه صفحات مراجعه کردند درخواهد ناف که نه کدام مسع اساره دارد

می‌بوسد: «در قرآن مجید هر جا که شیطان آمده مراد ابلیس و ساه و ذریه اوست مگر قول خداوند در سوره بقره که می‌فرماید: و اذا حلوا الی سیاطینهم که مراد در اینجا کهنه [= کاهان] آنها بطر کعب بن اسرف و حی بن اخطب و ابی یاسر برادر اوست.» (ج ۱، ص ۱۰۸).

۵) خداوند فرو نمی‌گذارد (بقره، ۲۶، در ترجمه «ان الله لا یسحی»، با استناد به اصلاح الوجوه و النظائر دامعانی، که در تفسیر «لایسحی» در این مورد نوشته است: ای لا یترو ان یسرب مثلاً).

۶) در حالیکه نطفه بودید (بقره، ۲۸، در ترجمه «وکنتم امواتاً» با اسناد به اصلاح الوجوه دامعانی).

۷) گندم (بقره، ۳۵، در ترجمه سحره، یعنی همان سحره مسوعه در داستان حضرت آدم، با استناد به وجوه قرآن تفلیسی، و اصلاح الوجوه دامعانی).

۸) «و با نمازگزاران نماز به جای آورد» (بقره، ۴۳، در ترجمه «وارکعوا مع الراكعين» با اسناد به انشان سوطی و تفسیرهای مجمع البان، حلالس و سیر، که ترجمه درست و سرراستی است) نه بضریح سساری از مفسران معتبر و بوسندگان فرهنگهای عرب قرآن، همحین بوسندگان کتب وجوه و نظائر، مراد از اردع» در قرآن مجید، عمل حم شدن در هر رکعت نماز سسب، نه مراد مطلق نمازگزاردن است. در قرآن مجید حدس نار و نه سعبه‌های مختلف این عبارت نه کار رهنه است، و سساری از سسب حسان مسار معاصر هم از جمله رهنما و ناسده، همحین اسناد سسب سسب آیتی آن را به صورت «و با رکوع کسندگان رکوع سسب سسب» (و با رکوعان رکوع کس) (ناسده) ترجمه

محرم در موارد دیگر سسب سسب در سسب را رعایت در جمله در ترجمه «و اذا قیل لهم ارکعوا لا یرکعون» ۴۸ و حو به ایسان گفته سود نماز گزارند، نماز حو حال آنکه مترجمان دیگر همحین مسسب رکوع کار برده‌اند.

۹) (بقره، ۴۹، در ترجمه «بلاء»، به اسناد عرب القرآن سسب سسب القرآن هر دو اثر ابن قتیبه، و انشان سوطی)

(۱) سورة فاتحه، آیه ۵. در ترجمه حاضر «اناک بعد و ... نسعین» چنین ترجمه شده است. «[بروردگارا] ترا می برسم و ارتو ناری می خواهم.» در این تعبیر و ترجمه، تأکید یعنی حاضر که از مقدم «اناک» برمی آید و در فارسی برابر است با «ننها بر» «تراوس» ظاهر شده است. سوآنادی در تفسیر خود بحسب آن که چرا خداوند نرمود «بعدک و نسعینک» که ظاهر آهمان معنی می دهد و کوباه تر هم هست و خود در پاسخ می گوید برای آنکه تقدم ایاک، افاده قصر و حصر دارد و معنای آن حنس می شود «بر برسم و سن و نه تو استعانت کنم و بس» بعضی از مترجمین معاصر هم به این نکته توجه داشته اند و حصر و تأکید را در ترجمه فارسی ظاهر کرده اند. رهسما «تنها ترا می برسم و تنها ترا می ناری می خویم» فمسه ای «بروردگارا تنها ترا می برسم و ترا می ناری می خویم و بس» خود استاد حواجوی هم در موارد دیگر ترجمه حاضر، به این حصر و قصر که از تقدم «اناک» با «آای» برمی آید، توجه داشته اند. همانکه «و آای فانهون» (بقره، ۱۰) را «تنها از من نترسد» و «و آای فانهون» (بقره، ۴۱) را «و تنها از من بماند ناسد» ترجمه کرده اند.

(۲) سورة بقره، ۲۲۲. «فَدَمُوا لَافْسُكُم» به «ترای حوس بیس اندسی کنید» ترجمه شده است که دفعی و درست است و هر همه برابر نهاده های مترجمان قدیم و جدید بهر است

(۳) سورة اعراف، ۱۷۴: «و كَذَلِكَ نَقُصِّلُ الْآثَابَ» اصل مترجمان معاصر، این عبارت ساده فرای را نادرست ترجمه کرده اند مرحوم فمسه ای و آل آفا و استاد آسی در ترجمه خود کلمه «نقصیل» استفاده کرده اند. نقصیل و مفصل در عرف فارسی برابر با طول و اطوار و بطایر آن است اما در عرف فارسی محید ممکن است حصری مفصل و در عین حال موجز باشد مراد تفصیل - همانکه سوره ای هم از این رسته به نام فصلت در فر داریم - در عرف قرآن، سرج و سان و سوانی و روسی است مرحوم رهسما این عبارت فرآی را درست ترجمه کرده است انجیس آتات را (روس) سان می کنم «ترجمه آفای حواجه و و بدین گونه ما آتات را بیان می کنم» هم درست است

(۴) سورة هود، ۱۲: «فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا نُوْحِي إِلَيْكَ وَصَحَّيْكَ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ كُتْرُ أَوْحَاءٍ مَعَهُ مَلَكٌ، أَمَّا وَاللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ.» چنین ترجمه شده است «بعض آنچه را که به تو وحی می شود ترک کنی و سینه ات برسد سود که با بگویند: چرا بر او گنجی نازل نمی شود و فرستاده ای با او نیامد؟ تو فقط بیم رسانی و خداوند بر هر چیز گواه است.» بیداست که ترجمه صدر آیه اسکال دارد

یکی دیگر از امتیازات ترجمه حاضر، همانکه در صفحه عنوان کتاب هم تصریح شده، ذکر سان برول آیات است. سان برول آیات و توضیح مبهمات مربوط به بعضی آیات، بر مبنای تفسیر مجمع البیان طبرسی، اسباب البرول واحدی، لباب النقول سیوطی، از قدما، و کتاب نمونه بیاب در سان برول آیات، از معاصرین که خود اثر احقر هم بر مبنای تفسیر تسان سیح طوسی و سایر منابع قدیم تألیف شده [با گذاردن عددی در حاشیه سمت چپ ترجمه، به شماره صفحات با آن کتاب ارجاع داده شده است، و در با آن کتاب، از صفحات ۲۵۳ تا ۴۱۶ که محال موسعی بوده است، ۹۹۷ مورد سان برول و توضیح مبهمات را در ۱۶۳ صفحه سه ستوبی، با حروف ریزتر از من ترجمه، درج کرده است. در واقع در این ترجمه و بدین ترتیب برای يك سسم از کل آیات قرآن توضیحی در رفع ابهام با سکوت متن، از منابع معتبر سیه و سنی به دست داده شده است و روس است که سان برول که یکی از علوم فرآی است، علمی است نه کلی بقلی همانند علم ناسخ و منسوخ، و بر مبنای احادیث تفسیری منقول از صحابه و معصومین علیهم السلام حسن مجموعه فرهنگ و ار حاضر در این است که بیوست ترجمه است - حال آنکه عادی همراه با تفاسیر است - و در هنگام بیار، سریعاً حواصده را به توضیح مناسبی در رفع ابهام، به نقل از منابع اصل رهسما می گردد

#### چند نکته

سطح علمی ترجمه حاضر که به حق عالی است انجاب می کند که صاحب نظران - أَحِبُّ الصَّالِحِينَ و لَسْتُ مَبْهَمٌ - و قرآن بروهان، با احرام و اخلاص آراء اسفادی با تأیید و تصویب خود را به نحوی مطرح کنند گفتنی است که نگارنده آن سطور بحسبایی از اغلب ترجمه های فارسی حدید قرآن را به دفع، و یکی از آنها را از آغاز تا انجام، با متن قرآن کریم و تفاسیر و ترجمه های کهن مقابله کرده ام و فهرستی از لغزهای مترجمان یادداشت کرده و برای خود نگه داشته ام. وقتی آن فهرست را با ترجمه آفای حواجوی مقابله کردم، بحمد الله در اکثر فریب به تمامی این موارد، ترجمه ایشان درست بود و احترام و اعجاب مرا برانگیخت.

چنانکه ممکن است یکی از ما با وجود علم به اینکه دوستش فرما بر اوست و در حق او خلاف نمی‌کند، ولی چون دیگری به اصطلاح بحران به خلاف و حاسن می‌کند، به او نگوید نکند یا مبادا به خاطر حرف فلان و بهمان، حاسن مرا فرو نگذاری و مراد از این هشدار این است که آن فردا عواکیر را از تفسیر و تلقین باز دارد، و معنای قول خداوند این است که لا تترك بعض ما یوحی الیک ولا یضیق فمذکرک سبب مقالهم هذه. به سبب حسی و حسان نفس آنان (دشمنان و کافران) دست از ابلاغ وحی باز مدار یا نحسی از وحی را فرو نگذار و دلت سنگ نسود.

امام حجر رازی، چنانکه سابقاً اودر امثال این طراف معنایی است، بحث دفعی و مسوفاً در این باب کرده است چون بحث او از یک طرف شامل بحث رمحسری است و از طرف دیگر نیسانوری صاحب غرائب القرآن هم خلاصه‌ای از بحث حجر رازی را در تفسیر خود آورده، نقل قسمت مهم بحث حجر رازی ما را از نقل دو تفسیر دیگر هم بی‌نیاز می‌گرداند، لذا نحسی از «مسأله دوم» امام حجر را دلیل تفسیر این آیه، نقل و ترجمه می‌کنیم. «مسلمانان احیاء و اتفاق نظر دارند بر اینکه حضرت رسول، علیه الصلاه والسلام، حاضر است که در وحی و سربل حسانت بورد و بعضی از آنجه که به او وحی شده ترك کند یا واگذارند چه جایز سمردن این امر، به سبب در کل سرائع و تکالیف می‌باشد و این مانه فساد در نبوت است و از طرف دیگر مقصود از رسالت بلع تکالیف الهی و احکام اوست، و چون این فایده حاصل نکرد، دیگر رسالت از رساندن فایده اصلی‌اش باز می‌ماند، و چون این نکته مسلم شد، سبب نیست که مراد از قول خدای تعالی که می‌فرماید «فلعلک تارک بعض ما یوحی الیک» چیز دیگری جز این است که بخواهد بگوید حضرت رسول (ص) حسن کاری کرده است و صاحب‌مطران در این باره و حوهی بیان کرده‌اند بحسب اینکه ممسح نیست که در عالم الهی این امر بهمه باشد که رسول گرامی به انگیزه‌ای که خداوند بر خواهد انگیزد از ادای وحی الهی، بقصر بخواهد کرد، و امثال این تهدیدات بلعه جزو همان اسباب و انگیزه‌هاست دوم آنکه مخالفان اکافران و مسرکان به فرام اعفادی نداشته و آن را حواری می‌گرفتند و سحر می‌زدند و دل رسول الله (ص) از این امر سنگ می‌شد که بر آنان وحی‌ای را بخواهد که نمی‌پذیرد و به آن می‌خندید، لذا خدای تعالی او را بهیچ کرد با ادای رسالت کند و پس هم باک را که از سحان باوه آنان دارد درها کند، و به استهزای آنان واقعی نگذارد، و عرض از آن هشدار است بر آنکه اگر او (حضرت رسول، ص) این وحی را ابلاغ کند، آماج بمسحر آنان و کارهای مشتهاه‌شان خواهد گردید، و اگر وحی را ابلاغ نکنند، همانا مر یک ترك وحی الهی و حیانت در امانت شده است. پس

بعضی از اراء مفسران است مراد از «فلعلک تارک بعض ما یوحی» نیست که احتمال داسه بنامبر (ص) العباد بالله نحسی از ترك کند و آن را اعلام نکند و بر کسان وحی بخواهد کرد به صحبت عمل و امانت‌داری حضرت رسول (ص) در کار حی احیاء همۀ فرقه‌ها و اصرار بر ابلاغ اسلام است چنانکه در سوره بقره آیات ۱۲ تا ۱۷ نیز حکایت نمایی و اصرار مسرکان بر ترك حضرت فرآبی حران فرآن باورد و باسج فاطع خداوند در این باب آمده است که ترجمه آن را به فلم آفای حواجوی از ترجمه حاضر نقل می‌کنیم. «و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، کسانی که امید به رسا حیر ما ندارند گویند، فرآبی غیر از این باور و آن را عوض کن! بگو مرا سبب که آن را در پس خود عوض کنم، که من حرا حیر را که به من وحی می‌شود بروی نمی‌کنم، که من از عذاب روری بر رگ - اگر بافرمانی در ردگارم را کم - می‌برسم بگو اگر خداوند می‌خواست فرآن را بر شما نمی‌خواند و شما را بدان آگاه نمی‌کردم که پس از رسولان عمری در میان شما بوده‌ام، اما بفعل نمی‌کنید؟ کسب سبب‌کارت از آنکس که درباره خداوند دروغی بافته و با آیات او را - روع سمرده است»

در اینجا وارد بحث مکرر بهمان افسانه غرابی نمی‌شوم بهرحم فرانه خود آن را بهر از من می‌داند و اما سبب به صدق و سبب وحی و تمامیت ابلاغ وحی از جانب حضرت رسول (ص) سبب سهه راسخ است. پس باید دید ترجمه درست یا درست بر سبب سبب بر این عبارت فرآبی حسبت طبع بر رگرس سبب و مر حمان قدم و حدید فران در اینجا «لعلک» را باید ترجمه کرد. سبب در کسف الاسرار می‌تواند «فلعلک» یا «لعلک» باشد، اما به معنی بهی است ترجمه فران سبب سال ۵۵۶ ق به تصحیح آفای دکتر محمدحضر ناحتی سبب سبب از وحی از آنجه فرموده به نو، و سبب مدار سبب سبب می‌گویند حرا فرود نامد و او کجی با نامد و سبب سبب می‌...

سبب طریقی در مجمع البیان می‌نویسد. «... پس قول خداوند می‌فرماید «لعلک» بر وجه سبب، بلکه مراد از آن بهی سبب بهی از ترك ادای رسالت، و تسویق به ادای آن

لعلّ برای ترجّی اسب که مفتضی توقع اسب و از توقع يك ح و فوع آن یا رجحان و فوع آن لارم نمی آید. آنچه که در وجه حضرت رسول (ص) مانع و مهار بود همانا عصمت او بود که ما گرایش او به ترك تبلیغ و کتمان وحی و باعث دوری او از حساب وحی می شد. و بعضی گفته اند این اسفهامی که در لعلّ هست اسفهام انکاری است.»

علامه طباطبائی در تفسیر المیران بحث و مثال روسگری این باب دارد، لطفاً خوانندگان به المیران غریبی با ترجمه فارسی ذیل تفسیر همین آیه مورد بحث مراجعه فرمایند  
ار مترحمان معاصر مرحوم نابیده، رهنما، آل آفا و آفا عبدالمحمد آیتی، ترجمه درستی از آیه به دست نداده اند ا ترجمه سادروان همسه ای، هر چند به مناسبت تفسیری بود اندکی اضافات دارد، ولی دقیق و درست است «ای رسول، مبادا آیاتی را که به تو وحی شده در باره کافران، به ملاحظاتی بنا نکنی...»

ترجمه های بسببهای اینجانب از این آیه بدین قرار است:  
(۱) مبادا از سم آنکه بگویند حرا بر او گنجی نازل نمی شود فرستهای همراه او بنامده است، برحی از آنچه را که بر تو وحی شده فرو گذاری و دل سگ داری بدان که تو فقط بیم دهنده بیس بسی، و حداسبت که کارسار هر حری است  
(۲) مبادا از ناحوسامد آنان که می گویند حرا بر او گنجی فر نیامده، یا فرستهای همراه او نیست، بخشی از وحی را فروگذار و دل افسرده سویی؛ تو فقط بیم دهنده ای و س، و حداسبت د هر حیر و کل اسب

سجّ آخر اسکه اس ترجمه ما در حدود ده هزار سی بود. ارحاعی کتابساحی در بای صفحات، و سان دادن منبع و مه هر معنا و با هزار فقره ارحاع سأن برولی در توضیح مهتبات، از سیوا برین، جدی ترس، علمی برین و کم اسکال تر ترجمه های حدید فران است، و نه کار همه فران بروهان، باشد که نیار به ترجمه دومی و سر راست و متین و مسند از فران دارند می آید.

همچنین باید از سعی و سلیقه ناسر نیز به سکی یاد کرد حروفحیی و صفحه آرایی دسوار متن و ترجمه را به ناسر سامان داده و کل اثر را بر روی کاغذ گلاسه به طبع رسانده خوشنویسیها و صحافی و تجلید اثر نیز در حد مطلوب است مترجم و ناسر مسکور باد.

ناچار از تحمل یکی از دو ضرر است. و تحمل سفاهت آنان آسانتر است از تحمل ارتکاب خیانت در وحی الهی. و غرض از ذکر این کلام توجه دادن به این نکته ظریف بوده است. چه انسان حون بداند که هر يك از دو طرف يك فعل و ترك آن مستعمل به ضرر عظیم است، سپس پی ببرد که ضرر در جانب ترك بزرگتر و هوی تر از جانب فعل است، انجام این فعل برای او آسان و گوارا خواهد شد. پس مقصود از ذکر این کلام همین است که سرح دادیم. و اگر گفته شود کلمه فلعلك کلمه سك اسب و فایده آمدنس چیست؟ در پاسخ می گوئیم مراد از آن را بدن (بهی و زجر) اسب. و عربها عاداتا هر گاه که می خواهند استبعادسان را در مورد کاری سبب به کسی بیان کنند می گویند «لعلك تفعل كذا» (خیال می کنی توانی یا می توانی این کار را بکنی؟) با آنکه سکی در توانایی او ندارند. و گاه هست که کسی به فرزد می گوید «لعلك تقصر فیما امرتك به» (بکنید خیال داری در کاری که بهت گفتم کوتاه بیایی؟) و مرادشان تأکید اسب و معنای آن «لا تترك» (مبادا این کار را نکنی) اسب.

ملاحسین واعظ کاسمی در تفسیر حسینی (مواهب علیه) می نویسد: «امام مابریدی - رح - می گوید اسفهام به معنی بهی است یعنی ترك مکن»

اسماعیل حقی در روح البیان سرح مسوطی در تبیین معنای آیه دارد و بر آن است که «لعلّ» گاه به قصد ترجمی و بوقع امری است که امدی به آن هست، ولی و بوی قطعی به آن نیست مانند «لعلکم تفلحون»؛ گاه برای اسفای (هراسادن) اسب، یعنی بوقع امری که بیم انگیز است. مانند «لعل الساعه فریب» (چه ساسام قیامت نزدیک نباشد). و رجاء و اسفای معلی به مخاطبان [و مطابق با احوال آنان] اسب، نه خداوند. و در آیه مورد بحث، معنای آن تهدید و هشدار است. و حاصل معنای آن، به تعبیر احبر، حس است: «بر خود بترس از اینکه ابلاغ وحی را، یعنی آن بخش از وحی را که مخالف رأی مشرکین است، از بیم ردّ و انکار و استهزای آنان، ترك کنی.» محمد بن علی سوکانی در تفسیر فتح القدر می نویسد: «... و گفته شده اسب این کلام جاری مجرای اسفهام است. یعنی آیا تو ترك کنده ای؟ و بعضی گفته اند این تعبیر در مقام نفی توأم با استبعاد است. یعنی از تو سزاوار نیست که چنین کاری بکنی [= بخشی از وحی را فرو گذاری] بلکه جمیع آنچه را که خداوند بر تو نازل کرده اسب ابلاغ کن، اعم از اینکه مخالفان و مشرکان این امر را خوش یا ناخوش داشته باشند.»

آلوسی در تفسیر روح المعانی بحث مستوفایی در این باب دارد که بعضی شبیه به بحث دیگر مفسران و بعضی متفاوت است. از جمله می نویسد: «اسم فاعل برای مستقبل است، و لذا عمل



مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین نوشته ادوین آرتور برت. ترجمه عبدالکریم سروش. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹. پنجاه و چهار + ۳۴۵ صفحه ۱۹۵ تومان.



## بارهای از مبادی

## مابعدالطبیعی علوم نوین

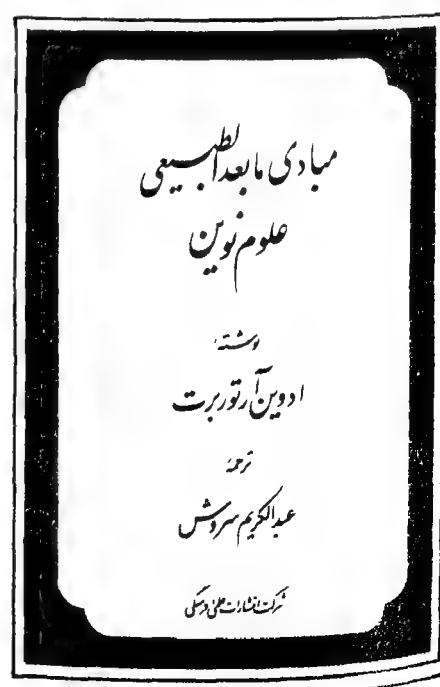
سید حسین کمالی

«تاریخ را اگر همچون خرابه‌ای ببسم که خر شاهد مال و رور و ماه و سال رخدادهای دیگر سرددل دارد، تصویری از علم برایمان محسّم خواهد شد که با تصویر کنونی ما از آن فری فاحش دارد» این بحسّس حمله کتاب مشهور ساحترانهای علمی یوسف تامس سموتل کوهن (Thomas S. Kuhn) است که بر دیک نه سی سال است سرمسّی و جهت بحسّس بروهس سیاری از فیلسوفان و تاریخگاران علم فرا گرفته است.

با سده‌های قرن بیسم، تحربی مذهبی و فلسفه نورتیوسی روی و رواج تمام داشت. در عرصه معرفت مستانه بانگ «لمن الملك» می‌زد. در این مسرت فکری، علم تحربی مجموعه‌ای منظم، یا به اصطلاح «دسگاهی»، از گزاره‌های تحربی تصویر می‌سود. و فلسفه علم تحربی یا «مطلق علم»، عمدتاً عبارت است از توصیف ساحتران منظمی این دسگاه و احراء ساریده‌اس. متافیریک (که یوسفا به معنی هر سخن غیر تحربی نه کار برده می‌سود، و از این حب منحصّر به مباحث مابعدالطبیعی یا فلسفی نه معنی احصّس است)، دار مساحرات و قیل و قالهای بیهوده است. و حز گفته‌های مطلق و بر طمطراق و آراء بر اکنده خبری در اسان ندارد، و همان بهتر که درس بسته سود. نه تعیر هیوم، فلسفه و همبانی است یکسره در حور آتس.

حای انکار است که نگرش نورتیوسی خدمت ار رنده‌ای به علم تحربی کرده است. ان قدر که می‌توان مدّعی شد که بروهس ناب علمی بدو حسیک حسی نورتیوسی صورت نمی‌گردد اما نکته بسیار مهمّی که نورتیوسم همواره نادیده گرفته این است که هیچ دستگاه معرفتی، و از جمله دستگاه علم تحربی، هرگز از بدو نکون شکل حاضر و آماده نهاییس را نداسه است علم را همسه عالمان می‌سارند، و تا معلوم نگردد کدام سوالات امان را نه بایه‌گذاری علمی رهمون سده‌اند، و تا داسه سود که هر عالمی در حستس ماسح آن سوالات، بروای کدام امور را داسه و حایب چه نوع داسحهایی را نگاه می‌داسه است، نه درستی روس نخواهد شد که علم ساحنه سده خرا ترکیب. ساحتمان کنویس را دارد. این برسها و داسحها و ملاحظات که در شکل‌گیری و رسد هر دسگاه معرفتی مؤثر می‌افسد، لزوماً از سنخ احراء آن دسگاه نیستند، بلکه ریشه در سی حوره‌های گونه‌گون دارند.

کتاب مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین، که بیش از ۶۰ سال بیس تألیف سده و با این حال هنوز تازه و خواندنی است، به روسی اسکار می‌سازد که عناصر و مبادی غیر تحربی، یا به



وی می‌بوند نحله‌های فلسفی جدید از بارکلی و لایب‌نیتس به بعد را تنها در توجه‌شان به نظریهٔ سناحت نمی‌بید، بلکه می‌گوید فلسفه‌های بارکلی، هیوم، کانت، فیسته، هگل، جیمز و برگسون، از این جهت که تا حد زیادی اعتراضاتی ناکامیاب در برابر تلقی جدید از سبب آدمی با طبیعت می‌باشند، همگی نا هم خویشاوندند. وی سرناکام ماندن این فلسفه‌ها را تسلیم ناسمجده در برابر باره‌ای از مصادرات نیوتنی می‌داند. در فلسفه‌های حدید، به جای مقولات جوهر، عرض، علّیت، ماهیت، مثال، ماده و صورت، و قوه و فعل، ارنبرو، حرکت، قانون تغییر جرم در زمان، مکان، ... سخن می‌گویند. در مابعدالطبیعهٔ ارسطو، سسهای زمانی و مکانی جزو اوصاف عرضی بودند نه ذاتی، اصالت با روابط منطقی بودند نه با روابط مکانی، و گذر جاودانه از قوه به فعل مهتر از مفهوم زمان سمرده می‌سد. در حالی که گرفتاری فیلسوفان متجدد، از هیوم و کانت گرفته تا هگل و جیمز و برگسون و الکساندر، همه بر سر زمان و فضا سب. (صفحه ۱۷ و بعد). برت در اینکه سبب حقیقی اسان و طبیعت را توان با این زبان تازه و در قالب این مفاهیم ننادین جدید تسن نمود تسکیک می‌کند. تصدیق دارد که «نیوتن، از آن حب که داسمند اسب رفیب ندارد»، امانر عین حال می‌گوید که وی «از آن حب که متافیزیسین اسب گرد انتقاد بر دامنس می‌نسید». (صفحه ۲۴). به منظور برده برداستن از نارساییها و حللهای متافیزیک نیوتنی، برت نه «کاوسی تاریخی... که تقریباً معقول مانده اسب... [دست می‌زند]... و نه تحقیق در دوران صباوت علم حدید، و بالاخص تحقیق در مابعدالطبیعهٔ سر آیزاک نیون... [اقدام می‌کند، و نه تعبیر خود] برای کسف حقیف... در نهان حانه فلسفهٔ حاکم بر علم جدید اوان خواننس... [درمی‌آند]... و مبادی اصلی و مفتاحی ان را [وامی‌نماید]... و آنها را آن قدر... [دنبال می‌کند]... نه بهر اصلی و کلاسیکسان در ففراط متافیزیکی مکتوبات نیون [برسد]». (صفحات ۲۰ و ۲۶). بر آن اسب تا... کار برد و سفه اولیهٔ مفاهیم نوین علمی را نفادانه [بررسی کند، و ببید]... وانه چه سد که آدمی برای تفکر دربارهٔ جهان، مقوله‌ای مادّی سرگردان در زمان و فضا را برگرف، و مقولات مدرسی فرد وسطی را وانهاد، و... بین سالهای ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰، چه رخ داد؟ این تحوّل سگرف را میسر صاحب، و... این آراء حگگونه ادیان به کاوشهایی چون معرفت سناسی نوین سوق داد». (صفحه ۱۲۰)

کاوش تاریخی در مبادی مابعدالطبیعی علوم نیون از بررسی اندیشه‌های کوپرنیک و کلر آغاز می‌سود. (فصل دوم، بررسی کلیدی این است که «چرا کوپرنیک و کلر، بدون دانستن هیچگونه مؤید حسی و تجربی، بر این باور رفتند که تصویر حقیقی و نجومی عالم این است که زمین سیاره‌ای است چرخنده بر محور خود

اصطلاح «مابعدالطبیعی»، چه سهم خطیر و مؤثری در شکل دادن و جهت بخشیدن به نظریهٔ تحربی فیزیک نیوتنی داشته‌اند. فیزیک نیوتنی موفق‌ترین دستاورد علم تجربی بوده و هیچ نظریهٔ دیگری به اندازهٔ آن تأیید تجربی نیافته اسب. بیس اردو فرن، از اواخر قرن هفدهم تا اوایل فرن بیستم میلادی، اهل علم در سرتاسر اروپا، خصوصاً در بریتانیا، همه محدودب نظریهٔ حاذقهٔ عمومی نیوتن و مکانیک نیوتنی بودند، که حرکت را همه جا از حاک تا افلاک منقاد خود ساخته بود. کارایی عملی آن نظریه را همه تحسین می‌کردند. مؤلف مبادی مابعدالطبیعی علوم نیون گله می‌کند که حرادر کنار آنها همه اعجاب و بحسین، «حای یک بررسی بی طرفانه و نفادانه از حسستی تفکر جدید علمی و مصادرات و مبادی آن خالی اسب». (صفحه ۷). برت معتقد اسب که اعجاب متفکران در برابر کامیابیهای مطلق نظریهٔ نیون به حدی بوده که نگداشته اسب بیسد چه مبادی و مصادرات و هر سهای متافیزیکی مهمی رمیه‌سار و شتوانهٔ آن نظریه بوده‌اند. مسلم انگاسن آن مبادی، به بنای مافیزیک حدیدی محر گسته اسب که از حند جهت با مابعدالطبیعهٔ ارسطویی فرون وسطی تصاد دارد.

متافیزیکی که در آن، آدمیان و امیدها و آرمایهاسان دیگر مرکز کیهان شمرد می‌سوند؛ ابر و باد و مه و خورسید و فلک برای آن نمی‌گردند که بان آدمی را تأمین کنند؛ آدمی حیزی بیس حر فرزند اتفاقی و میرای طبیعت کور و بی‌هدف، که بر روی مقام خاکی و عنصریش زمین، در فضای بی‌کران معلی و سرگردان است و در زمان بی‌آغاز و بی‌انجام به جلو رانده می‌سود؛ چنان نیست که آدمی در کسب معرفت نسبت به جهان فاعل انگاسته شود و طبیعت قابل؛ تفسیر امور بر حسب نسبتان با غایات بشری، همسنگ تفسیرشان بر حسب علل فاعلی نیست؛ و تمثیل طبیعت به افعال هدفدار انسانی از اعتبار افتاده است (صفحات ۸ تا ۱۵).

هدف برت آن است که دلیل تاریخی این تحوّل در فلسفه یا جهان‌بینی را به دست دهد. جالب این است که می‌گوید «... آدمی به زودی درمی‌یابد که خواندن فلسفهٔ جدید، یعنی مکتوبات فیلسوفانی که نامشان کتب تاریخ فلسفهٔ جدید را پر کرده است، چندان کمکی به یافتن... [آن دلیل] نمی‌کند». (صفحه ۱۵ و بعد).





کانون بروهسهای ریاضی در دو سده نازدهم و شانزدهم تلاش برای تبدیل و ساده کردن و حل صور گوناگون معادلات درجه دوم و درجه سوم بود. پیچیده تر شدن معادلات باعث شد تا ریاضیدانها در به کارگیری نمادهای جبری گساده دستی بیشتری کنند، و فکر خویش را ندریحا از تکیه مستمر بر نمایشهای هندسی برهانند.

می دانیم که نجوم را تا زمان گالیله ساحه ای از ریاضیات، یعنی هندسه، می سمردند. و «همین استفاده از ساده کردن و تبدیل اسکال هندسی، که از مسحصات ریاضیات قرن شانزدهم است، برای فهم کار مهم کوپرنیک کمک بسیار می کند، و در ابداع نظریه نسبیت حرکت وی سهم عمده دارد.» چون «اگر علم نجوم پاره ای از ریاضیات است، باید نسبیت معادیر ریاضی در آن هم جاری باشد. یعنی حرکاتی که بر روی نفسه سماوی به اجرام نسبت می دهیم، باید یکسره سبی باشد، و از لحاظ انطباق با واقع، هر نقطه ای را بتوانیم به منزله مرجع نظام فضایی خود برگزینیم.»

۴) یکی از مهمترین ممراب اقدام کوپرنیک قوت گرفتن این سؤال بود که «آیا کل جهان، زار حمله زمین، ساختاری ریاضی دارند؟» کافی است سادگی هندسی را مجوز تغییر مرجع در علم هست سباسبیم با کل طبیعیات و کهان سناسی ارسطو ورافتد. مسرب افلاطونی است که جهان را حوهرأ هندسی می شناسد و کل آن را مجسمه يك نظم هندسی ساده و زیبا و می نمایاند. نزد ارسطو، ثنائ، ریاضیات علم اوسط است، و مقوله كم یکی از مقولات عشر است؛ و مفتاح علم اعلی منطق است به ریاضیات. در عصر کوپرنیک، نوافلاطونی گری و فیثاغوری گری، در برابر مسرب ارسطویی حریان فکری مغلوب وای بسیار نافذی بود، و کوپرنیک «رسمأ به نهضت افلاطونی کناره جوی از مکتب ارسطویی بیو سته بود»، و این عقیده در وی راسخ بود که «کل عالم از اعداد ساخته شده است، و لذا هر چه در ریاضی صادق باشد، در واقع و در نجوم هم صادق است.»

در اواخر دهه نهم قرن شانزدهم، کپلر با نظریه کوپرنیک اساسی یافت، و این باعث شد که جهان دیده به دومن مجسم بزرگ عصر یکساند (صفحه ۴۷). در هندسه تازه ای که کوپرنیک برای عالم آورده بود، حلال و سرافت خورشید بسی بیش از گذشته بود «عامل و بره و بیرومندی که کپلر را از همان آغار دلبسته نظام کوپرنیک کرد، علی الظاهر سرافت و عظمتی بود که آن نظام به حورسند می بخشید.... درخت است که کپلر بنیان گذار علوم دهمه نوس است، لکن وی پاره ای از خرافه های رسوا را با روسهای دبی علمی خویش بر آمیخته بود، و حتی از آنها کسب انگره می کرد یکی از این خرافه ها، بی تکلف، عبارت بود از حورسید رستی.» کپلر خرافات خیال برورانه را با شوق شدید به یافتن فرمولهای تأیید پذیر تجربی عجین کرده بود (صفحه ۵۲).

نزدیده به دور خورسید، و بوابت بر حای خویش بابت اند؟» (صفحه ۲۷). نظریه خورسید مرکزی کوپرنیک وفی عرصه سد، تنها از لحاظ دقت در بیسی هیج افضلیتی نسب به نظریه س مرکزی بطلمیوس نداس، بلکه اسکالات نظری برفوتی ندان وارد بود. از جمله اشکه «در زمان کوپرنیک، حواس میان بی هیج سببه زمین را جسمی تو بر و متحرک می یافت که در سله ای به حندان دور از آن، ایبر حقیف فرار داس، و احبران باور در آن حو احگران هر روز به دور زمین می گسند» ایر اهی حواس، با سائر مبادی طبیعی و مابعدالطبیعی ارسطو ارکاری داس، و سببه کردن در آن مسلرم منافسه در جمع ناصر کیهان سناسی آن رورگار بود (صفحه ۲۸) کوپرنیک «در ایر آنهاهم اعتراضات حدی و فوی تنها به اس معنا توسل بحسب که نظریه وی، پدیدارهای نجومی را به نظم ساده بر و روبرتری منظم می سازد.» (صفحه ۲۹) برت می رسد «لکن مگر برابر آن اعتراضات سبگی. اس سادگی و موزونیت چه ی داس؟» و می گوید که «ناسخ را باید عمدتا در میان اس باروچه از وحوه تفکر زمان کوپرنیک بحوسم» (صفحه ۳۰) «ارواح «این معنا که طبیعت بدون هدر دادن سروه، وظایف را به سبجده ترین سیوه ای اسحام می دهد، فاعدا تا باید عدم بایه دافعه فکری بسیاری از افراد را سبب به نظریه ساده ترا برت قدری کم کرده باشد»

۱) تا قرن شانزدهم، دیگر رساس رخ داده بود: انقلاب سبب آغاز شده بود، و ناگهان معلوم گسه بود که معلومات ادبی چه اندك و نك مایه بوده است، اره ناسان درباهه سبب نو یا اروا مهمترین نقطه عالم سبب، کسمکسهای سبب بیسی به باز کردن زنجیرها از فکر ادمان کمک بسیار کرده است سبب آمده بود که رم مرکز دبی عالم سبب، ادساب سبب شده بود؛ و.... آدمیان در همه حظه ها به تعلقات سبب سبب کردند و به تعلقات نون رو می آوردند برای کوپرنیک سبب بود که هم خود در اندیشه رود و هم دیگران را فراحواند سبب منظم تر را ترك گویند، یعنی مرجعیت را در احس سبب سبب را اکثرند و به خورسید بسارند.

۲) از اواخر فرون وسطی، کاوشهای ریاضی حان تاره گرفت.

وی که یکساله دستگیری تیکو براهه، «بزرگترین رصدگر تاریخ نجوم» از هیبارخوس» را کرده بود، و اهمیت مشاهده تجربی را از او آموخته بود، هر جا فلسفه پردازی می کرد برای جهان مرئی و محسوس می کرد، و می دانست که بدون آزمون به هیچ نتیجه ای نخواهد رسید. (صفحه ۵۳).

کپلر معتقد بود که توفیق یافته است میان انشایی که قبلاً جدا و بیگانه انگاشته می شدند، روابط ریاضی کشف کند. منظور وی عمدتاً این بود که به درک تازه ای از علّت دست یافته است. به نظر وی، «نظمی ریاضی که در باطن بدیدارها بهار است و مکشوف علم می افتد، علّت پدیدارها هم هست...» این نحو از علّت، اصولاً همان علّت صوری ارسطونی است که به حاکم ریاضی درآمده است، و رابطه نزدیک و آسکاری با آراء ابتدایی فیثاغوریان نخستین دارد (صفحه ۵۵). علّت دیگر به حاکم موزونیت و بساطت ریاضی درآمده، و این تلقی ریاضی-دوفی از علّت دال بر تصویر مابعدالطبیعی بویی از عالم بود. کپلر مابعدالطبیعی جدیدی عرضه کرد که اصولاً بر نظوریهای فیثاغوریان نخستین مبنی بود. وی ایمان راسخ یافته بود که ساختار جهان ساختاری ریاضی است، و لذا هر معرفت حقی باید به زبان ریاضی باشد. باور داشت که «هر حا کفی هست کفی هم هست»، ولی عکس قضیه را صادق نمی دانست. بر آن بود که اشیاء جهان همگی دودسه اوصاف دارند: اوصاف اصیل (اولیه)، و اوصاف تبعی (ثانویه) اوصاف اصیل همانهایی که به زبان ریاضی بیان سببی اند، و نظم عالم معلول تفاعل آنهاست. باقی اوصاف، که صورت ریاضی به خود نمی گیرند، اوصاف واقعی اشیاء نیستند، بلکه علائمی برای ساختن آنهاست. «جهان خارج جهان اوصاف کئی است، و تفاوت میان اشیاء تفاوت عددی است.» (صفحه ۵۸). «معرفت یقینی فقط به اوصاف کئی اشیاء تعلّق می گیرد، و معرفت کامل همسره صورت ریاضی دارد» (صفحه ۵۹).

سومین فصل کتاب بر آنست که گالیله ای که به تجربه ثابت کرد «همه اجسام با ستاب یکواحد سقوط می کنند، و زهره هم مانند ماه اهله دارد، و رخساره خورشید حالدار است، و هکذا»، و در ولایت حیات ارسطو تزلزل افکند (صفحه ۶۹). گالیله ای که گشودن حقه رازهای طبیعت را کاربراهین ریاضی می دانست به منطقی مدرسی (صفحه ۶۷) گالیله ای که در ریاضی دیدن طبیعت «به تعبیرات صوفیانه و برابهام فیثاغوری قانع نبود».

روش گالیله سه رکن داشت. سهود یا تحلیل، برهان، و تجربه. هنگام روبرویی با بدیداری در جهان محسوس، گام نخست آن است که عناصر بسیط و مطلق آن بدیدار به مدد سهود کشف شود و

نسبتهای ریاضی و کئی بین آن عناصر تحلیل گردد. در گام دوم، به روس محص ریاضی، نایچی برهانی در باب نسبتهای کئی، دست آمده از گام بحسب گرفته می شود. و گام سوم گامی است که نتایج برهانی به دست آمده با محك بحر به سنجیده می شود. چنین بود که گالیله با تکیه بر روس ریاضی حویس به معارف با بیبیین معنوی و الهی بدیدارها بر حاشته ناسد. از نگاه او، جهان که خدا آفریده يك نظام ریاضی غیر نایذیر است، و به همین دلیل روس ریاضی راجع به این جهان نفس تام و مطلق در احسا می بهد علم متکی به روس ریاضی، هر چند بر خلاف علم نازر علمی نافص و کسبی و حصولی و نا واسطه است، اما آنجا که اثر روس امری را به نحو ضروری و قطعی مکشوف سارد، به آدمیان به آن مساوی یمن خدا خواهد بود. (صفحه ۷۴). مسار فلسفه گالیله مبنایی دینی است. وی با تکیه بر همین مبانی بود که اعلام می کرد فقراتی از کتاب مقدس که تفسیر روس ندارند، در بر تو اکتشافات جدید علمی معنی شوند. به گفته گالیله، «طهور حلال خداوند در افعال طبیعت، کمتر از ظهور آن در افوا» سریع است.

گالیله هم در انمسم و هم در قبول نظریه صفات اصیل و سبی به کپلر تاسی می نمود، و تمرروسی بین امور ریاضی-عسی امور حسی-ذهنی می بهاد. از نظر بر، نظریه گالیله در باب صفات اصیل و تبعی «گامی بلند بود در راه سرون کردن آدمی از جهان بزرگ طبیعت و معلول و تابع حوادث طبیعت دانستن وی وقتی که تمیز میان مقدم و مؤخر به نحوی درآمد که با تفسیر ریاضی طبیعت مناسبت داشته باشد، مقدمات اخراج آدمی از جهان محصل مقدم فراهم گردید. حو» «معلوم بود که آدمی موضوع مناسبتی بر ا. کاوسهای ریاضی نیست، و افعال او را جز به نحوی بسیار صعه نمی توان به روسهای ریاضی بررسی نمود. حیات آدمی عجیب بانگ و رنگ، اندوه و سعف، و عشق و تلاس و همب ورزشی است [که همه اوصافی ثانوی اند]، و لذا فهر جهان واقعی جهان بر است نه جهان درون آدمی.» (صفحات ۸۰ و ۸۱). جنس سد «به طور طبیعی، نابای تقدّم و ناصل بیستر یافتن جهان، شرافت فضیلت بیستری هم برای آن فائل سدد.»

بزرگی گالیله تنها در بسط بینس فلسفی کپلر بود، بلکه وی

فلسفه جویس به نکاتی بسی فراتر از یافته‌های کلر دست یافت. اولین قدم، اصل علت غایی را برای تبیین حرکت صریحاً و جهاد کاری که می‌خواست بکند تأسیس یک علم ریاضی کاملاً جدید بود که حایگزین طبیعیات خیالافانه مدرسون گردد. فیلسوفان مدرسی اگر بحسب درباره حرکت داشتند، برمی‌گشت به تحلیل چرایی حرکت نه چگونگی آن، و لذا تحلیل‌ساز به عناصر مسرک در همه حرکات تعلق می‌گرفت، از اس روی بود که تعمرانی از قبل فعل، انفعال، علت فاعلی، و حتر طبعی در ادرسان ریاد یافت می‌سد. گاليله بود که چگونگی حرکت را، از هم به روس دقیق ریاضی، موضوع کاوس فرار داد.

در بررسی ریاضی چگونگی حرکت، دو مفهوم زمان و فضا، حواه با حواه جانگاهی مهم می‌ناید، حه حرکت به ریان ریاضی، عی احادی از مسافت که در اتحاد زمان بیموده می‌سود در مابعدالطبیعه گاليله، فضا (یا مکان یا مسافت) و زمان دو مقوله سادس اند، و «جهان واقعی جهان احساسی است که در زمان و مکان حرکت می‌کنند» (صفحه ۸۴) برخلاف نظر ارسطو بیان، مکان دیگر سطح حامل میان حاوی و محوی سمرده نمی‌سود با سوان مدعی سد بعضی از اساء ممتد، محتاج به اسعال مکان سسند، زمان سز انك امتداد ریاضی انداره مدبری تلفی می‌سود که به‌حای فرایند فعلیت یافتن فوا سسسه است.

مقوله مهم دیگری که گاليله برای تبیین حرکت در میان آورد، مقوله نیرو بود وی که جهان واقعی را ساحه سده از اتمهای مسرک مادی و سستهای ریاضی س آنها می‌دید، نظام طولی «فعلیت»های ارسطویی را برای سس علت مناسب نمی‌نافت، بلکه سعی داشت هر حرکتی را بر حسب نیروهایی که علت فریب و فو سس هستند تبیین نماید اما معتقد بود که آدمی نمی‌تواند حیرن درباره ماهیت نیرو بداند، و نصب او فقط این است که آثار نمی‌نرو را که حرکت ناسد مطالعه کند.

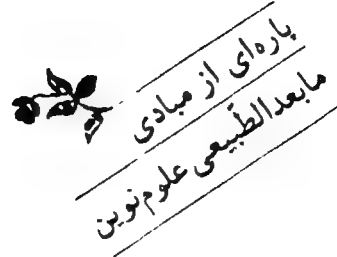
بعد از گاليله، نوبت به دکارت می‌رسد (فصل ۴) که هم در سس با گذستگان ساحت سحیده‌تری سس به سامدهای روس برس علم داشت و نظریه‌ای جامع و مفصل درباره ساحتار ریاضی س مادی بناکرد، و هم با طرح نظریه مسهور نیوت روح و حسم، «کفاره گناه طرد آدمی و تعلقاتش از طبیعت را برداشت و در این طرد را به‌دست داد.» (صفحه ۹۷).

دکارت بعین راسخ داشت که ریاضیات کلد گنجینه اسرار طبیعت است، و می‌کوسد تا کل نظام طبیعت را به یک نظام هندسی مرس فروکاهد، و چنین سد که نخستین نظریه کیهان‌سازسی س سکی حدید را بنیاد نهاد. می‌گفت «عدم دارای امداد سس، س ساحتار امتداد سس، حیری در آنجا سس» (صفحه ۱۰۳). او سید از آغاز حرکت را به اساء ممتد داده است، و با توفیق

حتم خود، مقدار حرکت را در عالم ثابت نگاه می‌دارد. جهان احساس ممتد، از همان بدو حلف چیزی حرکت ماسس عظیم سوده است که احراء عذیده آن حرکت خود را از طریق تماس بی‌واسطه به یکدیگر منتقل می‌کند» (صفحه ۱۰۳) برای آنکه حاذقه رمن و حرکات سماوی بر س احراء ماسس عظم طبیعت حانی ناید، دکارت ناگزیر سد وجود افانوسی را تر را مفروض نگیرد که همه‌ها را بر کرده است و همه اساء در آن سناورید؛ افانوسی که همسه دحار گرداب یا گردناب است و آن گردابها همه ححر را به گردس درمی‌آورد یا به سوی مرکری می‌رانند بدین سوه، دکارت سیاری از اوصاف عرهندسی عالم را به افیانوس ابر ریخت و دست از «سس» آنها فرو سست.

بر توضح می‌دهد که برای «سس» ریاضی این دسته از اوصاف، اسفاده از مفاهیم گاليله‌ای نرو، سنا و انداره حرکت لازم بود، و از اس رو نظریه گردابهای دکارت حار را برای فریک گاليله سوتی حالی کرد البته اس نظریه از لحاظ تاریخی اهمیت سنا دارد، حون بحسین کوسس همه‌خانه برای دادن تصویری جامع از جهان خارج سوده نه با تصویر افلاطونی- ارسطویی- مسیحی تمار حوهری داسه است. در این تصویر، دیگر حیان سود که خدا جهان را آفریده ناسد تا به اسان- غایب فصواى طبیعت- منتهی سود و از طریق اسان دوباره به خدا نارگردد. اینك خدا مندأ بعید حرکات انگاسته می‌سد، و حواد عالم می‌نواستند هم‌حون حرکات و گردسهای یک حرحه ریاضی بزرگ الی‌الاند رح دهد و رح دهد همه‌حمر آماده می‌سد تا فیلسوفان آمده ناید و عالم را به ساعی سسبه کنند که یکبار به دست آفریدگار کوك سیده است و دیگر خودبخود در حرکت مورون است. (صفحه ۱۰۵).

دکارت در سای نظام مابعدالطبیعیس با سوتبی فاطع و صریح روبرو بود. یک طرف جهان اجسام است که ماهیتی حر امتداد ندارد، و جهانی است هندسی که تنها راه سناح کاملس سوسیدی آن به ریان ریاضی است؛ این جهان بر تفکر متکی سست و حتی اگر هیچ اسایی هم موجود ناسد، باز در نظم ماسیس سس حواهد رفت. طرف دیگر عالم درون است که ماهیتس تفکر و ادراك و اراده و تحل و است، این عالم که از



جهان اجسام مستقل می‌ماند، عالم امتداد نسبت اساء غیر ریاضی که وجودشان به فعل جوهر متفکر وابسته است، همه به عالم دوم متعلق اند.

نظریه دکارت راجع به دوگانگی در عالم موجودات این بررسی را برانگیخت که حرکت اساء ممتد، چگونه در سیه ممتد دیگر ادراکاتی ناممکن را به وجود می‌آورد، و چگونه است که مفاهیم و مفولات ناممکن بر جهان امور ممتد قابل تطبیق اند؟ به عبارت دیگر، روح ناممکن چگونه می‌فهمد و با اس فهم در عالم دوامتداد تصرف می‌کند و به اهدافش می‌رسد؟ توجه بی سابقه فلسفه عرب به معرفت سیاسی، ارحله ریشه در همین سؤال بسیار مهم دکارت دارد.

دکارت با وجود آنکه از بیسگامان بهیست بورتیویسی و علمگرای زمانش بود، و به رغم آنکه مهمترین مدعای آن پوزیتیویسم این بود که علم کلام بیرون از علم جامی گیرد و توسل به علل غایی و خدا برای پاسخ دادن به معضلات علمی نوعی کلی بافی و مانع رسیدن به علم راستین است، با پاسخ سؤالش را با توسل به خدا می‌داد و می‌گفت خداوند جهان ماده را حنان آفریده که مفولات ریاضی ذهن بر آن قابل تطبیق باشد. این پاسخ جز در میان بیروان مابعدالطبیعی مدای دکارت ارحی نیافت، ولی دکارت پاسخ علمیتری نیز می‌داد که بسیار مؤثر بر و کارسازتر از این پاسخ مابعدالطبیعی از کار درآمد. وی رابطه انکارناپذیر ذهن و بدن را دلیلی می‌گرفت بر اینکه ذهن در جای خاصی از بدن قرار دارد، و حایی هم که با اکراه تمام به ذهن می‌داد، حجره‌ای تنگ و حفر از معز (غده صویری) بود.

«آراء دکارت تأثیر عظیمی بر اروپای نیمه دوم قرن هفدهم نهاد... بالاخص در انگلستان افراد کیری را به خود جذب کرد و نقدهای حادی را هم برانگیخت. تاس هار و هری مور از جمله متفکرانی بودند که در ربع سوم آن قرن ظهور کردند و در عین نقدهای جدی که بر بعضی مواضع فلسفی دکارت داشتند، در غرض بزرگی که وی در تحققش می‌کوسید با وی همدل و همگام بودند.» (فصل ۳، صفحه ۱۱۷).

روی آوردن هابز به زبان جدید فضا، زمان، نیرو، اندازه حرکت، و... تا حدی سطحی بود. به نظر هابز، هرگونه کار و

تحویلی نوعی حرکت است. فکر بر یا همه سحشها گونه‌گوییهایس، کار است و نوعی حرکت. «دهن» نامی است بیست که بر مجموعه کارهای فکری نهاده‌اند، ولدا حری است رسته حرکات در بدن بیست هر فرایند ذهنی از حس حرکت است، و هر جا حرکت باشد سنی محرک هست و ارسیه محال هم جر صویری جسمانی نمی‌تواند است. «دهن» هم مادی جسمانی است هابر حایی برای سویت دکارتی نمی‌سند سنی ار آدمی هرچه هست جسم محرک است، و در درون آدمی هرچه هست حرکت اعضاء و اعضای محرک است گالیه فوای حرکت را به نحو یکسان بر رمن و اسمان حکومت بحسید، هابر می‌خواست آن فوای را در عالم دهن هم جاری کند

مور، حکیم افلاطونی کمبریج بر سیدنا بحث تأثیر فلسفه دکارت بود، و سحت می‌کوسید تا برای عب سویت در آن فلسفه حاره‌ای بخوند دلپسنگی او به دس نمی‌گذاست تا به راه حل مادی یا باورالسنی هابر گردن بدهد، بر دور، جوهرت و وجود نفس ناطقه یا دهن غیر مادی کمر از ماده عصری بود. اما چون بدرفته بود که بودن مساوی امتداد داس است، روح (یا نفس) را بر بالضروره ممتد می‌سمرد و فوای را با ماده در سایر اوصاف می‌داسد سگفت تر اسکه در نظر مور، خدا هم نمی‌توانست ممتد باشد، و اس یکی از مواضع مهم اختلاف نظر مور با دکارت است. به گمان مور، تخیل عدم فضا محال است به اعتقاد مور، فضا یا مکان از آن حیت که همه‌ها حاضر است همان خداوند است. البته وی اوصاف دیگری راجع به حیات و قدرت برای داب ناری ثابت می‌کرد که مکان فاقد آنها بود

اردید مور، علل مکانیکی تنها باره‌ای از انواع حرکت را ندید می‌آورد به همه را چنین بیست که حرکت همیشه شحه بر حورد باشد، بلکه پدیده‌هایی مانند حسبدگی و جذب معاطیسی، به گمان مور، نیحه نیروهای غیر مکانیکی و علت‌های غیر جسمانی و غیر مادی اند. و اینگونه عللها در دل «روح طبع» قرار دارند که اجراء گوناگون عالم مادی را در یک نظام غیر مکانیکی گرده می‌آورد و به آنها سامان می‌بخشد مکان و روح طبع هر دو روحانی و غیر مکانیکی اند، و این «لطف حق است که ضامن شای همه چیز است» (صفحه ۱۴۰).

در فصل پنجم کتاب، برت از دو فیلسوف بریتانیایی دیگر، رالف کدورت (Ralph Cudworth) و آیزک برو (Isaac Barrow) بر نام می‌برد.

کدورت فلسفه مکانیکی را در عرضه تفسیری فافع کند، ر جهان ماده توانا تر از صور و اعراض مدرسیون می‌یافت، ولی در عین حال، همگام با سایر فیلسوفان زمانش (به استثنای هابز) معتقد بود که همه مسکلات مابعدالطبیعی و معرفت شناختی را

واقعی و مقام کیهانی آدمی را نه وی بارگرداند

بویل انسان را «ماسبی صاحب اراده»، و روح انسان یا «نفس ناطقه» را «تقسیم‌ناپذیر و ناممید» می‌دید. آن روها می‌گفتند که روح آدمی در داخل بدن و در بهانه‌ی معرفت‌مکن است و حرکات اسباب از طریق حاشه‌ها و مجاری اعصاب به آن می‌رسد. بویل فهمیده بود که این طرز تلقی چه دسواریهایی برای حصول معرفت سری بس می‌آورد. تا قبل در این باب، سرانجام بویل را بدن سحه رساند که معرفت سری حوهرأ ناقص و تک‌مابه و غیرنفسی است و رسته سکاکت سساری از فیلسوفان عربی، از لاک و هوم گرفته تا راسل و جراره کرایان حدیدتر، را همین جا می‌توان حسحو کرد.

بویل بطرئه راجح درباره‌ی ابر و فضا را از همین دیدگاه معرفت‌ساسانه می‌نکرست و آن را يك فرضیه غیر یقینی می‌سمرد. فرضیه‌ای که دو کار را بر عهده مفهوم ابر می‌نهاد: یکی انتقال حرکت از جسمی به جسم دیگر در برخورد های متوالی، و دیگر متسر ساحس بدیده‌های عربی حو حذب مغناطیسی. بویل این ابر را منقسم دو نوع ماده می‌داند، و بیوس هم این رأی را از او می‌پذیرد.

بویل تعلقات دینی سدید داسب و در فلسفه‌ورزی همه‌جا تعلقاتس را رعایت می‌نمود. وی توحه به علم بحربی و تقویت آن را فرضیه‌ای دینی می‌سمرد (صفحه ۱۸۸). مانند دکارت تعبیر «یوفی عام الهی» را مکرر به کار می‌برد، و گویی معتقد بود که لازم است خدا هست کنونی جهان را مسمراً از متلاسی شدن نگه دارد. معجرات ذکر شده در کتابهای مقدس، سوستن نفس ناطقه به بدن بوراد، سفای بیماران در ابر دعا، و بی نظمیهای فراوان جهان، همه را نمونه‌هایی از تصرف مستقیم باری می‌دانست و آنها را به طبع اسناد می‌داد. اما دلیل عمده بر وجود خدا و مسیت بالغه او، در نظر بویل همان ساحمان اسوار و نظم و تقارن طبیعت بود. به بی‌ظسها و امور اتفاقی این تفسیر بون از خداگرایی را، سوتن طابق التعل بالعل در آثار خود آورده است.

سس فصل بحسب رمیه‌ساز آسند که برب در هفتمین و بلندترین فصل کتاب که يك سوم کلس را تسکیل می‌دهد، «مابعدالطبیعه سوتن» و تأثیرات سسییان را در آن تسریح کند. برب سان می‌دهد که بیوتن آراء فلسفی مترتب بر اکتسافات تازه علمی را به صورت آراسته‌ای از گذستگان تحویل گرفته، و تنها در موارد اختلاف با بافته‌های علمی خود تعدیلی در آنها کرده، و گاه آنها را به نحوی تهریر نموده است تا با آراء غیر علمیس سازگارتر باشد.

به نظر بیوتن کار عمده فلسفه طبیعت این است که از حرکات ظاهر آغاز کند و به نیروهای طبیعت برسد، و با داشتن نیروها به

بویل به وجود خدا می‌توان ارمسان برداست

ایرک برو ریاضدان و منکلمی بود که با سوتن دوسوی بربدک است، و مانند مور بر تفکر مابعدالطبیعی وی تأثیر سسار نهاد. برو بر اسسجام کرده بود که سوتن دکارتی برای دس خطرناک است، بیدا مانند مور می‌کوسد تا سان دهد مکان موحودی مسفل از متعارف بویی سست بعلاوه، برو به رمان همان قدر وقع می‌نهاد که به مثال رمان سها مقدار حرکت بود، بلکه مانند مکان طیفی سوسه بود. مسفل از علم و ادراک آدمی که «از فجر ارل تا سام اند» د. جریان است، و در حقیقت معیار اندازه‌گیری حرکت است.

به گفته برب (فصل سسم)، اندسده‌ای که سس دهه‌های چهارم تا پنجم قرن هفدهم در بریتانیا برورس یافت سس از همه مدون اسسافات و سوسه‌های فربندگان و سسندان و فیلسوف صاحب مکتب انگلیسی رارب بویل بوده است. می‌گوید در کنار بهتسب ناصی کلر و گالیله که در عرصه اندسها انقلابی مابعدالطبیعی بنا کرده بود، کاروان علمی دیگری برافسان و حیزان به آهستگی سس می‌رفت که در بلندی هدف و بارآوری حیری از آن بهتسب کم داسب. روس این حرکت علمی که به دسب محققانی حوون کلبرت و هاروی رهبری می‌سد، بحربی بود به ریاضی، و بر فرضیه‌ساری و تحر به استوار بود به بر تحویل هندسی بدیدارها تا بروی از همین روس بود که بویل علم سیمی را برورو کرد، و سوری هابر درباره‌ی هوا را حنان باطل نمود که دیگر هیچ متفکر محقق به خیال نیفتد تا بدون کمک تحر به بر بانه اصول کلی علم فربک بناکند. البته در آن دوره، مابعدالطبیعه هندسه‌گرا حنان رسوح پیدا کرده بود که اینجا و آنجا کسائی- و ارجمله بویل- می‌کوسیدند مصطلحات کهن فلسفی را برحسب مفاهیم حدید هندسی- مکانیکی از نو معنی کنند.

با وجود آنکه بویل نگرش جدید به طبیعت و رابطه انسان با طبع را یکجا از گالیله و دکارت اخذ کرده بود، و به فلسفه مدرسی عصر خویش به سدت می‌تاخب، بارهمسه مراب بود تا سان غایت سناسانه انسان را در نظام کیهانی کو حك سمرد وی و ساف اولیه را «اصیل‌تر» و «واقعی‌تر» از اوصاف بانویه سب انگاشت و یافته‌های حواس آدمی را همان قدر «حینی» می‌دانست که سایر پاره‌های جهان را؛ بویل می‌خواست ارج



سه جهت در اندیشه‌های غیر تجربی یا مابعدالطبیعی غوطه‌ور بود. اول اینکه با سایر متفکران عصر خویش بر سر تسخیر و استیلا بر سیسها هم فکر بود؛ دوم از آن جهت که وی بی‌روس تجربی ریاضیس را اساس يك دستگاه متافیزیکی قرارداد و بر آن بار دربارهٔ ساختار عیایی جهان اظهار نظر نمود؛ و سوم آنکه سیر مابعد هر خردمند دیگری توانست از تأمل فلسفی دربارهٔ واسطهٔ ریسیها حویستن داری کند. خصوصاً برسیهای برانگیختهٔ علقات فوق علمی مثل دین. بر می‌نویسد «نوتن جهان سب خود و سب انسان و جهان، و از آن جمله، بطریقهٔ انقلابی علت نوتن دوبهلوی دکارتی... و لوازم فرعی‌تر آن آراء دربارهٔ فرایند احساس و طبیعت آن را، و اوصاف اولته و ثانویه، و رندانی کم‌توان شدن روح آدمی، همه را بی‌هیچ نقد و سحسی برگرفت. آنها را پیامدها و نمرات بهیصت بی‌روزی بداست که دست بقدر خود او را سرانجام فهرمان آن بهیصت کرد.» در مابعدالطبیعهٔ فربولوری بر مهمربس آراء گائله و دکارت را بی‌هیج حو حرا برگرفته بود هر چند سوس در تراغ بس مور و دکارت بر ممد بودن یا بودن روح ارهسك نه صراحت دفاع نمی‌کرد، ولی فائل شدن وی به تعایر جوهری روح و بدن، در این موضوع، دکارت بر دیکترس می‌ساحت. البته «مابعدالطبیعهٔ دکارت د دست نوتن تفسیری مهم و محمل می‌باند، و حسیهای فلسفی به و تأمل برانگرس از آن گرفته می‌سود، و آنگاه این مابعدالطبیعه بهاساً مسرب ارسطویی را برمی‌اندازد و جهان سبی حیرهٔ عقبه حدید می‌گردد» (صفحهٔ ۲۳۶). آراء وی دربارهٔ رمان و فضا سرا همس حس بود و نظر برداریهای وی دربارهٔ واسطهٔ برسیسها؛ مابعدالطبیعی تعبیرات سگری را در آن آراء باعث شد تحفه سوس راجع به «حرم» بر دارای اهتت روس ساحتی مابعدالطبیعی بود، حو وی می‌حواسب مدلولات روس حوس را به عرصه‌های دیگر هم سراپب دهد و سرباسر جهان را حظاً احرام متحرکی سمایاند که تحت تأثیر سروهایی حاص با بیرو؛ فواس ریاضی در فضا و رمان عوطه می‌حوربد.

بر در صفحه به صفحهٔ این فصل بلند، فرائی از نوسه‌ها؛ بیوتی را نقل می‌کند تا معلوم یماید که وی در سای فربك حو حقدر درگیر برسیسهای مابعدالطبیعی بوده و حه سده که مفاهیم مثل اتر یا فضا-رمان مطلق را به‌مان کسیده است. حان کلام بر این است که متفکران توانایی حو هوم و کاب هر چند حه دیابت را از بن علم نیوسی کدند، ولی نتواسسد آن دسته از ار متافیزیکی بیوس را که از نوسهٔ دین بیرون آمده بود سباسبند، آن آراء هم سراهراز و بی‌بروا در عرصهٔ فکر بارجا مابعد و ناسده به آیندگان رسیدند و از مسلمات انگاسته شدند.

در فصل آخر (هسم) کتاب، بر احتیاح می‌کند که محو

«استنتاج برهانی بدیدارهای دیگر» بر دارد (صفحهٔ ۲۰۵) یعنی موضوع تحقیق «حرک» و روس آن «ریاضیات» است. (و نوتن برخلاف دکارت، هابز و برو، حر و حساب را دورک ریاضیات می‌سمارد به هندسهٔ عمومی را)

نوتن از هر دو ساحةٔ بر بار دوران تکامل علم، هم ساحةٔ تجربی- استفرایی و هم ساحةٔ فاسی- ریاضی، بر می‌حد، و برای آزمون درستی استدلالهای برهانی همسه از تأیید تجربی ممد می‌جسب. نیون سحی را که از جهان حر دهد ولی مؤید به تأیید تجربی نه ناسد، «فرصیه» می‌خواند و مکرر می‌گفت «من اهل فرضیه‌بافی نیستم.» و از اینکه کسی بطریقهٔ سکسب روس را فرضیهٔ نحواند بیس از هر حبر دیگر حسمگس می‌سد

فلسفهٔ طبعی نیون چهار فاعدهٔ استدلال داسب اولی همان اصل سادگی بود که می‌گفت حو سادگی محبوب طبع است در تبیین بدیدارها باید علت‌های راندرادرمان آورد؛ فاعدهٔ دوم این بود که معلولهای مسانه را حتی المقدور باید به علل مسانه مسوب داسب (این فاعده بعدها به ریان ریاضی حس بریر سد که هرگاه معادلات مسابهی از حد حادهٔ محلف حکاب کسد، آن حاده‌ها را باید معلول بیروهای مسانه داسب)؛ فاعدهٔ سوم می‌گوید اوصافی که در همهٔ احسام فائل دسرسی، بدون سد و ضعف یافب سوبد باید اوصاف همگانی همهٔ احسام سمرده سوبد؛ و چهارمین فاعده متصص آن است که هیچ بضمن مابعدالطبیعی وجود ندارد که یقینی برین اصول در آینده مسمول استثناء واقع نخواهند سد و کل روس تجربی- ریاضی بر نوتن سه مرحله داسب: ۱) ساده کردن بدیدارها به كمك آرموبهای حسی؛ ۲) صورتبندی ریاضی یافته‌های مرحلهٔ اول به كمك حساب حامعه و فاضله؛ ۳) احرای آرموبهای دمی به منظور امتحان کردن نتایج مرحلهٔ دوم، و به‌دسب آوردن سایر بیروهای مؤثر در بدیدارها. در نظر نیون، علم مرکب از قوانینی بود که رفتار ریاضی طبع را بیان می‌نماید، قانونهایی که از بدیدارها برگرفته و از سوی بدیدارها تأیید می‌سوند.

بر تأکید دارد که نیون با همهٔ انایی که از فرصیه‌بافی داسب، و با وجود الترام تأمی که به تجربی ابرار می‌نمود- حیدان که او را نخستین بورتیو یست بزرگ تاریخ خوانده‌اند (صفحهٔ ۲۲۴)- از

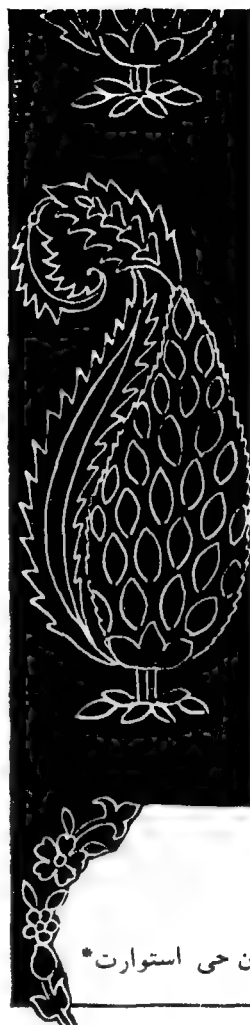
بودن به جهان طبیعت و جدب و انتظام می بخشد. سازش دادن به این دو جنبه سازگار مسأله دسواری است که به اعتقاد برب «یکی از رکن‌های احتیاط‌ناپذیر آن، عذاب است از داستان بصیرتی تاریخی و روس سبب به مقدمات تاریخی فراهم آورده جهان‌سی عصر حدید ما» و می‌افزاید «اگر این کتاب توانسته باشد قدمی در راه روس کردن این امور بردارد، مدعیات فروتنانه خود را حایه عمل نوسانده است»

کتاب مادی مابعد الطبعی عنوم یون در نمۀ دوم قرن سستم تأثیر عمده‌ای بر بعضی مورخان و فیلسوفان علم صاحب نفوذ نهاد، و سرسلسله بسیاری از بروه‌سها و کاوسهای تاریخی دهمصر واقع شد، حدان که امرور دیگر هیچ محقق کاردانی بدون توحه به حینه تاریخی- اجتماعی علم در باره آن فلسفه برداری نمی‌کند ساند اگر کتاب مهم برب سی سال پس از این به فارسی ترجمه می‌شد، این قدر سخنان بی‌بانه راجع به علم، فضای فکری این سرزمین را حسن از حب و راست می‌لود ناری اینک بیر جای امید هست که سبغ سگفت‌اکیر برب در انار مهجور «قدما»، و حلاقبت در حسان دهن وی در نبود ردن نکات دبر و سحنه‌کرنهای طریف، علاوه بر لذت برده‌پردازی از بعضی کوسه‌های تاریخ فکر، این سود را بر برای فلسفه‌خوانان و علم‌ده‌سیال این دبار به‌بار آورد که تصدیق کند معرفت پسری حظور رسد در دل و جان آدمی و تعلقات و حواسه‌هایس دارد، و هر باره‌ایس حظور نا باره‌های دیگر مناسب است

سختی مفهوم دهن و دستگاه ادراک آدمی از مهمترین ارکان مابعد الطبعی نبوتن است. اما وی بی‌اعتنایی مابعد الطبعی حدید عذاب سیاسی را گردن نمی‌نهد، و نا تعابری گاه رباده از حد عرابه و «احساساتی» می‌کوسد نا حای مناسبی برای دهن و حسابات و «اررس»‌های اسبابی در جهان دست‌ونا کند بی‌نود «اگر آدمی بندرد که در عالم حبری به نام اررس وجود دد، دیگر سی مشکل است که حایی برای عذاب در جهان نکند آرمان حبری است که می‌اررد آدمی ریدگی خود را بی‌آن بر برد، کافی است حبری خودس ساسنه آرمان بودن بد نا آدمی خود را فدای آن کند، ولو حاسگاهی بر حسب نا دسی بحر به‌دبر و مقطوع هم بداسه باشد» (صفحه ۳۰۸) به خبر برب اگر دهن باره‌ای از عالم طبعی انگاسه سود- حناکه مابعد الطبعی نبوتی احباب می‌کند- دیگر حایی برای ارمانها و رنهای غیر مادی نمی‌ماند. به اعتقاد وی، «جهان طبعی پس اجه فرما روای خود کامه و نادیده‌ای بر سر دهن باشد، حانه‌اه خلوه‌گاه اوست و اسان که مطهر افعال و سوزن عقلی و روحی سب، پس از همه عرصه زمان و مکان جمال و بداعت و رانیدگی ستم را در خود کرد آورده است» (صفحه ۳۲۲) به نظر برب، جهان سیاسی فقط وقتی مسر خواهد بود که دهن سباحه سود شمی که از یک طرف حناکه رفتار کرانار می‌خواهند موضوع سرفات حبری و اندازه کمر نهایی دفعی قرار می‌گیرد، و از طرف دیگر حنا حناکه ممانار و رفعی در عالم موجودات دارد که



## شیخ بهائی و «کشکول» او



دوین حی استوارت\*

C. E. Bosworth, *Bahā' al-Dīn al-'Amulī and his Literary Anthologies*, Journal of Semitic Studies Monograph No. 10, Manchester, England: University of Manchester Press, 1989. 128 pages.

این نخستین رسالهٔ مفردی است که دربارهٔ بهاء‌الدین عاملی (۹۵۳-۱۰۳۰) دانشمند معروف سیدی و یکی از شخصیت‌های بزرگ ایران صفوی در دوران سلطنت ساه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸) به یک زبان اروپایی منتشر می‌شود. موضوع اصلی آن بحث دربارهٔ کشکول سیح بهائی است که خُنکی است مفصل و بسیار معروف، و نویسنده با این کار خواسته است تاریخ «دوران پس از عصر کلاسیک و پیش از عصر جدید را در ادب عرب که کمتر مورد تحقیق قرار گرفته است» تا اندازه‌ای روشن کند. بنابراین اثر بازورث کوسس مهمی است در توضیح تاریخ ادبی دوران میان سقوط بغداد و تصرف مصر به دست بابلثون، که معمولاً «عصر انحطاط» خوانده می‌شود و همواره در بررسی تاریخ ادبیات عرب از آن غفلت شده است. محققان تازه تحقیق در آثار شعری و ادبی این عصر را آغاز کرده‌اند و بازورث بحق شیخ بهائی را یکی از چهره‌های مهم این دوران و کشکول او را

یکی از حُگهای براهیم داسه است، و نسخهٔ کوسس او بحسب و تعلیق‌های است بر کشکول که از دربار بامرند آن بوده‌اند. کشکول اثری است که استفاده از آن بسیار دشوار است. کتابی است مفصل و بسیار بی‌نظم، که در آن احادیث، تفسیر قرآنی و قواعد نحوی با داستانهای سرگرم‌کننده براهین هندسی و اسعار مسجوب درهم آمیخته است. بهاء‌الدین کتاب را به سح «مجلد» تقسیم کرده، اما این تقسیم هیچ دلالتی موضوع مجلدات ندارد، و ثبوت روس دیگری هم در کتاب دیده می‌شود. بهاء‌الدین، خنانکه در مقدمهٔ کتاب گفته است، و در بدایه است که مواد گردآورده را مرتب کند و توضیح دهد، با اینها را به همان حال که بوده اندرها کرده است «مانند رستلی نه» آن عتب و سمن درهم آمیخته باشد، با حو گردبندی که رسد! از هم گسخته و گوهرهای آن به هر سو ریخته باشد.» با توجه حجم بودن کتاب - که فی‌المثل در جاب قم به دو جلد ۵۸۲ و ۳۱ صفحه‌ای بالغ می‌شود - بود نظم آن را به صورت آسانی در آورد است که شاید برای خواننده‌ای که در بی سرگرمی است همواره حالت توحه باشد، اما محقق را دلسرده می‌کند. هیچ يك از حاینها کشکول فهرست راهنما ندارد، و حو کتاب شامل تعداد زیاد قطعات کوتاه و پراکنده است، فهرستهایی هم که برای مطالب تریب داده‌اند اصلاً کارساز نیست. از همس رو است که تعلیق تکمله‌ای حو کتاب حاضر سحت مورد نثار است.

در فصل ۳، «وضع فعلی متن کشکول» [ص ۲۱-۲۷]، بازورث شأن می‌دهد که در حال حاضر حو یک متن اسناددار از کشکول وجود ندارد. حه رسد به یک جاب انتفادی از آن، او چهار جاب اصلی کشکول را بررسی می‌کند. جاب بولاق ۱۸۷۱، جاب سنگی ۱۸۷۹ تهران، جاب ۱۹۶۱ قاهره به تصحیح الطاهر الاح الزاوی و جاب ۱۳۷۸ هـ. قم به تصحیح [حجه الاسلام ح میرزا] محمدصادق نصیری. از جهت مطالب عربی کتاب بازورث بیشتر بر جاب ۱۹۶۱ قاهره تکیه کرده است [ص ۲۶] می‌گوید [ص ۲۶-۲۷] که جاب قم وقتی به دسترس رسید عمدهٔ تحقیق کتاب را انجام داده بوده است. البته او مطالب مربوط به شعرهای فارسی سراسر کشکول، و مواد غیر مجلدات چهارم و پنجم آن را، از چاپ قم نیز، که به گفتهٔ حو -



جہات بسیار کاملتر از حات فاهره است. استدراك کرده  
 - حای تأسف است که بارور، به قول خود، نتوانسته  
 - اس دو حات را به تفصیل باهم مقایسه کند چون من این دو  
 - ظاهراً از متون دیگر کاملتر است، و چون این دورسه در دو  
 - مسئلہ مختلف از نسخ خطی کسکول دارند، مقایسہ کامل آنها و  
 - دغام همه مواد اضافی حات هم در من بارور، می توانست  
 - تکمیل آن شود. با همه احوال، این فصل دربارهٔ مسکلات  
 - کسکول بحثی مسوفا دارد، حایهای مختلف آن را معرفی  
 - یند و آنها را به احتمال باهم مقایسه می کند به خصوص جدول  
 - ۲۴ شامل مرور بسیار سودمندی است در چهار حات  
 - کسکول بارور از این حات هم که در سراسر رسالہ خود  
 - جرییده را به هر دو حات فاهره و بولاق، و گاه سر به حات هم،  
 - رجاع می دهد در حور بحسن است

در فصل سجم و سسم رسالہ، با عناوین «منابع غربی کسکول»  
 (ص ۷۵-۸۰)، و «مواد فارسی در کسکول» (ص ۸۱-۹۹)، و  
 سیمہ های ۱ و ۲ با عناوین «سعرای مباحث عرب ند سمرسان در  
 کسکول نقل سده» (ص ۸۱-۹۹) و «سعرای ایرانی که سمرسان  
 کسکول نقل سده»، حاوی مهم ترین دساوردهای مولف در  
 بحثی در بارہ کسکول و سر تاریخ ادبیات عربی به نحو اعم  
 است وی نوع عظیم مطالقی را که در کسکول آمده بیان می دهد  
 به وسعت دامنهٔ تحفلات و علانی ادبی نسخ بهانی اساره  
 می نند در واقع، کسکول بی ساهت به ساههائی از حواندهائی  
 نسخ بهانی است. به خصوص سیمہ های مسروح بارور هم  
 همست کسکول را به درستی تراورد و کار محققان بعدی را آسان  
 می سارد و هم توجه ما را به عناوین سوع ادبیات این عصر، که سار  
 سار راجع عصر انحطاط است، جلب می کند

بارور معتقد است که نسخ بهانی کسکول را در ۱۰۰۲ تألیف  
 کرده و مدعی است که آخرین تاریخی که در این کتاب به سواح  
 ستر او اساره دارد تاریخ ۱۰۰۱ است | ص ۲۹ | در اینجا بارور  
 - من بکنه بوحه نمی کند که سیح بهانی کسکول را، مانند هر  
 - حدیث دیگر، در طول سالیان و به طور تراکنده گردآوری کرده، و  
 - سراسر نمی توان گفت که آن را در تاریخ معینی نوشته است  
 - نسخ در مقدمه کسکول، که سداست وهی نوشته سده که سیاری  
 - مطالب کتاب فراهم آمده بوده است، می بوسد که صفحائی را  
 - سده کداسته است با هر وف مطالب حاللی ناف، در اینجا در ح  
 - سده نه همین سبب ملادر کسکول می بوسد که در سال ۹۸۱  
 - سمران از فروین به بدر خود در هرات فرساده است<sup>۳</sup>؛ می بوسد  
 - سده ۹۹۲ نه بوسن کسکول مسقول بوده است<sup>۴</sup>؛ می گوید که در  
 - نه سده سال ۱۰۰۷ سعری در مسهد رضوی سروده است<sup>۵</sup>؛ و  
 - ی<sup>۶</sup> - که در محرم ۱۰۰۸ در راه بارگست از مسهد بوده

است<sup>۶</sup> همجنس سعری را ذکر می کند که سعری به نام  
 جمال الدین محمد در ۱۰۲۹ در کرمان سروده است.<sup>۷</sup> تاریخ اخیر  
 فقط يك سال پس از مرگ سیح بهانی است

بوحه بارور به حنه ادبی سحسب سیخ بهانی و عنایت او به  
 سحرهای مدرح در کسکول ناعب سده است که در حد مورد در  
 حوادث تاریخ زندگی سح دحار استباه سود، که دربارهٔ برخی از  
 آنها من در مقاله ای نه در محله انجمن سرق ساسی آمریکا  
 (Journal of American Oriental Society) منتشر خواهد شد بحث  
 کرده ام بحفقات موجود هم از این باب کمکی به او نکرده است،  
 بر ا صاحبان این بحفقات ناره ای از مفولات نادرست را دربارهٔ  
 سیح بهانی سسم سسه تکرار کرده اند بارور بولد سیح را در  
 سال ۹۵۳ در بعلک می داند و از این حات حق دارد، اما به خطا  
 می سدارد که سیح پس از مرگ اسباد ندرس، سهد بانی، نه ایران  
 آمده است | ص ۱۵ | سهد بانی در ۹۶۵ درگذست - هر حد  
 بارور و برخی دیگر تاریخ مرگ او را ۹۶۶ می داند - و حال  
 آنکه بدر سیح بهانی، سرالین حسن بن عبدالصمد عاملی، در  
 حوالی ۹۵۸، حد سال پس از درگذست سهد، از حبیل عامل به  
 ایران مهاجرت کرده بود بارور می گوید که بهاء الدین نخستین  
 بار در عهد ساه عباس اول به مقام سیح الاسلام اصمهان منصوب  
 شد | ص ۱۱ | و حال آنکه او در واقع در حدود سال ۹۸۴،  
 مدنها پس از بر حبت سسین ساه عباس، نه این منصب رسیده

حاشیه

\*Devin I Stewart

این مقاله در اصل در سرنه ربر حات سده است

Studia Iranica, tome 19- 1990, fascicule 2, pp 275-282

در ترجمه برخی از حرات، که در مجموع کمتر از يك سجم مقاله است، حذف شده  
 است

۱) الكسکول، ۲ ح، به تصحیح محمدصادق بقسری (هم، دارالعلم، ۱۳۷۸)، ۱.

۲) همه مفولات ما از این حات است، مگر آنکه به خلاف آن تصریح شده باشد

۳) کسکول، ۲۱.

۴) کسکول، ۲۴۱.

۵) کسکول، ۳۴۰.

۶) کسکول، ۱۸۸.

۷) کسکول، ۲۱۳.

۸) کسکول، ۳۷۵.

بود. بازورب مدعی است که سیح پس از مدتی کوتاهی از سمت سیح الاسلامی کناره گرفت و از آن پس هیج سمنی را بدیرف [ص ۱۱]، و حال آنکه او سالها پس از کناره گیری در حدود ۹۹۱ دوباره به این سمت منصوب شد. بازورب می گوید که برادر او، عبدالصمد، از او بزرگتر بوده است [ص ۶]، و ساند فرض خود را بر این امر بنا کرده باشد که عبدالصمد به سال ۱۰۲۰، ده سال پیش از رحلت سیح، در گذشته است. اما عبدالصمد در ۹۶۶ در فروین متولد شده و بنا بر این دوازده سالی از بهاء الدین کوچکتر بوده است.<sup>۸</sup>

بازورب از سالهای جوانی سیح بهائی سرسری می گذرد و تصویر نازی از آن به دست می دهد وی می گوید که سیح «بعدها در مملکت صفویه اقامت گردید» [ص ۳] و سر «در اواخر زندگش» پس از آنکه سالها در سرزمینهای عربی و ایران سفر کرد در ایران مستقر شد [ص ۱۲] او درباره سفرهای سیح در مملکت عثمانی اغرای می کند و می گوید «این سواهد در زندگی او نشان می دهد که بهاء الدین در بحسب مهمی از زندگی خود به ساوت میان ایران صفوی.. و سرزمینهای عربی حوره مدترانه و حجاز، که در سلطه عثمانیان سی مذهب بود، در رفت و آمد بوده است» [ص ۳۴]. اما تحقیق دقیقی در مواد تاریخی مربوط به زندگی سیح بهائی نشان می دهد که قسمت اعظم سالهای حساس زندگی او، از حدود سال ۹۵۸ که در کودکی همراه پدر خود به ایران مهاجرت کرد تا چند سالی پس از مرگ پدرش، یعنی تا حدود سال ۹۹۱، یکسره در ایران گذشته است. وی سه ساله به خارج از ایران سفر کرد. سفر حج در حدود ۹۹۱ و سفر به مصر و فلسطین و سام در حدود سالهای ۹۹۱ تا ۹۹۳. ساند همه حکایتهایی که بازورب نقل می کند به اس یک سفر مربوط شود؛ سفری به قصد زیارت عتبات عالیات در عراق، که در آن زمان در دست عثمانها بود، در سال ۱۰۰۳ و سفر حجی به سال ۱۰۲۹، یعنی یک سال پیش از رحلتش<sup>۹</sup> تا در نظر گرفتیم اینکه اس چند سفر به مصر و عثمانی در مدت دست کم چهل سال انجام گرفته است، درست نیست که از «رفت و آمد» او در میان ایران و عثمانی سخن بگویم، و از آن نادرست تر اینکه استمرار سیح بهائی را در ایران در اواخر زندگی او بدانیم. سیح در ایران بزرگ شد و سپس زندگش را در آنجا سپری کرد در اوایل زندگی پدرش را، که بحسب ساکن اصفهان و سپس عهده دار منصب سیح الاسلامی فروین و مشهد و هرات بود، در سفرها همراهی می کرد. بازورب می گوید که سیح بهائی «ساند برای دیدن پدرش عزالدین» مدت درازی در هرات بوده است [ص ۳۳]. اما بهاء الدین در این مدت مهمان نبوده بلکه کودکی بوده که با پدر و مادرش در آن شهر می رسته است. هر چند پدر بهاء الدین احتمالا از حدود ۹۷۱ تا زمان ترك ایران به قصد حج در

۹۸۳ در هرات به سر می برد، اما خود او چند سال پس از ۹۸۳ خانواده خود را در هرات ترك گفت و به قصد ادامه تحصیل به فروین که در آن زمان ناصحت بود رفت. بهاء الدین در ۹۷۹ به مدرسه که در هرات بود از فروین نامه بوسه - هر چند مبدأ نامه به تصریح ذکر نمی کند<sup>۱۰</sup> - و برادر ۹۸۱ نامه دیگری از فروین به مدرسه در هرات فرستاده است<sup>۱۱</sup> «رحر» صد سنی او که به وصف نعمتهای هرات و از جمله انگور و هندوانه آن اختصاص داد<sup>۱۲</sup> سان تأثرات مسافر نیست، بلکه وصف حال طلبه ای است که در فروین به سر می برده و دلس برای خانه بگ شده بوده است و خود او نیز در اس سفر می گوید که از درس و بحث به بگ آمده است<sup>۱۳</sup>

سفر دور و دراز بهاء الدین در مصر و عثمانی در حدود سالهای ۹۹۱ تا ۹۹۳ بوده و برخلاف نظر تلویحی بازورب حلی پس از اس مدت طول نکشیده است، و در سان حرثات و فاع سفر بر حد اسناه رح داده است

رحی از خطاهای فاحش اس رساله به انار دیگر سیح بهائی مربوط می شود. بازورب در اصالت سه کتاب که به خطا به سیح نسبت داده شده بردید نمی کند اس سه کتاب عبارتند از اسرار البلاغه، الرساله فی الوحده الوجودیه و المحلاه. پس اس محققانی به عدم صحت انتساب اس انار به سیح بهائی اس کرده اند، اما کمر محقق اس اس موضوع خبر دارد. بازورب طور گذرا اسرار البلاغه ناد می کند و آن را نوسه سیح می د. [ص ۱۷، ناوست ۲۵]. اس اس در سال ۱۳۱۷ در مطبعه الادبیه در قاهره همراه با المحلاه مسوب به سیح و سکردان السلطنه تألف اس حمله یلمسانی (موفی ۷۷۶) به حاب رسیده<sup>۱۴</sup> اس اس اواخر هم حاب آراسه ای از آن مسر شده است<sup>۱۵</sup> تا اس حال، [مرحوم سیح] اعابزرگ طهران اس اسباب را نادرست می داند<sup>۱۶</sup> و در زندگنامه های قدیم سیح بهائی هم اس کتابی - اس عنوان ناد شده است.

کتاب دیگری که به علط به بهاء الدین مسوب شده اس اس فی الوحده الوجودیه است که بازورب می خواهد با اسناد اس میران اعتقاد سیح را به تصوف نشان دهد [ص ۵۶-۵۷] اس اس در ۱۹۱۰ در قاهره منتشر شده است<sup>۱۸</sup> بروکلیمان اس ساله

بی را از سیخ بهائی می‌داند و آن را رساله فی وحده الوجود می‌نامد، و از حاب قدیمتر آن (قاهره، ۱۳۱۱) یاد می‌کند.<sup>۱۹</sup> باروت می‌نویسد: «مهمترین برهان بر همراهی و همدلی سیخ بهائی با تصوف رساله‌ای است که خود او در موضوع وحدت وجود، که با عرفان ابن عربی و مکتب او پیوند ناگسستنی دارد، نوشته است» [ص ۵۶]. کولبرگ هم در مقاله خود درباره سیخ بهائی در دائره المعارف ایران چنین نظری اظهار می‌دارد «در رساله فی‌الوحده الوجودیه (حاب قاهره، ۱۳۲۸) سیخ بهائی صوفیه را مؤمن واقعی می‌نامد، دیگران را به نظر افکندن خالی از عرس در گفته‌های ایسان فرا می‌خواند، و از تحریر عرفانی خود سخن می‌گوید».<sup>۲۰</sup> اما شرح حالهای قدیمی سیخ بهائی از این کتاب هم نام نبرده‌اند. ماح، از راه تحلیل سواهد دروپی و بیر از راه مقایسه متن حاب سده با دو نسخه که در مجموعه گرب در کتابخانه دانشگاه بریسون هسب، سان داده است که انسانیت این کتاب به سیخ بهائی نادرست است و مؤلف آن داسمندی سنی مذهب عثمانی محمد محیی الدین بهاء الدین راده است که در قرن دهم می‌زیسته است (وفات ۹۵۱/۱۹۵۱).<sup>۲۱</sup> سباهت نام این دو سان می‌دهد که رسه استباه کجاست هر چند سواهد دیگری هسب که بر سابل بهاء الدین به عرفان دلالت می‌کند، و از آن جمله است شعار فراوانی که از مولانا و عطار در کسکول نقل شده، با این حال احتمال نمی‌رود که او به نظریه وحدت وجود معتقد بوده باشد.

اما فاحسریں خطای بازورب بی بردن به این نکته است که سابی که به نام المخله منتشر شده و موضوع يك فصل کوتاه از رساله بازورب است - فصل دوم، که «جنگهای ادبی بهاء الدین. المخله» نام دارد [ص ۲۰-۲۱] - از سیخ بهائی نشب. مسأله المخله با آن دو کتاب دیگر فرق دارد، زیرا از ریدگسامه‌های قدیمی سیخ، و سزار گفته خود او در مقدمه کسکول، پیداست که او شانی به این نام داسه است. با این حال، آغارگر تهرانی معتقد است که متن حاب سده اثر سیخ بهائی نیست، و می‌گوید المخله واقعی به صورت خطی در کتابخانه‌ای در عراق موجود است هر چند صاحبان آن را از حسم دیگران دور نگاه می‌دارند.<sup>۲۲</sup> المخله آخرین بار در ۱۹۸۵ مسر سده و به بررسی نیز ترجمه شده است.<sup>۲۳</sup> مؤلف متن حابی بی سک سنی بوده و از روی فرائن درونی می‌توان گفت که در قرن بهم، در عهد عثمانی، در مصر می‌زیسته است. ساراین نظرهایی که بازورب ظهیر می‌کند، از جمله اینکه المخله در مقایسه با کسکول اثری حسد و بی روح است [ص ۲۱] و یا اینکه المخله سان می‌دهد که سیخ بهائی سبعی معتدلی بوده یا به وحدت اسلامی اعتقاد داشته است [ص ۳۴]، به کلی نارواست.

... بازورب از جهت اینکه نخستین رساله مفرد را به زبان انگلیسی درباره سیخ بهائی نوشته ساییسته فدردانی است. وی مقام بلند ادبی و بایگاه علمی سیخ و نیز اهیب کسکول را در میان مجموعه‌هایی که س از دوران کلاسیک و بیش از دوران جدید تألیف سده‌اند سان داده است. وی راهنمای ار رسمندی برای کسکول فراهم آورده و بی گمان محققان این حوزه ارزش کار او را خواهد ساخت. اما در گراسی که از زندگی و آثار سیخ می‌دهد برخی از خطاهای محققان پیشین تکرار شده است. این امر نشان می‌دهد که مواع مهمی باید اریس راه برداشته شود تا مقام سیخ بهائی در تاریخ سیاسی و فکری و ادبی به درستی ساخته گردد...

ترجمه حسین معصومی همدانی

#### حاشیه

- ۱۸) میرزا عبدالله اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ۶ ح (م: مطبعه احیاء، ۱۳۰۱)، ۱۱۰۲.
- ۱۹) محمدناصر حواساری، روضات الحساب، ۷ ح (تهران، المکبه الاسلامیه)، ۵۸۷، احایه‌ای از حسین بن حنر کرکی «خادم» بهاء الدین را نقل می‌کند که گفته است بهاء الدین را در این سفر همراهی می‌کرده است (۱۰) روضات الحساب، ۵۹۷.
- ۱۱) کسکول، ۲۴۱ در متن حاب م تاریخ ۹۸۹ آمده که خطای ساسع است و در سب آن باید ۹۷۹ باشد، زیرا اندر سیخ بهائی در ۹۸۴ در گذشته است اعداد ۷ و ۸ به آسانی باهم استباه می‌شوند.
- ۱۲) کسکول، ۴۴۱.
- ۱۳) کسکول، ۱۷۷-۱۸۲.
- ۱۴) کسکول، ۱۷۷.

- ۱۵) GAL, SH 596
- ۱۶) به تصحیح محمدالتوخی (دمشق المستشاریه الثقافیه للجمهوریه الایره الاسلامیه، ۱۹۸۶).
- ۱۷) آغارگر الطهرانی، الدرعه الی تصانیف النیعه، ۲۵ ح (تهران و حف ۱۹۳۶-۱۹۷۸)، ۴۲۲.
- ۱۸) در مجموعه الرسائل (قاهره مکتبه کردستان العلمیه، ۱۳۲۹)، ۲۹۲-۳۲۸.
- ۱۹) GAL, SH 595
- ۲۰) Etan Kohlberg, «Baha' al-Din 'Ameli» - *Encyclopedia Iranica* (London: Routledge and Kegan Paul, 1989), 3: 429-30, 430.
- ۲۱) Rudolf Mach, *Catalogue of Arabic Manuscripts (Yahuda Section) in the Garrett Collection, Princeton University Library* (Princeton, New Jersey: Princeton University Press, 1977) 241.
- ۲۲) الدرعه، ۲۲۲-۳۲۲.
- ۲۳) المخله، به تصحیح محمدحلیل بانا (بیروت، عالم الکتب، ۱۹۸۵): ترجمه فارسی بهمن رازابی (تهران رزیر، ۱۳۶۴).

# تاریخننگاری و خطر بی پروایی

فرهنگ رجانی

**BRITISH  
POLICY  
IN  
PERSIA  
1918-1925**

**HOUSHANG SABAH**

Houshang Sabah *British Policy in Persia, 1918-1925*  
London: Frank Cass, 1990, 269 pp.

کار مورخ بارساری تاریخ است، و این بارساری هیچ گاه از خطر تحریف در امان نیست. تحریف در بارساری تاریخ گاه عمداً و به سبب منافع سیاسی و اقتصادی صورت می گیرد و گاه به دلیل تاریخیگری، یعنی از منظر حال به فضاوت گذشته و وقایع تاریخی نشستن و گذشتگان را با سحنه تاریخی امروز محک ردن. اما گاه تحریف در بازسازی تاریخ غیر عمدی و ناسی از بی احتیاطی محقق است. یکی از مصادیق این مورد در حاح اسناد و مدارك افشادن است. بروهنگر مناسی در مقابل ابوه اسناد و مدارك ماب و متحیر می سود و علام حلقه به گوس محتویات اسناد - به ویره اسناد و مدارك رسمی دولتی از قبل نامه ها و گزارشها - می سود و هر جا که خاطر حواه آنهاست می رود. در حالی که محقق محتاط واقف است که دولتمردان و صاحبمنصبان و دیوانسالاران، هر قدر هم پروای حقیقت را داشته باشند، به کلی بی عرض نیستند، ریرا اولاً کار آنها تحمق نیست و لذا به ابرارها، ترعدا و وسواسهای محققان مسلح نیستند؛ نالیا حفظ مقام شخصی و آبروی سازمانی که عضو آن هستند در نحوه برداشت آنها تأسر می گذارد؛ نالیا برخی از اسناد، بویه اسنادی که از خارج گزارش می شود، به دلیل پیچیدگی عناصر سیاست داخلی از گرایشهای خاصی دفاع می کنند؛ رابعاً گاه عناصر و شرایط رمایی و مکانی هم نوعی برداشت خاص را سسد روز می کند. مثلاً در مورد کسور خود ما، به دلیل مجاورت جغرافیایی آن با روسیه سوروی توسل به خطر کمونیسم در توضیح و حتی در توجیه رویدادها نفس مهمی داشته است. حتی برخی از تحلیلگران کودتای بیست و هست مرداد ۱۳۳۲ را نیز در چهارحوب خطر نفوذ کمونیسم از لحاظ سیاسی توجیه کرده اند.

\*

کتاب سیاست بریتانیا در ایران، ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۵ تا ۱۲۹۷ (۱۳۰۴) که یکی از مهمترین دوره های تاریخ ایران جدید را در نظر دارد، مصداق برخی از آفاتی است که در بالا ذکر شد. اولاً، مؤلف

در مقابل دریای اسناد موجود در بایگاسهای متعدد در «دفر سوابق دولتی» (PRO) و دیگر بایگاسهای دولتی انگلس، همحین اسناد خصوصی برخی از دولتمردان انگلسی ان رمال، که حالا در برخی داسگاههای معتبر موجود است، مهبوب سده است. آنچه مزید بر علت گردیده اعتماد بی حون و حرای مؤلف به این اسناد است و وی در اعتبار آنها کمتر س بردیدی ندارد این باور موجب سده است که مؤلف التفاتی به منابع فارسی نداسه ناسد در کتابساسی، جای جای، کتابها و نوشته های فارسی فهرست سده است، اما مطالعه کتاب سان می دهد که از اس انا، در کار تحمق استفاده نسد است: از ۱۳۲۲ ارجاع و زیرنوسی که در متن دویست صفحه ای کتاب هست تنها حدود سست فقره به منابع فارسی مربوط می سود. بدین ترتب بهتر است عنوان ان کتاب، که فاصله رمایی میان دو رویداد تاریخی مهم و مرتبط یعنی فرارداد ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) و کودتای ۱۲۹۹ را دربر می گرد، «سیاست بریتانیا در ایران به روایت انگلیسیها» تغییر کند. س. س. مؤلف به طور ضمنی و نه حندان آسکار یک هدف را دنبال می کند: او بر آن است تا حهره ای مستقل و ملی از رضاخان بهلوی برسد کند. در حالی که صرف نظر از خصایص شخصی رضاخان، حی مناسبات او با عوامل خارجی، در شرایط تاریخی مملکت، و در اوضاع جهانی میان انقلاب مسروطیت تا بعد از جنگ جهانی دوم مستقل بودن و در قدرت ماندن با هم جمع ناشدنی بود. حال این

ب که با فرائت دقیق یافته‌های مؤلف می‌توان این نکته را  
بیت و به نتایجی عکس نتایج خود او رسید

سی هدف مؤلف و روسی که او برای رسیدن به آن در پی  
فته است بسیاری از جنبه‌های ابهام‌آمیز مسأله را روس  
بند روایت انگلیسیها اگر، بدون هیچ تردید و وسواسی  
مقتضای، معیار فضاوت فرار گردد اسکال آفرین می‌سود. مثلاً  
سیده خود راجع به انگلیس دوستی (انگلوفیلی) سید  
الدین طباطبائی و نزدیکی او با رضاخان مطالب مهمی  
به سید (ص ۵۵ و ۵۶)، اما حواص اعصای نمایندگی انگلیس در  
ران از جریان و رمان کودتا اظهار بی‌اطلاعی کرده‌اند، در  
محتاج بعد رضاخان را مخالف انگلس جلوه می‌دهد و کنار دادن  
بد حساء را دلیل آن می‌داند (ص ۵۷). در حالی که ملك السعراى  
از رفراهم سدن رسمه کودتا و نفس مؤبر اسمارت نکات گفتنی  
اوان ارائه می‌کند،<sup>۱</sup> حسن ارفع در کتاب خود، در دورهٔ سح ساه،  
دحالت انگلس حرف می‌زند (ص ۱۱۰ و ۱۱۱)،<sup>۲</sup> محمدعلی  
مناون) کاتوزیان صراحتاً می‌نویسد که «برال آبرون ساند  
برمانده نروهای محلی بر نتایجایی [سحصاصا رضاخان را اسحاب  
د»، و حسین مکی جریان ملاقات ایرو ساید را گراس  
کند که حد روز قبل از استعفاى کاسهٔ مسيرالدوله از فوای  
اق در او با ما بدین می‌کند و با فرماندهان آن از حمله رضاخان  
حسب می‌نماید.<sup>۳</sup> و جالب است که خود مؤلف کتاب ضمن  
رسی صدارت میرزا حسن حان مسيرالدوله، که کمتر از سح ماه  
ام داسب، در علل استعفاى او این طور می‌نویسد: «در ۲۶ اکتبر  
۱۹۲ (۳ آبان ۱۲۹۹) مسيرالدوله سس از آنکه ریر بار تفاضای  
بایدگی انگلیس نرف که کنترل بیروى فرای را به آنها سبارد،  
سعفا کرد» (ص ۲۶).

از فصاوتهای که بگذریم، اطلاعات ارائه سده در کتاب دو نکتهٔ  
هم را در رابطهٔ ایران با انگلس سسان می‌دهد. اول نظر  
ولتردان انگلیسی دربارهٔ همتاهای ایرانی خویش و به‌طور کلی  
ردم ایران و دوم سیاستهای اتخاذ سده بر اساس آن نظرها. کتاب  
این حمله آغاز می‌سود: «از دید وایب‌هال [کاخ ورارب خارحهٔ  
کنس]، ایران در چهارراهی واقع بود که مفاع اروپایی و هندی  
ریسانا یکدیگر را قطع می‌کردند. کنترل هر کسور اروپایی [غیر  
بریتانیا] بر ایران امنیت بریتانیا را به‌خطر می‌انداخت..  
بریتانیا برای مقابله با این خطر سیاستهای متعددی اتخاذ کرد در  
سدا، لندن و هند با دو دلی کوسیدند ایران را حره حورهٔ نفوذ  
بریتانیا درآورند» (ص ۱). سس از مسلط سدن کردن بر مسی  
ساسب خارجی بریتانیا، تدبیر اساسی این سد که بریتانیا  
کوسد کنترل مالی و نظامی بر کسور ایران بر فرار کند. «اگر  
نسر کنترل حاصل آید، آن وقت انگلستان هر چه را در آن کسور

مهم است در اختار خواهد داست» (ص ۸ به نقل از سسیل و  
کررن).

فصل اول با این نظر کررن، فهران سیاست خارجی انگلیس  
در این دوره، آغاز می‌سود که هر مخالفتی با خواستهها و  
سیاستهای انگلیس را در ایران می‌توان «از طریق رشوه از میان  
برداست» (ص ۱۱). تصور او این بوده است که دولتمردان ایرانی  
همه وطن فروش و خود فروخته‌اند، اما وقتی در عمل معلوم  
می‌سود که اولاً چنین نیست و ثانیاً حرف يك شرقشناس دیگر  
درست تر از آب در می‌آید که «ارایان به‌ظاهر همه وطن فروش  
هستند اما در عمل هیچ‌وقت معامله را تمام نکرده جنس را تحویل  
نمی‌دهند»، متوسل نه اعمال فسار می‌سود تا به دلخواه خویش  
برسد مثلاً سرکت نفت ایران و انگلیس و بانک ساهنشاهی را ریر  
فسار می‌گذارد که بولی در اختیار دولت ایران نگذارند. مارلینگ  
در گراسی به‌ورارب خارجه دربارهٔ سرکت نفت هشدار می‌دهد:  
«در اس موقع برداخت وحه قابل ملاحظه‌ای نه‌دولت ایران کنترل  
ما را بر آنها [دولتمردان ایرانی] سست خواهد کرد. گرچه س  
کاملاً نه اهمیت سرکت نفت ایران و انگلس واقفم، اما پسهاد  
می‌کنم که در حال حاضر، به جهت مفاع [سیاسی] اساسی، سر  
راه فرار نگرند» (ص ۱۶). و وقتی بعد از درخواست ایران از  
بانک ساهنشاهی دفتر مرکزی بانک در لندن با وزارت خارجه  
مسورت کرد، کررن دستور داد به بانک اطلاع داده سود که «نا  
دولت ایران کاملاً مواضع خود را تغییر ندهد من به این که يك نهاد  
انگلیسی نه آن دولت سو بسید بدهد با نظر موافق نگاه نمی‌کنم»  
(ص ۳۱). نه تبع این نظر بانک هم به مدیر کل خود در تهران  
تلگرافی بدین مضمون مخابره کرد که «در هیچ سراطی نباید وام  
بیستری در اختیار دولت ایران فرار دهید» (ص ۳۲). با این همه  
سیاست ارتسا و اغوای مالی راه به‌حایی نبرد، بویزه که انگلیسیها  
در یافتند که سیاست فشار مالی سمسیر دو دم است و اگر به‌کار  
گرفته سود ممکن است به ضعف کلی کشور بیفزاید و خطر نفوذ  
سوروی را بیستر کند. به همین دلیل آن کشور به‌راه‌حل سیاسی-  
نظامی در قالب فرار داد ۱۹۱۹ (۱۲۹۸ شمسی) متوسل شد.

حاشیه.

۱) ملك الشعراى بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، انقراض قاجاریه،  
(تهران، جیبی، چاپ سوم، ۱۳۵۷) صص ۶۱ تا ۹۶

2) Hassan Arfa', *Under Five Shahs* (London: John Murray, 1964), pp  
110-11

3) H. Katouzian, *The Political Economy of Modern Iran* (London  
The Macmillan Press, 1981), p 80

۴) حسین مکی تاریخ بیست سالهٔ ایران جلد اول (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸)،  
ص ۱۹۵ تا ۱۹۷.

کرزن برای توجیه حضور نظامی خطر هرج و مرج را بهانه کرد: «در شمال انقلاب بلشویکی و هرج و مرج خطرناکی بروز خواهد کرد که در وصف نمی‌گنجد و به‌طور کلی کشور در آستانه آشوب است» (ص ۴۱). به این بهانه بخش اعظم کشور در اسفال بریتانیا قرار گرفت (ص ۴۰). در عین حال انگلیس در جهت ایجاد ارتش داخلی قدرتمندی که با سیاستهای او هم جهت باشد می‌کوشید و در پی این هدف آبرون‌ساید را روانه تهران کرد (ص ۵۰ و ۵۱). او در حالی به تهران می‌رفت که می‌دانست به نظر کرزن، دیویزیون‌های «در شرایط موجود تنها نیروی قابل‌است که می‌تواند هسته مرکزی ارتش جدیدی باشد که ما برای ایران در نظر داریم» (ص ۵۲).

به گمان مؤلف کتاب، آمدن آبرون‌ساید به ایران موقعیتی نداشت زیرا رضاخان به نفوذ افسران بریتانیایی گردن نهاد و خود برنامه خاصی داشت. او چنین نتیجه می‌گیرد «ما باستان ۱۹۲۱، دولت بریتانیا کنترل مالی و نظامی خود را بر دولت ایران تا اندازه زیادی از دست داده بود» (ص ۵۸). اما با بررسی مجدد مطالبی که چند صفحه پس از آن (ص ۴۹ تا ۵۲) درباره آبرون‌ساید آمده است می‌توان نتیجه دیگری گرفت. حتی اگر فضاوت مؤلف را درباره رضاساه بپذیریم، می‌توان گفت بریتانیا دریافت بود که نیروهای داخلی که در اثر کودتا حلودار شده و نیروهای سنتی تر را پس زده‌اند، تدابیری اصلاحی بردن که به نظر انگلیس در سر دارند و لذا دلیلی نبود که دست به اقدامی برند. (مثلاً مقاله حدید کاوه بیات درباره تشکیل فسون متحدالسلک نشان می‌دهد که حطور «سنهاد کمسیون مطالعات نظام انگلیس» نقش مهمی در این روند بازی نمود)<sup>۵</sup> ممکن است سؤال شود که در این صورت گزارشهای اعضای ورار خارجه را چگونه می‌توان توجیه کرد. پاسخ این است که با توجه به مخالفت کابینه انگلیس و کمیته هند در مورد تعهد مالی و نظامی در فبال ایران، باید گزارشها تعمداً به‌صورتی تنظیم شده باشد که از حداقل نفوذ بریتانیا حکایت کند. (یک سفر عالرتبه سابق انگلیس، در یک دانشگاه انگلیسی، سواهد متعددی در تاریخ دیپلماسی بریتانیا ارائه کرد که نشان می‌داد گزارشهایی برای مصرف داخلی به‌صورت خاص تنظیم شده بود.)

حرف اصلی کتاب همان است که در بالا خلاصه شد: بریتانیا بعد از جنگ جهانی اول کوشید در ایران نفوذ مالی و نظامی به‌دست آورد. ولی موفق نبود. در گفتارهای بعدی کتاب، از جریانه‌های تاریخی مثل آمدن شورویها به شمال، فعالیت کمونیستهای ایرانی، همکاری انگلیس و آمریکا، و قدرت گرفتن رضاخان یاد می‌شود. انقلاب شوروی لولوی سرخرمن و بهانه جالبی برای انگلیس فراهم آورد. مثلاً وقتی میرزا کوچک خان در

شمال برای استقلال «و باز گرداندن حکومت مجلس و مردم، کنار زدن حکومت خند خانواری زمینداران و آزادی ایران از سلطه انگلیس و روسیه به‌ما حاس» (ص ۷۹)، انگلیسها او را «سوسیالیست خرابکار» خواندند و به تمهیداتی برای سرکوبی او دست زدند. همچنین برای جلب موافقت سوروی، یا دست کم عدم مخالفت آن کشور، بیسناد کردند که اگر سوروی از تبلیغ به نفع حبسه‌های آسیایی دست بردارد با آن کشور مناسبات تجارتی برقرار کند و سوروی هم بدرفت (ص ۸۸). و همین سیاست ممانعت از رسید و موفقیت در مورد حسن حیابانی نیز تکرار شد (ص ۹۰ تا ۱۰۷).

در دو گفهار آخر، که به قدرت یافتن و بیسرف رضاساه اختصاص دارد، مؤلف به نظر قبلی خویش نار می‌گردد که حور «رضاحان علی‌رغم مخالفت بریتانیا قدرت را قبضه کرده بود» (ص ۱۶۳)، آنها مجبور بودند با او کنار بیایند. اما واقعیت این است که پس از سکیل حامعه ملل و جهانی سدن نظام دولت کشور دخالت علنی و مستم در کشورها قدری و بتدریح مسکل سد (در کنفرانس صلح ناریس برای اولس نار کشورهای ریادی از خارج اروپا جمع سدید تا سکیل نظام آینده‌های معلوم سود) نماینده انگلیس در بهران حود افرار نموده بود که «نارگست به سیاست مداخله که در سراط حسگی امکاسذر سده بود دیگر ممکن نیست» (ص ۱۶۳).

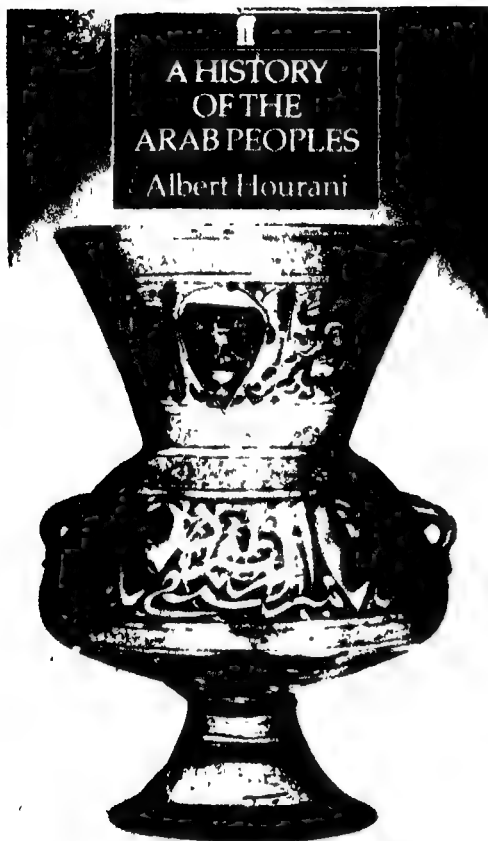
با این همه دو مطلب را باید از نظر دور داشت اول این که به هر حال بریتانیا به حود را هم جهت با قدرت گرفتن نحتکار جدید رضاحانی دید. مؤلف حود این نکته را، علی‌رغم سابع صمی که الفاء می‌کند، در ابتدای گفتار آخر می‌آورد: «در حالی که بریتانیا کاملاً درگیر ساسات تمرکزگرای رضاحان بود، و می‌او به طور مداوم سسرل حود را بر حکومت و بایتخت می‌افرورد عملاً کنار ایستاد» (ص ۱۷۶). دوم و مهمتر اینکه در ساسات ناورها بقس باززتری ایفا می‌کنند تا واقعیات. گیریم این حرف درست باشد که بریتانیا با رضاحان مخالف بود اما باور غالب د میان دولتمردان دیگر این بود که او مورد حمایت انگلیس است لذا جز معدودی مثل مرحوم سید حسن مدرس جرأت مخالفت او نداشتند و راه را برای او کاملاً باز گذاشتند.

حاشیه:

(۵) کاوه بیات. «فرار داد ۱۹۱۹ و تشکیل فسون متحدالسلک در ایران» معاصر. کتاب دوم (تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۹). ۱۲۵ تا ۱۴۰.

# سرگذشت بخش عرب زبان جهان اسلام

فرهنگ رحانی



Albert Hourani *A History of the Arab Peoples* London Faber and Faber, 1991 XVIII + 551 pp Maps + Tables

سلام حون جوباری حازی است که از هر حایی که می‌گذرد یک آنجا را به خود می‌گیرد بی آنکه حوهر و فطرت ناک و حانفیس الوده سود کتاب حدید آلرب حورانی سرگذشت یکی را که اسلام در میان مردمان عرب زبان به خود گرفته است بیان می‌کند

حورانی، به سبب حدادودان اندسه و فلسفه تاریخ، از جمله بن‌حلدون و آریولد توس‌بی، واحد مطالعه را بمدن می‌گیرد و می‌نوسد منطق درونی حاکم بر تمدن اسلامی را در میان اعراب به تصویر نکشد. در این بحقیق، حورانی در بی‌ناقص ناسخ این برسیهاس. مدن اسلامی حگونه سکل گرفت؟ و یکی حوامعی به در بر لوای این تمدن ایجاد سدید کدامست؟ حلاب بسیار دیرنا و حکومهای سلطنتی قدرتمندی که از آن بدید آمدند حه محیصا و حوه نمایری داسسد؟ بر حورد «جهان اسلام» نا مرطوریهای اروپایی به حه صوری بود و حه نتایجی به بار ورد؟ و بالاخره نظام س‌المللی حدید که متنی بر دولت ملی است، جهان اسلام را با حه مسائل روبرو کرده است؟ کتاب سنا ححیم حورانی (۵۵۱ صفحه) صمن است که کوسسی است برای ناسخ به سؤالات ناد سده، نمونه‌ای از تحقیق آرووی مؤلف است برای آفریدن بهترین اثر حویس- هر داسسد و اهل فلمی مدد، از است یک ساهکار فلمی از خود به یادگار بگذارد.

آلرب حورانی استاد بارنسیسه داسگاه آکسفورد که در هفتاد و سح سالگی هنوز فعالانه هر روز سب ماسس تحریر دبیمی حویس به کار نوسن مسعود است، بروهسگری با سده، نویسنده‌ای دبیمی، و مهمتر از همه، معلمی دلشوراست او سهر محسدر در خانواده‌ای لبنانی به دسا آمد و بیس از سسکی در داسگاه آکسفورد تدریس می‌کرد حورانی نویسنده، به ویژه جهان عرب، را خوب می‌سناسد و کتابهای نقدی درباره ساست، تاریخ، اندیسه و متفکران جهان عرب

بألف کرده است یکی از آثار مهم او، اندیسه عرب در عصر لبرالی، از اساسی‌ترین کتابهای درسی تاریخ و سیاست خاورمیانه است که از سال انتشار (۱۳۴۱/۱۹۶۲) تا کون هف بار تجدید حاب سده است. کتاب اثری است سرسار از بصیرت که با مهارتی محققانه نظریات چهار نسل از متفکران را که «عرب هستند یا نه زبان عربی فلم‌زده‌اند» (مقدمه، ص ۱) به تصویر می‌کشد. حورانی، گذشته از بیان نظریات گروهی از متفکران عرب زبان که امارسان در میان سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۹۳۹ میلادی بألف سده، خواننده را با زمینه تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی هر نویسنده هم آسا می‌سازد. در کتاب حدیدس، سرگذشت مردمان عرب، آلبرت حورانی

نه تنها خواننده را از ثمرات تحقیق خود بهره‌مند می‌کند بلکه گزیده‌ای از حاصل کار دانشمندان و دانشوران دیگر را نیز در اختیار او می‌نهد. در مقدمه کتاب آمده است که موضوع کتاب «تاریخ بخشهای عرب زبان جهان اسلام، از فجر اسلام تا زمان حاضر است» که برای «دانشجویان تازه کار و خوانندگان کتابخوان که به مطالعه در این باره علاقمندند» تألیف شده است. کتاب حورانی از جهات بسیار بی‌همتاست. وجه مشخص آن هم در استفاده از منابع جدید و متعددی است که در حنده گذشته به زبانهای متعدد تألیف گردیده است، و هم در اتکای آن به روشهای جدید تحقیق. رهیافت او ملهم از ابن خلدون است و به همین دلیل در درآمدی کوتاه (ص ۱-۴) سرگذشت ابن خلدون و نظریه‌اش را بیان می‌کند. واحد مطالعه برای او، خانکه گفته شد، تمدن است. حورانی از جهاتی صحبت می‌کند که براساس اسلام، و به وساطت زبان عربی، ایجاد شد، جهانی برخوردار و تداوم و استمرار، جهانی که در آن «يك خانواده می‌توانست از جنوب عربستان به اسپانیا مهاجرت کند و سراسر قرون به وطن خود بازگردد و خود را در محیطی آشنا باریابد... معرفتی که طی قرون توسط سلسله مدرسین منتقل می‌شد، حافظ اجتماع اخلاقی بود که از ظهور و سقوط حکام آسیبی نمی‌دید» (ص ۴). این رهیافت موجب می‌شود که ذهن و دل حورانی نگران و مشغول جزئیات تاریخی و وقایع خرد نباشد و به تحولات کلان اجتماعی بپردازد. او می‌خواهد تصویری از جنگل ترسیم کند، ضمن اینکه واقع است که تك يك درختان جنگل نیز مهمند. می‌توان این اشکال را به او وارد آورد که چرا تنها از تداوم، هماهنگی، انسجام، و آرامش سخن می‌گوید، در حالی که رندگی اجتماعی بس تلخ، مخاطره‌آمیز، وحشت‌آور و گاه درنده‌خویانه است و هر کاح رفیعی چه بسا بر نایه اسسماری بنا شده باشد هر چند این ایراد در مجموع بها می‌نماید، اما باید انصاف داد که قصد حورانی نه بیان جزئیات تاریخی بلکه ارائه سرگذشت کلی يك تمدن، یا به قول خودش، «يك جهان» در گذر زمان بوده است. حورانی در پنج بحث به ظهور و شکل‌گیری این جهان، نشیب و فرازهای آن در فبال حالس دیگر تمدنها، و صورتهای گوناگونی که در این میان بخود گرفته است می‌پردازد. در بحث اول، «ساختم سدن يك جهان، سده‌های هفتم تا دهم»، (حورانی تقویم میلادی به کار گرفته و همان در اینجا حفظ می‌شود)، درباره شکل‌گیری دولت و جامعه اسلامی و تدوین و تفصیل مرام (ایدئولوژی) این جهان، یعنی اسلام، بحث شده است. در آغاز دولت قدرتمندی بر پایه‌ای که حضرت پیغمبر (ص) در مدینه نهاده بود، پدیدار شد. سپس دامنه حکومت خود را بر عربستان و بر کل منطقه گسترده و همسایگان قدرتمند خود را از چپ و راست در هم

بیچید. ظهور سلسله‌های متعدد، در خراسان، در مصر، در تونس (افریقیه) و بویه دولت آل بویه، وحدت سیاسی این دولت قدرتمند را از میان برداشت، اما «از قرن سوم و چهارم هجری (نهم یا دهم میلادی) حزی ظهور کرده بود که می‌توان آن را 'جهان اسلامی' نامید» (ص ۵۴). «پس از قرن دهم، مردان و ربان خاور نزدیک و مغرب در عالمی زندگی می‌کردند که در حارحوب اسلام تعریف می‌شد. جهان به دارالاسلام و دارالحرب تقسم می‌گردید... اسلام همچنن به افراد هویتی بخشیده بود که ایسان را از دیگران ممایز می‌کرد» (ص ۵۷). رهیافتهای متعدد سریع، طریف و فلسفه امکان ارتباط علمی و برور بحث بویا را در این جهان بفرام آورد و موجب شد که حرایانه‌های فکری ارحرب و تحجر دور بمانند و سکوفایی تصوف و مکاتب فقهی و فلسفه‌های متفاوت امکاسدیر سود (ص ۶۹-۷۹).

بخش دوم به نبح سده از تاریخ جهان اسلامی، از قرن نازدهم تا نازدهم میلادی، می‌پردازد؛ فروبی که طی آن از يك طرف مررهای جهان اسلام تا آناتولی و هند بیس رفت، ولی از طرف دیگر اسپانیا از دسب مسلمانان بیرون آمد و به دست مسحبا، افتاد. در عرصه فرهنگی اسلام، زبان فارسی و ربان ترکی به واسطه ارتباطی شد؛ حتی در هندوستان زبان اصلی و زبان سیاست و تمدن زبان فارسی گردید. در نوردین جهان اسلام بوسا سواران مغول نه فقط «جهان اسلامی» را از بین نبرد بلکه باع سد که وحدت سیاسی بیس از میان برود و برور عرصنها منطقه‌ای و تسکیل دولتهای مستقل باع غنی تر سدن فرهنگ تمدن اسلامی در اسکال مختلف گردد. تداوم جهان بینی و مر اسلامی بستر مسترک تاریخی- فرهنگی ای فراهم آورد و رود «جهان اسلامی» در این بستر به حرک خود ادامه داد. ستر، این بطوطه ارتباط اندامواره میان شهرها و سرزمینهای جهان اسلامی را نشان می‌دهد... «زیارتی که او در سن سب و سالگی آغاز کرد در واقع شروع زندگانی بود که سراسر سیاحت گذشت. از موطن خویش در طنجه مراکش آغار کرد و طریق سام راهی مکه شد؛ سپس از بغداد به جنوب غربی ایرا یمن، افریقای شرقی، عمان و خلیج [فارس]، آسیای صغیر، قفقاز



حبوب روسیه، هندوستان جزایر مالدیو و چین رفت و سرانجام به مریطل خویس بازگشت و از آنجا راهی آندلس و صحرا شد. هر جا رفت و با هر دانشوری برخورد کرد از طریق فرهنگ مسترک و به وساطت ریان عربی ارتباط برقرار نمود» (ص ۱۲۹). سرگذشت این بطوطه سرگذشت بیوستگی، انسجام و همگونی در فرهنگ «جهان اسلامی» است.

بخش سوم کتاب، به تاریخ «جهان اسلامی» در دورهٔ امپراطوریهای بزرگ اسلامی یعنی از سدهٔ شانزدهم تا هیجدهم اختصاص دارد. در این دوره سلسله‌های عثمانی، صفوی و تورکمانی در جهان اسلام قدرت نمایی می‌کنند. از این میان حورانی، تنها به سرگذشت خلافت عثمانی می‌پردازد. «امپراطوری عثمانی یک دولت اروپایی، آسیایی و آفریقایی بود، با منافع حیاتی و دسمنامی در هر سه قاره» (ص ۲۲۵). بدین ترتیب «جهان اسلامی» در این دوره از حیات خود می‌بایست با سه حرف فرهنگی دست و پنجه نرم کند و در واقع تا اواخر قرن هیجدهم که غلام زوال و ضعف در سکر آن نمودار شد، به مدت سه سده تعادلی برقرار و «جهان اسلامی» هوربا بر جا بود. اما در اواخر این قرن، عثمانی در وضعی نابرابر قرار گرفت و «به موازات بیسترسدن فاصلهٔ می بین برخی کشورهای اروپایی شمالی با بقیهٔ جهان، شرایط به طور فزاینده و عمیقی» به صر عثمانی تس رفت (ص ۲۵۹). «رسد قدرت نظامی اروپای عربی هور مستقماً تجربه شده بود»، اما «از سالهای آخر سدهٔ هیجدهم، ساختار نجارب اروپا با حاورمانه به وضوح در حال تغییر بود، (ص ۲۶۰ تا ۲۶۱). دولتمردان و صاحبمنصبان عثمانی دریافته بودند که امپراطوری در خطر است.

بخش چهارم کتاب با عنوان «دورهٔ امپراطوریهای اروپایی» از اوایل سدهٔ نوزدهم تا آغاز جنگ جهانی دوم را در برمی‌گیرد. «سدهٔ نوزدهم عصری بود که در آن اروپا بر جهان مسلط شد» (ص ۲۶۳). مناسبات «جهان اسلامی» با بقیهٔ جهان تغییر کرد و «فرهنگ امپریالیسم» سایهٔ خود را بر سراسر جهان گسترده. در اواخر قرن نوزدهم گفتهٔ کیلیگ مذهب محار شده بود که «سرق سرق است و غرب غرب» (ص ۳۰۱). ظهور افلیتی که تحت تأسر ناسیونالیسم اروپایی و جنبشهای اصلاح مذهبی در آن منطقه می‌خواستند تحولات اروپا را در جهان اسلام بکار کنند موجب برخی اصلاحات نظامی، اداری و مالی گردید «با این حال، مدارس قدیم ادامه پیدا کردند و تولید آثار علمی در علم کلام و فقه ادامه یافت» (ص ۳۱۱). در واقع، کوسس نخبگان اروپا دیده و اصلاحات ملهم از اروپا نه تنها راه به جایی نبرد، بلکه با افزایش و ادج نفوذ کشورهای اروپایی و از هم پاشیده شدن خلافت عثمانی مصادف گردید و در واقع «از تمام کشورهای عربی تنها سبه جزیرهٔ

عربستان از سلطهٔ اروپاییان آزادماند» (ص ۳۱۹).

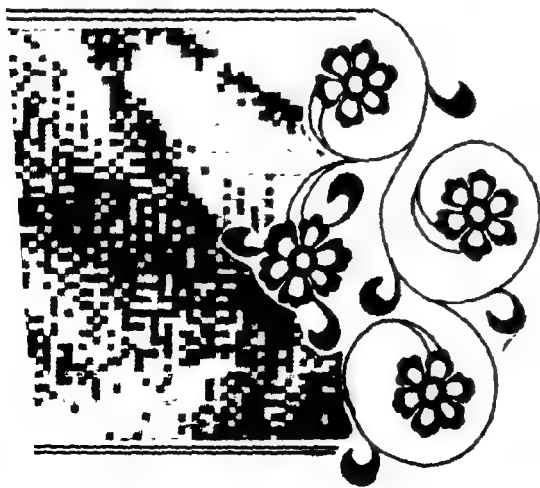
فرهنگ حدید هورریک و بوی «جهان اسلامی» را داشت اما «رورنامه و رادیو و فیلم صورت جدید و ساده شده‌ای از زبان عربی ادبی را در سراسر جهان عرب می‌براکند» (ص ۳۴۰). دورهٔ تألیف آثار حسرت آلود و بدافعی دربارهٔ عصری که سری شده بود، فرارسیده بود «جهان اسلامی» از نظر نحوهٔ نگرش نیز تحربه شد و جهان بینی دو چهرهٔ «جهان اسلامی نخبگان» در مقابل «جهان اسلامی مردمی» رخ سان داد. اخوان المسلمین مشکل مسلمانان را در «روحیهٔ تقلید پس از حد و تصوف می‌دانستند... و برای آنان حل مشکل با بازگشت به اسلام حقیقی و قرآن و احتهاد اصیل و اعمال کردن تعلیمات دین در همهٔ ابعاد زندگی آغار می‌شد» (ص ۳۴۹). این تحربهٔ فرهنگی و قطبی شدن حوامع در جهان اسلام رمایی رخ داد که مفهوم «دولت ملی» جهانی شده بود و حبسهای استقلال حواه می‌خواستند به استقلال سیاسی دست یابند و به سطح يك کشور مستقل برسند.

بخش سجم کتاب به سرگذشت اعراب از آغاز جنگ جهانی دوم تا عوان «عصر دولت ملی» می‌پردازد. جنگ جهانی دوم حوارا به هم رد. کشورهای اروپایی از مقام باریگران اصلی صحنهٔ سیاست خلع شدند و جهان دو قطب سیاسی پیدا کرد، يك قطب ایالات متحده و دیگری روسیهٔ شوروی. آخرین کوشش قدرت‌های بزرگ برای کنترل بخشهایی از جهان اسلام، یعنی بحران کانال سوئز در ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) و انقلاب الحزای ۱۳۳۲-۱۳۴۱ (۱۹۵۴-۱۹۶۲)، با نامرادی مواحه شد. از مشکلات درونی از جمله «افرایش جمعیت و فسناری که بر منا؛ ملی وارد می‌آورد همه جا حسگیر بود» (ص ۳۷۳) عص تحولات داخلی و کوششهای اصلاح طلبانه برای برقراری هر چه بیستر برابری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آغاز شد. از هر به رمزیهٔ استقلال فرهنگی برخاست و آثار ادبی جهان عرب «مسائل مربوط به آزادی فردی و هویت ملی برداختند» (ص ۳۹۷).

در این حوزه است که رفاشتهای مرامی (ایدئولوژیکی) با ناسیونالیسم عربی، سوسیالیسم، اسلام و پان عربیسم مزید

فیناً اغراض فردی و احساس همبستگیهای قومی و نمایان  
مرامی (ایدئولوژیکی) نشان خود را بر انتخاب و تحلیل و ارائه  
مطالب گذارده است. تمایلات فکری حورانی در جهت  
ناسیونالیسم عربی و اندیشه سکولارسم بدون سک در کار او  
تأثیر داشته‌اند؛ صرف نظر از تحلیل بحسب امیرار بیسگامان،  
سردمداران ناسیونالیسم عربی، در فضاوت درباره آینده «احیای  
جهان اسلامی»، «بنادگرایی» را مرحله‌ای گذرا می‌داند و اسد  
اندیشه سیاسی / اجتماعی «جهان اسلامی» را از آن امر  
انسانگرایی جدید و اندیشه آرادی و برابری اجتماعی که ملهم  
فرآن مجید است می‌داند. افرون بر آن، هر جا که در متن و نفست  
صحب از حلیح فارس است، تنها نه کلمه «حلیح» اکفا سد  
است، که از محقق وارسه و بی طرف بعید است

دیگر آنکه نه تأثیر مسئله فلسطین که خون رحمی کهنه نه به  
التمام با نافیسی است و در دهه‌های اخیر بیس از هر مسئله دیگر  
جهان عرب تأثیر داشته است حر اساره‌ای سر سری سده است  
در واقع مسئله فلسطین برای اغلب مفکران و اهل فلم عربی  
مانند از همگونی جهان عرب و عرب صحبت کند یادآور  
ساعت و مسئله فتر اضافی است شخصی ساعی قدیمی دار  
که دبی و منظم کار می‌کرد ساعت را از هم ناز کرد و  
حله‌ها، و خرخ دنده‌های متعدد را ناک و روغنکاری کرد و  
بر هم سوار کرد ساعت شروع به کار کرد ولی یک فتر اضافه  
در دست صاحب آن نافی مانده بود و صاحب ساعت نمی‌دانست  
که باید با آن چه کند. کتاب حورانی هم که از یک نظام مور  
همه‌هنگ صحبت می‌کند، و بسیار حالت هم هست، نمی‌داند  
برخی از مشکلات که میل فتر اضافی ساعت می‌بو  
دستسان خلاص سد و به نظر وصله ناحوری برای یک  
هستند، چه باید نکند.

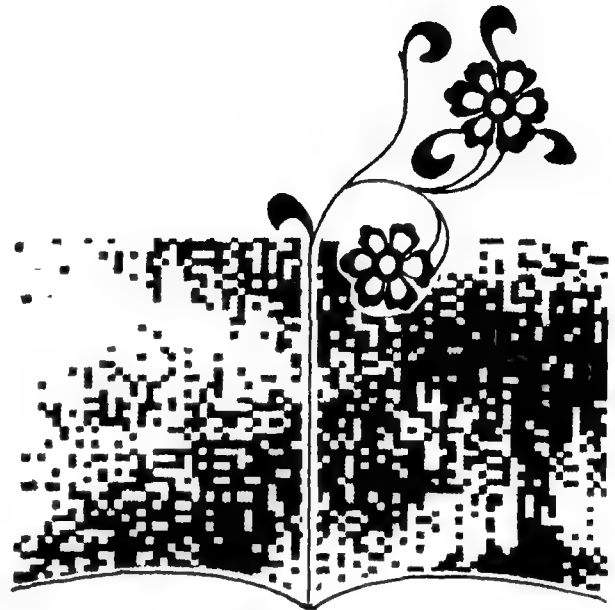


مشکلات اقتصادی و اجتماعی گردید. ورود آمریکا به جهان  
عرب گره جدیدی بر مشکل «جهان اسلامی ارونازده» افرو. در  
نتیجه تحر به‌ها و بیداریها، پرودی جهان عرب دریافت که «آنج  
به نظر اعلام استقلال سیاسی و اقتصادی می‌رسد، در واقع قدم  
اول واستگی عظیم بر به ابالات محده بوده است» (ص ۴۱۹)  
مرگ جمال عبدالناصر و وقایع دهه ۱۹۷۰ «روای اسقلال» (ص  
۴۲۳) را به کابوسی وحشتناک تبدیل کرد. مسئله ریسه‌دار و سمح  
فلسطین هم گره کوری سده بود که سحیدگی مشکل را دو چندان  
می‌کرد. شکست اعراب در جنگهای ۱۳۴۵ (۱۹۶۷) و ۱۳۵۲  
(۱۹۷۳) در واقع صر ناتی بود کاری بر اندیشه ناسیونالیسم عربی  
و نان عربیسم. شکست مرامها و روسهای ملهم از غرب در حل  
مسائل کشورهای عربی، و ناتوانی انها در بر فراری عدالت سسی  
در فبال انفجار جمعیت و مهاجرت بی رویه و فزایده نه سهرها  
موجب شد که مردمان عرب به سوی نازساری «جهان اسلامی»  
روی آورد. انقلاب اسلامی در ایران هم نمونه‌ای برای بحر بخش  
بودن حنان کوسسی ارائه نمود. عصر «بنادگرایی» که آغاز سده  
است، گرچه آلبر حورانی صریحاً نمی‌گوید، طلیعه دوران  
احیای «جهان اسلامی» است. تعریف آلبر حورانی از این واره  
مؤید این مدعاست: «واره بنادگرایی، که باب رور سده است،  
می‌تواند محتمل معانی مختلف باشد. ممکن است ان را برای سان  
این معنا به کار برد که مسلمانان باید بکوسند به تعلیمات و سره  
حضرت محمد (ص) و سلف صالح نارگردند... اس واره را  
می‌توان همچنین برای بیان طر رتلفی... کسانی نه کار گرفت که  
می‌خواهند میراث گذشته خود را ناس دارند، یعنی تمامی سنت  
فراهم آمده اسلام را که نه آنها رسده است، و در عین حال با  
احتیاط و با احساس مسؤولیت به تعدیل آن دست نزنند» (ص  
۴۷۵).

کتاب حورانی سرگدسی حوادی است که خوب و ناکیزه  
تحریر شده است. ساهکار اوست اما واره ساهکار را نباید به  
مسانه کسفی عظیم یا جدید یا نادر تلمی کرد. همان طور که ذکر سد،  
ارزش کتاب در سفره‌ای است که حورانی از نعمتهای مختلف، به  
سلیقه خاص خود، گسترده است. نقطه قوت کتاب توانایی مؤلف  
در ارائه تصویری نسبتاً همگون از جریان تاریخی یک تمدن است.

نظر اجمالی به

## چند کتاب چاپ خارج



قبیله سیزدهم، اسباط گمشده، یا یهودی سرگردان؟

Partitt, Tudor, *The Thutteenth Gate-Travels among the Lost Tribes of Israel* London Weidenfeld and Nicolson 1987 IX + 166 pp £ 12 95

تودور پارتیت دروازه سیزدهم- سیری در میان قبایل گمشده اسرائیل، مؤسسه انتشاراتی ویدنفلد و نیکلسون، ۱۹۸۷، نه + ۱۶۶ صفحه، ۱۲/۹۵ پوند.

اسطوره گم شدن ده سبط از اسباط دوازده گانه نئی اسرائیل، که از ناماترین اسطوره‌های مذهبی بوده، با همب و نلاس داعیانی که داسته به پیدا شدن طوایفی از یهودیان و یا حتی گاهی غیر یهودیان انجامده است که از اعقاب آن اسباط مفقوده دانسته شده‌اند یکی از نخستین داعیان بر حرارت این اسطوره الداد حادانی (Eldad ha-Dam)، سیاح و جغرافی نویسنده یهودی قرن ۳/۹ بود. بعداً حملات مغول در قرن ۷/۱۳ قوت بیسری به این دعاوی داد، و از آن پس دیگرانی نیز پیدا شدند که هر چندگاه یک بار تصور این اسطوره را تافتند. حتی کسانی در عهد کرامول مدعی شدند که انگلیسیها از اعقاب اسباط گمشده نئی اسرائیل اند. برخی دیگر از این داعیان و مدعیان افغانها، فالاساها، سرخوستان آمریکا، و زانشیا را نیز از اعقاب همین اسباط گمشده دانستند. در مورد طوایفی همچون حزران که اصلاً یهودی نبوده و

بعداً یهودی شده‌اند، ناورهای دوگانه و متناقضی موجود است؛ برخی، مانند آرتور کستلر یهودی آنان را به کنایه «قبیله سیزدهم» یا «سبط سیزدهم» دانسته‌اند. باری، کتاب دروازه سیزدهم تودور نارفب مدعیان تازه‌تر و بستری برای انتساب به اسباط گمشده نئی اسرائیل خسته است. این کتاب رهاورد سفرهای نویسنده به کشورهای مختلف دو قاره آسیا و افریقا است که طی آن وی در ایجا و آنجا گروههای مروتی و عربی از یهودیان را یافته که مدعی تعلی به قبایل گمشده نئی اسرائیل بوده‌اند. یک یهودی هندی بر آن بوده که اسلاف او بعد از انهدام نخستین معبد عبرانیان در اورسلیم به سبه قاره آمده بوده‌اند؛ یهودیان آسام گمان می‌کرده‌اند که از دُرِیه منسی (Manasseh) بوده‌اند؛ یهودیان فالاسای اتوبی خود را از اعقاب دان (Dan)، یکی دیگر از اسباط گمشده نئی اسرائیل می‌داسه‌اند؛ فسله لمبا (Lemba) در افریقای جنوبی که به یهودیان ساهوسب کروگر (Kruger) معروفند، نیز مدعی‌اند که همچون فالاساها یهودی‌اند، اما قبیله گمشده خود را نمی‌داسند؛ و بالآخره فرقه‌های یهودی سده راسی علاوه بر آن که خود مدعی تعلی به قبیله گمشده ربولون (Zebulun)، از حمله اسباط دوازده گانه نئی اسرائیل، هستند، ادعا می‌کنند که خانواده امرا توری ران نیز به همین قبیله گمشده یهودی تعلی دارد. نویسنده در طول مسافرتها خود در کشورهای مختلف دو قاره آسیا و افریقا، گروههای دیگری نیز یافته است که مدعی بوده‌اند از قبایل گمشده نئی اسرائیل‌اند: یهودیان از باد رفه سوری که در اردوگاههای خود در دمشق و حلب محسوس‌اند، و با قبیله در حال انراض یهودیان جنوب سری آسیا که رورگاری جوامع مقتدر و بر و تمندی بوده‌اند این کتاب که حاوی اطلاعات قابل توجهی در این زمینه‌هاست، گزارش گونه‌ای است که آسکارا نا همدلی قابل ملاحظه یهودیان فراهم آمده است، و شامل یک مقدمه و سس فصل اصلی، و نیریک فهرست توضیحی اصطلاحات و کتابسای گزیده است. عناوین فصول سسگانه کتاب از این قرار است. فصل اول- «یهودیان گروگان در سوریه قبیله از یاد رفته»؛ فصل دوم- «قبایل گمشده نئی اسرائیل در هند»؛ فصل سوم- «سنگانور: حامعه در حال انراض یهودیان»؛ فصل چهارم- «ار قبیله زبولون»؛ فصل پنجم- «بجای یافتن فسله دان»؛ و بالآخره فصل ششم- «زندانیان و ندا» که در باره یهودیان افریقای جنوبی است. کتاب حاوی ۲۱ تصویر سیاه و سفید است که به فصول مختلف کتاب مربوطند نویسنده کتاب استاد مطالعات عبری و یهودی در مدرسه مطالعات سری و افریقای داسگاه لندن است، و بستر نیز آمار دیگری از این دست منتشر کرده است.

مرتضی اسعدی

## موسیقی شرقی: تاریخ کهن و فضای امروز

*Cahiers d'études sur la Méditerranée orientale et le monde turco-iranien*, Publications de l'AFEMOTI, Paris, no 11, 1991, 212p

مطالعات مربوط به شرق مدیترانه و قلمرو ترک و ایرانی، انتشارات انجمن فرانسوی مطالعات شرق مدیترانه و قلمرو ترک و ایرانی، پاریس، شماره ۱۱، ۱۹۹۱، ۲۱۲ص

در سالهای اخیر توجه به مسر و زمین و مخصوصاً ایران در کشورهای مغرب زمین فزونی گرفته است. علت آن روشن است. از هم پاسده شدن سنتا ناگهانی نظام ناسازی و استقرار جمهوری اسلامی تحول عظیمی در منطقه ندید آورد که آثار و عوارض بسیار و گوناگون در بی داشته است آنچه روی داد موجب شد تا انسان مغرب زمینی عالمی دیگر را کشف کند که تا آن هنگام ناملموس و کم ساحتی بود. از آن س بدوی و انتشار کتاب و مقاله درباره منطقه و مخصوصاً ایران چندان رونق گرفت که احصای همه آنها مقدور نیست سعلۀ این توجه هوز هم فروکش نکرده است و هر چندگاه به صورت کتاب یا سریه با مقاله ای تازه از يك نقطه سر بر می کسد

نشریه مطالعات مربوط به سر و مدیترانه و قلمرو ترک و ایرانی از آن جمله است که شماره یاردهم آن اخیراً به دست ما رسیده است و يك شماره اختصاصی است که به بررسی «فضای موسیقایی و فضای تاریخی» مسر و زمین اختصاص دارد. برخی از عنوانهای این شماره به فرار زیر است: «ضیاء گوک آلب و موسیقی کلاسیک ترک»؛ «تصفیه موسیقی در ایران اسلامی و تلاس برای بهبود آن»؛ «موسیقی مانکل جکسونی هیج جایی در ایران ندارد»؛ «ر به تیکو، آواز سیاسی در مرر دو فرهنگ»؛ «موسیقی مردمی افغانستان»...

فراهم آوردندگان این سریه چندن ار ایرانیان و برکهای مفیم فرانسه هستند که از همکاری و کمک استادان و محققان کسورهای دیگر هم بهره می گیرند.

## ترجمۀ فرانسوی «کشف المحجوب»

Hujwiri. *Somme spirituelle*, traduit du persan, présenté et annoté par Djamchid Mortazavi, Paris, Sindbad, 1988, 485p.

هجویری. گنجینه معنوی، ترجمه از فارسی با مقدمه و یادداشت به قلم جمشید مرتضوی، پاریس، سندباد، ۱۹۸۸، ۴۸۵ص.

ابوالحسن علی بن عثمان بن علی غروی جلابی هجویری، صوفی نامدار خراسانی که در قرن نجم هجری زندگی می کرد به قول خودش ده کتاب در تصوف تألیف کرده بوده است، اما فقط

يك امر او به نام کشف المحجوب به جا مانده است.

کشف المحجوب را نخست بار نیکلسون به انگلیسی ترجمه کرد (البته بخش اعظم آنرا) و در ۱۹۱۱ در لیدن و لندن به حال رساند. س از آن رو کوفسکی متن فارسی آن را براساس نسخ نسخه تصحیح و در ۱۹۲۶ در لنینگراد چاپ کرد. نیکلسون از کتاب را «قدیم ترین متن فارسی درباره تصوف» داشته است ترجمۀ فرانسوی کتاب که با یادداستهای بسیار همراه است خوانندگان فرانسوی را با گوشه هایی از تصوف ایرانی در فر نجم آشنا می کند.

## مطالعات ایرانی - آریایی

*udes irano-aryennes offertes à Gilbert Lazard, réunie par C-H de Fouchécour et Ph Gignoux (Studia Iranica, hier, 7), Paris, 1989, XVIII + 383 + 27p*

مطالعات ایرانی - آریایی تقدیمی به ژیلبر لازار، به کوشش شار هانری دوفوشه کور و فیلیپ ژسیو، پاریس، انجمن پیشبرد مطالعه ایرانی، ۱۹۸۹، هجده + ۳۸۳ + ۲۷ص.

ژیلبر لازار (متولد ۱۹۲۰م / ۱۲۹۹ س.) داسمندی است سراسر عمر علمی خود را صرف مطالعه در فرهنگ ایرانی است. رسالۀ دکترای او با عنوان «ربان قدیمی ترین متون فارسی» که در ۱۳۳۹ تدوین شده است و از کتابهای زبان سناسی فارسی به شمار می رود، هنوز هم بازگی دارد و ارجاع واقع می شود. او از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ به تدریس در ربانهای رندۀ مسر و زمین پرداخت و در سیوه آموزش فارسی ابداعاتی کرد که همچنان به کار می رود. در ۱۳۴۵ ربانها و تمدن ایرانی را در دانشکده ادبیات و علوم ا داسگاه سوربن بنیاد نهاد و کمی بعد مدیریت مطال زبان سناسی و هه اللغة ایرانی را در مدرسه عالی علوم عهده دار شد.

ژیلبر لازار تاکنون نازده کتاب و بیس از صد مقاله منتشر کرده است. در تقدیر از این داسمند ایران سانس دوستان و ساگردانس مجموعه ای تهیه کرده اند حاوی مد زبانهای آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و فارسی، بدین س:

۱. شرح احوال ژیلبر لازار؛
۲. فهرست کارهای ژیلبر لازار؛
۳. قول ابن بزار در مورد چگونگی ترک شدن آذربایه (اوین)؛
۴. واره زرتشتی «فرست» به معنای بروت (هارولد
۵. نام روزهای هفته در زبانهای ترکی (لویی بازز
۶. لری فیلی، یکی از لهجه های کردی (جویس

۷ اسعار پیسگویان فارسی در مقایسه با زند و هومن یش  
ری بویس؛

۸ موسیقی در آسمان، زهره (راك دوسن گیلمن)؛

۹ نَتَل یا ضرب المِئل در زبان بلوخی (ر الفناين)؛

۱۰ يك كابوس ختنی (آر. ای. امريك)؛

۱۱ گراس معراج در آثار نظامی (سارل هانری دوفوسه کور)؛

۱۲ يك منكل تاريخی در بررسی گویسهای فارس (ریحارد  
'ی)؛

۱۳ مرخان و مروارید (ایلیا گرسه ویح)؛

۱۴ درباره مانوی و اسماعیلیه (فیلپ ریبو)؛

۱۵ احتمال وجود اختلاف میان دری و پارسی (گ. گولی)؛

۱۶ هونها در اسناد سعدی کوه موع (فرانتس گرونه)؛

۱۷ درباره مهرهای حجاری دوره ساسانی (ریگا گیرل)؛

۱۸ سد هفتادم کتیبه بیسون (کلاریس هرسمب)؛

۱۹ حند واره بلخی مختوم به - بُ (هلموب هومباح)؛

۲۰ اهورامزدا يك خدای خلاق نسب (ران کِلن)؛

۲۱ یادداستهای درباره گویس ساسانی افغان (سارل که فر)؛

۲۲ دو واره ارمنی ایرانی الاصل (سارل دو لامرتری)؛

۲۳ گروهبندی ربانهای عربی ایران (بی یو لوكوك)؛

۲۴ ربان خوارزمی در متون حقوقی (دی. ان مکزی)؛

۲۵ درآمدی بر انتقاد وارگانی ساهنامه (ام. عثمانوف)؛

۲۶ حذف در ربان بلوخی (آدریانو رُسی)؛

۲۷ سوگند خوردن در فارسی (مارتس سوارتز)؛

۲۸ یادداستی درباره گویس ساسانی سستو (دانیل ستفون)؛

۲۹ یادداستی درباره حرف «ب» در گویس یهودی ایرانی  
نول سیکد)؛

۳۰ قطعه تازه یافته‌ای از يك سرود مانوی (نیکولا سیمس  
امر)؛

۳۱ يك متن مانوی به فارسی امروزی (وربر زوندلمان)؛

۳۲ یادداستهای درباره حند واره قدیمی (احمد تفضلی)؛

۳۳ لهجه آران و بیدگل (احسان یارساتر)؛

۳۴ کتاب شناسی گویشهای ایرانی (ایرج اسفهار)؛

## ترجمه تازه‌ای از قرآن کریم

Le Coran, Essai de traduction de l'arabe, annoté et st  
d'une étude exégétique par Jacques Berque, Pa  
Sindbad, 1990, 840p.

آن الکریم، ترجمه از عربی با حواشی و مقدمه تحلیلی از ژاک برک،  
پس، سندباد، ۱۹۹۰، ۸۴۰ ص.

ن مجید تاکنون بارها به زبان فرانسوی برگردانده شده است.

نخستین ترجمه در نیمه نخست قرن هفدهم توسط آندره دوری  
انجام گرفت. دوری به کسی است که در ۱۶۳۴ ترجمه فرانسوی  
گلستان سعدی را انتشار داد. پس از آن ترجمه‌های دیگری توسط  
راك ساواری (نیمه قرن هجدهم)، کازیمیرسکی (نیمه دوم قرن  
نوزدهم)، بلاسر، دونیر ماسون، ادوار مونته، آندره سوراکي (فر  
حاضر) به عمل آمد و امسال سر ترجمه راک برک که آخرین  
آنهاست.

راك برک که عضو فرهنگستان زبان عربی مصر و استاد ممت  
کالج فراسه است يك بویسنده و جامعه‌شناس قدیمی است  
سالها در مصفهای ساسی و فرهنگی در کشورهای عربی، به ویژه  
مصر خدمت کرده است و به ربان و ادب عربی نیک آشناست و ل  
ترجمه‌ای که از قرآن کریم به دست داده است ترجمه‌ای دقیق  
است که بر پایه سناح عمیق از زبان عربی صورت گرفته است  
مترجم کوسیده است تا برای حفظ ساختار ربان قرآن، زبا  
نسباً کلاسیک را به کار گیرد و در نتیجه ربان ترجمه او که به زب  
فرانسوی قدیم نزدیک است حواسده آسان‌سند را خون  
نمی‌افتد، اما در عوض ریزه کاریهای ظریف ربان قرآن را نس  
می‌دهد.

يك مؤخره هساد صفحه‌ای در باب تاریخچه رول قرآن کریم  
حگونگی گردآوری آن، متسناها و محکما، سوره‌های مک  
سوره‌های مدنی، ربان قرآن و خصوصیت‌های دستوری آن، معا  
کلمات و آیات و سوره‌ها، مفاهیم اصلی در قرآن، اهمیت عقل  
سریع و ماوراء طبع و ابدیت و حقیقت که قبل از هر حیر فر  
دارد... اطلاعات دیقیمی در دسترس خواننده قرار می‌دهد و او  
تا حقیقت قرآن آسان می‌کند. فهرست تفسیرهایی که به زب  
عربی مورد استفاده مرحم بوده‌اند، فهرست الفبایی سوره،  
فهرست اسامی خاص و فهرست مفاهیم و موضوعهای عمده  
سودمندی این ترجمه می‌افزایند.

مفدا فرانسوی در باره این ترجمه بسیار نظر داده‌اند. ا  
برجمه به فولی توسط یکی از معتبرترین عربی دانان امروز صور  
نذرفته است و به فولی «حال و هوای قرآن را به زبان فرانسوی  
منتقل می‌کند»، و به فولی «کتابی است که هر فرانسوی علاقه،  
به اسلام باید سب و روز با خود داشته باشد»، و به فولی دی  
«ساهرکار زاک برک است».

نفاست چاپ این امر و کاغد بسیار اعلای آن به ارزش صور  
آن افزوده است.

آزاد بروجرا

## کلیات

### ● فهرست، کتابشناسی

(۱) آیین، گیتی (زیر نظر). کتابشناسی ملی ایران (۱۳۶۳) - نیمه دوم شماره ۵۴). تهران. کتابخانه ملی ایران. ۱۳۶۹. ۴۷۲ ص. ۳۰۰۰ رو براساس این کتابشناسی در نیمه دوم سال ۱۳۶۳، ۲۳۵۹ عنوان کتاب حروف منتشر شده است: ۱۷۹۵ عنوان کتاب برگزیده، ۴۹۸ عنوان کودکان و ۶۶ حروف

(۲) حدادپرست، کبری (و) احمد صباگردی مقدم. راهنمای روزنامه ایران، ۱۳۶۷. تهران. کتابخانه ملی ایران. ۱۳۶۹. [۱۴] + ۶۷ ص. ماه فهرستهای راهنما ۴۰۰ ریال.

این راهنما ۸۸ عنوان روزنامه و حرامه (اعم از حرامه‌های ویرانخانه‌ها و نهادها و دانشگاه‌ها و غیره) را که در سال ۱۳۶۷ به فارسی، عربی، ترکی، کردی، ارمنی و انگلیسی در ایران منتشر شده کرده است. بخشی از این راهنما به معرفی روزنامه‌هایی اختصاص داده شده است. سماترانه‌های کشورهای گوناگون در ایران مسر می‌سازند. روزنامه‌هایی که در این قسمت معرفی شده سریه‌ای است که سماتر حمایر شوروی در ایران منتشر می‌کند در تماس با حسن مطوع سماترنامه معلوم شد که ده سال است که دیگر چنین روزنامه‌ای در ایران نمی‌سود

(۳) صابر، فیروزه (و) نوشین عقلی (و) آزاده عبیدی (و) سرین اشتیانی. فهرست موضوعی مجموعه آثار دکتر علی شریعتی (طرح هندسی مکتب) با مقدمه‌ای از حسن یوسفی اشکوری مدرس ۱۳۶۹ ۱۱۴ ص ۴۵۰ ریال

(۴) [مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی] کتابشناسی گزیده آثار آیین بودا [تهران] وزارت فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹ ۱۱۵ ص فهرستها.

این کتابشناسی ۲۲۸ عنوان کتاب فارسی و عربی را که در باره سده یا به بودا و عقاید او اشاراتی دارند، معرفی کرده است. ارائه کامل در باره کتابخانه و محلی که هر کتاب را می‌توان در آن یافت از این کتابشناسی است

(۵) [مدیریت نمایه‌سازی سازمان مدارك فرهنگی انقلاب فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی (دو ۱۳۶۶). تهران سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۶۹ + ۵۳۷ ص. فهرست راهنما ۱۵۰۰ نسخه، ۱۵۰۰ ریال

فهرست حاضر کلید راهنمای کلمه مقالاتی را در اختیار می‌گذارد ۱۳۶۶ در باره حوزه‌های گوناگون فرهنگی منتشر شده است دارای تقسیم‌بندی موضوعی است با عناوینی چون: کلیات، سیاه و جامعه، هنر، اقتصاد و غیره

(۶) [یکتا، یوسفی (گردآوری و تنظیم)]. فهرست اساسی نمایندگان ۲۴ دوره مجلس شورای ملی (نشریه شماره ۵) [انتخابات وزارت کشور ۱۳۶۸. ۲۹۴ ص.

کتاب حاضر تمام ادوار قانونگذاری مجلس شورای ملی را، در ۱۲۸۵ (نصف مربوط به) با بیرونی افلاک اسلامی در اعضای هیئت رئیسه مجلس شورای ملی در هر دوره قانون نمایندگان مجلس شورای ملی به تفکیک هر دوره، اسامی نمایه دی. اسامی نمایندگانی که دوره نمایندگی آنها تا پایان ادوار جدول اسامی حوزه‌های انتخابیه‌ای که در هر دوره فاعداً حداقل وضعیت سنی و تحصیلی نمایندگان مجلس شورای اطلاعاتی است که این فهرست در اختیار می‌گذارد

### ● کتابداری

(۷) دینانی، محمدحسین. روشهای تحقیق در کتابداری



## کتابهای تازه

امید طبیب‌زاده



شر دانشگاهی ۱۳۶۹. هفت + ۱۶۸ ص نمودار. جدول ۹۰۰ ریال  
بررسی مفاهیم، روشها و تحلیلهای آماری مورد استفاده در تحقیقات  
معداری و سرخ انداره گیری و سنجش خدمات کتابخانهها ارجحله صاحب  
مرد بحث در این کتاب است کتاب حاضر اساساً برای دانشجو و  
تلاطمندان حرفه‌ای رشته کتابداری نوشته شده است

## ● مجموعه‌ها

۸) انصاری، نورالحسن (و) عبدالودود اظهار دهلوی (و) شریف حسین  
فاسمی عابدی نامه دهلوی. انجمن فارسی‌ها همکاری گروه زبان و  
ادبیات فارسی دانشگاه دهلوی ۱۹۹۰ ۳۸۹ ص + ۱۱۸ ص انگلیسی  
برو فور سید امر حسن عابدی ارجحله فارسی‌دانان و استادان ادبیات  
فارسی در هندوستان بود که پس از استقلال هند محدوده کمر به احیای زبان  
فارسی در هندوستان بست گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه دهلوی این  
مجموعه را به پاس خدمات او به اسم وی نامگذاری کرده است عنوان برخی  
مقالات و نویسندگان این مجموعه را می‌آوریم «بعد و بررسی شعر عنصر  
فاجاریه از ظهور فتح علیشاه تا انقلاب مشروطیت»، علوی مقدم / «مطالعه‌ای  
بر نسخه‌های دست‌نویس تحف‌المعانی و مطلوب المصاحف»، عطار کم بری /  
«احسان نبی سعدی»، سید محمد اکرم / «سمندر»، سید جعفر سهندی / «سفر  
ایقلائی ایران»، اسماعیل خاکمی / «صاحب ۷۵۴-۸۸۸ و بعد»، ابرح اسما /  
«تأثیر پذیری افعال از فرهنگ اسلامی»، حکیمه دیران / «سیوه و روس  
بحقیق»، دکتر پرویز نائل حایلری

۹) باقرزاده، محسن (به کوشش) بررسی و تحقیق (مجموعه مقالات)  
ایران انتشارات توس ۱۳۶۹ ۲۳۵ ص ۱۳۵۰ ریال  
عنوان برخی از مقالات این مجموعه به شرح زیر است «نکته‌هایی درباره  
فران»، افعال یغمایی / «گوسان باری و سب بواریدگی در ایران»، مری  
بوس، ترجمه مسعود رحمت‌نیا [از این مقاله ترجمه دیگری سر با عنوان  
«گوسان باری و سب حساگری ایرانی» در دست است (رک بویس مری (و)  
هری حرج فارمر دو گفمار درباره حیاطگری و موسیقی ایرانی ترجمه  
هرادباسی بهران انتشارات آگاه ۱۳۶۸] / «نسخه خطی ساهنامه  
فلورانس»، مهدی قرب / «نگاهی به نقدوسی در ایران»، حلال ستاری  
۱۰) براون، لیستر (و) دیگران جهان در استانه سال ۲۰۰۰ ترجمه  
مهرشیمافلسفی، تهران سروش ۱۳۶۹ ۳۶۲ ص جدول نمودار ۱۳۰۰  
ریال

کتاب حاضر چهارمین گزارش از سلسله گزارشهای سالانه مؤسسه World  
Watch در امریکاست که از سال ۱۹۸۴ هر سال منتشر می‌شود این کتاب، که  
در سال ۱۹۸۷ با عنوان State of the World in 1987 منتشر شده است، به  
تحقیقات مربوط به آسیبهایی که در نتیجه فعالتهای گوناگون بشر به کره زمین  
وارد شده پرداخته است و تازه‌ترین دستاوردها را برای کاهش خطراتی که  
زندگی انسان را بر روی زمین تهدید می‌کند معرفی کرده است با بود شدن  
خرجه سیمایی زمین، استفاده از نیروی هسته‌ای پس از واقعیه خربوسل،  
سهرسیبی و افرایس سریع جمعیت، روی آوردن جهان به نظام بازار (رفات  
آباد)، انتکارات جدید در افرایس تولیدات کشاورزی، و غیره ارجحله مطالبی  
است که نویسندگان مقالات این مجموعه بدان پرداخته‌اند

۱۱) حکمتاجی، م. پ. (به کوشش) گیلان‌نامه (مجموعه مقالات  
گیلان‌شناسی) ج ۲ رشت، انتشارات طاعتی، ۱۳۶۹ یارده + ۴۶۰ ص  
مصور جدول، نقشه ۲۵۰۰ ریال

عنوان برخی از مطالب این مجلد، که به خاطره مرحوم دکتر رضا مدنی  
تقدیم شده است، بدین قرار است «کرب‌ساری در گیلان»، احمد اداره‌چی  
گیلابی / «یهودی کاسه»، تحقیقی درباره یهودیان ساهکل»، افسین برتو /  
خورشید حاتم، سرایده حد قطعه شعر فولکلوریک»، رحیم خراغی /  
حسن مرداویج گیلی، رضا رضاراده لیگرووی / «لغات و اصطلاحات گیلکی  
و توتیکاری»، عرب الله زردیان / «کناساسی و بررسی واژه‌نامه‌ها».

دستورنامه‌ها و بوسه‌های گیلکی و دلمی و تالسی ار سده هشتم تا کنون»، رضا  
مدنی

۱۲) سرکوهی، فرح نقشی اروررگار (مجموعه مقالات) شیراز نشر  
شیوا ۱۳۶۹ ۲۱۸ ص ۹۵۰

مجموعه مقالاتی است درباره شعر، داستان و معادسی که در فاصله سالهای  
۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ بوسه شده است

۱۳) میرشکاک یوسفعلی در سایه سبمرع تهران انتشارات برگ،  
۱۳۶۹ ۱۹۲ ص ۵۸۰ ریال

مجموعه ۴ مقاله است درباره فردوسی و ساهنامه  
۱۴) اوتوقی، شهین (گردآوری و تنظیم) مجموعه قوانین و مقررات  
مربوط به انتخابات (از اغار با پیروزی انقلاب اسلامی) تهران دفتر  
انتخابات وزارت کشور، ۱۳۶۹ ۲۰۶ ص

در این مجموعه کلیه قوانین و مقررات اسبابات در ایران، از اغار  
مشروطیت و تشکیل مجلس قانونگذاری تا پیروزی انقلاب اسلامی،  
گردآوری شده است

## ● اسناد

۱۵) اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (و) سیروس سعدوندیان مجموعه  
مکاتبات، اسناد، خاطرات و اثار فیروز میرزا فیروز (نصرت الدوله) ج ۱،  
محالین چهارم و پنجم تقبیه تهران نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۹ هیجده +  
۲۶۲ ص + ۳۲۱ ص اسناد، تصاویر، لاتین] فهرست اعلام ۱۴۵۰ ریال  
کتاب حاضر نخستین مجلد از مجموعه‌ای است که قرار است اسناد  
تاریخ‌یافته‌ای از تاریخ ایران را که به سده نسیس مربوط می‌شود تهیه و منتشر  
کند این کتاب شامل مجموعه‌ای است از اسناد فیروز میرزا فیروز، از رحال  
دوره فاجار و ارجحله عافدین قرارداد ۱۹۱۹ که در اوایل دوره بهلولی به قتل  
رسید مکاتبات سواب ۱۳۳۷-۴۲ هج و اسناد سواب ۱۳۳۴-۴۲، اسناد  
کمیسیون‌های مجلس و اسناد مربوط به احزاب و گروههای سیاسی ارجحله  
مطالب این مجلد است مجموعه اسناد فیروز میرزا فیروز در شش جلد منتشر  
خواهد شد

۱۶) بهار، مهرداد درباره قیام ژاندارمری خراسان (به رهبری کلنل  
محمد تقی حان‌پسیان) تهران انتشارات معین ۱۳۶۹ ۱۰۱ ص + ۶۴  
ص نمونه سند (بدون صفحه شمار) ۹۰۰ ریال

تلگرامهای رد و بدل شده میان کلنل پسیان و مصمصام السلطنه، مدارک مربوط  
به دفتر امیر سوک الملک علم، تلگرامهای کلنل به افسران خود و بر عکس،  
اعلامه‌ها، ابلاغیه‌ها و بیایه‌های کلنل، و اعلامیه‌های هواداران و محالفا کلنل  
ارجحله اسناد تازه ناهب‌سده‌ای است که در این کتاب ارائه شده و اطلاعات  
جدیدی را درباره قیام کلنل محمد تقی حان‌پسیان در اختیار گذارده است

## ● پژوهشهای ایران‌شناسی

۱۷) کورس، هانی فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی ترجمه سید. حواد  
طباطبانی تهران انتشارات توس ۱۳۶۹ ۱۴۴ ص.

کتاب حاضر شامل ۴ سحرایی عمومی است که نویسنده در طی سالهای  
۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ در ایران ایراد کرده است و با ایراد این سحرایی‌ها می‌کوشد

۲۰ صفحه‌ای از مهمربین امار حات سده اسولر را در ابتدای جلد دوم درجید  
گداسته است «سلط تازیان»، «صفاریان»، «اوهم و رسوم خرافی در حب در  
رسمی»، «دق اموات»، «اسماعیلیه»، «مردکیان»، «ماو بان»، «وضع ایران»  
نظر رمان، «مناسبات متقابل افوام با یکدیگر»، «سکلات اداری ایران»  
«مناسبات حقوقی»، «مالیاتها» عنوان برخی از فصلهای اس دو جلد است

## دین، عرفان، فلسفه

### ● اسلام- مباحث عمومی

(۲۱) دسیسه انات تیطانی (فوائ امام حمیی (ره) و عکس العملها؛  
جهانی) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۲۱۱ ص ۶۰۰ ریال  
(۲۲) ررمحو، حسین درجهای گشوده بر افسات (بحی دریا،  
نهج البلاغه و مانی حکومت، اخلاق و تربیت اردیدگاه ان) قم انتشارات  
دارالفکر ۱۳۶۹، ۲۱۶ ص فهرستها ۸۰۰ ریال  
(۲۳) سعادی، سیدعلی محمد حانه رهد (خرقه و خرقة بوسی) تهر  
شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۶۹ ۳۴۱ ص فهرست راه  
۱۶۰۰ ریال

نحت درباره یداناس خرفه و خرفه بوسی در میان صوفیان و آداب ان، اد  
و اسکال خرفه، الوان خرفه، احکام خرفه، احاراب، اساراب و مقصطه  
خرفه و خرفه بوسی از حمله مباحث مطرح سده در کتاب است اسم کتا،  
روی جلد و صفحه عنوان حانه رهد- خرفه و خرفه بوسی آمده، اما در د  
حقوق حانه رهد و حمام می درج سده است

(۲۴) شاهچراغی، سیدعلی اطلاعات و تحقیقات (از مجموعه  
حدیب-۱۴) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۸۵ ص ۲۰۰  
(۲۵) تریفی، محمود (تهیه و تنظیم و ترجمه) سیاس (از مجموعه  
حدیب-۱۳) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ ۶۵ ص ۱۵۰  
(۲۶) صدرالدینی، علیرضا، واژه‌شناسی درفران تهران مؤسسه  
فرهنگی رسا ۱۳۶۹ ۳۱۷ ص ۶۰۰ ریال

(۲۷) کریمی، عطاءالله فقرتاریخ‌نگیری (بررسی انتقادی مقالار  
و سبط شریعت از دکتر سروش) بی‌جا، ناشر مؤلف ۱۳۶۹ ۴  
فهرست اسامی اشخاص ۱۷۰۰ ریال

کتاب حاضر در پاسخ به ۴ مقاله «فص و سبط» عبدالکریم سروش  
سماره‌های اردیبهشت، تیر و اسفند ۱۳۶۷ و فروردین ۱۳۶۹ در مج  
فرهنگی به‌حاج رسیده- نوشته سده است

### ● فلسفه اسلامی

(۲۸) صالی، صادق (مترجم) جایگاه عقل و دانش در  
مجموعه «مفاهیم اسلامی»- (۳۱) تهران سازمان تبلیغات اسلامه  
۶۷ ص ۱۵۰ ریال

(۲۹) صدر، سیدمحمد باقر سب‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ  
قران ترجمه حسین موچهری مقدمه و تنظیم باورفی  
علی‌الصغیر بی‌جا مرکز نشر فرهنگی رجا ۱۳۶۹ ۲۸۸ ص  
این کتاب ترجمه‌ای است از مجموعه سحرانیهای آن‌الله-  
صدر که متن عربی آن در سرب با عنوان المدرسه الغرانیه مس  
(۳۰) ناظمیان، رضا (مترجم) انسان و دین (از مج  
اسلامی»- (۴۰) تهران سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹  
ریال

### ● آیان دیگر

(۳۱) کالنتمارک، ماکس. لانتوزه و ابن دابو  
پارسی‌پور تهران انتشارات به‌نگار. ۱۳۶۹، ۲۸۷ ص  
۱۱۱

محاطین خود را از عیب ریان بار فلسفه ایرانی در افق فلسفه جهانی آگاه  
سارد بحث درباره یدایی ناندیر بودن بروهشهای تطبیقی اردیدگاه‌سازسی، و  
بررسی تعلیمات و اندسه‌های میرداماد، ملاصدرا و رجعلی نریری و ساگردان  
آنها موضوع دو فصل اول کتاب است بوسنده در فصلهای سوم و چهارم به  
بررسی امار و آرای سه فیلسوف بزرگ ادربایحانی، یعنی سهروردی، ودود  
نریری و رجعلی نریری پرداخته است و سپس از فلسفه ایرانی پس از  
اس‌رشد و فلسفه ایرانی-اسلامی، با فلسفه ایرانی دوره اسلام سخن گفته  
است در نهایت بوسنده از دیدگاه تطبیقی به بحث درباره نظرات اس‌رشد،  
اس‌غری، سهروردی و اس‌سنا پرداخته است

(۱۸) کیانی (میرا)، محسن تاریخ حانقاه در ایران. تهران. کتابخانه  
طهوری ۱۳۶۹ ۶۲۰ ص فهرست نام اشخاص ۵۲۰۰ ریال  
بررسی و معرفی خانقاهها و مراکزی که صوفیان در آنها اقامت کرده و به  
رباصت و محاهدت پرداخته‌اند هدف اصلی این کتاب است معرفی برنامه‌های  
عملی و مراسم و نظامات خانقاهی صوفیه و برنامه‌های مختلف سر و سلوک  
مانند عبادت، حله‌سیسی، ذکر، سماع، و دیگر فعالیت‌های مربوط به مسلك  
نصوف، محالین و عطف و ارصاد عمومی و غره، و بالاخره معرفی خانقاهها و  
کانونهای خانقاهی گوناگون در ایران بحی از مطالب کتاب حاضر را سکتل  
می‌دهد

(۱۹) وسل، ژبوا دائرةالمعارفهای فارسی (پژوهشی درباره نوع‌شناسی  
و طبقه‌بندی علوم) ترجمه محمدعلی امیرمعری تهران انتشارات توس  
۱۳۶۸ ۱۰۶ ص جدول

بوسنده از راه طبقه‌بندی و مقایسه علوم به بررسی و معرفی برخی از مبون  
دایره‌المعارف ایران از عصر اس‌سنا (وفات ۴۲۸ هـ/ ۱۰۳۷ م) تا  
سمس‌الدین املی (وفات ۷۵۳ هـ/ ۱۳۵۲ م) پرداخته است وسل  
دایره‌المعارفها را به انواع فلسفی، مذهبی، دیوانی (اداری)، علوم طبیعی و  
دایره‌المعارفهای عمومی طبقه‌بندی کرده است و از مفاسخ العلوم ابو عبدالله  
حوارمی به عنوان الگوی اس طبقه‌بندیها سود حسیه است این کتاب را  
نحسین نار انحصان ایراساسی هراسه در بهران در سال ۱۹۸۶ به ریان  
هراسه منتشر صاحب و ترجمه حاضر بر از روی همان متن صورت گرفته  
است. (دک نشر دانش، سال ۸، شماره ۶، مهر و امان ۱۳۶۸)

(۲۰) اشبولر، برتولد. تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی ترجمه حواد  
فلاطوری (ج ۱) (و) مریم میراحمدی (ج ۲) تهران شرکت انتشارات  
علمی و فرهنگی ۱۳۶۹ [۵۱۰ ص ۱] + [۵۱۰ ص ۱] نقشه‌ها  
فهرست اعلام. بهای دوره دو جلدی ۴۷۵۰ ریال

بروفسور برتولد اشبولر (۱۹۱۱-۱۹۹۱ م) از اسلام‌سازان و  
ایراساسان نام جهان است که سس اردانسمندانی حون نارتلمه، مارکوارب،  
بلدکه و بیدر تحقیقات خود را دنبال کرده و به یک معنا از ایراساسان سبل دوم  
آلمان محسوب می‌سود جلد اول این کتاب را، به اسات برای سومین بار تجدید  
چاپ شده است، سالها پیش بروفسور فلاطوری، سس انادمی اسلام‌سازسی  
دانشگاه کلن، به فارسی ترجمه کرده است جلد اول کتاب حاوی مطالبی  
درباره تاریخ سیاسی ایران در نخستین هرون اسلامی است جلد دوم اس‌رته  
به تاریخ اجتماعی و اوضاع اقتصادی ایران اختصاص دارد برای بحسیه بار به



«بروسکسم و لیسسم»، «بلسویسم استالیسیسم»، «اولگارسیسم توتالیتیر»، «کمونیسم استقلال طلب (ملی گرا)»، «بیسروان امروز و معماران فردا»، «آمارسیسم و مونارسیسم» عنوان برخی فصلهای کتاب است (۳۶) هلد. دیوید. مدلهای دیمکراسی ترجمه عباس مخیر تهران انتشارات روشنگران ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] ۴۶۹ ص. نمایه. ۲۱۰۰ ریال

معرفی مدلهای اصلی دیمکراسی از این کلاسیک تا دوران معاصر، بحث درباره آراء مفکرانی چون افلاطون، ارسطو، هابز، لاک، روسو، مارکس، وبر، هابز و مک فرسون، و بالاخره سعه کثیری و پاسخ به این سؤال که «امروزه دیمکراسی باید چه معنایی داشته باشد؟» از جمله مباحث کتاب است ترجمه حاضر از روی متن انگلیسی ۱۹۸۷ صورت گرفته است

## ● ایران

(۳۷) متناهی فردنی، از مذهب مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مسائلات دو کشور تهران امیرکبیر ۱۳۶۹ [بوزیع ۱۷۰] ۲۹۵ ص فهرست اعلام ۱۵۰۰ ریال

در این کتاب مذهب و مسائل اختلاف مرزی ایران و عراق و سیری که این مسئله از ابتدا تا کودتای ۱۹۵۸ عراق بنموده بررسی شده است بنسبده بررسی خود را از قراردادهای مرزی از روم سن ایران و عثمانی اعرا کرده است اما بیسریس تأکید خود را بر دوره ای ۳۷ ساله، از انقلاب ۱۹۲۰ تا کودتای ۱۹۵۸ عراق، گذاشته است به اعتقاد وی استقلال عراق از هید استعمار انگلیس و اتحاد روابط سیاسی و بازرگانی و کنسولی و غیره سن ایران و عراق اهمیت بنادنی را از نظر روابط خارجی به این دوره بنسبده است منابع اصلی ثبات مدارك و اسناد موجود در ارسو و دهر حقوقی وزارت خارجه ایران است کتاب حاضر رساله دکتری (۱۳۶۳) بنسبده کتاب بوده است (۳۸) مدنی، سید حلال الدین تاریخ تحولات سیاسی و روابط خارجی ایران ج ۲ ۲۳۰ ص فهرست اعلام قم دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۶۹ ۲۷۰۰ ریال

## ● جهان

(۳۹) برژنسکی، رنکیو شکست بررگ (بیدایش و روال کمونیسم در قرن بیستم) ترجمه سیروس سعیدی تهران انتشارات اطلاعات ۱۳۶۹ ۳۶۳ ص نمودارها

بنسبده این ثبات کمونیسم و فاسیسم را پاسخ سر در مقابل ضربات روحی عصر صنعتی می داند و سعی در اثبات این نکته دارد که شکست سیاسی و اجتماعی - اقتصادی شوروی، بنده برین عامل در سریع اختصار کمونیسم بوده است به اعتقاد وی بر و سربخا حرکت بدافعی محکوم به شکستی است در مقابل بحران فراسده شوروی بررسی عواقب اجتماعی و سیاسی ناسی از حمل کمونیسم بر اروپای سرفی بر از دیگر مطالب ثبات است (۴۰) رواسانی، شاپور نظریه دو دسا (۷ مقاله در باب همکاری بیه های سرفی و غری بیای استعمارگر) تهران نشر سمع ۱۳۶۹ ۹۴ ص نمونه سید جدول ۲۵۰ ریال

ثبات حاضر شامل هفت مقاله است که در فاصله سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ در اروپا بنسبده شده است و رویدادها سن هم رسی مناسط حاکم شوروی و امریکارا سن می دهد بنسبده استعمارشنوندگان جهان در فاره های آسیا، امریکای جنوبی و افریقا را نایک حبه مسرک سربایداری (یعنی امریکا و شوروی) مواحه می سید

(۴۱) گلدمن، مارتال پیکار گورناچف (اصلاحات اقتصادی در عصر تکنولوژی پیترفته) ترجمه حسین حکیم زاده جهرمی تهران فرهنگ معاصر ۱۳۶۹ ۲۸۵ ص ۱۴۵۰ ریال

بنسبده مسکلات جامعه شوروی را نارمانده دوران سلطه استالینیرم می داند و علی رعم اینکه گورناچف را سیاستمدار برحسه ای می داند، به موفقت وی در حل این مسکلات نایدیده تردید می نکرد به اعتقاد وی گسترش ماهجارد بر بحس صنایع سنگین، صنایع نظامی و دستگاه عریض و طویل اداری

.. سن، «بعد سناحت و اخلاق»، «معین هویت اسنا، عقائد»، «نمود فلسفه .. بوی»، «عنوان برخی از مباحث کتاب است

## ● فلسفه غرب

(۳۲) بوربور، فریرر تنک و تقین (در فلسفه یونان باستان و سده های سنا) نامقدمه ای از پرویر سهریاری تهران سر بردار ۱۳۶۹ ۱۷۶ ص ۹۵۰ ریال

حکونکی سناحت، امکان تا عدم امکان معرفت، حدود و وسائل سناستی و سناطه و ملاک حقیقت، موضوع بحث کتاب حاضر است از فریرر بوربور (۱۳۵۲-۱۳۱۸) بحر مقالات فرادان سنا ثبات دیگر بر بنسبده است فلسفه علوم انسانی، مسائل اقتصادی و سربنا، بحی این و فلسفه غلوه و طبع

## سیاست

### ● مباحث عمومی

(۳۳) الم، ژان بیر حاسوسی و ضد حاسوسی (ار مجموعه «جه می دایم») ترجمه ابوالحسن سرور مقدم مشهد اسنا قدس رضوی ۱۳۶۹ ۱۲۰ ص نمودار ۵۰۰ ریال

«حاسوسی از عهد باستان تا امروز»، «روسها و وسائل حاسوسی»، «سناحاسوسی»، «سارماندهی ادارات محصوص د، فراسه و دیگر شوره ها» عنوان برخی فصلهای کتاب است

(۳۴) بار، اوکتاویو یک سیاره و چهار-بیج دسا (اندیشه های درباره تاریخ معاصر) ترجمه علامعلی سیار تهران نشر گفتار ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] ۳۳۵ ص، ۱۹۵۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه ای است از مقالات بار، سناخر و داسنا سرای بنداواره مکرکی و بنده حابره ادبی بویل ۱۹۹۰، به خودوی ارمان مقالات حات سده اس انجنا و سن از و براس بنسبده حات سده است او در این مقالات به استیکها و اسوبهای عصر و جهان سرامون خود برداحه است تحولای که در سیوه نفکر ملل قدیم حاصل شده، بحران دموکراسی انالات مجده و اتحاد حماهر شوروی، عفسان ملها برای صناست حصوصنات هومی و محلی به حصوص در کسورهای حسی دو ابر قدرت، بنددخواهی و محاطرات و مسکلات ناسی از آن، و بالاخره بررسی مفصل اوسنا امریکای لایب از حمله مباحث ثبات است ترجمه سحرانی بار به مناسبت دریافت حابره صلح ۱۹۸۲ در فرانکفور بر به کتاب اهروده سده است مترجه در مقدمه ای که بر کتاب بنسبده به بحث درباره موفقت امریکای لاس و وضع سیاسی و فرهنگی آن در جهان امروز برداحه است کتاب حاضر از روی ترجمه فراسوی آن (از وی من اصلی اسپانیایی) که در ۱۹۸۵ منتشر شده صورت گرفته است (۳۵) سالکی، حسین اندیشه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در جهان حاضر تهران ناشر مؤلف ۱۳۶۹ ۵۵۰ ص منصور فهرست اعلام ۳۳ ریال

بنسبده سن از بررسی مکنهای فکری و سیاسی جهان معاصر به این برداحه است که ابا این مکاتب می تواند برای استقرار عدالت ادی و اجتماعی کارسار باشد یا حیر «ناسیونالیسم یا ملی گرای»، «ناسه اسربایداری حصوصی»، «اقتصاد دولی»، «مارکسیسم»،

حمله مباحث محسن اول کتاب حاضر است. محسن دیگر این کتاب به تحریبات و کارهای عملی اختصاص دارد که در آن تعدادی گزارش مددکاری فردی (کارهای داسجویی) همراه با تحلیلهای حرفه‌ای (نظرات استاد) ارائه شده است.

(۴۸) شاف، آدام. جهان به کجا می‌رود؟ (پیامدهای اجتماعی انقلاب صنعتی دوم). ترجمه فریدون نوایی تهران نشر آگه. ۱۳۶۹. ۲۵۱ ص. ۱۵۰۰ ریال

نویسنده که از محققان نام‌دار کسب است با رمانی سستنا ساده و عرفی به بررسی تأثیرات تکنولوژی جدید بر ابعاد گوناگون زندگی انسان در حواص گوناگون پرداخته و حدود این تأثیرات را تا سبب سی سال آینده بسگوید کرده است.

(۴۹) گلابی، سیاوش اصول و مبانی جامعه‌شناسی تهران نشر مؤلف ۱۳۶۹ [بوزع ۱۷۰، ۲۲۰ ص ۱۱۰۰ ریال]

کتابی درسی است برای دوره‌های مقدماتی و داسجویان سالهای نخست رشته جامعه‌شناسی که اصول و مفاهیم بنیادی و برخی از مطالب مهم جامعه‌شناسی را به اختصار شرح می‌دهد.

(۵۰) میجرلر، روبرت جامعه‌شناسی احزاب ترجمه احمد بنی‌راد تهران نشر قومس ۱۳۶۹ ۲۳۸ ص ۱۰۵۰ ریال

کتاب حاضر یکی از مبون کلاسیک در زمینه مطالعات حزبی است که اساساً به یک جنبه اولی به زبان آلمانی منتشر شد. نویسنده با ارائه مثال متعدد و گوناگون بیان داده است که چگونه دموکراسی - به معنای مسار عموم در امر رهبری - در داخل احزاب از تحقق باز می‌ماند.

## روان‌شناسی

(۵۱) تاوریس، کارول روانشناسی حتم ترجمه احمد تقی‌پور

سعید درودی تهران انتشارات روتنگران بی تا ۴۶۰ ص ۱۷۵۰ ر

در این کتاب «حسم» به معنای یک سمارتی روانی، بلکه به معنای فرا

روس از باطنی بررسی می‌شود. به اعتقاد نویسنده کتاب حسم انواع ر

دارد که هر یک از آنها، فرایندهای مختلفی دارد و تأثیرات متفاوتی در نهاد

حسم و روان می‌گذارد و در نتیجه هر کدام باید از راه ویرهای درمان س

(۵۲) حاسون، ویگی (و) روبرتاوریس راهنمای آموزش گام ر

بورادان و کودکان عقب مانده ترجمه حسام گوهری (و) سهیل س

تهران نشر رودکی ۱۳۶۹ ۲۳۰ ص مضمور ۷۷۰ ریال

(۵۳) ربانی خوراسگانی، رسول پاتولوژی فردی و اجتماعی اد

انتشارات فیروز ۱۳۶۹ ۱۲۵ ص

نویسنده نویسنده است غلغل انحراف اجتماعی و فردی را از

روانشناسی و جامعه‌شناسی آرنیایی کند و از این راه به رسته غلغل و نحو

انها می‌رسد

(۵۴) کلایتون، پلاچی (و) جیمز ای بارت (و) پراستاران ا

افسردگی (اختلاف نظرهای گذشته و گرش جدید) ترجمه حسن

فر [مشهد] استان قدس رضوی ۱۳۶۹ ۵۴۴ ص. جدول

واژه‌نامه. فهرست موضوعی. ۲۰۵۰ ریال

در این کتاب وضع بروندهای ریسک‌ساز و روان‌ساز

افسردگیها از گذشته تاکنون بررسی شده و ارتباط بزرگ میان س

تکنیکهای درمانی و نتیجه درمان آنها مورد بحث قرار گرفته است.

(۵۵) هی، لویی شقای زندگی. ترجمه گیتی خوشدل. تهران، د

۱۳۶۹. ۳۴۵ ص. مضمور. جدول. ۱۳۰۰ ریال.

## آموزش و پرورش

(۵۶) گروه مشاوران یوسکو. فرایند برنامه ریزی آموزش.

مشایخ تهران. انتشارات مدرسه - وابسته به دفتر انتش

به قیمت فدا شدن بحث کشاورزی و صنایع مصرفی تمام شده است و بحسبای بررشد و موفق اقتصاد سوری در س همان بحسبایی هستند که کم‌وبیس از مکاتیرمهای بازار آزاد و حصیصه‌های نظام سرمایه‌داری استفاده می‌کرده‌اند او مشکلات سوری را به هم وابسته و گره خورده می‌داند و از این رو احرای اصلاحات را به نوعی مساوی با دگرگونی ساختار اقتصادی - اجتماعی سوری، روی آوردن به بازار آزاد و عدم تمرکز برنامه‌ریزی، و بهائنا خارج ساختن قدرت از دست دیوان سالاران مرکسین می‌داند.

(۴۲) واندن، پتر خلیج حوکهها (داستانهای ناگفته) ترجمه علامعلی م. مقدم تهران. امیرکبیر ۱۳۶۹ [بوزع ۱۷۰، ۵۳۰ ص مضمور نقشه ۲۵۰۰ ریال]

اسکار ساختن واقع سبب برده و معرفی عناصر و عوامل واقعی سکس آمریکا در ماحرای خلیج حوکهها در ثوبا (۱۹۶۱) موضوع کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد. بحث درباره بحران موسکی ثوبا (۱۹۶۲) که از سامدهای این جنگ بود از دیگر مطالب کتاب است.

## جمعیت‌شناسی

(۴۳) مک‌ابودی، کالین (و) ریچارد حوبر. اطلس تاریخی جمعیت جهان ترجمه فریدون فاطمی تهران نشر مرکز. ۱۳۶۹. شانزده + ۴۷۶ ص نقشه جدول نمودار ۳۳۰۰ ریال

در این کتاب حرکات و تحولات جمعیتی کشورهای و واحدهای جمعیتی گوناگون اساسی در گذار تاریخ بررسی شده و میزان جمعیت هر منطقه، به مرله یکی از علل روندهای تاریخی، با سال ۱۹۷۵ بهاس داده شده است. مرجم برای رور آمد کردن کتاب جدولی به کتاب افزوده است که جمعیت کشورهای را در ۱۹۹۰ بیان می‌دهد و جمعیت آنها را تا سال ۲۰۰۰ سس‌سی می‌کند (← صص حمل و نقل، شماره ۹۵ و ۹۶، فروردین ۱۳۷۰، ص ۹۸)

## مدیریت

(۴۴) پارکینسون، یورب کوت (و) رستم‌چی (و) سایر اندیشه‌های بزرگ در مدیریت ترجمه مهدی ایران نژاد پاربری تهران مرکز آموزش بانکداری. ۱۳۶۹ ۳۱۹ ص جدول فهرست اعلام. ۱۵۶۰ ریال

## جامعه‌شناسی

(۴۵) اسلامی بدوشن، محمدعلی سخن‌ها را بشنویم تهران شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۹ ۲۴۸ ص ۱۰۰۰ نسخه ۲۲۰۰ ریال

نویسنده سس از آرنیایی کلی تاریخ ایران و سحسبیت ایران در گذشته و

حال، به بررسی معضلات و مشکلات جامعه ایران پرداخته است. به اعتقاد او

هفت مشکل عمده‌ای که می‌تواند باعث انحطاط ایران شود عبارتند از

اعتقاد، افرایش جمعیت، الودگی محیط، ربحوری تولید، مشکل آموزش و

حوانان، مسئله آزادی و مرجم، و استیگی فرهنگ و اخلاقی برینا سسی از

کتاب به بررسی هفت مورد فوق اختصاص دارد. به اعتقاد نویسنده کتاب، از

انها که این مشکلات به هم وابسته و گره خورده‌اند، بدون دست یاریدن به یک

راه حل کلی هرگز نمی‌توان هیچ یک از آنها را به تنهایی از میان برداشت

(۴۶) پابی، مرادحسین. شناخت ایل پابی، بی‌حایی بی تا ۵۸ ص

ایل پابی یکی از ایلهای لرستان است که در این کتاب با اوضاع طبیعی و

حمرایی و اقتصادی، گویش، مذهب و آداب و رسوم، وجه سیمیه، آثار تاریخی

و طوابع و تیره‌های تشکیل دهنده آن اسامی می‌شود

(۴۷) سام ارام، عرت الله مددکاری اجتماعی (کارنامه) تهران

انتشارات رشد. ۱۳۶۹ ۳۶۰ ص. جدول ۱۱۵۰ ریال

تاریخچه مددکاری اجتماعی در جهان و ایران، روسهای گوناگون

مددکاری، روش مددکاری فردی، و مباحث بطری در مددکاری اجتماعی از

نظامی برای آوازه‌سی نگارش متون تری به خط فارسی، معرفی احرای کلام این زبان و فهرسی آوازه‌ها و ترکیبات و تعییرات آن مطالب کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد

## واژه‌نامه و فرهنگ

(۶۶) بازارگادی، علاءالدین فرهنگ بازارگانی- اقتصادی- بانکداری (فارسی- انگلیسی و انگلیسی- فارسی) تهران امیرکبیر ۱۳۶۹ ۱۸۳ص ۴۴۰۰ نسخه ۱۰۰۰ ریال

مدخلهای این واژه‌نامه که ر حسیه بعضی دارد و هدف آن کمک به افرادی است که در آغاز راه مطالعه این رشته‌ها هستند

(۶۷) پورجوادی، علی واژگان شیمی و مهندسی شیمی (انگلیسی- فارسی و فارسی- انگلیسی) تهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹ [۴] + ۷۲۸ ص ۶۲۰۰ ریال

واژگان حاضر شامل معادل‌هایی است که مترجمان فارسی برای حدود ۱۵۰۰ واژه انگلیسی در رشته سیمی به کار برده‌اند

(۶۸) تدین، احمد (و) شهین احمدی (مترجم) فرهنگ تاریخ ج ۱ آ.س، (و) ح ۲ ش-ی تهران انتشارات آگاه ج ۲ ۱۳۶۹ ۱۴۵۴ص فهرست راهما ۱۰۰۰۰ ریال

کتاب حاضر دربردارنده تاریخ دوست سائله اخیر جهان (از ۱۷۸۹ تا ۱۹۸۹) است و مدخلهای آن از روی کتابهای فرهنگ تاریخ نویی ۱۹۴۵- ۱۷۸۹ (۱۹۸۲)، فرهنگ تاریخ قرن سستم ۱۹۸۲- ۱۹۰ (۱۹۸۳)، و فرهنگ ساسی (۱۹۸۰) (هر سه از اسراراب بگوئی) انتخاب و ترجمه شده است

مرحمان در عین حال کوسیده‌اند بسیاری از مسائل تاریخی و جهره‌های ر حسیه ساسی اسبا و اهر با را که در کتابهای فوق نیامده است ارمأحد دیگر نهه و نه فرهنگ خود بفرایند بعضی از سرواژه‌های این فرهنگ را می‌آوریم

آمارباید، امارسیست‌ها، برنامه بریم ارون، اف بی آی، باهم مودت آمیر، حوب لای، دولتهای متحده عربی، ساف، کامرون، کنترها، مارتین لوتر کینگ، مسویکها، نیکلای دوم، یونان سرهنگها، بوسکو

(۶۹) سایدل (و) مک‌موری فرهنگ اصطلاحات انگلیسی و چگونگی کاربرد آنها (اکسفورد) ترجمه حسن وثوقی تهران انتشارات راهما ۱۳۶۹ ده + ۵۲۷ ص فهرستهای راهما ۳۲۰۰ ریال

(۷۰) شاحه واژه‌گزینی محیط رست گروه کشاورری و منابع طبیعی واژه‌نامه محیط ریست (نشر مقدماتی انگلیسی- فارسی، فارسی- انگلیسی) تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ ۲۰۶ ص

این واژه‌نامه شامل ۱۲۳۳ واژه نامه محیط رست و واژه‌هایی از علوم مختلف مربوط به این رشته است درج غلامت احتقاری ساحة اصلی هر رشته (مانند اتوسنک، کساورری، امانومی، سیمی، تکامل، رسیک، گرافیک، برسیکی و غیره) در مقابل هر سرواژه از مسحضات این واژه‌نامه است

(۷۱) هاشمی، مسعود فرهنگ تعدیه دام (شامل اصطلاحات تغذیه دام، طیور و اربان، انگلیسی- فارسی) بی‌جا. انتشارات فرهنگ حامع ۱۳۶۹ ۶۵۰ ص مصور ۳۳۰۰ ریال

در این فرهنگ علاوه بر ارائه معادل فارسی برای هر اصطلاح انگلیسی، توضیح مختصری نیز برای سرواژه‌ها آمده است

## علوم

### ● کامپیوتر

(۷۲) توسلی، حواد مبانی کامپیوتر و برنامه‌سازی BASIC (بیسیک مقدماتی) بی‌جا ناشر. مؤلف ۱۳۶۹. ۲۵۸ ص مصور جدول. نمودار. ۹۵۰ ریال

(۷۳) شلدون، بوماس. خودآموز سیستم عامل کامپیوتر. ترجمه ساسان گفتاری تهران بی‌جا ۱۳۶۹. ۵۹۵ ص. مصور. جدول. نمودار. واژه‌نامه. ۲۶۰۰ ریال.

مورثی ۱۳۶۹ ۱۶۸ ص واژه‌نامه ۶۰۰ ریال

«امورس در اجتماع در حال تحول»، «سبب ناستهای برنامه‌ریزی مورسی»، «تسحیص کربها و کاستیهای نظام امورسی»، «تدوین برنامه مورسی کسور»، «احرای برنامه امورسی کسور و ارزبانی آن» عنوان برخی فصلهای کتاب است

## حقوق و قوانین

(۵۷) صفانی، سیدحسین (و) اسدالله امامی حقوق خانواده ح ۱ نکاح انحلال آن- فسخ و طلاق تهران انتشارات داسگاه تهران ۱۳۶۹ سه ۳۶۱ ص فهرست راهما

کتاب حاضر شامل مباحثی است در باره اردواح و فسخ نکاح و طلاق که طابق با برنامه داسکده‌های حقوق و برای اسساده داسحوبان این اسسکده‌ها نگارس یافته است

(۵۸) عمادزاده، محمد کاظم حقوق بین‌الملل عمومی بی‌جا شتارات انا ۱۳۶۹ ۳۲۴ ص ۱۴۰۰ ریال

(۵۹) مدنی، سیدحلال الدین حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران ۶۰ قوه قضاسه تهران سروش ۱۳۶۹ ۴۷۱ ص ۱۲۰۰ ریال

«سباح کلی قوه قضاسه»، «دادکستری جمهوری اسلامی ایران»، سکیلات قضاسی عمومی دادکستری»، «مراجع قضاسی احضاسی ادکستری»، «مراجع سه قضاسی عبر دادکستری»، «مأموران قضاسی»، واسسکان به دادگستری»، «برخی از اصول قوه قضاسه»، عنوان فصلهای باب است

(۶۰) مقدم فر، حمید مجموعه قواس و مقررات مطوعانی مراعه و برنامه اوحدی ۱۳۶۹ شاورده + ۲۲۴ ص ۶۸۰ ریال

(۶۱) ورارث کار و تامین اجتماعی. قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب اناماه ۱۳۶۹ تهران مؤسسه کار و تامین امور اجتماعی ۱۳۶۹. ۱۰۱ + ۶۶ ص ۵۰۰۰ نسخه

(۶۲) هاشمی، فصل‌الله حقوق شهری و قواس سهرساری بهران مرکز مطالعات و تحقیقات سهرساری و معماری ورارث مسکن و سهرسازی ۱۳۶۹ ۸۶ ص ۵۰۰ ریال

## زبان و زبان شناسی

(۶۳) احوان رنجانی، حلیل پژوهش واژه‌های سرنایی در زبان فارسی بی‌جا بی‌جا. ۱۳۶۹ ۱۳۶ ص مصور فهرست راهما ۱۵۰۰ ریال

(۶۴) کیانوش، میره وجه التزامی در زبان فارسی (چگونه آن را به کار بریم؟). تهران. مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ ح ۲ ۱۶۶ ص جدول ۵۴۰ ریال

(۶۵) هومند، نصرالله. پژوهشی در زبان تری ماریدرانی (همراه با علانم زبان شناسی و اشعاری از رضا صرانی) تهران. بی‌جا (مرکز بخش شتارات دانش). ۱۳۶۹ ۱۱۶ ص. جدول. نقشه مصور ۱۰۵۰ ریال

زبان تری (طبری) از حمله زبانهای ایرایی است که اکنون در ماریدران کلم می‌شود و کتاب حاضر بریر بررسی برخی از دقایق آوایی و صرعی این زبان اختصاص دارد. بحث در باره محرج و سیوه تولید واحهای این زبان، ارائه

حاضر اردوی جاب و ویرایش دوم نسخه اصلی (فراسه) ۱۹۸۸ صورت گرفت  
اسب (←) مصاحبه با هورب ریور - مدیر مرکز پژوهشهای علمی فراسه -  
دانسمند، سال ۲۹، شماره ۳۳۰، فروردین ۱۳۷۰

۸۸) کیس، دیل ادوارد مرزهای بود در ستاره‌شناسی. ترجمه مهیا  
علوی مقدم (و) عبدالله عطیماهی مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۶۹  
۱۱۴ ص. مصور، جدول ۶۲۰ ریال

#### ● علوم زیستی

۸۹) حاتم سار، محبوه فلور ایران (شماره ۴ تیره نارون Ulmaceae  
شماره ۵. تیره گل بنفشه Violaceae)، [تهران] وزارت کشاورزی؛  
مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع ۱۳۶۹ ۲۵+۵۰ ص. مصور فهرست  
راهنما بهای دو شماره ۵۰۰ ریال

هدف از اسرار کتابهای فلور ایران ساسایی و طبقه‌بندی گیاهان ایران  
بر اساس نظام خاص طبقه‌بندی گیاهی و ارائه آخرین اطلاعات مربوط  
گونه‌ها و واحدهای رده‌بندی گیاهان به صورت علمی و مدون است هر جا  
اس مجموعه به تیره گیاهی خاصی اختصاص دارد و فرار است در حدود  
حلد (یعنی به تعداد تیره‌های گیاهی ایران) از این مجموعه مستر سود  
کلیدهای ساسایی برای گروههای مختلف گیاهان از جمله ویرگیهای  
مجموعه اسب افای دکتر هوسنگ اسلم به مجلد بیسی اس مجموعه را  
معرفی کرده‌اند (رک سرداس، سال ۱۰، شماره ۶ مهر و آبان ۱۳۶۹  
۹۰) داسون، فریس. سرچشمه‌های حیات ترجمه سیمین معزی  
تهران نشر مرکز ۱۳۶۹ ۱۱۵ ص. نمودار فهرست راهنما ۶۲۰ ر  
۹۱) سیرل، شیل جبرماتریسها برای علوم زیستی و کاربردهای آن  
آن ترجمه حلال داودزاده تهران. مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ ۵  
۳۸۶ ص. واژه‌نامه فهرست راهنما ۲۰۰۰ ریال

۹۲) سینگر، سام. رتیک اسان (دبیاچه‌ای بر اصول وراثت)  
علی فرازند تهران مؤسسه نشر علمی فرهنگی پژوهشگران  
[تورینگ ۱۷۰. ده ۲۰۸ ص. مصور جدول نمودار واژه‌نامه ۲۴۰۰  
در این کتاب اصول نیادی رتیک اسان با توجه به آخرین دستا  
علم رتیک، به ربانی ساده شرح داده شده است کتاب حاضر اردوی  
دوم متن اصلی (انگلیسی) ۱۹۸۵ ترجمه سده اسب اخیراً در این رمی  
دیگری برار مترجم همین کتاب منتشر شده اسب (←) زشتک در  
نامسون، اثر مارگریب و نامسون، انتشارات ناورداران، (۱۳۶۹).  
۹۳) نیازی، لودس. حشره‌شناسی. ترجمه مهدی مدرس اول  
جهاد دانشگاهی مشهد. ۱۳۶۹ بیست + ۳۹۶ ص. مصور. نقشه  
راهنما ۱۷۵۰ ریال.

#### ● فن و صنعت

۹۴) پرورش، رونف، تعذیه‌گذاری در ریخته‌گری قطعات  
تهران. جامعه ریخته‌گران ایران. ۱۳۶۹. [۱۰ ص] + ۳۱۵ ص  
جدول نمودار. ۲۱۰۰ ریال

۹۵) توحیدی، ناصر. ترمودینامیک مهندسی متالورژی. ج  
انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۶۹. شانزده + ۴۵۶ ص. طر  
نمودار. ۲۲۰۰ ریال

۹۶) تیموشنکو، س. پ. (و) جیمز، م. گیر. مقاومت مصالح  
ابراهیم ثانی ج ۲. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. ج ۳  
۳۵۱ ص. مصور. جدول. ۱۲۰۰ ریال.

۹۷) حسن‌زاده، سیروس اصول طراحی و ساخت قالبهای  
انتشارات دادخواه. ۱۳۶۹ ۹۶ ص. مصور. نمودار. جدول.

۹۸) رفیعی، بیژن [ترجمه و گردآوری]. راهنمای ساخ  
ضدنزلزل (از «مجموعه مطالعات اقتصادی، اجتماعی و  
زلزله‌زده استان گیلان»، زیر نظر محمود طالقانی). ج ۱. ته  
مطالعات و تحقیقات فرهنگی. ۱۳۶۹. ده + ۹۰ ص. مصور

۷۴) عجمی، مهرداد. آشنایی با طراحی و تولید به کمک کامپیوتر  
(CAD/CAM) تهران. ناشر: مؤلف. ۱۳۶۹. ۲۲۴ ص. مصور جدول.  
واژه‌نامه. ۱۰۵۰ ریال.

۷۵) فیلدینگ، آلن. آشنایی با زبان بیسیک و اصول کار با کامپیوتر در  
پزشکی و بیولوژی. ترجمه مهدی خانلری. قزوین دانشکده علوم پزشکی  
شهید بابایی قزوین. ۱۳۶۹. دوازده + ۲۶۲ ص. جدول نمودار. ۱۵۰۰  
ریال.

۷۶) محمدی فر، محمدرضا راهنمای DOS و کامپیوترهای شخصی.  
تهران. سروش. ۱۳۶۹. ۲۶۳ ص. جدول واژه‌نامه فهرست راهنما ۹۰۰  
ریال.

۷۷) نفیسی، شهاب (و) حسینعلی خیرالدین طراحی نقشه‌کشی به  
کمک کامپیوتر (راهنمای برنامه کامپیوتری Auto CAD) ج ۱ مشهد.  
جهاد دانشگاهی دانشگاه مشهد. ۱۳۶۹ ۴۱۵ ص. مصور جدول ۱۷۵۰  
ریال.

#### ● ریاضی

۷۸) ارتین، امیل تابع گاما ترجمه سعید ذاکری تهران.  
مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹ سه + ۵۹ ص ۳۰۰ ریال

۷۹) ایوز، هاورد و اشایی با تاریخ ریاضیات ترجمه محمد قاسم  
وحیدی اصل. ج ۱. ویرایش دوم. تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹. ج ۲  
(با تجدید نظر کلی). دوازده + ۳۳۸ ص. مصور. نقشه. جدول. واژه‌نامه  
فهرست راهنما. ۱۸۰۰ ریال.

۸۰) پارزینسکی، ویلیام ر (و) فیلیپ و رییس آشنایی با آنالیز  
ریاضی ترجمه محمود طالبیان مشهد. آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ ج +  
۳۲۲ ص طرح. فهرست راهنما. ۱۵۵۰ ریال

۸۱) سوویچ واسیلیف، نیکلای (و) آندره الکساندروویچ به گوروف  
مسئله‌های المپادهای ریاضی در شوروی. ترجمه پرویز شهریاری  
[تهران]. نشر توسعه. ۱۳۶۹ [تورینگ ۱۷۰ ۴۱۶ ص. مصور ۱۹۰۰ ریال  
۸۲) کوچکی شلمانی، یوسف سرگذشت ابالیر داده‌ها بی‌جا. دانشکده  
امور اقتصادی. ۱۳۶۹ ده + ۳۹۶ ۱۲۰۰ ریال.

۸۳) یاگلم، ای م تبدیلهای هندسی (از مجموعه ریاضیات پیش  
دانشگاهی - ۸) ج ۱. ترجمه اسدالله کارشناس (و) عمید رسولیان تهران  
مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ شش + ۱۴۳ ص. مصور ۷۰۰ ریال.

۸۴) تبدیلهای هندسی (از مجموعه «ریاضیات پیش  
دانشگاهی» - ۲۱). ترجمه محمد باقری ج ۲ تهران. مرکز نشر دانشگاهی  
۱۳۶۹. شش + ۲۳۱ ص. مصور. ۱۲۰۰ ریال.

#### ● فیزیک

۸۵) چن، مین. مسائل فیزیک (دانشگاه پرکلی) ترجمه محمود بهار (و)  
محمود قرآن نویس. تهران نشر آهنگ. ۱۳۶۹. جدول. نمودار ۱۶۰۰  
ریال.

۸۶) انورسون. المرای فیزیک نوین و مکانیک کوانتومی ترجمه احمد  
کیاست‌پور (و) احمد پرورش (و) حمشید عمیقیان. تهران. مرکز  
نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹ ج ۲ هشت + ۵۱۲ ص. مصور فهرست راهنما  
۲۱۰۰ ریال.

#### ● نجوم

۸۷) ریوز، هورب. صوری در سهر لاجوردی ترجمه علی اصغر  
سعیدی. تهران. نشر گفتار. ۱۳۶۸ [تورینگ ۶۹] بیست و یک + ۴۶۵ ص.  
مصور. جدول. نمودار. واژه‌نامه. ۲۶۰۰ ریال

نویسنده کتاب با ربانی ساده اطلاعات علمی بسیاری را درباره زمین و  
کهکشانها در اختیار گذاشته است و ضمن بحث درباره نظریه‌های گوناگونی که  
در باب آفرینش مطرح شده، سیر تحول مطالعات نجومی را از ابتدا تا کنون  
شان داده است. این کتاب تاکنون به چند زبان ترجمه شده است. ترجمه

۹۹) صدرالدینی مهرحردی، نورالدین. شناخت، طرح و کاربرد بتن سبک در ساختمان تهران و رارت مسکن و شهرسازی. مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ۱۳۶۹ ۱۱۹ ص. مصور. جدول نمودار. ۶۸۰ ریال.

۱۰۰) دسانی، محسنی اتومبیل پیکان. انتشارات واژه. ۱۳۶۹. ۴۴۴ ص. مصور ۲۵۰۰ ریال

۱۰۱) کلاف، ری (و) حورف پریس دیامیک سازه‌ها. ترجمه علی اکبر گل افشاری (و) سهیل مهری ج ۲ بی جا جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۹ ۳۸۸ ص. مصور نمودار واژه‌نامه ۱۸۰۰ ریال

۱۰۲) مالویو، البرت بل اصول الکترونیک. ترجمه مهدی حسن کاظمی ج ۱ بهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. هفت + ۳۵۴ ص. مصور فهرست راهنما ۱۸۵۰ ریال

### کشاورزی

۱۰۳) دلفر فربس، ولنگانگ مرکبات، کاشت و تغذیه ترجمه محمود عطیمی تبریزی اهواز دانشگاه شهید چمران. ۱۳۶۹. ۲۲۸ ص. نمودار جدول ۱۴۰۰ ریال

۱۰۴) محویان، هریک، درحان و محیط زیست. تهران انتشارات سارمان حفاظت محیط زیست ۱۳۶۹ ۵۸۳ ص. مصور جدول. نمودار. ۱۰۵) ویر، جرح و خودآموز آفت کشها. ترجمه ابراهیم سلیمان نژادیان. اهواز دانشگاه شهید چمران. ۱۳۶۹ ۲۲۳ ص. مصور جدول نمودار. واژه‌نامه ۱۳۵۰ ریال

### پزشکی و روان پزشکی

۱۰۶) بروبر (و) سودارث پرستاری داخلی - جراحی (پرستاری سوختگی) ترجمه مرتضی دلاورحان (و) پروانه بیشه‌بان تهران. نشر و تبلیغ بشری ۱۳۶۹ ۱۰۴ ص. مصور جدول ۵۰۰ ریال

۱۰۷) پریش، پیتر داروعدانیست ترجمه فرخ سیف‌بهاد تهران انتشارات روشنگران بی‌تا، ج ۲ ۱۰۳۹ ص ۳۸۰۰ ریال

۱۰۸) پورافکاری، نصرت‌الله ژنتیک روان پزشکی (نقش ارث در بیماریهای روانی) تبریز مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی ذوقی ۱۳۶۹ ۲۱۶ ص. مصور جدول ۸۰۰ ریال

۱۰۹) تامپسون جیمز (و) مارگارت تامپسون ژنتیک در پزشکی. ترجمه ژیرایر کاراپتیان ارومیه انتشارات دانشگاه ارومیه (و) انتشارات ابرلی ۱۳۶۹ و ۴۰۴ ص. مصور نمودار واژه‌نامه فهرست راهنما ۱۹۵۰ ریال

۱۱۰) راتنکلف، جی دی عملکرد اعصاب بدن ترجمه سیاوش سرتیمی (و) افشین شانی تهران کتابهای سپیده (واسته به انتشارات اطلاعات) ۱۳۶۹ ۲۷۹ ص. مصور جدول ۸۵۰ ریال.

۱۱۱) رسانی، رضا همانولوژی عملی پزشکی بی‌جا. ناشر مؤلف ۱۳۶۹ ۲۹۴ ص. مصور ۱۵۰۰ ریال

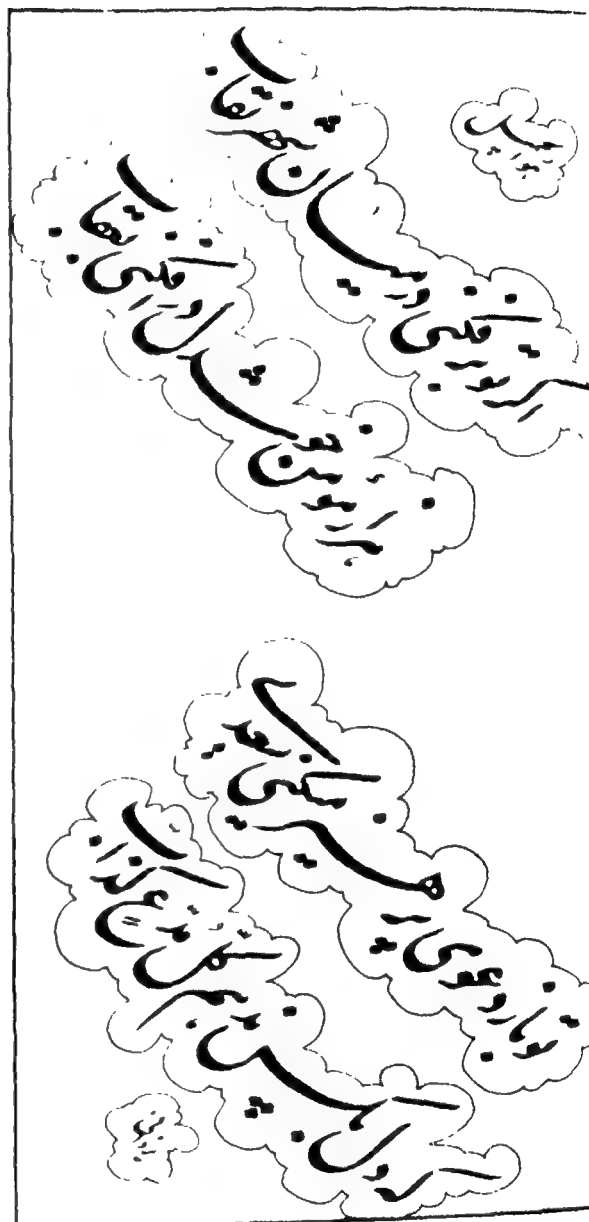
۱۱۲) روسارد، بیکل سلولیت یا چاقی موضعی ترجمه و نگارش مسیح مهدی ۲۹۹ ص. جدول طرح ۱۳۵۰ ریال

۱۱۳) گرانسر، علی همانولوژی ج ۱ بیماریهای حوی بی جا جهاد دانشگاهی ۱۳۶۹ ۲۴۹ ص ۱۱۰۰ ریال

۱۱۴) گل، صعبه مراقبتهای دیالیز و پیوند کلیه. [تهران]. انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی ۱۳۶۹ مصور طرح ۹۵ ص ۶۰۰ ریال.

۱۱۵) گیلدر، مایکل (و) ریچارد مهبو (و) دبیس گات روان پزشکی (اکسپورد ۱۹۸۹، ج ۱ ترجمه نصرت‌الله پورافکاری تبریز مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی ذوقی ۱۳۶۹ ۶۰۶ ص. جدول.

من انگلیسی این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۸۳ منتشر شده است و تا سال ۱۹۸۸ پنج بار تجدید حات شده است ترجمه حاضر ار روی ویرایش دوم کتاب صورت گرفته است



۱۱۶) مانفردا، مارگریت ل. (و) سیدی د کرامیتز. روان پرستاری. ترجمه طلعت شهریاری (و) رقیه گلاب (و) اقدس دواچی (و) حشمت عبدالله پور. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. سیزده + ۵۰۷ ص. مصور. ۲۷۰۰ ریال.

۱۱۷) معاضدی، عبدالمجید. فیزیوپاتولوژی بیماریهای حوض اهاز. انتشارات دانشگاه شهید چمران ل + ۲۳۹ ص. مصور. جدول. ۱۴۰۰ ریال.

۱۱۸) واحدی، پرویز. مقدمه‌ای بر طب بالینی بی.ا. دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۶۹. ۵۲۸ ص. مصور. جدول. ۲۸۰۰ ریال.

۱۱۹) [کوک، جان (و) دیگران] فوریت‌های جراحی در درمانگاههای اورژانس. ترجمه حمید خزایی (و) علی شهراسبی. زیر نظر فریدون معظمی. [تهران]. آینده‌سازان. ۱۳۶۹. یازده + ۳۰۸ ص. مصور. جدول. نمودار. ۱۹۰۰ ریال.

کتاب حاضر یکی از آناری است که سازمان بهداشت جهانی (WHO) برای راهمایی پزشکان مناطق محروم و دورافتاده مسر ساخته است (۱۲۰) [ویلیامز] تیرونید و بیماریهای آن ترجمه محمدکریم شهرزاد (و) علی اصغر مصوری بی.ا. بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۹. ۳۷۵ ص. مصور. نمودار. ۱۳۰۰ ریال.

## ورزش و شطرنج

۱۲۱) براون ب ج راهمایی کامل پیشگیری و درمان صدمات ورزشی. ترجمه ضیاء معینی تهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. ج ۲. پنج + ۲۶۶ ص. مصور. ۹۵۰ ریال.

۱۲۲) کاسپاریان، گ آخربازی شطرنج (۲۵۴۵ مسئله) ترجمه همایون رکنی تهران شرموج ۱۳۶۹ ۵۲۸ ص ۲۹۰۰ ریال

۱۲۳) کاسلمن، حیمای راهمایی تنای برای مرسا و شاگران ترجمه فاطمه اسلامی تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ ۱۷۸ ص مصور جدول. نمودار. ۲۱×۲۸ سانت ۱۸۰۰ ریال

۱۲۴) کوتوف، الکساندر هماندیک استاد بزرگ فکر کنید ترجمه عبدالحسین نوایی تهران نشر بويا ۱۳۶۹ ۳۰۶ ص مصور ۲۱۰۰ ریال

۱۲۵) مشرف حوادی، بتول. تربیت بدنی و ورزش در مدارس بهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹. ج ۲. ۱۳۰ ص. مصور. ۵۵۰ ریال

۱۲۶) هوپیکلر، فرانتس. راهمایی اسکی و تاریخچه اسکی ایران و جهان. ترجمه محسن محسین. تهران ناشر مؤلف ۱۳۶۹ ۲۲۳ ص. مصور. جدول. ۷۵۰۰ ریال

سیر تحول اسکی در جهان و ایران و معررات بین المللی مسابقات اسکی و اصول مربیگری امورش اسکی به خردسالان از جمله مطالب کتاب حاضر است دو فصل از اس کتاب را که به تاریخچه اسکی در ایران اختصاص دارد مترجم خود به من اصلی آورده است واره نامه اسکی به ۳ زبان انگلیسی، فرانسه و فارسی از جمله دیگر مطالب این کتاب است

## هنر و معماری

### ● سینما

۱۲۷) احمدی، بابک یاد هرجا بخواهد می‌وزد (اندیشه‌ها و فیلمهای رویر برسون). [تهران] انتشارات فیلم ۱۳۶۹ ۲۲۵ ص. مصور.

۱۲۸) حیدری، غلام. معرفی و نقد آثار ناصر تقوایی. تهران. به نگار ۱۳۶۹. ۴۲۷ ص. مصور. ۱۸۵۰ ریال.

کتاب حاضر شامل مقالاتی از نویسندگان گوناگون است که به معرفی، نقد و ارزیابی آثار ناصر تقوایی و موقعیت او در سینمای ایران اختصاص دارد غلام حیدری، بهنام باطقی، شهرنار مرادی، محمود تهرانی، صفدر تعی زاده، اصغر عبداللهی، محمد قمری، حسن مریدی، حواد محابی، حمید یحیی، نادر

ابراهیمی، کیومرث بوراحمد، احمد طالی براد هوسگ طاهری، مس بوراحمد و فاضی ربحاوی، از جمله نویسندگان مقالات این مجموعه است حد فلهنامه مستند و مصاحبه با تموایی از دیگر مطالب کتاب است (۱۲۹) محمدی، محید فن تحلیل فیلم. تهران. نشر بی ۱۳۶۹ ۸۸۰ ۴۵۰ ریال.

نویسنده در غالب حملاتی کوپاه کوسیده است اصولی را در تحلیل فیلم دست دهد وی مطالب خود را بح عناوینی حون «تحلیل فیلم»، «نقد و «سینما و نفس»، «سینما و دیگر هرها»، «حرفه‌های سینمایی»، «شاه سینمایی»، «تلفعات سینمایی» و غیره تقسیم بندی کرده است

### ● موسیقی

۱۳۰) ژدالژ، آندره، رساله فوک ترجمه محسن الهامیان ت انتشارات برگ ۱۳۶۹ ۴۵۵ ص خط موسیقی ۳۴۰۰ ریال.

۱۳۱) کول، ویلیام فرم موسیقی ترجمه کریم گوگردچی تهران. نشر دانشگاهی ۱۳۶۹. ۲۲۷ ص وازه نامه ۱۴۰۰ ریال

فرم موسیقی عبارت از رابطه نحسهای اصلی سکیل دهنده هر قطعه بررسی فرمهای موسفایی که استفاده از آنها در سقدسال گذشته بوده، و همحس بحب درباره سیر تحول این فرما موضوع کتاب ح سکیل می‌دهد حواندگان این کتاب نااند اطلاع کافی از برخی کلاسیک و همحس بح حوانی داسه نااسد

۱۳۲) لشگری، موچهر. ردیف آوازهای ایرانی (ویلن، فلوت بی‌ا. ناشر. مؤلف ۱۳۶۹ ۱۴۱ ص مصور خطوط موسیقی ریال.

۱۳۳) بصیری فر، حبیب الله مردان موسیقی سنتی و نوین ایران انتشارات راد ۱۳۶۹ [تورع ۱۷۰] ۵۶۱ ص مصور فهرست ۳۵۰۰ ریال

شرح احوال و ابار حدود ۱۹۰ هر از استادان موسیقی سنی و نو و ساگردان آنها موضوع کتاب حاضر را سکیل می‌دهد طاهرا ما سحسستها بر اساس هیچ فاعده سحسوی مورب بگرفته است به مؤلف از سیوه الفمایی در برداخن به این سحسینها بهره می‌حس (۱۳۴) وزیری، علیقی. آوازشناسی موسیقی ایرانی تهران ۱۳۶۹ ۱۲۵ ص. ۵۵۰ ریال

در این کتاب ردیف دستگاههای آوازی موسیقی ایرانی به معرفی سده است

### ● نقاشی

۱۳۵) باکیاز، روئین. در جستجوی زبان نو (تحلیلی از س نقاشی در عصر جدید). تهران انتشارات نگاه ۱۳۶۹ [توزب ص مصور فهرست راهنما. ۱۷۴۰ ریال

نویسنده سیر تکوین نقاسی نوین را با توجه به مسائل هنری تاریخی خاص عصر جدید بررسی کرده است و بخش مؤثر عوام را در پیدایش سکیهای حدید سان داده است اوروند پیدایس بررسی مکاتب کلاسی سیم، رمانتسیم، رئالیسیم و امبر سیمب سیمس به حرایانهای گوناگون هر نوین، حون کوپسیم،

به انگریزی و سوررنالیسم پرداخته است و سیوه کار هر مبدان برجسته هر يك این مكاتب را شرح داده است. از این نویسنده در این زمینه آثار دیگری نیز منتشر شده است. از جمله بررسی هنری و اجتماعی امپرسیونیسم، تهران، سیاه‌تاب در، ۱۳۵۴

(۱۳۶) [سهری، سهراب] *طرحها و اتودها تهران* نشر نو ۱۳۶۹ *تیمه و نظم محسن طاهر نوکنده تهران* نشر نو ۱۳۶۹ ۲۷۰ ص *مصور جدول* ۱۲۵۰۰ ریال

ساب حاضر شامل حدود ۱۶۰ طرح و اتود از سهراب سهری است که بین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ کشیده شده و ظاهراً افراد بوده که در زمان حیات عباس سهری بودند. این کتاب همچنین دربردارنده سالنمار مفصلی از زندگی و عصر سهری است که وقایع زندگی او و اتفاقات مهم ادبی، هنری، تاریخی و علمی دوران بارندگی وی را بیان می‌دهد.

## ● تئاتر

(۱۳۷) استانیسلاوسکی، کستانتین کار هر پشته روی خود در جریان تاتر (مجموعه آثار علمی استانیسلاوسکی - با یادداشتی از گ کریسبی) ترجمه مهین اسکونی تهران سروش ۱۳۶۹ ۵۶۰ ص *مصور* ۱۹۵۰ / زرکوب ۲۹۰۰ ریال

کتاب حاضر یکی از آثار کلاسیک در زمینه تئاتر است که بر تحول فن تئاتر و تکرار ناپیر غمی داشته است. استانیسلاوسکی (۱۸۶۳-۱۹۳۸) در این کتاب مسائل گو-گویی را در زمینه حکومتی سازمان دادن صحیح زندگی جسمانی برای آماده ساختن روانی هر پشته مطرح ساخته است. در زمینه سیستم استانیسلاوسکی آثار دیگری نیز به زبان فارسی منتشر شده است (مقطعی اسکونی، تاتر علمی، سیستم استانیسلاوسکی، تهران، اناهیا، ۱۳۶۵)

## ● معماری

(۱۳۸) کسمایی، مرتضی *اقلیم و معماری حورستان - حرم شهر تهران* وزارت مسکن و شهرسازی - مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ۱۳۶۹ ۱۷۲ ص *مصور جدول* ۱۰۰۰ ریال

هدف از این بررسی دستیابی به دستورالعملهایی جهت طراحی اقلیمی ساختمان و محیط مسکونی در استان حورستان و به بهره حرم شهر است.

## ادبیات

### م و نشر کهن ایرانی

(۱) [انصاری، حواجه عبدالله] *گزیده مباحث نامه حواجه عبدالله* و ترجیع بد هاتف حظ کیحسرو حروش، بدهیب علی مطیع فرهنگسرا ۱۳۶۹ ۳۲ ص ۲۷۰۰ ریال

کتاب با حلد زرکوب و بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده است. (حامی، عبدالرحمن) *بهارستان به کوشش ی ادیب بی‌جا* ات صابر ۱۳۶۹ ۱۴۴ ص *واژه‌نامه* ۴۰۰ ریال. بنیان را حامی (۸۱۷-۸۱۸ ه.ق) به نظم و سر و نه ساق گلستان، است مصحح معنای برخی از لغات و تعبیرات مشکل کتاب را ذکر کرده

(۱) رضوی نژاد صومعه سرانی، میر ابوطالب (مؤلف و گردآورنده)، بد شاعر برگزیده پارس گوی (حاوی شرح احوال و معرفی بهترین درباره حکمت عملی زندگی انسانها)، تهران انتشارات تهران ۱۹۸۰ ص ۶۰۰۰ ریال

نوی طوسی، ابن سینا، ابوالقاسم خال، الهی فمسه‌ای، بروین می، تولی، حامی، حافانی، رودکی، رسید یاسمی، رزین کوب، فروع ن، سایه، فاضل همدانی نام برخی از ساعران این مجموعه است. (۱) ستوده، غلامرضا (و) محمدباقر نجف‌زاده بار فروش تحمیدیه در نارس، ج ۲، بی‌جا، جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹ ۲۵۲ ص ۱۵۰۰۰

## ● سحه ۱۱۵۰ ریال

محمد به فطه‌ای اطلاق می‌شود که در صدر نامه‌ها و خطبه‌ها و کتابها به حمد و ستایش خدا و تبعیر (ص) اختصاص دارد. محلد حاضر حاوی محمد به‌های کتابهای مهم 'دب فارسی' از ابتدای قرن هفتم تا پایان قرن هفتم هجری است. این مجموعه تقریباً می‌هیج توصیف و توصیحی فقط ناریوسی شده‌اند.

(۱۴۳) [سعدی] *شکوه سعدی در عزل* به انتخاب عبدالمحمد آینی، تهران هیرمند ۱۳۶۹ ۳۰۴ ص ۱۶۵۰ ریال

گزیده‌ای است از غزلیات سعدی با معانی برخی لغات و تعبیرات مشکل (۱۴۴) [سعدی] *غزلیات سعدی* (با معنی واژه‌ها و شرح ابیات و ذکر وزن و بحر غزلها و برخی نکته‌های دستوری و ادبی)، حلیل خطیب رهبر بی‌جا انتشارات مهتاب ۱۳۶۹ بیست و هفت + ۲۵۰ ص (۱۴۵) عیورسحانی، حسطفی *دیوان سحانی نجف‌آبادی* (شامل مدایح، مراثی، غزلیات) نجف‌آباد ناشر شاعر بی‌جا ۲۲۰ ص، ۱۳۰۰ ریال

(۱۴۶) [فردوسی، ابوالقاسم] *یوسف و زلیخا* مسوب به حکیم ابوالقاسم فردوسی (به انضمام نخستین «یوسف و زلیخای ترکی») به اهتمام حسین محمدراده صدیق تهران چاپ و انتشارات آفرینش، ۱۳۶۹ ۲۹۶ ص *فهرست اعلام* ۲۶۰۰ ریال (۱۴۷) [فیاض لاهیجی] *دیوان فیاض لاهیجی* (قصاید، غزلیات، قطعات، مشربیات و رباعیات) به اهتمام و تصحیح ابوالحسن پروین پریشان‌زاده تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹، پانزده + ۴۲۰ ص ۲۷۵۰ ریال

فیاض لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲ ه.ق) از علما و ساعران نام عصر صفوی و ساگرد و داماد صدر المتالهیین ملاصدرا ی سیراری است گوهر مراد، نواری *الالهام و کلیات طیه* از دیگر آثار فیاض لاهیجی است. سک این ساعر سک رایح همعصران وی یعنی هندی است. مصحح برای تصحیح این دیوان از هفت سحه خطی استفاده کرده است.

(۱۴۸) [مهاجری، محمدعلی] (پروانه) (به اهتمام) *خوشه‌های طلانی* (از حرم فصایل و مناقب یگانه منعی عالم بشریت و قائم اهل بیت عصمت و طهارت حضرت ولی عصر ع.ج)، قم انتشارات مسجد مقدس حکمران ۱۳۶۹ ۴۰۰۰ ریال

(۱۴۹) [هیدجی، ملا محمد]، *دانشنامه و دیوان* (حکیم اعظم و شاعر محقق حاجی ملا محمد هیدجی)، با مقدمه و تصحیح غلامحسین رضائزاد (بوشین) به اهتمام محمد دبهیم، تبریز تالار کتاب بی‌جا ۳۲۳ ص *مصور* ۱۴۰۰ ریال

## ● شعر به گویشهای دیگر ایرانی

(۱۵۰) صدیق پوره‌کیمی (صفی‌زاده) *پیری دهر یا بی‌جا بی‌ما*، ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۰ ص ۳۰۰ ریال.

(۱۵۱) فرزانه، محمدعلی، *بایاتیلار* (از گنجینه ادبیات عامیانه ادربایجان)، تهران، نشر منظومه ۱۳۶۹، [توزیع ۷۰]، ۳۳۲ ص، ۱۶۵۰ ریال.

به دو بیتهای بومی ادبیات شعاعی آذربایجان که از رایج‌ترین انواع منظوم

(ج ۱ و ۲). تهران. اساطیر. ۱۳۶۹. ۴۰۲ ص. واژه‌نامه. ۱۲۰۰ ریال  
کتابی است درسی برای دودرس فارسی عمومی ۱ و ۲ دانشگاه‌های که  
(۱۶۵) مالکی، هیت‌الله. شرح حال شعرای دشتستان بزرگ. به  
بی‌نا. ۱۳۶۹. ۱۹۶ ص. مصور. ۱۰۰۰ ریال.  
کتاب حاضر شامل شرح حال حدود ۵۰ شاعر دشتستانی است با مو  
ار اشعار هر کدام

### ● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه خارجی

(۱۶۶) موروا، آندره. مستی عشق. ترجمه علی اصغر سعیدی. ۷  
شهرگفتار. ۱۳۶۹. [توزیع ۷۰]. ۳۴۴ ص. ۱۵۵۰ ریال.  
رمانی است از آندره موروا (۱۸۸۵-۱۹۷۹)، نویسندهٔ صاحب  
هراسوی،

(۱۶۷) استون، ایروینگ. گنج یونانی. ترجمه محمدتقی بهرامی  
تهران. جامی. ۱۳۶۹. ۷۷۲ ص. ۳۱۰۰ ریال.

ایروینگ استون (۱۸۹۹-۱۹۰۳) تقریباً در تمام آثار خود زندگی  
بزرگ جهان را در غالب داستان برکنشی بازگو کرده است. این کتاب  
زندگی و کشفیات داستان‌ساز معروف آمریکایی، هاپریس سا  
همسرش سوفیا انگاسترومه‌وس است از این نویسنده آمریکایی  
حون شور زندگی (دربارهٔ زندگی ون گوگ)، ریح و سرمستی (دربارهٔ مت  
و ملوان برنس است) (دربارهٔ حک‌لندن)، به فارسی ترجمه شده است  
(۱۶۸) ایبسن، هنریک. جان‌گابریل بلورکس [نمایشنامه] ترجمه  
ایرانی. تهران. سروش. ۱۳۶۹. [توزیع ۷۰]. ۱۲۶ ص  
(۱۶۹) برگمان، اینگمار تخم مار [فیلمنامه]. ترجمه اختر ا.  
تهران. دنیای مادر. ۱۳۶۹. ۱۴۳ ص. ۷۰۰ ریال

مترجم، چنانکه در مقدمه اشاره کرده است، بیشتر به نسخهٔ کامل  
اثر ناپسند بوده تا به متن

(۱۷۰) تارکوفسکی، آندری. هوفمانیانا [فیلمنامه] ترجمه  
ابریشم‌چیان. تهران. انتشارات لک‌لک ۱۳۶۹. ۷۷ ص. ۶۰۰ ر  
زندگی ارست تودور آمادئوس هوفمان (۱۸۲۲-۱۷۸۶)، مو  
برحسب آلمانی، در این فیلمنامه تصویر شده است تارکوفسکی ا  
طرح خود هیچگاه فیلمی بساحب  
(۱۷۱) خوسه‌سلا، کامیلو خانوادهٔ پاسکوال دوارته. ترجمه  
بی‌جا دفترهای زمانه ۱۳۶۹. ۱۶۷ ص. ۹۵۰ ریال.

رمانی است از نویسندهٔ صاحب نام اسپانیایی (متولد ۱۹۱۶) و  
بول ادبیات ۱۹۸۹ این اثر که حال و هوایی نزدیک به بیگانه آله  
همزمان با انتشار بیگانه در سال ۱۹۴۲ منتشر شده است از این  
دیگری بر اثر فرهاد عرابی به بازار آمده است (سیران، بشر  
(۱۷۲) ریباکف، آنتولی. بچه‌های آریات ترجمهٔ سرو  
تهران. شرنو. ۱۳۶۹. ج ۲ شش + ۹۷۸ ص. ۷۰۰۰ ریال  
نویسندهٔ کتاب اردو شفران صد استالیسیسم شوروی است  
دسال احرای سیاست گلاسوسب در شوروی احارهٔ انتشار با  
حال و هوایی تاریخی دارد و یکی از تحقیق‌های عمدهٔ آن بر  
است

(۱۷۳) سگال، اریک. داستان عشق. ترجمه ناصر

انتشارات دماوند. ۱۳۶۹. ۱۸۳ ص.

این داستان در سالهای پیش از انقلاب به صورت باور  
نامه‌ها منتشر شده است. داستان اولیور، نام کتاب دیگری  
است که به فارسی ترجمه شده است

(۱۷۴) فو، داریو. حساب پرداخت نمیشه! [نمایش  
جهاشاهی. تهران. انتشارات نمایش. ۱۳۶۹. [توزیع  
ریال

(۱۷۵) کالونیو، ایتالو. اگر شبی از شبهای زمستان به  
گلستان. تهران. انتشارات آگاه. ۱۳۶۹. ۳۷۱ ص. ۰

ادبیات عامیانهٔ ادربایجان به حساب می‌آید، نایانی گفته می‌شود نایانی  
مرکب از مصرع است که سه مصرع اول و دوم و چهارم هم قافیه و مصرع سوم  
آن آزاد است نایانها از نظر وزن همیشه ۷ هجایی هستند

### ● داستان، نمایشنامه و فیلمنامه ایرانی

(۱۵۲) خادم، حسن. سوسک پرده. تهران. مؤسسهٔ مطبوعاتی علمی.  
۱۳۶۹. ۱۰۰ ص. ۵۵۰ ریال.

(۱۵۳) رحیم‌زاده، اسماعیل (و) محمد آفریده. در زیر آسمان (مجموعهٔ  
سه اپیزود). تهران. امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۵۹ ص. ۴۲۰ ریال  
(۱۵۴) روانی‌پور، منیرو. سنگهای شیطان (نه داستان کوتاه) تهران.  
نشر مرکز. ۱۳۶۹. ۹۴ ص. ۵۵۰ ریال.

داستانهای این مجموعه در فاصلهٔ سالهای ۶۲ تا ۶۹ نوشته شده‌اند دل  
مولاد کتاب دیگری است از این نویسنده که در سال ۱۳۶۹ منتشر شده است  
(شیراز، نشر شیوا).

(۱۵۵) روشن‌زاده، پیمان. نستریها بر شانهٔ دیوار. بی‌جا. ناشر. نویسنده  
بی‌تا. ۳۱۳ ص. ۱۵۵۰ ریال.

(۱۵۶) زاهدی، پرویز. کابوس اقلیمی. تهران. چکامه. ۱۳۶۹. ۳۹۸ ص  
۱۲۰۰ ریال.

(۱۵۷) عاشورزاده، هوشنگ. قمر در عقرب. تهران. اسپرک ۱۳۶۹  
[توزیع ۷۰]. ۲۰۷ ص

کتاب حاضر مجموعهٔ ۸ داستان کوتاه است که در فاصلهٔ سالهای ۱۳۵۰ تا  
۱۳۶۸ نوشته شده‌اند از این نویسنده، آثار دیگری چون این سالها (نگاه،  
۱۳۵۸)، در حنگ (نگاه، ۱۳۵۸)، گل سرح و بادمودی (کتابه، ۱۳۵۹) به چاپ  
رسیده است.

(۱۵۸) علامه، سیدمحسن. خانهٔ فیروزه‌ای (مجموعهٔ داستان) تهران.  
امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۶۰ ص. ۴۰۰ ریال.

(۱۵۹) گلشیری، هوشنگ (و) دیگران. خراگرد (و داستانهای دیگر)  
مشهد. انتشارات پویا. ۱۳۶۹. ۱۷۰ ص. ۷۰۰ ریال.

مجموعهٔ چند داستان کوتاه از هوشنگ گلشیری، حسین آنس پرور، اکبر  
ایراندوست، حمیدرضا خراعی، ابوتراب خسروی، محمود حوافی، فاضی  
ربیعاری و ساغر ساعریا است. غالب داستانهای این مجموعه در بین  
سالهای ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸ نوشته شده است

(۱۶۰) مخملباف، محسن. نوبت عاشقی [فیلمنامه]. تهران. نشر نی.  
۱۳۶۹. ۸۷ ص. ۳۰۰ ریال.

(۱۶۱) وزیری، هما. صحنه‌ها، ساعتها، دقیقه‌ها ج ۲ بی‌جا. بی‌با.  
۱۳۶۹. ۹۴ ص. مصور. ۷۰۰ ریال

(۱۶۲) هنربخش، مینا. ماهی کوچولو. تهران. کتاب‌سرا. ۱۳۶۹. ج ۳.  
۴۰ ص. ۵۵۰ ریال.

### ● دربارهٔ ادبیات ایران

(۱۶۳) سلماسی‌زاده، جواد (تألیف و ترجمه) تفسیر مثنوی مولوی  
(بررسی تفسیر رینولد الین نیکلسون و فاتح‌الایات و روح المثنوی) ج ۱  
بی‌جا. ناشر: مؤلف. ۱۳۶۹. ۵۰۸ ص. فهرست راهنما ۱۰۰۰ ریال  
(۱۶۴) ماهوزی، مهدی. برگزیدهٔ نظم و نثر فارسی یا فارسی و نگارش

د  
او  
تقر  
ش  
ایا  
نول  
ود،  
نظ  
۵'



۱۸۴) هون، کنستانتس. آشیان عقاب. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران. انتشارات نگاه. ۱۳۶۹. ۲۶۴ ص. ۱۳۰۰ ریال.

### ● درباره ادبیات خارجی

۱۸۵) پیژو، ژاکلین (و) ژان ژاک جودین. ادبیات ژاپن (از مجموعه «چه می‌دانم؟» ترجمه افضل وثوقی مشهد آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹. ۱۵۷ ص ۶۰۰ ریال

در این کتاب تاریخ ادبیات ژاپن در هفت دوره، از ۷۱۰ تا ۱۹۸۱ میلادی، بررسی شده و نوعهای غالب ادبی چون شعر، خاطره نویسی، داستان، رمان و تئاتر مورد بحث قرار گرفته است

۱۸۶) سلیمایی، محسن. (ترجمه و تألیف) رمان چیست؟ تهران نشر نی ۱۳۶۹ ۱۸۳ ص فهرست راهنما. ۸۰۰ ریال.

۱۸۷) فیلد، اندرو. سری در نقد ادبیات روس (نقد ادب روس). ترجمه ابراهیم یونسی. تهران. انتشارات نگاه. ۱۳۶۹. ۳۶۰ ص ۲۵۰۰ ریال

در این کتاب گلچینی از مقالات و اظهارنظرهای انتقادی منتقدان ادبی برجسته روس (تقریباً از نیمه قرن ۱۸ تا نیمه قرن ۲۰) گردآوری شده است که به بعد و معرفی آثار نویسندگان بزرگ روسیه اختصاص دارد

۱۸۸) مقدادی، بهرام. شاخشی از کافکا. تهران. نشر گفتار. ۱۳۶۹ [توریع ۷۰] ۲۵۶ ص. مصور. فهرست اعلام. ۱۸۰۰ ریال.

مؤلف ابتدا به بررسی زندگی و مسائل حادادگی کافکا پرداخته و سپس آثار او را به ترتیب تا، یعنی بعد کرده است

۱۸۹) موروا، اندره. هفت چهره عشق. ترجمه شیوا رویگریان [و] هاله رشاد تهران میلادها را ۱۳۶۹ ۲۱۴ ص ۶۰۰ ریال.

موروا در این کتاب نراتاب انواع عشق را در سه قرن ادبیات، هراسه نشان می‌دهد و به تحلیل سببهای گوناگون آن، چون عشق سلحسورانه، عشق رمانسک و غیره می‌پردازد مادام بوارنی اثر گوستا و فلوبر، سرح و سیاه اثر استاندال، ورسق دره اثر مالراک از جمله آثاری است که در این کتاب مطرح شده است

### ● شعر خارجی

۱۹۰) بیوکاس، دانیل سی. صد هایکوی مشهور. ترجمه ع. پاشایی. تهران دبلیای مادر ۱۳۶۹ ده + ۱۲۰ ص فهرست نامها ۵۰۰ ریال.

## تاریخ

### ● ایران

۱۹۱) حواجه نظام الملك ابوعلی حسن بن علی اسحاق طوسی. سیاست نامه. به تصحیح عباس افبال اثینیانی تهران. انتشارات اساطیر. ۱۳۶۹. ج ۲ [ج ۱ ۱۳۲۰ هـ] ۲۹۹ ص. ۹۰۰ ریال.

### ● جهان

۱۹۲) اوزون چارشی لی، اسماعیل حقی. تاریخ عثمانی (از فتح استانبول تا مرگ سلطان سلیمان قانونی). ترجمه ایرج یویخت ج ۲. تهران مؤسسه کیهان ۱۳۶۹ بیست و نه + ۷۳۴ ص

۱۹۳) پلوتارک حیات مردان نامی ترجمه رضا مشایخی تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹. ج ۴. ج ۳. ۲۹۸۷ ص. نقشه. فهرستها. ۳۰۰۰ نسخه. ۱۰۵۰۰ ریال.

۱۹۴) رننون، بیر. جنگ جهانی اول (از مجموعه «چه می‌دانم؟» ترجمه عباس آگاهی مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۶۹. ۱۳۶ ص. نقشه ۶۰۰ ریال

بررسی علل جنگ و پاسخ به این سؤال که چرا از راههای دیپلماتیک جلوگیری از وقوع جنگ ممکن شد از موضوعات عمده کتاب حاضر است (۱۹۵) ژوانو، دانیل. زیمبابوه. (از مجموعه «چه می‌دانم؟» ترجمه

رمانی بو ار نویسنده معروف ایتالیایی است رضا سدحسبی بر اس کتاب و بر ترجمه آن نقدی نوشته است (← ادبیه. ۵۵-۵۶. بورور ۱۳۷۰)

۱۷۶) گریوز، رابرت منم کلودیوس ترجمه فریدون مجلسی اصفهان حی ۱۳۶۹ ۵۷۶ ص

رابرت گریوز (۱۸۹۵-۱۹۸۵) از ساعران و نویسندگان ایرلندی تبار انگلستان است اس کتاب نخستین بار در سال ۱۹۴۳ در انگلیس منتشر شده است و از آثار کلاسیک آن دیار به حساب می‌آید

۱۷۷) لوبگا، دوویلا قانقاریای افتتاح ترجمه میترا معصومی تهران انتشارات روشنگران ۱۳۶۹ ۲۳۳ ص ۱۰۰۰ ریال

نویسنده و فایمی را که به افول سلطنت در اسپانیا سقوط العوس سیردهم محر شد در غالب داستانی تاریخی بارگو کرده است

۱۷۸) محفوظ، نجیب رور فیل رئیس جمهور (و) دوا رده داستان کوتاه) ترجمه یوسف عزیزی بی طرف تهران چکامه ۱۳۶۹ ۲۸۸ ص ۱۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه ای است از داستانهای کوتاه نجیب محفوظ نویسنده معروف مصری و برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۸۸ کتابنامه آثار نجیب محفوظ بر در اندازی کتاب آمده است

۱۷۹) وارگاس یوسا، ماریو عصر قهرمان ترجمه هوشنگ اسدی تهران کتاب مهناز ۱۳۶۹ ۴۰۳ ص

رمان حاضر نخستین اثر وارگاس یوسا (مولد ۱۹۳۶) نویسنده و سیاستمدار صاحب نام برونئی است که در سال ۱۹۶۲ منتشر شده است احراً مقاله ای از این نویسنده با عنوان «در دفاع از بحث خصوصی» در محله دبلیای سخن (سماره ۳۹، اسفند ۱۳۶۹) به ترجمه م. نگاهی، منتشر شده است

۱۸۰) وندرس، ویم (و) سام شپارد پاریس، تگراس ترجمه هوشنگ گلمکایی [تهران]. نشر نجوا ۱۳۶۹ ۹۸ ص + ۱۸ ص تصاویر ۶۰۰ ریال

۱۸۱) وود، هری سقوط یک مرشته ترجمه تنیده حلالی فر تهران انتشارات فروغی ۱۳۶۹ ج ۳ ۶۹۵ ص ۲۱۵۰ ریال

۱۸۲) ویرژیل انه اید. ترجمه میرجلال الدین کراری. تهران نشر مرکز. ۱۳۶۹ ۵۷۰ ص. فرهنگ نامهای اساطیری. ۳۸۰۰ ریال

انه اید در ادبیات لاتین همان مرل و نفسی را دارد که منظومه ایلید هومر در ادبیات یونانی از حایب آغار می سود که منظومه ایلید بایان می یابد سس از ماحرای اسب حویبی و به آتس کشیده شدن تروا به دست یونانان. انه اید ماسی

بعد از یاراش از تروا به سوی ایتالیا می گریرد این کتاب سرح ماحراهایی است که از این سس بر انه اید می گذرد و سرانجام به نخستین گامهای بی ریری بنده بر سکو روم ختم می شود انه اید بیای رومولوس، سیاستدار روم است

۱۸۳) هاگارد، رایدن ملکه آتش ترجمه سودابه حداسده. تهران. نشر انتشار. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۸۷ ص. ۱۷۵۰ ریال

داستانی است از نویسنده قرن ۱۹ انگلیس (۱۸۵۶-۱۹۲۵) که به بوستن نهایی رمانتیک و پرکشش شهرت دارد عنوان اصلی این رمان که در سال ۱۸۷۰ در انگلستان به چاپ رسیده She است کارل گوساویوگ در باره این

سده و رمان نوشته است «تخارب اصیل و بدوی ماده اصلی آثار رایدن در دراملا در She تشکیل می دهد...» (← «روانشناسی و ادبیات»، ترجمه

ن. مردی، انتقاد کتاب، ش ۱۲، اردیبهست ۱۳۴۶).

مورخانه و مهمات دولت انقلابی جنگل (۱۳۳۸ هـ) بود که، چنانکه خاطراتش می‌خوانیم، سمب فرماندهی محلی ارتسکیلات نظامی جنگل را به عهده داشته است او در این کتاب خاطرات خود را از دوران کودکی تحصیل، بیوستی به بیروهای میرزا کوخک جان و همکاری با جنگلیها سکسک بهض جنگل و کسه سدن میرزا در کوههای حلحال و دوران ت خود بازگو می‌کند

(۲۰۲) ماسی، رابرت ک بیکلای و الکساندرا ترجمه پروانه ستا، تهران ناشر: مترجم ۱۳۶۹ ج ۲ پانزده + ۹۰۵ ص فهرست راهما ۰ ریال

بویسده با بررسی ماحراهای حاوادکی سکلائی دوم ترار ر (۱۹۱۷-۱۸۹۴) و همسر الکساندرا فنودورونوا، به طور صمی ت روسیه را ار زمان تولد بیکلای دوم تا بیروزی انقلاب نلسوکی بررسی است

(۲۰۳) متری، فرانسيسكو، پزشکی در خدمت مردم (خاطراتی از ارادیدیش السالوادور) ترجمه علی رضا تقی خراسانی تهران مترجم ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ۱۹۰ ص ۱۲۰۰ ریال

روایت يك نكسین مرافتهای نرسکی درباره ردگی و مباره السالوادور، و گراس کوناهی درباره تحولات حدید مباره برای دموک در سیلی و نفس عمده بی حانماهای حاسه سین در اتحاد این دگر موضوع دومقاله این کتاب است اس مقالات ار محله ماسلی ریونواته ترجمه سده اند

(۲۰۴) گروته، هوگو سفرنامه گروته ترجمه مجید جلیلود تهران مرکز ۱۳۶۹ ۳۴۲ ص مصور ۱۹۰۰ ریال

گروته، حراهدان و قوم سیاس المانی در سال ۱۹۰۷ همران د فراداد تقسیم ایران به دو منطقه خود روسیه و انگلس و سس از به بود مجلس از بین النهرین به ایران آمد و سس از سیر و سفری سس ماهه مارگست اودر این سفرنامه به سرح سراط حراهای و اقتصادی-ا لرسن، کرماساه، همدان و آذربایجان و بررسی اوضاع سیاسی ا دوران برداخته است ترجمه کتاب ارروی مس اصلی (المانی، ۱۹۱۰ گرفته است

(۲۰۵) وثوق، رها (مترجم) فردریک ژولیوکوری اصفهان ۱۳۶۹ ۲۰۴ ص مصور.

کتاب حاضر داستان ردگی ران فردریک رولیو- کوری (۱۹۵۸) داسمد فیریکدان فراسوی، و همسر ایرن کوری (فرید کوری) است این دو در سال ۱۹۳۵ به علت کسف رادیو اکتیونته موفی به درناض حایره بول سدد فردریک رولیو- کوری، رسه جهایی صلح، بریده حایره بول، عضو آکادمی فراسه و سس کب عضو کمیته مرکزی حزب کمویست فرانسه بود مس تسلیت نامه ساعر سیلیانی، به مناسبت مرگ رولیو- کوری بیر در انهای کتاب

## جغرافیا

(۲۰۶) عظیمی، نورالدین بیابان پژوهشهای علمی، برره جمعیت روستایی استان یزد) تهران. دانشگاه تهران - مرک مناطق کویری و بیابانی ایران. ۱۳۶۹ ۲۵۰ ص. ۱۰۰۰ ریال کلیاتی درباره جغرافیای طبیعی استان یرد، مسائل حرا ره روستایی، بوریع و براکدگی آبادیهای استان یرد براساس عوامل مسائل اقتصادی و خدماتی روستا، ویرگیهای جمعیتی روستاها، ساختمان جمعیت، تحولات جمعیتی مناطق روستایی در فاد ۱۳۴۵-۸۰ و بالاخره آینده نگری جمعیت روستایی تا سال ۸۰ عمده این کتاب است

(۲۰۷) نجفی، سید یدالله. جغرافیای عمومی استان کرد،

سیداسدالله علوی مشهد استان قدس رضوی ۱۳۶۹ ۱۳۲ ص. نقشه جدول. ۵۵۰ ریال.

به دنبال سقوط یان اسمیت و اهلیت سمندوسد در رودرما در سال ۱۹۷۹، نام این کشور به ریمانوه تغییر یافت بررسی مختصر تاریخ ریمانوه ارحوالی قرن ۱۰ میلادی تا دهه ۱۹۸۰ و معرفی اوضاع اقلیمی، حراهای، جمعیتی، معادن و فرهنگ آداب و رسوم آن کشور از مطالب کتاب است (۱۹۶) کندری، مهران. فرهنگ و تمدن امریکای میانه (پیش از کلمت) تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۳۷۳ ص مصور فهرست راهما ۱۴۰۰ ریال.

مؤلف مدهای عالی امریکای میانه در عصر باستانی را به سه دوره بیس ار کلاسیک (۲۵۰۰ ق م تا ۳۰۰ م)، کلاسیک (۳۰۰ تا ۹۰۰ م)، و بارنهی (۹۰۰ تا ۱۵۲۰) تقسیم کرده است و سیر تحول فرهنگهای سرحوسان در هر يك ار این دوره ها و همچنین عوامل سکوفایی و انحطاط انها را بررسی کرده است (۱۹۷) گری، یان. ایوان کبیر ترجمه رحمت الله پاکدل بی ح حامی (۲) ۱۳۶۹. ۲۰۰ ص نقشه ۱۰۵۰ ریال

کتاب حاضر به احتصار حوادث عمده بادشاهی ایوان سوم ملقب به ایوان کبیر (در هن ۱۵ م) را که به اتحاد روسیه بزرگ به رهبری مسکو محر سد بررسی می‌کند

(۱۹۸) گزایوه کوکن، فراسوا. انقلاب روسیه (ار مجموعه «چه می‌دانم؟»). ترجمه عباس آگاهی مشهد آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ ۱۲۸ ص. ۶۰۰ ریال.

بررسی مشرده انقلاب ۱۹۱۷ و وقایع آن سال روسیه موضوع این کتاب است.

(۱۹۹) معلوف، امین جنگهای صلیبی (از دیدگاه شرقیان) ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی تهران نشر البرر ۱۳۶۹ ۳۹۰ ص فهرست اعلام. ۲۷۰۰ ریال.

بویسده در توصیف جنگهای صلیبی (۱۲۹۱-۱۱۰۰) از آثار مورحایی چون ابن اثیر، ابن العلامی، ابن سعد، ابن حیر، بهاء الدین سداد، عمادالدین اصفهانی، ابوالدء و دیگران استفاده کرده است و بطرات آنان را در کنار بطرات مورحان غربی به بحث گذاشته است به اعتقاد بویسده اگرچه شرقی ظاهرا در این جنگها به بیروزی رسید، اما از بعد از این جنگها بود که علی رغم گسترش فوق العاده امپراتوری عثمانی، مرکز تمدن جهان از شرق به سوی غرب تغییر مکان داد

## زندگینامه، خاطرات و سفرنامه‌ها

(۲۰۰) [فردوست، حسین]. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست) تهران. مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی - انتشارات اطلاعات. ۱۳۶۹ ۷۰۸ ص. فهرست اعلام. ۳۵۰۰ ریال.

(۲۰۱) کوچکپور، صادق. نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین. به کوشش سید محمد تقی میرابوالقاسمی رشت نشر گیلکان. ۱۳۶۹. دوازده + ۱۹۳ ص + ۳۴ ص نموه سند. مصور فهرست راهما. ۸۰۰ ریال.

صادق کوچکپور (۱۲۷۵-۱۳۵۵) ار سران نهضت جنگل، و متصدی

امیرکیر. ۱۳۶۹. ۶۵۸ ص. مصور. جدول. نقشه. ۴۵۰۰ ریال.  
معمری و بررسی انواع گیاهان، وضع اقلیمی، شیوه‌های دامداری و کشاورزی، وضع کوه‌ها و رودها، انواع پرندگان و پستانداران و صنایع دستی و مسائل جمعیتی و غیره در کردستان موضوع این کتاب است.  
۲۰۸ نوریچش، حسین. جزیره قشم و خلیج فارس تهران امیرکیر.  
۱۳۶۹ ۵۶۳ ص مصور نقشه جدول فهرست اعلام ۳۹۰۰ ریال

## جزوات و تگ نگاریها

۲۰۹ [طانی، علی اصغر]. چوب و کاغذ (از سری انتشارات بررسیهای کالایی - ۱۱). [تهران] وزارت بازرگانی مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۹. ق + چهار + یکم + ۴۹۷ ص جدول نمودار ۳۷۰۰ ریال

۲۱۰ [فتحی برجلونی، حبیب] بازرگانی دانه‌های روغنی و روغنهای نباتی [تهران]. وزارت بازرگانی - مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۹ ب + بیست و یک + چهارم + ۶۷۴ ص جدول نمودار ۴۳۰۰ ریال

۲۱۱ گروه بررسی مسائل ریان گزارش وضعیت اجتماعی زبان قتل و مدار پیروزی انقلاب اسلامی ایران تهران مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ ۳۳ ص ۷۰ ریال

ظاهر این حروه به دوران عربی و انگلیسی بر بر حومه و منسب شده است  
۲۱۲ مرکز انتشارات صنعت فولاد سلسله صاحب کاسار، معین و فلر ریتر محمد تقی نانکی تهران وزارت معادن و فلزات - شرکت ملی فولاد ایران ۱۳۶۹

اس حروه‌ها به صورت مقالات مسغلی برای مهندسان، کارسنان، اسنادان، دانشویان، و سر افراد فی و حره‌های بر حومه و منسب شده است و هدف از ان امورش دادن افراد و رور آمد کردن اطلاعات و داس فی و حره‌های دست اندرکاران است تا کون حدود ۱۰۰ حروه از ان مجموعه منسب شده است

۲۱۳ [نسیمی پورآذر، فیروز] بررسی انواع سوسیدها و حنه‌های مختلف اقتصادی آنها [تهران] مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی - گروه تحقیقات بازرگانی داخلی ۱۳۶۹ ل + یک + دوم + ۲۹۴ ص جدول ۲۵۰۰ ریال

## نشریه‌های علمی و فرهنگی

● ادبیه (سماره ۵۵ و ۵۶. ۱۳۷۰)

«نورور در حارك» / «نورور ۵۸ تهران» / «سعر نامورون و نهران‌رده» / «گفتگو با امیرحسین اربان‌نور»

● ارعوان ماهنامه بررسی کتاب (سال ۱، سماره ۳ و ۴. اسفند ۱۳۶۹)

«سیر کتاب سیاسی سن از انقلاب» / «یوسن به سسکه جهایی کتاب الرامی است»

● ادبیه، سربه انجمن اسلامی دانشویان داسکده مهندسی داسگاه سیرار (سال ۱، سماره ۱. ۱۳۶۹)

● آینه بروهن، ویره اطلاع‌رسانی تحقیقات اسلامی، بهه و سرب دفتر شلعات اسلامی حوره علمنه قم (سال ۱، سماره ۴، آذرودی ۱۳۶۹)  
«گلگشتی در آینه حام» / «کناساسی حصر فاطمه سلام الله

ماها»

● بررسیهای بازرگانی (سال ۴، شماره ۱۰، اسفند ۱۳۶۹)  
«نقش سرکنهای تعاونی در بازرگانی خارجی» / «طراحی ارادسازی تحارب».

● پیام یوسکو (سال ۲۰، سماره ۲۲۸، مه ۱۹۸۹ / حرداد ۱۳۶۹). این شماره با عنوان «دستوشتهای نویں میراث شکنده» منتشر سده و به مسائل مربوط به کتابخانه‌ها و سح خطی و متون کهن و حگوگی حط و نگهداری انان در جهان اختصاص دارد

● پیام یوسکو (سال ۲۰، سماره ۲۲۹، ژونی ۱۹۸۹ / بهمن ۱۳۶۹). این شماره با عنوان «۱۷۸۹، اندیشه‌ای که جهان را دگرگون کرد» منتشر سده است و به مسائل انقلاب کبیر فرانسه اختصاص دارد

● داس، فصلنامه رایی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران - اسلام‌آناد (شماره ۲۳، بایبر ۱۳۶۹)

بر حی ارمقالات این سربه به ریان فارسی و بر حی به ریان اردوست. «سهم عرفا در گسرس آداب اجتماعی اسلام» / «بیدایش و گسترش سلسله حسنی دردکی» / «در برامون کتاب سربی»

● دانشمند (سال ۲۹، شماره ۳۳۰، فروردین ۱۳۷۰). «کتاب، ستانی در باریکی» / «سیاست برویح علم» / «مساهبات بین المللی سطر یح دته ححر» / «امیدی بو در یشگیری از سرطان سسان»

● دبای سحس (سماره ۳۸، بهمن ۱۳۶۹)  
«گفتگو با احمد ساملو» / «در باره موسیقی سنتی ایران ار ریان اهل موسیقی» / «ار اعتقاد اخلاقی تا عهد سیاسی» / «سوسیالیسم نمرده است»

● دبای سحس (سماره ۳۹، اسفند ۱۳۶۹)  
«نورور حس مهر و اسی» / «موسیقی و نورور» / «نگاهی به عرفهای حافظ مصحح دکتر حانلری» / «در دفاع از بحث خصوصی» / «کاریکلماتورهای برویر ساور»

● رسابه فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی (سال ۱، سماره ۳، بایبر ۱۳۶۹)

«دهکده جهایی و موقعیت ما» / «سه نگرش به ارتباط و توسعه» / «مرودی بر تاریخ رسابه‌ها» / «مطوعاب، حقوی، حدود، حرایم»  
● ریخته‌گری: سربه جامعه ریخته‌گران ایران (سال ۱۱، سماره ۲، تابستان ۱۳۶۹)

«بایبر ارب باسی از حسب سرد فورانی بر روی قطعات فولادی و حدنی» / «سیوه بوس فالنگیری بازرشیهای فلیایی»

● بربرداربده (سال ۱، سماره ۴ و ۵، آذر و دی ۱۳۶۹)  
«تاریحجه واره انورماتیک» / «هوش مصنوعی» / «هوش مصنوعی و هوس اسایی»

● حسب جاب (سماره ۱۰۱، فروردین ۱۳۷۰)

«برنامه وزارت صنایع برای مدرن کردن صنعت جاب» / «گزارش ویره مرکب حاب» / «نطرحواهی اگر ناسران قیمت کتاب را تعیین کند» / «گزارسی از مراسم اعلام موحودیت جامعه ویراستاران ایران» / «نای صحت‌های گرافست‌ها، لیتوگراف‌ها و حاجبی‌ها»

● حسب حمل و نقل (سماره ۹۵ و ۹۶، فروردین ۱۳۷۰).  
«گزارش اصلی. آموزش حلایی در ایران و جهان. سوو پروار، گندر

از این شماره کلاک به بررسی آثار عباس اقبال آستینانی و معرفی شخصیت وی اختصاص دارد.

● گنجینه: محله علوم پایه (سال ۱، شماره ۳، بهمن و اسفند ۱۳۶۹)

«مفهوم سرعت» / «دستور زبان فیزیک» / «روش استفاده از ضربهای نامعین در حر محاسباتی»

● ماهنامه ساختمان (شماره ۲۵، بهمن ۱۳۶۹)

«مسکن و استعمال» / «ار مسکن تا آمایس» (مضاحه) / «مروری بر نامه مسکن در برنامه پنج ساله اول»

● محله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (سال شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۶۹)

«مقدمه‌ای در عرفان» / «فوت فکر مولانا» / «واره ساری و ود ترجمه اصطلاحات علمی و فنی» / «جبهه‌های ریسب ساختی رد»

● محله دندانپزشکی (سال ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹)

● محله ریاضیاتی: از انتشارات مرکز سر دانشگاهی (سال ۷، ۱، بهمن ۱۳۶۹)

«نیرامون زار» در زبان فارسی» / «تحول سوید حاصل مقصد نه‌لوی به فارسی» / «تحلیلی بر رده‌های ریاضی و ویژگیهای رده‌های زبان فارسی» / «صرف اسم در زبان سعدی» / «نام‌شناسی دات»

● محله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه سیرار (دوره ۵، شماره ۲، ۱۳۶۹)

«رابطه فرد و جامعه معایسه دودیدگاه» / «نوسازی بحس کسا در اقتصاد ایران انتخاب مسیر مطلوب و افرایس کارائی» / «م برای تعیین سطح خوانائی نوسه‌های فارسی» / «محموعه‌ها کتابخانه‌های سیرار»

● نشریه حشری بروهنی دانشگاه پرد (سال ۱، شماره ۲، ۱۳۶۹).

«لحاق حارج ار رحم» / «انگیزس و کاربرد منابع انسانی».

● نقشه‌برداری: نشریه علمی و فنی سازمان نقشه‌برداری کشور

۱، شماره ۴، زمستان ۱۳۶۹

«آیا تصاویر ماهواره‌ای می‌تواند جایگزین عکسهای هوایی تولید نقشه رفومی» / «کاداستر در ایران» / «سیسمهای عکس دورکاوی»

● نمایش (سال ۴، شماره ۳۸، اذر ۱۳۶۹)

«حکایت سهرسنگی» / «احرای نمایش سنتی ستر»

آذربایجان» / «در غربت تئاتر خورستان»

از هفت‌خوان» / «گونه‌های مختلف حمل دریایی، انواع کشتیها» / «صنعت بعد از انقلاب. رشد منفی، ادامه‌ی واستگی» / «اتوموس برفی مفید ولی کم‌اثر، تمیر ولی پرهزینه»

● صنعتگر: نشریه اتحادیه ماسین‌سار و فلترانش تهران (سال ۸، شماره ۹۰ و ۹۱ آبان ۱۳۶۹)

● عکس: نشریه عکاسی انجمن سینمای جوانان ایران (سال ۵، شماره ۱، بهمن ۴۷، فروردین ۷۰)

«نگاهی به تاریخ عکاسی ایران- ایرانیان ارمی اردریحه دوربین» / «گزارشی از چهارمین جشنواره سینمای جوان استان سمنان» / «گفتگوی با اندره کرتز» / «تکنیکهای ویژه عکاسی - عکاسی پاوراما».

● فصلنامه اتاق بازرگانی و صایع ایران و بلریک (سال ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰)

«اتاق بازرگانی و صایع ایران و بلریک، تلاسی بو در گسترش روابط» / «بلریک در یک نگاه - تصویری از مشخصات عمومی کشور بلزیک» / «ایران و بلزیک، آغاز روابط در عصر فاحاو» / «منطقه آزاد تجاری- صنعتی قشم گام نخست، قرارداد ۱۵ میلیارد دلاری» مقالات این نشریه در دو بخش فارسی و انگلیسی ارائه شده است

● فصلنامه تئاتر: نشریه دفتر پژوهشهای تئاتری (شماره ۹ و ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۶۹)

«تمثیلات ۱۲۷۶ و مردم‌گیر ۱۲۸۶» / «ترازادی چیست» / «تئاتر گیلان و باریانی چهره‌انسانی آن» / «تئاتر ایرانی»

● فصلنامه تحقیقات جغرافیائی: محله علمی پژوهشی- گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی استان قدس رضوی (سال ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۶۹)

«گوشه‌ای از جغرافیای آسیای مرکزی» / «تأثیر اوضاع و احوال زندگی و عوامل اجتماعی در بطرات جغرافیایی راتزل» / «حریره هرمز در منون جغرافیایی و تاریخی قدیم» / «تاریخ سهرهای حراسان- نیشابور».

● کتاب صبح (شماره ۱۰، بهمن و اسفند ۱۳۶۹)

«نشستی با عباس کیارستمی» / «زبان و ادبیات» / «کارگردان کیست و کارگردامی چیست؟»

● کلاک (شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۹)

«نام خدا و نام اسان» / «شاهنامه فردوسی» / «ار توکیو به بکی (گزارش دیدار از توکیو و زاپس)» / «حدمات فرهنگی عبدالعزاز طهوری» / «گزارش کفراس بین‌المللی میراث تصوف ایرانی» بحشی

چاپ جدید

## غلط نویسیم

فرهنگ دشواریهای زبان فارسی

نوشته ابوالحسن نجفی

با تجدید نظر کامل و تغییرات اساسی منتشر شد

# در ایران، در جهان



## کتابهای برگزیده دانشگاهها

مراسم معرفی کتابهای برگزیده دانشگاههای کشور روز یازدهم اردیبهشت (سه‌شنبه استاد مطهری) در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با حضور استادان و علاقه‌مندان برگزار شد. دومین بار است که چنین مراسمی در ایران برگزار می‌شود. عنوان برخی از کتابهای تألیفی برگزیده امسال به شرح زیر است:

- تاریخ روابط ایران و فرانسه / دکتر ابوالحسن عفری؛
- درآمدی بر جامعه‌شناسی رمان / دکتر یحیی مدرسی؛
- فرهنگ اماری کلمات قرآن کریم / دکتر محمود روحانی؛
- معارض فوائین / دکتر نجاد علی‌الماسی؛
- حقوق اساسی و نهادهای سیاسی / دکتر ابوالفضل قاضی سررعت‌ناهی؛

- همجنس‌زدی کتاب مورد فدراسی و تسوین فرار گرفت
- فرهنگ فرق اسلامی / دکتر محمدحواد مسکور؛
- عسایر مرکزی ایران / دکتر حواد صفی‌زاد؛
- مناسبت و اصول امور و برورش / دکتر علام‌حسین سکوهی؛
- تاریخ روابط خارجی ایران از نایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی / دکتر عبدالرضا هوسنگ مهدوی؛
- مقالات حقوقی / دکتر ابوالقاسم گرچی

## جشنواره کتاب دانشجویان

اولین جشنواره کتاب دانشجویان سراسر کشور در تبریز برگزار شد. دکتر مصطفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، ضمن پیامی که در مراسم افتتاح جشنواره فرانت شد، تأکید کرد که کتاب، کتاب‌نویسی و کتاب‌خوانی با اعمای جامعه ما رسوخ کرده است و انتشار کتاب و مقالات دانشجویان و پژوهشگران جوان را پیر در بر گرفته است. در این مراسم آثار علمی برگزیده دانشجویان سراسر کشور که بالغ بر چهل اثر بود معرفی گردید و به آثار برتر يك بهار آزادی جایزه داده شد.

## کنگره جغرافیایی ایران

همچنین کنگره جغرافیایی با شرکت ۴۵۰ تن از استادان و کارشناسان و با حضور ۸۰۰ تن از دبیران جغرافیا و دانشجویان این رشته از سراسر کشور در دانشگاه تهران تشکیل گردید. دکتر رحیم مسیری، دسر کنگره، اظهار داشت هدف از تشکیل این کنگره «معرفی قابلیت‌های دانش جغرافیا در خدمت برنامه پهناساله بوسعه و عمران کشور» است. در این کنگره که سه روز طول کشید هشتاد مقاله ارائه شد و همزمان با آن سازمان جغرافیایی ارتش يك نمایشگاه تخصصی بر پا کرد.

## کنفرانس سالانه ریاضی

بیست و دومین کنفرانس ریاضی کشور در اواخر اسفندماه در دانشکده علوم پزشکی مشهد برگزار شد. کنفرانس ریاضی کشور از سال ۱۳۴۹ هر ساله به همت «انجمن ریاضی ایران» دایر شده است. این انجمن هم‌اکنون ۸۵۰ عضو پیوسته و وابسته دارد و از اعضای فعال «اتحادیه بین‌المللی ریاضی جهان» است.

## نمایشگاه بین‌المللی کتاب

پارسی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران روز سائردهم اردیبهشت در سال دائمی نمایشگاههای تهران توسط دکتر حسن حبیبی معاون اول رئیس‌جمهوری افتتاح شد. دکتر حبیبی در مراسم افتتاح نمایشگاه گفت اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جهان با سیات در حال شکل‌گرفتن است، و علم و فرهنگ باید هم‌سیر این تحولات باشد و هم‌سایان آنها، بدون این امر تحولات جهان حربه ضرر انسان و انسانیت، به سخته‌گیری منحصر بخواهد شد، و کتاب و بوسه اساسی‌ترین سسر و حراشه هر کشد.

دکتر حسنی همجنس گفت که تشکیل این نمایشگاه کار مبارک و ودمندی است که جمهوری اسلامی ایران موفی شده است در طول بد سال گذشته به آن سر دارد. واگر جمهوری اسلامی ایران را راحت ندارند می‌تواند در کار سسر فرهنگ خود و فرهنگ و تمدن جهان تأسیر سسری بگذارد.

در همین مراسم صباح رنگه، معاون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رئیس نمایشگاه گراسی از حگوگی تشکیل نمایشگاه و فعالیت آن انه کرد و گفت در نمایشگاه امسال باسراان داخلی ۱۲ هزار عنوان و سسران خارجی ۴۲ هزار عنوان کتاب عرضه کرده‌اند (بالغ بر ۱۶۰ سسر از کشورهای عرب و مسلمان و ۱۷۰ باسر از کشورهای اروپا و بریکا).

رئیس نمایشگاه کتاب تهران همچنین گفت که هیأت دولت امسال سه بد سالهای بیس از نمایشگاه را به برج دولتی تأمس کرد و لذا بر دادران می‌تواند کتابهای خارجی مورد علاقه خود را به مران تعیین ده سفارس بدهد.

از مسخسه‌های نمایشگاه امسال دیدار حضرت اب‌الله خامنه‌ای از احتصاص يك عرغه مستقل به نهضت فلسطین بود که در آن علاوه ارائه کتابهای مربوط به فلسطین، حد سمیبار فرهنگی و سب سسر سط بوسندگان و ساگران فلسطینی برگزار شد. برگزاری سمیبار مس کامپیوتر در انتشارات»، جلسات گفت و سبود میان مؤلمان و ردیدکنندگان، تشکیل عرغه مطبوعات داخلی، ارائه تردیک به نسس از عنوان مجله علمی خارجی، تشکیل عرغه کتابهای فراسوی و نسار روزانه سسریه نمایشگاه با عنوان «سحگو» از و برگیهای دیگر ن نمایشگاه بود.

## تشکیل سازمان نظام مهندسی

سازمان نظام مهندسی ایران، که تشکیل آن در سال ۱۳۵۲ به تصویب مجلس رسیده بود، سی از گذشت ۱۷ سال در اواخر اسفند ماه رسماً تأسیس گردید.

این سازمان به مهندسان امکان می‌دهد که، همچون پزشکان، با مراجع علمی و مؤسسات تحقیقاتی در داخل و خارج در تماس باشند و به تبادل اطلاعات فنی و علمی بپردازند علاوه بر این سازمان نظام مهندسی به رفع نقایص موجود در برخی از رشته‌ها مثل مهندسی عمران کمک می‌کند و میزان کارایی آن را بالا می‌برد سازمان نظام مهندسی همچنین بر احداث ساختمانها از نظر کمی و کیفی نظارت خواهد داشت.

## آزادی صدور کتاب

صدور کتاب به خارج از کشور، که تاکنون زیر نظارت مستقیم دولت و تحت شرایطی خاص انجام می‌گرفت، از این پس آزاد است و باسرا می‌تواند رأساً اقدام به ارسال و صدور کتاب کند

آقای صاحب رنگه، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، که در مراسم پایانی «بختین حسواره» کتاب دانشجویان سراسر کشور» در تبریز شرکت کرده بود، ضمن تأکید بر آزادی بیان و علم در چهارچوبهایی که قانون مشخص کرده است گفت از این پس باسرا ایرانی می‌توانند در نمایشگاههای بین‌المللی کتاب مثل نمایشگاه فرانکفورت شرکت کنند

صدور کتاب توسط ناشران واحد صلاحیت بدون تودیع پیمان ارزی انجام خواهد گرفت

## ایستگاه پژوهشی در مناطق کویری

ایستگاه پژوهشی کرمان وابسته به «مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران» در کرمان افتتاح شد این مرکز که در سال ۱۳۵۴ ایجاد شده است تاکنون نهمین ایستگاه در شهرهای واقع در حاشیه کویر و بیابانهای ایران تأسیس کرده است

هدف این مرکز بررسی وضعیت مناطق کویری و بیابانی و مسائل مربوط به آن است در این امر از تصاویر ماهواره‌ای نیز استفاده می‌شود. در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد از خاک کشور را بواهی بیابانی و نیمه‌بیابانی به مساحت ۸۰ میلیون هکتار تشکیل می‌دهد.

## گرامی داشت استاد محمد معین

به‌منظور تحلیل احوال و روان‌شناسی دکتر محمد معین، ادیب و محقق نامدار معاصر، در روزهای ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت مجلس برگزار شد در دانشگاه گیلان تشکیل شد. در این گردهمایی حدود ۳۵۰ تن از استادان، ادبا، شعرا و دانشجویان شرکت کردند و سخنرانان متعدد با ایراد سخنرانی از مقام علمی و کوششهای فرهنگی ارزنده دکتر معین به نیکی یاد کردند.

## کتابی درباره آقای هاشمی رفسنجانی

زندگی و خصوصیات شخصی رهبران و رؤسای جمهوری کشورها همیشه به شهرت می‌رسند موضوعی می‌شود برای روزنامه‌نگاران،

بخصوص در اروپا و آمریکا. چهره آقای هاشمی رفسنجانی نیز سال پیش که به مقام ریاست جمهوری رسیدند روز به روز معروفتر و با هر مصاحبه‌ای که از ایشان در یکی از روزنامه‌ها و مجلات اروپایی و آمریکایی درج شده به شهرت ایشان افزوده شده است از موفق‌ترین مصاحبه‌هایی که در رومستان گذشته با ایشان انجام مصاحبه‌ای بود که مسؤول امور فرهنگی روزنامه فرانسوی زبان در تهران با ایشان به عمل آورد. پس از موفقتی که مصاحبه‌گر آقای پروسل هوگر، کسب کرد به این فکر افتاد که اگر ریدگر رفسنجانی، از زمان تولد تا حال، و همچنین خصوصیات سه برنامه‌های آینده ایشان برای بازسازی کشور، کتاب کاملی از هوگر بویسنده‌ای است توانا که کار خود را خوب بلد است. و فروردین سفری به ایران کرد و سعی کرد بخصوص با کسانی رفسنجانی را قبل از انقلاب می‌شناختند مصاحبه کند و تا می‌ایشان اطلاعاتی کسب کند هوگر در ضمن این سفر حد رود کرمان و رفسنجان و همچنین به ده بوی، رادگاه آقای رفسنجان کتاب او که احتمالاً تا دو سال دیگر نوشته و چاپ خواهد شد او کاملی خواهد بود که درباره زندگی و شخصیت آقای رفسنجان می‌شود

## سمینار زبان فارسی، زبان علم

مرکز سرداشگاهی سمیناری از تاریخ ۲۸ تا ۳۰ اردیبهشت «سمینار بین‌المللی زبان فارسی، زبان علم» در تالار عا دانشگاه تهران برگزار کرد گزارش این سمینار را ما حاسحرانیهادر شماره آینده محله درج خواهیم کرد متن کامل نیز در مجموعه‌ای جداگانه به حاب خواهد رسید.

## اولین سمینار کاربردی ایران

در اولین سمینار کاربردی مراکز و سازمانهای پژوهش اطلاع‌رسانی ایران که به کوشش «سازمان مدارك فرهنگ اسلامی» در تهران برگزار شد، لزوم سیاست‌گذاری، برنامه‌های هماهنگی در فعالیتهای اطلاع‌رسانی مورد تأکید قرار گرفت این سمینار سه روز طول کشید و ضمن آن بر دیک به مرکز آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی و بزردها تن ارد به بحث و تبادل نظر درباره پژوهش فرهنگی و اطلاع‌رسان راههای همکاری با یکدیگر را مورد بررسی قرار داد جلسات عمومی سمینار پنج کمیسیون تخصصی زیر موضوعات زیر تشکیل شد تکنولوژی اطلاعات اطلاعات، مدیریت اطلاعات، وضع موجود و نظام مطلوب اطلاع‌رسانی و مراکز تصمیم‌گیرنده.

## گردهمایی مطبوعاتی

«شرکت تعاونی مطبوعات کشور» (حیابان کریم حان ر» عصدی، کوچه آرنگ) در نظر دارد در سال جاری «بررگ با عنوان همدلی» برگزار کند محل این گر کنفرانس مرکز توسعه صادرات ایران در محل دای

سببی شده است از همه دست‌اندرکاران مطبوعات کشور دعوت شد است که در این جلسات شرکت کنند

### ابعاد جغرافیا و نقشه‌برداری

مهم‌ترین سمینار نقشه‌برداری، دورسجی و علوم جغرافیایی تحت عنوان «محدود جغرافیا و نقشه‌برداری» در بهران برگزار شد و همزمان با آن «سند استراتژی» «مرکز ملاتاربوم» (آسمان‌نگار) آغاز گردید در این زمینه صورت سمعی - تصویری مسائل ستاره‌شناسی و احرام اسماعیلی مورد بررسی داده می‌شود

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که این سمینار برپا داده بود، اعلام کرد آمادگی آن را دارد که به عنوان یک ناگاه تحقیقاتی، تجهیزات و امکانات خود را در اختیار محققان، اسناد و اسحویان این رشته قرار دهد

در این سمینار هم‌چنین اعلام شد که به رودی یک «ناگاه تحقیقات ملی در رشته جغرافیا» در ایران تأسیس می‌شود

### همکاری فرهنگی ایران با چند کشور

ر ماههای اخیر چند یادداشت تفاهم فرهنگی میان ایران و چند کشور بحر امضا شد

● به موجب یادداشت تفاهمی که میان ایران و آلمان به امضا رسید، و کشور در زمینه‌های آموزش، علمی، فرهنگی، نمایشگاه کتاب، مسائل سیاسی و حفظ میراث فرهنگی، تبادل دانشگاهی و بورسیه‌های تحصیلی همکاری خواهند کرد

علاوه بر این قرار شده است «هفته فرهنگی» هر کشور در کشور دیگر برگزار شود همچنین آلمان موافقت خود را با تأسیس یک مدرسه برای ایرانیان مقیم آن کشور اعلام کرده است دکتر تر تولدوینه، مدیرکل فرهنگی وزارت خارجه آلمان، که برای گفتگو درباره مسائل مورد علاقه دو کشور به ایران آمده بود، در طی اقامت خود از آثار باستانی فارس دیدن کرد گفته می‌شود که در زمان این سفر دو دولت با گسائی استوگوته در تهران و استیو حافظ در آلمان موافقت ده‌اند بر اساس همین موافقتها ایران امسال در نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت شرکت می‌کند

● بتر اول رئیس حرگزاری حکسلواکی و ماریس بالور معاون ارب خارجه این کشور، ضمن دیدار با آقای دکتر محمد حاتمی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهان توسعه همکاری دو کشور در زمینه تبادل خبری و تبادل نظر در این زمینه شدند

● هیأت رئیسه کمیته بین‌الدول انورماتیک یوسکو، با پرداخت ۱۱ هزار دلار اعتبار برای کمک به طرح کامپیوتری دانشگاه علوم سکی مشهد موافقت کرد.

● به موجب یک پروتکل منع ماده‌ای که میان مقامات جمهوری دمختار نجران و مسؤولان استان آذربایجان غربی امضا شد، ادوات اقتصادی و فرهنگی میان دو طرف رونق می‌گیرد و تسهیلات فراهم خواهد شد.

همچنین بر اساس توافق اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان سرخه و مسؤولان آکادمی علوم آذربایجان سوروی قرار

است که یک ماهنامه ادبی به دو خط فارسی و سریل همزمان در ناگو و تبریز منتشر شود جمهوری آذربایجان سوروی امسال رور اول فروردین (مورور) را عید ملی و تعطیل رسمی اعلام کرد عید فطر نیز از امسال در جمهوری آریکستان تعطیل رسمی اعلام شده است

در سوی دیگر اداره روحانیت ماوراء قفقاز یک مدرسه علوم دینی در شهر کندان در آذربایجان سوروی تأسیس کرده است که در آن کلاسهای جهت آموزش قرآن و ربانهای فارسی و عربی دایر شده است

ع روح‌بخشان

### ● فرانسه / جهان عرب

#### اطلس جهان عرب

در اواخر سال گذشته یک اطلس جدید جهان عرب به زبان فرانسوی در پاریس انتشار یافت این اطلس را که حاوی نقشه‌های متعدد و گوناگون و تحلیل‌های جغرافیایی، اجتماعی، بوم‌ساختی، سیاسی و اقتصادی است رفیق بستانی و فیلیپ فارغ تدوین کرده‌اند و ماکسیم رودسور مقدمه‌ای بر آن نوشته است مؤلفان آمارهای عرصه شده در این اطلس را که عمدتاً به سالهای پند از استقلال کشورهای عرب تا زمان حاضر مربوط است، از سالنامه‌های آماری و آمارهای سازمان ملل متحد، جامعه عرب، و نیز آمارهایی که خود این دولت‌ها منتشر کرده‌اند، برگرفته‌اند این اطلس حاوی بررسی‌هایی درباره اهم مشکلات و مسائل سیاسی کشورهای عربی و برآیندگی جغرافیایی اقلینها در جهان عرب و موارد دیگری از این دست نیز هست

### ● مصر

#### فرهنگستان قاهره و زبان عربی عامیانه

پناه و هفتمین کنگره سالانه فرهنگستان زبان قاهره در اوایل سال جاری میلادی / اواخر سال گذشته شمسی در شهر قاهره برگزار شد. موضوع این کنگره «رابطه میان زبان عربی فصیحی و زبان عربی عامیانه» بود و قرار کنگره بر آن بود که برای کلمات و تعابیری که در زبان عامیانه و محاوره‌ای عربی به کار می‌رود اصول و مبنای آن در زبان فصیحی کشف کند و در مجموع ثابت کند که بین این دو گروه از کلمات و تعابیر به هر حال پیوندی برقرار است رئیس کنونی فرهنگستان قاهره، دکتر ابراهیم مدکور، گفته است که این کنگره بواقع ادامه کنگره پناه و نسیم این فرهنگستان است که سال گذشته تحت همین عنوان در قاهره برگزار شد هدف اصلی کنگره پناه و نسیم این فرهنگستان آن بود که نشان بدهد مواضع یا موارد تلاقی و پیوند میان زبان عربی عامیانه و فصیحی بسیار بیشتر از آنی است که در نظر نخست برمی‌آید کنگره پناه و هفتم فرهنگستان زبان عربی قاهره در بیست و پنجم فوریه ۱۹۹۱/۶ اسفند ۱۳۶۹ به کار خود پایان داد

### ● اردن

#### بزرگداشت یوهان لودیگ برکهارت

ملك حسین بن طلال، شاه اردن، برای بزرگداشت یوهان لودیگ برکهارت، جهانگرد سوئیسی که در سال ۱۸۱۲ میلادی/۱۲۲۷ هجری

۱۳۶۹) در جهان پرداخته شده است. تابلو «باغ گلها» را وانگوگ  
اوت ۱۸۸۸ میلادی در حوب فراسه نقاشی کرده بوده است

## ● ژاپن

### مشکل اعتیاد به کار!

آخرین آمارهای وزارت کار ژاپن حاکی از آن است که در سال ۰  
میلادی/ ۱۳۶۹ شمسی (یا به عبارت دقیق تر، از تاستان ۸۹  
۱۳۶۸ تا تابستان ۱۹۹۰/ ۱۳۶۹) میانگین تعطیلات سالانه رانیه  
۷/۱ رور بوده که به هر حال از میانگین مربوط به سال قبل (۶/۵)  
اندکی بیستر بوده است! این امر، یعنی بسیار اندک بودن مه  
تعطیلات سالانه رانیهها، ناشی از اصرار سیدی اسب که مسو  
برنامه ریران رابن در سالهای گذشته برای واداستن رانیهها به کار  
بیستر و استراحت هرچه کمتر داشته اند خود شخص توسیکی  
نحس وریر رابن، در سراسر سال تنها ۴ رور به خود استرا  
تعطیلی سالانه می داده است! در سال ۱۹۸۹/ ۱۳۶۸ رانیهها  
متوسط نری ۲۱۱۰ ساعت کار کرده بودند که حیری بالغ به  
ساعت بیس از فراسویها و بیس از ۲۵۰ ساعت بیستر از امریه  
انگیسیها بوده است. طاهرأ برنامه ریران رابن قصد دارد  
تعطیلات سالانه رانیهها را به ۳ هفته در سال افزایش بدهند، از  
رسیدن به این هدف نامسکلائی مواحه اند که حرص کارفرمانان  
اعتیاد رانیهها به کار از مهمترین آنهاست البته گفته اند که انچه  
«اعتیاد رانیهها به کار» می نماید در واقع حیری حراتات نگرام  
ایسان اروامندن از بیشره و حامندن اررها و رفقا در حریان،  
نهای بی امان در مؤسسات اقتصادی و صنعی رابن سست یا  
دیگر در مورد اینکه حرا رانیهها این قدر مستاق کار کردند، این  
گفته اند حانه های اکبر کارگران رابی بسیار کوحک است و ا  
ترجیح می دهند که حتی رورهای تعطیل را هم به سر کار،  
حانه های تنگ و کوچک خود مساند

## ● فراسه/ جهان

### حکومتها و آزادی مطبوعات

سازمان مسمل حبرنگاران بدون مرز، که مرکز آن در مونلیه  
فراسه است، اعلام کرده است که در سال ۱۹۹۰/ ۱۳۶۹  
جهان ۳۸ رورنامه نگار در حین انجام کار کسته شده و ۱۹۸ ر  
بیر به لحاظ اظهار آراء و عقایدسان رندایی گردیده اند سارا  
حبرنگاران بدون مرز به منظور بر ملا کردن تعدیات ح  
رورنامه نگاران و آزادی مطبوعات در سراسر جهان تأسیس  
این سازمان اعلام کرده است که عده رورنامه نگارانی  
۱۹۹۰/ ۱۳۶۹ در حین کار به قتل رسیده اند به میران قابل بو  
کسته سدگان مطبوعات در سال ۱۹۸۹/ ۱۳۶۸ (که ۷۱ نفر  
بوده است در گراس این سازمان فیلیس و کلمیا و ماکس  
«برخطرترین» کشورها برای رورنامه نگاران معرفی شده اند)  
بعدی از این حیب به ترتیب کسورهای افریقای جویو  
السالوادر و گواتمالا و لیبریا و حاد و ترکیه و هانیتی و  
لبنان و مکریک و برو و سریلانکا واقع شده اند در گزارس  
شده است که حکومتهای سه کسور عراق و حاد و لیبریا م

قمری شهر سنگی بتراء را در جنوب این کشور کشف کرده بود، یک  
نشان عالی سلطنتی به روان وی تقدیم کرد. برکهارب که اسلام آورده و  
نام «شیخ اراهم بن عبدالله» را برای خود برگزیده بود، سالهای آخر  
عمر خویش را در سرمیه های حاورمیه، مخصوص در اردن و فلسطین و  
مصر سهری کرد و در سال ۱۸۱۷ میلادی/ ۱۲۳۲ هجری قمری در سهر  
قاهره وفات یافت و در همانجا مدفون گردید سهر بتراء یا بطرا  
(به معنای سنگ) را سلطان در حدود دو هزار سال قبل در دل صحرا از  
سنگ سرخ تراشیده اند این سهر در سال ۱۰۶ میلادی به دست رومیها  
افتاد و قبل از آنکه توسط برکهارب مجدأ کشف شود حدود ۳ قرن بود  
که از یادها رفته و فراموش شده بود

## ● سوریه/ شبه قاره هند

### ادبیات اسلامی در شبه قاره هند

اتحادیه نویسندگان عرب در دمس سماره سصب و سحم از محله ادبیات  
حارجی (الادب الاحسیه) خود را به بررسی ادبیات اسلامی در  
کشورهای شبه قاره هند، یعنی هند و پاکستان و سگلادس، اختصاص  
داده است. این سماره محله حاوی این مطالب و موضوعات است «روح  
فرهنگ اسلامی» از علامه اقبال لاهوری، که از کتاب احیای فکر دینی  
در اسلام او برگرفته و ترجمه شده است، «مدحلی بر ادبیات پاکسانی»،  
ترجمه و اقتباس عبدالکریم ناصیف، «روح فرهنگی جامعه اسلامی در  
ادبیات هندی» از دکتر محمدحسین، «زمان مسلمان در هند» از مارا  
علی بیج، مجموعه ای از مضاید سمرای پاکسانی که مددوح عدوان آنها  
را برگزیده و ترجمه کرده است، «بروهشی در سحر عربی در هند» از  
محمد سعید الطریخی، مجموعه ای از اسعار فیض احمد فیض بحب  
عنوان «دیوان وادی سیاه» که خود او به عربی سروده است، ترجمه  
تعدادی از داستانه های کوتاه نویسندگان سه قاره، و بالاخره فهرستی از  
کتابخانه های هند که مشحون از آثار عربی/ اسلامی است

## ● لبنان/ عراق

### طبقات اجتماعی و جنبشهای انقلابی در عراق

احیرأ مؤسسه انتشاراتی «مطالعات عربی» (مؤسسه الانحات العربیه)  
در بیروت ترجمه عربی کتاب حنا بظاطو، تحب عنوان طبقات اجتماعی  
و جنبشهای انقلابی در عراق از عهد عنمائی تا تأسیس جمهوری را به  
قلم عفیف الرزاز منتشر کرده است این کتاب حاوی تحلیلی از وضع  
مالکان اراضی و سرمایه داران و باررگانان در عراق بیس از اعلام  
جمهوری، و سلطه این گروه بر حیات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی  
این کشور است، و در عین حال به بررسی سهم عسایر در سیاست این  
کشور بیر پرداخته و به تفصیل درباره نصح گیری حرکتیهای سیاسی در  
عراق و شکل گیری احزاب بررگ این کشور و تطور سنی و مرام آنها  
نحس کرده است.

## ● امریکا

### گرانترین تابلو جهان

تابلو سیاه و سفید «باغ گلها» اثر وسان وانگوگ در حراج علی مؤسسه  
«کریستیر» در نیو یورک به مبلغ ۸/۳۶ میلیون دلار فروخته شد. این رفم  
بالا ترین قیمت برای یک تابلو نقاشی است که تا دسامبر ۱۹۹۰ (آذر



روبرنامه‌نگاران دخیل بوده‌اند. برعکس این کشورها، در بعضی کشورهای دیگر وضع روبرنامه‌نگاران و آردبهای مطبوعاتی رو به بهبود داشته است. افریقای جنوبی به لحاظ بایان دادن به حالت فوق‌العاده و اراد سدن دوباره فعالیت‌های روبرنامه‌نگاران؛ اتحاد سوروی لحاظ تصویب قانون جدید مطبوعات که به همه شهروندان حق و امکان می‌دهد که شریه‌ای دایر کند؛ و بالاخره کشورهای اروپای سرفی کلاً به لحاظ تخفیف قیود تحمیلی بر مطبوعات، از این حمله‌اند گفته سده است که از سال ۱۳۴۸/۱۹۶۹ تا ۱۳۶۸/۱۹۸۹ مجموعاً ۷۱۵ نفر از روبرنامه‌نگاران و خبرنگاران در کشورهای مختلف سراسر جهان در حین کارسان و یا به خاطر کارسان کسته سده‌اند.

از سوی دیگر، در گزارش سالانه مؤسسه فریدم هاوس (House of Freedom) امریکا در واسگش آمده است که سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ از حب عدی حکومتها به آردی مطبوعات کم ضاعه مر از سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹ بوده است. سائر این گزارش در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۴۳ روبرنامه‌نگار در حریان کارسان کسته سده، و آردی مطبوعات در ۶۱ کشور جهان رعایت می‌سده است؛ در حالیکه در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹ اس ارقام به ترتیب ۷۳ نفر و ۵۶ کشور بوده است. سائر گزارش این مؤسسه، در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ کشورهای بولیوی و سلی و محارسان و باناما و لهستان و حکسلواکی و تایلند به زمره کشورهای که آردی مطبوعات را رعایت می‌کند بیوسه بوده‌اند؛ ۳۱ کشور کماس آردی مطبوعات را ملحوظ می‌داسته‌اند، و ۶۵ کشور دیگر همچنان کم بر اعتنایی به حق و حقوق مطبوعات و مطبوعاتان نداسه‌اند. از ۴۳ روبرنامه‌نگار مقبول در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰، ۱۲ نفر سان به خاطر سسر بعضی اطلاعات سیاسی، ۳ نفر سان به لحاظ دسب داسس در فاحای مواد مخدر، ۳ نفر سان به دسب افراطیون مذهبی، و ۲ نفر دیگر سان که مأمور تهیه گزارش از حوادث لبنان بوده‌اند در حریان درگیربهای اس کشور کسه سده‌اند؛ غلب کسه سدن ۲۲ نفر دیگر از اس عده معلوم سده است علاوه بر این، در این سال ۵۰ روبرنامه‌نگار در ۲۲ کشور جهان بهدید به قتل سده و ۱۶ نفر از اس طایفه در کشورهای مختلف جهان ربوده سده‌اند. در همین سال ۱۳۹ نفر از روبرنامه‌نگاران در کشورهای مختلف مورد عدی و ضرب و سم واقع سده‌اند، در حالیکه این رقم برای سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹، ۱۲۹ نفر بوده است و بالاخره، در حالیکه در سال ۱۳۶۸/۱۹۸۹ کلاً ۱۱۶۴ روبرنامه‌نگار مورد انواع آزارها و تصییفات مختلف دیگر فرار گرفته بودند، این رقم در سال ۱۳۶۹/۱۹۹۰ به ۸۱۴ نفر تغیل باهه بوده است.

## ● ترکیه

### تلف شدن میلیونها نسخه از اسناد عثمانی

سائر آنچه بر فسور عصمت میراوغلو، مدیر کل بایگانیهای دولتی ترکیه اعلام کرده است، به سب اهمالی که در نگاهداری درسب اسناد بایگانیهای این کشور سده، از بیس از ۱۰۰ میلیون سدن تاریخی بازمانده از عهد عثمانی فریب ۳۰ میلیون سحه آن بوسنده و از سس رفته است. عصمت میراوغلو که در سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ به این سمت منصوب سده، گفته است که این ضایعه عظیم حاصل ۷۰ سال اهمال و سهل انگاری در محافظت درست از این اسناد بوده و از سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۸۷ مسؤولی سایسته برای این کار گمارده نشده بوده است. خود وی در سال ۱۳۶۶/۱۹۸۷ در زمان بحسب وریری تورگوب اورال به این سمت

منصوب گردیده است و این اداره کل زیر نظر بحسب وریر ترکیه کار می‌کند. سائر آنچه عصمت میراوغلو گفته است فریب ۶۰۰ نفر از حرگان و کارسانان اسناد تاریخی تحت نظر او رسیدگی به وضع اسفبار بایگانیهای اسناد تاریخی را آغاز کرده و در این راه بعضی از محارن اسناد مرور، مثل محارن و بایگانیهای مسحد سلطان احمد را بعد از سالها فراموسی، برای اولس بار گشوده‌اند. بعضی از این محارن ارباد رفته گاهی آجنان بویاک بوده‌اند که به سحتی می‌سده است در آنها کار کرد، و هیچ یک از آن ۳۰ میلیون سدی که در این سراط تأسف‌آور بوسیده و از بین رفته است به هیچ‌وجه قابل نارساری و نرمیم بیست، میراوغلو گفته است که بی هیچ معامله‌ای بار اصلی این گناه بر دوش مدیران سابق بایگانیها، دولتی ترکیه است که «بعضی از آنها» حتی ۱۰ تا ۱۵ سال در این مقام حا حوس کرده بودند، و دولت ترکیه بدون کمترین گذستی باید اس مسأله را بیگیری کند.

اولس تسکیلات رسمی برای نگاهداری بایگانیهای دولتی این کشور را مصطفی رسید ناسا، صدراعظم عثمانی در سال ۱۸۴۶ میلادی/ ۱۲۶۲ هجری قمری تحت عنوان «اداره بایگانیهای اسناد دولتی» تأسیس کرده بود. در سال ۱۹۳۰ میلادی/ ۱۳۰۹ شمسی، یعنی در وایل تسکیل جمهوری ترکیه، مجدداً تسکیلات تازه‌ای برای اس منظور ایجاد گردید. در سال ۱۹۸۵/ ۱۳۶۴ به اسکار وریر خارجه وف ترکیه، وحید حلف اوغلو، تسکیلاتی تحت عنوان «مؤسسه مطالعات، روابط ترکیه و اعراب» تأسیس سد که از اولس اقداماس برگراری یک گردهم‌آیی برای بحث و بررسی مسأله بایگانیهای عثمانی بود؛ اس گردهم‌آیی از ۱۷ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۵/ ۲۷ تا ۲۹ اسفند ۱۳۶۴ با همکاری دانشکده ادبیات دانشگاه استانبول برقرار سد و در جلسه افتتاحه آن تورگوب اورال، رئیس جمهور فعلی ترکیه بیر که در آن هنگام بحسب وریر بود، سرک داسب اورال در همان گردهم‌آیی قول داده بود که به وضع ناسامان بایگانیهای تاریخی اس کشور سروسامانی حدی بدهد، و اقدام بر فسور عصمت میراوغلو و گروه تحت نظر او بحق همان وعده است. امروره مهمترین تسکیلات مسؤول نگاهداری اسناد تاریخی اس کشور «آرسیو عثمانی» در استانبول است که زیر نظر بحسب وریر این کشور کار می‌کند و محارن مهمی از اسناد عثمانی، همچون «دیوان هماوی»، «باب الدفتری»، و «باب الاحصی» با «باب عالی» و احزاء و لواحق آنها را در بر گرفته است. حدای از اس «آرسیو»، آرسیوهای دیگری سربمل «آرسیو طونفوسرای» یا «آرسیو سرای» و «آرسیو اوفاف» بیر دایرند. ماکون دو فهرست از این اسناد و مجموعه‌های تاریخی به زبان ترکی تدارک سده است. یکی را مدحت سرب اوغلو، مدیر کل سابق آرسیو عثمانی، تهیه کرده است، و دیگری را که در واقع ادامه اولی است ایلا حسین، فائم مقام سابق مدیر کل همین آرسیو عثمانی فهرستی که دکتر عبدالخلیل التیمی از این اسناد تهیه کرده است. احیاناً اولین امر از این دسب در زبان عربی است.

## ● انگلیس

### شماره جدید «نشریه انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی»

احیراً شماره دوم سال ۱۹۹۰ نشریه انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی لندن (J.R.A.S) حاوی مطالب و مقالاتی از این دسب انتشار بافته است «مرید دروینس تحقیقی در باب سحقیب و محیط فرهنگی و فکر»

دکتر مصدق، سقوط دکتر مصدق، تأسیس جمعیت «فداییان اسلام» حرکت‌های اسلامی متعاقب آن مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. تکیه و تأکید اصلی مؤلف در گزارش تفصیلی و تحلیل حرکت‌هایی است که از اوایل دهه ۱۳۴۰/۱۳۶۰ آغاز شد و به نیروی انقلاب اسلامی ایران حتم گردید. مؤلف کوشیده است که مشکلات تحول «انقلاب» به «دولت» را به دقت توضیح بدهد. فصلی از این کتاب نیز به بررسی زمینه‌ها فکری و مذهبی و ادبیات انقلاب اسلامی اختصاص یافته و طی آن آیت‌الله امام خمینی (ره)، شهید مطهری، مرحوم دکتر سربانی، مهندس مهدی بازرگان و ابوالحسن بنی‌صدر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. ظاهراً به لحاظ آنکه اصل کتاب در سال ۱۳۶۰/۱۳۸۱ نوشته شد مؤلف به فرار و سبیهایی که از آن پس در تاریخ انقلاب اسلامی ایران روی داده نظر نداشته است، و این کتاب اگر امروزه نوشته می‌شد، حالتی از تحلیل‌ها و تفاسیری می‌بود که هم‌اکنون در آن درج گردیده است.

## ● عراق

### تاریخ سیاسی معاصر عراق از نظرگاهی اسلامی

حدی بیس کتابی تحت عنوان العمل الحری فی العراق ۱۹۰۶-۱۹۵۸ به قلم حسن شتر منتشر شده بود که نخستین جزء از مجموعه مفصل تاریخ عراق به حساب می‌آمد. اینک جزء دوم مجموعه تحت عنوان تاریخ العراق السیاسی المعاصر - الإسلامی، ۱۹۰۰م-۱۹۵۷م انتشار یافته است. سید محمد حسن فصل الله در تریبی بر این کتاب گفته است که «شتر» از چهره‌های برجسته مسلمانان انقلابی عراق است که علاوه بر آنکه خود سال‌ها ریدان و تبعید و سایر انواع تصفیات را از جانب عراق تحمل کرده، دو تن از فرزندانش را نیز در مبارزه اسلام و کد دست داده است.»

کتاب تاریخ سیاسی معاصر عراق حاوی ۹ فصل به علاوه تصاویر اسناد و مدارک حسن اسلامی عراق در آغاز قرن بیستم است. فصل نخست کتاب موضع و نظر علمای دینی عراق، بخصوص نجف، نسبت به حوادث و رویدادهای مهم اوایل قرن بیستم، یعنی انقلاب مشروطه ایران و امراض خلافت عثمانی، و عملکرد این «حرکة الجهاد» به منظور حمایت از عثمانی در جنگ اول جزء مبارزه و مخالفت‌ها با انگلیس، مورد بحث و بررسی قرار گرفته. بخش عمده این هفتم فصل در اصل رساله فارغ التحصیلی بوده که سال‌ها قبل تحت عنوان گوشه‌هایی از تاریخ اسلامی ۱۹۰۰-۱۹۲۴ زیر نظر استاد عبدالحلیم الرهیمی تهیه و سپس نشر شده بود. فصول هشتم و نهم کتاب حاوی اسرارانی بر ریشه‌های فکری و سیاسی برور انقلابات دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ است که برخی از مشاهیر مصلحین معاصر عراق، مثل سید عاملی، سید محمد حواد بلاعی، سید محمد حسین کاشف العطف، محمد رضا مطهر، و سید محمد حسن امین در آنها نقش و سهم داشته‌اند. حرعلامه محمد حسین کاشف العطاء که مستقیماً وارد فعالیت‌های شد و از جمله در کنگره عمومی اسلامی سال ۱۹۳۱ بیت المقدس شرکت کرد، بقیه این علما عمدتاً و اساساً در فکری و اصلاحی فعال بودند. مؤلف قول داده است که بزودی دیگر از این مجموعه را منتشر کند.

ایگانتس گلدیرهر «ار لارس کراد» یک طومار دمنمعی درباره یکی از اوقاف یوسیه «ار دی. اس. ریخارد» «سح خطی و حانی ترجمه تاریخ طبری بلعی» از التون دابیل «هم تحقیقی در تطور یک شهر فرو و وسطایی» از حام لمتون «بهاد مملوک در هند در اوایل دوران اسلامی» از پیتز حکسون «گراسی از جریان تدوین کتاب ادبیات فارسی سی استوری» از فراسوا دیلوا. و یک بخش مسع بررسی کتاب در بخش بررسی کتاب این شماره سربیه نقد و بررسی کوتاه اما قابل توجهی درباره دایره المعارف بزرگ اسلامی به قلم حارلر ملویل آمده است. نویسنده مقاله پس از تعریض ظریفی به تعبیر «بزرگ» در عنوان این دایره المعارف، آن را ابری نفیس به شمار آورده است. نویسنده این مقاله اشاره کرده است که برخی از مقالات دایره المعارف بزرگ اسلامی (مثل مقاله «أحور سالار» نوشته دکتر هادی عالم راده) از مقالات مشابهشان در دایره المعارف اسلام (طبع لندن) یا منابع دیگر فرنگی چندین سر و گردن بالاترند و برخی دیگر از مقالات آن (مثل مقاله «آل بریدی» نوشته صادق سحادی و مقاله «آی سرای» موزج، نوشته سید جعفر شعار) اصلاً مدحی در دایره المعارف‌های اسلامی فرنگی ندارند. البته نویسنده مقاله مرور نقاط ضعفی بر در این دایره المعارف سراع کرده است که طفره رفتن از ذکر منابع فرنگی، و گاهی مشابهت‌های جدی میان برخی از مقالات این دایره المعارف با مقالات مشابهشان در سایر دایره المعارف‌های فرنگی (مثل مشابهتی که شاید اتفاقاً بس مقاله «أحوند» در این دایره المعارف با مقاله «أحوند» در دایره المعارف ایرانیکا هست)، از آن جمله است.

عنوان و آدرس «نسرته انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی لندن» برای کسانی که بخواهند آن را سفارش دهند، این است:

Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland.  
Published by the Royal Asiatic Society of Great Britain & Ireland,  
60 Queen's Gardens, London W2 3AF

## ● سودان

### کتابی درباره انقلاب اسلامی ایران

تا این اواخر بجز کتاب نویسنده مصری، همدی هویدی، با نام ایران من الداخل، کتاب حدی دیگری درباره تاریخ حرکت‌های سیاسی و فکری و فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی ایران در زبان عربی نوشته شده بود. کتاب حرکة العرب الاسلامی فی ایران نوشته دکتر حسن مکی که اخیراً توسط مؤسسه انتشاراتی «بیت المعرفة» در أم درمان سودان منتشر شده ظاهراً دومین کتاب حدی‌ای است که در این باره به زبان عربی انتشار یافته است. این کتاب که در واقع نزد دکترای نویسنده آن در دانشگاه خرطوم بوده در سال ۱۳۶۰/۱۳۸۱ نوشته شده، و اینک بعد از ۹ سال تأخیر به حلیه طبع آراسته شده است. نویسنده کتاب که گویا در زمینه حرکت‌های اسلامی، خصوصاً در امریقا، صاحب نظر است، برای تدارک مواد کتاب خود به ایران سفر کرده و از نزدیک با بسیاری از حریانات و کسانی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی مؤثر بوده‌اند آشنا شده است. کتاب حاوی ۸ فصل است که مطالب آنها از نگاهی به تاریخ ایران باستان آغاز می‌شود و تا زمان حاضر (یعنی ۱۳۶۰/۱۳۸۱) ادامه می‌یابد. انقلاب مشروطه ایران مورد توجه حدی مؤلف بوده است. سپس مسأله اتفاق نظر ها و اختلاف نظر های مرحوم آیت الله کاشانی و

## انتشار طبع جدید کتاب «عجایب الهند»

کتاب عجایب الهند بررگس سهریار باحدای رامهرمزی، ولو آنکه از نقطه نظر تاریخی و جغرافیایی کتاب حدان حدی ای تلقی شود، از حیث ادبی و نیز مطالعه در تطور اسکال ادبیات تاریخی و جغرافیایی بی فایده نیست. این کتاب را اول بار وان درلیث (P A V der Lith)، مستشرق هلندی، براساس يك نسخه خطی از آن که در قسطنطنیه یافته بود در سال ۱۸۸۶-۱۸۸۳ میلادی در هلند طبع و نشر کرد. ترجمه فراسوی مارسل دیویک (I Marcel Devic) از این کتاب نیز در بایین صفحات همین طبع لیدن آمده است. در سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ هـ و ق حاج محمدامین دربال الکتبی در قاهره مجدداً این کتاب را براساس طبع هلندی آن حات و منتشر کرد تا حدی بیس حدود طبع لیدن و قاهره (که در واقع طبع واحدی بودند)، و نیز آهسته‌ای که از روی آنها شد، طبع مصحح و منقح دیگری از این کتاب قدیمی در دست بود. اخیراً استاد یوسف السارونی، ناقد و نویسنده معروف براساس طبع قاهره و نا عیاب به طبع لیدن طبع جدیدی از این کتاب فراهم آورده است و در آن مقررات عامص را نیز توضیح داده است. یوسف السارونی در مقدمه‌ای که بر این طبع نوشته «عجایب نامه‌ها» را به سه دسته تقسیم کرده است. یک دسته کتابهایی که دقیقاً مطابق با واقع اند، مثل سهرنامه اس بطوطه، دیگری کتابهایی که همچون هزار و یک شب برآمخته‌ای از واقعیات و اوهام و حقیقت و افسانه‌اند، و بالاخره دسته سوم کتابهایی از نوع همین عجایب الهند رامهرمزی که اندک بقیدی به واقعیت امور نداشته‌اند. گفته‌اند که بعید نیست این کتاب اقتباسی از کتاب مجهول المؤلف احبار الهند والصلین بوده باشد، که حدود يك قرن قبل از عجایب الهند یعنی در قرن ۱۰/۴ هـ نوشته شده و در مواضع مختلف ساهبهایی فراوانی با آن دارد. کتاب عجایب الهند، که افسس طبع لیدن آن در تهران نیز توسط کتابفروشی اسدی حات و مسرر سد (۱۳۴۵/۱۹۶۶)، ساهتهایی نیز با برخی حکایات کتاب هزار و یک شب و ماحراهای سفر سندباد دارد. قابل توجه است که مصحح اس طبع جدید به در روی حلد، به در مقدمه، و به در صفحات عنوان اسدا و اسهای کتاب و بالاخره به در هج حای دیگر کتاب، دگری از نام «بررگس سهریار الزامهرمزی» که ایرانی است، به میان بیاورده و در عوض در دیل عنوان کتاب در روی حلد، به عنوان يك عنوان فرعی، نوشته است که «من قصص الملاحة العربية» اینهم نمونه دیگری است از دسمی محققان غرب با ایرانیان.

## زندگینامه خودنوشت دکتر ابراهیم مذکور

دکتر ابراهیم مذکور، رئیس فرهنگستان رمان مصر، زندگینامه خود را که بیستر حاوی سرح سوابق و آثار و خاطرات فرهنگی-اجتماعی اوست، بحسب عنوان مع الايام به تارگی منتشر کرده است. سهرت دکتر ابراهیم مذکور بیستر به لحاظ تحقیقات فلسفی اوست و ی در اوایل قرن جاری دنده به جهان گشوده و اینك سصت ساله است از این رو، کتاب زندگینامه او، به سبب حضور فعالانه‌ای که وی در بسیاری از زمینه‌های حیات فرهنگی و اجتماعی مصر طی بیم قرن گذشته داشته، در واقع نوعی سرح سوابق فرهنگی و اجتماعی مصر در طی این بیم قرن نیز

هست. مذکور که در این اواخر به ریاست فرهنگستان رمان قاهره منصوب شده، سالها در دانشگاههای مصر فلسفه تدریس کرده، و آناری همچون خایگاه فارابی در فلسفه اسلامی، ارغون ارسطو در جهان عرب، و روش و تطبیق فلسفه اسلامی منتشر نموده است. کتاب زندگینامه او که در مجموعه کتابهای «الهلال» انتشار یافته، در ۲۵۲ صفحه قطع رقعی حاوی چهار باب است. در باب اول از سالهای کودکی و رسیدن وی و تحصیل در کتاب، حفظ قرآن مجید، فراغ از تحصیل در دارالعلوم مصر، و ورودش به دانشگاه سورس پاریس سرح رفته است؛ در باب دوم از «زندگی دانشگاهی» دانشگاهیان مصری و اوضاع دانشگاههای این کشور، وضع «دارالعلوم»، «مدرسه حقوق سرعی»، «معاهد دینی» مصر و بالاخره وضع الازهر حرف رده و صماً به ذکر گونه‌هایی از مشکلات و مسائل امورش متوسطه و ابتدایی در این کشور نیز پرداخته و خاطراتی از برحسته‌ترین رجال علم و ادب هم عصر و همکارس، همچون احمد لطفی السید، مصطفی عبدالرراق، طه حسین و احمد امین آورده است. باب سوم به سرح فعالیت‌های سیاسی مؤلف، سهمی که وی در تشکیل «حماة النهضة المومیه» در دهه ۱۳۲۰/۱۹۴۰ داشته، همکاری اس با یکی دیگر از همکاران در تألیف کتاب الاداء الحکومیه در توصیح نحوه عمل حکومتها و حکومت عادل، و بطرش در باره انقلاب ۱۳۳۱/۱۹۵۲ اختصاص دارد؛ و بالاخره باب چهارم مختص سرح فعالیت‌های فرهنگی مذکور است و به بهانه اس سرحی از حریات فرهنگ مصر در سم قرن اخیر به عرصه شده است. مذکور در این باب آخر درباره مشکل رمان عربی در میانه رمان عامانه و رمان فصیح و کلاسیک، فرهنگ قرن بیستم، وسایل تبلیغاتی جدید، وضع تألیف و ترجمه و احیای موارب فرهنگی کهن، مشکل تصمیم‌گیری برای انحاث اصالت و سب یا نوسازی و تحدت، هیئتهای فرهنگی عالیرتبه، فرهنگستان رمان قاهره، و موارب فلسفی اسلامی سرح گفته است. با توجه به اینکه نویسنده این کتاب از برحسته‌ترین رجال فرهنگ مصر در حال حاضر است و در طی بیم قرن گذشته در بسیاری از حریات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کشورش دست داسه است، فاعدا اس زندگینامه باید بسیار خواندنی و قابل توجه باشد.

## درسهای تاریخ ایران در دانشگاه تاجیکستان

ریحارد فرای، که کتاب میراث ایران و تاریخ بخارای او به فارسی ترجمه شده است، در اواخر سال ۱۹۹۰ میلادی / ۱۳۶۹ به عنوان استاد ممتاز در دانشگاه هاروارد نارنسته شده و فرار بوده که از نوامبر ۱۹۹۰/۱۹۹۱ تا ۱۳۶۹ تا رونی ۱۹۹۱/۱۹۹۱ خرداد ۱۳۷۰ در دانشگاه دوسسه تاحیکستان درباره تاریخ ایران، افغانستان، آسیای میانه، و نیز رنایهای ایرانی و ادیان آسیای میانه، تدریس کند. فرای به تاحیکها پیشنهاد کرده است که يك «مرکز بین المللی مطالعات ایرانی» در سهر دوسسه تأسیس کند، و طاهر تاحیکها از این پیشنهاد استقبال کرده‌اند و ی صماً پیشنهاد کرده است که کنگره‌های هنر و معماری آرتور اوهمام بوب که بعد از سقوط ساه ایران به نوبه فراموسی سپرده شده است، مجدداً برقرار شود.

مرتضی اسعدی



دکتر احمد طاهری عراقی

دکتر احمد طاهری عراقی یکی از برجسته‌ترین ادبا و اسلام‌شناسان امروز ایران، در چهل و هشت سالگی، در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۷۰ بر اثر عارضهٔ ریوی در تهران درگذشت.

او در سال ۱۳۲۲ شمسی در اراک به دنیا آمد. در سال ۱۳۴۲ از دانشگاه تهران در رشتهٔ زبان و ادبیات فارسی درجهٔ لیسانس گرفت و از حرم فضل و فضیلت استادانی چون سادروان جلال‌الدین همائی خوشه جید از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۸ در بنیاد فرهنگ ایران به پژوهش اشتغال داشت. از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ در مرکز خدمات کتابداری به تحقیقات علمی کتابداری به ویژه در زمینهٔ گسترش و تکمیل طرحهای رده‌بندی جهانی از جمله رده‌بندی دهدهی دیونی و رده‌بندی کتابخانهٔ کنگره معروف به L.C. پرداخت. برای پژوهش و مذاکرهٔ علمی بی‌امون این طرحها و رفع نقایض مربوط به آثار اسلام‌شناسی، چند سفر تحقیقی داخلی و خارجی انجام داد و تحقیقاتی در کتابخانهٔ داسکدهٔ الهیات دانشگاه مشهد و دارالکتب المصریه که کتابخانهٔ ملی مصر است و بعضی از کتابخانه‌ها و مراکز علمی بیروت به عمل آورد. طرح گسترش یافتهٔ مربوط به اسلام در طبقه‌بندی L.C. در سال ۱۳۵۸ مسافله به طبع رسید. دکتر طاهری بر این اثر مقدمهٔ برناری در سامانهٔ نظامهای طبقه‌بندی علوم اسلامی نگاشت که اعجاب صاحب‌نظران را برانگیخت. دکتر طاهری در سال ۱۳۵۵ مادر باف بورسی برای ادامهٔ تحصیلات عالی به انگلستان رفت و تا سال ۱۳۶۲ در زمینهٔ مطالعات اسلامی و زبان و ادبیات عربی به تحصیل پرداخت و نزد استادان برجگی چون موننگمیری وات آموزش دید. بر دکترای او در زمینهٔ ملل و محل اسلامی بود. در سال ۱۳۶۲ به ایران بازگشت. از سال ۱۳۶۳ همکاری او با بنیاد دایره‌المعارف اسلامی آغاز شد. او عضو هیأت امنا و معاون علمی این دایره‌المعارف بود و نخستین جروهٔ دایره‌المعارف را تحت عنوان دانشنامهٔ جهان اسلام با همکاری و نظارت مسرک جمعی از صاحب‌نظران و محققان انتشار داد. سهم او در این دانشنامه به مدیریت و نظارت محدود بود، گذشته از برنامه‌ریزیهای کلی، همهٔ مقالات را (گاه چند بار) شخصاً زیر ویرایش می‌کرد و کمتر صفحه و سطر از نظر اصلاحی او بی‌بهره می‌ماند. همچنین سردبیری مجلهٔ تحقیقات اسلامی که از انتشارات همان بنیاد است با او بود. دکتر طاهری عضو هیأت علمی داسکدهٔ

الهیات و معارف اسلامی بود و همزمان با فعالیت در بنیاد دایره‌المعارف به تدریس مرجع‌شناسی در دورهٔ کارشناسی ارشد در گروه کتابداری داسکدهٔ علوم تربیتی دانشگاه تهران و نیز تدریس رشته‌های محتله معارف اسلامی در داسکدهٔ الهیات اشتغال داشت.

سادروان دکتر طاهری به وسعت اطلاع و دقت نظر و باریک‌بینی و سواس علمی شهره بود. تصحیح و تعلیقات کتاب قدسیه (کلمه حواحه بهاء‌الدین بهسند) تألیف حواحه محمد نارسا از بهترین نمونه و بلکه سرمشغای تصحیح متون است. همچنین مقالات ارزنده‌ای رزمیهٔ زبان و ادب فارسی و معارف اسلامی در سرباب معتبر از او به دست رسیده است.

دکتر طاهری حد اثر در دست تألیف داشت که با مرگ ناگهانی ناگهانیس ناتمام ماند. از این میان تحقیق دربارهٔ ابوسعید خرقوس تصحیح اثر بزرگ عرفانی او، که بحسب بررگی از سالهای اخیر عمر صرف آن شد و طاهراً به مراحل پایانی خود نزدیک شده است، اهمیت ویژه است و اهتمام در ماریابی و طبع آن کمترین وظیفه‌ای است که دوستان او اکنون بر عهده دارند. آنچه تاکنون از او به طبع رسیده است، و فهرست آن در زیر می‌آید، هر چند اندکی از فیضی است حائمهٔ علمی ما از وجود ناریس او می‌توانست سرد، گویای حیره‌دس در میدانهای گوناگون فرهنگ اسلامی و ایرانی است. روحش در رحمت حق اسوده باد.

## فهرست آثار

### الف) مقالات

- (۱) «کیه در زبان فارسی»، نامهٔ مسونی، تهران، ۱۳۵۰، ۳۴۵-۳۲۶
- (۲) «ظهور جاب در سرق میانه»، از خرجی ریدان، ترجمهٔ طاهری عراقی، نامهٔ انجمن کتابداران ایران، ۵ (۱)، بهار ۱۳۵۱، ۳۵-۳۱
- (۳) «کتابخانهٔ استان قدس»، نامهٔ انجمن کتابداران ایران، تابستان ۱۳۵۱، ص ۷۵-۸۰
- (۴) «دارالکتب»، نامهٔ انجمن کتابداران ایران، ۶ (۱)، بهار ۱۳۵۲، ص ۴۴-۵۲
- (۵) «سب روایت در تحف‌الاب و تألیفات اسلامی» از ترجمهٔ احمد طاهری عراقی، نامهٔ انجمن کتابداران ایران، ۶ (۱)، ۱۳۵۲، ص ۴-۱۶
- (۶) «هر جلدسازی»، نامهٔ انجمن کتابداران ایران، ۷ (۱)، ۱۳۵۳، ص ۳۴۳-۳۷۴
- (۷) «قدسی از بهسندیان»، در حسن نامهٔ نروین، تهران ۱۳۵۴، ۲۸۶-۲۶۱
- (۸) «سرگذشتهای اسلامی سیره، رجال، تراجم»، با کتابداران ایران، ۱۱ (۳ و ۴)، نایر و زمستان ۱۳۵۷، ص ۷-۱۰
- (۹) «ابوسعید [سعید] بیهانوری و سرف‌النبی»، نشر دانش بهمن و اسفند ۱۳۶۱، ص ۴۸-۵۴
- (۱۰) «تقسیم‌بندی علوم از نظر عرفانی»، معارف، ۱ (۳)، ۱۳۶۳، ص ۸۱-۸۹

۱۱) «رندگی فخر رازی»، معارف، ۱۱۳، فروردین-تیر ۱۳۶۵، ص ۲۸-۵

۱۲) «حجار و غرستان» نامه‌واره، سرداس، ۸ (۳)، فروردین و دیهسب ۱۳۶۷، ص ۸۰

۱۳) «رژیم نویسی بر مایه‌ی در عصر اسلامی»، مقالات و بررسیها، ص ۴۵-۴۶، ۱۳۶۸، ص ۱۳۵-۱۵

۱۴) «نسخهای سہاب الدین عمر سہروردی بہ بررسیهای علمای انسان»، مقالات و بررسیها، دفتر ۴۹-۵۰، ۱۳۶۹، ص ۴۵-۶۴

۱۵) «ب در زبان عربی»، دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، حروفه، زیر نظر احمد طاهری عرافی، او اسیدمقطعی میرسلیم او اسیدمیر الله نورجوادی، تهران، سیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲-۴

۱۶) «ب در عرفان اسلامی»، همانجا، ص ۱۰-۱۲

#### ■ ب کتابها

##### ● تألیف

- ۱) رده بندی دہدی دہونی اسلام، تهران، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۲، (ویرایش دوم ۱۳۶۳- از اسرار کتابخانه ملی ایران)
- ۲) رده BI اسلام (علوم دینی اسلام در نظام رده بندی کتابخانه نگاره)، تهران، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۸
- ۳) حواحه احمد نارسا، رساله قدسه از کلمات پناه الدین بنسید، سیدمه و حواشی و تصحیح از احمد طاهری عرافی، تهران، ظهوری، ۱۳۵۲

##### ● همکاری

- ۱) رده بندی دہدی دہونی زبانهای ایرانی، تهران، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۰، (ویرایش دوم ۱۳۶۶- از اسرار کتابخانه ملی ایران)
- ۲) رده بندی دہدی دہونی ادبیات ایرانی، تهران، مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۱، (ویرایش دوم ۱۳۶۳- از اسرار کتابخانه ملی ایران)
- ۳) تاریخ زبان فارسی، ساحمان فعل، از پرویز خالطری، تهران، سیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹
- ۴) تصحیح الملوك عراقی، بہ تصحیح حلال الدین همانی (با همکاری احمد طاهری عرافی)، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴
- ۵) التحلیات الالهیه (همراه با تعلیقات اس سودکس و کشف العانیات فی شرح ما اکتشف علیہ التحلیات)، محیی الدین بن العربی، تحقیق سمان اسماعیل یحیی، حات دوم، تهران، مرکز سرداسگاهی، ۱۴۰۸
- ۶) دانشنامه جهان اسلام، حرف ب، حروفه اول، زیر نظر احمد طاهری عرافی [و اسیدمقطعی میرسلیم] [و نصر الله نورجوادی، تهران، سیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۶۹]

#### ■ ج رساله‌ها (تصحیح)

- ۱) فخر الدین رازی، «رساله در حداساسی»، تحقیقات اسلامی، ۱ (۲) [و ۱ (۱)]، ۱۳۶۵-۱۳۶۶، ص ۱۵۸-۱۸۴

۲) «هدایه العی فی اخلاق النبی»، ترجمه و تلخیص ابراهیم بن حسن قرصی (موفی ۷۱۸)، از «اخلاق النبی و آدابه» تألیف ابوالنسخ اصفهانی (۲۷۴-۳۶۹)، تحقیقات اسلامی، ۴ (۱ و ۲)، ۱۳۶۸، ص ۸۳-۱۰۰

۳) سیح ابو عبدالاحص محمد بن الحسن بن محمد بن موسی السلمی الیساوری، «درجات المعاملات»، در مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، گردآوری نصر الله نورجوادی، ح ۱، تهران، مرکز سرداسگاهی، ۱۳۶۹، ص ۴۶۵-۵۰۲

#### ■ د نقد کتاب

- ۱) «بر حمة السواد النبی»، تألیف ابو القاسم اسحاق بن محمد حکم سمرقندی، اهمائی کتاب، ۴۱۱۴ و ۵ و ۶، ۱۳۵۰، ص ۳۷۴-۳۸۸
- ۲) «اس سنا و رستاخیز»، ترجمه رساله اصحویه، نگین (۵۸)، خرداد ۱۳۵۱، ص ۴۸-۴۹

۳) «نصفه الاحوال»، تصحیح محمد دامادی، راهمائی کتاب، (۱۶) ۱۳۵۲، ص ۸۵-۹۹

۴) «شرح حال نامه سهر ایران، انورخان محمد بن احمد حواری بیرونی» از علی اکبر دهخدا، نامه انجمن کتابداران ایران، ۶ (۲)، تابستان ۱۳۵۲، ص ۱۴۴-۱۴۵

۵) «مسر و طه گیلان» از نادداستهای راسو به اسامام و فایع مسهد در ۱۹۱۲، به کوشش محمد روس، نامه انجمن کتابداران ایران، ۶ (۴)، زمستان ۱۳۵۲، ص ۱۳۸-۱۴۰

۶) «نادنامه علامه امینی مجموعه مقالات تحقیقی» به اهتمام جعفر سهندی و محمدرضا حکیمی، نامه انجمن کتابداران ایران، تاثیر ۱۳۵۲، ص ۱۶۰-۱۶۱

۷) «البو بر» در ترجمه و تفسیر اصطلاحات ترکی به زبان فارسی» از ابومصنوع حسن بن یوح القمزی البخاری، نامه انجمن کتابداران ایران، ۱۱ (۱)، بهار ۱۳۵۳، ص ۱۱۷-۱۲۰

۸) «تاریخ بلعمی، تکمله و ترجمه تاریخ طبری» از ابو علی محمد بن محمد بلعمی، نامه انجمن کتابداران ایران، ۷ (۲)، تابستان ۱۳۵۳، ص ۲۴۲-۲۴۵

۹) «الفقه لأوائل صناعه النجیم» از ابو ریحان بیرونی، نامه انجمن کتابداران ایران، ۷ (۴)، زمستان ۱۳۵۳، ص ۵۴۹-۵۵۲

۱۰) «معجم مصنفات القرآن الکریم» علی سواح اسحاق، تحقیقات اسلامی، ۱۱ (۱)، بهار و تابستان ۱۳۶۵، ص ۱۵۶-۱۵۸

۱۱) «معارف رسول الله (ص) لغروه بن الرزیر»، همانجا، ص ۱۶۰-۱۶۱

۱۲) «فهرست توصیفی و تحلیلی نسخ خطی فارسی در کتابخانه تاریخ علوم موسسه ولکام»، تحقیقات اسلامی، ۱۱ (۲) [و ۱ (۱)]، ۱۳۶۵-۱۳۶۶، ص ۲۳۸

۱۳) «اطلس فرهنگی اسلام» اسمعیل فاروقی، تحقیقات اسلامی، ۲ (۲)، ۱۳۶۶، ص ۱۲۲-۱۲۵

۱۴) «اعمال بدیه الفکر العربی و النافع الیونانی»، همانجا، ص ۱۲۹-۱۳۰

۱۵) «محاسن الکلام» او کتاب المحاسن فی الطم والنیر»، همانجا، ص ۱۳۲-۱۳۳



دکتر غلامحسین صدیقی

دکتر غلامحسین صدیقی، استاد دانشگاه، جامعه‌شناس و سیاستمدار. روز بهم اردیبهشت در ۸۷ سالگی درگذشت.

غلامحسین صدیقی هریرد حسین اعتضاد دفتر در سال ۱۲۸۴ شمسی در تهران متولد شد. خانواده او ارامستویان حوسام فرن گذشته بودند. وی پس از تحصیلات معدماتی و متوسطه در مدرسه‌های علمیه و آلیانس و دارالفنون در سال ۱۳۰۹ از طرف دولت برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد. در آنجا پس از گذراندن دوره داسسرای عالی «سن کلو» و دانشگاه ماریس به احد در حاح لسانس و دکترای ادبیات (رسته فلسفه و جامعه‌شناسی) نابل آمد. رساله دکترای او با عنوان «بهشت‌های دینی ایرانیان در سده‌های دوم و سوم هجری در سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷ش)» به زبان فراسوی در ماریس به حاح رسد و ما انکه بیس از سحاه سال از تألیف ان می‌گذرد هور هم از ماحد اساسی نارح اجتماعی ایران است.

دکتر غلامحسین صدیقی پس از احد دکتر را در سال ۱۳۱۶ به ایران بارگشت و با مقام داسیاری در دانشگاه تهران به تدریس تاریخ فلسفه قدیم و جامعه‌شناسی برداح و حیلی رود به مقام استادی داسکده‌های ادبیات و معقول و منقول (الهیات و معارف اسلامی) نابل آمد. حندی بیر مدیرکل داسگاه و حید دوره نماینده داسکده ادبیات در «سورای داسگاه» بود اما هرگز از تدریس و تحقیق و کوسس در راه اعتلای امور فرهنگی و داسگاهی غافل نماید او همچنین در تأسیس «انجمن آثار ملی» نقش مؤثر داسب و بعدها به ریاست انجمن رسید و بیر عضو کمیسیون ملی یوسکو و کنگره هراه ان سسا بود و از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۲۹ در سطیم مدحلهای حروف «ب» و «ب» لعب نامه دهخدا فعالیت کرد در واقع او یکی از سح نفری بود که همراه حاسانا نیایی، دسح الله صفا، محمد معین و عبدالحمید اعظم رنگه، پس از بصوب ماده واحده مربوط به حاب لعب نامه در حاحانه مجلس در اواخر ۱۳۲۴ به همکاری با دهخدا انحاب شد. دهخدا عنوان لعب نامه را «به تذکر دکتر غلامحسین صدیقی دایر بر اینکه نام کتاب لعب اسدی طوسی در يك سححه 'لعتنامه' ذکر شده» بود، اسحاب کرد او در نامه‌ای که برای سپاسگراری از اعدام مجلس سورا حطاب به مجلس بوسب، از آن سح نفر به صورت «رفقای حوان من که فعلاً با من کار می‌کنند، بهایت ورزیده در کار شده‌اند و عشق و علاقه خاصی به کار دارند» یاد کرده است.

دکتر صدیقی، کمی بعد، یعنی در سال ۱۳۳۰ در کابینه دکتر مصدق سبب وزارت یافت و نتواسب دیگر به همکاری با لعت نامه ادامه بدهد. او ابتدا وریر سبب و تلگراف و تلفن و بعد وریر کشور دولت دکتر مصدق شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دستگیر گردید و در محاکمه فرمایشی کمال متاب و شهامت را که حاکمی از استواری اخلاقی او بود

نشان داد و محکوم به زندان شد. این بوب زندانی با برده ماه طول ک اما پس از آزادی چهاربار دیگر هم به زندان افتاد و هر بار سربله آزاده تر از زندان درآمد و حتی در سال ۱۳۵۷ بیسهاد ساه محلوب برای بحسب وریری رد کرد.

کله عمده و نه یاد ماندنی دکتر صدیقی در رمینة فرهنگی تا «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» در سال ۱۳۳۷ است. او د به درستی دریافته بود که رسته جامعه‌شناسی برای بیسرف تحف گسترش فرهنگی ایران ضرورت دارد و بواسب با بهاساری و ارا متن اولیای داسگاه را به تأسیس «مؤسسه» وادارد. این مؤسسه د سحسیت دکتر صدیقی در سال ۱۳۵۱ به «داسکده علوم احه تبدیل شد.

دکتر صدیقی اسانی حصف حو و دوستدار حصف بود، عمر به مطالعه و تحقیق گذراند و از آنحه می‌حواند نادداسب برمی حناکه اکون ابوهی یادداسب در رسه‌های مختلف از او به است اما آثار جانی اساداندك است صرف نظر از رساله دکتر ا به زبان فراسوی است، کتاب گزارش سفر هند و تصحیح حید این سسیا یا مسبب به این سسیا از او حاح شده است.

## مهرداد اوستا

محمدرضا رحمانی محخلص به مهرداد اوستا، ساعر، نویسنده نامدار در هفدهم اردیبهشت در محل کار خود، در سقبت و د حسم از جهان فروسب.

مهرداد اوستا در ۱۳۰۸ در بر و حرد متولد شد، تحصیلات متوسطه را در رادگاه خود گذراند مدتی را در اهوار به معلمی گ ۱۳۲۸ به بهران آمد و به سائفه دوی و علاقه به انجمنهای اد راه یافت و از محضر اساتید ان زمان همچون محمدعلی ناصب شد او حیدس سال در داسکده هرهای رنای داسگاه تهران سحر و ادب فارسی استعمال داسب و از سال ۱۳۶۲ ما دم مر «سورای سحر» وزارت فرهنگ و اسناد اسلامی را عهده‌دار این سبب و فف خود را صرف راهمبایی و آمورس ساء می‌کرد، و در حالی حان به حان اهرین تسلیم کرد که سرگ سحر يك ساعر سهرستانی بود.

مهرداد اوستا که بردك به بیم فرن در صحنه ادب فارسی داسب، از ساعران حیره دسب ادبیات فارسی به سمار می، سدحس سادات ناصری در حق او گفته بوده است که «ا، سهریار و امیری فرورکوهی، تنها بر حمدار ادب فاحر ام است».

از مهرداد اوستا حیدین کتاب در رمینة تحقیق در زبان و به حا مانده است که از ان حمله است تصحیح دیوان شد تعلقات بر بورور نامه (منتسب به) حیام، روشن تحقیق در فارسی، تاریخ هر.

مهرداد اوستا همچنین صاحب حیدین مجموعه سحر تیرانا، سرات حانگی ترس محتسب حورده، نالیران، ارکا امروز ما هرگز، اسك و سربوسب و امام، حماسه‌ای دیة از اوست.

## هنر نزد ایرانیان است و بس

سردبیر محترم

بعد از سلام، می‌خواهم به شما و همه همکاران در سر داس به خاطر محله حدی و خواندنی که درمی‌آوردید بگویم. داستان درد یکد، ما اگر بخواهیم غلط نویسیم، مکناذ محله سما در کنار همه محاسن و معایبی که دارد یک محله منطقی است و مثل کلاسهای منطقی حسک و گاهی غوس الله، چون من دورادور کلاسهای منطقی را همیشه دوست می‌داشتم از محله سما هم خوشم می‌آمد دیگران حتما درباره محاسن سما مرتب نامه می‌نویسند، ولی من می‌خواهم درباره یکی از کمبودهای سما بنویسم. چون محله سما محله‌ای است منطقی، همه‌تان فکر می‌کنید که خوانندگان هم منطقی هستند شاید هم نباشد ولی سما باید بداند که خیلی از کسانی که احتمالا خواننده سما هستند و وظیفه‌شان در این مملکت سر داس است و در بنسب بودجه‌های کلان مسأله ایند گاهی اصول اولیه منطقی را زیر پا می‌گذارند و مخصوص بهای و ضروریات را انکار می‌کنند. سما که اسم محله‌تان را سر من گذاشته‌اید وظیفه دارید که این کارها و تصمیمات غیرمنطقی را ای خوانندگان خود بنویسند. بنده برای آنکه کلی کوبی نکرده باشم، مورد را برای شما و خوانندگان سرح می‌دهم، با علم به آنکه سما کن است این نامه را اصلاً حاب نکنید.

\*

سما خیال می‌کنید که مردم همه بدیهیات و اولیات را می‌دانند. حال کند که همه می‌دانند دو دونا چهار است و می‌دانند که اگر کسی بخواهد مناری در درد اول باید به فکر کردن حاش باشد و اگر حواستند ازه از خارج بخرد و هوا کند باید آن را به دست حلیان بنسازند، ما ر حواستند کارخانه کسک‌سازی دایر کند و مدرسین ماسین ملک‌سات را از بلغارستان یا سگلداس بخرد باید اول متخصص ملک‌سات و کارساز کسک تربیت کند. اینها همه از بدیهیات است و خیال می‌کنیم همه مردم اینها را می‌فهمند و تصدیق می‌کنند. خیال کنید همه حلالق از صغیر و کبیر، زن و مرد، سهری و دهایی، می‌دانند اگر به سه و راتخانه پنج میلیارد دلار، بلکه پنج میلیارد دلار، بودجه ری دادند با دنگ و سه بایه الکترونیکی و آفتابه لکن کامیوتری و تله سن لمری خریداری کنند و کشور گل و مل را به سطح ممالک راهیه و معنی جهان برسانند، از آن طرف باید آدمهایی را تربیت کنند که اسد از این وسایل بیسرفه درست استفاده کنند و یک ماهه آنها را بویل اوزاحی‌های حیوانات گمرک بدهند. مرحو، حاج مرزا آفاقی از این ضرب‌المثل را سیده بود که «بخش اسناد باید آنکھی کار» و

ظاهر می‌داند که انادی و آنادایی ممالک محروسه در گر و کوشش معیان کار کشته و ما تحریر است. در همان زمان به او گفته بودند که انگلستان و آلمان و فرانسه به دست آدمهای لایق و متخصص و کاردار ساخته شده و راس نیز در آینده به دست همین آدمها ساخته خواهد شد. هیچ بعید نیست که رجال راس در قرن نوزدهم حکمت را از حکمای ما آموخته باشند، وقتی که از یکی از سیاحان ایرانی سیدید که هیچ کس با نگاه کردن چیزی یاد نمی‌گیرد والا، بلا نیست، سگهای زایی ده، قصاب می‌شدند، آنها به فکر افتادند تا دانشجویان خود را برای یاد گرفتن علوم و فنون غربی فوج فوج به کشورهای اروپایی بفرستند و بعداً هم به کمک همین تحصیلکرده‌ها بود که دانشگاهها و مراکز آموزش عالی خود را بنا کردند. راسها قد استادان خود را ساختند و آنها را به ساختن کشور خود و تربیت سلطه‌های جوان دلگرم کردند، چون بار از حکمای ما سیده بودند که باری به روز سکار نمی‌کند.

اینها همه از بدیهیات است و سما خیال می‌کند که همه آنها را می‌داند. می‌داند که برای سارندگی کشور باید از مهارت استادکاران و متخصصان استفاده کرد و برای تربیت اس فیل اشخاص هم باید دانشگاه و مراکز آموزش عالی تأسیس کرد و آهایی که با ماهیت این گونه مراکز اسایی دارند می‌دانند که دانشگاه محتاج به استاد و محقق است، محتاج به آزمایشگاه و کتابخانه و کارگاه است و تأمین این احتیاجات بر در قدم اول مسلم سل کردن سرکیسه است از اینان حالی نیز نباید حواست.

اینها همه از بدیهیات است و سما خیال می‌کنید همه آنها را می‌دانند. همین که تصور کردند بی‌درنگ تصدیق خواهند کرد خیال می‌کنند همه می‌دانند که اگر درهای حروچی مملکت را به روی دانشجویان بسند و اجازه تحصیل در دانشگاهها و مراکز علمی و تحصیمی کشورهای بیسرفه را به آنها بدهند، در عوض باید همه خود را صرف ساختن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بر داخل کشور کنند و دانشگاههای خودمان را بفروشد. می‌دانند که اگر وزارت نفت و نیرو و پست و تلگراف و تلفن و صنایع سسک و سنگین دم از کمبود نیروی اسایی می‌رند، لاند خودشان بیس ازهر کس به فکر تقویت دانشگاهها و مراکز آموزش عالی می‌آیند و بخشی از بودجه‌های ارری خود را دودستی به وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و درمان و آموزش برسکی بس کس می‌کنند تا برای آنها در آینده افراد متخصص و یکسس و مهندس و طراح و مدر تربیت کنند. خیال می‌کنید که همه می‌دانند که اگر دو میلیارد دلار بودجه ارری به وزارتخانه‌ای اختصاص دادند تا ماسین آلات و مواد اولیه کارخانه‌های از کار افتاده را از خارج بخرد، ده یک این بودجه را خود اس وزارتخانه‌ها به دانشگاهها می‌دهند تا محور سنود که از فلس و هید و بورکیافاسو متخصص وارد کنند. اینها همه از بدیهیات است و سما خیال می‌کند که همه آنها را می‌دانند.

ولی سما فقط خیال می‌کنید در تقسیم بودجه‌های ارری حاشی که به حساب نمی‌آید دانشگاه است. دلارهایی که در سال به دانشگاهها می‌دهد از قیمت یکی از ماسینهایی که برای بعضی از کارخانه‌ها خریداری می‌کند و سال دیگر اوراق می‌کند یا سلامتی از رده خارج می‌سود کمتر است. و شما می‌دانید که ستر را نمی‌توان با ملافه آب داد،

ولی خبر ندارید که تقسیم کنندگان بودجه‌های ارری حوب بلدند که این زبان بسته را چگونه با فطره چکان آب دهد. چند صد هزار دانشجو در دانشگاه‌های دولتی تحصیل می‌کنند که نه هر کدام ماهی دودلار بودجه ارری می‌رسد استادان و محققان دانشگاه هم، دور از حان سما، توستری خورده‌ی حدایی هستند تا بارسال دلشان حوس بود که هر چند وقت یکبار سری به محامع علمی بین المللی می‌رسد و اطلاعات و داس خود را رور آمد می‌کند، از امسال آب ناکی روی دسب انهار یحتند حالا هر کدامان حر آب می‌کند نه رس نگوید چهیر نه‌ای را که نا خودت آوردی بده تا بفروسم و دلار بحرم و بروم در فلان کفراس سرکب کنم کفراس بی کفرانس سمینار بی سمینار لا تراوار بی لا تراوار شات بی کتاب، بحقیق بی بحقیق. اصلاً کی گفته ما نه علم کسورهای دیگر محتاحم هر برد ایرانیان اسب و سس

هر برد ایرانیان اسب و سس این اسب فضیه بدیهی‌ای که فعلاً هیچ کس آن را انکار نمی‌کند فضایی بدیهی دیگر همه محل برد و انکار اسب، می‌بینید که سما تا چه حد در اشتباه بوده‌اید که خیال می‌کردید احکام بدیهی را هیچ کس انکار نمی‌کند البته، خوانندگان سما که همه اهل مطبی اند حره این انکار کنندگان بیستند ولی طاهر انهایی که باید این احکام را نداند و تصدیق کند نمی‌داند و نمی‌کند از من برسید که این عده چه کسانی هستند، حون این مطلب خودس از بدیهیات بیست، و من هم آن را نمی‌دانم

#### منصور علاف

خواننده برونا قرص سر دانش

### توجه سلجوقیان به شاهنامه!

در شماره دوم از سال نازدهم (۱۳۶۹) ان محله مقاله‌ای تحت عنوان «توجه سلجوقیان به شاهنامه» از افای فیروز مصوری حاب شد نکاتی درباره آن به نظر بنده رسیده که حوب اسب برای آگاهی خوانندگان محترم و ایسان درح سود

۱) پس از خواندن این مقاله، بنده انری از توجه سلجوقیان به شاهنامه بدیدم، اما توصیف سورهای گرد شهر هویه حدود بیمنی از مقاله را شامل می‌سود گویا مؤلف محترم مجلس آراستن (= نفاسی کردن) «خداوند عالم» طغرل را، که حر برای سرگرمی و وقت گذرانی بوده، نه حساب توجه سلجوقیان به شاهنامه گذاشته اسب اینان در آغاز مقاله نوشته‌اند که سلجوقیان خدمتهای بسیاری به فرهنگ ایرانی کردند اما توضیح نداده‌اند که خدمت آنها به فرهنگ ایرانی چگونه و در چه رمیه‌هایی بوده اسب در حای دیگر نا توصیف گرر گران طغرل و رحر حوایی وی از شاهنامه، نه نقل از جهانگشای حویی (ج ۲، ص ۳۱) عملاً به ستایش آنان پرداخته اسب

۲) تمام استنادات مؤلف محترم به کتب راحه الصدور و الاوامر العلانیه و جهانگشاسب. آیا می‌توان تحلیل و تکریم فردوسی توسط نویسندگان کتب فوق را توجه سلجوقیان به شاهنامه قلمداد کرد؟ بهتر سود نام مقاله را مثلاً «احترام و توجه وقایع نگاران و نویسندگان سده

۷ و ۸ به شاهنامه» می‌گذاستند؟

سلجوقیان از آن افوام ترك بودند که سس از شکست عرب استیلا بر ایران آداب حکمرانی را از ایرانیان فراگرفتند مار ارسلان و ملکسای سلجوقی سس از فتح شهری کستار و غارت، سحه طبعی فتح خود می‌داستند و گاهی نظام الملك، وریر ایرانیسان، آن دورا از حیین کارها نارمی داسب آنان هر را در خود می‌خواستند و حون قدر و صلابت داسسد طبعاً شاهنامه دیگر را فقط نا نفاسی و بدهیت می‌بدرفتند ساید منظور ای خدمت فرهنگی سلجوقیان گرد آمدن سعرا و نویسندگان در در آنان اسب، برواصح اسب که اس کار حز برای ندرج هردوسسان نه دیگران و رفانف نا فرمان وایان سررمیهایی دیه اسب ساعران و نویسندگان بررگی در دربار محمود عربوی ه ایا از آن می‌توان نتیجه گرفت که وی هردوسب تر از سامان اسب؟

۳) ایسان کهن ترس سحه مقصور شاهنامه را، سها به اد کتاب، مورخ ۶۰۳ هجری داسسته و گفته‌اند «ار مسحاص ۲ سحه اطلاعاتی در دسب سس»

تا اینجا که بنده اطلاع دارم، بدون وارد شدن در بحث اصلا کتاب هر یک از نسخه‌های کهن شاهنامه که خود بحث مسفا کهن ترس سحه شاهنامه، مورخ ۶۱۴ و محفوظ در کتابخانه (یافته در ۱۹۷۶) اسب که مقصور بیست سس از آن سحه مو موره بریتانیاسب و هدیمنی ترین سحه مقصور، شاهنامه مو کتابخانه طومانو سرای ترکیه اسب سالهاست محققس نه جستجوی سحه‌ای هدیمنیتر از سحه‌های موجود هستند سحه‌ای، که ایشان ادعای وجود آن را می‌کنند، نیافته‌اند حاً سهو بررگی از کسی که خود را در این باره صاحب نظر می‌د اسب رح بدهد

۴) در حای دیگر می‌گویند «از فرار معلوم، سلجوقیان، به کریم و احادیث سریف نوی، برای شاهنامه فردوسی بیست احترام را قایل بودند و نا تعیر «حکم شاهنامه» از ان یاد البته مکر اهعیب سیار شاهنامه بیستیم اما مستندات ایشان علاقه سلجوقیان به آن کافی نیست حوب اسب مؤلفین و، بوسته‌های خود از تعریف‌ها و تمجیدهای بیهوده، انهم از لیاقت آن را ندارند، بر حدر ناسد

عباس زارع





# نشر دانش

سال یازدهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۰  
مدیر مسؤول و سردبیر نصرالله پورجوادی



روی جلد ارمیساتورهای «حسنه نظامی» - رجوع کنید به مقاله «سیرین در چشمه» در همین شماره.

## مقاله

- |    |                  |  |
|----|------------------|--|
| ۲  | نصرالله پورجوادی | تشریح در چشمه<br>تیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی     |
| ۱۲ | علی اسرف صادقی   | معاصر (۱)<br>کهنترین متن ترجمه شده از زبان فراسه به زبان فارسی |
| ۱۹ | ع روح بحسان      | داستان رستم و اسفندیار برگرفته از الگوی داستان فرود            |
| ۲۶ | سعید حمیدیان     |  |

## برگتی بر برگتی

- |    |             |   |
|----|-------------|---|
| ۳۲ | ناصر ایرانی | روابط ایران و امریکا و سوروی از جنگ<br>س الملی دوم تاکنون |
|----|-------------|---|

## نقد و معرفی کتاب

- |    |                   |                                       |
|----|-------------------|---------------------------------------|
| ۴۳ | حسن معصومی همدانی | گذشت اندیشه‌ها<br>پ تاره «علط سوبسیم» |
| ۵  | رضا محاری         | نظامه                                 |
| ۵۳ | عبدالله سالک      | هگ زبان فارسی امروز و کاستیهای آن     |
| ۵۶ | محمد ملکان        | بد (ماهنامه فارسی تاجیکستان)          |
| ۶  |                   |                                       |

## تبلیغ

- |    |                   |                             |
|----|-------------------|-----------------------------|
| ۶۳ | حسن معصومی همدانی | بیج پرمحاری اسماعیلیان      |
| ۶۶ | آراد بروجرودی     | اجمالی به چند کتاب چاپ خارج |

## برگتی

- |    |               |                           |
|----|---------------|---------------------------|
| ۷۰ | امد طبیب راده | ابهای تاره، معرفی شریه‌ها |
|----|---------------|---------------------------|

## سبزه

بنابر زبان فارسی، زبان علم، کنگره حکیم نظامی، رئیس و اعضای جدید فرهنگستان زبان و ادب  
سی، گسترش دامنه زبان و ادبیات فارسی، اولین کفراس جهانی فرش ایران، نمایشگاه  
های اسلامی، بازار کتاب ایران از چشم چینیها، رباعیات حیات به زبان یونانی، افتتاح مرکز  
لامی در مسکو



اصل همه عاشقی ز د.  
چون دنده بدید آنگهی  
(سوانح، ۱)

## (۱)

خوانندگان منوی خسرو و سیرین که رباعی‌ترین و دل‌ساز  
ابر حکیم نظامی و یکی از شاهکارهای عسقی در زبان  
است صحنه اولین دیدار مهرمانان داستان یعنی خسرو و  
به یاد دارید. این صحنه دل‌انگیز و فراموش‌نشدنی، حد  
در آن سیرین برای آب‌سی به حسمه رفته و خسرو از نا  
او را نگاه می‌کند، در عین رباعی و لطافت یکی از عم  
بر معنی‌ترین حوادث داستان است. موضوع اصلی  
دیدار با نظر است، نظری که خسرو و سیرین اولین بار  
می‌افکند و بر ابر آن دل به هم می‌سازند

نظر بطور کلی یکی از مسائل مهم عسقی است  
موضوعی است که نویسندگان و شعرا درباره آن آ  
تألف کرده‌اند بعضی از این آثار سبباً حسمه علمی دار  
عنوان يك موضوع علمی در آنها مورد بررسی قرار  
کتابهایی چون طوق الحمامة ابن حزم اندلسی (۱)  
دم‌الهوری ابن حوری (ف ۵۹۷) و روضه‌ال  
فهم الحوریه (ف ۷۵۱) که همه به عربی است از مهم  
است که از این لحاظ درباره عسقی تألف شده است  
مسائل مختلف عسقی با محبت، مثلاً مسئله دیدار عا  
با یکدیگر، هراق یا حدایی آنها، رفت، غرب، بار  
عاسق، نامه‌نگاری عاسق و معسوق و گفتگوی  
وصال، و سرانجام مرگ آنها سخن به میان آمده است.  
آمار نیز از دیدگاه فلسفی نوشته شده است، مانند  
این سسا و «رساله فی ماهیه العسق» در رسائل  
بعضی نیز از دیدگاه عرفانی نوشته شده است  
عطف‌الآلف المألوف علی اللام المعطوف از ابو  
(ف ۳۷۱) و مساری ابوار القلوب و مفاتیح اسرار  
دناع (ف ۶۹۶). در این آمار نیز مسائل عسقی  
فلسفی و عرفانی مطرح گردیده است. این نوع  
سسم عموماً به زبان عربی تألیف شده است.

اما فارسی زبانان بحث عسقی را به سیوه ادب  
دیدگاه عرفانی در ضمن حکایتهای عسقی به  
مسائل آن را ضمن حکایات و به صورت غیر  
ساخته‌اند. بهترین نمونه این قبیل آثار منظوم  
سیرین نظامی است.<sup>۱</sup>

در این منوی نظامی تقریباً همه مسائلی را



## شیرین در چشمه

نصرالله پورجوادی

این مقاله را من برای قرائت در کنگره حکیم نظامی که در تیرماه در تبریز  
برگزار شد تهیه کرده بودم که به دلیل کمی وقت، فقط قسمتی از آن را  
تواستم بخوانم ن پ

حمله این حزم و این هم، در کتابهای خود مطرح کرده اند  
ی ساعرانه از راه تمیل و حکایت برداری به میان آورده  
ر ضمن این تمیلات به معانی دلفی اشاره کرده است  
این معانی سر کاملاً حسی فلسفی و عرفانی دارد، می توان  
ری از آنها را در رسائل و کتابهای فلسفی و عرفانی  
نزد دیندار حسرو و سیرین در حسمه سرنکی از حوادث  
ان است که دقیقاً به مسأله نظر و خصوص نظر اول که  
اسفی هر دو فهرمان می گردد مربوط می شود نظامی در  
در وصف این صحنه سروده است به حد نکتۀ عمیق و  
فی و عرفانی اشاره و نظر خود را درباره این مسأله مهم  
است.

مقاله ما سعی خواهیم کرد بازه ای از این نکات مهم را از  
انبات نظامی بررسی کنیم. این نکات در واقع معانی  
سزاری از سغری دیگر سر در داستانهای عسقی، در  
از صحنۀ دیندار عاسی و معسوق کرده اند، در نظر  
ملا فخرالدین اسعد کرکائی که یکی از بحسن  
ست که موضوع عسق و مسائل آنرا در مثنوی و سن و  
رح کرده است به بعضی از همین نکات اشاره کرده  
همن دلیل، مقاسه انبات نظامی و کرکائی در وصف  
ار می تواند به روشن شدن معانی مورد نظر کمک کند  
سن از آنکه ما به سراغ سیرین در حسمه برویم، بهر  
ه از عمارت و سن بر کریم و صحنۀ دیندار او را در داستان  
، کرکائی از نظر بگردانیم

## (۲)

عاسق به معسوق در هر داستان عاسفانه حاده ای است  
راموس سیدی. در حقیقت لحظه ای که حسم عاسق به  
بی افتد لحظه ای است که يك انقلاب عظیم در درون  
بار می شود، ولدا ساعر سعی می کند تا حانی که می تواند  
، و این حاده را در داستان خود بر حسمه نماید بدانی  
، غالباً ناگهانی است و دور از انتظار در واقع این حاده  
بی است در حیات درونی عاسق، بطوری که سرکدست  
وان به دو مرحله سن و سن از نظر تقسیم کرد این تحول  
فخرالدین اسعد در داستان خود به بهرین نحو در عالم  
نسم نموده است.

در عمارت نیست و حجابهایی او را بوسانده است  
صحنه حضور دارد، ولی قادر نیست او را ببیند از فضا ناد  
می وزد و آرامش را بهم می زند برده های عمارت بالا  
رامین در يك لحظه موهی می شود که حمان وین را  
کند با همین يك نگاه است که زامن مبتل می شود

و دل از کف می دهد

حو تنگ آمد فضای آسمانی  
که بر رامین سر آمد سادمانی  
ر عسق اندر دلس آتش فرورد  
بر آتش عمل و حسرس را سرورد  
بر آمد سد بادی نو بهاری  
نکات برده بر بود از عمارت  
نو گفمی کر پیام اهخه سد تبع  
و ما حو، سد بیرون آمد از مع  
رح و سبه بدید آمد ربرده  
دل رامین سد از دیدن برده<sup>۲</sup>

فخرالدین در اینجا می خواهد به يك تحول درونی در وجود  
رامین اشاره کند، تحولی که بر اثر ان اسفی در دل رامین افروخته  
می شود و عمل و حسر او را می سوراند. این تحول درونی و روحی  
بر اثر يك دگرگونی بیرونی، حاده ای در طبیعت، صورت می گیرد  
در واقع فضایی که از آسمان فرود می آید، ابتدا در عالم خارج  
ظاهر می شود و سپس به درون شخص می رسد آرامش و حسر و  
فرار رامین سن از نگاه، مناظر با آرامشی است که سن از ورس  
ناد بر محیط اطراف او حاکم است. ناد حامل حکم قضاست در  
جها، بیرونی و بر هم رنده آرامش است همن و طبعه را «نظر» در  
عالم بیرونی به عهده می کند نظری که رامین به سن می افکند  
همانند ناد حامل حکم قضاست در عالم درونی با این نظر است  
که رامین حسر و فرار از کف می دهد

فخرالدین برای آنکه مراحل این تحول درونی را وصف کند  
به چندین تمیل موشل می شود و با هر يك از این تمیلهای یکی  
از دفاع عسق اشاره می کند. یکی از تمیلهای سع است و بیرون  
امدن آن از سام روی وین تارمانی که در سن برده محبوب است  
سعی است در سام و حو همان سود سع از سام بیرون می آید و  
فقد هلاک عاسق می کند روی معسوق همحسین به حور رسید مانند  
سده است، حور سیدی که در سن اثر است. نظر عاسق به معسوق  
عس اکاهی و علم است عاسفی رمانی بحق می باید که حور رسید  
از سن اثر بیرون آید و جمال معسوق منحل می شود در مورد ورود  
نگاه یا نظر از راه دیده به دل، فخرالدین از تمیل دیگری استفاده  
می کند نظر رامین تیری است که از کمان معسوق رها می شود و

### حاشیه

(۱) برای توضیح بیشتر در این باره رجوع کنید به مقاله نگارنده با عنوان «نظریه  
عسق و تحول شعر فارسی» در معارف، دوره سیم، شماره ۳، آذر - اسفند ۶۸، ص  
۱۱۱-۱۰۵

(۲) ان انبات و ابیات دیگر این داستان از وین و رامین، به تصحیح محمدجعفر  
محبوب (تهران ۱۳۳۷، ص ۶۵) است

بر دل او فرود می‌آید.<sup>۲</sup>

کجا حون دید رامس روی آن ماه  
تو گفنی خورد بر دل تر ناگاه

رامس تا این لحظه سوار بر اسب است. همینکه تر نگاه بر دل  
او اصابت می‌کند از اسب سربگون می‌سود و به خاك می‌افتد  
ر سب است که سکر بهفتاد  
حون برگی کز درحس بفگند ناد

سربگون سدن رامس از اسب در حصفت حلوة نیروبی  
دگرگونی روحی اوست. این دگرگونی خود آغاز يك مرحله حدید  
در حیات دروپی و نیروبی رامس است. با این نگاه رامس عاسق  
سده است. فخرالدین برای اینکه سبب این نگاه را با عسق بیان  
کند از تمسیل دیگری استفاده می‌کند. عسق درحقی است که از  
زمین دل عاسق خواهد روید، و اولی نگاه عاسق به معسوی به  
مرله بدر این درحس است که در دل عاسق کاسه می‌سود.<sup>۳</sup>

ز راه دیده سد عسقس فرو دل  
از ان سسد به يك دیدار ارو دل  
درحس عاسقی رُسب از رواس  
ولیکن کسب روس دنگاس

نظر اول عاسق به معسوی لحظه‌ای است که يك انقلاب دروپی  
در عاسق ندید می‌آورد و همان طور که دندیم، این انقلاب دروپی  
خود به دنبال يك حادثه خارجی (ورس باد سدید و کسف حجاب از  
معسوی) صورت می‌گیرد. این تحول طبعی و روحی در خود  
داستان سر منعکس می‌سود. ساعر با اینجا حکوبگی ندید آمدن  
عسق را بیان کرد. از این به بعد مرحله دیگری آغاز می‌سود  
بذری که در دل عاسق کاسه سده است باند رسد کند و تدریج  
درحتی برومند گردد. حکوبگی رسد این بدر و مراحل کوناگویی  
که طی خواهد کرد در حصص حوادی که سس از این برای عاسق و  
معسوی بس می‌آید سرح داده خواهد سد بیابراین، لحظه دیدار  
نخستین بقطه عطفی است در داستان وس و رامس.

صحنه دیدار عاسق و معسوی در وس و رامس هر حد  
صحنه‌ای است محصص این داستان و كاملا مرتبط با حوادی که  
قبل و بعد از این حادثه روی می‌دهد، حبه تمسیلی دارد این صحنه،  
چنانکه ملاحظه کردیم، به‌مطور بیان مسأله «نظر» عاسق به  
معسوی اهریده سده است و ساعر حواسته است با استفاده از آن  
معانی خاصی را در «نظریه عسق» مطرح سارد. خلاصه مطلب این  
است که علت عسق «نظر» یا «دیدن» است و عسق بیرون از  
اختیار عاسق است. فصای الهی است. و «نظر» به مرله وسیله‌ای  
است که تخم جمال با آن در زمس دل عاسق کاسه می‌سود با  
درحس عسق از آن بروید. همین مطلب است که نظامی سعی کرده  
است در حسرو و سیرین با استفاده از يك حادثه مسانه بیان کند.

(۳)

صحنه اولی دیدار حسرو و سیرین با یکدیگر در منوی  
یکی از مفضلترین و عمیقترین بخشهای این کتاب است و  
از صحنه مسابهی که فخرالدین گرگانی از دیدار رامس و  
ترسم کرده بر معنی تر است بلکه در میان همه منوهای  
ریان فارسی، حتی منوهای دیگری که درباره عسق  
سیرین سروده سده است، همایی ندارد. در حصفت نا  
صحن این حادثه و مقدمات آن مسأله نظر، بخصوص نظر  
به نحوی دقیق و در عین حال دل‌انگیز مطرح کرده است  
این حادثه بر تصادفی و غیرمستطرح می‌دهد خسرو  
رامس ساهراده‌ای است جوان و در حسحوی معسوی با  
از سم گوسمال بدر سهر خود را ترك گفته و به سوی ا  
سافه است، سس از حدی در میان راه توقف می‌کند  
توقف سستی کردن است او و همراهان اوست ساهراده  
خود فرمان می‌دهد با در بقطه‌ای مرل کسد و در حالی که  
به علوفه دادن سوران مسعول گسه‌اند، از اسبان جدا  
بدون اینکه مقصد خاصی داسه یاسد به سرح  
می‌بردارد مرغاری در آن حوالی است و حسرو

س سهار بر ديك علامان

سوی ان مرغار آمد حرمان<sup>۴</sup>

در میان مرغار حسم حسرو به حسمه‌ای می‌افتد

طوافی رد در آن فروره گلنس

میان گلنس آبی دید روس

ناگهان حسمس به دحیری می‌افتد که در آ

سستوی حویس است

زهرسو کرد بر عادت نگاهی

نظر ناگه در افنادس به ماهی

عروسی دید حون ماهی مهیا

که یاسد جای آن مه بر برنا

این عروس ماه‌بیکر کسی حر محبوب حسرو،<sup>۵</sup>

هر حد که حسرو هور از هویت او با خبر ییست.<sup>۶</sup>

سیرین به این محل و رفتن او را به درون آب نظامی

سرح داده است دحیر حوان بیس از این در دنیا.

نقاسی سده حسرو را دیده و وصف جمال او را از

ساهراده، یعنی سانبور، سنیده و خاطر حواه او سده

به محبوب خود و دیدن او، ندیمان حویس را در

گداسته و سوار بر است سده و تك و تنها سر به صه

از فصا هنگام سسده دم به همس مرغار و حسمه آد

اینکه عبار راه از تن بسوید و ریح راه از انداء

برگیرد، از اسب فرود آمده و جامه از سس به در

کرده است همان دختری است که وصف جمال او را قبلاً از زبان  
سایور سنده است. او حتی هور چهره سیرین را ندیده است. در  
داسان وین ورامین، نگاه رامین مستقماً به روی وس می افتد،  
ولی در اینجا نظامی نظر حسرو را اندازد بر بیکر سیرین می افکند،  
و این خود یکی از دفاعی مسأله نظر است که ساعر حکیم بدان  
اساره کرده است. حسرو هرچه بسیر به این منظر نگاه می کند  
آشفته تر می شود، ولی با این حال جسم از آن بر نمی دارد. سیرین  
در آب گسوی خود را کسوده و سانه می ریزد. در واقع روی او در  
سیر گسوی او پنهان است. به حسرو روی سیرین را می بند و به  
سیرین از حضور ساهرا، در اینجا حاضر است اما ناگهان اقامی  
مهم رخ می دهد. سیرین در يك لحظه گسوی خود را کنار می زند و  
جسمش به حسرو می افند.

سمنر عاقل از نظاره ساه  
که سسل سسه بد بر برگس راه  
خون ماه آمد برون از این مسگس  
به ساهسه در آمد جسم سیرین<sup>۷</sup>

حاسه

۳) این مسئله در اسفار حاسانه فارسی فراوان به بار رفته است. مثلاً احمد  
خراللی در سوانح (فصل ۲) می گوید: «سیری که از همان ارادت معسوی رود چون  
فله بویی بوازد شو حواه بر حفا ناس، حواه بر واه، و سس این اسات را می آورد

دل بر نام من در سیرین برش  
وانکه بکمان سحت حوس اندرش  
بر هنج سانه حواهی اسات دل من  
از به دن سحت ورم من اهی حوس

حافظ سیرین، یکی از غزلهای خود، همس معسوم اساره کرده می گوید  
بر عاسق شس نداده بر دل حافظ کا رد  
انقدر دایم که، سحر ترس چون می جکد

۴) در رسائل اخوان الصفا که قبل از معسوی وین ورامین تألیف شده است،  
عسقی به درجی مانند سده است که پدر آن نظر است  
«اعلم با احی ان میدالعیق» «اوله نظره اواللقاب نحو سحقس من  
الاستحاض، فحقن ملها نعلن حبه رزم، اوعفس حرس او طقه سقطت فی  
حبه سیر و بکون باقی الطرات واللحطات بمرله ماده نصب إلی هناک وتسا  
«سعی علی ممر الآتام إلی ان یفسیر سجره او حسناً (رسائل اخوان الصفا، «فی  
ماهه العقیق»، ج ۳، سیرت ابنی با، ص ۲۷۳-۲۷۴)

احمد خراللی بر این مسئله را در سوانح به بار برده است. در يك حامی گوید «نگاه  
روح عسقی را چون رمس بود با سحره عسقی او بر روید» (سوانح، فصل ۳) و در  
جای دیگر می سراند

دخبت عسقی همی روید، سانه دل  
حو اب ناندس، دندکان فرو برزم

«نار دجای دیگر می بوسید» «ندابت عسقی این است که بحم جمال از دست مشاهده  
در من جلوت دل افکند» (سوانح، فصل ۱۶ و ۲۱) «ستی که در سسای این مقاله  
نقل کرده ام دنباله حمله اخیر در فصل ۲۱ است)

۵) در اینجا ما از من حسرو و سیرین نظامی، به تصحیح وحدت دستگردی  
(تهران، ۱۳۱۳)، استفاده کرده ایم.

۶) این سب و اسات بعدی در حسره و سیرین (حاج دستگردی)، صفحه ۸۰،  
بعد است.

۷) همان، ص ۸۲



«... از سیرین در حسمه درجت ناخوئی که در مسطابله است درجت عسقی است که تحم  
در همین دندار در من دل سیرین، حسه، کسبه می بود، به بعد رسید می کند اسکوده و  
سعی این درج را در اقل مسایور با عکس رنگی آن به می توان دید (کمان معسوی با  
تسی بر اثر تیرهای عاسق کس و حقیقه عسقی برای قطع نظر عسقی از اخبار) - درج عسقی  
- آن است مسعوده هانی که در سیرین درج عسقی است سانه تعویب او عاسقی است  
سعادتی که سیرین در آن دیده می شود نمود کار اب حباب، حسمه حیوان است به همین دلیل  
است که رنگ آن ساه است وجود مرغاسها به عابده حباب است ساهی حسمه، از سیر  
در رسته را برای استفاده از مثل بکری میباید می بارد این حسمه نمود کار اسات است در  
نارید و سیرین نمود کار ماهی است که در سیرین در توضیح داده می شود در کار حسمه  
ب سیرین سیرین اساده است این است نمود کار روح است که در سیرین روح عسقی روح است  
این مسایور یکی از محالهای رنگی سحره معسور حسمه نظامی است که در مورد  
«... بولسان در سو بول، نگهداری می شود تاریخ کتاب سحره طها ۹۳۱ هجری است برای  
تصحیح حسره در باره این سحره نگریده

Mirror of the Invisible World p. Chelkowski, et al. N.Y. 1975

ملکون بر میان سسه و در اب رفته است. در همین هنگام است که  
سیر و از فصا به این نقطه می رسد و جسم نظر بازس به او می افند  
سیر و با دیدن بدن سسه عریان سیرین در اب سحت اسفمه  
می شود.

حو لحنی دید از آن دیدن حطر دید  
که بیس اسفمه سد تا بیستر دید  
ساهراده جوان نمی داند که ماهی که او را این حسن اسفمه



تصور دیگری از شیرین در چشمه رنگ آب چشمه در این مستور بزرگ است. نمودگار چشمه حیات است در بالای چشمه درخت باسکوه عشق است. روح است و سره‌داری که در آن می‌خرد نمودگار عالم ارواح چشمه در میان گلشن حوض نمودگار بهشت برین است. حای که موصیان در آخرت به لغا، و حاله شیرین ماهی است که در شب بدر بوضوح روت می‌شود خسرو در حالیکه سر در هنگام روت محبوب الهی به سحده می‌افتد و انگشت بخیر به دهان گرفته ا محبوب می‌بردارد این صحنه که مربوط به «نظر بختین» است هیچی م مشاهده محبوب الهی در رور میتاق و عهدالس بائند (اولس سب از انیاب د العافی است)

این میبایست یکی از محالست سحنه مقصور حصه است، متعلق به مور 2265) این عافی اختلا یکی از آثار افامیرل است

عاسمی امری است مقدر و بیرون از اختیار عاسی. نکته دیگری که باید بدان توجه کرد محل وقوع است. این حادثه در فضای باز رخ می‌دهد، یعنی در جایی که حکم فضا می‌تواند بدون مانع فرود آید. داستانهای عاسفانه دیگر نیز می‌توان ملاحظه کرد محل اولین دیدار معمولاً مرغزار یا گلشنی می‌تواند نمودگار بهشت و عالم میتو باشد. در بعضی عاسق در زیر درختی می‌ایستد و این درخت می‌تواند درخت عسقی باشد که فرار است در دل او پروید. مع

خسرو و سیرین بدین ترتیب در يك لحظه یکدیگر را می‌بینند. جسم در چشم. سیرین با دیدن خسرو از سرم به خود می‌لرزد  
ز سرم جسم او در حسمه آب  
همی لرزید خون در حسمه مهاب  
و بی درنگ روی خود را بار با گیسوی خود می‌بوساند.  
جر این حاره ندید آن حسمه فد  
که گیسو را حو سب بر مه تراکند  
عبیر افساند بر ماه سب افروز  
به سب خورسید می‌بوسد در رور

افتادن جسم خسرو به سیرین و سیرین به خسرو نکته مهمی است. در داستان ویس و رامین، ساعر فقط از نظر رامین به روی ویس سخن گفت. در آن صحنه سخن بها بر سر عاسی سدن رامین بود و ساعر می‌خواست فقط علق عسق او را بیان کند. ولی در صحنه‌ای که نظامی برسم کرده است ساعر هم می‌خواهد اولاً از عاسمی خسرو سخن گوید و هم به عاسی سدن سیرین اشاره کند و لذا از نظر ثی که هر دو به هم می‌افکنند یاد می‌کند.  
س از اینکه سیرین حیره خود را با گیسوی خود می‌بوساند بی‌درنگ از آب بیرون می‌آید و خسرو برار روی حوا امردی بطر خود را به نقطه‌ای دیگر می‌دورد سیرین از همس فرصت استفاده می‌کند و لباس می‌بوسد و بر سب است می‌سسد و از آن محل دور می‌سود و بدین ترتیب جر بیان اولس ملاقات سیرین و خسرو خاتمه می‌یابد.

#### (۴)

گزارش اولین برخورد خسرو و سیرین را در داستان نظامی به اجمال نقل کردیم، ولی این حادثه را خود نظامی نسبتاً تفصیل شرح داده و در ضمن آن نکاتی را درباره عسق و بخصوص سبب عاسمی و مسأله بطر و روانسناسی عاسی ذکر کرده است. یکی از این نکات این است که دیدار سیرین، همانند کشف حجاب ویس و نظر رامین کاملاً تصادفی و غیرمستطراست خسرو هر حد که سهر خود را به قصد دیدن سیرین ترك گفته است، انتظار دیدن او را در آن مرغزار و در حسمه آب ندارد، و حتی وقتی سیرین را می‌بند از هویت او با خبر سست. حادثه تصادفی است، ولی تصادفی بودن آن از نظرگاه حلو است، و الا وقوع این حادثه مطابق با فضای الهی است. به حکم فصاست که اسبان در این منزل سستی می‌کنند<sup>۱</sup> و دست فصاست که خسرو را به طرف چشمه می‌برد. همان طور که دست فصا سیرین را به آنجا آورده است. نتیجه این دیدار عسقی است. دست فصا سیرین و خسرو را به هم نزدیک کرده، حجاب را از حیره سیرین برداشته و خسرو توانسته است روی او را ببیند و در دام عسق افتد. س عسق و

ح است، و برده هودج او را بوسانده است. اما در داستان می، سیرین در حسمه آب است. و این حسمه می تواند نمودگار ب باشد، چنانکه نظامی خود بدان اشاره کرده است:

دید آمد خو میو مرغاری

در او خون آب حیوان حسمه ساری

بدن روی معسوق در حسمه آب از لحاظ فلسفی و بحث اساسی نکته بسیار مهمی است. این بحره یادآور بحره سیوف یا حکم در تمیل عار در جمهوریت افلاطون است. سیوف وقتی غار عالم محسوس را بست سر می گذارد و به پای بار، عالم مُل، قدم می گذارد. حال آفتاب حقیقت را بار، در آب می بند، چه مشاهده آفتاب بی واسطه در نظر اول مسریت فیلسوف فقط می تواند صورت حالی یا سکر حقیقت را در لای سفاف ببیند. به تعبیر حکمای اسرافیه و عرفای مسلمان، سیوف یا حکم در این مرتبه در عالم مثال یا خیال است.

تمیل افلاطون تمیلی است فلسفی، و عناصر و مرمرها بر همه به فلسفی دارند. حبری که فیلسوف به دنبال آن است حقیقت است و مظهر حقیقت آفتاب است. اما داستان نظامی داسانی است عاسفانه و نظامی ساعر است و عناصر او بر حسمه ساعرانه در زبان اوربان عسوق است. به همین دلیل، حبری که عاسوق در سجوی آن است حسن است و مظهر حسن ماه و لذا ساعر ریس را ماهی می خواند که حای اصلی آن در آسمان است<sup>۱</sup> و ل عکس آن در آب افتاده است. وقتی سیرین از نظر ناپدید شود، خسرو به حای آنکه در رمین او را جستجو کند به بالا می کند.

گهی سوی درختان دند گستاح

که گویی مرغ سد برید بر ساح

سبب به سر حسمه می رود و گم شده خود را در آب می جوید

گهی دیده به آب حسمه می بست

خو ماهی ماه را در آب می جست

یکی از عمیقترین معانی که نظامی در ضمن این حادثه بدان ارده کرده است حیرت است که منظور نظر خسرو واقع می شود. آن طور که ملاحظه کردیم، خسرو ابتدا بدن سیرین را می بیند و بار آن روی او را، در بدن سیرین و حجابی که بیمه ناپس بدن او بوسانده است رمزی نهفته است که توضیح آن اهمیت و عمق پای این صحنه را برای ما روستر می سارد. سیرین حایه خود را از تن بیرون کرده و برندی بیلگون یا همان گون بر میان بسته است.

برندی آسمان گون بر میان رد

سد اندر آب و آتش در جهان زد<sup>۲</sup>

در حای دیگر ساعر نقطه این بوسن را با دلف بیستر معلوم

کرده است. وقتی خسرو در حسمه نگاه می کند، سیرین را همچون گلی می بیند که ساقه آن در آب فرو رفته و خود آن روی آب بسته است.

در آب بیلگون خون گل بسته

برندی بیلگون تا ناف بسته<sup>۳</sup>

سایر این، خسرو فقط ساقه بالای بدن سیرین را می بیند. از ناف به بالا را نکته ای که نظامی در اینجا بدان اشاره کرده است ناسخی است به مسأله ای مهم و عمیق در اصطلاحات شعر عاسفانه و صوفیانه زبان فارسی، بخصوص غزلناب. همان طور که می دانیم، ساعران ما در مقام عاسفی وقتی معسوق را مشاهده می کنند معمولاً اعضای فوقانی بدن او را می بینند و ندرب اران و ساق و پای معسوق سخن می گویند<sup>۴</sup>. الفاظ و اصطلاحاتی هم که در شعر

#### حاشیه

۱۸ قصه را داستان در راه سد بست

در آن میرا که آن مه موی می بست (ص ۸۰)

نظامی گرجین خسرو و حوادث بعدی داستان را جزئی از «مارنهایی بدتر» خوانده است (نگرید به صفحه ۷۹، ست ۱ و ۲)

۱۹ همان طور که در داستان بوسن، رامین و سب را در فضای باره، در آسمان می بندد در داستان برون و میره در ساهامه فردوسی، برون به مرغزاری می رود و میره را در اینجا می بندد دیدار ناگهانی و غیر منظم در این داستان برای میره بیس می آید. اوست که ناگهان حسمس به برون می آید که در روبرو حسمس است و ناگهان نگاه میره عاسوق می شود در داستان بوسن و اینجا حای حامی، رلیخا یوسف را اولس نا، در صحرا می بندد (هفت اورنگ، عبدالرحمن حامی، بوسن، رلیخا، به تصحیح مدرس گلانی، تهران، ۱۳۳۷، ص ۷-۶۴۶) در داستان کلرخ و هرمز در حسمه نامه بوسن به عطار (به تصحیح سهیلی حواساری، ۱۳۳۹، ص ۵۶، ست ۱۱۲۳) کلرخ بحسمس باز هر مر را در روبرو درخت بند می بیند (۱۰) به نظر من تمیل ماه در اینجا با حذب رؤیت ماه در آسمان و مسأله رؤیت حدایی ارتباط بست (برای توضیح در این باره نگرید به سلسله مقالات نگارنده با عنوان «رؤیت ماه در آسمان» در سیر دانش، سال ۱۰، شماره های اول و دوم) جایگاه رؤیت بر بهشت است در قیامت مومنان در بالای بهشت می تواند به لغای وجه الله برسد. ناوچه به همین معنی است که دندار سیرین، و منظور کلی دیدار عاسوق از معسوق در داستانهای عاسفانه، در مرغزار یا گلشنی میو سربست انجام می گیرد.

۱۱ خسرو و سیرین، ص ۷۷

۱۲ همان، ص ۸

۱۳ کمر اتفاق می آید که ساعری، چه عارف و صوفی مسرت باشد و چه باشد، در مقام توصیف اعضای بدن معسوق به اعضای تحتانی او توجه کند. میران بوجهی<sup>۱</sup> که در شعر فارسی به اعضای تحتانی بدن معسوق کرده اند می توان در کتاب ابن العساق سرف الدین رامی (به تصحیح عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۵) احتمالاً ملاحظه کرد. سرف الدین در کتاب خود صفات اعضای بدن معسوق را، به نحوی که شعر او وصف کرده اند، در بونده ناب شرح داده است. ساربرده ناب به اعضای فوقانی اختصاص دارد، یک ناب به صفت میان معسوق، یک ناب به صفت قد، یک ناب هم به صفت ساق. سرف الدین این صفات را از بالا ترین عضو یعنی موی اعجاز کرده و به برسد یک یک اعضا را تا ساق وصف کرده است. ساق ناپس ترین عضو از لحاظ رسته و سرف و خودی است. به نظر من علت آنکه ساعران عارف از ساق سخن گفته اند این است که خداوند خود در همان از ساق برده برداشته است «یوم یکسف عن ساق و بدعون إلى السجود» (الفلم، ۴۲). در شعر عرفانی فارسی ←

مراتی و حنالی آنها را مشاهده می‌کند. در مرحله بعد حجاب زلف به کنار می‌رود، عاسق موفق می‌شود که معسوق و اعضای روی او، یعنی حدّ و حال و لب و دهان و ... او را همه مهمربس چشم او را بسند.

خسرو در تمام مدتی که به مشاهده مسغول است مجامعت با بدن سرین را پیدا نمی‌کند. يك علت آن این است که این اعضا در عمق آب است، و زمانی هم که سیرین از آب می‌آید، روی خسرو به جانب دیگری معطوف شده است. گرداندن خسرو و اله حبه اخلاقی فضیه است. اما خسرو این، مانع دیگری هست که نمی‌گذارد جسم خسرو به دیگر بدن سیرین بفتد. سیرین پس از آنکه به حس حریری نیلگون به میان سینه است. حبه معنوی و عرفانی در معنای رمزی همسوس بهفته است. حریری یا برید بارحه و سوس است. رنگ این برید ماهب آن را بنا، نظامی این برید را يك بار نیلگون و بار دیگر آسمان گوی است. پس حجابی که باین بدن معسوق را می‌بوساند میسوی است. این برید اگرچه سوس و حجاب است، اندام سیرین را می‌بوساند فرق دارد. فضا صخیم و رمد این فضا را سیرین فلالا برین بیرون کرده است. حجاب معسوق بر داسه شده است. سیرین حجاب دیگری است که لطف و آسمانی است.

معنای رمزی ناف که حد فاصل میان نمدهای بالا بدن سیرین است و همسوس معنای رمزی حجابی که را بوسانده است حبه عرفانی و فلسفی یا مابعدالابوسیده ماندن اعضای بحانی بدن سیرین را تبسیر اینجا سیرین به عنوان معسوق و خسرو به عنوان ع گرفته شده‌اند. این معنای را به‌طور کلی می‌توان ساعران، بخصوص ساعران عارف، به اعضای او این اعضا در اسعار ایسان دانست.

و اما اعضای فوقانی بدن معسوق نیز که منظوم واقع می‌شوند همه در يك مرتبه نیستند و عاسق نمی‌تواند در يك نگاه ببیند. در واقع مشاهده این اعضا بر (در داستان خسرو و سیرین نظامی در دو مرحله) این به دلیل حجاب دیگری است که در بدایت امر در معسوق حایل می‌شود. بررسی معنای این حج خسرو و سیرین كمك می‌کند تا ما يك قدم دیگر به رمزی اعضای فوقانی بدن معسوق نزدیکتر شویم. خسرو وقتی ابتدا سیرین را در حسمه مساه بعضی از اعضای او را می‌بیند. روی سیرین و بخ او در این مرحله دیده نمی‌شود. علت آن این است

صوفیانه مربوط به بدن معسوق است شامل اعضای فوقانی است. علت این انتخاب برای وصف معسوق بی‌سك جنبه اخلاقی دارد، اما در عین حال این علت حبه‌های عرفانی و فلسفی (یا مابعدالطبیعی) هم دارد. این حبه‌های عرفانی و فلسفی را از راه تحلیل یکی از نکات ذهنی که نظامی در وصف سیرین در حسمه بدان اشاره کرده است می‌توان با حدودی صاحب در واقع نظامی در وصف اعضای بدن سیرین<sup>۱۴</sup> حدّ این دو دسه از اعضا را کاملاً در نظر می‌گیرد، و همسوس که ماهب اعضای فوقانی و محتانی را به‌طور کلی نا حدودی برای ما روشن می‌سارد.

نقطه فاصل و مرز میان این دو قسمت بدن معسوق ناف است، و علت اینکه نظامی و ساعران دیگر، فقط اعضای فوقانی را در نظر داسه‌اند رمزی است که در این نقطه بهفته است. ناف حایی است که دو قسمت از بدن را از هم جدا می‌سارد. این نقطه نمودگار (سمبل) دو ساه است، یکی ساه حسی و دیگر ساه دسوی نقطه ناف یادگار ساه حسی ایسان است. حناتی که ایسان بیس از ورود به عالم دنیا داسه است. همسوس نقطه خود رمر دو نوع زندگانی است، یکی زندگانی معنوی و ملکوتی و دیگر زندگانی دسوی و ملکی. صاحب عسق که مقام ولایت است ساحبی است و رای صاحب ملك و عالم محسوس. از ناف به بالا، نمودگار صاحب مقدس و حجاب معنوی و ملکوتی است و از ناف به پایین نمودگار عالم محسوس و جسمانی و سهوانی و حجاب دسوی است.<sup>۱۵</sup>

حکایت نظامی حکایت عسق است، و نخستین تجربه عاسق نیز سهود معنای در صاحب عسق و در عالم ملکوت و مثال است عاسق در این صاحب عالم جسمانی را سست سر گذاشته و از اسارت نفس و سهود رهایی یافته است. او به مرعزار عالم حان قدم گذاشته و به شاهد قدسی در حسمه حیات منوی نظر دوحه است. در این عالم و در این حیات حنزی که منظور نظر او واقع می‌شود اعضایی است که نمودگار معنای ملکوتی و مینوی است و این اعضا همه در نیمه بالایی بدن معسوق یعنی از ناف به بالا است. اعضایی که عاسق در بدایت امر، پس از ورود به عالم ناك و مینوی، مشاهده می‌کند سینه و دوش و دست و گردن و سر و زلف است. این اعضا را عاسق در حسمه آب می‌بیند، یعنی صورت



حجاب است و این حجاب گیسوی خود اوست. حجاب گیسو  
با فبا و هم با نرند بیلگون فرق دارد. گیسوی سیرین هر چند که  
است ولی به خلاف فبا و حامه‌ای که او به تن داشته است،  
بافت جسمانی و ضخیم و زمینی است. وانگهی، این حجاب با  
بیلگون نیز که حجابی است آسمانی فرق دارد گیسو و رلف  
لی به خود معسوی است. غرضی و عاریتی است دانی است.  
است و سباهی این حجاب از خود معسوی است<sup>۱۶</sup> و سرانجام

به

با عنوان فاعده بدن در نظر گرفته شده است به عبارت دیگر، اعضای دیگر  
از ریس دانی اند، و هر يك في نفسه مطهر یکی از معانی و صفات الهی اند  
یعنی عضو است که اعضای دیگر بدن قائم ندانند، به همین دلیل آن را فاعله  
بدن خوانده‌اند. و این است را هم در هنگام وصف ساق در نظر گرفته و آن را  
فاعله یا فاعله ذکر کرده‌اند (مثلاً حافظ نه فقط در سه مورد ساق را وصف  
کند، یکی از این موارد می‌گوید «ساقی سمساده قدی ساعدسم اندامی»)  
این سبیه ساق به سیون، سرف الدین شاهد بر را می‌آورد

ساقی بو مرا را ترا آورد و ردست

هرگز ندهم ستون غنایی را (ش. ص ۵۳)

و در ساق، ساعران فارسی کو گاهی با و آن را هم وصف کرده‌اند، و به نظر  
رسد که این کو به اوصاف فاعله معانی عرفانی باشد و به هر حال شعرای بزرگ،  
موضوع شعرای غارف، از وصف این اعضا نه حسیته فرامی‌نهند (سر باز کرده‌اند  
فالدین رامی که وصف ران را در ضمن نام ساق آورده است فقط يك شاهد اثر  
است سق از سيف الدین اعرج

هر که را بر ران و ساق يك نظر افکند

ساق را بوند افکندست با ساق هم (ش. ص ۵۳)

فالدین که در سیمه دوم قرن هفتم کتاب خود را نوشته است اضافه می‌کند که  
فالدین با ساق به ستون ما به درج هم «در این عهد مستعمل است» ساق را  
فرد به نصف بلورین یا سیمین وصف کرده‌اند

و مویهای عافیه، نهایی اثری که می‌دندام ساعر اعضای نحاسی بدن  
در اصله ساق و ران، و همجنس سکم، را وصف کرده است به سبب رلیخای  
که به فردوسی است، ساعر پس از وصفی که از اعضای فوقانی بدن رلیخا  
کند به اعضای دیگر بدن او روی می‌آورد و می‌نویسد

سکمند لطیف و درهسان بلور

ولیکن سمری خو حو حرو و سمور

خو ران هیوان دوران سطر

درین هوس بردی در دل تاب و حسر

دو سافس سنان دو سمن سیون

بدان، ایستاده که بسون

(یوسف او) رلیخا، منشی، ۱۳۴۴ ق، ص ۱۷۱)

انی که ساعر در اسحا وصف کرده است صحنه‌ای است که در آن رلیخا در  
ایستاده و خود را نگاه می‌کند این صحنه، به طور کلی با همه صحنه‌هایی  
مویهای عافیه در وصف بدن معسوی آمده است فرق دارد و اساساً خلاف  
است با این گونه داستانهاست در واقع، رلیخا در این داستان اصلاً معسوی  
و اوصافی که ساعر شرح می‌دهد آردید عاسق نیست بلکه آردید خود اوست  
لفی «ساعر و بی‌دوقی او در همین ابیاتی که نقل کردیم دیده می‌شود بی‌سبب  
که محققان صاحب نظر انتساب این اثر را به فردوسی مردود دانسته‌اند یکی  
محسن مرحوم عبدالعظیم قریب بوده است و یکی دیگر مرحوم دکتر  
در این دو محقق وجود همین ابیات ضعیف و بی‌مایه را دلیل مردود بودن این  
داستانه‌اند (رک متن «سحرانی دکتر حیا مور در باره یوسف و رلیخای

فردوسی»، در نه رنه دانشکده ادبیات تبریز، سال ۲، ۱۳۲۸، ص ۲۲۱) من با نظر  
این دو محقق موافقم چه این ابیات علاوه بر ضعف صوری، از لحاظ معنی بر خلاف  
قاعده سروده شده است شعرای دیگر سرگاهی سکم را وصف کرده‌اند و این اسعار  
بر همه به نظر من فاعله معانی عرفانی است. و حتی خلاف قاعده شعر است، چنانکه  
سرف الدین رامی نیز هیچ دگرگی از این عضو نکرده است (رامی در باب چهاردهم  
در وصف بر، می‌نویسد «سسه را از سندی به سکم سنجاب بست کرده‌اند» (ص  
۴۲) ولی سکم عضو است که خود وصف شده باشد بلکه سسه به است عضو  
که وصف شده است سبیه با بر است)

در اینجا سحر بر سر فاعله است، یعنی چیزی که میان ساعر، بخصوص شعرای  
بررک و کلاسیک، مداول است، و آلا ابیات استثنایی، استایی که در آنها اعضای  
دیگری از سبیه نحاسی بدن وصف شده باشد، در کوسه و کنار بعضی اردو این دیده  
می‌شود حتی در یکی از نسخه‌ها، حسرو و سیرین نظامی، سنی آمده است که در آن  
سیرین سیرین وصف شده است، این است مر بوط به صحنه‌ای است که در اسحا مورد  
نظر ماست پس از اسحه نظامی برندی بیلگون به میان سیرین می‌شود و او را وارد  
ات می‌کند، می‌گوید

همه جسمه جسم ان گل اندام

کل مادام و در کل معر مادام

حواصل چون بود در ات حو رنگ

همان رویی در او از ات و از رنگ (ص ۸۱)

بلافاصله بعد از این ابیات، در حاشیه نسخه مرپور (سگرید به حواسی دکتر بهرور  
بره‌نار، به حجاب حسرو و سیرین، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۶، ص ۱۲۷۳) این  
بیت الملهام به روح شده است

به لب گلزار و بالا همجو سروی

سیرین هره مناس همجو غروی

کویده بی‌دوقی این است به سها از فاعله شعر عافیه فارسی در دست حیر ندارد،  
حتی به منطوق حاکم بر این صحنه سرفاعف نیست اگر او اندکی در ابیات نظامی  
تأمل می‌کرد، می‌فهمید که وقتی نظامی برندی بیلگون را بر میان سیرین می‌شود،  
اعضای نحاسی بدن را در برده سها می‌کند و بالنتجه دیگر هیچ عضو در این  
قسمت دیده نمی‌شود، نباید توسط ساعر وصف شود مرحوم وحید دستگردی و  
مصححان دیگر البته به الحاقی بودن این بیت رست توجه داشته و آن را در متن  
شاورده‌اند

۱۴) نظامی اوصاف جمال سیرین را فعلاً از رمان سناور برای حسرو و سرح داده  
است و به اصطلاح از راه «حیر» با اعضای فوقانی بدن او، بخصوص اعضای روی  
او، استایی پیدا کرده است (حسرو و سیرین، ص ۵۲-۵۰) به همین دلیل در کنار  
حسره دثری از يك يك آنها نمی‌کند اعضای که وی از رمان سناور وصف می‌کند  
همه مر بوط به قسمت فوقانی بدن است

۱۵) در یکی از افسانه‌های یونان قدیم بر نقطه ناف سناو و رمر دو سناو متفاوت  
در حلق انسان است افلاطون در سمپوریوم (191۵) به این مطلب اشاره کرده  
است و بعضی از فلاسفه و حکمای اسلامی بر با این عقیده استایی داشته‌اند  
ابو سعید بنسویح (ف ۴۲۹) در رساله فی الطب و الاحداث النفسانه (مصحح  
فلینش تلاین فرانکه، پرب، ۱۹۷۷، ص ۵۲) از قول شدی نقل می‌کند که

وقوم من علماء القبايله یعتقدون أن الناس فی ابتداء خلقهم كانوا مفصلین فی  
موضع الشَّرِّ وان اهل أمر یقطعهم لشدتهم و قوتهم و ما كانوا یفعلونه  
فی الارض، فمن ثامن من الدور ملتصقا مع دثر کان محالاً للدکور، ومن کان من  
الاناث ملتصقا باناث کان محالاً للاناث، و من کان ملتصقا بدثر کان محالاً  
الدکور، و من کان ملتصقا بأنثی کان محالاً للاناث، و کل من یعسی فانما یعسی من  
کان ملتصقا به فی العذیم و من طیه حوهره (همجنس سگرید به مقاله  
«سمپوریوم افلاطون در آثار غربی» به فلم دیستری کوتاس (معارف، دوره  
هفتم، شماره ۱، فروردین - تیر ۱۳۶۹، ص ۶۸)

۱۶) احتمالاً تغییر بر سبیه که در ادبیات عرفانی فارسی به کار رفته است اشاره  
به همین معنی است، چه این حجاب بورایی است و در عین حال سبیه برای توضیح  
بسیتر سگرید به زندگی و انار شیخ ابوالحسن سسی از نصر الله بورخوادی، تهران،  
۱۳۶۴، ص ۶۲-۵۹.

نیز به دست اوست که این حجاب برداشته می شود. سیرین است که خود گیسوی خویش را به کنار می زند و به دست خود ماه رخسارش را عیان می سازد. خسرو فقط نظاره گر است و در کشف این حجاب نفسی ندارد.<sup>۱۷</sup>

برداشتن این حجاب از رخسار سیرین نقطه اوج این حادثه است. خسرو تا این لحظه در تحیر است. مساهده اندام سیرین البته او را سخت تحت تأثیر قرار داده و اسک از حشمانس جاری نموده است. ولی دل خسرو هنوز وارد کارزار نشده است. با دیدن روی سیرین است که دل خسرو به لرزه می افتد.

دل خسرو بر آن تابنده مهتاب

حان چون زر درآمیزد به سیماب

مساهده ماه رخسار معسوق بدین ترتیب کمال نظر است، و این به دلیل برتری اعضای روی معسوق از اعضای دیگر اوست. خد و خال و لب و بیسای و جسم و ابرو و عالترین و سر بفرین اعضای بدن است و دیدار آنها نیز عاشق را به کمال معرفت می رساند. به همین دلیل است که ساعرائی که در عسق سخن گفته اند بیس از هر قسمت دیگر از بدن معسوق به چهره او و اجزای آن توجه کرده اند.

و اما در میان اعضای روی عالترین و مهمترین عضو جسم است و به همین دلیل آخرین مرحله از مراحل نظر نیز لحظه ای است که جسم عاشق به جسم معسوق می افتد. جسم معسوق در حکمت معنوی شعر فارسی متضمن عمیقترین معانی و نکاتی است که سحر را در باره صفات معسوق از يك سو و حالات عاشق از سوی دیگر بیان کرده اند. نکته ای که در جسم معسوق است این است که این عضو را همین عضو در عاشق درك می کند. جسم عاشق در حبه ای است که نظر از آن وارد دل می شود. در تمام مراحل نظر، جسم عاشق فعالیت دارد. تا زمانی که جسم عاشق به چشم معسوق بیفتاده است، معسوق فقط منظور است. اما همبکه چشم عاشق به جسم معسوق افتاد، معسوق هم در فعل نظر سهم می شود. در این لحظه، نظر تنها متعلق به عاشق نیست. عاشق و معسوق هر دو ناظر یکدیگرند و هر دو منظور یکدیگر در واقع، در این لحظه، که نقطه اوج و کمال نظر است، اتحادی میان عاشق و معسوق دست می دهد. تخم عسق نیز با همین اتحاد و یگانگی در زمین دل عاشق کاشته می شود. و از آنجا که عاشق و معسوق در يك کار سرک دارند، این عسق هم در عاشق ایجاد می شود و هم در معسوق. به عبارت دیگر، در این لحظه عاشق معسوق است و معسوق عاشق.

در لحظه ای که چشم خسرو به جسم سیرین می افتد همین حال در هر دو بدید می آید. خسرو به کمال نظر می رسد و دل او پذیرای تخم عشق می گردد. در عین حال، سیرین نیز از برتو

نظری که به چشم خسرو می افکند گرفتار عشق او می شود. نگاه اولین نگاه مستقیم و بی واسطه سیرین به خسرو است. بیس از این مراحل از مراحل نظر را بیموده، و اوصاف خسرو را از راه تصاویری که ساور برایش کسیده است اما نظر کامل و بی واسطه به روی خسرو و بخصوص به زمانی دست می دهد که خود حجاب گیسو را به کنار می زند خود را به خسرو می نماید. بنابراین، سیرین که تا این لحظه نفس معسوق را داشت، خود نفس عاشق را هم پیدا، خسرو نیز که تا این لحظه فقط در نفس عاشق بود، نفس را هم پیدا می کند. به همین جهت است که نظامی از ایر هر دو معسوفند، آنها را گل می خواند و از این حیث عاسفند آنها را مبتلای ریح و سختی عشق معرفی می

دو گل بین کز دو حسمه خار دیدند

دو تسنه کز دو آب آزار دیدند

هم آن را روز اول حسمه زد راه

هم این را حسمه ای افتاد در راه

همانگونه که حسمه راه خسرو را زده است، بی حسمه دیدار به حاه عسق فرو افتاده است. نظامی در اردستان سعی می کند که دوگانگی نفس سیرین و حسمه برجسته نماید و، به خلاف ساعران دیگر که معمولاً از نفسها را به احتمال برقرار می کنند، حیدین بار حسمه عاسفی می سازند و سیرین را در مقام معسوفی و باز مقام معسوفی و سیرین را در مقام عاسفی، از همان ایت وارد صحنه می سود. نفس عاسفی را دارد که خود در معسوق است. پس از آن، ساعر نفس معسوق را به او را به حسمه می برد. در همین حال هم باز ساعر به او اشاره می کند. نظامی خواننده را به عمق ضمیر و احساس او را به وی نشان می دهد. سیرین گرچه مواظب است که مبادا جسم کسی به وی بیفتد، در گویی می داند که حادثه ای برایش بیس خواهد آ،

مگر دانسته بود از بیس دیدن

که مهمانی نوس خواهد رسیدن

در آب حسمه سار آن سکر ناب

ز بهر میهمان می ساخت جلال

این میهمان، همان طور که ملاحظه کردیم، می رسد و انتظار سیرین بر آورده می شود. پس از آن چشم خسرو می افتد، حقیقت عاسفی در وجود او وقتی از آب بیرون می آید صرفاً معسوق نیست. حیات شده و دلش به عسق زنده گشته است. نظامی به وصف حالات او در بیرون از حسمه می

باف بدن او، یا از ظاهر او سخن نمی گوید. او را باطن سرین و  
 ب درونی او سخن می گوید، چه سرین در اینجا عاشق  
 ب پس خود حدس می زند که شاید این شخص جان  
 بوی باشد که او را جستجو می کرده است.

حسابی کرد تا خود کاین جوانمرد  
 که رد بر گردن خون حرح ناورد  
 سنگف آید مرا گر یار من نیست  
 دلم خون برد اگر دلدار من نیست

ن در راه به این فکر می افتد که برگردد و او را سؤال کند، ولی  
 هور رود است

مرا نه کرد درون برده بند  
 که بر بی بردگان گردی نسیم  
 هور از برده بیرون نیست این کار  
 ز برده خون بیرون ایم سکار

در نظر اول، کار هور در برده است خسرو و سرین از هور  
 بگر مطلع نیستند در همه مراحل، معرفت خسرو و سرین به  
 بگر همراه ظن است و این ظن زمانی به نفس مندل می شود و  
 از برده بیرون می افتد که انسان بار دیگر، و این بار در سکارگاه،  
 بم برسد

وصف حال سرین با اسباب فوق حاتم می یابد نظر اول کار  
 در آورده و عسقی در دل سرین و خسرو حای گرفته است  
 لب نظامی نیز درباره نظر اول به همس حای حاتم می یابد. تا  
 این دیگر کاری ندارد. او را بر است می یابد<sup>۱۹</sup> و در يك لحظه  
 محبه بیرون می برد و بدن ترتیب خسرو را با اندوه عسقی بها  
 گذارد.

پیه

۱ در داستان سیح صمان در منطق الطیر نیز سیح وقتی به دختر برسان می رسد،  
 بر ترسانست که خود برفع از روی می گساید تا سیح صمان بتواند به او نظر  
 بند

دختر ترسانا خو برفع برگرفت

بند بند سیح آنس درگرفت

خون نمودار ریر برفع روی خویش

سب صد رنارس از يك سوی خویش

(منطق الطیر عطار، به تصحیح صادی گوهر بن، بهران، ص ۶۹)

لی و محبون نظامی نیز وقتی محبون به برد لیلی می رود، دختر جوان در عمارت  
 نشسته و خود به دست خویش کله بند بار می کند و برفع می گساید

لیلی خو ستاره در عمارت

محبون خو فلك به پرده داری

لیلی کله بند بار کرده

محبون گله ها دراز کرده

(لیلی و محبون، به تصحیح وحید دستگردی، ص ۶۸)

متن ویس و رامین نیز هر چند که برده عمارت به دست ویس کار کرده نمی شود،

تا این حال رامین در این کار نفسی ندارد

۱۸) امیر خسرو دهلوی نیز که خسرو و سرین را در داستان خود در محلی غیر از  
 حاتم است به هم می رساند، همین معنی را در مورد نخستین دیدار ایشان ذکر کرده  
 است

فصا را اتفاق بحث قابل  
 مه و حورسید تا هم بند مقابل  
 برابر جسم بر جسم ایستادند  
 نظر در دیده روبرو نهادند  
 سدید از سر یکدیگر سانه  
 که بود اماح داری در مانه

(سرین و خسرو امیر خسرو دهلوی، تصحیح علی یف، مسکو، ۱۹۶۲، ص ۶)  
 فردوسی نیز در داستان سرین و حاتم نخستین دیدار را به همین صورت تصویر  
 کرده است همانطور که خسرو و سرین عاسق و معسوق یکدیگرند، سرین و میره  
 بر ناید عاسق و معسوق هم شوند، و لذا در اولین دیدار جسم ایشان به یکدیگر  
 می افتد تا قبل از این لحظه، سرین است که نفس عاسق را ایفا می کند اما همینکه  
 جسم هر دو به هم می افتد، فردوسی ناگهان جرحی در داستان ایجاد می کند و به  
 حای آنکه از سرین و حاتم عسقی او سخن گوید، از میره و عاسق شدن او در این  
 لحظه سخن می گوید و بدن برست کسی که تا این لحظه در نفس معسوق بود خود  
 در دام عسقی می افتد و نفس عاسق به او داده می شود

مسد خو از حتمه نردس نگاه  
 بدند از سبهی قد لسكر نگاه

به برده درون دخت بوسیده روی

بحوسد مهرش دثر بند نحوی

(شاهنامه، جات مسخو ح ۵، ص ۱۹)

اما در داستانهایی که معسوق در اولین دیدار نفس عاسق را بدانی کند، نگاه عاسق  
 و معسوق هم بر یکدیگر نمی افتد نمونه این قبل داستانهایی است که یوسف و  
 زلیخا است یوسف مظهر حسن است و معسوق است به عاسق عاسق زلیخا است و  
 لذا در روایت حامی وقتی زلیخا نخستین بار در هودج برده را کنار می راند و یوسف را  
 می بیند، شاعر هیچ اشاراتی به نگاه متقابل ایشان نمی کند

در خسرونامه مسعودی به عطار نیز کلامی و فی حسمین به هر می افتد، هر مرد  
 جواب است و شاعر فقط از عسقی گلرخ به هر سخن می گوید

فصا را گلرخ دلیر خو ماهی

به نام قصیر برسد خاستگاهی

به در برسد هر مرد حتمه

رمسی عقل رائل هوس رفته

خو گلرخ آن سمیر را حان دید

خو حاسن آمد بروی او جهان دید

ر غسفس انسی در حاسن افتاد

رخس از اسان صد هنگامه او ساخت

(خسرونامه به تصحیح احمد سهیلی، روار، بهران ۱۳۳۹، ص ۷-۵۶)

۱۹) است سرین که سدید نام دارد نمودگار روح است، چه روح مرکب عسقی  
 است احمد غزالی در سوانح (فصل اول)، به این نکته اشاره کرده است و فی  
 می گوید

تا عسقی روان بند از عدم مرکب ما

روست ز حراع وصل دایم سب ما

نست عسقی تا روح پس از نظر، یعنی پیش از آنکه نجم جمال در دل عاسق  
 کاشته شود، و پس از نظر متفاوت است احمد غزالی در این باره می نویسد «روح  
 خون از عدم به وجود آمد بر سر حد وجود عسقی منتظر مرکب روح بود در نبود وجود  
 بدانم، ما چه مزاج افتاد اگر ذات روح آمد صفت ذات عسقی آمد» (فصل اول)، پیاده  
 شدن سرین از است و سوار شدن مجدد او پس از دیدار نخستین احتمالا اشاره به  
 نقابتی است که، به قول غزالی، در فله عسقی دید می آید سرنگون شدن رامین از  
 است بر احتمالا اشاره به همین تحول است

# شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر

(۱)

دکتر علی اشرف صادقی

دستورنویسان استخراج کرده و در دسرس آبان متأسفانه بررسی علمی شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی معاصر هنوز در آغار راه خود است و داسمندان علمی از داستن بوسه‌هایی که اصول و قواعد و قواعد فارسی را به آنان عرضه دارد محروم اند. بدین سبب سد تا یادداستنهایی را که به مرور در این باره فراهم یک سلسله مقاله منتشر کند تا هم ابرار گویه‌ای بر رسته‌های مختلف علمی ناسد و هم با این کار بطر معرض داوری و نقد زبان سناسان و دسوریان و سد فرار دهد، تا با ارائه دیدگاهها و بسپهادهای خود بگ اسبابات او و تکمیل این یادداستها یاری دهند. این گفتارها را نگارنده با بحث ار استفاق ( زبان فارسی معاصر آغار می‌کند و در صدر آ واژه‌سازی ار افعال مرکب که در سالهای اخیر عقیم و غیررایا بودن زبان فارسی مورد حمله به فرار گرفته است گفتگو می‌کند

(۱) پسوند «-گر»

کسانی که ساخت و کاربرد این پسوند را در بررسی کرده‌اند برای آن از نظر ترکیب سدن ساخت و ار نظر رساندن معنی دو منظور یافته‌اند. ترکیب سدن «-گر» با پایه آن در فارسی قدیم

برخورد زبان فارسی با تمدن و علوم و تکنولوری جدید و ترجمه متون علمی از زبانهای غربی به این زبان که ار دهها سنال سس به این سو انجام گرفته و می‌گردد این زبان را در برابر مشکل سسار عظیم بیان مفاهیم علمی و فنی و فرهنگی جدید در قالب امکانات خود فرار داده است. کوسسهایی که مجامع رسمی واژه‌سازی مانند فرهنگستانها و سازمانها و گروههای عبررسمی و متخصصان رسته‌های مختلف علمی کرده‌اند، همه در جهت آماده کردن زبان فارسی برای به عهده گرفتن این وظیفه حطیر بوده است. بسیاری از واژه‌های مرکب و مسمی که امروز کاربرد همگانی یافته‌اند و برای آنها هیچ حاسسی متصور سست، مانند دانشگاه، دانشکده، بروهسکده، بروهسگر، استعمارگر، گردشگر، بازسازی و بطایر آنها همه ساخته این مجامع و متخصصان است. اما تعدادی از واژه‌های جدید مانند جهادگر، نسانگر، بریایی، ار سرگیری و جز آنها نیز به دسب درس خواندگانی ساخته سده است که مشخص به معنی دقیق کلمه نیستند. باره‌ای را نیز عموم مردم براساس ستم زبانی خود ساخته‌اند، مانند سیمان کار، ناستانی کار (در ورزش)، آهنچی، ورشوجی و غیره.

بی‌سك قسمت اعظم این واژه‌ها براساس قواعد واژه‌سازی زبان فارسی ساخته سده است، اما کسانی که آنها را ساخته‌اند غالباً از اطلاعات زبانی آگاهانه و غیرآگاهانه خود استفاده کرده‌اند نه ار قواعد تدوین یافته‌ای که زبان سناسان و

به اسم ذات افزوده می شده و غالباً معنی شعل و بیسه می داده، (داهنگر و مسگر؛ ۲) به اسم معنی (با ماده فعل و اسم مصدر و فعل مصدر و مصدر عربی که همه اسمند) افزوده می شد. معنی فاعلی می داده، مانند خوگر، دروگر، خواهسگر و غیره. دوری که این سوید برای آنها به کار می رفته عبارتند از: (۱) عه، مانند لابه گر، بررگر، نصحتگر؛ (۲) معنی فاعلی بدون عه، مانند خواهسگر (= خواهده، سفیع)، تفاضاگر (= خواهسمند)، حاره گر (= حاره جو)، نمازگر (= نمازگزار) - سعار، بروهسی در دستور فارسی، ص ۳-۱۷۲ و بررک و دیگران، دستور زبان فارسی، ج ۱، ص ۴۸، ۵۰ و ۵۱) سعار در دنباله مطالب مذکور می نویسد در منهای کهن بها برکت دیده شده که بیرون از این فاعده است و آن واره سگر است که سوید «گر» در آن به صفت ملحق شده، بکه در سعار ریر از مولوی.

گرچه تفسیر زبان روسگر است

لک عشق بی زبان روسر است

سعار، همان، ص ۱۷۵ و ۲۲۵) وی سپس بر مبنای دلالت‌های فوق اظهار نظر می کند که دو ترکیب «سانگر» و «ماناگر» غلط است، زیرا سانگر از فعل «سان دادن» گرفته شده که جزء دوم آن را انداخته اند و حسن حدی رواسب و در مانگر سووند به کلمه «نمانان» که صفت است الحاق شده، حالیکه به حای آن باید گفت نمانسگر، زیرا بنای اسم معنی ب و الحاق «گر» به آن مطابق فاعده است سعار در زبان ب (ص [۲۳۷]) دیل عنوان «اسدراک» دو برکت «برورگر» و «دگر» را در متون قدیم و «ترگر» را در گفتار کنونی سی زبانان (تداول عامه) بر به ترکیب خلاف فاعده افزوده ب و در مورد برورگر اظهار عقیده کرده که احتمالاً محفوف بوری گر است.

اگر به موارد کاربرد این سوید در فارسی معاصر و حتی در قدیم دقیقتر نگاه کنیم، درمی یابیم که کاربرد این سوید تابع ده حاصی است که از نظر محققان نویسنده مانده است و یکی که خلاف فاعده به نظر می رسد دهفا تابع همس فاعده

محققان در اینکه «گر» دارای معنی فاعلی یعنی به معنی است با هم اختلافی ندارند. استعمال آن برای رساندن شعل و به سزایی از همین معنی است، چنانکه در کلمات بررگر، آهنگر، درودگر، کمانگر، لولاگر، کاسگر، کوره گر، سیه گر و غیره دیده می شود. استفاق آن بر این معنی را می کند، زیرا «گر» از فعل «کردن» گرفته شده و در زبانهای ایران تلفظ آن kar بوده است، منتهی در مورد معنی آن این

نکته را باید توضیح داد که «گر» در این کاربرد به معنی سازنده و تهیه کننده و درست کننده سنی یا انشائی است که از مصداق خارجی اسمی که «گر» به آنها الحاق شده است ساخته می شوند. مثلاً آهنگر یعنی سازنده آسانی که از آهن ساخته می شود و یا «اهنجی» که به معنی آهن فروش است، یا با «آهنکار» فرق دارد فعل «کردن» بر در بهلوی و فارسی قدیم به معنی ساحن به کار می رفته است

نکته دیگر آنکه «گر» در این معنی دیگر در فارسی معاصر فعال و رانا نسب و اسم حدیدی با آن ساخته نمی شود. حتی برخی اسمهایی که در قدیم با آن ساخته شده بوده اند امروز متروک شده اند و به حای آنها از کلماتی استفاده می شود که با ماده مضارع افعالی مانند «ساختن» و نظائر آنها ساخته می شوند. مثلاً به حای حر مگر (دباغ) و فلفلگر که در فارسی قدیم متداول بوده اند، امروز حر مسار و فلفل سار به کار می رود. همچنین در کنار «سیسه گر» از «سیسه بر» استفاده می شود در تأیید این ادعا تعدادی از رایج تر کلمات فارسی امروز را که می توانستند با «گر» ساخته سوید ولی با ماده های مضارع افعال ساخته شده اند در اینجا نقل می کنیم

با فعل «ساحن». آئینه سار، آهنگ سار، بخاری سار، حلدسار، حراع ساز، حنی سار، حلی سار، داروسار، دندان ساز، دوحرحه سار، رادبوسار، ساعت سار، سماورسار، مسدلی ساز، صندوق سار، فاب سار، فعل سار، کاسی ساز، کولر ساز، کراورسار، مبل سار، محسمه سار، منج سار و غیره

با فعل «دوختن». بالان دوز، بوتین دور، بیراه دور، بیه دور، حادر دور، سلوار دور، عبادور، کفش دور، کفن دور، کلاه دور، لباس دور، برای دور و غیره.

با فعل «نافتن». نارحه ناف، نوری ناف، حاجم ناف، حوراب ناف، حصیر ناف، دری ناف، رسیل ناف، سال ناف، سعار ناف، فرس ناف، کامو ناف، گلم ناف و غیره

با فعل «نختن». آحر بر، آس بر، آهک بر، حلیم بر، خسکه بز، سیر سی بر، صابون بر، فری بر، کاسی بر، گچ بز، لوانش بر و غیره. تنها کلمه ای که در زبان ما با «گر» ساخته شده و شعل را می رساند «رفتگر» است که آن هم در فرهنگستان اول و به بنای ما بررگر و درودگر و ررگر و آهنگر ساخته شده است، اما چنانکه دیلا شرح خواهیم داد، «گر» در اینجا به معنی «کنده» است و «رُف» اسم مصدر از «رُفتن» و «رُفتگر» یعنی احام دهنده عمل رُفتن و با به بیان ساده تر «رویده». کلمه «سیماگر» به معنی متخصص سیما و فیلم نیز که در سالهای اخیر گاهی شنیده می شود به همین قیاس ساخته شده و غلط است

اما کاربرد دیگر «گر» که در فارسی معاصر بسیار فعال شده

این جزء صفت است. جزء اول فعل «روسن کردن» است. بنابراین «روسنگر» و نیز نمایانگر به هیج وجه مخالف نیست و طبعی الگوی مذکور در بالا ساخته شده است. با آنکه گفته شد ساختن اسم فاعل این افعال با سوز حبه قیاسی دارد اما نباید تصور کرد که از هر فعل مرکب «کردن» ساخته شده می توان به کمک «-گر» اسم فاعل از این مورد محدودی هست که نباید ناگفته از آن گذشته فعلهای مرکبی که با «کردن» ساخته می شوند یکسار در يك دسته از این افعال، جزء اسمی فعل مرکب اسم اصل مفعول جزء فعلی سمرده می شده است، مانند: ستم کردن، غارت کردن و غیره. از این افعال است که می توان به کمک «-گر» اسم فاعل ساخت. در دسته افعال، جزء اول صفت است و در حقیقت مسند است سمرده می شود که در صورت صرف شدن فعل، ظاهر میلا در جمله های «مطلب روشن شد» و «مطلب را روشن» «روسن» مسند واره «مطلب» سمرده می شود. از این می توان به کمک «-گر» اسم فاعل ساخت. اما اسم «کردن» فعل «مرکب» می سازند همسۀ مفعول آن است افعال «گوس کردن» و «مسب کردن» جنس رابطه ای و از اینگونه افعال هیچگاه نمی توان به کمک «-گر» صاحب، اما از افعالی مانند استخدا کردن، درخوا حف و میل کردن، بلافی کردن، تألف کردن، اند کوسس کردن و غیره، می توان به قیاس، اسم فاعلها «-گر» ساخت، هر چند تاکنون ساخته نشده است استفاده از «سود» «-گر» به این منظور منحصر به نیست و در متون قدیم بر سواهد فراوان دارد. مد سواهد آنها همه از لغت نامه دهخدا، مدخل «گر» همس ترکبات، اسحراح شده است.

بارنگر

حو هندوی بارنگر گرم حیز  
معلی ریان هندوی تمع تنز (نظامی)

بیدادگر

حنك رور محسر تن دادگر  
که جسم حدایی است بیدادگر (سا)

تماشاگر

تماشاگران باع بگداستند  
مغان از حمن رخت برداستند (نظ

پرستشگر:

ترا دست و پای آن پرستشگرند  
که تا نگذری از تو در بگذرند (نظ

است استعمال آن در معنی «کننده» است. کلماتی که «-گر» در آنها در این معنی به کار رفته است دلالت بر حرفه و شغل ندارند، بلکه نقش «-گر» در اینجا ساختن اسم فاعل از فعلهای مرکبی است که جزء فعلی یا همکرد آنها فعل «کردن» است در زبان معاصر اسم فاعل بسیاری از اسگو به افعال به طور قیاسی با «-گر» ساخته می شود، بدون اینکه در متون فارسی قدیم بتوان سواهدی برای آنها یافت، چنانکه در مثالهای زیر نمونه آنها را می توان دید:

آسوبگر > آسوب کردن

آغارگر > آغار کردن

احیاگر > احیا کردن

احلالگر > احلال کردن

استعمارگر > استعمار کردن

اسعالگر > اسعال کردن

ایارگر > ایار کردن

سایگر > سان کردن

سمه گر > بسمه کردن

برحاسگر > برحاس کردن

بروهسگر > بروهس کردن

بحاوزگر > تجاور کردن

نلاسگر > نلاس کردن

خلوه گر > جلوه کردن

جهادگر > جهاد کردن

حابگر > حاب کردن

حماولگر > حماول کردن

حسابگر > حساب کردن

سرکوبگر > سرکوب کردن

عارنگر > عارب کردن

گزارسگر > گزارس کردن

نمایانگر > نمایان کردن

گفتن ندارد که جزء اول اینگونه افعال هم می تواند اسم باشد و هم صفت. بیستر نمونه های بالا افعالی هستند که جزء اول آنها اسم است، اما در «نمایان کردن» که «نمایانگر» از آن ساخته شده

نرمی می‌سازد که با «-گر» ساخته شده اما فعل مرکبی که این مرکب از آن گرفته شده با همکرد «دادن» ساخته شده و آن برکب «نمایسگر» به معنی نمایش دهنده و هر سینه است که در لغت نامه سر صیغه شده است و خود این دو برکب ظاهراً نشان دهنده این امر است که «-گر» در حال سرایت به بعضی افعال مرکبی است که به حای «کردن» با همکرد «دادن» ساخته شده‌اند. علت این امر ظاهراً این است که «دادن» در افعالی مانند نشان دادن، نمایش دادن و حراینها معنی لغوی خود را از دست داده و به اراری دستور برای ساختن افعال مرکب بدل شده است. در افعال تعلیم دادن، ارار دادن، اوار دادن، حر دادن، تکیه دادن، نام دادن، سلام دادن، جواب دادن، گل دادن، میوه دادن، ارائه دادن و غیره نیز فعل دادن به معنی اصلی خود به کار برفته، بلکه تقریباً به معنی «کردن، انجام دادن و اتحاد کردن» استعمال شده است و به همین جهت به حای آنها در زبان قدیم و معاصر سقوط تعلیم کردن، ارار کردن و ارائه کردن به کار رفته و می‌رود. بنابراین اگر روری بوسیده‌ای به حای آرا دهنده، اوار دهنده و حیرگر استفاده، از برکبات غیر موجود ارارگر، اوارگر و حیرگر استفاده کند کاری در جهت خلاف سم‌رانی خود انجام نداده است. بصادقاً در متون قدیم به تنها تعلیم کردن فراوان به کار رفته بلکه به گواهی لغت نامه «تعلیم کر» نیز استعمال شده است.

استعمال سوید «-گر» در این معنی، خاص زبان درس خواندگان و عمدتاً زبان بوستار است. عامه کم‌سواد و بی‌سواد هیچگاه از این سوید در این معنی استفاده نمی‌کنند و کلمانی مانند حساگر و اسعالگر در زبان آنان از زبان درس خواندگان به فرص گرفته شده است.

## ۲) پسوند «-کار»

به نظر دکر معنی این سوید دارای دو نفس است (۱) به اسم معنی ملحق می‌شود و صغه مبالعه می‌سازد، مانند ستمکار، فراموسکار، گناهکار و مسامحه‌کار؛ (۲) به اسم داب و اسم معنی ملحق می‌شود و صغه فعل می‌سازد، مانند اهیکار، آسکار و خدمتکار (فرهنگ فارسی، ذیل «کار»). به نظر دهخدا کار دارای سه معنی است (۱) معنی عمل، مانند ناکار، ستمکار، دستکار و سکار؛ (۲) معنی عامل (که فعل او مبالعه را می‌رساند)، مانند اسکار، استادکار، خدمتکار، سپاهکار، گناهکار و مددکار؛ (۳) در معنی راز و عارس اکاریده، مانند حوکار، سروکار، سوی کار، گل کار (لغت نامه، ذیل «کار»).

در این که «-کار» مبالعه در عمل و فعل و حرفه را می‌رساند تردیدی نیست و دلالت آن بر فعل و حرفه همان معنی مبالعه است، اما برکیاتی که با «کار» ساخته شده‌اند علاوه بر این دو

جاردگر

حسن گفت حون مدت آمد به سر  
نساند سدن مرگ را حاره کر (بطامی)

حمله‌گر

حب عقل است این چه عقل ای حمله‌گر  
با ضعیفی ره برد ایجا مگر (مولوی)

سناستگر

سجوران و سناستگران کسی را  
همی نگردد حر بر مدح حواحه زبان (فرحی)

سمگر

ساره دل از داد برداسه  
سمگر سده، داد نکداسه (بطامی)

دعاگر

بر بو زبان اهل زمانه دعاگر است  
خود و سخای بو خو به اهل زمان رسد (سوربی)

سفاعتگر

سمبر کسی را سفاعتگر است  
که در حاده سرعت سمبر است (سعدی)

صیحتگر

بر نصحتگر دل سینه می‌باید گفت  
بر وای حواحه که این درد به درمان برود (سعدی)

وفاگر

همه عالم آگهی شد که حقانکس بوام  
سم از دل بو آگه که وفاگر می (خاقانی)

وبراگر

ای حنک آن را کریں ملک بحسب  
که احل این ملک را وبراگر است (مولوی)  
حد سالی است که بعضی از معاصران ما به حای ترکب مان دهنده» از کلمه «سناستگر» استفاده می‌کنند، اما ما اعتراض وروبوسان رو برو شده‌اند، زیرا به نظر ایان سناستگر «بدین استغافی عامیانه است از فعل نشان دادن که همکرد آن را ختنداد و حین حدفی روا بست» (سعار، همانجا، ص ۱۷۵). سناستگر در این مورد تنها نیست و نگارنده یک کلمه دیگر را

می‌توان به «کسی که کار او ستم [کردن] است» معنی کرد را معادل ستمگر (ستم‌کننده) دانست. «کار» در این دسته از حالتی بین شوند و کلمه مستعمل دارد و بطور قطع نمی‌تواند به این یا آن معوله وابسته دانست. بنابراین کلمات ساحه «کار» را به صورت زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

الف) ترکیباتی که «-کار» را در آنها باید بسوید به ترکیبات از افعال مرکبی گرفته شده‌اند که همگردد آ «کردن» است. «-کار» در این ترکیبات معادل «-گر» در است که آنها نیز از افعال مرکب ساخته شده با «کرد» شده‌اند. مثالهای زیر از این دسته‌اند.

- اهمال کار > اهمال کردن
- حقاکار > حقا کردن
- مسامحه کار > مسامحه کردن
- ریان کار > ریان کردن
- مددکار > مدد کردن
- کمک کار > کمک کردن
- نحاورکار > نحاور کردن
- توبه کار > توبه کردن
- خرانکار > خراب = تخریب کردن
- گناهکار > گناه کردن
- سازس کار > سازس کردن
- حساب کار > حساب کردن
- حمای کار > حمایت کردن
- ستمکار > ستم کردن
- فراموس کار > فراموس کردن

در ترکیبات بالا «-کار» به‌حای «کننده» به‌کار در ترکیب «نحر به‌کار» که به‌معنی محرب، کار آرموده که کارها را تجربه کرده است، «-کار» دهفا مع نسبت، بلکه به‌معنی کسی است که در زمان گذشت بعضی از این ترکیبات مانند فراموسکار و جر می‌سارند.

ب) در دسته دیگری از این ترکیبات، حساب که به‌معنی عمل است و اسم محسوب می‌شود این ترکیبات ملکی یا bahuvrīhi (ترکیباتی مانند «بلند دارنده قد بلند است») هستند و به دو دسته تقسیم می‌شوند. یک- ترکیباتی که جزء اول آنها اسم است، و در ترکیب، مقاطعه‌کار، بیمان کار (سمان را در ترج برده‌اند)، گنج کار، اسفال کار، سیمان کار، تعم عیره. ترکیباتی که با صفتیایی که به جای اسم ساخته شده‌اند نیز در اینجا قرار می‌گیرند، ما

معنی، معناهای دیگری را بر می‌رسانند. افرو بر این آنجه در مورد این ترکیبات باید بررسی گردد یکی رابطه دو جزء ترکیب است، دیگر وضع دستور خود کلمه «-کار» برای روشن شدن معانی «-کار» و رابطه دو جزء این ترکیبات بهر است ابتدا وضعیت دستوری این جزء را بررسی کنیم

تمام محققانی که این جزء را بررسی کرده‌اند در سوید بودن آن متفق‌القولند. سویدها و بطور کلی ویدها عناصری هستند که به تهبایی کاربرد ندارند و تنها در ترکیب با کلمات دیگری که بابه آنها سمرده می‌شوند استعمال می‌شوند. مثلا سوید «-گار» تنها در ترکیب با ناهای «آمور»، «برورد» و عیره در کلمات آمورگار، بروردگار و حر آن به‌کار می‌رود اگر کلمه «-کار» در این ترکیبات مسفلا و با همین معنی یا معانی در زبان به‌کار نرود بردیدی در سوید بودن آن نیست، اما اگر معنی این کلمه در ترکیبات، با معنی آن به‌عنوان يك واژه مستعمل تفاوتی نداشته باشد به هیچ روی نمی‌توان آن را سوید به‌شمار آورد

دفع در باره‌ای از ترکیبات ساحه شده با «-کار» نشان می‌دهد که «-کار» در این ترکیبات با «کار» به‌معنی عمل و به‌عنوان اسم دستوری تفاوتی ندارد با تفاوت محسوسی بین آنها دیده نمی‌شود. مثلا دو ترکیب «گنج کار» و «ورزسکار» را در نظر بگیریم این دو ترکیب یعنی «کسی که کار با سعل او گنج اندود کردن» است و «کسی که کار او ورزس است» هم‌حس است. ترکیبات «رستکار»، «سندیده کار»، «حام کار»، «به‌کار» و بعضی ترکیبات دیگر. بنابراین لاهل يك دسته از کلمات ساحه شده با «-کار» از معوله کلمات مرکب است و با کلمات مسقی (ساحه شده از ناه و وید) ارتباطی ندارد با این همه در تعداد دیگری از این ترکیبات یکی داشتن جزء دوم آنها یعنی «-کار» با «کار» به‌معنی عمل و به‌عنوان اسم ممکن نیست. «بدهکار» و «طلبکار» و حر آنها از این قبیل هستند. «-کار» در این کلمات با «کار» به‌معنی عمل یکی نیست و نمی‌توان آنها را به «کسی که کار او بده است» یا «کسی که کار او طلب است» معنی کرد. «-کار» در این کلمات بی‌سك سوید است. در دسته دیگری از کلمات ساخته شده با «-کار» هر دو تعبیر ممکن است، یعنی هم می‌توان «کار» را در آنجا به همان معنی عمل گرفت و هم می‌توان آن را سوید سمرد. مثلا کلمه «ستمکار» را هم



ج) بعضی از ترکیبات دسته «الف» را می توان با توجیهی که برای ترکیبات دسته «ب» به دست داده شد نیز تعبیر کرد. مثلاً می توان حنایب کار، خیاب کار و ستم کار را به «کسی که کارش جنابت است»، الی آخر تعبیر کرد و از چنین عبارتهایی مستق داسب

د) در چهار ترکیب «طلب کار، بدهکار، بستان کار و بخواه کار» ظاهراً «کار» فاعل بودن را می رساند. طلب کاری یعنی دارنده طلب یا خواهنده، بدهکار یعنی دهنده (مفروض)، بستان کار یعنی ستانده و بخواه کار یعنی خواهنده (دارای طلب).

ه) بعضی از ترکیبات ساخته شده با «کار» از عبارتهایی مستق شده اند که «کار» در آنها اسم مصدر یا بخشی از يك فعل مرکب است اما جزء اول ترکیب متمم آن سمرده می شود. مثلاً «ست کار» از عبارت «کسی که در ست کار می کند» گرفته شده که «ست» در آن متمم رمایی فعل «کار کردن» است. بنح ترکیب زیر را بیاورد از این دسته سمرده:

خرکار > کسی که میل خر (بسیار) کار می کند  
آهسته کار > کسی که آهسته کار می کند  
درسکار > کسی که درس کار می کند  
تاره کار > کسی که تاره کار کرده است یا تاره کاری را شروع کرده است  
سپهان کار > کسی که سپهانی کار می کند.

کاربرد «کار» در ترکیبات سد «ب» بویژه در ترکیبات دال بر سعل و حرفه در زبان عامه فراوان دیده می شود و بعضی از این ترکیبات مانند صافکار، گنج کار و غیره خود ساخته دست آمان است استعمال «کار» در ترکیبات بد «الف» و «ب» تا حدی ریده و فعال است

### ۳) پسوند «-چی»

اس پسوند که از ترکی گرفته شده اصلاً سفل و تصدی را می رساند، چنانکه در کلمات حوراحی، خراغچی، حریرچی، سالچی، درسگه چی و غیره می توان دید، اما آنچه در این گفتار مراد ما است اس کاربرد آن بسبب کاربرد دیگر «-چی» که در اسحا مورد نظر است استعمال آن در معنای «کننده» است. «-چی» در زبان یکی دو قرن اخیر در ناره ای از ترکیبات دهفاً معادل «-کر» استعمال شده است و کلماتی که «-چی» در این معنی در آنها به کار رفته از افعال مرکبی که با «کردن» ساخته شده اند گرفته شده اند برخی از این ترکیبات عبارتند از:

اوراچی > اورای کردن  
تماساچی > تماسا کردن  
حابچی > حاب کردن

ی که کار او ورزش باستانی است).

دو - ترکیباتی که جزء اول آنها صفت است، مانند رستکار، بده کار، حامکار، سه کار و خلاف کار (خلاف در اینجا صفت است نه اسم)

س ترکیبات را به دو صورت می توان تعبیر کرد یکی اس که دوم آنها در اصل مضاف یا موصوف جزء اول بوده و مجموع ده جزء مضاف الیه مضافی محدود مانند کلمه «دارنده» مار می رفته است مثلاً ورزشکار و سسندیده کار اسدا کار س (اضافه بانی یا توصیحی) و کار سسندیده (موصوف و موصوفه) بوده است که مضاف آنها یعنی کلمه «دارنده» حذف شده است. دارنده کار ورزش تعبیر دوم این است که آنها را از بهای «کسی که کار او ورزش است» و «کسی که کار او دیده است» مستق بداسم و البته این تعبیر معقول تر به نظر

ترکیبات «براسکار» و «خوسکار» را بیاورد نه اس دسته معلوم. براین می توان آنها را از عبارتهای «کسی که کار او تراس (تراس دادن) است» و «کسی که کار او خوس (=خوس دادن) است» مستق داسب

در ترکیبات «گنج کار، سیمان کار، آهن کار، صاف کار» و غیره اول را باید بخشی از يك اسم مصدر یا فعل مرکب داسب که می از آن حذف شده است مثلاً «گنج» بافی مانده «گنج اندودن» یا «گنج کاری»، «سیمان» بافی مانده «سیمان اندودن» یا «سیمان کاری»، «آهن» بافی مانده «نصب آهن»، «سیمان» بافی مانده «سیمان ستن» یا «سیمان کاری» و «صاف» بافی مانده «صاف کاری» یا «صاف کاری» است در این صورت تعبیر اس ترکیبات بر بر خواهد بود کسی که کارش گنج اندودن یا گنج کاری الی آخر.

سه ترکیب «کاسب کار» و «سوارکار» و «نکوکار» کلمات «ب» و «سوار» و «نکو» ظاهراً به جای «سواری» و «کاسی» و «ن» به کار رفته اند.

ترکیباتی که سفل و حرفه را می رساند از این دسته اند و از توحیهات بالا به دست می آید جزء اول همه آنها اسم مصدر است. در معنی این ترکیبات طبعاً مبالغه وجود دارد.

شکارچی	> سکار کردن
چپاولچی	> جپاول کردن
کنتراتچی	> کنترات کردن
کنترلچی	> کنترل کردن
کودتاجی	> کودتا کردن
هوچی	> هو کردن

معدودی از این ترکیبات از افعال مرکبی گرفته شده‌اند که همکرد آنها فعلی غیر از «کردن» است. مثلاً «جارچی» از «جارزدن» گرفته شده که همکرد آن «زدن» است، اما باید توجه داشت که «زدن» در اینجا تقریباً معادل «کردن» است، چنانکه در تلفن زدن «تلفن کردن» دیده می‌شود. «راپرت‌چی» که سابقاً به معنی گزارش‌دهنده و گزارشگر به کار می‌رفت نیز از فعل «راپرت دادن» گرفته شده که امروزه جای آن «گزارش کردن» به کار می‌رود. چنانکه می‌بینیم در اینجا نیز همکرد فعل مرکب

راپرت دادن، فعل «دادن» است نه «کردن».

«-چی» در این کاربرد فصیح نیست و ادباً از به کار آگاه دارند. به همین جهت به جای تماساچی دو سق ت تماسپایی را پیشنهاد کرده‌اند که در متون قدیم نیز به کار به جای حاسچی نیز «چانگر» پیشنهاد شده و یکی از نو به جای اوراچی، اوراگر به کار برده است (رك. نشر دا ۹، س ۲، بهمن و اسفند ۱۳۶۷، ص ۵۹). به جای ح جیوچی) نیز مدتها است که چپاولگر متداول شد به جای سکارچی هم گاهی در قدیم، سکارگر و صید سده است (رك. لغت نامه \*). «-چی» در این معنی را نیست.

«-چی» برای رساندن نسبت نیز به کار می‌رود (در باره بعضی سوندهای نسبت در فارسی معاصر»، د محمد بروین گنابادی، ص ۵-۲۵۴).

ترکی مفتش از فارسی است. به احتمال قریب به یقین نادرست

حاشیه:

\* دهخدا در لغت نامه می‌نویسد «چی در ترکی سوید فعلی است و دارنده و متصدی معنی می‌دهد. چون در آخر کلمه در آید به معنی «گر» و «کار» فارسی باشد و گویا همان است که مادر گواچی و مناجی داریم و برکان میرا ما گرفته‌اند» وی سپس تعداد زیادی مثال نقل کرده که ما «-چی» ساخته شده‌اند در اینکه «-چی» به معنی متصدی و دارنده است تردیدی نیست، اما در مثالهایی که در لغت نامه آمده به ندرت مثالی می‌توان پیدا کرد که به جای آن «-گر» یا «-کار» گذاشت مثلاً به جای کلمات «نسجی، بنگچی، تلفنچی، بوتونیچی، جوراچی، حرکچی» و بیشتر مثالهای دیگر او به هیچ وجه نمی‌توان بستگر (سستکار)، بنگ‌گر و غیره گذاشت مسلماً مراد دهخدا از «گر» آن معنی آن که در این مقاله از آن بحث شد نیست زیرا وی آن را سبب بداده است قسمت بعدی نوشته او نیز که «-چی» در

مأخذ

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه
- سگار، جعفر، بروی در دستور فارسی، تهران، دانشگاه تر (۱۳۵۵)
- صادقی، علی اسرف، «در باره بعضی سوندهای نسبت در حسن نامه محمد بروین گنابادی، تهران، طوس، [۱۳۵۴] ص
- قرب، عبدالعظیم و دیگران، دستور زبان فارسی، براء درستانها، تهران، بدون تاریخ
- معین، محمد، فرهنگ فارسی

بنده خاک‌شینان ره می‌سکده‌ام

گنبد همتیش ملک یلما ابا جلیش

کتابخانه و موزه اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

# کهنترین متن ترجمه شده از زبان فرانسه به زبان فارسی

ع روح بخشان

کنواسیون ملی، که جای «مجلس انقلابی» یا مجلس اول را گرفت و «نخستین جمهوری» فرانسه را نشان گذاشت، از همان آغاز با دسواریهایی دست به گریبان بود که خود را بی روسپیر و سر برداشتن سلطنت طلبان از آن حمله بود یکی از راههای مقابله با توطئه‌های دشمنان و جلب توجه مردم به حکومت مرکزی و آرام نگاهداشتن ایسان، هشدار دادن به مردم در باب آن توطئه‌ها و دعوت آنان به یگانگی و یکپارچگی و حمایت از جمهوری بود و بیانه کنواسیون خطاب به ملت نیز به همین منظور صادر شد. این بیانه در هجدهم «وانده می‌یر»، اولس ماه (ار سال سوم) تقویم جمهوری که با اعتدال خریفی (ابتدای مایر) آغاز می‌شود، تنظیم شده و در ۲۸ برومر، دومین ماه تقویم جمهوری، در باریس انتشار یافته و، همانکه در مایان آن حکم شده بوده، به زبانهای دیگر از جمله فارسی<sup>۲</sup> ترجمه شده است

همچنانکه در صفحه اول متن فراسوی فید شده است، ترجمه فارسی به دست شخصی به نام روفس (Ruffin) انجام گرفته است که «مسی و مترحم زبانهای سرفی» در دستگاه دولت بوده است و جر این آگاهی دیگری از او در دست نداریم چرا اینکه، همانکه از متن برمی‌آید، واقعاً به زبانهای سرفی کمابیس آگاه بوده و فارسی و ترکی و مخصوصاً عربی می‌دانسته است در عین حال، از آنجه در دایره المعارف اسلام (۱۳۱/۷ و ۱۳۲ دیل Mirza Ahmad Khan) نوشته شده است برمی‌آید، یک هندی به نام میرزا احمدخان در کار ترجمه نه او کمک می‌کرده است.

میرزا احمدخان، فرزند نواب معررخان، از نجیب‌رادگان مسلمان بهاروج در ایالت گجرات بود فرمانروای بمبئی، به تحریک و همدستی انگلیسیها، حکومت معررخان را در سال ۱۷۷۲ برانداخت و قلمرو او را صمیمه سرزمین خود کرد. چهار فرزندش، برای سکایت از ستمی که بر آنها رفته بود، به عزم انگلیس حرکت

در محرن نسخ خطی کتابخانه ملی باریس (به شماره ۱۰۰۴) یک سن فارسی در قطع بزرگ در سس صفحه موجود است که ترجمه بیانه کنواسیون ملی خطاب به ملت فرانسه است این متن را افای فرانسیس ریسار، رئیس محرن نسخ خطی کتابخانه ملی باریس بار یافته، ساسایی کرده و از راه لطف برای سرداس ارسال داده است فرانسیس ریسار تاکنون فهرست جامع نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه ملی باریس را فراهم آورده است که شامل سه جلد است و جلد اول آن در دو سال سس شتر سده است (سرداس، سال بهم، شماره سجم، مرداد و شهر یور ۱۳۶۸، ص ۷۳-۷۴)

انقلاب فرانسه که از آن با لقب کسر یاد می‌شود<sup>۱</sup> در سال ۱۷۸۹ م/ ۱۲۰۴ هـ و یعنی در اواسط سلطنت افامحمدخان قاجار روی داد و تا سال ۱۷۹۹ خریان داشت در این ده سال حوادث بسیار در فرانسه رخ داد و رهبری کشور حدیدار دست به دست گشت.

در اواخر تابستان ۱۷۹۲ انتخابات سراسری برای تشکیل «کنواسیون» که در زبان فارسی به «مجلس دوم» تعبیر شده است، انجام گرفت این مجلس از ۲۰ سستامبر ۱۷۹۲ (۳ صفر ۱۲۰۷) تا ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ (۱۲ ربیع الاخر ۱۲۱۰) رماد اداره امور کشور را بر دست داشت در این مدت، به تصویب کنواسیون، لویی شانزدهم زیر گیتین رفت؛ به دست روپشپیر، که گردانده اصلی حوادث بود، طرفداران تندرو ابر (Hebert) و هواداران میانه‌رو آنتون، که از عناصر عمده انقلاب بودند، از میان برداشته شدند و بابه دهمت روپشپیر همه جا را گرفت؛ اما سرانجام، خود او نیز در اسط تابستان ۱۷۹۴ بر بانی شد و دیری نباید که «کنواسیون می» هم تعطیل شد و جای خود را به حکومت «دیر کنوار» داد که آن با روی کار آمدن ناپلئون بناپارت پایان یافت.

کردند؛ اما در میان راه اسیر و زندانی فرمانروای بمبئی شدند. آنان پس از پنج ماه گریختند و به مسقط، بصره، بغداد و استانبول رفتند. دو تن از برادران در استانبول ماندگار شدند، اما دو برادر دیگر به مارسلی (فرانسه) رفتند و از آنجا رهسپار لیون و پاریس شدند. میرزا نوازش خان، برادر بزرگ، در لیون درگذشت و میرزا احمدخان، که تنها مانده بود و دیگر آهی در بساط نداشت، دسب به دامان مقامات لیون سد و نه کمک آنان خود را به پاریس رساند. البته چون زبان فرانسوی نمی دانست يك فرانسوی را، که اندکی فارسی آموخته بود، برای راهنمایی همراهش کردید.

وقتی که میرزا احمدخان در اواخر بهار به پاریس رسید، سهر در تب انقلاب می سوخت و همه چیز آشفته بود لذا او ناگزیر سد برای ادامه حیات به «کمیته نجات» متوسل گردد و حو این کمیته خود را «موظف می دید که نسبت به آن غریبه سراط مهمان نواری را به عمل آورد» از هیچ کمکی به او دریغ نکرد: نه کمیسر امور خارجه دستور داد ترتیبی بدهد تا اقامت میرزا احمدخان در پاریس خالی از ملال باشد و نه روفس حکم کرد که در خانه خود او بدریایی کند. هوسمندی، تربیت درست، خوش رفتاری، صداقت و درستکاری میرزا احمدخان سحت در میزباس مؤثر افتاد و نه سفارش او مبلغ مهرری ماهانه اس افرایش یافت البته در این احوال، میرزا احمدخان بیکار سست و ظرف سه ماه زبان فرانسه را فرا گرفت و نه سانه فدردانی از «جمهوری» اعلامیه حقوق سر را به فارسی ترجمه کرد که به دستور دانتون و روسسر به کتابخانه ملی تحویل داده شد؛ ریرا، نه تصور آنان، «فراسه آموختن يك مسلمان نشانه افتخار و بیروری فرهنگ فراسه بود». ان ترجمه نخستین ترجمه اعلامیه حقوق سر به یکی از زبانهای سرفی بوده است اما امروزه سایی از آن برحا سست.

میرزا احمدخان حندی در پاریس ماند. آنگاه به دادخواهی از شرکت هند سرفی به لندن رفت. سس از ان، از راه دریا، استانبول و بصره به هند بازگست اما، به محض آنکه نای در سرزمین خود نهاد، به جرم «فراسه دوسی» دستگیر و زندانی شد و دیگر خبری از او ناریامد.

\*

بر روی حلد این متن به فراسوی حسین آمده است: «خطایه کنواسیون ملی به ملت فراسه. ترجمه به فارسی توسط [کسیس] روهن، منسی و مترحم زبانهای سرفی، و مکتوب به دوربان توسط ساگرد او احمدخان هندی، در ورسای، ۲۸ ماه برومر از سال سوم جمهوری فراسه واحد و تحریریه ناندیر». اما گمان می رود که میرزا احمدخان فقط کاتب متن بوده و در ترجمه آن هم مسارکت داشته است. ریرا که علاوه بر آنکه متن اعلامیه حقوق سر را به فارسی در آورده بوده است سانه همکاری او با روهن در ترجمه این است که از برخی از اصطلاحها و عبارتهای متن نوی «فارسی هندوستانی» می آید که از آن جمله است: حیانت به سما خواستی بود، شما به جای خود، باز تحصیل کردن، سوك به جای سون،

•

مطابقت صفت با موصوف در جمع و مستفات فعل هشتن/۵

متن حاضر از جهات ریر در حور توجه است.

- ظاهراً و تا هنگامی که خلاف آن ناست نسود هدیتر

است که از فراسوی به فارسی در آمده است

- ترجمه به دسب افراد غیر ایرانی که فارسی را در

ایران آموخته بودند انجام گرفته است.

- متن ترجمه یکی از متون کمیاب و کم نظر فارسی

فرن سیزدهم هجری در بیرون از ایران است و لذا هم

تاریخ زبان و هم از جهت مطالعه تطبیقی آن اهمیت خا،

- این ترجمه سنان می دهد که زبان فارسی، همای ر،

در اواخر فرن هجدهم سلا دی یکی از زبانهای رایج جه

از هند تا پاریس بوده است.

- این ترجمه هم حسن حکایت از ان دارد که رهبر

فراسه حلب توجه ایرانیان و نه طور کلی فارسی زبانان

در سرزمینشان روی می داده مهم می سمرده اند

- سرانجام، لحن بیابیه آسکارا سانگر روحه

روزگار است، روحه ای که از آن سس در میان ۵

استعمارده نضج گرفت. بسیاری از کلمات و عبارات

بیابیه به کار رفته بعدها در طی انقلابهای مردم دیگر و

دیگر تکرار شده است و این سنان می دهد که سخی انه

یکی است هر چند که به زبانهای مختلف و در نقاط معد

\*

متن حاضر عساً مطابق متن اصلی است و سوا دی دسک

سیوه املائی تغییرری در آن داده نشده است. در ۵

ناساخته یا ناخواها وجود دارد به صورت «امکدا» که

و «کوسنده» گرفته شده است. ترجمه در ابتدا سسارد

بیمه کار صورت حب اللفطی دارد و در دو صفحه آ

ترجمه آزاد در آمده و مترحم یا مترحمان کلمات و

متن افروده اند. معادل فارسی برخی از کلمات هم دا،

آنها به خط فارسی ضبط شده است، مانند

(کنواسیون)، قومیه (کمیته)، دبارتمان، دسب

مُسیسِیالته (سهرداری)، سکسیون (سعبه)، آران نا،

دولت، هومن (کمون) ..

ترجمه امروزین آن نیز در حاسیه آمده است تا

همسجی فراهم آید.

## ترجمه

از طرف مجمع الملة المعروف به نام قونوانسیون ناسیونال  
به قوم فرانسه

در مجلس روز هشتدهم ماه و اندمیر سال سوم از تاریخ  
جمهور الواحد لاینقسم

بیانیه مجلس ملی دوم خطاب به  
ملت فرانسه

جلسه هیجدهم ماه و اندمیر، سال سوم جمهوری واحد  
تجزیه ناپذیر

فراسویان!

در نحوچه بیروربهایتان در اندیشه هلاک شما هسند تی چند  
ار فاسدان براسد نا گور ارادی را در دل حاک فرانسه بکنند ..  
حاموسی ما حیایب به سماسب و مقدسترین وطیقه ما این اسب  
که شما را از خطرهایی که در میانان گرفته اند بیگاهاییم  
خطرناکترین دسمنان شما این دلان مطلقه استنداد که  
شما به سرکوب اتان خو گرفته اید بیسند، بلکه ایادی مکار  
انامد که به جمع شما بیوسته اند و با عذر و افراناستقلال شما  
در سکارید

مراب حوران حیایب روسمیر و همه دسیسه حویان به  
شما به حاک هلاکسان افکنده اید به هر طریق می کوشند تا  
جمهوری را برلزل کنند و به ریر نهانهای گوناگون، در بی  
اند که اراده بی نظمی و هرج و مرج شما را به صد انقلاب سوی  
دهند

اس اسب حصلت کسانی که حاه طلبی اتان را به حباری  
وامی دارد اتان اصولی را اعلام می دارند و به عوامی می نالند  
که خود فائد انهایند، خو بیس را دوست ملت می خوانند و حال  
آنکه به حیری حرسلطه بر مردم علاقه ندارند، از حقوق ملت دم  
می ریند و حال آنکه حر در بی ربودن آن بیستند

فراسویان، شما دیگر فریب اس تلفیهای دروعس را  
نمی خورید شما، که به بحر نه درسها اموخته اید، دیگر اغفال  
نمی سوند درد دارورا به شما سان داده اسب حیری نماده  
بود که به دام بدسگالان بفیید، جمهوری در اسانه هلاک بود.  
شما فقط بر نادر آوردید رنده ناد کوانسیون و بدسگالان در  
دم بر سان سدید و جمهوری بحاب یاف

به ناد داشته ناسند که با ملت و کوانسیون یکی ناسند،  
تلاشهای دسمنان ارادی، به سان امواج کف الود که در بر خورد  
با صخره ها درهم می سکنند، بیس پای شما ناحیر خواهد شد  
اکنون که بیروی بحسین خود را ناریافته اید دیگر نخواهید  
بر نایب کسانی عقل شما را بدرید و از یاد نخواهید برد که  
بررکترین بدحی خلق این اسب که مدام در سو بیس ناسند  
کسانی که می خواهند شما را در اغوس حناری به حواب مرگ  
بکناسند از اس معنی آگاهند

شما حون با نمایندگان خود همصد سوند هر گز از نظر دور  
نخواهسد داسب که صامن ارادی شما هم بیروی خلق  
و هم بیوید او با حکومتی اسب که در حور اعتماد او  
سده اسب

کوانسیون ملی بیر به سهم خود با نکیه بر اراده خلق در راه  
خود استوار اسب و با بسیق حکومتی که جمهوری را بحاب  
داده از ان ناسداری خواهد کرد

فراسران!

میان معازی شما هلاک شما را قصد می کند حد مردمان فاسد همی  
واهند که در سینه فراساگور آزادگی را بکنند [بکنند]. در این لحظه  
باموسی ما گویا حیایب به شما حواستی بود و الزم فرایصها این اسب که شما  
از مخاطرات که محیط سماسب آگاه و خبردار بکنیم

دسمنان مهیتران شما [= خود] را مداید آن عسسان طالمان استقلال که  
بر برایشان غالب سدید، بل آن حاسوسان حایمان اسانند که با سمایان  
بیخته بر سرستیب<sup>۲</sup> شما با دروع و افران محادلند

مراب حوران سنا ی روبرسر [= روسر] و همه منافقان که سمایان  
شان را به رمی نزدیک به هر سو حرکت و حسی می کند با نساد جمهور را  
نماید و ریر برده تدلاب گوناگون حسی و حومی سارند که از میان  
نظامی و بی فرمانی تانه تغیر نظام حال شما را، برید این حوی اتان اسب  
بسلای طمع فرمان فرمودن سده به ظلم و طعیان مسافند. فواعد را اعلان  
بکنند و علاقی قبلی را می نمایند که درون خود [= ایسان] موجود بیست.  
د را دوستان قوم می گویند و حیری را نمی سدید الا تسلط علی الناس  
قومی قوم را یاد می کنند و مراد اسان همان اسب که آن حقوق را به خود  
سند

ای فراساویان، بدیگونه سحنهای دروع فیما بعد گرفتار نمی سوند ان  
له را خود بیارمودید، سن فریفته نمی بواید سد ار درده، دوا را با موحد  
بک نماد که افتاده دام بدکاران سوند جمهور به رسه هلاک رسده بود  
بک فریاد کردید: بزید فونوانسیون همان دم بدکاران عاخر و متحیر  
جمهور برست.

ارید که مادام که قوم و فونوانسیون بک سود مساعی بی معنای  
آرادگی بیس نایهای شما محو می خواهند سد همحانکه امواج دریا  
سده بر سنگهای سواحل بسکند اکنون فوب بحسین شما [=]  
بار بحصل کرده، بهلید [= مگذارید] که بعضی افراد عقل شما را  
بکنند و فواموسد که بلای بررگرین [= بررگتر بلای] قوم آن اسب  
در جوس و حروس بسود اس معنی معلوم اسان اسب که شما را به  
موب در اغوس ظلم سوك [= سو] و تحریک همی خواهند کرد  
وار وکلای شما [= خود] معنی سده از یاد شما هر گز دور نخواهد  
که تکفل آرادگی در این دو حیر موجود اسب [ قوت قوم و انصاف دس  
نام مملک که سراوار اعتمادس سد.

حاب دیگر، فونوانسیون در رفتار خود نایب قدم [اسب] و میس بر  
قوم صورت نظام مملک را که جمهور را برهاید، به فالوب [=]  
مرغوب تر، افراغ کنان، تقویم خواهد کرد

نظام مذکور به تعدیات گوناگون و به تدبیرات ستم آمیز بهانه شده بود، و دسمنان ما گفته بودند که تعدی و نظام مملکت ما يك است، پس فونوانسیون آن نظام را از این گونه ستمناك و میرا خواهد کرد و او را فایم خواهد داد پس در همه صفوتس [= صفا و ناکس] و همه فوتس رَغماً بر ایسان که نظام مزبور را یا می خواهند آلود یا بیرون از حد می خواهند افزود.

این را تفویم بکنند تا به انتهای حرات دسمنان نظام حال، رَغماً بر ایسان که با ریا و امیدهای حُب وطن و روسان، نظام دیگر را می طلبید که در ناموس [= قانون] یا فوسیتوسیون [= قانون اساسی] ناپت است. آری سوگند [یاد] می کنیم که بر جای ما [= خود] فایم خواهیم ماند تا بدینکه نظام حال تمام بخواند سد تا بدین وقت که جمهور غالب و مظفر شده به همه دسمنان فرمانفرمایان، ربر تکفل طفرهای خود بر خوردار يك فوسیتوسیون بتواند سد که همچو سروط صلح که از [او] صادر خواهد شد ناپت و اسوار است. از حرم و خطا را امتارکان به غلطگران عفو. و حرماکاران از [ا] صرب می خواهیم کرد. به بی ادبی و بی انصافی را مرحمت [= بوجه] مکنند. می باید که مردم بی ادب و بی انصاف از میان جماعت دور و مهجور شود، زیرا [که] مانند يك جزء حطر ناك و فاسد الحلقی همسه به اتحاد منافقس مایل است

ایسان [= آنان] را که دائماً برای تمهید مبابی آرادگی سمیر کرده اند [= تازه اند] يك مپیسد با ایسان که محتاج اضطراب اند و سله حوی بی نظامی برای تحصیل مال سحهای بحسنان را سنوید و از مصاحب دیگران بگر برید.

و کلان سمارا صی بخواند سد به سلیم مقالید ضبط مناصب عام به دست کسی گر دوست صدیق قوم شود، از آن دایره هر مردم سوفا را طرد می خواهد کرد که حقوق قوم را هردایم [= مرتباً] ذکر می نماید، فاماً حقوق مذکوره را مُحرَد برای خود حفظ می کند

فونوانسیون بعد از بیان هم [= هم] و افکار و مرادات خود به خاطر قوم فرانسیز بعضی اصول حرم و حقایق ازلیه را ایراد می کند که میان همسهریان همه سب بگانگی بسود

لك ملت امور خود را ضبط و ربط و تمسب نمی تواند صاحب بر موجب يك خواهش بی سبب [= سبب] که نوبت که نابع هر هوس و هوا ناسد، فاماً می باید که فقط بپر و احکام سرعی بسود

سرعها [قانونها]ی مذکوره به حیر دیگر مقدر سبب الّا به تضمین اجرای حقوق ابن السیر، وها که سهری شده به جماعت آمده است مرادس همان تضمین گرامایه مساراله را یافین بُود و جماعت آن تضمین را بدو تصحیح نمی تواند کرد الّا با امداد [= مداوم] نظام مملکت که سهری را در دایره فرایض خود مضبوط می دارد.

هر چه به اجرای حقوق مذکوره رخنه رس ناسد بر نسق جماعت يك جرم است

می باید که آرادگی حاص حدود ناسد الّا در آن نقطه که به رنجابیدن آرادگی دیگران اغاز می کند. پس ان حدود اعتراف و بعین کردن لازمه سرعت است.

کونوانسیون حکومت را، با فارغ ساختن از او تا تدابیر حسوبت بار و بیدادگریهایی که بهانه به دست دسمنان ما بر آن سرید تا آنها را اراداند، حفظ ح کونوانسیون حکومت را با همه برهت و با همه به رغم نلاسهای کسانی که می خواهند صفایس را مسو تواس را در راه گراف به کار برید، حفظ خواهد کرد کونوانسیون حکومت را، به رغم میهن پرستی کسانی که به امیدهای مکارانه ای خواهان مسروطه اند، تا نامودی کامل همه دسمنان انقلاب، کرد

آری، سوگند می خوریم که با لحظه ای که صد مایان رسد و با لحظه ای که جمهوری طرفمند به دسمنان خود رسیده ناسد و نواند به ناسدانی بر از نمرات لك قانون اساسی استوار و صلح بر خوردار گردد، در مقام خود نامی خواهیم ماند اس ار ما بر می آید که از سر خطا بگذریم و - دهم، در اصول اخلاقی سختگیر باشید. آن اخلاقی نای بند نیست ناند همچون عنصری خ فساددیر و همواره اماده سوسن به گروه دسیس جامعه رانده سود

کسانی را که همواره از ارمان ارادی سست کسانی که برای آنان اسونگری حکم سار و وسیله کسب ثروت شده است بکی سمارید گوس سمارید و از آن دیگران بگریزد

نمایندهگان سمار بر نمی ناسد که مباحث دول دوسان واقعی ملت عهده دار کردند آنان اس بیوسته از حقوق ملت دم می رسد تا محقر حقوق ناسد، از اس مساعل دور خواهد دا کونوانسیون ملی با ابرار بگراشها و افکار اصول مقدس و حقایق حاودانی را به ملت و می کند که همه سهر و ندان ناید بدیرند

ملت را به با تضمینات ناسی از اراده ای سهوات می سود بلکه نها در برتو قدر رهبری و اداره کرد

هدف از وضع قوانین بها تقسیم اعه آدمی از اجتماعات سیاسی همس صمان دارد این فواس، به کمک حکومتی که سز و طائف آنان حای می دهد، حقوق آنان هر آنچه به اجرای این قوانین است بر به سارمان اجتماعی است

حد و مرز ارادی فردی تنها در آحادس دیگران اغاز می سود و اس قانون است که رسمیت ساسد و تعیین کند

مالکیت ناید محترم سمرده سود، اره فساد اخلاق و تبلی الهامحس آنها با،

که بپردازد از باب قرضه‌های قرضه‌های

این خطاب داده باشد و در هر زبان ترجمه‌اش



تous les exemplaires de l'ouvrage  
sont distribués à chacun de

که از طرف مسئولین آنرا مطبوع گشته است

از آن بپسوند و توزیع آن فرستاده بشود تا که

ایشان بپایان آن خود نداده باشند

محضی  
فخیر سی پرزیدنت و دیگران کمیته سابق

Signe, Carabacens

Signe, Carabacens

Signe, Carabacens

صفحه آخر خطابه «که اسبوس ملی» که حاوی اصل متن فرانسوی و ترجمه فارسی آن است

کاهش یابد و دردی به صورت ایسی در اند بگذار تا قانون،  
همچنانکه همه حقوق دیگر شهروندان را تأمین می‌کند، حق  
مالکیت را هم ضامن باشد

اما چه کسی باید وضع قانون کند؟ ملت و سن آن هم از  
طریق مجلس نمایندگانی که ملت این حق خود را به آنان  
تفویض کرده است

هیچ قدرت حاکمه و هیچ مجمع ملی نیست و باید به نام  
ملت سخن بگوید تا عمل کند

اگر، در محراب میهن، دستی بگستاحی برای غصب حق و  
ملت دراز شود، کنواسیون، از آن رو که حوائیگوی سوا،  
فصدهای سست به ملت است، غیر مندان به ابرار قدری که تا  
او اعطای شده دست خواهد زد

کنواسیون ملی، در غیاب رزاست، هرگز حاکم عقل و منطق  
را فرو نخواهد گذاشت، به آنجه از او مطالبه شود بدقت گوید  
فرا خواهد داد، اما نه هیچ روی بر خواهد یافت که حق ایضا،  
و احتیاط بهانه ابراد فسار و ربون سازی گردد و میداهایی بلند  
از میدای نمایندگان ملت برخیزد

کنواسیون در فعال بوطنه‌ها و در برابر کسانی که احیا  
حسرت نظام سلطنتی را بخورید رفاری هر چه سبب تر،  
بیس خواهد گرفت کنواسیون به صلاح عامه تدابیر ایما  
خواهد اندیشید، اما نه هیچ روی رضا خواهد داد که دامنه آن

باید که املاک مخصوصه هر کس حرم سود حاسا، نه حاسا از آن  
ی فاسد که اری ادبی و اوارگی صادر شده، اگر اه دردی را کم می‌کند و  
را میان علوم می‌سپرد، پس حق تخصص از طرف سریع مانند حق  
[= سایر حرفهای] سهری تفویض برتر [= بدیر] نادر.

ا که سریع [= وضع قانون] ا را می‌تواند کرد قوم فقط اروساط و کلای  
که امانتکاران این قدرت شدند. هیچ قدری خاص هیچ مجمع قوم نیست،  
چ کسی از ایسان به نام قوم بگویند یا عمل نکند. و گرچه کنواسیون  
باب کمال رسوخ و بایداری خواهد نمود. فاما از طریق انصاف و  
ب هر گر گمراه خواهد شد پس هر چه بدو معروف می‌شود همه را با  
خواهد سپید و لکن نمی‌هد [= نمی‌گذارد] که حق سبه و تعریف بک  
ظلم و تحمیر بگردد و اصلاً تحمل آوارها خواهد کرد که بلندتر از اوار  
ب قومیه بطلو بکند

ر عهده‌ندان فساد و برایشان که بدین وقت به نظام سابق ناساهی  
ب بکشد، نمایش قوت و حسب می‌خواهد کرد و همه بدست لارمه  
ب را که مقتضای سلامتی عام است مقرر خواهد نمود، فاما رضا خواهد  
دانکه تدبیرات مزبوره ممتد سود و سبه سر حسمه بلیات گردد گر بک  
ب گستاح بد محراب وطن تطاول کرده حقوق قوم را خواهد گرفت از باب  
اسیون همه بر غدار مذکور قدرت را که داده خویشان بد عورانه اجرا  
هند کرد زیرا که وکیلان قومند و می‌باید که به موکل خود حساب بدهند از

ظلمهایی [= ظلمهایی؟] که مناقض استیلاش واقع شد.

والحاصل هر وضع نظام مملکت مطبوع طبع عدل خواهد شد فاما آن عدل فیما بعد زیر صورت يك خیال که در حالت خروج از زندان و آلوده خون بود به چشم فرانچه [= فرانسه] باز نمایان نخواهد گشت همچونی که بعض فتنه انگیزان خوار و مُرای [= ریاکار] آن را تصور کرده بودند. \*ای فرانسویان، دسمنان خود بسمید همه ایسان را که از وجه راستی و ناراستی آزادی و برابری و یگانگی و عدم انقسام جمهور را بخواهند رنجانید. بگریزید از ایسان که هردایم از خون و دار می گویند و از آن غیرت فروشان وطن که حز خود، دیگران را شهریان نمی دانند، و از آن مردمان که در میان تبدلات دوران مال بسیار تحصیل کرده از آثار عدل و جلادت می ترسند و امید خلاص خود را در اختلات [= اختلاط] و بی نظامی می نهند.

مطلوب و معزز بدارید بدان مردمان امکدا [؟] و متواضع را، و آن ذاتهای نیک و ناک را که از مناصب و نایها [= رتبه ها] بگریزند و گوسه سبن عزلت بود (!) با هنرهای جمهوری مجامله می کنند. از نظر شما هرگز دور مبادا که گر حرکت زودی و زوری لازم شد برای ابتدای نظام نو مملکت، آن نظام نو تکمیل و بیوب نمی یابد الا با آسودگی و هوسمندی.

س يك و متفق سوید در يك مرکز مسترك یعنی در خُرم و محبت سرعها. نظر بککید به برادران سجاغت سعاران شما که در طریق جهاد مفاد و فدوی سده به شما عبرت نمای اطاعت حمبله اند. افتخار ایسان به آواز سرداران خود رام سدن است. احکام هوبوانسیون را همیشه تیریک می کنند. گر افک و تعب کسیدن لازم بسود به اقتضای وقت، رضا و صبر می نمایند گر بمیرند فریاد احیر ایسان همان برای جمهور است و سمایان که در صدر (؟) سهرها و دیهها ساککید عجا فابل می خواهید سد که با بهانه تراعهای باطل شما را بی حضور بسارید و شما در انجمنهای خود ننبه های (؟) فساد را بخواهد انداخت که روس مظفر نظام سو جمیله [= حمله] را منع و بیط (؟) بکند.

ای فرانسویان! رهی درد برای ما ورهی سروریب برای اعدای ما، و فتا که فراسا در بروس غالب و منصور و اندروس دریده و ناره ناره گسته بماید. به، حاسا دسمنان ما متصرف این مرده حرام نمی سوید و هر حیز که [هوبوانسیون] در لسکرها عمل کرد کدلك آن همه را در سیئه جمهور اجرا خواهد نمود. فهرمایان، رادگان فضایل جنگاوری اند و سهریان فرزندان فضایل کدحایی اند. و فتا که آن دو نوع فضایل در يك قوم عظیم موحودست و قوم مذبور (!) در اصول جمهوری ناست قدم و راسخ دم بسود ازین اجتماع فضایل در قلوب همه آن آتس حرم لاینظمی و آن طبع کبر پیدا بسود که قوم فرانسز را اول قومهای جهان کرد. و درین تقدیر، فتنه انگیزان همه عاجز بمانند و این چنین هر فره از خود افتاده و نادید خواهد سد ریرا [که] در هر فرقه [ه] کسانند سماتب کمان فقط برای سماتب و بدکاران اند بی فایده، ایسان مانند بادهای مخالف با یکدیگر که به کستییان هیچ نفع نمی آرند، مجرد حرکات بحریان را ممانعت می کنند.

اهدامان خودسرانه گسترش یابد و بدگمانی آفت، القصه، همه اعمال حکومت حسه عادلانه حوا اما، برخلاف آنچه عده ای فتنه انگیز رذل و ریاکار بودند، این عدل همحون رندانی از سیاهچال بر آغسته به خون به فراسه عرضه نخواهد سد. فراسویان، همه کسانی را که می خواهند غیرمستقیم به آزادی، برابری، وحدت و یکپارچگی تارید دسمن خود بدادید

از کسانی که بیوسته از خون و حونه داردم می، هم میهان متعصب، از این ریاده روها، از کسانی انقلاب بروب اندوخته اند و احزای عدالت را بر صلاح خود را در آسوب و هرح و مرج می حوید بر مردم رحمتکس و بی ادعا، بر و حوده های نیک مناصب روی گردانید و بی حودنمایی فضیلتها می جمهوری را بیسه خودساخته اند ارح بهید و به بروید

هرگر از نظر دور مدارید که اگر برای انقلاب، و فهرمایان بیار است، برای به پایان بردن آن آرا احتیاط لازم است

س در کانونی مسترك، کانوی عسقی به فاور آن، فراهم آید. به همرمان دلیر خود سگرید که، و ایبار خود سرمسی فرمانرُداری. قرین سرو افتخار ایسان گوس سردد به نانگ سران است از فرمانهای کوانسیون ملی بیروی می کند، اگر گناه آن را بر دمه اوضاع و احوال می افکند: در واسیس فرماندسان به هواداری از جمهوری است و شما کسانی که در سهرها و روساها با تراع حب و حوسید! شما در محامع خود مواعی بر، بیسروی طفریمون انقلاب را کند حواهد ساد فراسویان، برای ما حه دردآور و برای ده حوسدلی است که فراسه در بیرون بیورم ناره ناره دیده سود به آنان طعم ایسی لذت بحواهد حسید، و کوانسیون انچه در حنگ ا، در دل جمهوری بیر احام حواهد داد

از هرهای ررمی فهرمایان راده می سوید و ه سهرود می برورد: و این فضیلتها، خون بیودا جمهوری ستوان و مؤیدسان گردد، مانه - مقدس و مس بلدی می سوید که ملت فراسه صدر ملتهای جهان حای گرفته است

در این هنگام است که چون تلاس آسویگر همه احزاب سرنگون می سوید و حراع عمر حاموس می سود: ریرا در همه احزاب کسانی راه می اندارد تا هیا هو به راه انداخته باسد بی آنکه حیری عایدسان گردد: به منزله بادهای بی آنکه به کستییان حدمت کنند، هدایت می سارید.



سهریان! برای تأسیس بنیاد جمهور اجتماع فضایل همه ضروری  
 سمایان اولاً در تخریب قلعه باسلطنا = باستیل او سریر سلطانی کمال  
 را ابرار کرده اید، ثانیاً در تحمل آفات و بلاها که به تـ بد نظام مملکت  
 به باحار و متصلند صبر (... ) اظهار نمودید، ثالثاً در تعدد حدود طالمان که  
 و دسما جبراً داخل خواستند سد سجاغ کاملی را اسماح (۴) ساختید،  
 فـ است که با نایداری و با حکمت بر دسما حود نار دیگر غالب و  
 سـوید. می ناید که عاقبه الامر بعد این قدر تلاطم امواج، ناری دریا به  
 سـ نیاید، کستی جمهور که آنقدر گرفتار طوفان سد بردیک کنار سلامت  
 رنهارید، آن را به میان سنگها نار مرید اـ نهلد که ناروس سعیدیک  
 رام را سکافان، در میان حبسهای خوشی یک قوم آراده و حـک و عاری  
 سدر مرام برسد.

مضی فماسرس برریدن، لاورو، لورو، بله دلا سورر، اساسری نو  
 : نواسی، کیومار، سس کاسان مجلس.

### حکم

سسون ناسونال بعد از اسماع فرائث ان خطاط مسطاب که بر  
 ای حکم مورخ به تاریخ روز ناردهم این ماه از طرف سه قومیه  
 به اهای حود یعنی قومیه سلامت عام و قومیه امسب انام و قومیه  
 یب معروض سد، مضموس را مجموعاً قبول کسان، حکم می کند که  
 بـ مدکور مطبوع سده به حماعات دبارمانها و دسرکها = به احی او  
 بالنها = موبی سی بالنه / سهررداری و به قومیه های سکسونی و به  
 ها و به مجلسهای قومی فرستاده شود  
 به از طرف مسسالتها اعلان گسه در دیوارهای حجره های وفاداری،  
 بوط و در مجلسهای قومیه ها = کمون ها و سکسونها خوانده  
 به به هر یک از ارباب فو نواسیون سس سسخه های این خطاط داده ناسد  
 هر ربان بر حمه اس بگردد  
 به از طرف دسترکها تکراراً مطبوع گسه از جانب آران ناسونو به  
 کاران فرستاده شود تا که ایسان به ساگردان حود تلاوتس نکند.

مضی

ماسرس برریدن و دیگران کما فی السابق  
 تم

سهرودان، همه هرها ناید متقی گشته به استقرار  
 جمهور حدمت کند سما همه نیروهای حود را یکی در پی  
 دیگری برای سـ بگوئی، باستیل و تحب ساهی به کار بردیده، در  
 تحمل آفات لازمه انقلاب سکینایی سان دادید، برای سـ  
 راندن بر رایی که می خواستند به مررهای سما تحاور کنند  
 سجاغ به حرج دادید، اکنون رمان ان رسیده است که نار  
 دیگر با مناسبت و حردمدی دسما حود را سکسب دهید ناید  
 سراحام آرامس حای آسوب را بگیرد کستی جمهوری که  
 نارها دستخوس طوفان سده بود اکنون به ساحل بردیک  
 می سود، از اسکه نار دیگر ان را به میان صخره ها برانید  
 حودرداری کنید بخدار نا این کستی نا گذار از حریایی حسته،  
 در نحو حه هیجان و سرور ملی اراد و خوشح و بیرورمند، به  
 سوی سدر سسروی کند

امصا کسندگان کامماسرس (رئیس)، لاورو،  
 لورو، بله دلا سورر، اساسری یولورون، سواسی، کیومار  
 (مسان)

### فرمان

کواسسون ملی، سس از اسماع بیانه ای که هیات مسرک  
 کمیته های بحاب ملی، امیب ملی و فابو بگذاری، در احرای  
 فرمان ناردهم ماه جاری، به ان عرصه کرده است و، سس از  
 بصوب ان به اتفاق آراء، فرمان می دهد  
 که این بیانه حاب سود و برای همه ادارات ایالات و  
 ولایات، سهردارها، کمیته های بحس، لسكرها و انجمنهای  
 خلق اـ سال گردد  
 که سهردارها ان را حبات و در مالارهای اجتماعات ده  
 روره الضاق کنند و در اجتماعات کمونها و بحسها فرائث  
 سود  
 که به هر یک از اعضای کواسسون سس سسخه از ان تسلیم  
 سود و حود ان به همه ربانها ترجمه گردد  
 که ادارات بحسها ان را تحدید حاب کنند و مأموران دولتی  
 انها را برای امور نگاران بررسند تا برای داسن مأموران خوانده  
 سود  
 امصا کسندگان کامماسرس (رئیس)، لاورو،  
 لورو، بله دلا سورر، اساسری یولورون، سواسی، کیومار  
 (مسان)

سده است

(۳) در فرهنگ ترکی - انگلیسی - عربی - فارسی سورلوك (Sozluk) حاب  
 استانبول واره سرست (Serbest) به معنای آزاد، خلاص و مستقل ضبط شده  
 است در مس به حای استقلال به کار رفته است اما برنارد لونیس در بررسی  
 گزارشهای کسول عثمانی در ناریس - در رمان انقلاب - گفته است که عثمانیها این  
 کلمه را به معنای ارادی استعمال کرده اند (توضیح از اهالی دکتر مرتضی اسعدی  
 است و در همین حا از ایسان ساسگراری می شود)

(۱) برای اطلاع بیشتر از اولین نارنانه های انقلاب فراسه در ایران بگرید به ع  
 حسان، «بحسین آساییه های ایرانیان با انقلاب فراسه»، سرداس، سال  
 سماره چهارم، ص ۴ تا ۱۱  
 (۲) برای آگاهی بیشتر از سابع رمان فارسی در فراسه بگرید به فراسیس  
 ، «آغار آسای فراسویان با رمان فارسی»، ترجمه ع روح حسان،  
 نس، سال دهم، سماره دوم، ص ۱۶ تا ۲۳ که اصل ان در محله لغمان (سریه  
 سرداسگاهی به رمان فراسوی)، سال سوم، سماره اول، ص ۲۳ تا ۴۲ حاب

## داستان رستم و سهراب: برگرفته از الگوی داستان فرود

دکتر سعید حمیدیان

را به خاندان گودرر منسوب می‌داسه و مورخان عرب نرسی گوی کتاب مذکور و کتاب «سکسران» را که وسیله این المقع به عربی درآمده بود مورد استفاده فرا مطالب آنهارا به هم در آمیخته و بدین ترتیب طرح تاریخی که اکنون در تاریخ طبری می‌ناسم به وجود می‌آید. ملاحظه می‌سود که کر سسن سس هم با آنکه به حد حضور رسم و رال در حداسامک سده، در باب سأن و ا در مسع مذکور بردند کلی داسه است بولدکه بیر حدس هسمت عمده مطالب عجب و حواری عادایی که قوه ماورای قوه و قدرت بهلوان ارفاء می‌دهد در حد، داسه است.<sup>۱</sup>

بکه ای که ذکر آن لازم می‌نماید اس است که به ه هج یك از احوالی که در اس مقال به آنها اشاره سده د قدمت داسانیهای مربوط به رسم و دوده او سس حناکه سی حد از بر ترس بروهندگان احتمال داد چهره ای اسکایی است<sup>۲</sup> نام رسم بر نحسین نارد در حب آسوریک بدیدار سده است<sup>۳</sup> اما انچه به رع ساهامه بروهان هور در بویه احتمال مانده حگوئک حابواده اس به عرجه حماسه ملی ایران است. در باوجود برخی تجربه و تحلیل های در حور بوجه هبو بر سسها ناسح در حور داده نسده است<sup>۴</sup> صماً بح که از کردارهای بهلوانی رسم در دست داریم در بنا ابور فرسع فرحزادان است (همان موبد رردسنی مأمون عباسی با یکی از کافران موسوم به گجسنگ ابالس ملعون، مایطره کرد)، و آن در ذکر رهایی دا کاوس را از بند هاماوران و برون راندن افراسیاب اسارت کاوس به ایران بوری آورده بود متن بهلو حناکه می‌داسم از اوایل سده سوم هجری آنسو باتوجه به مجموعه انچه تا کنون گفتیم، عحالت گرفت که داستانیهای مربوط به دلاوران سستانی طرح کنونی حماسه ملی هسب، به تدریج در فرو

در باره رستم، ابر بهلوان حماسه ملی ایران و هوب او، که بارمون کدام چهره های تاریخی یا اساطیری است، و حاسگاه او، که قوم ایرانی سکایی یا از بومیان قدیم دریگیا نا (= رنگ، سسسان بعدی) است، اظهار نظر های گوناگونی سده که ما از احا که اس مطالب ارتباط مستقیمی با بح حاضر ندارد نقل و نقد احوال مختلف را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم. همجنس فرود سر سناوس را با «وردن» یا «وردس» (Vardanes) نادساه اسکایی بطبق داده اند، گو آنکه ظهور او نر همجون سساری دیگر از چهره های تاریخی در ساهامه بارمونی نمداس است. زیرا فرود در ساهامه سها به صورت بهلوان ظاهر می‌سود، به نادساه سحی در اس است که داسان با افسانه جهانی خاص خود دارد و حتی در تاریخ داسایی با داسان تاریخی حنا سسب که چهره ها و رویدادها لروما از واقعیت و تاریخ، یعنی جهان برون داسایی، بیروی کند.

از مجموعه بطرباب درباره رسم و حگوئگی ظهور او و داسانیهای مربوط به او می‌وان حس سجه گرفت که به سها در اوستا از وی سسانی سسب (در حالیکه از کی کاوس، که سسر نه افخارات رسم مربوط به عصر اوسب، در اس کتاب مقدس دین مردسنی سخن رفته است<sup>۵</sup>)، بلکه در باب حضور او در حداسامک، بدوس سده در عصر ساسانی، که سکره<sup>۶</sup> اصلی حماسه ملی را تسکیل می‌داده، بر دیدهایی وجود دارد؛ و به فرجس هم که از او و حاندانس ذکر ی در حداسامک رفته ناسد، ظاهراً نمی‌ناسب اس سأن و سوکی را که در طرح حاضر حماسه ملی دارند داسه بوده ناسد کر یس سسین با توجه به قول مسعودی در مروح الذهب می‌بر اسکه اطلاعات خود را در مورد داسانیهای مربوط به رسم از کتاب «سکسران» (فرانت دکر صفا- سکسیکس<sup>۷</sup>) گرفته است می‌بویسد: «مسلماً از اشاره مسعودی این سجه را نمی‌وان حاصل کرد که داسانیهای مربوط به دسان (رال) و رستم در حد/نامه، یعنی مأخذ اصلی روایت ملی ایران وجود نداسه، ولی به هر حال می‌توان حس تصور کرد که طرح تدوین حد/نامه مبنی بوده است بر روایات قدیمتری که حواد بزرگ



است. اساساً این امر در عمل به صورت فاعده‌ای درآ چیزی که نام رستم را بر خود دارد باید برتر و زیباتر از باشد، درست همچون خودس. نولدکه اقرار می‌کند هفتخان رستم را اصل می‌پنداسته و سپس به عکس گردیده است.<sup>۱</sup> نه گمان اینجانب داستان «برن و منیر وجود عسفی نو آیین و بر سرور میان یل ایرانی و دخب دسمن تورانی، بیستر بر حول محور هنر نمایهای ر حیل سازانه اس به درون دیار افراسیاب و سرانجام ره دمار بر آوردن ار کاخ و ساه ساه ترکان (به قول عملیات سابوتار یا خرابکاری)، و باز از روی اسفندیار در حمام نازرگانان به گنگ در برای نحاب همای و به آفرید از بد ارحاسب تورانی ساخته شده، برخی از بروندگان نامدار ساهنامه نیز تأیید کرده‌اند حزن‌یاب هر دو ماحرا و حتی حرکات و سیوه حرف بهلوان سیه یکدیگر است.

به نظر این نگارنده، داسان رستم و سهراب ن هدف بیسگفته و ار روی الگوی داسان فرود سیه سده است به چه دلایلی؟ به گمانم در اینجا بیر با دلیل، اول باید موارد سباهب دو داستان از طریق ته گردد و سپس این مطلب اباب سود که کدام يك ار گرفته است. حون خوانندگان ساهنامه دوست - داستان بر سرور آسایید، ذکر خلاصه دو داسان را، و نه ذکر و حوه متعدد سباهب منان دو داسان از بطا شخصیت ساری می بردارم (فقط در موارد لازم فرود ارحاع می کم، و مأخذ حاب مسکو است، ص ۳۲ به بعد).

۱. هر دو داسان عثمانیه‌ای سحبت دردانگیرند و دوست داستینی در هر دو داستان کسه می سود
۲. هر دو داستان بیان حیرگی تقدیر بر کوس در جهت برگرداندن مسیر آن است، البته تقدیر در تکوین آن و حگوگی عملکردس به هیح روه
۳. هر دو داستان عرصه رویارویی بهلوان - با بهلوان حوان است، و طرف کسنده بیر است دسب خود سهراب را می کسد و طوس نه کمک بیرن ورهام، ولی نه دستور مستقیم طوس
۴. هر دو داستان بر مبنای عدم تمیر حودی ار
۵. در هر دو، طرف حوان ترك انگاسته می
۶. در هر دو ار الگوی نام بوسی استفاده سد سهراب دو طرف تا هنگام تکوین فاجعه نمی گسایند، و در داستان فرود نیز نخست

تمامی دوران بهلوانی را در بر گیرد. به هر حال رستم با این حهره اصل و شخصیت حامعس نمودگار تصور ایرانیان از بهلوان آرمانی سد، و در مدتی نه حندان دراز سایر بهلوانان نامور (از جمله اسفندیار، بهلوان دینی رردستی) را ار میدان بدر کرد با آنها را در سایه فرار داد. به آسانی می توان سبجه گرفت که در غیاب رسم انجام کارها و وظایف بهلوانی یا بر عهده ساهان (در عصر اساطیری)، یا برگردن گوانی حون گودرز و بدرس کسواد و اعقابس یعنی گبو، بیرن و... (در عصر بهلوانی کیانی یا به فولی دوره اول کیانی) و یا بردوس رریر و اسفندیار (در دوره دوم کیانی یا آنچه من «دل عصر کیانی» می خوانم، یعنی عصر رردسب و زردستیگری) فرار داسته است. به گمانم همین مقدمات برای ورود در آنچه قصد طرح کردنس را داریم کافی ناسد.

و اما برای جایگیر کردن رستم و خاندانس در برترین جایگاه حماسه ملی می ناسب تداسری اندیسیده سود که بسترینه آنها ار رمره تدابیر هری و مربوط نه هریحه داستان برداری است. یکی از مهمترین آنها ساحتی یا گرد آوردن داستانیهای است که رسته رستم را هرحه محکم تر کند، نه ساستگهای او فوام و حلوه بیستری ببجسد و هر کدام گوسه‌هایی از سحصب و سیمای اورا آسکار سارد. این فرایید در ساهنامه با نفس سام نه عنوان جهان بهلوان عصر موحهر، و سپس عرل گرساسب ساه سدادر نه کمک طرح کودتاگونه رال و نادلریهای رستم در مقام اجراکننده نفسه، که کیمباد را ار البررکوه با نهایت کاردانی برای به دسب گرفتن حکومب در سراط سخب حساس آسفتگی داخلی و هجوم خارجی نه ناسخب می آورد، قوت و فوام بستری به حود می گیرد، تا بدانجا که دستان و رسم حتی بر تحب سسانده کیاسان معرفی می سوند. در همس جهت داستانیهای دیگری از روی الگوهای گوناگون در باب رسم و خاندانس برداخته سد، که یکی از معروفترین آنها ماجرای هفتخان (یا: هفتخوان) است که سباهتیه متعده آن با هفتخان اسفندیار حای تردید در الگوگیری اولی از دومی بافی می گدارد، اگرچه در ظاهر هفتخان اسفندیار بس ار آن رستم واقع سده، و بار اگرچه هفتخان رستم دلپذیرتر از نمونه اصلی و برداحب و بیان آن هنرمندانه تر

سده) حاره‌ای حر خود کسی بر روی بیکر بیجان فرزند برای خود نمی‌سند.

۱۰. هر دو مادر فرزند را به بوسه‌ی پدر ترغیب می‌کنند (در مورد فرود بك. ب ۴۶۱ نه بعد).

۱۱. هر دو مادر راهنمایی برای شناساندن پدر (در مورد سهراب) و سرداران سباه برادر (در خصوص فرود) در نظر می‌گیرند به ترتیب رنده رزم (که از فضای رورگار به دست رستم کشته می‌شود و هوبت پدر بر سر ناگسوده می‌ماند) و حواری که با راهنماییهای غلط و انبها، خود به تکوین فاجعه کمک می‌کند، و به قول معروف سرکشنس صفر می‌افزاید!

۱۲. مادران هر دو حواری هم ایرانی‌اند: تهمینه سمگانی و حریره بورانی

۱۳. هر دو بهلوان حواری در آغاز کردن درگیری بی‌سند می‌اند. سهراب حواری گرگی در میان گله به سباه ایران می‌تارد و می‌درد و همسر امر طاعت رستم را طاق می‌کند، فرود هم البته به راهنمایی نادرست تخوار داماد طوس، ربونر، و سپس سر او، زربس، را به سر می‌کشد، با کشتن اسب خود طوس وی را تحقیر می‌کند، و همین وقایع در طرح داستان بوحیه کشته سر انجام دردناک هر دو بهلوان اسب

۱۴. حریرقان بر هر دو بهلوان بدحوی و تندی از خود نشان می‌دهد. سهراب در لحظه مرگ به رستم می‌گوید «بکستی مرا حریره بر بدحوی»، و از این سو بدحویی و کس توری طوس نارها مورد نکوهش بهلوانان ایرانی و فردوسی قرار می‌گیرد. همچنان که گودرر خطاب به طوس (محرم اصلی) و سر خویش گو (که او بر در این ماحرنا ساسانی از خود بروز داده و بر آن بوده که باید با حریف حواری، هر که می‌خواهد باشد، مقابله کرد) می‌گوید که بدی به کار سپید بود / سپید که بدی کند بد بود (ب ۹۱۷)

۱۵. در داستان سهراب هجر، کوتوال در سبید، از اهلبای هوبت رسم برای سهراب بدی انگیزه که مبادا سهراب رسم را نکشد و سب ایرانیان سکسته سود خودداری می‌کند و تخوار نیز حنا که گفتم به سها با توصیه‌های احمقانه‌اس فرود را به کسر ربونر و زربس برمی‌انگیزد، سخنان خند و بقیص به او می‌گوید. اینجا بهرام گودرر را از روی نشان درفش او به فرود معرفی می‌کند (ب ۵۳۰) و اندکی بعد که بهرام برود می‌آید می‌گوید به نام و ساسان بدام همی / رگودر را ساس گمانم همی (ب ۵۵۱) بلکه وقتی کار بالا می‌گیرد و طوس به سوی فرود می‌رود، هر دو

حاشیه

۱۰ بك بولدت. حماسه ملی ایران، بیسن، ص ۹۴

ن‌گوید و فقط هوبت خود را برای بهرام سرگودر که به ران فرستاده طوس نزد او رفته و این دو با هم دوست شده‌اند. ما می‌کند. طوس اگر چه بهرام در نارگسب هوبت فرود را بر او کار می‌کند همچنان اصرار دارد که فرود را «یکی برك زاده حواری سباه» (ب ۶۲۸) بخواند، کینه دیرینه او با حاندان کخسرو و نادساهی از دودمان طوس به آن متقل شده (سب این امر است، و طوس با آنکه کخسرو به او دستور داده سباه را از راه بان به بوران برود به از راه کلاب و حرم، عمداً از راه اخیر فرود همجنس در هر دو داسان نام بوسی از طرف گسده ررب می‌گیرد و بکاوی نام ساسی از سوی کشته سویده

۷. هر دو حواری اندیشه نکو و سب حرم دارند. سهراب حواری کاوس را از سب نادساهی به ررب آورد و پدرش را که از جهت ساسنه‌تر از او می‌داند بر سب سباند. فرود هم حواری به سباه خودی سوید و در رأس آن به حواستن کین پدر افراسیاب سباند اما هر دوی آنها برای تحقق هدف خود وسیله ساسب اختیار می‌کنند

۸. انچه در این میان اهمیت دارد سباهت سگفت اور سخصب دو نور حواری اسب هر دو ساده‌دل، حوساور و در عس حال تند و سر سرکس‌اند، از فرط برومندی و دلیری حر در حواری می‌گیرد، فرار قله خیال بی‌اعنا به واقعات موجود ایساده‌اند. اندا به حریری از فیل تقدیر و کلا بروهای برون وجود حویس بی‌اندیشند، و البته حوی حواریان باید هم حسن باشد حتی سوه حن کفتن اسدو بر مایند بکدنگر اسب بد و صریح، و با صفایی دکانه

۹. هر دو بهلوان مادری مهر بان و ریح کسیده دارند. تهمینه که يك سب از جوانی بهره بر گرفته، و حریره که در انام ریدگی با وس سر يك اندوه و سرگسگی سوهر بوده اسب هر دور در سب سوهر کاری جز بزرگ کردن فرزند ستم (فرود) و سیم‌واره سهراب ندارد، با تحمل همه سدان این کار، و سر انجام هر دو در دناك اسب تهمینه باید به درد حواستری فرزند، که خود از مرگ تن اسب، سازد، و حریره که حواری مرگ سر اندك بی‌ارهیح سوی ندارد (بدرس بران هم که مدت‌ها سس کسه

مهمترین دلیلی که می‌توانیم ذکر کنیم این است که داسا به فویرترین احتمال جزء سکره اصلی حماسه ملی تدوین عصر ساسانی (حداسامک) بوده، و این بیکره حیاتی که داستانهای کنایان را (که فرود بیر از رمره آنان است) می‌گرفته است هم‌چون داستان مذکور در خود ساهنامه اسوارتری در وقایع گذشته دارد، بدین سان که اساسا موجب فاحشه فرود کسه دیرینه طوس از اسفال ناساهی و حانداس س از کسه بدن بدرس بود به خاندان کسه است طوس س از این ناکامی نك نار هم در گریس برای کاوس برس به سنگ حورده و کمحسرو د ساسکی بر نامرد دلخواه طوس یعنی فر سرر کاوس است. فاحشه فرود به نصرت فر دوسی و بر حی از بهلوا از کن توری طوس و حصومت کهن او با خاندان ک است در برابر اس، به کامم خوانده هسار ساهنامه ا ناگهانی و تصادفی رسم و تهمنه، آن گاه که کنار جسیحوهاس برای ناس رحس گمشده به سمگان عس و اردواحی یکسه و اس سان ضاعفه اساسی به برده باشد که تمامی ماحرای سهراب برای رحس اسوارتر به رسم در حماسه ملی طراحی شده ا ابر بهلوان حماسه می‌نواسته بی‌رن و فرزند ناسد؟ می‌ناست سهدحی ناسد براده و نا گوهر بهلوانی و رسم (السه از سیدن اوصاف بهمن) که حاضر است، با وی درامرد با نار برومندی از او نگردد، حی اگر سالها ریح بروردن فرزند بدربانده را بر خود هموا است که سهراب، اس «نارسنده ریح» ناکهان بدید همان ناکهانی بر بر حاك می‌افد حالت است که عدها نادی از اس ماحرا می‌کند، «نو گفی فرامرر یکی از حیرهانی که می‌نواست قوت سستری به، بدهد اس است که در داسان فرود رسم حضور ندا سهراب از آن رو ساحه سده است که حواسه اند الگوی جداب و نافد داسان فرود داستانی با حضور بدید اورید

به سها ماحرای سهراب، بلکه کل داستانهای بر بهمدایی سحت سحنده و هرمندانه برداخته اصلی برین و موجه‌ترین آنها همس است که رست ساکن سیساند و تنها در موافعی که میهن گروما وضع است و کاری از دیگران ساخته سست می‌سوند، مدی کم یا سس به صحنه می‌اند، کار می‌کنند و سس از رفع خطر به زادگاه خود نارمی برهه‌ای سخت دراز میان دو بوب حضور رستم

می‌داند به فرود می‌گوید سحن هرح از سس ناست کف / نگف و همی داس اندر بهف (ب ۷۰۵، سرنك بعد از ان) فردوسی او را «بمانه دستور ناکاردان» می‌خواند (ب ۷۰۶) البته هجر حون او الله سست

۱۶. هر دو بهلوان حوان در هنگام نرد همحان که می‌داسم دلربهای نمایان می‌کند، به گونه‌ای که حریف و اطرافناس را به سوه می‌آورید، در این میان حالاك و سرخوس می‌خندید و گواره‌ها می‌رسید، اما سراحام

همچنین در باب مکان و فضا و سساری از حرناب بر همانندبهای فراوان میان دو داسان دنده می‌سود، برای سونه.

۱۷. در هر دو داسان دری وجود دارد سهراب در سسند (دری مرری) را که هجر گودرر نگاهان ان است نصرف می‌کند، و فرود نیز همراه کساس در در سسکوه رندکی می‌کند

۱۸. سهراب و فرود هر دو همراه راهمانانسان هجر و حوار از بالای بلندی اردوی اراسان را که در نای کوه است بطاره می‌کند

۱۹. هر دو راهما از همان بالا حیمه‌های سران اراسان را به بهلوان که حواسار ساسایی سران سناه خودی است سان می‌دهند، و حالت این که در هر دو مورد سان هر نك از سران از روی نفس درفس او کفه می‌سود (هر بهلوان درفسی از آن خود دارد که به مرله بوبم حاندانی است)

۲۰. سهراب نارومندی به عنوان سان دارد که امندوار است وهی بدر را ناف او فرزند را بدان سسناست؛ و در داستان فرود او نر همجون برادر س کیحسرو و بدر و ساکاس حالی سناه بر نارو دارد که آن را به بهرام گودرر (حوانی همجون خود او ناصفا) نشان می‌دهد، بدس بونه که سناه خودی بدین وسيله از هوب او آگاه سود، ساید مسیر رویدادها بر گردد، اما در هر دو مورد بی‌اثر است.

به گمان اینجانب همین وجوه ساهت برای اسباب الگوگری داستان سهراب از فرود کافی است باقی می‌ماند ناسح به این برسش که چرا داستان سهراب بر گرفته از الگوی فرود است و به بر عکس

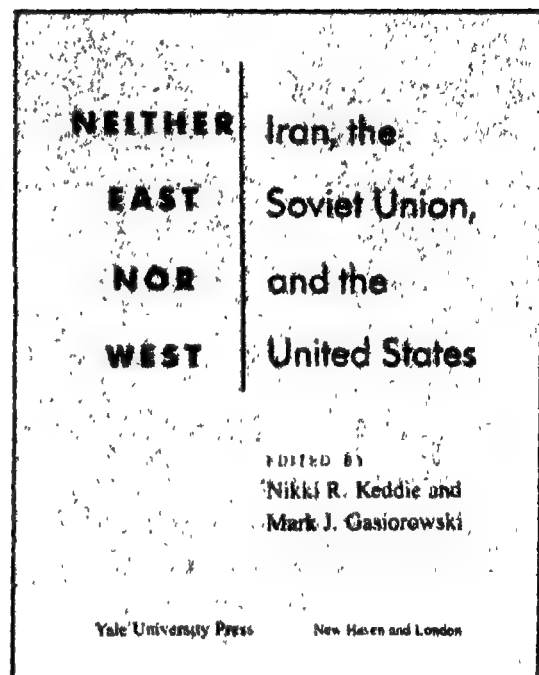
(کوسانیان) و گزیراندن خافان حین و دیگر متحدان افراسیاب  
نفس اصلی را دارد، داسان اکوان دیو و سس سرن و منیره سز  
سنان از ساهکارهای رسمی دارد اما بعد از آن رسم خنان به  
کوسه سسنان رانده می شود که در حدین هنگامه مهم و درگیری  
خارجی شرکت ندارد، از جمله سرد معروف دوازده رخ و یک رسته  
جنگهای ابود سس از آن، در حالی که گودر مرد این میدان است،  
و این بدان معنی است که حماسه ملی در این مقطع دوازده رخ و ال  
اصلی خود بازتسمه است به معنی که برای عدم حضور رستم در  
سردهای نادر شده کرده اند این است که او در این آتام به فرمان  
کنخسرو برای فتح هند رفته است و بعداً هم فقط خبر سرورس را  
داریم که در طی فتحنامه ای به نادرشاه می رسد همه آنها برای آن  
است که رسم غریب ایرانیان برده باشد بعد هم که بوب خنگ  
بر درک و نفس کشنده کنخسرو و با افراسیاب (جنگ جهانی یکی و  
دی) فرامی رسد، اگرچه رسم به سس خوس در آن حضور دارد،  
حضور سس سار محدود و کم شروع است، تنها در حد یکی از  
پهلوانان، و به سس گاهی نظری می دهد تا باسخی به نظرخواهی  
نادرشاه، و ندرا حمله ای از منم به یک گروه دسم به دستور  
کنخسرو، همس خرا؟ خون میدادار این بار خود کنخسرو است  
که می ناست به هزاره امختگی یکی و دی و ساوب سروری  
هریک بر دیگری (کومخس) نایان بحسد، ساند هم از آن رو که  
«دو نادرشاه در افلمی یکجند» و از نظر هری سر و خود دو آفتاب  
نایان در کنار هم قطعاً از شروع یک کدام تا هر دو خواهد کاست،  
و اینکه حماسه ایرانی در اسناد دوازده همان صعه همسگی همه  
اساطیر یعنی وجهه غالب دسی خود را باز یافته است، در حالی که  
داسانیهای مربوط به خاندان رسم در حوره داسانیهای غریبی  
و اسجانی (secular) قرار دارد، و رسم، همانکه سوانی سنان  
می دهد، مرد غرو و جهاد دسی سرده و کارس نگاهانی از کل  
سررمی است که اعتقاد دسی بر یکی از عناصر وحدت سس آن  
است، و در این حک شرکت رسم فقط در حد یکی از پهلوانان  
کنسور است تا نایان، حک و سروری بهایی یکی، هم کنخسرو  
باید تا نفس به کرمان از صحنه حماسه ملی خارج شود، و هم  
رسم عصر رزدست و «ناره اس» کسانسان هم، که پهلوانی  
دسی خون اسفندبار می طلبد، به رودی در بی خواهد آمد عهد  
حکومت رانلسان و اطراف برای رسم از سوی کنخسرو هم  
نادرشاه رحمت حدفونه اوست و هم به مرله حکم  
نارسیستکی اس سس رسم باز دیگر ناند در غبار فراموسی فرو  
رود و به اسطوار آن زمان نماید که باز به ناسحب فراخوانده شود، و  
این باز البته به شکل و سبدهای ناره تا غل و ربحر ماحرای  
رسم و اسفندبار هنگام سرباز کردن دمل تعارضی است که  
دیرزمانی در سکر حماسه ملی ایران وجود داشته است.

از زمان رادن و ورودن سناوس تا سرد تا کاموس کسان، و  
تا این عشتا بر حیری سست خراسکه داسانیهای رسم و وال  
سرون از سکره کهن حماسه ملی بدان سوسه است  
از همه آنها گدسه یکی از مهم ترین فرائ براسکه در عصر  
وایی داسان سهراب (و کلاً همه داسانیهای مربوط به رسم)  
تا به داسانیهای که از آنها الگوگیری سده اند ماحر و  
سنانند باز هم دلیل هری است (در اسناد بر حورده و  
های هری، همانکه من همسده اعتقاد داسه ام، می تواند  
حکومت به مسانلی ناست که تحقیق علمی در برابر آنها سکوت  
ده است)، و آن این است که در سراسر عصر سسناواری  
منامه (عصر اساطیری و حماسی) الگوهای داسانی و  
نفسی کاملاً متبوعند مکر در مورد خرناب داسانی، به عبار  
تر در این بخش غمده ساهنامه قصد بر آن بوده که کلیه  
جهای شخصیتی و الگوهای کلی داسانی ممکن در همسده  
یح گنجانده شود تا بر این کلیت این الگوهای داسانی و  
نفسی هیچ گاه در سراسر عصر اساطیری و پهلوانی تکرار  
ن شود، بعد در مورد رسم (همنجان، کردار او در داسان سرن و  
زه، و داسان سهراب) اسات این موضوع را که خود نارمند  
سی دفعی و سحسی الگوهاست به فرضی دیگر موقوف  
کنم، تا این فرض که خوانندگان ساهنامه برده از کلیت این  
موضوع آگاهند ناری، تاوجه به همس نوع و اصل هری عدم  
از است که ساهبهای الگویی داسانیهای مربوط به رسم تا  
سایهایی که سکره اصلی و شخصیه حماسه ملی ما را می سازند  
سایه های کسانان) ما را سست به الگوگیری داسانیهای رسم و  
سنان از داسانیهای کسانان متقاعد می کند  
تغلا نه ترین شرکت رسم در رویدادهای ساهنامه و غالی بر س  
ناراب او مربوط به عصر کاوس است در عصر کنخسرو بر  
جه اس نادرشاه ارمانی همواره سس سس سنان و اکرام را در  
رسم دارد، اما حضور فعال رستم در این برهه تنها در سعه اول  
است، یعنی همان ایامی که می توان گفت هنوز سلطنت  
مرومومی نافته و به اصطلاح کنخسرو کنخسرو سده است، و  
بر امری سجنده است، در این آتام رسم در دفع کسانان

# روابط ایران و امریکا و شوروی از جنگ بین‌المللی دوم تا کنون

ناصر ایرانی

۶. روابط امنیتی بین ایالات متحده و ایران، ۱۹۷۸،  
فلم مارک گاسیوروسکی؛
۷. گامی که ایالات متحده به سوی ایران  
۱۹۸۵-۱۹۸۶ یک تحلیل به فلم جیمز بیل؛
۸. سیاست دولت ریگان در قبال ایران به فلم ار.  
۹. قواعد بازی. رئولیتیک امکانات سیاسی ایالات،  
جوب عربی آسیا به فلم بروس کاننهورم؛
۱۰. نوعی راه‌حل. بین‌المللی کردن جنگ ار،  
۱۹۸۸-۱۹۸۷ به فلم گری سک؛
۱۱. انقلاب ایران و سیاست قدرت بزرگ: عامل  
دهه به فلم فرد هالیدی؛
۱۲. موضعگیری ایالات متحده و شوروی در برابر  
سیاسی اسلامی به فلم ریچارد کام.  
در این دوازده مقاله، که به ویراستاری سکی  
گاسیوروسکی به طبع رسیده‌اند، روابط ایران با ایالات  
اتحاد جماهیر شوروی از آغاز جنگ سرد در ۱۹۴۶  
کردن آن در سالهای ۱۹۸۹-۱۹۸۸ از جنبه‌های  
دیدگاههای مختلف مورد بحث قرار گرفته است.  
سالهای ۱۹۸۸-۱۹۴۶ دوره‌ای بس مهم در تاریخ  
اجتماعی ایران است. طی این دوره در ایران یک  
بزرگ و یک انقلاب سیاسی و اجتماعی و مذهبی رخ  
یافته‌های تکان‌دهنده در سطح منطقه و حتی جهان  
است که هر دو تا حد زیادی عکس‌العملی در برابر  
فدتهای بزرگ رور بوده است که می‌کوشیده‌اند  
یابند و آن را به راههایی بکشانند که سیاستها و  
می‌کرده است. از سوی دیگر، ایران هم در سال  
سرد و هم در فروکش کردن آن نقش مهمی داشته  
دلیل انتخاب دوره ۱۹۸۸-۱۹۴۶ که طی آن سیاست  
بزرگ در قبال کشورهای جهان سوم، و از جانب  
بر اساس قواعد جنگ سرد تدوین و اجرا می‌شود  
نمی‌نماید.



*Neither East Nor West: Iran, the Soviet Union, and the United States*, edited by Nikki Keddie and Mark Gasiorowski. New Haven: Yale University Press, 1990

- کتاب نه شرقی نه غربی ماحصل کنفرانسی است که در آوریل  
۱۹۸۸ با عنوان «ایران، ایالات متحده، و اتحاد جماهیر شوروی  
سوسیالیستی» در امریکا برگزار گردید. کتاب مستمل بر دوازده  
مقاله به شرح زیر است.
۱. گرایشها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران،  
۱۹۷۹-۱۹۸۸ به فلم ماریار بهرور؛
۲. مقاومت ایران در برابر مداخله ایالات متحده در خلیج  
فارس به فلم ر. ک. رضایی؛
۳. نقش ایران در سیاست و دریافتهای شوروی،  
۱۹۸۸-۱۹۴۶ به فلم ریچارد هرمن؛
۴. اسطوره‌های روابط شوروی-ایران به فلم موریل آتکین؛
۵. گورباچف، ایران، و جنگ ایران-عراق به فلم رابرت  
فریدمن؛



## آغاز جنگ سرد در ایران



قوام السلطنه

تکرار کردند و به صورت تفسیری سستی درآمد، حیدان حالی از اعتبار نسبت، یعنی درست است که دیپلماسی درخشان قوام السلطنه عامل بسیار مهمی در احراج سوریها از ایران و در سحبه باز شدن دست دولت ایران در سرکوب ساحل حسسه‌های حدایی طلب ادرنایجان و کردستان و حفظ تمامیت ارضی ایران بود، ولی حصص این است که واسطیگس در آن زمان توانایی نه کارتری سوری نظامی را در منطقه حاورمنا به نداسب ریخارد هرمس در این باب می نویسد

حرج آل، سفير ایالات متحده، می دانست که اگر مسکو تصمیم بکند دست به حسوبت بند او نمی تواند به ایران پس از این قول کمک دهد که در سازمان ملل [به دولت سوری] اعتراض خواهد کرد. وزارت امور خارجه به این سحبه رسیده بود که واسطیگس نمی تواند کاری کند که توانایی دفاعی ایران را به نحو محسوسی افزایش دهد بدتر از این، واسطیگس هیچ امدی نداسب به اینکه از حمایت بریتانیای کبیر برخوردار گردد. لندن اگر ناس می افتاد با تقسیم ایران موافقت می کرد و تا هنگامی که می توانست اقتدار خود را در جنوب حفظ کند نفوذ سوری را در شمال می پذیرفت. (p 65)

برریدت هری برومن بعدها، در سال ۱۹۵۲، ادعا کرد که در سال ۱۹۴۶ اسالسن را تهدید کرده بود و این نمایس قدرت دیکتاتور سوری را به تسلیم واداسته بود. اما مورحس هیج مدرک دیگری که ثابت کند امریکا در آن زمان به رور یا تهدید متوسل شده بود بیافته اند و لذا به این نتیجه رسیده اند که برریدت ترومن تحت تأثیر ایدئولوژی جنگ سرد چنین ادعایی کرده است.

۱۹۴۶ اتحاد جماهیر سوری بر خلاف تعهدات روسی کردن داسب تمایلی به بیرون برین سربازان خود از اکسان نمی داد. به علاوه، دو دولت دست ساند در دو ایالت جان و کردستان، روی کار آورده بود و بدین ترتیب حاکمیت ایران را نقض کرده بود و کشور را با خطر تجربه مواجه بود. مداخله حویی سوری به حدی رسیده بود که ارس را در برابر سربازان ایران قرار داد ما تواند وارد ادرنایجان سان سوند و حسسه‌های جدایی طلب متکی بر سوری را در ایالت سرکوب سارند

احاطه حویی سوری در ایران و تعلل آن کشور در بیرون سربازان خود از خاک ایران، بستر امریکاسان را مفاعد که دولت سوری بیرونی سلطه حواسب که قصد دارد دست ساند در ایران بر سر کار سارند، ترکه را تحت قرار دهد، و دست قدرهای غری را از منطقه کوتاه کند از می ناسب به مفاصله با سلطه حویی سوری برحاسب. در زمان دور و نداد دیگر سورد دو منطقه دیگر جهان رخ داد که ور و تقسیم امریکاییان را قوام بحسد بکی سلط سوری زبانی سرفی و دیگر درگر شدن آن کشور در جنگ داخلی این سه رو نداد همرمان دوره ای از مخاصمه و پس سدد در قدرهای غری با بلوک کمونسب به وجود آورد که به سرد مشهور است و پس از چهل سال طول کشید و هور انکه نائره آن فروکش کرده است کاملاً مانان سافه است لب امریکا به دلیل تعلل دولت سوری در بیرون بردن خود از خاک ایران به آن دولت سحت اعتراض کرد، و ای بی دولهای ایران و سوری صورت گرفت که طی آن ایران موافقت کرد در رمنه اکساف و اسحراج نف در ایران امیاراتی به دولت سوری بدهد سوری بران خود را از خاک ایران بیرون برد و مفعلا به ساهد ورود ایران به ادرنایجان و کردستان و سرکوب گردیدن های جدایی طلب آن دو ایالت شد. دولت ایران حاکمیت را بر ادرنایجان و کردستان دوباره برقرار کرد و مجلس شامه نف را به تصویب نرساند، و بدین ترتیب سوریها کسب هیج امتیاز مهمی از ایران اخراج سدد

بریکاییان این امر را موفقیتی برای خود به حساب آوردند معتقد بودند دیپلماسی ماهرانه قوام السلطنه نخست وزیر و موضع محکم واسنگتن که در به کارگیری اهرم بهدیدی علیه سوری تردیدی به خود نداد عوامل این موافقت ن اعتقاد امریکاییان، که بعدها تحلیل گران سیاری آن را



استالین



ترومن

تصمیم گرفت در آذربایجان و کردستان حکومت‌های د بر سر کار بیاورد. در سال ۱۹۴۶ که خبر دگرگون اطمینان بخشید که حالا می‌تواند از ایران عقب‌نشینی موافقت کرده بود که به سوروی در رمنه اکتشاف و به شمال امتیاز بدهد. ولی اگر این مهم‌ترین هدف سور س از آنکه مجلس موافقتنامه مر بوط به این امتیاز سوروی از به کار بردن رور برای به تصویب رساندن کرد؟ ارس سرح آماده ورود مجدد به ایران بود و حدایی طلب آذربایجان را با افتاده بود. حسن حدایی هور آن قدر بپرو داس که بتواند بحدیگد. به ه نمی‌توانست بگریبهای سوروی را در مورد امس دند. سوروی در سال ۱۹۴۶ موخه ارس استراری ایران بود ولی ناری به آن نداس. آنچه به سو خاطر بخشید اقدامهای سیاسی بود که به جسم س توطئه انگلیس و امریکا را برای تسلط بر ایران کا در کاهش یافتن بگریبهای سوروی دو امر مه بوده ناسد. بخش، انتصاب قوام السلطنه به مقام به سوروی اطمینان خاطر داد که در ایران رهبری د دست گرفته است که مسهل از انگلیس و امریکا به عمل می‌کند در آن زمان برخی از امریکاییان و سوروی به حساب می‌آوردند. او در واسنگش. وه سفير ایالات متحده در ایران، با سورویها س از می‌کرد. اعسار او به عنوان يك ملی‌گرا ممکن ا سوروی را از بن برده ناسد. دوم اینکه ایالات بخردانه سبب به بگریبهای سوروی سان داد و

حال این پرسش به ذهن می‌رسد که اگر ایالات متحده حر اینکه در سازمان ملل به اعتراض برداردکاری صورت داد، و نمی‌توانست یا نمی‌خواست بپرووی نظامی مؤبری به ایران گسیل دارد، س حرا اتحاد سوروی از ایران عقب‌سستی کرد؟ ربحارد هرمس، نویسنده مقاله «نفس ایران در سیاست و دریافتهای سوروی، ۱۹۸۸-۱۹۴۶»، معتقد است که دلیل عمده عقب‌سستی سوروی ساید اولوئیهای خود سورویها بوده است او می‌گوید بجهت حیوی، به‌ویژه ایران، در مرکز توجه و بگریبهای سوروی نبود بلکه عرصه اروپا در صدر اولوئیهای آن کسور قرار داس. و حو ایران واحد اهمیتی نایوی بود بعید بیست همان فسار باحر امریکا هم کافی بوده است که رهبران سوروی را وادار به تحلیه ایران کند

ولی در این صورت اصلاً حرا سوروی سرباران خود را به موقع از حاک ایران بیرون ببرد و آسکارا به دحالت در امور داخلی ایران برداشت؟ به نفس سوروی می‌توانست بیس‌سستی کند که واسنگش به عکس‌العملی سان خواهد داد اگر شمال ایران واحد اهمیت و ارس حدایی برای سوروی نبود س حرا سوروی خود را در آنجا تلف کرد؟

برخی از صاحب‌نظران را عقیده بر این است که سوروی از ترس آنکه مبدا انگلیس و امریکا بر کل ایران نف خراسیلا سدا کنند و به مناطقی نفی سوروی بردیگر گردند بدان اعمال دست رد. به عبارت دیگر، استراتژی سوروی در ایران سستر حبیه دفاعی داس تا توسعه طلبانه و تهاجمی.

در این صورت اگر استالین این خطر را که ممکن است انگلیس و امریکا بر ایران تسلط یابد حیا جدی می‌داس که

وارد بناورد تا در برابر سوریها موضعی مبارز طلبانه اتخاذ  
 بکند. فوام را تسویق کرد که نه تقاضای سوری در مورد نفت  
 را موافق نشان دهد و خصوصیت استالین را ریسبگیرد  
 بر اینکه سوری نمی‌خواست انگلیس و امریکا بر ایران  
 نظارت نمایند و نه اقدامات خس و امریالیستی دست رد را حجاج  
 وی‌اس به بانگاه دشمن تبدیل نگردد. منان صاحب‌طران  
 بلافاصله اندکی وجود دارد، ولی اینکه سوری در پی آن بود که  
 را به ریر یوع خود بکشد و اس کشور را همچون سکویی  
 بی‌فایده اسبابه کار گردد مسئله‌ای است مورد اختلاف که ساند  
 ج‌گاه توان پاسخ همه‌سندی برای آن یافت  
 در صفحات بعدی همین مقاله خواهیم دید که انا سوری در  
 چهل سال بعد از فرصتهای دیگری که در ایران موجود بود  
 بفرمانده کرد تا بر این کشور تسلط یابد تا فقط در برابر تهدیدهایی  
 تصور می‌کرد متوجه مرزهای حیوی‌اس است عکس‌العمل  
 با می‌داد؟

### افزایش تدریجی نفوذ امریکا در ایران

همان زمانی که تلاس سوری برای کسب اقدار در ایران  
 به جهانشان را به خود معطوف داشته بود، امریکا به نحو  
 پنهانی در دولت و اقتصاد و ارس ایران نفوذ می‌یافت. امریکا  
 در آن گرجه در سال ۱۸۵۶ رسماً روابط دیپلماتیک برقرار کرده  
 شد. تا پیش از جنگ جهانی دوم تماس‌های اندکی با هم نداشتند.  
 طول جنگ جهانی دوم، امریکا حدود ۳۰ هزار سرباز در ایران  
 نشر کرد تا ارسال تجهیزات را به اتحاد سوری سهیل کند، و  
 بریتانیای ایالات متحده به ایران باز شد ولی ایرانیان در  
 زمان امریکا را خطر عمده‌ای به حساب نمی‌آوردند. به حسم  
 پس از خروج سربازان سوری از ایران، خطر عمده

انگلیس بود که تسلطی همه‌جانبه بر نفت ایران داشت و سودهای  
 سرسایتی از استخراج و فروش آن به دست می‌آورد حال آنکه  
 حق امتیازی که ایران دریافت می‌کرد بسیار ناچیز بود  
 ایرانیان تسه‌دگرگونی بودند در تمام حبه‌های زندگی  
 سیاسی و اجتماعی و به حد حقوق نایمال شده خود را از سرک  
 نفت می‌طلبیدند، و حواسبار قطع نفوذ دولتهای بیگانه در  
 کشور بودند این اراده ملی به صورت حبس ملی سدر صعب  
 نفت ایران محلی شد که صنعت نفت ایران را ملی کرد و دولت  
 ملی دکتر محمد مصدق را روی کار آورد.

امریکا در آن دوره در خاورمیانه سه هدف عمده را دنبال  
 می‌کرد: مقابله با این استراتژی سوری که - آن طور که  
 امریکاییان معتقد بودند- در صدد بود جهان را به ریر یوع  
 کمونسیم بکشد، حصول اطمینان از جریان اراده نفت خاورمیانه به  
 کشورهای صنعتی، و حفظ استقلال و امنیت کشور اسرائیل  
 تا روری که هری ترومن رس جمهور امریکا بود به نظر  
 می‌رسید که دولت ایالات متحده مخالفی با حبس ملی ایران، و  
 سایر حسسهای ملی خاورمیانه، ندارد زیرا هدفهای آن را منافی  
 منافع خود نمی‌داند ولی پس از آنکه دولت آرنه‌هاور به  
 ریاست جمهوری امریکا برگزیده شد و جان فاسر دالس مقام  
 وزارت امور خارجه را به عهده گرفت سیاست دولت امریکا  
 دگرگون شد

در سال ۱۹۵۰، دولت ترومن استراتژی جدیدی برای مهار  
 کردن توسعه‌طلبی سوری اختیار کرد براساس این استراتژی  
 دولت امریکا روابط امنیتی نزدیک با کشورهای برقرار می‌کرد که  
 هم‌مرز سوری بودند ایران یکی از این دولتها بود  
 دولت آرنه‌هاور در مقایسه با دولت ترومن سیاست خارجی  
 فعالتری پس گرفت و کوشید با متحدان امریکا را در سراسر



سید راهدی، نخست‌وزیر کودتای ۲۸ مرداد



کرمیت رورولت، مخبر کودتای امریکایی ۲۸ مرداد



مصدق

سپس از وقوع کودتا، رسانه‌های شوروی از امکان نظامی به رهبری امریکا سخن به میان می‌آوردید و به کودتا و دستگیری دکتر مصدق، مسکو سدیداً به اعتراض کرد ولی دست به هیچ عمل دیگری برد. حز ان زمان از قدرت زیادی برخوردار بود و شبکه نظامی در سروهای مسلح ایران به وجود آورده بود به معنای بحاسبت، و اس با حد زیادی رسانه آن بود که مسکو را امر حیدان حسم انگیزی تلفی نمی‌کند رسانه د باطنی مسکو این بود که دولت شوروی در طرف - ستنا خوبی، به‌ویژه در زمینه باررگانی، با دولت کرد و در سالهای بعد اس روابط را توسعه بخشید، سالهای پس از انقلاب اسلامی شوروی برگزینر ساحت ایران بود و ایران در خاورمانه برگزینر غیر نظامی شوروی. کمکهای علمی و فنی شوروی دامنه‌ای داشت که حضور پس از سه هزار مساور در ایران ضروری ساخته بود. در آن زمان شوروی جهان سومی دیگری به این اندازه مساور نداشت مسکو موافقت کرد که به تهران تجهیزات نظام ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۰ حدود ۳۴۴ میلیون دلار اسحله به در اکثر ۱۹۷۲، شوروی يك پیمان دوسی با امر اس زمان باررگانی شوروی با ایران بیش از بارر عرای بود

## روابط امنیتی امریکا و ایران

برگردیم به دوره بعد از کودتای ۲۸ مرداد و به چگونه به رژیم شاه کمک کرد تا نهادهای امنی

جهان تمویب کند و به بها متحدان شوروی بلکه دولتهای بی طرفی را هم که هوادار شوروی خوانده می‌شدند ساقط سازد و گرچه سیاست سازان امریکایی دکتر محمد مصدق را کمونسب نمی‌دانستند، دولت آنرهاور در طرف حد هفتمه پس از بر سر کار آمدن به طرح نقشه‌هایی برای سرنگونی دولت مصدق مسعول شد و موفق گردید در اوت ۱۹۵۳ (۲۸ مرداد ۱۳۳۲) آن دولت را از طریق کودتایی به رهبری سارمان حاسوسی امریکا سرنگون سازد

کودتای ۲۸ مرداد فضل‌الله راهدی را به نخسب ورثری رساند و شاه را به تحت سلطنت بار گرداند اما جامعه ایران به آسانی سامدهای کودتا را نندیرف و دولت راهدی در موقعیت صعبی فرار داشت دولت امریکا با حار شد بداسر محتلفی اتحاد کند تا دولت راهدی را سرنا نگه دارد. اسکار بر س اس بداسر حمایت سیاسی امریکا از دولت راهدی و اعطای کمکهای اقتصادی و نظامی به آن دولت بود

علاوه بر اس کمکهای اسکار، امریکا فعالتهای محمی مخلفی بر برای سرنا نگه دانستی دولت راهدی انجام داد از جمله، رئیس ناگاه سنا در ایران اندکی پس از کودتا به سرار رفت و با رهبران ابل فسمایی که طرفدار دکتر مصدق بودند ملاقات کرد و به آنان اخطار نمود که بر ضد دولت حدید فنام نکنند؛ و سر ناگاه سنا در بهران اطلاعاتی راجع به حزب بوده در احسار دولت راهدی فرار داد با آن دولت بواند حزب بوده را سرکوب کند

امریکا اس خدمات را محابی انجام نداد بلکه دسمرد سسار سرنی دریافت کرد؛ پس از سقوط دولت دکتر مصدق صعب نف اسران ظاهرآ «ملی سده» باقی ماند اما در عمل مهار اس صعب به دست کسرسیومی بین‌المللی افتاد که چهل درصد سهام ان تقدیم سرکهای نفی امریکایی شد.

## عکس العمل شوروی در برابر کودتای ۲۸ مرداد

این امر که شوروی در برابر نابود شدن حکومتهای دست سنایده آذربایجان و کردستان هیچ عکس‌العملی از خود نشان نداد تعجب‌آور است ولی فعل بدیری آن کسور در برابر کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق به حق حزب انگرس است، زیرا در این رویداد دولت عمر معهدی در کسوری که نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتر مرز مسرک با شوروی دارد از طریق کودتایی سرنگون می‌شد که در آن دودسمن اصلی شوروی، یعنی امریکا و انگلس، دست داشتند؛ و دولتی روی کار می‌آمد که بفای آن به‌طور کامل بسته به حمایت مالی و نظامی امریکا بود.

سید و ایران را به صورت يك كسور بلسی چهار در آورد.

این موضوع را مارك گاسوروسکی در مقاله «روابط امنیتی ایالات متحد و ایران، ۱۹۷۸-۱۹۵۳» مورد بحث قرار داده است. او می گوید چون این موضوع با امنیت ملی امریکا مرتبط است تا کنون اطلاعات موبی اندکی در این باره منتشر شده و او به خارج بروهس خود را بر اطلاعاتی مکی نموده که از مصاحبه با مبات امریکایی و ایرانی دست اندرکار در روابط امنیتی دو کشور به دست آورده است.

در سپتامبر ۱۹۵۳ (سپتامبر ۱۳۳۲) يك سرهنگ امریکایی بنویسنا تحت عنوان وابسته نظامی به ایران فرستاده شد تا يك خدمت جدید اطلاعاتی را سازمان دهد. این واحد به کمک نماینداری نظامی تهران تأسیس شد که فرماندهی آن را تومور خسار به عهده داشت. سرهنگ امریکایی به همکاری نزدیک با خسار و دستیاران بر داحت و مساور آنان در مسائل امنیتی احلی گردید و به آنان روسهای نابیدن مخالفان و بازجویی و استفاده از شبکه های اطلاعاتی را آموخت. این واحد نخستین نهاد اطلاعاتی مدرن و کارآمد بود که در ایران به کار پرداخت، و پس واحد است که بعدها به سروی بلس مخفی به نام ساواک تبدیل گردید.

مهمترین دستاورد واحد اطلاعاتی مربوط، که در اوایل سال ۱۹۵۳ (اواخر سال ۱۳۳۲) آغاز به کار کرد، کشف و نابود ساختن شبکه تررگی بود که حزب توده در ارس ایران سازمان داده بود. قضیت واحد مربوط در کشف و نابود ساختن شبکه نظامی حزب توده عمده ترین دلیلی بود که شاه را برانگیخت تا سازمان اطلاعاتی مدرن ساواک را تأسیس کند.

در اواسط دهه ۱۹۵۰، سرهنگ امریکایی از ایران رفت و به ای او گروهی مرکب از سخ عضو سیا به ایران فرستاده شدند. این گروه متشکل بود از يك رئیس ناگاه، يك معاون ناگاه، و حسين عملیات مخفی و تحلیل اطلاعاتی و ضدحساسوسی در ۱۹۵۱ واحد اطلاعاتی بخیار جدید سازمان سد و به سازمان ناتی مستغلی تبدیل گردید که ساواک نام گرفت. گروه سی سیا پس از این دگرگونی همچنان به کار با ساواک ادامه تا سال ۱۹۶۰ یا ۶۱ در ایران باقی ماند.

طبقه اصلی گروه آموزشی سیا این بود که ساواک را به ان اطلاعاتی مدرن و کارآمدی تبدیل کند. آموزش شامل هایی در اصول کار اطلاعاتی بود. اعضای ساواک آموزش دید که ابزارهای اساسی جاسوسی را چگونه به کار گیرند. استخدام مأمور، استفاده از خانه های امن و ارسال نام، ن مخالفان، روسهای بازجویی، و حفظ امنیت شخصی. لگران اطلاعاتی فنون تحلیلی مدرن را می آموختند. از قبل

حگونه باید برونده رندگینامه ای بسکمل داد. چگونه باید در خدمت منابع اطلاعاتی را تعین کرد، و چگونه باید گزارش نوشت. متخصصان ضد اطلاعات در زمینه مهارتهای اساسی این رسته و همچنین در زمینه فنون عملیاتی و ساختار سازمانی نهادهای اطلاعاتی بلوک شوروی آموزش می دیدند. در ان سالها بسیاری از اعضای ساواک به امریکا اعزام گردیدند تا در آنجا در موضوعهایی از قبیل کشف تقلب، زبان روسی، استفاده از کامپیوتر و تجهیزات خاص برای نابیدن مخالفان، بازجویی، و ارتباطات آموزش ببینند. برخی دیگر از اعضای ساواک در اواخر دهه ۱۹۵۰ به انگلستان و فرانسه و آلمان فرستاده شدند تا دوره های تحصیسی دیگری را طی کنند. تا اواخر دهه ۱۹۵۰ که برنامه آموزشی سیا خاتمه یافت، تمام افراد اولس سسل از کارکنان ساواک به وسیله تروه آموزشی سیا آموزش دیده بودند.

در سال ۱۹۶۰ تا ۶۱ گروه آموزشی سیا از ایران رفت و گروهی از علیم دهندگان عضو موسسه، سروس اطلاعات خارجی اسرائیل، حای ان را گرفت. گروه موسسه معمولاً مسکمل از دو تا هشت عضو بود و تا سال ۱۹۶۵ در ایران به کار مشغول بود و به کارکنان ساواک همان تعلیماتی را می داد که گروه آموزشی سیا می داد.

پس از آنکه گروه آموزشی سیا ایران را ترك کرد همکاری سیا و ساواک همچنان ادامه یافت و این دو سازمان رابطه بسیار نزدیکی را که تا هم داشتند حفظ کردند. رؤسای ناگاه سیا در تهران به طور منظم با شاه و مدیران بخشهای مختلف ساواک در تماس بودند، و نمائنده ساواک در ایالات متحد که ربر بوسس نمایندگی ایران در سازمان ملل فعالیت می نمود، غالباً با مقامات سیا ملاقات می کرد و در واقع مأمور حقوق بگر سیا بود.



تومور خسار

### رشته‌ها پنبه می‌شود

حمایت امریکا از رژیم ساه فقط محدود به همکاری در سازمان دادن ساواک و آموزش کارکنان آن نبود. این کشور نقش مهمی نیز در نوسازی و تجهیز ارتش و راندارم‌ری ایران ایفا کرد و به تدریج از شاه دیکتاتور مطلق‌العنانی ساخت که گرچه بر کسوری نسبتاً نیرومند فرمان می‌راند تا حد زیادی بر حمایت نظامی امریکا متکی بود و در عوض متحد نایب‌قدم آن کشور در منطقه به‌سمار می‌رفت.

موقعیتهای امریکا در منطقه خاورمیانه فقط به ایران ختم نمی‌شد. اصولاً سیاستی که این کشور در خاورمیانه دنبال می‌نمود در سال ۱۹۵۷ تدوین شده بود. براساس این سیاست، امریکا مصمم بود با کشورهای نظیر اسرائیل و ترکیه و ایران و آن رژیمهای عربی اتحاد برقرار کند که با امریکا در مخالفت با شوروی و همچنین با جبهه‌ها و عناصر بی‌سرو و ملی‌گرا منافع مشترک داشتند.

سیاست مزبور در مجموع سیاست موفقی بود و اوج موفقیت آن نیز فرایند صلح کم‌دیوید و تمایل رژیم صدام حسین به گرویدن به اردوگاه عرب و اتحاد با کشورهای محافظه‌کار عرب بود.

ولی درست در اوج این موفقیت انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید که یکی از بزرگترین شکستهای امریکا به‌سمار می‌رود و دست‌کم، هرچه را امریکا در طی ۲۵ سال در ایران رسته بود به یک صرب سه کرد.

### ○ موضع امریکا در برابر انقلاب اسلامی

بیشتر کارکنان وزارت امور خارجه که با امور مربوط به ایران سروکار داشتند انقلاب اسلامی را برآمده از پیروهای داخلی می‌دانستند و معتقد بودند که این انقلاب لزوماً مخالف منافع امریکا نیست ولی، همان‌طور که جان فاسر دالس رئیس ملی سدن صنعت نفت ایران را ابرار سیاست توسعه‌طلبانه شوروی می‌دانست، ریگیو بریسکی مساور امنیت ملی کارتر معتقد بود که در انقلاب اسلامی دسب شوروی در کار است او و متحدینش، نظیر جیمز سلرنگر و هارولد براون، توانستند کارتر را ترغیب کنند که سیاستی منطقی با این نظر پیش گیرد آنان در دی ماه ۱۳۵۷ - یعنی در زمانی که سرناران وظیفه ارتش از نادگانها فرار می‌کردند- این طرح را به تصویب رسانیدند که دسب اجر، اگر تدابیر دیگر به حایب برسید، می‌بایست به کودتای نظامی متوسل شد و انقلاب را به زور سرکوب کرد. این سیاست کاملاً همسار با نظری بود که نیروهای انقلابی را در ایران، درست همان‌گونه که جان فاستر دالس دکتر مصدق را در سال ۱۹۵۳

دیده بود، دست‌کم ازار توطئه‌های دسمن شیطان‌صه می‌دانست.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دویرگی ایران انقلابی از آن آسکار بود که مقامات امریکایی، حتی بررینسکی، فاکتمان آن باسد: اول اینکه دولت انقلابی ایران کاملاً مستقل نیروهای خارجی، ارحمله شوروی، هیچ نفودی در آن نداسد دوم اینکه مبارزه برای کسب رهبری بین آرادیحواهان مده غیر مذهبی اریک سو و انقلابیون اسلامی از سوی دیگر درج بود.

مهندس مهدی بازرگان، نخست‌ورر، صمن مبارزه‌ای اناخته می‌کوسد تا بر نهادهای انقلابی که در جریان ا به‌طور خودبه‌خود تسکيل شده بودند تسلط یابد. تا آنان ۵۸ دیپلماتهای امریکایی به گروگان گرفته سدید، انقلابیون ا، برادر فتح کرده بودند و ایران به دو قطب مصاد سر سحت شده بود که یک قطب مخالف و یک قطب موافق تسلط روحانی حاکم بر ریدگی ساسی ایران بود

تا بیس اربحران گروگانگیری دو گرایس در ساسب موجود بود که هر دو سر و سمد بودند گرایس اول عمدتاً در امور خارجه رسه داسب اس گرایس به نحوی ط غیرمداخله‌گرانه از دولت بزرگان حمایت می‌کرد، دو می‌کوسد از دوفطی سدن حامعه ایران حلوگیری کند مرور حو ارسوء ظن ایرانیان سبب به امریکا حبر داسد می‌کرد بدون حبحال روابط دیپلماتیک و اقتصادي امر، ایران عادی سارد طرفداران اس گراس طاهراً حبر می‌کردند که بارگرداندن سبب به ایران موط به حفو اسب به راه افادن حرح اقتصاد که حركت ان در سحتا سسار کند شده بود؛ و رفع نگرانی از وقوع يك کودتای امریکا برای بارگرداندن سلطت بهلوی به ایران. آنان لا حس می‌کردند که شوروی سروهای اسلام انقلابی ابرار بی‌سای سدید می‌کند و ناسح پیروزی آنان به احما مرزهای ایران هراتر می‌رود. به عصفه آنان حالا دیگر عامل بی‌سای منطقه سوب بلکه حرس اسلامی سبب تهدید می‌کرد

طرفداران گرایس دوم افرادی نظیر بررینسکی همحان تمام ساستهای عمده منطقه‌ای را در خارحو فرصی شوروی می‌دیدند. از لحاظ ایسان از دسب ر مصیبت بار بود و در برابر آنان دوراه وجود داسب. یارر ایران را سرنگون سارند و به‌حای آن بیوسه‌ای ایرا کار بیاورند، یا با نیروهای اسلام انقلابی به‌طور عام و اسلامی ایران به‌طور خاص اتحادی بالفعل به‌وجود

حد ماه سن از بیروزی انقلاب نسانه‌هایی به چشم خورد حاکی از اینکه برریسکی هوادار سق دوم است او اس را که آرادینخواهان مذهبی و غیرمذهبی به رهبری آقایان می‌نواند تسلط خود را بر دستگاه دولت حفظ کند لوحانه می‌داند. هدف عمده او تشکیل اتحادیه ضد وی بیرومنندی در منطقه بود و حین می‌نمود که قصد دارد به انقلاب ناسد کند که این هدف او که می‌خواهد کسورس مل ناسد و کسورهای سگانه در امور ان دحالت نکند با بای امریکا مطابق است. ماحرای کروگانگری امکان عملی اس سق را به کلی از پس برد ولی گراسی که برریسکی ده آن بود با مدت‌ها سن از آراد سدن گروگانها باقی ماند نك م بارر اس امر ماحرای ایران گت بود که بعدا به آن حواهم حب

### وضع سوروی در برابر انقلاب اسلامی

انی که می‌توان براساس نوسه‌های رورنامه‌های سوروی ب نمود، رهبران سوروی سانه‌های انقلاب اسلامی را به درسافند رورنامه‌های سوروی بظاهرات اعراض امیر ۱۹ ۱۳۵۶ قم را نادیده گرفتند و حندان سحی از سورس ۲۹ ن بر بر به میان ناوردد. در این زمان کماکان از همکاری سوروی و ایران وروابط دوسانه دو کسور سحن می‌رفت لی با اوایل ۱۳۵۷ لحن رورنامه‌های سوروی دگرگون سده السه هور اسفادی از سحس ساه نمی‌کردند و به اسکه رریم نکی اسب سقوط کند اساره‌ای نمی‌نمودند، ولی به وضوح از د «نعارضهای» اجتماعی و اقتصادی سخن می‌گفتند نامه‌های سوروی این تعارضها را ناسی از عوامل محلی رسد دستگاه اجرایی فاسد و بریده از مردم، هر سه‌های نظامی ، از حد، حقفان سیاسی، و بیس از همه ساند نوساری ع و برنامه‌های بلندروارانه ساه برای دگرگونی اجتماعی استند.

ظاهرا در آذر ۱۳۵۷، رهبران سوروی به این سحه رسدند که ساه در آستانه سقوط است، ریرا رورنامه‌های سوروی نوی «عکس العمل در برابر نوسازی سریع و اثراث منفی نشار گداستند و این نعمه را سار کردند که حرف «نوساری» مثل حبری حر فریب و بلب نوده است و مسکل مملکت سب بی‌حو و حرای ساه از واسگتس و فساد سحس سوروی و رریم اورا مسب آهنگن فصا بان ساواک و مأموران امریکا نکه دانسته است. حالا دیگر مخالفان رریم علیه نوساری نده بودند بلکه بر صد امریالیسم امریکا و ساه فاسست نژده بودند.

سوروی کمکی به ناگری و بیروزی انقلاب اسلامی نکرد، ولی از سقوط ساه اراز حوسحالی نمود و این هیچ تعجب آور بیست ریرا نمود امریکا در ایران همواره موجب نگرانی سوروی بود و این کسور حالا که می‌دید دست امریکا از ایران کوتاه سده اسب سحت به وحد آمده بود و می‌کوسد رریم انقلابی را تسوین کند که ساسب صدامریکایی خود را ادامه دهد، و هر گاه نه حس می‌کرد ممکن است یح روابط ایران و امریکا اندکی آب سود به فسار تبلیعاتی متوسل می‌سد ارحمله، در بایبر ۱۳۵۸ و فی دولت ناررگان کوسد ناسهای معمولی دیپلماتک با واسگتس برقرار کند و لوام ندکی نظامی متعلی به ایران را از امریکا بگیرد، مفسران سوروی بطر الکساندر نوی «نگرانی» و «نامندی» خود را از مسر انقلاب اراز داسد و مطوعاب سوروی - مل هر وف دیگری که در صدد برمی‌آمدند به دولت ایران فسار وارد ناوردد - به یاد حقوق عصه سده افلسهای فومی ایران به و به کردها افاندید اما سن از سقوط دولت ناررگان و ماحرای گروگانگری که هر گونه امکایی جهت از سرگیری روابط با امریکا از پس رفت «نگرانی» سوروی درباره افلیتهای فومی ایران هم بایان نافت

### انقلابی که شرق و غرب را گیج کرد

فرد هالیدی، اسناد مدرسه اقتصاد لندن و کارسناس مسائل حاوریهانه، در مقاله «انقلاب ایران و سیاست قدرت بررگ» می‌نوسد انقلاب اسلامی مسائل حادی برای اتحاد سوروی و امریکا سن آورد که هور راه حلی برای انها موحود سب. به واسگس و به مسکو فادر نوده اندروابط نابیاتی با ایران انقلابی برقرار کند با آن را نادیده نگرند و با ان به مخالف تمام عیار بردارند

در دوران معاصر این نخست بار بود که ایران وضعی انقلابی ندایی کرد و کانون نگرانیها با محاسبات بین‌المللی می‌گردید در دوره‌ای که ار دهه آخر قرن نوردهم آغاز می‌سود و به سال ۱۲۹۹ حم می‌گردد ترکی از فسار اقتصادی بر رریم فاحار، رفانت اسر ایرک سن انگلس و روسه براری، و انقلاب داخلی باعث میلانی سدن دولت ایران و ورود سرناران سگانه به حاک کسور سد انگلس کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ را ترتیب داد و رصاساه را به قدرت رساند و به «نگرانیها» و «اضطرابهای» سن‌المللی حاتم داد

دومین دوره بحرانی از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ طول کسد. بحران اس دوره ناسی از بحاور انگلس و سوروی به حاک ایران بود نه ناسی از انقلابی داخلی. با وجود اس، تجاوز مزبور آغارگر بحران عمیقت و بین‌المللی تری از بحران دوره نحسب سد. در همین

انقلاب اسلامی کمتر از هر انقلاب دیگری در دوران درگیر روابط شرق و غرب بوده است و نه همین دلیل به غرب نفودی بر آن نداشته‌اند و حتی کار برقراری روابط با را مشکل یافته‌اند.

واسطه‌ی این لحاظ با محدودیها و دسوارهای بی‌مواجه بوده است نه‌ویژه پس از بحران گروگان‌گیری که امکان برقراری روابط دوسانه بین ایران و آمریکا در نزدیک از بین رفت.

بحران گروگان‌گیری از سرگیری روابط بین ایران و آمریکا بسیار مشکل کرد، اما پیامدهایی این بحران می‌توانست در دو طرف مصیبت‌بارتر از آن بسود که در عمل شد: ایران گروگانها را آزاد ساخت و آمریکا به سازمان دادن «کمیته ایرانی صادرات بررید» باوجود این، هم در ایران و هم در موانع عمده‌ای وجود دارد که حتی از سرگیری روابط دیپلماتیک را نیز بسیار دشوار می‌سازد.

اتحاد شوروی تا حدی روابط بهتری با جمهوری ایران داشته است. پیوندهای دیپلماتیک و بازرگانی این ایران هیچ‌گاه گسسته نشده است، اما، در عین حال، تسهیل بر در روابط دو کشور وجود داشته است: ایران تا سال ۱۳۶۰ سه جنس حریکی سیمی مذهب در افغانستان کمک می‌کرد. ترتیب شوروی را با مسکلهایی روبرو می‌ساخت، شدیدتر از مسکلهایی که برای آمریکا در سه‌حزبه ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، اگر در جنگ ایران و عراق حاکم عراق را گرفته بود این اتحاد شوروی بود که تا سلاحهای عراق را تأمین می‌کرد.

مع‌هذا مسکو توانست علی‌رغم مسئله افغانستان، حزب توده و متحد آن، فدائیان اکریب، باب گفت و تهران باز نگه دارد و پس از خاتمه جنگ ایران عقب‌سینی نیروهای شوروی از افغانستان در فور روابط خود را با ایران بهبود بخشد.

## نتیجه‌گیری

از مجموع نظرها و استدلالهای نویسندگان کتاب، غربی می‌توان این نتیجه را گرفت که اتحاد شوروی، ۱۳۲۵ که دقیقاً معلوم نیست در می‌دستیابی به حاکمیت ملی ایران را تقض کرد و تعامیب ارضی کسو فروبازی مواجهه صاحب، بیات توسعه‌طلبانه در است و چنین می‌نماید که هدفهای آن کشور محدود است که بای دشمنان، و در صدر آنها ایالات متحده نشود.

دوره جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران با گرفت که منحرف به روی کار آمدن دولت ملی دکتر محمد مصدق گردید و باز هم آتش «نگرانیها» و «اضطرابهای» قدرتهای بزرگ سعله‌ور شد. اما آمریکا و انگلیس کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را ترتیب دادند و خیال خود و سایر مضطربان را آسوده ساختند.

ولی مسائل حادی که انقلاب اسلامی برای قدرتهای بزرگ پیش آورد از برخی وجوه مهم متمایز از مسائلی است که دو بحران پیشین به‌وجود آورده بود و از بسیاری جهات حل‌ناشدنی‌تر. مهمترین وجه تمایز این است که اکنون وضعیت داخلی ایران به نحو باروری با وضعیت داخلی ایران در آن دو دوره فرق دارد. ایران در دودمه آخر سلطنت قاجار و همچنین در دوره ۱۳۳۲-۱۳۲۰ از لحاظ داخلی بسیار بی‌بیات بود، دولت اقتدار حمدانی نداشت، و جنبشهای سیاسی مخالف بیرومدی وجود داشتند. ترکیب این عوامل به نیروهای بیگانه امکان می‌داد که به تحریکات مخفی و علنی بپردازند و با بهره‌گیری از فشار اقتصادی اوضاع را به سود خود تغییر دهند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی خرچ بر مدار دیگری می‌چرخد جمهوری اسلامی ایران، علی‌رغم چنددستگیها، تا امروز دولت بیرومدی بوده است که در برابر اغواگریهای سیاسی خارجیان مقاومت کرده، نیروهای نظامی را تحت کنترل قرار داده و بواسطه است که بخشهای عظیمی از جمعیت کشور را بسیج کند. از ۱۳۶۰ تا کنون با هیچ بیروی مخالف عمده‌ای روبرو نبوده است و آرمایش بزرگ تجاوز خارجی را از سر گذرانده است. جمهوری اسلامی دچار چنددستگی است که ممکن است اکنون که امام خمینی حضور ندارد زمینه مساعدی برای تحریکات خارجیان فراهم آورد، ولی تا امروز این چنددستگی بیش از آنکه حکومت را تضعیف کند نشانه سلامت سیاسی بوده است زیرا تا حدی باعث درگرفتگی بحثهای همگانی و فرمایشی بودن انتخابات شده است که در دوران پس از انقلاب کشورهای دیگر امر نادر بوده است.

نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که تمام انقلابها مشکلاتی خاصی در صحنه بین‌المللی به‌وجود می‌آورند که چند دهه طول می‌کشد تا آن مشکلات از بین بروند. این امر همان قدر در مورد انقلاب اسلامی ایران صادق است که در مورد انقلابهای فرانسه و روسیه و چین و ویتنام و انقلابهای دیگر صادق بوده است.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم بیس از ۲۰ انقلاب در کشورهای جهان سوم رخ داده است که همه آنها با روابط شرق و غرب گره خورده‌اند و در برخی از موارد به برخوردهای بزرگ منجر شده‌اند - کره در ۱۹۵۰، کوبا در ۱۹۶۲، و ویتنام در ۱۹۷۲.



بیرین فرصتی که در اختیار سوروی قرار گرفت تا بکوسد بر سلطه یابد حمله عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ بود. جنگ و عراق به سوروی امکان داد که یکی از این دوراه را پس با حمله عراق به ایران حمایت کند و اقلیتهای قومی را که نماید که دست به سورس بزنند؛ یا حمله عراق را محکوم و به حمایت فعال از ایران برخیزد به این امید که حسن نظر آن را نسبت به خود جلب کند. اگر مسکو منتظر به دست فرصتی برای کسب نفوذ در ایران بود هر دو سق قوی به می نمود. تاکتیک دیگری که می توانست فرصتهایی در پس بیاورد این بود که به هر دو طرف جنگ کمک کند تا ادامه یابد سپس، وقتی هر دو طرف از ما می افتادند، پس به سبک انقلابهای اروپایی سرفی که در علم کردن آن ره نبود انقلابهای «داخلی» کمونیستی در ایران و عراق شد خطرات احتمالی حسن اقدامهایی نسبت به سودهای تراتریک بالقوه آن بسیار ناخیر بود. اما سوروی به هیچ یک باکتیکها متوسل نشد و از همان ابتدا به مخالفت با جنگ بست و خواهان پایان یافتن قوری آن شد، و بیر مررهایی در قانونی خواند و از عراق خواست که بیروهایی را از ایران بیرون ببرد.

ریح روابط سوروی و ایران از ۱۹۴۶ تا ۱۹۸۸ حاکی از آن که هدف عمده سوروی در ایران برقراری روابط دوستانه با آن بوده است که رمام قدرت را در این کشور به دست اند، و هرگاه که برقراری روابط دوستانه با دولت ایران بوده است معمولاً رسانه های گروهی آن کشور، که به کسبه اندیشه ها و سیاستهای دولتند، از انتقاد مستقیم رسته اند.

\*

به معده در همان اولین سالهایی که نایس به ایران باز شد با احرای کودتایی دولت قانونی ایران را ساقط کرد و ساه را، ایران فرار کرده بود، به تخت سلطنت بازگرداند و به تدریج دیکتاتور مطلق العنانی ساخت که به رور بهادهای امنیتی و بی رحم بر مردم حکومت می کرد، و خود حسان نفوذ و بی در کشور به دست آورد که مردم ایران و بسیاری از سان ساه مستبد را عروسک آمریکا می دانستند.

خلات اسلامی تا حد زیادی عکس العمل مردم ایران در برابر افتدار ایالات متحده در کسورسان بود، اما ایالات متحده بیروری انقلاب را اتحاد سیاستی منسجم و پایدار که ماهاب ایران کند عاجز ماند و گرچه گرایشهای مثبتی نیز در دولت کا وجود داشت سیاست غالب ادامه دشمنی با جمهوری می ایران بود.

نارزترین نمونه این دشمنی موضعگیری ایالات متحده در جنگ ایران و عراق بود ایالات متحده در اولین سالهای جنگ اعلام می نمود که در این جنگ بیطرف است، ولی به تدریج حامداری آن کشور از عراق آسکار گشت. ریچاردر مورفی، معاون وزارت امور خارجه آمریکا، در سال ۱۹۸۴ اظهار داشت ایالات متحده به ایران مهاجم احاره می دهد دریمهای عربی را که دوستان قدیمی ایالات متحده اند بی باب سارد. امریکا در بواصر همان سال روابط دیپلماتیک خود را با عراق از سر گرفت و در حمایت از عراق تا جایی پیش رفت که ناوگان عظیمی به خلیج فارس فرستاد و به جنگی اعلام شده با ایران پرداخت.

دلایل حمایت ایالات متحده از عراق چه بود؟ ریچاردر کانم، نویسنده مقاله «موضعگیری ایالات متحده و سوروی در برابر ماررطلبی سیاسی اسلامی» در پاسخ این پرسش، با توجه به دگرگون شدن فضای سیاسی جهان و فروکش کردن آتس جنگ سرد، می گوید آن تهدیدی که تصور می شد از جانب سوروی وجود دارد به سبب کاهش یافته بود و علی رغم اسغال افغانستان رفتار بالفعل سوروی به گونه ای بود که غیرمطمئن می نمود سوروی را همچنان دشمن سلطان صفت تصور یا تصویر کرد.

از سوی دیگر، دریمهایی که امریکا علاقه مند به حفظ آنها بود و از مدتها پس آنها را «معدل» و «مسنول» خوانده بود، به ویژه عربستان سعودی و کویت، حالا تهدیدی جدی از جانب خیزش اسلام انقلابی حس می کردند که جمهوری اسلامی ایران خلودار آن بود این بود که ایالات متحده آن اتحادیه ای را که در منطقه به وجود آورده بود تا با حرکتهای توسعه طلبانه سوروی به مقابله بردارد علیه حیرس اسلام انقلابی، و به ویژه بر ضد جمهوری اسلامی ایران، به کار گرفت. در این زمان، پس از چند دهه ماررطلبی، سیاستهای ایالات متحده و اتحاد شوروی درباره ایران تا حدی همسو گردیده بود و این از نخستین نسانه های پایان یافتن جنگ سرد بود.

لازم است تصریح شود که همسویی سیاستهای امریکا و سوروی در این حد بود که هیچ یک مایل نبودند ایران در جنگ بیورر شود، ولی در حالیکه امریکا به روسنی در کنار عراق قرار گرفت و با ایران به جنگ پرداخت، شورویها مایل نبودند شورای امیب سارمان ملل برای پایان دادن به جنگ تحریمهایی علیه ایران تصویب کند. به عبارت دیگر، سیاست شوروی برخلاف سیاست امریکا ضد ایرانی نبود ولی طرفدار ایران هم نبود و شورویها حاضر نبودند تا آن حد به ایران کمک کنند که روابط دیرینه خود را با عراق تیره گردانند.

و اما در باب نامنسجم بودن سیاست امریکا همین بس که گفته

کستیرانی بود ولی در عمل نه جنگ با ایران برداخت

\*

این از موضعگرهای ایالات متحده و اتحاد شوروی جمهوری اسلامی ایران. و اما در ارزیابی سیاست جمهوری اسلامی ایران باید گفت، حسان که فرد هالندی «انقلاب ایران و» می‌نویسد، تفکر رایج در غرب سکسهای آن انگست می‌گذارد و از حمله به یاد می‌دهد. جمهوری اسلامی نتوانست انقلاب اسلامی دومی دیگری بر پا کند؛ جنگ با عراق به بن‌بست رسید و «هور بر سر کار است» رمان جنگ از لحاظ اسباب و بسیار زیاد بود؛ و جمهوری اسلامی در سازمان ملل سه روی را بر سر یک موضوع جهان سوم حسان متحد آن رمان در هیچ تعارض منطقه‌ای دیگری سابقه نداده اما گریحه‌های فوق تا حدی صحیح است، نه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تصویر درستی داد مگر آنکه موفقیتهای آن را هم در نظر گرفت. نه ایران توانسته است تا حدی به خاطر موقعیت استراتژیک تا حدی به دلیل ترس ابرقدرتها از استراتژی‌ها ایالات متحده و شوروی را به نفع خود به رفاه وادار می‌داند که در آینده بالاخره باید با ایران کنار بیاید و، نمی‌تواند همسانه حیوانی آن را نادیده نگردد با ایران واگذارد

دوم آنکه ایران توانسته است تا حد زیادی سیاست نه عربی خود را حفظ کند ایران گاه به این سو و گاه به آن سو هر یک دهنده‌ای فرستاده است و هرگاه که واه را تحت فشار قرار داده است در مسکو انتظارات را عا آورده است و هرگاه که مسکو ایران را تحت فشار و استگنی انتظارات عظمی به وجود آورده است، ولی پس از هر انقلاب دیگری در دوران معاصر خود را شرق و غرب دور نگه داشته است. و از این کار است. مسکو به حال و هوای ایران معقول است و «کترها»ی ایرانی است

با این یافتن جنگ ایران و عراق توانایی سیاست برابر مسکو و استگنی افراس داده است. با این فشارهایی را که قدرتهای بزرگ به دلیل جنگ می‌آوردند خواه و ناخواه کاهش داده است، و به ساحت است که از طریق تخصیص منابع مالی کسب موقعیت داخلی خود را محکم بخشد. بدین ترتیب برای پیگیری سیاست خارجی مستقل بیس از ه فراهم آمده است.



امام خمینی (ر.س) در بهشت زهرا، یکی از لحظات حساس انقلاب اسلامی

سود درست در همان زمانی که ریخارد مورفی اظهارات ضد ایرانی فوق را در کنگره بر زبان می‌آورد سیاست دیگری در کاخ سفید شکل می‌گرفت. این سیاست که به ایران گت مشهور شد سازگاری نسبی با اندوختوری جنگ سرد داشت سیاست ایران گت را به واقع می‌توان دنباله همان گراسی در سیاست خارجی امریکا دانست که فیلادلفیا در سال ۱۹۵۰ به عهده داشت و خواهان اتحاد با گروههای اسلام انقلابی برای مقابله با مقاصد تجاوزکارانه شوروی بود

سیاست ایران گت به محض ناسی از علاقه شدید روالد ریگان و برخی از همکاران به اراد شدن سبیل دوم گروگانهای امریکایی، یعنی کسانی بود که در لبنان به گروگان گرفته شده بودند. هدف دیگر امریکا که پس از افسای بمبهای مقامات امریکایی با مقامات ایرانی در اظهارات رابرت مک‌فارلین و جرج بوش، معاون ریاست جمهوری وقت امریکا، انعکاس یافت عبارت بود از تحسین ایران به دلیل اهمیتی که آن کشور برای امریکاییان داشت که هنوز شوروی را دشمن سلطان صفت به حساب می‌آوردند

بین طرفداران دو سیاست فوق هیچ مقابله‌ای صورت نگرفت، زیرا ادیری نگذشت که سیاست ایران گت با سکست مواجه شد و موقعیت طرفداران آسیا با ایران، به ویژه پس از آنکه معلوم گردید بول حاصله از فروش اسلحه به ایران به طور عرفانوی در اختیار کنتراهای نیکاراگوئه گذاشته شده است، به شدت تضعیف گشت و گرایش حاکم بر وزارت امور خارجه که طرفدار حمایت فعال از عراق بود فدرت یافت

این گرایش نهایتاً به حرکت نیروی دریایی بزرگی به سوی خلیج فارس منجر شد که قصد ظاهری آن دفاع از آزادی

# سرگذشت اندیشه‌ها

حسین معصومی همدانی

جامعه، تألیف ه. استیوارت هیور، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات و امورش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ۴۰۸ ص

## ۱

اصلی این کتاب جستجوی ناسجی برای این بررسی است. انسان چگونه به خود و حیات اجتماعی خود آگاهی و اصولاً علم انسان به خود و اجتماع خود چگونه ممکن تفاوت آن با علوم طبیعی چیست اما و بسنده در این کتاب است که در این معرفی که طریقی را اختیار کند و از میان ناگویی که در این باره اظهار شده یکی را برتری دهد تا های از خود بیاورد، این مسئله در این کتاب به صورت بررسی شده است و قصد بر سنده روئس کردن این نکته است که چگونه در میانه دهه آخر قرن نوزدهم و دهه سوم سیم میلادی، از برخورد اندیشه‌ها و نگرشهای گوناگون و تحولات مختلف فکری، تصور تازه‌ای از آگاهی سری نگرش جدیدی به اجتماع و حیات اجتماعی و روحی و سر و مفهوم جدیدی از علم اجتماع (با علوم روحی، سانی) بدید آمد که با آنچه پس از آن رواج داشت، و سری که در همان زمان از علوم طبیعی داشتند، تفاوت کلی با این حال، موضوع این کتاب تاریخ جامعه‌شناسی با سانی یا مردم‌شناسی یا هیچ علم دیگری نیست، بلکه می‌خواسته است داسان بداس تصور و طریقی فکری را که بر همه این علوم کم و بس تأثیر گذاشته است و حتی س و سربوست آنها را دگرگون کرده است، و این داستان ه در فضای ایری اندیشه‌های استزاعی بلکه در محیط و آن هم یک اجتماع خاص یعنی اروپای غربی اواخر ردهم و اوایل قرن بیستم و از خلال سرگذشت و نای حد متفکر ممتاز که در بدیاس این طریقی فکری و تصور همت کلی داشته‌اند، دنبال کند از این نظر موضوع این آریخ فکری است.

اصطلاح تاریخ فکری (intellectual history) مرحد غالباً مرارف با تاریخ فکر یا تاریخ اندیشه‌ها یا تاریخ مفاهیم (history of ideas) به کار می‌رود (و در این کتاب هم بارها به این معنی به کار رفته است) و گاه بر بخشی از آن سمرده می‌شود، با تاریخ فکر تفاوت طریقی دارد آن تفاوت در این است که برخلاف تاریخ فکر که اندیشه‌ها (از علمی و سانی و فلسفی و دسی) را معمولاً به استقلال و بر کنار از محیط و افرادی که بدیدسان آورده‌اند بررسی می‌کند، در تاریخ فکری محیط اجتماعی و فردی هم به اداره خود فکر، و گاه پس از آن، اهمیت دارد به سحن دیگر، در تاریخ فکر، فه‌رمانان اصلی داسان مفاهیم فکری‌اند، اما در تاریخ فکری فه‌رمانان اصلی داسان افرادی هستند که این مفاهیم را به وجود آورده‌اند یا محیط و دورانی است که این مفاهیم را در دامان خود برورده است در مقام میل می‌بوان حانگاه و نفس اندیشه‌ها را در تاریخ فکر و تاریخ فکری به حانگاه و نفس عوارض طبیعی رمن، کوهها و دره‌ها و رودها و دریاها، در رمن سانی و جغرافیا ماسد کرد در رمن سانی این عوارض و داسان رندگی آنها، راس و بداس و تحول آنها، به خودی خود اهمیت دارند، اما در جغرافیا اهمیت این عوارض غرضی است و از آن جهت است که احرائی از حصاره طبیعی سررمنی هستند که قصد سانی این را داریم - هرحد بهرس راه آسانی با هر سررمن سانی عوارض طبیعی آن است

سبب سنده تاریخ فکری سعی دارد که دورانی را از راه اندیشه‌های مهم و برحسب آن دوران ساسد، اما این اندیشه‌ها را باید در وجود مردمایی سراع بگرد که همه اندیشه بیسند و گوسب و بوسب و استخوان دارند و حر اندیشه سروهایی دیگری هم بر وجودشان حکومت می‌کند، و این حبه‌ها حیان با هم امحه‌اند که خدا کردنسان ممکن سبب گذشته از سارگارهایی که میان حبه‌های گوناگون وجود انسان هست، حی در عرصه فکر محض هم کمتر سانی یافت می‌شود که همه احزای فکر س با هم سارگاری داسه ناسند و هرحد در کتابها معمولاً افکار به صورت نظامهای ساحت سده و هماهنگ عرضه

داسته باشد. کوسس بر این خواهد بود که ببینیم، لااقل عده‌ای متفکر برگزیده، چگونه باید نگرشهای مسر مشخص کنیم که آگاهی نورسته اوایل قرن بیستم از مجه بدید آمد.»

نگته دوم این اسب که هر چند مورخ باید از وسوسه ح همه امور «در قالب طرحی روس و قابل فهم» برهر حال، باید یافته‌های تاریخی خویش را به زبان عقل بنان فضته درباره تاریخ باید منطقی باشد و گرنه قابل فهم بود «معنی این نظر این اسب که مورخ به تنها در اندیشه‌های دیگران باید به نظم و ترتیب منطقی آنها، بلکه گاه باید در میان اندیشه‌هایی که به ظاهر بدرای بیستند نوعی نظم و ارتباط منطقی ایجاد کند ما سواند، داوری کند، و اس کاری اسب که مؤلف این کتاب خود وجه احكام داده اسب

کتاب آگاهی و جامعه از نمونه‌های خوب و موفی بار اسب، و به همین دلیل هر چند بیس از يك ربع قرن از می‌گذرد هنوز هم خواندنی و آموزنده اسب و ترجمه اسب به دوستداران تاریخ تفکر و دانش‌جویان فلسه اسانی.

## ۲

فصل اول آگاهی و جامعه که عواس «برخی ملاحظه اسب، حاوی نکته‌هایی درباره روس مؤلف، موضوع رمایی و مکانی آن، و دیدگاه کلی مؤلف اسب. مؤله تعریف مختلف را از تاریخ فکری یا تاریخ فکر طر براساس تعریف اول، تاریخ فکر بررسی اندسه‌ها، عموم مردم، آگاهانه یا ناآگاهانه، دارند. این مفهوم از، مؤلف «مردم‌شناسی فرهنگی گذشته‌نگر» نام می‌ده تعریف دوم، تاریخ فکر «بررسی آمال و اعمال افا افلتهای رفیبی اسب که در صدد برانداحن دسته اوا این دیدگاه، آنچه در حیات فکری جامعه بیسر می‌گذارد اندسه‌ها و اعمال گروه‌هایی اسب که بر در کمین قدرت اند. مؤلف این دو نظر را رد می‌کند و م فکر را باید نزد اهل فکر سراع گرفت و به در برد سیاستمداران که سعل اصلی‌شان حر دیگری اس تاریخ فکری «مطالعه اندیشه‌های عمده به‌صورت سطوح عالیترا» اسب به سخن دیگر، برای سناء فکری هر دوران، بهترین راه آسانی با فله‌های فک اسب. طبعا در اینجا بای گرینس به میان می‌آید، اینکه اندیشه‌های عمده هر دورانی کدام اسب نظر،

می‌سوند، از دیدگاه مورخ فکری حقیقت امر با این تصویر بسیار تفاوت دارد و اندیشه‌ها نه به‌صورت یکبارحه و بیراسه و خالص بلکه آمیخته با بسیاری عناصر بنگانه و به‌صورت تکه‌تکه راده می‌سوند و تنها بعدهاست که ذهن نظام‌سازی این اندیشه‌های آمیخته و پراکنده را کنار هم فرار می‌دهد و حامه‌ای از تلاثم منطقی بر تن آنها می‌کند به طوری که سرانجام حسن می‌نماید که هر اندیشه‌ای تنها به حکم ضرورت منطقی از اندیشه‌های دیگر زاده می‌شود و میان اندیشه‌ها حز رابطه منطقی رابطه دیگری وجود ندارد.

مسکل نو سنده تاریخ فکری این اسب که از يك سو باید فریب این کمال و اسحام منطقی را نخورد و زندگی را در نای منطقی قربانی نکند و زاس و بیداس افکار را به صورت رنده و حقیقی آن بازسازی کند و از سوی دیگر باید سنان دهد که فکر چگونه استقلال می‌یابد و با همه تأیری که در حران زاس و برورس خود از عوامل دیگر می‌بدرد سرانجام چگونه بر سر نای خود می‌ایستد و بر افکار دیگر مؤثر می‌اخذ. بوفی در ایجاد تعادل میان دو جنبه مخالف کاری اسب که از کمر مورخی بر می‌آید. معمولاً یا مورخ حیات عری در وجوه انتزاعی اندسه‌هایی سود که از آفرینندگان آنها با از سرباطی که این اندیشه‌ها را بدید آورده اند غافل می‌ماند، و در سحه تاریخ غبر تاریخی می‌نویسد، و یا حیات به جزئیات بروبی مسعول می‌سود که خود افکار را نادیده می‌گردد و در سحه، به حای تاریخ فکر، تاریخ عمومی یا ریدگنامه می‌نویسد. نو سنده تاریخ فکری به حکم ماهیت کار خود ناگزیر اسب که میان دو سطح مختلف دائم در رف و آمد ناسد، یکی سطح جزئیات عسی ریدگی و محیط اس متفکران و دیگر سطح کلیات انتزاعی افکار آنها، او سانی از حلد حکاکتگر ریدگی و احوال فهرمایان خود بیرون می‌اند و همراه آنها به تفکر می‌بردارد و با ایشان بحث می‌کند و دوباره به جانگاه راوی بار می‌گردد. در این سیر مداوم در ریدگی و اندسه يك متفکر و در میان متفکران مختلف، مورخ فکری يك تصور بر گیر ما و مبهم و در عن حال واقعی را همواره بس حسم دارد و همس اسب که او را ار گم شدن در میان جزئیات بار می‌دارد، و آن «روح رمانه» اسب هر چند «باید فراموس کرد که واحد بهایی مطالعات تاریخی، شخص اسب»، اما بدون اعتقاد به جهت حامعی که میان حبه‌های گوناگون شخص يك فرد و میان کوسسهای تراکنده اسحاص ایجاد وحدت کند، کار مورخ فکری آعار می‌سود و به احكام می‌رسد. ملاك گزینش او از میان اندیشه‌ها همان حیری اسب که روح زمانه اس می‌بندارد و حاصل کار و «بالا ترین دساورد» او هم تعیین ویرگیها و تحدید حدود آن اسب. «محدود بودن مطالعه ما به زمان معین و موضوع معین مستلزم این اسب که حیس روحی وجود

باشد. از میان این اندیشه‌های عمده هم آنچه در نظر منده مهمتر است «اندیشه‌هایی است که از محدودهٔ سعه‌های خاص فراتر می‌روند و در سایر سازه‌های داس نیز مد است». اما این اندیشه‌های عمده به آنچه متفکران به صراحت و با و به صورت مدون بیان کرده‌اند منحصر نمی‌شود «گاهی اندیشه‌ها و لوازم آنها پس از خود اندیشه‌ها توجه ما را خواهد کرد. موضع‌پنای ولی سبه خود آگاه هر متفکر پس از صریح آن اهمیت دارد».

برصهٔ جغرافیایی مطالعه فراسه و آلمان (و اترس) و است، یعنی جایی که مؤلف آن را «قلب جامعهٔ عربی» نام می‌دهد زمان مورد بحث هم، حیاتی که گفتیم، دههٔ آخر قرن نوزدهم های اول تا سوم قرن بیستم است همهٔ متفکرانی که به عصر بنده «اسخاص داسان» او هستند، به حر سورل و ناره تو که است متولد ۱۸۴۷ و ۱۸۴۸ بوده‌اند، میان ۱۸۵۵ تا ۱۸۷۷ و در اواخر دههٔ ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ مولد شده‌اند و در آغاز قرن بیستم میان آنها سی سال بوده است این اسخاص عبارتند وند و دورکم و موسکا و برگسون و ماسکه و وبر و بولچ و حه و یونک و منکلس، از میان متفکران، و بندا و براندلو و فوریه و بروس و نگ و هسه و بوماس مان از میان بدگان

این گروه تجربهٔ اجتماعی و فکری مسرکی داشتند که مانهٔ راسان از دیگران بود. «خطوط اصلی این تجربهٔ اجتماعی و ن مسرک در فصول بعدی کتاب برسم می‌شود

### ۳

پس بر بورتیو سیم»، که عنوان فصل دوم این کتاب است، مهمترین خصوصیت مسترک در میان این گروه از متفکران . «همهٔ ایشان بتدریج بی بردید که مطالعهٔ جامعه امری است بابت بر بحر از اینکه کسی نخواهد داده‌هایی را که از راه نده حاصل کرده در صاحب فکری آدمی که در گذشته تصور بد کلی و عمومی است، بگنجانند» این گنجانیدن داده‌های مل از مساهده در يك صاحب فکری کلی و عمومی، کاری بود علوم طبیعی با موفقیت صورت گرفته بود و بورتیو سیمها ان در علوم انسانی هم روا می‌داشتند به عبارت دیگر، سوسیمها در ناسخ این برسم که ماهیت علم سر به خود و مانعس چیست می‌گفتند که هم سسج و از نوع علوم طبیعی است. نا حد اکثر نوع خاصی از علوم طبیعی است این ناسخ، که رهم معتقدان فراوان دارد، جزئی از مجموعهٔ عقایدی است که ولا بورتیو سیم نامیده می‌شود، و به نظر بعضی اصلی‌ترین

اعتماد بورتیو سیمها همس است، البته بورتیو سیمها که علوم انسانی و علوم طبیعی را به اعتبار یکی بودن روس آنها دارای ماهیت یکسان می‌دانند معمولاً برای روس علمی هم معنای خاصی قائل اند که همان روس استرانی است اما ممکن است کسی بورتیو سیم (= قائل به وحدت علم به اعتبار وحدت روس) باشد و به جای روس استرانی به روس دیگری معتقد باشد. پس دامنهٔ بورتیو سیم به این اعتبار بسیار وسیع می‌شود. اما نویسندهٔ کتاب همس به بورتیو سیم را به این معنی وسیع به کار نمی‌برد، و هر چند می‌گوید که «کسانی که در اواخر قرن نوزدهم از بورتیو سیم انتقاد می‌کردند در وست‌هاسان تعریف دقیقی از آن نمی‌دادند» خود پس هم تعریف دقیقی از بورتیو سیم به دست نمی‌دهد، و غالباً بورتیو سیم را به معنی قرن نوزدهمی آن، یعنی بورتیو سیم اوکوست کت، به کار می‌برد به نظر نویسنده بورتیو سیم به مفهوم احمر، پس از آنکه يك جریان اصل فکری باشد نوعی کچ اندسی بود که همراه با خود ناره‌ای مضائت اجتماعی هم آورده بود از حملهٔ «نوعی کس خودسندانهٔ سسرف مادی از آن راده سد که فلسفهٔ متداول طقهٔ متوسط بالا بود و می‌سد گفت که همان بورتیو سیم به صورت عامانه است». این فلسفه با اعتماد به دارو سیم اجتماعی هم ملارمه داس و در واقع بسیاری از مسفدان از این جهت به ان می‌تاحتند از حملهٔ خصوصیات دیگری که می‌نوان برای بورتیو سیم به مفهوم احمر (بورتیو سیم به معنی احص) از اساره‌های مختلف نویسنده استخراج کرد اعتماد به وجود چهار خارج (یا لافل حو و حرا نکردن در این مسأله)، حرری مسلکی، اعتماد به وجود فواین قطعی علمی و استفاده از زبان مکاسسی است به همس جهت است که او حی ماح را هم، که به اعتباری بدر بورتیو سیم حدید است، از مسفدان بورتیو سیم می‌داند ریرا دسب کم به بعضی از این اصول معتقد بوده است

اما بورتیو سیم به مفهوم وسیع آن را نمی‌نوان گرایس احمرافی با نلای اجتماعی نامند بورتیو سیم به این مفهوم با علوم طبیعی حدید راده سد و نا هر سروری این علوم بر اعتبارس افروده سد، به طوری که در نایان قرن نوزدهم می‌نواست خود را سنها فلسفه‌ای بداند که با علم حدید سارگار است بورتیو سیم به معنی احص موهٔ این سروری فلسفی را حید و دعاوی خود را به اسم علم حدید فروحت، و سبچه این سد که هر مفکری که می‌خواست با بورتیو سیم یا یکی از حوه و جنبه‌های آن در سفتد، نا حواسه خود را رود روی مفهومی از علم فرار می‌داد که ساحه و برداخت بورتیو سیم بود

اما در افادن با بورتیو سیم تنها انگرهٔ فکری نداست بلکه علل تاریخی و جغرافیایی هم در آن دخیل بود. بورتیو سیم، به

برخی منتقد وفادار بودند و برخی منتقد غدار. می‌خواستند بر محدودیتهای آن غلبه کنند و عده‌ای می‌خواستند زیر آب آن اندیشه‌ها را بزنند.

آنچه این نسل را به مبارزه با پوزیتیویسم برمی‌انگیخت، بردن به این نکته بود که تصور پوزیتیویستی از وجود آدمی، زندگی اجتماعی او کافی نیست. این احساس کلی از چند نیرو می‌گرفت. یکی می‌پرد به اینکه رفتارهای انسان هم انگیزه‌های عقلانی تبعیت نمی‌کند. زمینه فلسفی این که برگسون فراهم آورد و فروید کوسید تا علم روانشنا براساس آن بنا کند. دیگر اینکه در برابر مفهومی از موضوع علم فیزیک است رمان دیگری هم وجود دارد که تجارب نفسانی ماست. این تصور، که باز هم کانسف‌س بود، البته در سیر نظریه‌هایی که موضوع بحث این کتاب، تأثیر زیادی نداشت، اما گروه وسیعی از نویسندگان و تحت تأثیر آن واقع شدند. اندیشه سوم اعتقاد به وجود تفا مفهوم سناح در علوم طبیعی و علوم انسانی بود که بح آن را ویلهلم دیلای طرح کرده بود و میان فهم درونی «علوم روحی» است، و سناح از راه معادهای بیرونی علوم طبیعی است، تفاوتی می‌دید.

طبیعی بود که، به دلیل ارتباطی که میان بینش پوزیتیو نظریه‌های لیبرالی و سوسیالیستی وجود داشت، نه موسه اندیشه، اندیشه چهارمی هم در علم سیاست بد نظریه‌های ساده‌اندسانه لیبرالها و سوسیالیستها مورد گیرد و رفقاوی در انگیزه‌های پنهان رفتار سیاسی آن نظریه‌های متفکران دهه ۱۸۹۰ میدان جنگ میان قدیمی پوزیتیویستی و این اندیشه‌های جدید است، و تعارض میان بقایای فکر قدیم که هنوز از اندیشه این برنیسته است و تصور جدیدی که تازه دارد جوانه می‌آسکار است. انتقاد این متفکران از مارکسیسم (که موسوم این کتاب است) از این موارد است.

## ۴

«در میان نوآوران دهه ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰، مارکسیسم در ا گمراه و منحرف و به خصوص موزیانه کیس مسلط تلقی می‌شد»، به همین دلیل نقد مارکسیسم برای وسیله‌ای بود تا نوعی معرفت اجتماعی را که دعوی هم داشت به محك بزنند. اینان «وقتی از خود می‌پر مارکسیسم را می‌توان در ردیف علوم به‌شمار آورد، سؤال می‌رسیدند که اصولا مراد از علم جامعه چیست

معنی وسیع آن، پرورده محیط انگلیسی زبان و پوزیتیویسم به معنی اخص ساخته فرانسه بود، یعنی دو کشوری که زادگاه علم جدید محسوب می‌شدند، اما در کشورهای آلمانی زبان هنوز علم طبیعی جدید جا باز نکرده بود و دانشگاهها سنگر علوم انسانی و مرکز پرورش قاضی و پزشك و کشیش بود. آلمانیها میان «تمدن» و «فرهنگ» فرق می‌گذاشتند، و اولی را محصول اروپای غربی و بیگانه با روح آلمانی و ملازم با سودجویی و ماده پرستی می‌دانستند و علم جدید را هم از لوازم آن می‌شمردند. سنت دیرینه ایده آلیسم هم آب به آسیاب این تمایل می‌ریخت. پس لااقل برای آلمانیها خطری که در افتادن با پوزیتیویسم داشت افتادن به دام ایده آلیسم و از آن بدتر اصالت دادن به امور غیرمعقول بود. طیف مخالفان پوزیتیویسم بسیار وسیع بود و گرایشهای گوناگونی را در بر می‌گرفت و از این رومسکل اصلی متفکرانی که آراء شان موضوع بحث این کتاب است این بود که چگونه با پوزیتیویسم، یا برخی از مظاهر آن، مبارزه کنند بی آنکه با بعضی دیگر از مخالفان آن، و از جمله خردستران و شکاکان، در يك صف قرار گیرند. برای آنکه علم بسر به خود و اجتماعش ممکن باشد غلبه بر مفهوم محدودی که پوزیتیویسم قرن نوزدهمی از علم داشت، یعنی بر مفهومی که به گمان خود از علوم طبیعی گرفته بود و بی پروا به همه حا تعمیم و تسریس می‌داد، لازم بود، اما برای آنکه علوم اجتماعی (با علوم تاریخی، یا علوم روحی) همچنان علم باشند لازم بود که برخی مبانی، به هر قیمتی که هست، حفظ شود.

این کار ساده نبود. از يك طرف می‌دیدند که پوزیتیویسم که «به عنوان نظریه‌ای فوق العاده عقلی شروع شده» بود، به «فلسفه‌ای از بیخ و بن ضد تعقلی مبدل گشته بود»؛ فلسفه‌ای که در دامان خود نوزاد گوررادی خون داروینیسیم اجتماعی و نظریه الحق لمن غلب را می‌پرورد. از طرف دیگر پوزیتیویسم، با این آثار سوء اجتماعی، در اصل نظریه‌ای درباره معرفت بود که به پیروزیهای علم جدید تکیه داشت، و در برابر آن، سورسیان از چنین تکیه‌گاهی بی بهره بودند. چیزی که در دست داشتند تصویری از عقلانیت بود که آن هم به اندازه کافی روشن نبود، و نیز به اعتقاد نویسنده میراث عصر روشنگری، یعنی «برخی اصول اخلاقی خاص قرن هجدهم، بویژه حتی المقدور بافساری بر چاره جوییهای عقلی و رفتارهای انسانی».

همه افراد نسل ۱۸۹۰ به يك اندازه به این میراث پایبند نبودند و همه در جمع میان شورش بر پوزیتیویسم و رعایت سنت «چاره جوییهای عقلانی» توفیق نیافتند. طبعاً هر يك از آنان تعبیر خاصی از میراث عصر روشنگری داشت و به این لحاظ همه ایشان منتقدان اندیشه عصر روشنگری بودند، اما به تعبیر نویسنده،

ان به چنین شناخت علمی دست یافت.» پس در پاسخهای  
متفکران مفهومی که از علم اجتماع دارند منعکس است و  
ب نقد ایسان از مارکسیسم از همین لحاظ است  
ورکم نقد مارکسیسم را جزئی از نقد جریان کلی سوسیالیسم  
است. مفهومی که دورکم از علم اجتماع داشت بیس از نظر  
متفکران دیگر به الگوهای بوزیتویستی نزدیک بود. از نظر او  
ی عمده نظریه پردازان سوسیالیست این بود که ار داده های  
سایح عظیم و وسیعی استخراج می کنند. به اعتقاد او قدرت  
سیالسم در علمی بودن آن نیست، زیرا اصولاً «سوسیالیسم  
نیست، جامعه ساسی به مقیاس کوچکتر نیست، فریاد درد  
، بنابراین رمز مقبولیت نظریه های سوسیالیستی را باید در  
بطی حس است که این نظریه ها را در دامان خود برورده اند.  
اره تو که کمتر از دورکم با مارکسیسم همدلی داشت بکه  
ب این نظریه را مفهوم مبارزه طبقاتی می دانست، اما معتقد  
که مارکس هم در مصداق آن استاه کرده و هم در شخص  
آن. مبارزه ای که در سراسر تاریخ جریان داشته تلاش  
ثانی بوده است که می خواسته اند حای گروهی دیگر از  
ثان را بگیرند و انگیزه اسان هم به از حس موحث  
نادی بلکه از سنج انگیزه های مذهبی بوده است  
طر این دو متفکر درباره مارکسیسم از دیدگاه کلی ایسان اب  
نورد دورکم به وجود حیری به نام علم اجتماع اعتقاد داشت و  
س به مارکسیسم (و نظریه های سوسیالیستی به طور کلی)  
بود که قواعد روس این علم (و روس علمی به طور کلی) را  
ب نمی کند؛ پاره تو هم معتقد بود که می توان سارو کار کلی  
لاب تاریخی را پیدا کرد، منتهی مارکس در تشخیص ان  
اه کرده است. اما کروه در اعتقاد از مارکسیسم از ان  
باب فراتر می رفت. اما حمله او مادیب (ماتریالیسم)  
حی بود. مادیب تاریخی مدعی آن است که فلسفه تاریخ  
، یعنی «فوااین علی بحولات تاریخی» را شامل است. اما  
ری به نام فلسفه تاریخ وجود ندارد. مادیب تاریخی هم فقط  
ده با میزانی برای تعبیر [داده های تاریخی] و سوه ای برای  
یابی در هزار حم داده های تاریخی محسوب می شود» از  
ما کروه به تعریف جدیدی از روس علمی مطالعه جامعه  
سد. دورکم و پاره تو، به سنت بوزیتویستی، معتقد بودند که  
عبارت است از استنتاج قوانین کلی از امور حرنی، اما  
حه معتقد بود که «هیچ پلی نیست که بتوان از روی آن گذشت  
حرنی به کلی رسید، زیرا کلی امر موجود و واقعی نیست  
ب اس برای فکر و سیه ای احتضاری برای اندسیدن، اگر  
معرفت به این قوانین ممکن است روسنی بحس درك ما از  
یب باشد، اما ممکن نیست به خود این درك مبدل شود.»

دورکم و پاره تو و کروه در صدد داوری درباره دعوی علمی  
بودن مارکسیسم بودند، اما زور سورل می خواست رمز توفیق و  
جاده مارکسیسم را بیابد. به نظر او آنچه دیگران (و مثلاً دورکم)  
عیب مارکسیسم می داشتند در واقع حسن آن است. مارکس البته  
در ساده کردن مسائل راه افراط بیموده، اما حق با او بوده زیرا در  
عمل جر این ممکن نیست «مارکسیسم مجموعه ای از معانی غیر  
دقیق است در قالب سانه ها و نمادها»، اما آنچه توده های مردم را  
به اقدام اجتماعی برمی انگیزد همین معانی غیردقیق است که  
حیری را در اعماق وجود اسان به حرکت درمی آورد. مارکسیسم  
نوعی اسطوره است و بایر اسطوره ها همیشه از نظریه های  
«سلمی» ستر بوده است.

## ۵

به تنها انتقاد متفکران سل ۱۸۹۰ از مارکسیسم بُرد و در عین حال  
محدودیت کوسسی را که می کردند اسان می دهد، و اسان می دهد  
که اینان در عین میل به گر بر از بوزیتویسم هور نایی در عرصه  
بورسویسم داشته اند، بلکه این دوگانگی در سراسر وجود  
متفکران بزرگ این نسل و در نظریه هایی هم که تأسیس کرده اند  
دیده می شود. عیب سینی بوزیتویسم از مندان دهان این متفکران  
و حا افتادن دید حدید بسیار کند و بدریخی بود. فصلهای چهارم و  
نجم و هفتم کتاب داسان این بیسروی و عیب سینی را بیان  
می کند

با این حال، تعارض گاهی هم حان در وجود و اندیشه متفکری  
نافی می ماند و به راه حل سانه ای منحرمی سد. فی المثل فروید،  
که با کشف ناحود آگاه ساند بس از هر کس میانی روانشناختی  
بورسویسم را مرلرل و اندیشه سلهای پس از خود را دگرگون  
کرده است، از سویی می گفت که «طبیعت ذاتی روح و ماده هر دو  
باساحه است و این دو آحنان از نظر کیفی داتا با هم تفاوت  
دارند که هر کس بخواهد فرایدهایی را که در یکی جریان دارند در  
خارجوب دیگری بیان کند، مرتکب خطای منطقی سده است»، و  
از سوی دیگر هم حان تا آخر عمر از وارگان مکانیستی که «گاهی  
از هندرولیک ولی بیسر از برو گرفته سده... مانند حریان و سد  
و بار و بخلیه و براگشتگی» استفاده می کرد. از یک طرف  
معتقد بود که در سطح ناحود آگاه محال است که میان علتها و  
معلولها سبب یک به یک بر فرار کرد و در مقابل هر فرصیه می توان  
به فرصیه های دیگر فایل سد و از سوی دیگر سعی می کرد همه  
داده های بالیی را به یک سر حشمة واحد مسوب کند. او با  
ساده دلی فرن بوزدهمی به علم و محسبات آن ایمان داشت، اما از  
ماهیب مدن و فرهنگ تصویر بدیسانه ای برسیم می کرد و سبت  
به آینده تمدن خندان خوشبین نبود. همواره خود را پزشك

فصل مربوط به ماکس وبر بیت الغزل این کتاب است. ایر بزرگ که بیستر عمرس را میان دورانهای طولانی اف روانی و دوره‌های کوتاه فعالیت سدید فکری گذراند، همه در زندگی شخصی خود می‌کوسید که میان مفتضیات م تحقیق علمی و تعهد سیاسی جمع کند، در زندگی علمی سعی داشت که «دفت بورتیویستی محققان انگلیسی» فر را با سعور تاریخی و فلسفی نژاد ررمن تلفیق کند، و به نویسنده در این کار هم توفیق یاف.

در کار وبر بسیاری از مفاهیمی که تا آن زمان با ناسازگار می‌نمودند معانی تازه‌ای یافتند و در یک هیأت در کنار هم فرار گرفتند. بس از او کروه گفته بود که بس بر ساخته‌های نظری مارکس تعاریف «مالی ایاید صوری» اسب که «با هیچ جامعه سناخته سده‌ای راب ندارد.» و این را عیب نظریه مارکس دانسته بود. وبر کارهای مهم را در علوم اجتماعی ساختن نمونه‌ها می‌دانست، اما معتقد نبود که این نمونه‌ها باید با جواه «رابطه دقیق» داشته باشند. این نمونه‌ها ابزارهای نظره سبب آنها با امور واقعی سیار بیحیده تر اریک سبب ت بود. در برابر کسانی که علم را برای بررسی رفتار بسر نمی‌دانستند، وبر رفتار انسان را هم مانند رویدادهای عا فانومند می‌داشت، با این تفاوت که می‌گفت در دنیای عالم جامعه و تاریخ، «حد صدی تبیین علی باید بسد، سود... در دنیای بشری ممکن نیست کسی بتواند به ف برسد یا تبیینی بر پایه رابطه علت و معلول به دست آور ساده‌ترین عمل انسان را به هیچ معنا به نحو جامع رضایت بخش تبیین و تعلیل کند. بس می‌بایست رو تعلیلهای جزئی ابداع سود - تعلیلهایی که به رغم ت بودن، باز هم دقیقتر از تبیین بر اساس احساس درونی یا 'شم' از کار درآید.»

پیش از آن ماخ و فایینگر گفته بودند که باید توق قوانین علمی پایین بیاوریم و به این قوانین نه به چش نمای واقعیت بلکه به دیده «فرضهای سودمند» نگا همان چیزی است که وبر از تعلیلهای جزئی اراده می این تعلیلهای جزئی انتخاب، و در نتیجه نظام ارزشی (و جای مهمی) دارد. اما این امر عینی بودن تبیین را، بلکه ایجاب می‌کند که مفهوم خاصی از رابط ارزشداوری ابداع شود. «رابطه عینیت با ارزشداور وبر به جریان بسیار ظریفی از کنش و واکنش متقابا

می‌دانست، اما هر چه پیرتر می‌شد به ساختن نظریه‌های جامع علاقه بیشتری می‌یافت و توجهش به ادبیات و هنر بیشتر می‌شد. برخلاف فروید، که لااقل در ظاهر بیش از اندازه بوزیتیویست بود، شاگرد و رفیق نیمه راه اویونگ از طرف دیگر بام افتاد و به جبران غفلتی که فروید اردین کرده بود (یا عنادی که با آن ورزیده بود) به نوعی «عرفان مصنوعی و مصلحتی» روی آورد که نه با قواعد تحقیق علمی می‌خواند و نه دینداران راستین را، که دین را «صرفاً ابزارکار» نمی‌دانستند، خسنود می‌کرد.

سرگذشت فکری سایر متفکران نیز از زاویه همین کشاکشهای متعارض دیده می‌شود. سورل و باره‌تو و موسکا در تحلیل پدیده‌های سیاسی راهی را در پیش گرفتند که هم با نظریه‌های متعارف لیبرالی تفاوت فاحش داشت و هم با دیدگاههای رایج چپ سازگار نبود. این سه هر یک به نحوی به نقش عوامل غیر عقلانی در عمل اجتماعی می‌پردند، اما هر سه در اهمیت آن اغراق کردند و از تصدیق وجود این عوامل محملی برای نفی دموکراسی ساختند - هر چند از این سه تن باره‌تو سرانجام در عمل به ضرورت دموکراسی گردن نهاد و سورل در هیچ منزلگاه فکری فرار و آرام نگرفت. باره‌تو و موسکا در عین حال سخت در بند تصور بوزیتیویستی ار علم بودند و شاید به همین سبب بود که نتوانستند بصیرت تاره‌ای را که نسبت به حیات اجتماعی و نقش عوامل غیر عقلانی در آن یافته بودند در قالب یک نظریه عقلانی (و نه بالضروره بوزیتیویستی) بریرند.

این گرفتاری تنها دامنگیر کسانی که به نحوی با سنت بوزیتیویستی بستگی داشتند نبود. گروه دیگری از قهرمانان این داستان هم که سرچشمه الهام فکریسان ایده‌آلیسم آلمانی بود درگیر آثار و عوارض آن مکتب بودند. اینان که در جستجوی جایگاهی برای تاریخ و علوم انسانی بودند می‌خواستند به سنت کانتی «مقولاتی را که در علوم فرهنگی مصداق دارد» تعیین کنند و نیز می‌خواستند به این پرسش پاسخ دهند که اگر مفهوم تبیین علی، به آن صورت که در علوم طبیعی به کار می‌رود، در علوم تاریخی و فرهنگی کاربرد ندارد، بس کار مورخ در هنگام بررسی حوادث تاریخی چیست. جاره‌ای که می‌دیدند این بود که تاریخ را به کلی از دایره علوم کنار بگذارند و جزء هنرها بشمارند و یا به مفهومی به نام «تفهم» یا «درون فهمی» متوسل شوند، که اگر عین قوه شهود نبود باری با آن خویشی نزدیک داشت، و بدین طریق پای عناصر غیر عقلانی را به حوزه علوم انسانی بازکنند. این گروه به نقش انتخاب در علوم اجتماعی پی برده بودند، اما با این مسأله مواجه بودند که پس با ورود این عامل تکلیف عینیت در این علوم چه می‌شود، و بیشتر ایشان چاره کار را در روی آوردن به یک عامل گره‌گشای مابعدالطبیعی می‌دیدند.



یهود هم در نظام و بر جایی برای خود داشت، اما دیگر از ناسی مابعدالطبیعی خود عاری شده بود. «و بر فقط به آن از سهودگرایی پای بند ماند که عقیده داشت از ربه برهان دقیقی علمی موفق بیرون می آید و عملاً سهود را به ن یا شَم خاصی که در صورت بندی فرضیه ها مؤثر است، صاحب.»

این حال، و بر قبول نداشت که کارس به سببی گرایی نامد و همیشه از این عنوان گریزان بود، اما، به نظر مؤلف، ناکه با سببی گرایی بزرگ سده ایم، هر اس و بر از این عنوان ندارد و سببی گرایی او حیزی از عظمت و ارزش کارس هد

## ۷

خواندنی آگاهی و جامعه با فصل مربوط به و بر نایان بد، اما از اینجا به بعدس، اینکه چگونه این آگاهی جدید به فردی و حیات اجتماعی با آثار سلی از نویسندگان موص رمان نویسان) در میان مردم عادی گسترش یافت، به ما مربوط نمی شود. خواننده کتاب هم باید راضی باشد که بر به حیر و حوسی خاتمه یافته است اما دوسه ترس مهم که حتی خواننده ای را که این کتاب را با همدلی خوانده سوده نمی گذارد: آیا براسی و بر موفی سده است که «میان ویسم و ایده آلیسم نلی برید»؟ آیا مسأله ماهیت علوم عی و مرز آن با علوم طبیعی حل سده است؟ آیا تصویر سی که نویسنده تلویحاً از زمان ما ترسیم می کند حهره این دوران را نشان می دهد؟

سخ این است که آری ونه. آری، اگر مفهومی را که نویسنده بتیویسم دارد بپذیریم. بیشتر دو مفهوم برای بوزیتیویسم سدیم - بوزیتیویسم به معنی وسیع و بوزیتیویسم به معنی - و گفتیم که اولی یک جریان دیرین و اصیل فلسفی است و ن یک عارضه زودگذر فکری. نویسنده این کتاب غالباً لفظ ویسم را به این معنی دوم به کار می برد. اما باید گفت که ویسم به این مفهوم، پیش از آنکه در علوم اجتماعی اعتبار ااردست بدهد در خود علوم طبیعی متروک سده بود، و در بیح گاه هم «فلسفه» این علوم نبود. اما غلبه بر بوزیتیویسم ی. اخص) مساوق یا غلبه بر بوزیتیویسم به مفهوم وسیعتر ست. و اگر بوزیتیویسم را به این مفهوم وسیعتر در نظر م باید بگوییم که یا و بر به کاری که نویسنده به او نسبت د توفیق نیافته و یا تصویری که نویسنده از او ترسیم کرده از اندازه بوزیتیویستی است. و بر نویسنده به «تلفیق» ایده بوزیتیویسم موفق نشده بلکه پاره ای مفاهیم را که ریشه در

ست ایده آلیستی دارند با یک تعبیر بوزیتیویستی پذیرفته است. نکته دیگری که بر این کتاب می توان گرفت تمایل شدید نویسنده است به مصالحه. گویی همه این متفکران، هرچند به ظاهر افکار مختلف و گاهی متضاد دارند، سرانجام در بهشت برین اندیشه ها با هم به صلح و سازش می رسند و انگار همه این اختلافها جنگ زرگری بوده است. سبب این وضع این است که مؤلف می خواهد بگوید که چگونه با گرد آمدن عناصری از جریانهای مختلف فکری، سرانجام منظومه وبری ساخته می شود و چگونه اختلافات میان آنها در این ترکیب نهایی حل می گردد. به این دلیل از این جریانهای متعارض و متضاد بیشتر به اجزایی توجه کرده است که می توانسته اند با یکدیگر هماهنگ شوند و در ترکیب آن منظومه به کار آید، یعنی حوه سازگاری را بیشتر در مد نظر داشته است تا موارد اختلاف و تمایز را.

گذشته از این سازش میار، اندیشه های این متفکران، به نظر نویسنده امری تصادفی بیست، ریرا همه آنان، حتی آن منتقدان «غدار»، فرزندان خلف یا ناخلف عصر روستنگری اند. اصرار نویسنده بر اینکه سان دهد که صاحبان این افکار همه به نوعی، حتی علی رغم موضع رسمی خود، به آرمانهای روشنگری وفادار مانده اند باعث سده است که روی تیره اندیشه های آنها را نبیند یا به اندازه گاهی به آن اهمیت ندهد. هشدارهای فروید درباره ددمسیهای عصری که فرا می رسید و پرده تصویر هر اس آوری که و بر، در کمال خونسردی، از گسترش عفلا نیت ترسیم کرده است، تحت السعاع ستایشهای این دو از علم یا موضعگیریهای عملی ایسان در زندگی اجتماعی فرار گرفته است.

ما این حال، حسن این کتاب در این است که خواننده به چشم خود ورطه ای را که در میان ایمان ساده دلانه قرن هجدهمی به بیروری تمدن و حکومت عقل با تصور هر اس آور فروید و و بر از آن وجود دارد، و نیز فاصله میان اعتقاد مردان عصر روشنگری را به قطعیت علم با باور آمیخته با شك امروریان، می بیند.



ترجمه حسین کنائی، که مباحث آن حوزه های گوناگونی را، از فلسفه و هنر و تاریخ و سیاست، در بر می گیرد، کار ساده ای نیست و آقای فولادوند این کار دشوار را به بهترین صورت انجام داده است. این ترجمه دقت و روشنی بیان را با هم در یکجا جمع کرده است و دست کم برای کسانی که خود به ترجمه مباحث فکری و فلسفی دست زده اند، و با مشکلات آن آشنایی دارند، توفیق مترجم در این کار گاهی اعجاب آور و رشک انگیز است. آگاهی و جامعه از لحاظ صورت ظاهر هم بسیار آراسته عرضه شده است. غلط جایی هم تقریباً در آن پیدا نمی شود. دست مترجم و ناشر درد نکند.



# غلط ننویسیم

فرهنگ دشواریهای زبان فارسی

ابو الحسن نجفی

با تجدید نظر

## چاپ تازه «غلط ننویسیم»

رضا مختاری

«املاي این کلمه به همین صورت صحیح است. . اسم نیر مرجر است و نه منضجر».

- «منزجر» اسم فاعل است و نه اسم مفعول و ا  
رضی، ج ۱، ص ۱۰۸) و اسم مفعول از آن ساخته نم  
س از متعدی شدن به وسیله حرف جر: «بدین مواعظ  
و بدین تبیهات مرتدع نگشت» (جهانگسای حوینو  
۱۰۳، به نقل از فرهنگ معین، دیل «منزجر شدن»)  
□ ذیل «میقات»، ص ۳۷۸ (حاج اول، ص ۲۷۷  
کرده اند به این بیت حافظ:

با تو آن عهد که در وادی ایمن بستد  
همجو موسی آرپی گوی به میقات بر

- این بیت اساره است به آیه ۱۴۳ سوره اعراف  
أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي» و «أَرِنِي» در بیت  
درست است. ولی متأسفانه در چاپ اول و نیز سوم به ا  
را به صورت «أَرِنِي» ضبط کرده اند.

□ ذیل «موعود»، ص ۳۷۴ (حاج اول، ص ۲۷۳)

دعوت سده را اینگونه ضبط کرده اند: «مَدْعُوْ [id'ov]

۳۷۱ (حاج اول، ص ۲۷۱) کلمه «منهی» یعنی نهی

ضبط کرده اند: «منهی [manhi(y)] به فتح اول و ت

غلط ننویسیم (فرهنگ دشواریهای زبان فارسی). تألیف ابوالحسن  
نجفی، چاپ سوم (با تجدید نظر)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰،  
ده + ۴۶۶ صفحه رقعی، ۱۷۰۰ ریال.

چاپ سوم غلط ننویسیم، که از چند سال بیس تاکنون مستافان  
زیادی جسم براه آن بودند، با تجدید نظر و اصلاحات سسار منتشر  
شد. از هنگامی که سیدم بباس حاج سوم آن با تجدید نظر  
منتشر شود تاکنون بی صبرانه مستاق ریارث آن بودم و بارها  
سراغ آن را از آگاهان گرفتم و به مجرد شنیدن خبر نشر آن س از  
بارها مراجعه به کتابفروسیها آن را خریدم. من ار حاج اول و نیر  
چاپ سوم آن سسار استفاده کرده و به سهم خود از مؤلف با دوی و  
ناسر خوش سلیفه آن متشکر و سباسگزارم.

علاوه بر اینکه فواعد و دستورهای غلط ننویسیم راه درست  
نوشتن را می آموزد، نر حساب سده و موجر و سیوا و خالی ار  
حشو و زواید آن نیز، راه و رسم نویسندگی را آموزش می دهد.  
در محاسن این کتاب سخنها گفته اند و دیگر نیازی به تکرار  
آنها نیست. من در این نوشته به چند سهوالقلم جزئی که در حاج  
سوم مشاهده کردم - و بعضاً در چاپ اول و دوم هم هست - اشاره  
می کنم، گرچه ممکن است در برخی از آنها حق با آقای نجفی  
مؤلف محترم باشد:

□ ذیل انزجار، ص ۴۷ (حاج اول، ص ۲۸): مرقوم فرموده اند:

زوال این است با اینکه «مدعو» و «منهی» هر دو اسم مفعول و در عربی با تشدید «واو» و «یا» و در فارسی بدون تشدید «یا» تلفظ می‌سوند، چرا یکی با تشدید و دیگری با تخفیف آمده است؟ اگر ملاک تلفظ عربی آنهاست هر دو باید با ناسد و اگر معیار تلفظ فارسی آنهاست هر دو باید بی تشدید

ره مدخل «جمع به اب»، ص ۱۳۵-۱۳۶ (حاج اول، ص ۸) و واژه‌هایی که به آن ارجاع داده‌اند مانند «اراب»، «نفرات» حند نکته گفتنی است.

«اراب» (ص ۱۴) مرقوم فرموده‌اند «اراب به عنوان بر . غلط است زیرا بر طبق قواعد صرف عربی، بایی را که سه حرف یا کمتر دارند نمی‌توان به «اب» جمع جمع به «ات» به حای آن باند گفت: «آبار یا ابرها» است که «اراب» در عربی و فارسی غلط است اما نه به لی ریرا اولاً «ار» (در جمع: آبار و ابرها) مصدر نیست بلکه بر مصدر است، بنابر این فاعده‌ای که در اینجا گفته‌اند هائی را که سه حرف .) شامل آن نمی‌شود. پس در عبارت هائی که سه حرف یا کمتر دارند» باند به حای «مصدرهائی» سود «کلماتی که سه حرف یا کمتر دارند.». از سوی ر این عبارت فید «و مؤنث نیستند» هم باید افزوده شود زیرا مانند «صفت (در عربی صفة) و «نه» و «هید» (اسم زن) با سه حرف دارند به «اب» جمع بسته می‌شوند. «هنداب»، «و «باب» (بـ فایروا باب، سورة ساء، آیه ۷۱) ، اسکه عبارت باید حین اصلاح سود: «بر طبق قواعد عربی کلماتی را که سه حرف یا کمتر دارند و مؤنث نیستند آن به «ات» جمع بست».

ماد نحفی از «خطرات» و «نفرات» هم ارجاع به «جمع داده‌اند و به حق خطرات و نفرات را غلط دانسته‌اند، با به اینکه دلیل «جمع به اب» این قانون دنده می‌شود: «... هر که در عربی مصدر ناسد و بیس از سه حرف داشته باشد ن «اب» جمع بگیرد: بیان به بیانات ... و با توجه به اینکه طر و نفر هیچ يك مصدر بیست و از سوی دیگر در «جمع به ناعده‌ای که تکلیف اثر، خطر و نفر را روشن کند ذکر ه‌اند، مشخص می‌شود که در وجه غلط بودن ارباب، ب و نفرات در دلیل «جمع به اب» مطلبی که به حواسده کمک علت غلط بودن ارباب، خطرات و نفرات را بیان کند، دیده ود دقب سود که ذیل «جمع به ات» تنها بند دوم سخن آفای مربوط به جمع مصدر به «اب» است و با توجه به اینکه اثر و نفر هیچ يك مصدر نیست، ذیل «جمع به ات» حیزی دستگیر ده نمی‌شود و باید همان قیود و اصلاحاتی که ذکر شد ذیل

بند سوم جمع به «ات» هم اعمال شود، زیرا در بند سوم جمع به «ات» می‌خوانیم: «بعضی از کلمه‌ها را که در عربی اسم است، اعم از اسم جامد یا اسم فاعل و اسم مفعول، نیز می‌توان به «ات» جمع بست: حماد به جمادات» که باید به آن اضافه کرد: «مشروط بر آنکه ارسه حرف بیستر ناسد» (تا شامل ارباب، نفرات، نفرات نسود)، «و یا اینکه مؤنث ناسد» (تا شامل صفات جمع صفت و نبات جمع به هم بشود)

در ص ۲۳ دلیل «استاد» کلمه «آسانده» را به فتح «تا» ضبط کرده‌اند که ظاهراً درست آن به کسر «تا» است. چنانکه در المنجد دلیل «اسب» و فرهنگ معین دلیل «آسانده» به کسر «تا» ضبط شده است.

در ص ۱۶۸ دلیل «حوله» (حاج اول، ص ۱۱۷) در این عبارت: «می‌سیم که در آن زمان، حمام که هنوز هم در بسیاری از جاها، حوله را به رسمان می‌آویخته‌اند»، حذف فعل بدون فرینه رخ داده است زیرا فعل جمله «حمام که هنوز هم در بسیاری از جاها» «می‌آویزند» اسب نه «می‌آویخته‌اند»

در ص ۲۴۷، دلیل «سیء» (حاج اول، ص ۱۷۷) آمده است: «املائی سیء (sy) در عربی و فارسی به همین صورت اسب...». - البته املائی آن به همین صورت اسب ولی در عربی به فتح سین (= sy) تلفظ می‌شود و نه به کسر.

در ص ۲۵۹، دلیل «طلا»، جمله «طلتی نذهب»، «زراوند کردن» ترجمه شده که ظاهراً «ن» در آخر بر حمله، غلط جایی است و درست آن «زراوند کرد» (به صیغه ماضی) اسب.

در ص ۳۷۶، دلیل «مهین» (حاج اول، ص ۲۷۵) مرقوم فرموده‌اند «مهین در عربی به معنای خوار و ذلیل اسب».

- ظاهراً در عربی به معنای سُست و نَسب هم آمده است چنانکه در این دو آیه سریفه: «ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین» (سورة سجده، آیه ۸)، و «الم نخلقکم من ماء مهین» (مرسلات، آیه ۲۰).

در ص ۳۵۹ دلیل «معروف حضور...» فرموده‌اند «فلان کس معرف حضورتان هست» غلط است و باید به جای آن گفت: «فلان کس معروف حضورتان هست».

- ظاهراً «فلان کس معرف (به فتح را) حضورتان هست» هم درست باشد و شاید «معرف حضور» بهتر از «معروف حضور» باشد.

در ص ۳۴۰ دلیل «محرم...» آمده است: «مُحَرَّم... به معنای در حرم آمده، و نیز احرام بندنده در حج است. (احرام، عبارت است از دو حادر دادوخته که حاجیان در ایام حج بر خود می‌بندند)».

- گرچه این معنی در بین مردم معروف است ولی نه احرام بدین معاست و نه مُحَرَّم به معنی «احرام بندنده» و اصولاً «احرام»

غلط ننویسیم خالی است و مناسب است در چاپها؛ استدرک شود می آورم: ۱) اجتناب ناپذیر (بعضی از ف ترکیب را غلط می دانند: «برخی، نشر این کتاب را، اجتناب ناپذیر می دانند»؛ ۲) احياناً / احياناً؛ ۳) اصالت / ۴) تحلیف / حلف (از رادیو مکرر شنیده ایم که «فلان مجلس مراسم تحلیف به جای آورد»، با اینکه تحلیف به معنی دادن «دیگری است و نه قسم خوردن»؛ ۵) جان خود را دادن (برخی فضلا این تعبیر را غلط می دانند)؛ ۶) جلاف هزونی این کلمه را غلط می داند؛ ۷) خروج ارز (ازراد شنیده ایم «گروهی که اهدام به خروج غیر قانونی ارز دستگیر شدند»، با اینکه خروج به معنی خارج شدن است کردن)؛ ۸) رراعی، تجاری، روایی و ففاهی / رراعی روایتی و ففاهتی (نشر دانش، سال ۵، شماره ۲، ص ۵۰۷) فوب کردن (گرچه در زبان عامه مردم ۵ درباره مُردن اسخاص رایج است، ولی نمی دانم در مت به کار رفته است یا نه؟ برخی فضلا هر دو تعبیر را غلط معتقدند با مُردن به حیزی «فوب می شود» و نه «فوب می باید به جای آن «وفات» به کار برد که تعبیری فرآنی و را الله يتوفى الأنفس حين موتها (رمر، آیه ۴۲). در ص نویسیم، از گریده جوامع الحکایات، ص ۲۸، این تعب است. «حون داوود را صلوات الله علیه، وفات بردیک نجفی در ص ۲۶۷ تعبیر «فوب» را استعمال کرده اند زمانی که رن س. . از فوت [سدن؟ کردن؟] سوهرس مجدد ندارد»؛ ۱۰) فِمار / فِمار؛ ۱۱) مَحَبَّ / مَحسوس / مُحَسَّ (آقای عباس زریاب حوئی به مخالف قواعد صرف و نحو عربی می داند رک. سر ۵، شماره ۲، ص ۶، و نیز شماره ۶، ص ۸۷)؛ ۱۳) مَ گویید جمله «مسبب فلان حادثه دستگیر شد» غلط «مسبب» خداس و نه فلان شخص - بلکه او سبب مُعَدَم / مُعَدوم (نصیری معدوم یا مُعَدَم؟)؛ ۱۵) مُفاد / کلمه مُفاد را به فتح میم و گاهی سز به تسدید دال می نویسند که البته غلط است)؛ ۱۶) مفروغ منه / (حنانکه محمد هزویی گفته «مفروغ عنه» غلط است باید «مفروغ منه» گفت؛ ۱۷) مفایس / مفایس، ک است به همزه، حنانکه آقای نجفی درباره «معايير فرموده اند؛ ۱۸) لا مُحال / لا مُحال (که اولی درست کج و مُعَوَّج / کج و مُعَوَّج (بعضاً به صورت دوم تلفظ وجه اول درست است، چون معوج از باب افعال است، مجدداً از مؤلف پرکار و ناسر این کتاب بسیار د تشکر و سپاسگزاری می کنم.

بستنی بیست، بلکه «لباس احرام» بستنی است. احرام عبارت از عمل و حالت خاصی است که شرایط و محرمات و واجبات خاصی دارد، که یکی از واجبات آن پوشیدن لباس خاص احرام است نه اینکه احرام نام آن لباس مخصوص باشد. (رجوع سود به کتابهای فقهی از جمله جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۵۶-۱۸۷). □ در ص ۳۷ ذیل «إله / الله» فرموده اند: «إله... بر وزن میال است و با يك حرف نوشته می شود، در حالی که الله... به فتح اول، بر وزن غفار است و با دو حرف «ل» نوشته می شود، و «ل» اول آن مستد است. »

- الله دو «ل» دارد و با دو «ل» نوشته می شود ولی دیگر نباید روی «ل» آن تسدید گذاشت، حون برخلاف قانون ادغام در این کلمه مبارک به جای اینکه يك «ل» بوسه و روی آن علامت تسدید نهاده شود (الله) هر دو «ل» آن نوشته می شود و تسدید گذاردن روی آن خطا است (گرچه غالباً می گذارند، هم عربها و هم فارسها) و گرچه طبق قانون کلی ادغام و حرف مستد باید بوسه آله (یا آله)، و در إله حسن، إله (یا إله)، علت اینکه حرا «الله» با دو «ل» نوشته می شود و تسدید نهادن روی آن غلط است از قول مرحوم علامه طباطبائی - عطر الله مرفده - در کتاب مهر تان (نویسنده استاد سید محمد حسین حسینی تهرانی، بهران، ح اول)، ص ۲۵۴-۲۵۵ نقل شده است

□ در ص ۳۱۷ دبل «گودتا» مرسوم فرموده اند: «در رادیو و تلویزیون غالباً آن را گودتا (با «گ» آغاری)... تلفظ می کنند و غلط است». و در ص ۳۶۷ ذیل «مَلِك...» نیز: «در رادیو و تلویزیون غالباً این کلمه را غلط تلفظ می کنند و مثلاً «مَلِك حسین» را «مَلِك حسین» می خه اند.»

- این بنده به یاد ندارد از رادیو و تلویزیون «گودتا» به «گ»، یا «مَلِك حسین» شنیده باشد. بنابراین به جای «غالباً» بهتر بود می فرمودند «برخی اوفات» تا دره ای شبهه و حای اسکال برای امثال من ملا نقطی باقی نماند.

□ یکی دو اشتباه کوچک حای هم در کتاب رخ داده که مناسب است تذکر داده شود. ص ۳۸، س ۳: کرده - که تسدید روی «د» زائد است؛ ص ۱۷۹، س ۳: «به معنای مناسب و ساینده [«]»... که گیومه دوم در چاپ افتاده است.

□ در پایان فهرستی از برخی ترکیبات و کلمات که هنوز جایس در

# غلطنامه

عبدالله سالک

بانی اقتصادی در دوران باستان تألیف فرانتس التهام، ترجمه و تنگ امینی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹، ۲۲۴ ص.

سده این کتاب سالها بیس از این کنایه فارسی ترجمه بود به نام آسیا در کسمکس با اروپا مرجم آن کتاب ذکر مسی راده و موضوع آن، تا آنجا که در باد من مانده است. ل ایران و روم در دوران ساسانی و نه عبارت درستتر روابط با رومیان و هونها در آن زمان بود حرف اصلی نویسنده این بود که در آن دوران آسا برای اروپاییان دو چهره، داسه، چهره ای که دولت ساسانی معرف آن بوده است و وجه آن بوروکراسی و تمرکز است و چهره ای دیگر که در قالب محتم می سد و وجه اصلی آن تهاجم و ویرانی است. اما مده تنها نمی حواسه است بطریقه ای درباره یک دوران نی به دست دهد، بلکه در واقع سر دلبران را در حدیب دیگران وید و حان کلام او این است که اس دو چهره در زمان ما در با جمع سده اند، یعنی در دولت سوروی که هم مرکز کراسی و تمرکز است و هم مظهر بهاجم و توسعه طلبی.

تثاب کمکهای اقتصادی در دوران باستان دومین کنایه است اس مورخ آلمانی، که طاهرأ تخصصس تاریخ قدیم و دوران از عصر باستان به فروس وسطی است، به فارسی ترجمه سده ، ساختمان این کتاب سبیه کتاب فلی است، یعنی ابتدا یک نه کلی درباره کمکهای اقتصادی و کارکرد اجتماعی و می آن بیان سده و سپس کوسس سده است که این بطریقه بر ای از تاریخ قدیم تطبیق و اطلاقی سود.

طر نه کلی نویسنده که در ص ۱ تا ۲۳ بیان سده اس است که سالی ما، که میان دو قطب قدرت تقسیم سده است، کمکهای نربك از این دو قطب یا کشورهای بیسرفه متحد آنها نه رهای کوحك و در حال رسد می کند عموما راه به جایی برد. زیرا کشورهای کوحك می توانند کشور بزرگ را بهدید که برای دریافت کمک به قطب دیگر روی خواهد آورد و از راه دائم بر تقاضای خود بیفزایند و آن قطب قدرت را بدوسند. حاکم ممکن است این وضع به فقیر شدن کشور غنی بیبحامد بکه بروتمد شدن کشور فقیر را در می داشته باشد. این گونه نهای اقتصادی، حتی اگر با صدور تکنولوری همراه باشد،



فرانتس التهام

## کمکهای اقتصادی در

## دوران باستان

یا  
امپراتوریهای بزرگ و همسایگان آنها

ترجمه دکتر امیر هوشنگ امینی



تهران ۱۳۶۹

معلوم بسبب که کشور فقیر را نه راه توسعه بندازد، زیرا کمکها عالیا به حسب گروه کوچکی از حاکمان کشور فقیر می رود و تکنولوری وارداتی بی محیط مساعدی برای رسد نمی باید. بحز کمک مالی و صدور تکنولوری، کشورهای قدرتمند راه دیگری هم دارند تا کشور فقیر یا ناوایی را در دایره اطاعت از خود نگاه دارند و آن صدور ایدئولوری است، یعنی دامن زدن به جنبشهایی در آن کشور که با ایدئولوری حاکم بر کشور قویتر همراهی دارند و سیادت معنوی و فکری آن کشور را تأیید می کنند

این خلاصه نظری است که نویسنده به اختصار تمام و در کلیتر صورت و بدون توسل به سواهد و امار بیان کرده است. بیداست که هر چند نویسنده در اتخاذ این نظر از واقعیات زمان ما متأثر بوده است - کشورهای جهان سوم که قبله گاه خود را گاه به گاه عوض می کنند؛ حسنهایی جب و راست که هویب خود را در وابستگی به قطبهای جهانی قدرت می دانند - اما الگوی اصلی او دوران باستان است، و نه همین دلیل از نظر او کمک اقتصادی از نوع ناحی است که می المثل رومیها و ساسانیان به هونها می برداختند تا آنان را از مرزهای خود دور نگاه دارند یا در جنگها با خود همراه سازند، و کشورهای جهان سوم باجگیران برویی هستند که در این راه از تهدید و ارباب کشورهای پیشرفته هم باکی ندارند

کاری نداریم که این مقایسه از کدام انگیزه های سیاسی آب می خورد، اما عیب بزرگ این نوع نظریه برداریها این است که بیحدیگی مسأله رسد و توسعه نیافتگی را، که به هر حال در دوران باستان بطیری نداشته است، از نظر دور می دارند. آیا می توان بر چند صد قبضه سلاحی که ساسانیان در شهر انبار در نزدیکی حیره

✱

اما متأسفانه تا دست یافتن به این تصویر خواننده بارها می‌سود که کتاب را ناتمام رها کند. به حند دلیل. نمرته مجموع هموار نیست و این ماهماری، که می‌توان علتسر بیش از حد به متن اصلی دانست، گاهی به حدی می‌رسد مطلب دسوار می‌سود. به این نمونه‌ها توجه کنید:

کاراکالا (۲۱۱-۲۱۷) دوست یهودیان به سماره  
آلکساندر سوروس (۲۲۲-۲۳۵) در اسکندریه به  
و در اطاکیه روحانی اعظم یهودی (در قدیم)  
اعظم لمب داس. (ص ۸۹)

توضیحی هم که مترجم در حاشیه درباره آلکساندر سورس  
هیچ مسکلی را حل نمی‌کند.

در مرز سرزمین حاصلخیز و بابان، در  
سرنوس ساز برای تمامی آن چیزهایی بود.  
عربیت بیس از اسلام تعلق داس. (ص ۹۵)  
حتی اگر تمام بند را هم نقل می‌کردیم منظور از این عبار  
نمی‌سد.

سرس امروالفیس [یعنی امروالفیس] به رو  
برحاده خود بعنوان تیولدار روم در مرز سرف  
مایان داد. (ص ۹۹-۱۰۰)

با همه فراروسنیهای زندگی امروالفیس، این بادساره،  
خودکسی نبوده است، و ظاهراً عبار را باید چنین تع  
امروالفیس هنگام مرگ تیولدار روم در مرز سرفی  
است.

از این نمونه‌ها بسیار می‌توان آورد، اما مشکل  
می‌سود وقتی که در چنین عباراتی یکی دو غلط «ناحز  
راه یافته باشد. مثلاً

يك ساه یهودی زیر رهبری یهودیان نهاده  
گردآوری سد. (ص ۹۱)

که درستش «نهاده و بصیین» است.

اردوگاه غسایان... هنوز یمن به صورت عس  
نیمی دیگر به صورت اقامتگاه باب بر با سد  
(۱۰۲)

در چنین متنی که جا و بیجا اسم یمن به میان می‌آید  
کجا بفهمد که «نیمی به صورت عشایری بود» در  
بسیاری در طلب سهر سوختند. (ص ۱۲۹)  
المعنی فی بطن الشاعر.

... این کشور می‌توانست منافع مصر روم  
انتهای جنوبی دریای سرخ حفظ کند. (ص  
لاید «مصر روم شرقی» سرزمینی است که امروزه گم

نگاه می‌داشتند، و کلید آن را هم خود در دست داشتند، نام صدور  
تکنولوژی نهاد، و کدام کشور توسعه نیافته‌ای است که فکر هجوم  
نظامی به کشوری بیسرفته و تصرف خاك آن را در سر برورد؟  
اما این بحث کلی در همان اوایل کتاب ختم می‌سود و بحس  
اصلی این کتاب تاریخ است، تاریخ روابط دولتهای ایران و روم در  
دوران گذر از عصر باستان به فرون وسطی (فرتهای چهارم تا هفتم  
میلادی) با شبه جزیره عربستان و شرق آفریقا، یعنی سرزمینهایی  
که در دو سوی دریای سرخ قرار دارند. هر چند بیان وقایع و  
انتخاب و ترتیب آنها به صورتی است که مؤیداتی برای نظریه  
کلی نویسنده فراهم آید، خوشبختانه فایده این کتاب به این حد  
محدود نمی‌ماند. این بخش با ظهور مسیحیت در حبسه و رابطه  
دولت مسیحی این کشور با قدرتهای برگ آن زمان (ایران و روم)  
آغاز می‌شود. امپراتوری روم که وجود مسیحیان بدین، و از جمله  
یعقوبیان (منوفیتهای)، را در فمرو خود تحمل نمی‌کرد، به دفاع  
از دولت یعقوبی حبشه برخاست و با کمک این متحد نویافته قبایل  
شمال و شرق آفریقا رام کرد. ایران ساسانی که در داخل کشور  
پایه سیاست خود را بر تك مذهبی و سرکوب همه مذاهب جز دین  
زرتشتی گذاشته بود، هر چند داعیه گسترش این دین را در خارج  
از ایران نداشت از این امتیاز برخوردار بود که بروب کلانی در  
اختیار داشت و می‌توانست با آن حمای دولتهای گوناگون  
مسیحی و بت پرست جزیره العرب را بخرد (البته نویسنده در این  
باره هیچ سندی به دست نمی‌دهد). در این جنگ قدرت رومیان  
کار خود را با تبلیغ و تبشیر به بیش می‌بردند و ایرانیان با بول، و دو  
دولت عربی لخمی و غسانی که به ترتیب دست سنانده ایران و روم  
بودند تعادل قدرت را در جزیره العرب برقرار می‌کردند. با پیام  
ذنواس و ظهور يك دولت یهودی در یمن و بسط قدرت آن در  
شبه جزیره عربستان، دامنه نفوذ ساسانیان تا قلب جزیره العرب  
کشیده شد، اما دوران قدرت این دولت چندان نایید و تصرف یمن  
به دست حبشیان بار دیگر اوضاع را به سود رومیها دگرگون کرد.  
تنها کمک مبلغان نسطوری بود که نگذاشت رومیان دست بالا را  
داشته باشند و وجود این فرقه «مرتد» مسیحی ایرانیان را از  
امتیازی برخوردار کرد که تا آن زمان فاقد آن بودند.

از مجموع این مباحث خواندنی معلوم می‌سود که عربستان  
در دوسه قرن پیش از ظهور اسلام يك سرزمین برت و دور از بازی  
سیاستهای جهانی نبوده بلکه آوردگاه دو امپراتوری بزرگ آن  
زمان بوده است. این کتاب، گرچه در ابیات مدعای اصلی  
نویسنده موفق نیست، برای خواننده صبور که تاب خواندن آن  
را بیاورد مطالب تازه کم ندارد و حتی برای کسانی هم که این  
مطالب را جسته گریخته اینجا و آنجا خوانده‌اند تصویر کلی که  
در این کتاب ترسیم می‌شود تازگی دارد.

مدن آب دریای سرخ زیر آب رفته است  
این ناسك سالخورده... الا اسبچه و ساهی را تعدیل کرد  
که به جنگ کسانی رفت که در روزگار بیسین محی را  
تسلیم درخیم کرده بودند. (ص ۱۳۹)  
ل معقول این است که ناسك سالخورده ساهی را که عارم  
با یهودیان بوده «تقدیس» کرده اسب به تعدیل.  
ظفر و همراه با آن متعلقان یوسف و گنجه هاس به دست  
فاتحان افتاد. (ص ۱۴۱).

و «حسن و خسین هر سه...». صورت درست طاهرأ این  
«ظفار و همراه با آن متعلقان یوسف و گنجه هاس به دست  
ن افتاد».

سکل این کتاب تنها در عبارتهای دیریاب و غلطهای حافی  
، حمله های مسوس و عبارتهای بی معنای بسیاری هم هست  
لوم بیست وجود آنها را باید به بی دهمی مترجم حمل کرد یا به  
، ویراستار یا به حواس برتی مصحح و صفحه آرا مثلاً.

سلاح آن دوران را که تعیین کننده سربوست سرد به  
گونه ای روراهزون سواره نظام سران رره بوس در درجه  
اول اهمیت فرار داشت. (ص ۱۰۳)

گویند یهودیان مدینه ناساه را مؤکداً متوجه این پیام که با  
سدت و ستمگری صورت گرفته و این ستمگری که در  
سارزه با حبسیان تکرار شده بود در رویدادهایی که از آن  
سرح داد به اوج رسید (ص ۱۲۸)

ساسانیان هم بطوریکه دسب روی دسب گذاشتن آنها،  
عبل ناتوانی آنها، برای جنگ به نوعی که دکر سد مجهز  
بودند. (ص ۱۳۸)

رفتاری دیگر این ترجمه ضبط نادرست نامهای اسخاص و  
ی اسب که از قدیم در مئون فارسی و عربی به کار رفته اند، و با  
رحمت می توان صورت درست غالب آنها را در مراجع موجود  
ی پیدا کرد. از این همه به ذکر چند نمونه اکتفا می کنیم

رس گالون به جای رأس الحالوب

ایلام " الیماس

اسعیا " برایا

دب در سب این نام در حاسیه آمده است!

عمر " عمرو

امرو " عمرو

دو اسم يك نفر است!

کینسرین " فنسرین

مسانه " مُسنی

حم از خود اجتهاد کرده و نام این قصر اموی را در حاسیه به  
ب «قصر المساطه» نوشته است!

کاینوکا " بنی فینقاع  
کیندا " بنی کنده  
نیرییس " نصیین

(در ص ۹۱ نام این شهر به صورت درست نصیین ضبط شده  
اسب.)

تیمه " تیماء  
نگوس " نحاسی  
ملکیتها " ملکانیان

\*

از این نمونه ها تا نخواهید می توان دکر کرد اما ممکن است  
نگویند که این مرده اس همه سئون ندارد. حقیقت این است که  
اگر کتاب دیگری بود و ناسر دیگری آن را منتشر کرده بود بهتر  
بود اصلاً نادیده اس بگیریم، اما این همه تفصیل درباره این کتاب  
به این دلیل اسب که اولاً حاکم که گفتیم کتاب به خودی خود قابل  
توجه اسب و ناسر این ترجمه آن کار مفیدی بوده اسب، ناسر این  
اصلی آن هم آلمانی بوده و مترجم آلمانی دان ریاد نداریم و همین  
ترجمه هم غنیمت اسب، متن کتاب هم ساهکار ادبی نیست که  
انتظار فصاحت و بلاغت از ترجمه آن داشته باشم ناسر این بر  
مترجم عیب حدانی نمی توان گرفت، به خصوص که این کتاب  
خارج از حوره تخصص او بوده اسب. همین قدر که این کتاب را  
ترجمه کرده جای سکر دارد اسطاری که هست از ناسری خون  
«سارمان انتساراب و آمورس اسلاب اسلامی» (فرانکلین اسبی)  
اسب که وقتی کتابی را برای انتسار برمی گیرند و جزو  
مجموعه ای حاب می کند که مثلاً سهری داشته اسب، لافل  
غلطهای فاحس آن را تصحیح کند. از حیر مقابله با اصل و اصلاح  
سر می گذریم، اما بی بردن به اینکه جمله ای درهم ریخته اسب و  
اول و آخر اسب با هم نمی حواند سوع نمی خواهد و یافتن ضبط  
در سب اسمهای خاص کار ساده ای اسب که از هر کس با اندکی  
آموزش دیند برمی آید مگر وظیفه ویراستار حر این اسب؟  
متأسفانه فراس حکم می کند که بسیاری از آسفتهای این کتاب  
در مرحله حاب به آن راه یافته اسب و غالباً ناسی از آن اسب که  
مصطححان مطعی نتوانسته اند خط مترجم را حواند یا مترجم  
خود در دار تصحیح کوتاهی کرده اسب.

ترجمه کمکهای اقتصادی در دوران باستان در وضع فعلی قابل  
استفاده نیست و می توان گفت که سهل انگاری مترجم و ناسر  
کتاب مفیدی را ضایع کرده اسب. تنها مایه سلی این اسب که از  
این فیل حوادد در مؤسسات عریض و طویل سر نمونه های  
دیگری هم داریم. دسب کم داسحویایی که این رورها کتاب  
روان پرساری از انتساراب مرکز سر دانشگاهی را خوانده اند و  
روایی سده اند بر درستی این ادعا گواهی می دهند.

# «فرهنگ زبان فارسی امروز» و کاستیهای آن

محید ملکان

به اصل تخصص در کارهای علمی را می توان از تنوع کا  
فلاً بدان دست بازده اند، دریافت. حالب اسب که در مها  
فرهنگ وفتی اسامی راهنمایان و مساوران فرهنگ را  
سعل آنها می آورد در مقابل اسم استاد احمد آرام می  
علامه یعنی علامه بودن هم سعل و تخصصی است  
موسسندان، سمیدان، ریاصندان و... این یادآوری به  
سبب که سار و مقام اسناد بزرگوار احمد آرام، که نه  
مترجمان ایران اسب، نادیده گرفته سود؛ منظور تذکر  
اسب که مؤلفان هور در عهد این سیا و بیرونی سیر  
استدالارم است از مقدمه این فرهنگ مخاطبان آن ر  
در صفحه الف حین می خوانیم.

مخاطب نا استفاده کننده از این فرهنگ شخصی  
تحصیلات دبیرستانی در نظر گرفته سده که  
رورانه اس با مردم کوحه و حیابان و با کتاب، رور  
رادیو، تلویزیون و سینما سروکار دارد و در جریان  
به مراجعه به این فرهنگ نیاز پیدا می کند، ولی هتاً  
شخص برای کار کردن وارد دانسکده ادبیات،  
کارگاه تراسکاری یادادگاه می سود دیگر این فر  
بر آوردن همه نیارمندیهای وارگانی او کافی نیست  
یک فرهنگ تخصصی اسب.

...به واره ها، ترکیبها و اصطلاحهای علمی و ف  
بیستری سده زیرا جامعه ما نیاز بیستری به کاربر  
آنها دارد.

و اما موارد کاستیهای فرهنگ و عدول از اصولی  
کرده اند:

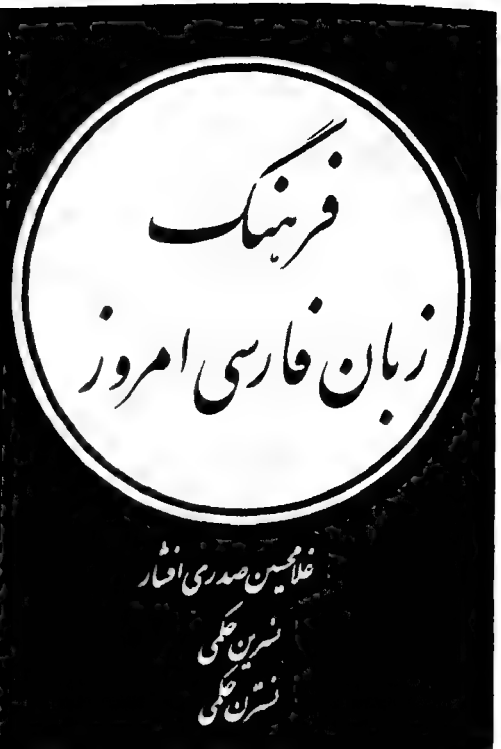
(۱) مهمترین و اصلی ترین اسکال این فرهنگ

فرهنگ زبان فارسی امروز تألیف غلامحسین صدری افشار، نسر س  
حکمی، سترن حکمی، تهران، مؤسسه نشر کلمه، ۱۳۶۹، ۱۰۴۸ صفحه.

تغییر و تحول ربان در طول رمان سبب می سود که فرهنگهای ربان  
سبب ار مدتی دیگر رور آمد بپاسد و حای لغتها و اصطلاحهایی که  
در تداول رور مره به کار می رود، در فرهنگها حالی بماند. ار طرف  
دیگر در فرهنگهای مرجع فارسی بطر فرهنگ معین بساری  
لغتها و ترکیبها وجود دارد که مربوط به گنجینه ادب گذشته اسب و  
جر برای کسانی که نه مطالعه متنها کهن می بردارید، مفید  
بیسب. این دو عامل وجود فرهنگی را که سارهای فارسی زبانان  
امروزی را بر آورده کند، ضروری می سازد و بی گمان فرهنگ  
ربان فارسی امروز برای ناسخ دادن نه حسن بیازی تألف سده  
اسب. اما افسوس کتابی که حای حالی آن ار مدتها بیس حس  
می سد دحار کاستیهای اسب که امید خواننده را که در حسجوی  
مرجعی مطمئن برای حل مسکلات ربان فارسی امروز اسب به  
یأس میدل می سارد

فیل از هر چیز یادآوری این نکته لارم اسب که بساری ار  
کاستیها و نارساییهایی که بدان اساره خواهد سد معلول يك  
گرفتاری کلی در فرهنگ ماسب و آن غلبه روحیه کار انفرادی بر  
کار جمعی است. در امری خطیر مانند تهیه فرهنگی که فرار اسب  
مرجع دیگران فرار گیرد، باید افراد بساری با تخصصهای  
گونگون مدتی مدید کار کنند. ساید اگر ار بساری ار بزرگوارانی  
که نامشان در ابتدای فرهنگ به عنوان مساور و راهنما آمده  
استفاده بیستری می سد و افراد متخصص و زیاندانان بیستری در  
این کار شریك می شدند، نتیجه کار جراین می بود. هر چند  
که به گفته بعضی از این مساوران، حدود و حوره مسورت و  
راهنمایی هم بسیار محدود و گاه ناچیز بوده اسب نگرش مؤلفان





□ در مقابل نالس «تکانه، صربان، نبض» گداسته‌اند که هیچ کدام معادل آن سب و باید تعریف آن یعنی تغییر لحظه‌ای جریان، ولتاژ یا کمیت دیگری که اساساً ثابت باشد، آورده می‌شد. تکانه را اخیراً به معنای اندازه حرکت در مقابل momentum گرفته‌اند.

□ در مقابل برون‌داد، «نارده» گداسته‌اند حال آنکه برون‌داد معادل output است و نارده معادل راندمان

□ جریان فوکو را «جریان برق ناسی از فرار گرسن بك حسم فلری در میدان مغناطیسی» - اسسه‌اند، حال آنکه جریان ایجاد شده در هر حسم رسانا در اثر فرار گرسن در میدان مغناطیسی متعبر است

□ تحت به معنای «دارای حاصلتهای برحسته و دارای تبار محرم» آورده شده و به معنای راجح دیگر آن یعنی عصف اساره سده است

□ حدب را «حتری درباره گفتار ما کردار سامبر اسلام» دانسته‌اند، در صورتی که حتری که از ائمه نقل کند نیز حدیب است

□ حوری به صورت «دوسره یا زن بسیار زیبا» معنی شده و به معنای اصلی آن که زن بهیسی است بوجهی سده

□ در مقابل ناکسی سروسس نوشته‌اند «نوعی ناکسی که در مسر ویره‌ای رفت و آمد می‌کند» ولی امروزه به اتومبیل‌های اراستهای درون شهری ناکسی سروسس می‌گویند.

□ جمهوری اسلامی را «نظام جمهوری متکی به اسلام که در رأس آن ولایت فقه با شورای فقهان قرار دارد» نوشته‌اند، آیا جمهوری اسلامی پاکستان نیز همین ویژگی را دارد؟

□ در مقابل ولایت فقیه نوشته‌اند «سعل یا مقام ولی فقیه» در صورتی که ولایت فقه یعنی رعایت و احیاءداری ولی فقیه بر امور جامعه مسلمین

□ در مقابل دارو حابه آمده است. «۱. جایی (معمولاً به صورت معاره) برای فروش دارو، ۲. جایی در يك مؤسسه (بویژه بیمارستان) برای نگهداری و تحویل دارو به بیمار» - فرق معنای ۱ و ۲ چیست؟

□ در مقابل خونکاری نوشته‌اند «عملی که موجب آزار کسی شود» حال آنکه معنای محاری آن یعنی «عملی که موجب خجالت کسی شود» کاربرد دارد و معنای حقیقی آن «ضرب با چوب» است.

□ سر با گرفتن را «بچه را به مستراح بردن» معنی کرده‌اند در صورتی که بلند کردن بچه است به کیفیتی مخصوص برای فضای حاجت

□ سنگول علاوه بر معانی اشاره سده معنی سرمست هم دارد

آن مرجع محدود می‌کند به دست دادن معنایی نادرست، و ناکافی است برای نمونه هر صفحه فرهنگ را که بار دست کم به يك مورد برمی‌خورید برخی از مواردی که در تضاد می‌باشد به حسم من رسیده به فرار بر است. لامحاله را «دست کم» معنا کرده‌اند که معنای درست آن بر است.

آبرق فشار ضعیف به صورت «برق مناسب برای کاربردهای تی» معنا شده است حال آنکه «برق فشار ضعیف» در مقابل فشار قوی قرار می‌گیرد و در ترانسفورماتورها طرفی که ستری دارد، طرف فشار ضعیف نامیده می‌شود این برق ضعیف می‌تواند ۲۰۰۰ ولت هم باشد که به هیچ وجه برای بردهای خانگی مناسب نیست کاربرد دیگر برق فشار ضعیف سه دستگاهی آن بود که اکنون دیگر متداول سب و در آحا به معنی برق مورد استفاده در مدارهای الکترونیکی بود، در بل رسته برق فشار قوی یا الکترونیک یا به نام امروزی آن بر

□ در مقابل فارمتر نوشته‌اند «دستگاهی که اختلاف فارمیان کسب متناوب دارای يك بسامد را با آن می‌توان سنجید» سنجانه بیستر مردم در خانه خود فارمتر دارند و معنای آن را باید تعریفی که در اینجا داده شده هیچ ربطی به فارمتر ندارد بوط به سنجنده کسینوس فی است.

□ ناله را «دارای استعداد یا امکان رسد» معنا کرده‌اند در ننی که «در حال رسد» هم معنی می‌دهد.

که نادیده گرفته شده است.

□ در مقابل تاریخچه نوشته‌اند «سرگذشت کوتاه يك نهاد یا رویداد». کوتاه بودن را لابد از شوند «جه» نتیجه گرفته‌اند، حال آنکه در کاربرد امروزی وقتی به تاریخچه تلویزیون اشاره می‌کنیم ممکن است يك کتاب قطور پانصد صفحه‌ای باشد.

□ تعریفی که برای ضریب شکست داده شده است مربوط به ضریب شکست مطلق است.

□ استارت را استارت معادل سلف گرفته شده است که هیچ ربطی به هم ندارند.

□ در ذیل آرک تانرانت تعریفی که داده‌اند مربوط به  $\arctg$  است و شامل  $\arctg$  نمی‌شود.

□ آزاده را «اسیر جنگی ایرانی آزاد شده» معرفی کرده‌اند این تعریف فقط مربوط به جنگ ایران و عراق است.

□ در مقابل ترانه‌سرا نوشته‌اند «سارنده ترانه بویژه شعر آن» ولی ترانه‌سرا فقط سارنده شعر ترانه است

□ ته‌به را «لکنت زبان» معنا کرده‌اند، حال آنکه ته‌به لکنت زبان موفقی ناسی از حجاب یا رسوا شدن است و لکنت زبان نوعی بیماری است

□ نندرومر «مانع سیح» معنی شده است در صورتی که حگالی سیح است، و اصلاً مانع سیح معنی چه؟

□ در مقابل انجی «خواهر بزرگ» نوشته‌اند که معنی عامتر خواهر هم دارد و امروزه همین معنی رایج است.

□ ابدیده به معنای «صفت فلزی که آب داده ناسد» به کار نمی‌رود و در این معنا آب داده یا انکاری شده معمول است.

□ در ذیل ابر رسانایی اشاره شده که «برای انتقال بیرو» به کار می‌رود حال آنکه ابر رسانایی هور حس کاربردی نیافته است

□ اجتماع نفیض را «گردآمدن دو یا چند چیز ناسازگار» نوشته‌اند. اولاً نفیض معنای منطقی مشخصی دارد که با ناسازگار یا متضاد... فرق می‌کند. ثاناً نفیض به معنای دو نفیض است و نه حد تا.

□ در ذیل ابوتراسفورماتور نوشته‌اند «برای تبدیل ولتاژ ۲۲۰ به ۱۱۰ یا برعکس» در حالی که اتوترانسفورماتور می‌تواند هر ولتاژی را به هر ولتاژی تبدیل کند و ترانس خودکار هم معادل خوبی برای آن است چون خودکار به معنای اتوماتیک رایج است.

□ در مقابل آداپتور نوشته‌اند «وسیله‌ای برای تبدیل برق متناوب به جریان مستقیم». این تعریف ناقص است زیرا آداپتور دستگاهی است که برق مصرفی و موجود را با برق لازم برای دستگاه تطبیق می‌دهد. آداپتورهایی که در ایران موجودند ابتدا

عمل تبدیل ولتاژ را انجام می‌دهند و بعد آن را مستقیم هم. پس تبدیل ولتاژ هم جزئی از کار آداپتور است.

□ اخراج را «بیرون کردن» و اخراجی را «بیرون شد کرده‌اند حال آنکه معنای متداول آن بیرون کردن از سر محل تحصیل است و نه مثلاً بیرون کردن از خانه.

□ بلغور کردن را «نامفهوم و شکسته بسته سخر نوشته‌اند حال آنکه غالباً معنای آن سخنان بزرگ و قلمب سر هم ردیف کردن است.

□ در مقابل فاراد نوشته‌اند «واحد اندازه‌گیری شار منظور واحد اندازه‌گیری ظرفیت حازن بوده است.

□ در مقابل فتوکی نوشته‌اند «عمل یا فرایند عکسبرداری به وسیله دستگاهی ویر». فرق این تعریف با عکس با دوربین عکاسی چیست؟

□ در مقابل فتر نوشته‌اند «حسم کسسانی که وقتی آ حالت نخستین برمی‌گردد، بویژه قطعه‌ای فلز که بر اثر هم کردن چنین خاصیتی پیدا کرده باشد». اولاً کسسانی را می‌سازیم که پس از کسیده شدن تا حد آراد سود به حالت نخستین برنگردد، ثاناً آراد شدن چه؟ (منظور این است که کسیده شود و رها شود؟) □ در مقابل فدوی نوشته‌اند «واره احترام آمیز به ج حالی که فدوی به معنی جان سار است و از سر خود ذکر می‌شود و نه به خاطر احترام به خود.

□ در مقابل کمر بند وان آلن نوشته‌اند «کمر بندی یونیده در حوضه فوآنی زمین». در کجای فزیک یا س یونیده می‌شوند؟

□ برای تلسکوپ دو تعریف داده شده که تعریف هیچ فرقی ندارد و در مقابل تلسکوپ سکستی «تلسکوپ برای بهتر دیدن حرهای نزدیکتر» نزدیکتر؟ اصلاً نزدیکتر در اینجا معنی ندارد. مگر بسیا بسیار دور دست آسمان را با همین تلسکوپ س نکرده‌اند؟

□ در مقابل موج الکترومغناطیسی نوشته‌اند «بار برقی در حال نوسان یا ستاب یافته که به طرف بی می‌یابد» که بسیار بی معناست.

□ در مقابل فارسی دری نوشته‌اند «زبان فارسی رسانه‌های گروهی ایران به کار می‌رود». قابل توجه زبان‌شناسان!

□ در مقابل فارنهایت نوشته‌اند «مقیاس دماس گابریل فارنهایت، بر پایه منجمد کردن برخی ا شد». بر پایه منجمد کردن برخی ترکیبات یعنی حا

انیسون، نشیل و.

۳) بسیاری از واژه‌های رایج در فارسی امروز در این فرهنگ وجود ندارد. جمع‌آوری همه این واژه‌ها شاید ممکن نباشد ولی جا داشت که حداقل با مراجعه به فرهنگ معین واژه‌های رایج در آن فرهنگ به عنوان مبنا برگزیده می‌شد. برای نمونه واژه‌های این فرهنگ در حرف «م» با فرهنگ معین مقایسه شد و لغت‌های رایج زیر که در فرهنگ معین هست در این فرهنگ وجود ندارد: مل، مله، ملارماب، ملاطف‌آمیز، ملاعب، ملالت، ملامت، کسیدن، ملامتگر، ملبوس، ملتس، ملتس، ملج، ملج‌ملج کردن، ملحفه، ملصق، ملحفه، ملکوک، ملّان.

این نمونه‌ها می‌تواند میزان جامع بودن این فرهنگ را نشان دهد. سایان ذکر است که چه سا واژه‌هایی که حتی در فرهنگ معین هم وجود ندارند و باید در این فرهنگ آورده می‌شدند

۴) در انتخاب مدخل‌های کتاب و سیوه ارائه آنها هیچ روس و ضابطه‌ای در کتاب دیده نمی‌شود. مثلاً نحوه تلفظ بعضی کلمه‌ها آمده و بعضی دیگر نامده، شاهد و مثال برای بعضی واژه‌ها آورده شده و برای بعضی که واجبتر بوده آورده نشده است. در تعریف حس یا تحبیس سخ قسم آن ذکر شده ولی اقسام تشبیه ذکر نشده است. برای حوس ۶۸ ترکیب ذکر شده ولی برای خوب ۷ ترکیب. جمع بعضی کلمه‌ها به عنوان مدخل جداگانه آمده و بعضی دیگر بیامده. ۲۱ عدد بالاتر از میلیون که هیچ استفاده‌ای ندارد ذکر شده ولی بیسوده‌های راجح دستگاه متری فراموش شده است بعضی برکیهای غلط ماسد حاناً آورده شده و بعضی دیگر که این رورها سیار رایجتر است مل گاه آورده نشده است. دمانای را دبل مدخل ترموستات توضیح داده که آشناتر است ولی ترمولاست را به مدخل گرمائز ارجاع داده که ناآشناتر است. کسمه انقلاب اسلامی حرو مدخلها هست ولی کمیته امداد امام خمینی یا سیاد شهید انقلاب اسلامی نیست. توده‌ای به معنای عضو یا طرفدار حزب توده و فدایی به معنای طرفدار سازمان فدائیان حلی حرو مدخلها هست ولی مجاهد (یا مافق)، لیبرال، بیکاری و حرو مدخلها نیست. تعریفها یکنواخت و اسلوبمند نیست، مثلاً تعریف حوبگان در صفحه ۳۵۷ را با تعریف سمالگان در صفحه ۶۳۱ مقایسه کنید.

۵) بسیاری از واژه‌های تخصصی رشته‌های مختلف علمی و فنی در این فرهنگ آمده که حابی در فرهنگ عمومی ندارد و بنانه قول خود مؤلفان برای یافتن آنها باید به فرهنگهای تخصصی رجوع کرد به نظر می‌رسد که این واژه‌ها برای يك فرهنگ تخصصی گردآوری شده‌اند و از سر باجاری در این فرهنگ گنجایده شده‌اند. برای مثال: برمالوی، پروپیلن، رادیوکر-

بر چه نایه‌ای ابداع شد؟

عدد ماخ را «نسبت سرعت يك سیال به سرعت صوت» کرده‌اند. عدد ماخ کسکانت زاویه ماخ است که زاویه ماخ س فواصتی مطرح می‌شود و این تعریف کسف فیریکی تبدی است.

در مقابل طنین نوسه‌اند «ویرگی برخی صداها، ناسی ار بای کوتاه بیایی به دنبال يك ارتعاس بلند» آحر اس ویرگی ؟ آن برخی صداها کدامند؟

در برابر ستاره دنباله‌دار نوسه‌اند «هر يك از حرهای سحابی مانند دارای هسه‌ای درخشان و سری به صورت و سن...» اولاً ستاره دنباله‌دار یا comet سحابی مانند سحابی واژه جداگانه‌ای است معادل nebula که تعریف خود را دارد. ناناً اگر می‌خواستند بگویند ابری ماسد یا اس هم درست است ساره دنباله‌دار با حسم صح صورت ابرواره دارد و با تلسکوب حسم است.

در برابر سمی قطبی آورده‌اند «بدیده‌ای نورانی به شکل ساعهای نور، فوسها یا برده‌های آویخته رنگارنگ که سب در آسمان منطقه‌های قطبی دیده می‌شود و تصور ناسی از ترکیب الکترونها و روتونها با مولکولهای هوا اولاً به شکل باره‌ها یعنی حه، نایاً بدیده جدید ترکیب و پروتون با مولکول را هم دانشمندان علم سمی بب

اسکه سخن به درار کسید؛ واژه‌های ترارستور، تایمر، مربی، صورت وضعیت، فاتی‌باتی، ررسلواری، رکاب، احتیاط، اختلاف تناسیل، آمارتمان، ادبیات، عدد بسیاری واژه‌های دیگر را هم یادداشت کرده بودم ولی به ذکر آنها نیست، همین نمونه‌ها برای ساس دادن ایی از مسکلات این فرهنگ کافی است.

بسیاری از واژه‌هایی که در این فرهنگ آمده اصلاً در امروز رایج نیستند، مانند الف آرزو و دعا در زماناد، حره، رارحایی، حمفاء، آسیمه، جعل، احصائیه، غلا، آلاگارسن، بسیجیدن، آلت‌بندی، ساربن، عافروها،

## پیوند

(ماهنامه فارسی تاجیکستان)

محققان و استادانی که از تاجیکستان برای سرک «زبان فارسی، زبان علم» به تهران آمده بودند با خود حنریه‌ای را آوردند که از ابتدای سال جاری میلادی خط فارسی یا به قول ایشان به «خط نیانگان» در سمنتسر می‌سود. شماره دوم از سال اول این سریه ۱۳۶۹ در ۱۶ صفحه و در تیرار ۱۰۳۰۰ نسخه است آن تابلویی است از خط محمد طریقتی که در آن غرلو این مطلع نوشته سده است.

من نه آن رندم که ترك شاهد و ساغر کند محتسب داند که من این کارها کمتر کنم سرمقاله مطلبی است با عنوان «اصلاحات...». در خبری است در باره سفر ایران شناس آمریکایی، ر به تاجیکستان و اقامت چند ماهه او در شهر دوشنبه مطلب کوباهی است با عنوان «بازگست به ا در گر داندن نام «لنین آباد» به «خجند»:

در حدود سست سال بیس ازین، با تحمل ا مردم از بالا که «خجند» باستانی باید به «لنی نام یابد، جنین استدلال می‌سد که این اسب. مردم هرگز در دل به این دگر گونی راه ناحار خاموش ماندند، بر دلها و ربانهایسان انجام سده بود نمی‌خواستند. اما چه می‌تو بر لب قفل سکوت زده بودند. عقده‌های م متراکم می‌سد تا زمیه‌ای فراهم آمد و از دل برداسته شد. سرانجام مسأله را به همه بر نتیجه‌حه سد هفتاد و چهار درصد مردم رأی این بیروزی حق اسب بر باطل. علیه نور بازگست است به اصل. و در این جاست ا بلخی تحققی می‌پذیرد:

یستالوگرافی، سینوسوئید، سیستوزوما، فیتوبلانکتون، کالوتروبین، کروماتوز، کرونترون، تریسینوز و...

هیچ دلیل و ضابطه‌ای برای انتخاب این واژه‌های علمی از میان ده‌ها هزار واژه علمی که مربوط به فرهنگهای تخصصی جداگانه است، وجود ندارد. در عوض واژه‌های علمی خیلی رایجتر مانند سنسور، اسر گلخانه‌ای، منبع ابساط و... در فرهنگ وجود ندارد. وقتی برای انتخاب مدخل ضابطه وجود نداشته باشد، کار حنین می‌سود. بدون مطالعه می‌نوان گفت که نزدیک نیمی از این فرهنگ را مدخلهای علمی نالازم اسعال کرده که علاوه بر نالازم بودن حنانکه گفتیم معانی نادرست و نادقیق آنها خواننده را به بیراهه می‌کساند.

۶) مرز این فرهنگ با فرهنگ کوحه مسخص نیست. اصطلاحهای رایج در فرهنگ عوام سابه انتخاب مؤلفان و به صورت کاملاً اختیاری و بدون ضابطه وارد فرهنگ سده‌اند و حال آنکه اولاً جای سیاری از این کلمه‌ها در فرهنگ عمومی نیست، بانیاً حرا بعضی آمده‌اند و بعضی بیامده‌اند. مثلاً زکی هسب و سیاری از مترادفات آن نیست. جیس و جوجو از اصطلاحات بحگانه هسب و مثلاً می‌بی کردن و نای‌بای کردن و... سیاری واژه‌های دیگر وجود ندارد بازی گرگم و گله می‌برم آمده و نحوه ابهام دادن آن توضیح داده سده و سیاری باریهای دیگر مثل تب تب خمیر بیامده، یا اتل مثل تو توله آمده ولی بازی آن توضیح داده نشده. حق بود که این فرهنگ اصلاً وارد این موله نمی‌سدریرا فرهنگ کوحه دامنه گسرده‌ای دارد.

۷) در برابر برخی واژه‌ها تنها به معنای اصطلاحی آنها اکتفا سده اسب و معنای لغوی واژه ذکر نسه، مانند واژه‌های عاسورا، سی القمر، لاله الا الله، فدوی، آجمزو. که خواننده در نمی‌باید معنای لفظی این کلمه‌ها به ترتیب «روز دهم، سکافتن ماه، نیست خدایی جز خدای یکتا، حان سار، باز نمی‌سود» اسب تا بتواند درست و به موقع از آنها استفاده کند

۸) کتاب از اسبها حانی هم در امان نمانده اسب، به عنوان نمونه ۵! را به صورت ۱۵! نوشته‌اند و یا در تعریف عدد موهومی جره اصلی که  $\sqrt{-1}$  ناسد ار فلم افتاده اسب و جایس سفد مانده. این نمونه‌های تصادفی اطمینانی را که لازمه استفاده از کتاب مرجع اسب از اسان سلب می‌کند.

۹) از بحث مربوط به سیوه آوانگاری، ویرگیهای دستوری واژه‌ها، ویرگیهای کاربردی کلماب، یکدست بودن نحوه ارجاعات، اطلاعات مربوط به کاربرد سبکی لعاب، رسم الخط و دیگر فواعد فرهنگ نگاری در می‌گذریم چون مؤلفان خیال ما را راحت کرده‌اند و در مقدمه گفته‌اند «برای تألیف حنان فرهنگی به ایجاد و تجهیز امکانهای زیادی نیاز اسب، که ما نداشتیم.»

همان صفحه گزارسی است در باره هنر یسه ناحیک . نام  
۳۷ وی سال دارد و از سارده سالگی به جهان هر تاتر  
سی گام نهاده است و هم اکنون در تاتر خحد مسغول کار  
حام تاج النساء میان سغرای قدیم به خام و سغدی بیس  
غرای دیگر علاقه مند است. وقتی از او می پرسد: «آیا  
ان و نویسدگان ایران و افغانستان را می ساسد؟» می گوید  
حون به خط فارسی آسبایی دارم» وی اظهار امیدواری  
است که روری این خط را بیامورد و به طور مستقیم از بازار  
ی استفاده کند. تاج النساء معند است که «خط سربلیک مردم  
کسان را از اصل و سرحسمه و ریه به دور کرده است»  
صفحه چهار گزارسی است با عنوان «مساعره» که آن را  
در اسحا نقل خواهیم کرد. گفتگویی با یک حوسویس  
ن اکرم علی سیراری)، مطلبی در باره تاتر عروسکی در  
کستان، معرفی کتاب «ساعر توانا و سغر گوارا»، اثر میرزا  
(ارانتسارات نگاه سراتی عرفانی)، معرفی محله ای به نام  
)، داستانی کوتاه از اکرم عثمان به نام «مس و بهلوان تراب»،  
ی نوار «با کاروان عشق» مستمل بر اسعار بیما یوسح و  
اب سهری و سهریار و مهدی اخوان نالب و سیده کاسانی و  
امس نور و صاعد باقری و محمد علی سابلو، گزارسی از  
رگدسب اخوان نالب و مطالبی در باره بایرید سظامی به نقل  
زده الاولیاء عطار، و همچنین مطالبی از کتاب گنجینه لطایف

همانطور که اشاره کردم، در صفحه چهارم محله گزارش سفری است به ررافسان با عنوان مساعره، به فلم عبیدرحب. این مطلب به مناسبت هشتادمین سال تولد تورسون راده، ساعر ناحیکم، یوسیه سده است.

- این خانه يك محس تاريخ تاحيكستان است، سمرها وقصهها و رمانهای استاد در همین حا ایحاد شده‌اند... «نمونه ادبیات تاحيك» در همین حا بگاشته سده، داستاں «آب حیات» نیز در همین حا اهریده سده بسیاری از مردان رررگ تمدن جهان این جا به دیدار استاد آمده‌اند. هر حست و هر بوته گل این منزل شاهد



نور علی رازق رو جانب لطیف زیور نموده گفت:  
- نترسیده مشاعره را سر کنید، ملا زیور، ما هم هستیم.  
نخستین را بزبان آورد:

هیچ شادی نیست اندر این جهان  
برتر از دیدار روی دوستان  
رحیم جلیل دوام دادند:

نگه کن به جایی که دانش بود  
زداننده کشور پرامش بود.  
نور علی رازق این بیت را گفت:

در سر کوی قناعت حجره‌ای باید گرفت  
نیم نانی می‌رسد تا نیم جانی در تن است  
استاد میرزا تورسون زاده بیت خوانی را ادامه دادند  
تا عمر بود در هوس روی تو باشم  
ور خاک شوم خاک در کوی تو باشم.  
ملا عیسی ریش سفید خود را قبضه زده از ایجاد استا  
خواندند:

مرا روزی حکایت کرد بابا  
که بشنو جان بابا قصه‌ای را  
زمانی بود بیرون از سمرقند  
بچشم کس نمایان کلبه‌ای چند...

استاد ناراحت شدند و گفتند که سطرها موافق  
مشاعره است اما خوب می‌بود اگر بیت از گ  
باشد.

ملا عیسی در جواب این بیت را قرائت کرد:  
می بخور مصحف بسور و آتس اندر کعبه  
ساکن بتخانه باش و مردم آزاری مکن.

ایسان عمر خواجه بیتی از فرخی خواند:  
نیک و بد هر دو توان کرد ولیکن بیسک  
نیک دسوار توان کردن و بد سخت آسان.  
رحیم جلیل مشاعره را جمع بست کرده گفتند:  
- آفرین، بسیار خوب، غالب هم نیست و مغلوب  
در همین وقت نوارگیر آمد که مشاعره را از سر  
کمی دیر کرد. موافق التماس او مشاعره را تکراراً سر  
مصرعهای بیشتر خوانده سرکت کنندگان دوبار  
نیامد.

استاد خوش شدند از آنکه روح استاد رودکی در ت  
زنده است و شعری که او پایه دیوار بلندش را ده  
گذاشته است، در مغز- مغز جان مردم این وادی جای  
آنها عمر بسر می‌برند، مردم کام فرزندان خود را  
می‌بردارند.

زنده‌ی روزگار ناهموار استاد است.

آن روزها در تاجیکستان به جشن ۶۰مین [شصتمین] سالگرد  
زادروز استاد آمادگی گرفته می‌شد. پنجه کتی‌ها پیش قدم شده این  
تاریخ را جشن گرفتند. فلمبرداری و سفر استاد بهانه‌ی خوبی  
شد.

با وجود شتاب فقط در روز سوم سفر، به استاد میسر شد که  
عازم پنج‌رود شوند.

وقتی ماشین‌ها رو به سوی پنج‌رود نهادند عکاس روزنامه‌ی  
«زرافشان» قیام‌الدین شرف‌زاده به معنی «من هم با شما روم یا  
نه؟» سوی من نگاهی کرد. بی‌آنکه سخنی گویم از دستش گرفتم و  
به ماشین نشاندمش.

مسعود ملاجان گفت:

- برای عکاس دعوت خاصه شرط نیست، از در راند باید از  
دیوار آید.

مسعود ملاجان علاوه کرد:

- وظیفه‌ی تو برای تاریخ ثبت کردن لحظه‌های فراموش ناشدنی  
سفر استادان است، به چیز دیگر اعتبار ده، از بی‌کار شو، با ما بیا.  
یک عکاس خوب است اگر دو تا باشد بهتر.

قیام‌الدین اطاعت کارانه به ماسین نشست.

وقتی که به پنج‌رود رسیدیم در قطار مردم رحیم جلیل را دیدیم.  
چند دقیقه پیش آنجا آمده بودند در میانه‌ی باغ آرامگاه بالای کت  
زیر درخت سالخورده‌ای ایشان عمر خواجه، ملا عیسی، لطیف  
زیور، نور علی رازق و چند تن موسفیدان نشسته بودند. استاد به  
سلام آنها رسیدند. بی‌مقدمه صحبت گرم، به سر خوانی تبدیل  
یافت.

رحیم جلیل گفتند:

- میرا جان، یک بیت برک نمی‌کنیم؟ ببینیم اولاد استاد رودکی  
غالب می‌آید یا سربیکان استاد تورسون زاده.

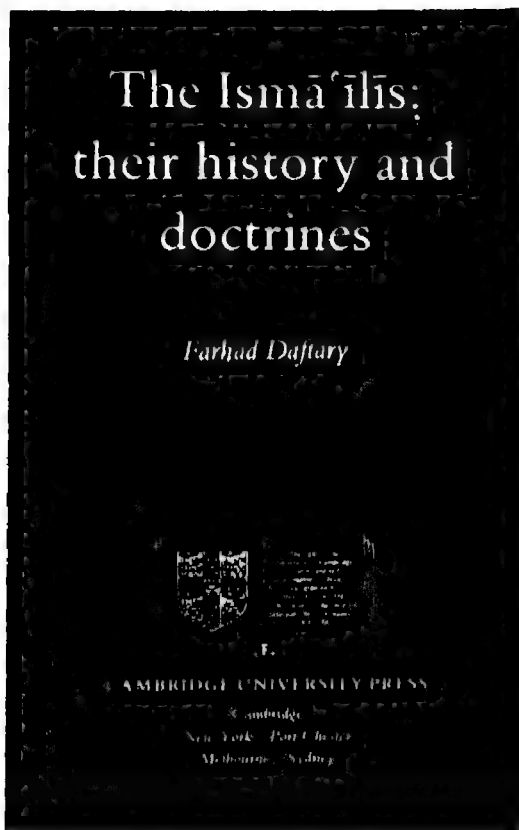
لطیف زیور گفت:

- مرحمت، میدان از دلیر است. فاعده‌ی مشاعره را رعایه کنیم  
یا همتو شعر خواندن گیریم؟  
استاد در جواب گفتند:

- اختیار در دست بختیار، هر نوع شود هم بیت اعلی باشد.

# ریخ پرماجرای اسماعیلیان

حسین معصومی همدانی



Farhad Daftary, *The Ismā'īlīs: their History and doctrines*, Cambridge University Press, Cambridge, 1988, xviii + 804 p

اسماعیلی پس از مذاهب تسنن و تسبیح انبی عسری سومین بزرگ اسلامی است که تاریخی برحاده را از سر گذرانده و با اینکه اکنون شمار معتقدان آن در مقایسه با آن دوره و سزار کم است، به سبب تاریخ برماجراس و به دلیل اهمیتی لحاظ تاریخ سیاسی و فکری جوامع اسلامی در گذشته است. هنوز هم توجه بسیاری از محققان و مردم عادی را به جلب می‌کند. از عمر تحقیقات حدی و بی‌طرفانه علمی سیاسی مدب ریادی نمی‌گذرد، زیرا اروپاییان با قرن اسماعیلیان را بر پایه گراسهای مورخان و ساحان دوران بای صلیبی و افسانه‌های «بیرکوهستان» و وحشتی که در دلها کند می‌سناحتند، و در میان مسلمانان هم، اگر توحهی به سلبه می‌شد براساس آناری بود که در رد و طعن بر این در ورگاری که اسماعیلیه با ملاحظه بزرگترین دشمن بوجود سیاسی محسوب می‌شدند، بوسه شده بود. حتی چون جامع‌التواریخ رسیدی که بر پایه منابع دست اول عیلی بوسه شده است، حدان مورد اعتنا بود. آناری که از اسماعیلیه باقی مانده است هم حدان زیاد نیست و هم اینکه حبه کلامی و عقیدتی دارد تا تاریخی با این حال، در یک گذشته با کشف برخی از منابع اصیل اسماعیلی و نشرهای اسماعیلی‌سناسان غربی و محققان اسماعیلی، بی‌ارگوسه‌های تاریک تاریخ این فرقه روشن شده است. بد هور نکات مبهم بسیاری هست که امید حدانی به سدسان نمی‌رود.

ناری که تاکنون درباره اسماعیلیه تألف شده غالباً به یک خاص از این نهضت یا به یکی از جنبه‌های آن اختصاص است و نیز معمولاً برای استفاده محققان بوسه شده است. دکتر دفتری، که محصول فریب بیست سال تحقیق و کار این حسن را دارد که اولاً تاریخ همه ساحه‌های فرقه عیلی را از بدو بیدایش تا زمان ما بررسی می‌کند، با سهرحد سنان هم در این کتاب نکات تازه بسیاری خواهند یافت، اما

کتاب در اصل برای حواسده علاقه‌مند به تاریخ نوشته شده و در کار بروهسهای اصیل بوسنده حکیده غالب تحقیقاتی را که تاکنون درباره آن فرقه انجام گرفته در اختیار او می‌بهد. این کتاب، گذشته از تعریض استاد مادلونگ و پیشگفتار کوتاه مؤلف، هفت فصل دارد. موضوع فصل اول (ص ۱ تا ۳۱) سیر تحففات غربان درباره اسماعیلیه است. این فصل با نخستین برخورد های اروپاییان با اسماعیلیان بزاری شام در دوران جنگهای صلیبی و نشر اسارات مارکوبولو به اسماعیلیان ایران آغار می‌شود این دور از آسنایی مسیحیان و اسماعیلیان با سقوط آحرین بایگاه مسیحیان در ارض قدس در ۱۲۹۱ میلادی به دست ممالیک، پایان می‌یابد. دور بعدی آسنایی با شروع خاورشناسی حدید آغار می‌شود و تا امروز ادامه دارد. در این دوران کسانی چون ولادیمیر ایوانف در پیشبرد مطالعات اسماعیلی بیشترین سهم را داشته‌اند.

حکومتی که تسکیل دادند و جنگهای ایسان با سایر مد (بویزه اسماعیلیان) در فصل چهارم این کتاب نقل شده فصل چهارم کتاب (ص ۱۴۴ تا ۲۵۵) درباره فاطمیار عبیدالله المهدی پس از اینکه خود را امام خواند، توا استفاده از اختلافاتی که در میان قبایل بربر شمال آفری داشت در سال ۲۹۷ دولتی در افریقیه (تونس) تأسیس کرد تدریج بر فلرو خود افزود و مرکز آن در سال ۳۶۲ به مد شد. این فصل درباره تاریخ دولت فاطمی تا سال ۴۸۷، ی مرگ المستنصر بالله هستمین خلیفه فاطمی، است. در ای اسماعیلیان بر سرزمین وسیعی حکم می‌راندند و اسماعیلی در بیرون از فلرو ایسان مردم را به ا می‌خواندند. این دوران عصر طلایی مذهب اسماعیلی تمدنی که اسماعیلیان در مصر دیدید آوردند جسمها می‌کرد و ادبیات و کلام اسماعیلی هم در این دوره به رسید

اما بیس از آنکه خلافت فاطمی به سال ۵۶۷ هـ. و صلاح الدین ایوبی سقوط کند، انشعاب دیگری در سال از مرگ هستمین خلیفه فاطمی المستنصر بالله اسماعیلیان حادث شد. مستنصر در حباب خود سر بز را به امامت تعیین کرده بود، اما وزیر او افضل بن بدرال دیگر مستنصر را با لقب المُستعلی بالله به خلافت خروح ناموفق برار بر برادرش به دسب افضل درهم نه نزار به سال ۴۸۸ در زندان برادرش مرد (و ساید به ا شد) اسماعیلیان مُستعلوی، که امروزه به صورت کم شمار داوودی و سلیمانی در هند به سر می‌برند مسعلی و جانسیس او الأمر بأحكام الله فائل اند و معتاد ار آمر امامت به طیب منتقل شده و همو امام غایب است دیگری از اسماعیلیان مستعلوی که س از آمر عبدالمحد حافظ معتقد بوده اند، ابری بر جای ن سرگدسب اسماعیلیان مستعلوی (طیبی) و سرنوسه یمن و هند موضوع فصل پنجم (ص ۲۵۶ تا ۳۲۳) فصل سسم (ص ۳۲۴ تا ۴۳۴) به نهضت اسماء دوران الموت اختصاص دارد. این بخش از ت اسماعیلیه به دلیل بیوندی که با تاریخ ایران دارد بر است. اسماعیلیان نزاری که زمانی مایه وحسب ترک خلفای فاطمی و جنگجویان صلیبی بودند، س ا امامت فرزند بزرگ او نزار اعتقاد داشتند. بعدها حا فرزندان کیا بزرگ امید جانسیس حسن صباح، مدّ خود از نسل نزارند و رسته امامت هیچ گاه منقط اسماعیلیان نزاری دوران الموت که از مرکز خ

چون نویسنده معتقد است که اسماعیلیان نخستین در محیط عمیدتی شیعیان غالی پرورس یافته‌اند و احياناً از میان آنان برخاسته‌اند، فصل دوم (ص ۳۲ تا ۹۰) را به منسأ تشیع و تحولات آن تا روزگار امام جعفر صادق (ع) اختصاص داده است. در این فصل، که در اصل برای خواننده ناآشنای غربی نوشته شده، بیدایس تشیع و نیز بهضتهای سیهیان و علویان و اسمعاباتی که تا رمان امام صادق (ع) در میان سیهیان بدید آمد، و نیز ظهور غلو در حق ائمه (ع) در میان سیهه بررسی شده است. امام صادق (ع) آخرین امامی است که سیهیان اننی عسری و اسماعیلیان به امامتش اعتراف دارند. مسأله حانسیسی آن امام سیهیان او را به چند دسته تقسیم کرد و مذهب اسماعیلی ار همیس حا بدید آمد فصل سوم کتاب (ص ۹۱ تا ۱۴۳) درباره آغاز اسماعیلیه است. س از رحلت امام جعفر بن محمد صادق (ع) به سال ۱۴۸ هـ. و. در میان سیهیان او بر سر حانسیسی آن حضرت اختلاف بدید آمد و سه گروه از ایسان به امامت سه فرزند آن حضرت معتقد شدند. اما گروه چهارمی هم بودید که امامت را حق اسماعیل بن جعفر، فرزند بزرگ امام که در ردگی بدر در گدسته بود، و س از او حق فرزندس محمد بن اسماعیل، داشتند. این گروه نخستین اسماعیلیان را تسکیل می‌دهند، هر چند آنان حنبس خود را تنها «الدعوه» می‌نامیدید و اسماعیلی نامی است که اصحاب ملل و نحل سیهه، بخصوص نوبختی و همی، بر ایسان نهاده‌اند.

تاریخ اسماعیلیان نخستین تاریکترین بحس تاریخ این فروه است. این گروه محمد بن اسماعیل را نه تنها امام بلکه آخرین امام و قائم منتظر می‌دانستند و داعیان ایسان مردم را به او می‌خواندند. در اواخر فروسوم، عبدالله (یا عبیدالله) المهدی، که تا آن زمان خود را حجب امام غایب می‌خواند، ادعای امامت کرد و با این ادعا نخستین اسعاب مهم در میان اسماعیلیان بدید آمد. کسانی که همچنان بر اعتقاد پیشین به مهدویت محمد بن اسماعیل باقی ماندند به رهبری حمدان فرمط نهضتی را بدید آوردند که بعدها فرمطی نام گرفت. این گروه که امروز بیروی ندارد بعدها از لحاظ عقاید با بدنه اصلی اسماعیلیه، که امامت عبیدالله المهدی را پذیرفتند، اختلافات اساسی پیدا کرد و کار آنها به درگیری نظامی هم کشید. بخشی از داستان قرمطیان و



غربی کرمان منتقل کردند تا آسانتر بتوانند با پیران خود در هند رابطه داشته باشند. سیدحسن علی، چهل و دومین امام قاسم ساهی، در دوران برآسوب س از نادر مدتی در کرمان و اطراف آن حکومت کرد و نوه اوسید ابوالحسن کهکی، چهل و چهارمین امام قاسم ساهی، نیز در زمان کریم خان زند حکومت کرمان را بر عهده داشت. نوه سید ابوالحسن که آقاجان اول لقب گرفت و در زمان محمدساز قاجار مدتی حاکم کرمان بود، بعد از سورش ناموفق بر دولت وقت به کمک انگلیسیها به هند گریخت و از آنجا تمشیت امور اسماعیلیان قاسم ساهی را عهده دار شد. نبیره او شاه کریم حسینی، آقاجان چهارم، اکنون چهل و نهمین امام و امام حاضر اسماعیلیان قاسم ساهی است.

این مختصر گستردگی دامنه این تحقیق را، که تاریخی چهارده فرقه را در بخش بزرگی از سرزمینهای اسلامی شامل می شود، نشان می دهد. این کتاب در وهله اول تاریخ اسماعیلیه است و عقاید این فرقه بر آن در ضمن تاریخ آنها بیان شده است. آمیختگی عقاید با تاریخ این حس را دارد که ربط و مناسبت دیگر گویهای عقیدتی اسماعیلیان با حوادثی که در طول تاریخ بر سر آنها آمده است معلوم می شود، بخصوص اینکه مؤلف در هر دوره نشان داده است که کدام جنبه های عقیدتی بیشتر مورد توجه بوده یا چه عناصر تازه ای، گاه به اقتضای تحولات سیاسی، بر اعتقادات اسماعیلیان افزوده شده است. با این حال، بدون تقسیم بندیهای فرعی در ضمن فصول و در میان آمدن بحثهای استطرادی عقیدتی خواننده ای را که تنها در پی دنبال کردن سلسله تاریخی حوادث است حس می کند و خواننده ای هم که حویای نکات عقیدتی باشد باید آنها را در میان انبوه جریانات تاریخی بماند. این بحثهای استطرادی حتی در بخشهای تاریخی صرف هم وجود دارد. گاهی مؤلف سلسله طولی حوادث را رها می کند تا به سربوست یکی از اسعادات اسماعیلیه در طول قرون بعد سردارد، و بار در چند صفحه دیگر بر سر بحث اصلی باز می آید. چه خوب بود که این تغییرات با عناوین فرعی مشخص می شد، هر چند فهرست راهنمای جامع کتاب نا حدودی این نقص را برطرف می کند.

کتاب اسماعیلیه ایرانی است دایره المعارفی و کمتر نکته مربوط به تاریخ و عقاید اسماعیلیان هست که در آن یافت نشود. نویسنده آن دکتر فرهاد دفتری که پیش از این مقالاتی از او در نشر دانش منتشر شده و در عین اقتصاددانی از متخصصان معتبر تاریخ اسماعیلیان است، تقریباً همه کتاب خود را در ایران و در سالهای بعد از انقلاب اسلامی نوشته است. این اثر مفید و جامع ساهدی است بر اینکه يك نفر به صرف علاقه و همت و روش ناسی و با امکانات کم چه کارهای بزرگی می تواند بکند.

ر می گرفتند، در اوج افتدار خود از فلاح ایران و سام بر مسهای اطراف حکومت می کردند، اما بیس از آنکه حکومت نام ایران (در دوران رکن الدین خورساز به سال ۶۵۴) به هلاکو منقرض شود و نزاریان سام هم (در ۶۷۱) حرا حگرا بر سلطان مملوك، شوند، هر دو سازه قدرت خود را تا اندازه ن از دست داده بودند.

اریح اسماعیلیان نزاری س از دوران الموت موضوع س و احرین فصل این کتاب (ص ۴۳۵ تا ۵۴۸) است. در دوره، به اعتقاد اسماعیلیان نزاری، سلسله امامت از طریق ن الدین محمد بن محمد، فرزند رکن الدین خورساز، که به مروری از بیع مغولان در امان مانده بود، ادامه یافت. در مورد ن س از سمس الدین محمد، اسماعیلیان نزاری امروری به سه تقسیم می شوند. دسته کوچکتر که محمدساهی (مؤمنی) ازند معتقدند که امامت س از او به علاء الدین مؤمن ساه ن شده است. آحرین (چهل من) امام طایفه محمدساهی امیر دس حیدر الباهر نام داشته است. دسته بزرگتر، که قاسم ن نام دارند، س از سمس الدین محمد فرزند قاسم ساه را امام قبول دارند و معتقدند که امامت در فرزندان قاسم ساه تا به ادامه یافته است. تاریخ اسماعیلیه قاسم ساهی به حد مسایر تقسیم می شود. دوره نخست، که تقریباً از ط الموت در ۶۵۴ تا ۸۶۸ طول می کشد، دورانی است که از ط ناساختگی و کمی اطلاع ما از آن با دوران اسماعیلیان س نزاری می کند. از امامان این دوران حرامی در روایات اغلی باقی مانده است و هیچ سند مستقلى که وجود آنها را سند تاکنون به دست نیامده است. دوره دوم از حدود ۸۶۸ به می شود. در این دوره مرکز اسماعیلیه قاسم ساهی در آنجدان (مندان) در نزدیکی اراک بوده است و بیور بعضی از ائمه ایسان در آنجا باقی است. در این دوران ائمه قاسم ساهی، در همان که بر فعالیت تبلیغی خود در هند و ایران می افزودند، با فری ن مخصوص درویشان نعمه اللهی) روابط نزدیکی داشتند و خود را درویش و انمود می کردند. اینان در حدود سال ۱۱۰۰ فعالیت خود را به کهک، در شمال غربی محلات و سی و سنج قمری شمال سرفی آنجدان، و از آنجا در اواخر حکومت شاه (در حدود ۱۱۶۰) به سهر بابک در ۱۸۰ کیلومتری جنوب

## نظر اجمالی به

# چند کتاب چاپ خارج

## هنر موسیقی ایرانی

During, Jean, Zia Mirabdolbaghi et Dariush Satvat. *The Art of Persian Music*, Washington, Mage Publishers, 1991, 278p

ژان دورسگ، ضیامیر عبدالباقی، داریوش صفوت هنر موسیقی ایرانی، واشنگتن، استارات میچ، ۱۹۹۱، ۲۷۸ ص، فهرست، مصور

توجه محققان و نویسندگان فرهنگی به ایران فقط محدود به امور اجتماعی، مسائل سیاسی و هدفهای اقتصادی و ناحی رمنه‌های تاریخی، ادبی، زبان‌شناسی نمی‌شود بلکه شامل فلر و سن وسیعی است که از سجنده بر سن ساحه‌های علوم با ساده بر سن امور بظاهر سن با افاده رادر بر می‌گردد در واقع، ایران مدعایی است که هر کس به قدر فهمش آن را در می‌یابد و فراخور داس، بخصص و علاقه خود به آن می‌پردازد

موسیقی ایرانی یکی از رمنه‌هایی است که طاهرأ حد و رسم آن روس می‌یابد و به همن سن کمتر بروهنده فرهنگی بدان برداخته است تنها کسی که اینجا که باید و ساند بدان توجه یافته و از حان و دل بدان برداخته است، ران دورسگ، محقق جوان، برکار و کوسای فراسوی است که موسیقی ایرانی را، علما و عملای ساسد و نا کون چند کتاب تحفمی اررنده مخصوصأ در مورد بیود موسیقی ایرانی با عرفان تألف و مسر کرده است و کتاب حاضر، که تا انداره‌ای يك کار گروهی است، آخرین ابهاست در واقع بحسن اعظم (مقدمه و چهار فصل ارهف فصل) این کتاب ابر مسفل ران دورسگ است يك فصل آن را صیاء مر عبدالباقی بوسه است که در ایران نواختن ضرب را ار حمسید سمیرانی آموخته است و اکنون سالهاست مهم فرانسه است و در کنسروانوار ملی سهر بیس تدریس می‌کند. يك فصل دیگر کار مسترک ران دورسگ و صیاء مر عبدالباقی است و فصل آخر ابر

هنرمند و موسیقی ستاس ایرانی دکتر داریوس صفور مقدمه کتاب در باب وضع کلی موسیقی ایرانی، سوء: موجود در این ناره، گونه‌های مختلف موسیقی ایرانی موسیقی و موسفدانان در جامعه ایرانی است. سن از ا ریر مورد بررسی فرار گرفته‌اند: بیان تاریخچه موسیم تحولات آن، اساتید آن و جایگاهس در بهنه موسیم تطور علمی و فنی موسیقی ایرانی و تدوین ردیف و د، گونه‌های آن؛ انواع سارهای ایرانی (حنگ، بر کمانچه، سه‌تار، تار، بی، ستور، دف، ضرب)؛ بیو، موسیقی و رابطه موسیقی با هنرهای دیگر؛ بیود ه عرفان و ماوراء الطبیعه: تحریر و تحلیل شعر و محتوای معرفتی موسفدانان نام‌آور امرور و ارائه نمونه‌هایی از بحث عنوان «مفهوم سستی».

حناکه از عناوس فصول بر می‌آید این کتاب دوستداران موسیقی بوسته سده است به لروما مشخص فائده آن عامر است خواننده اررهگذر این کتاب در موسیقی اصل ایرانی سابعه‌ای درار دارد و گدس امروری به عهد ساسانی می‌رسد در دوره اسلامی ه ایرانی نفود فراوان در تمدن اسلامی و به طور کلی در ساری از اصطلاحات آن وارد زبانهای دیگر سد موسیقی ایرانی را می‌توان از دو وجه دسهنندی طاهر یا سکل که شامل موسیقی کلاسیک سستی و مو، است، و وجه محوانی به این معنی که موسیقی در ابر تاریخی داسه است حبه عبا (موسیقی درباری حراناتی) که آن را حرام داسه‌اند و حبه هری که ا موسیقی به عنوان يك هنر حدی و يك رسه علمی مقبو حتی حنبه دسی یافته و در محالس سماع صوفیه، کریم، نقل اسعار مذهبی و تعربه ار آن بهره گرفته کتاب بوسط «استارات میچ» در واسگن حاب کرب ایرانیان مفیم اروپا و آمریکا و علاقه بسار حفظ گدسه فرهنگی خود و انتقال آن به فرردان است که برحی از ساسران خارجی آباری را در ناره ه ایران به زبانهای فرهنگی بخصوص انگلسی مس افعال، همحسین گروههایی از ایرانیان علاقه‌مند ر مؤسسات استاراتی برانگیخته است که «میچ» ار آن تاکنون آبار دیگری را بر به انگلسی حاب کرده ا ترجمه غزلهای حافظ و ترجمه سووسون سیمیر حندی بیس در سر داس معرفتی سده است کتاب در قطع مناسب و به صورتی بسیار نفیس اعلا حاب سده است. تصویرهای متعدد رنگی و .

اما سرانجام به دست شاه سوم (بهرام اول) کشته شد و سبب آن بود که مانی علیه دین حاکم و مسئولی آن زمان یعنی آیین زردشت به باحساب و آیینی تازه، بر کیمی از ادیان ررتستی، عیسوی، بودایی و عناصر یونانی بدید آورد که بر دو عنصر روستایی و تاریکی و بر دو اساس ننکی و بدی استوار بود. علت دیگری که نظر محققان را به مانی جلب می کند آن است که آس او حلی رود و حتی در حیات خود او از يك طرف در سمت مسروق (چپ و هند و سب) و از طرف دیگر در سمت معرب (اوس الیهین تا جنوب فراسه) رواج یافت و حداد و بی گرفت که تا مدت ها رقب اصلی مسیحیت در اروپا بود

مانویات اروپایی برابر سحرگرهای مذهبی دستگاههای حکومت و کلیسا سرانجام از میان رفت و از آن کمتر اثری باز مانده است اما از مانویات حبسی، که بازمانده های آن بر ریر فسار بورس معول مانیدند شد، آثار مکتوب بسیار به جا مانده است که بستر آنها در بورخان یافته شده اند و بررسی آنها نکات تازه ای را از حگونگی رحنه مانویات به قلب اساروسن می کند و می نمایاند که سبب آنکه اس مانی در حسن به نام «مذهب روستایی» شهر یافته بود، چه بوده است

در اوایل ساسان سال ۱۱۳ هـ و امراور حسن به يك مع مانوی فرمان داد تا خلاصه ای از کتاب مانی را به زبان حبسی برای او فراهم آورد. امراور بازده ماه س از آن در بهار سال ۱۱۴ فرمانی صادر کرد که به موجب آن گروس به مانویات و انجام مراسم آن در سراسر امراوری ااد گردید.

معی که خلاصه کتاب مانی را به حبسی در آورده است، بسیار مال اندیس و موقع ساس بوده است. او برای آنکه آس خود را از گرد حوادث مضمون ندارد آن را به گونه ای ارائه داده است که هم حوسا بد خواننده و سوبنده ناسد و هم اسان فهمیده شود. و چون در آن روزگار غالب مردمان حسن بر مذهب تائویی و بودایی بودند مع مانوی متون این مذاهب را به کار گرفته و تا اندک تغییراتی در خلاصه خود گنجانده است. هدف او از این کار آن بوده است که مانی را احرس بیانگذار مذاهب بررگ حلوه دهد و يك رسته بیود طبعی میان تائو، بودا و او بدید آورد

در عس حال و تا وجود بدیرس برحی از خصلنها و اصول مذاهب حاکم آن روزگار، خلاصه مورد بحث خصوصیت های اصلی و سرحسمه ایرایی خود را حفظ کرده است.

نام کامل کتابی که در اوایل سده دوم هجری فراهم آمد چنین است: «فسرده نظرات و مقررات مذهب بودای روستایی، مانی» و مرکب از سس مقاله است که سخته دستوسته چهار مقاله آن در بریتیس میوزیوم لندن و دو مقاله دیگر آن در کتابخانه ملی پاریس جای دارد. مجموع این دستنوشته در حدود سال ۱۳۲۵ هـ.ق.



بتوزنی چون حکایت میکند از بدین شایست میکند

نیتان نام را بریدند از تقسیم مردوزن ناسیده

به های قدیمی موسیقی ایرانی و محالس موسیقی گرفته تا آخ سارها و موسفیدانان نامی امرور به درک بهر مطالب کتاب یک می کند نمونه هایی از اسعار فارسی که وارد موسیقی شده و از عس گسه است، به خط فارسی رست بحس کتاب است آمده ای که به دوف کتاب را به نایان می برد از این حمله بدیرس بیحه را که گفته است «بدون موسیقی زندگی يك استیاه» به حوی در می یابد و نگاه تازه ای سبب به این هر ظریف می کند

## تازه ترین تحقیق درباره آیین مانی

Tajadod, Nahal Mani, le Bouddha de Lumiere  
Les Editions du Cerf, 1990, 363p.

محمد مانی، بودای روشنائی، پاریس، انتشارات سرف، ۱۹۹۰، ۳۶۳ ص

سازگذار آیین مانوی (۲۱۵ تا ۲۷۶ م) از سخصیت های حسی است که از دیر باز توجه محققان و صاحب نظران را، به اروپا، به خود جلب کرده است. این امر دو علت عمده است: نخست اینکه مانی س از آنکه در بیست و چهار سالگی به بیامری کرد، دو شاه ساسانی را به خود متمایل صاحب

کشف شده اما مورد توجه و دقت علمی قرار نگرفته بود و لذا کار حاتم تجدید که آنها را يك جا گرد آورده و با ترجمه و شرح و تفسیر حاشا کرده است، به جهات مختلف نارنگی دارد و در خور بندبر است.

کتاب با مقدمه‌ای در تاریخچه تحقيقات مانی سیاسی آغاز می‌شود. سپس از آن تاریخچه مانییت در حسن، سابقه تألیفات مانی و اهمیت تاریخی سند حاضر بررسی شده است، آنگاه من حیثی خلاصه با ترجمه رونه روی آن به زبان فرانسوی نقل شده است، سپس توضیحات و تعلیقات مؤلف آمده است و سرانجام پس از نقل توضیحات بل بللی نو، اولین فرانسوی که دو مقاله از خلاصه را کشف کرده است، حد فهرست از حمله فهرست الفبایی کلمات، کتاب را پایان می‌بخشد.

کتاب حاضر که تازه‌ترین تحقیق درباره مانییت است بدون اغراق یکی از دقیق‌ترین و جدی‌ترین پژوهش‌هاست که در باره آس مانی صورت گرفته و بسیاری از نکات تاریک زندگی مانی و آیس او را مخصوصاً در حسن روس می‌کند

## قالی ایران، باغ همیشه بهار

Fontaine, Patrice - *Le tapis persan ou le jardin de l'éternel printemps*, Paris, Editions Recherches sur les Civilisations, 1990, 148 + Xp

پاتریس فونتس قالی ایرانی با باغ همیشه بهار، پاریس، انجمن ایرانی شناسی فرانسه، ۱۹۹۰، ۱۴۸ ص، مقصور

قالی بافی که در همه جای ایران رواج دارد یکی از فعالیت‌های هنری-اقتصادی عمده‌ای است که محصول آن رقم کلان صادرات را تشکیل می‌دهد و در داخل موجب اشتغال تعداد بی‌شماری از مردم است. اما تحقیقاتی که تاکنون بخصوص توسط فرنگیان در این زمینه انجام گرفته غالباً سطحی و اندک‌مانه بوده‌اند، به این معنی که فقط به ظاهر موضوع پرداخته‌اند و از اهمیت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی صنعت قالی بافی غافل مانده‌اند.

واقع امر این است که قالی بافی نقطه اوج دهها رشته کسب و کار است که بدون ساختن آنها درک اهمیت و ارزش این هنر دسوار خواهد بود و مهمتر اینکه بررسی این رشته باید از دیدگاه‌های مختلف مخصوصاً از وجه مردم سیاسی انجام گیرد اما از آنجا که قالی بافی در همه نقاط ایران رایج است و در هر نقطه به سیوه خاص و با کیفیت متفاوت و در اندازه‌های گوناگون تهیه می‌شود، پرداختن به کل هنر قالی بافی در ایران به منظور ارائه يك تحقیق دقیق ناممکن است. به همین جهت باید يك منطقه خاص را

که دارای مشخصات جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی معین باشد انتخاب کرد. با توجه به این امر نویسنده ك منطقه اراك را به عنوان میدان مطالعه برگزیده است. شهر اراك، که سابقاً سلطان آباد نامیده می‌شده از تاریخی حدادی ندارد و از مسجديات رورگار فعلی است. اما سابقه قالی بافی در آن منطقه بسیار قدیم زندگی مردم عجیب شده است و لذا ساخت درس مستلزم آشنایی با عناصر اولیه همچون ریان و رفتارها مذهبی، سوه‌های کشاورزی و قبی، دامداری، - بعده... و ضبط دقیق آنهاست کاری که نویسنده استادانه از عهده آن برآمده و، بی‌اغراق، هیچ نکته نگرفته و ناگفته نگذاشته است. از وضعیت جغرافیایی توزیع جمعیت و بافت آن و گروه‌های قومی و انواع مساعل و مهاجرت فصلی گرفته تا اسحه مواقع به قالی بافی، نقشه‌ها و حدودلهای مختلف حاوی اسامی موقعیت اداری آنها، توزیع جمعیت، موقع ریان مردم گویسی آنها، نمودارهای گوناگون، طرحهای منو ابرارهای قالی بافی، و حدس عکس رنگی فرائت کنار می‌کند و موجب مرید سودمندی آن می‌گردد

## تصوف و معنویت اسلامی

Christian, *Le Soufisme, al-tasawwof et la islamique*, Paris, Maisonneuve & Larose, ۱۹۹۱، ۱۵۵ ص

کریستیان بونو صوفیگری، تصوف و معنویت اسلامی، با نوو-لارز، ۱۹۹۱، ۱۵۵ ص

صوف از آن گونه از تحلیات معنوی عالم اسلام است در کانون توجه محققان فرنگی حای داسه است ایسان، ازطن خود، آن را ساحه و سانساده است تا فی الواقع کمتر مطالعه جامع و مانعی که سطر فانه ریانهای فرنگی یافت می‌شود البته کسانی همچون روره آرئالدر، لوسی ماسیون، ران دورینگ، رینوا ارتور جان آربری، هانزی کرس، اواریسب لوی بر بویا . نکات بسیاری را از اسرار صوف روس تحقیقات آنان در جور توجه و عنایت است. اما همه دلایل مختلف فایده عام ندارد. گاه ریان آنها بسیار فهم است و گاه با بیود ردن تصوف اسلامی به عر هندی به بیراهه می‌روند و گاه سر حسمه وافه نسناخته‌اند

سکه‌ها، حجاریها، آثار بازمانده به زبانهای یونانی، لاتین، سریانی و گوارسهای کلیسای نسطوری در شمار منابع دیگری است که به ساخت درست وضع حکومت و تسکیلات اداری آن دوره کمک می‌کنند.

کتاب حاضر منحصر به بررسی کنده کاریهای بازمانده از آن زمان اختصاص دارد این کنده کاریها غالباً به صورت مهر و خاتم به دست ما رسیده است. نویسنده در ضمن تحقیقات خود دریافته است که این مهرها و خاتمها انحصار به استانها دارند و از مرکز حکومت حیري بازمانده است یا در دسترس نیست. بیشتر این مهرها و خاتمها به اواخر عصر ساسانی تعلق دارند و می‌توان گفت که تنه آنها با اصلاحات اداری که در زمان فباد اول انجام گرفت، ارتباط دارد.

نویسنده کتاب با دقتی فوق العاده همه مهرها و خاتمهای حجاری شده موجود را بررسی، دسته‌بندی و معرفی کرده و از این طریق اطلاعات دقیقی و ذیقیمتی درباره استانهای ایران در عهد ساسانی، سیوه اداره آنها، استانداران، و تسکیلات اداری هر استان به دست داده و جغرافیای اداری آن روزگار را ترسیم کرده است.

### شماره تازه «چکیده‌های ایران شناسی»

Hourcade, Bernard (Sous la direction de ), *Abstracta Iranica*, IFRI, Paris, vol. 12 (1989), 1991, XVIII + 299p

مجله چکیده‌های ایران شناسی (زیر نظر برنار اورکاد)، پاریس، انجمن ایران شناسی فرانسه، جلد ۱۲ (۱۹۸۹)، تاریخ انتشار ۱۹۹۱، هجده + ۲۹۹ ص

مجله حکیده‌های ایران شناسی که در سال ۱۹۷۸ بنیاد گذاشته شده است، سالنامه‌ای کتابساختی است که فهرست توصیفی-اسفادی اکریب فریب به اتفاق آماري را که درباره فلات ایران منتشر می‌شود، ارائه می‌دهد. این فهرست بسیار متنوع است: ادب، ادبیات، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق، اقتصاد، جغرافیا، مردم‌شناسی، موسیقی و هنرهای نمایشی. به این ترتیب خواننده‌ای که این مجموعه را در دست دارد به خوبی از مطالعاتی که به زبانهای مختلف در باره رشته پژوهشی با مورد علاقه‌اش انجام گرفته است، آگاه می‌شود.

در شماره دوازدهم مجله حکیده‌های ایران شناسی که پس از تأخیری طولانی به ناگه انتشار یافته است ۱۰۸۰ عنوان کتاب مقاله بررسی و معرفی شده است.

اراد بروجردی

مناوب کتاب حاضر با آنچه پس از این در باب تصوف نوشته شده است در این است که تصوف را به زبان ساده و به دور از رهای لفظی و بیخ و حمهای تاریخی تعریف می‌کند، اصل آن می‌سازد و عناصر آن را به دست می‌دهد. نویسنده کتاب حاضر که به زبان عربی آشناس است به خوبی از عهده حجم کاری که برگردن گرفته بوده است برآید و آری آموزنده و خواندنی فراهم آورد (هر چند که به سبب آشنایی کم به زبان فارسی نویسنده است از آثار اصیل تصوف ایرانی استفاده کند) آنچه در کتاب می‌افزاید فهرست درازی است از آثار نویسندگان یکی در باب تصوف و نیز آثار مسایح متصوفه که به زبانهای مختلفی و فراسوی ترجمه شده‌اند، و همچنین فهرست کتابهای عربی مربوط به تصوف. اما عیب این فهرستها در این است که فقط از روی کتابهای موجود در کتابخانه «انسینوی جهان عرب» که مقر آن در پاریس است- فراهم آمده است و حاوی کتابهای دیگر که به زبانهای مختلف نوشته شده‌اند و غالب آنها کتابخانه ملی پاریس یافت می‌شود، نیست.

### جغرافیای اداری امپراتوری ساسانی

Rika Gyselen *La géographie administrative de l'Empire sassanide*, Paris, GECCMO/ CNRS/ AAEI, 1989, 160p

ریکا گیرلن، جغرافیای اداری امپراتوری ساسانی، پاریس، ۱۹۸۹ (۱۳۶۹)، ۱۶۶ ص.

برای بازسازی سازمان اداری يك دولت قدیمی رسم بر این است که قبل از هر چیز منابع رسمی آن دوره و پس از آن منابع مرتبط با آن دولت و آن دوره به ویریه منابع هم‌عصر آن بررسی شود. در مورد دولت ساسانی غالب مورخان بر عکس عمل کرده‌اند به این معنی که مطالعه خود را بر واریسی مکتوبات ادبی متأخر بنا نهاده‌اند و عیب آن فقدان منابع قدیم و به اصطلاح دست اول بوده است. بدیهی است که این مکتوبات در طی قرون و ضمن انتقال از عصری به عصر دیگر و از جایی به جای دیگر دستخوس تغییرات و دستکاریهایی شده‌اند و همین امر موجب جعل یا تحریف تاریخ نگاران و لذا استفاده از آنها و استناد به آنها باید با نهایت احتیاط انجام گیرد.

در سی منابع ابتدایی کار دستیابی به حقیقت تاریخی و تشخیص درست از نادرست را آسان می‌کند و خوشبختانه در منابع اخیر بسیار از این گونه در مورد تاریخ عهد ساسانی به دست آمده است. سنگ بنیادهای ساهان با بزرگان آن زمان و اطلاعاتی پراکنده اما سودمند درباره سیوه اداری آن نوشته شده است. نام شخصیتها نیز که در آن آثار ضبط شده است،

## کلیات

### ● دایرة المعارفها

(۱) انوشه، حسن (به سرپرستی). فرهنگ زندگی نامه ها ج ۱ تا گمیل - ابن یونس ناطی ویراسته سیروس مهدوی. تهران. مرکز فرهنگی رگه. ۱۳۶۹ ۸۵۶ ص ۱۲۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر نخستین محلد از دایرة المعارفها است که فرار است ۳۰ حلد بیستر سود محلد حاضر شامل بیس از ۶۰۰۰ مدحل است و در نایان ردگی نامه فهرست منابع و ماخذ آن آمده است این دایرة المعارف در محم حاوی بیس از ۸۰۰۰۰ مدحل خواهد بود طاهر املاک انتخاب ردگی نامه افراد فقط شهرت آنها بوده و هیچ محدودیتی در این زمینه وجود نداشته است (رک سردانش سال ۱۱ شماره ۱ ادرودی ۱۳۶۹ ص ۴۳)

(۲) دانشنامه ایران و اسلام، ج ۲. احمی - اردبیل. تهران شر انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۰ ش ۱۱۹ ص [از ص ۱۳۶۷ ۱۴۸۶] مصور

حروه حاضر، مانند حرواب بیس این مجموعه که حاب آنها از ۱۳۵۴ آغار سده است، شامل برحمة مقالات دایرة المعارف اسلام و مقالا تألیفی درباره تمدن ایران قبل از اسلام و نیز ایران اسلامی و خصوصاً مد تسع است دهمین حروه این مجموعه (تا الاحوان المسلمون) در سال ۶۰ حاب سده است

### ● فهرست، کتابشناسی

(۳) افشار، ایرج فهرست مقالات فارسی در زمینه تحقیقات ایرانی ۶۰-۱۳۵۱. تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹ [تو. ۱۷۰] صدوچهارده + ۶۹۷ ص فهرستهای راهما ۳۶۵۰ ریال

فهرست حاضر مرجمی است برای ساساندن مسحصات بروهسهای د محله ها و مجموعه های فارسی رمان، در ایران و خارج از ایران، منتشر است این محلد حاوی مسحصات ۱۱ ۴۸۶ مقاله است که از سال ۳۵۱ ۱۳۶۰ در محله ها و مجموعه ها و سالنامه های فارسی (جمعا ۲۷۵۸۶ عنوان حاب رسیده است فهرست حاضر تقسیمندی موضوعی دارد حلد اول مجموعه (داسگاه تهران، ۱۳۴۰) نام و بیان مقالات فارسی را تا آخر ۱۳۳۸ در بر داشته حلد دوم آن (داسگاه تهران، ۱۳۴۸) شامل مسحت مقالات فارسی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ بوده و حلد سوم آن (سرک سه کتابهای حیسی، ۱۳۵۵) شامل مسحصات این مقالات از سال ۱۳۴۶ تا ۵۱ بوده است کتاب حاضر همحس دارای مقدمه مفصلی (در بیس از ۱۰۰ صه است که برای داسحویان و علاقمندان به کتابداری سسار سودمند است (۴) افشار، ایرج (و) محمدتقی دانش پژوه. فهرست نسخه های کتابخانه ملی ملک ج ۸ مجموعه ها و جنگ ها با همکاری محمد حجتی (و) احمد منزوی [تهران]. کتابخانه ملی ملک ۱۳۶۹ [توریع ۴۹۳ ص. ۱۵۰۰ ریال

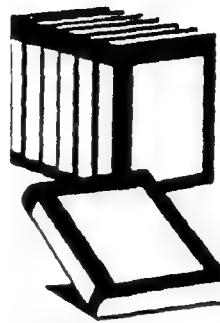
فهرست نگاری کتابخانه ملک از سال ۱۳۵۲ تا انتشار فهرست نسخه عربی و ترکی به همت مرحوم حاج حسین آهای ملک آغار سد و تا کون به اسانیدی حون ایرج افشار، محمدتقی داس بروه، حسین سی آدم و د ادامه یافته است

(۵) پرتو، افشین (و) علیرضا کشور دوست. پژوهش نامه (راه پژوهش در تاریخ و جغرافیای گیلان). تهران بازگ ۱۳۶۹ [توزیع ۲۶۸ ص فهرستهای راهما ۱۳۵۰ ریال

در این کتابشناسی ۶۷۵ کتاب که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نا جغرافیای گیلان مربوط می شود، همراه با سرح مختصری درباره هر معرفی شده است

(۶) حبیب الرحمان. ثلاثه عسالة (کتابشناسی آثار تألیف شده در س ترجمه و تعلیقات عارف نوشاهی. اسلام آباد. مرکز تحقیقات فارسی پاکستان، ۱۳۶۸. ۵۰ روپیة پاکستانی.

## کتابهای تازه



امید طیب زاده



کتاب حاضر که در حدود ۱۳۶۵ هـ. ق (۱۹۴۶ م) نوشته شده، کتابشناسی شایه‌ای اردو، فارسی و عربی است که غالباً در فزون ۱۳ و ۱۴ در سگال منطقه‌ای که امروز کشور مستقل بنگلادش و دو ایالت بنگال غربی و آسام هند در آن واقع است) به رشته تحریر درآمده‌اند. این کتابشناسی شامل مسجصات ۲۰۲ عنوان کتاب به زبان اردو، ۱۷۱ عنوان کتاب به زبان فارسی و ۳۷ عنوان کتاب به زبان عربی است. موضوع این کتابها عموماً بحث درباره آثار ادبی درسی است.

۷) [خلیل پور، شهین (و) مریم هادوی] کتابشناسی کتابخانه مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (مابین لاتین ۱۳۵۹-۶۳) ویراسته ابراهیم ناصح لطف‌آبادی تهران مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. ۱۳۶۹. هشت + ۱۰۱ + ۹۱۱ ص ۸۷۵۰ ریال

۸) دامادی، سعید کتابشناسی آموزش زبانهای خارجی در ایران تهران ناشر: مؤلف (پخش: نسل دانش) ۱۳۷۰ ۱۲۱ ص. فهرستهای راهما ۴۵۰ ریال.

این کتابشناسی به زبانهای مختلف تقسیم شده است و زیر نام هر زبان شایه‌ای مربوط به آموزش آن زبان همراه با اطلاعات کتابشناختی، براساس الفبای عنوان کتاب، ارائه شده است. فهرستی از کتابهای غیرفارسی نیز که توسط ناشران ایرانی تکثیر شده، بعد از فهرست کتابهای فارسی آمده است. کتاب حاضر همچنین شامل دو فهرست ناشران و نویسندگان نیز هست. زبانهایی که کتابهای آموزش آنها در این فهرست آمده عبارتند از: آلمانی، اسپانیایی، اسرائیلی، انگلیسی، ایتالیایی، برزی استانیولی، چینی، روسی، آسی، سوئدی، عربی، فرانسه و هندی.

۹) سلطان، پوری راهمهای محله‌های ایران (۱۳۴۷-۱۳۶۸) با همکاری رضا اقتدار. تهران کتابخانه ملی ایران ۱۳۶۹ بیست و یک + ۵۱۳ ص لاتین فهرستهای راهما

راهمهای حاضر درواقع صورت ادغام شده ۲۱ شماره سالانه راهمهای محله‌های ایران است که بین سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۶۸ تقریباً بی‌وقفه منتشر شده است. این کتابشناسی اطلاعات گوناگونی درباره ۱۱۸۵ محله‌ای که در این ۲۱ سال در ایران منتشر شده در اختیار می‌گذارد.

۱۰) فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی (دوره ششم، تابستان ۱۳۶۶) تهران گروه انتشار سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] سی و یک + ۵۱۹ ص فهرست راهما ۱۵۰۰ ریال.

در این فهرست مجموعاً مسجصات کتابشناختی ۴۵۲۵ مقاله (براساس سیمندی موضوعی) از سربان ادواری تابستان ۱۳۶۶ ارائه شده است. ۱۱) صمدی، حسین کتابشناسی بیمایوتیج بی‌جا کانون فرهنگ و هنر مازندران ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۷۶ ص + ۳۲ ص مصور بدون صفحه‌شمار؛ مصور نمونه سند فهرست اعلام ۱۲۵۰ ریال

کتابشناسی حاضر شامل اطلاعات کتابشناختی آثار و مقالات منتشر شده بیمایوتیج، و همچنین بروشورها و مقالاتی است که دیگران درباره بیمایوتیج و آثارش به زبان فارسی تا سال ۱۳۶۸ نوشته‌اند.

۱۲) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتابنامه ۷۳ (فهرست کتابهای منتشر شده مهر ۱۳۶۹) تهران مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی. ۱۳۷۰. ۱۸۷ ص جدول فهرست راهما ۲۰۰ ریال

در مهرماه ۱۳۶۹، ۷۴۱ عنوان کتاب با ۴۵۰۷۶۵۰ پیرا، و ۱۹ عنوان داده منتشر شده است.

#### ● مجموعه‌ها

۱۳) سپهر، کیوان. لوح احترام (به همراه نمائی از کتابخانه و کمانداری خودی از کار کتابداری) تهران: کتاب پروار ۱۳۷۰ ۶۵ ص مصور

این مجموعه به منظور تقدیر از نویسندگان و مترجمان برجسته معاصر تهیه شده است. این دفتر به شرح حال و آثار احمد ارام، احمد سرک، سیمین سرک، نجف دریابندری، اسماعیل سعادت، احمد سمیعی (گلانی)، محمد

فاصی و سید فتح‌الله محتاجی اختصاص دارد و متن لوحی هم که سر پروار آن‌ها اهدا کرده در آن آمده است. بیش از این سر پروار مجموعه دیگری به همین دست با عنوان یاد و تحلیل منتشر کرده بود (از دیهشت ۱۳۶۹) ۱۴) گلاب‌زاده، محمدعلی. مجموعه مقالات (کرمان‌شناسی) کرمان مرکز کرمان‌شناسی ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۴۰۴ ص. مصور. جدول نقش ۳۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل سحرانیها و مقالاتی است که در نخستین سمینار روره کرمان‌شناسی (از ۲۴ تا ۲۶ مهر ۱۳۶۹) ارائه شده است «کرمان در آ: تاریخ»، سید حسین مرعسی / «کیفیت استفاده از منابع تاریخ کرمان»، باستا ناریزی / «هویت فرهنگی کرمان»، محمود روح‌الامینی / «ترسی حد و گوس کرمان»، حواد برومند / «فرانگان رودشی»، حمید سرو سروسیان، عنوان برخی از مقالات و سحرانیهای مدرج در این مجله است.

۱۵) مرکز مطالعات خلیج فارس مجموعه مقالات خلیج فارس (مجموعه‌ای از مقالات و سحرانیهای عرضه شده به سمینارها کفراسهای پیش از انقلاب اسلامی ایران). تهران دفتر مطالعات سیاه و بین‌المللی ۱۳۶۹ هشت + ۹۷۶ ص مصور جدول نقشه نمونه ۵۰۰۰ ریال.

محمد سعیدی، محمد حواد مسکور، محمد بهرور، سعید بقیسی، احمد اقتداری، حواد بانک‌راد، محمد کسمیری، محمد حسین رکن‌زاده آدمیب، محمد محیط طباطبائی و جهانگیر قائم‌مقامی از جمله نویسندگان مقالات انتخاب شده در این مجله هستند.

۱۶) مهدوی، یحیی (و) ایرج افشار (گردآوری) هفتاد مقاله ح تهران انتشارات اساطیر ۱۳۶۹ ۴۲۶ ص مصور نقشه نمونه ۳۸۰۰ ریال

مقالات این مجلد در دو بخش «گفتارهای تاریخی» و «گفتارهای اجتماع جامعه‌شناسی» تنظیم شده است. عرب‌الله بنگهان، حلال منیبی، دبیح‌الله ص حایب‌الله رضا، فرهاد دفری، باستانی ناریزی، احمد اقتداری، ایرج احمد سند جعفر سهندی، محمد علی اسلامی بدوس و احسان برایی ارد نویسندگان مقالات این مجلد هستند که به ناس خدمات فرهنگی مرحوم د علام‌حسین صدیقی به ایسان به‌دیم شده است. لازم به تذکر است که ک حاضر بیس از فوت سادروان صدیقی انتشار یافته بود.

#### ● استاد

۱۷) صرغام، شهریار گزارشهای تلگرافی آخرین سالهای ناصرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۰۹ هجری قمری) با مقدمه دکتر محمد اریاحی بی‌جا ناشر مؤلف. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] شصت + ۳۳۸ ص مصور نمونه سند فهرست راهما ۱۶۰۰ ریال

کتاب حاضر حاوی متن کامل ۵۰۸ فقره گزارش تلگرافی گوناگون است که در چهار سال آخر عصر ناصرالدین شاه (از ۱۲ سوال ۱۳۰۹ تا ۲۹ ر ۱۳۱۳ هـ. ق) از تلگرافخانه حوی به مرکز محاربه شده است.

۱۸) نیات، کاوه (به کوشش) ایران و جنگ جهانی اول (اسناد و رار داخله) تهران: سازمان اسناد ملی ایران ۱۳۶۹ چهل و پنج + ۳۷۱ ص نمونه سند فهرست اعلام ۱۵۰۰ ریال

مجموعه حاضر مستمل بر حدود ۳۴۰ سند مربوط به سالهای ۳۲۷ ۱۳۳۲ هـ. ق است که همگی از اسناد مربوط به جنگ جهانی اول هستند. اسناد، براساس تقسیمات اداری وزارت داخله آن زمان، به چهار بخش بد شده و در هر بخش براساس ترتیب زمانی مرتب شده‌اند.

۱۹) فرهاد میرزا معتمدالدوله مشات فرهاد میرزا تصحیح غلام طباطبائی (مجد) تهران انتشارات علمی ۱۳۶۹ ۳۶۰ ص. نمونه سند فهرست راهما ۱۸۰۰ ریال

این کتاب حاوی ۲۷ نامه ادبی و تاریخی از فرهاد میرزا معتمدال (۱۳۰۵-۱۳۳۳ هـ. ق) عموی ناصرالدین شاه و فرزند عباس د

فصلهای این کتاب است ترجمه گفتگویی با بوبر که در سال ۱۹۸۶ صورت گرفته به کتاب حاضر افزوده شده است که از جهت جمع بندی اندیشه های وی و همچنین روش ساختن ارتباط نظریات بوبر در منطق و فلسفه علم با عقایدش در فلسفه سیاسی سودمند است

(۲۵) حای، چو (و) پیرگ جای. تاریخ فلسفه چین. ترجمه ع. پاشایی تهران نشر گفتار ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰]. ج ۲. ماتجدید نظر ۳۱۲ ص. جدول فهرست راهما

(۲۶) شیخ، سعید. مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلام ترجمه مصطفی محقق داماد تهران شرکت سهامی انتشارات خوارزمی ۱۳۶۹. ۲۸۷ ص. فهرست راهما ۱۵۰۰ ریال

بویسده (متولد ۱۹۱۹) حدود یک سوم کتاب را به شرح چهار بهشت ساحص فلسفی اوایل فرون وسطی - یعنی مکاتب معتزله و اشاعره و تصوف و احوال الضعفاء اختصاص داده و در بقیه آن به شرح عقاید گروهی از متفکران و فیلسوفان پرداخته که تحت تأثیر فلسفه یونانی بوده اند. بویسده سدیداً با این نظر مخالف است که فلسفه اسلامی صرفاً تقلید ناقصی از فلسفه یونانی است به اعتقاد وی فلسفه اسلامی در ایجاد سازگاری میان رنوبیت و بسریب کاملاً موفق بوده و در رسته تفکر دینی - فلسفی به بسرفتهای تازه ای ناثل آمده است از کتاب حاضر می توان به عنوان یکی از متون درسی برای تدریس تاریخ فلسفه اسلامی استفاده کرد

(۲۷) مهتا، ود فیلسوفان و مورخان (دبدار نامتفکران انگلیس) ترجمه عرت الله فولادوند. تهران شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. ۱۳۶۹ ۲۷۴ ص فهرست راهما ۱۶۰۰ ریال

بیمی از کتاب به بحث درباره مانی فلسفه تحلیلی و اختلافات آن نامکاتم حون مارکسسم، بدیدارسانی و اگر بیسانسیالیسم اختصاص دارد. بسد شخص در تاریخ، فواین تاریخی، روس نارحسکاری و تغفل تاریخی حگونی درامیجس تاریخ ما دید فلسفی، و همچنین بررسی افکار و عفا، برخی از برحسته ترین مورخان انگلیسی از حمله موضوعات مورد بحث به قسمت دیگر کتاب است

## دین

### ● اسلام

(۲۸) الجار، ناحی حریره خضرا و تحقیقی پیرامون مثلث برمودا ترجمه علی اکبر مهدی پور تهران کعبه ۱۴۱۱ هـ ق ۲۷۱ ص. فهرست اعلا ۵۵۰ ریال

بویسده اسدا داستانی را از حلد ۵۲ کتاب بحارالانوار علامه مجلسی - معل می کند که براساس آن شخصیه به نام شیخ رین الدین ماربدرانی در حر حصرا واقع در اقیانوس اطلس موفق به دیدار حصرت امام زمان (عج) - است وی سپس با مقایسه مسحاص حریره حصرا (آن طور که در بحارالانوار و امار دیگر آمده) با مثلث برمودا، این احتمال را مطرح می سارد که حر حصرا با اقامتگاه احتمالی حصرت امام زمان (عج) در همان منطقه ای و است که مثلث برمودا قرار گرفته است. طاهرا این کتاب تاکنون حسد بحدید حاب سده است

(۲۹) بهاهی، مهین علامه مجلسی و آثار فارسی او [تهران] مرکز جهاد دانشگاهی ۱۳۷۰ ۳۷۵ ص ۲۰۰۰ ریال. بویسده ابتدا درباره زندگی، احوال و حاندان علامه ملا محمد باقر محد دوم (۱۱۱۰-۱۰۳۷ هـ ق) - فرید علامه ملا محمد تقی مجلسی اول - مشاهیر علمای عهد صفوی است مطالی را مطرح می کند و سپس آثار فا وی را بررسی می کند

(۳۰) سروش، عبدالکریم قصص و بسط تنوریک شریعت. [ته مؤسسه فرهنگی صراط ۱۳۷۰ بیست و نه + ۳۴۹ ص ۱۰۰۰۰ ن ۱۶۰۰ ریال.

کتاب حاضر مجموعه سلسله مقالاتی است که بحسین بار در محله

باب السلطه. است که بین سالهای ۱۲۵۲ تا ۱۲۹۱ هـ ق برای سلطان وغب (ناصرالدین شاه) و رحال آن زمان نوشته سده و تا حدی بیانگر اوضاع اجتماعی و تاریخی دوران فاحار و وفایع و اعافات سالهای یاد سده است مصصح واره ها و معیرات مشکل را معنی کرده و برخی از نکات تاریخی را شرح داده است این مساب یک بار به اهتمام میرزا آقا فرحب الدوله سیراری (مسنی، ۱۳۱۸) و یک بار بر در سال ۱۳۲۷ هـ ق در تهران حاب سده است (۲۰) میرزا صالح، غلامحسین حشش میرارکوکچک حان ساپرگراشهای سفارت انگلیس. تهران نشر تاریخ ایران ۱۷۷ ص فهرست راهما ۱۰۰۰ ریال

این کتاب شامل بخشی از مجموعه اسناد و گراشهای سفارت و کسولگریهای انگلیس در ایران است که به وفایع شمال و حشش میرزا کوکچک حان ارتباط دارد. محلد حاضر دومین کتابی است که از میان اسناد و گراشها استخراج سده است. کتاب بحسب این مجموعه بحب عنوان حشش کلبل محمد بنی حان بساب حاب سده و طاهرا کتابهای بعدی این مجموعه به اسناد و گراشهای مربوط به سبج حرعل و سردار سبه احتصاص حواهد داست

(۲۱) واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی اسناد معاهدات دوحانه ایران با سایدول ح ۱ دوران پهلوی تهران وزارت امور خارجه ۱۳۶۹ چهارده + ۶۵۳ ص جدول نمونه سید

کتاب حاضر بحسین محلد از مجموعه ای حلد حلدی است که به ارائه و طمعه بندی اسناد دوسب سالة بایگانی سده در ارسبو وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اختصاص دارد در این محلد اسناد معاهدات ایران و ارزانتین، اهر بعی حیوبی، البانی، المان قبل از تفکک، المان فدرال و المان دموکراسک به برتب تاریخ ارائه سده است هدیمزین سید تاریخی این مجموعه مربوط به سال ۱۳۰۶/۱۹۲۷ س و حدیدترین آن مربوط به سال ۱۹۷۸ م / ۱۳۵۷ س است

(۲۲) — اسناد سیاسی ایران و عثمانی ح ۱ دوره قاجاره تهران وزارت امور خارجه ۱۳۶۹ پانزده + ۷۸۸ ص مصور نمونه سید نقشه این کتاب عمدتاً حاوی اسنادی از ۱۲۱۱ تا ۱۲۷۰ هـ ق، با به عبارت دیگر اسناد مربوط به قبل از قرارداد اول با قرارداد دوم از ربه الروم و مذاکرات بعدی آن است

## فلسفه

(۲۳) اورلیوس، مارکوس. اندیشه ها ترجمه علامرضا سمیعی. نابل. کتابسرای بابل ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰. بیست و نه + ۱۶۲ ص ۱۲۰۰ ریال مارکوس اورلیوس، با به فول فراسویها مارک اورل (۱۸۰-۱۲۱ م)، از امرا توران و همچنین فلسفه روانی فرن دوم میلادی روم بود کتاب حاضر از روی متن فراسوی (۱۹۶۴) ترجمه سده است مترحم فراسوی کتاب مقدمه مسوطی درباره زندگی، احوال و عقاید مارکوس اورلیوس آورده که عیاناً به فارسی ترجمه سده است

(۲۴) بوپر، کارل. جامعه بارودشمان آن ترجمه عرت الله فولادوند ح ۴ تهران خوارزمی. ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ۵۳۵ ص [از ص ۸۵۷ تا ۱۳۹۲] واژه نامه. فهرستهای راهما ۲۷۰۰ ریال

کتاب حاضر آخرین محلد از ترجمه جامعه بارودشمان آن است «روس مارکس»، «پیشگویی مارکس»، «اصول اخلاقی مارکس» و «عواقب» عناوین



حاضر به مباحث فتو و حواصردی که مابین علمی ان متنی به حکمت عملی (احلال) است اختصاص دارد

## اسطوره‌شناسی

۳۸) مصطفوی، علی‌اصغر اسطوره‌قربانی. با دستیاری آناهیتا مصطفوی تهران ناشر مؤلف (مرکز بحث. انتشارات بامداد). ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] ۲۹۵ ص مصور فهرست اعلام ۲۰۰۰ ریال.  
نویسنده می‌کوشد ثابت کند که آیینهای قربانی، از کهن‌ترین ادوار تا امروز حرماسک بین‌المللی همه ادیان جهان بوده است وی آیینهای قربانی را در میان ملل و اقوام گوناگون چون یونان، روم، هند، چین، ایران، آیین یهود، عرب جاهلی و غیره بررسی کرده است

## سیاست

### ● ایران

۳۹) اوستین، هاشوا استراتژی و طرح‌ریزی بیروها برای اهداف آمریکا در خلیج فارس ترجمه کاوه ناسمجی تهران انتشارات روشنگران ۱۳۷۰ ۲۵۴ ص جدول نمودار. ۱۴۵۰ ریال

نویسنده استراتژیهای سیاسی سده در دکترین نظامی آمریکا را برای ناردستن شوروی از تصرف حوزه نفتی خلیج فارس بررسی کرده و کوشیده است به این دو سؤال پاسخ دهد معتبرترین استراتژی برای نارداری شوروی از تهاجمی گسترده به منطقه خلیج فارس چیست؟ برای عملی ساختن این استراتژی چه بیروبی مورد نیاز است؟ کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۹۸۷ در آمریکا منتشر شده است

۴۰) کدی، ییکی آر ریشه‌های انقلاب ایران ترجمه عبدالرحیم گواهی تهران انتشارات قلم ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] ۴۴۷ ص. ۱۵۰۰ ریال.

«مذهب و جامعه ایرانی تا سال ۱۸۰۰ میلادی»، «سالوده‌های ایران قرن نوزدهم»، «استمرار و تغییر در عهد قاجاریه سالهای ۱۱۷۵ تا ۱۲۶۹»، «حنگ و رخصت سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰»، «حنگ جهانی دوم و مصدق سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲»، «دیکتاتوری سلطنتی ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۶»، «تغیر سیاسی جدید ایران»، «اعلام»، عنوان برخی فصلهای کتاب است ناشر اصل انگلیسی کتاب، دانشگاه یل (Yale) (۱۹۸۱) بوده است

۴۱) نوگت، جفری (و) تنودور دوماس بحرین و خلیج فارس ترجمه همایون الهی تهران نشر قورس ۱۳۶۹ ۱۷۱ ص جدول نقشه نمودار ۱۳۰۰ ریال

### ● جهان

۴۲) آرون، ریمون. سالهای پایانی قرن ترجمه اسدالله مبشری. تهران. نشر سفیر ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] شانزده + ۲۸۸ ص ۱۷۰۰ ریال  
۴۳) برژسکی، زیگیو در جستجوی امنیت ملی ترجمه ابراهیم خلیلی نجف آبادی تهران. نشر سفیر. ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰]

کتاب حاضر مجموعه‌ای از مقالات و سحرآیینهای برژسکی است که عموماً در محافل دانشگاهی و دولتی آمریکا درباره موضوع امنیت ملی ایراد شده است این مقالات در بر دارنده سالهای ریاست جمهوری جیمی کارتر و روالد ریگان است از این نویسنده اخیراً کتاب دیگری نیز با عنوان نکست بررگ ترجمه شده است (ترجمه سیروس سعیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۹)

۴۴) رگان، دونالد در کاخ سفید چه گذشت ترجمه حسین ابوترابیان تهران نشر الرز ۱۳۶۹ ۲۳۱ ص فهرست نامها ۱۰۰۰ ریال

پس از سفر محرمانه مک‌فارلین به ایران در تاستان ۱۳۶۵ و رسوایی متعاقب آن بسیاری از دست‌اندرکاران این ماهر، محمله نویسنده کتاب حاضر که در آن زمان ریاست ستاد کاح سفید را به عهده داشت، از مقام و منصب

مبکی به حاکم رسیده (سماره‌های اردیبهست، تیر و اسفند ۱۳۶۷ و فروردین ۱۳۶۸) و اینک با اصلاحات مختصری مجدداً به دست حاکم سرده شده است  
کتاب همچنین شامل ۵ جلسه سحرآیین دکتر سروس در جامعه امام دوق (ع) است که آن نیز در سطحی ساده تر به همین موضوع اختصاص دارد  
سحرآیینها قبل از مقالات اصلی کتاب و به عنوان مدخل و مقدمه‌ای برای سبایی با مباحث اصلی، قرار داده شده است

۴۱) عشرت، ابور مابعدالطبیعه از دیدگاه اقبال ترجمه محمد بقانی یاکان. تهران انتشارات حکمت. ۱۳۷۰ ۲۰۶ ص. واژه‌نامه فهرست هما ۹۰۰ ریال

کتاب حاضر در واقع شرحی است بر اصول مابعدالطبیعه اقبال حاکم که در باب وی با عنوان احیای فکر دینی در اسلام آمده است مؤلف در بوس این باب فرص را بر این گذاشته که حواسدگان با آثار اقبال و اصطلاحات وی سبایی دارد

### ۹ ادیان دیگر

۴۲) سروش سروشیان جمشید به یاد پیرمعان تهران ناشر مؤلف ۱۳۶ ۱۸۰ ص. مصور. فهرست اعلام ۹۵۰ ریال

به اعتقاد نویسنده کتاب حاضر، ررتسب به عوامل ماوراءالطبیعه و مافوق حواس فقط اشاره‌ای سر بسته و غیرمسقیم داشته و بطر اصلی وی بیشتر بوجه زندگی روزمره و روابط حقیقی مردم بوده است او در این کتاب نظر رتسب را درباره مسائل متعدد و گوناگونی تحریه و تحلیل می‌کند فرهنگ هدیان، سوادآموزی و دبیری در دین ررتنسب، از دیگر آثار این نویسنده است

## عرفان و تصوف و حکمت

۴۳) چهاردهی، نورالدین گلنایگ مغزافراسوی قانون حادیه بی‌حاشا. نشر نویسنده ۱۳۷۰ ۲۱۵ ص ۹۵۰ ریال

۴۴) خلیلیان، مهدی شرح عشق تهران سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] ۲۵۰ ص. ۶۵۰ ریال

۴۵) گیلانی، عبدالقادر فتح‌الزمانی ترجمه محمدجعفر مهدوی تهران - احسان ۱۳۶۹. [توزیع ۱۷۰] ۴۴۲ ص ۲۲۵۰ ریال

کتاب حاضر راهنمای طریقه قادریه است و شامل مجموعه مواعظ و های سیح عبدالقادر گیلانی (۴۷۰-۵۶۱ هج) است

۴۶) مدرسی، سیدمحمدتقی. مبانی عرفان اسلامی ترجمه محمدجعفر صدیقی (و) محمدصادق پرهیزگار قم کانون نشر اندیشه‌های اسلامی ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰] ۴۱۰ ص ۱۳۰۰ ریال

کتاب حاضر درباره تاریخ علوم عقلی برد مسلمانان و مباحث وجود و فیض است

۴۷) کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق. تحفة الاحوال فی خصائص الشیخ با مقدمه و تصحیح و تعلیق سیدمحمد دامادی تهران شرکت نشرات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰]. هفت + ۵۱۹ ص ۲۴۰۰ ریال

نویسنده کتاب (متوفی ۷۳۶ هج) مسلک حواصردی را بوعی فلسفه حلامی می‌نماید که عناصر ترکیبی آن مرکب از آداب اسلامی است کتاب

برای آن از جمله اطلاعاتی است که این کتاب در اختیار خواننده می‌گذارد. بهتر بود کتاب را بر اساس حروف الفبای اصطلاحات فارسی تنظیم می‌کردند یا حداقل یک فهرست راهنمای اصطلاحات فارسی به آن می‌افزودند.

۸۵) ساسه، ا.ج. سی (و.ج. هورن (و) سارلوت دیگسون. فرهنگ آلمانی به فارسی ترجمه حسین کاظم‌زاده تهران. انتشارات کمانگیر. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۹۲۷ ص ۶۰۰۰ ریال

این فرهنگ در اصل فرهنگ آلمانی-انگلیسی بوده که به صورت آلمانی-فارسی ترجمه شده است در شماره ۵۹ مجله ادبیه (خرداد ۱۳۷۰) مدتی بر این کتاب نوشته شده است

۸۶) شاهروزی، اسمعیل برگزیده نامهای اسلامی و ایرانی تهران کتابروشی محرزازی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۸۳ ص. ۶۵۰ ریال

۸۷) صدری افشار، علامه حسین (و) نصرین حکمی (و) سترن حکمی فرهنگ زبان فارسی امروز تهران مؤسسه نشر کلمه ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۰۲۲ + ص جدول ۶۰۰۰ ریال

فرهنگ حاضر شامل حدود ۲۲۰۰۰ مدخل از واژه‌های فارسی معاصر و رسمی است تلفظ لغات با استفاده از سوه قدیمی ریر و ریری ارائه شده و لغات را با رانی ساده معنا کرده‌اند این فرهنگ شامل لغات و اصطلاحات علمی و جدید بسیاری است که در فرهنگ معین ضبط شده است اخیراً فرهنگ عمومی فارسی به فارسی دیگری نیز با عنوان فرهنگ زبان فارسی (الفبائی-فبائی)، تألیف مهسید مسیری (تهران، سروش، ۱۳۶۹) منتشر شده است

۸۸) عادل، محمود (گردآورنده). لغتنامه قرآن کریم، با استفاده کلی از معجم الفاظ القرآن الکریم (مشمتم بر نقشه‌های جغرافیائی، تصاویر تاریخی و اشکال اشیاء) ج ۱-ح-ج تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۹ ۵۹۲ ص نقشه مصور ۲۵۰۰ ریال

کتاب حاضر اساساً ترجمه‌ای است از کتاب معجم الفاظ القرآن الکریم که مترجم در بهمه اعلام آن از ماحد دیگری حون معجم الالفاظ و الاعلام و الفرائیه، تألیف محمد اسماعیل ابراهیم، و بورات و بعضی از تفاسیر قرآن کریم و مراجع اروپایی استفاده کرده است سر واره‌های این لغتنامه بر اساس حروف الفبای (انبی) رسمه لغات تنظیم شده، مسلمات بر در حای خود آمده‌اند و از آنها به ریشه مربوط ارجاع داده شده است و بعداد و محل ورود هر یک از لغات و مستلمات آنها در قرآن مسحص شده است

۸۹) علمی اردبیلی، علی فرهنگ فلسفه ج ۶ مشهد نشر صحیفه ۱۳۶۹ ۳۸۶ ص ۲۶۰۰ ریال

۹۰) محسنی‌نژاد، حسن فرهنگ کوتاه (آلمانی-فارسی) تهران انتشارات ایران‌زمین ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۵۲۶ ص مصور ۱۳۵۰ ریال  
۹۱) وحید دستجردی، حسین فرهنگنامه لغات و اصطلاحات دینی (فارسی-انگلیسی، انگلیسی-فارسی) تهران انتشارات وحید ۱۳۶۸ ۲۰۰ ص ۶۰۰ ریال

گردآورنده کتاب کوسده است گزیده‌ای از رایج بر س و مورد بیاتر تر س واره‌ها و اصطلاحاتی را که امروزه در ترجمه کتب دینی و اسلامی به کار می‌رود گرداورد

۹۲) وقایع‌نگار، علی اکبر ندایع الله (فرهنگ کردی-فارسی) به کوشش محمد رنوف توکلی بی‌جا ناشر. محمدرفوف توکلی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۲۳ ص ۱۲۰۰ ریال

کتاب حاضر یکی از کتابهای خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که کتاب آن در سال ۱۲۸۷ هـ. ق به پایان رسیده است

## علوم

### ● مباحث عمومی

۹۳) کوهری، تامن س. ساختار انقلابهای علمی ترجمه احمد آرام تهران. سروش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۱۱ ص واژگان فارسی-انگلیسی ۱۰۰۰ ریال

یکی از متون مهم فلسفه علم است که از زمان انتشار (۱۹۶۳) تاکنون شاید بیش از هر کتاب دیگری در تحول این رشته ارداش تأثیر داشته است

۹۴) هاوکینگ، استفن ویلیام. تاریخچه زمان (از انفجار بزرگ سیاهچاله‌ها). ترجمه حبیب‌الله دادفرما (و) زهره دادفرما تهران. انتشارات کیهان. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۴۱ ص مصور. ۱۷۵۰ ریال.

نویسنده نظریه‌های گوناگونی را که از زمان ارسطو درباره کیهان و تحول و تکامل و هرحام آن مطرح شده به بحث می‌گذارد و پس از بررسی اکتشافات و نظرات گالیله، نیوتن، نظریه نسبیت عام ایشتن، نظریه مکانیک کوانتوم، نظریه متحده و غیره این سؤال را مطرح می‌سازد که آیا زمان آغاز داشته و پایانی خواهد داشت؟ و آیا جهان لاینهایی است یا حدودی دارد ترجمه دیگری از این کتاب فلا انتشار یافته است (ترجمه محمدرضا محجور شرک انتشار، ۱۳۶۹)

### ● کامپیوتر

۹۵) اشتري، بهرام ميبانی بیسیک برای کامپیوترهای کوچک. ۲ - تهران بیهی بی تا ۷۱۴ ص جدول نمودار ۲۸۰۰ ریال

۹۶) مصلی، حمیدرضا (مترجم) راهنمای سیستم عامل DOS ۲/۸ (راهنمای کامل استفاده از دستورات DOS در کامپیوترهای IBM PC سازگار با آن). تهران. کانون نشر علوم ۱۳۷۰ ۵۳۷ ص جدول ۰۰۰ ریال

### ● ریاضی

۹۷) بارزیسکی، ویلیام ر (و) فیلیپ و. رییس آشنائی با اнал ریاضی ترجمه سید محمود طالبیان مشهد استان قدس رضوی. ۱۳۶۹ ۳۲۲ + ص فهرست راهنما. ۱۵۵۰ ریال

۹۸) سرپیسیکی، وانسلاو تنوری اعداد (۲۵۰ مسأله حساب) ترجمه پرویز شهریار تهران حوادر می ۱۳۶۹. ۳۰۰ ص ۸۵۰ ریال

۹۹) شکلیارسکی (و) چنتسوف (و) یا گلوم. گزیده‌ای از مهم‌ترین مسأله‌ها و قضیه‌های ریاضی ترجمه پرویز شهریار (و) ابراهیم عادل تهران نشر برادر ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۵۵۸ ص. مصور. جدول ۰۰۰ ریال

۱۰۰) ژیلت، فیلیپ. حساب دیفرانسیل و انتگرال و هندسه تحلیلی ترجمه علی اکبر عالم‌زاده ج ۱ تهران مؤسسه نشر علوم نوین ۳۶۹ [توزیع ۷۰] س + ۵۳۶ ص نمودار جدول. ۲۲۰۰ ریال

۱۰۱) گاردینر، س. ف اولین درس در نظریه گروهها ترجمه محمدعلی شهابی (و) کریم احمدی دلیر بی‌جا بی با ۱۳۷۰. ۳۲۰ ص جدول و اژه‌نامه

۱۰۲) مدلسون، الیوت. مسائل اساسی ریاضی ترجمه عادل ارشدی تهران نشر بی. ۱۳۷۰ نمودار ۵۰۰ ص ۲۳۰۰ ریال

۱۰۳) وایلی، سی ری معادلات دیفرانسیل ترجمه علی‌اکبر عالم‌زاده (و) محید محمدزاده [تهران] مؤسسه نشر علوم نوین. ۱۳۶۹ ۸۰۸ + ص مصور نمودار و اژه‌نامه فهرست راهنما ۳۰۰۰ ریال

### ● فیزیک و شیمی

۱۰۴) آدیان، جورج اصول سبایش ترجمه حسین امیدیان (و) مه‌وفانیان تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ده + ۳۹۰ - مصور نمودار جدول ۲۴۰۰ ریال

اصطلاح «سازس» به عنوان معادل اصطلاح انگلیسی «merization» در این کتاب به کار رفته است

۱۰۵) چی، اف مقدمه‌ای بر فیزیک پلاسما و همجوئی کنترل شده ج فیزیک پلاسما ترجمه صمد سبحابیان تبریز انتشارات ذوقی ۳۰۹ [توزیع ۷۰] ۶۰ ریال

۱۰۶) فریج، هارالد. کوارکها گوهر بنیادین ماده. ترجمه جهانشاه میرزاییگی تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹. ۲۹۵ ص.  
مصور جدول. نمودار ۱۲۵۰ ریال.  
۱۰۷) کمپ، ویلیام. رزونانس مغناطیسی هسته در شیمی. ترجمه عیسی یآوری. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. [۱۳۶۹] [توزیع ۷۰]. هفت + ۲۳۹ ص. مصور جدول. نمودار واژه نامه. فهرست راهنما. ۲۰۰۰ ریال.  
۱۰۸) بیل، رابرت (و) جورج سایدرسرف مسائل فیزیک ترجمه حسن حیدرراده بهران نشر پندار. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۶۲ ص. جدول. مصور. نمودار. ۸۵۰ ریال  
۱۰۹) هالیدی (و) رزیک (و) درینگ حل مسائل انتخابی فیزیک (۱ و ۲) ترجمه محمود بهار ۲ ج ۳۱۸ ص مصور نمودار. ۱۳۰۰ ریال.

### ● نجوم، علوم زیستی و زمین شناسی

۱۱۰) کومارف، و. ن. اعجاب اخترشناسی. ترجمه شیدا یوسفی تهران. نشر گستره. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۵۶ ص مصور. ۱۲۰۰ ریال  
۱۱۱) بهروری راد، بهروز. فهرست پرندگان مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست. [تهران]. دفتر آموزش زیست محیطی ۱۳۶۹

این حروه شامل فهرست پرندگان مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست (پارکهای ملی، آثار طبیعی ملی، مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش) است که به تفکیک و در حداقل متعدد تنظیم شده اند نام برده، نام منطقه ای که برده در آن یافت شده، و نام لاین هر پرده از حمله اطلاعات این حروه است

۱۱۲) ادیب، داریوش جهان جواهرات (برلیان) ج ۲ تهران یادواره کتاب ۱۳۷۰ ۴۴۳ ص مصور ۷۵۰۰ ریال.

هدف این کتاب آشنا ساختن حواهر فرسوان است با نکات بسیار دقیق علمی و اقتصادی درباره برلیان چگونگی شناخت صحیح و ارزیابی ارزش این حواهر برای جلوگیری از سودجوییهای نامشروع و تقلبات و شناسایی سه برلیانها از حمله مطالب کتاب است حله حسب این کتاب بیرهمزمان با همس کتاب با عنوان کلیات حواهرشناسی (تهران، یادواره کتاب، ۳۶۲ ص) منتشر شده است

۱۱۳) پتی جان، فراسیس. سنگهای رسوبی شیمیایی و بیوشیمیایی ترجمه محمدحسین آدابی مشهد. آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ ج ۲ ۳۴۴ ص. مصور. جدول. واژه نامه ۹۵۰ ریال

۱۱۴) رزنیف، ایگور. رمین و بلایای ناگهانی ترجمه بینا و شیوا رویگریان. تهران شرکت انتشارات حاصه ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۰۰ ص مصور. نقشه ۱۰۰۰ ریال.

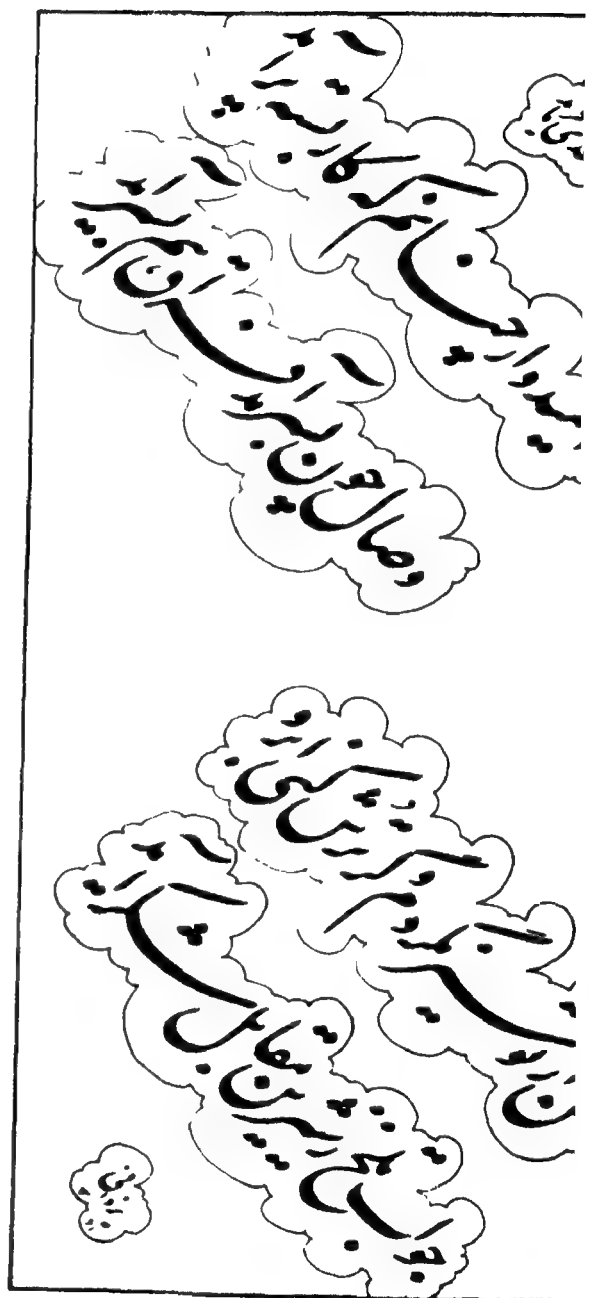
کتاب حاضر با توجه به شکل گیری و تکامل رمین به بررسی بدیده های مصیبت باری حو آتشفشان، سیل و لرزه پرداخته و ضمن ارائه مثالهای بسیار درباره شیوه های معالیه با این مصائب بحث کرده است

۱۱۵) لوی، ژولیا (و) ژاک کمل (و) هنری بلك برن میکروپشناسی مقدماتی. ترجمه فریدون ملک راده ج ۲ تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ده + ۳۲۹ ص مصور جدول. واژه نامه ۱۸۰۰ ریال.

### کشاورزی

۱۱۶) بهیا، عبدالکریم قنوت استان حورستان اهواز جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید چمران اهواز ۱۳۷۰ ۵۲ ص. نقشه. جدول. ۳۵۰ ریال.

۱۱۷) جوهر، سامونل ب سیستماتیک گیاهی (اصول و روشهای رده بندی). ترجمه محمدرضا رحیمی نژاد. تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] هفت + ۲۹۲ ص. مصور جدول. نمودار. واژه نامه. ۱۶۵۰ ریال



۱۱۸) کرامر، پال جی. رابطه آب، خاک و گیاه ترجمه امین علیزاده. مشهد انتشارات جاوید. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ هشت + ۷۳۵ ص مصور جدول نمودار. ۲۹۹۰ ریال.

۱۱۹) کوچکی، عوض (و) حمید حیابانی (و) علامحسین سرمدیا تولید محصولات رراعی مشهد. دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۶۹ ح ۲ دوازده + ۶۳۸ ص مصور جدول واژه نامه ۱۲۱۰ ریال

## پزشکی و روان پزشکی

۱۲۰) اقصی، ملک منصور نارانی. اما همیشه امید (راهنمای بیماران) تهران آینده سازان ۱۳۷۰ ۲۸ ص مصور ۲۵۰ ریال  
۱۲۱) بوگر، فیلیس هالت هندوک درمانهای دارویی ترجمه جهانگیر شهریوری تهران ایته کتاب ۱۳۷۰ ۵۵۷ ص نمودار جدول ۲۹۰۰ ریال

۱۲۲) تاوسسد، مری سی تشخیصهای پرستاری در پرستاری روانی (راهنمای جیبی جهت تدوین طرح مراقبتی) ترجمه اقدس دواجی و براسنه احتر ابراهیمی تهران آینده سازان ۱۳۶۷ [تورج ۱۷۰ ۳۲۰ ص ۲۰۰۰ ریال

۱۲۳) چیترا، لین باوبا/افرار (خوددرمانی ۱) ترجمه هنگامه شهریار تهران نشر مینا ۱۳۷۰ ۱۶۸ ص مصور ۷۵۰ ریال

۱۲۴) حسین بیا، عبدالحمید سرگیجه (بررسی نورواتولوژیک) با مقدمه و راهنمایی محمدحسن خالصی تهران نشر علوم پزشکی ۱۳۶۹ ۱۶۳ ص مصور نمودار ۷۵۰ ریال

۱۲۵) دریس، آر دی (و) جی ایی اکهورف (و) ال دی ویدام مقدمه ای بر بیپوشی ترجمه محمد شمس راده امیری با همکاری کبری قاصی سعید بهران عصر حدید ۱۳۶۹ ح ۲ ۷۴۴ ص مصور جدول ۳۵۰۰ ریال

۱۲۶) رایبر اصول پانولوژی ترجمه عباس سکور (و) محمد علوی تفرشی (و) شهریار شمائی ریتر مسلم بهادری ج ۲ تهران داش پژوه ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ۴۹۱ ص مصور ۱۸۰۰ ریال

۱۲۷) اشوارتر [بیماریهای کبد - کیسه صفرا - مخاری صفراوی - علل یرقان - طحال - باکتراس ترجمه رضا شمس (و) فیروزه فرمند تهران انتشارات داش پژوه ۱۳۶۹ ۳۱۹ + ۸۷۱ ص مصور ۱۵۵۰ ریال

۱۲۸) صادقیان، محمدرضا و دیگران واسکولیت های بکروران ویراش علی نوری بهران نشر علوم پزشکی ۱۳۶۹ ۱۲۸ ص مصور جدول ۶۵۰ ریال

۱۲۹) غرانی، محرم روش کار در اتاق عمل و اتاق بهداشتی تهران شرکت سهامی چهر ۱۳۷۰ ح ۲۶۸۱ ص مصور واژه نامه ۱۹۰۰ ریال  
۱۳۰) فرید حسینی، رضا (با همکاری) شهریار رهنابجی الرزی و ایوبولوژی بالینی (مشهد). استان قدس رضوی ۱۳۶۹ ۵۹۶ ص مصور جدول ۲۴۰۰ ریال

۱۳۱) قانلحو، میزه کاربرد مهارتهای مدیریت در خدمات پرستاری تهران آینده سازان ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ل + ۶۰۲ ص نمودار جدول ۴۶۰۰ ریال.

۱۳۲) گابوگ، ویلیام اف کلیات فیزیولوژی پزشکی ترجمه فرح شادان (و) فرشته معتمدی تهران چهر ۱۳۶۹ ۶۹۹ ص جدول نمودار مصور ۱۸۵۰ ریال

۱۳۳) گلکاری، حمید بررسی اختلالات رشد (شامل F T I و کوتاهی. قد) با راهنمایی علامرضا حاتمی تهران آینده سازان ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ مصور نمودار جدول ۱۳۴ ص ۸۵۰ ریال

۱۳۴) موسوی، ملیحه السادات (و) فروغ رفیعی روشهای پرستاری بالینی. تهران آینده سازان ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ۳۴ ص مصور ۲۱۰۰ ریال

۱۳۵) [نلسون] اصول طب کودکان نلسون (۱) ترجمه موجهر اکتانی

و دیگران تهران آینده سازان. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰. ۶۷۰ ص. مصور جدول نمودار ۲۸۰۰ ریال

## فن شناسی و صنعت

۱۳۶) بوگاف، پ ت تکنولوژی عمومی صنعت ساحی بنه ای ترجمه ابوالقاسم طاهری عراقی سی ها انتشارات آقابیک ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ۳۱۴ ص مصور جدول واژه نامه ۱۴۰۰ ریال

۱۳۷) ترارابی، ان تکنولوژی برق ۲ ترجمه سعید شعاری نژاد تهران انتشارات حفی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ۷۱۰ ص مصور ۱۵۰۰ ریال  
۱۳۸) دبتر، جورج ای مثالورزی مکانیکی ترجمه شهره شهیدی تهران مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ پابده + ۹۰۶ ص مصور جدول نمودار ۴۵۰۰ ریال.

۱۳۹) رایل، ا ح (و) ابریل کلارک (و) دیگران رمین امار ترجمه حسن مدنی و براسنه رصارصایی تهران مرکز انتشارات صنعت فولاد - وابسته به وزارت معادن و فلزات ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ده + ۱۵۶ ص نمودار. جدول مصور ۱۰۰۰ ریال

۱۴۰) فن وایل، گ ی (و) ر ا روتناگ ماسی ترمودسامک کلاسیک ترجمه تقی قصری اردهانی تبریز انتشارات گلداد ۱۳۶۹ د + ۳۹۳ ص. مصور. جدول ۲۰۰۰ ریال

۱۴۱) کو، بهخامن سیستمهای کنترل ابومالیك ترجمه محنی محدث (و) بهراد فهران ح ۱ مشهد بشریما (و) انتشارات فرید ۱۳۶۹ ۵۲۸ ص مصور نمودار واژه نامه ۲۶۰۰ ریال

۱۴۲) مافی نژاد، حلیل (و) فرامرر صوری روش طراحی و تحلیل مدارهای الکترویک مشهد استان قدس رضوی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ۴۵۶ ص جدول نمودار ۱۸۰۰ ریال

۱۴۳) موسوی، سیدمحسن (مشتاور) و حمشید رضایی (محرر) اتلاف حرارت و میعان در ساختمانهای متداول تهران وزارت مسکن و شهرسازی - مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ۲۸۴ ص ۱۵۰۰ ریال

۱۴۴) وات نگهداری و تعمیرات سارماندهی، برنامه ریزی و کنترل ترجمه گروه مهدسی صنایع تهران جهاد داسگاهی دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ۲۲۸ ص جدول ۱۳۰۰ ریال

## شطرنج و ورزش

۱۴۵) الحیی، الکساندر بهترین بازیهای من (۱۹۲۳-۱۹۰۸) ترجمه روبرت لالاراریان تهران انتشارات فریب ۱۳۷۰ ۴۵۲ ص مصور جدول ۲۴۰۰ ریال

۱۴۶) روبرمان، آ مسیاتورهای شطرنج (۴۰۰ ناری ترکیبی) ترجمه عنایت الله گجیان. تهران انتشارات شاهنگ ۱۳۷۰ ۶۳۶ ص مصور ۱۷۵۰ ریال

این مجموعه به منظور اسان ساحس علاقمندان با طرافها و رسیاهاد شطرنج از يك سو و معرفی نمونه های ترکیبی گوناگون - که غالباً مربوط به مرحله وسط یا آغارین ناری می شود - از سوی دیگر است

۱۴۷) چرنف، ایروینگ، بررگان شطرنج ترجمه رضا رضایی تهران پیشرو ۱۳۶۹ ۲۵۹ ص مصور قطع رحلی. ۲۴۵۰ ریال

اصل کتاب از انتشارات داسگاه اکسفورد در سال ۱۹۷۶ است مؤلف از صاحب نظران و مفسران بزرگ به شمار می آید ۱۲ سطر بحار برتر تاریخ معرفی و بازیهای آنها را با ناری همه فهم تفسیر می کند کامانلانکا، آلخ لاسکر، فیسر، باتوینیک، تروسیان، تال، اساسکی از جمله این سطرینا هستند

۱۴۸) کاسپاروف، گاری. شطرنج را از قهرمان جهان بیاموریم ترجمه

عازم رضائی (و) هادی مؤمنی. تهران مؤسسه انتشاراتی مشعل ۱۳۶۹  
وزیع ۱۷۰ ۱۶۰ ص مصور ۱۱۵۰ ریال  
نویسنده با توجه به منابع علمی و با استفاده از منابع و طرحهای بسیار،  
وله‌های اساسی سطرخ را بازنمایی ساده از مراحل ابتدایی تا مراحل  
سرفه شرح داده است

## هنر و معماری

### امباحث عمومی

۱۴۹ (حقیقت (رفیع)، عبدالرفیع تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی  
رکب‌ترین زمان تاریخی تا پایان دوره قاجاریه - از مانی تا کمال‌الملک)  
ران. شرکت مؤلفان و مترجمان ایران ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۲ ح ۱۰۸۰  
ص مصور فهرست راهما ۹۶۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل شرح حرکات هنرهای موسیقی، تصویرگری، نقاشی،  
طراحی، خوشنویسی، معماری، طراحی، حجاری، جامه‌کاری، فلک‌کاری،  
سایور، مرفه‌سازی، نافذگی و غیره، و همچنین شرح احوال هنرمندان  
سده‌های مذکور، و بهشت‌های هنری ایران در دوره‌های گوناگون است

### ۱ سینما

۱۵۰ امید، جمال تاریخ سینمای ایران تهران. انتشارات نگاه ۱۳۶۹  
وزیع ۱۷۰ ۲۵۲ ص مصور نمونه سند ۱۵۰۰ ریال  
مجموعه حاضر شامل سه جلد کتاب تاریخ سینمای ایران است که علاوه  
بر نامهای بدنام، بهره‌برداران، اوانس، اوکناکس، و عبدالحسن  
سما انتشار یافته بود

۱۵۱ (ربوار، زان زندگی و فیلمهای من ترجمه بهرور تورانی تهران  
روش ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۳۰۳ ص مصور ۱۰۰۰ ریال  
کتاب حاضر زندگی‌نامه زان ربوار (۱۹۷۹-۱۸۹۴)، فیلمساز معروف  
اسوی، به فلم خود اوست. او در این کتاب به شرح عقایدش درباره هنر و  
سما، نفس سینما در جامعه و همچنین خصوصیات برخی از آثارش پرداخته  
است

۱۵۲ (سیمان، میشل کارنامه فرانچسکو زری ترجمه تاسم رویین  
ران چکامه ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۳۷۲ ص مصور ۱۶۰۰ ریال  
فرانچسکو زری (مولد ۱۹۲۲) از سینماگران برجسته ایتالیایی است که  
لب آثار او مقصود سیاسی دارد نقد و بررسی ابعاد زیبایی‌شناسی،  
بولوریک و درویمانه‌ای آثار زری، مضامین با این فیلمساز درباره زندگی و  
دافس و بالاخره بی‌گیری مسأله تاریخی و رویداد شکل‌گیری آثار زری از  
مطلب کتاب حاضر است مردان مخالف، مآثرای مائستی و احسان  
سجنان از آثار این فیلمساز است که در کتاب حاضر مفصلاً مورد بحث قرار  
دهد

۱۵۳ (ولج، دیوید تبلیغات و سینمای آلمان نازی (۱۹۴۵-۱۹۳۳)  
حجم حسن افشار تهران نشر مرکز ۱۳۷۰ ۴۵۶ ص فهرست اعلام  
۲۴۰ ریال

این کتاب تلاش حکومت نازی آلمان را برای بدید آوردن هنری مطابق با  
دایف سیاسی خویش بار می‌نماید و مضمونهای را که این سینما به آنها  
- حته و سوده فیلمسازان آلمانی را در القای دیدگاههای خرسی با تحلیل  
مهمی عمده این دوره شرح می‌دهد

۱۵۴ (پرستلی، ج ب دنیای شگفت‌انگیز تنانتر ترجمه فرح حواجه  
ن تهران نشر اندیشه ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ۱۱۷ ص + ۴۰ ص مصور  
۴۰۰ ریال

- سده سده‌های گوناگون نمایی را که در نقاط مختلف دنیا از دیرباز تا  
- مرسوم بوده بررسی کرده و استراکات آنها را به بحث گذاشته است به  
- سده‌ای تمام این انواع از اصل واحدی سرچشمه گرفته‌اند  
۱۵۵ (رور - اوبر، جیمز. تنانتر تجربی از استانیسلاوسکی تا پیتربروک

ترجمه مصطفی اسلامی. تهران سروش ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۳۰۰ ص  
مصور واژه‌نامه فهرست راهما ۱۰۰۰ ریال

این کتاب به بررسی بلاشهای هنرمندی می‌پردازد که از آثار هنر بیستم  
برای گسترش امکانات تنانتر فعالیت کرده‌اند و برای کشف قابلیت‌های گوناگون  
نشانر کوسیده‌اند هنرمندی چون استانیسلاوسکی که بر اهمیت کار بازیگر  
نآکند داشت، کرک که به امکانات صحنه توجه داشت، رابهارت که اهمیت  
فوق‌العاده‌ای برای نفس کارگردان قائل بود، برست که سرسبامه رسی تنانتر  
را اصل می‌دانست و پیتربروک که با اجرای مهابهاره و منطق الطیر عطار  
حیره ساحص نشانری بایان هنر بیستم گسه است

### ● موسیقی

۱۵۶ (اسماعیلی، محمد امورش تمک به کوشش سیامک بانی  
بی‌جا شتر مطومه ۱۳۶۹ [تو، بع ۱۷۰ ۷۷ ص مصور خط موسیقی  
۲۱۰۰ ریال

۱۵۷ (برلیور، هکتور (و) ریشارد اشتراوس اصول ساربدی/رکستر  
(ارکستر/سیون) ترجمه پرویز مقصوری تهران انتشارات هنر و  
فرهنگ ۱۳۶۹ ج + ۴۵۲ ص جدول خط موسیقی ۷۵۰۰ ریال  
در این کتاب جنبه مکانیکی و مسائل ریاضی ساحصی هنر ارکستر بوسی با  
حرکات بسیار بوضوح داده شده است ریسارد اشتراوس درواقع ویراسار  
کتاب حاضر بوده به نویسنده آن

۱۵۸ (رولان، رومن موسیقی دانان امروز ترجمه رصار رضائی تهران.  
مؤسسه انتشاراتی مشعل ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۲۷۶ ص ۱۳۵۰ ریال  
رومن رولان با این اعتماد که کار هیچ آهنگساز، بی‌را نمی‌بوان جدا از  
سراط خلق آثارشان بررسی کرد زندگی و آثار آهنگسازانی چون برلیور،  
واگنر، کامی‌س - سانس، وسان دبدی، ریسارد اشتراوس، دوگولف و دون  
لورسو بروزی را بررسی کرده است و بازنمایی ساده و غیر تخصصی  
ورنگهای آثار هر یک را بر سر مرده است هر چه در زمینه‌ای که به کتاب افزوده  
است اطلاعات سودمندی درباره موسیفندان دیگری که در این کتاب نام آنها  
آمده در احسان گذاشته است

۱۵۹ (حسروی، علی (تصویرگر) نقشی به یاد (یاد هنرمندان  
موسیقی ایران) تهران به نگار ۱۳۷۰ ۱۵۲ ص مصور ۲۵۰۰ ریال  
کتاب حاضر شامل حدود ۱۴ تصویر نقاشی از حیره هنرمندان موسیقی  
ایران همراه با اساره‌ای به سابعه هنری هر یک است

### ● خط و نقاشی

۱۶۰ (اسماعیلی فوجانی خود/امور خوشنویسی (خط سستعلیق، نسخ،  
ثلث)، مشهد استان قدس رضوی ۱۳۶۹ ج ۶ ۱۳۶ ص جدول ۱۱۰۰  
ریال

۱۶۱ (طالقانی، ادریش عبدالمجید (نه خط) منتخب دیوان حافظ  
مقدمه از رضا مشعشعی تهران مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی  
۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۸۵ ص

کتاب حاضر به خط سکنسته سستعلیق از استاد درویش عبدالحمید طالقانی  
(متوفی ۱۱۸۵ ه. ق)، از خوش‌بویان صاحب‌سک و نابی مکی در  
سکنسته‌نویسی، است طاهرا نسخه اصلی این کتاب بر اثر بی‌وجهی صاحبان  
فلی ان دجار بوسندگی و صدمات فراوانی سده که پس از لکه‌برداری، رتوس  
فیلمها، نارساری حروف و موسار روی فیلم و همچنین افروندن بدهت و  
سعیی بر کلبه صفحات ان به شکل فعلی و بر روی کاغذ گلاسه منتشر شده  
است

۱۶۲ (فولیسکی، لئوید. هفت رور ترجمه رضا رضایی ساروی  
تهران انتشارات عصر جدید ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ج ۲ ۲۵۰ ص مصور  
۱۵۰۰ ریال

کتاب حاضر زمان مستندی است از زندگی و آثار نقاشان بزرگی چون  
رافا، رامبراند، سین، روسین، بروکل و دیگران کتاب دارای تصاویر رنگی  
رئایی از آثار این نقاشان است که بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده است

## معماری

۱۶۳) سلطان راده، حسین فضاهای شهری در یافته‌های تاریخی ایران هابر، بازارها، میدانها، دروازه‌ها، فضاهای ورودی، فضاهای مجاور (۱) تهران دفتر پژوهشهای فرهنگی (واسته به مراکز فرهنگی - معنایی) شهرداری تهران ۱۳۷۰ ۲۱۴ ص منصور بهرست راهما ۲۸ ریال

نویسنده با استفاده از منابعی چون مین، طرحها و عکسهای قدیم و انبار میمانده از فضاهای شهرهای تاریخی، اطلاعات ارزشمندی را درباره وهای فضاهای شهری گوناگون و خصوصیات کمی هر منطقه و محله پری در اختیار گذاشته است این کتاب راهنمای مناسبی است برای سخنویان و معماری که قصد اتحاد فضاهای قدیمی با بازسازی سازهایی را دارند

۱۶۴) بات، نجم الدین شهر اسلامی ترجمه محمدحسین حلیمی (و) یژه اسلامی، تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و شاد اسلامی ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۲۷۱ ص منصور ۹۸۰۰ ریال

نویسنده کتاب (۱۹۸۵-۱۹۲۲) که از سرق سیاست و محققان معاصر در فای و حکمت و هنر اسلامی است نویسنده است با بهره‌گیری از معماری مرین شهرهای اسلامی تصویر دینی از یک ازماسهر اسلامی را در احصار ندارد او از شهرهایی چون اسکندریه، سور، بوس، حده، سومارا، حلب، بدان، اصفهان و غیره سخن رانده و شهر فاس مراکش را به عنوان شهر نمونه ملایمی معرفی کرده و با حریفان بسیاری به آن پرداخته است مبحثان سآوری از فضاهای رسی و اقلیمی ایران را به کتاب افزوده‌اند کتاب اخیر نخستین بار در سال ۱۹۸۷ در فرانسه منتشر شده است کاعده و تصاویر بات از کفایت خوبی برخوردار است

## متون کهن

۱۶۵) خراجی، سیداسماعیل حقی علانی (حقی علانی) الحقیة- ملانیه) به کوشش علی اکبر ولایتی (و) محمود نجم‌آبادی تهران شارات اطلاعات ۱۳۶۹ دوازه + ۲۶۱ ص ۲۳۰۰ ریال

مؤلف کتاب از برسکان نامدار قرن ۵ و اوایل قرن ۶ هج و مؤلف کتاب صره حواری‌مسابی است کتاب حاضر یکی از آثار او در طب و در واقع لایحه‌ای از کتاب عظیم دحیره حواری‌مسابی است که برای سهولت استفاده حمل و نقل به احصار نوشته شده است مصحح کتاب نویسنده‌اند برای الب لغات و اصطلاحات طی کتاب معادلی انگلیسی با عربی در احصار ندارند با استفاده از آن برای دانشوران و برسکان عملی باشد این کتاب از بی سه سخته خطی و یک سخته حابی (کاسور هندوسان، ۱۸۹۱) تصحیح و به سده است

۱۶۶) سادات ناصری، سیدحسین (و) موجهر دانش پژوه هزار سال سیر فارسی (سیری در متون کهن تفسیر فارسی) تهران نشر الر ۱۳۶، بیست + ۸۸۰ ص فهرستهای راهما ۵۰۰۰ ریال

ترجمه و تفسیر فران تا زمان سامانیان سانه عللی رانج بوده و پس از این ران است که با مین و تفسیر و ترجمه فران مواجه می‌شوم کتاب حاضر مجموعه‌ای است حاوی بررسی تفسیر کهن فارسی (از قرن ۱۱ تا ۱۱ هج) با کر نمونه و سرحی درباره رمان نگارس، مفسران و رجه تاریخی هر تفسیر و سخرحابی از آن

## ادبیات

### نظم و نثر کهن ایرانی

۱۶۷) اسعد گرگانی، فخرالدین ویس ورامین بی‌جا، نشرجامی ۱۳۶ ۳۸۹ ص ۱۷۰۰ ریال

در مقدمه کتاب هیچ اشاره‌ای به سخته یا سخته‌های مورد استفاده مصحح

سده و نامی از مصحح بر نه مان نامده است کتاب فاقد هرگونه توضیح و مسیری درباره بلنجات و ترکیبات و تعییرات اسعار است بها مقدمه کتاب نقل برخی از نادداستهای اسناد بدیع الزمان فروزانفر در کتاب سخن و سحروران است

۱۶۸) [تصحیح] الرنس قاجار گریده‌ای از سروده‌های شیخ الرنس قاجار ویراسته میرحلال الدین کراری تهران ستر مرکز ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۱۹۰ ص فرهنگ واژگان، ۱۷۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل گریده اسعار انوالحسن میرا سیح الرنس قاجار (۱۳۳۶-۱۲۶۴ هج) نواده دروس مسلک و مسر و طحواه فتحعلی شاه قاجار است اسعار این کتاب از روی یک سخته حاب سنگی با عنوان منجبت نفس/ انار سیح الرنس (منفی هندوسان، ۱۳۱۲) اسباب سده است و براساس آیات قرآن و لغات عربی کتاب را معنی کرده و دو نمونه از سر سیح الرنس را بر در مقدمه کتاب آورده است

۱۶۹) کلیم همدانی، ابوطالب دیوان ابوطالب کلیم همدانی مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمد فهراان مشهد استان قدس رضوی ۱۳۶۹ هشتاد و هشت + ۷۵۱ ص نمونه سده ۴۰۰۰ ریال

کلم همدانی (متوفی ۱۰۶۱ هج) از عرلسرایان برجسته عصر صفوی است مصحح کتاب، دیوان حاضر را از روی ۹ سخته که غالب آنها بردنک به عصر ساعر بوده تصحیح کرده و مقدمه مسوطی درباره ردنکی، آثار، سنک همعصران و اوضاع سیاسی زمان ساعر به کتاب افزوده است ذکر محمدرضا صفعی کدکنی بقدری درباره این کتاب و سوه تصحیح آن نوشته است (ککک شماره ۱۳، فروردین ۱۳۷۰)

۱۷۰) گلچین معانی، احمد کاروان همد (در احوال و آثار شاعران عصر صفوی که به هندوستان رفته‌اند) مشهد آستان قدس رضوی چهل و چهار + ۱۶۷۵ ص بهرست راهما ۱۳۶۹ ۲ ج ۷۵۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل سرح حال مختصر و گریده اسعار ساعرانی است که در عصر صفوی (در فاصله سالهای ۷ تا ۱۱۳۵ هج) به هندوستان مسافرت یا مهاجرت کرده‌اند مجموعه حاضر مفصل بر س مجموعه در بوع خود است اسامی ساعران این مجموعه به ترتب حروف الفبا تنظیم شده است

### درباره ادبیات ایران

۱۷۱) ابراهیمی، نادر لوازم نویسندگی (ساختار و مانی ادبیات داستانی) ج ۱ تهران انتشارات فرهنگان ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۳۷۸ ص ۱۹۰۰ ریال

۱۷۲) احلالی، امین پاشا توصیح نکات ادبی، عرفانی، اشارات قرانی و احادیث در مثنوی مولوی دفتر اول تبریز دانشگاه تبریز ۱۳۶۹ هفت + ۱۰۵ ص ۳۵۰ ریال

۱۷۳) حائر، علی ذهیت و راویه دید در نقد و نقد ادبیات داستانی تهران کوه ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۱۹۷ ص ۶۵۰ ریال

۱۷۴) ریاحی، محمدامین زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی تهران پاژنگ ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۳۰۸ ص فهرستهای راهما ۲۵۵۰ ریال

سال ۴۶۳ هج سال آغاز نمود واقعی فرهنگ ایرانی در دربار روم است در همین سال بود که الب ارسلان در جنگ ملاگرد رومانوس دیوحانس فیصر روم را شکست داد نویسنده بیستم ۹۰۰ ساله زبان و ادب فارسی را در سرزمینهایی که روزی روم و بعداً امپراتوری عثمانی و امروزه ترکیه نام دارد مورد مطالعه قرار داده و سنان داده است که زبان فارسی قریه‌ها رمان رسمی و سس رمان دژ آن دیار بوده و اینک نیز آثار آن در زبان و فرهنگ عامه مردم نامی مانده است «فارسی رمان رسمی آسیای صغیر»، «اوج گسترش رمان فارسی در دور سلجوقیان»، «سعر و ادب فارسی در دوره ایلخانان»، «فارسی رمان رسمی نامه نویسی» از سر فصلهای قابل ملاحظه این کتاب است

۱۷۵) گلچین معانی، احمد مضامین مشترک در شعر فارسی تهران پاژنگ ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰، یازده + ط + ۲۹۷ ص فهرست نامها، ۲۶۰۰ ریال

کتاب حاضر مستمل است بر اسعار مسترک المضمون با فریب المضمون از  
عراق ادوار مختلف مؤلف کتاب برای هر موضوع غزایی در نظر گرفته و  
غزایی را که همگی موروثی با مآخوذ از اسعار متن هستند به ترتیب الفبائی  
ظم کرده است در این کتاب مجموعاً ۷۲۲ عنوان موضوع مسترک در ۲۵۹۵  
ب شعر از ساعران ادوار گوناگون شعر فارسی عرضه شده است  
(۱۷۶) ماسه، هابری، تحقیق درباره سعدی، برحمة علامه حسن بوسفی  
(محمدحسن مهدوی اردبیلی) تهران انتشارات توس ۱۳۶۹ [توزیع  
۱۷] ج ۲ ۴۴۲ ص فهرست اعلام ۳۵۰۰ ریال  
(۱۷۷) محتاری، محمد اسطوره رال (سلور تصاد و وحدت در حماسه  
بی) تهران نشر آگه ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۲۹۳ ص ۱۸۰۰ ریال  
و سنده با بررسی اسطوره رال از اخبار با انجام آن در شاهنامه می گوید  
ن، سج و اسطوره را در این کتاب (شاهنامه) روس سازد به اعتماد وی با  
حد حماسه رال و با نای کاروی، مرحله اسطوره به نایان می رسد و مرحله  
ویدهای تاریخی در شاهنامه آغاز می شود و سنده ریدگی رال را در چهار  
حد بررسی می کند رانده سندن رال از جامعه و بقی وی، آگاه سندن جامعه از  
سها و از رسته های مسب وی، دوره نگارگی رال با نهادهای جامعه، و ملاحظه  
د اسکار سندن دوباره تصاد  
(۱۷۸) بیار کرمانی، سعید (به کوشش) پیرماگفت تهران بازیک  
۱۳۷ ۱۶۵ ص ۸۰۰ ریال  
کتاب حاضر مجموعه ۲۷ مقاله از محققان و حافظ ساسان ایرانی است که  
موضوع غالب آنها بررسی این بیت مسهور حافظ است «سرمایه خطا بر  
به سنج برهت / آفرین بر نظر ناک خطا بوسن باد»  
(۱۷۹) وحیدی، حسین رستم در شاهنامه درجه یکم رایش تهران  
ساربات شعله اندیشه [فررس] ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۷۱ ص ۹۵۰  
ریال

## ● شعر معاصر ایران

(۱۸۰) احمدی، احمد رضا فافه در یادگرم می شود تهران بازیک  
۱۳۶۱ [توزیع ۱۷۰] ۳۴۰ ص ۱۵۰۰ ریال  
اسعار این مجموعه در فاصله سالهای ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸ سروده شده و  
سها های اردوران بهاران تهران هم به آن افزوده شده است بخش آخر کتاب  
به است  
(۱۸۱) بررگ بیا، کامران خاک دامنگر تهران اساربات سلور ۱۳۶۹  
توزیع ۱۷۰ ۱۰۰ ص ۶۰۰ ریال  
سعار این کتاب حاصل سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ است  
(۱۸۲) بهاهی سمنای، محمداحمد شعر کار در ادب فارسی تهران ناشر  
سلف ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۴۴۸ ص ۱۷۵۰ ریال  
(۱۸۳) توللی، فریدون فافه (مجموعه شعر) تهران بازیک ۱۳۶۹  
توزیع ۱۷۰ ۱۹۸ ص ۷۰۰ ریال  
غالب اسعار این مجموعه در فاصله سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ سروده شده  
ست در مقدمه کتاب که در سال ۱۳۴۱ نگارش یافته، ساعر نظر خود را درباره  
حول شعر و شعر بو در زمان خود بیان کرده است  
(۱۸۴) چایچی، رضا بی چتر، بی چراغ (مجموعه شعر) [تهران] انتشارات  
بهیبه ۱۳۷۰ ۱۳۳ ص ۶۰۰ ریال  
مجموعه حاضر نخستین کتاب مستمل این ساعر است که اسعار سالهای  
۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹ وی را شامل می شود  
(۱۸۵) رها، اسماعیل لب تلخی و فحان [تهران] بی با ۱۳۶۹ [توزیع  
۱۷۰] ۸۴ ص ۵۲۰ ریال  
(۱۸۶) عطیمی، عبدالعلی، با نام گل (مجموعه شعر ۱۳۶۸-۱۳۶۴)  
تهران بیلور، ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۰۰ ص ۶۰۰ ریال  
(۱۸۷) عطیمی، محمد (به کوشش)، از پنجره های زندگانی (برگزیده  
عزل امروز ایران)، تهران، آگاه، ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۸۰۲ ص راهمای  
نامها ۳۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر برگزیده ای است از عزلت فریب ۹۰ ساعر ایرانی که از  
مسروطنه با بعد می رسند و شعر می سروده اند گردآورنده کوسیده است  
نمونه هایی از انواع گوناگون علهای معاصر (مانند عزل عرفانی، عاسفانه،  
سک هندی، ساسی، بو و عره) را در اختیار نگذارد صفای اصفاهی، عارف  
فروبی، ملک الشعرای بهار، سناوسنج، مسعود فراد، سیاوس کسرائی،  
سمن بهیبه، ها سانه، نصر رحمانی و فروغ فراداد از جمله ساعرانی  
هستند که اسعار آنها در این مجموعه آمده است  
(۱۸۸) قدرخواه، کوان گوشه های اصفهان (مجموعه شعر) [تهران] انتشارات  
بهیبه ۱۳۷۰ ۹۷ ص ۵۰۰ ریال  
(۱۸۹) قهاری (فروغ)، مهدی تردید ارزش بی جا اکانتان ۱۳۶۹ [توزیع  
۱۷۰] ۷۰ ص ۶۰۰ ریال  
(۱۹۰) کرمانشاهی، وفا (فراهم آورنده) ناع ابریشم (عزل کرمانشاهان  
در قلمرو شعر امروز) به همت کیومرث عباسی «قصری» بی جا ناشر  
کیومرث عباسی بی با هفت + ۵۳۳ ص ۲۳۰۰ ریال  
(۱۹۱) مشیری، فریدون سه دفتر (ارو و کوچه- گناه در با- بهار را ناویر  
کن) تهران نشر چشمه ۱۳۶۹ ۳۲۷ ص ۱۲۵۰ ریال  
دفترهای «گناه در با» و «بهار را ناویر کن» این مجموعه را اساربات بیل  
ترتیب در سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۴۷ منتشر کرده بود  
(۱۹۲) مصدق، حمید نارهایی تهران نشر بو ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰]  
۵۳۴ ص ۳۸۰۰ ریال  
(۱۹۳) معین، محمد سواره ناهید (با داستان حرداد و مرداد) تهران،  
مؤسسه انتشارات و سمن ۱۳۷۰ ۵۳ ص ۴۵۰ ریال  
سواره ناهید نام منظومه ای اساطیری از سادروان محمد معین است که  
نحسین یازده سال ۱۳۱۶ س به جاب رسیده است در اسدای کتاب مقدمه ای  
به فلم دفتر معین درباره داستان هاروب و مازوب (با حرداد و امرداد، یا عرا و  
عرا) آمده است این کتاب به مناسب کنگره برگذاشت اسناد معین در  
اسنگاه کتال (۲۵-۲۷ اردیبهست ۱۳۷۰) اسار یافته است  
(۱۹۴) موحه، صاء عراهای سفید [مجموعه شعر] تهران بیلور  
۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۰۰ ص ۶۰۰ ریال  
منتحی است از سها های دفتر بیسن ساعر (در انهای مرده مروارید) و  
سها های جاب سنده سن از آن  
(۱۹۵) واحدی، اختر کوچه (مجموعه شعر) تهران، ناشر سراننده  
۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۶۳ ص ۵۰۰ ریال  
(۱۹۶) ها سایه سیاه مشق (۳) تهران انتشارات توس ۱۳۶۹ [توزیع  
۱۷۰] ج ۲ ۴۴۱ ص ۹۰۰ ریال  
در سال ۱۳۷ دو مجموعه دیگر از اسعار این ساعر نیز تجدید چاپ شده  
است سگرم و نادگار حور سرو (هر دو از انتشارات توس)  
(۱۹۷) ناقوتی، منصور ماه و برچین (مجموعه شعر ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷)،  
تهران سازمان چاپ و انتشارات مرجان ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۰۲ ص،  
۶۵۰ ریال

## ● داستان، نمایشنامه، فیلمنامه ایرانی

(۱۹۸) ابراهیمی، نادر مجموعه دوم (قصه های کوتاه) تهران امیرکبیر،  
۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۲۳۹ ص ۹۰۰ ریال  
قصه های این مجموعه از مجموعه های فلی همین بوسیده انتخاب  
سده اند  
(۱۹۹) احوان، محمدکاظم بادها، نقاشی: کریم نصر تهران نهاد هنر و  
ادبیات ۱۳۶۹ ۲۵ ص منصور ۲۰۰ ریال  
(۲۰۰) الهی، اصغر دیگر سیاوشی نماده تهران، انتشارات توس،  
۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۷۰ ص ۸۰۰ ریال  
مجموعه ۱۱ داستان کوتاه است رؤیا و رؤیا و مادر بی بی خان (هر دو از  
انتشارات توس) از دیگر آمار این بوسیده است  
(۲۰۱) به آذین، م. ا. مانگدیم و خورشیدچهر (مجموعه هفت قصه).

ان. نشر جامی (و) نیلوفر. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۸۲ ص. ۱۰۰۰ ریال.  
 ۲۰۲) بازوکی، منوچهر گردباد زندگی. بی جا. ناشر: مؤلف. ۱۳۶۹  
 زیع ۷۰. ۲۲۴ ص. ۱۱۰۰ ریال.  
 ۲۰۳) جعفری جوزانی، مسعود. سایه خیال [فیلمنامه]. [تهران] نشر  
 را. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۷۹ ص. ۶۵۰ ریال.  
 ۲۰۴) جولایی، رضا. شب ظلمانی یلدا (و) حدیث دردکشان تهران نشر  
 ز. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۸۲ ص. ۱۰۰۰ ریال.  
 کتاب حاضر شامل دو داستان بلند است حکایت سلسله سب کمانان و  
 نه به حوالت عناوی دو کتاب علی این بویسده است  
 ۲۰۵) چهل تن، امیرحسین. تالار آینه. تهران به نگار ۱۳۶۹ [توزیع  
 ۳۳۲ ص. ۱۴۰۰ ریال.  
 تاکنون از این بویسده مجموعه داستان صیبه (۱۳۵۵) و دحیل بر سحره  
 د (۱۳۵۷) منتشر شده است  
 ۲۰۶) سرآمد، فرخ. شیفته بی جا. ناشر بویسده بی تا ۱۲۵ ص ۵۵۰  
 ل.  
 ۲۰۷) ساری، فرشته. مرورید خاتون بی جا، بی تا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰].  
 ۲ ص. ۱۶۰۰ ریال.  
 ۲۰۸) شاهانی، خسرو. گنج باد آورد (مجموعه داستان) تهران  
 شارارت تهران. ۱۳۶۹. ۲۰۲ ص. ۱۱۰۰ ریال  
 ۲۰۹) شریف، محسن. فصلهای تکراری شیراز نوشتار ۱۳۶۹ ۹۷  
 ۵۰۰ ریال.  
 ۲۱۰) صالحی ارام، محمد شکل دگر حدیدن (دفتری در شعر طنز)  
 ان. کوبه. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۷۱ ص. مصور ۷۰۰ ریال  
 ۲۱۱) صغیری، ایرج حالوبکیسا، سات العشر و یوزبلیگ تهران  
 وش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۶۱ ص. ۶۰۰ ریال  
 ۲۱۲) عقایی، کسری افسانه کولی ها (سه فیلم نامه کوتاه) تهران  
 شارارت چشم و چراغ ۱۳۶۸ ۴۶ ص. ۴۰۰ ریال  
 ۲۱۳) قریب، مهدی (به کوشش) داستانهای کوتاه ایران و جهان (۲)  
 ۲ ص. تهران توس ۱۳۶۹ ۱۳۰۰ ریال  
 کتاب حاضر مجموعه ای است از چند داستان کوتاه ایرانی و خارجی  
 سیدگان این مجموعه عبارتند از: برگ غلوی (احود ریدگی نامه)، اصغر  
 ی، فرشته مولوی، سهیلا حازه دار، هرمر ریاحی، کستاننن بانوسفسکی،  
 سب همیگوی، دیو بو ترانی، حورچه لوییس بورحس و دیگران حلد  
 سب این مجموعه را همین باسر مسر کرده است  
 ۲۱۴) کیری، آریا اگر ماه بالا بیاید تهران نجوا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]  
 ۲ ص. ۱۱۰۰ ریال  
 ۲۱۵) کریمی، ایرج مداد قدیمی [فیلمنامه] تهران نشر نجوا ۱۳۶۹  
 زیع ۷۰. ۶۲ ص. ۵۰۰ ریال  
 براساس این فیلمنامه فیلمی به نام سفر حادثی به کارگردانی ابوالحسن  
 ودی ساخته شده است  
 ۲۱۶) کریمی، محمد آقای مسترفاکس [تهران] بی تا ۱۳۶۹ ۲۲۳  
 ۱۰۵۰ ریال  
 ۲۱۷) محمود، احمد قصه آشنا تهران انتشارات نگاه ۱۳۷۰ ۱۱۱  
 ۷۰۰ ریال.  
 این مجموعه، که مرکب از ۶ داستان کوتاه است، دومین کتاب احمد محمود  
 سالهای اخیر است دیدار (تهران، نشر بو، ۱۳۶۹) عنوان کتاب دیگر  
 ست.  
 ۲۱۸) مدرس صادقی، جعفر دوازده داستان. تهران. نشر مرکز ۱۳۶۹  
 زیع ۷۰. ۲۵۳ ص. ۱۴۰۰ ریال.  
 کتاب حاضر مجموعه ۱۲ داستان کوتاه است که در فاصله سالهای ۱۳۵۴  
 ۱۳۶۷ نوشته شده است. مالون مهتا (اسیرک، ۱۳۶۸) و ماکحاناد (مهره،  
 ۱۳۶۷) از دیگر آثار این بویسده است  
 ۲۱۹) مؤمنی، حمیدرضا. میهمانی در غربت بی جا ناشر. مؤلف.

۱۳۷۰. ۲۵۶ ص. ۲۳۰۰ ریال.

۲۲۰) مهرجوی، داریوش پستیچی [فیلمنامه]. تهران. نجوا. ۱۳۶۹  
 [توزیع ۷۰]. ۵۳ ص. ۵۰۰ ریال.

این فیلمنامه با الهام از نمایشنامه ویتسک اثر گئورگ بوختر نوشته شده  
 است داریوش مهرجویی از روی این فیلمنامه در سال ۱۳۵۱ فیلم پستیچی را  
 صاحب نمایشنامه اصلی بوختر را سعید حمیدیان ترجمه کرده و سالها پیش  
 منتشر شده است

۲۲۱) میانداوی، ی. خانه سفید تهران. سازمان چاپ و انتشارات  
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۱۰۰۰ نسخه ۱۹  
 ص. ۳۰۰ ریال.

ی میانداوی اسم مستعار یعقوب آرنگ است که بیشتر آثارش در رسته  
 تاریخ است

## ● درباره ادبیات خارجی

۲۲۲) آلن، ماری فرانسواز مردی دیگر (مضاحیه با گراهام گرین)  
 ترجمه فرانیه طاهری. تهران. نیلوفر ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۷۵ ص ۹۵۰  
 ریال

کتاب حاضر مضاحیه مفصلی است درباره ریدگی، اعتقادات سیاسی و  
 مذهبی و انار و ارای ادبی گراهام گرین. بویسده بر اواده انگلیسی، که در سال  
 ۱۹۷۹ صورت گرفته است. مضاحیه گر به مدد اسبابی کامل با آثار گرین  
 توانسته این بویسده را که معمولاً از افسای درویناتس طفره می رفته به گفتگو  
 نکساند لازم به تذکر است که گرین حدی بیس در سن ۸۷ سالگی درگذشت

۲۲۳) الفاخوری، حنا تاریخ ادبیات رمان عربی ترجمه عبدالحمید  
 آیتی تهران انتشارات توس ۱۳۶۸ ج ۲ ۸۳۹ ص فهرست اعلام ۵۳۰۰  
 ریال.

بویسده سراسر تاریخ ادبیات عربیه را به ۶ دوره تقسیم کرده است عصر  
 جاهلی، عصر حلفای راشدین و اموی، عصر عباسی در سری، عصر عباسی -  
 عرب، عصر معول و ترک و عصر بهصب وی در هر دوره به عواملی حو  
 بدنامدن سسکهای حدید نظم و سر، حوادث و افعالات اجتماعی و تأثیر این  
 مسائل بر ادبیات پرداخته است از ویرگیهای کار این مؤلف درهم آمیختن تاریخ  
 با تحلیل و نقد مطالب است کتاب حاضر کتاب برگزیده سال ۱۳۶۳ بوده  
 است

۲۲۴) دی جووانی، بورمن توماس (و) دابیل هالپن (و) فرانک مک شس  
 (ویراستاران). گفت و شنودی با بورخس. ترجمه علی درویش. مشهد نشر  
 سیما ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۶۰ ص. ۱۰۰۰ ریال.

حورچه لوئیس بورخس خود درباره برخی از سمرها و داستانهایش در این  
 کتاب توضیحات مفصل داده است

۲۲۵) بیکلسون، ریولدالین تاریخ ادبیات عرب. ترجمه کیواندخت  
 کیوانی حواشی و توضیحات از ضیاءالدین سجادی تهران انتشارات  
 رایزن. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] هفده + ۱۷۹ ص فهرست اعلام. ۹۰۰ ریال

کتاب حاضر شرح موخری است از فابیل و طویف قدیم سرزمین عربستان  
 و اهمیت و وضع سمر در برد این مردم این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۰۷ به  
 عنوان کتابی دوسی در انگلستان اسرار یافته است کسب المحبوب  
 هجویری، تذکره الاولیاء عطار، اللمع فی التصوف ابونصر سراج طوسی و  
 بالاحره منبوی مولوی از جمله آثاری است که بیکلسون ترجمه و تصحیح  
 کرده است.

۲۲۶) نوای، داوود. تراژدی در ادبیات فرانسه (قرون ۱۷ و ۱۸  
 تهران. شرکت به نشر (آستان قدس رضوی). ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] نشر  
 ۱۲۶ ص. واژه نامه. فهرست اعلام

هدف از این تحقیق بررسی رسته تاریخی ظهور نمایشنامه سک شو کلاسیک  
 و علل روی آوردن نمایشنامه نویسان قرن ۱۷ و ۱۸ به این سک است تاریخچه  
 ترجمه فرانسه به فارسی در ایران از آغاز تاکنون (ناشر: مؤلف، ۱۳۶۳)  
 دیگر آثار مؤلف کتاب حاضر است



## شعر خارجی

- (۲۲۷) اونگارتی، جوزبه. شعر و زندگی اونگارتی. ترجمه محمود کخت. [تهران]. انتشارات بهینه. ۱۳۷۰. ۷۰ ص. ۴۰۰ ریال.
- کتاب حاضر شامل ترجمه ۲۰ شعر از اشعار شاعر ایتالیایی (متولد ۱۸۸۸) است. این مجموعه نخستین مجموعه مستقلی است که از اشعار اونگارتی به سی ترجمه و منتشر شده است.
- (۲۲۸) حمیل، جواد. سانسور شده‌ها. ترجمه صوبیر امامی. تهران حوزه ی سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۰. ۱۸۴ ص. ۵۵۰ ریال.
- مجموعه‌ای است از اشعار یک شاعر عراقی.
- (۲۲۹) صالحی، سیدعلی. ترانه‌های ملکوت (بازسازی چهار دفتر از اب مقدس - عهد عتیق). تهران نشر نقره. ۱۳۶۹. ۱۹۳ ص. ۱۱۰۰ ریال.
- در این کتاب «سرود حمامه سر داود»، «عزل غزل‌های سلیمان»، «مرامی مای سی»، و «مکاسفات یوحنا» از کتاب عهد عتیق به رباعی ساعره سرایی شده‌اند.
- (۲۳۰) بوری‌زاده، احمد (تدوین و ترجمه). صدسال شعرارمنی (ار او احر ی بوردهم تا اواخر قرن بیستم). تهران نشر چشمه. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۷۰۰۰ ریال].
- کتاب حاضر مجموعه‌ای است از آثار برجسته‌ترین و سرساز ترین عران صدسال گذشته ادبیات ارمنی، همراه با شرح احوال مختصری درباره ساعر
- (۲۳۱) هوت، آر پی. شسته برآب (گریده اشعار از «وردروث» با ران معاصر). ترجمه محمود اشرفی تهران ارغنون. ۱۳۷۰. ۱۴۶ ص. ۸۰ ریال.
- این کتاب شامل اشعاری از ۱۴ ساعر انگلیسی از اواخر قرن ۱۸ تا دوران بی است وردروث، ویلیام بلیک، جان کیتس، تیسون، هانکیر، توماس دی، فراست و رابرت گریور از جمله ساعران این مجموعه‌اند.

## داستان، نمایشنامه، فیلمنامه خارجی

- (۲۳۲) [اېدایک (و) راث (و) مالامود] احموها اول. ترجمه علی صومی (و) کیوان نریمانی شیراز نوشتار. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۱۷۶].
- کتاب حاضر شامل شرح حال و آثار سه نویسنده انگلیسی رمان (جان ا. ا. فیلپ راب و برنارد مالامود) همراه با داستان کوتاهی از هر یک از آنان است. مقاله‌ای نیز تحت عنوان «داوری ریایی ساختی» از بورمن هورستر، بعد امریکایی، در ابتدای کتاب آمده است.
- (۲۳۳) آیتما توف، چنگیز، برده مهاجر ترجمه محمد مجلسی تهران. نشر یای نو. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۲۱۰]. ۹۵۰ ریال.
- «برده مهاجر»، «رو در رو» و «سپیدار کوخک من» عنوان داستانهای ناهی است که از این نویسنده قریبری شوروی در مجموعه حاضر آمده است.
- (۲۳۴) بابایوا، علویه کجایی دوست، کجا؟ ترجمه محمدعلی فرانیه ران بشر منظومه. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۴۹۵]. ۲۸۵۰ ریال.
- ظاهراً نخستین کتاب مستقلی است که از این نویسنده آذربایجان شوروی تولد (۱۹۲۱) به فارسی ترجمه شده است.
- (۲۳۵) بدیه، ژوزف. ترستان و ایزوت ترجمه پرویز ناتل خالری تهران نشرات معین. ۱۳۷۰. ج ۲. ۲۴۰ ص. ۱۱۰۰ ریال.
- (۲۳۶) بل، هاینریش (و) دیگران. خوش‌خنده و... ترجمه اسدالله امرانی ران نشر نجوا. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۱۱۶]. ۶۵۰ ریال.
- سامونل سلون، لوتیرا ولرونلا، شرلی حکس، روزه آمادو و اسلاویر. روزک از جمله نویسندگان ۱۴ داستان کوتاه این مجموعه هستند.
- (۲۳۷) پوشکین، الکساندر، تیرانداز. ترجمه ضیاء الله فروشانی. تهران ساطیر. ۱۳۸ ص. ۵۵۰ ریال.

- (۲۳۸) تایلور، ا. آنایلا. ترجمه شیوا رویگریان. تهران اشکان. ۱۳۶۹. [توزج ۱۷۰ ص. ۳۲۶]. ۱۳۰۰ ریال.
- (۲۳۹) بولستوی، آلکسی پتراول. ترجمه احمد نوری‌زاده. تهران. نشر چشمه (و) انتشارات نگاه (مراکز بخش). ۱۳۶۹ [توزج ۱۷۰ ص. ۱۴۳۶]. ۶۰۰۰ ریال.
- جلد اول این کتاب سه جلدی بحسین بار در سال ۱۹۷۷ به ترجمه محمد هرمان (مسکو، نشریات پروگرس) در ۵۳۳ صفحه منتشر شد و ظاهراً دیگر ادامه نیافت. ظاهراً کتاب حاضر شامل تمام متن این داستان است. از این نویسنده آثاری چون بارگس به من، کودکی بیکینا و گذر از ریحها به فارسی ترجمه شده است.
- (۲۴۰) دی، داگلاس ال لوبو «سفر گرگ». ترجمه فریدون مجلسی. [تهران] نشر رسانه. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۱۹۳]. ۱۰۰۰ ریال.
- (۲۴۱) کروین، ای حی یادداشت‌های دکتر فیلی (مجموعه داستانهای کوتاه). ترجمه فریدون مجلسی. تهران نشر رسانه. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۲۲۴]. ۱۲۰۰ ریال.
- مجموعه چند داستان کوتاه از نویسنده معاصر انگلیسی (۱۸۹۶-۱۹۸۱) است. از این نویسنده رمان در نیز به ترجمه همین مترجم چاپ شده است (انتشارات رازی. ۱۳۶۴).
- (۲۴۲) کورتارار، جولیه دروازه‌های بهشت ترجمه بهمن شاکری. شیراز نشر شیوا. ۱۳۷۰. ۱۵۲ ص. ۸۵۰ ریال.
- کتاب حاضر مجموعه ۱۰ داستان کوتاه از نویسنده معاصر امریکای لاتین است.
- (۲۴۳) کوریتسوف، آناتولی واسیلیویچ ناییار (یک سند تاریخی در قالب داستان). ترجمه فیروز فیروزی [تهران] انتشارات یکان (شرکت اندیشه). ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۶۲۸]. ۲۶۰۰ ریال.
- کتاب حاضر بحسین بار در شوروی و تحت سانسور به چاپ رسید و لافاضه به حدیث رمان ترجمه شد پس از ساهنده شدن نویسنده آن به انگلستان. در سال ۱۹۶۹ بحسین حاب کامل و بدون سانسور این کتاب منتشر شده بود. و همچنین بحسین را که بعدها به کتاب اهروده بود مسخص ساخته که غیبا در ترجمه فارسی نیز منعکس شده است.
- (۲۴۴) گرین، گراهام سانه گریان ترجمه پرویز داریوش تهران اساطیر. ۱۳۷۰. ۴۶۰ ص (چاپ اول این کتاب را سالها پیش کتابهای حبیبی منتشر کرده بود).
- (۲۴۵) گوگول، نیکلای مردگان زنده (مردگان مرده). ترجمه فریدون مجلسی تهران رسانه. ۱۳۷۰. ۳۵۷ ص. ۱۷۰۰ ریال.
- (۲۴۶) لونیس، سی اس نامه‌های اسکرونیپ (نامه‌های یک شیطان عالی مقام به شیطان دوم پایه). ترجمه شهریار روحانی تهران نشر اشراقیه. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۱۴۱]. ۶۰۰ ریال.
- (۲۴۷) مارکر، گابریل گارسیا ژیرال در هزارتوی خود ترجمه هوشگ اسدی ویراسته محمدتقی فرامرزی تهران کتاب مهاف. ۱۳۶۹ [توزج ۱۷۰ ص. ۲۳۷]. ۸۰۰ ریال.
- (۲۴۸) سی‌بل، و س آقای استون و شهسواران ملازم ترجمه علی معصومی شیراز نوشتار. ۱۳۷۰ [۲۲۱ ص.].
- (۲۴۹) والتاری، میکا سیبوچه (متن کامل). ترجمه احمد بهپور. تهران. نشر رضا. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۶۴۲]. ۶۵۰۰ ریال.
- سومین ترجمه‌ای است که از کتاب این نویسنده فنلاندی (متولد ۱۹۰۸) صورت گرفته است. مترجم کتاب را از روی متن آلمانی این ترجمه کرده است.
- (۲۵۰) همیگویی، ارنست. در زمان ما. ترجمه شاهین نازیل. تهران. نشر آهنگ. ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰ ص. ۱۸۲]. ۱۰۰۰ ریال.
- علاوه بر ۱۴ داستان کوتاه از همیگویی ترجمه سه مطلب کوتاه از آلن تیب، دی اچ لارس و اف اسکات فیرر حواله میر درباره همیگویی در ابتدای کتاب آمده است.

### ● ایران

(۲۵۱) انصاری، مهدی. شیخ فضل الله نوری و مشروطیت (رویارویی دو اندیشه) تهران. امیرکبیر. ۱۳۶۹. ۲۹۱ ص. مصور نمونه سند. فهرست راهنما. ۱۶۰۰ ریال.

(۲۵۲) مُرسلوند، حسن. شاه شکار (بازجوییهای میرزارضا کرمانی و سایرین). تبریز جوانه. ۱۳۷۰. ۱۳۲ + ۳۷ ص نمونه سند

(۲۵۳) ابن قوطیه، ابوبکر محمدبن عمر. تاریخ فتح اندلس ترجمه حمیدرضا شیخی به تصحیح ابراهیم ابیاری [مشهد] استان قدس رضوی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۵۰ ص فهرست اعلام ۶۲۰ ریال

اس قوطیه (متوفی ۲۶۸هـ / ۹۷۷م) مورخ، محدث، فقیه و شاعر اندلسی، که خود از معاصران امویان اندلس بوده، در این کتاب به رویدادهای تاریخی اندلس از آغاز گسایش آن توسط مسلمانان تا مرگ امیر عبدالله اموی به سال ۳۰۰ ق پرداخته است. طاهرأ بویسده کتاب علی رعم تصاص دینی، تحت تأثیر برخی گرایشات ملی گرایانه اسپانیایی بیر بوده است. برحمة حاضر از روی متن عربی (۱۹۸۲) صورت گرفته.

(۲۵۴) پرتو، افشین (و) علیرضا کشوردوست. ستیزگاه باورهای دیروز و امروز (تاریخ حاورمیان به پیش از پدیدآیی اسلام). تهران انتشارات پازنگ. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۴۵۴ ص نقشه جدول ۲۲۵۰ ریال

مطور بویسده از حاورمیان سرزمینهای میان کوههای راگرس و دریای مدیترانه از حاور و ناحتر و دریای سیاه و کرانه های جنوبی سه حریره غرستان از شمال و جنوب است. او تاریخ این منطقه را با استفاده از متونی چون کتاب مقدس و هرا و همچنین بحفصات باستاناساسی از توفان بوح آغاز کرده و با گذستی از مرراسطوره و غور به حیطه تاریخ، تحقیق خود را تا دوره پیش از ظهور اسلام ادامه داده است. شرح دیها و اینهای فرهنگی هر دوره، ظهور و سقوط امپراتوریهای گوناگون، مسحص ساختن حمرایای سیاسی این منطقه در ادوار گوناگون و توصف حنگها و تعمیرات حکومتی در این منطقه از حمله مطالب کتاب حاضر است.

(۲۵۵) واند، راره. افسانه باثوراییسم ترجمه محمدرضا زرگر به مقدمه کاوه بیات تهران انتشارات بیش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۲۳ ص فهرست اعلام. ۱۲۵۰ ریال.

بویسده س از بررسی ریشه های باثوراییسم (با به عبارتی همان بانترکیسم)، سیر تحول باثوراییسم را در ترکیه از اواسط قرن ۱۹ تا حگ جهانی اول و اندکی س از آن بررسی کرده و درباره آیدنولوری و عملکرد سیاسی آن بحث کرده است. این کتاب در سال ۱۹۲۶ به رسته تحریر درآمده و ترجمه حاضر از روی متن ترجمه سده هراسه آن (۱۹۸۹) صورت گرفته است. مقدمه کاوه بیات حاوی توضیحی درباره باثوراییسم و بیر تأثیرات آن در ایران در دوران حگ اول جهانی است.

### زندگینامه، خاطرات و سفرنامه

(۲۵۶) اسلامی بدوشن، محمدعلی رورها (سرگذشت) ح ۲. تهران انتشارات یزدان. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۵۷ ص ۱۴۵۰ ریال

این محلد شامل خاطرات دکتر اسلامی بدوشن از سهریور ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۳ است. مرحوم دکتر علامحسین یوسفی بر حلد اول این کتاب مدی نوشته است (رک. نشر دانش. شماره فروردین و اردیبهست ۱۳۶۵)

(۲۵۷) امیر علانی، شمس الدین. چند خاطره سیاسی. تهران. شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۰. ۴۹۲ ص مصور. نمونه سند. ۳۵۰۰ ریال.

بویسده کتاب از همکاران دکتر محمد مصدق بوده است. او در کابینه اول مصدق سمت وزیر اقتصاد ملی را داشت و محسین کسی بود که به عنوان نماینده فوق العاده دولت برای نظارت بر احرای ملی شدن نفت، راهی

خوستان گردید. دکتر امیر علایی همچین برای مدب کوتاهی س از اعلام محسین سهر جمهوری اسلامی ایران در هراسه بوده است. کتاب حاضر شرح خاطرات سیاسی مؤلف از فعالیتهايس در دوره مصدق و جمهوری اسلامی ایران است.

(۲۵۸) [ناصرالدین شاه]. خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوه فرنگستان. به کوشش محمداسماعیل رضوانی (و) فاطمه قاضیها ح ۱ تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۵۱۱ ص. نمونه سند. فهرست اعلام ۴۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر محسین محلد از مجموعه ای سه حلدی است که به خاطر ان ناصرالدین شاه از سومی سهر وی به اروا اختصاص دارد. سفر سوه ناصرالدین شاه در تاریخ ۱۲ سعبان ۱۳۰۶ هـ ق آغاز سد، کتاب حاضر شامل خاطرات وی تا ۲۳ سوال ۱۳۰۶ است.

(۲۵۹) یلتسین، یوریس. بیراهه. ترجمه حسن تقی زاده میلایی تهران انتشارات هدایت ۱۳۶۹ ۳۰۱ ص ۱۳۰۰ ریال

این کتاب شامل خاطرات یوریس یلتسین، مرگترین رفیب سیاسی گورباخف است. یلتسین در رمان انتشار این کتاب رئیس هدراسیون روسه سوروی بود و هبور به عنوان رئیس جمهور این جمهوری اسباب سده بود. کتاب حاضر از روی ترجمه انگلیسی آن (۱۹۹۰) به فارسی برگردانده سده است.

### جغرافیا

(۲۶۰) اطلس بررگ جهان تهران سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۷۹ ص. مصور نقشه جدول

(۲۶۱) حسینی ابری، سیدحسن شاگرد (گذری بر جهات محرومب منطقه) اصفهان. انتشارات دانشگاه اصفهان ۱۳۶۹ ۱۴۷ ص ۵۵۰ ریال

این کتاب گزارشی است از منطقه ای محروم و جدا افتاده در استان هرمرگان، در شمال سهری سهرستان میبات و مسرف به دریای عمان (۲۶۲) سیفی فمی نفرشی، مرتضی. تهران در آیین زمان. تهران اقبال ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۷۱ ص مصور فهرست اعلام ۱۸۰۰ ریال.

### جزوات و تئنگاریها

(۲۶۳) دایره بررسیهای ارتباطی بانک صادرات ایران. تبلیغات تهران اداره روابط عمومی بانک صادرات ایران. [۱۳۷۰]. ۵۰ ص جدول

«تاریححه تبلیغات»، «تبلیغات حیست»، «اسکال محتلف تبلیغات» «وسایل تبلیغاتی»، «تطیم بودحه و ارزیابی اثر تبلیغات»، «سازمانده تبلیغاتی»، عنوان فصلهای این کتاب است.

(۲۶۴) دانشگاه آزاد اسلامی پاسخ می دهد! [تهران]. روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی. ۱۳۷۰. ۱۳۲ ص. ۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل ۱۰ گزارش انتقادی وورنامه کیهان درباره دانشگاه آزاد اسلامی (سماره های آبان و دی ۱۳۶۹) و ناسحهای دانشگاه آزاد به ان گزارشهاست.

## نشریه‌های علمی و فرهنگی

- **آینه اقتصاد**. شماره ۹. اردیبهشت ۱۳۷۰  
«آثار کاهش برابری ارزش پول»، «دارائیهای ایران برد بانکهای خارج»، «برج شاور اور و کاهش قیمت ارز در بازار آزاد»  
● حضور. شماره ۱. خرداد ۱۳۷۰  
«نامه منتشر شده حضرت امام به فرزند گرامیشان»، «جنگ نفت، پیامدها و عبرتها»، «هدف ادبیات و هنر»
- **حوزه** (ویژه حوزه‌های علوم دینی). شماره ۴۱. آذر و دی ۱۳۶۹  
«مباحثه با حجه الاسلام والمسلمین واعظ راده حراسانی»، «وصیت نامه فقیه و عارف وارسته، نانو امین اصفهانی»
- **خیابانکی** (نشریه سه ماهه اتحادیه نویسندگان افغانستان آزاد) سال ۵ شماره ۲. ۱۳۶۹  
«تأثیر دین مبین اسلام و عیبات بر انحطاطات روحی در افغانستان»  
«ریالیرم در گستره شعر امروز»
- **دانش و فن**. شماره ۵۱. اردیبهشت ۱۳۷۰  
«اول آرمیس بعد عروسی [در باره بیماری اربی کم حوی کولیر در کودکان]»، «سهراب سهری به روایت احمد رضا احمدی»، «مباحثه با عبدالعزیز طهوری، ناصر آثار سهری»
- **رسانه** (فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی). سال ۱ شماره ۴. زمستان ۱۳۶۹  
«کنترل افکار عمومی»، «بررسی دیوار پوسته‌های دوران انقلاب»، «نفس رادیو در توسعه»
- **رشد آموزش جغرافیا** سال ۶ زمستان ۱۳۶۹  
«نگاهی کوتاه به روستا و مکانیزم تحول آن در ایران»، «جغرافیای دریاچه ارومیه»، «معرفی شهر قدیمی بم (قلعه قدیمی شهر بم به اضمحلال ارگ آن)»
- **سنگ** (فصلنامه سنگهای تزئینی ایران) ش ۱. ۱۳۷۰  
«روشن فلاندی روش نوین استخراج سنگ ساختمانی»، «اساسی با سنگهای بریسی»، «انرژی‌های باران اسیدی روی سازه‌های سنگی تاریخی»
- **سیمرغ**. سال ۱. شماره ۹-۷. مرداد و آبان ۱۳۶۹  
این شماره سیمرغ ویژه‌نامه فرهنگ و ادب در جمهوریهای ناحیکستان و ارمنستان است «مفهوم نوین آراءهای سیاسی و اجتماعی در پوسته‌های نازیسی آسیای میانه»، «سجی درباره صدرالدین عینی»، «داستان سعدی مرورید سب»
- **صنعت حمل و نقل** شماره ۹۷. اردیبهشت ۱۳۷۰  
«احاره هواپیما از خارج تنها راه حل مشکل آسمان»، «برحهای رفاهتی سامان عمران کیس برای بدیرس»، «حرم عمدی خدمت کشتی، مسئولیت مالک، تعهد بیمه‌گر»
- **عکس** شماره ۲ و ۳. سال ۵. اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۰  
«در سوگ سردیر»، «عکاسان بزرگ دنیا»، «اولین عکاس در خاورمیانه»
- **علوم تربیتی** (دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران). سال ۱۳. شماره ۱-۴. ۱۳۶۹  
«درآمدی به نفس هویت فرهنگی در نظام جدید آموزشی»، «خودآگاهی تاریخی سبب به وحدت و اشفاق»، «درآمدی به انقیاد فرهنگی در روانشناسی معاصر»
- **فصلنامه تحقیقات جغرافیائی** (گروه جغرافیای بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی) سال ۵ شماره ۴. زمستان ۱۳۶۹  
«سیبیه‌های متفاوت دآمداری سسی در حوضه کار ده»، «وضع نفت ایران در جنگ دوم جهانی»، «سطح آب دریای مازندران»
- **فصلنامه تعلیم و تربیت** (نشریه علمی کاربردی مرکز تحقیقات آموزشی-سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش). سال ۶ شماره ۲ و ۳. ۱۳۶۹  
«نابگری تجربه برنامه‌ریزی توسعه آموزش و پرورش در ایران (۱۳۲۸-۶۸)»، «بیسرف تحصیلی افتراهی اردیدگاه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، «برنامه انتخاب بهترین مقالات سال ۱۳۶۷»
- **کتاب صبح** شماره ۱۱. فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰  
«مقدمه‌ای بر نظریه‌های رمان»، «سیمه‌ها، هنر یا صنعت»، «سخرانی کریستالوف در کنگره فوئ العاده نویسندگان دو آلمان»
- **ماهنامه آبریا** شماره ۷. خرداد. ۱۳۷۰  
«بردرس ماهی در فیس»، «آریان در متون کهن فارسی»، «دهی فصولات هسته‌ای در ستر ایانوسها»
- **مجله ریاضی** (دانشجویان دانشکده علوم ریاضی دانشگاه صنعتی شریف) شماره ۲. پاییز ۱۳۶۹  
«مضامین نقطه ناب»، «حلقه و مدول کسرها»، «مباحثی در آنالیز ترکیبی»، «معدلاتی در بولوزی دیفراسیل»، «دیدار با دکتر سیانوش شهشاهی»
- **میراث فرهنگی** سال ۱ شماره ۲. زمستان ۱۳۶۹  
«باستان‌شناسی در سحاه سالی نه گدسب»، «دنیای لرله بر بلندای گلدسته‌های هروی»، «معد تاریخی اناهیئا»، «۵ هزار سال تاریخ در موره گرگان»
- **نامه فرهنگ** سال ۱ شماره ۲. زمستان ۱۳۶۹  
«سادل باارار در فرهنگ کنونی جهان»، «نقش فرهنگ در توسعه بین‌المللی»
- **نامه فیلمخانه ملی ایران** سال ۲ شماره ۱. پاییز ۱۳۶۹  
«سیمای امریکای لاتین»، «حایگاه دن در سیمای بعد از انقلاب»، «گفتگو با فرهاد مهرالدینی»

### مجله باستان‌شناسی و تاریخ

#### نشریه مرکز نشر دانشگاهی

شماره پیاپی ۸ و ۹، اسفند ۱۳۶۹، با مطالب زیر منتشر شد

- **طریقت، شریعت و سلطنت**. پایه‌های آغازین حکومت صفویان دکتر رضا شعبانی
- **نیروی دریایی نادرشاه** لارس لاکهارت / ترجمه غلامحسین میراصالح
- **سجی درباره تصحیح فوائد الصغویه** ع بهراموند

- **تأملی در علل جابه‌جایی استقرارهای پیش از تاریخ در حاشیه کویر** در فلات مرکزی ایران دکتر صادق مللشهرزادی
- **حام ارجان** دکتر یوسف مجیدزاده
- **تأملی در دو تاریخ قدیم اصفهان** دکتر علی‌اشرف صادقی

# در ایران، در جهان

## سمینار زبان فارسی، زبان علم

کرشنرداشگاهی تاکنون چهار سمینار علمی دربارهٔ زبان فارسی و مشکلات آن برگزار کرده است. این چهار، دو سمینار به رسی مسائل زبان فارسی به عنوان زبان علم اختصاص یافته است. میار اول از ۱۱ تا ۱۴ شهریور ۱۳۶۳ برگزار شد و سخنرانیهایی که در ایراد شد به صورت مجموعه‌ای با عنوان زبان فارسی، زبان علم نشر شده است. سمینار دوم امسال از ۲۸ تا ۳۰ اردیبهشت در تالار لامه امینی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد. در این سمینار نیز از بیست و پنج سخنرانی ایراد شد که موضوعاتی چون واژه‌سازی و ازه‌گیری، زبان علمی فارسی در رشته‌های خاص (رواساسی، سکی)، زبان فارسی در رسانه‌های همگانی، زبان علمی فارسی در یط‌صنعت و نیز مسائل زبان علمی فارسی در تاجیکستان را شامل می‌شد. مهندس علی کافی (دبیر سمینار) قبل از مراسم افتتاح سمینار سخا به سانه امر و حکوگی سداس سورای نظارب و واژه‌گیری در کرشنرداشگاهی، دلایل ضرورت تشکیل سمینار را بر سمد آنگاه تر بصرالله پورحوادی به احتصار به توضیح علت وجودی مرکز برداشگاهی، سیوه کار آن و علت تشکیل سمینار برداحت و گفت، اصلی مرکز برداشگاهی بیان مطالب علمی به زبان فارسی است. مؤلفان، مترجمان و ویراستاران در ضمن کار با مشکلاتی روبه‌رو شوند که مطرح کردن آنها به منظور کوسس برای دسسانی به حللای مناسب ضرورت دارد. سن از آن آفای دکر کاردان عضو مورای واژه‌گیری، مرکز برداشگاهی سانه کار این سورا و سیوه مل ان را بوضیح داد.

سمینار امسال سبب به سمینار اول «زبان فارسی به عنوان زبان م» چند امینار داسب بحسب آنکه مسأله واژه‌گیری و واژه‌سازی گر مسأله اصلی سمینار بود بلکه در کنار آن به مسائل کلیر و مهمر هم حه شده بود. حتی در رمنه واژه‌گیری بحث در درسی و نادرسی ناط خاص بحث السعاع بحلای کلیر فرار داسب و ملا در رور دوم فراس دو رباسناس- دکر محمدرضا ماطی و دکر علی اسرف بادهی- در سخنرانیهای خود دو نظر متفاوت دربارهٔ مصادر و افعال علی (یا اسمی) و بیار به آنها در زبان علمی فارسی اظهار کردند. چیر تاره دیگری که در این سمینار حس می‌شد آگاهی سخنرانان به ن نکته بود که مسأله زبان علمی فارسی به ربانی که در کتابهای درسی نشگاهی به کار می‌رود محدود نمی‌شود. امروزه زبان فارسی به عنوان میله‌ای برای مبادلّه اطلاعات علمی و تحصصی و فی در سطوح فتلف به کار می‌رود، و برخی از سخنرانان از این دیدگاه به مسأله زبان لمی فارسی برداحته بودند. خصوصیات کلی زبان علمی و تفاوتهای مدّه آن با زبان معمولی، موضوع سخنرانی دکتر علی محمدحی ساس د که در رور اول سمینار ایراد شد و مهندس محید ملکان در سخنرانی ود به «مشکلات زبان فارسی به عنوان زبان علم» برداحت با گسترش سانه‌های همگانی بسیاری از مردم اطلاعات علمی را از محاری

آموزش غیر رسمی، و از جمله از رسانه‌های همگانی دریافت می‌دارند. توفیق حیدر راده در سخنرانی خود، که «نفس رسانه‌های همگانی در ترویج زبان علم» نام داشت به این مسأله و مشکلات آن برداحته بود و حسین داسفر «زبان علمی کتابهای درسی علوم تجربی مدارس» را بررسی کرده بود. مهندس سهریار بهرامی اقدم در سخنرانی خود با عنوان «زبان فارسی و راههای گسترش آن» به مسأله‌ای برداحته بود که کمتر به آن توجه شده است. زبان فارسی به صورتی که در محیط صعب به کار می‌رود و ساروکارهای واژه‌سازی در این زبان

مسائل ربانی علوم مختلف موضوع دسته‌گیری از سخنرانیها بود. دو سخنران به موضوع سخنرانی خود از دید تاریخی نگاه کرده بودند، دکتر رضا صادقی که در سخنرانی خود بحول زبان بر سکی را از قدیم تا کون بررسی کرده بود (و متأسفانه سخنرانیس ناتمام ماند) و دکتر نفی براهی که به «زبان فارسی در گستره علم رواساسی» برداحته بود. در رمنه واژه‌گیری و واژه‌سازی احتلاف قدیمی همجان با رجا بود برخی از سخنرانان از نادرسی باره‌ای از واژه‌ها و ترکیبهای بوساحه سخن گفتند، و هر حد این افتادها در حای خود در سب است، اما مشکل این است که این گروه اردور دسستی بر آتس دارند. این نکته‌ای است که دکتر رضا مقصوری بر سب سورای واژه‌گیری مرکز برداشگاهی در میرگردی که در جلسه نایبی سمینار تشکیل شد یادآوری کرد. به گفته او آهیک افراس بعداد واژه‌های علمی ۲۵۰ هزار اصطلاح در سال است، و این رقم اهمیت مشکلی را که بر سر راه اهل علم و داسحویان رشته‌های علوم بحری و فی وجود دارد، سان می‌دهد.

کسانی که با اصل واژه‌سازی و وضع اصطلاحات حدید به زبان فارسی مخالف می‌ورید، با ملاکهایی که برای این کار در نظر می‌گیرند حجان سختگیرانه است که بها به ساحه سدن معدودی واژه حدید محر می‌شود، در واقع حواری برای ورود سیل واژه‌های سگانه به زبان فارسی صادر می‌کند، و با اهمیتی که علم و فن در ریدگی امروری دارد با این وضع دبری نمی‌گذرد که حر حروف و افعال ساده و حد واژه متعارف حیری از زبان فارسی بافی نمی‌ماند. این گروه در واقع زبان فارسی را برای سان مطالب علمی حدید صالح نمی‌دانند و به ناتوانی آن حکم می‌دهند، و حتی برخی محاری داند که در کنار زبان فارسی از یک زبان دیگر برای برآوردن بارهای علمی استفاده شود.

با این حال، به این گروه مکر لروم استفاده از دستاوردهای علمی و فی اند و به کسانی که وضع اصطلاحات حدید را لازم می‌داند عبادی با ادب گرا بقدرو زبان ادبی فارسی دارند. برای آنکه این احتلاف نظر به جنگ کادب «ادبا» و «رباساسان» تبدیل نشود، باید تماس هر دودسته با اهل علم و فن سستر نشود تا در حریان مسائل واقعی و خاص فرار گیرند و بحث از صورت تکرار برخی دعاوی کهبه خارج شود.

در سمینار امسال مهمانانی هم از جمهوری تاجیکستان سوروی سربک داستند. این مهمانان که از گوسه دیگری از اقلیم ایران فرهنگی آمده بودند سوق فراوانی سبب به رونق دوباره زبان فارسی در کسور خود نشان می‌دادند، و اردانشمدان ایرانی و مقامات رسمی ایران انتظار همراهی داسسد زبان فارسی (فارسی تاجیکی) اکنون با دیگر زبان رسمی جمهوری تاجیکستان شده است و قرار است که از چند سال دیگر آموزش خط فارسی هم در مدارس رسمیت یابد. زبان تاجیکی کوبی به سدت آمیخته با اصطلاحات روسی و گر هتار کرده برداری از آن

اتحاد جماهیر شوروی نیز شرکت کردند در طی پنج روز بیش از صد سخنرانی و مقاله ایراد گردید که فقط تعداد اندکی از آنها از کیفیت خوب برخوردار بود

**رئیس و اعضای جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی**  
با انتخاب آقای دکتر حسن حبیبی به ریاست فرهنگستان زبان و ادب فارسی فعالیت این نهاد صورت منظم‌تری به خود گرفت این انتخاب در سومین جلسه فرهنگستان که در روز بیست و هفتم خرداد تشکیل شد، انجام گرفت پس از آن جلسات فرهنگستان هر دو هفته یک بار بطور منظم تشکیل شده است در جلسات چهارم و ششم، علاوه بر تصمیمات دیگری که گرفته شد، سح عضو جدید بپیر انتخاب شدند اعضای جدید فرهنگستان عبارتند از دکتر احمد تقصلی (استاد زبانهای فارسی و ایرانی در دانشگاه تهران)، دکتر مهرداد بهار، دکتر بهمن سرکاراتی (استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تبریز)، دکتر علی اسرف صادقی (استاد زبان فارسی در دانشگاه تهران)، احمد سمعی (محقق و نویسنده و مترجم و ویراستار با سابقه و استاد ادبیات فارسی)

### گسترش دامنه زبان و ادبیات فارسی

تدریس زبان و ادبیات فارسی در کشورهای مختلف جهان رو به رونق دارد و ماکون سرفهانی در این زمینه انجام گرفته است

- اخیراً زبان و ادبیات فارسی به صورت یکی از چهار رشته اصلی دانشکده‌های زبان و ادبیات خارجی، مراکز تربیت معلم و شبکه تراسری تلویزیون حسن درآمده است در سال جاری هزاران دانشجو در دانشگاه ایالت لیانویسینگ درس ادبیات فارسی را به عنوان یکی از رشته‌های تحصیلی خود برگزیده‌اند تعداد دانشجویان ادبیات فارسی دانشگاه تلویزیونی در حسن بیس از ۴۰۰ هزار تن برآورد شده است

- اولین دوره کلاسهای زبان فارسی در کالج «المنظر» نابروبی (کسا) با حضور ۴۰ دانشجو آغاز شد

- کلاسهای مسابهی توسط رابربی فرهنگی ایران در بونوس ایرس (آرژانتین) تشکیل شده است

- ۸۱ دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی که در خانه فرهنگ ایران در لاهور امورش دیده بودند، فارغ التحصیل شدند
- در سمینار بارآموزی زبان و ادبیات فارسی در هند که در خانه فرهنگ ایران در دهلی بو برگزار شد، ابرار امیدواری شد که با تشکیل و گسترش کلاسهای زبان موقعیت زبان فارسی که در هند عمری هسقدساله دارد تقویت گردد

- مجموعه‌ای از اسعار فارسی تحت عنوان گلچین شعرای پارسی توسط رافائل کاسیوس اسنس به زبان اسپانیایی ترجمه و چاپ شده است

- مرکز علمی و فرهنگی امام خمینی در دانشگاه حولنا در ننگلادش گناس یاف این مرکز شامل کتابخانه، کتاب فروشی، کلاس درس فارسی، سالن سمعی-تصویری، درمانگاه و تأسیسات دیگر است

زبان است و در حال حاضر مسئله اصلی برادران تاحیک ما وضع یا اقتباس واژه‌های فارسی برای اصطلاحات اداری است که تقریباً به تمامی روسی است. پروفیسور دکتر محمدحاج شکوراف، عضو آکادمی جمهوری تاجیکستان، در سخنرانی خود که عنوانش «بطری به اصطلاحات علمی تاحیکی» بود مشکلات عمده فارسی تاحیکی را برسمرد و دکتر عبدالبی ستارزاده از لروم همگون ساحین اصطلاحات در زبان فارسی (یعنی فارسی ما و فارسی تاحیکی) سخن گفت سخنرانی دو سخنران دیگر تاحیک، حامد دکتر فیروز اماناوا و دکتر سهار کپروف، تخصصی‌تر و ترتیب درباره «نفس بیمود در واره‌سازی» و «مسائل همنشینی واره‌ها» بود حامد هدیه سرفی (ار ایران) هم سخنرانی بر اطلاعی راجع به تأثیر زبان روسی بر زبان مردم تاحیک ایراد کرد. سخنرانی آقای تان گوانو، مهمان حبیبی سمینار، هم درباره جگونگی واره‌سازی در زبان حبیبی بود از افغانستان هم مهمانانی به سمینار دعوت شده بودند که مأسفانه نتوانستند در ایران حضور یابند هزار است متن مکتوب سخنرانی این مهمانان با بقیه سخنرانیها در مجموعه سخنرانیهای سمینار به چاپ برسد

سمینار «زبان فارسی، زبان علم» در مجموع یک گردهمایی علمی موفق بود و فرصتی به دانشمندان و صاحب نظران داد تا سرک کنندگان را از نظرات خود و آخرین دستیافهای علم ریاسناسی آگاه کند و راههای مقابله با مشکل ایجاد زبان علمی فارسی را سیاسایی و ارائه کند اما هماغونه که در سمینار تأکید شد، زبان یک امر ملی است و در وضع کنونی هیچ دستگاه یا مؤسسه‌ای به تنهایی نمی‌تواند بدان برآورد و مشکلات آن را رفع کند لذا ضرورت دارد که یک مجمع دی صلاح مرکب از مؤسسات صاحب نظر و صاحب صلاحیت برای بررسی این امر تاسیس گردد و البته از قدرت تصمیم‌گیری و احرائی لازم برخوردار باشد تا تواند بر روند تحول زبان نظارت مستقیم و دقیق داسه باشد

ن د

### کنگره حکیم نظامی

حدایا به خورسیدگنتی فرور  
به ماه و به بازیگرهای ماه  
که ناریک و روس بند برنگاه  
ر دل برنگها کند ناسند  
به سح درحسان که خسد امید  
به درگاه حق داور خارده‌سار  
به هگام سب گاه راز و بیار  
به بحر معلی، سیط رمی  
به جان و به حانی که جان آفرید  
حدایی سحی در زبان آفرید  
به روح نظامی حادو سحی  
«سحندان برورده بیر کهن»  
جهان را سراسر ر لفظ دری  
عطا کن ساط رساناوری  
فروز کن به عالم سکر حد را  
روایی ده این فارسی حد را  
سحی بروران را تو خود بار ناس  
زبان دری را نگهدار ناس

این ایاتی است که آقای دکتر حسن حبیبی رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در برگداس حکیم نظامی و دعا در حق زبان فارسی سروده و سحرایی خود را در روز افتتاح کنگره حکیم نظامی در دانشگاه سربیرا فرانت آنها اعار کردید کنگره به مناسبت بهصدمین سال بولد نظامی از اول تا چهارم تیرماه برگزار شد و در آن علاوه بر اسنادان و محققان ایرانی، تعدادی از محققان خارجی از کشورهای ترکیه و

## ● آلمان

### اولین کنفرانس جهانی فرش ایران

نخستین کنفرانس جهانی فرش ایران در اوایل خرداد در آلمان برگزار شد. هدف از تشکیل این سمینار بررسی وضع صنعت فالی نامی در ایران، مسائل مربوط به صادرات آن، مشکلات عرصه و فروش در خارج از کشور و عوارض ناشی از رفات تولیدکنندگان دیگر ارحمله حین و چند کشور اروپای شرقی بود که با استفاده از طرحهای ایرانی وارد بازار جهان شده اند.

در این کنفرانس گفته شد که «دولت مسئول بهبود، کنترل و افزایش مرغوبیت و صادرات فرش بیست» در عین حال کمسیونهای چهارگانه کنفرانس پیشنهادهایی را تصویب و به دولت ارائه کرده اند که در آنها بر نظارت دولتی بر امر تولید فرش تأکید شده است.

اتحادیه فرش فروشان ایرانی مقیم آلمان که برگزین بازار فروش فرش در جهان را در اختیار دارد از حیدی بیس به فعالتهای فرهنگی- اجتماعی بی روی آورده است که انتشار مجله فرش ایران به دوربان فارسی و آلمانی از آن جمله است.

## ● لهستان

### نمایشگاه هنرهای اسلامی

موزه آسیا و اقیانوسیه لهستان در فروردین ماه نمایشگاهی از نمونه های هنری اسلام در شهر ورسو ترتیب داد در این نمایشگاه ۱۵۰ اثر هنری قدیمی متعلق به کشورهای اسلامی (مخصوصاً ایران، ترکیه، مصر و سوریه) به نمایش گذاشته شد.

آثار هنری ایران عمدتاً عبارت بودند از يك قطعه فالیه ابرسم، ظروف سفالی و کاسی، يك طرف نقره ای کنده کاری شده، حد میسیناتور و چند کتاب خطی محمله يك حلد یوسف و زلیخا مکتوب در ۸۵۴ هـ.ق و يك نسخه اردیوان حافظ که در ۹۵۷ هـ.ق به تحریر درآمده است. اغلب این اسباب به يك دیپلمات لهستانی تعلق دارد که تاکنون در کشورهای مختلف آسیا خدمت کرده است.

## ● چین

### بازار کتاب ایران از چشم چینیها

یکی از خبرنگاران «رورنامه مردم» چاپ یکی که حیدی بیس از ایران دیدن کرده است، وضع بازار کتاب را در ایران چنین توصیف می کند: بازار کتاب در ایران بسیار حالب است ما در شهرهای مختلف از کتابفروشیها دیدن کردیم بدون اغراق اگر تریب فریب به اتفاق آنها از کیفیت تخصصی حوی بر حوردار بودند اغلب کتابفروشیها به صورت يك محیط اجتماعی و نمایشگاه کتاب درآمده اند و لذا اهل مطالعه می توانند کتابهای مورد علاقه خود را اسان پیدا کنند در مقابل دانشگاه تهران مجموعه ای از کتابفروشیهای معتبر وجود دارد در اصفهان روبه روی هتل عباسی کتابفروشی عظیمی دیده می شود که در کنار فروشگاه صنایع هنرهای دستی قرار گرفته است اصفهان با يك میلیون و سیصد هزار نفر جمعیت بیش از ۴۰۰ کتابفروشی و کتابخانه دارد کتابفروشیهای ایران خاطره ای فراموش شدنی در ما ایجاد کرده است. در آنجاها خری از امتثال بیست. طرحهای روی جلد بسیار

وزین و زیباس. ایرانیان در امر چاپ کتاب از مدیریت خوب و فوی برخوردارند.

## ● شوروی

### افتتاح مرکز اسلامی در مسکو

اولین مرکز اسلامی و استیتوی فرهنگ اسلامی در مسکو افتتاح شد راویل عی الدین، امام جماعت مسجد مسکو در مراسم افتتاح این مرکز گفت هدف عمده این مرکز مطالعه، توسعه و تبلیغ ارزشهای فرهنگی و معنوی اسلام مخصوصاً در میان هشتصد هزار مسلمان ساکن مسکو و حومه آن است. در حال حاضر تنها يك مسجد در مسکو یافت می شود.

## ● یونان

### رباعیات خیام به زبان یونانی

رباعیات حاتم که تاکنون به غالب رباعیهای رنده دنیا و حیدین بار به یونانی ترجمه و منتشر شده است، به نازگی بار دیگر توسط رونی والاسی به زبان یونانی درآمده و در اواخر سال گذشته در یونان انتشار یافته است.

به نظر ناقدان یونانی «ساعر، محرم و رنایندگان ایرانی احسان» به طور حالب و سناقه ای نظر جامعه یونانی و مؤسسات سر کتاب را به خود جلب کرده است» اس کتاب نا حلد حرمی، صحافی نفیس و کاند اغلا حات شده و علاوه بر حدس مسانور و طرح کهن سرفی حاور ترجمه انگلیسی رباعیات است که توسط هنر حوالد احام گرفته است.

## ● شوروی

### رواج علاقه به خط قرآنی

گروهی از روحانیون و روسفکران جمهوریهای مسلمان در شوروی حواستند که رسم الخط قرآنی حای رسم الخط کوبی را که به صورت سربل است، بگیرد.

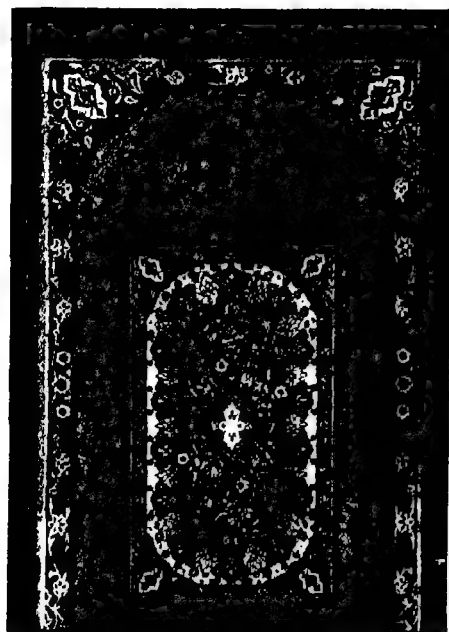
راوی اسلام اوعلو عی الدین رئیس مرکز اسلامی مسکو، که يك روحانی مائار الاصل است، اگر ترخان راده عضو مجلس تاجیکستان، حولانگ نارارای اوعلو رئیس احمن ناریگران تاتار در فریرستان محارب محمد اوعلو استاد داسکده هنرهای ربیای آدریایحان شوروی و حیدین س دیگر از شخصیهای مذهبی و علمی جمهوریهای مسلمان در شوروی صن مصاحبههایی با رورنامه یورویکه حات استانبول، تأکید کردند که تعبیر خط روسی به رسم الخط قرآنی حواسته عموم مسلمانان است.

## ● پاکستان

### تأکید بر لزوم گسترش زبان فارسی

در مراسمی که توسط حانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در بیساور برگزار شد حدت اس استادان پاکستانی مانند دکتر میان محمد ساه، دکتر سیم و دکتر عبدالقیوم بر لزوم گسترش زبان و ادبیات فارسی در پاکستان تأکید کردند در پایان این مراسم به داسجویان و استادان رسته زبان فارسی در بیساور حوار و هدایایی اهدا شد.

ع. روحبخشان



روی جلد کاسی معرق رزادود (کار استاد مصطفی  
مصدقی نور- ۱۳۳۷)

# نشر دانش

سال یازدهم، شماره پنجم، مرداد و شهریور ۱۳۷۰  
مدیر مسئول و سردبیر، نصرالله پورجوادی

## مقتال

۲	نصرالله پورجوادی	عشق حسرو و عشق نظامی شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۲)
۶	علی اسرف صادقی	اختصارات و زبان فارسی
۱۳	علی کامی	از نوادر قصص گویان
۲۴	علی رضا دکاوتی فراگرلو	کاربرد اعداد در قصاید خاقانی
۲۹	اکرم حودی نعمی	داستان و همساک
۳۳	مریم حوران	

## شده معرّفین

۳۸	علی بلوکاسی	پدیدارشناسی مناسک تشرف
۴۶	ابوالحسن بدیم	ترجمه «درسنامه پزشکی آکسمورد»
۵۱	تعی وحیدیان کامیار	تصحیحی جدید از «معیار الاشعار»
۵۵	مصطفی موسوی	نقد ترجمه «اخبار الطوال»

## تجرب بر

۶۰	الهه حیراندیش	فلسفه و علم در دنیای اسلام
۶۲	آراد بروهردی	فرهنگ فارسی-فرانسوی لازار

## نکته‌ب

۶۴	امید طیب‌راده	کتابهای تازه، معرفی نشریه‌ها
----	---------------	------------------------------

## خبر

آیین‌نامه مدیریت دانشگاهها ○ هیأت منصفه نظارت بر مطبوعات ○ نشریات تازه ○ چند خبر  
دانشگاهی ○ فعالیتهای فرهنگی در خارج از کشور ○ تغییر نام حیابانها و میدانها در تاجیکستان ○  
سیار استادان زبان فارسی در هند ○ ترجمه داستانی از صادق هدایت ○ انتشار ترجمه بگالی  
شاهنامه ○ نمایشگاه دایمی کتاب ایران در پاکو، و.  
۷۹

## نام



## عشق خسرو و عشق نظامی

نصرالله پورجوادی

که می در برداست خود از این داستان مبالغه کرده‌ام  
این دو نظر، که یکی از طرف مخالفان و دیگری از طرف  
موافقان این مقاله، ابرار شده است، از یک لحاظ با هم فرق  
یکی از آنها اظهار نظر کسی است که می‌گوید نظامی ادب  
مسائل فلسفی و عرفانی کاری نداسه و فقط به عشق طبع  
سپهانی میان خسرو و سیرین نظر داسه است، و دیگری  
کسی است که می‌گوید نظامی هر چند که به مسائل فلسف  
عرفانی نظر داسه و عشق خسرو را احتمالاً به مرثله یک  
عرفانی نگاه کرده است، در عین حال بسبب به عشق طبع  
انسانی خسرو سیرین توجه بوده است اما، علی‌رغم تفاوتی  
این دو نظر وجود دارد، هر دوی آنها خلاف برداشتی است نه  
از داستان نظامی و صحنه سیرین در حسمه داسه‌ام، و قصد من  
بوده است که عشق خسرو را به عنوان یک عشق عرفانی  
کنم. استباه این متفکران احتمالاً به دلیل این است که من آن  
که باید نظر خود را به روشنی بیان نکرده‌ام. امیدوارم توضیح  
که در اینجا می‌آورم این استباه را برطرف کند

اولین مطلبی که باید مدکر سوم این است که من در مقاله  
مکر عشق طبیعی و انسانی یا سپهانی خسرو به سیرین سد  
من تصدیق می‌کنم که داستان نظامی از یک سو درباره عشق  
یک مرد، یک ساهزاده هوسران، به یک زن ریاسه و از سو  
درباره عشق طبیعی آن زن به این ساهزاده. داستان خسرو  
سیرین یک داستان رمزی محض یا یک داستان صرفاً  
(allegory) مانند داستانهای سبع اسراف نیست. خسرو و س

مقاله «سیرین در حسمه» که در شماره قبل چاپ شد، همان طور که  
حدس می‌زدیم، اظهار نظرهای مختلفی را از جانب خوانندگان  
برانگیخت. بعضیها مقاله را سودمند و بعضی سرار در مخالف با  
من درآمدند. کسانی که اهل معنی و صاحب ذوق ادبی بودند با  
تفسیرهای من از اشارات نظامی موافق بودند و کسانی که با  
مسائل فلسفی و عرفانی سگانه‌اند و با طرح هر موضوع دینی و  
عرفانی در ادبیات فارسی خصومت و لحاجت می‌وررند در  
نامه‌های خود با لحن تند بر من خرده گرفتند، و همه حرف‌ها این  
بود که رابطه عاشقانه خسرو و سیرین، آن گونه که نظامی شرح  
داده است، نه هیچ وجه حبه فلسفی و عرفانی ندارد. یکی از این  
منتقدان (که نامه وی در همین شماره در بخش نامه‌ها به چاپ  
رسیده است) نوشته است که در داستان نظامی اصلاً مسأله نظر  
مطرح نیست، و گمان کرده است که منظور من از مسأله نظر، نظر  
عقلی است.

بنده ابتدا قصد نداستم به انتقادات و خرده‌گیریهای معاندان  
باسخ گویم، و همان طور که با معترضین به این مقاله در کنگره  
تبریز رفتار کردم، می‌خواستم در جواب خرده‌گیران، حیانه که  
سراوار است، خاموس بمانم. اما پس از اینکه دیدم بعضی از  
دوستان نیز برداشت دیگری از مقصود من کرده‌اند، رأیم عوض  
شد. یکی از این دوستان به من گفت که تو عشق خسرو را یک  
صورت یک عشق عرفانی درآورده‌ای و حای برای عشق طبیعی و  
انسانی نگذاشته‌ای. به عقیده او عشق خسرو به هر حال از  
جنبه‌های انسانی و یا غیر عرفانی حالی نیست، و لذا فکر می‌کرد



يك اثر ادبی است، و از این جهت نظیر داستانهای است که نگار ما در رمانهای عسفی نوشته می‌شود اما این بدین معنی که کتاب نظامی صرفاً يك داستان عسفی ساده از نوع رمان یا فیلمهای هالیوود است خسرو و سیرین کانی است و رای داستان ظاهری آن معانی دیگری نهفته است. باطنی این باطن هم خود دارای مراسمی است در مرتبه ظاهر است نامی خواسته است يك داستان عسفی را درباره يك ساهراده و دحیر ربایي ارارمنستان شرح دهد و در ضمن آن حوادثی را شرح داده است و حالایی را که بر اثر عسفی به اسان دست است بیان نماید. اما در عین حال، در ورای این حوادث سه سی و این حالات نفسانی، اسارایی نهفته است که نظامی آنها یی خواص خوانندگان خود، خواندگانی که با جوهر ادبیات معانی عرفانی و فلسفی آستانی دارند، بیان کرده است به دلیل است که من حادثه رفتن سیرین در حسمه و رسیدن و نه آن محل و نگاه کردن به سیرین را دوبار در مقاله خود ترده‌ام، يك بار بدون در نظر گرفتن معانی باطنی و يك بار با در نظر گرفتن آنها بنا بر این، من به هیچ وجه به خواسته‌ام نگویم که خسرو به سیرین صرفاً يك عسفی عرفانی است

من به فقط ادعا نکرده‌ام که عسفی خسرو به سیرین يك عسفی بی است، بلکه اصلاً منکر حسن حری هستیم خسرو، طور که در تاریخ آمده است، خوانی بوده است هوسران و با نی در ناره، و نظامی بر این حبه از شخصیت او را خوب کرده است حسن شخصیتی، من هم تصدیق می‌کنم، باید در عسفی خود به سیرین و نگاه کردن به اندام او، به فکر خدا باشد. بعضی از عرفا و صوفیه گفته‌اند که در هنگام نظر به معسوق (زن یا مرد) یا به طور کلی به خو برویان، منظور را به ساهد در نظر می‌گیرند، یعنی از نظری که به او می‌افکندند می‌گیرند و به یاد حسن الهی می‌افتادند حسن نظری را به «نظر عرب» یا «نظر ارروی اغیار» می‌خواندند و آن را از «سهبانی» تمیز می‌دادند ولی خسرو اهل این گونه و در رها نیست و حسم او حسم سهبوب است به حسم عرب. من هم اهل این گونه عسفی و در رها نیست فرهاد هم نیست صحت، در اینجا احتمالاً برای بعضیها این سؤال پیش می‌آید که این همه تفسیر و تأویلی که تو درباره صحنه اب تنی سیرین سیمه و نگاه کردن خسرو به او کرده‌ای راجع به کیست؟ و من این است که این تفسیرها راجع به نظامی و درباره اثر او است به راجع به فهرماناس. من درباره عسفی خسرو بحث می‌کنم، بلکه درباره منوی حکیم نظامی و نظر او سخن گفته‌ام بر ادبی باید درباره اثر ادبی باشد. من خواسته‌ام کتاب نظامی عسفی کنم، و این کتاب را هم به عنوان يك اثر ادبی و هنری در

نظر گرفته‌ام نه به عنوان يك اثر تاریخی یا شبه تاریخی. اگر منوی خسرو و سیرین یا نلی و محبون آثار تاریخی بود، آنگاه می‌توانستم درباره شخصیت‌های هر يك، از جمله شخصیت خسرو، بحث کنم اما این دو اثر، و همچنین آثار دیگر نظامی و بر آثار مشابه آنها از جمله ویس و رامین و خردالدین گرگانی، هیچ يك آثار تاریخی نیستند، بلکه صرفاً آثار ادبی و هنری هستند

و منی ما خسرو و سیرین را به عنوان يك اثر هنری و ادبی در نظر می‌گیرم. طبعاً بحث ما درباره عسفی در این کتاب بحسب عسفی خسرو و سیرین و فرهاد، به عنوان شخصیت‌های تاریخی نیست، بلکه بحث بر سر عقیده ساعر درباره عسفی است، یا حتی بر سر برداشتی است که هر خواننده‌ای می‌تواند از فحوای کلام ساعر داشته باشد بنا بر این، و منی ما می‌خواهیم مسأله عسفی را در این کتاب مطرح کنیم، باید بررسی کنیم که ساعر چه عقیده‌ای درباره عسفی داشته، یا بررسی کنیم که اثر او برای خوانندگان چه مفهومی داشته است این حکم درباره مسائل دیگر، از جمله مسأله نظر، بر صادق است

درباره برداشت خود از ناره‌ای از معانی که من فکر می‌کنم نظامی در صحنه اب تنی سیرین و نگاه خسرو به او بدانها اشاره کرده است در مقاله خود توضیح داده‌ام و باری به تکرار آنها در اینجا نیست، اما مطلبی که برای رفع بعضی سوء تفاهمها باید یادآوری کنم عقیده نظامی به طور کلی درباره عسفی است

عسفی از نظر نظامی، و بسیاری از متفکران و ساعران ایرانی از قرن سیم به بعد، از جمله عطار و مولوی و سعدی و حافظ، يك حقیقت واحد است معانی است که در همه موجودات عالم جاری است از این حیث، عسفی مانند وجود برد حکمای متأله و نور برد حکمای اسرافیه است همان طور که وجود و نور هر يك حقیقتی است واحد، عسفی بر يك حقیقت است که هم در صانع یا حالی هست و هم در صنع او یا مخلوقات او و همان طور که وجود و نور هر دو مسرک معنوی است، عسفی هم مسرک معنوی است. و ناره همان طور که وجود و نور معقول به تسکین است، عسفی یا محبت بر معقول به تسکین است. نور حقیقتی است که در مراتب مختلف ظهور کرده، و این مراتب در اصل نورانیت هیچ فرقی با هم ندارند اختلاف نور در مراتب مختلف از حیث شدت و ضعف است عسفی بر مراتب مختلفی دارد، و در هر مرتبه و هر موجود به صفاتی خاص ظهور می‌کند در واقع، اختلاف عسفی باسی از ماهیت عاسفی یا استعداد و ظرفیت اوست، نه اصل حقیقت عسفی. سیح اسرافیه‌ها بطوریکه می‌دانم نظریه خود را به حکمای قدیم ایرانی نیست می‌دهد نظریه وحدت عسفی بر احتمالاً ریشه در تفکر اصیل ایرانیان داشته است، هر چند که این عقیده بیشتر در قرن سیم در میان عرفا و حکمای ایرانی، از جمله نظامی،

گر آتش در رمین مفید یابد  
رمین بسکافتد و سالا ستاند  
و گر آبی نماید در هوا دیر  
بهمیل طبع هم راجع سود ریر  
طایع حر کسش کاری نداند  
حکیمان این کس را عسق خوانند  
گر اندیشه کی از راه بیس  
به عسقی است ایستاده آفریس  
گر از عسقی اسماں اراد بودی  
کجا هرگر رمین آساد بودی  
(حسرو و سیرس، حات وحد، ص ۴-۳۳)

این ابیات هم عقیده نظامی را درباره عسقی بیان می کند و در  
نیت او را برای نوشتن داستان خسرو و سیرس او می خواهد.  
عسقی سخن گوید، عسقی که در آسمان است و جهان رنده در  
است، عسقی که باعث سکفتن گل در زمین و باریدن ابر در آسمان  
می شود، عسقی که در آهن ربا کسش ایجاد کرده و آب و آس و  
را به حرکت در آورده است، و خلاصه عسقی که همه آفریس و  
به اوست. این عسقی شعار نظامی است و اندیشه آن او را علام خود  
کرده، و او را بر آن داسه است با کمر همب سدد و از راه  
داستانسرابی صلائی عسقی در جهان دهد.

و حال سؤالی که بیس می آید این است که چنین حقیقی  
چگونه می توان وصف کرد. بیان عسقی بیان سور و دردی است  
در عاسق ایجاد می شود عسقی را فقط از راه ظهور آن در مظاهر  
مختلف می توان ساخت. و موجودی که بیس از همه از این  
مظهریت برخوردار است انسان است. انسان است که در هر  
همه مخلوقات مظهر تام و تمام عسقی است. سابقه عاسقی است  
نیز به بس از ورود به این عالم بر می گردد. برای کسانی که  
ارلیت عسقی معتقدند، روح انسان از روز ازل، به مقتضای عهد  
که با پروردگار بسته است، عاسق محبوب و معسوق الهی است  
است. از برکت همین عسقی است که انسان جمال الهی را در  
مظاهر صغیر جستجو می کند و دل به جو برویان می بندد. بس عسقی  
افراد انسان به هم نوع نیز مسبوق به عسقی ارلی اوست به حس  
مطلق.

انسان نه فقط مظهر تام و تمام عسقی است، بلکه تنها موجودی  
است که می توان بی واسطه عسقی و عاسقی را در او ساخت  
معرفت انسان به وجود موجودات دیگر با واسطه است. انسان نه  
در وجود خود می تواند، بی واسطه و از راه حضور، وجود را دریابد  
در مورد عسقی و ساختن آن نیز همین حکم صادق است. ما فقط  
خود می توانیم عسقی را بی واسطه و از راه ذوق بشناسیم. به همین  
جهت است که نظامی به تجربه خود در عسقی اشاره می کند

صورت کامل مطرح شده است

نظامی در منوی خسرو و سیرین، قبل از اینکه به شرح  
ستان بپردازد عقیده خود را درباره عسقی و وحدت آن به وضوح  
ان کرده است. این ابیات دقیقاً موضوع این کتاب را شرح  
دهد.

مراکر عسقی به ناید شعاری  
مادا تا ریم حر عسقی کاری  
فلک حر عسقی معرایی ندارد  
جهان بی حاک عسقی ای ندارد  
علام عسقی سو کاندیشه این است  
همه صاحب دلان را بیسه این است  
جهان عشق و دیگر روی ساری  
همه نارست الا عشقاری  
اگر بی عشق بودی حان عالم  
که بودی رنده در دوران عالم

بروید تعجب کس بی دانه عسقی  
کس این بیست حر در خانه عسقی  
ر سوز عشق بهتر در جهان حبس  
که بی او گل محدود ابر بگریست  
همان گران که بر آتش بستند  
ر عسقی افتاب آتش برستند  
مبیین در دل که او سلطان حاسب  
قدم در عسقی به کو حان حاسب  
هم از فله سخن گوید هم از لال  
همس کعبه حریه هم حرايات  
اگر عشق اوفند در سینه سنگ  
معمشومی رند در گوهری حنك  
که معاطبیس اگر عاسق بودی  
بدان شوق آهی را حو ربودی  
و گر عسقی بودی بر گلرگاه  
سودی کهر با حویسده کاه  
بسی سنگ و بسی گوهر نباید  
نه آهن را نه که را می راباید  
هر آن جوهر که هستند از عدد بیش  
همه دارند میل مرکز حوین

حو من بی عشق خود را جان ندیدم

دلی نمر و حتم حابی خریدم

با از طریق مطالعه عشق در وجود خود و در وجود نوع خود  
با هم اغراض عشق و حالات عاشقی را سنجاسم  
است که نظامی به سراغ داستان خسرو و سیرین می‌رود، و در  
دیگر خود به سراغ لیلی و مجنون

عسفی که نظامی در خسرو می‌بیند همان عسفی است که خود  
بحر به کرده است و هر يك از افراد دیگر نوع انسان بر  
باید بحر به کند. عشق سیرین و عشق فرهاد و عشق مجنون  
همین عشق است. حتی در عناصر و افلاک نیز همین عشق  
است که سران یافته و باعث حرکت آنها می‌گردد البته، حالاتی  
در هر يك از عاشقان به موجب عشق بدید می‌آید، گاهی با  
ب عاشقان دیگر فرو دارد این تفاوتها معلول جایگاهی  
است که عشق در آنها ظهور کرده است عاشقان، چه انسان و  
ان و چه افلاک و عناصر، ماهیات مختلفی دارند و بر حسب این  
تفاوت، استعداد و ظرفیت قبول عشق آنان با هم فرق می‌کند. از  
ناست که عشق در هر يك از موجودات با اغراض خاصی  
بر می‌سود و لذا به هر عاشق حالات مخصوصی دست می‌دهد  
همه این اغراض مربوط به عشق است. و حالات عاشق بر در  
ل از عشق سرچشمه گرفته است پس وقتی شاعر درباره  
ی خسرو سخن می‌گوید در حقیقت از اصل عشق سخن  
گوید، همان عسفی که به نحوی دیگر سیرین را گرفتار کرده  
است و به نحوی دیگر فرهاد را

مسوی خسرو و سیرین بدون تردید یکی از سازه‌کارهای  
بی در ادبیات جهانی است و اسعار نظامی بر یکی از  
مؤثرین و بر مغزترین اسعاری است که در زبان فارسی درباره  
ی سروده شده است. بر معری و عمق این اسعار نه فقط به  
است این است که نظامی عشق را به عنوان يك حقیقت واحد در  
اسر جهان در نظر گرفته و آن را جان جان و مانه حیات دانسته  
است. بلکه همچنین به سبب این است که مراتب تسکین عشق  
به پیرین نحو نشان داده است. شعر نظامی ابری است که  
بها و مراتب متعدد دارد، و خواننده بر حسب استعداد خود  
تواند بهره‌ای از حقیقت عشق را در يك یا چند لایه یا مرتبه  
بدهد کند. برای خواننده‌ای که صرفاً اهل ظاهر است و قوه  
ال او از حد سفرنامه‌نویسی و خاطره‌نویسی فراتر نمی‌رود،  
بای است و برای اهل اسرار بهره یا بهره‌های دیگر. اذهان  
بسط و ساده‌اندیش طبعاً عشق خسرو را عسفی می‌بینند  
بواسطه نوع هوس و شهوانی که سبب به «سیرین»‌های خود  
ساخت کرده‌اند. اما کسانی که در فضای معنوی نظامی و عصر  
امیها تنفس کرده‌اند، همین عشق را جلوه‌ای از حقیقت عشق

می‌بیند، همان‌که شاعر خود در نظر داشته است

بالا تر مرتبه از مراتب ظهور عشق در جهان، عشق یا  
محبتی است که انسان به معبود خود و حس مطلق الهی دارد.  
محبت انسان به پروردگار، که گاه از آن به سبب ایمان تعبیر  
می‌شود، اصلی است که در يك جامعه دینی و معنوی می‌تواند  
مورد غفلت واقع شود و نظامی در حسن جامعه‌ای زندگی می‌کرد  
و می‌اندیشیده است. او وقتی از عشق خسرو سخن می‌گوید، در  
ضمیر خود، نمونه‌ای از این عشق را (prototype آن را) که عشق  
انسان به پروردگار است در نظر می‌گیرد، و وقتی که در باب عهد و  
میان عاشق می‌اندیشد، بار درباره نمونه‌ای از آن که میان  
الست است می‌اندیشد همین طور وقتی که مسأله نظر عاشق به  
معشوق را مطالعه می‌کند، نمونه‌ای از آن (چه نظر اول در روز  
میان و چه لقاء پروردگار در بهشت) را ملحوظ می‌دارد این نه  
بدین معنی است که وقتی از نظر خسرو به سیرین در حسمه یاد  
می‌کند، نگاه سهوانی خسرو را صرفاً به عنوان سهود یا لقاء و چه  
الله در نظر می‌گیرد نگاه خسرو به سیرین در حسمه يك نظر  
سهوانی است، و در یکی از پایین‌ترین مراتب عشق در انسان  
جای دارد، اما در بیان این حادثه به مراتب بالاتر و نظرهای ناک نیز  
اساره شده است

نظریه نظامی درباره عشق در واقع بخشی از حکمت معنوی  
شعر عرفانی فارسی است. این نظریه در طول تاریخ در میان  
متفکران ایرانی، بخصوص مشایخ خراسان، برورده شده است  
در تکوین این نظریه حکما و فلاسفه، از جمله ابن سینا، نیز نقش  
داشته‌اند بعد از نظامی بر سرای فارسی زبان، از جمله مولوی و  
سعدی و حافظ، عشق را تا حدودی به همین معنی در نظر  
داشته‌اند سیر مفهوم عشق در حکمت معنوی ایرانی و در نزد  
مشایخ عرفا و سرای عارف، از بیش از نظامی تا قرون هشتم و  
نهم، موضوعی است که خود محتاج به مطالعات و تحقیقات  
وسیعتر است. نگارنده سعی کرده است تا سیر این مسأله را در  
شعر فارسی بررسی کند حاصل این بررسی مقاله‌ای است که  
ان شاء الله در شماره بعد با عنوان «باده عشق» چاپ خواهم کرد.  
در اینجا جایگاه نظریه نظامی را از لحاظ تاریخی تا حدودی روشن  
خواهم نمود.

# شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۲)

دکتر علی اسرف صادقی

(۴) پسوند «-نی» ۱- (یاء نسبت)

پسوند ۱- دارای معانی و وظایف متعدد است که بحث از آنها را به مقاله‌های آینده وامی‌گذاریم و در اینجا تنها به یکی از بخشهای آن که با افعال «مرکب» ارتباط دارد می‌پردازیم. این پسوند در فارسی معاصر گاهی برای ساختن صفت مفعولی از فعلهای مرکب «مجهول» که با فعل «سند» ساخته شده‌اند به کار می‌رود، به این شکل که اسم مفعول فعل «سند» یعنی شکل «سده» از فعل مرکب حذف می‌شود و به جای آن ۱- به حرف نافی مانده فعل افزوده می‌شود در بافت سده ← در بافتی در زیر تعدادی از ثلثاتی که به این صورت ساخته شده‌اند نقل می‌گردد

احارای (ملك)	>	احاره سده
احراحی (داسحو)	>	احراح سده
ارسالی (نامه)	>	ارسال سده
استعالی (سررمس)	>	استعال سده
اصافی (فصول)	>	اصافه سده
الحافی (اساب)	>	الحاق سده
اسحایی (نماینده)	>	اسحاب سده
انتقالی (برونده)	>	میتقل سده
مرگسی (حك)	>	مرکب رده سده
بیسهادی (موضوع)	>	بیسهاد سده
نألفی (مقاله)	>	تألف سده
نایی (اوراق)	>	نایب سده
تبدیلی (رنه)	>	تبدیل سده
تحمیلی (حنگ)	>	تحمیل سده
حایی (اوراق)	>	حاب سده
دریافتی (احبار)	>	دریافت سده
ردی (ساگرد)	>	رد سده
عوضی (کفس)	>	عوض سده

فولی (داسحو) > فول سده

مرحمی (بول) > مرحمت سده

بعضی از این کلمات با فعلی که از آن مشتق شده‌اند! صورت اندکی اختلاف دارند. مثلاً کلمه «انتقالی» از فعل «سند» گرفته شده به از فعل غیر موحود «انتقال سدن»، ه فعل «انتقال یافتن» در نوشتار متداول است با کلمه «برکب» ظاهراً از «برگشت رده سده» گرفته شده است نه از «برگشت» گاهی برادر بر این صفت مفعولی محبوم به ۱- فعل «مجهول» سده با «سند» وجود ندارد با بسیار کم استعمال است صورت معلوم این فعل متداول است مثلاً صورت «مرحمت کم استعمال است، اما «مرحمت کردن» بسیار متداول است از افعال مجهولی که حرف اول آنها به مقبوض ۱- حتم می‌ماند «نسبی سدن»، صفتهای مفعولی مورد نظر - می‌شود، زیرا تلفظ دو ۱- بنایی دسوار است

استعمال ۱- در این نفس حداد زانا نسبت

از میان دستور زبان ایرانی ظاهراً تنها دکتر طلعت به این نفس ۱- توجه کرده است. بنیاری می‌نویسد (دستور فارسی، ص ۲۶۸) «باء نسبت در آخر اسم افاده صفت د کند، مانند نامه سفارسی، سینه ارسالی، بارحه اسحایی، نهایی (لطیفه‌ای است نهایی که عشق از آن حرد - اسرار نهایی) سید حسم با سنا خصوص اسرار نهایی حاد

(۵) پسوند «-نی» ۱- (یاء مصدری یا ناء حاصل مصدر)

در دستورهای زبان فارسی دو اصطلاح اسم مصدر و حاصل رایج است. مرحوم دکتر محمد معین در رساله اسم مصدر - مصدر میان این دو اصطلاح فرق گذاشته و آنها را حسم کرده است. ۱- اسم مصدر، اسمی است مشتق از فعل و معنی مصدرگونه، مانند داس، حیده، کردار، کسار. ۲-

سند اسمی است مرکب از اسم یا صفت و دال بر معنی  
بر کوبه، مانند اهی [= اهن بودن]، سکی، رندگی» (ص  
۱۱۱) «معنی سس در مبحث خاص حاصل مصدر در همان  
ص ۸۸) این توضیح را افزود: «حاصل مصدر را انواع  
معنی است، و سبانه‌های آن از این قرار است ۱- ی ۲-  
۳- ۵- یت» و در ص ۸۹، سوید «ی» را نای حاصل مصدر  
است معنی مولفان دیگر مانند سجه العبی در هیچ‌اورد  
ص ۲۸) این سوید را نای مصدری نامگذاری کرد اند، اما  
و سس آن را سوید اسمهای انراعی (اسمهای معنی)  
abstract suffix suffixe d'abstr

انجا كه سيود ۱- علاوه بر اسمها و حقهها در مواردی به  
تصنی مستجاب فعلی بر ملحق می بود، معین آن را حره  
یو، های اسم مقدر بر آورده و برای آن مثالهای «هسی»،  
سی، ناسی، ناداسی، ناوودی، همنسی، دن جاهداسی،  
نی، راری، امری، بروری، مسلمان ناسی، ناراسی» را نقل  
در است (اسم مقدر - حاصل مقدر، ص ۸۰-۷۷)

ایچه در مورد این بنوید ساز به توضیح داده ظاهر انا خون  
د بوجه محققان و دستور نویسندگان قرار نگرفته نفس دو کانه انا  
نفس ۱- در کلماتی مانند حویی، مردی، سدی و غیره بی سیک  
سود اسم معنی (نا حاصل مصدر) است و نه انواع مختلف کلمه،  
س و صفت و حروف اضافه (مانند «حویی») و واسطه‌های  
نسبی (مانند «حکویکی») و غیره ملحق می‌شود و مفهوم  
نفس بی ایچه را از بانه انا کلمات اراده می‌شود بیان می‌دهد  
نفسات را بی سیک ناند اسم معنی نامند اسم حالت بر برای  
نفسات نام مناسبی است، اما ما در اینجا نا انا نفس ۱- که در  
نفسات در ناره انا بحث شده است نازی نداریم و نه نفس دیگر  
نفس ۱- همس نفس مستعرب شده اما مورد بوجه و بحث واقع نشده  
نفس ۲- برداریم انا نفس در فارسی معاصر فوق العاده را ناسده

سند ۱: در فارسی معاصر در موارد متعددی برای ساختن اسمی که می توان آنها را اسم عمل نامید به کار می رود اسم فعل (action noun یا nom d'action) کلمه ای است مشکل از یک سو آنکه مضمّن به حرف اضافه و حران + ماده مضارع یک فعل ساده است. مانند ماسیس سازی، از سرگیری و غیره. این اسمها را می توان به فعل بر می توان نامید چنانکه از دو مثال ذکر شده می توان گفت این اسمها هم مرکب اند و هم مسبق مرکب اند زیرا به معنی اول آنها از دو عنصر (اسم + ماده مضارع) با کروه ثلثه + (مضارع) تشکیل شده است و مسبق اند زیرا با الحاق یک وید به آنها ساخته شده اند. از اینجا که ما آغاز منحب واره سازی می کنیم معاصر را به بحث در ویدهای که از افعال «مرکب» مرکب

(۲) اسم همراه فعل می تواند متمم مکانی آن باشد روی دیوار می بوسند احقری را

(۶) گروه فعلی می تواند از يك فعل و يك گروه كلمه كه با حرف اضافه آغاز شده است تشكيل شده باشد، اما اسمی كه بعد از حرف اضافه آمده زووع متممهای مذکور در فوق باشد، مانند (به) زاد می تواند اجزای زواع متممها نیز می تواند در

(۱) یعنی مولفان مانند حاج محمد نیر محمدان نیر مای حائیل مقصد را به معنای  
به معنی است مقصد را اده نرده است به نای رده اند یعنی سر اصطلاحات دیگری  
به نای رده اند برای اطلاع بر نظرات آنان، رک معنی، همان، ص ۵۸.

ساحتمان گروه فعلی دحالب داسه ناسد، اما فعلا ناری به ذکر  
آنها بسب

اکنون اگر به سطح ترکیب «تصمیم‌گیری، همه‌پرسی، دیوارپرسی، درست‌نویسی و راه‌اندازی» توجه کنیم درمی‌یابیم که این سطح ترکیب تا سطح مالی که درنده‌های ۲ تا ۶ نقل شده‌اند در ارتباط است و به بیان دیگر از این سطح مالی گرفته شده‌اند، بدین گونه

بصم گری > بصم می کرد

هغه ټرمي > ارهغه ټرمي

دیوار بوسی > روی دیوار م. بوسی

درسب نویسی > درسب می نویسد

راه اندازی > (به) راه می اندازد

مسئله‌های فوق مسی را حل می‌کند اما حروف وری است که اندازه آن دقیقاً مشخص است، در صورتیکه ترکیبی که در فارسی معاصر به این طریق ساخته شده است شمار ناکرده‌اند، زیرا این فرایند ترکیب‌سازی فرایندی کاملاً راناست و بر اساس آن می‌توان از بسیاری از افعال مرکب و از گروه فعلی بسیاری از جملات، اسمهای عمل مرکب ساخت. کافی است به ترکیبات «از سرگیری، گردهمایی، راه‌اندازی، نظر به برداری، نخرگیری، سهرسازی، حسیک‌سوئی» و غیره توجه کنیم و به خاطر بیاوریم که همه آنها ترکیبی هستند که در سالیهای اخیر ساخته شده‌اند، به طوریکه هر کلمه سهرسازی هیچ کدام از آنها در فرهنگ معین ضبط نشده‌اند بی‌سک بسیاری از اس کلمات برای بیان مفاهیم جدید ساخته شده‌اند، همانطور که کلماتی مانند ورزش، گویس، ساختار، ویراسار، رسانه، راننده و غیره برای اینگونه مفاهیم ساخته شده‌اند، اما میان این دو دسته کلمه تفاوت بسیار است. کلمات دسته دوم همه از افعال بسیط گرفته شده‌اند و شاید تعداد آنها به رحمت به نجاه کلمه برسند، در حالیکه کلمات دسته اول که از گروههای فعلی و افعال مرکب گرفته شده‌اند بیرون از شمارند. از آنجا که زبان فارسی افعال بسیط حدادی ندارد راهی جز ساختن واژه‌های مرکب و مسی از افعال مرکب و گروههای فعلی ندارد و این راهی است که خود زبان آن را بیس روی گویندگان گذاشته است.

اینک تعدادی از اسم عملهای مداول در فارسی معاصر را براساس رابطه‌ای که جزء اول آنها با مادهٔ فعلی آنها دارد دسته‌بندی و نقل می‌کنیم.

(۱) ترکیباتی که جزء اول آنها مفعول بی واسطه جزء دوم (ماده مضارع) است: سوادآموزی، تصمیم گیری، اسب دوانی، ردیابی، نشن یابی، خاک برداری، ماشین سازی، بهره گیری، هرعه کسی، سمپاشی، عکسبرداری، بدن سازی، حروف چینی، قالی سویی،

سحر گری، لب کوبی، تریح کوبی، شهر ساری، نظر برداری  
 چهره برداری (اثریم)، کسی رایی، برنامہ بری، مسافر  
 اسم نویسی، سحر گری، سیاست گذاری، و نه فانی با آنها  
 درمانی، روان درمانی که درمان طاهرا اردرمان کردن تر  
 (۲) بر کسانی که جزء اول آنها مفعول با واسطه حر  
 تعداد این ترکیبات زیاد است، مانند حالت ساری، همه  
 عوارضی

(۳) ترکبائی که حره اول آنها مضمه مخابی حره دوم ...  
 ایران کردی، جهان کردی، دیوار و سی، غف سی، سی ...  
 بیرون روی، سی و سی، طهر و سی، خارج و سی (اسج ...  
 مطلبی از می > «خارج می» (سی) ترکبائی ...  
 و سی (از روی احسن) (سی) و سی (از ...  
 کسی حره را از در را بر ماند در اس مقوله حای داد

(۴) برکسانی نه حره اول اها عند کشف حره دوم ا...  
بروسی، کم بوسی، ساده بوسی، دسوار بوسی، ساده، دیر  
حسک بوسی، اوسوبی (به صورت ابومالک سبسی)، برتوب  
(۵) کروههایی که حره اول اها یک گروه مقدره حرف ا...  
اسب کردهم آبی (> کردهم آمدن)، سرهم بدی (> سرهم  
کردن)، ار سرگیری، کارایی (> نه کار آمدن)

۶) ترکیباتی که جزء اول آنها معموم و سله ای جزء دوم است  
 آب درمانی (hydrotherapy)، با آب درمان کردن)، سمی درم-  
 (به کمک مواد سمی درمان کردن)، کتاب درم-  
 (bibliotherapy، با کتاب درمان کردن)، گروه درمانی (cup  
 therapy) با فعالیت گروهی درمان کردن)، خانواده درمانی (family  
 therapy).

(۷) ترکیباتی که جزء اول آنها مسد اسم محدودی است نه جمله‌ای که ترکیب مورد بحث از آن گرفته شده نفس نهادی مفعولی و غیره دارد، مانند برهراری > برهرار | کردن | حبری > ملاروابط سیاسی: دولت ایران با کشور انگلستان روابط ساس برهرار کرد، جایگزینی > جایگزین کردن کسی یا چیزی > رای کسی یا چیزی، ناک ساری > ناک ساختن [حیزی را] > ترکیب بعد از انقلاب نه معنی اخراج کسی از اداره‌ای یا سازمان به کار می‌رود.

در میان ترکیبات فوق بعضی ماله‌ها یافت می‌شود که با حذف  
1- نیر در رمان کاربرد دارند، مانند ساده‌نویسی، حروف حسی  
غیره که پس از حذف 1- به ساده‌نویس و حروف حسی  
می‌شوند. از اینرو ممکن است بعضی چنین استدلال کنند  
ساده‌نویسی و حروف حسی از ترکیب ساده‌نویس و حروف حسی  
1- ساخته شده‌اند و ساده‌نویسی و حروف حسی حالت ساده  
ساده‌نویس و حروف حسی است، اما به نظر ما چنین نیست

در بررسی و حروف حسی در حقیقت عمل ساده بوسی و عمل  
 حروف است به حالت سنجش ساده بوسی و کارگر  
 حسی و این را به سم می توان دریافت بنابراین حسی این  
 است بر مانند اکثریت فرست به اتفاق مثالهای نقل شده  
 است يك مرحله ای هستند، یعنی سه جزء آنها در يك مرحله با  
 است شده اند و به ترکیبات دو مرحله ای مرحوم دکر معنی  
 (ص ۹۲) در مورد این ترکیبات دچار اشتباه شده و بوسی  
 است «ای» مربوط به اسم فاعل (مرحم) با حقیقت فاعلی محموم  
 است (بطریق کار، کار، کر) نبوده، در حالیکه دوف در بعضی  
 نهایی که نقل کرده مانند نفوم نری، مولود نری،  
 نری نری، اسم بوسی، آره کسی می توانست بیان دهد که  
 است ترکیبات به اسم فاعل با صفت فاعلی ملحق شده است  
 در زبان معاصر چند ترکیب وجود دارد که پس از حذف  
 با بر معنی و وضع دستور آنها به همان شکل اول باقی  
 ماند این ترکیبات عبارتند از دست بوسی دست بوس،  
 بودی بهود، کوسمالی کوسمال، فروگذاری فروگذار،  
 حوایی فراخوان، ناریسی، نارسین، دسترسی دسترس  
 چند ترکیب برهست که به حای ماده مضارع جزء دوم آنها يك  
 بدینا اسم مصدر عربی به کار رفته است، مانند خودکفائی،  
 خدمی، نارفاقتی، نارضائی، ناسلامی، حوس رفتی  
 است احترام ممکن است از «حوس رفتی» گرفته شده باشد که  
 زبان معاصر استعمال آن مبروك شده است) در ترکیب  
 است «دراری» که بر سگان ساخته اند جزء دوم از ادراک شدن آمده  
 در برشت «همرسی» که از گروه فعلی «با هم رستن» گرفته  
 شده به حای ماده مضارع از ماده ماضی استفاده شده است  
 حه با اینجا مورد بحث قرار گرفت ترکیبایی است که بحس  
 آنها از دو جزء تشکیل شده و جزء اول با جزء دوم یعنی ماده  
 مضارع در رابطه ای نحوی قرار دارد اینک به دسه ای دیگر از  
 سهی عمل می برداریم که بحس اول آنها بسط بست، اما  
 فته میان دو جزء این بحس رابطه نحوی بر بست این ترکیبات  
 سسی هستند که از افعال بسویدی گرفته شده اند این افعال از  
 است یکی از بسویدهای فعلی «بار، بر، فرا، فرو، ووا» با یکی از  
 در بسط ساخته شده اند. اسم عملهایی که از این افعال ساخته  
 شده بدین قرارند

الف) با بسوید «بار» بارآموری، بارسازی، بارگسائی،  
 سسی، بارنگری، باردهی، باربروری، بارحوایی  
 ب) با بسوید «بر» براندازی  
 ج) با بسوید «فرا» فراگیری، فراحوایی  
 د) با بسوید «فرو» فروبائی، فروگذاری  
 ه) با بسوید «وا»: واگذاری.

بعضی از این ترکیبات از افعال مرکبی گرفته شده اند که با پایه  
 ترکیبات ساخته شده با ۱- و فعل «کردن» ساخته شده اند، مانند  
 «نارسی» که از نارس کردن گرفته شده به از بار دادن، با  
 برکراری که از برقرار کردن مسبق شده به از برگرادن  
 به این نکته بر باید اشاره کرد که ماده ای از ترکیبات ساخته  
 شده با ۱ هم لازم آید و هم متعدی، مانند ترکیبات بر  
 برکراری > برقرار کردن و برقرار شدن جلوگیری از  
 برکراری نمار جمعه در مسجدا لافسی کنهان، مورخ ۷۰/۶/۲.  
 برفراری > برقرار کردن و برقرار شدن  
 برکزاری > برکار کردن و برکار شدن برکزاری گورناح  
 سربگویی > سربگون کردن و سربگون شدن  
 برنایی > برنا کردن و برنا شدن  
 به کار رفتن ۱- با ماده مضارع افعال در این ترکیبات موجب  
 شده است که در بعضی موارد بسوید ۱- به تدریج با ماده مضارع  
 بعضی افعال برکت سود و به صورت يك مجموعه بسویدی و  
 سرانجام يك بسوید واحد درآید، بطوریکه ماده مضارع در داخل  
 این مجموعه حرثا یا کلا از محتوای معنایی خود حالی می گردد.  
 این مجموعه های بسویدی عبارتند از - بندی، - ناری، - کاری،  
 - کزی

#### ● الف) بسوید «- بندی»

این بسوید به اسم ملحق می شود و اسم عمل می سازد و معنی  
 آن اتحاد کردن و به شکل خبری که پایه این ترکیبات بر آن دلالت  
 می کند در آوردن است مثلاً طبقه بندی یعنی به شکل طبقه و  
 جدول در آوردن با اتحاد طبقه کردن بعضی مثالهای ساخته شده  
 با این بسوید بدین قرارند جدول بندی، دسه بندی، درجه بندی،  
 سسه بندی، حمله بندی (به صورت حمله در آوردن)، فرمول بندی  
 (بیان کردن خبری به شکل صوری، فرموله کردن، صوابط خبری،  
 را معنی کردن)، حجاج بندی، خبره بندی، رده بندی، فقهه بندی  
 صورت بندی، کلاس بندی، زمان بندی

در ترکیبات بر «بندی» مرکب از ماده مضارع فعل بستن و  
 بسوید ۱- است جمع بندی > جمع بستن، آب بندی (= راه خروج  
 آب را در هر طرف ماسدی بستن)، ماسب بندی (از ماسب بند،  
 کسی که ماسب می بندد = درست می کند)، جسم بندی (بستن  
 جسم کسی)، شرط بندی، حتی فقهه بندی و جدول بندی را بر  
 می توان از این مقوله دانست زیرا کلمات فقهه و جدول با فعل  
 بستن به کار می روند فقهه بستن، جدول بستن.

کاویدی (نایی) امروز در معنی محاری به کار می رود و معنی  
 اصلی آن فراموش شده است. بسوید «بندی» در زبان فارسی  
 حدان رایا بست

● (ب) پسوند «-گری»

در فارسی معاصر، و نیز در فارسی قدیم، پسوند جداگانه‌ای به شکل «-گری» وجود دارد که مستقل از ترکیب دو پسوند «-گر» و «-ی» در کلماتی مانند آرایشگری (مستقل از آرایشگر + ی) و غارتگری (مربک از غارتگر + ی) است این پسوند در کلماتی مانند میانجیگری، مسی‌گری و غیره دیده می‌شود که از «میانجی» و «-گری» و «مسی» و «-گری» ساخته شده‌اند به از \*میانجیگر و \*مسی‌گر و ۱- غالب محققان متوجه اسفلال این پسوند شده‌اند بول هُرن می‌نویسد «در کلمات ابراعی (اسمهای معنی) پسوند «-گری» بعدها به معنایی معادل معنای پسوند آلمانی schaft بمعادل پسوند انگلیسی ship در [friendship] به کار رفته است، چنانکه در کلمات «عشقی آغاسی‌گری» و «توبیحی‌یاسی‌گری» که در تاریخ بعد نادرته این محمد امین، حاکم اسکارمان، ص ۵۰۸ دیده می‌شود» (هُرن، «ریان فارسی‌نویساری»، ص ۱۰۹) معنی برمی‌نویسد. «حاصل مصدرهای محبوم به «-گری» دو قسم اند الف) نحسی آنها هستند که بدون «-ی» مورد استعمال دارند، مانند: دادگری، بدادگری، آهنگری... ب) نحسی دیگر آنها هستند که بدون «-ی» مورد استعمال ندارند، مانند: فاضیگری، لوطیگری، وحشیگری، لایالی‌گری، صوفیگری؛ که فاضیگر، لوطیگر، وحشیگر، لایالی‌گر، صوفیگر بیامده» (اسم مصدر، حاصل مصدر، ص ۱۳۵-۷).

پسوند «-گری» اسم عمل و اسم معنی می‌سازد و به اسمها و صفات ملحق می‌شود و نفس آن کاملاً مانند نفس ۱- است مثالها وحشی‌گری، لایالی‌گری، هوحی‌گری، ناعگری، لوطیگری، مودی‌گری، میانجی‌گری، مسی‌گری، فاحاشی‌گری، همسپری‌گری، ایراسگری، صوفیگری، سعی‌گری، بهائی‌گری، بی‌مره‌گری، حلقه‌گری (سعل و مقام حلقه، سوای مذهب ارامه).

چنانکه مثالهای فوق نشان می‌دهد تقریباً کلمه مثالهایی که پسوند «-گری» به آنها ملحق شده به مصوب ۱- ختم شده‌اند و به همین جهت مرحوم دهخدا حدس زده است که الحاق «-گری» به این کلمات برای جلوگیری از فرار گرفتن دو ۱- بیایی است که تلفظ آن دشوار است (رك. اسم مصدر، ص ۱۳۷) دکتر جعفر شعار (بروهی در دستور فارسی، ص ۱۷۷) و محمد بروین گنجابادی (بعما، سال ۲۲، ۱۳۴۸، ص ۴۴) بر این مطلب را، بدون اشاره به نظر دهخدا، تکرار کرده‌اند. این نظر بی‌سک‌دست است و اکثریت فریب به اتفاق مثالها بر مؤید آن است، اما باید توجه داشت که استفاده از «-گری» به کلمات محبوم به ۱- منحصر نبوده و این پسوند از همان ادوار قدیم به کلمات مختوم به صامت بر

الحاق شده است، چنانکه در مفتاح‌الحاق سیح احمد خاند سال ۵۲۲ قمری نوشته شده ترکیب «مذهب‌گری» به محادله در مذهب و نشان دادن بعضی به کار رفته (مفتاح‌الحاق، حاکم علی فاضل، بهران، بناد فرهنگ ۱۳۴۷، ص ۷۴ و ۱۶۵) امروز نیز سمره‌گری، لوس‌گری و حدیث‌گری، بی‌سرف‌گری و غیره مدخل است.

این نکته برگشتی است که کلمات محبوم به ۱- الراهان به «-گری» به کار برده‌اند در متون قدیم به کرات به ترکیب می‌خورم که پسوند ۱- به کلمات محبوم به ۱- الحاق شده است نمونه‌های زیر از کتاب بعضی مآلات الواصفی فی بعضی فضائح الروافضی معروف به بعضی (حاکم حلال‌الدین مجد بهران، انجمن انبار ملی، ۱۳۵۸) تألف سیح عبدالجلیل زاری در ۵۶۰ هجری نوشته شده استسجراح شده است

باطنی ص ۱۲۴، ۱۳۶، ۱۴۲، ۲۰۶، ۲۹۱ و غیره

حنفی: ص ۱۲۲، ۱۲۳

خارجی ص ۳۱، ۱۵۰، ۱۶۵، ۱۷۵، ۲۹۰، ۳۴۲ و ۳۴۳

رافضی: ص ۱۷، ۵۰، ۵۶، ۶۳، ۱۰۹، ۱۱۷ و غیره

سعی ص ۵۰، ۵۴، ۵۶، ۴۱۵، ۴۵۳ و غیره

سعی ص ۱۲۱، ۱۸۷، ۲۰۷

عالی ص ۸۶

فلسفی ص ۲۷۱

ناصی ص ۱۵۰، ۱۶۵، ۲۹۴

«-گری» در کنسولگری پسوند مکان و معادل consulate است که هم به معنی سعل و مقام کنسول و هم کار و اداره و دفتر او است در حلقه‌گری سرگاهی «-گری» و سکیلاب و نهاد حلقه را می‌رساند

در کلمه تاریخی‌گری، «-گری» را معادل ۱- انگلیسی و فراسه به کار برده‌اند، چه این کلمه ترجمه بحال historicity انگلیسی و historic فراسه به معنی اعشار باز داستان، موبی بودن است

«-گری» در فارسی بهرانی گاهی به شکل «-کری» ۱-

در هجای اول تلفظ می‌شود لوس‌کری

● (پ) پسوند «-کاری»

این پسوند نیز در اصل از ترکیب کلمه «کار» و پسوند وجود آمده، اما در زبان کنونی پسوند مستقلی شده است عمل می‌سازد، معنی این اسم عملها نیز با حسن است دادن عملی که بایه ترکیب بر این دلالت می‌کند. جزء ترکیبها را می‌توان مضاف و مضاف‌الیه یا موصوف و وصف به گرفت. مثلاً کیک‌کاری یعنی انجام دادن کار (عمل) کتک



مثالهای این سوید که حداد فراوان هم نسبت بدین

بدکاری، برسکاری، خرده کاری (انجام دادن کارهای  
برده کاری) انجام دادن حرسات کار در بنایی و نقاشی و  
و غیره خود این کارهای ربر، روکاری، سف کاری،  
ی، کتاب کاری (انجام کتاب و محاراید و نام است انجام  
ناری و بر مناسرت)، نازک کاری (کارهای نازک و ظریف  
دادن از قبیل کج کاری و گچ بری در بنایی)، سناسی کاری  
ناری و وارد مسائل سناسی شدن)، ماه کاری

ن کاری به معنی دست بردن در چیزی و تصرف در آن برار  
غوله است، اما معنی آن طبق فاعده باید اتحاد کاری که با  
جاء می شود باشد است کاری یعنی عمل است استیادهای  
برسی بر سقف و دیوارهای منارل به گونه ای که اسکال  
و کل و بونه اتحاد کند بر از همس دسه است، اما است کار  
نار از وجود دارد که کم استعمال است

#### سوید «ناری»

کلمه «ناری» به معنی «نوعی فعالیت بدنی و ذهنی به قصد  
و سرگرمی» اسمی است که از فعل «ناحس» و «ناریدن» (در  
پهلوی wāzidan) گرفته شده و معنی آن برداشتن به است که به  
پا بوده است این فعل امروز بر بنا میروک است و به جای  
ن مرکب «ناری کردن» به کار می رود «ناری» در ترکیابی  
یوب ناری، برف ناری، اس ناری، اب ناری (در مورد  
ن)، کل ناری، ساه ناری و غیره همس کلمه است و این  
ن را باید اضافه مقلوب دانست، یعنی یوب ناری از ناری  
ناری یا یوب) و برف ناری از ناری برف (ناری یا  
رفته شده است

اما آنچه در اینجا مورد نظر است این واژه ناری که یک اسم  
نار است نسبت، بلکه کلمه دیگری با همین شکل آوایی  
به در کلماتی مانند «دیوانه ناری، ازبست ناری، لای ناری،  
ی و لوس ناری» دیده می شود مسلم است که «ناری» در  
نسبت به هیچ وجه به معنایی که در بالا از این کلمه به دست  
است نسبت پس باید دید که این کلمه در اینجا به چه معنایی به  
ن و وضع دستور آن چیست بردید نسبت که «ناری» در  
نسبت فوق کلمه مسغلی نسبت و فقط در این ترکیبات و  
ن مساه آنها دیده می شود و سایر این باید آن را «وید» به  
برد، اما معنی این وید چیست و در چه مواردی از آن  
به می شود؟ هیچ ترکیب فوق همس با یکی از دو فعل «در  
ن به معنی ظاهر کردن و نشان دادن و «راندن» به کار  
ن دیوانه ناری در آوردن یا راه انداختن دیوانه ناری در

آوردن (یا راه انداختن) یعنی انجام دادن کارهایی که دیوانه ها  
انجام می دهند همین طور آرتست ناری در آوردن یعنی کارهای  
آرتستها را تقلید کردن از ترکیات جهودناری، دهاتی ناری،  
حجگ ناری، احویدناری بر همین معنای تقلید فهمیده می شود.  
سایران می توان معنی این سوید را تقلید کار و اعمال و رفتار  
کسی یا کسانی یا چیزهایی دانست که بانه این ترکیات بر آن  
دلیل دارند و خود سوید را سوید اسم عمل سمرد

از معنی تقلید و عمل و رفتار این نکته به ذهن می رسد که بانه  
این ترکیات باید اساس و لافل حیوان باشد (فلس گاو ناری،  
حر ناری) و این سوید نمی تواند به اسم اسما ملحق شود<sup>۳</sup>  
مثالهای جمع اوری شده این حدس را تأیید می کند و مواردی که  
«ناری» در آنها به اسم اسما ملحق شده از مقلو دیگری هستند  
که در سطور ربر از آن بحث خواهد شد

«ناری» در این معنی و نفس از معنی محاری «ناری» به عنوان  
اسم و به معنی فعالیت تفریحی سرگرم کننده، یعنی در معنی «حیز و  
کار و عمل غیر حادی و صوری» گرفته شده است در حقیقت تقلید  
نر عملی است که بدل واقع است و اصل نسبت و ناری سمرده  
می شود استعمال این سوید در این معنی رانا است و می تواند به  
اسم های حدید ملحق شود بنابر ترکیابی که به این شکل ساخته  
شده اند غامانه و گاه بنحیر امیرد

برکت مسخره ناری بر از این دسه است و در اصل به معنی  
انجام دادن یا تقلید کارهای اسخاچ مسخره است

#### حاشیه

۲) حدیثی دیگر برای الحاق سوید به تلمات محبوم به ۱ که معنی همان،  
ص ۹۱-۹۲ در ضمن مثالهای حاصل مقصدهای محبوم به ۱ نقل کرده است  
سافعی (استیست نامه محفل الله، مع و الفقهین)، صوفی (السر، التوحید،  
مسو ی در رمی (بر حقا سائله حتی بن یفطان)، راهبسی (فقهین) معنی این مثالها را  
با سوید «ناری» که در ص ۱۳۵-۷ شاب او آمده ارتباط داده است  
«ناری» در موب، قدیم علاوه بر مثال فاسکری که معنی (ص ۱۳۷) از بهی  
نقل شده در موارد بر بردیده می شود ادسگری (السر الله حد، سبب سار)،  
صوفی (دوم سبب)، ریدسگری (مفتاح النجات) رک سبب، بروسی، ص  
۱۷۹ مثال حاکمگری که وی از نفس احاب اول، ص ۳۹ نقل کرده در حاک  
دهه این شاب ص ۲۹ به صورت «حارحی» آمده است مثالهای دیگر  
سببگری (از ده احوهان ساه غناس بودن) (عالم ارای غناسی، احاب اول،  
۱۳۱۴ هـ. ق. ص ۲۶۸، به نقل فروسی در نادر اسها، ج ۶، ص ۸) حاک دوم عالم  
ا، به نویسنده روح افشار، ص ۳۶۶، همی گری (حلاسه البلدان صفی الدین  
محمد حسینی همی، تألیف شده در ۷۹، ۱، به نویسنده حسینی طباطبائی هم،  
۱۳۹۵ هجری قمری، ص ۲۶۰، ۲۶۱)

۳) حس و سناسی «سویدناری»، ص ۶۹ نفس این سوید را «تقلید معمولاً  
نموفی» به خودی که توسط بانه شان شده است» دانسته و معتقد است که این  
نسبت به اسم اسما بر ملحق می شود بده ن استه مالی برای آن ذکر کند وی نفس  
بر نسبت بند ۳۰۱ را بر بنحین داده و بر نسبت بند ۴ را به دسه های کوخک  
معددی تقسیم کرده است که معنی اصلی آنها یعنی «برداشتن در حد حرفه و به  
نسبت بر این غالب به چیزی» در بسیاری از آنها نادیده گرفته شده است

۳) اما «-باری» در ترکیبات دیگری مانند «کاعدناری، کمسیون باری، سغه باری، ناندبازی» و غیره بر دیده می شود که بایه آنها بر اساء دلالت می کند نه بر اسان یا حوان این ترکیبات از نظر معنایی با هیچ يك اردودسته فوق سیاهت ندارند، زیرا «-باری» در آنها نه سرگرمی و تفریح را نشان می دهد و نه تقلید از کارها و رفتار کسی را. از نظر ساختمان بر با آنها تفاوتی دارد، نه این معنی که از بعضی از ترکیبات فوق می توان ۱- را حذف کرد. مثلاً از سغه بازی می توان با حذف ۱- سغه بار را به دست آورد که معنی آن کسی است که کارش سغه باری است. سایر این مادر اینجا احتمالاً با «-باری» سو می سر و کار داریم که باید نفس و معنی آن را روس کرد. اس کار بدون تحلیل مثالهایی که دبل شماره ۴ مورد بحث قرار گرفته اند دسوار است. سایر اس ابتدا به این مثالها می پردازیم.

۴) در فارسی معاصر ترکیباتی مانند «فماربازی، کوبربازی، گاوبازی، سمسربازی، رفیق باری، نظر باری، همجنس باری» و غیره فراوان به کار می روند. در کنار اس ترکیبات، ترکیبات «فماربار، کوبربار، گاوباز، سمسربار، رفیق بار، نظربار، همجنس بار» بر هسب که ظاهراً با حذف ۱- از ترکیبات دسته اول به وجود آمده اند با نه عکس دفت در ترکیبات فماربار، کوبربار و حر اس نشان می دهد که اس ترکیبات صفایی هسند که برای اسخاصی به کار می روند که کار با حرفه یا سرگرمی دائمی با گراس غالب آنها فماربازی، کوبربازی و اس. اگر کسی يك بار کوبتری را بر وار دهد یا برای براغ با کسی سمسری در دست گرد کوبتر بار و سمسربار سب، عکس اگر حرفه و سرگرمی دائمی او کوبربار هوا کردن و باری با سمسربار اسد او را کوبربار و سمسربار می گویند. سایر اس حسن می توان سجه گرفت که «-بازی» در ترکیبات مورد بحث به معنی برداحس به عملی است که از بایه ترکیب مسفاد می شود، اما برداحس در حد سرگرمی دائمی یا بصورت گراس غالب «-بار» بر به کسی اطلاق می شود که به اس سکل به اس فعالسها می بردارد تفاوت دو ترکیب سمسربازی و توب باری بر از هسب حاناسی می شود توب باری فعالسی دائمی و حرفه ای سب و به هسب جهت از اس «توب باز» ساخته می شود، اما سمسربار حسن وضعی دارد. ببا بر این «-باری» در اسجا مرکب از سبوند «-بار» و سبوند «-۱» است و خود سبوند مستقلاً سمرده می شود «-بار» در ترکیبات فماربار، سمسربار و غیره رانا است و می تواند به فباس به کلمات حدید نیز ملحق شود، حنانکه اسکی بار و گلف بار در دهه های اخیر بر آن فباس ساخته سده اند.

اکنون که معنی اس ترکیبات روس سب به سراع ترکیبات سب می رویم، از «-باری» در «کاعدناری، کمسیون باری، سغه باری

و باندبازی» معنی برداحس سس از حد به مدلول با مقدر این ترکیبات و گراس به اس کار اما به در حد حرفه و سرگرمی دائمی فهمیده می شود. کاعدناری عمل کارمندی است در انجام دگدن کار مراجهان سس از حد لارم در قدس رفاه اسفاده از نامه و درجواسب و غیره هسند کمسیون برداحس سس از حد معمول به سسکل کمسیون و جلست سغه باری صفت کسانی است که بدون داسس سرمایه کافی بر انجام معاملات بخاری به اسفاده از سغه و حك و اسگونه، می بردارند و اس کار را بکار می کنند. باندبازی به معنی کرب به سسکل باند دادن و باری باری به معنی اسفاده از سسسان و بوضه کردنیهای آنها برای انجام کارها به حای آنها از مخرای صحیح و قانونی است. رمس باری و بورس بر از هسب مقوله اند. فرق اس دسته ترکیبات با ترکیبات سب اس است که اس ترکیبات بر عکس ترکیبات سب ۲ غالباً بدون کار می روند. مثلاً از باری باری، باری بار ساحه نمی شود. طور کاعدنار و کمسیون بار وجود ندارد چون اس ترکیبات و با سرکرمیهای دائمی خاصی را نشان می دهند. کاعدنار کمسیون باری، باند باری فقط نوعی گراس است. حال ۱- رمس باری، سغه باری، بورس باری، با حذف ۱- رمس بار، سب و بورس بار ساحه سود اس ترکیبات دیگر بر حرفه یا فعالیت سمسر بردارندگان به آنها دلالت می کند.

ترکیبات حرب بار، سباسب بار، کتاب بار، زبان بار، سربنه بر از اس مقوله اند و گراس زبان بار برداحس سمسر به نامه ترکیبات را می رسانند. اس ترکیبات کمی بحصر امیرد سکا حرب باری، سباسب باری و اس اسم عمل آنها هسند. همجنس ترکیبات رفیق بار، دوست بار، فامیل بار، همسهر بر از هسب مقوله اند و در مورد کسانی به کار می روند که سس معمول به رفیق، دوست، فامیل و همسهری خود بوجه دامنافع آنها را حفظ می کند. دو ترکیب حقه بار و حقه باری در فارسی معاصر به بخاری به کار می روند و معنی حقه می آنها فراموس سده ماخذ

نصاری، طلعت، دستور زبان فارسی، تهران، طهوری، ۱۳۲۵.  
سغار، حعفر، بروهسی در دستور فارسی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

کسانی، خسرو، سبوند «باری»، مجله ریاساسی، سال ۵، س ۲، زمستان ۱۳۶۷، ص ۹-۶۵.

معس، محمد، اسم مقدر - حاصل مقدر، تهران، اس سبنا، ۱۳۶۱.  
نجم العی، بهج الادب، لکهنو، ۱۹۱۹.

Paul, 1898-1901: «Neupersische Schriftsprache», in *Grundriss der Persischen Philologie* 12, pp. 1-200.

# اختصارات و زبان فارسی

علی کافی

نمونه

کونا به سده در زبان فارسی هسسم  
در مئون قدیمتر به این کلمات «رمور» یا «غلام رمور» گفته  
می سده است در کتابهای دهه های اخیر از کلمات «غلام  
احصاری» و «ساده های احصاری» برای نامیدن این کلمات  
کونا به سده استفاده سده است «کونا به سده» یا «کونا به سده»  
در حد کتاب به کار رفته است «محقق» سر از نامهایی است که  
گاه بر این کلمات اطلاق سده است

«رمور» و «غلام رمور» امروزه دیگر کاربرد ندارد و در ضمن  
به درسی معنی این کلمات کونا به سده را نمی رسانند «محقق» در  
زبان فارسی معنی خاصی دارد، در فرهنگ معین ریر مدخل محقق  
آمده است «در فارسی گاهی بعض حروف کلمه ای را حذف کنند  
و آن را محقق نامند همواره = همواره، سناه = سناه، راه = راه، ره، ...»  
سائر این لفظ محقق برای آنچه مورد نظر است مناسب نیست.  
«کونا به سده» چون در آن از فعل بوس استفاده سده است دیو.  
بسیار حدس بسیاری از صورتهای کونا به سده کلمات و ترکیبات  
از طریق سفاکی ساخته می شود یا به کار می رود

به کار بردن لفظ غلام و سانه ها برای کلمات کونا به سده در  
بر کتاب غلام احصاری و ساده های احصاری لازم نیست زیرا  
همه کلمات زبان در واقع نوعی غلام و سانه اند با این تفاوت که  
کلمات کونا به سده روس صاحب خاصی دارند کلمه «نزاخا»  
غلام احصاری «سرو روی رمینی ازین جمهوری اسلامی»  
بسیار نیکه نامی است که از ترکیب حروف اول پنج کلمه «سرو روی  
رمینی ازین جمهوری اسلامی» ساخته سده است امروزه  
به خصوص در زبانهای اروپایی اختصارات مانند کلمات یک زبان  
رفتار می کنند و گاه دنده می شود که صورت محصور سده از  
صورت کامل کلمه حاشیه بر است بسیاری از انگلیسی زبانان

حدس دهه است که صاحب اختصارات در زبانهای علمی دسا  
ح فرایندهای بافته است کتب اختصارات و کاربرد آنها در  
بسیاری از زبانها مانند زبان انگلیسی به حدی است که از  
اختصارات به عنوان زبانی در دل زبان اصلی یاد می شود اکنون از  
اختصارات به عنوان ابزاری در جهت تقویت زبان استفاده  
می شود، اما متأسفانه در زبان فارسی این ابزار حندان مورد توجه  
تر به رفته است امروزه بودن اختصارات در یک زبان بعضی  
برای آن زبان محسوب می شود هدف این مقاله که شامل هس  
بخش است طرح مسأله اختصارات و اختصار سازی در زبان  
فارسی است در بخش اول حد اصطلاح تعریف سده است در  
بخش دوم درباره اختصارات در زبانهای اروپایی خاصه زبان  
فارسی بحث می شود بخش سوم مقاله اختصارات راجع در  
تفاوتی را معرفی می کند موضوع بخش چهارم ضرورت  
تفاوتی در زبان فارسی است حکمونی اختصار سازی  
است که در بخش پنجم مورد بحث قرار گرفته است در  
بخش ششم اختصارات بین المللی راجع معرفی سده اند دلایل  
تفاوت اختصار سازی در زبان فارسی در بخش هفتم بر سمرده  
است سرانجام در بخش هشتم سخته مقاله آمده است

## تعریف حد اصطلاح

«تفاوتی از سانه ها و غلام است که بر معانی دلالت  
می ورده بخشی از این غلام از راه کونا به سده در غلام دیگر  
ساز می شود مثلاً غلام «ص» صورت کونا به سده «صلمی»  
«ص» و «صلم» و «ص» صورت کونا به سده «هجری شمسی»  
است این بخش در جستجوی نام مناسبی برای این کلمات

نمونه‌هایی از این موارد عبارت‌اند از AEF مختصر mean  
Expeditionary Force و FBI مختصر Federal Bureau of  
Investigation

در علوم و فنون بی‌احتضاراب کاملاً رواج دارد و می‌تواند  
اگر اصطلاحی بلند یا مرکب از چند کلمه باشد در موع هم  
صورت مختصر آن استفاده می‌شود. نمونه‌ای از احتضار  
علمی و فنی به قرار زیر است:

alternating current	محضر	ac
root mean square	"	rms
Cast Iron	"	CI
Cathode-Ray Oscilloscope	"	CRO
Computer-Aided Design	"	CAD
Efficiency	"	EFF
Greenwich Mean Time	"	GMT
horse power	"	hp
Light Emitter Diode	"	LED
Maximum	"	Max
Melting Point	"	MP
Random Access Memory	"	RAM
Operational Amplifier	"	Op-Amp

در زبان عادی انگلیسی بی‌احتضارسازی رواج کامل  
نمونه‌هایی از این احتضارات عبارت‌اند از:

Very Important Person	محضر	VIP
No Good	"	NG
Automobile	"	Auto
Photograph	"	Photo
Perambulator	"	Pram

ان دسه از انگلیسی‌رانی که در یک گروه خاص سعی  
کاری هستند بی‌احتضارات خاص خود دارند. مثلاً دانشجو  
دانش‌آموزان از

exam به حای examination

و

preliminary " prelim

استفاده می‌کند

## ۳. اختضارات در زبان فارسی

در کتابهای علمی قدیمی به زبان فارسی مانند آثار ابوعلی  
ابورحان بیرونی هیچ نمونه‌ای از اختضارات دیده نمی‌شود.  
برخی از این کتابها از حروف برای سبک دادن نقطه، حذف  
علائم موسیقی، بروج، و رورهای همه استفاده می‌شده است.

کلمات O K (اوکی)، laser (لیزر)، aids (ایدز)، radar (رادار) را  
به کار می‌برند بدون آنکه بدانند اصل این کلمات چیست. در زبان  
فارسی کلمه «ساواک» همین حالت را دارد.

با توجه به این مسکلات در این مقاله برای بیان مقصود از  
تعدادی اصطلاح حدید استفاده شده است که تعریف آنها به شرح  
زیر است.

● **اختضارات: (۱)** مجموعه تمام کلماتی که برای کوتاه شدن  
کلام به جای کلمات و ترکیبات بلند به کار می‌روند، (۲) محلی که  
موضوع آن کلمات مختصر شده است.

● **اختضارسازی عمل مختصر کردن کلمات**

● **مختصر:** صورت محضر سده يك کلمه یا ترکیب (مثال  
کلمه «ساف» محضر سارمان ارادینخس فلسطین است)

## ۲. اختضارات در زبانهای اروپایی و انگلیسی

غرض از اختضارسازی، کوتاه کردن کلام و در نتیجه صرفه‌جویی  
در وقت و مقدار نوشته است. قبل از بداس کاغد مسأله مقدار  
نویسه اهمیت داسه است و لذا کوتاه کردن کلام مورد توجه بوده  
است. مثلاً برای درج مطالب بلند روی سکه‌ها معمولاً از مختصر  
آنها استفاده می‌شده است.

یونانیان برای Iesous (مسیح) محضر IHCS یا IHC را به کار  
می‌بردند، و رومیان نیز SPQR را به حای Sentus Populusque  
Romans (سناو مردم روم) مصرف می‌کردند. در زبان لاس  
احتضارات A M به جای Ante Meridien (قبل از ظهر) و P M  
به حای Post Meridien (بعد از ظهر) به کار می‌رفته که اکنون بر در  
رانیهای اروپایی راجح است.

سبک از بداس کاغد مسأله صرفه‌جویی در مقدار نویسه از  
میان رفت و بنابرین توجه به اختضارسازی بی‌کم شد. اما در  
اوایل قرن حاضر با توجه به رسد فراینده اطلاعات دوباره مسأله  
احتضارسازی مورد توجه قرار گرفت. امروزه احتضارات در  
رانیهای بی‌سرفه و بخصوص در انگلیسی حیا رواج یافته است  
که حناکه گفته شد از احتضارات به عنوان رانی فنی در درون زبان  
انگلیسی یاد می‌کند. دهها هزار احتضار در رمنه‌های علمی،  
بازرگانی، صنعتی، و اداری در زبان انگلیسی وجود دارد. از راه  
نمونه‌گیری با سمارس تعداد احتضارات و تعداد اسامی و صفات  
در کتاب Webster's New Collegiate Dictionary نویسنده مقاله این  
نتیجه را به دست آورده است که هر یک ده درصد کلمات و ترکیبات  
انگلیسی صورت مختصر شده دارند.

اختضارسازی در زبان انگلیسی به صورت عملی متداول  
درآمده است. در غالب سازمانهای اداری و نظامی ایالات متحده  
امریکا احتضارات کاملاً جای نام کامل سازمان را گرفته است.

محکم آنها صورت مختصر سدهٔ نك اصطلاح نیستند

سادر آثار عربی نمونهٔ اختصارات فراوان به حسم می خورد  
در این کتابها لغات بر بسامد معمولاً به صورت مختصر آمده است  
آنجا که برخی از این اختصارات بعداً به زبان فارسی راه یافته  
در این بخش نخست به ذکر آنها می پردازیم.

### اختصارات در آثار علمی دوران اسلامی

در کتابهای دینی و فلسفی مانند کتابهای اصول، رجال، حدیث  
و برخی کتابهای فلسفی که معمولاً توسط نویسندگان ایرانی به  
زبان عربی نوشته شده است، اختصارات رواج کامل داشته است  
زبان کتابها لغات بر بسامد و پر نام منابع فراوان است و لذا  
حضر ساری ضروری است. مثلاً در کتاب تفسیر المصالح فی علم  
رجال از علامه سیح عبدالله مامقانی اختصارات فراوانی به کار  
رفته که نمونه هایی از آنها به شرح زیر است.

ل	مختصر	اصحاب الرسول (ص)
ی	"	اصحاب امر المؤمنین (ع)
ن	"	اصحاب حسن (ع)
سن	"	اصحاب حسین (ع)
ین	"	اصحاب علی بن حسین (ع)
فر	"	اصحاب باقر (ع)
ظم	"	اصحاب کاظم (ع)
صا	"	اصحاب رضا (ع)
ح	"	اصحاب حواد (ع)
کر	"	اصحاب عسکری (ع)
ق	"	الصدوق
فس	"	فصل ابن سادان
سب	"	فهرست السبح
کا	"	کافی کلینی
طس	"	ابن طاوس
ب	"	التهذیب

نویسندگان کتابهای اصول، رجال، و حدیث می گویند  
امکان از اختصاراتی استفاده کنند که متداول و معمول بوده  
اما گاه با آوردن دلیل صورت متداول برخی از اختصارات  
بر می دادند. اختصارات زیر در کتابهای دینی به زبان فارسی  
هم تاربرد فراوان دارد

ص	مختصر	صلی الله علیه و اله و سلم
ع	"	علیه السلام
نع	"	تعالی
س	"	سلام الله علیها (در مورد حضرت فاطمه)

ره	مختصر	رحمه الله علیه یا رحمه الله
فیه	"	قدس سرّه یا قدس الله سره
عج	"	عجل الله تعالی فرجه

علاوه بر موارد فوق در کتابهای مطبوع با اختصارات زیر  
روبرو می شویم

م	مختصر	موجب
ع	"	صعری
ك	"	کلی
ب	"	کبری
ح	"	اختلاف
س	"	مقدمتین

اما این اختصارات عمدتاً به منظور ساده تر حفظ کردن شرایط  
منتج بودن هر يك از اسکال مطبوع به کار می رفته است همانکه  
مرحوم محمود سبانی در کتاب رهبر خرد می نویسد: «برای  
اختصار و سهولت حفظ سرائط معتبرهٔ هر يك از اسکال، «حرفی»  
را نمایند سراطی فرار داده و با این رموز، سراط مرتور را بیان  
کرده اند» از ترکیب اختصارات بالا کلماتی ساخته می شده و  
مطلق خوان می توانسته است با حفظ این کلمات سراط منتج  
بودن را دریابد این کلمات عبارت اند از: معک، حیثک،  
معکاین، میکف، و حیثکاین. مثلاً معکاین مختصر یوجبه صغری و  
کلیب احدى المقدمتین است.

برخی از اختصارات وقف در کتابهای تحوید عبارت است از:

هـ	مختصر	وقف لارم
ط	"	وقف مطلق
ح	"	وقف حایز
ر	"	وقف محوّر
ص	"	وقف مرحص
لا	"	وقف مموع
فلی	"	وقف مموع
صلی	"	وصل اولی
صل	"	وصل کن

اختصارات زیر بر در میون و گنار دسی دیده می شود

سمله مختصر	بسم الله الرحمن الرحيم
حوفله	لا حول ولا قوة الا بالله
سمعا	سمع الله لمن حمده
حعللا	حي على الصلوة

اختصار ساری در مورد اوران و تقویم نیز در کتابهای مربوط  
دیده می شود مانند:

م	مختصر	درم
ل	"	مقال

ع ل	مختصر	عسر مقال	نهاجا	مختصر	سروی هوایی ارس جمهور اسلامی
یل	"	تحویل	سماحا	"	سناد مسرك ارس جمهور اسلامی
فه	"	دقیقه			
عب	"	ساعت	سما. ۵۰۱. براحا	"	سما. ۵۰۱. تهران بر
ط	"	طلوع	لج نزاا	"	لجستکی براحا
ع	"	تربیع	آ.ج. ب. براحا	"	آخودایی برسئل براحا
			ع.س. براجا	"	عفیدی ساسی تراحا
			ر.آ.ج. ب. ا. بهی براحا	"	رئس آخودایی برسئل ادار بهداری براجا
			ر.د. کتب ا بهی براحا	"	رئس دایره کنترل اداره بهداری براحا

#### ب) اختصارات در فارسی معاصر

در دوران معاصر اختصارسازی در زبان فارسی را می توان به ترتیب زیر تقسیم بندی کرد.

۱) اختصارات در فرهنگهای لغت ودایره المعارفها در غالب فرهنگهای لغت ودایره المعارفهای جدید فهرستی از اختصارات دیده می شود برخی از اختصارات رسته های مختلف علمی در فرهنگ معین به شرح زیر است:

اقتصادی	مختصر	اقتصادی
بانکداری	"	بانک
جامعه ساسی	"	جامع
جانبور ساسی	"	حاند
حقوقی	"	حف
سمی	"	سیم
گناه ساسی	"	گنا
نظامی	"	نظ
هواسناسی	"	هو

مصاحب در مقدمه دایره المعارف فارسی س از برخی درباره اختصارات و ذکر این نکته که تنها «کاربرد اختصارات برای جهات [سمال، جنوب، سرو، غرب، و غره] و سله ۹ صفحه صرفه جویی در جلد اول سده است» فهرستی از اختصارات را عرضه می کند که برخی از آنها از این فرار است:

جم	مختصر	جمع
جسس	"	جمهوری سوری سوسیالستی
سم	"	سانتیمتر
کم	"	کلومتر

۲) اختصارات در سازمانها و ادارات در میان سازمانها و ادارات، ارتس بررگترین سازمانی است که در آن اختصارات و اختصارسازی رواج کامل دارد برخی از اختصارات متداول در ارتس از این فرار است.

نزاا	مختصر	نیروی زمینی ارتس جمهوری اسلامی
نداجا	"	نیروی دریایی ارتس جمهوری اسلامی

عبر از ارس در وزارت سرو بیر حد صورت مختصر . مانند توایر (تولد و انتقال بیرو)، مساسر (مساور سرو) به می رود اختصارات براننده ای سر مانند هما (هواسمانی ایران) وساواک (سارمان اطلاعات و امس کسور) در . سارمانهای دولتی گذشته یا امروز دیده می شود.

۳) اختصارات در کتابهای علمی. در کتابهای علمی حر اختصار مانند ه.ق (هجرى قمری)، ق.م (قبل از میلاد)، (رجوع کید نه)، ک.م.م. (کوچکترین مضرب مسترك)، و (بررگترین مضرب مسترك) کمتر با اختصارات مواحه می س

۴) اختصارات در حرفه ها و ریان عامیانه. در غالب حر برخی صورتهای مختصر سده به کار می رود مثلا در نمونه خوانی در صعب حاب دو سکل مختصر سده زیر کا فراوان دارد.

ویر	مختصر	ویرگول
سمیک	"	سمی کال

در برخی از داسگاهها «آر» مختصر آزماسگاه است؛ مختصر مهندسی، ملا آر. فیریک به معنی آرماسگاه فیریک سیمی به معنی مهندسی سیمی به کار می رود.

اختصارسازی نامهای خاص در ریان فارسی رواج کامل مانند بایرید به جای ابو برید یا انایزید (در گذشته)، مملى یا به جای محمدعلی، انی به جای ابراهیم و اسی به جای اسماء.

#### ۴) ضرورت اختصارسازی در زبان فارسی

اختصارات و اختصارسازی در زبان فارسی به سبب رواج علمی دیگر ناحیر است. به دو دلیل رواج اختصارسازی در فارسی ضروری است: یکی اینکه اکنون زبان فارسی به عبود وسیله اطلاع رسانی به کار می رود و باید مانند سایر رواج کارآمد امروزی مجهز به اختصارات و دارای د

فرار دهم این خبر به صورت زیر درمی آید

از دفتر نمایندگی ساف در تهران گزارشی به دفتر نمایندگی ساف در دمشق ارسال شد در این گزارش نماینده ساف در ایران از رفس ساف در دمشق خواسته است که نتایج کشف‌های نمایندگی ساف با محاهدان افغانی را به اطلاع کمیته مرکزی ساف برساند و سرچگونگی ارتباط مسقیم دفتر نمایندگی ساف در ایران را با کمیته مرکزی ساف روس سارد.

در این صورت خبر شامل ۲۲۸ حرف خواهد بود که ۲۴ حرف آن را ساف تشکیل می‌دهد یعنی تنها ۱۰٪ نیازم مربوط به تکرار کلمه ساف می‌شود با انتخاب ساف به جای سازمان آزادیبخش فلسطین می‌توانیم ۳۶٪ در حجم نام و در نتیجه در فضای نوشتار صرفه‌جویی کنیم همچنین می‌توانیم سرعت اطلاع‌رسانی را به مقدار تقریبی

$$\% 36 = \frac{221 - 121}{221} \%$$

در گسترش افراش دهم در رابطه فوق عدد ۲۲۱ تعداد بحسها (سیلانهای) نام با ذکر کامل نام سازمان آزادیبخش فلسطین و عدد ۱۲۱ تعداد بحسهای نام با استفاده از مختصر ساف است. (همان‌طور که گفته شد این اقدام تقریبی است برای محاسبه دقیق باید به سیلانهای بلند و کوتاه زبان توجه شود.)

● مثال ۲ در سالهای اخیر نوعی برابرستور ساخته شده است که به سبب ویژگیهایی که دارد در مدارهای الکترونیکی فراوان به کار می‌رود نام این برابرستور عبارت است از: «برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانا» فرض کنید عبارت زیر در دست باشد

در شکل ۲-۱۵ طرز اتصال برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانای ۱ به برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانای ۲ دیده می‌شود از اینجا که جریان خروجی برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانای ۱ وارد برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانای ۲ می‌شود، برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانای ۲ حالت بار خروجی برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانای ۱ را دارد

حال فرض کنید به جای «برابرستور ایر میدانی فلر- اکسید- سمرسانا» مثلاً مختصر «تامفان» (ترکب حروف اول اصطلاح) را فرار دهم در این صورت اطلاع فوق به صورت زیر درمی آید: در شکل ۲-۱۵ طرز اتصال تامفان ۱ به تامفان ۲ دیده می‌شود. از اینجا که جریان خروجی تامفان ۱ وارد تامفان ۲ می‌شود،

مختصرسازی باشد دیگر آنکه بدون غلوم مختلف در زبان، امروز غالباً برحمت است و عدم امکان اختصارسازی در فارسی باعث ورود اختصارات زبانهای دیگر و استبداد زبان می‌شود اکنون به بررسی مفصلتر هر یک از این دو دلیل می‌پردازیم

■ دلیل اول، امروزه از زبان به عنوان ابزاری برای اطلاع‌رسانی استفاده می‌شود زبان در این نفس خود باید رسانایی را دارا باشد برخی از این ویژگیها عبارت‌اند از: دقت، سرعت، ناصرفه بودن، زبانی، و سهل‌الانفال بودن. بر سبب زبانهای امروزی دنیا به اختصارسازی برای نام‌های هم‌پایه، خاصه ویژگی سرعت، است امروزه به علت حجم زیاد نیازمات و ضرورت اطلاع‌رسانی امکان به کار بردن و تکرار نام کامل کلمات خاصه کلمه‌ای که از برنیت چند کلمه ساخته می‌شوند وجود ندارد برای روس شدن مطلب به ذکر چند مثال می‌پردازیم

● مثال ۱ فرض کنید در مورد سازمان آزادیبخش فلسطین چنین به این صورت در اختیار باشد

دفتر نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در تهران بر سبب به دفتر نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در دمشق ارسال شد در این گزارش نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران از رئیس سازمان آزادیبخش فلسطین در دمشق خواسته که نتایج کشف‌های نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین را با محاهدان افغانی به اطلاع کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین برساند و سرچگونگی ارتباط مستقیم دفتر نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران را با کمیته مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین روس سارد

ت اطلاع در مجموع از حدود ۳۷۴ حرف تشکیل شده است ۱۰ حرف آن مربوط به ترکیب سازمان آزادیبخش فلسطین و بقیه آن است. یعنی پس از ۴۳٪ می‌باید این خبر را تکرار نام سازمان آزادیبخش فلسطین به خود اختصاص داده است حال اگر به جای سازمان آزادیبخش فلسطین مختصر آن یعنی ساف را

تامفان ۲ حالت بار خروجی تامفان ۱ را دارد.

عبارت اول شامل ۲۹۳ حرف و عبارت دوم شامل ۱۱۳ حرف است یعنی با استفاده از مختصر «تامفان» به جای «ترانزیستور» ابر میدانی فلز-اکسید-نیم رسانا» ۱۸۰ حرف صرفه جویی در متن نوشتار حاصل می شود. به بیان دیگر بیس از

$$\% ۶۰ = \frac{۲۹۳ - ۱۱۳}{۲۹۳}$$

در نوشتار و در همین حدود در گفتار صرفه جویی حاصل می شود. وانگهی عبارت اول به خاطر تکرار اصطلاح طولانی «ترانزیستور» ابر میدانی فلز-اکسید-نیم رسانا» در یاستر از عبارت دوم است و لذا عبارت دوم صراحت بیشتری دارد. مرید دیگر عبارت دوم بر عبارت اول زیبایی آن است. بنابراین با انتخاب مختصر مناسب برای اصطلاح طولانی، بر سرعت، صراحت، و زیبایی پیام افزوده می شود.

● مثال ۳. فرض کنید موافقت نامه ای بین مرکز سر دانشگاه، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، و مرکز تحقیقات نیرو به امضا رسیده باشد و بخشی از آن به صورت زیر باشد.

به موجب این موافقت نامه بین مرکز سر دانشگاه، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، و مرکز تحقیقات نیرو و مقرر شد کارشناسان مرکز تحقیقات نیرو اصطلاحات فنی و معادلهای آنها را گردآوری و در اختیار کارشناسان مرکز تحقیقات مخابرات ایران قرار دهند. کارشناسان مرکز تحقیقات مخابرات ایران اصطلاحات را پس از بررسی در اختیار کارشناسان مرکز نشر دانشگاه قرار دهند. کارشناسان مرکز نشر دانشگاهی اصطلاحات را پس از ویرایش به مرکز تحقیقات مخابرات ایران و مرکز تحقیقات نیرو بازگردانند و در صورت اتفاق نظر بر سر معادلهای واره نامه ای به حاکم خواهد رسید. هزینه های کارشناسی را مرکز تحقیقات نیرو، هزینه های ویرایش را مرکز تحقیقات مخابرات ایران، و هزینه های چاپ را مرکز سر دانشگاه خواهند پرداخت.

اگر مختصر «مند» را به جای مرکز سر دانشگاه، مختصر «متما» را به جای مرکز تحقیقات مخابرات ایران، و مختصر «متن» را به جای مرکز تحقیقات نیرو (از فضا مرکز تحقیقات نیرو مختصر «متن» را پذیرفته و به کار می برد) قرار دهیم در متن فوق ۳۱ کلمه صرفه جویی خواهد شد

همان طور که مثالهای فوق نشان می دهند استفاده از اختصارات در متون مختلف علمی و غیر علمی عمدتاً موجب صرفه جویی در وقت و مقدار نوشته می شود، ضمن آنکه در بسیاری از موارد موجب صراحت و زیبایی نیز خواهد شد.

چنانکه قبلاً بر اساس سد گرایس به کوتاه کردن کلام طبیعی است. در زبان فارسی نیز نوعی کوتاه کردن کلام می حذف به فرجه انجام می پذیرد. مثلاً در مثال (۱) معمولاً به «سارمان» آرادییخس فلسطین» تکرار می شود بلکه با آوردن نام کامل، در دنباله متن با اساراتی از فصل این سارمان فوق، سارمان مربوط، سارمان مذکور از تکرار نام سارمان خودداری می شود. به همین ترتیب در مثال (۲) اینک نام کامل «ترانزیستور ابر میدانی فلز-اکسید-نیم رسانا» یکبار در متن آمد، صورت کوتاه «ترانزیستور» در ادامه حای خواهد گرفت

رایجترین فاعله کوتاه کردن کلام در زبان فارسی همین بعضی کوتاه کردن ترکبات بلند به روس حذف به فرجه مثلاً صورت کوتاه سده مرکز سر دانشگاهی، مرکز؛ دانشگاه سیمی سریف، دانشگاه؛ و شرکت ملی فولاد ایران، شرکت است (۳) عمداً طوری طرح شده است که ابهام و عدم دقت این کوتاه کردن کلام روشن شود. در این مثال ارسه مرکز استفاده شد است که نام آنها عبارت است از مرکز سر دانشگاهی، مرکز تحقیقات مخابرات ایران، و مرکز تحقیقات نیرو. مطابق الگو، فعلی کوتاه کردن کلام در زبان فارسی حداکثر کاری که در (۳) می توان کرد تا ابهام نیز ایجاد شود این است که مثلاً مرکز سر دانشگاهی را مرکز سر، مرکز تحقیقات مخابرات ایران مرکز تحقیقات مخابرات و مرکز تحقیقات نیرو را به همان صورت به کار بریم که در این صورت کلام حدان کوتاه می شود. بنابراین، اختصار سازی به روس حذف برخی از کلمات ترکیب باعث از بین رفتن دقت و ایجاد ابهام می شود و در برخی موارد غیر ممکن است. راه درست اختصار سازی مطابق روش معمول زبانهای علمی امروزی جهان وضع اختصارات و هوشییدن به آنهاست.

■ دلیل دوم. چنانکه گفتیم متون علمی فارسی امروزی در زبانهای دیگر ترجمه می شود و عدم امکان اختصار سازی زبان فارسی سبب ورود سیل اختصارات زبانهای دیگر به زبان و آسیب دیدن زبان فارسی می شود. در زبانهای سگ، خاصه زبان انگلیسی، اختصارات و اختصار سازی رواج نام دارد. در این زبان معمولاً برای اصطلاحات طولانی از مختصر استفاده می شود. سکلهای ۱ و ۲ دو صفحه از دو کتاب فارسی است. در شکل ۱ اختصارات JFET، MOSFET، و FET موجود است. بار به همین صورت تکرار شده است. JFET مختصر Junction Field Effect Transistor، MOSFET مختصر Metal Oxide-Semiconductor Field-Effect Transistor، و FET مختصر Field Effect Transistor است که در فارسی به ترتیب بری ۱، ۲، ۳



برای ترانزیستور اثر میدانی نموده‌ای، برابر ترانزیستور اثر میدانی هستند. سمرسانا، و برابر ترانزیستور اثر میدانی انتخاب شده. برابر اختصارات انگلیسی JFET، MOSFET، و ILL. در مقابل داریم (۱) مدرس همن اختصارات در زبان فارسی در این صورت عملاً کار واره گری برای این اصطلاحات فارسی بی معنی می شود زیرا همن اختصارات است که برای به کار می رود و نه صورت کامل اصطلاح عرب دیگر است این روس این است که MOSFET، JFET، و ILL آنها است. این مدرس همن در زبان انگلیسی است و زبانهای دیگر همن اختصاری خاص خود دارند (مثلاً اندر در زبان انگلیسی AIDS، در فرانسه SIDA، دور در دهفه در زبان انگلیسی در فرانسه tpm، جریان مساوت در انگلیسی، و در فرانسه و جریان مستقیم در انگلیسی، و در فرانسه، است) مدرس این گونه اختصارات در زبان باعث معاوضه زبان فارسی به اختصارات يك زبان خاص است. آنها در بی روی با پس از ۶۰۰۰ صورت محضر شده مواهم که

مدیرس این روس موجب داخل شدن حدود همن مقدار اختصار در زبان فارسی می شود (۲) آوردن نام کامل اصطلاحات. در این صورت دسوارهای ذکر شده زیر عنوان دلیل اول بیس خواهد آمد، و (۳) اختصار سازی در زبان فارسی، که تنها این راه حل موجب ماکره ماندن زبان فارسی می شود.

با توجه به دلایل فوق، در زبان فارسی اختصار سازی و استفاده از اختصارات احسان باید است. در مورد کلمات بگانه که دارای صورت محضر شده اند، واره گری و واره سازی در واقع مندمه ای است برای عمل بعدی یعنی اختصار سازی این کلمات.

### ۵) چگونگی اختصار سازی

اکنون که به صورت اختصار سازی در زبان فارسی بی بردیم باید راههای اختصار سازی را بررسی کنیم. از آنجا که انتخاب حروف اول کلمات مرکب یکی از روشهای اختصار سازی است. غالباً حسن می اندسند که نه راه اختصار سازی بی همین است. در زبان انگلیسی اختصاراتی از این نوع (موسوم به acronym)

۷۱ ژنتیک باکتریها

← ARN انتقالی شماره ۱ - اسید آمینه شماره ۱ + آدنوزین سوسفات + آبریم شماره ۱  
 $AA_1 - ARN^1 - Enz_1 + A.M.P +$

اگر این واکنش را با واکنش شماره ۱

$(ATP + AA_1 + Enz_1 \rightarrow Enz_1 - AMP + AA_1 + PP)$

جمع کنیم: مجموع دو واکنش به قرار ذیل خواهد بود

آدنوزین بری سوسفات + ARN انتقالی شماره ۱ + اسید آمینه شماره ۱ + آبریم شماره ۱  
 $ATP + ARN^1 + AA_1 + Enz_1$

ARN انتقالی شماره ۱ - اسید آمینه شماره ۱ + آدنوزین سوسفات + دو ماکول فسفات  
 $ARN^1 - AA_1 + AMP + PP$

کشف هوگلاند (Hogland) برای اولین بار در سال ۱۹۵۷، واکنش اختصاصی بین آمینو اسید و ARN را با ثابت رسانید. ردیف انتهائی کلیه ARN های انتقالی C C A میباشد.

ارتباط ARN با اسید آمینه، بوسیله اتصال بین کربوکسیل (COO<sup>-</sup>) آمینو اسید و نوکلئیک الکل (OH) کریس 'م ریبوزوکت-توئید آدینس A انتهائی ARN صورت میگیرد.

ارزی بالقوه این نوع ارتباط که ارتباط سفسواستری است خیلی زیاده تر از انرژی لازم برای اتصال پپتیدی که در آخر تشکیل خواهد شد، میباشد. بنابراین به خوبی میتواند جوابگوی این نیاز باشد.

در tRNA موسی وجود دارد که در آن یک به ناری سام انی لن (Anticodon) شکل یک به ناری mRNA به نام لن (codon) است و این سام انی می کند. ماکول های tRNA در سر بروش ها مانند مر لری فعالیت می نماید که حرهای رسانی را با حسان بروش سفل می کند

۱۰۲ مدارهای عملی الکترونیک

را به صورت های زیر انتخاب شده. مدارهای که برای این مدار می تواند

۱-۸-۲-۳-۴-۵-۶-۷-۸-۹-۱۰-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵-۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۲-۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۲۷-۲۸-۲۹-۳۰-۳۱-۳۲-۳۳-۳۴-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۰-۴۱-۴۲-۴۳-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۴۸-۴۹-۵۰-۵۱-۵۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۶-۵۷-۵۸-۵۹-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۶۴-۶۵-۶۶-۶۷-۶۸-۶۹-۷۰-۷۱-۷۲-۷۳-۷۴-۷۵-۷۶-۷۷-۷۸-۷۹-۸۰-۸۱-۸۲-۸۳-۸۴-۸۵-۸۶-۸۷-۸۸-۸۹-۹۰-۹۱-۹۲-۹۳-۹۴-۹۵-۹۶-۹۷-۹۸-۹۹-۱۰۰-۱۰۱-۱۰۲-۱۰۳-۱۰۴-۱۰۵-۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸-۱۰۹-۱۱۰-۱۱۱-۱۱۲-۱۱۳-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۰-۱۲۱-۱۲۲-۱۲۳-۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۲۷-۱۲۸-۱۲۹-۱۳۰-۱۳۱-۱۳۲-۱۳۳-۱۳۴-۱۳۵-۱۳۶-۱۳۷-۱۳۸-۱۳۹-۱۴۰-۱۴۱-۱۴۲-۱۴۳-۱۴۴-۱۴۵-۱۴۶-۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹-۱۵۰-۱۵۱-۱۵۲-۱۵۳-۱۵۴-۱۵۵-۱۵۶-۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۶۵-۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸-۱۶۹-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۲-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶-۱۷۷-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۰-۱۸۱-۱۸۲-۱۸۳-۱۸۴-۱۸۵-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۸-۱۸۹-۱۹۰-۱۹۱-۱۹۲-۱۹۳-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۰۰-۲۰۱-۲۰۲-۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۰۶-۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۱۵-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۰-۲۲۱-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۲۲۶-۲۲۷-۲۲۸-۲۲۹-۲۳۰-۲۳۱-۲۳۲-۲۳۳-۲۳۴-۲۳۵-۲۳۶-۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱-۲۴۲-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۶-۲۴۷-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۵۲-۲۵۳-۲۵۴-۲۵۵-۲۵۶-۲۵۷-۲۵۸-۲۵۹-۲۶۰-۲۶۱-۲۶۲-۲۶۳-۲۶۴-۲۶۵-۲۶۶-۲۶۷-۲۶۸-۲۶۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۷۲-۲۷۳-۲۷۴-۲۷۵-۲۷۶-۲۷۷-۲۷۸-۲۷۹-۲۸۰-۲۸۱-۲۸۲-۲۸۳-۲۸۴-۲۸۵-۲۸۶-۲۸۷-۲۸۸-۲۸۹-۲۹۰-۲۹۱-۲۹۲-۲۹۳-۲۹۴-۲۹۵-۲۹۶-۲۹۷-۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱-۳۰۲-۳۰۳-۳۰۴-۳۰۵-۳۰۶-۳۰۷-۳۰۸-۳۰۹-۳۱۰-۳۱۱-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۴-۳۱۵-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۳۲۰-۳۲۱-۳۲۲-۳۲۳-۳۲۴-۳۲۵-۳۲۶-۳۲۷-۳۲۸-۳۲۹-۳۳۰-۳۳۱-۳۳۲-۳۳۳-۳۳۴-۳۳۵-۳۳۶-۳۳۷-۳۳۸-۳۳۹-۳۴۰-۳۴۱-۳۴۲-۳۴۳-۳۴۴-۳۴۵-۳۴۶-۳۴۷-۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۳-۳۵۴-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۵۸-۳۵۹-۳۶۰-۳۶۱-۳۶۲-۳۶۳-۳۶۴-۳۶۵-۳۶۶-۳۶۷-۳۶۸-۳۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۳۷۲-۳۷۳-۳۷۴-۳۷۵-۳۷۶-۳۷۷-۳۷۸-۳۷۹-۳۸۰-۳۸۱-۳۸۲-۳۸۳-۳۸۴-۳۸۵-۳۸۶-۳۸۷-۳۸۸-۳۸۹-۳۹۰-۳۹۱-۳۹۲-۳۹۳-۳۹۴-۳۹۵-۳۹۶-۳۹۷-۳۹۸-۳۹۹-۴۰۰-۴۰۱-۴۰۲-۴۰۳-۴۰۴-۴۰۵-۴۰۶-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۴۱۰-۴۱۱-۴۱۲-۴۱۳-۴۱۴-۴۱۵-۴۱۶-۴۱۷-۴۱۸-۴۱۹-۴۲۰-۴۲۱-۴۲۲-۴۲۳-۴۲۴-۴۲۵-۴۲۶-۴۲۷-۴۲۸-۴۲۹-۴۳۰-۴۳۱-۴۳۲-۴۳۳-۴۳۴-۴۳۵-۴۳۶-۴۳۷-۴۳۸-۴۳۹-۴۴۰-۴۴۱-۴۴۲-۴۴۳-۴۴۴-۴۴۵-۴۴۶-۴۴۷-۴۴۸-۴۴۹-۴۵۰-۴۵۱-۴۵۲-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۵-۴۵۶-۴۵۷-۴۵۸-۴۵۹-۴۶۰-۴۶۱-۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴-۴۶۵-۴۶۶-۴۶۷-۴۶۸-۴۶۹-۴۷۰-۴۷۱-۴۷۲-۴۷۳-۴۷۴-۴۷۵-۴۷۶-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۴۸۰-۴۸۱-۴۸۲-۴۸۳-۴۸۴-۴۸۵-۴۸۶-۴۸۷-۴۸۸-۴۸۹-۴۹۰-۴۹۱-۴۹۲-۴۹۳-۴۹۴-۴۹۵-۴۹۶-۴۹۷-۴۹۸-۴۹۹-۵۰۰-۵۰۱-۵۰۲-۵۰۳-۵۰۴-۵۰۵-۵۰۶-۵۰۷-۵۰۸-۵۰۹-۵۱۰-۵۱۱-۵۱۲-۵۱۳-۵۱۴-۵۱۵-۵۱۶-۵۱۷-۵۱۸-۵۱۹-۵۲۰-۵۲۱-۵۲۲-۵۲۳-۵۲۴-۵۲۵-۵۲۶-۵۲۷-۵۲۸-۵۲۹-۵۳۰-۵۳۱-۵۳۲-۵۳۳-۵۳۴-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۷-۵۳۸-۵۳۹-۵۴۰-۵۴۱-۵۴۲-۵۴۳-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۴۷-۵۴۸-۵۴۹-۵۵۰-۵۵۱-۵۵۲-۵۵۳-۵۵۴-۵۵۵-۵۵۶-۵۵۷-۵۵۸-۵۵۹-۵۶۰-۵۶۱-۵۶۲-۵۶۳-۵۶۴-۵۶۵-۵۶۶-۵۶۷-۵۶۸-۵۶۹-۵۷۰-۵۷۱-۵۷۲-۵۷۳-۵۷۴-۵۷۵-۵۷۶-۵۷۷-۵۷۸-۵۷۹-۵۸۰-۵۸۱-۵۸۲-۵۸۳-۵۸۴-۵۸۵-۵۸۶-۵۸۷-۵۸۸-۵۸۹-۵۹۰-۵۹۱-۵۹۲-۵۹۳-۵۹۴-۵۹۵-۵۹۶-۵۹۷-۵۹۸-۵۹۹-۶۰۰-۶۰۱-۶۰۲-۶۰۳-۶۰۴-۶۰۵-۶۰۶-۶۰۷-۶۰۸-۶۰۹-۶۱۰-۶۱۱-۶۱۲-۶۱۳-۶۱۴-۶۱۵-۶۱۶-۶۱۷-۶۱۸-۶۱۹-۶۲۰-۶۲۱-۶۲۲-۶۲۳-۶۲۴-۶۲۵-۶۲۶-۶۲۷-۶۲۸-۶۲۹-۶۳۰-۶۳۱-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۵-۶۳۶-۶۳۷-۶۳۸-۶۳۹-۶۴۰-۶۴۱-۶۴۲-۶۴۳-۶۴۴-۶۴۵-۶۴۶-۶۴۷-۶۴۸-۶۴۹-۶۵۰-۶۵۱-۶۵۲-۶۵۳-۶۵۴-۶۵۵-۶۵۶-۶۵۷-۶۵۸-۶۵۹-۶۶۰-۶۶۱-۶۶۲-۶۶۳-۶۶۴-۶۶۵-۶۶۶-۶۶۷-۶۶۸-۶۶۹-۶۷۰-۶۷۱-۶۷۲-۶۷۳-۶۷۴-۶۷۵-۶۷۶-۶۷۷-۶۷۸-۶۷۹-۶۸۰-۶۸۱-۶۸۲-۶۸۳-۶۸۴-۶۸۵-۶۸۶-۶۸۷-۶۸۸-۶۸۹-۶۹۰-۶۹۱-۶۹۲-۶۹۳-۶۹۴-۶۹۵-۶۹۶-۶۹۷-۶۹۸-۶۹۹-۷۰۰-۷۰۱-۷۰۲-۷۰۳-۷۰۴-۷۰۵-۷۰۶-۷۰۷-۷۰۸-۷۰۹-۷۱۰-۷۱۱-۷۱۲-۷۱۳-۷۱۴-۷۱۵-۷۱۶-۷۱۷-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۰-۷۲۱-۷۲۲-۷۲۳-۷۲۴-۷۲۵-۷۲۶-۷۲۷-۷۲۸-۷۲۹-۷۳۰-۷۳۱-۷۳۲-۷۳۳-۷۳۴-۷۳۵-۷۳۶-۷۳۷-۷۳۸-۷۳۹-۷۴۰-۷۴۱-۷۴۲-۷۴۳-۷۴۴-۷۴۵-۷۴۶-۷۴۷-۷۴۸-۷۴۹-۷۵۰-۷۵۱-۷۵۲-۷۵۳-۷۵۴-۷۵۵-۷۵۶-۷۵۷-۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰-۷۶۱-۷۶۲-۷۶۳-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶-۷۶۷-۷۶۸-۷۶۹-۷۷۰-۷۷۱-۷۷۲-۷۷۳-۷۷۴-۷۷۵-۷۷۶-۷۷۷-۷۷۸-۷۷۹-۷۸۰-۷۸۱-۷۸۲-۷۸۳-۷۸۴-۷۸۵-۷۸۶-۷۸۷-۷۸۸-۷۸۹-۷۹۰-۷۹۱-۷۹۲-۷۹۳-۷۹۴-۷۹۵-۷۹۶-۷۹۷-۷۹۸-۷۹۹-۸۰۰-۸۰۱-۸۰۲-۸۰۳-۸۰۴-۸۰۵-۸۰۶-۸۰۷-۸۰۸-۸۰۹-۸۱۰-۸۱۱-۸۱۲-۸۱۳-۸۱۴-۸۱۵-۸۱۶-۸۱۷-۸۱۸-۸۱۹-۸۲۰-۸۲۱-۸۲۲-۸۲۳-۸۲۴-۸۲۵-۸۲۶-۸۲۷-۸۲۸-۸۲۹-۸۳۰-۸۳۱-۸۳۲-۸۳۳-۸۳۴-۸۳۵-۸۳۶-۸۳۷-۸۳۸-۸۳۹-۸۴۰-۸۴۱-۸۴۲-۸۴۳-۸۴۴-۸۴۵-۸۴۶-۸۴۷-۸۴۸-۸۴۹-۸۵۰-۸۵۱-۸۵۲-۸۵۳-۸۵۴-۸۵۵-۸۵۶-۸۵۷-۸۵۸-۸۵۹-۸۶۰-۸۶۱-۸۶۲-۸۶۳-۸۶۴-۸۶۵-۸۶۶-۸۶۷-۸۶۸-۸۶۹-۸۷۰-۸۷۱-۸۷۲-۸۷۳-۸۷۴-۸۷۵-۸۷۶-۸۷۷-۸۷۸-۸۷۹-۸۸۰-۸۸۱-۸۸۲-۸۸۳-۸۸۴-۸۸۵-۸۸۶-۸۸۷-۸۸۸-۸۸۹-۸۹۰-۸۹۱-۸۹۲-۸۹۳-۸۹۴-۸۹۵-۸۹۶-۸۹۷-۸۹۸-۸۹۹-۹۰۰-۹۰۱-۹۰۲-۹۰۳-۹۰۴-۹۰۵-۹۰۶-۹۰۷-۹۰۸-۹۰۹-۹۱۰-۹۱۱-۹۱۲-۹۱۳-۹۱۴-۹۱۵-۹۱۶-۹۱۷-۹۱۸-۹۱۹-۹۲۰-۹۲۱-۹۲۲-۹۲۳-۹۲۴-۹۲۵-۹۲۶-۹۲۷-۹۲۸-۹۲۹-۹۳۰-۹۳۱-۹۳۲-۹۳۳-۹۳۴-۹۳۵-۹۳۶-۹۳۷-۹۳۸-۹۳۹-۹۴۰-۹۴۱-۹۴۲-۹۴۳-۹۴۴-۹۴۵-۹۴۶-۹۴۷-۹۴۸-۹۴۹-۹۵۰-۹۵۱-۹۵۲-۹۵۳-۹۵۴-۹۵۵-۹۵۶-۹۵۷-۹۵۸-۹۵۹-۹۶۰-۹۶۱-۹۶۲-۹۶۳-۹۶۴-۹۶۵-۹۶۶-۹۶۷-۹۶۸-۹۶۹-۹۷۰-۹۷۱-۹۷۲-۹۷۳-۹۷۴-۹۷۵-۹۷۶-۹۷۷-۹۷۸-۹۷۹-۹۸۰-۹۸۱-۹۸۲-۹۸۳-۹۸۴-۹۸۵-۹۸۶-۹۸۷-۹۸۸-۹۸۹-۹۹۰-۹۹۱-۹۹۲-۹۹۳-۹۹۴-۹۹۵-۹۹۶-۹۹۷-۹۹۸-۹۹۹-۱۰۰۰-۱۰۰۱-۱۰۰۲-۱۰۰۳-۱۰۰۴-۱۰۰۵-۱۰۰۶-۱۰۰۷-۱۰۰۸-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۱-۱۰۱۲-۱۰۱۳-۱۰۱۴-۱۰۱۵-۱۰۱۶-۱۰۱۷-۱۰۱۸-۱۰۱۹-۱۰۲۰-۱۰۲۱-۱۰۲۲-۱۰۲۳-۱۰۲۴-۱۰۲۵-۱۰۲۶-۱۰۲۷-۱۰۲۸-۱۰۲۹-۱۰۳۰-۱۰۳۱-۱۰۳۲-۱۰۳۳-۱۰۳۴-۱۰۳۵-۱۰۳۶-۱۰۳۷-۱۰۳۸-۱۰۳۹-۱۰۴۰-۱۰۴۱-۱۰۴۲-۱۰۴۳-۱۰۴۴-۱۰۴۵-۱۰۴۶-۱۰۴۷-۱۰۴۸-۱۰۴۹-۱۰۵۰-۱۰۵۱-۱۰۵۲-۱۰۵۳-۱۰۵۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۰۵۷-۱۰۵۸-۱۰۵۹-۱۰۶۰-۱۰۶۱-۱۰۶۲-۱۰۶۳-۱۰۶۴-۱۰۶۵-۱۰۶۶-۱۰۶۷-۱۰۶۸-۱۰۶۹-۱۰۷۰-۱۰۷۱-۱۰۷۲-۱۰۷۳-۱۰۷۴-۱۰۷۵-۱۰۷۶-۱۰۷۷-۱۰۷۸-۱۰۷۹-۱۰۸۰-۱۰۸۱-۱۰۸۲-۱۰۸۳-۱۰۸۴-۱۰۸۵-۱۰۸۶-۱۰۸۷-۱۰۸۸-۱۰۸۹-۱۰۹۰-۱۰۹۱-۱۰۹۲-۱۰۹۳-۱۰۹۴-۱۰۹۵-۱۰۹۶-۱۰۹۷-۱۰۹۸-۱۰۹۹-۱۱۰۰-۱۱۰۱-۱۱۰۲-۱۱۰۳-۱۱۰۴-۱۱۰۵-۱۱۰۶-۱۱۰۷-۱۱۰۸-۱۱۰۹-۱۱۱۰-۱۱۱۱-۱۱۱۲-۱۱۱۳-۱۱۱۴-۱۱۱۵-۱۱۱۶-۱۱۱۷-۱۱۱۸-۱۱۱۹-۱۱۲۰-۱۱۲۱-۱۱۲۲-۱۱۲۳-۱۱۲۴-۱۱۲۵-۱۱۲۶-۱۱۲۷-۱۱۲۸-۱۱۲۹-۱۱۳۰-۱۱۳۱-۱۱۳۲-۱۱۳۳-۱۱۳۴-۱۱۳۵-۱۱۳۶-۱۱۳۷-۱۱۳۸-۱۱۳۹-۱۱۴۰-۱۱۴۱-۱۱۴۲-۱۱۴۳-۱۱۴۴-۱۱۴۵-۱۱۴۶-۱۱۴۷-۱۱۴۸-۱۱۴۹-۱۱۵۰-۱۱۵۱-۱۱۵۲-۱۱۵۳-۱۱۵۴-۱۱۵۵-۱۱۵۶-۱۱۵۷-۱۱۵۸-۱۱۵۹-۱۱۶۰-۱۱۶۱-۱۱۶۲-۱۱۶۳-۱۱۶۴-۱۱۶۵-۱۱۶۶-۱۱۶۷-۱۱۶۸-۱۱۶۹-۱۱۷۰-۱۱۷۱-۱۱۷۲-۱۱۷۳-۱۱۷۴-۱۱۷۵-۱۱۷۶-۱۱۷۷-۱۱۷۸-۱۱۷۹-۱۱۸۰-۱۱۸۱-۱۱۸۲-۱۱۸۳-۱۱۸۴-۱۱۸۵-۱۱۸۶-۱۱۸۷-۱۱۸۸-۱۱۸۹-۱۱۹۰-۱۱۹۱-۱۱۹۲-۱۱۹۳-۱۱۹۴-۱۱۹۵-۱۱۹۶-۱۱۹۷-۱۱۹۸-۱۱۹۹-۱۲۰۰-۱۲۰۱-۱۲۰۲-۱۲۰۳-۱۲۰۴-۱۲۰۵-۱۲۰۶-۱۲۰۷-۱۲۰۸-۱۲۰۹-۱۲۱۰-۱۲۱۱-۱۲۱۲-۱۲۱۳-۱۲۱۴-۱۲۱۵-۱۲۱۶-۱۲۱۷-۱۲۱۸-۱۲۱۹-۱۲۲۰-۱۲۲۱-۱۲۲۲-۱۲۲۳-۱۲۲۴-۱۲۲۵-۱۲۲۶-۱۲۲۷-۱۲۲۸-۱۲۲۹-۱۲۳۰-۱۲۳۱-۱۲۳۲-۱۲۳۳-۱۲۳۴-۱۲۳۵-۱۲۳۶-۱۲۳۷-۱۲۳۸-۱۲۳۹-۱۲۴۰-۱۲۴۱-۱۲۴۲-۱۲۴۳-۱۲۴۴-۱۲۴۵-۱۲۴۶-۱۲۴۷-۱۲۴۸-۱۲۴۹-۱۲۵۰-۱۲۵۱-۱۲۵۲-۱۲۵۳-۱۲۵۴-۱۲۵۵-۱۲۵۶-۱۲۵۷-۱۲۵۸-۱۲۵۹-۱۲۶۰-۱۲۶۱-۱۲۶۲-۱۲۶۳-۱۲۶۴-۱۲۶۵-۱۲۶۶-۱۲۶۷-۱۲۶۸-۱۲۶۹-۱۲۷۰-۱۲۷۱-۱۲۷۲-۱۲۷۳-۱۲۷۴-۱۲۷۵-۱۲۷۶-۱۲۷۷-۱۲۷۸-۱۲۷۹-۱۲۸۰-۱۲۸۱-۱۲۸۲-۱۲۸۳-۱۲۸۴-۱۲۸۵-۱۲۸۶-۱۲۸۷-۱۲۸۸-۱۲۸۹-۱۲۹۰-۱۲۹۱-۱۲۹۲-۱۲۹۳-۱۲۹۴-۱۲۹۵-۱۲۹۶-۱۲۹۷-۱۲۹۸-۱۲۹۹-۱۳۰۰-۱۳۰۱-۱۳۰۲-۱۳۰۳-۱۳۰۴-۱۳۰۵-۱۳۰۶-۱۳۰۷-۱۳۰۸-۱۳۰۹-۱۳۱۰-۱۳۱۱-۱۳۱۲-۱۳۱۳-۱۳۱۴-۱۳۱۵-۱۳۱۶-۱۳۱۷-۱۳۱۸-۱۳۱۹-۱۳۲۰-۱۳۲۱-۱۳۲۲-۱۳۲۳-۱۳۲۴-۱۳۲۵-۱۳۲۶-۱۳۲۷-۱۳۲۸-۱۳۲۹-۱۳۳۰-۱۳۳۱-۱۳۳۲-۱۳۳۳-۱۳۳۴-۱۳۳۵-۱۳۳۶-۱۳۳۷-۱۳۳۸-۱۳۳۹-۱۳۴۰-۱۳۴۱-۱۳۴۲-۱۳۴۳-۱۳۴۴-۱۳۴۵-۱۳۴۶-۱۳۴۷-۱۳۴۸-۱۳۴۹-۱۳۵۰-۱۳۵۱-۱۳۵۲-۱۳۵۳-۱۳۵۴-۱۳۵۵-۱۳۵۶-۱۳۵۷-۱۳۵۸-۱۳۵۹-۱۳۶۰-۱۳۶۱-۱۳۶۲-۱۳۶۳-۱۳۶۴-۱۳۶۵-۱۳۶۶-۱۳۶۷-۱۳۶۸-۱۳۶۹-۱۳۷۰-۱۳۷۱-۱۳۷۲-۱۳۷۳-۱۳۷۴-۱۳۷۵-۱۳۷۶-۱۳۷۷-۱۳۷۸-۱۳۷۹-۱۳۸۰-۱۳۸۱-۱۳۸۲-۱۳۸۳-۱۳۸۴-۱۳۸۵-۱۳۸۶-۱۳۸۷-۱۳۸۸-۱۳۸۹-۱۳۹۰-۱۳۹۱-۱۳۹۲-۱۳۹۳-۱۳۹۴-۱۳۹۵-۱۳۹۶-۱۳۹۷-۱۳۹۸-۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱-۱۴۰۲-۱۴۰۳-۱۴۰۴-۱۴۰۵-۱۴۰۶-۱۴۰۷-۱۴۰۸-۱۴۰۹-۱۴۱۰-۱۴۱۱-۱۴۱۲-۱۴۱۳-۱۴۱۴-۱۴۱۵-۱۴۱۶-۱۴۱۷-۱۴۱۸-۱۴۱۹-۱۴۲۰-۱۴۲۱-۱۴۲۲-۱۴۲۳-۱۴۲۴-۱۴۲۵-۱۴۲۶-۱۴۲۷-۱۴۲۸-۱۴۲۹-۱۴۳۰-۱۴۳۱-۱۴۳۲-۱۴۳۳-۱۴۳۴-۱۴۳۵-۱۴۳۶-۱۴۳۷-۱۴۳۸-۱۴۳۹-۱۴۴۰-۱۴۴۱-۱۴۴۲-۱۴۴۳-۱۴۴۴-۱۴۴۵-۱۴۴۶-۱۴۴۷-۱۴۴۸-۱۴۴۹-۱۴۵۰-۱۴۵۱-۱۴۵۲-۱۴۵۳-۱۴۵۴-۱۴۵۵-۱۴۵۶-۱۴۵۷-۱۴۵۸-۱۴۵۹-۱۴۶۰-۱۴۶۱-۱۴۶۲-۱۴۶۳-۱۴۶۴-۱۴۶۵-۱۴۶۶-۱۴۶۷-۱۴۶۸-۱۴۶۹-۱۴۷۰-۱۴

۶) اسباب روسهای خاص در این روس حسب نوع  
 احتیاط از روی بخشی از فعالیتهای يك سازمان ساحه می شود  
 Women's Reserve of United States Naval Reserve  
 Women's Appointed Volunteer Reserve  
 Emergency Service ساحه سده (WAVES) که بخشی  
 فعالتهای سازمان مربوط را نشان می دهد  
 در زبان فارسی با توجه به احتیاطات موجود می توان  
 قواعدی را برای اختصارسازی استخراج کرد.

۱) اسباب حروف اول مانند

ساواک مختصر سازمان اطلاعات و امنیت کشور  
 براحا " سروی رسمی ارتش جمهوری اسلام  
 هما " هواپیمایی ملی ایران  
 ک م م " کوهکریب مصری مسرک  
 ص " صلی الله علیه و آله وسلم، و سفحه  
 ع " علیه السلام  
 م " موجه

۲) اسباب حرف آخر مانند.

م مختصر مدرم  
 ل " مقال  
 ۳) اسباب حروف اول و آخر مانند.  
 ره مختصر رحمه الله علیه  
 عدل " عسر مقال

۴) بخش (سیلاب) اول مانند

ار مختصر آزمایشگاه  
 ویر " ویرگول  
 ۵) بخش (سیلاب) آخر. مانند

فه مختصر دقیقه  
 عب " ساعت

۶) انتخاب برخی از حروف مانند

بیما مختصر بیمارستان  
 ظم " اصحاب کاظم (ع)  
 یب " الهدی  
 طس " ابن طاووس  
 خن " اختلاف مقدمین

۷) بحث در این روس برخی از اجرای کلمات با هم ترکیب  
 می شود مانند:

مسائر مختصر مساور سرو  
 نوایر " تولید و انتقال نیرو  
 بهر حال اختصارسازی در هر زبان سبکی نه ویژگیها  
 زبان دارد. مهمترین این ویژگیها عبارتند از نوع خط و حروف

تنها بخشی از احتیاطات را تشکیل می دهد در این زبان راههای  
 اختصارسازی بسیار متنوع است و می توان گفت که تقریباً هیچ  
 قاعده خاصی برای اختصارسازی وجود ندارد. مداولترین  
 روسهای اختصارسازی در زبان انگلیسی عبارتند از  
 ۱) انتخاب حروف اول کلمات این روس مرسومترین روس  
 اختصارسازی است. مانند:

MA	مختصر	Master of Art
USA	"	United States of America
"	"	American Federation of Labor-Congress
AFL-CIO	"	of Industrial Organization
UNESCO	"	United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization
NATO	"	North Atlantic Treaty Organization
IDR	"	Franklin Delano Roosevelt

۲) اسباب حروف اول و آخر کلمه در این روس حروف اول  
 و آخر کلمه به عنوان مختصر کلمه برگزیده می شود مانند.

Dr	مختصر	Doctor
Mr	"	Mister
Pa	"	Pennsylvania
vs	"	Versus

۳) انتخاب برخی از حروف کلمه مانند.

Bldg	مختصر	Building
mfr	"	manufacturer
Ltd	"	Limited

۴) انتخاب بخشی (سیلابی) از یک کلمه در این روس معمولاً  
 بخش (سیلاب) اول کلمه به عنوان مختصر کلمه اصلی به کار  
 می رود. مانند.

Prof	مختصر	Professor
Wash	"	Washington

۵) انتخاب مخلوطی از حروف کلمه اصلی مانند.

Amoco	مختصر	American Oil Company
Texaco	"	Texas Oil Company

حرف حوایی می‌کشد مانند CBS, FBI, و ABC حتی برخی از اختصاراتی که دارای حروف صداداراند و به صورت یک کلمه قابل خواندن هستند به صورت حرف حوایی خوانده می‌شوند مانند MFI که مبت خوانده نمی‌شود بلکه ادای بی خوانده می‌شود

به هر حال از بحث فوق به این نتیجه می‌رسیم که مشکل کمبود حروف صدا دار در زبان فارسی مسکلی حدی نیست و می‌توان با انتخاب مناسب حروف، ثلثات سکندر و فائیل خواندن صاحب و اکثر این امر ميسر بود احتیضارات را حروف حوایی کرد.

مسئله دیگر زبان فارسی برای اختصار سازی نداشتن حروف  
برگ است که البته این امر را با ایجاد دستور العملهایی به کمک  
علامه سخاوندی و با صورت مختلف حروف حسی قابل حل است. در  
کتابهای قدیم فارسی که به صورت دستورساز اند بالای  
اختصارات علامتی مانند «۸» یا «-» قرار می دادند. وجود این  
علامت در بالای یک کلمه به این معنی بوده است که آن کلمه از  
اختصارات است

## (٦) اختصارات بين المللى

برخی از احتقاراب رباهای بیگانه امروز حسه بین المللی پیدا کرده است و بهتر است این احتقاراب به همان صورت در زبان فارسی به کار رود چند نمونه از این احتقاراب به شرح زیر است (۱) غلام سیمایی. امروز همه عناصر سیمایی صورت محض شده دارند بهتر است در زبان فارسی این احتقاراب به همان صورت به کار رود.

Fe	محصر	اهس (لاتين. ferrum)
Cu	"	مس (لاتين. cuprum)
Ag	"	بره (لاتين. argentum)

(۲) مواد کمیتهای فیزیکی غالب کمیتهای فیزیکی س از مدی به صورت مختصر به کار می رود اکنون بسیاری از این مواد کاربرد س الملی یافته اند و در زبان فارسی هم معمولاً به همان صورت به کار می رود.

(Mass) جرم	مختصر	$m$
(Density) جگالی	"	$d$
(Force) نیرو	"	$f$
(Work) کار	"	$W$
(Torque) گشتاور نیرو	"	$T$
(Energy) انرژی	"	$E$

(۳) مواد واحدهای کمیّات. واحدهای کمیّات نیز نمادهایی دارند که تقریباً در همه کشورهای دنیا به يك صورت به کار می روند مانند:

در سبب رمانهای لاتین بر زبان فارسی حروف الفبائی این  
چهار سبب میلاد زبان انگلیسی حروف و اعداد را مقصوتهای  
از نیم مقصوبها و ترکیب برخی از آنها مقصوتهای مرکب اند.  
در حسن تعداد کلماتی که با آن حروف در زبان انگلیسی شروع  
می شود پس از ۲۰٪ است یعنی تقریباً از هر ۵ کلمه انگلیسی یک  
کلمه با آن حروف شروع می شود ضمناً حروف ربطی مانند and,  
the و ... نیز با حروف صدادار (مقصوبها) شروع می شود. لذا در  
تجزیه شکل احتضارسازی که همان اسباب حروف اول  
نیز است معمولاً کلمه ای حاصل می شود که به کمک حروف  
صدادار موجود در آن قابل خواندن است مثلاً حروف اول

United Nations Educational, Scientific, and Cultural Organization

مکتب است ار ا UNESCO و همان طور که دیده می شود او با  
 او از حروف صدا دار اند لذا ترکیب به دست آمده به راحتی قابل  
 خواندن است. همین طور حروف اول

سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC)، و باز هم همان طور که دیده می شود و  
از طرف صدادار است و لذا ترکیب این گروه قابل خواندن  
ست

اما در الفبای رمان فارسی حروف صدادار عبارت اند از «الف، و، ی» و تنها ۱۰٪ کلمات با این حروف آغار می شوند. پس حروف معروف مصوتهای بلنداند و مصوتهای کوتاه معمولاً با حروف مستخص نمی شوند مگر «ا» در اول کلمات و گاهی «و» در وسط و «ه» در آخر کلمات. مشکلات ناشی از این امر معمولاً پس از ساخت اختصارات به نوعی حل می شود. اینکه ما محض «بیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی» را براحا می خوانیم و نه نراجا یا نراجا حاکی از وجود نوعی راه حل برای این مشکل است. گمان می رود که انتساب صدا به حروف سازنده اختصارات از راه فحاس آنها با کلمات رایج در رمان صورت می گیرد.

اما بسیاری از اختصارات در زبان انگلیسی به صورت يك كلمه  
تبدیل خواهند نشست و معمولا به این خواندن این اختصارات

کلمه امریکا گفتم می‌شود ساراس در جمله‌ای مانند: «میدان امریکا و اروپا رو به ورسکسی است» این ابهام وجود دارد. در منظور فارده امریکا است یا کشور ایالات متحده امریکا. این ابهام متنی مانند من مثال (۳) که دربارهٔ چند مرکز مختلف صحبت می‌کند است با جمله‌ای ظریف «مدیر مرا با این موضوع موافق نیست» مشخص نمی‌شود که مرکز کوناد سده کداه یک از مراکز است یا نه.

ساراس، این نوع کوتاه‌سازی یعنی حذف برخی از ساراس یک اسم طولانی که روس رایج در زبان فارسی است به این احباب روس مناسبی برای اختصارسازی است. (ب) استفاده از اختصارات زبانهای بیگانه این به خصوص دربارهٔ اصطلاحات بنگاه صدف می‌کند از این زبانهای بنگاه برای غالب اصطلاحاتی که تازه اختصار داده شده است صورت مختصر ساخته شده، در برگردان فارسی همان صورت مختصر سده عند به کار می‌رود. وجود اختصارات بنگاه باعث شده به فارسی زبانان اختصارسازی بگویند و ساراس اختصارات بنگاه بهره‌ده به این ترتیب ما شاهد ورود غالب اختصارات بنگاه به فارسی هستیم که البته باعث ضایع شدن زبان خواهد شد.

(ج) نامناسب دانستن خط و حروف الفبای زبان فارسی افراد غالباً از سوی افرادی مطرح می‌شود که به اختصارسازی زبانهای بنگاه، مثلاً زبان انگلیسی، را به اختصارسازی در نظر می‌گیرند. البته در زبان فارسی حرف برک وجود ندارد و نمی‌توان مانند زبان انگلیسی اختصار از سایر کلمات من مستخرج کرد اما در همان زبان انگلیسی ساراس از اختصارات با حروف کوچک توسعه می‌شود مانند: (مختصر appendix)، (مختصر asst)، (مختصر assistant)، (مختصر ibid)، (مختصر leg)، (مختصر legal)، (مختصر pi)، (مختصر price pair)، (مختصر price pair)، (مختصر quantity)، (مختصر sta)، (مختصر station)، (مختصر vil)، (مختصر village)، (مختصر zone، zero)، ساراس بداشت حروف به هیچ مانعی برای اختصارسازی در زبان فارسی نخواهد داشت. کما اینکه در عربی که خط آن شبیه فارسی است حتی در ماده‌های ریاضی از حروف عربی استفاده می‌شود به‌شهرت حاشیه لازم باشد می‌توان به کمک علائم سخاویدی از اختصار اختصارات با دیگر کلمات جلوگیری کرد.

مسئله دیگری که در این زمینه مطرح می‌شود این است اختصارات ساخته شده حوس تلفظ نیستند. البته همان به بخش ۵ این مقاله گفته شد کم بودن حروف صداد فارسی (حز حروف الف، و، ی) باعث می‌شود برخی اختصارات ساخته شده را بتوان به صورت یک سده

باسکال (Pascal)	محضر	Pa
نیوتن (Newton)	"	N
مترمکعب بر کیلوگرم	"	m <sup>3</sup> /kg
اوم (Ohm)	"	Ω
فاراد (Farad)	"	F
هائری (Henry)	"	H

السه در مورد واحد آن دسه از کمیتها که کاربرد گسترده دارد مانند واحد اوران (کیلوگرم، سن، گرم) با واحد طول (متر، کیلومتر، ساسمیر) بهر است در فارسی اختصارسازی نکرد مانند

کم مختصر کیلومتر  
سم " ساسمیر

(۲) سارماهایی که نام مختصر آنها از نام کامل آنها معروف است در این موارد بهر است همان صورت مختصر سده را به عنوان نام سارما بدرفت مانند

یونسکو (UNESCO) مختصر United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization  
ناو (NATO) " North Atlantic Treaty Organization

(۷) علل عدم رواج اختصارسازی در زبان فارسی همان طور که اشاره شد اختصارسازی در هر زبان گراسی طبیعی است. اما در زبان فارسی اختصارسازی حدان رواج ندارد برخی از دلایل این امر عبارت‌اند از

الف) اختصارسازی نامناسب در بخش ۴ این مقاله گفته شد که در زبان فارسی نوعی کوتاه‌سازی انجام می‌پذیرد به این صورت که در مورد کلمات مرکب از چند کلمه معمولاً با حذف تعدادی از کلمات صورت کوتاه سده‌ای به دست می‌آید مثلاً مرکز نسر داسکاهی به دو صورت مرکز یا مرکز نسر مختصر می‌شود همان طور که گفته شد این روس کوتاه‌سازی یعنی حذف به‌فره نامناسب است زیرا ارفد کلام می‌کاهد مثلاً در زبان فارسی معمولاً به جای ایالات متحده امریکا به‌منظور مختصرگویی تنها

د) اختصارات در غالب رباڤهای علمی امروز جهان نفس اساسی انعامی کند و گاه از آن به عنوان رباڤی در درون رباڤ اصلی یاد می‌سزود

هـ) فارسی رباڤان در کدسه خاصه در کتابهایی که به عربی می‌نوسند به حوی از اختصارات بهره می‌برند اما کاربرد اختصارات در رباڤ فارسی فعلی به نسبت ناچیز است

و) امروز رباڤ فارسی به دو دلیل باید از اختصارات بهره نگیرد (۱) رباڤ فارسی حو یک ابزار اطلاع‌رسانی است (۲) در صورت عدم استفاده از اختصارات فارسی، اختصارات رباڤهای سکا به سرعت وارد رباڤ فارسی سده باعث فساد رباڤ خواهد شد

ز) اختصارسازی روسهای کوناون دارد و در رباڤ فارسی باید روسهایی را برگزید که به مقصبات رباڤ سارکاری داسه یاسد

ح) هیچ مانع حدی در برابر اختصارسازی در رباڤ فارسی وجود ندارد و بهتر است بوسه برای محهر کردن رباڤ به ابزار سودمند اختصارات این است که «ارهم اكون اختصارات لازم را ساریم و آنها را به کار ساریم»

#### مراجع

۱) رباڤ به در ربه اختصارات نا نون اتری حات سده است. دسبانی به اختصارات موجود در فارسی و عربی دسوار است در این ربه علاوه بر مراجع سی از ناری این دوسان و همکاران بر حو دار بوده‌ام نه سحر از اسان را بر حود لازم می‌دانم

۲) مفصلی داتری (اسناد ادبانت و رباڤناسی)، نه فهرسی شامل حدود ۴۰۰۰ مطلب مختصر سده در کتابهای قدیم و جدید عربی و فارسی را در اختیار گذاشت

۳) بهاء‌الدین حرمتاهی (مضو فرهنگستان رباڤ و مضو سوزای ترسین واردهای علمی و فنی در مر تر سزداسکاهی) نه در نه مقاله راهمانهای سودمندی داد

۴) علی فعی (بروهنگر و مولف در نه در دایره‌المعارف بررت سانی) نه فهرسی از کتابهای علوم دینی نه در آنها اختصارات به نا فید است در اختیار قرار دادند

مراجع شی مقاله به قرار زیر است

1) Collier Encyclopedia - McMillan Educational Company - New York 1986

2) The Chicago Manual of Style - The University of Chicago Press - London 1982

3) Merriam-Webster's Encyclopedia - Merriam-Webster Educational Company - New York 1986

۴) مصاحب، علامه‌الحسن دایره‌المعارف فارسی، موسسه فرانکلین،

بهران، ۱۳۲۵

۵) معنی، محمد، فرهنگ فارسی، امریکتر، بهران، ۱۳۲۲

۱. سده جدید در مورد تعدادی از اختصارات رباڤ انگلیسی بر مشکل وجود دارد که معمولاً اختصارات را حرف حوایی سده از سوی دیگر این مشکل فعی سس می‌اند که بهاراه سده سازی را اسحاب حروف اول کلمات سداریم، حال آنکه سبهای اختصارسازی متنوع اند و می‌نوان برای اختصارسازی سبب مورد روسی را برگزید که صورت مختصر سده سلفظ یاسد

۲) بی‌توجهی به ضرورت اختصارسازی یکی دیگر از دلایل رواج اختصارسازی بی‌توجهی به ضرورت این است. دربارهٔ رواج اختصارسازی در بخش ۴ این مقاله بحث سداریم اینجا فارسی رباڤان به ضرورت این امر وافق سوزد اختصارسازی در رباڤ فارسی رواج خواهد یافت

۳) لحنی رباڤ رباڤ فارسی دچار نوعی لحنی سده است نه طولانی این رباڤ باعث سوزمندی این سده، اما همس سدی سبب لحنی رباڤ سیر سده است سار این عملاً این رباڤ متبل این گونه از فعالسبهای که موجب حرك و نونایی سسر س از حود مقاومت سنان می‌دهد مقاومت در برابر روسهای س وارد سازی سانه نازر این امر است اختصارسازی سزار س فعالسبهایی است که به رباڤ حرك می‌بخشد و بالطبع نوعی سبب از طرف زبان فارسی و فارسی رباڤان در مقابل خواهد سبب البته سار ماهیت سسسمهای لحن حناحه سروی کافی س حرك بحسیدن به آنها مقصوف سود حركت آنها نانداری سبب سبب به سسسمهای دیگر دارد به هر حال حناحه سبهای اولیه در جهت اختصارسازی در رباڤ فارسی اعاز سود سبب این امر به سرعت رواج خواهد یافت

۱. سجد

۲) امروزه یکی از وظایف اصلی رباڤ اطلاع‌رسانی است سبب به عنوان یک ابزار اطلاع‌رسانی باید دسوق، سربح، سرفه، سهل‌الانتقال، زیبا، و سریع یاسد

۳) اختصارات در زبان به باصرفه بودن، سهل‌الانتقال بودن، و سبب سبب می‌کند و در برخی از موارد بر دس، سراحب، و

# از نوادر قصص گویان

علی رضا دکاوی بی فراکرتلو

تکالیف سرخی مردم را کوسرد می کند حال آنکه مساله بد  
حدیث برداری انسان گاه بدر از یکفیس بوده و این خودست  
لطفه‌هایی فرار گرفته است  
از حمله حکمهای ادبی که در آن حسی به قصص  
احضاص یافته کتاب نرالدر<sup>۱</sup> ابوسعیدانی ادب سعی  
۴۲۱ هـ ق) است این کتاب در چهار فصل است که فصل  
ان نازده باب دارد باب نهم از فصل چهارم تحت عنوان  
الفصاح<sup>۲</sup>، دربرگیرنده حکایاتی از قصص گویان است  
برحمت سیر ابهارا در اسحار بطر خوانندگان می گذارد  
حذف شده یا به سبب مسهجن بودن حکایت بوده یا به سبب  
لطف و نکته حاض ان لفظی است و فقط در زبان عربی  
خواننده‌ای که مس عربی را خواند و فهمد قابل درک

❖

۱۱ از ابوالفظوف که مفسی و محدث و قصص کوی و  
خران بود پرسیدند، چه گویی درباره سماع؟ گفت سماع  
(= روی سکم گرسه) روا نیست پرسیدند در باب بند عبد  
گویی؟ گفت ننوس پرسیدند، چرا، مگر حرام است؟ گفت  
عممی است که از عهده سکرش بر نمی آید.  
□ ابوسان سدوسی عمن صحبتهاش می گفت: فلا  
نظر من ار «رامهرمر» کافرتر است، و منظور «هرمز» بود  
عارم مکه بود و بجه‌هاش دوروبرس می گریستند، گفت  
فدای سما باد، مگر بد که عید فرمان برد سما خواهم بود  
می گفت تا ربی از قبیلۀ محروم ازدواج کردم که عمو من حد  
بن ریز و برانکسده کعبه است.

[۲] حاحظ گوید فصاحی در نضره بود به نام ابوموسی  
روزی در باب کوناهی انام ابجهای و بلندی انام ابجهای  
می راند، از حمله حس گفت کسی که نجاه سال عمر کنه  
نکرده و ناره دو سال هم بدهکار است، پرسیدند چگونه  
این نجاه سال سب و سچ سالس سبها در جواب است  
سال در روزها، بیست سال ان هم یا در غفلت کودکی است

«فصص» در لغت به معنای قصه گویی و در اصطلاح حرفه‌ای بوده  
است که از قرن اول هجری در میان مسلمانان پیدا شد و رسید و  
تکامل یافت و نوعی سخنوری مذهبی عوامانه بوده یا ناکند و نکته  
بر داستانهای عامه‌سند و توحتهای ساده‌دلانه و گاه خرافاتی  
کسی را که بدین کار می پرداخت فاضل (جمع فصاح) و فصاح  
- یعنی فصص کوی - می نامیدند فصص کوی مرلی میان خطب  
رسمی و معرکه گیر دوره کرد داست سعل فصص کوی ساهنهایی  
به نغال و سخنور مسخره و هرلگویی از طرفی و می‌کنند و سخاوی  
مقامات از سوی دیگر داسته است البته فصاحان گاه نفس  
سناسی مهمی بر می یافتند و به لحاظ قدرسان در برانکسج و  
سوی دادن مردم به طرفی، از سوی علما و بر دولتان مورد  
سوء ظن و اسفاد بودند<sup>۳</sup> علما به لحاظ حدیث ساری بعضی از این  
فصص گویان و کمراه شدن مردم به وسیله انسان به کار این  
حسابست سسری سان می دادند<sup>۴</sup> مردم عامی غالباً در برخورد  
عالمان در سخاوانده با فصص گویان طرف استال را  
می گرفتند<sup>۵</sup>

داستانهایی که فصاحان می گفتند و توصف کردار و نضار آنان  
از موضوعاتی است که از دیر باز مورد توجه نویسندگان اسلامی  
فرار گرفته مخصوصاً جنگ بوسان ادبی (حاحظ<sup>۶</sup> و سروان اب)  
گاه به طور برانکده و گاه در فصل و بره‌ای از کتابان راجع به  
فصص گویان مطالبی آورده‌اند بعدها کتابهایی و بره‌ای انسان بوسه  
شد که معروفترین آن کتاب الفصاح و المدکرس ابوالفرج  
ابن الحوری (میر می ۵۹۷ هـ ق) است<sup>۷</sup> ابن الحوری در تألیف  
مستهورس بنس اندس<sup>۸</sup> بر نحسی را به ایان احضاص داده  
است و مخصوصاً از مفاسدی که بر محالس ایان نار می سود ناد  
کرده، و انتقاد دارد که انسان مردم را بی موحی می حداند و  
می گریانند یا با خواندن اسعار عاسفانه در مجامع زنانه و مردانه  
انان را به هوس می اندازند و رنگ سطح و ظامات به مسر خود  
می دهند تا به هر برت استکی نگزند تا «حالی» ایجاد کند.  
ابن الحوری بر فصاح (در زمان او به معنای سخنور مذهبی  
عوام‌سند) این ایراد را هم دارد که حدیث نمی گوید و مسائل و

بر حواشی و حری هم در حاسب و دم غروب می رید و ممکن  
در طول عمر حالت غش هم به او عارض شود پس نسخه  
بر آنکه سیاه سال عمر کرده، عمری نکرده، بلکه دو سال  
بدهکار است

سینو نه قصص گوی آنه «سم فی سلسله در عنها سبعون دراعا  
یا حود» [الحافه، ۳۲] را حسن حواید «در عنها سبعون  
درع» گفت. خداوند فرموده «هضاد دراع» تو سبب دراع بر  
حد افرویدی؟ گفت: این را برای «نوعا» و «وصف» آدو سردار  
بود برک در دستگاه عباسی [ساحبه اند، برای شما طبایی به  
سبک دایگ و سم کفایت می کند

۱ ابو احمد بنّار ضمن سخنان می گفت نعمیر (ص) حق  
سینه را بر رک سمرده، احسانیکه من از کفیس سرم دارم  
۲ ابو علفمه اسم گرگی را که یوسف را خورد دگر می کرد  
سید یوسف را گرگ بخورد، نه گرگ بهمت سینه سد، گفت این  
همان گرک است که یوسف را بخورد.

۱ در مجلس سفو به این آیه را (که در وصف حوربان بهستی  
ب) به فرانت می خواندند «کانهنّ الباقوت و المرحان»  
بر حص، ۵۸. سفو به گفت: آری اسحسن، به مثل ربان انکاره  
ما در حضور همو اس آنه را (که در وصف اهل جهنم است)  
بندید «کاتما اعسب و حوهم قطعاً من اللیل مظلماً» (یوس،  
۲) یعنی «گوینا صورسان در ناره ای از سب ناریک بوسیده  
ده» گفت این به سب بنار سب است که می خوانده اند

۱ یکی از قصص گویان وفی به بول جمع کردن رسید موقع  
رسید، برسد که مردم براهیده شوند، گفت: ای حوایمردان بای  
ند که عجاب بعد از بنار است

۱ کسی از سفو به پرسید فرآن را در حفظ داری؟ گفت آنه  
آن را از نرم برسد. اول «دحان» چیست؟ گفت هرم بر  
۱ ابو کف قصص گوی در دعا می گفت. «خدا را بر حریل  
و دفرسب، مادرمان غایسه را بیمارز، مرا از درد سکم غایب  
سج»

۱ ابو عقیل قصص گوی می گفت: رعد فرسته ای است  
حکمر از ربور غسل و برگتر از زبور معمولی. گفتند. شاید  
ظهور این باشد که از ربور معمولی کو حکمر و از زبور غسل  
سب. گفت: اگر حسن بودی که عجیب نمودی! کسی از  
بود مسئله حیض برسد که نمی داسب گفت حرف این  
دیده را در مسجد نزن با وقتی من هستم!

۱ یکی سان حنین دعا می کرد. «خدا یا ناس هر معنی که  
ددی و هر بیکی که کرده ایم ما را بیمار را خدا یا مرا با  
و عبد اللّٰه حنبل محسور فرما، خدا یا رافضیان را بیمار را».  
۱ یکی از قصص گویان می گفت: ای مردم، هنگام خوردن و

بوسدن اگر «سم الله» بگویند سلطان ما سما همکاسه نمی سود  
ولی اگر «سم الله» بگویند همکاسه می سود. پس نان حو سور  
بی سم الله بخورند با سلطان هم با سما بخورد، بعدس «بسم الله»  
بگویند و آب بوسند با سلطان آب بوسد و از عطش بمرد

۱ قصص گوی موی رس می کند که آنها در معصبت روده  
است قصص گوی دیگری به ناسب حمزه حج بخای می آورد که  
اه پس از حاجی شدن سهند بدو به خای عمر و ابو بکر فرمائی  
می کسب که این دو در برک فرمائی برخلاف سب رسید  
۱ قصص گوی دیگری نایک حسم نگاه می کرد که با دو حسم  
اسراف است

□ قصص گوی سبحت مخالف مخلوق بودن فرآن بود  
برسدید چه گویی در ناره معاونه (که کاتب فرآن بود)، آنا مخلوق  
است یا نه؟ گفت آن لحظه که وحی می بوسد غیر مخلوق بود و  
رمائی که نمی بوسد مخلوق بود

۱ یکی از قصص گویان روزی می گفت: مردم، آیا می داسد که  
خداوند به سب فقیل هر سه، از آن در فرآن ناس کرده است؟  
برسدید در کخای فرآن؟ گفت اینجا که فرموده «ادبوا بقره»  
[بقره، ۶۷] سپس فرموده «واحر بوه ببعضها» [بقره، ۷۳] و بپر  
فرموده «و فار السور» [هود، ۴۰] و بالاخره فرموده. «لترکین طبقاً

#### حاشیه

۱) لندن اسلامی در قرن چهاره هجری، ادم متر، ترجمه علی رضا  
دکاووی فراگرو امریکس، ۱۳۶۲ جلد دوم، ص ۳۶۷ تا ۳۷۳ و ۳۸۷ تا  
۳۹۲

۲) آنان را مهم به مسلک حوارج می کردند ولی گویا بیستر عو غاگران حسیلی  
بودند

۳) محدثی گفت ما به فضاضان حدب نمی امورم چه ارما یک و حب می گیرید و  
بند، اغس می کند (کتاب الفضا ص ۱۰۲) حات مارلس سوارتر، ص ۱۰۲  
۴) از جمله طبری مورخ و فقه و مفسر معروف با ایمان طرف سد و سکس  
خورد رک لندن اسلامی، بیسگنه، ص ۳۶۷ در فابوسنامه آمده است که مدکر  
ان هم بوسی فضاض است) باید «مردان بنار» داسته باشد تا مجلسش را گرم کند  
۱) حات بقسی، ص ۱۱۴

۵) رک، دکنی و انار حاحط علی رضا دکاووی فراگرو، انتشارات علمی و  
فرهنگی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۸

۶) حات اول این کتاب به اهتمام مارلس سوارتر مستشرق امریکائی صورت  
کرفت (بیروت، دارالمشرق، ۱۹۷۱) حات دوم که صحیح تر است و تعلیقات و  
مقدمه مفیدی دارد به اهتمام فاسم السامرائی (ریاض، ۱۴۰۳ هـ) انجام پذیرفته  
در مورد معرفی حات اخیر رک محله تحفیات اسلامی، سربه سیاد دائره المعارف  
اسلامی، سال ۲، سما ۲، ۱۳۶۶، ص ۱۳۹

۷) تلیس الملیس، ترجمه علی رضا دکاووی فراگرو، مرکز سرداسگاهی، ۱۳۶۸،  
ص ۱۰۱ تا ۱۰۳

۸) در مورد ابو سعید امی رک ساوه نامه، مجموعه مقالات مجمع تاریخ و فرهنگ  
ساوه، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی ساوه، ۱۳۶۹ ص ۷۲ و در مورد معرفی نسخه  
حاتی برالدرك محله تحفیات اسلامی، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۶۵

۹) برالدرك، الجزء الرابع، صص ۲۷۲-۲۸۸

□ ابوتوبه فصص گوی می گفت: بروردگارتان را ستاس  
که ارمیس سیاه سر سید نه سما می دهد. نعمت دیگر این  
که لباسان را بخور می دهید بوی حوس می گردد، اما در آن  
می کنی و بدبو نمی شود.

□ ابواسید در صحبتش می گفت که این عمر موی سار  
می حید نه آن اندازه که سفیدی ریر بغلس آسکار می سد  
□ فصص گوی دیگری گفت: خیال می کنید من اها  
هستم، بخدا هم دیروز روره بودم هم امروز روزه ام و نه  
نگفتم.

□ عبدالاعلی فصص گوی در حالی که ارمستی حم و  
می سد بر گروهی گدسب یکی گفت: این عبدالاعلی  
فصص گوی است، گفت خیلی ها مرا با آن نکمردا  
می کند!

□ قصص گویی در مدینه می گفت. ابلس می حواه  
هر کدام از سما نجاه هزار درهم داسته ناسد و طعیان کند  
در آن میان دعا کرد که حدایا آرووی ابلیس را در حق ما بر  
برما!

□ یکی از اهل حدیب همراه بك نصرانی با فانی ار ساه  
افتادند، با هم حاسب حوردد و سس نصرانی سبوی -  
بیرون آورد و برای خود ناله ای ربح و سر کسد و نك  
برای آن محدب ربح، محدب بی نحاسی و امساع ناله را  
و سر کسد. نصرانی گفت فریاد بروم، من آنجا که رس  
است تعارفی کردم، این که حورددی حمر بود! محدب گفت ا  
داسی که حمر است؟ گفت. علام من آن را از بك نهود  
عنوان حمر حرده است محدب با عجله [نه] سراب را  
و گفت. نه خاطر هس صعب اساد هم سده این را می  
سس حطاب نه نصرانی گفت بو حلی کودبی، ما مح  
حدب سهان بن غنه و بریدس هارون را دسوار می بدر  
وف نقل بك نصرانی را از علامس از بك یهودی راست  
او اس بوسدبی را خمر سگارم؟ این سدبی است  
[از سر حی برسیدند. بك گله چهل نایی که سمس فوح  
و سمس بر بر رکاتس حسب؟ گفت. سسی که سمس فوح و -  
نر بر باسد

□ جامع صیدلانی روری کوره ای را سکست و ارمس  
بادام بیرون آمد. گفت. ناك و مربه است حدایی که خر  
بحواهد در رخم ها صورت نگاری می کند! همو روری نه -  
که سکوه می کرد که «تحمه نماد»، گفت چگونه نماد  
بیست نفر سبب نفر نه نای ان می سسید روری هم نه بار  
که برای دخترس کفسی نحد. برسیدند. حد ساه است  
والله نمی دایم، خر اسکه «حم» سحده را دارد می حوا

عن طبن» [انساق، ۱۹].

□ کسی از سیفویه فصص گوی برسد معنای «غسلین»  
[الحافه، ۳۶] در فران چیست؟ گفت: علی الخبیر سعط، نزد آدم  
واردی آمده ای. بدان که همین سؤل را سعب سال بیس ارسیح  
فقیهی در حجاز برسیدم، هیچ جز درباره آن نمی داسب.

□ رنی نزد جعفر فصص گوی آمد و برسد آنا مریم دحبر  
عمران سامر بود؟ گفت. نه ای فلانکاره! گفت. سس حی بود؟  
گفت ملانکه بود!

□ فصص گویی در کوفه می گفت. بابا آدم ما را ار بهسب  
بیرون آورد، دعا کند ار همانجا که بیرون آمده ام خدا ما را نه  
همانجا برگرداند!

□ فصص گویی در سام (بر روی مبر نفرین می کرد و)  
می گفت: خدایا ابو حسان آردفروس را نکس که در کمس  
مسلمانان نسسه و با احتکار حر حسان را گران می کند، حانه  
ابو حسان هم در اول همین کوحه است - دسب حب

□ ابوسالم فصص گوی می گفت اگر هند جگر حوار نکه ای  
از جگر حمره را فورب داده بود آس حهم بر او حرام می سد،  
نهرتری [ظاهراً فصص گوی دیگری که در انا بود] گفت.  
خدایا از جگر حمره روری ما کی!

□ یکی نزد سمویه فصص گوی آمد که عزم بویه دارم بگوچه  
کنم؟ گفت. با ریسب را براس، با يك بردام بحر، با برو واسطه  
□ فصص گویی می گفت: ار حانوران انکه نحسب وارد

بهسب سود تنبور است، برسید حرا؟ گفت برای انکه بوی  
سکمش می زسد، حلفس را می فسارید و گوسس را می مالدند

□ ابو یوس فقه مصری برد یکی از حلفا آمد حلفه برسید  
چه گویی درباره کسی که سسی حرده و ان سس سری در داده و  
سنگلی از او حسه و جسم مردی را کور کرده، آنا دیه بر عهده  
کیسب؟ گفت: بر عهده فروسده است. حلفه برسید حرا؟ فقه  
گفت: برای انکه او سسی فروخته است که در سس سبب محییق  
داسته، باند ار عهده بر آید.

□ فصص گویی به غرا رف. گفتند دوست داری که سهد  
سوی؟ گفت: آری، سوگند به همان حدایی که از او می حواهم مرا  
تدرسب برد سما برگرداند.



احمق! «همو ضمن سخنس می‌گفت آیا نادانتر از برادران یوس دنده‌اند که برادرسان را گرفتند و در حاه ابداحتد و تهمت بر حرس بستند؟ و منظورس از یوس، یوسف بود (و گرگ را با حرس استاه می‌کرد).

□ ابو العس گوید قصص گویی در کوفه می‌گفت در بهس بر سر هر يك از دوسان خدا هفتاد هزار منده می‌گدارند و بین هر دو منده هفتاد هزار برده هسب که هر دو برده هفتاد هزار سال راه فاصله دارند گفتم اگر ان ادم بهسی از روی حین رجحوا بی تعلید چه می‌کند؟ گفت صاف می‌رود بهم

□ قصص گوی دیگری می‌گفت عده‌ای می‌سدارند که من فران سکو نمی‌دانم اما در فران بالاتر از فل هو الله احد سوره‌ای هسب من ان را مثل ان روانم و شروع کرد به خواندن تا رسید به «لم یکن له» گر کرد و ماند، ناچار گفت هر کس می‌خواهد بمیه سوره را بسود روز جمعه در حلقه ما حاضر سود.

□ کسی سیری به قصص گویی داد که مرا و پدر و مادرم را دعا کن، قصص گوی سر بلند کرد و گفت سه نفر با يك ویرانه، خیلی ارزان است!

□ به قصص گویی گفتند ریسب به هر یسه الوده است گفت: ار همین جمعه مانده

□ قصص گویی در آبادان حسن دعا می‌کرد که حدانا به مردگار سهامب از رانی کن و می‌گفت برادران، از خدا بخواهند که ناخوح و ماحوح را بونه دهد و سه‌ای از سس نایین امد، گفت الهی که گورهایان ریاد سود!

□ ابو بحی محدب برد قصص گویی سهادت داد که می‌داند فلان دیوار متعلق به فلانی است، برسند از کی سانه آن را داری؟ گفت از زمانی که اس دیوار کو حك بود و متعلق به فلانكس بود □ ابو سالم قصص گوی برسند مادرسان کیسب؟ گفت مسی گفت سه سر و يك دحمر برسند مادرسان کیسب؟ گفت مسی که متعلق به ادم بود و ادم به انلس هذیه کرد.

□ به ابو سالم گفتند دعا کن که خدا فلان مسافر را سالم برد بدرس بر گرداند و دو درهم می‌گیری برسید: آن سر کجاست؟ گفت در حسن است گفت از حین تا اینجا دو درهم؟ اگر در سراف یا کتاوه یا سوستر بود، می‌سد

□ دسمال قصص گویی را در دیدند از علامس برسید دسمال کجاست؟ علام گفت نمی‌دانم. گفت ای حرام‌راده می‌دام که ان را بعد از خدا کسی بدر دیده بحر تو (منظورس این بود، که فقط خدا می‌داند و تو می‌دانی که ان کجاست)

□ ابواسد بر گروهی گذسب که ماهی می‌گرفند، گفت ای حوامردان، ماهی تازه است یا نمکسود؟ □ همو روری وارد آب سد، آب تا ناسه نایس بود، فریاد کرد:

حب سیری سد برسند. اسمس را چه گذاسه‌ای؟ گفت یس غاصم المحدث!

□ اسفویه قصص گوی را دیدند به برده کعبه آویخته می‌گفت به برحم!

□ همو بر در حار فروسی کدسب و حاری به نایس حلد به رفروس گفت باب این يك حار حلالم کن که الساعه ن‌وانم ان را سرون بیاورم و گرنه آن را به تو سن می‌دام

□ يك حلقه انگسری بی‌نگس برای ابوسالم قصص گوی دید گفت به صاحب اس حلقه روز شامب در بهسب يك عرقه سفت می‌دهند

□ قصص گویی می‌گفت هر کس سب جمعه دواورده رکعت را با فلان خصوصیات بخواند، خدا برای او يك حانه در بهسب می‌کند يك مرد بطنی [روسانی عرافی] بر حاسب و برسند فریاد بروم، اگر آن نماز را بخوانم به من هم ان حانه را دهند؟ قصص گوی در ناسح دسامی داد و گفت ان برای هاسم و عرب و اهل حراسان است، برای بولك کوچ در عکرا درسحی بغداد می‌سارند

□ حاحط گوید به حلقه قصص گویی رسدم که جمعیت یس، از جمله عده‌ای حواجه (= علام احبه سده)، در آن بود در قصص گوی ایسادم و او را تأند و بحسب می‌کردم و او رسب می‌آمد، تا رسند به بول گرفت، اما کسی به او حبری به قصص گوی رویه من کرد و اهسته گفت اگر خدا بخواهد من الان حلتی در کار می‌ارم، و فریاد کسند حدب دارم از نس (ص) که فرموده «خداوند عوض بهسب می‌دهد به کسی که بنسو غریس را از دست داده است» انگاه گفت می‌داند شد! از دو عضو عزیز در اس حدب حسب؟ مردم برسند سب! ناگریه گفت منظور دو سقه است در ان حال هر يك از حواجه‌ها گوسه دسمال خود را گسود، و سکه‌های ریادی ن قصص گوی جمع سد

قصص گویی در آخر سخنس گفت: ای فرزند آدم، ای ... در حال نمی‌کسی که عمل رسب از تو برد خدا بالا برود؟ سب ... مردم سبب را دادی. گفت چه اسکال دارد؟ حسن نس ... هم در موعظه اس فراوان خطاب می‌کرد «یا لکع» ای

روژه بگیری. گفت: روزه گرفتم و به خانه رفتم، حلوا در دست بود بودند و دستم بی اختیار بس رفت و از آن ناول کردم کتف بود روز دیگر بگر، گفت: گرفتم و به منزل رفتم، هریسه بچه بود دستم بی اختیار بس رفت و از آن ناول کردم، حالا بگو حد کم؟ فصص گوی گفت: به نظر من ماند هر روزه که روزه می گیر دست بسته ناسی.

□ مادر اس عیاس مرده بود، سیفویه فصص گوی برد او آمد گفت: «عظم الله مصیبتك»، خدا مصیبت را بزرگ كند (مطلوبه) این بود که خدا اجر صبر بر مصیبت را ریاد كند)، اس سده لحد رد و گفت: همین طور هست. سیفویه سس برسد ابامحمد، آنا مادر بو فریدی هم داس؟

□ جاحظ گوید: عبدالعزیز عزال در مجلس می گفت: خدا مرا می آفرید و الساعه هر دودست و هر دو نام برده بود. نیز گوید: از ابوسعید رفاعی پرسیدند دنیا چیست و دانسته حسد گفت: دنیا همین است که در آن هستی؛ اما دانسته سرای دیر است دور از اینجا که اهل اینجا از اینجا و اهل اینجا از اینجا ندارند، حرایکه برد ما به بیوت رسیده که خانه های دانسته از حد است و سفساس از حیار است و حارایاسان از حیار است خودسان هم از حیار هستند و حیارهاسان هم از حیار است ای اباسعید، تو گفتی که اهل اینجا از آنجا حری ندارند، آنکه از آنجا کلی خبر دادی گفت تعجب من هم از همین است □ و نیز جاحظ گوید فصص گویی در بصره داسم نه داسان حرحس حزی می داس، روزی همان حد می گفت، مردی از حاصران به گریه افتاد، گفت: سما بر می گرید، بلا بر ما علماهاست!

□ ابوسالم روری فصص می گفت، مردی یکحسم در آنجا و او را ریسخت می کرد. ابوسالم متوجه شد و خطاب به پاره گفت: من دعا می کنم، سما آمن بگوئید. گفتند: بگو. گفت حد هر کس ما را مسخره می کند آن یکی حسمس را هم کوری □ یکی سیفویه فصص گوی را دید و حال خود و خانواده را برسد، جواب داد: این طوری است که روزه روزه می گذارند یک روز حد روزیمان را می دهد و یک روز می دهد. همو رفتی دید. گفت: کجایی که بیست بار سراغ را گرفته ام، این دوست □ ابوسالم محتکران را نفرین می کرد که حدایا آنان را صورت سگ مسح کن و ما را به صورت گرگ درآور تا به گوستسان را بخوریم.

□ و نیز آورده اند که فصص گویی می گفت: من بر حرف می زیم و به خدا می دانم که فایده ای از این حرفها بر من نیست، اما سما چیزی به من ندهد تا حیر و یوایی از طریق من سما رسیده باشد.

آی غرق سدم، آی غرق سدم! برسیدند: چه باعث شد که فریاد کنی؟ گفت: کار از محکم کاری عیب نمی کند

□ از فصص گویی برسیدند که نظرب درباره بوسیدن بید چیست؟ گفت: روا نیست، گفتند: اگر شخص غذای سوز حورده باشد چه طور؟ گفت: این مسأله به طب مربوط می شود.

□ سیفویه نماز خواند و بعد از نماز اسب را سب سلام داد و از سمت حب نداد سب برسیدند. گفت: در این طرف کسی هست که با او حرف می ریم.

□ فصص گویی در سام روایت می کرد که ابوهریره در دست دخترش انگستری زرین دید، بدو گفت انگستری زر به دست مکن که آن آتش است. در آن میان که فصص گوی وعط می کرد دستش آسکار شد و بر انگستس انگستری زر دیدند. گفتند: ای دشمن خدا، ار همان حری که مع می کنی خود استفاده می کنی؟ و به سرش ریختند. گفت: ای مردم من دختر ابوهریره بیستم، انگستری زر بر آن بدبخت حرام شده بود

□ ابوکعب در مسجد کعبه هر چهارشنبه فصص گویی می کرد. یکی از آن روزها آمدنس به تأخیر افتاد و انتظار مردم طول کشید. در این میان فرستاده اس رسید و گفت. ابوکعب می گوید سلامت باز گردید، که من امروز صبح حمار برخاسته ام

□ ابوضمضم نسب فایل عرب را بر می سمر، بکی برسد. پدر آدم که بود؟ ننگش آمد که بگوید می دانم، گفت: آدم سر مضاء بن خلیج است و مادرش صباعه بن فرام بود. مردم خندیدند، متوجه خطای خود شد و گفت: اینکه گفتم نسب برادر مادری آدم بوده است.

□ یکی در نسا پور حماره ای را دید که می برد، گفت: «ربی و ربك الله، لا اله الا الله». دیگری سسد و گفت: خطا کردی. باید می گفتی «اللهم اليسنا العافه» و اختلاف نزد قاصی بردند، گفت: هیچيك درست نگفته اید، هرگاه جنازه ای دیدید بگوئید: «سبحان من يسبح الرعد بحمده و الملائكة من حیفته» یعنی «ياك و منزه است خدایی که رعد برای ستایش او را تسبیح می کند و ملائکه از ترس او را تسبیح می کنند»!

□ مردی نزد فصص گویی آمد و گفت: در روز ماه رمضان ندانسته افطار کرده ام، چه باید بکنم؟ گفت: باید يك روز جای آن

# اربرد اعداد در قصاید خاقانی

اکرم خودی نعمی

این بند بدیل خاقانی (موفی حدود ۵۹۵ هـ) از برگزین  
بی صاحب سبک در ادبیات فارسی و حاتم قصیده سران  
بی برنام و آواره است که از مرآت سبک‌سازی برک هم‌چون  
بی و عنصری و معری بهره کافی برده است اما آنچه در شعر  
بی اهمیت بسیار دارد بوکرایی او در روزگار خویش است که  
بر به این سبزه نو اشاره می‌کند.

مقیمان اسناد دادم که از معنی و لفظ

سبزه ناره به رسم یاسان آورده‌ام (دیوان، ص ۲۵۸)

وآوری خاقانی شامل همه حسیه‌های شعر اوست، از «تحقیق»  
در شعر تعلیمی تا حوزة وسیع خیال ساعرانده‌ای در زمینه کنار  
سازدن عناصری که به دهی ساعران دیگر بنامده است و با  
خاک برکت ساری بدیع و واره افرینی جدید و خای دادن  
میں بکر در آنها.

طلاعات وسیع خاقانی از علوم مختلف، میل نجوم و طب و  
به وادیان و فرهنگ و اساطیر، موجب شده که وی برای بیان  
ر حوس از مجموعه امکانات ربانی در آن حوره‌ها استفاده  
و همس امر سبب دسواری فهم اسعار او برای خواننده‌ای  
نه فاقد این اطلاعات باشد. بخصوص که خاقانی ساعری  
نه ناریک اندیش و گونا بردگان اندیشه و هنر حوس را  
نه لوصول نمی‌سندد و به همس دلیل در بسیاری موارد  
سم که بدون خندس واسطه نمی‌توان به مقصود او دست  
نه الهه او خود به این سبزه وفوف دارد و ندان می‌نالد

هست طریق عرب است که من آورده‌ام

اهل سخن را سرد گفته من سوا (دیوان، ص ۳۹)

خی از ویژگیهای سبکی در «طریق عرب» وی کاربرد  
سبک انگیز اعداد است که شعر خاقانی را از شعر ساعران دیگر  
تر می‌سازد. در دیوان خاقانی مضامین پس فراوان می‌توان  
نه وی در بیان و توصیف آنها به نحوی از اعداد کمک گرفته  
نه او با ایجاد بل اعداد میان معنایی که می‌خواهد به دهی  
شبه سفل کند و امکانات ربانی که در احسان دارد به سخن  
نه نوبت بسیاری می‌بخشد: مثلاً وقتی در ارروی طول عمر  
وح می‌گوید «عسری ر سال عمرت حمسن الف حاصل»

«دیوان، ص ۱۹۵» بحسب دهی سبوتنه با يك عمل ریاضی، از این  
عسر ناند حساب تمام عمر را نکند که می‌سود نایصد هزار سال؛  
علاوه بر این، به کارگیری این رقم با عبارت عربی، آیه قرآن را به  
دهی اسان تداعی می‌کند که تعرُج الملائكة و الروحُ إليه فی يومٍ  
کان مقدارهُ خمسین الف سنة» (معارف ۲۷۰) پس بتلویح این  
معنا بر در شعر بهیسه است که منظور از نایصد هزار سال، سالهای  
این جهانی است و در واقع اندک مددوح مورد نظر است،  
بحسب ص با اتهام شعر که اشاره می‌دهد «سال عمر» را عسر به يك  
سال عمر بکنم به تمام عمر که آگاه رقم عمر نجومی می‌سود،  
با وقتی که می‌خواهد در بحسب و سخای مددوح مبالغه کند با  
دکر اعداد، در کنار دانسته‌های مذهبی و فقهی، مقصود او این گونه  
حاصل می‌سود

ما خلق را رخلق و دو دستس سه فله هست

بحرس دو فله است بر احصر سخاس (دیوان، ص ۲۳۱)

و حاصب ریاضی حروف در حساب جمل بر حنس گنجاییسی به  
سعر او می‌دهد.

ملك حو سع بو نافت يك دو سود کار او

سبب به سقصد رسد حوس سه نطق یاف پس

(دیوان، ص ۳۳۵)

این تصویر بر ریا هم بدون ناری گرهس از عدد میسر نمی‌سد:

عید است و پس از سخدم مرده به حمار آمده

بر حرج دوس از حام حم لك سمه دندار آمده

(دیوان، ص ۳۸۸)

خاقانی با علم به خواص اعداد، از شعر نیز غافل نمی‌ماند؛  
هم صورت کتابت شعر و يك نادآور «آه» سیمایی دسمن است و  
هم حاصیب حسای شعر در تقسیم ریاضی بی اهمیت بودن حصم را  
تصویر می‌کند

هست مطلق حو سمر حصم تو بر بحث حاك

در برس احاد و شعر یعنی آه از دم

الحق از احاد ملك حصم تو سمرست و پس

کرچه رود در حساب هیچ بود در قسم (دیوان، ص ۲۶۲)

ناری خاقانی با اعداد در شعر او هندسه خاصی بدید می‌آورد  
که گاهی حدان منظم است که خواننده احساس می‌کند هدف  
ساعر از سرودن است یا ایایی این حسین ساختن مسووری از

## حاشیه

۱) امر حس و دهلوی، که از مقلدان خاقانی در قصیده سرایی بود و در ابتدای  
ساعری حوس دیوان ساعران بزرگ را مطالعه می‌کرد و به تقلید از روش آنان شعر  
می‌گفت، وقتی دیوان خاقانی را در دست گرفت شعر وی را بسیار معنی و پیچیده  
یافت و خود را از تقلید آن ناوان دید به طوری که در بحمه القصیر اعتراف کرد که  
«تنع ان مسر سند» و فقط به حل الفاظ آن اکتفا نمود و تمام آن را هم بحواست و یا  
بواسط اصلاح و مرتب کند (سلی نعمانی، شعر المعجم، ترجمه فخر داعی،  
جاب دوم، دبای کتاب، ج ۲، ص ۱۰۴)

اعداد بوده است که بتواند با آن کلامش را زینت بخشد و تالّو  
ایجاد کند:

نه چار نفس<sup>۱</sup> و سه روح<sup>۲</sup> و دو صحن<sup>۳</sup> و يك فطرب<sup>۴</sup>  
نه يك رفیب<sup>۵</sup> و دو فرع<sup>۶</sup> و سه نوع<sup>۷</sup> و چار اسباب<sup>۸</sup>  
(دیوان، ص ۵۲)

یا

هشت جلد<sup>۱</sup> از هفت حرح<sup>۲</sup> و سس هفت از پنج حس  
چار ارکان از سه ارواح و دو کون<sup>۳</sup> از يك خدا (دیوان، ص ۲)  
البته گاهی هم تار کردن و گستردن این مسورها به اندازه  
ساختن آنها معما گونه می نماید؛ در وصف سه حرف «جاه» ممدوح  
می گوید:

يك دو سد<sup>۱۳</sup> از سه حرفش، چار اصل<sup>۱۴</sup> و پنج سعه<sup>۱۵</sup>  
سنن رور<sup>۱۶</sup> و هفت حسر و<sup>۱۷</sup> نه فقر<sup>۱۸</sup> و هشت مطر<sup>۱۹</sup>  
(دیوان، ص ۱۸۹)

به هشت بهو<sup>۲۰</sup> بهست اندرین سه عرفه<sup>۲۱</sup> معر  
نه هفت حمله<sup>۲۲</sup> نور<sup>۲۳</sup> اندرین دو حجره<sup>۲۴</sup> حواب  
(دیوان، ص ۵۲)

برخی اوفاب، در ابیاتی بی در بی صعب تنسيق اعداد با  
ظرافت تمام به کار رفته است:

در يك سر ناحی از دو دس  
صد سیر بر ریان بییم  
او ساه سه وف<sup>۲۳</sup> و چار ملت<sup>۲۴</sup>  
بر ساه مذیح حوان نسیم  
دهر از فرعش نه پنج همگام  
در سیدر امحان نسیم  
از هفت سهر و هشت جلدس  
رور احور و ست ستان نسیم  
نه حرح ر فلرم کف ساه  
مستقی ده تان نسیم (دیوان، ص ۲۶۹)

و یا در حایب دیگر

این یکی اکسر نفس باطفه  
بر سر صدر رمان خواهم فساند  
این دو طفل نوری اندر مهد جسم  
بر برگ جرده دان خواهم فساند  
اس سه کج نفسی از قصر دماغ  
بر امام اس و حان خواهم فساند  
این چهار احساد کان کاسات

بر مراد کن فکان خواهم فساند (دیوان ص ۱۴۱)

خاقانی در برخی موارد به تکرار عدد خاصی اصرار می ورزد و  
کویی آن را اصل قرار داده سس معدودهای مناسب را در کنارش  
می نساند.

دو حارن فکر و الهامس، دو حارس سرع و توفیس  
دو دمی نفس و آمالس، دو رسمی حرح و کیهاس  
(دیوان، ص ۲۱۱)

چار تکیری نكن بر چار فصل رورگار  
چار بالشهای چار ارکان نه دومان بازمان (دیوان، ص  
هر هفته هفت عید و رفیبان هفت نام  
آدین هفت رنگ سدید بر درس (دیوان، ص ۲۲۶)  
اس مثل خاقانی در به کار بردن عددی معین گاهی با چند  
سدا می کند:

حوسم ر حسد که از بر تا  
سس همدم مهریان نسیم  
من خود نکم طمع که سس نار  
در سس سوی هفت حوان نسیم  
هم طس سره که نفس را

سس نفس نه سالان نسیم (دیوان، ص ۲۶۶)  
خاقانی از حاسب اعداد در کنار معدودهای مناسب  
سایه ای برای اعراضهای ساعرانه حوس استفاده می  
آنها که می گوید

مانه عمر خو نه خو تا بود رسد می کنم  
خو خو از حد می کنی حسب نهانه بی ری  
(دیوان، ص ۲۲۱)

استحاح واحد «خو» در تقسیم عمر، علاوه بر به کار  
حسامری، خود نوعی اغراق است اما خاقانی با «دو سده»  
انها نه اس اغراق ناکند و سبت نسیری می تحسد تا در  
اندوه حوس، اس حس در افلاك تصرف می کند  
دود دلم کر نه فلك بر سود

هفت فلك هفت سود در رمان (دیوان، ص ۳۴۱)  
یاد در تان طرامیر انظار سفاعت از نابوی سر و اساه، اس  
اعداد باری می کند

نابوی سرق و عرب مکر رخصه خواهدم  
کاومد اس حدب دو کوسم چهار کرد (دیوان، ص  
اعداد در صعب مراعات النظر خاقانی هم ظاهر می  
اس سب

خاصه که نه هر طرف سسته سب  
صد نازند از هزار دستان (دیوان، ص ۳۴۵)  
«صد» یا «هزار» از سویی، و «نارند» و «هزار دستان» از سویی  
ناسب دارد. گاهی هم خود اعداد با معانی ملارم آنها اتحاد  
می کند:

اربع<sup>۲۵</sup> سان را ر خمس<sup>۲۶</sup> نصاری دان مدد  
طلسان سان را ر ربار محوسی دان سان (دیوان، ص

رتلسی<sup>۲۷</sup> کجا سعد فلك راست  
نه بر نع<sup>۲۸</sup> صلیب ناد بر وا (دیوان، ص ۲۸)

و یا

این هر چهار ظاهره<sup>۲۹</sup> را خامسه نوی  
هر ناحی از بر راعه<sup>۳۰</sup> دودمان سده (دیوان، ص ۲)

همی هم اعداد، همراه با حنا سهای گوناگون، شعر خافانی را

می بندد

حاشیه:

- (۲) نفس آماره، لوازمه، ملهمه و مطمئه
- (۳) روح نباتی، حیوانی و انسانی
- (۴) زمین و آسمان
- (۵) قطرب الهی
- (۶) خداوند إن الله ثان علیکم ربماً (سأه ۴)
- (۷) روح و نفس ناطقه به اعتبار برحق محققان (ح دیوان، ص ۱۰۰۳) و شاید هم جسم و روح
- (۸) حماد، نبات و حیوان یا نوع سافل (انسان)، نوع متوسط (حیوان و جسم نامی) و نوع عالی (جسم) در معنی
- (۹) چهار ارکان خاک، آب، باد و آتش یا علل اربعه فاعلی، غایی، مادی و صوری
- (۱۰) هست یاغ هست حلد، دارالسلام، دارالغزار، حب عدن، حب المأوی، حب النعم، علیین و فردوس
- (۱۱) هفت آسمان خلق الله سبع سموات طافاً (نوح ۷۱ ۱۵)
- (۱۲) عالم حیات و شهادت
- (۱۳) نفس آدم و حوا الذي خلقکم من نفس واحدیه و خلق منها زوجها (سأه ۴)
- (۱۴) چهار ارکان سه نابوست ۹
- (۱۵) خواص سخکانه ظاهری، نباتی، بویایی، سنجایی، حسایی و سنجایی
- (۱۶) سبب دور افرینش الله الذي خلق السموات والارض وما بينهما فی ستة ايام (سجده ۳۲ ۴)
- (۱۷) هفت ستاره قمر، عطارد، زهره، شمس، مریخ، مشتری و زحل
- (۱۸) افلاک نه کانه هفت فلك محل هفت ستاره (سه نابوست ۱۷)، فلك هشتم، ملك بواب یا بروج که دوازده برج در آن است و معادل «کرسی» در زبان سربست و فلك هم، فلك الافلاک یا فلك اطللس که محیط بر همه افلاک و حالی از نفوس کواکب است، این فلك معادل «عین» در سربست است
- (۱۹) رگ نه حاسه ۱
- (۲۰) نهو صفت و ایوان و نوسک و بالاخانه (برهان)
- (۲۱) سه قسمت معر که محل جواس ناطی است قسمت بیسین محل حسی مشترک و خیال، قسمت منابی محل واهمه و منجمله یا مفکره، قسمت سین محل حافظه
- (۲۲) هفت برده جسم ملجمه، فریه، غسه، غبکوتنه، سکنه، مشیمیه و ضلیه
- (۲۳) د قدم، سانه رور را نه سه جنس تقسیم می کردند و در سه نوبت صبح و سس و سامکاه طیل می گرفتند که سانه حکومت و قدرت بود بعدها، نه اعتبار پنج وب نماز، در پنج وقت طیل کوفس رسم شد (سج هکام)
- (۲۴) نه احتمال فوین، منظور مسلمانان و مسیحیان و یهودیان و زرتشتیان است اما با بسامح در مفهوم «ملت» می توان بر چهار فرقه اهل سب، یعنی سافعی و حنفی و حنبلی و مالکی، بر اطلاق کرد
- (۲۵) از نفس حله سسی صوفیان
- (۲۶) خمیس یا سناهمه، دوره بزرگ مسیحیان که سناهمه رور به طول می انجامد و در این مدت ۱ جورین برحق جوراکیها احتیاب می ورزند
- (۲۷) سلب حالت سعد سزارات است در هنگامی که میان آنها چهار صورت (۱۲ درجه) فاصله ناسد
- (۲۸) بر جمع حالت بخش سزارات است در هنگامی که میان دو سیاره سه صورت (۹ درجه) فاصله ناسد
- (۲۹) منظور از چهار ظاهره اسبه و ساره و حوا و مریم است که در اسات بیسین بدانها اشاره کرده است
- (۳۰) رابعه عده نه، غارف مشهور قرن دوم هجری و معاصر حسن نصری
- (۳۱) مدح ابوالمظفر احسان و ملکه صفوه الدین (دیوان، ص ۶۸) و مدح رش الدین مفتی حوی و رکن الدین عالم ری (دیوان، ص ۲۰۱)

نابوی بوسب رابعه دحیران نفس  
ور رابعه نه رهد فروسر هزار نار (دیوان، ص ۱۷۷)  
ب ربع امد انسان را که نامم  
نه کرد ربع مسکون نافب مسکن (دیوان، ص ۳۲۰)  
سین نالاب نه نالاب فرو و نارم کهر  
ران که صد بوبر مراران نك تموبر ساحند (دیوان، ص ۱۱۲)  
سین نه اجر ان نكو كردند كاندر صد فروو  
این یکی صاحب فران را ساه و سرور ساحند  
(دیوان، ص ۱۱۴)  
تا در دل توهست دو قبله رخاه و اب  
فقرت هبور سبب دو قبله رامتحان (دیوان، ص ۳۱۲)  
فرستم سجنه نالاب نلابه  
سوی بغداد در سوق اللانا (دیوان، ص ۲۶)  
نك بررسی اماری از کاربرد اعداد در شعر خافانی، نتایج  
ی می توان به دست آورد در ۸۳۱۴ بیت مجموعه قصاید  
بی، حدود ۱۷۳۵ مورد استفاده از اعداد، از فارسی و عربی و  
ن بررسی و کسری به شرح زیر است

رک ناده

۲ (۳۸۵ نار) ۱ (۲۷۱) ۷ (۱۹۸) ۴ (۱۸۲) ۳ (۱۱۰)  
۷ (۶۶) ۹ (۵۶) ۱۵ (۴۸) ۸ (۴۵) ۱ (صفر ۱۳)

رده نه نالاب

۱ (۸۰ نار) ۱۰۰۰ (۴۴) ۴۰ (۲۱) ۳۰ (۲۰)  
۱۰۰ (۱۷) ۱۴ (۶) ۵۰۰ (۵) ۵۰۰۰ (۵) ۲۱ (۴)  
۲۱ (۳) ۱۸۰۰۰ (۳) ۲۴ (۳) ۱۷ (۴) ۶۰۰۰۰ (۴)  
۵۰ (۲) ۶۰ (۲) ۷۳ (۲)

عدد ۱، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۱۹، عسرس، ۲۸، ۳۲، ۴۳، ۷۲،  
سین ۱۰۰، ۱۰۰۱، ۹۰۰۰۰، ۶۰۰۰۰۰، ۷۰۰۰۰۰۰، نابون الف  
عدد ۱۰ نار

کسری

سه سجمه (۱۴ نار) ربع (۱۱) سبع (۷) عسر وده نك (۶)  
۳۱۰ (ده نه ۱) سح نك (۱) صد نك (۱)

سین همه اعدادی که خافانی به نحوی در شعر خود از آنها  
استفاده کرده است عدد دو با مستفادس (دوم، بابی، مسأ، حصت و  
نالا ترین رقم را به خود اختصاص می دهد به طوری که  
مورد استفاده از آن مشاهده می شود گویا خافانی حایل  
می به بهره گرفتن از آن دانسته است، با حاسی که حسی در  
صیغ فضا صد خود دو معدوح را برای مدح اسحاب کرده  
ست نه این کار در طول قصیده و در بدا کردن تصاویر و

تسبیهاست مناسب محدودیتهایی را ایجاد می کرده که وی نحوی بی ار عهده آنها برآمده است.

موارد متعددی هم در شعر خاقانی دیده می شود که وی به حای استفاده از عددی بر حسب می دهد آن را به دو عدد تحریر کند که یکی از آن دو، عدد ۲ باشد مثلاً به حای «دوآرده» (طاهره) به ضرورت ساسی از وزن شعر) می گویند «ده و دو» یا «دو سس»

بعل بی اوست خرج کر عمل دست اوست  
آن ده و دو برگشته بر سر کنوان او (دیوان، ص ۳۶۵)

یا:

ای اقباب تا کی در سس و هست مبرل  
دارد ده و دو بر حاک کردن به آسمان بر (دیوان، ص ۱۸۸)

یا «دو سس»

خون ده سس جمع براند خو ناران مسخ

بر من این سسدر ایام مگر یکسانند (دیوان، ص ۱۵۸)

نکته حائلی که در کاربرد اعداد در قصاید خاقانی می توان یافت مقایسه آنها با مفاهیم نجومی و سماوی است برای آگاهی از میزان این مقایسه، باید گفت از ۳۹۹ مورد کاربرد عدد دو، ۱۰۵ مورد آن همراه با معنودهای نجومی یا استعاره ها و سسهای از این سنج است به حد نمونه بوجه کند

قطب وارم بر سر يك نقطه دارد خار منج

این دو مریخ دیت فعل رحل سیمای من (دیوان، ص ۳۲۱)

فلک هم دو با سس بر سس کورا

عصا حر خط استوایی سایی (دیوان، ص ۴۱۶)

این دو صادق جرد و رای که میزان دلند

بر بی عفرت عصیان سسدم نگهدارند (دیوان، ص ۱۵۴)

هر دو ۳۲ بر حسن علم و کنوان حلم

هر دو جورسد خود و قطب وفار (دیوان، ص ۲۰۳)

ماه بو در سس و ماه و سفسس می و حام

با دو ماه و دو سس يك نظر امجداند (دیوان، ص ۱۱۷)

زهره به دو رجمه از سر سس

در رقص کسد سه جواهران را (دیوان، ص ۳۱)

البته از میان افلاک و بروج و کواکب هم آنچه سس از همه تکرار شده حورا و دو سکر است. چنانکه از ۱۰۵ مورد کاربرد نجومی، ۱۵ مورد به حورا، در حساب سس برج آسمان، اختصاص دارد. شاید در حساب کواکب این برج دیدگان خاقانی را در نظاره آسمان بیستر می رنوده که این را این ربودگی در شعر او منعکس شده است.

هستم عطارد این دو قصیده دو سکر سس

لاف عطارد بر دو سکر سکر سس (دیوان، ص ۷۸)

سس حورا خون دو معر اندر یکی حور از سس

یا دو بروج الصم در يك مکان انگیزه (دیوان، ص ۳۹۵)

دفع حور هلالی ندرسان گرد هلالس احرا  
هر سو دو احمر در فران حسی خو حورا داسه  
(دیوان، ص ۳۸۳)

حورا صفت دو گانه هزار اقباب راد

هر گه که رفعت هفت او در بر سحاس (دیوان، ص ۲۳۲)

سو گند حورد مادر طعم که در ساس

از يك سسک دو گانه خو حورا بر اورم (دیوان، ص ۲۰۷)

خاقانی علاوه بر استفاده مستقیم فراوان از اصطلاح

نجومی به اندک بهانه ای هر آنچه را که با آسمان ارتباطی داشته

سخن خود گنجاییده و از این رهگذر، شعر او آینه آسمان است

برای خود عالمی دارد سس آسمان چگونه عوامل سس

عناصر حلال را در ده خاقانی می ربرد

سلسله های فلک سس آن دو رلف

تا یکی قصید سس هان و هان (دیوان، ص ۳۲۱)

هر مه که به يك وطن مه و حور

تا هم خو دو سس دان سس

حالی به وداع از اسک هر دو

لوی سسق از غوان سس (دیوان، ص ۲۶۶)

دل او نایی جورسد فلک داس و نار

خلق او نالت سعدان به خراسان نام (دیوان، ص ۲۹۹)

مرع از کلو الحان سه تا ساحب و دم مسخ

بر سار سا حاک رد این سر دویانی (دیوان، ص ۲۳۴)

ای رای ملك دات سسری که به دو وف

تا جماعه حسی بو و تا اثر رضایی (دیوان، ص ۲۳۷)

بود آقباب رردی کان دور روح درامد

صبح دو عید سمود از سانه هلالس (دیوان، ص ۲۲۷)

از دولس که خانه کی دسمن اوست

خون تیغ صبح صبح دوم در زبان ماس (دیوان، ص ۱)

بعد از معانی نجومی، بالاترین رهم همسسیهای اعداد

شعر خاقانی، معانی دسی سسکیل می دهد؛ چنانکه از مجموع ۱۹

مورد کاربرد عدد دو، ۶۳ مورد آن همراه با مفاهیم دسی است

نصفه موارد عنصر ساحسی به سس می حورد رهم بعدی به سه

به استفاده از معانی مربوط به شمار است از ۱۴ مورد به

می کند و رهم نامشده سس معانی فرهنگی، درباری، لشکر

کسوری، تاریخی، اسطوره ای، حکمی و فلسفی، شعر و سس

و همجنس حروف الفبا، اعضای زوج بدن، عناصر طبیعی،

تقسیم می شود. باید گفت که هیچکدام آنها با معانی نجومی

برابری نمی کند و از این جهت شاید بجا باشد که او را

آسمان سامیم.\*

حاشیه

۳۲ رکی الدین معنی حوی و رکی الدین عالم ری

\* استناد آیات به دیوان خاقانی (تصحیح دکتر صاء الدین سعادی

روار) است

# داستان وهمناك

مريم حوران

راهروان وهم را راه هزارساله باد  
(حافظ)

بغرب خانه سياهوسان، كه مردماس حمامه‌هاي سياه نه س  
مي‌كشد، و مي‌گويد كه هر كه باده اين شهر را بوسد سياهوس  
مي‌شود مرد سحني مسر مي‌گويد ملك غارم ان شهر مي‌شود و  
در ان خانه فضايت خواهردي برمي‌خورد و او غلبت بوسدن  
حمامه سياه را مي‌برد. فضايت ابتدا از حواب دادن امساع  
مي‌وردد، اما سرانجام تسليم مي‌شود و سبي ملك را به حرايه‌اي  
مي‌برد و هر دو در ان خانه‌ها مي‌شوند در حرايه سدي وجود  
دارد كه به طباني متصل است. فضايت به ملك مي‌گويد كه در سبد  
سبست طباط سبد بر كردن ملك فرار مي‌گردد و سبد به حركت  
درمي‌آيد و او را ان قدر بالا مي‌برد كه از فشار طباط به حال حقي  
مي‌افتد. سرانجام گره طباط به ملي مي‌رسد و همان حاصوف  
مي‌شود و ملك ميان رمن و اسمان معلق مي‌ماند. سن از مدني  
مرعي عظيم الحنه بر ميل مي‌سبست و ملك ترسان و بگران ارايك  
چه بر سرش خواهد آمد ناي مرغ را مي‌گردد و مرغ او را به باغ  
حرمي حون باغ ارم مي‌برد كه جمعي از بربرويان در آنجا گردس  
مي‌كشد سن از مدني برپراده‌اي مكوروي موحه حضور او  
مي‌شود و مي‌گويد

كه ريامحرمات حاك برست

مي‌ماند كه سحني اس حاصب

ويكي از ملارماس را به سراع ملك مي‌فرستد تا او برس و جو  
كد ملك به برد ناو مي‌رود و رمن را مي‌بوسد و مي‌خواهد باين

حاشيه

(۱) نظامي گنجوي هفت بحر، به كوسن حسين برمان مختياري، تهران،  
ايرسيا، ۱۳۴۴، ص ۱۲۷-۱۰۲

بوع ادبي هر ميس روايي به عوامل گوناگوني بستگي دارد.  
بله آنكه وقوع رويدادها در عالم واقع ممكن است يا نه مثلا  
ب را در شعر مي‌توان اساس بعير و سنس ميس فرار داد،  
در شعر ريان محاري خود در خارج از حيطه واقعيت عمل  
به همجنس اگر ايري قابل تعبير تمثلي باشد، واقعي بودن  
ادهاي ان ديگر مورد نظر سست

تريف نظر از هر تعريفی كه براي تمثيل (allegory) در نظر  
س، برحي معفديد كه تمثيل روايي است كه معنای ديگري  
ان به دست آورد و معنای سطح بحسن (معنای ظاهري)  
سلا مطرح سست، و گروهی معفديد كه هر دو سطح معنای  
+ چه است، يعني تمثيل هم معنای ظاهري خود را دارد و هم  
- ديگري مي‌توان از ان استساح كرد، البته به شرط آنكه  
شني واضحي به وجود معنای دوم در ابر باشد

• بنهای تمثلي متعددي در ادبيات كهس فارسي وجود دارد  
از روايتها حكاييت «گنبد سياه» از هفت سكر نظامي  
در ان حكاييت سحن از ملكي سياهوس به ميان مي‌آيد كه  
سنس از ان فرار است روري ملك به مردی كه سر نا نا  
سنس است برمي‌خورد و غلبت ان را حونا مي‌شود مرد  
به ان را از من مرس كه حسن بر سسي در حكيم بقاضاي  
سسرع است اما بعد از اصرار ملك، مرد سياهوس سساي  
در ادر ولايت جين به او مي‌دهد، به نام شهر مدهوسان و

نوع ادبی وهمناک را تزوتان تودورف<sup>۲</sup> که از نظر به بردن نامدار مکتب ساختارگرایی است، در فصلی از کتاب وهمناک<sup>۳</sup> عنوان «سگرف و سگف»<sup>۴</sup> به سوه تعبیر ساختارگرایانه مظهر می‌کنند در فصلهای دیگر کتاب به بحث دربارهٔ وحوه و ویرشپا مختلف آن می‌پردازد

از نظر تودورف، در یک امر وهمناک شخصیت اصلی و حواس هر دو، در مورد احتمال وقوع رویدادها در عالم واقع دو تردیدند و تردید آنها به یکی از این دو طریق بر طرف می‌شود: در زبان روان، وقایع به ظاهر عجب توحه عقلانی می‌باشد، معلوم می‌شود که حوادث در عالمی غیر از عالم واقع رخ می‌آید. اس. وهمناک نوع ادبی مسفلی نیست، زیرا هر فرد به تردید به طول انجامد، سرانجام مشخص می‌شود که رویداد با اصطلاح فوق طبیعی غیر واقعی است یا واقعی حناحه رویداد واقعی باشد، روایت در حوره نوع ادبی فرعی «سگرف» (the uncanny) واقع می‌شود و در صورت غیر واقعی بودن حوره نوع ادبی فرعی «سگف» (the marvellous) فرامی‌برد همان طور که اشاره کردم، تلفی تودورف از نوع ادبی وهمناک، ساختارگرایانه و مبسوط بر آراء فردسان دوسوسو بایه‌گذار زبان‌شناسی جدید است. می‌دانم که سوسور به «زبان» و «گفتار» تفاوت قائل شده و زبان را نظامی مجرد؛ انتزاعی دانسته است. «اهمیت کار سوسور در این نیست که نخستین بار زبان را دارای نظام دانسته، بلکه در این است که خصوصیت وابستگی و بستگی احزای این مجموعه اشاره به آن را جزو مهمترین اوصاف ذاتی زبان سمرده است» علاوه، به اعتقاد وی در هر سانه‌ای رابطه میان صورت زبان مدلول آن صرفاً قراردادی و اختیاری است. از سوی دیگر صورت زبانی، مثلاً «کلبه»، در چهارحوت نظام زبان و در صورت‌های زبانی دیگر نظیر «خانه» و «کاج» و جران از خود را داراست و اگر در معنی یا صورت این واژه تعبیری خاص سود با این واژه به نیکاره از زبان حذف شود، ارزش این واژه واره‌های یاد شده انتقال می‌یابد و در کل بر تمامی نظام زبان تأثیر می‌گذارد. بر این اساس، هیچ یک از اجزاء زبان را نمی‌توان از دیگر اجزاء در نظر گرفت و همواره باید روابط متقابل آن درون نظام کلی زبان مد نظر داشت، زیرا هر جزئی از زبان از و معنای خود را از دیگر اجزاء زبان کسب می‌کند.

تودورف بر به همان ترتیب که سوسور هر عنصر زبانی، ارتباط با سایر عناصر زبان فرامی‌داد، نوع ادبی «وهمناک» و بس به همان صورت کنار دو نوع ادبی همجوار آن، «سگرف» و «سگف» فرامی‌دهد، و وحوه تسابه و تفاوت «وهمناک» و «سگرف» و «سگف» را محسوس می‌کند. بدین ترتیب

تخت او بنشیند، اما بانو او را روی تخت، کنار خود، دعوت می‌کند. ملک اظهار می‌دارد که لیاقت چنین حایگاهی را ندارد، زیرا تخت بانو تخت بلقیس و سایسته سلیمان است. خادمی ملک را به سوی سریر راهنمایی می‌کند و بری می‌گوید که برد من رازی است که تو باید از آن آگاه شوی. از او بذرایب سایابی می‌کند و به او باده بسیار می‌نوساند و سب هنگام یکی از کنزاس را به سر برده او می‌فرستد. این ماجرا چندین سب تکرار می‌شود: ملک ناراضی مرتب از راز می‌پرسد و بریزاده وعده به آینده می‌دهد. تا اینکه سبی بر امر اصرار ملک، بریزاده به او می‌گوید که اگر در طلب وصال منی لحظه‌ای حسمات را ببند. ملک جسماسش را می‌بندد و خون باز می‌کند خود را در سب می‌بیند. سب ناگهان به حرکت درمی‌آید و به جای بحسب باز می‌گردد. مرد فضا به ملک می‌گوید بر من نرس خوش گذشته است که سیاهوس سده‌ام. ملک از مرد فضا به نرس سیاهی تقاضا می‌کند و او نیز به جمع سیاهوسان می‌پیوندد.

در این حکایت اشاره‌های واضح و آشکاری، مثل باع ارم و پریراده و باده و نامحرم، بی تردید به معنای دومی دلالت دارد. البته این حکایت نمونه‌ای از تمیل صریح نیست، ولی با توحه به اشاره‌های روشن نظامی به عاقبت کار.

می‌حام از ریادت اندسی

به کمی اوفادام از بیسی

صدهرار آدمی در این عم مرد

که سوی گنج راه داند برد

این روایت در طیف تمیل فرامی‌گردد. و می‌توان حسن تعبیری از آن به دست داد که انسان حاکی در اصل متعلق به عالم بهسب است و به علت ریاده‌طلنی و اصرار در بی بردن به راز، از عالم بالا رانده می‌شود و در زمین دچار اسارت و سیاهی می‌گردد و در این هجران و دوری از اصل ساهوس و مانم‌زده می‌شود

در برخی روایتها نویسنده از وقایع سخن به میان می‌آورد که امکان وقوع آنها در عالم واقع وجود ندارد با دست کم حس می‌نماید. در عین حال نمی‌توان آنها را به سوه تعبیر تمیلی تفسیر کرد. از این جا بحث نوع ادبی دیگری به میان می‌آید که اصطلاحاً آن را «وهمناک» (the fantastic) می‌نامیم.



نویسنده هیچ‌گاه روس نمی‌کند که این وقایع در عالم واقع رخ داده است. یا نه و در سحنه اتهام همچنان باقی می‌ماند. مثال بارز این مورد، رمان *The Turn of the Screw* اثر هری جیمز است که تا پایان آن بر حواشی موجه نمی‌سود که در ملک قدیمی واقعاً ارواح رفت و آمد دارند یا معلم سرخانه‌ای که فرمانی فضای رعب‌آور خانه سده دچار توهم و خیال گسسته است.

در نظریه کلی سانه‌ها، که شامل ادبیات نیز می‌شود، هر سانه‌ای دارای سه نفس ممکن است: یکی نفس کاربردی که مربوط به رابطه سانه‌ها و استفاده‌کنندگان از آنهاست؛ دوم نفس نحوی است که مربوط به رابطه سانه‌ها با یکدیگر می‌شود و سوم نفس معنایی است که به رابطه سانه با مقصدی خارجی آن مربوط می‌شود. تودوروف معتقد است که مون و همناک شاید ویژگی‌های سکی معنی‌ناشنه باشند، اما بدون رویدادهای عجیب و فوق‌طبیعی حکم به همناک بودن آن نمی‌توان کرد. البته منظور وی این نیست که در نوع ادبی «وهمناک» فقط رویدادهای عجیب وجود دارد، بلکه این‌گونه رویدادها از شروط لازم «وهمناک» است. تودوروف برای آنکه این نظر خود را ثابت کند به بررسی نفسهای رویدادهای عجیب در مون و همناک می‌پردازد که چون هر سانه‌ای سه نفس دارد: اولی نفس عناصر و همناک، نفس کاربردی آن، اتحاد تأثیری خاص مایند ترس و وحشت یا کنجکاوی صرف در حواشی است. دوم نفس نحوی عناصر و همناک، در خدمت روایت و حفظ هیول و ولا (suspense) است و خود رویدادهای فوق‌طبیعی سبب می‌شود که سازمان رنج‌رزه علی وقایع، سخته‌تر و مژاکتر شود. سوم آنکه همناک نفس «همان‌گویی» دارد؛ یعنی خود وصف یا موضوع بقاوی ندارد، زیرا «وهمناک» امکان توصیف جهانی و همناک را ممکن می‌سازد، جهانی که بیرون از زبان واقعی ندارد.

تودوروف بحث خود را عمدتاً به سومین نفس «وهمناک» معطوف می‌کند. بررسی مضمون مون و همناک فروز گذشته نشان می‌دهد که همناک در واقع واکنشی است در برابر آنچه جامعه مدموم می‌سرمده و حتی در برخی موارد محارباتی بر برای آن نفس می‌کرده است. به دلیل وجود ممنوعیتهای اجتماعی و اخلاقی، شخصهای این‌گونه روایتها درگیر خوانی می‌شوند که

حاشیه

2) Evzetan Todorov

3) *Introduction à la littérature fantastique* Paris 1970 (*The Fantastic: A Structural Approach to a Literary Genre* Translated by Richard Howard, London: The Press of Case Western Reserve University 1973)

4) *L'étrange, le merveilleux* (The uncanny, the marvellous)

5) F. de Saussure

۶) انوالینس بحقی مناس: تاساسی و کاربرد آن در زبان فارسی، تهران،

۱۳۵۸، ص ۱۰

«همناک» را مرزی میان دو نوع ادبی همجوار می‌داند و اظهار می‌کند که در این سه نوع ادبی تأکید بر اتهام فوق‌طبیعی است و در روایت روس می‌کند که اثر به کدام یک از این سه نوع ادبی معنی دارد.

تودوروف اساس «وهمناک» را بر سکی می‌داند که در شخصیت نوی روایت و حواشی، یا دست‌کم در حواشی، سبب به وقوع رویدادها در عرصه واقعیت ایجاد می‌شود. بنابراین سانه‌ها تا وقتی به سانه‌ها محدود است اثر ادبی به حوره «وهمناک» تعلق دارد. در وقایع در چهارحوت فواش طبعیت بوجه‌بدر باشد یا نبود، سود که محصول بحث و سحنه توهم است، این بردید را طرف می‌سود. پس «وهمناک» در مرز دو نوع ادبی همجوار «سگرف» و «سگف» واقع می‌شود؛ یعنی نویسنده در نوع ادبی «سگرف» رویدادها را در عین آنکه فوق‌طبیعی به نظر می‌رسد، در جهت خوب فواش طبعیت بوجه می‌کند، و در نوع ادبی «سگف» رویدادهایی فوق‌طبیعی رخ می‌دهد که از نظر فواش طبعیت جدا می‌باشد.

بررسی دهمین این انواع ادبی همجوار نشان می‌دهد که دو نوع ادبی موقت میان «وهمناک» و «سگف» از یک سو و «وهمناک» و «سگرف» از سوی دیگر، ظاهر می‌شود. بدین ترتیب روایتی در حوره این انواع ادبی فرعی واقع می‌شود که بردیدی را که مشخصه آثار «وهمناک» حقیقی است با مدنی حفظ می‌کند، اما سرخام به یکی از دو نوع ادبی «سگرف» یا «سگف» می‌شود.

سگرف	وهمناک - سگرف	وهمناک - سگف	سگف
------	---------------	--------------	-----

در سوار فوق موقعیت «وهمناک» در حالت محض خود با خط می‌شود. وهمناک - سگرف را از وهمناک - سگف جدا می‌کند. پس داده می‌شود، زیرا این خط مبس ماهیت «وهمناک» است، یعنی «همناک» مرزی میان دو فلتر و همجوار است.

سازین «وهمناک» نوع ادبی فرآری است، زیرا مثلاً کافی است که شخصیت داستان بگوید «ارحواب که سدار سدم» و در سحنه عرصه «وهمناک» پایان باشد البته در مواردی، اتهام «همناک» یا فراسوی اثر نیز ادامه می‌یابد. به این معنی که

است. البته این روایت با آنکه رمان نوعی طولانی دارد، روایتی آن کوتاه است. بنابراین آن بردیدی که در حواصده می‌آید و مدت طولانی ادامه می‌یابد در این جا در مدب کو با هم بر طرف می‌شود. به علاوه رویدادهای عجب آن مه گوناگون نسب. اما در کل، و برگشهای لارم «سگرف» را در بر؛ بخصوص که دارای «حداقل روایت» است که بدون آن داستانی ممکن نمی‌شود.

روایت، حرکت از تواربی به توارن مسانه دیگر است یکدیگر یکسان بستند. در ابتدای روایت همواره موقعی سده وجود دارد که شخصیت از آن دور می‌شود؛ مثلاً توجو در حواصدهای زندگی می‌کند در يك اجتماع خرد سرک د فواس خاص خود را داراست عدم تواربی با تواربی منفی می‌دهد که در نتیجه آن توجو از حواصده جدا می‌شود در داستان، پس از آنکه موانع بسیاری را از سر راه برداشته و در مدب رسد هم کرده است به محفل حواصدهای تارمی گردد، و به محدد برقرار می‌شود، اما دیگر همان توارن بحسب دا، نسب و حواصدهای دیگر همان حواصدهای سابق نسب. پس يك روایتی شامل دو نوع رویداد است. نوع اول وضعی از بوا عدم توارن را توصیف می‌کند و نوع دوم سانه اسفال از يك دیگری است این دو نوع رویداد به همان تریبی که اسنا تویایی و بیات با عنصر و صفت با فعل متقابل است، با یک متقابل اند اگرچه شخصیت آن عالماً دسوار است اما هر رو این هسته اصلی را در خود دارد

حکایت از این فرار است که حواصدهای - که خود راوی حکایت است - برای دندن سهر رمله و بحقی در باره صحبت آنچه در بر آن سنده است از حواصده جدا می‌شود و تنها به آن حامی موقعیت مکانی و زمانی روایت کاملاً مساعد ایجاد ترس و است. بر را راوی سمسب وارد سهر می‌شود و حواصدهای نمی‌سازد به گورستان سهر می‌رود و وارد گنبدی می‌شود سدت ترس از گورستان و حسنگی راه خوانیده و حواصده به حانوری می‌شود که با حرکات احتیاط‌آمیز به اطراف می‌نگرد و وارد یکی از گندها می‌شود و تارمی گردد و تار ما اح به اطراف خود نگاه می‌کند. راوی از این حرکات که از حواصده جدا است دحار سک می‌شود و در صدد بر می‌آید که شخصیت حواصده معلوم کند. حواصدهای یکی از گندها گوری را می‌سکافد در درمی‌یابد که وی تاس است با سمسب و سر خود بی‌صده گند می‌شود حواصده او حمله می‌کند و بر صورتش می‌اندازد. راوی با صر به سمسب خود سخته جانور را قطع می‌حانور فریاد می‌زند «لعب بر نو باد که مرا کستی!» و سر می‌گیرد. راوی او را تعصب می‌کند. حانور عجب وارد

معمولاً از موهله محرّات است. واکس در برابر محرّات، نفس اجتماعی و همناک است. به همین دلیل روایت‌های و همناک مانه کار مناسبی برای نقد روانکاوانه در فرن بیسم است. تودورف در اصل معتقد است که مطالعات علم روانکاوی و نیز ادبانی که نقد روانشناختی می‌طلبد، جای و همناک را در فرن بیسم گرفته است. البته نوع جدیدی از آثار و همناک نیز در فرن بیسم به وجود آمده است که تفاوت آن با آثار و همناک فرون گذشته، مانند تفاوت میان تعریف فهرمان تراردی کلاسیک و فهرمان تراردی در عصر حاضر است که دیگر لرومی ندارد که از بجای ناسد و هر اسان معمولی می‌تواند فهرمان تراژدی باشد. به همین ترتیب در آثار و همناک فرون گذشته رویدادهای و همناک و فون طبیعی وقتی که در رسته آنچه معمولی و طبیعی انگاشته می‌شد فرار می‌گرفت، عروافی می‌شود. مثلاً «مسح» از اصول و همناک بوده است - حادوگری خود را به شکل حیوانی درمی‌آورد - اما در آثار کافکا رویداد فوق طبیعی دیگر تردیدی بر نمی‌انگردد. زیرا دیایی که کافکا وضع می‌کند آن قدر آسفته و غریب است که هیچ رویدادی در آن عجب و و همناک به نظر نمی‌رسد. و اگر شخصیتی تبدیل به سوسک شود، حواننده دحار تردید نمی‌شود، تردیدی که از شروط اصلی و همناک است.

تودورف شرط لارم دیگری برای متون و همناک تر فائل سده است. این متون نباید به انواع ادبی شعر و تمیل تعلق داشته باشد. البته تودورف طیف وسیعی از انواع مختلف تمیل را با نمونه‌های متعدد مطرح می‌کند. این طیف از تمیل صریح با تمیل پنداری (illusory) را در بر می‌گیرد. سائر این حکایتهایی نظیر «گنبد سیاه» هر چند دارای رویدادهای فوق طبیعی است، حواصدها توسط به نمادهای عرفانی لایه معنایی دیگری می‌توان برای آن یافت، یعنی تمای فردوس و رسیدن به سر آرلی، در حظه نوع ادبی «و همناک» واقع نمی‌شود برای ادامه بحث در رسته «و همناک» و انواع ادبی همجوارس در ادبیات فارسی، نوع ادبی «شگرف» را انتخاب می‌کنم (بررسی نوع ادبی «سگف» که نمونه‌های آن را می‌توان در آثار هدایت، ارحمله «نعت ابونصر» یافت مستلزم بحث مشروحتری است) برای بررسی نوع ادبی «سگرف» حکایتی از باب هشتم فرح بعد از سدت انتخاب سده

می گوید که تو بر این کار رسد دختر ما سکوت کن و در ازای آن او را به عقد خود درآور و صاحب رفاه شو. راوی بسپهاد او را می بندد و قسم می خورد که آن را را اسکار نکند. سپس در حضور جمعی از معتمدان، دختر را به عقد راوی درمی آورند. با گذشت زمان، راوی به دختر علاقه مند می شود، اما کنه او به حنا بر دل دختر می ماند. با آنکه يك سب راوی بر اثر سبکی جسمی بر سینه خود از حواب بیدار می شود و دختر را می بند که بر سینه او سینه و قصد حاس را دارد. راوی ملمسانه علق را حونا می شود دختر می گوید نه تو فکر کرده ای خون دسم را قطع کن، ای ناند مرا به بی سروبانی خون تو سهر دهد و من هم بدرم؟ راوی می گوید حال که حسن است تو هم مرا قضا کن. اما دختر می گوید نه خون راوی ارا او بر سینه است دیگر باید او را کسب راوی به دختر می گوید که قصد تو این است که اردسب من خلاص شوی، من هم ترا طلاق می دهم و بی آنکه به کسی خبری نگویم از این سهر می روم و بی آنکه بر قول خود سوگند می خورد، دختر از روی سینه او برمی خیزد و راوی نه او می گوید که آن دو دیگر بر یکدیگر حرام اند. دختر صد دینار زر به راوی می دهد که خرج راه سارد و طلاقیامه او را بپوشد. راوی بی درنگ طلاقیامه را می پوشد و به دختر می دهد و از آن سهر بی رود.

این حکایت هسته اصلی روایت را داراست، زیرا توازنهای اغاری و نایابی داستان مسانه است و راوی در نایان ارمله به سهر خود ناز می گردد. ماحرای برخورد او با ناس و سپس اردواح با آن دختر و سرانجام ترك او، در حقیقت رویدادهایی بوده که انتقال از نوازی را به نوازی دیگر ممکن ساخته است.

هنگامی که راوی آن حوان عجب را می بند دچار حیرت می شود، اما این رویدادها با آنکه فوق طبیعی به نظر می رسد واقعی است به علاوه نیاپی بیرون حمله محرمانی است که از نظر جامعه مدموم سمرده می شود، اما از نظر روان ساحتی قابل تأمل بررسی است (نفس اجتماعی و همناک).

نفس ادبی و همناک سر در این حکایت مسهود است. حواسته دچار ترسی نوام با کنه کاوی می شود و هول و ولات نایان داستان، هنگامی که راوی از مرگ رهایی می یابد، ادامه دارد. به علاوه داستان طرح سجنده ای دارد و رابطه علی رویدادها کاملاً روشن است. رویدادها کنار یکدیگر و محراً از هم هستند، بلکه درهم سده اند.

#### حاشیه

۱۷. طرح بعد رسبت از فاضی محسن توحی (فره چهارم هجری)، ترجمه حسن بن سعد دهستانی (فره هفتم هجری)، به کوشش اسماعیل حاکمی، تهران، ۱۳۴۳-۱۳۵۵، ص ۸۸۹-۸۸۹.

به سب درمی ناند می گردد راوی روی در غلامی بی ندارد بارور بعد آن را سببند بعد به کورستان می رود و سببه را در حقیقت دستکسی آهس است که ناس آن را برای بدام کورها به کار می برده، بدام می کند و دست را اردسکس بر من می آورد دست لطف و حنا سینه ری با انگسری رزین در کسی نمانان می شود راوی از کرده خود سسمان می شود سب آن حامی حواند نامداد به سهر می رود و سب از برین رحو می ماند که آن حانه متعلق به فاضی سهر است مدتی صبر می شد و سب از اتمام کارهای فاضی به برد او می رود و ماحرا را می گوید فاضی دست بریده را بی سببند، اما اظهار می دارد به انگستر سببه انگستر دختر اوست و از راوی می خواهد که مراد او وارد خانه شود در حانه فاضی سفره می گسبند، فاضی ر همسرش می خواهد که سر سفره بناند، رن به علق حضور محرم سر ناز می رند، اما اصرار فاضی با حد بهدین رن به طلاق نامه می ناند و لاجرم رن سر سفره حاضر می شود فاضی از رن بی خواهد که دختر را هم خبر کند، ناز هم رن امساع می کند و بی اصرار می ورزد تا دختر هم نباحرا در آن حا حاضر می شود خبر با دست راست لقمه ای غذا به دهان می گذارد. فاضی از او بی خواهد که دست حسن را سنان دهد دختر اظهار می دارد که سپس رحم سده و بر آن مرهم گذاسته است ناز هم فاضی اصرار می ناند با سرانجام مادر می گوید که دختر سببه سبب او را از حواب بند کرده و گفته است که دستش را بریده اند، او هم از یک سوانی سکوت کرده و دست دختر را مرهم نهاده، بعد که علق را به حویا سده، دختر گفته حد سالی است که دچار وسوسه نفس دردی سده و از کسیرك خود حواسته است که براس بوسب رن و دستکسی آهس فراهم کند و هر روز که کسی وفات می یابد، گور او را می یافته و سب هنگام با هیأت مبتدل، چهار سب و با مل حیوانات، به گورستان می رفته و گور را می سکافه نش مرده را بر می داشته است، و اکنون حدود سیصد کفن دارد، و به سب گذسته بر سرش آمده بر اثر نیاپی بوده است فاضی به خبر می گوید که تو باعث رسوایی خود و ما سدی و می افراید که او همان مردی است که دست تو را قطع کرده است. دختر حسکین می شود. فاضی از حال و وضع راوی می پرسد و به او

# پدیدارشناسی مناسک تشرف

علی بلوکاتی

آیینها و نمادهای آشناسازی رازهای زادن و دوباره زادن میرچه الیاد  
ترجمه نصرالله زنگونی. تهران. انتشارات آگاه ۱۳۶۸ ۲۸۸ ص

داد و آنها را به ترتیب مرحله «حدا سدن»<sup>۵</sup>، مرحله «حدا گریسی»<sup>۶</sup> یا «گذار»<sup>۷</sup> و مرحله «سوسن»<sup>۸</sup> نام نهاد اس مر سه گانه در بسر صور مناسک گذر در میان مردم حامه بخصوص حامه های ابتدایی و سنتی، مسهود است. لک مناسک و آسهای که با واقعه هایی مانند بلوغ، اردواح، اسه مرگ اسان همراه است، جسم گیر می باشد سه مرحله کد هر يك از اس گونه مناسک برار بوسعه ورسد يكسان با ارر اهمیت برار بر خوردار بسبب. مثلا در سر نقاب بدف. بر نخست یعنی آداب و مناسک حدا سدن مرده ار جمع و ف رندگان. و در مراسم اردواح، مرحله سوم یعنی آداب و سوسن فرد نه گروه و فضا و مكان حدید، برحسگی و اه دارد. در صورتی که در واقعه استی و بلوغ و نامردی، با مر ورود به طرف با جامعه ای ستری معمولا نفس و کارکرد د دوم، یعنی مناسک جدایی گریسی و گذار، ار اعشار و اهمیت فرا بر خوردار است

در بررسی مناسک تشرف در فرهنگهای گونا مردمسپاسان به نفس مؤثر اجتماعی و روایی اس مناسه جامعه ها می برده و به آنها اشاره کرده اند به طور کلی م تشرف، مانند سعایر جمعی دیگر، به تنها نفسی نفوت کد یکپارحگی و اسحام گروهی دارد، بلکه در مناس حد دگرگونی مرلب اجتماعی فرد همچون يك آرمون روایی دهنده عمل می کد

✱

مرحله الیاده<sup>۹</sup> داسمندی است که در سماری ار داسهای و اجتماعی تزهوسی و بصیرت عمفی از خود سان داده، برجسه و مهمی در رمنه اسطوره سناسی، تاریخ بدیدارشناسی آیینها و نمادها و مردمسناسی دس ار خود گذاسته است

الیاده در ۱۹۰۷ در بخارست، بایبخ رومانی، به دنیا ا

اگر دین را «مجموعه ای ار صور و اعمال و مناسک نمادی» بدانم که «اسان را با اوضاع و سراط غایی هسی خود مربط می کند»<sup>۱</sup>، سرف<sup>۲</sup> صورتی از اعمال و مناسک نمادی در میان مردم آیین گرا و سنتی در جامعه های کهن و امروری است که ضمن آن اسان از مرحله ای از حیات فرهنگی - اجتماعی خود گذر می کد و به مرحله دیگری ار حیات فرهنگی - اجتماعی گام می گذارد در این گذر نمادی، اسان با گذراندن آرمو بهایی همراه با رعایت بعضی محرمات موقت یا دایم در خود می میرد و با يك اسحاله رمزگونه، هستی دنیوی و نامقدس خود را رها می کند و در ساحتی قدسی و معنوی بار راده می سود. در این مرحله رندگی اجتماعی خود را در جمع مردم به صورتی نازه، با کسب امتیاری و قول وظایف و فیدهایی دوباره ار سر می گرد

بسیه بررسی و تحقیق در رمنه مناسک و آیینهای تشرف به حدود آغار قرن بیسم بار می گردد. نخستن بار ورن حبب (۱۸۷۳-۱۹۵۶)، فلکلریست و قومسناس هلندی تار فراسوی به این موضوع برداحت. او در فصل سسم رساله معروف خود مناسک گذر<sup>۳</sup>، که ان را در ۱۹۰۸ منتشر کرد، سجاه صفحه، یعنی در سب يك چهارم رساله، را به سرح و تبسن و تحلیل «مناسک تشرف»<sup>۴</sup> اختصاص داد و نفس و اهمسی را که این رسم در میان قومها و فرهنگهای گوناگون، بخصوص در رندگی اجتماعی اسان، دارد بار نمود.

ون حبب انگاره های سعایر معمول میان مردم را که با انتقال و گذر اسان و بعضی بدیده های طبعی ار وضع و حالی به وضع و حالتی دیگر همراه است همچون يك رفتار فرهنگی - اجتماعی ریر نام مناسک گذر بررسی کرد و يك صاحب و قالد تعفلی و تحلیلی از آن به دست داد. او در مناسک گذر سه مرحله تسحیص

جند مقاله از الیاده، و مقاله‌هایی از پژوهشگران خارجی و ایرانی در معرفی و نقد نظریات و آثار او به فارسی ترجمه یا تألیف، و در محله‌های مختلف ایران چاپ و منتشر شده است. از آن جمله می‌توان «بیدارهای فرهنگی باب روز و تاریخ ادیان»<sup>۱۶</sup>، «ملاحظه‌هایی پیرامون نمادپردازی دینی»<sup>۱۷</sup>، «چند نظر درباره بیس و روس بروش میرچا الیاده»<sup>۱۸</sup>، و مقالاتی درباره دایره

#### حاشیه

1) Bellah, R. N., "Religious Evolution", in *Sociology of Religion*, ed by R. Robertson 1971 p 263

۲) «تسرف» به معنی برگی ناهس و سرافراز شدن است. تسرف یافتن به جانی مقدس یا به فرقه و طریقی یا به حضور کسی به معنی وارد شدن به آن جای و فرقه و طریف و حضور شخص و افعال حضور و سرف معنوی و برگی حاصل کردن است این واژه در برابر اصطلاح "imitation" برگزیده و به کار برده شد دیگران در برابر آن اصطلاحهای «ناگسائی» (دکتر آریاسور در زمینه جامعه‌شناسی و دکتر ساروچانی در ترجمه فرهنگ علوم اجتماعی)، «رازاموری»، «راز آگاهی»، «گنر آنسی» (دکتر عسکری حایف در ترجمه فرهنگ مردم‌شناسی) و «استناسازی» (رنکوی در ترجمه کتاب مورد بحث) بکار برده‌اند

3) Van Gennep, Arnold, *The Rites of Passage*, Trans by M. B. Visedom and G. I. Caffee, London 1960

4) Initiation Rites 5) sepegration 6) segregation 7) transition 8) Incorporation 9) Mircea Eliade 10) *Trate d'histoire des religions*, Paris 1949

این کتاب در ۱۹۵۸ با عنوان *Patterns in Comparative Religion* به زبان انگلیسی ترجمه شد

11) *Le Mythe de l'eternel retour archetypes et repetition*, Paris 1949  
این کتاب در ۱۹۵۴ تحت عنوان *The Myth of the Eternal Return or Cosmos and History* به انگلیسی، و در ۱۳۶۵ زیر عنوان *اسطوره مارکس حاودانه مقدمه بر فلسفه‌ای از تاریخ*، توسط بهمن سرکاری به فارسی ترجمه شده است

12) *Le Sacre et le profane*, Paris 1956  
ترجمه انگلیسی این کتاب با عنوان *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion* در آمریکا منتشر شد

13) *Aspects du mythe*, 1963  
من این کتاب را حلال سازی ترجمه و با عنوان *حسم/اندازهای اسطوره*، در ۱۳۶۲ چاپ و منتشر کرده است

14) *Rites and Symbols of Initiation: The Mysteries of Birth and Rebirth*, Trans by Willard R. Trask, New York 1965

ترجمه فارسی متن این کتاب مورد بحث این مقاله است

15) *The Encyclopedia of Religion*, Mircea Eliade (Editor in Chief), New York-London, 1987 16 Vols

۱۶) ترجمه میرچا الیاده، سرداس، س ۶، س ۶، مهر و آبان ۱۳۶۵  
ص ۹ تا ۱۷

۱۷) میرچا الیاده، ترجمه مدیا کانیگر، کیهان فرهنگی، س ۵، س ۱، فروردین ۱۳۶۷، ص ۹ تا ۱۲

۱۸) حلال سازی، کتاب بوس، ۱۳۶۷، ص ۱۶۷ تا ۱۷۹ این مقاله ترجمه خلاصه‌ای از مقاله‌های جند س از صاحب نظران و متفقدان سانسگر میرچا الیاده است که دو ویرانه محله *L. Herne*، که در ۱۹۷۸ انتشار یافت، چاپ شده است در این مقاله اندیشه و نظر الیاده درباره تاریخ ادیان، بیدارساسی، علم اساطیر، مادشناسی و نحوه استدلال و تحلیل ساختگرانه او از بیدارها و عناصر مذهبی و سنج تمرکز دربار اسان مذهبی در جهان کهن و جهان امروزی و اسان تاریخی در روزگار ما آمده است



۱۹) در سیکاگو درگذشت. در جوانی در هندوستان به آموختن آن سسکریب و مطالعه و بررسی فلسفه و ادیان هندی و آیین کا برداشت. چند سالی در دانشگاههای محارست و باریس ریس کرد. بعد به امریکا رفت و حدود سی سال، از ۱۹۵۶ تا آن عمر، در دانشگاه سیکاگو به آموزش تاریخ ادیان و تحقیق و سب پرداخت.

از الیاده بوسته‌های فراوانی بازمانده است. نمونه‌ای از آنها بارسد از: انگاره‌ها در دین تطبیعی<sup>۱</sup>، تحفیمی در تاریخ ادیان و ادما و آیینها و برستسها در دین ساسی تطبیعی، اسطوره رکت اندی یا کیهان و تاریخ<sup>۲</sup>، مطالعه و تحلیلی در زمسه عماید دم حوامع بدوی و سستی درباره کیهان و زمان و تاریخ: مقدسی و بوی<sup>۳</sup>، بروهسی در سرست دین و نفس و اهمیت اسطوره، نماد حسه‌های مقدس و نامقدس رفتارها و آداب و رسوم و اساء در رکی فرهنگی و مذهبی، حسم/اندازهای اسطوره<sup>۴</sup>، تحقیق و لیلی درباره مفهوم و ساخت و کارکرد اسطوره و سرح و تفسر ماطر قومهای گوناگون در توحیه و تبیین تکوین عالم هستی و مان، مکان و تاریخ و آیینهای مربوط به آنها، ماسک و نمادهای سرف<sup>۵</sup>، گراسی دقیق و علمی از آداب و رسوم تسرف یا گسائی در فرهنگها و رازهای رایس و بازرانی در میان اقوام و بانون و بحی عالمانه و تحلیلی در تبیین رمیه دینی این آیینها حرس ابر مهم او ویراستاری و نظارت در تألیف *دایره‌المعارف* س<sup>۱۵</sup> است که مجموعه‌ای است از چند هزار مقاله درباره تاریخ و سته دینها و مفاهیم اعمال نمادی در جامعه‌های ابتدایی و

دینی بون» بررسی می‌کند. تاریخنگار دین ملاً برای «فقه مد» نفس تسرف نه تنها به سعائر اقوام ابتدایی» توجه و اسس می‌کند، بلکه برای سناحت درست و دقیق آن به «مراسم رمر کو یونانی عصری و تاتریسم هندو-بی»<sup>۲۲</sup>، و مناسک سر حگاواران اسکاندیناویایی<sup>۲۳</sup>، یا آزمونهای تسرفی که سانه را حتی هنوز هم در تجربه‌های عرفای بزرگ می‌توان یافت» نگاهی عمیق دارد و آنها را بررسی و تحلیل می‌کند<sup>۲۴</sup>.

الیاده مناسک تسرف را اردیدگاه تاریخنگار دین نه سه نوع مفوله تقسیم می‌کند. یک نوع مناسکی است که برای همه اعضا جامعه اجباری است. دو نوع دیگر مناسکی است که احکام دا آن برای همه لازم یا اجباری است. از نوع مناسک سر اجباری می‌توان آن دسته از سعائر جمعی را مثال زد که عملد آنها اسباب گذار از دوره کودکی به دوره بلوغ را فراهم می‌د این نوع سعائر در ادبیات قومسایستی به «مناسک بلوغ»، «سر فصله‌ای» یا «تسرف به یک گروه سنی» مصطلح است. از دومند اختیاری، یکی مفوله‌ای است که همه انواع مناسک تسرف بر ورود به یک جامعه سرفی، ماسد ورود به انحصار احوب، در بر می‌گردد<sup>۲۵</sup> دوم نوعی از مناسک تسرف است که با کوبه حرفه یا بسنه اسرار امر ارتباط دارد در سطح دینهای اسدا. ملاً حرفه سمن یا طبیب عامه از این دسته سسه‌هاست و ورود سلك صاحبان این سسه‌ها با مناسک و آداب رازگونه‌ای هم است.

الیاده آداب و مناسک تسرف را «یکی از برجسته‌ترین بدیده‌های معنوی در تاریخ حیات انسانی» و مهم‌ترین موضوع برای صاحب انسان جامعه‌های ابتدایی یا جامعه‌های سیر مذهبی می‌داند تسرف را «عملی» می‌انگارد که «به سها رسد دینی فرد، به معنای امروری آن، بلکه تمام زندگی او را در می‌گیرد». می‌گوید در جامعه‌های ناستانی و ابتدایی فرد از طریق مناسک تسرف از فمرو و صاحب هستی طبیعی به صاحب فرهنگ راه می‌یابد و با دریافت ارسهای فرهنگی - معی منزلت انسانی می‌یابد و در فرهنگی که در آن زاده شده حضور می‌یابد و با اعضای دیگر جامعه سربیک و سیر می‌سود.<sup>۲۶</sup>

به عقیده الیاده مناسک تسرف سنان می‌دهد که در جهان است مادام که انسانها خود را در «سطح طبیعی هستی» احساس می‌د انسانییت خود را «تمام و کامل» نمی‌انگارند. برای اینکه همه خود را کمال نخسند و «به تمام معنا انسانی کامل» بسودند. «خود را در این مرحله از حیات طبیعی بمیراند تا در ح متعالیتر، که حیات فرهنگی و دینی است، باززاده شوند» تازمانی که فرد از انسانییت طبیعی گذر نکرده، یا فضای

المعارف دین<sup>۱۹</sup> را نام برد.

\*

کتاب مناسک و مادیهای تسرف مجموعه گفتارهایی است در روس بدیدار ساسی دینی و سناحت صاحب انگاره‌های تسرف و درک نمادهای این گونه مناسک فرهنگی - دینی در میان قومهای مختلف جهان. متن کتاب را الیاده از سخراسهای خود در داسگاه سسکاگو، در باییز ۱۹۵۶ فراهم آورده و در سس فصل بدوین کرده است. بیسگفتاری بسار کوتاه بر در سرح حگونگی تدوین کتاب و مقدمه‌ای در توضیح موضوع به کتاب افروده است عنوان فصلهای سسگانه چنین است:

اراهای تسرف در دسهای ابتدایی، آزمونهای سخب تسرف، ار مناسک قبیله‌ای تا کیسهای سرفی، سرفهای فردی و جامعه‌های سرفی، تسرفهای فهرمایی و سمنی، و انگاره‌های تسرف در دینهای عالی.

عنوان بخشین حاب کتاب در ۱۹۵۸ رایس و باررای: معانی دینی تسرف در فرهنگ سرفی<sup>۲۰</sup> بود. در حاب دوم که در همان سال مسر سد، الیاده عنوان آن را به عنوان کوبی بعیر داد. در این گفتارها طرف خطاب الیاده، سا به گفته خود او، خوانندگان فرهنگته غیرمخصص علاقه‌مند به مباحث اییی - دبی در تاریخ معنوی حیات سرفی بوده است. از این رو در سرح بدیده بیحده تسرف و اییهای آن تنها به بیان کلیات سنده کرده و تحقیق تفصیلی در رسنه موضوع را به آمار دیگر خود، بخصوص به کتاب مرگ و تسرف<sup>۲۱</sup> که در دست تألیف داسته، احاله کرده است. به هر حال فهم و درک بعضی از مباحث محلف کتاب به سها برای خوانندگان غیرمخصص، بلکه حتی برای بعضی از اهل فن و آسایان «تاریخ ادیان و مردمسایستی تا اداره‌ای دسوار است. در این کتاب الیاده همحون یک تاریخنگار دین از جسم انداز تاریخی به بدیده تسرف نگاه می‌کند. او دامنه نگاه تاریخنگار دین را در بروهس این موضوع گسرده‌تر از نگاه قومسناس که در بروهسهایس، به رغم او، فقط با جامعه‌های ابتدایی سروکار دارد، می‌بیند. استدلال الیاده این است که تاریخنگار دین در تحمفاتس «تمام تاریخ دینی حیات سرفی را از نخستین کیسهای عصر دیرینه سنگی که اسناد و مدارکی از آنها به ماریسیده تا نهضت‌های

زمینه ساخت انگاره‌های مناسک تشرّف در دینهای ابتدایی جهان»  
 دستنویس است، در متن فارسی اعتسار و ادرس اصلی خود را  
 ادرس داده و به صورت نوشته‌ای ضعیف و مفلوط درآمده  
 است.

در زیر مواردی چند از مصفهای متن فارسی این کتاب و  
 نمونه‌هایی از لغزشها و خطاهای مترجم را که ضمن مقابله فقط  
 چند صفحه از متن فارسی با متن اصلی یافته‌ام برای آگاهی  
 خوانندگان ذکر می‌کنم

(۱) ضبط غلط نام نویسنده صورت درست نام نویسنده کتاب  
 به زبان رومانیایی میرچا (میرچا) الاده است<sup>۲۸</sup> کسانی که آثاری

حاشیه.

(۱۹) در معرفی دایره المعارف دین، نا امل که نگاشته شده اطلاع داده، مقاله در  
 مطبوعات فارسی چاپ و منتشر شده است یکی در سرداس، نوشته دکتر نصرالله  
 بورجواری، ص ۶، س ۳، هرودین و اردشهر ۱۳۶۵، ص ۸۶ و ۹ دیگری در  
 فرهنگ (کتاب دوم و سوم)، نوشته بهاء الدین حرماهی، بهار ۱۳۶۷، ص  
 ۶۰۷ تا ۶۱۸

20) *Birth and Rebirth: The Religious Meanings of Initiation in Human Culture*, New York 1958

21) *Death and Initiation*

22) *Indo-Iranian Tantrism* نامبر طیفه‌ای از آثار دسی هندو به زبان  
 سنسکریط و مجموعه‌ای از آثار بودائی است که عمدتاً مذهب رمزی-جادویی  
 دارند نامبرسم اشاره به مکتب و اسم نامبر او مذهب سروان آن را دارد (نک به واره  
 Tantra در

*The Shorter Oxford English Dictionary on Historical Principles* 1972

مکتب نامبرسم در هر چهارم میلادی بنیاد شد و از هر سیم به بعد در میان سروان  
 آیین بودا در شمال غربی هند، بر دکان مرز افغانستان و چین سرفی شکل روح و  
 گسترش یافت این آیین از امجن عناصر کد ناگون مذهب هند، و ادب بوکا و  
 محمودهای از سحر و جادو و فنون ریاضت شکل یافته و در هند سدر فلسفی-  
 غناسی و اخلاقیات و هر جامعه هندو به دایره رجه کرده، از کداسه است برای  
 اطلاع از این آیین نگاه شود به ادیان و مکتبهای فلسفی هند، دیوین-سانگان، جلد  
 ۱ و ۲، امیر کسر، ۱۳۵۶

23) *Scandinavian berserkers*

(۲۲) يك من اصلی کتاب مورد بحث این مقاله، ص ۱  
 (۲۵) ورود یا سرف به طریف قادری، یکی از فرق مذهبانه ایران، با این تلفظ  
 اتمام می‌گردد در مناسک تلفظ، سیح طریف صحن الماء اصول، مناسک طریف به  
 داد طلب، ساینسها و ساینسهای مذهب و طریف و سنی را برای او شرح می‌دهد و  
 او را به يك ارمون را رگونه طولانی فرا می‌دهد داد طلب من از کرفس نفس و  
 قول بطنیات و کدراندن ارمون به عالم قدسی و معنوی طریف قادری سرف  
 حاصل می‌کند و به سلك سروان قادری در جامعه دوسی می‌بندد برای آگاهی  
 بیشتر نگاه کنید به «مفاهیم و معادگاره‌ها در طریف قادری»، علی بلوکاسی،  
 دمساسی و فرهنگ نامه، ص ۳ زمستان ۱۳۵۶، ص ۳ تا ۲۰  
 (۲۰) من اصلی کتاب ص ۳

27) *Elade M. The Sacred and the Profane* 1959 p 187

(۲۸) حال ساری در حکو یکی تلفظ صحیح نام الاده می‌بوسد اما یکی دیگر  
 محمدعلی جری به بنده توجه دادند که تلفظ صحیح اسم مذهب اهل رومانی  
 است، به زبان ماد من، میرچا الاده است «حسب بنده‌های اسطوره، بوس،  
 ۱۳۶۲، حاشیه سنگینار

اساسیت را رها نکرده است، به يك انسانیت کمال یافته و کامل  
 سب بخواهد یافت. از این رو الیاده آرمان اساسیت برای فرد  
 ابتدایی را دستیابی به سطح والای انسانی یا «فرا انسانی» می‌داند  
 سرف را به «استحاله انسان در يك تجربه فراطبیعی مرگ و  
 سناحیر یا تولدی دوم» تعریف می‌کند الیاده حاستگاه مناسک  
 سرف را «حاستگاهی فرا انسانی» و متعالی و معنوی می‌داند و  
 می‌گوید «خدایان و فرهنگیان فرهنگی یا نیاکان اسطوره‌ای  
 سندن که مناسک سرف را که در برگیرنده آرمونهای سحت مرگ  
 رستاخیر مادی است» در میان مردم بنیاد نهاده اند «و اموار ما  
 خرای مناسک سرف از عملی آبر اساسی و الهی تقلید می‌کند» و  
 می‌گوید تا خود را «مطابق با تصویری آرمانی که از راه  
 اسطوره‌ها بر او مکسوف شده است» بسازد او می‌کوسد تا ما  
 به کام دامن همه آزمونهای آیین سرف به «آرمان دینی اساسیت  
 سب یابد» و تلاش و کوشش او در برگیرنده جریومه تمام  
 معنایاتی است که بعداً در جامعه‌های تطور یافته به کار گرفته  
 شود<sup>۲۷</sup>

\*

نظر نظری کوتاه به ترجمه فارسی کتاب آیینها و معادهای  
 ساسانی، بیفکنیم. مقدمتاً بگویم که ترجمه متنی از زبان  
 فارسی به زبان فارسی سه رکن عمده و اساسی دارد نخست  
 تسلط کامل به زبانی که متن به آن نوشته شده است، دوم  
 برسی دای و آگاهی از زبان و ادب فارسی، و سوم آسایی با  
 س موضوع متن و آثاری که در آن زمینه نوشته شده است  
 ریل اندیسی، ذوق و طبع ظریف، و دق و امین بودن نیز از  
 سانی است که اگر مترجم از آنها برخوردار باشد کیفیت کار  
 سندر بالا می‌برد و بر ادرس و اعتبار آن می‌افزاید متأسفانه  
 رجم این کتاب به سبب نداشتن تسلط کافی بر زبان انگلیسی و  
 سایی با تاریخ ادیان و دانش مردم‌سناسی و نوشته‌های مربوط  
 آن، سبب بردگی و سهل انگاری و نداشتن دقت کافی نتوانسته  
 سبب سنده ترجمه کتاب به نحو ساینسته برآید از این رو کتاب  
 ادب، نه توماس آلینز آن را در نقدش «ساهرکار روس  
 ساسی در مطالعه و بررسی تاریخ ادیان» دانسته و ترفیق  
 سندن آن را «در نوشتن يك تحلیل بدیدار سناحتی بر حسته در

Initiatory Ordeals را «معنای آزمونهای سخت مربوط به ... مرحله» (ص ۴۶) ترجمه کرده است.

۲) عنوان The Bull-roarer and Circumcision را «جوید حتنه» (ص ۵۷) ترجمه کرده است. bull-roarer («گاؤ غر» جو بدسی نسبت بلکه نوعی فارفارك است که در میان به فایل استرالایی در ایشهای خاصی به کار می رود اس فار بك تکه خوب که لیه های آن دندانه دار است و به آن با سته اند، ساحه سده است. در وفب با بادن و گرداند عربنه» صدایی سسه عرس گاور از آن درمی آند مردم اس گاو عربنه را نمادی از آفریننده و بنای اسطوره ای و را مطهر آوای آنها می بنادارد مردم ساسان عقده دارند عربنه» احتمالا همراه با فرهنگ ملایریایی به اسرالبامد؛ ۳) واژه incision («نرس با حاك و سكاف) با كلمه (دندان بیا) اسباه گرفته سده و بر اس اساس incision اصطلاحا به معنی «نرس با حاك بر مجرای بول» است. دندان» معنی سده است و در برابر عنوان Submission، بی بوچه به مطالب منحب مربوط به ان. کسیدن دندان» (ص ۶۴) گذاسه سده است گفنی اسر میان بعضی از جامعه های اسدایی، مانند فایلی از اسرالبام با حاك دادن (urethra) در امداد به آلب ساسلی مردان. حبه کردن، بخشی از ساسك سرف بلوع مردانه به سمار الیاده دو معنی دبی برای اس عمل بومان تصور کرده اسر عقده به دو حسی بودن و دیگر عقده به ارس دبی حور اس فایل در بوصح اس دومی بویسد در بعضی از فای اس سكاف نمادی از اندام حسی ربابه است و مردان با ان به اردان فایل، که دو حسی تصور می سوند، سباه بر د. در بعضی فایل بر حسی سداسه می سود که با اس س بدن مردان، حور ربابه ای که به وفب حسی از مادر بعدنه از اس انان سرون می رود و به اس گو به از مادران خود و ربابگسان خدا می سوند و به حرگه مردان سرف می کید<sup>۳</sup>

۴) revelation، که اصطلاحات عرفانی «مکاسفه» و «سهود» در برابر آن در فارسی خا افاده است، به «اسکار» عنوان The Degrees of Revelation به «درجات اسك» ترجمه است (ص ۸۵)

۵) صفت extant به معنی «بارمانده» یا «موجود» با كلمه به معنی «وسع» اسباه سده و عنوان بخشی از فصل سو (An Extant Australian Secret Cult) بجای «بك کس» بازمانده در استرالیا، «وسع اس سرفی اسرالبامی ۱۰۲) ترجمه سده است

از این نویسنده به فارسی برگردانده با مقالانی درباره او و آمارس به فارسی نوشته اند، همه این صورت، یعنی میرحبا (میرحبا) الیاده را در نوشته های خود به کار برده اند مترحم اس کتاب بی بوچه به تداول این صورت مضبوط از نام بوسنده در ادبات فارسی، اسم او را با املای «میرحه الباد» آورده است.

۲) ترجمه نکردن توضیحات نویسنده. الباده بوصحایی در پای نوسب فصلهای سنگانه کتاب نوشته و با منابع و ماحد معدد به زبانهای مختلف همراه کرده است. مترحم به جای ترجمه اس توضیحات به فارسی، وحی افروندن بادداستهای از خود در سرح مبهمات و معضلات متن، بادداسهای الباده را عنا به رباب انگلیسی در بامان کتاب آورده است.

۳) ندادن فهرست موضوعات و اعلام. متن اصلی کتاب دارای فهرست موضوعات و اعلام است، لیکن من فارسی فاقد حسی فهرستی می ساسد. مترحم می تواسب، دسب کم با بهره گیری از فهرست موضوعی من اصلی و صرف اندکی از وفب خود، فهرستی از اعلام و موضوعات برای من فارسی فراهم نکند تا دستیابی حواسدگان فارسی رباب به موضوعها و مطالب و نام سررمیها و قومها و قبیله ها و اسحاص اسان گردد مترحم حسی در ترجمه فارسی فهرست مندرجات کتاب، عناوس بر فصلهای سنگانه را حذف کرده است.

۴) خطاها و لغزشها. مترحم در برگردادن سساری از کلمات و اصطلاحات و ترکیبات و حملات من انگلیسی به فارسی خطا کرده و در برابرگریبی برای بعضی اصطلاحات و کلمات علمی بی دفتی و کح سلفمگی سسان داده است. در ایسحا فقط به نمونه های اندکی از لعرسها و استباهات مترحم اساره می سود

#### ● الف) ترجمه نادرست یا بارسای بعضی عناوین

۱) مترحم همه خا در برابر symbolism (نماد، نمادگرایی، و آیین نماد) «نمایش» و در برابر imitatory صفت (تسرف، ناگسایی و آساساری) معنای دیگر كلمه یعنی «مرحله نخستین» را گذاسته، و عنوانهایی ساسد Symbolism of Initiatory Death را «نمایش مرگ بحسیتی» (ص ۴۳) و Meaning of the



رسم آتش خوردن، لیسیدن آتش گذاشته و برگرفتن زغال افرخته با دست میان درویشان قادری است.<sup>۳۴</sup> الیاده آزمون با آتش را بخشی از آیین سرّ در میان جنگاوران می‌نامد و می‌نویسد که جنگاوران (berserker) می‌توانند مانند سمها و اهل حده از روی آتش بگذرند بی آنکه آسیبی به آنان برسد.<sup>۳۵</sup>

(۹) واژه shaman و shamanic به معنی سمن و سمنی به «خادو» و «خادوگری» و اصطلاح medicine man به معنی طبیب عامه یا درمانگر عامه به «داروگر» معنی شده و در برابر عناوین Pubhe Initiations of Australian و Rites of Shamanic Initiation Medicine Men به ترتیب «آیینهای عمومی آشناسازیهای خادوگری» (ص ۱۸۳) و «آشناسازیهای داروگران استرالیایی» (ص ۱۸۹) گذاشته شده است.

سمن واژه‌ای فارسی است و از سرمنه (sramana) سسکریپ به معنی راهب و تارک دنیا گرفته شده است. آیین سمنی (Shamanism) یکی از کنشهای متداول در بعضی حوامع ابتدایی در سری و میان فنیل بورایی و معول و اسکیموها و سرخپوستان امریکاست. در مردم‌شناسی اصطلاح سمن اختصاصاً به طبیبان عامه (medicine men) یا ساحران (sorcerers) سری و عموماً به طبیبان عامه در جامعه‌های ابتدایی اطلاق می‌شود. به اعتقاد اس مردم سمها و طبیبان عامه با نیروهای فوق طبیعی ارتباط دارند و از نیروی سحرآمیز خود در دگرگون کردن اوضاع و احوال عالم و درمان بیمار و دفع ارواح حس و سریر بهره می‌گیرند.

(۱۰) مِرَحِم (Hecusis یا الوریس) را با Ulysses (= یونانی Odysseus اولیس) اسبابه گرفته و عنوانی از عناوین فصل سمن، Eleusis and the Hellenistic Mysteries، را «مرور اولیس و یونانی باستان» (ص ۲۱۲) ترجمه کرده است. اولیس فرمان مسهور یونان و ارفانجان حیک پروا بود، در صورتی که الوریس یکی از فرمانان یونانی بود که نامش را بر شهر الوریس گذاشته بودند. در این شهر مناسک رازگونه سرّ با آداب خاص برگزار

(۶) میان دو واژه cult (کس، آیین) و rite (مناسک) و معانی مختلف آن دو فرقی گذاشته شده و هر دو در بسیر جاها به «آیین» ترجمه شده است. مثلاً عنوان فصل سوم کتاب (Rites to Secret Cult) بجای «ار مناسک قبله‌ای تا کنشهای سرّی» به «ار اسنهای قبله‌ای تا اسنهای سرّی» (ص ۹۱) برگردانده شده است.

(۷) Going Berserk، نخستین عنوان از عناوین فصل سمن، «سورندگی» و کلمه berserk در من «سورنده» معنی شده است. اص (۱۶۱) اصطلاح to go berserk و to be berserk در انگلیسی به معنی «وحشی شدن» و berserk «جنگاور وحشی اسکانندیه‌ای» است که در «سردگاه یا خشمی دیوانه‌وار، که به جسم حیکو شهرت داشت، می‌جنگند»<sup>۳۶</sup> الیاده berserkers را از لحاظ لغوی «جنگاوران در سراه» (= بوسه) حرس» تعریف می‌کند و آنها را لحاظ خادویی همچون حرس می‌انگارد و می‌نویسد که (به سندی برخی از مردمان بدوی) این جنگاوران هرگاه بخواهند می‌توانند خود را به صورت حرس یا گرگ در بیاورند. افراد می‌توانند با گذراندن آرموهای نظامی- رزمی مخصوص «ترسناک» شوند. در این آرموها بواژه روحی از جانور وحشی به حد می‌گردد و جنگاوری ترسناک می‌شود و همچون حیوانی سمن رفتار می‌کند.<sup>۳۷</sup>

(۸) در برابر عنوان Symbolism of Magical Heat (اسن نمادی برمن خادویی)، «نمایش هجان سحرآمیز» گذاشته شده است. (ص ۱۶۹)

الیاده کلمه heat را به معنی گرما و حرارت گرفته است و در «حد» آن می‌نویسد که بسیاری از اقوام ابتدایی از قدرت خادویی- دینی تصور «سوحش» دارند و آن را با کلمات «گرما»، «سوزش» و «سارداخ» توصیف می‌کنند. سمها و طبیبان عامه به مسدود کردن گرمای درونی خود معمولاً آب نمک یا آب ادویه بند می‌کنند و گیاهان معطر می‌خورند. سمها را «اسنادان روی سمن» می‌نامند، زیرا که روی آس راه می‌روند، آتش بنده را سمن می‌کند و اگر می‌تواند<sup>۳۸</sup> این عمل سمها کماتس مانند

#### حاشیه

(۳۹) bull «گاو» و «خاریده و نایل شده» معنی می‌دهد. «تا» خرنه» یا بفر به «اسن خرنه» از خد یا بفره خدایی (پ) اصطلاح روح میان عامه مردم ساحله به نام دارد. «خرنه» یا «فریه» خرنه» و «س» هم به معنی «نایل» خرنه» هم به معنی «خودبختی» است (بک لقب نامده، در «فریه» در انگلیسی «تا» به دو معنی یکی معنی عام «خرس و نایل» و دیگری به معنی خاص «نایل» و خدایی «خد» به نام دهه است.

(۴۰) بک به من اصلی معنی Symbolism of Subincision ص ۲۵ تا ۲۸

(۴۱) The Shorter Oxford English Dictionary

(۴۲) من اصلی ص ۸۱ (۳۳) همان، ص ۸۵

(۴۳) بخد خد به معنی «مفاهیم و نمادها» در طریقت «دی» م. مردم‌شناسی و فرهنگ عامه ص ۳

(۴۴) یادداشت شماره ۴۱ از فصل سمن، من اصلی، ص ۱۵۷

exaggerate به معنی مبالغه و اغراق کردن؛ سوریدگی (ص)  
 در برابر madness به معنی دیوانگی؛ در بناس (ص ۱۲) در  
 in appearance به معنی بظاهر یا ظاهراً؛ در انتشار (ص ۷) در  
 in preparing به معنی در تهیه یا آماده کردن؛ تنه در حب (ص)  
 در برابر the «bark» of tree به معنی پوست درخت.

● (د) حذف بسیاری از واژه‌ها و عبارات و جمله‌ها  
 در اینجا نمونه‌هایی از افتادگیها، که در مقابلهٔ دو سه صد  
 مقدمهٔ متن اصلی با متن فارسی به دست آمده است، نقل می  
 واره‌های meaningful و salvation و modern از ritual  
 rites of initiation (مناسک معبادار سرف) و ion of salvation  
 (دین رسگاری) و «modern man» («انسان متجدد»، که  
 انسان در جامعه و دنیای جدید است) افتاده و ترجمهٔ آنها  
 فارسی کتاب «آیینهای آسباساری» و «به صورت دینی» و «ا  
 است. (نک. ص ۹)

واره‌های human و consistent و mythical  
 human community (جماعت انسانی) و tent body of  
 mythical tradition (مجموعه‌ای نادر از سسهای اسطو  
 حذف و به فارسی تنها «جمع» و «مجموعه‌ای از سسها»  
 شده است. (نک. ص ۱۱).  
 ترجمهٔ وارهٔ intact به معنی «دست نخورده» از اس  
 افتاده است: «و اس تاریخ باید... به سسهای بعد دست به  
 انتقال ناند» (ص ۱۲). جملهٔ properly considered که در  
 معنی «اگر بدرسی ملاحظه (با تأمل) شود» است از  
 «لیکن، اس تاریخ محفوظ...» افتاده است (ص ۱۳)  
 عبارت

... indeed it was for this reason that they had been noticed and  
 out made to acquire them (p xi)  
 (... در واقع به این دلیل بود که به آنها [یعنی اسبا و سلا  
 اسطوره‌ها و ...] توجه شده بود و در به دست آوردن آنها  
 می‌شد.) اصلاً در متن فارسی ترجمه شده است اس  
 فاعداً باید در سطر ۴، صفحه ۱۴ اس عبارت «مبانی ح  
 مذهبی داسته‌اند.» می‌آمد.

الاده می‌بویسد چون «حوامع سستی هنج گونه یاد نار  
 معنای خاص کلمه ندارد.»

... took only a few generations, sometimes even less, for a  
 innovation to be invested with all the prestige of the  
 dual revelations (p xii)  
 (... گاهی حد سسل، و حتی کمتر، طول می‌کشد تا ...  
 تازه‌ای از همهٔ اعتبار و مرلت کشف و سهوده‌های  
 بر حوردار شود.) این عبارت کلاً حذف شده و به جای

می‌شده است. الیاده از رازهای الوزیسی و مناسک دیووریسی و  
 ارفنی همچون ندیده‌های فوق‌العاده بیحیده سخن گفته و اهمیت  
 بسیار فراوان این مناسک و آیینهای رازگونه را در تاریخ فرهنگی و  
 دینی یونان یادآوری کرده است.<sup>۳۶</sup>

(۱۱) میان دو وارهٔ motif و theme، به معنای «نمایه» و  
 «مضمون»، تفاوتی گداشته نشده و هر دو در عنوانها و متن کتاب  
 «موضوع»، گاهی هم «موتیف = شکل» (ص ۴۴)، ترجمه شده  
 است.

● (ب) معادلهای فارسی نادرست در برابر واژه‌های علمی-فنی  
 نوسنگی (ص ۲۳) در برابر palaeolithic یعنی دیرینه سنگی؛  
 تیره‌شناس (ص ۶۴) در برابر ethnologist یعنی قوم‌شناس؛ بومی  
 (ص ۶۵) و باستانی (ص ۱۳) در برابر primitive یعنی ابتدایی؛  
 غرابت (ص ۱۰) در برابر originality یعنی اصلیت یا اصالت؛  
 خاصیت (ص ۶۴) در برابر organ یعنی اندام؛ روحیه (ص ۱۷) در  
 برابر mentality یعنی دهیبت؛ کفرآمیز (ص ۱۵) در برابر profane  
 یعنی حاکی یا دسوی یا نامقدس؛ هولا (ص ۱۶) در برابر chaos  
 یعنی آسوب، آسفتگی یا هرج و مرج؛ مگساری (ص ۱۶) در  
 برابر orgy یعنی سادحواری و عیاسی (به مناسک خاصی اطلاق  
 می‌شود که در آن رهص و اوار و میگساری و... به صورتی  
 غیر معمول و به افراط و به شکل بی‌بندوبارانه انجام می‌گردد).  
 حالت (ص ۲۷) در برابر status یعنی مرلت یا نایگاه یا موقعیت؛  
 ابدی (ص ۲۷) در برابر entirety یعنی تمامیت یا کلیت؛ ترجمه  
 (ص ۷۳) در برابر dramatic یعنی درامی یا نمایشی یا داستانی یا  
 نمایان.

● (ج) برابر فارسی نادرست برای واژه‌های ساده و عمومی  
 پایان (ص ۷) در برابر fall به معنی نابیر (در ۱۹۵۶)؛  
 گلیم (ص ۴۴) در برابر blanket به معنی تنو و رواندار؛ ویره برین  
 (ص ۴۴) در برابر spectacular به معنی دیدنی یا تماسایی؛ مرگ  
 (ص ۱۶) در برابر dead به معنی مرده؛ وسعت (ص ۱۰۲) در برابر  
 extant به معنی موجود، بازمانده؛ درک (ص ۱۷) در برابر to

سده است که. «... فقط نسلهائی حد دارای یاد تاریخی بوده است» (ص ۱۴)  
بخش حمله

who have not tasted death (p. xii)  
همانی که مرگ را نچسوده اند) ترجمه سده و اردناله  
است. «... بوا آموز به وضع وجودی دیگری در آمده است که  
برای فرایافت برای آسانی می باشد که آرمونهای سخت را  
برآمده اند» افاده است (ص ۱۷).

۵ (د) ناقص و نارسا بودن بسیاری از عبارتها  
در متن فارسی کتاب بسیاری از حمله ها و عبارتهای متن اصلی  
، تئوری نارسا و در باره ای موارد نادرست ترجمه سده است در  
ر فقط حد مثال از این دست برگردانها نقل می شود

that it exhausted itself in the few stupendous events of the  
beginning. By revealing the different modes of deep-sea fishing to  
the Polynesians at the beginning of Time, the mythical Hero  
exhausted all the possible forms of that activity at a single stroke  
(p. xi)

ترجمه متن فارسی کتاب. «و این تاریخ منحصر و محدود به  
حوادث معینی است که در آغاز اوقات افاده برای بلی برانها یک  
حالت معین صد ماهی که در آغاز زمان توسط قهرمان افسانه ای  
تئورب گرفته بازگو شده، بنابراین اسکال ممکن دیگر ماهگیری  
نموده می داد» (ص ۱۳)

ترجمه ما: «س این تاریخ [منظور تاریخ سده است] محدود  
می شود به چند حادثه سنگین انگیز در مضاء زمان قهرمان  
سطوره ای با آسکار کردن سوه های گوناگون صد ماهی در  
برناهای غرق در آغاز زمان برای بولبرانها، تکلیف همه  
تئورهای ممکن فعالیت ماهگیری را با یک عمل واحد معلوم  
نموده است.»

But whereas modern man sees in the history that precedes  
him a purely human work (p. xi)

ترجمه متن فارسی کتاب «انسان حدید در تاریخ مشاهده  
می کند که ساخته و پرداخته اعمال خود است..» (ص ۱۲)  
حمله ما: «س در حالی که انسان محدود یعنی انسان در  
تاریخ حدید تاریخی را که سس از او بوده تنها ساخته انسان  
می داند.»

But properly considered, this history preserved in the myths  
is closed only in appearance. No such thing as an absolutely  
closed primitive society exists (p. xi)

ترجمه متن فارسی کتاب. «لکن، این تاریخ محفوظ در  
مستند در نمایش بر سده است جامعه بخشنه مطلقا  
سده وجود ندارد» (ص ۱۳).

ترجمه ما: «لکن، اگر بدرستی ملاحظه شود، این تاریخی که  
در اسطوره ها محفوظ مانده فقط ظاهر بسته است. حبری نه

اسم جامعه ابتدائی مثلثا سده وجود ندارد.»

In the last analysis we could say that, though they are «open»  
to history, traditional societies tends to project every new  
acquisition into the primordial time, to telescope all events into the  
same atemporal horizon of the mythical beginnings (p. xi)

ترجمه متن فارسی کتاب «نه هر حال می توان گفت که هر  
حد که این اسلها در برابر تاریخ «گسوده» هستند، حوامع سستی  
برایند که فرایافت هر دساورد حدیدی در زمان نخستین، برای  
حرکت دادن تمام حوادث در همان افق عبر دنیوی و روحانی  
آغازهای افسانه ای محال است، (ص ۱۴)

ترجمه ما «در تحلیل نهایی می توانیم بگویم که اگرچه  
جامعه های سستی در برابر تاریخ «نار» هستند، لکن برآند که  
دسیافت باره ای را به عصر آغازین بازگردانند، و همه رحداده ها  
را در افق عبر زمانی حاسگگاههای اسطوره ای ادغام کنند.»

Daramulun told his father, or master, Baame, that during  
initiation he killed the boys, cut them to pieces, burned them,  
and then restored them to life, «new beings, but each with a tooth  
missing (p. 13)

ترجمه متن فارسی کتاب «داراملولون به پدر یا سرور خویش  
نایام گفته که سران را به هنگام آسباساری نکشد و آنان را مله  
کند و سوراخند، و سس آنان را برای حیات «موحداد حدید، که  
دندان برسیسان کسیده می شود به رنگی بازگرداند.» (ص ۲۴).  
ترجمه ما «داراملولون به پدرس، یا ارباس بایمه [عالیترین  
حدا از حدانان فیله و براحوری] گفت که به هنگام آیین تسرف  
سران را کسب و بکه تکه کرد و سوراخند و بعد هم آنان را همجون  
(موحداد باره ای، لکن هر کدام را با یک دندان کسیده، به  
رندکی بازگرداند»

However, there is an element of truth in Winthuis hypothesis  
and that is the idea of divine totality. This idea, which is found in  
a number of primitive religions, naturally implies the coexist-  
ence of all the divine attributes, and hence also the coalescence  
of sexes (p. 25)

ترجمه متن فارسی کتاب «نه هر حال فرض وین بویس، می  
کلب حدادرس است این عقیده کلیت خدا که در تعدادی از  
مذاهب بومی دیده شده حدایان را دارای صفاتی از جنس مؤنث و  
مذکر می داند» (ص ۶۵)

ترجمه ما «نه هر حال عصری از حقیقت در فرضیه وینبوس  
هست، و آن عقیده به کلیت خداوندی است عقیده به کلیت خدا  
که در سماری از دینهای ابتدائی بیدامی شود، طبیعتا بر همزیستی  
همه صفات خداوند، و بر بر هم آمیختگی دو جنس مذکر و مؤنث  
دلال دارد»

حسبه

۱۳۲ متن اصلی، ص ۱۱۰ و ۱۱۱

# ترجمه «درسنامه پزشکی آکسفورد»

گامی مهم در پیشبرد علم پزشکی و زبان آن در فارسی

دکتر ابوالحسن بدیم

درسنامه پزشکی آکسفورد ۱ (جلد ۲) زنتیک، ایمنی‌شناسی، سرطان و بیماریهای عفونی<sup>۲</sup>. بیماریهای قلب و عروق و ویراستاران و مترال، لدینگهام، وارل. ویراستار ترجمه فارسی دکتر رضا صادقی

اهمیت ترجمه و تألیف آثار پزشکی به زبان فارسی

در دهه آخر با افزایش تعداد داسکده‌های پزشکی در نقاط مختلف کشور (که تعداد آنها هم اکنون به محاور از ۳۰ داسکده می‌رسد) و با فرونی جسمگیر تعداد داسجویان پزشکی، دو مشکل مهم در آموزش داسجویان همواره مطرح بوده است یکی کمبود معلم و امکانات عملی امورش پزشکی، و دیگری کمبود کتاب.

گرچه با اقداماتی که در حد سال آخر به عمل آمده تعداد قابل توجهی از کتابهای درسی ضروری به زبان انگلیسی و با قیمت مناسب در اختیار داسجویان گذاشته شده است، ولی این کار به حل مشکل فوق کمک حدایی نمی‌کند زیرا مناسبانه آگاهی داسجویان از زبان انگلیسی به اندازه‌ای نیست که بتواند به سهولت از درسنامه‌ها و کتابهایی که به این زبان اسرار می‌یابد استفاده کند و انگهی از میان ترجمه‌هایی که از این کتابها (معمولاً توسط داسجویانی که کم‌وبیش با زبان انگلیسی آشنایی دارند) انجام می‌گردد، به‌درب ترجمه قابل توجهی می‌توان یافت یکی دو سال دیگر بحسب گروه داسجویانی که پس از افزایش طرفت پس از گنجاس داسکده‌های پزشکی معقول بحصل در این رشته سده‌اند، فارغ‌الحصل می‌شوند و راهی مناطق مختلف، و عمدتاً محروم و دور افتاده کشور، خواهد شد این امر به تنها اردسترسی جزئی آنان به کتابهای موجود در داسکده‌ها و کتابخانه‌ها تا حدود زیاد خواهد کاست، بلکه این

برسکان با مسئله سعلی و حادوادی فرصت و فراغت نخواهند داشت تا با همان اندک مانه زبان خارجی به بدرج به فراگیری بستر زبان بر معلومات پزشکی خود بفراسد

برای اس برسکان عمومی و بر برای داسجویان برسج سائر برسکان عمومی که فیلا فارغ‌الحصل سده‌اند در اح داسن يك كتاب پزشکی علمی در سطح عالی، به عنوان به مرجع، ضرورت قطعی دارد

همچنین در سالهای آخر داوطلبان دوره‌های بحصه پزشکی و به همن سبب تعداد بدیره‌سندگان در اس دوره‌ها علت فشار داوطلبان و سار کشور، مر سار به افزایش بوده است فرونی جسمگیر داسجویان پزشکی انتظار می‌رود که پس از سال افزایش بگیری بر در تعداد داساران رسه‌های بحصه بدا شود یکی از مسائل اصلی دوره‌های بحصصی بر به کتابهای مرجع و درسنامه‌های مناسب است اما در این مورد نعامی کسانی که سبب اندرکار امورش داساران هسند به بر واقفند که آگاهی اگر فرت به اتفاق داساران دوره بحصصی به زبان انگلیسی در حدی نیست که بتواند از به بحصصی پزشکی به زبان اصلی، بخصوص در سطوح عالی به استفاده کند و به همن دلیل سار حدی به کتابهای بحصه پزشکی به زبان فارسی احساس می‌شود، خواه اس کتابها به از متن‌های معبر سبب المللی ناسد و خواه توسط بحصه ایرانی تألف سده ناسد

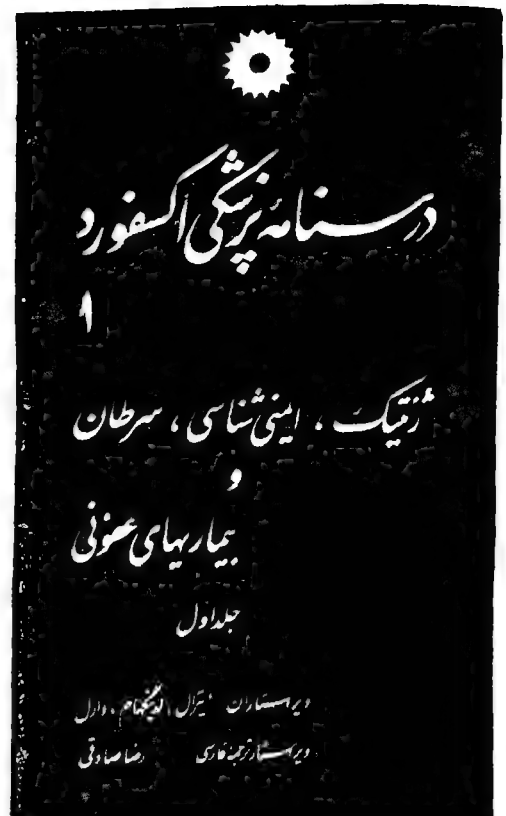
ترجمه درسنامه پزشکی آکسفورد

گرچه تاکنون در رسنه طب داخلی کتابهای معددی به فارسی ترجمه سده است، ولی ترجمه درسنامه پزشکی آکسفورد

جامع‌ترین متن‌هایی است که در يك درسنامه پزشکی تاکنون ارائه شده است. ولی سبک سبب که دسیاران باید علاوه بر استفاده از مطالب این کتاب به بوسته‌ها و مقالات اختصاصی که درباره وضع بیمارهای رسنه اختصاصی آنان در ایران بوسته می‌سود بر مراجعه کند این دو نا هم درسنامه کاملی برای دانشجویان این رشته‌ها در ایران خواهد بود این کتاب علاوه بر آنکه برای دانشجویان پزشکی و برسکان مرجع معتبر و سودمندی است، بحثهای مسر سده آن می‌باشد. گذشته از رشته‌های پزشکی، به عنوان درسنامه‌ای با ارزش برای دانشجویان دوره‌های فوق‌لیسانس و بخصوص دکتری در رشته‌های ویروس‌شناسی، باکتری‌شناسی، فارح‌شناسی، انگل‌شناسی، ایمنی‌شناسی و بهداشت عمومی به کار رود. زیرا همانطور که گفته شد مطالب آن در زمینه بیمارهای ویروسی، باکتریایی و انگلی در بهترین سطح تخصصی است

نظری به بحثهای ترجمه‌شده درسنامه پزشکی اکسفورد درسنامه پزشکی اکسفورد برای اولس ناز در سال ۱۹۸۳ در دو جلد و پس از دو هزار صفحه اسرار یافت و مدت کوتاهی پس از اسرار، مرکز سرداسگاهی چند هزار نسخه این کتاب را به ایران آورد که با استقبال مدرسان و دانشجویان داسکده‌های پزشکی روبرو شد و بعضی از مسئولان امورش پزشکی کشور، که اس این را جامع‌ترین درسنامه پزشکی سخص دادند، نا در نظر گرفتند که نمود کتابهای پزشکی در سطح تخصصی به زبان فارسی، ترجمه و جاب آن را به مرکز سرداسگاهی بوضه کردند کتاب حاضر شامل ترجمه بحثهایی از درسنامه پزشکی اکسفورد است که به عصفه دست‌اندرکاران امورش تخصصی پزشکی ترجمه آنها فورب مسری داسه است ترجمه فارسی این بحثها که در سال ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ اسرار یافته از روی ویراس دوم کتاب (مسر سده در سال ۱۹۸۶) صورت گرفته است کتاب دارای چهار بخش اصلی است از اس قرار. رسیک (۴۲ صفحه)، مکاسم‌های ایمنی در سلامت و بیماری (۸۶ صفحه)، سرطان (۹۲ صفحه) و بیمارهای عفونی (پس از ۱۰۰۰ صفحه)

بحث ترتیک شامل دو بحث است. در بحث اول، «پس عوامل رسیک در اتحاد بیماری»، بوسته اسناد اصطلاحات رایج در علم رسیک را تعریف کرده، پس الگوهای مختلف سجره‌نامه، اهمیت و جابگاه مسابده و راهمایی رسیک و سخص قبل از تولد را مطرح ساخته و پس روشهای نفس‌برداری رسیک را شرح داده و جند سکلی‌های رسیک و بخصوص جند سکلی‌های نادرک‌های لوکوسب اسان (۸ III) و اهمیت آنها را به تفصیل مورد بحث قرار داده است در پایان این بحث، پس از سربح



شناسی است که از روی اصول و نا دفت تمام ترجمه و مساری سده است علاوه بر این نا سایر کتب ترجمه شده پایی دارد که آن را برای خوانندگان کشورهای در حال عه، مانند ایران، برنابر می‌سازد چرا که اولاً بطور سسی مسدان انگلیسی بحر به و سلط مسری به مسائل مربوط به های کشورهای در حال بوسعه و بیمارهای عفونی و مسری دارند نا با مباحث مختلف این درسنامه را داسمندی به بد که بدون بردند حرو بهرس داسمندان رسته خود در بد و اضرازی بوده که بو بسده حتما ساعل در انگلیسان نا ثما سکه مساری از مباحث مربوط به بیمارهای انگلی و بی را داسمندان سایر کشورهای از قبل امریکا، نالند، اسان، ایران، افرقای جنوبی، اسرالیا، سگانور و سان سعودی بوسه‌اند نا نا کتاب به جوی بوسه سده که سفاده دانشجویان و برسکان در سطح پس المللی قرار کرد نه آن بر مسائل پزشکی خاص جامعه انگلیسان ناسد

س مطالب فوق می‌سوان گفت که اس کتاب معبر بر پس س این کتابی است که به صورت درسنامه پزشکی نا کنونی به س فارسی ترجمه شده است و می‌سواند مورد استفاده سجویان پزشکی، دسیاران رشته‌های تخصصی مختلف از قبل می‌بوسد، جسم پزشکی و بر برسکان عمومی ناسد س بیمارهای انگلی و ویروسی و باکتریایی این اثر

کروموزوم‌ها و ساختمان دزوکسی ریبونوکلئیک اسید (DNA) و اهمیت حیاتی آن، به شرح سیوه‌های سناسایی کروموزوم‌ها و ناهنجاریهای سایع کروموزومی پرداخته و سرانجام از نفس تغییرات کروموزوم‌ها در پدایس سرطان، همراه با نظرهای موافق و مخالف، بحث شده است.

مبحث دوم این بخش «رتیک مولکولی و نرسکی بالنی» است که در آن سعی نویسنده بر آن بوده تا اصول رتیک مولکولی به خواننده تفهیم شود. در این مبحث ابتداریوسهای تجزیه ساختار دیوی ماده رتیککی اسان و روسهای دو رگه‌ساری مولکولی و نفسبرداری رن‌ها و فن نو ترکیب‌ساری DNA به رد بحث فرار گرفته و سپس نحوه نظارت رن‌ها بر ساختمان و عمل پروتئین‌ساری با تفصیل بیستر، ولی به صورتی فسرده که فراحور یک درسنامه نرسکی است، شرح داده شده است آنگاه به تسریع تسکیلات DNA، ریبویسی، آماده‌ساری بحسن رونوس و RNA ییامبر پرداخته و توضیح داده است که چگونه کار اینها منجر به ساختن رنجیر سیدی و رهاکردن آن در سینتولاسم می‌شود. سپس آسیب‌سناسی مولکولی بعضی از بیماریهای انسان و نیز کاربرد احتماعی داس رتیک مولکولی در اسده در رسه‌های مختلف داروساری و نرسکی شرح داده شده است.

بخش مکانیسم‌های ایمنی در سلامت و بیماری که در ویرایش اول مقاله واحدی بوده که تکیه بر مبای ایمنی سناسی داشته است، در ویرایش دوم چهار مبحث جامع را از چهار مبحثی سرسباس این رسنه در بردارد، ولی ویراستار (افای دکر صادقی) دو مبحث، به عنوان مقدمه، بر آن افزوده است. بخش «تعریف اصطلاحات» که هم شرح فسرده‌ای است از اصطلاحات رایج ایمنی سناسی که در این درسنامه به کار رفته است و هم توجیهی است برای معادلهای فارسی برگزیده دوم، ترجمه بخشی از مقاله ویرایش اول کتاب با عنوان «اصول ایمنی سناسی» (۱)، و استدلال ویراستار آن بوده که مبحث ایمنی سناسی ویرایش اول دارای مطالبی است که داستن آن برای کسانی که با مبای این علم آشنا نیستند ضروری است و مبحث اصول ایمنی سناسی ویرایش دوم به مطالبی در سطحی بالاتر و ناره‌تر پرداخته و شرح مقدمات را ضروری نداسه است. چهار مبحث، این بحس (در ویرایش دوم) عبارت‌اند از: بحس مبحث «اصول ایمنی سناسی» (۲) که در آن انواع نادگن‌ها و نحوه سناسایی آنها توسط لفسریت‌دای B و T، پادتن‌ها و رتیک تولد آنها، لفسیت‌ها و انواع آنها، سلولهای کمکی در ناسح ایمنی، مکمل و راههای دخالت آن در واکنشهای ایمنی بطور مسروح شرح داده شده است. دوم مبحث «ناهنجاریهای ناسح ایمنی» که در آن افزایش حساسیت فوری و حالات مرضی ناسی از آن، افرایس حساسیت

سطح سلول، نحوه تأثیر و بیماریهای مربوط به آن، افرایس حساسیت همبسته (کمپلکس) ایمنی و بیماریهای مربوط افرایس حساسیت با واسطه سلول و بیماریهای ناسی از آن تفصیل شرح داده شده‌اند. سوم مبحث «نقص ایمنی» نذایر نقصهای اولیه و نقصهای ثانوی ایمنی، جگونگی مداس نظاهرات بالبی آنها را در بردارد. و سرانجام مبحث «ایمنی سناسی بیوند» مقاله‌ای است سگن که مبای نظیر حاصل بحقیقات و تجربه‌های آرمایسگاهی و برخی سایع ناده را در این زمینه مهم نرسکی امرور شامل می‌شود.

بخش سرطان یا نئوپلازی شامل چهار مبحث است که اول به «ورگیهای عمومی نئوپلازی»، مکانیسم تنظیم نذایر ناحتها و نحوه پدایس سرطان، رن‌های بوموری و سرطنه تومور پرداخته است. مبحث دوم، «اندمولوری سرطان»، مد حامعی است در ۴۰ صفحه همراه با نمودارها و جدولهای بسیر در آن ابتدا کلیات ایدمبولوری سرطانها و مس سگیری نذیری آنها مطرح و سپس اندمولوری انواع سرد مرحسب حساسگاه آنها به صورتی فسرده، همراه با اسلاید اماری جالب در مورد سرطان هر یک از عصبوها تسریع می‌شود. این مبحث عوامل مختلف خطر را در ایجاد سرطان به د مسروح برمی‌سمارد و به سهم نذی کمی نفس آنها می‌بردارد، این زمسه درباره نفس برتوهای یوسران، داروها، سعل، الود محیط، غذاها، تأثیر معادل عوامل و نیز نفس اسعداد نرسکی انتلای نه سرطان اطلاعات حالی می‌دهد این مبحث در حقی حکنده حامعی است از تمام اطلاعات موجود درباره اندمولو سرطانها مختلف در جهان. مبحث سوم این بحس «سگیری از سرطان» در حوامع مختلف است و مبحث چهارم «وحوه نرسکی نئوپلازی» را دربر می‌گیرد که در آن نذایر نظاهرات بالنی عمومی سرطانها و سپس سیمی درمانی سما بدخم به تفصیل شرح داده شده است.

## بیماریهای عفونی

بیماریهای عفونی در حقیقت مهم‌ترین قسمت کتاب حاضر است و بس از ۱۰۰۰ صفحه را دربر می‌گیرد. این مبحث خود مت بر چهار بخش است.

در بخش اول، کتاب بیماریهای عفونی در ننج مبحث است نخستین مبحث، «ناسح میزان نه عفون»، در حقی تکمیل‌کننده بحس «مکانیسم‌های ایمنی در سلامت و نرسک است و در آن س از توضیح مکانیسم‌های دفاعی بدن در بر میکروب‌ها، عوامل رمیه‌سار انتلای نه عفون، رانم رانگیختن ناسح ایمنی و افروندن مقاومت بدن از آن

پی حديد توليد واکسن های صناعی سرح داده سده است  
بعد مسائل مربوط به ایدمولوری سماریهای عفونی و  
سب همگانی، تغییرات فیزیولوژیک بدن در بیمار مبتلا به  
... مکاسم های ایجاد آنها، و ریسک سیاسی و رده بندی  
... یولوژیک ایجادکننده سماریهای عفونی را در بر دارد این  
مبحث فسرده برای مرور سریع و بارآموزی دانشجویان  
... و پرسکان و سر آگاهی ابدان از بعضی ناره های این  
... بیمار مفید است. در مبحث سجم این بخش کتاب «اصول  
... ضد میکروبی» به طور مسروح سرح داده سده است

... بخش دوم سماریهای ویروسی (۱۷۴ صفحه)، در بخش  
سماریهای باکتریایی و فارچی (۴۶۴ صفحه)، و در بخش  
... سماریهای انگلی و سندروم های عفونی احتمالی (۲۷۵  
... نه صورتی بیمار مسروح مطرح گردیده اند متأسفانه این  
... محل آن نسبت که حسی دکری از اهمیت و ارزش  
... العاده مقالات این بخشها به میان گذارده شود و تنها به این  
... اشاره می کنم که هر يك از سماریهای عفونی، اعم از  
... سی، باکتریایی یا انگلی، توسط یکی از بهترین متخصصان  
... رسته نوشته سده است

... به یاد دارم هنگامی که مرکز سرداستگاهی تصمیم به ترجمه  
... از درسنامه های مشهور گرفته بود، دوست عزیز افای دکری  
... فی از من خواست که در ترجمه مباحثی از سماریهای عفونی  
... ادبی کنم، ولی من سدر فم، اما هنگامی که درسنامه برسکی  
... سدر به ایران رسید و آن را مرور کردم و از تصمیم مرکز  
... دستخاهی در ترجمه این اثر آگاه شدم با کمال میل ترجمه  
... در سماریهای انگلی آن را با وجود مسعله زیاد پذیرفم که بعداً،  
... استار ویرایس دوم کتاب، چون خود در خدمت سازمان  
... ای بهداشت و خارج از ایران بودم، رحمت مقاله این ترجمه  
... به براس دوم و ترجمه مقالات حديد ان را افای دکتر صادقی  
... بهند گرف

... است که از تعیرات سادی این اثر در ویرایس دوم، که  
... سده گویایی است از سب علمی بودن آن دکری به میان اند  
... منظور به اشاره گونااهی درباره دو سماری سسده

... سندروم نقص اکتسابی ایمنی. باب اول کتاب رمایی  
... به هور سندروم نقص اکتسابی ایمنی (AIDS) سباحه  
... به موارد مهلکی از سومونی سوموسس سس کاری  
... (Pneumocystis carinii) را در امریکا گزارش کرده بودند و  
... تا بوجه به اینکه حسین عارضه ای از این انگل هم ریسک  
... شده است، حدس می زدند که نقص ایمنی (به علتی  
... در زمینه سار این عفونت باشد. اما در فاصله باب اول و

دوم که این سماری به صورتی بر سباً جهانگیر و حرب آور اساعه  
... فاف، بلاس بی وقفه محققان منجر به کشف ویروس،  
... ایدمولوری، نظاهرات گونه گون بالسی و دیگر ویرگیهای آن سده  
... و در نتیجه ویرایس دوم این درسنامه تمام این مباحث را در بر دارد.  
... عامل مولد آن در منجبت ویروسهای سس نورد (رتروویروس ها) و  
... سرح آن در منجبت سماریهای امرسی به صورتی مسروح و  
... فر اهوریک درسنامه عمومی آمده و علاوه بر این در سراسر کتاب  
... نظاهرات و ویرگیهای سماریهای عفونی دیگر در متلایان به این  
... سندروم سرح داده سده است

۲. مالاریا تا اواسط جنگ جهانی دوم بلایی در حد ونا و  
... طاعون بود که با کشف مواد حشره کس و داروهای حديد و  
... اقدامات گسرده ای که در راه رسته کی این سماری در سراسر  
... جهان انجام گرفت، امید می رفت که به رودی رسته کی سود اما به  
... غلغل مختلف، از حمله مقاومت ابوفل ها، به تدریج وضع در  
... بخشهای بررکی از افریقا و آسیا به صورت سابق باز گشته است  
... ویراساران این درسنامه، با اینکه مالاریا مسئله ای برای  
... کسورهای اروپایی سست، در سدد برآمدند که مقاله حديد  
... صفحه ای باب اول را با منجبت حامعی که خود يك يك نگاری در  
... سطح غالی است (و ۲۷ صفحه از من انگلیسی و ۴۲ صفحه از  
... ترجمه فارسی را در بر می گیرد) عوض کند و این عارضه را از  
... تمام حشه ها، از حمله سوده های حديد رسته کی و اقداماتی که  
... جهت توليد واکسن ضد مالاریا در حران است، مورد بحث قرار  
... دهند

... بحث درباره محتوای بخشهای ترجمه سده درسنامه برسکی  
... اکتسورد را با یادآوری نکته زیر پایان می دهیم

از يك درسنامه برسکی، اعم از عمومی یا تخصصی، هرگز نباید  
... توقع داشت که احرس اطلاعات را در تمام رسته ها در بر داشته  
... باشد، چرا که اینک با سسرف روزافزون داس سسری هر کتاب  
... برسکی و سب از باب خارج می شود ناره ای از مطالب آن،  
... حدودی کهنه سده است از این رو وسیله اطلاع از احرس  
... بحولات برسکی در سراسر جهان محلات برسکی است و حتی در  
... رسته هایی چون ایمنی سیاسی، تکنولوری برسکی و ... که به  
... سرف در حال سسرف و هر روز داس سمدان موفی به کسیمی حديد  
... و سسرفی ناره می سوبد، مقالات مربوط به این رسته ها سب تا  
... رمایی که آماده حاب سوبد و در اختیار خوانندگان قرار گیرند تا  
... حدودی کهنه سده اند از این روست که وسایل اطلاع رسانی  
... دکری در احبار جامعه برسکی قرار می گیرد با وجود این، قسمت  
... اعظم کتاب حاضر در سطحی است که می تواند برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده  
... به عنوان يك کتاب تخصصی مرجع بسیار با ارزش مورد استفاده قرار  
... گیرد

## زبان علم در درسنامه پزشکی آکسفورد

ترجمه درسنامه پزشکی آکسفورد از لحاظ انتقال علم به زبان فارسی نیز از دو نظر واجد اهمیت است:

نخست متن ترجمه که به فارسی روانی است با مراعات قواعد دستوری این زبان. با آنکه متن انگلیسی کتاب به زبان ساده‌ای نوشته نشده، حتی گاه دشوار و پیچیده می‌نماید و ترجمه نیز در نهایت دقت و موبه‌مو انجام گرفته است، در سراسر متن هرگز آثار ترجمه تحت‌اللفظی دیده نمی‌شود. چنین موفقتی مسلماً مرهون تبحر مترجمان و نیز دقت ویراستار آنست که چنانکه خود در مقدمه کتاب یادآور می‌شود کوشیده است تا ضمن حفظ مالکیت ترجمه مترجمان، متن روان و یکدستی را ارائه دهد.

دوم اصطلاحات علمی. در این مورد نکته قابل ذکر (که در انتقال علم به زبان فارسی بسیار مهم است)، نظام و اصول مشخصی است که مترجمان و ویراستار در کاربرد اصطلاحات علمی در این ترجمه مراعات کرده‌اند. بدین معنی که اولاً از ترجمه برخی اصطلاحات پزشکی که از گذشته صورت خارجی آنها در فارسی رایج بوده و حتی به زبان مردم نیز راه یافته (مانند نامهای مفرد بسیاری از بیماریها یا بعضی اصطلاحات دیگری که واقعاً حنّه بین‌المللی دارند) پرهیز شده و در املاهای فارسی این کلمات، و نیز املاهای سیمیایی و داروها، تلفظ فرانسه که هم آساتر است و هم با تلفظ فارسی سازگارتر مراعات شده است؛ در ضبط فارسی نامهای اختصاصی میکرونها تلفظ اصلی، یعنی زبان لاتین، مأخذ بوده است.

ناتاً، این ترجمه کوششی است بی‌سابقه در گزینش معادل‌های فارسی برای اصطلاحات علمی. در این زمینه مترجمان و ویراستار کوشیده‌اند تا در مرحله اول آن دسته از اصطلاحاتی که از قبل معادل آسایی در زبان فارسی داشته‌اند به کار برند و در گزینش معادل‌های جدید نیز ضمن پرهیز از افراط و تفریط معادل‌های مناسبی (با استفاده از سیوه‌های مختلف از جمله ترجمه به لفظ یا به معنی) برای مفاهیم عام و اصطلاحات علمی بیابند.

بیداست در ترجمه‌ای که واژه‌نامه آن معادل یا معادل‌های فارسی ۳۰۰۰ اصطلاح عملی را دربردارد ممکن است هر خواننده صاحب‌ظری برخی از معادل‌های فارسی آن را بسندد و معادل دیگری را بسپهاد کند و با آنکه اصل انگلیسی آن را ترجیح دهد. چنانکه من نیز در مرور سریع این اثر متوجه شدم که گرچه مترجمان و ویراستار نهایت کوشش را داشته‌اند که متن علمی و گاه پیچیده کتاب به شیوه‌ای روان و روشن به خواننده ارائه شود، گاه اصطلاحات و لغاتی به کار برده شده که برای خواننده نامأنوس است و یا احیاناً با آنچه متخصصان قبل از ایران به

کار می‌برده‌اند متفاوت است. مثلاً لغت association در معنای ایدمیولوریک آن به «رابطه یا ارتباط» شناخته شده است. حالیکه در این کتاب به سه صورت «ارتباط»، «مسارک»، «گردهمایی» ترجمه شده است، یا لغت computation به دو نحو «داده‌پردازی» و «محاسبه» ترجمه شده در حالی که به نظر می‌رسد تنها معادل دوم درست باشد، یا در برابر کلمه crust گاه اصطلاح طب قدیم (خسک ریشه) و گاه دلمه به کار رفته که خسک کلمه نامأنوسی است و بهتر بود از کلمه کبره استفاده می‌شد. اما اگر حق مطلب را بخواهیم ادا کنیم باید گفت نه انتقادهای حرنی یا هر انتقاد دیگری که ممکن است خواننده‌ای برحسب سلیقه خود بر این ترجمه داشته باشد، نمی‌تواند از اهمیت و موفقیت آن، به عنوان اقدام برجسته‌ای در تعویت زبان علم به فارسی، بکاهد.

\*

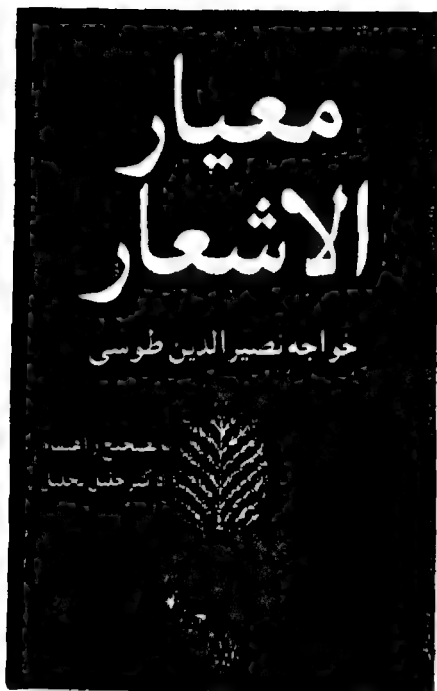
محاسب چند کلمه‌ای نیز دربارهٔ چگونگی چاپ کتاب گفته است: ترجمه درسنامه پزشکی آکسفورد در قطع رحلی به چاپ رسد؛ میانگین کلمات آن در هر صفحه حدود ۹۰۰ کلمه است (متن) کید با کتابهای درسی معمولی که در قطع ورنری چاپ می‌شود هر صفحه آنها حدود ۴۰۰ کلمه دارد). این امر به دو صورت جلدی و دو جلدی با کاغذ مرغوب و صحافی محکم منجر شده است که این امر به دوام بیشتر کتاب در کتابخانه‌های سحتم استفاده مستمر از آن کمک می‌نماید.

نکته‌ای که در نخستین نظر هر خواننده یا فرد است انتشارات علمی را به بحس وامی دارد، اقدامات فنی دفعی، توان‌فرسایی است که در حروف‌چینی مس و جدول‌های - غلط‌گیری، صفحه‌آرایی و مراعات دیگر اصول فنی چاپ علمی پزشکی (از آن جمله استفاده از حروف سبک‌ساز و لاتین در ضبط نامهای اختصاصی میکروها) در این کتاب گرفته است. از این رو صادقانه باید بذیرف که کیفیت چاپ کتاب اگر در زبان علمی فارسی بی‌همتا نباشد، کم‌سابقه است. در حاشیه ضمن فدرساشی از کار مهم مرکز سرداشسکاهی ترجمه این کتاب، امیدوارم این مرکز تمامی درسنامه‌های آکسفورد را با همین کیفیت در ترجمه و ویرایش منجر به تأکید می‌کنم که مرکز ششرداشگاهی یا باید به ترجمه چنین کتاب دست می‌برد یا آنکه که ترجمه نخستین بخشهای آن را با موفقیت ساخته است باید کار ترجمه را از روی چابهای جدید ادامه دهد. «درسنامه پزشکی» شامل کلیه رشته‌های طب داخلی است و در تمام کتاب موجب خواهد شد که علاقمندان و محققان رشته‌های مربوطه بتوانند از این اثر در آموزش و به‌کاربردن در حلقه پزشکی خود استفاده کنند.



# تصحیحی جدید از «معیار الاشعار»

دکتر بنی وحیدیان کامیار



الاشعار نوشته خواجه نصیرالدین طوسی، با تصحیح و اهتمام  
حلیل تجلیل، انتشارات ناهید - نشر حامی، ۱۳۶۹، ۱۶۴ صفحه

دوران و فافیه شعر فارسی دو اثر بسیار ارزنده از قدیم بحا  
است یکی المعجم فی معایر اشعار العجم در وزن و فافیه و  
شعر فارسی و دیگر معیار الاشعار در وزن و فافیه شعر عربی و  
بی اولی نوشته عالم بزرگ بلاعب سمس الدن محمد فس  
دومی بصیف فیلسوف بزرگ خواجه نصیر الدن ابو جعفر  
دن محمد طوسی است هر دو کتاب بسیار مهم اند اما از نظر  
نسخ و سر نویسی متفاوت دارند

شعرا را ابتدا علامه فزوی بی بادی و دقتی عالمانه و بر اساس  
هائی تصحیح منون با مقابله چهار نسخه تصحیح کرد (در سال  
۱۱ میلادی) و بار دوم مرحوم مدرس رضوی آن را با چند نسخه  
دیگر مقابله و به صورتی علمی تصحیح کرد اما  
الاشعار در سال ۱۳۲۰ هجری قمری از روی نسخه‌ای  
بر ما مقابله نسخه‌ای دیگر که هیچ يك نسخه مهمی بود  
و ب حاب سنگی منتشر شد و طبیعی است که از تصحیفات و  
نقد و خطاها مصون نبود. بار دوم دکتر محمد فسارکی و  
سد مظاهری نسخه مورخ ۷۰۲ معیار الاشعار را به صورت  
بی منتشر کردند و در پایان بعضی تصحیفات را - که نتیجه  
نه این نسخه با کتاب میران الافکار فی شرح معیار الاشعار و

شرح دیگری به زبان اردو و نسخه حابی فوق بود - با فهرستهای  
اشعار و مصطلحات بر آن افزودند البته سعی اسان در انتشار این  
نسخه عکسی مسکور است، اما انتظار می رفت که از میان نسخ  
معسر خطی موجود معیار الاشعار بها به نسخه حابی ۱۳۲۰ و دو  
شرح - که انها نیز متعلق به دوره اخیر است - اکفا نکند. برای  
مثال، در تصحیحاتی که در آخر کتاب افزوده شده بعضی تفاوتهای  
همان نسخه حاب سنگی نیز از قلم اماده است. فی الملل در نسخه  
۷۰۲ شعری آمده به این صورت

ای دل تیرش بری

یا ریر حکال عفا

که در نسخه حابی ۱۳۲۰ حسن نقل شده.

ای دل سراس بری

یا ریر حکل عفا

در فهرست تصحیفات کتاب کلماتی که در اشعار فوق با حروف  
سیاه انرا سبک حاب شده نامده است البته تصحیح این شعر از  
روی نسخه حابی و سر حها میسر نبوده است، اما اگر مصححان به  
نسخه خطی کتابخانه داسکده ادبیات دانشگاه تهران (مکتوب به

حاشیه.

(۱) گونا نسخه خطی ۱۱۵۹ موجود در کتابخانه مجلس، نسخه اصلی بوده است  
(طی اظهار ریاست کتابخانه مجلس)

نگارسیها را برگزیده اند (ظاهراً منظور این است که رسم الخط کتاب را به رسم الخط امروز تغییر داده اند) و حال آنکه در روز حلد نویسه سده «با تصحیح و اهتمام...» آیا معنی «تصحیح» در روزگار معروض سده و به تعبیر رسم الخط اطلاق می شود؟

مصحح گرچه نوشته اند که هیچگونه تصرفی در نسخه عکس نکرده اند (ایسان حتی تصحیحات نسخه عکسی - حر حدنا - لازم ندیده اند که یادآور شوید) اما برخلاف گفته خود در حدنا به تصحیح دست رده اند. مثلاً در ص ۱۴، سطر آخر نوشته اند: ذکر افاعیل عروسی موردی ملاحظه شد که بجای فاعلا فاعلاتن فاعلاتن حمین آورده است. فاعلاتك فاعلاتك فاعلاتن و در این نگارس احتمالاً تحت تأثیر ترکی عثمایی فرارداسته (ك) را (بون) می آورده اند [کدا]. گویا منظور این است به جای «ن»، حرف «ك» می آورده اند و در متن کتاب (ص ۵) این تصحیح را اعمال کرده اند. اما این تصحیح به تنها مر عبد است و در هیچ يك از نسخ خطی و حاشی بیامده بلکه بطرک استباهی است، زیرا اولاً حواحه ورن «فاعلاتك فاعلاتك» را ورنی مهمل می خواند و حال آنکه «فاعلاتن فاعلاتن» ورنی مهمل بیست و «رمل» نام دارد. باین «فاعلاتك فاعلاتك فاعلاتك» مربوط به دایره مؤلفه است و بر عو همین دایره بر آمده است (ص ۴۴) و حال آنکه «فاعلاتن فاعلاتن» مربوط به دایره محتلبه است و در ص ۴۶ است. و چگونه ممکن است وزنی که مربوط به يك دایره است بر عنوان دایره دیگر بیاید؟ باین «فاعلاتك» ماسد دیگر افاء دایره مؤلفه («متفاعلن» و «مفاعلتن») از سج هجای کوناه و تسکيل سده (-U-U) و حال آنکه «فاعلاتن» از چهار هج کوتاه و بلند درست شده است (-U-U-). رابعاً مالی که برای مهمل («فاعلاتك..») آمده با «فاعلاتن...» مطابقت ندارد. کجا طلبم رهبر خدا بگو دل (ص ۴۵)، حامساً برخلاف آنچه سده فرق «فاعلاتك» با «فاعلاتن» تنها در نگارس بیست که مختوم به «ك» ماسد و دومی به «ن» بلکه حرف آخر در «فاعلاتن مفتوح است و در فاعلاتن ساکن با این ترتیب «فاعلاتك» خواجه بصیر آورده کاملاً درست است و تصحیح آن به «فاعلاتن» استباه به علاوه به حد غلب از میان تمام کتب فارسی معروض و غیر آن این کتاب تحت تأثیر ترکی عثمایی ماسد و هم تنها در همین يك مورد؟

حد «تصحیح» دیگر هم در این کتاب به عمل آمده است - ص ۸۷، س ۱۵: «بتیزیس» به صورت «بتیزیس» معنی تسدید آمده و حال آنکه در نسخه های موجود بدون تسدید افزودن تسدید خطاست، زیرا نه از لحاظ وزن ضرورت دارد و نه لحاظ دیگر.

سال ۷۱۶) و نسخه خطی مسجد گوهرساز (مکتوب به سال ۱۰۲۹) نظری می انداختند مشخص می شد که صورت صحیح شعر فوق چنین است:

ای دل به تیر اتس بری  
ما ریر حگال عثمایی<sup>۲</sup>

به هر حال مهمترین نسخ خطی معتبر از کتاب معیارالاسعار که در کتابخانه های مختلف موجود است و مصححان نسخه ۷۰۲ از آنها استفاده نکرده اند، ۷ نسخه به فرار ریر است:

- نسخه خطی مکتوب به سال ۶۷۰ که طبق بوسته مرحوم مدرس رضوی در مقدمه المعجم نرد خاندان نجم آبادی است؛  
- نسخه مکتوب به سال ۷۱۶ که در کتابخانه داسکده آدسات در داسگاه تهران است ولی ناقص است؛

- نسخه مکتوب به سال ۷۲۰ که در کتابخانه طوبصو سرای ترکیه است؛

- نسخه مکتوب به سال ۱۰۲۹ که در کتابخانه مسجد گوهرساز است؛

- نسخه مکتوب به سال ۱۰۵۹ که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی است؛

- نسخه مکتوب در فرن یازدهم که در کتابخانه داسکده ادببات داسگاه تهران است؛

- نسخه مکتوب در فرن هیردهم که در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری است.

و اما حاد جدید معیارالاسعار که مورد بحث این گفتار است، حدود سی سال پس از اسعار نسخه عکسی ۷۰۲ منتشر شده است (تابیز ۱۳۶۹). مصحح و اهتمام کسده محترم در مقدمه برشته اند که «این ناحیر هیچ تصرفی در عبارات و کلمات و دیگر جهات [نسخه ۷۰۲] نکرده و فقط برای آسانی مطالعه سسل حاضر وارگان و نگارسیهای را که بطور دقیق فهرست نموده های نسخه خطی و حاشی آن را می آورم برگزیده ام [کدا] تا متعلمان را بکار آید.» (ص ۱۵).

از این فرار مصحح و اهتمام کنند با صراحت و تأکید اظهار می دارند که هیچ تصرفی در کتاب نکرده اند، فقط وارگان و

صفحه‌ای را نتوان یافت که حالی از غلطهای متعدد ناسد، غلطهایی که فهم عبارات را غیر ممکن ساخته یا مطلب را تعبیر داده است لذا ما فقط غلطهای چند صفحه از کتاب را ذکر می‌کنیم، چه ذکر همه غلط خود در حد کتابی خواهد شد:

- ص ۲۱، س ۱۰ «مقصی» در نسخه «مقصی»
- ص ۲۱، س آخر «الفاط» " «الفاط مهمل»
- ص ۲۲، س ۱ «بحسب» " «بحسب»
- ص ۲۲، س ۶ «از او مانند» " «از و مانند»
- ص ۲۲، س ۱۰ نقطه گذاری غلط است به این صورت. «و به قول این جماعت از اعراض و بمناات غایت است» و حال آنکه به نقطه باری نسبت اصولاً علامت گذاری در خط متون حز در مواردی که بودن آن ایجاد ابهام می‌کند جایز نیست تا چه رسد به نقطه گذاری غلط (در سراسر کتاب نقطه گذاریهای غلط بی اندازه است)

- ص ۲۲، س ۱۹ «ناب» در نسخه «ناب هم»
- ص ۲۳، س ۲ «ارافسام» " «در اعتبار: است و این اسماء ناسی از غلط خوانی و عدم توجه به معنی بوده است
- ص ۲۳، س ۵ «آنح»، که طبق رسم الخط جدید باید «آنحه» ناسد

- ص ۲۳، س ۱۴ «گوید» در نسخه «گویند»
- ص ۲۳، س آخر «ناسد» " «ناسد»
- ص ۲۴، س ۴ «ناسد» " «ناسد»
- ص ۲۴، س ۱۷ «نود» " «باشد»
- ص ۲۴، س ۱۷ «ار حرکات» " «حرکات»
- ص ۲۴، س ۱۸ «بعضی» " «بعضی بطبع»
- ص ۲۵، س ۴ «آن» " «ان تعلق»
- ص ۲۵، س ۵ «معانی» " «معانی از عموم علما»
- ص ۲۵، س ۱۱ «دارد» " «دارد از علم موسیقی و از اسمعالت در اسعار مطلقاً تعلق به فی خاص دارد»
- ص ۲۵، س ۱۶ «باسد» " «باسند»

#### حاشیه

- (۲) این بیت در کتاب «ودئی» آثار مطهری، باب مسکو، ۱۹۵۸، ص ۴۹۹ به صورت «یر آمده است
- (۳) الوافی می‌نویسد: «ار حطیب بر بری، تحقیق دکتر محمدرالدین قزاده، سوریه، دار الفکر، ۱۹۸۸، ص ۵۴
- (۴) معارج العلوم، از ابو یعقوب یوسف سکاکی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ص ۲۲۵

- ص ۷۳، س ۱۶. در شعر عربی «با حار لا ارمن مکم شه»، حرف «ن» در کلمه «ارمن» با تسدید آمده و حال آنکه در جبهه اصلی و دیگر نسخ بدون تسدید است همجنس است در الوافی حطیب فروینی<sup>۳</sup>. علاوه «ارمن» در معارج العلوم ذاک<sup>۴</sup> بر وزن «فاعل» گرفته شده و لذا نمی‌تواند با تسدید

- ص ۷۵، س ۲۴: در شعر عربی «تسوفها» بدون تسدید آمده حال آنکه خلاف نسخه اصلی و مفتاح العلوم و الوافی است زوجه حذف تسدید وزن شعر را مختل ساخته است

- ص ۷۷، س ۱۰: «لانت» با «الف» و «ب» ساکن آمده و حال که در نسخه اصلی هر دو مفتوح است، چنانکه در الوافی (ص ۱۱) علاوه این بغیر بادرست وزن شعر را مختل می‌سازد

از این تصرفات غلط که نگذریم می‌پردازیم به این نکته که نسخ نوشته‌اند هیچ تصرفی در کتاب نکرده‌اند حر تبدیل هم الخط قدیم به سیوه معمول امروزی یا این همه در مواردی هم الخط قدیم تغییر داده بسته است مثلاً در:

ص ۲۳، س ۵ «آنح» بجای «آنحه» آمده است

ص ۳۵، س ۱ «ألك» بجای «آنکه»

ص ۳۸، س ۲۳ «حانك» بجای «حانکه».

در زمان مؤلف کلمه «سوم» را «سم» می‌نویسند و تلفظ کرده‌اند، اما در این کتاب این کلمه در مواردی به صورت «سوم» (ص ۴۰، س ما قبل آخر) نوشته شده و گاه به صورت «سم» (ص ۴۱، س ۳) و حتی به صورت سوم (ص ۴۱، س ۲) به اختلاف تلفظ دارد) و این ناسی از عدم رعایت اصول تصحیح و ناسب داری است. همه آخر کلمات را در حالت اضافه می‌نویسند و سیوه امروزی بدل به «ی» کرده‌اند و گاه به همان صورت می‌نویسند (ص ۳۴، س ۱۳ «اساء شعر» آمده اما در ص ۳۴، س ۱۷ «سای شعر»).

مخطوطات دیگر، اعم از غلط خواندن متن، حذف مطالب در ساری از صفحات، افزودن به مطالب، حابه‌ها شدن مطالب، مزخرفات و تصحیفهای فراوان اعم از حاشی و املایی، استنباطات بسیار در بارگراف بندی و نقطه گذاری، به حدی است که شاید

- ص ۲۹، س ۳: «با آن» در نسخه «باراء» [در اصل (طبق رسم الخط کتاب) بازآ]  
این استباه ناسی از غلط خوانی متن است و حال آنکه اولاً قابل استباه نیست؛ ثانیاً اگر حتی به معیار الاسعار (حاج ۱۳۲۰) هم مراجعه می‌شد این استباه که معنی را عوض می‌کند سس نمی‌آمد.

- ص ۲۹، س ۶: «خاص» در نسخه «خاصه»  
- ص ۲۹، س ۷: «مازان» " " «باراء»  
- ص ۲۹، س ۸: «خاص» " " «خاصه»  
- ص ۲۹، س ۹: «عه» " " «عب»  
مصحح در ص ۳۰، س ۲۱ آن را به همان صورت «عب» آورده است

- ص ۲۹، س ۱۴: «ناسد» در نسخه «ناسند»  
- ص ۲۹، س ۱۸: «باء» " " «یا»  
در همین صفحه، در س ۱۵ «یا» به صورت نسخه نویسه شده، یعنی «یا»

- ص ۲۹، س ۱۹: «افدا» در نسخه «انتدا»  
- ص ۳۰، س ۲: «خواننده» " " «خواند ماسد»  
- ص ۳۰، س ۳: «جایر» " " «حرفی ساکن»  
- ص ۳۰، س ۸: این ناراگراف دنباله مطلب قبل است و نمی‌یابد در ناراگراف جدید بیاید.

- ص ۳۰، س ۱۰: «فارسی» در نسخه «بارسی»  
- ص ۳۰، س ۱۱: «ط و ض» " " «ط و ظ»  
- ص ۳۰، س ۱۲: «لفظ» " " «لعف»  
- ص ۳۰، س ۱۳: «ج» " " «ح» (طبق رسم الخط امروز فارسی که هدف مصحح برگرداندن معیار به اس خط بوده است)  
- ص ۳۰، س ۱۳: «ف» در نسخه «ف»

این حرف فاء اعمی نامیده می‌شده و ضامت دو لبی و اکدار سایشی است که در زبان عربی بوده است و در قدیم آن را معمولاً به صورت ف سان می‌داده‌اند.<sup>۵</sup>

- ص ۳۰، س ۱۳ ک الخط امروز فارسی)  
در نسخه «گ» (طبق رسم-

- ص ۳۰، س ۱۹: «فیل» " " «فیل»  
- ص ۳۰، س ۲۱: «ملاً حانحه» " " «ملاً حانکه»  
- ص ۳۰، س ۲۳: «و حانحه» " " «و حانکه»  
- ص ۳۰، س ۲۴: «اعجم» " " «عجم»  
- ص ۳۱، س ۱۰: «از فیل» " " «از فیل»  
- ص ۳۱، س ۱۳: «فرق» " " «و فرق»  
- ص ۳۱، س ۱۸: «بر عروضی است» " " «بر عروضی نیست»

نیست»

- ص ۳۱، س ۲۱: «حروف» در نسخه «حرف»

- ص ۳۱، س ۲۵: «عروضی» " " «عروضی را»

- ص ۳۲، س ۱: «ه» " " «ه»

- ص ۳۲، س ۲: «بر تیم» " " «ترین»

- ص ۳۲، س ۲: «ا» " " «ا»

به هر حال انواع خطاها در تمام صفحات کتاب بوفور مسرلاً برتیب صفحه ۳۴ سس غلط دارد، ۲۵ هسب، ۳۶ نك، ۷ هف، ۳۸ هف، ۳۹ سه، ۴۰ چهار، ۴۱ نه، ۴۲ سه غلط (البد این صفحه سه دایره عروضی هم هست که از نظر رسم و شد شروع بحور و نوشتن اسامی بحور و علامتهای عروضی است دارد)، صفحه ۲۳ چهار غلط دارد، ۴۴ سس غلط و نك در عروضی غلط، ۴۵ سج غلط و نك دایره غلط، ۴۶ سه غلط و دایره غلط و فس غلهدا با آخر کتاب

با اندك دقت و وسواس علمی و اما ناداری اس اسباهات - اكر آنها در كتاب معيار الاسعار به غلب علمی و فنی بودن مطلب را با مفهوم ساخته - بیس نمی‌آمد. مثلاً در ص ۳۸ اس م - که از سبب بقیل (دو هجای کوتاه) - تسکيل شده آمده است «سر تو رحه سنده رپی هنر که سر (سر) نو نده ر برکت بدر بو و حال آنکه در نسخه ۷۰۲، (ص ۹) نه کلمه «سر» است و نه «ه» بلکه «هر» است (در نسخه اصلی کاملاً مسحص است) کذا «بی» هم از معنی برمی‌آید که باید «بی» باشد (نسخه بدلها سرا را تأیید می‌کند) بعلاوه آخر کلمه «هر» نمی‌تواند ساکن باشد (ریرا بعام مثال از هجای کوتاه تسکيل شده است). با نگاهی یکی از نسخه بدلها از جمله نسخه حای ۱۳۲۰، مشخص می‌شود که در آخر کلمه «هر» کلمه «تو» بوده که افتاده است «سر» حه سنده زنی هر اتوا، که هر نو نده ر برکت بدر تو» بی‌دقتی و سهل انگاری در این باب تا بدان حد است که صفحه ۴۶ نسخه اصلی ۲۱ سطر (معادل نك صفحه کامل ح حذف شده است - ص ۴۶، تمام ستون سمت چپ). در ص ۱۸ این کتاب از تغییرات املائی صفحات ۱۶۴ و ۱۶۵ یاد شده است و حال آنکه متن حای کتاب به صفحه ۱۶۰ ختم شده است حای سسی تأسف است که در گذشته کسانی چون علا فروینی، همایی، فروزانفر، دکتر فیاض... با بهاب دقت و وسواس و با توجه به اصول تصحیح متون به تصحیح آثار علمی می‌پرداختند و در این روزگار چنین کارهایی به نام تصح به حاب می‌رسد.

حاشیه.

۵) رجوع شود به علی اسرف صادقی، تکوین زبان فارسی، تهران، دانسته ایران، ۱۳۵۷، ص ۱۲۶

# نقد ترجمه اخبار الطوال

مصطفی موسوی

حسّ اخبار الطوال تألیف ابو حنیفه احمد بن داود دسوری، ترجمه دکتر حمود مهدوی دامغانی، چاپ سوم، نشر بی، تهران، ۱۳۶۸

## ۱) ترجمه نادرست

○ ص ۲۷، س ۳ در ترجمه «فأخذوا ما بین المسرى والسعال» آمده است «به سوی شمالی و خاور رفتند» که منظور این است که «به سوی شمال شرقی رفتند» دو سطر بعد نیز در ترجمه «فأخذوا ما بین الجنوب والدبور» آمده است «راه جنوب و دبور (معرب) را بین گرفتند» که بهر است اصلاح شود: «راه جنوب غربی را بین گرفتند»

○ ص ۲۸، س آخر در ترجمه «سام اولاد ارفحسد الحسف» آورده اند «سوراسف فرزندان ارفحسد را رنده نگور کرد». ترکیب «سام الحسف» در ص ۳۴، س آخر سر «رنده نگور کردن» ترجمه شده است و حال آنکه معنی صحیح آن «خوار و دلیل کردن» است.

○ ص ۲۹، س ۱۴ در ترجمه «کان من صمم فومه» آمده است «ار مردان صممی قوم او بود» «صمم قوم» به معنی «نراده» است و ترجمه درست عبارت چنین است: «ار برادرگان قوم خود بود».

○ ص ۳۵، س ۱۶ در ترجمه «سّانه»، «رویس» و «تیر و روس» آورده اند معنی «سّانه» سر کوحك است و روس تیره کوحك است که نادرست برتاب می شد نه با کمان. سایر اسامی بهتر بود که از عبارت «و کمان خود را تیر کرد و روسی در آن نهاد و حسان سر و روسی نه آورد که» «رویس» دوم حذف شود و نه حای «رویس» اول، «سر» بوسیله سود

○ ص ۳۷، س ۱۲ در ترجمه «فسأل عنهم» آمده است: «از اسان برسید» بهر است ترجمه شود: «در باره سب ایشان پرسید» و نیز در ص ۶۱، س آخر، ۶۲، س ۲ و ۹۵، س ۴ به ترتیب «فسل عن دارا»، «سل عن فور» و «فسل عن هذ الرجل»

سبی بیس به مناسبی با بی حد از دوستان متن عربی اخبار الطوال را می خواندیم. در ترجمه گاه دوستان عبارات را به وبه ای نادرست ترجمه می کردند و به ترجمه فارسی افای مهدوی دامغانی استناد می کردند. تعدد این موارد مرا به فکر غایله بین فارسی و عربی انداخت. حوسخخانه متن عربی کتاب به در دست داشتم همان حای بود که افای مهدوی از روی آن ترجمه کرده اند یعنی حاب «عبدالمنعم عامر»، با مقابله نحسی از ترجمه (از ص ۲۵ تا ۱۰۲) با متن عربی به اسباهایی برخوردیم که به کتاب راه نافته بود و تصحیح آنها ضروری می نمود. اسباهات به طور کلی عبارتند از: ۱) نادرسی ترجمه ۲) مواردی که به در ترجمه از قلم افتاده است؛ ۳) افزوده های غیر ضروری ترجمه؛ ۴) ابهام و نارسایی معنایی در عبارات؛ ۵) مواردی که سبسان آنها لازم می نمود؛ ۶) ضبط سکللهای نادرست، مروج و به و ناهمگویی آنها، بخصوص نامهای ایرانی که ساسنه بود ترجمه محترم به اصلاح آنها همت می گماشید، که به برت نادر شده در اس مقاله آمده است. در تصحیح باره ای اسباهات، خصوص تصحیح نامها عمدتاً از کتاب نفس و کراسنگ تاریخ عربی و عربها اثر تنودور بلدکه حاور ساس المانی که ترجمه فارسی آن به همت استاد دکتر رریات حوی از سوی اسسارات حسن انار ملی در سال ۱۳۵۸ منتشر شده است (که متأسفانه به تعداد کمی مسر شده و اکنون نایاب است و حتی در نسخده های معتبر نیز یافت نمی شود) استفاده کرده ام و در این مقاله هر جا که «تلذکه» آمده است منظور همین کتاب است.

ترجمه سود. «ار سر یوست داریوس سرس»، «ار سر یوست فور برس» و «در مورد این مرد سرس».

○ ص ۴۱، س ۷. «س از کسته سدن حدیس» ظاهر منظور «س از نابودی [قبله] حدیس» است.

○ ص ۴۲، س ۱۳. در ترجمه «داودالملک» آمده است: «نادساهی داود» و ترجمه درست «داود نادساه» است

○ ص ۴۶، س ۲. در ترجمه «فسرأها» آمده است «و دحتری... اسیر گرف». «تسری» یعنی: «نه کنیزی (سریه) گرف» و ربطی به «اسر» ندارد

○ ص ۴۸، س ۵. در ترجمه «احممع عظمأوها و اسرافها» آمده است. «مردم فارس بررگان و اسراف خود را جمع کردند» «اجتمع» لازم است و به معنی «جمع شدند»، و «جمع» متعدی است به معنی «جمع کرد» ترجمه صحیح عبارت می شود: «بررگان و اسراف ایران جمع شدند».

○ ص ۴۸، س ۱۰. در ترجمه «عقد لابن عمه...» آورده اند «برای سرعموی خود فرمایی نوسب». «عقد لواء والو به» ترجمه شدن برای فرمانده سپاه است که از سنتهای جنگی عرب در تعس فرمانده و گسیل داشتن سپاه به جنگ است بهتر است به «برای سرعموی خود برحمی سب» ترجمه شود

○ ص ۵۴، س ۸. در ترجمه «غرا ارض الروم» آمده است «با سرزمین روم جنگ کرد»، با توجه به معنی «عرا»، که رفتن به جنگ در سرزمین دشمن است، عبارت بهتر است چنین ترجمه شود: «برای جنگ به سرزمین روم رفت».

○ ص ۵۷، س ۲. در ترجمه «فأديك و بال امرك» آورده اند «به تو مزه درماندگی را حواهم حساسد». طاهرا «و مال امر» به معنی «مزه درماندگی» ناسد، و بهتر است سخنی با «عموبت کار» معنی سود.

○ ص ۵۷، س ۸. در ترجمه «ثم لى الاسكندر حادا مستهرا» آورده اند: «و برای رویارویی با اسکندر بیرون آمد». ترجمه و متن فقط در «اسکندر» مسرکند. ترجمه عبارت طاهرا باید چنین باشد. «سپس با حدیث و دلاورانه با اسکندر مواجه شد».

○ ص ۵۸، س ۹. در ترجمه «الم ترعما لك برعما على خودك؟ قال قد فعلت» آمده است. «مگر نمی گفتم که ما را بر لسکریان خود فرماستی و برتری می دهی؟ گفت آری همچنان کردم» (اسکندر دستور داده بود فاتلان داریوس را که به دستور خود او داریوس را کشته بودند، در کنار گور داریوس بردار کنند فاتلان وعده های اسکندر را به او یادآوری می کنند.) واضح است که لطف و ایهام موجود در عبارت عربی به ترجمه فارسی منتقل شده است و بهتر است عبارت اصلاح شود به «مگر نمی گفتم که ما را سردار سپاهیات می کنی؟ گفت: و حان کردم».

○ ص ۶۲، س ۲۱. در ترجمه «حمر الالوان، صهب السعور» آورده اند. «که سرح یوست و آسفته خرد بودند». «سعور» حص «سعر» به معنی موی است و «صهب» جمع «اصهب» به معنی سرح مگی صحیح عبارت این است: «که سرح یوست و سرح موی بودند».

○ ص ۶۴، س ۶. در ترجمه «ان يتضاها و اعلی اهل ارضی مر بعدی» آورده اند: «که س از من به مردم سرزمین من خبر آورد» معنی «بضاها» تعاون و اتحاد است نه حمله و هجوم. ترجمه درست عبارت این است: «که س از من علیه مردم سرزمین من متحد شوند».

○ ص ۷۷، س ۳. در ترجمه «راسل ملك الروم» آمده است «کسانی را بیس قصر فرستاد» «راسل» از باب مفاعله است. معنی «نامه نگاری کرد». ترجمه صحیح این است «با نادساه نامه نگاری کرد».

○ ص ۸۳، س ۱۴. در ترجمه «صاحب صدقات المملکة» آورده اند. «دسر صدقات کسور» «صدقات» اینجا به معنی مالدار است و بهتر است عبارت چنین ترجمه شود. «رئیس دیوان مالدار کسور».

○ ص ۸۶، س ۸. در ترجمه «و هو مرج معروف» آورده اند «مرح مرغزار را گویند». ولی منظور این است که «و آن مرغزار است معروف».

○ ص ۹۸، س ۲۵. در ترجمه «واکمس فی حره» آورده اند «و در جنگ با او حارب احباط را رعایت کن» «اکمس» بمع «بسیاب» و ترجمه صحیح عبارت این است «برای جنگ با ستاب کن».

○ ص ۹۹، س ۵. در ترجمه «الناس.. و عما» آمده است «مردم سب کور». «عمی»، «نابنایی» است به «سب کوری».

○ ص ۱۰۰، س ۱۲. در ترجمه «و سَمی الدار التي يحيى فم ذلك (سرای سمره)» آورده اند: «و دیوانی را که مالیات در آن موجود است و دریافت فرار می گرفت «سرای سمره» می نامند «جابه» یعنی «گرفتن و حمله آوری کردن». «سرای سمره» بلد که «سمره» خوانده است «دسوری می گوید که این است». «نارسی سمرک» (فارسی امروزی سه مره) می گفتند «(بلدان ص ۴۰۵). «سه مره» طاهرا تصحیف «سه بهره» است «و بهره سری از مردم مالیات بنهیم و حنان کنیم که این مالیات را در سال سه بهره بردارند تا در ابارهای مال حندان خواسته بردارند که...» (نلدکه، ص ۳۶۶) و «سرای سه بهره» یعنی جایی که در مالیات مذکور را می گرفتند. بنابراین، عبارت بهتر است این شود: «و خانه ای را که در آن مالیات جمع می شد «سرای سه بهره» نامید».

نبرونه» آمده است: «سربوست‌ها از هیچ نادساه و بروب او بی‌می‌دارند و کسی را برای نادساهی و بروب احترام نمی‌گذارند». جمله به خاطر حذف يك كلمه «نه جهب» بی‌جهت طولانی شده است، بهتر است بوسه سود «سربوستها از هیچ نادساهی به جهب بروب او نمی‌رسند».

○ ص ۵۹، س ۱۸: در ترجمه «و ارض الهد و السد و الحیسه» آمده است: «و سربوسن های هند و حبشه و سودان» که «و سودان» را باید است.

○ ص ۷۸، س آخر در ترجمه «و برع فی الادب و الفروسیه» آورده اند «و در ادب و سوارکاری و تیراندازی به حد کمال رسید» که «تیراندازی» را بد است.

○ ص ۷۹، س ۳ در ترجمه «فكان یركب الحائث» آمده است «بر اسبان اصیل و گریه سوار می‌شد و بر ستران رهوار می‌سست» که «بر اسبان اصیل و گریه سوار می‌شد» را بد است. ○ ص ۸۱، س ۱۳: در ترجمه «رفدا فوق رفدالرافدینا» آمده است «ما بیس از باری دیگران یاری دادیم و سرور سدیم» که «و سرور سدیم» را بد است.

#### ۴) ابهام و نارسایی معنایی در عبارات

○ ص ۳۳، س ۱۹ در ترجمه «فصیر الملك الی اس اننه موسهرس ایرج، و صرفه عن اسه سلم و طوس، ثم مات» آورده اند: «و نادساهی به موحرر سر ایرج که نوّه مرود بود تفویض شد و خون مرود در گذشت موحرر به شاهی رسید». عبارت ترجمه ناقص و نارساست بهتر است مطابق متن ترجمه شود: «مرود نادساهی را به موحرر فرزند ایرج (نوّه خود) تفویض کرد و دو فرزند دیگر خود، سلم و تور را از آن محروم کرد و سپس درگذشت».

○ ص ۳۴، س ۱۳ در ترجمه «فملك سباء من... ارض الیمر، طول ملك موسهر مانه و عسرین سه، ثم مات، و ملك بعده ابنه حمیرس ساء، و جعل ابنه کهلان وزیر حمیر» آمده است: «در تمام مدب نادساهی موحرر ساء سر... در یمن نادساهی کرد و یکصد و بیست سال طول کشید و چون درگذشت سرش حمیر به نادساهی رسید و سر دیگرش کهلان را وزیر حمیر قرار داد» عبارت در اصل نثر اسطراب دارد و شاید منظور این است: «در تمام مدب نادساهی موحرر که یکصد و بیست سال طول کشید، ساء سر در یمن نادساهی کرد او سرش حمیر را پس از خود به نادساهی برگرداند و سر دیگرش کهلان را به وزارت او گماشت و سپس درگذشت».

○ ص ۳۷، س آخر در ترجمه «و قد کان زوجة استه، و حملت منه» آمده است «او دختر خود را به همسری سیاوش در آورده و از

#### واردی که در ترجمه از قلم افتاده است

ص ۳۱، س ۱۱: «آنجا بودند ولی حزی نگذشت که «از آنجا بودند» ترجمه «مجاورهم محطان بها» باید افزوده

ص ۳۵، س ۵: «ظهور کرد و مردم را بحوسس دعوب پس از «ظهور کرد» ترجمه «فحلل افراسیاب» از قلم افتاده

ص ۴۴، س ۴: «و همچنان نارحه ساهی که بران «ن ساهی» ترجمه «فاستخرج منه» از قلم افتاده است. ص ۵۲، س ۵: «س از «نادران ایران رمن بودند»، به «و لذلك یقال لهم الناساییه» از قلم افتاده است.

ص ۵۵، س ۱۰: «ویران سارد» ترجمه «فلم یحلل کندر بذلك» از قلم افتاده است.

ص ۵۶، س ۶: «در آن مورد» ترجمه «و أوعده» از قلم افتاده است.

ص ۷۸، س ۱۳: «نادر ناس می‌داد» ترجمه «کان» بیامده است.

ص ۹۹، س ۱۹: «بر ما فرار داده اند» ترجمه «و الی دکرنا» از قلم افتاده است.

ص ۱۰۰، س ۱۴: «می‌گویند» ترجمه «قد فیل فی ر ذلك غیر هذا، ای انما هی دار الحساب» بیامده است.

ص ۱۰۰، س ۱۴: «س از «حساب است» ترجمه «و هذا معروف فی لغة فارس الی الیوم، سمنون الحرج السمره من علی معنی الحساب» از قلم افتاده است (در مورد سمره «این توضیح داده شده است»)

#### برونده‌های غیر ضروری

ص ۳۰، س ۲۲: در ترجمه «فمدر علیهم» آمده است «بر سرور شد و سخت گرفت» که «و سخت گرفت» را بد است. ص ۳۵، س ۱۹: در ترجمه «وانصرف... حتی لحقوا به» آورده اند: «به سربوسنهای خود باز گشتند و از ادامه «منصرف شدند»، که ظاهراً «از ادامه جنگ منصرف شدند» است «انصرف» یعنی بازگشت.

ص ۵۷، س ۲۳: در ترجمه «ان المقادیر لایهاب ملکا

«درهای رندان را سکسب و بیرون آمد و فرستادگان خود  
میان مسیحیان حندی ساپور و دیگر شهرهای اهوار فرست  
ترجمه باقص است. بهر است مطابق متن عربی ترجمه شود.  
فرستادگان را به سوی مسیحیان حندی ساپور و دیگر  
اهوار فرستاد، درهای رندان را سکسب و بیرون آمد و مسیه  
گرد او جمع شدند، سپس کارگزاران مدرس را از بواهی  
راند.»

## ۵) استحسان چند مورد

○ ص ۳۰، س ۲: در ترجمه «فقره بها» آورده اند «در  
درگدست» واضح است که ترجمه صحیح باید «از  
انحاست» باشد

○ ص ۳۳، س ۱۵: در ترجمه «فداعی الفرقان»  
آمده است «دو گروه آماده حیک شدند» که بهر است  
ترجمه شود. «دو گروه یکدیگر را به حیک فرا خوانند»  
○ ص ۵۰، س ۱۶: در ترجمه «وعاهده علقه و حلقه»  
است «و یکدیگر را سوگند دادند و بسمان گرفتند» بهر

ترجمه شود «و نا او بر آن بسمان بست و او را سوگند داد»  
○ ص ۷۷، س ۱۹: در ترجمه «کتب له بدلك» آمده است  
این مورد عهدنامه بی بوسه شد «کتب» معلوم است  
ترجمه درست بر این است «در این مورد خبری (افزاید)  
بوست»

○ ص ۸۸، س ۱۲: «و فرور را دنبال خود می کشاند»  
حلقه صاحب در ترجمه «و طلعه فرور فی حوده» آمده است  
بهر است ترجمه شود «و فرور را سبانهاس او را دنبال»  
○ ص ۹۰، س ۶: در ترجمه «فأحرفهم فيها» آمده است  
«انبار در این انداختند» که بهر است ترجمه شود «ان  
ان حدها سوراخ»

## ۶) ضبط نادرست نامها

○ ص ۳۲، س ۱۳: «کوهبارس» که معنی برکردن  
«کوهبارس» تصحیف «کوهبار» است که به عربی جمع است  
است طبری بر «فوهبار» آورده است «و  
من الفوهبارس و یفسر ذلك محوّل الحمال سبع مراتب  
كل واحد منهم ناحية من دناوند و غيرها علی سبیل  
(تاریخ الرسل والملوک، مکتبه الاسدی، طهران، ج ۱، ص ۱۰۰)  
بنابر این معنی که دیوری از آن فهمیده است ترجمه صحیح  
○ ص ۳۶: «او ا کعباد» سه سر داس کاوس است  
نادر برگ لهر است است. و «فوس» «کتابه» سبیل  
«کی اسوه» است (کتابان، ص ۱۵۹)، در طبری بر

او باردار بود. «بهر است ترجمه شود. «او دحیر خود را که از  
سیاوس باردار سده بود به همسری سیاوس در آورده بود»

○ ص ۴۴، س ۱۶: در ترجمه «یطلب نأز ابیه» الدی صار  
الی ارض فارس، فحارب کبخسرو، ففعل فی المعرکه» آورده اند  
«[فند] در طلب خون مدرس بیرون آمد و سوی فارس حرکت  
کرد که مدرس در معرکه جنگ کسه سده بود «فاعل «نأز» همان  
«ابیه» است، «کبخسرو» بر از فلم افزاده و عبارت فذری اسفیه  
شده است. بهر است ترجمه شود. «[فند] در طلب خون مدرس  
که به سوی فارس حرکت کرده بود و در جنگ با کبخسرو کسه  
سده بود، بیرون آمد»

○ ص ۶۵، س ۵: در ترجمه «و دفعوا الحرب، فلم یکن یعلب  
احدهم صاحبه الا بالحکمه والآداب یراسلون بالمسائل»  
آورده اند: «و جنگ میان یکدیگر را رها کردند و معمولاً مباحثات  
ادبی و فلسفی میان یکدیگر طرح می کردند» بهر است ترجمه  
شود: «و جنگ را رها کردند و کسی بر دیگری خبره بسی مد مکر  
به واسطه برتری در داس و ادب، و برای یکدیگر سؤالات (ادبی،  
فلسفی) می فرستادند.»

○ ص ۷۴، س آخر: «نخستین موضوعی که از دوراندسی او  
آسکار شد.» طاهراً منظور این است که «دوراندسی او» آسکار  
شد به «موضوع» بهر است جمله به این صورت اصلاح شود  
«نخستین موضوعی که دوراندسی او را آسکار صاحب»

○ ص ۸۵، س ۹: در ترجمه «فارتفع لئلا الجلود، والحجارة  
التي فيها، وعدوا المهاره بها و ضربها اناها باندیها اصواب» آمده  
است. «از آن بوسها و رنگها و دودن کره اسها حنان هاهو و  
غریبوی برحاست» عبارت عربی باقص ترجمه شده است بهر  
است همه واره ها ترجمه شوند «از آن بوسها و رنگهای درون  
آنها و دودن کره اسها با آن بوسها و از برخورد کردن آن بوسها  
به دستها سان حنان هاهو و غریبوی برحاست» این جمله حکی  
در طبری نیامده، بلکه نیز آن را احمقانه خوانده است (بلدکه،  
ص ۱۹۱)

○ ص ۹۸، س ۱۹: در ترجمه «و ب رسله فی نصاری  
جندیساپور، و سائر کورالاهواز، و کسر السحن، و حرح و اجمع  
الیه اولئك النصاری، فطرد عمال ابیه من کورالاهواز» آورده اند:



(۱) ص ۱۰۰، س ۲۵ «نانک سر بهروان» را طبری «نانک س  
البرهان» ضبط کرده است (ح ۲، ص ۹۶۳، حاب افسب،  
مکتبه الاندلی، طهران)

(۲) ص ۲۶ «برنجهان» - «وونگهان» (کتابان، ص ۸۷)  
(۳) ص ۳۳ «ارح و سلم و طوس» - «ارح و سلم و نو»  
(۴) ص ۳۸ «برانان، ابرنان» - «بران»  
(۵) ص ۲۷ «ارجم» - «رحجم» (فاموس کتاب مقدس)  
(۶) ص ۵۲ «فلسوس» - «فلس/فلسوس»  
(۷) ص ۵۹ «فسون» - «فسون» (ارح الرسل والعلوک، ح  
۱، ص ۲۰۰ و معجم البلدان)

(۸) ص ۶۶ «مهر حاشدن» - «مهر کان کدک» (مهرگان کده)  
(۹) ص ۶۸ «فال» - «نانک» (بلدکه، ص ۴۱)  
(۱۰) ص ۶۸ «مهرس» - «مهرس» (بلدکه، ص ۵۲)  
(۱۱) ص ۷۳ «فالوفه و فدوفه» - «کلککه و کانادوکه»  
(بلدکه، ص ۹۱)

(۱۲) ص ۷۲ «ولیر نانوس» - «والر نانوس»  
(۱۳) ص ۷۶ «نانوس» - «لنانوس نانولانوس» (بلدکه، ص  
۱۲۴)

(۱۴) ص ۷۶ «ونانوس» - «ونونانوس» (بلدکه، ص  
۱۱۲)

(۱۵) ص ۸۳ «برد حسن فادوسفان» - «برد گسب  
فادوسفان» (بلدکه، ص ۱۸۷)

(۱۶) ص ۸۲ «حسن سادرس» - «کسب ادروس» (ایران  
در زمان ساسانیان، ص ۲۹۸)

(۱۷) ص ۸۳ «فاحسرو» - «ماه حسرو» (بلدکه، ص ۱۸۷)  
(۱۸) ص ۸۳ «فیرک» - «سیرک» (ایران در زمان ساسانیان، ص  
۲۹۸)

(۱۹) ص ۸۸ «سوحرا» - «سوحرا» (بلدکه، ص ۲۰۶)

(۲۰) ص ۸۸ «مارن» - «کارن» (بلدکه، ص ۲۳۲)

(۲۱) ص ۸۸ «احسوان» - «احسوان» (بلدکه، ص ۲۰۷)

(۲۲) ص ۹۸ «بردفا» - «بردفا» (بلدکه، ص ۲۰۰)

کی شده از آنها، این ترجمه از ناهماهنگی در ضبط نامها  
(طسئون، سقون، کسکر، کسکر، اضطحر / اسحر) و نیز  
«ظهای حاجی قاری نسبت با توجه به آنچه در بالا آمد ترجمه  
بدرجه جدید نظر انسانی از سوی مرحوم محرم و ویرایش دفعی  
دارد چون کتاب مورد اسفاده عده زیادی از دانشجویان است و  
در مدت چهار سال به حاب سوم رسیده است، انتظار می رود در  
حاب بعدی ناهمب و احساس مسؤولیت مرحوم و ناصر عاری از  
ایع استیاضات نادمه باشد

(۱) ص ۵۹۷ و «فوس» سر صحیف فوس است نه  
«فوس» است دیموری اطلاعات درسی درباره ناسان به  
همی - هند

(۲) ص ۳۹، س ۱۰ «کنحسرو ناسانه فارس» بهر است نه  
«س»، «ایران» نوشته شود

(۳) ص ۶۰ «فدافه ملکه مغرب» فردوسی «فدافه» آورده  
با ظاهر ادر اصل «کدکه» باشد که لقب قدیمی ملکه غازی  
است. (فاموس کتاب مقدس)

(۴) ص ۷۵ «دجسوس» غربی بنده «دجسوس» است نه  
«دجسوس» که مرحوم در نانوس توضیح داده اند  
(ص ۹۶)

(۵) ص ۸۳ «هرراف» صحیح این کلمه «هرراف»  
است نه معنی هرار بنده است (بلدکه، ص ۱۷۷)

(۶) ص ۸۳ «میرک ملقب به مهران» دیموری «مهران» را لقب  
برده است در حالی که باید «سیرک» از خاندان مهران باشد  
(ایران ساسانیان، ص ۲۹)

(۷) ص ۸۸ «که یامس سوحر و مرینه اس فارس» حاسسی  
نسور کماست «مرجم در نانوس «فارس» را بنده نظامی  
برده اند بلدکه در تاریخ ایران و عربها آورده است  
که کارن نام خاندانی است بررک و سرآمد نام  
«» می که قدرت و منصب را به ارب می برد در منابع یونانی  
و بطور بناده «رنه» نامیده شده است» (بلدکه، ص  
۲۳) سایر این ترجمه «مرینه فارس» حسن است «از خاندان  
»

(۸) ص ۹۴ «مرجم در نانوس درباره «ارمیسر» نوشته اند «در  
مریمه ردمیسر بود این کلمه را سافیم» «ارمیسر» همان  
است «هرمردان اردیسر» است که خود اسبان در نانوس  
ص ۱۰۱ و توضیح داده اند

(۹) ص ۱۰۱، س ۶ «نهرسیر» در عربی باید «نهرسیر» نوشته  
- «نهرسیر» بوده است «نهرسیر» سرحدی  
- «نهرسیر» است. (بلدکه، ص ۶۱ و ۶۶)

(۱۰) ص ۹۷، س ۲۱ «نهر حسرو» صحیف «نهر حسرو»  
- «نهر حسرو» مسکو، ح ۸، ص ۲-۹۱

فلسفی در دنیای اسلام»، «تفکر فلسفی معاصر در سرزمین اسلامی»، و «تجدید حیات علم و تکنولوژی در دنیای اسلامی» حاشیه می‌باشد.

و پیوست دامنهٔ مباحث کتاب و تراکندگی موضوعات آن سده است که پیام اصلی آن برآزیدند خواننده مخفی نماید. در مقدمهٔ کتاب مطالبی عنوان شده که اگر به صورت منطقی مسند عرضه شده بود شاید می‌توانست پیام نو بسنده تلقی.

ضمیمهٔ مرور تاریخ فلسفه و علم در تمدن اسلامی صفحات آینده ملاحظه خواهیم کرد که مسلسل حد الهام از تعلیمات قرآنی و تحت نفوذ ترجمه‌ها، علمی و فلسفی یونانی به بلندترین قله‌های عظمت و حکومت بر اثر اردش دادن روحیهٔ تحقیق به مسد بعضی و نیکسان اندیسی و سر فقدان منابع به نایب ترین درجات برآید، اما اکنون که مسد پس از سالها تحمل سلطهٔ استعماری استقلال به دست آورده‌اند، به فکر فکری خویش می‌برند. کوشش می‌کنند که خود را در علم و تکنولوژی به مرفی دنیا برسانند.

ارتباط فلسفه و علم در تمدن اسلامی با «عالم قرآنی» و «ترجمه‌های متون علمی و فلسفی یونانی» از طرف مورد قبول است ولی آنچه قابل انتقاد است تصویری است نویسنده از این ارتباط دارد در مورد عامل اول باید گفته نویسنده با وجود اشاره‌های مکرر به گفته‌های معمر اسلام و آیات قرآنی، به بررسی اعتقادات و نحوهٔ برخورد دانشمندان، فارابی و ابن سینا با عقاید دینی پرداخته. همچنین تحقیقات دامنه‌دار علمی و فلسفی دانشمندان غیرمسلمانی چون حسن بن اسحاق و ثابت بن قریه و فیه لوفار نظر او دور مانده است و اما در مورد عامل دوم مسئله دیگری مطرح است، بدین معنی که مؤلف ضمن قبول ترجمه‌های متون علمی و فلسفی یونانی «به طبقه‌بندی دسته علوم در اسلام تحت عنوان «علوم اوایل» اعتراض می‌کند. بطور وی حسن عبارتی این توهم را در خواننده ایجاد می‌کند. مسألهٔ این علوم دوران باستان بوده است اعتراض نویسنده انتظار را در خواننده برمی‌انگیزد که گویی وی قصد دارد تاره‌ای برای بیدار کردن علم در میان مسلمین ارائه دهد. علوم باستانی و بخصوص یونانی ارائه کند. اما این انتقاد بی‌جواب می‌ماند و طبقهٔ این گونه کشفها برگرفته از می‌افتد. در واقع این گونه مطالب حیرت‌انگیز در سراسر کتاب فراوان است. مثلاً می‌خوانیم که «قبل از دانش

## فلسفه و علم در دنیای اسلام

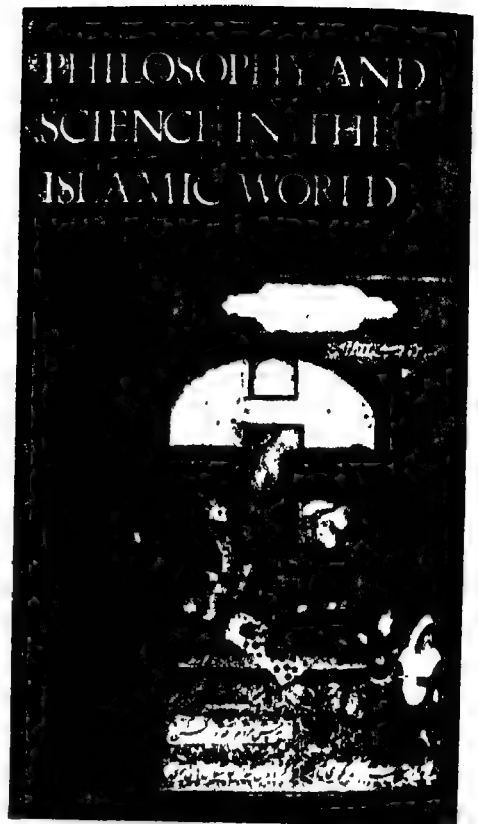
الهه حیراندیش

C. A. Qadir *Philosophy and Science in the Islamic World* Routledge, London, 1989, pp. 218

فلسفه و علم در دنیای اسلام نوشته‌سی ای فادر رابلیخ، لندن، ۱۹۸۹، ص. ۲۱۸

کمترین استواری که از یک نویسنده می‌توان داشت این است که عنوان آن انعکاس کم و بیش دقیقی از مطالب مورد بحث آن باشد. ولی در این کتاب این نکته رعایت شده است زیرا مباحث آن که از لحاظ تصویری که مؤلف از حوزه «فلسفه و علم» دارد و چه از حیث مفهومی که از «دنیای اسلام» اراده می‌کند از عنوان کتاب بسیار فراتر رفته است.

اگرچه مباحثی چون دین و تصوف بی‌ارتباط به موضوع اصلی کتاب یعنی فلسفه و علم نیستند ولی اختصاص دادن فصلهای متعدد کتاب به مطالبی که سابقهٔ بررسی مفصل در کتب جداگانه است آن را تا حد زیادی از موضوع اصلی دور نموده است. همچنین بر قسمت دوم عنوان این کتاب بر انتقاداتی وارد است زیرا «دنیای اسلام»، از نظر نویسنده، منحصر به سرزمینها و دورانی نیست که فلسفه و علم و حتی دین و تصوف اسلامی، به معنی احصاء، در آن با گرفته و به اوج رسیده است، بلکه دنیایی است که از بدو ظهور اسلام تا به امروز ادامه یافته است گنجاینیدن حدود ۱۴ قرن تاریخ این انقلاب عظیم فکری در همهٔ سرزمینهای اسلامی در کتابی به این اختصار از نقاط ضعف عمده آن است. مؤلف این تاریخ طولانی را به پنج دوره به شرح زیر تقسیم کرده است: دورهٔ ابتدایی عمل به دستورات قرآن و سنت، دوران طلایی رواج علم و فلسفه تا قرن دوازدهم میلادی، رهایی از فید مذهب ارسطویی، طغیان بر علیه سنت‌گرایی و تقلید کورکورانه و قبول بدون فید و شرط نظریات مراجع، و بالاخره آزاد شدن مسلمین از زنجیرهای استعمار و تجدید علاقه به علم و تکنولوژی. پس از بررسی جزو و مدهای «دوران طلایی اسلام» در چندین بخش، کتاب با فصولی تحت عناوین «تجدید حیات دانش



سیاس مجموعه کلی علوم خرد يك مسند حدیث، ساینه و مطلب  
 یی ساس خرد دیگری نبوده است. آنان بوده اند که بحقیقات خود  
 بر مبنای مشاهده و آزمایش فرار داده اند» نویسنده این کتاب  
 فیثی از اروپای قرن هفدهم میلادی بر دست برداشته چنانکه  
 بی نویسنده «فرانسس بیکن یا مطلع بوده و با فراموش کرده که  
 من استغرابی او در کتاب نواز عیون فیلا توسط قرآن و علما و  
 «استغراب اسلامی معرفی شده است» احسن اظهارانی بیان می دهد  
 به مؤلف خود از بحیثی آخر فلاسفه علم و بی اعتباری روس  
 سیرانی (که وی تأکید در اسباب آن به قرآن و علمای اسلامی  
 - در برد آنان بی خبر است.

سیاس فرهنگ اسلامی به سکی که حمله بالا فقط یکی از  
 به بهای آن است نویسنده این کتاب را ناچار کرده است که  
 - یی حفظ آن هم دلالی حسحو کند و بحس خدا گانه ای به  
 توضیح ملل آن اختصاص دهد. در این فصل مجموعه عواملی  
 چون «واح صوفی گری، سقوط امپراطورینهای اسلامی،  
 خود یی امرا از ادامه سستیابی و بی میلی آنان در به کار گیری  
 به به تکنولوژی برای بازسازی جامعه، مراحل سقوط علم و  
 فلسفه در دسای اسلام را کاملاً بازگو می کند اما برخلاف انتظار،  
 من ساس با تشریح علل انحطاط علمی مسلمانان به حاشیه  
 می رسد به فصل آخر کتاب مسائل دوران معاصر را به بیان  
 می رسد یکی از این فصول به مسئله علم و تکنولوژی در ممالک  
 اسلامی و اقدامات انجام گرفته و آنچه لازم است صورت گیرد

احصای دارد و دو فصل دیگر مجتص سرح حال فلاسفه اسلام  
 است که ضمن آن اس سینه، علامه اقبال لاهوری، سید حسن  
 نصر و اسحای دیگر محمله خود آقای فادر (نویسنده کتاب)  
 به تربیت نامناسی در کنار هم فرار گرفته اند

من از اسام کتاب خواننده هنوز در اینکه اصولاً نت از  
 نویسن آن چه بوده است منحصر است چون اگر چنانکه در مقدمه  
 کتاب آمده است هدف، غرضه کردن تاریخ فلسفه و علم در تمدن  
 اسلامی بوده که فیلا در این زمینه کتابهای زیادی به دست محققان  
 بر حسیه نالغ شده است نکته دیگر اینکه ناربات بحقیقات  
 دامنه دار آخر بر در کتاب به حسم نمی خورد تا توان این نکته را  
 انکته نویسنده تلفی کرد کدسه از این، کتاب نقاص قابل  
 ملاحظه دیگری بر دارد که یکی از اینها اکتفا به استفاده از  
 نویسنه بودن فهرست منابع در آخر کتاب و دیگری دسواری  
 دسترسی به اسامی در فهرست اعلام آن است خطاهای ربر و  
 درست تاریخی هم در کتاب فراوان است، مثل اسباب اکادمی  
 افلاطون به ارسطو (p 18)، ذکر نام مؤسس مذهب وهانی به  
 صورت «عبدالوهاب» (به حای محمد بن عبدالوهاب، p 1۶۵) و  
 اسباب حلال الدس دوانی به دوره عثمانی (p 140)؛ و بی نظمی  
 کامل و اسباب در صسط اسامی عربی و اسلامی - که نوشتن نام  
 بهایه الفلاسفه به صورت *Lahutat al Fulasafa*، و حرالدین راری  
 به صورت *Laki al-Din Razi*، حام الحکماء به صورت *Khadim*  
*al Hukm*، الحکمه المتعاله به صورت *Hikmat al-Matahiyyah*،  
 سلی سمل به صورت *Shubb Shumayyid* تنها نمونه هایی از این  
 است - عبت دیگر این کتاب است اما شاید مهمتر از همه این  
 نقائص این است که این کتاب اصلاً مخاطب مسحصی ندارد  
 معلوم است که نویسنده قصد دارد مسلمانان را از خطر احتمالی  
 سلط غرب بر خدر دارد تا اینکه سعی دارد دسای غرب و  
 بخصوص سرق ساسان را از تفاوت فرهنگ آنان با دسای اسلام  
 آگاه سازد در هر صورت تا توجه به اهمیت فوق العاده بر خورد  
 دسای سرق تا غرب در عصر حاضر، ساحت اهمیت این بر خورد  
 (که به نوعی در اولی فصل این کتاب عنوان شده ولی به نحو  
 مطلوب برورانده شده است) به خودی خود نکته ارزنده ای است  
 که باید به آن توجه شود

## فرہنگ فارسی-فرانسوی لازار

ازاد بروجردی

Lazard, Gilbert (avec l'assistance de Mehdi Ghavam-Nepad), *Dictionnaire persan-français* Leiden, E. J. Brill, 1990, 482p

ژیلبر لازار (با همکاری مهدی قوام‌نژاد)، *فرہنگ فارسی-فرانسوی*، لیدن، بریل و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۹۹۰، ۴۸۲ص

بہیہ فرہنگہای دوربانہ و حیدربانہ برای ربان فارسی سابقہ بسیار قدیمی دارد. قدیمترین آنها در زبانهای اروپائی یک فرہنگ سہربانہ فارسی-کومون-لانس است کہ در حدود سال ۷۲۵ھ. و تالیف شدہ است و تازہترین آنها فرہنگ فارسی-فرانسوی ریلبر لازار است کہ اخیراً بہ بازار عرضه شدہ است. اسناد ریلبر لازار پس از سچاہ سال است کہ با ایران و ربان و ادبای فارسی اسانی دلنسیہ و روف دارد و از کوسیدکان اسوار در راہ ساساندن فرہنگ ایرانی است و الحق از معدود صاحب‌بطران فرنگی است کہ دیرانہ ربان و ادب فارسی بہ درسی کار کردہ اند و لذا در بہیہ فرہنگ فارسی-فرانسوی خود انحنایکہ ساسنہ بودہ دفت بہ کار بردہ و از عہدہٴ این کار بہم حناکہ ناند برآمدہ و فرہنگی فراہم آوردہ است کہ ہم یک ایرار کار ضروری و سودمند است، ہم سراسار اصطلاحها و کلمہهای مسعمل امروری، و ہم در عین حال نبودن کدسیہ تاریخی ربان فارسی را حفظ کردہ است. البتہ حناکہ در مقدمہٴ کتاب آمدہ است، برای گرسس مدخلهای این فرہنگ بحسب بہ ربانی (سفاہی و کسی) کہ امروز در ایران بہ کار می‌رود غنای شدہ است و انجہ فراہم آمدہ با فرہنگہای رایج فارسی (فرہنگ معین) و فرہنگہای دوربانہ (فرہنگ فارسی-انکلسی حتم و فرہنگ فارسی-فرانسوی معلم) مسجندہ شدہ است. در عین حال حناکہ از وارسی کتاب برمی‌آید و خود مؤلف بر بران ستریح کر... است، در ارائهٴ معناها و معادلها کوسس شدہ است کہ با انجا کہ ممکن است این معناها و معادلها کوبانہ و روسس یاسدو کذا بہ فہم اللعہ بوحہی شدہ و فقط اطلاعات ضروری ارائه شدہ است. بہ این ترتیب ہر چہ اردف و حوی این فرہنگ گفہ شود، کم است.

اما این فرہنگ ہم مانند فرہنگہای دیگر کاسسہ. نارسائیهای خاص خود را دارد، یکی از مسکلات سہ فرہنگہای دیگر، کہ نقص آنها بہ حساب می‌آید، سبب سہ حروف الفبای فارسی بہ الفبای لانس است کہ بہ سہ «اوانوسی» سہرپ یافتہ است. در فرہنگہای دوربانہ سہ تاکنون فراہم آمدہ است برای رفع این نقص و حل این سہ سہار کوسس شدہ و روسہای مخلف سسناد شدہ است. سہ عمدہٴ فرہنگ ریلبر لازار این است کہ بہ این مسکل وراہا، حتی آن بوحہی شدہ و حتی مسکل را مسجندہ بر کردہ است. کرس احتلاف در سکل ظاہر حروف و انتخاب یک حرف بر سسان دادن حرفهای مخلف (ا برای ب/ط، ی برای ب/س/ص، ز برای د/ر/ص/ط، ق برای ع/ق) سسناد ایرادی است کہ بہ این فرہنگ کرہ می‌شود.

اسکال دیگر این است کہ مؤلف صرف نظر از ربان امر، سہ سفاہاً با از طریق متون اسان و امروری، مخصوصاً درسی. دسب یافتہ است، فقط از سہ فرہنگ اسفادہ کردہ و فقط در سہ فرہنگ (معین، حتم، معلم) را معسر دانسہ است و این دو ایراد شدہ دارد. بحسب یادیدہ گرسس کوسسہای سسناد ارحملہ و مخصوصاً دمرون کہ در فاصلہٴ سالهای ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۶ یک فرہنگ چہارجلدی فارسی-فرانسوی در خارجانہ اسان حاب رساندہ است کہ بہ سہا برای مافس معادلہای فرہنگ کلمات فارسی بلکہ حتی برای سباحب دامیہٴ ربان فارسی، سفاہ یک فرہنگ فارسی خوب بسیار سودمند و در حور بوحہ است. حون اسناد لازار از فرہنگ حتم نام بردہ است، ساسنہ است. از فرہنگ فارسی-انکلسی اسسگاس ہم کہ در اربان سہ سسسم حاب شدہ است ذکر جری سبود. ایراد دوم این است کہ خود ان سہ فرہنگ ہم کہ مرجع و مسند فرہنگ لازار بودہ... حال حاضر دو سبب اسانی دارند. اوّل آنکہ ان فرہنگہا اصل، سہی چہل سال قبل و حتی سسر از ان، فراہم آمدن چہانی کہہ شدہ اند. دوم آنکہ ان فرہنگہا دارای غنای اسناہانی سسند و ان سکنہ را دکر ہوسک اعلم در مقابل سہ بہ ربان فرانسوی در ہفد فرہنگ حاضر بوسہ است، سہ سہ نارمودہ است.

اسکال دیگری کہ در فرہنگ حاضر بہ سسسم می‌خور... نارگی دارد، وجود کلمانی است کہ بہ در فارسی وجود دارد عربی، از آن حملہ است اسسناد کہ در باب اسسعمال سباح... است.

مسائلہٴ دیگر آنکہ در مسط و دسہ سہدی مسسفات روسی... بہ کار رفتہ است و در واقع غالباً بر خلاف قاعدہای کہ در سسسم مقدمہ سسناد شدہ عمل شدہ است. مثلاً وعی... بہ

نی را بر مدخل تازه و خرمی را بر حیره می آوریم. چرا  
 مکی را در مدخل حداگانه می آوریم و آن را در بر حیره  
 آوریم؟ از این دست باهمجو اینها در فرهنگ حاضر فراوان  
 است. چون دکتر اعلم در مقاله مسجع خود بر حقیق از اینها را به  
 ده است از ذکر آنها در اینجا خودداری می شود و فقط  
 به یکی را مبدکر می گردد که مؤلف در مقدمه خود بدان اشاره  
 است و آن موضوع اسامی خاص است مؤلف می نویسد که  
 به دسته از اسامی خاص را ضبط کرده است یک دسته  
 به تلفظ و شکل فراسوی آنها معانی با تلفظ و شکل  
 می است. مثل اصفهان، لاهسان و غیره دسته دیگر آنهایی که  
 دهمک و سب ایرانی و اسلامی معنی دارند مانند رسم،  
 سب، ابراهیم، افلاطون، صفویه اما وقتی که فرهنگ را ورق  
 می کنیم فقط به برخی از اسامی معنی به سب ایرانی و اسلامی  
 می خوریم که تعدادشان انگشت شمار است و تازه همین مقدار  
 معادل نسبت مثلا در حالی که نام عثمان، خلیفه، ذکر شده  
 است سب از علی (ع) و ابو بکر در میان سب است باز سبایی و  
 به در مورد کلمات هم مسعود است، مثلا در حالی که کوز است  
 همه مهورین ضبط شده است. اثری از کوزهر که بسیار  
 است است سب و به مطلق کوز که بسیار کم است مگر در مین  
 و به براده های حمام به کار می رود شده است.  
 فرض از ذکر این نمونه ها این است نه بیان داده شود که تار  
 در لایار، که البته جسم به راهش بود نام، چنانکه انتظار  
 است بوده است و هنوز هم ضرورت بدوی یک فرهنگ  
 است و دفعی که از مدتها پس محسوس بوده است، همچنان  
 به دارد

تألیف

سب و تاریخ فرهنگ فارسی - فراسوی لایار در ایران محضار در  
 حد مرکز سرداشگاهی است و سبدهای از برودی در ده سبکهای  
 سب در معرض فروش گذاشته خواهد شد

## فرقه های غالی

Math Moosa, *Extremist Shites: The Ghulat Sects*, New  
 York: Syracuse University Press, 1988, 580p

علائق تسعه، نیویورک، انتشارات دانشگاه سیراکور،  
 ۵۸ ص

این کتابی است تحقیق قطور، همانگونه که مؤلف آن در مقدمه  
 می نویسد، بررسی زندگی مذهبی، اجتماعی و فرهنگی  
 فرقه های افراطی تسعه و سبکات آنهاست که در منطقه وسیعی  
 از جمله، در ایران و عراق و ترکیه و سوریه، به سر می برند

علائق با غالبان تسعه که از اعجاز سداس به فرقه های گوناگون  
 تقسیم شدند در سبک از حضرت علی (ع) راه افراط سموده اند  
 تا بدانجا که آن حضرت را به درجه الوهیت رسانده اند. آنان  
 همچنین به نام فرقه همسنگی خدا، محمد، علی، و با علی، محمد،  
 سلمان باور دارند و با آنکه به عبادات اسلامی عمل می کنند تأثیر  
 تفکر مسیحی و مذاهب دیگر در عقایدشان نمایان است

قدمت این باورها و عبادات و تحول تاریخی آنها و حکمروایی  
 افغانی آنها و ارتباطشان با سبک تاریخی هور به خوبی روس  
 است و مؤلف کتاب حاضر هم حدان روسایی بر این تاریکها  
 سعی افکند، اما در ضمن مراجعه به مکشهای مساب آنها و مطالعه  
 آن فرقه ها و سبکها سوانق تاریخی فرقه های افراطی تسعه  
 حواسته را به وضع کنونی آن فرقه ها رهنمون می شود در هر فرقه  
 را در مجموعه «فومی» امروز آن بررسی می کند مذهبی است که  
 در آن زمینه منابع دست اول و تا درجه دوم قدیمی و امروزی  
 بسیاری به زبان عربی وجود دارد که مؤلف به آنها دسترسی داشته  
 و بخش عمده تحقیق خود را بر آنها استوار کرده است اما از  
 منابع ترکی و فارسی - البته ترجمه های اروپایی زبان - هم غافل  
 نباشد است بوسه های مؤلفان ترکی، محققین سباحان و  
 حام، سیاستان بر مورد استفاده مؤلف فرار گرفته است، و این بدان  
 معنی است که کتاب حاضر مجموعه بسیار کامل و در هر حال  
 حائلی است در باب تصویر اب، باورها، اعتقادات و آداب و رسوم  
 اجتماعی حدسهای سبکی افراطی در طی قرون در آن میان  
 طولانی تر پس فصل به فصل نهایی سوریه اختصاص داده شده  
 است به برخی از فرقه ها، مثل نکاسها، غلوها، فرلیاسها، سبکها  
 در نام فصل مورد مطالعه تطبیقی فرار گرفته اند یعنی موارد  
 حلال یا همجواری آنها مورد بررسی فرار گرفته است اما آنچه  
 درباره فرلیاسها و صفویه آمده است، از آنجا که مکی بر منابع  
 قدیمی و بخاری از نظرات و بررسیهای حدید است، خبر ناره ای  
 در بر ندارد و به صورت کنونی اثر حذف می شد، ربایی به کتاب  
 وارد نمی آمد آن حرف در مورد آنچه درباره «اهل حق» آمده  
 است بر صدق می کند، در حالی که اطلاعاتی که درباره فرقه های  
 مقیم عراق (سبک، حوان، سبک، ابراهیمه) در کتاب نقل شده  
 است برده از وجود فرقه هایی برمی دارد که درباره آنها آگاهی  
 بسیار اندکی داریم

## کلیات

### ● فهرست، کتابشناسی

(۱) همبود بحث لیلا فهرست شریات ادواری در کتابخانه مرکزی  
فارس شترار اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، ۱۳۶۹، ۸۳۱ ص  
ریال

فهرست حاضر شامل ۱۱۱۵ عنوان سریه ادواری موجود در -  
مرکزی فارس است

(۲) فکرت، محمد اصف فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی  
آستان قدس رضوی (شماره ۱۳) با همکاری محمد وفادار مرادی ۱۳۶۹  
[توزیع ۱۷۰ ۹۵۰ ص فهرستها] ریال

فهرست حاضر شامل مسجصات بس از ۲۰،۰۰۰ نسخه خطی است  
مخطوطات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی است که بر اساس -  
الفبایی عنوان کتابها نظم شده است گردآورنده فهرست حاضر -  
کتابهایی را که در داخل مجموعه‌های واحدی آمده با صمیمه کتابهای  
بوده است به صورت مدحلهای مستقلی ضبط کرده است نام کتاب،  
موضوع، معرفی مختصر مؤلف و عصر تالیف، شماره نسخ دیگر کتاب -  
کتابخانه موجود است، نوع خط، نام کاتب و تاریخ و محل تحریر هر نسخه  
حملة اطلاعاتی است که درباره هر نسخه ارائه شده است

(۳) افلاح، اتیکه | فهرست مجلات خارجی آریدو اسراک نا پایان سال  
۱۹۹۰ میلادی تهران کتابخانه مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران  
۱۳۷۰ ۳۶ ص

فهرست حاضر شامل مسجصات کتابساحی ۱۸۹ عنوان مجله  
روانشناسی و رسته‌های نزدیک به آن (چون روانسرکی، علوم اجتماعی،  
تربیتی، و غیره) است که در کتابخانه مؤسسه روانشناسی دانشگاه تهران  
موجود است

(۴) فهرست مقالات جنگ تحمیلی در مطبوعات جمهوری اسلامی  
ایران ج ۵ تهران سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی ۱۳۶۹ [توزیع  
۱۷۰ ۳۴۸ ص فهرست راهنما ۱۰۰۰ ریال

کتاب حاضر، که آخرین جلد از این مجموعه است، شامل فهرست ۲۷۲  
عنوان مقاله از ۶۸ سریه ادواری فارسی است که به نحوی به بحث  
بیاندهای ماسی از آن مربوط می‌شوند این کتاب مقالای را که در دهه  
مهرماه ۱۳۶۶ تا پایان مرداد ۱۳۶۷ منتشر شده‌اند در بردارد

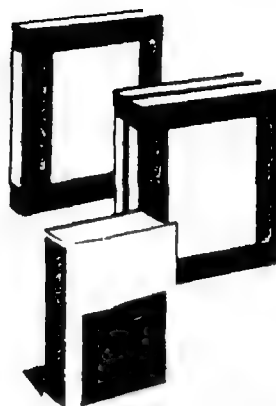
(۵) نوایی، ماهیار کتابشناسی ایران (فهرستی از مقالات و کتابهایی که  
به رانهای اروپایی درباره ایران چاپ شده است) ج ۵ تهران مؤسسه  
مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ۸۰۶+XXVII ص  
شمیر ۳۵۰۰/ گالینگور ۴۵۰۰ ریال

این جلد در بردارنده مسجصات کتابساختی حدود ۹۰۰۰ عنوان است  
مقاله خارجی درباره جغرافیا، رمن‌شناسی، مردم‌شناسی و قوم‌شناسی -  
است

### ● کتابداری و اطلاع‌رسانی

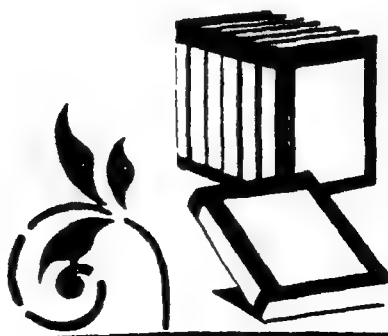
(۶) بلومبرگ، مارتی (و) وهاس ویر، درآمدی بر رده‌بندی و  
شماره‌سازی در نظام دیویی ترجمه علی آدینه قهرمانی تبریز انتشارات  
دانشگاه تبریز ۱۳۶۹ ۳۷۶ ص مصور، جدول نمایه ۱۲۰۰ ریال

هدف از این کتاب راهنمایی دانشجویان رشته علوم کتابداری و کتاب -  
جهت اسبابی کلی با ساحار نظام رده‌بندی دهدهی دیویی و نحوه شماره -  
در این نظام به رمانی ساده است فصل نخست کتاب در بردارنده مقدمه  
درباره رده‌بندی دهدهی دیویی است و ده فصل دیگر آن رده‌های اصلی رده -  
دهدهی دیویی و نحوه استفاده از راهنماهای آن را مورد بحث قرار می‌دهد  
فصل‌هایی کتاب به مطالبی مقدماتی درباره روشها و سیستمهای به کار -  
تخصیص شماره‌های مؤلف یا کتاب به يك امر اختصاص داده



## کتابهای تازه

امید طبیب‌زاده



## ● مجموعه‌ها

۱۷) سامی گروهی از اعضای لژیهای فراماسونری و انجمنهای وابسته به ریاست کتابهای انتشار یافته بی‌جا دفتر اسحات و وزارت کشور - گروه مطالعات و تحقیقات] بی‌تا ب+ ۲۹۰ ص جدول

سده حاضر بدون پرداختن به مباحثی چون تعریف و سنجش فراماسونری در جهان و ایران و بررسی اهداف آن و طرح مطالبی از این قبیل، به ریاست کتابها و نشریات انتشار یافته در ایران به همه فهرست انجمنهای مذکور و انجمنهای وابسته به فراماسونری پرداخته است. بی‌تا ب+ ۲۹۰ ص فراماسونری و انجمن و سمع هر يك و سیر ماحد و شماره صفحه‌های فراماسونری در آن آمده از جمله اطلاعاتی است به شتاب حاضر -

بی‌تا می‌تواند

۱۸) بهار، ملک الشعراء (مدیر و مؤسس) مجله دانشکده (۱۳۳۶ قمری) چنان انتشارات معین، ۱۳۷۰ ۷۸۰ ص ۲۰۰۰ ریال

مجله دانشکده که نخستین شماره‌اش به دنبال تأسیس انجمن ادبی - سده سال ۱۲۹۵، به عنوان ارگان انجمن در سال ۱۲۹۷ انتشار یافت. در مجله بهار، انضمام الملک دهمین مجله در زمینه ادبیات جدید در - محسوب می‌شود ملک الشعراء چهاره بعدی نفسی، رسید تا محمی، رحبا در - ملبرضا صبا از جمله اعضای انجمن دانشکده و - سیدان مجله ان - سیر مجله دانشکده کمتر از يك سال دونه او دودر سال ۱۲۹۷ موقوف - در بهار در مقدمه کتاب شرح مفصلی در - مزاج و گرس انجمنای حسن دانشکده آورده و اهداف انجمن و مجله را بر سر مرده است

۱۹) بیستاد، امیر (و) همانون کاتوریان (به کوشش) یادنامه جلیل منگی بهران شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰ ۲۸۸ ص مقصور ۲۲۰۰ ریال

جلیل منگی در سال ۱۳۲۶ از حزب توده جدا شده، راه و رسم سیاسی - سنی در پیش گرفت مجموعه حاضر شامل مقالاتی است از دوستار، فرمان، ساگریان و دوستداران وی داریوس اسوری، جلال ال احمد، محمدافراحاهی، انور حامدای، مصطفی رحیمی، غائب الله رضا، هوسک - سید، هوسک سناح نور، غلامعلی سنار، همانون کاتوریان از جمله - سیدان مقالات این مجموعه هستند

۱۰) دهیاسی، علی (به کوشش) فردوسی و شاهنامه (مجموعه سی و - سن گفتمان) تهران انتشارات مدیر ۱۳۷۰ ۶۴۷ ص ۲۰۰۰ ریال

سیر بخارن سناری از مقالات این مجموعه، که تماماً به بررسی شاهنامه - سیر حال فردوسی و رمانه وی اختصاص دارد به سالها پس از مرگ فردوسی - است که در اینجا چاپ می‌شوند انوالفاسم انجمن سیراری، محمد - سیر باستانی تاریخی، محمد علی جمالزاده، محمد دیرستانی، عباس - سیر حوی، عبدالجسین زرین کوب، نصرالله فلسفی، محسنی منوی، محمدجعفر محبوب، جلال الدین همایی، روبرو ایل خالمرین و غلامحسین - سیر از جمله نویسندگان مقالات این مجموعه هستند

۱۱) ساهه نامه (مجموعه مقالات محتمع تاریخ و فرهنگ ساهه) ساهه - سیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ به + ۱۶۲ ص مقصور - ریال

سیر حاضر شامل برخی از مقالات ارائه شده در «مجمع بررسی تاریخ و فرهنگ ساهه» است که در تاریخ بهسم تر ماه ۱۳۶۹ در ساهه برگزار گردید - سیر باستان، روبرو ادکائی/ «سلمان سواجی و حافظ سیراری» علیرضا - سیر فراگرنو/ «سه داسمید سواجی او سعداوی، انوشاهر جابونی، حکیم - سیر سهران، مرتضی دکائی/ «گویش ساهه»، احمد معنی عنوان برخی از - سیر و نویسندگان این مجموعه است

۱۲) قاسم‌زاده، محمد (ویراستار) یادنامه طبری تهران سازمان چاپ - انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و) مرکز تحقیقات علمی کشور - وزارت فرهنگ و امور عالی ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۷۵۲ ص ۳۵۰۰ ریال

کتاب حاضر دربردارنده مجموعه مقالات عرضه شده در سمینار

برگردانست هزار و صد و پنجاه سال عمر انوجعفر محمد بن حریر طبری (۲۰۵-۳۱۰) است این سمینار که از ۲۲ تا ۲۴ مهر مورماه ۱۳۶۸ در دانشسرا - سیر در حمله سمینارهایی بود که در راستای اهداف سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) برای قدرتی از دانشمندان و محققان عالم سیرت در دنیا اخیر که ان «دهه معرفی مساهیر جهان» نامگذاری شده برقرار شده است عناوین تعدادی از مقالات و نام نویسندگان آنها را می‌توان به «دهه اساطیر ایران در تاریخ طبری»، علی بلوکاشی/ «سیر حظه رحمة بن طبری بکهداسیه در و سیر»، انجلو منکولونه موسسه/ «بررسی سیر رحمة بن طبری»، اسماعیل حاکمی/ «کتابی از سیرت سیر و انور» سیر تاریخی طبری، سید محمد دامادی/ «ادب بعد»، است الله حوادتی املی/ «طبری و سیر»، محمدجعفر یاحقی/ «مکتب تاریخی طبری»، صادق آینه‌پند

۱۳) امیرالملک جان روزنامه قانون تهران انتشارات کویر ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ بدون صفحه شمارا

روزنامه و سیر انجمن، یادنامه‌های ایران بود که به مدیریت میرالملک جان در لندن سیر می‌شد نخستین شماره این روزنامه در رحب ۱۳۷۰ هـ ق ۱۸۹۰ م) - آخرین شماره ان (شماره ۴۱) در سال ۱۸۹۸ م سیر گردید ظاهراً شتاب حاضر بر سیر مجموعه «دوارد براون منتشر شده است این شتاب سیر از این يك باز هم در سال ۱۲۵ به همین صورت منتشر شده بود ولی مناسبانه در این باب به این بکه اشاره شده است

## دین، عرفان و تصوف

### ● اسلام

۱۴) سجانی، جعفر فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی ج ۱ تحلیل عقاید اهل بیت، فلسفه، حاشیه و حشویه بی‌جا انتشارات صحیفه ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۲۶۰ ص ۱۶۰۰ ریال

نویسنده برای معرفی و بررسی تاریخ عقاید، سیر هر مذهبی، به سیر هار محققان و موافقان آنها پرداخته است وی ضمن معرفی عقاید ملل اسلامی را، آنها را سیر تحلیل کرده است

۱۵) سمعی، کنوان (و) موچهر صدوقی (سها) دو رساله در تاریخ جدید تصوف ایران بهران پازیک ۱۳۷۰ ۱۷۶ ص فهرست اعلام ۷۵۰ ریال

این کتاب شامل دو رساله با عناوین «تاریخ استعارات ماحره سلسله عیب الهیه» و «رساله بر حینه حال کنوان فره‌سی» است

۱۶) ریاضی، حسمت الله انات حسن و عشق ج ۲ بهران کتابخانه صالح ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۶۹۶ ص مقصور فهرستها ۳۹۰۰ ریال

شتاب حاضر در حله اول (اما عنوان سیر عسوف و عرفان تا قرن سیم هجری) از یک مقدمه و دو بخش تشکیل شده است در مقدمه نویسنده ابتدا به تعریف عرفان و تصوف پرداخته و سپس در فصلهای بعدی سیرهای از تاریخ تصوف را تا قرن سیم هجری بیان کرده است این مقدمه که تمامی بخش اول شتاب را شامل می‌شود حدود يك چهارم حجم شتاب است بخش دوم حله اول شتاب به سیر حال احمد غزالی، عارف بزرگ قرن سیم اختصاص دارد و حله دوم اما عنوان سیر «سواج العساق» سیر احمد غزالی حاوی متن سواج غزالی و سیر ان از مولف کتاب است

۱۷) صدرزاده، محمد فلسفه و عرفان از نظر اسلام (گفتاری تحلیلی سیرامون کلام، فلسفه، عرفان و تصوف و خلاصه‌ای از توحید اسلامی) تهران ناشر مولف (مرکز بحث دارالمکتب الاسلامیه) ۱۳۷۰ ۳۹۴ ص ۲۵۰۰ ریال

۱۸) حسنی، صبا، الدین سلك السلوك مقدمه و تصحیح و تعلیق و تحشیه غلامعلی اریا تهران زوار ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ سی و نه + ۱۳ ص - سیر سید بدون صفحه شمارا + ۲۶۱ ص فهرست راهنما ۲۶۰۰ ریال - حسنی (موقی ۷۵۱ هـ ق) از عرفای قرن هشتم است که در روزگار

حوانی به هندوستان رفت و در همانجا ساکن شد بحسب آثار خود را به فارسی می‌نگاشته و برخی از کتابهای آن دیار را از سانسکریت به فارسی بازگردانده است. کتاب حاضر مشتمل بر حکایات مسایح و عرفانی صوفیه است. مسره و کلیات و حرکات طوطی نامه از دیگر آثار این عارف فارسی زبان است.

## ● ادیان دیگر

۱۹) کول، دیلیواون (و) پیاراسینگ سامیهی سیک‌ها، معتقدات مذهبی و رویه آنان ترجمه فیروز فیروزیا تهران نشر نوسعه ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۶۴ صص مصور حدود ۱۹۰۰ ریال  
«رمیه‌های مذهبی گورو نانک»، «بایگاه ده کورو در مذهب سیک»، «کتاب سیک‌ها»، «گوردوارا و عبادت سیک‌ها»، «تفکر مذهبی سیک»، «ریدگی رورمره»، «مراسم و جشن‌ها»، «احلافتاب»، «سکپهرم از سال ۱۷۰۸ تا ۱۹۷۶»، «ارحمه سرفصلهای کتاب است»

## فلسفه

۲۰) سروش، عبدالکریم نهاد ناارام جهان تهران حراط ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۸۷ صص ۷۰۰ ریال

۲۱) ابوعلی سینا الیهیات بحات ترجمه و پژوهش سید محسن ثری تهران انتشارات فکر رور، ۱۳۷۰ ۲۹۴ صص ۱۴۵۰ ریال

کتاب بحات شامل اصول و کلیات مسائل فلسفه و حکمت است. مرجع کتاب حاضر را از روی متن تصحیح شده استاد محمدی داس برده ترجمه کرده. و در عین حال آن را با چند نسخه دیگر بر مقابله کرده است. شماره گذاری فصول کتاب و معرفی منابع برای دستیابی به اطلاعات بیشتر از جمله کارهای مرجع است.

۲۲) عبدالحکیم، حلیفه، و دیگران مولوی، بیجه و اقبال ترجمه محمد بقانی (ماکان) تهران انتشارات حکمت ۱۳۷۰ ۲۴۶ صص واژه‌نامه فهرست راهنما ۱۱۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل سه مقاله زیر است «مولوی، بیجه و اقبال» از دکتر حلیفه عبدالحکیم، «نابیر مولوی در هر و اندیشه اقبال» از دکتر محمد اکرام و «بررسی تطبیقی اشعار مولوی و اقبال» از سید نعم الدین در زمینه افکار و عقاید اقبال اخیراً دو کتاب دیگر بر به ترجمه همین مترجم مسر شده است. گلشن راز حدید، نوسه نشر احمد دار (انتشارات حکمت، ۱۳۶۹) و مابعدالطبیعه از دیدگاه اقبال، اثر عسرت حسن انور (انتشارات حکمت، ۱۳۶۹)

۲۳) کورس، هاری تاریخ فلسفه اسلامی ترجمه خواد طباطبائی ج ۲ تهران انتشارات کویر (ماهنگاری) انجمن ایراسیاسی فرانسه ۱۳۷۰ ۲۲۰ صص فهرست راهنما ۱۲۰۰ ریال

کتاب حاضر دومین بخش از کتاب تاریخ فلسفه اسلامی اثر کورس است. بخش نخست این کتاب پس از این به ترجمه مرحوم عبدالله مسری منتشر شده بود. مؤلف بحسب به بررسی اندیشه سنی و ارای اندسمدان اهل سنت پرداخته و سپس درباره الهیات صوفیه بحث کرده است. احرس بخش ۱ کتاب حاضر به سعه و متفکران سنی مذهب اختصاص دارد. اخیراً از هاری کورس اثر دیگری بر به ترجمه همین مترجم مسر شده است. فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی، انتشارات بوس، ۱۳۶۹

## سیاست

۲۴) الشیخ، توفیق دیدگاههای علامه مدرسی پرامون عراق، حال و ایده ترجمه محمد صادق بارسا ۱۳۷۰ ۲۳۱ صص ۱۲۰۰ ریال

در این کتاب ابعاد گوناگون حسن اسلامی عراق از زبان ایدالله سند محمدی مدرسی، از رهبران این حسن، معرفی و تحلیل شده است.

۲۵) اوون، ریچارد ظهور گوراجف ترجمه محمد رفیعی مهرانادی

تهران ناشر مترجم ۱۳۷۰ ۵۶۰ صص مصور ۲۷۵۰ ریال

نویسنده تحولات سوروی را از سال ۱۹۱۸ بر رسی کرده و سیر حاسنی رهبری در این کشور را از مرگ لس (۱۹۲۴) تا به قدرت رسیدن شوروی بحره و تحلیل کرده است. نویسنده که نسبتاً نایدینی به اصلاحات سیاسی گوراجف می‌نگرد کوسیده است به این سه سؤال پاسخ دهد گوراجف چگونه به قدرت رسید؟ فلسفه سیاسی او چیست؟ و سوروی به کجای می‌رید؟ بدیهی است که تاریخ نگاری کتاب مربوط به قبل از کودتای نظامی است. سوروی است، ولی محدوده زمانی آن با اسحات کنادی ناماف نه معاف. گوراجف را شامل می‌سود

۲۶) ابولید، ویلر رگه‌های شن ترجمه علی اکبر سمارشاد تهران فرخش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۵۲۶ صص ۳۰۰۰ ریال

مؤلف این کتاب از مساوران سازمان سیا و عضو هشت برنامه‌برای سده بوده است. وی که به مدت ۲۵ سال در سمت مأمور سازمان سیا در و خاورمیانه فعالیت می‌کرده در این کتاب به افشای اسبابات و دخالت‌های سازمان سیا در خاورمیانه پرداخته است. حاشیه در مقدمه کتاب است این کتاب پس از انتشار در سال ۱۹۸۰، از بازار کتاب امریکا جمع شده و اجازه بحسب مجدد نیافته است.

۲۷) سالیجر، بیر (و) اریک لوران حک حکلیج فارس در اس، محرمانه، ترجمه هوشنگ لاهوتی تهران یازیک ۱۳۷۰ ج ۲ ۲۱۴ صص ۱۳۰۰ ریال

۲۸) فافلر، الوین حاشی در قدرت (دانیایی و پروت و حسوب ر استانه قرن بیست و یکم) ترجمه سهدت حوار می تهران ناشر میرد (پخش از نشریو) ۱۳۷۰ نه ۲۰۷ صص ۱۶۰۰ ریال

نویسنده که بر اهمیت محوری قدرت و بررسی آن بحث داده، بعد سیر را به سه مرحله کشاورزی، صنعتی و فرا-صنعتی تقسیم کرده است. به سیم عناصر سه‌تانه قدرت - رور، بول و دانیایی در حیات اقتصادی و سیاسی پرداخته است. به اعتقاد وی امروزه مهم‌ترین ابزار قدرت دانیایی، است. تکنولوژی سسر فته سحیل می‌دهد. کتاب حاضر از روی حات ۱۹۹ ترجمه شده است. همین مسر حه از این نویسنده ده کتاب دیگر در سیم موج سوه و ورهای اسده ترجمه و مسر شده است.

۲۹) مان، توماس پیروزی اسده دموکراسی ترجمه محمد علی اسانی بدوش تهران حامی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۱۸ صص ۶۰۰ ریال

توماس مان (۱۸۷۵-۱۹۵۵) اس کتاب را حدود يك سال پس از جنگ دهم جهانی در امریکا به رسته بحر داده ده. در آن به افشای سیم و متحد از نظام دموکراسی همراه با هسدهایی به دموکراسی پرداخته است. حات بحسب ترجمه این کتاب مربوط به سال ۱۳۲۸ است. حات معنی، مقدمه مسوطی (۵۸ صص) به فلم مترجم افره ده شده است. ۳۰) هاسیکون، سمونل سامان سیاسی در حوامع دستخوش دگرگونی ترجمه محسن ثلاثی تهران نشر علم ۱۳۷۰ ۶۷۶ صص فهرست اساده ۴۵۰۰ ریال

نویسنده به بررسی اساسی پرداخته است به بحث از حوامع سیم دگرگونی اجتماعی و اقتصادی می‌نویسد به نای سیاسی دست ناسد. حه حاضر از روی حات به سعه انگلیسی (راستگاه بیل، ۱۹۷۵) صورت گرفته است.

## مدیریت، اقتصاد و حسابداری

۳۱) الوانی، سید مهدی (و) نصرالله میرسمعی مدیریت تولید مسه استان قدس رضوی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ج ۲ بیست ۵۹۶ صص حدید نمودار ۲۴۰۰ ریال

۳۲) بیان، حسام الدین / این مدیریت تهران مرکز آموزش مدیریت دولتی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] بیست و شش ۵۷۵ صص نمودار فهرست راهنما ۲۹۰۰ ریال



(فیدلر، فرد ای (و) مارتین ام جیمز افراش کارانی مدیریت  
مهدی حبیبار (و) محمود طلوعی تهران روابط عمومی وزارت  
سنگین. ۱۳۷۰ ۲۰۴ ص حدول ۱۵۰۰ ریال  
اکرمی، فلورا (و) کاروهوآسیان فر احمد حسابداری، ج ۲  
سرهمراه ۱۳۶۹ [نوزع ۷۰] ۴۹۱ ص حدول وا: دیام. ۲۲۰۰

آئوزیع ۱۷۰ ۵۱۰ صی مفسور ۲۸۰۰ ریال

رسانه‌شناسی، سال ۵، شماره ۲، ۱۳۶۷

۵۳ هورنای، کارن راهبانی بود در روانکاوی ترجمه اکبر میریزی تهران: بهجت، ۱۳۶۹، ۳۰۰ ص. ۱۰۰۰ ریال

کارن هورنای (۱۹۵۲-۱۸۸۵) مانند یونگ، آدلر و فروم از جمله روان‌شناسانی است که مدتی طرفدار فروید بودند اما پس از حدی به علت برور برخی اختلافات اساسی با ارایه فروید از او جدا شده و مکتب یا طرز تفکر حدیدی را در زمینه روانکاوی بنا نهادند. کارن هورنای در این کتاب که در سال ۱۹۳۹ منتشر شده به انتقاد از برخی نظریات فروید پرداخته و عقاید خود را ذکر کرده است. مضامین درونی ما (ترجمه محمدجعفر مقصفا، انتشارات بهجت) و خودکاوی (ترجمه کامیاب نارسای، انتشارات بهجت) از دیگر آثار اوست که از این روان‌شناس به زبان فارسی ترجمه شده است.

## حقوق و قوانین

۵۴ جامه بزرگ محمد تملک اراضی توسط دولت و شهرداریها همدان شرکت انتشارات مسلم ۱۳۶۹ [تورج ۷۰] یارده + ۱۹۸ ص ۰ ریال

«کلیات»، «حرید و تملک اراضی براساس قانون زمین شهری»، «دائرة شمول قانون»، «تخصیص نوع اراضی»، «نحوه حرید و تملک»، «حقوق و امتیازات مالکین و صاحبان سایر حقوق اراضی مورد تملک»، «حقوق مساحین و رارع»، عناوین برخی فصلهای کتاب است.

۵۵ سلجوقی محمود حقوق بین الملل خصوصی ج ۱ کلیات تابعیت، اقامتگاه، وضعیت بیگانگان تهران دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰ ۳۸۷ ص ۲۰۰۰ ریال نویسنده وضع حقوق بین الملل خصوصی ایران را نسبت به سه موضوع تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان در ایران توضیح داده و سبب‌های برخی و ممانع این رسته را با نظری انتقادی و روشی تحلیلی بررسی کرده است.

۵۶ قائم مقام راهانی، سیدعبدالمجید حقوق بین الملل ج ۴ این دادرسی داوری بین المللی تهران ۱۳۷۰ ۳۲۰۰ ریال

## زبان و زبان‌شناسی

۵۷ احمدی بیرجندی، احمد شیوه آموزش املائی فارسی و نگارش تهران انتشارات مدرسه ۱۳۷۰ ج ۲ ۹۶ ص ۲۸۰ ریال

۵۸ ریمز، آن فنون تدریس نگارش ترجمه سیداکبر میرحسینی (و) قاسم کبیری ویراسته علی صلح‌جو تهران رهبا ۱۳۷۰ ۱۳۹ ص مصور جدول ۸۰۰ ریال

کتاب حاضر به بحث درباره فنون عملی تدریس نگارش در کلاسهای آموزش زبان دوم اختصاص دارد هر فصل از کتاب علاوه بر بررسی مفصل انواع فنون، شامل توضیحاتی برای معلم درباره شیوه‌هایی است که می‌توان در کار تدریس برای حصول به نتایج بهتر به کار برد.

۵۹ قائل، راجر (و) رومن یاکوبسن (و) دیوید لاج رسانه‌شناسی و نقد ادبی ترجمه مریم حوران (و) حسین پاینده، تهران نشر نی ۱۳۶۹ [تورج ۷۰] ۱۲۱ ص واژه‌نامه فهرستهای راهما ۶۸۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقاله‌های سه رسانه‌شناس و مبتدع معروف ادبی که به کار برد رسانه‌شناسی در نقد متون ادبی اختصاص دارد دو مقاله کتاب از رومن یاکوبسن (۱۸۹۲-۱۸۹۶)، از بیان‌گذاران محفل رسانه‌شناسی مسخو و پراگ و از همکاران بریدیک و یکتور سکولفسکی. بیان‌گذار فرمالسم روسی، است این دو مقاله از مهمترین مقالات یاکوبسن در زمینه رابطه زبان و رسانه‌شناسی با ادبیات و بعد ادبی است. دو مقاله دیگر این کتاب از راجر قائل، از معروفترین رسانه‌شناسان و نظریه‌پردازان ادبی معاصر است. او در این مقالات درباره نظریه ادبی جامعه برای نقد متون ادبی از دیدگاه رسانه‌شناسی بحث کرده است. مقاله دیگر کتاب نیز از دیوید لاج مبتدع و نویسنده معاصر انگلیسی است که در آن درباره نظریه یاکوبسن، مبنی بر کاربرد مباحث مربوط

به زبان بررسی در بررسی سبکهای ادبی بحث کرده، و به نك معیار در بیان نظریه یاکوبسن کوسیده است.

۶۰ فالور، و. س. واژه انگلیسی مناسب ترجمه امیردیوانی تهران کتاب ماد ۱۳۶۹ ۱۹۲ ص. ۹۶۰ ریال

نویسنده کتاب معتقد است که به ناری کلمات و عبارات همراه و از برای حدید را آسانتر می‌توان آموخت و به خاطر سیرد، از این رو کوسیده است به کمک تمرینها و متون گوناگون زمینه مناسبی را برای یادگیری ۱۰۰۰ کلمه ۲۰۰ فعل برگزیده در زبان انگلیسی فراهم آورد.

۶۱ وزین پور، نادر دستور زبان فارسی (آموزشی) تهران انتشارات معین ۱۳۷۰ ۲۹۳ ص. ۱۳۵۰ ریال

## واژه‌نامه و فرهنگ

۶۲ ایروین، ای. اح فرهنگ لغات مترادف و متضاد انگلیسی-فارسی ترجمه اسماعیل رارع بهتاش ویراسته علی اکبر جعفرزاده - مقدمه مجدالدین کیوانی تهران راهما ۱۳۶۹ [تورج ۷۰] سیرده + ۹۲۱ ص ۶۰۰۰ ریال.

۶۳ باك، عبدالحسین (و) سعید پروین جاد فرهنگ پل‌چلن انگلیسی-فارسی آفرین تهران کتاب آفرین ۱۳۶۹ [تورج ۷۰] ۲۰۰ ص ۱۰۶۸ ریال ۵۵۰۰

۶۴ حدایار، امیرمسعود امثال و حکم در زبان فارسی تهران انتشارات خورشید ۱۳۷۰ ج ۲ ۷۷۷ ص ۳۲۰۰ ریال

۶۵ دسر سیاقی، محمد فرهنگهای فارسی و فرهنگ‌گونه‌ها تهران انتشارات اسپرک ۱۳۶۸ [تورج ۷۰] ۵۰۰ ص فهرست راهما ۳۶۰۰ ریال

کتاب حاضر تلاشی است در ۵۰۰۰ کلمه به بررسی و معرفی فرهنگهای فارسی به فارسی نگاشته شده در ایران سه‌فاره هند و اسر صغر اختصاص دارد که به رست تاریخ نگارش ذکر شده‌اند. بخش دوم شامل فرهنگهای فارسی به زبانهای دیگر (عربی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی، ارمنی، ایتالیایی، اسپانیایی، چینی، ژاپنی) است. در بخش سوم فرهنگهایی که مربوط به زبانها و گویشهای محلی ایران است به رست. تاریخ سر معرفی شده‌اند و بخش چهارم به فرهنگهای موضوعی که به رست الفبایی نام کتاب تنظیم شده‌اند اختصاص دارد فرهنگ‌گونه‌ها، یا زبانهای لغات را نامه بیان مطالب خود فراهم داده‌اند (با موضوعات گوناگون). نیم هری، تخصصی و غیره، موضوع بخش پنجم این کتاب هستند. جمله مورد خود در مقدمه کتاب اشاره کرده است، هر بخش سوم که به رست شامل است. بهیة بخشهای کتاب فایده‌نا و مستحبات بسیاری از فرهنگهای نگاشته شده در زمینه‌های مربوطه است.

۶۶ صالح‌جور، حمید فرهنگ جامع فارسی به ترکی استانبولی تریز نشر لاله ۱۳۷۰ ۸۰۰ ص نقشه ۶۵۰۰ ریال.

## علوم

### ● مباحث عمومی

۶۷ عبدالسلام دادانتهایی درباره دانش، تکنولوژی و آموزش علوم و تأثیر آنها در رشد خوب ترجمه لطیف کاشیگری بی‌جا انتشارات فیروز- نشر سپاهان ۱۳۷۰ ج ۲ ۲۵۶ ص جدول نقشه جدول واژه‌نامه ۲ ریال

### ● کامپیوتر

۶۸ بیکن، کاربرد کامپیوتر در ترمودینامیک و انتقال گرما ترجمه سیدمحمد امینی (و) محمد ملکی اصفهان دانشگاه صنعتی اصفهان ۱۳۷۰ ۲۲۸ ص جدول نمودار واژه‌نامه ۲ ریال.

(۶۹) توسلی، حواد /شنائی با کامپیوترهای شخصی P.C تهران کانون  
تعارات علمی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۲۱۴ ص مصور جدول نمودار  
۱۴ ریال  
(۷۰) عظیم‌زاده تهرانی، محمود برنامه‌نویسی فزتون [تهران] نشر  
ان ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ج + ۳۱۱ ص جدول نمودار ۱۲۰۰ ریال  
(۷۱) نقدریان، کاظم راهنمای جامع DB 111. III ح ۱ تهران ناشر  
ف ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] م + ۲۲۱ ص جدول نمودار فرمهای  
پیونری ۲۱۰۰ ریال  
(۷۲) وات، آلن (و) جیم مک‌گریگور هرترسیمات کامپوتری IBM  
P1 ترجمه اژش مقصودلو تهران انتشارات حريل ۱۳۷۰ ۴۱۰ ص  
بور جدول نمودار ۳۰۰۰ ریال

## ریاضی

(۷۳) ریاضی، عبدالحمید آتالیر ریاضی بی‌جا انتشارات دفتر مرکزی  
اد دانشگاهی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۲۹۱ ص نمودار واژه‌نامه ۱۵۰۰  
ل  
(۷۴) هومن، حیدرعلی ریاضیات پایه امار و احتمال تهران (مرکز  
ش پیک فرهنگ) ۱۳۷۰ ج + ۱۲۲ ص ۹۰۰ ریال  
(۷۵) ولف، هارولد. هندسه نااقلیدسی ترجمه احمد سرشک تهران  
رکیر ۱۳۷۰ ج ۲ ۲۵۵ ص مصور واژه‌نامه فهرست راهما

## ریست‌شناسی

(۷۶) قهرمان، احمد کورموفیت‌های ایران (سیستماتیک گاهی) ح ۱  
ان مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۳۵۰ ص مصور جدول  
۲۰ ریال  
(۷۷) هلر، ر. فرسولوژی گیاهی ح ۲ رشد و نمو ترجمه مه‌لغا فریانی  
ان مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] هفت + ۲۶۷ ص مصور  
ول نمودار واژه‌نامه ۱۵۰۰ ریال

## فیریک و شیمی

(۷۸) باسلو، جان عالم استیون هاوکیگ ترجمه رضا سدگل تهران  
سسه خدمات فرهنگی رسا ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۱۷۸ ص مصور  
سبون هاوکیگ از فیریکدانان برحسب جهان است نه تحمیفاتس در  
به جهان‌سازی شهرت بسیاری دارد. نویسنده در این کتاب خصوصاً به  
سی غفاید هاوکیگ در زمینه بیدایس جهان، سناحالها و فیریک نظری  
باحثه است از استیون هاوکیگ کتابی با عنوان تاریخچه زمان به فارسی  
جمه شده است. از اس کتاب دو ترجمه به بازار آمده است ترجمه محمدرضا  
بحوب (سرک انتشار، ۱۳۶۹) و ترجمه حبیب‌الله (و) ره‌ره دارفرما  
سناربات کیهان، ۱۳۶۹)  
(۷۹) بورن، ماکس ماکس بلانک ترجمه احمد شایگان تهران  
سناربات انجمن فیریک ایران ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۸۶ ص فهرست  
فما ۵۵۰ ریال

کتاب حاضر به زندگی و افکار ماکس بلانک (۱۸۵۸-۱۹۴۷) فیریکدان  
سی و کاسف کوانتوم کس احتصاص دارد اس کتاب نخستین اثر ار  
نویسنده «فیریکدانهای بزرگ»، از سناربات انجمن فیریک ایران، است نه  
در ان ارائه آثار اصلی فیریکدانان بزرگ جهان و تعاس اوضاع علمی زمانه  
هست هر دفتر این مجموعه به زندگی و آثار یکی از بزرگان فیریک  
تخصص خواهد داسب و شامل زندگی‌نامه و نمونه‌هایی از نوشته‌های مهم  
می‌دی خواهد بود نویسنده کتاب، ماس بورن، خود از فیریکدانان بزرگ  
ن قرن است

(۸۰) فروغی‌فر، ناصر واژه‌نامه شیمی مجموعه‌ای از لغات و  
مطالعات شیمی، اراک، انتشارات کالج ۱۳۷۰ ۳۱۵ ص + جدولها

(بدور صفحه‌ساز، ۱۲۰۰ ریال).

کتاب حاضر شامل بیس از ۳۲۰ اصطلاح شیمی و معادل‌هایی برای هر یک  
است به دو قسمت انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی گردآوری شده  
است. مولف کتاب نویسنده است بحای استفاده از معادل‌های فارسی سره برای  
اصطلاحات خارجی از لغات و واژه‌هایی که به اعتقاد وی در سته شیمی بیشتر  
جائزاده و متداول هستند استفاده کند اخیراً فرهنگ دیگری بر در این زمینه  
میسر شده است علی بورخوادی، وارگان شیمی و مهندسی شیمی، مرکز نشر  
داسگاهی، ۱۳۶۹، ۷۲۸ ص

## ● نجوم

(۸۱) هسترو، رابرت (و) مالکم اج تامسون ماسی و مرزهای  
ستاره‌شناسی ترجمه تقی عدالتی (و) حمیدقصری ح ۲ مشهد دانشگاه  
اراد اسلامی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۵ + ۴۵۲ ص مصور جدول نمودار.  
واژه‌نامه ۱۷۵۰ ریال

«ککسار راه سری» «ککسارهای رادیویی، ککسارهای سیفوت و  
کواراها»، «خورسید به عنوان یک ستاره»، «رمین»، «ماه»، «ره‌ره»، «مریج»،  
«روسهای اداره‌گری» عنوان برخی از سرفصلهای کتاب است

## پزشکی و روان‌پزشکی

(۸۲) بروبر (و) سودارث پرستاری داخلی-جراحی (پرستاری  
بیمارهای کلیه و مجاری ادرار) ترجمه مرتضی دلاورخان (و) پروانه  
سته‌بان تهران نشر تلخ بشری ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۲۵۰ ص مصور.  
جدول ۲ ریال

(۸۳) بوگر، فیلیس هالت هدیوک درمانهای دارویی ترجمه جهانگیر  
شهریوری ویراسته مهرداد فیضی (و) شاپور گهواره تهران ایسه کتاب.  
۱۳۷۰ ۵۵۷ ص جدول ۲۹۰۰ ریال

(۸۴) حاحی، محمدحسین تحریاتم بر روی کند تهران ناشر مؤلف  
۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ج ۲ ۲۱۴ ص جدول. ۱۰۰۰ ریال

(۸۵) رکتور، برنکو گردش خون کلیوی ترجمه علی نژاددهقان (و)  
سیامک واحدی تهران جهاد دانشگاهی دانشگاه علوم پزشکی تهران  
۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۳۰۱ ص مصور. نمودار جدول ۱۵۰۰ ریال

(۸۶) سلتر، سامونل (و) ای بی بدر پالپ دندان، ملاحظات  
سیولوژیک در انجام اعمال دندانپزشکی ترجمه اردشیر لطفی [تهران].  
شرکت انتشارات میقات ۱۳۷۰ ۶۳۸ ص مصور جدول نمودار ۲۶۰۰  
ریال

(۸۷) عامری، حسین. شاه‌های سطحی بدن زیر نظر اسدالله  
اعتضادمظفر (و) محمود معتمدی تهران دانشگاه علوم پزشکی تهران  
۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] ۱۵۰ ص مصور ۶۰۰ ریال

(۸۸) کوك، جان (و) دیگران موریهای جراحی در درمانگاههای  
اورژاس ترجمه حمید هرایری (و) علی شهراسی زیر نظر فریدون  
معظمی تهران ایده‌ساران ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] بارده + ۳۰۸ ص مصور  
۱۹۰۰ ریال

(۸۹) متر، رابرت (و) جیمز شستن بیماری قد (راهمایی و آموزش  
بیماران) ترجمه فضل‌الله مادی اصمهان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.  
۱۳۷۰ ۴۹۰ ص، جدول مصور ۱۹۰۰ ریال

(۹۰) محمدی، یوسف استخوانسندی سروصورت تهران مرکز نشر  
دانشگاهی ۱۳۶۹ [تورج ۱۷۰] پنج + ۱۶۳ ص مصور ۹۵۰ ریال

(۹۱) نجم‌آبادی، محمدحسین ریه‌درشوک تهران نور فاطمه (و) نشر  
روایت ۱۳۷۰ ۱۷۸ ص، مصور جدول نمودار ۱۲۰۰ ریال

(۹۲) [بلسون] ماسی طب کودکان، ترجمه اشرف طباطبائیکلی (و)  
حبیب وکیلی تهامی (و) احمد فحیمی شهرکی تهران انتشارات عمیدی.  
۱۳۷۰ مصور جدول فهرست موضوعی ۷۴۱ ص

کتاب دارای فهرست موضوعی مفصل و شکلی به انگلیسی است که ظاهراً از روی متن اصلی عیناً عکسبرداری و در انتهای کتاب چاپ شده است. (۹۳) ویتال، دی. جی (و) جی. جی. لیدینگهام (و) دی. ا. وارل (ویراستاران) در سنامه پزشکی اکسفورد ج ۲ بیماریهای قلب و عروق ترجمه جمعی از پزشکان. ویراسته رضا صادقی. تهران. مرکز نشر دانشگاهی [۱۳۶۹] (توزیع ۷۰) چهارده + ۶۰۷ ص + ۱۶ ص (واژه نامه) مصور. جدول. نمودار. ۷۵۰۰ ریال

(۹۴) [هاریسون]. بیماریهای کلیه و مجاری ادرار و اختلالات آب و الکترولیت. ترجمه محمدرضا مقیمی (و) فرحناز مقیمی زیر نظر منصور هاشمی راد تهران. چهر ۱۳۷۰ ۳۸۷ ص. مصور جدول. نمودار. ۱۸۰۰ ریال

## کشاورزی و دامپروری

(۹۵) شمالی، مهرداد واژه نامه گیاهی تبریز عمیدی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۲۳ ص. ۱۰۰۰ ریال

فرهنگ حاضر شامل حدود ۴۵۰۰ واژه اراسامی گیاهان، به ویژه علمهای هر، است که بر اساس حروف الفبای نام علمی (لاتین) و نام انگلیسی آنها همراه با معادل فارسی برای هر کدام، تنظیم شده است

(۹۶) هاشمی، مسعود (و) علیرضا محمودزاده سیوستن شیر، شیردوشی صحیح، ورم پستان، خیز پستان تهران انتشارات فرهنگ جامع. ۱۳۷۰. ج ۲. ۲۳۰ ص مصور جدول نمودار واژه نامه ۱۱۰۰ ریال

## فن شناسی و صنعت

(۹۷) حجاری، جلال. شمس ریزی. تهران انتشارات جامعه ریخته گران ایران. ۱۳۷۰. ۳۳۰ ص. مصور. جدول واژه نامه نمودار ۲۱۰۰ ریال

(۹۸) رفیعی، مینو. مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (۳-اقتصاد) تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] یازده + ۱۱۸ ص نمودار جدول ۱۰۰۰ ریال

(۹۹) رمضانیان پور، علی اکبر (و) اسماعیل اسماعیل پور مجموعه مقالات نخستین سمینار نقش مواد افزودنی در توسعه تکنولوژی بتن تهران. دانشگاه صنعتی امیرکبیر (و) شرکت بتن شیمی حاورمیان ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۷۱ ص + ۴۴ ص مقالات انگلیسی نمودار مصور جدول ۲ ریال

(۱۰۰) رهمانی، تقی. مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی (حرفایا) تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] شانزده + ۱۵۶ ص ۱۲۰۰ ریال

## شطرنج و ورزش

(۱۰۱) اوکلی، امورش شطرنج (ارمندی تا پیشرفته) ترجمه عزیرالله صالحی مقدم تهران روزبهان ۱۳۶۹ ۱۸۴ ص مصور ۱۱۲۵ ریال

«گامهای نخستین»، «دفاع فلیدور»، «حمله در شروع بازی»، «کنترل مرکز و برتری فضا»، «گامی ساده»، «بازی اسکاتلندی»، «گامی اسکاتلندی»، عنوان برخی از فصلهای کتاب است مطالب کتاب حاضر به صورت مجموعه ای درسی ارائه شده و هر فصل دارای تمرینها و پرسشهایی خاص خود است کتاب دیگری بر اثر مترجم همین کتاب در زمینه آموزش شطرنج منتشر شده است تاکتیک در شطرنج، ناشر مؤلف، ۱۳۶۸

(۱۰۲) بازارگادی، علاء الدین (و) علامعلی تفنگدار واژگان جامع ورزشی (انگلیسی-فارسی) ویراسته مهدی تفنگساز تهران سروش

۱۳۷۰ یازده + ۳۳۲ ص. مصور ۲۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل ۱۵ فصل است و هر فصل شامل اصطلاحات حدیثی ورزشی مشابه است

(۱۰۳) پاندولینی بروس. تاکتیکهای کاسپاروف در شطرنج ترجمه اسماعیل فیضی بی جا بی.آ. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۰۰ ص. ۱۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل ۱۲۷ موقعیت تصویردار از بازیها و تحلیلها کاسپاروف است که از بازیهای وی در فاصله سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ انتخاب شده اند

(۱۰۴) حداداد، احمد. اصول عمومی آمادگی جسمانی تهران سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ج ۲ ۲۸۴ ص مصور نمودار جدول ۱۲۰۰ ریال

(۱۰۵) سراج راده، غلامرضا (و) موجهر روشن پور (و) محمدشاه حسینی برنامه ریزی، تمرین، مسابقه در دوچرخه سواری تهران اداره کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۶۷ ص مصور جدول نمودار ۱۲۰۰ ریال

(۱۰۶) سلطان دوست، محمدرضا تنوری گشایشها تهران انتشارات گوتسک. ۱۳۶۹ ج ۲ ۴۳۸ + ۲۸۱ ص مصور نمودار ۵۰۰۰ ریال

حلد بحسب کتاب حاضر که کلاً به مرحله گسایش اختصاص داده به بررسی ادامه های محتمل سن از ۱۵ تا ۱ و حلد دوم آن به بررسی گونه ها، محتمل سن از ۱۵ تا ۱ مربوط می شود

(۱۰۷) کاسپاروف گری کاسپاروف شطرنج می امورد ترجمه محمد حبیب پور ج ۱ تهران مؤسسه انتشارات دانش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] مصور ۸۰ ص ۵۰۰ ریال

(۱۰۸) لطفی حسن بیانیه نامه به کوهستان برویم تهران انتشارات چاپار فرراگان ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۴۸ ص نقشه مصور

(۱۰۹) سوی تهرشی، سیف الدین درمان رایگان یا ورزش تهران سرو تبلیغ بشری ۱۳۷۰ ۱۱۴ ص. مصور ۷۰۰ ریال

## هنر و معماری

### ● عکاسی

(۱۱۰) آدامز، اسل (و) رابرت بیکر. دوربین عکاسی ترجمه پیروز سیار تهران سروش ۱۳۷۰ بیست + ۲۴۶ ص مصور واژه نامه فهرست راهما ۳۰۰۰ ریال

اسل آدامز از عکاسان برجسته و معاصر فرانسوی است که در این کتاب در باره بخارت خود در عکاسی و نحوه کار با دوربینها و متعلقات مختلف عکاسی حرفهای سخن می گوید این کتاب از روی نسخه اصل (فرانسوی) حاب ۱۹۸۲ ترجمه شده است

(۱۱۱) حبیب اللهی، سیاوش هده ۸۹ تهران بویدشیراز ۱۳۷۰ [۱۵] ۷۶ ص + [۵ ص لاتین] مصور ۲۵۰۰ ریال

حبیب اللهی کوشیده است با ارائه مجموعه عکسهایی از سرزمین هند حبه های گوناگون زندگی در سرزمین هندوستان و مردم آن دیار را نمایش دهد

(۱۱۲) دکاء، یحیی (و) محمدحسن سمسار. تهران در تصویر عکاسی علی خادم ج ۱ تهران سروش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۴۵۶ ص. مصور ۸۰۰۰ ریال

گردآورندگان کوشیده اند گذشته شهر تهران را تا حایی که طرح و تصویرهای موجود و قابل دسترس اجازه می داده معرفی کنند طرح و تصاویر این مجموعه مربوط به آن دسته از بناهای تهران است که بین ۱۲۸۴ هـ ق بنیاد نهاده شده است مطالب کتاب هم به زبان فارسی و هم به زبان انگلیسی عرضه شده است «تاریخچه تهران»، «نقشه های تهران»، «دروازه ها و کوچه ها»، «ساحای دوره کریم خانی»، «تحت طاووس»، «خانه ویرمختار فراسه»، «سلطنت آباد»، «شمس العماره»، عنوان برخی

بر فصلهای کتاب است

۱۱۳ روتشتاین، آرتور. آرتور روتشتاین (مباحثی در باره عکاسی مستند، عکاسی برای مطبوعات و... از زبان روتشتاین) گردآوری و ترجمه افشین شاهرویدی. تهران انتشارات اطلاعات ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۲۸ ص. مصور فهرست نامها. ۹۰۰ ریال.

آرتور روتشتاین (۸۵-۱۹۱۵) از عکاسان معروف آمریکایی است که در این کتاب ترجمه یک سحرانی و یک مصاحبه آرو و همچنین ۳۲ عکس از آثار او گردآوری شده است

۱۱۴ صابع، منصور. پیدایش عکاسی در شیراز تهران سروش ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰]. ۱۸۸ ص. مصور ۵۲۰۰ ریال

نویسنده کوشیده است تا ریحانه عکاسی در شهر شیراز را همراه آورد و بدین سبب حال محترمی در باره بینشکونان عکاسی در شیراز به دست داده و سپس به عرضه اناری از آن پرداخته است

## ● نقاشی و خط و گرافیک

۱۱۵ پوپ، آرتور. آشنایی با مینیاتورهای ایران ترجمه حسن بیر بهران انتشارات و کتابفروشی بهار ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۹۶ ص. مصور ۳۵۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه ای است از مقالات حدادان ساسان اروایی در باره سبک هنر مینیاتور و مکتبهای مختلف آن در ایران. همراه با نمونه هایی از آثار عباس مکتب گوناگون ایران (از اواخر قرن ۷ هجری تا اوایل قرن ۱۱ هجری) عناوین برخی از مقالات این مجموعه را به عنوان مثال می آوریم: «نقاسی و هنر کتاب (ریسه ها)»، «از سر توماس و اربوند»، «رابطه هنر مانویان با هنر ایرانی»، «از احوال مینو و دیولارد»، «تاریخ نقاسی مینیاتور و طراحی»، «از سبک نوئل»، «نقاسی بعد از صفویه»، «پدا گذارد»، «نصاویر گل و لعل»، «فیلس کرمان»، «تأثیر شعر و الهیات بر نقاسی»، «سر توماس و اربوند و غیره» ۱۱۶ رسولی، حلیل. حان حانان (برگریده آثار حلیل رسولی) تهران ناشر مؤلف ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۳۷ ص. مصور ۲۹۰۰ ریال

حلیل رسولی خطاطی است که به نفس رنگ در هنر خوشنویسی توجه بسیار دارد او در این کتاب مراحل تحول کار خود را مورد بحث قرار داده و مجموعه ای از آثار نقاسی خط و همچنین کارهای روی ورق طلا و خود را عرضه کرده است مطالب کتاب به زبان فارسی و انگلیسی ارائه شده و کیفیت تصاویر آن بسیار خوب است کتاب بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده است ۱۱۷ کستلر، شارل. رنگی و آثار کامیل بیسارو. ترجمه محسن ابراهیم تهران کتاب سرا ۱۳۷۰. ۸۰ ص. مصور ۱۳۵۰ ریال

کتاب حاضر به بحث در باره زندگی هنری، افکار، همعصران و حرنیات سخی آثار کامیل بیسارو (۱۹۰۳-۱۸۳۰)، نقاس معروف فرانسوی و از برهان مکتب امروسیسم و بواشلیسم، اختصاص دارد کتاب همچنین دارای برخی از آثار معروف بیسارو است که به صورت رنگی و بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده است

۱۱۸ هافمن، آرمین. طراحی گرافیک (تئوریک و عملی) ترجمه محمد حرانی و محمد آوینی تهران انتشارات برگ ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۷۸ ص. مصور ۲۲۰۰ ریال

کتاب حاضر می گوید ریمه ای برای آموزش مسائل طراحی گرافیک در قالب دوره ای آموزشی از پایه تا دوره های پیشرفته آن فراهم آورد

## ● موسیقی و معماری

۱۱۹ اطرائی، ارفع. ستور و ناظمی تهران انتشارات پارت ۱۳۷۰ [توزیع ۲۲۰] ۴۲ ص. مصور ۴۰۰ ریال

۱۲۰ حجازی، اسدالله. آموزش تار و سه تار تهران انتشارات پارت ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰]. ۱۹۴ ص. مصور خط موسیقی ۱۲۰۰ ریال ۱۲۱ زاهدی، تورج. به رهبری مرتضی حنانه (پیوست بررسی

زندگی، آثار و نقش مرتضی حنانه، از سیدعلیرضا میرعلی نقی). تهران انتشارات فیلم ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۲۹۰ ص. فهرست نامها. ۱۴۲۰ ریال

۱۲۲ فلامکی، منصور (و دیگران معماری و موسیقی. تهران. نشر فضا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] سیزده + ۳۲۵ ص. مصور ۲۱۰۰ ریال.

کتاب حاضر مجموعه مقالاتی است که به بررسی و ارزیابی دو مقوله معماری و موسیقی و ارتباط آن دو باهم اختصاص دارد «چگونگیهای ورود اثرش یک اثر هنری»، «علامتشناسی نامی/ «سیری در فضای معماری و موسیقی و اشیایی با کتاب موسیقی معماری»، «حسیطی ملاح/ «آوای حیا در گند میا»، «محمدرضا حائری/ «رنگ، حالت و فضا در موسیقی و معماری»، «امانوئل ملک اصلانیان/ «آوازه از سنتی کوه تاملندای هنر معماری»، «حسن دهلوی/ «نگاهی گذرا به معماری. موسیقی در سبک تحولات اجتماعی اروما»، «حسرو سیمانی، عنوان برخی از مقالات این مجموعه است

## ● سینما

۱۲۳ ماربر، ترنس سنت جان طراحی صحنه در فیلم. ترجمه و اقتباس مهدی رحیمیان تهران انتشارات سروش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ج ۲. ۱۹۰ ص. مصور واژه نامه ۴۰۰ ریال.

## متون کهن

۱۲۴ فرنح دادگی تدفین. ترجمه مهرداد بهار. تهران انتشارات توس ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۳۷ ص. فهرست نامها ۳۰۰۰ ریال

تدفین، به معنای «آفرینش آغاری» یا «آفرینش سیاده»، نام کنشی است که در اواخر قرن سوم هجری هجری به زبان پهلوی نوشته شده است کتاب با مقدمه ای ناتمام که حکایت از روزگار آسفته مردپسان و هر و ریختن قدرت و فرمانروایی ایشان می کند آغاز می شود و سپس به تیکرانی آغاری و کرانه مند بودن گیتی و سان حلف و هجوم آفرینش بر آن و نتایج آن می پردازد سپس ایردان و دیوان را بر می شمارد و بعد از آن تاریخ ایران را از پیشدادیان تا تاریخ واقعی عهد ساسانیان و سر رسیدن دولت ایشان بیان می کند سرانجام پس بینی آینده و فراهم جهان، رستاخیز و سن سین مورد بحث قرار می گیرد این کتاب علاوه بر گوسه های تاریخی مربوط به ساسانیان شامل اطلاعات نجومی، نجومی، گیاه شناسی، جانورشناسی، و جغرافیائی آن دوره می باشد مرحوم در مقدمه کتاب در باره نسخه های دستنویس موجود از این کتاب و نیز ترجمه هایی که از آن در سرتاسر دنیا صورت گرفته توضیحاتی داده است ترجمه حاضر بر اساس بررسی و تطبیق سه دستنویس کامل و نیز با استفاده از برخی ترجمه ها و یادداشتهای دیگر صورت گرفته است وجود فهرستی که سه تحریر مورد استفاده مترجم را با یکدیگر از نظر صفحات تطبیق داده است از دیگر ویژگیهای کتاب است این فهرست برای دانشجویانی که علاقمند به تطبیق ترجمه حاضر با هر یک از سه متن مذکور باشند معتم است

۱۲۵ مراغی، عبدالقادر بن غیبی شرح ادوار (با متن ادوار و زوائد الفوائد) به اهتمام تقی بیشت. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰ ۴۵۸ ص. مصور نمونه سد. جدول فهرست اعلام ۳۶۰۰ ریال.

عبدالقادر مراغی (۸۳۸-۷۶۸ هجری) از برترین نویسندگان موسیقی علمی ایران است او در این اثر به سرح و ترجمه الادوار، یکی از مهمترین رسالاتی که در باره ساختار عمده ها و دوایر مختلف و چگونگی تألیف و دسته بندی آنها نوشته شده پرداخته است کتاب الادوار. اثر صفی الدین ارموی، از همان زمان تألیف مورد توجه اهل فن قرار گرفت و چون به زبان عربی و مختصر و مهم آن دشوار بود سروح سیاری بر آن نگاشته شد که شرح عبدالقادر مراغی کامترین و روشترین آنهاست شرح ادوار مراغی به پیروی از کتاب الادوار شامل ۶۵ فصل است ولی مقدمه ای مفصل و حانیه ای دارد که عبدالقادر به منظور تکمیل مطالب الادوار بدان افزوده است روش عبدالقادر در سرح این کتاب به این ترتیب است که ابتدا متن الادوار، یعنی عبارت عربی

آن را، ذکر می‌کند و سپس به ترجمه و شرح و بسط گفتار صلی‌الدین می‌پردازد. مصحح در مقدمه کتاب شرح موجری را در باره سیر تکاملی نظام علمی موسیقی ایران از ابتدا تا زمان عبدالقادر ارائه کرده است و در باره زندگی و آثار و احوال صلی‌الدین ارموی و عبدالقادر مراعی سخن گفته است. وی در تصحیح کتاب حاضر از مقایسه سه نسخه استفاده کرده است که نسخه اساسی او تقریباً متعلق به عصر خود عبدالقادر است. جامع‌الانحاف و معاصدالانحاف عناوین دو کتاب دیگر از عبدالقادر مراعی است که هر دو به اهتمام همین مصحح چاپ شده‌اند.

## ادبیات

### ● نظم و نثر کهن ایرانی

(۱۲۶) البخاری، محمدبن عبدالله. *داستانهای پیدایی*. به تصحیح پرویز ناتل خانلری (و) محمد روشن. تهران. حواری ۱۳۶۹. ج ۲. ۳۴۶ ص. نمونه نسخه ۱۱۰۰ ریال.

(۱۲۷) ایرانشاه بن ابی‌الخیر بهمن‌نامه ویراسته رحیم عقیقی تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی هشتاد و یک + ۶۸۲ ص. مصور واژه‌نامه. فهرست اعلام ۲۲۰۰ ریال.

ایرانشاه ابی‌الخیر شاعر اواخر قرن سیم هجری است که از حماسی خود بهمن‌نامه را به سلطان محمد، سرملکشاه سلجوقی، تقدیم کرده است. این منظومه در باره زندگی بهمن، پسر اسفندیار، و ستیزه‌های وی با خاندان رستم رال است. یان ریچکا حماسه‌هایی چون منظومه بهمن‌نامه را به عنوان ملحقات و آثار پیرامونی شاهنامه ارزیابی کرده است. تأثیر حسنی که اردو قرن پیش از سروده شدن این منظومه برای فارسی گویی و فارسی بوسی در میان نویسندگان ایرانی بدید آمده بود در این منظومه به وضوح آشکار است ویراستار در مقدمه کتاب موصلاً در باره سراییده منظومه و همعصران و اوضاع اجتماعی وی و بر موضوع و مشخصات نسخه‌های مورد استفاده خود در تصحیح کتاب سخن گفته است. او برای تصحیح این متن از چهار نسخه خطی استفاده کرده که تاریخ تحریر نسخه اساسی وی (متعلق به کتابخانه موزه بریتانیا) ۸۰۰ هجری قمری است.

(۱۲۸) [فردوسی]. خلاصه شاهنامه با انتخاب بامداد جویباری. تهران انتشارات زرین. ۱۳۶۹ [توریع ۷۰]. پنجاه + ۹۴۱ ص. ۴۸۵۰ ریال. (۱۲۹) کرمی، احمد [به کوشش] دیوان صمی چرخس [تهران] نشریات ما ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ب + ۲۰۳ ص. ۱۵۰۰ ریال.

صفی چرخس از شاعران قرن ۱۱ هـ ق بود. وی مدتی در دستگاه حکومتی شاه عباس دوم با عنوان بیگلربیگی و حاکم استرآباد خدمت کرد اما پس از چندی به انزلی گریید و تا آخر عمر در کسوت درویشان درآمد. کتاب حاضر از روی نسخه‌ای که در عصر خود شاعر تحریر شده تهیه گشته است. (۱۳۰) گروگان، حمید. *آثار آل قلم: منتخب ۱۱ قرن نظم و نثر فارسی تهران*. انتشارات مدرسه، وابسته به دفتر انتشارات کمک آموزشی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۵۵ ص. ۱۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل نمونه‌هایی از نظم و نثر ۹۶ شخصیت ادبی ایران، از قرن ۴ تا قرن ۱۴ هـ ق است. مطالب کتاب براساس قرن و سال فوت این شخصیتها تنظیم شده است.

(۱۳۱) مدبری، محمود [به کوشش]. *رباعیات جامی*. تهران پازنگ ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۲۴ ص. فهرستهای راهنما. ۱۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل ۶۹۵ رباعی از نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸ هـ ق) است که از آثار متفاوت وی گردآوری شده و به ترتیب الفبایی قافیه و ردیف منظم شده است. گردآورنده در توضیحی که برای هر رباعی آورده، مأخذ رباعی، شرح و معانی لغات و ترکیبات مشکل عربی و همچنین اصطلاحات عرفانی را در اختیار گذارده است.

(۱۳۲) [مولوی]. *مثنوی*. تصحیح محمد استعلامی. دفتر ۴۰۵. ۴۰۵ ص. تهران. زوار. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۴۰۵ ص. ۳۲۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل ۳۸۵۶ بیت، یعنی کل ابیات دفتر چهارم مثنوی است ۱۸۶ صفحه کتاب شامل ابیات دفتر چهارم است و ۲۱۴ صفحه آن به تعلیقات، توضیحات فشرده مصحح در مورد واژه‌ها و عبارات مشکل، آیات و احادیث گوناگون و همچنین تلمیحات و اشارات اشعار اختصاص دارد. (۱۳۳) [ناصرخسرو قبادیانی]. *شرح سی قصیده از حکیم ناصرخسرو قبادیانی به اهتمام مهدی محقق*. تهران توس. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۴۵ ص. فهرستهای راهنما ۲۲۰۰ ریال.

کتاب حاضر حاوی سی قصیده از ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴) است همراه شرح لغات و اصطلاحات و تعییرات و منابع قرآن و حدیث و مسائل تاریخی و فلسفی و کلامی ابیات آنها.

### ● در باره ادبیات ایرانی

(۱۳۴) ثروت، منصور [به کوشش]. *گنجینه حکمت در آثار نظامی تهران*. امیرکبیر ۱۳۷۰. ۲۸۰ ص. -مؤدار فهرستهای راهنما ۸۰۰ ریال.

نویسنده ابتدا مفهوم حکمت را در برد حکمای ایرانی و یونانی ایرانام قدر تا عهد نظامی بررسی کرده و سپس نکات اخلاقی، حکمی و اجتماعی سخنگ نظامی را استخراج و در چهار فصل حکمت، تهذیب اخلاق، تدبیر منزل، سیاست مدن نظامی - سر منای طغیه‌بندی حواجه بصیر طوسی در اخلا، ناصری- بررسی کرده است. این کتاب رساله دکتری مؤلف آن است که تحت نظر مرحوم سید حسن سادات ناصری تألیف شده است.

(۱۳۵) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. *راز بقای ایران در سخن فردوسی تهران*. کتابخانه گنج دانش. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] هفت + ۲۶۶ ص. فهرست اعلام. ۱۲۰۰ ریال.

(۱۳۶) رشیدیان، بهراد. *بینش اساطیری در شعر معاصر فارسی تهران* نشر گستره ۱۳۷۰. ۱۶۶ ص. ۹۵۰ ریال.

(۱۳۷) صفا، ذبیح‌الله. *تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی ج ۵ از آغاز سده دهم تا میانه سده دوازدهم هجری* بخش ۳. شربارسی پارسی نویسان تهران انتشارات فردوس. ۱۳۷۰. ۵۵۶ ص [از ص ۴۴۰ تا ۱۹۹۶] فهرست عام. ۳۸۰۰ ریال.

(۱۳۸) صنعتی‌بیا، فاطمه. *مآخذ قصص و تمثیلات مثنویهای عطا شیشابوری تهران* انتشارات زوار. ۱۳۶۹ [توریع ۷۰] ده + ۲۵۷ ص. فهرست اعلام. ۲۲۰۰ ریال.

در این مجموعه مآخذ قصص و تمثیلات چهار مثنوی الهی‌نامه، اسرارنامه مطلق‌الطیر و مصیبت‌نامه بررسی شده و به ارتباط ادبیشه عطار با منابع و آثار که احتمالاً با آنها آشنایی داشته اشاره شده است. نویسنده موارد مشابه موح در بین این مثنویها و آثار صوفیانه و داستانی و قصص و تفاسیر را طغیه‌بندی کرده و به وحوه اشتراك و اختلاف حکایتها اشاره کرده و تعییراتی را که عطار در داستانها به وجود آورده مشخص ساخته است.

(۱۳۹) کزازی، میرحلال‌الدین. *مازهای راز: جستارهایی در شاهنامه تهران*. نشر مرکز. ۱۳۷۰. ۱۶۰ ص. نامنامه. ۹۵۰ ریال.

نویسنده حاستگاه حماسه را اسطوره می‌داند و معتقد است بدون آشنایی با ساختار رمان و مطلق اسطوره هرگز نمی‌توان حماسه را شناخت. او در این کتاب از دید و براساس نمادشناسی اسطوره‌های ایرانی به بررسی پاره‌ای از بیادها و نمادهای اسطوره‌ای بهفته در چهره‌ها، رویدادها، نامها، سرزمینها آیینهای داستان صحاك از کتاب شاهنامه پرداخته است.

(۱۴۰) مهاجر شیروانی، فردین (و) حسن شایگان. *نگاهی به خیام (همرا با رباعیات)*. تهران پویش ۱۳۷۰. ۲۸۲ ص. ۲۷۰۰ ریال.

«نگاهی به رمان و جهان خیام»، «نگاهی به دو حکیم، خیام و غزالی»، «نگاه به دو رندیق- خیام و ابوالعلاء»، «نگاهی به روایت فیتز حرالد»، «نگاهی به داوری آربری»، «نگاهی به يك نسخه تازه»، عنوان برخی سرفصلهای کتاب حاضر است. بحثهایی از این کتاب حد سال پیش در محله هر و مردم منتشر شده بود.

## ● شعر معاصر ایران

(۱۴۱) بهیابی، سیمین. گزیده اشعار تهران مروارید ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۲ ۲۴۸ ص ۹۵۰ ریال]

اشعار این مجموعه از کتابهای حای ما (۱۳۳۵)، جلجراج (۱۳۳۶)، مرمر (۱۳۴۲)، رستاخیز (۱۳۵۲)، خطی در سرعت و آتش (۱۳۶۰)، دشت آرزو (۱۳۶۲) و ناره‌ها (مجموعه زیر حای) جمع‌آوری شده است. شاعر در مقدمه سستای مفصلی که بر این کتاب نوشته از زندگی خود و نظراتش در باب شعر و ادبات سخن گفته است.

(۱۴۲) سگی حبیب‌انادی غریبانه (مجموعه شعر) تهران، امیرکبیر ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۱۱۹ ص ۸۰۰ ریال]

(۱۴۳) پورحسینی، سیدابوالقاسم شکوفه‌های اندیشه تهران، ناشر. فرحار پورحسینی (و) پاژنگ بی تا [توزیع ۱۷۰ ج ۴۰۵ ص ۱۸۵۰ ریال]. کتب حاضر شامل مجموعه‌ای از اشعار دکتر سیدابوالقاسم پورحسینی (۱۳۶۵-۱۲۹۹) و سوگنامه‌ها و نادیامه‌هایی است که در ربای او سروده شده است. دکتر پورحسینی استاد فلسفه دانشگاه تهران و مترجم اناری چون اخلاقی بیکوماحوس از ارسطو (از فراسه) و نظم‌نهم اشارات ابن سینا همراه با سروج حوا - بصیر و محرراری (از عربی) بود.

(۱۴۴) حقیقی، رحمانیان رحمه حسن (مجموعه شعر). تهران، ناشر: مؤلف (مرکز بحث انتشارات فردوس) ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۲ ۱۴۴ ص ۷۰۰ ریال]

(۱۴۵) حکمت، حسینی دیوان محمد بی‌جا ناشر مؤلف ۱۳۷۰. ۲۷۰ ص مصور نمونه سند ۲۰۰۰ ریال

(۱۴۶) دل‌آور، بانگ ماحرای عشق از اول. تهران بی تا ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۱۲۲ ص ۶۰۰ ریال]

(۱۴۷) اسفندی کرمانی | دیوان اسفندی کرمانی به کوشش احمد کرمی تهران | نشریات ما ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۶۹۳ ص ۲۹۰۰ ریال]

(۱۴۸) صفائی مؤید، رضا. از معانی صفا [کرج] مرکز بخش حایماه علویه قادریه کرج ۱۳۷۰ ۱۱۰ ص مصور ۸۰۰ ریال

(۱۴۹) عربی، احمد کفشهای مکاشفه تهران الهدی ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۲ هفده ۶۱۳ ص ۱۸۰۰ ریال]

(۱۵۰) عسائی، کسرا برپلکان برج قدیمی (مجموعه شعر) تهران شفا ۱۳۶۸ [توزیع ۱۷۰ ج ۱۴۲ ص ۷۰۰ ریال]

(۱۵۱) فرزانه، م ع. گریده‌هایی از ترانه‌های روستایی فارسی (با ترجمه منظوم به ادبی ترکی) تهران نشر منظومه ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۱۷۷ ص ۸۰۰ ریال]

(۱۵۲) نائل حائری، پرویز ماه در مرداب (مجموعه شعر) تهران، معین. ۱۳۷۰ ج ۲ ۱۹۵ ص ۱۱۵۰ ریال

کتاب حاضر در بردارنده اشعاری است که شاعر طی سالها سروده و در محلات گوناگون چاپ کرده است. مرحوم حائری در مقدمه‌ای که بر این مجموعه نوشته در ناره نخستین بر حوردهایش با شعر و تأثیر گیریهایش از بیما و دیگر شاعران هم‌عصر خود سخن گفته و نظر خود را در ناره صاحب و فرم شعر، نوآوری، اعاد استدال در شعر فارسی و تأثیر بیما در شعر فارسی بیان کرده است. قطعه شعری که مرحوم احوان نالت در سال ۱۳۵۸ برای استاد سروده و ماسج وی در شعری به همان وزن و قافیه به احوان از حمله مطالب کتاب است.

(۱۵۳) یوسفی، فرشید باغ هزار گل (تذکره سخنوران کرمانشاهان). تهران. فرهنگخانه اشعار بی تا. ۸۱۴ ص. مصور. فهرست راهنما. ۲۲۵۰ ریال

کتاب حاضر برگزیده‌ای است از اشعار شاعران استان کرمانشاهان همراه با شرح حال مختصری در ناره زندگی و آثار هر شاعر.

## ● داستان، نمایشنامه، فیلمنامه ایرانی

(۱۵۴) باباحانی، خسرو شیی چور آینه نقاشی از خورشید پور. تهران. روش. ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰ ج ۷۲ ص. مصور. ۲۲۰ ریال].



این کتاب شامل چهار داستان کوتاه برای نوجوانان است  
 (۱۵۵) تامی، شیده. همه سایه‌دارن نقاشی از هومن مرتضوی. تهران.  
 کارگاه نشر. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۱۲ ص | بدون صفحه شمار] مصور. ۲۵۰  
 ریال.

حیلی حدی می‌گم و بچه نارویی که بوی ستاره می‌داد عنوان دو کتاب دیگر  
 برای کودکان از همین نویسنده و همین ناشر است که امسال منتشر شده است  
 (۱۵۶) درویشیان، علی اشرف. سالهای ابری تهران اسپرک. ۱۳۷۰  
 ج. ۴. ۲۲۶۹ ص. ۱۵۰۰۰ ریال

بعد از کتاب افسانه‌ها، نمایشنامه‌ها و ناریهای کُردی (سرور، ۱۳۶۶،  
 ج. ۲)، کتاب حاضر دومین کتابی است که در سالهای اخیر از علی اشرف  
 درویشیان منتشر شده است از این ولایت، آسوران، کی بر می‌گردد داداس  
 حان؟، و صمد خاوندانه شد عناوین برخی دیگر از آثار این نویسنده  
 است

(۱۵۷) سیف، هادی، مارخان (روایت مستند) تهران. مؤسسه فرهنگی  
 جهانگیری. ۱۳۷۰. ۱۷۰ ص. ۱۴۰۰ ریال.

(۱۵۸) فرجیان، مرتضی (و) محمدباقر جعفرزاده با فروش طبرسرایان  
 از مشروطه تا انقلاب تهران چاپ و نشر نیاد ۱۳۷۰ هشت + ۷۹۲ ص  
 مصور ۳۸۰۰ ریال.

مجموعه حاضر شامل شرح حال و نمونه آثار بعدی از شعرا و نویسندگان  
 طبروی ایران از سال ۱۳۸۵ (یعنی از انقلاب مشروطه) تا کنون است  
 مطالب کتاب به ترتیب زمانی نام طبرویسان تنظیم شده است  
 (۱۵۹) مولوی، فرشته. خانه آبرو و یاد شیراز نشر شیوا ۱۳۷۰ ۲۰۸  
 ص. ۱۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر نخستین رمایی است که از این نویسنده و مترجم منتشر شده  
 است.

(۱۶۰) قاضی، محمد رازا (عشق چوپان) تهران نشر روایت ۱۳۶۹  
 [توزیع ۷۰ | ۱۳۲ ص ۶۵۰ ریال

داستان عاشقانه‌ای از مترجم صاحب نام ایرانی است که تاریخ حب  
 نخست آن به سالها پیش (سال ۱۳۱۹) بازمی‌گردد حب دوم این داستان با  
 مقدمه جدید و برخی تصحیحات نویسنده همراه است

(۱۶۱) مهرجویی، داریوش (و) علی نصیریان آقای هالو [فیلمنامه].  
 تهران نجوا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۶۳ ص ۵۰۰ ریال

## ● در باره ادبیات خارجی

(۱۶۲) استروم برگ (و) استرلینگ (و) نوادفر نقدی بر زندگی و آثار  
 آلبرکامو ترجمه ضیاء الدین هاجری سی‌ها انتشارات کویر (و) انفرادی تا  
 [توزیع ۷۰ | ۱۲۸ ص فهرست راهما ۴۰۰ ریال.

س از آنکه حایره ادبی بول ۱۹۵۷ به کتاب طاعون الر کامو تعلق  
 گرفت، سیاد بول آن کتاب را با مقدمه حد متعقد منتشر صاحب این کتاب  
 شامل ترجمه سه مقاله‌ای است که به عنوان مقدمه بر کتاب ساد بول نوشته  
 شده است

(۱۶۳) بل، کونیتین ویرجییا وولف (زندگینامه) ترجمه سهیل  
 بسکی تهران. روشنگران ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۴۲۵ ص + ۱۸ ص مصور  
 [بدون صفحه شمار] ۲۲۰۰ ریال

هدف نویسنده بیس از هر خبر نقل سرگذشت وولف (۱۹۴۱-۱۸۸۲)،  
 زمان بویس و مقاله بویس انگلیسی است، اما در عین حال کوشیده است  
 مطالبی را بیاورد که در تفسیر و آراهای آثار وولف سودمند است عرصه کند  
 (۱۶۴) پوری، احمد (مترجم) ده گفت و گو تهران چشمه ۱۳۶۹

[توزیع ۷۰ | ۱۸۷ ص ۸۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل متن ده مصاحبه با ده شخصیت معروف ادبی جهان  
 است. مترجم متن مصاحبه‌ها را از منابع گوناگون گردآوری و در ابتدای هر یک  
 احتمالاً شرحی در باره زندگی و آثار این شخصیتها نوشته است همگویی،  
 فاکر، آرنور میلر، آرنولد و سکر، هارولد بیتر، ماسترناک، سولوحوف و

آیتماتوف نام برخی از این شخصیتهاست

(۱۶۵) تامسون، فیلیپ. گروتسک در ادبیات. ترجمه غلامرضا امام  
 شیراز. نشر شیوا. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۱۳۱ ص. نمایه ۷۰۰ ریال

گروتسک در ادبیات به سبک یا حالتی اساره می‌کند که حده واضح  
 حده همبستگی ندارد، مثلاً وحشت یا استمتران با نفرت، یکجا در خود جمع را  
 نویسنده پس از بررسی تحول تاریخی کلمه گروتسک و مفاهیم این اصطلاح  
 گذشته، به بررسی این سبک در آثار نویسندگان و شعرا اروپایی پرداخته  
 موارد برجسته‌ای از کاربرد گروتسک را در آثار ایسان ذکر کرده است به‌اند  
 نویسنده، سبک گروتسک و فراگیر شدن آن در آثار ادبی نویسندگان غرب به  
 از تحولات و تغییرات دنیای غرب در چهل سال گذشته است

(۱۶۶) تروایا، هابری داستانیسکی ترجمه حبیبعلی هروی تهران  
 نیلوفر ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۵۴۸ ص مصور ۳۰۰۰ ریال

نویسنده کتاب (مولد ۱۹۱۱) اصلاً روسی و از جمله نخستین مهاجر  
 پس از انقلاب اکبر روسیه به اروناست وی عضو آکادمی فرانسه است،  
 بسیاری خصوصاً در زمینهٔ رنگینامه‌نویسی و رمان منتشر ساخته است به  
 حاضر به شرح حال و تحلیل آثار داستانیسکی اختصاص دارد نویسنده  
 کوشیده است صرفاً با تکیه بر گزارشها و نامه‌ها و اسناد و دستنویسها،  
 داستانیسکی، زندگی وی را از آغاز تا پایان مناسب دهد و آثارش را از  
 تاریخی بررسی کند مترجم در پایان کتاب فهرستی از آثار ترجمه  
 داستانیسکی به فارسی و آلمانی که در باره داستانیسکی در ایران به  
 تحریر در آمده عرضه کرده است وی همچنین تصاویری به من ترجمه‌ای  
 که در متن اصلی وجود نداشته است

(۱۶۷) جمالی، کامران (به کوشش) ویژهٔ ایوان تورگنسف تهران  
 عبدالحسن آل رسول تهران کتاب زمان ۱۳۷۰ ۵۶ ص مصور ۰  
 ریال

«هر عالی تورگنسف»، اندره موروا، ترجمهٔ م ه سقماها/ «دالاد  
 ترده»، مسب علانی/ «سهرهای منور تورگنسف»، محمود حدادی ته  
 برخی از مطالب این مجموعه است اسرارهای زمان و برداشته‌های دیگری  
 این دست در بارهٔ نویسندگانی چون خورف کرا، سچه، پاسار کمال، و  
 سارتر منتشر ساخته است

(۱۶۸) دورانت، ویل (و) آریل دورانت تفسیرهای زندگی بر  
 ابراهیم مشعری ویراستهٔ موجهه‌پردازی تهران سلوفر ۱۳۶۹ [و  
 ۱۷۰ | ۵۹۳ ص مصور فهرست راهما ۴۵۰۰ ریال

نویسندگان کتاب، ادبیات معاصر را علام و سبانه‌های تمدن جدید  
 می‌دانند و کوشیده‌اند در این کتاب تاریخ تمدن را از، نه ادبیات بر  
 کنند آنها در بررسی افکار نویسندگان معاصر، بسیر به خود نویسندگان  
 تحقیقهای انارسان برداشته‌اند فاکر، همگویی، استنیل، و  
 سیکلر، یوحنا اویل، راسسون جفر، از رانابند، جویس، بی اس انو  
 سامرست موم، بروست، رند، سارتر، سیمون دوبوار، کامو، بوماس،  
 ویکسناس، کیر کگورد، هوسرل، هاندگر، کافکا، کارائراکیس، سولوح  
 ماسترناک، سولرستین و بوگنی یفتوسکو از جمله نویسندگان و معتر  
 هستند که فصلی خاص در این کتاب به هر یک از آنها اختصاص دارد لا  
 بدگر است که ویل دورانت در سن ۸۴ سالگی آغار به نگارش این کتاب  
 ترجمه حاضر از روی حب سوم متن اصلی (۱۹۷۰) ترجمه شده است  
 (۱۶۹) سوفرابوف، اتاتولی، دیدار با شولوحف ترجمهٔ علی ادر  
 تهران نشر حیا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۱۹۵ ص مصور ۹۵۰ ریال

کتاب حاضر شامل ۱۱ مقاله در بارهٔ زندگی، عقاید و آثار منجانبیل جو  
 است این مقالات در فاصلهٔ سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۸۲ به رشته  
 درآمده‌اند این کتاب از روی متن اصلی (روسی) ترجمه شده است

(۱۷۰) گورکی، ماکسیم (و) الگاکسیر جیچوا (و) کورسی چوکوف  
 (و) ولادیمیر یرمیلوف نقدی بر زندگی و آثار اتوان جیچوف تر  
 کتابیون صامی تهران پیشرو ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰ | ۲۲۲ ص م  
 ۱۹۵۰ ریال



## تاریخ

### ● ایران

۱۸۲) ازید، یعقوب حروفیه در تاریخ. تهران نشری ۱۳۶۹، توزیع ۱۷۰ سیرده + ۱۹۳ ص فهرست اعلام ۱۱۵۰ ریال

نویسنده حسن حروفیه را نه به بیروس ساختن عماد و آرای حروفیه، بلکه برای بررسی عملکردهای تاریخی این جماعت و مسائل تاریخی آن دوره بررسی کرده است. بخشی از کتاب نیز به اسفار سید فضل الله عینی و عمادالدین سیمی اختصاص دارد. انتخاب این اشعار به گونه ای بوده است که بیانگر تفکر حروفیگری باشد.

۱۸۳) افراسیابی، بهرام عقاب کلات (و خاطرات طبیب محصوص نادر) تهران سخن. ۱۳۷۰ ۹۳۴ ص مصور. نقشه نمونه سند. ۶۰۰۰ ریال

حدود ۴۰ صفحه این کتاب بر حجم به خاطرات طبیب محصوص نادر اختصاص دارد که طاهر احسنی را به فلم نادری نارس فراسوی، حدود ۲۰۰ سال پیش ربارس و سس در فاصله سالهای ۱۳۲۹-۳۰ در حد شماره مجله بعداً به چاپ رسیده است. بقه کتاب رمای تاریخی است.

۱۸۴) بیات، غریب الله شناسانی منابع و ماحد تاریخ ایران (ار اغار تا سلسله صفویه) تهران امیرکبیر ۱۳۷۰ ج ۲ ۲۶۴ ص. ۱۳۰۰ ریال.

۱۸۵) — کلیات تاریخ ایران تهران میراث ملل نا همکاری مؤسسه فرهنگی حفاء ۱۳۷۰ ۶۳۳ ص فهرست اعلام ۴۹۵۰ ریال

۱۸۶) سیاهبوش، محمدتقی پیدایش تمدن در ادریانخان (و مبادی آن در حفرایای باستانی منطقه) تهران نشر قومس ۱۳۷۰ ۳۳۶ ص ۲۶۰۰ ریال

۱۸۷) شعبانی، رضا تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه. تهران مؤسسه اسسارات بوین ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ج ۲ ۸۳۰ ص ادر مجموع دو جلد] فهرستهای راهما نهای دو جلد ۳۵۰۰ ریال.

کتاب حاضر نا شرح اوضاع سیاسی ایران در دوره انحطاط سلسله صفوی شروع می شود و هجوم محمود افغان به اصفهان و عواقب سوم ان مورد بررسی قرار می گردد. نظام اداری و حکومتی، نظام اجتماعی، نظام اقتصادی و مناسبات خارجی ایران در دوران افشاریه از فصول بعدی جلد اول کتاب است. دو جلد دوم رزم اوران ساخته شده. دواسان نام و روحانیون معروف معرفی شده اند و بسیاری از مسائل دوره نادر مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۸۸) شیح الاسلامی، حواد علل افراش نمود سیاسی روس و انگلیس در ایران عصر قاجار (مجموعه مقالات) تهران انتشارات کیهان.

۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ چهارده + ۴۲۵ ص ۲۲۰۰ ریال

کتاب حاضر دومین جلد از مجموعه مقالات اس نویسنده است (در صفحه عنوان و صفحه حقوق کتاب هیچ اشاره ای به این نکته شده است) این مجلد بر ماسد جلد نخست مرتک از مقالاتی است که نویسنده طی ده سال گذشته در سرمای حوان آمده، سرداس، اطلاعات سیاسی - اقتصادی و غیره چاپ برده است.

۱۸۹) مابری، حمر فردریک عملیات در ایران (حک جهانی اول ۱۹۱۴-۱۹۱۹) ترجمه کاوه بیات تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ نه + ۶۴۰ ص مصور نقشه نمودار ۴۵۰۰ ریال.

طاهرا این کتاب ناند سالها پیش از اس. یعنی در سال ۱۹۲۹، در معرض اس، و استفاده عموم قرار می گرفت اما بنا به مصالح سیاسی دولت انگلیس، مقامات انگلیسی مانع از انتشار ان شدند تا اینکه پس از نزدیک به ۶۰ سال در سال ۱۹۸۷ اجازه انتشار یافت. کتاب حاضر اصولاً کامی نظامی است و برای سب و انتقال بحارت نظامی بر بناسا در ایران در زمان حک جهانی اول و بر برای امورش سسلهای بعدی نظامیان برتانیای نگاشته شده است. بررسی عملکردهای سیاسی برتانیا در مناطق گوناگون ایران، نمایش عملیات ماموران المانی در ایران و افغانستان، شرح و توضیح ریمیه سیاسی تحولات

کتاب حاضر شامل چهار مقاله ارجهار نویسنده و منتقد روس در باره زندگی و آثار آنتوان حخوف (۱۹۰۴-۱۸۶۰) است یکی از این مهالات امر الگاکبیر حخوف، همر آنتوان حخوف، است که داستان اسایی خود را نا حخوف و خاطرات خود را از سفرها و علاقی و احراى نمایشها و مرگ وی ناگرمی شد (۱۷۱) لونی ری، پیر تفسیری بر بیگانه کامو ترجمه محمدتقی عیانی تهران امیرکبیر ۱۳۷۰ ۱۱۲ ص ۵۰۰ ریال

### ● شعر خارجی

۱۷۲) تورگنیف، ایوان پیرانه و پسیه (شعرهای منشور) ترجمه محمود جدادی تهران. نشر مرکز ۱۳۷۰ ۱۵۱ ص ۹۵۰ ریال

کتاب حاضر در بردارنده دو دفتر شعر از ایوان تورگنیف (۱۸۸۳-۱۸۱۸) نویسنده و شاعر صاحب نام روس است. کتاب حاضر طاهرا بحسین کتاب مستقل شعرى است که از تورگنیف به فارسی ترجمه و منتشر شده است. این اسفار که سالها پس از مرگ وی، در سال ۱۹۳۰ و در فراسه مسر شده اند. بنما حاصل سالهای واسیس زندگی تورگنیف هستند و نه رمای تصویری و عادی اندیشه های شاعر را در باره مرگ، و بر اعتقادات فلسفی و سیاسی و اجتماعی وی را سان می کنند. ترجمه این اسفار به فارسی از روی متن ترجمه شده آلمانی صورت گرفته است.

### ● داستان خارجی

۱۷۳) بارژاول، رنه مسافری احیاط ترجمه عباس آگاهی تهران نشری ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۲۳۵ ص ۹۸۵ ریال

داستانی علمی - تخیلی است از نویسنده معاصر فرانسوی ۱۷۴) بلو، پییر سررمین رودخانه های بی نام ترجمه ابوالقاسم سبطی تهران کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۱۳۸ ص مصور ۳۵۰ ریال

۱۷۵) سول، انا ریپای سیاه ترجمه موجه کریم راده (و امید اقتداری تهران فرهنگخانه اسفار ۱۳۶۹ ۳۱۳ ص ۱۵۵۰ ریال

داستانی است از نویسنده زن فر ۱۹ انگلیس این داستان، در کنار داستانهای دیگری چون نام ساء، سیکو، سندیدان و الس در سررمین محتات، از جمله «کلاسیکهای کوک» جهان محسوب می شود.

۱۷۶) مارکر، گابریل گارسیا ژیرال در لایریت ترجمه رضا فلسفی تهران سروش ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۲۲۶ ص ۸۰۰ ریال

ترجمه حاضر سومین ترجمه ای است که امسال از اس امر مارکر منتشر شده است. این ترجمه از روی متن اصلی (اسپانی) صورت گرفته است. مشخصات دو ترجمه دیگر اس امر عبارت است از ژیرال در هزار بوی خود ترجمه هوسک اسدی (تهران، کتاب مهیار، توریع ۱۳۷۰) و ژیرال در هزار بوی (ترجمه حمید نوایی، تهران، بوس، توریع ۱۳۷۰) در مورد اس دو ترجمه رك ادبیه، س ۵۸-۵۷، ۱۳۷۰ (و آدبه، س ۵۹، ۱۳۷۰

۱۷۷) گوته (و) رابیندرانات ناگور بهاهدگان (و) اوارد ترجمه ناصر انرادیوست تهران اردیبهشت بی نا [توزیع ۱۳۷۰ ۲۶۸ ص ۸۵۰ ریال این کتاب شامل حد داستان کوتاه اردیبهشتانات ناگور و يك داستان بلند بوبه است.

۱۷۸) گوگول، نیکلای شبها کنار دهکده دیکانکا ترجمه شهرام رزیدار [تهران] انتشارات فکر رور ۱۳۷۰ ۳۳۲ ص ۱۶۵۰ ریال

۱۷۹) مالامود، مارنارد فریب خوردگان بزرگ ترجمه نادر علی پور بی نا ناشر مترجم (بخش از نکته برداران) ۱۳۷۰ ۳۳۵ ص ۲ ریال داستانی است از نویسنده معاصر امریکایی

۱۸۰) — تهران واقعی ترجمه سعید سراری بی نا اشتکال ۱۳۶۹ [توریع ۱۷۰ ۳۱۵ ص ۱۴۰۰ ریال

۱۸۱) ویدال، گور افرش ترجمه مهدی سمسار. [اصفهان] حی ستر (و) اربین کار ۱۳۷۰ ج ۲ ۸۱۷ ص نمایه ۷۵۰۰ ریال

داستانی تاریخی است از نویسنده معاصر امریکایی

مطعمه و توضیح علل تصمیم‌گیریهای سیاست‌گزاران انگلیسی از جمله مطالب دیگری است که در کنار توصیف حرکات، تاکتیکها و تصمیم‌گیریهای نظامی انگلیس در ایران در این کتاب مطالعه می‌کنیم

(۱۹۰) متدین (همت)، محمود تاریخ کرمان به انضمام وقایع مهم ایران تهران. مالک‌اشتر. ۱۳۷۰ ۵۰۵ ص. مصور ۲۵۰۰ ریال

(۱۹۱) مشیری (بردسیری)، میرمحمدسعید تذکره صفویه کرمان مقدمه و تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی تهران نشر علم ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۷۴۹ ص. مصور نمونه سند فهرست راهما مسیری (متولد ۱۰۴۳ هـ) از فضلالی عصر صفوی کرمان بوده و سالها جریه‌مشیان و مستوفیان حکام و ورزای صفویه در کرمان بوده است او در این کتاب اطلاعات بسیاری را درباره طغای مردم کرمان در عهد صفوی و مسائل جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی آن زمان کرمان در اختیار گذاشته است ظاهراً بیشتر قسمتهای کتاب در سالهای ۱۰۹۵ تا ۱۱۰۴ هـ قیام تحریر شده است اما پس از این تاریخ نیز تحریر آن با مدتی ادامه داشته است باستانی پاریزی در مقدمه مفصلی که در ۱۷۷ صفحه بر کتاب نوشته توضیحات بسیاری درباره نویسنده کتاب و اوصاف اجتماعی زمان وی داده است ظاهراً نسخه مورد استفاده مصحح نسخه‌های است که از روی خط خود مولف کتاب تحریر شده است

(۱۹۲) نفی‌پور، علی اکبر. یارمحمدخان، سردار مشروطه. [تهران] ناشر: مؤلف ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۳۶ ص. مصور ۱۴۰۰ ریال یارمحمدخان کرمانشاهی (متولد ۱۲۶۹ هـ) از سرداران مشروطه‌خواه ایران بود که پس از به ثوب بسته شدن مجلس و آغاز استبداد قیصر به افاق بازاش به پتیر رفت و به سارخان و ناهرخان پوست کتاب حاضر به شرح زندگی یارمحمدخان پس از پوستن به مجاهدان سر بر اختصاص دارد (۱۹۳) وهرام، علامرضا تاریخ سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار. تهران معین ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ج ۲ ۴۹۲ ص. جدول فهرست راهما ۲۰۰۰ ریال

## ● جهان

(۱۹۴) دورانت، ویل (و) اریل دورانت تاریخ تمدن (عصر و لتر) ترجمه سهل آدری ویراسته حسن ابوشه بهران سازمان انتشارات و امور نشر انقلاب اسلامی ۱۳۶۹ ویرایش دوم ۱۱۰۱ ص. مصور ۶۵۰۰ ریال «فراسه بیات سلطنت ۱۷۱۵-۱۷۲۳»، «مردم ۱۷۱۴-۱۷۵۶»، «انگلسان ۱۷۱۴-۱۷۵۶»، «فراسه ۱۷۲۳-۱۷۵۶»، «اروای مانه ۱۷۱۳-۱۷۵۶»، «سرف داس ۱۷۱۵-۱۷۸۹»، «جمله به مسیح ۱۷۳۰-۱۷۷۴» عنوانهای این مجلد است

(۱۹۵) دیویدسن، بریل آفریقا، تاریخ یک قاره ترجمه هرمز ریاحی (و) فرشته مولوی ویراسته رسی خدادادی تهران امیرکبیر ۱۳۶۹ ج ۲ ۶۳۰ ص. مصور واژه‌نامه فهرست راهما ۲۵۰۰ ریال نویسنده تمام قاره آفریقا را به مرله یک کلیب در نظر گرفته و بی‌بوخه به مرزبندیهای جغرافیایی، و بها بر اساس یگانگی و مداوم رسد فرهنگی در این قاره، تاریخ آن را در دوران باستان تا سده قرن سستم مطالعه کرده است (۱۹۶) ماکه، ژاک تمدن سیاهان (تاریخ، فنون، هنرها، حوامع) ترجمه اسدالله علون. مشهد اسنان قدس رضوی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۰۳ ص. مصور نقشه ۱۱۰۰ ریال

«تمدن کمان‌داری»، «تمدن فضاهاهای نار حنکل»، «تمدن اسناداری»، «تمدن سره‌داری»، «تمدن سهری»، «تمدن صنعتی»، عنوان فصلهای کتاب است

## زندگینامه، خاطرات و سفرنامه

(۱۹۷) ال احمد، شمس سیر و سلوک (سفرنامه شمس ال احمد به آلمان و اسپانیا) ج ۱ تهران برگ. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۴۵۷ ص. مصور نقشه. فهرستهای راهما ۱۴۰۰ ریال

(۱۹۸) امیری، مهرباب (مترجم) ده سفرنامه (یا سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران) تهران انتشارات وحدت. ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۳۶۲ ص. فهرست راهما ۲۲۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل گزیده‌هایی است از سفرنامه‌های دبلمانها، خاورسناها و جهانگردان معروف خارجی به ایران در سه قرن اخیر. به برخی نویسندگان این سفرنامه‌ها را می‌آوریم: کروسیسکی، حمر فر و ولنام فرانکلن، سرهارفورد جوبر برنج، سرخان ملکم، ادوارد اسدال وارینگ، و

(۱۹۹) اولناریوس، آدام سفرنامه آدام اولناریوس ج ۱ سیرس ترارهای محوف (و) ج ۲ اصفهان حوسین شاه صفی ترجمه حسین کردیچ تهران کتاب برای همه ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ج ۱+ ۸۹۱ ص. مصور فهرست راهما

در سال ۱۶۳۳ میلادی هسی از ماسدگان و دسرا ن روسی برای اعزاز فرادادی بخاری از آلمان به سوی ایران حرکت کرد این هسب پس گذسن از روسیه در سال ۱۶۳۶ به اصفهان، ناسحت ایران در عهد صفوی، رسد و پس از حندی در سال ۱۶۳۹ به آلمان بازگست این سفارت که مهمربس سفارت در قرن ۱۷ از آلمان به ایران بود از نظر اقتصادی و سیاسی تقریباً سودی به دسالت نداشت اما از نظر فرهنگی باعث نگاشته شدن ثبات حاد گردید که یکی از معسرترس ماحد تاریخ ایران در دوران صفویه به سمر می‌رود این ثبات پس از انتشار (در سال ۱۶۲۷) بلافاصله به رانهای انگلیسی، فراسه و هلندی سر ترجمه سند آدام الناریوس، که یکی اردن از هسب روسی بود، در این کتاب خاطرات خود را اوضع روسیه قرن ۱۷، حک نامارها و تصرف مسکو به دست آنها، خوبر بریهای سلاطین صفوی اوضاع اقتصادی-اجتماعی آن زمان ایران و خلاصه آداب و رسوم گوناگون دو کشور روسیه و ایران به رسد تحریر درآورده است بخشی از این کتاب را احمدبهو در سال ۱۳۶۳ ترجمه و منتشر کرده است

(۲۰۰) برتون، مارسل روسی پر آشوب ترجمه فریده سپاهر بهران انتشارات شهاگ ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۹۲ ص. مصور ۱۷۵۰ ریال کتاب حاضر به شرح احوال و زندگی مکل آبر، سکر براس بررگ اسالابی اختصاص دارد

(۲۰۱) بهیانی، احمدن محمدعلی مرات الاحوال جهان‌ما (به انضمام) «اساب خاندان مجلسی» از میرزا حیدرعلی مجلسی، مقدمه و تصحیح و حواشی از علی دواهی تهران. امیرکبیر ۱۳۷۰ ۳۱۱ ص. فهرست راهما نمونه سند ۲۱۰۰ ریال

آقا احمد بهیانی (موفی ۱۲۳۵ هـ) از داسمدان سعه سده دوازدهم هجری قمری و بوه افامحمدناهر اصفهانی (مسیور به وحدت بهیانی) ا فمهای سعه امامیه است مولف که در فاصله سالهای ۱۲۲۰ تا ۱۲۲۵ در هندوستان افامد داشته و از سهرهای مختلف آن دیار دند کرده در این کتاب خاطرات خود را از سفر به هندوستان به رسد تحریر درآورده است کتاب ماه حلد دومی هم داسه ناسد

(۲۰۲) خروشچف خاطرات سیاسی من ترجمه فریدون رضوانیه بی‌جا ناشر مترجم بی‌جا [توزیع ۷۰] ۱۶۰ ص. ۲۵۰ ریال کتاب حاضر خای خاطراتی است که خروشچف پس از بازسستگی و دوری از مساعل سیاسی بوسته است در مقدمه کوتاه مرجم آمده است که «به عنوان یک حیانت در امامت قسمتهایی از متن کتاب که از انتشارات ساه امریکایی ناسد و ضرورتی به ذکر آن احسان نمی‌شد حذف گردید» معنوه نسبت ملاک مترجم در تشخیص و حذف قسمتهای صاحب من انگلیسی حه بوده است متن کامل خاطرات خروشچف فلا به فارسی ترجمه شده است (۲۰۳) سیگرو، استرلینگ خاندان سونگ ترجمه صمد مقدم تهران نشر مرکز ۱۳۷۰ ۶۵۴ ص. مصور ۳۱۰۰ ریال

نویسنده با بررسی و شرح زندگی سه خواهر حنی و خاندان آنها، که به اعتقاد وی نفس مهمی در تاریخ چین و سربوشت سر داسه‌اند، کوسیده است سرگذشت چین را در یک قرن اخیر ترسیم کند از این سه خواهر، یکی همسر

یونان، دیگري همسر حياتي کای حاک و سومی از بزرگترین سرمایه‌داران جهان عرب بوده است

۲۰۴) شورآبادی، ج. ش. روزگاری در شورآباد تهران مرکز م  
نگاه ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۷۶ ص ۶۵۰۰ ریال

۲۰۵) عبدالله پور، احمد. نخست‌وزیران ایران [تهران] کانون  
انتشارات علمی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۴۲ ص مصور ۲۷۰۰ ریال

کتاب حاضر حاوی شرح احوال و مشخصات ۷۷ نخست‌وزیر ایران از  
نابین نخست‌وزیر قانونی در صدر مسروطن (میرزا نصرالله خان مسراالدوله)  
تا آخرین نخست‌وزیر در نظام جمهوری اسلامی ایران (مهندس میرحسین  
موسوی) است.

۲۰۶) کامران، مرتضی (به کوشش) دیده‌ها و سندها تهران نشر  
المر ۱۳۷۰ ج ۲ ۴۸۴ ص مصور فهرست راهما ۲۵۰۰ ریال

۲۰۷) لاج، ارسکین سفرنامه دریایی لاج سرچارلر بلگریو (ویراستار  
انگلیسی) ترجمه حسین دولقدر [تهران] آناهیتا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]  
۳۲۵ ص فهرست اعلام. ۱۴۰۰ ریال

کتاب در فاصله سانهای ۱۸۱۸ تا ۱۸۲۰ تکاسه سده و حاوی خاطرات  
مأموری انگلیسی در بحر است اودر یادداستهایی خود اطلاعات بسیاری را  
برباره گذشته تاریخی بحری و حرایر اطراف آن و کوسه‌های دولت برناتیا  
برای جداسازی بحری و مداحله آنها در امور داخلی آن مناطق دراحترار  
می‌گذارد

۲۰۸) مکی. حسین سالهای بهشت ملی احمد بهیم و ششم کتاب  
سیاه تهران انتشارات علمی ۱۳۷۰ نازده ۹۶۷ ص مصور نمونه  
سند ۸۰۰۰ ریال

۲۰۹) میربنجه، اسماعیل خاطرات اسارت (ویرنامه سفر حوارم و  
حبوه) به کوشش صفاءالدین ترانیان تهران مؤسسه پژوهش و مطالعات  
فرهنگی ۱۳۷۰ ۱۹۰ ص مصور نمونه سند فهرست اعلام ۱۲۵۰ ریال  
در سال ۱۲۶۹ هـ یک اردوی نظامی به رهبری سرهنگ اسماعیل جان  
میربنجه به انگیزه اسفراز امنیت و حفظ راههای بحاری به سوی مرو و حرکت  
نزد و در جنگی که بین این اردو و طاعیان در گرفت، به علت نرسیدن حیره و  
مواحب و ضعف حکومت مرکزی ایران، اردو شکست خورد و اسماعیل جان  
میربنجه به اسارت دسمن درآمد وی پس از ده سال اسارت در زندانهای  
حواس و امرای حبوه موفق به فرار و بازگشت به ایران شد و کتاب حاضر را که  
شرح مأموریت و مساهدات وی در این ده سال است به فرمان ناصرالدین شاه  
به رشته تحریر درآورد اردو کسی از مسهد به مرو، موقعیت جغرافیایی منطقه،  
وضع اقتصادی و اجتماعی مردم، سکیلات حکومت، نحوه مالیات گیری، روح  
برتری بول، معیشت ایلات، آداب و رسوم مردم و حکومتی ارتباط دولتهای  
روس و انگلیس با حوایی محل از جمله مطالب کتاب حاضر است عنوان  
اصلی این رساله ویرنامه ممدوحه حوارم و حوی بوده است

۲۱۰) وامیری، ارمیوس. سیاحت درویش درویش در خانان آسیای  
میانه ترجمه فتحعلی خواجه‌بوریان تهران شرکت انتشارات علمی و  
فرهنگی ۱۳۷۰، ج ۴ ۵۵۷ ص مصور جدول فهرست اعلام ۳۴۵۰  
ریال

## باستان‌شناسی

۲۱۱) نبوتی، هوشنگ. بررسی آثار تاریخی سلطانیه بی‌جا بی‌جا  
مرکز بخش: کتابفرشی ستاره زنجان ۱۳۷۰ ۲۲۸ ص مصور.

## جغرافیا

۲۱۲) افشار سیستانی، ایرج. جزیره کیش و دریای پارس. تهران  
انتشارات جهان معاصر. ۱۳۷۰. ۵۲۶ ص. مصور. نقشه فهرستها ۴۵۰۰  
ریال

«جغرافیای طبیعی جزیره کیش»، «تاریخ و آثار باستانی جزیره کیش».

«ساحلهای اجتماعی جزیره کس»، «اقتصاد جزیره کس»، «تقسیمات  
کسوری و بوانع جزیره کس»، «سازمان عمران کس و سرکنهای تابعه» عنوان  
رحی از فصلهای کتاب است

۲۱۳) —————. نگاهی به آذربایجان عربی تهران مؤسسه انتشاراتی  
و اموری سسل داش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲ ح ۱۰۷۶ ص. مصور  
نقشه فهرستها ۹۰۰ ریال

«جغرافیای طبیعی آذربایجان عربی»، «تاریخ آذربایجان عربی»، «آثار  
باستانی و اسنه تاریخی»، «مروهای سیاسی آذربایجان»، «تقسیمات کسوری»،  
«سوانج طبیعی و حوادث سیاسی»، «جمعیت گروههای برادی، مسکن،  
بهداشت و درمان»، «عسیره‌ها و طایفه‌ها»، «ناموران آذربایجان عربی»،  
«ساحلهای اجتماعی آذربایجان عربی»، «اقتصاد آذربایجان عربی» عنوان  
رحی از فصلهای کتاب است

۲۱۴) بدعی، ربیع جغرافیای مفصل ایران تهران اقبال ۱۳۷۰ ج ۲.  
۲۶۴ ص جدول نقشه مصور فهرست اعلام ۲۲۵۰ ریال.

۲۱۵) سلطانی، محمدعلی جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل  
کرمانشاهان (احترار) با مقدمه عبدالحمین یوایی ج ۱ تهران. ناشر.  
مؤلف ۱۳۷۰ ۶۲۷ ص مصور نمونه سند فهرستهای راهما

بررسی جغرافیای طبیعی، اوضاع اقلیمی، کوهها و غارها و منابع زیرزمینی،  
صنایع و معادن، و مسائل فرهنگی و اجتماعی و تاریخی کرمانشاهان مطالب  
کتاب حاضر را سکیل می‌دهد

۲۱۶) فسارکی، پریدخت فرهنگ جغرافیا تهران امیرکبیر. ۱۳۶۹  
[توزیع ۷۰] ۴۳۷ ص مصور نقشه نمودار واره‌نامه ۳۷۰۰ ریال.

کتاب حاضر در واقع ترجمه‌ای است از فرهنگ جغرافیایی بگون  
(انساربات سگون، ۱۹۸۶، ج ۶) از دلیو حی مور، به اضافه اسکال و  
مساویری که مرحوم خود به من اصلی افزوده است مدحلهای کتاب به ترتیب  
الفبای اصطلاحات انگلیسی (درست مانند متن اصلی) تنظیم شده است و  
توضیحی بر برای هر مدحل ذکر شده است بنا بر طریق واره‌نامه فارسی-  
انگلیسی آخر کتاب می‌توان واره‌های فارسی را (در صورت نداسنس معادل  
انگلیسی) در این فرهنگ یافت

۲۱۷) مسلمی، اعظم ممسی و بهشت گمشده شیراز انتشارات  
شیراز ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۱۲ ص مصور نقشه جدول نمودار. نمونه  
سند ۱۱۰۰ ریال

«جغرافیای طبیعی»، «جغرافیای انسانی»، «سایه تاریخی منطقه»، «گویش  
لری»، «جغرافیای اقتصادی»، «آثار باستانی»، «دویدادهای مهم تاریخی»،  
«فرهنگ مردم» عنوان فصلهای کتاب است

## جزوه‌ها و تکیه‌نگاریها

۲۱۸) اداره آموزش سازمان صادر و کشتیرانی. دانستنیها و معلومات  
اولیه دریابوردی [تهران] سازمان صادر و کشتیرانی. ۱۳۶۹ ۱۴۰ ص  
مصور نقشه جدول

«ساحل طایه‌ها و بگهداری آنها»، «گره‌های ملوایی»، «اسانی با بویه‌ها و  
کاربرد آنها»، «رنده مانند در آب»، «بهداشت شخصی» عنوان برخی از  
فصلهای کتاب است

۲۱۹) سازمان حواروینا جهانی (فانو) جذب صید با استفاده از تور.  
ترجمه علامور بی‌جا معاونت امور اجتماعی صید و صیادی- مدیریت  
آمورش و ترویج ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۸۴ ص مصور. ۵۰۰ ریال.

## نشریه‌های علمی و فرهنگی

● استلال دانشگاه صنعتی اصفهان شماره ۹. اسفند ۱۳۶۹.

● بررسیهای بازرگانی سال ۵ شماره ۳ مرداد ۱۳۷۰.

«نظری احتمالی به تورم و تورم درآمد کشور»، «نگاهی به وضعیت

بازار جهانی شکر در دهه ۱۹۸۰، «وضعیت اقتصادی و تحارب خارجی بر تغال».

● بهترینها. شماره ۱. شهریور ۱۳۷۰.

● «معرفی داستانهای ایرانی»، «معرفی سه کتاب تازه داستان در جهان»، «بخشی از کتاب آشنائی با صادق هدایت، نوشته م. ف. فرانسه»، «مینا- بخشی از رمان آینه دردار، آخرین اثر هوسنگ گلشیری»، «سالگرد- اثر ژیل پرو، ترجمه ابوالحسن نجفی».

● پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی دوره جدید. شماره ۳ و ۴. بهار ۱۳۷۰.

● «بیدل در دیار بیدلان»، «مکتب ناتورالیزم»، «رستم، افسانه یا حقیقت»، «علل سقوط اشکانیان»، «ویتگنشتاین و فلسفه او».

● پیام، دریچه‌ای گشوده به جهان (مرمریانی) سال ۲۲ شماره ۲۴۷ دی ۱۳۶۹.

● «گفتگوی پائولو فریره با مارسیو دولنه کاموس»، «مفاس حیثی»، «عالم ربانی در قلمرو حواس»، «ار چشم محو».

● حسابدار. شماره ۷۸-۷۷ تیر ۱۳۷۰.

● «حسابداری در شرق»، «حایره نوبل مالی»، «آچاره به شرط مللیک».

● دانش. فصلنامه رایری فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در اسلام آباد. شماره ۲۴ و ۲۵ زمستان و بهار ۷۰-۱۳۶۹.

● «تحرید و تعزید در شعر مولانا مظفر بلخی»، «سهم بوانان داکه در ادبیات فارسی»، «طبر و مزاج در شعر حافظی».

● دانشمند. سال ۲۹ شماره پی در پی ۳۳۵ شهریور ۱۳۷۰.

● «خزرنالا می رود، حرر بایین می آید»، «ابرارهای بررسی حوی»، «آیا می توان خلیج فارس را ناک کرد؟»، «سطنرخ در تاریخ».

● ریربرداریه سال ۱ شماره ۸ و ۹ فروردین و اردیبهست ۱۳۷۰.

● «تلور اطلاعات در تکولری»، «تکامل ابرکامیوترها»، «سیمورکری: ابراسان ابرکامیوترسار»، «آشنایی با تراسیوتر».

● سبله. شماره ۲۹ مرداد ۱۳۷۰.

● «نامه‌ای به وریر [نامه مهندس محمدرضا داهی به وریر امور و پرورش در مورد درخت کاری]»، «طرح محوری گندم»، «رسالت امرورین ترویج».

● عکس. سال ۵. شماره ۴۵. تیر ۱۳۷۰.

● «آوارگان عراق به روایت تصویر»، «عکاسان بزرگ دنیا (دنی لیون)»، «کلورآب».

● «فرزین (ماهنامه سطنرخ) شماره ۱ سال ۱ مرداد ۱۳۷۰».

● «گزارشی از قهرمانی سطنرخ تهران»، «بررگان سطنرخ. استاد یوسف صغوت»، «حملة مارسال- آناتولی کاریف».

● فصلنامه تحقیقات جغرافیائی گروه جغرافیای بیاد بروهسهای اسلامی آستان قدس رضوی سال ۶ شماره ۱ بهار ۱۳۷۰.

● «بذیده‌های جغرافیایی و بینش اسلامی، نمونه سهرک حصر ابوالفضل (ع)»، «حلکه آذرشهر»، «نتایج اجتماعی- اقتصادی جهر جاههای عمیق».

● کتاب صبح شماره ۱۲. خرداد و تیر ۱۳۷۰.

● «گفتگو با حمید سمدریان»، «تاریخ رورسار آمار تورگیف»، «حد شعر ار الکساندروا».

● «کیما. سال ۴. شماره ۳. خرداد ۱۳۷۰».

● «الیاف نوری لیمیری»، «توصیه‌های ایمنی و طرر کار با مواد شیمیایی»، «رنگیزه‌ها با ترکیب اکسیدهای فلزی».

● «کیهان اندیشه. شماره ۳۶ خرداد و تیر ۱۳۷۰».

● «تفگیر عیاسی و مؤلف آن»، «دوره دوم از ادوار احتیاد»، «تسریع مقدمانی، مسلك اصولیان»، «حمد و ستایش در حسته نظامی».

● «مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد ساز ۲۲ شماره ۴۳. بایر و زمستان ۱۳۶۸».

● «داستان اردسر، حماسه یا تاریخ»، «سرینی و ساتو بریان»، «اسل و اسعدیار».

● «مجله سیاست خارجی سال ۵. شماره ۱ بهار ۱۳۷۰».

● «نگاهی گذرا بر ردگی و اندیشه‌های هایک»، «حرکنهای اسلامی- سرمیههای اسغالی»، «وضع عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی معاصر فردوسی»، «دو سند مربوط به روابط ایران و روسیه».

● «مجله علمی برسکی دانشگاه علوم برسکی اهور شماره ۱۲ و ۱۳ اسفند ۱۳۶۹».

● «صرع و حاملگی»، «عوارض روانی بعد از اعمال جراحی»، «سقط فراموس سده».

● «مسکوه بیاد بروهسهای اسلامی آستان قدس رضوی شماره ۲۹ زمستان ۱۳۶۹».

● «نونهایی از بلاعب فرآن محید در تفسر طبری»، «میر ابوالقاس میرهدرسکی»، «علویان طرستان».

● «موافقتنامه‌های س المللی امور گمرکی شماره ۶ بهران ورارر امور اقتصادی و دارائی- گمرک ایران ۱۳۷۰».

● «سورای همکاریهای گمرکی»، «تسهلات گمرکی برای امور علمی و فرهنگی»، «فرارادهای گمرکی مربوط به ورود موف لوازم حرفه‌از و سسته‌بندی»، «بیس بوس فرارادهای بیسهادی».

● «نامه علوم اجتماعی ار انتشارات داسکده علوم اجتماعی داسگا تهران جلد ۲ شماره ۱ زمستان ۱۳۶۹».

● «بیس‌سیان افریفا و مسکلات تعدیه»، «بختاریها»، «بیدایه تصوف و رمیه‌های اجتماعی آن».

● «نامه فیلمخانه ملی ایران سال ۲ شماره ۲ زمستان ۱۳۶۹».

● «سطنمین سال تولد سیما و اغار سیمای بوستاری»، «سارهاذ آمورسی آرسیویستها»، «نگاهی دیگر به بحتسین دوره فیلمساری د ایران»، «تصویر مرد از نگاه زن»، «ترجمه و گویدگی فیلم».

● «شریه داسکده ادبیات و علوم انسانی داسگاه تریر سال ۳ شماره ۳ و ۲. تانستان و بایر ۱۳۶۹».

● «مقایسه مرایی حافانی و هوگو در سوگ فرریداسان (بحی ادبیات تطبیقی)»، «مسائل فلسفه اولی و برهان لم»، «بذیدارسانه چیست؟».

● «نسه‌برداری. شریه علمی و فنی سارمان نسه‌برداری کسور سال ۲ شماره ۵ بهار ۱۳۷۰».

● «هندسه مواج»، «کاربرد علمی GPS در نسه‌برداری»، «گالیه کشف عوارض حدید سطح ماه».

● «کشف عوارض حدید سطح ماه».

● «کشف عوارض حدید سطح ماه».

● «کشف عوارض حدید سطح ماه».

## در ایران، در جهان

• ایران

### آیین نامه مدیریت دانشگاهها

سورای عالی انقلاب فرهنگی پس از چندین جلسه بحث و بررسی در اواخر مرداد آیین نامه جدید مدیریت دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور را که شامل ۴۰ ماده و ۱۳ تبصره است، تصویب کرد. به موجب این آیین نامه «ارکان» دانشگاه عبارتند از (۱) هیأت أمّاء، (۲) رئیس، (۳) سورای دانشگاه که وظائف هر يك از آنها بر اساس قانون سكل هیاتهای امنای دانشگاهها و قانون نحوه انجام امور مالی و معاملاتی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تحصیلاتی تعیین شده است و در آیین نامه اخیر مورد تصریح و تأکید قرار گرفته است.

### ضوابط صدور مجوز برای تأسیس انجمنهای

#### علمی و ادبی و هنری

سورای عالی انقلاب فرهنگی در دوسب و سجاه و سحمین جلسه خود پس بوس ضوابط صدور مجوز برای تأسیس انجمنهای علمی و ادبی و هنری را تصویب کرد. به موجب این مصوبه، صدور مجوز برای تأسیس انجمنهای علمی و ادبی و هنری «بر حسب مورد بر عهده یکی از سه وزارتخانه های فرهنگ و آموزش عالی، بهداشت و آموزش پزشکی، فرهنگ و ارشاد اسلامی» گذاشته می شود.

در این مصوبه آمده است که این گونه انجمنها حتماً غیر انتفاعی دارند و بر اوّنه تأسیس آنها به نام هیأت مؤسس صادر می شود.

### هیأت منصفه نظارت بر مطبوعات

در اجرائی لایحه قانونی مطبوعات و مواد ۱۱ و ۱۲ که مقرر بر فعالیت هیأت نظارت بر مطبوعات است، اعضای «هیأت منصفه نظارت بر مطبوعات» به شرح زیر انتخاب و معرفی شدند.

- (۱) دکتر باوری، فاحشی دیوان عالی کشور، نماینده قوه قضائیه
- (۲) دکتر اسلامی، نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده قوه مقننه
- (۳) دکتر افتخار جهرمی، صاحب امتیاز مجله حقوقی، نماینده مدیران مطبوعات

- (۴) راعفر، نماینده وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- (۵) وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار او (که معاون مطبوعاتی این وزارتخانه خواهد بود)

از سوی دیگر رئیس از سجاه واحد مطبوعاتی ضمن استعار بنایه ای، تأسیسات به قانون مطبوعات و اصول بیست و چهارم و صد و شصت و هفتم قانون اساسی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواسته اند که «هیأت منصفه مطبوعات» را که در آن قوانین پس بینی شده است، سکیل دهد.

### خبرنامه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی

شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی که به ابتکار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به منظور گسترش زبان و ادب فارسی در خارج از کشور تأسیس شده است، اقدام به انتشار خبرنامه ای کرده است که حاوی اطلاعات مربوط به فعالیت این سورا است و تا کنون هفت شماره از آن منتشر شده است.

شماره هفتم خبرنامه حاوی اخبار و اطلاعات در مورد فعالیت های فرهنگی در چهارده کشور جهان است. اعلام های گریبی زبان اردو به های زبان انگلیسی در پاکستان، درخواست های اقبال اردول پاکستان برای اخباری کردن امورش زبان فارسی، در آن کشور، گزارش فعالیت «انجمن فارسی پاکستان و آکادمی اقبال»، گزارش فعالیت های «مرکز تحقیقات زبان فارسی» در پاکستان، برگزاری سمینار بازموری زبان و ادب فارسی در هند، افتتاح دوره جدید آموزش زبان فارسی در بعلبك (لبنان) اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان زبان فارسی در دانشگاه بک، افتتاح اولس دوره آموزش زبان فارسی در آتن (یونان)،

و

### نشریات تازه

در دو سال اخیر دهها سرنه تازه به صورتهای روزنامه، هفتگی، ماهنامه و فصلنامه در عالم مطبوعات ما ظاهر شدند که برخی از آنها در آغار حوس در حسیدند اما دولسان مستعجل بود، بعضی دیگر اهان و حیران به راه ادامه می دهند و تازه ای دیگر حایکه ناند نالیده اند و اکنون دیگر حای مناسب خود را در میان مطبوعات نافته اند و حالب این است که هر دم از این باع نری می رسد و هر روز حوائه نسر نه تازه ای در میان این باع رنگارنگ سگفته می سود.

برخی از صاحب نظران این ندیده را، به ویره در زمینه سرنیات ادبی، به فال يك می گیرند. به نظر انان انتشار دهها سرنه ادبی- که هر يك از انها بوسط يك یا چند نفر و یا يك گروه محدود و درسته مسر می سود- معاسی دارد مانند تکرار مطالب، انتشار و توریع در تعداد محدود و حنی ماطلی محدود (مخصوصاً در مورد سرنیات شهر سناها)، دست بیافتن عامه «مجله جوان» به همه سرنیات به سب فقدان امکانات مالی و

هندرفس بیروی اسنایی و امکانات مطبوعاتی بعضیها از این هم فراتر می روید و بدینی خود را به سرنیات تحصیسی نیر تعمیم می دهد و مثلاً می گوید که اگر حمد مؤسسه به حای انتشار سرنیات مسابه بیروهای خود را یکی کند و يك سرنه در او رید هم صرفه مادی بیستر دارد، و هم تعداد سسری حوائده حواهد یافب ناری در میان سرنیاتی که در حند ماه گذشته منتشر شده اند و به دست ما رسیده اند می توان از سرنیات ریر

نام برد

- ایران، به مدیر یب دکتر حسین عمادی، محصوراً به امور مربوط به حاوران نری می بردارد و به این ترتیب يك سرنه صرفاً تحصیسی است. دوره اول ایران، در سس شماره در سال ۱۳۶۴ انتشار یافب اما به علت مسکلات فنی موقوف شد. انتشار دوره جدید این سرنه از ابتدای امسال از سر گرفته شده و تا کنون سه شماره آن سرن یافته است که البته تا شماره های دوره قبل تفاوت های کمی و کیفی آشکار دارند.
- حامه سالن، يك ماهنامه «اجتماعی، علمی، بهداشتی و اقتصادی»

است که شماره اول آن تازه منتشر شده است. این شماره حاوی مقالاتی است در باب توسعه اقتصادی در زمینه تکامل تاریخی، اصل عدم مداخله، جمعیت و آموزش و اشتغال، آلودگی اطلاعات، زبان و آزادی، فرهنگ و توسعه و ارتباطات.. سهم تألیف و ترجمه در مقالات تقریباً برابر است، اما آنچه جالب می‌نماید این است که این شماره فاقد «سرماله» یا چیزی شبیه به آن است. این نکته و همچنین محتوای مجله و شکل آن نشان می‌دهد که فراهم آوردن گام‌های سالم از تجربه کاری مناسب برخوردارید و می‌توانید کار خود را با موفقیت ادامه دهید.

● **سنگ، فصلنامه سبکهای تربیتی ایران** است که توسط وزارت معادن و فلزات منتشر شده است. اولین شماره این فصلنامه حاوی چند گزارش، چند مقاله تحلیلی، اطلاعاتی در باب معماری، کتابهای تخصصی و اخبار است.

**فصلنامه سنگ** روی کاغذ گلاسه و با بهای دوف و مناسب چاپ شده است. شاید به این سبب که هم به سختی سنگ بردوام ناسد و هم حیران زبری و خشونت سنگ را کرده ناسد!

● **صفحه اول، يك سريۀ «اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی»** است که به سبب احساس يك مشکل عمده جامعه ما یعنی ندانستن يك زبان فرنگی و برای پاسخگویی به يك ضرورت اساسی یعنی آگاه شدن جامعه از آخرین و تازه‌ترین اخبار و اطلاعات علمی و فنی، بدید آمده است.

**صفحه اول** در واقع مجموعه‌ای است از مهمترین اخبار و گزارشهایی که در مطبوعات ایران به چاپ می‌رسد، و لذا خواننده با در دست داشتن این نشریه می‌تواند مطمئن ناسد که مجموعه‌ای از حکیده اطلاعات رور را در اختیار دارد.

● **نامه فرهنگ، فصلنامه تحقیقاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی** است که توسط معاونت امور بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود.

این فصلنامه معمولاً شامل سرماله، میرگرد، مضاحبه، مقاله‌های تحقیقی و تاریخی، تحقیقات فرهنگی و ادبی و گزارشهای فرهنگی و هنری است. آنچه در کار این فصلنامه جالب می‌نماید این است که غالب اخبار، گزارشها و مقالات آن توسط رایرینهای فرهنگی ایران در کشورهای دیگر تهیه می‌شود، و این امر به خواننده ایرانی امکان می‌دهد تا از آنچه در عالم فرهنگ و هنر در جهان می‌گذرد آگاه گردد. چاپ این گزارشها و تحقیقها در يك مجموعه همچنین موجب می‌شود تا رایرینهای فرهنگی ایران در خارج با آگاهی از کارها و فعالیتهای یکدیگر به يك رفابت سازنده پردازند که سود آن از طریق این فصلنامه عاید جامعه می‌گردد.

## چند خبر دانشگاهی

در چند ماه اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی گسترش مراکز آموزش عالی و دانشگاهها و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با تأسیس چندین دانشگاه و دانشکده تازه یا گسترش دانشکده‌های موجود و یا ایجاد رشته‌های تحصیلی عالی جدید موافقت کردند که فهرست اجمالی آنها به شرح زیر است:

● **مجاز تأسیس دانشکده پرستاری و دانشکده دندانپزشکی در**

دانشگاه علوم پزشکی سیستان و بلوچستان صادر شد.

● **اولین دورۀ سبانه دانشکده پرستاری و مامایی** شاهرود با ۲۰ دانشجو آغاز شد

● **عملیات احرائی ساختمان مرکز کامپیوتری و اطلاع رسانی علوم پزشکی ایران در مشهد** با همکاری یوسکو آغاز گردید

● **عملیات احرائی طرح جامع دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی** پرد در رمیی به مساحت ۱۵۰ هکتار آغاز شده است این دانشگاه دارای شش دانشکده خواهد بود

● **هئأت اُمای دانشگاه شاهد** با تأسیس دانشکده پزشکی ساه موافقت کرد این دانشگاه از امسال در ده رشته دانشجو پذیرفته است

● **اداره اوفات و امور حیر** به دماوند يك قطعه زمین به مساحت ۱۱ هکتار برای احداث بیمارستان به دانشکده علوم پزشکی دانشگاه بهرا اهدا کرد

● **شورای گسترش دانشگاههای کشور** پس از ۵۰ میلیون ربا اعتبار اولیه به احداث ساختمان دانشکده پرستاری لنگرود اختصاص داد.

● **وزارت بهداشت و آموزش پزشکی** با گسایش دو رشته کارداپ بهداشت و مبارزه با بیماریها در دانشکده علوم پزشکی بیرحد موافقت کرد

● **وزارت فرهنگ و آموزش عالی** تصمیم گرفته است رصدا، مراعه را به دانشکده نجوم تبدیل کند

● **وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی** به حاج احمد مهدوء بنیانگذار دانشکده پزشکی رجان لوح تقدیر اهدا کرد ساختمان تار این دانشکده دوازه هزار متر مربع ریر سا دارد و همه هریه‌های آن بنیانگذار بیکوکار آن برداخته است

● **عملیات احداث مجتمع بزرگ دانشگاهی سدرعناش در رمیی** مساحت دوهزار و چهارصد هکتار آغاز می‌شود

● **دانشکده دندانپزشکی همدان** با پذیرش ۴۰ دانشجو برای سا اول افتتاح شد

● **عملیات احداث دانشکده‌های مهندسی کامپیوتر و عمران** دانشگاه تفرس آغاز گردید

● **اساسنامه تأسیس دانشگاه صنعت نفت** به تصویب شورای گسرس آموزش عالی رسید هدف از تأسیس این دانشگاه رفع نیازم و تخصصی وزارت نفت و شرکتهای وابسته به آن است

● **دانشگاه علوم انتظامی** ارادغام دانشکده پلیس، دانشکده ران‌ارمری و مرکز آموزش عالی کمیته انقلاب اسلامی، ایجاد گردید

● **وزارت جهاد سازندگی** حید دورۀ کار-ماسی ارشد در رشته‌ها سیلاب، حیکل و مرتع‌داری دایر می‌کند

● **دانشکده صنعت آب و برق** با چهار رشته مهندسی شبکه، مهندس سروگاه، مهندسی تأسیسات آب و مهندسی آب تناسی در تهران افتتاح شد

● **محور ایجاد سه دانشکده پرستاری و مامایی** در شهرهای ملایر تویسرکان و نهاوند در استان همدان صادر شد.

● **دانشکده پرستاری** بم با پذیرش ۴۰ دانشجو افتتاح گردید

● **وزارت علوم و آموزش عالی** با ایجاد يك دانشکده جهانگردی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موافقت کرده است.

## فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور

● سرکب گسترده و فعال ایران در حسواره سن المللی سهر «اوسون» فراسه مهمترین رویداد فرهنگی است که توسط هرمندان ایرانی در خارج از کشور تحقق یافت در این حسواره سن از یکصد هرمندان ایرانی چندین برنامه موسیقی و تئاتر سنتی ایران را اجرا کردند اجرای تعریه، که یک نمایش بی‌پیرانه مذهبی است، بیس از برنامه‌های دیگر مورد توجه قرار گرفت. سن از آن برنامه‌های مهم سناری و برنامه‌های موسیقی محلی استانهای مختلف و نیز برنامه‌ورس باستانی به اجرا در آمد

موقعیت این برنامه‌ها موجب گردید که از هرمندان ایرانی برای سرکب در حد فسیوال بین المللی دیگر دعوت به عمل آید

● حوره هری سارمان تبلیغات اسلامی یک گروه هفت نفری از هرمندان رسته‌های تحسیمی را برای آسایی با هر معاصر عرب و مطالعه و تحقیق در موره‌ها و مراکز فرهنگی فراسه به بارس فرستاد ● اولین حسواره فرهنگی- هری ایران سن از انقلاب اسلام، در المان، در سهر دوسلدرف برگزار شد در این حسواره آثار ۱۵۰ تن از هرمندان ایرانی به مدت چهار هفته به نمایش گذاشته شد همچس حد گروه موسیقی محلی و نمایش عروسکی در «فسیوال هر ایران» سرکب کردند

● فیلم «ناسو، عربیه کوحک» ساخته بهرام نصایی در حد سهر اسالیا از حمله رم، میلان، فلورانس، و ویر به نمایش درآمد ● در فسیوال بین المللی مونترال کانادا فیلم کوباه «آنچه بود، آنچه نبود» ساخته احمدرضا بورایی بریده مدال بر مر شد در این فسیوال حد فیلم دیگر نیز سرکب داشتند

● فیلم «تو را من جسم در راهم» ساخته حسرو اسدی حرم آبادی مدال بر مر فستیوال بین المللی دویسرگ (المان) را دریافت کرد ● گروه نمایش «کوبر» نمایش «روار ارفس» را در فسیوال تئاتر

حبابانی ادمونتون کانادا اجرا کرد

● گروه نمایش «بانگ حرس» به سر برستی تاحمسن فانیان حد نمایش در سهرهای باکستان اجرا کرد

● اولین فستیوال فیلمهای ایرانی در بایکوک (بایتحت تایلند) برگزار شد

● با همکاری وابستگی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مرکز سیمایی دانشگاه فیلیپین سس فیلم ایرانی در سالی دانشگاه مایل به نمایش گذاشته شد

● فیلم سیمایی «در کوچه‌های عسی» ساخته حسرو سیمایی و فیلم «ندان مار» اثر مسعود کیمیایی در حهل و چهارمین دوره حسواره بین المللی لوکارنو (سوئیس) سرکب کردند.

● فیلم «باد، باران، زندگی» به کارگردایی علی ساهسون در سومین دور حسواره بین المللی کارگردانان مدارس سیمایی فراسه موفق به دریافت مدال و نشان ویژه هیأت داوران شد.

● دیلم افتخار و نشان ویژه هیأت داوران سومین دوره فستیوال سن المللی فیلمهای معماری و شهرسازی که در لوران (سوئیس) برگزار شد به فیلم «نخل و یادگارهای معماری» اثر احمد صابطی تعلق گرفت ● فیلم سیمایی «چشم شیشه‌ای» ساخته حسین حامی در بیست و

بهین دوره حسواره سن المللی حیخون (اسپانیا) به نمایش در آمد. ● فیلم «اب، باد، خاک» اثر امیر نادری حایره بزرگ حسواره آسایی فیلم «هرکواک» را به دست آورد

● نمایشگاهی از نقاسهای حام آتیه صدیقی، مبیانورست ایرانی در سهر کلمو (سری لانکا) تشکیل شد

● یکی از عکسهای که محمدرضا بهاربار عکاس ایرانی تهیه کرده است، بریده حایره مرکز فرهنگ آسایی یوسکو شد این مرکز نمایشگاهی مرکب از ۵۳۲۰ تصویر از هرمندان ۲۲ کشور تشکیل داده بود

● مدیر کل یوسکو با انتشار محموعه‌ای از مبیانورهای محمود فرسحیان در انتشارات یوسکو موافق کرده است.

## ● تاجیکستان

### تغییر نام خیابانها و میدانها

مقامات دولتی جمهوری تاجیکستان جدی بیس تصمیم به تغییر نام روسی خیابانها، میدانها و حاده‌های سر مرس خود و تبدیل آنها به نامهای ایرانی گرفتند

یک روزنامه‌نگار انگلسی که به تازگی از تاجیکستان بازگشته است گزارش داده است که مقامات تاجیکستان نامهای روسی خیابانها و میدانها را حذف کرده‌اند و به جای آنها نام بزرگان علم و ادب فارسی را گذاشته‌اند در سهر دوسه نام سعدی، نظامی، عطار، میرزا سلطان زاده بر حد حبابان گذاشته شده است و میدان بزرگ شهر که «بایتغور» نام داشت، ابوعلی سبیا نامیده شده است و محسسه اس سبیا بر در وسط میدان نصب گردیده است

## ● سودان

### کتابخانه‌های اهدایی ایران

مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سودان چند کتابخانه در بایتحت اس کسور تأسیس کرده است اس کتابخانه‌ها که به نام امام حمیی (ره) موسوم شده‌اند در مفر انحص داشجویان مسلمان، مسحدالجهاد، مسحد راه‌آهن، و مفر کمیته جوانان اتحاد قرار دارند. از سوی دیگر رایبریی فرهنگی جمهوری اسلامی تعدادی کتاب و قران به حد انحص فرهنگی در سودان اهدا کرده است.

## ● یونان

### اصلاح متون کتابهای درسی در مورد اسلام

حدی پیش در دانشگاه سالو یک یونان کمراسی برای تحقیق در زمینه اصلاح متون کتابهای درسی اسلامی برگزار شد که ضمن آن کتابهایی که به زبان یونانی برای تدریس در مدارس نوشته شده‌اند مورد بررسی قرار گرفتند و اشکالات و استناعات آنها را متدکر شدند.

در این کمراس چندس از استادان مشهور از جمله عبدالجواد فلاطوری، رئیس بخش اسلام‌شناسی دانشگاه کلن (آلمان) شرکت داشتند و درباره شیوه‌های تحقیق در باب مذاهب و چگونگی تشکیل گروههای تحقیق و لزوم ساخت بهتر اسلام صحبت کردند.

• ژاين

ترجمه داستانی از صادق هدایت

کیمینوری ناکامورا، یکی از استادان زبان و ادبیات فارسی در راس، و از همکاران ژانی نشر دانش، به تازگی یکی از داستانهای کوتاه صادق هدایت را ترجمه و منتشر کرده است. این داستان «اصفهان نصف جهان» نام دارد که اول بار در سال ۱۳۱۱ چاپ شده است داستان شرح مسافرت نویسنده به اصفهان و گزارش تألم خاطر او از وضع شهر و ویرانی آثار تاریخی آن است. در واقع از آن دسته از نوشته‌های هدایت است که در آن وجه عیبی بر حسیه دهی می‌خورد ترجمه راسی این داستان در شماره ۲۲۵ مجله‌ای به نام جریره چاپ شده است که اکنون بیست و یک سال از انتشار آن می‌گذرد و توسط گروهی به نام «انحص حریره» منتشر می‌شود گفتنی است که منظور از حریره همین حریره هوردی (گرگات یا ایوانکی یا مسهدی) خودمان است که راسیها بدان علاقه‌مندید و سالها بیس تحم آن را به کشور خود برده‌اند و کشت کرده‌اند

• شوروی

نمایشگاه دایمی کتاب ایران

اولین نمایشگاه و مروسگاه دایمی کتاب جمهوری اسلامی ایران در باکو، مرکز جمهوری آذربایجان شوروی، افتتاح شد. در این نمایشگاه که به ابتکار مؤسسه «الهدی»، با همکاری کمیته مطبوعات آذربایجان شوروی تأسیس شده است، سه هزار عنوان کتاب به زبانهای فارسی، ترکی، عربی و انگلیسی در معرض نمایش و فروش گذاشته شده است

• هند

سمینار استادان زبان فارسی

در هفتمین سمینار سراسری بازآموزی زبان و ادبیات فارسی در هند که در دهلی برگزار شد، لروم گسترش زبان فارسی در سه‌فاره هند مورد تأکید قرار گرفت در حال حاضر زبان فارسی در ۶۲ دانشگاه از دانشگاههای هند تا سطح فوق‌لیسانس تدریس می‌شود و، چنانکه پروفیسور حسن عابدی سرپرست انحص استادان زبان و ادبیات فارسی در هند گفت، ما کوششی که اس استادان به کار می‌برند امید می‌رود که آموزش زبان فارسی در هند بیس از بیس گسترش یابد

• پاکستان

دومین سمینار زبان فارسی

دومین سمینار بارآموزی استادان زبان و ادبیات فارسی در پاکستان با شرکت اسانید ایرانی و پاکستانی در اسلام‌آباد برگزار شد آقای محمد حاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در پیامی خطاب به این سمینار، سس از تأکید بر پیوندهای اصیل و ماندگار میان مردم ایران و پاکستان، زبان فارسی را یکی از عوامل عمده این پیوندها سمرد و گفت: «زبان فارسی آیه‌دار حمال سخن و کمال معاسبت» از سوی دیگر دوره ناستانی آموزش زبان فارسی و خطاطی در شهر

لاهور با شرکت ۷۲ دانش‌آموز زبان و ۱۱ هنرجوی خط با موفقیت برگزار شد

• بنگلادش

انتشار ترجمه بنگالی شاهنامه

متن کامل شاهنامه به زبان بنگالی در سس حلد انتشار یافت ترجمه این متن که هفده سال طول کشیده است، توسط يك ساعر و ادب بنگلادسی به نام میرالدین یوسف انجام گرفته و کتاب به همت آکادمی زبان و ادبیات بنگالی با همکاری خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در داک حاب شده است میرالدین یوسف که در سال ۱۲۹۸ س مولد شد و در ۱۳۶۶ درگذشت، کار ترجمه شاهنامه را در ۱۳۴۲ آغاز کرد ولی در حبات خود فقط شاهد حاب حلدای اول و دوم آن بود

• تاجیکستان

لغتنامه فارسی- روسی- تاجیک

کار حاب لغتنامه سه زبان فارسی- روسی- تاجیک در شهر دوسه بانتحب ناحیکسان آغاز گردید اس يك لغتنامه عمومی است ولی سس از آن يك فرهنگ اصطلاحات رمین سیاسی و يك فرهنگ اصطلاحات اقتصادی سه زبان، که حسیه تخصصی دارند، حاب شده است

• ایتالیا

انتشار مجموعه‌ای از کاریکاتورهای هنرمندان مسلمان

يك ناسر ایتالیایی در شهر رم که «دالو» نام دارد اخیراً کتابی به نام حراع علاءالدین منتشر کرده است که حاوی مجموعه‌ای از کاریکاتورهای هنرمندان کشورهای اسلامی است در این کاریکاتورها که فلا در مطبوعات کشورهای اسلامی حاب شده بودند، محصرأ به بحران حلیح فارس و حمله عراق به کویت پرداخته شده است در این مجموعه آثار کاریکاتوریسهای اردن، ایران، تونس، کویت، لیبی و مصر گردآوری شده است بر روی حلد کتاب يك طرح از صداه دیده می‌شود که از به آتس کشیدن منطقه سادمانی می‌کند اما سعله اس خود او را از سب سر می‌سوراند

• چین

سمینار بین‌المللی فرهنگهای متشرق زمین

در سمینار بین‌المللی فرهنگهای متشرق زمین که در داسگاه نکی برگزار شد بیس از صد حاورسساس ارده کشور جهان، محمله ایران، شرکت کرد در این سمینار سه روره که با سحرانی رئیس داسگاه نکی آغاز شد، متن پیام دکتر مصطفی معین، وزیر فرهنگ و امورس عالی ایران فرانت گردید. دکتر معین در سام خود گفت بانه تمدنهای سری در منطقه نهاده مسرف رمین نهاده شده است و امید می‌رود که این سمینار بکابی از تاریخ و فرهنگ آن را روستر کند

ع. روح‌بخشان



## چند نگاه دیگر به «شیرین در چشمه»

(۱)

ماله آقای دکتر بورجوادی به نام «سیرین در چشمه» (شماره خرداد و اردیبهشت ۱۳۷۰ شمرداس) حاوی برداشت و نکاتی است که اگر فخر رگانی و نظامی گنجوی اسیران حاک نبودند، چه ساهرمی داشتند. ما کجاییم در این بحر تفکر تو کجایی؟ و من اگر با همه کم وقتی و خلاف معمول خود وارد این بحث می شوم، برای آن است که مانند هر ارسن زبانی و امدار این دو بررگوار هسم و در حد توان خویش خود را لرم به ادای دین می بسم

۱) رابطه غاسفانه حسرو و سیرین، انگونه که نظامی سرخس را ورده، به به هیج وجه حبه «فلسفی و عرفانی» دارد و به «مسئله نظر» در ن مطرح است سرسب حسرو دور از آن بوده است که بتواند فهرمان ک عشق عرفانی فرار گیرد، ما به شخصیت تاریخی او کاری نداریم که سکسکریهایس رمیه افراض دولت ساسانی را فراهم کرد، و سرسب سروه به او بوسب «حدیدین هزارین اراد و سده در کوسک خویش رداستی، و به همه برسیدی» (تاریخ بلعمی، انتشارات و رارب رهنگ، ص ۱۱۶۲)، تنها منظومه نظامی را در نظر می گیریم که او را باهراده ای معرفی می کند که مفهوم عشق در بطرس خربهروری ارسب کامروایی نیست گواه بر این معنی به فدری رماد است که تفصیل آن رجب اطالعه کلام خواهد شد از آن جمله است رابطه اس با خود سیرین ه در محووانگی با او ستاردرگی عطس آلودی دارد؛ بر سحس با سراس و سالاران در آن مجلس کدا که ار اناں می برسد که حوایی که در خورد فرسند

به عالم در کد امین بقعه بیس اند؟

(حسرو و سیرین، خاب برمان، ص ۱۷۸)

انان نسایی سکر اصقهای را به او می دهد و او در طلب او روانه ی سود سکر او را فرست می دهد و کنیزس را به حای خود باوی هم ستر ی کند و سرانجام، سب رفاقس با سیرین که حو سیرین او را مسب ی بید به سوخی دایه بیرس را در عوض خود به حجله می فرستد آیا سین کسی می تواند در عشق با عالم نظر و معنی ارتباطی داشته باشد؟ نظامی با همه نارسامنسی بسب به حاده حسم و طرایف کام و وری نسایت حاضی دارد، و ار این رو به همان اداره مصر به گرا درن حق سق حسمانی است که گرا درن حق عشق متعالی فهرمان عشق سمایی خود را حسرو و آب روحانی را محو فرار داده است اما در مین منظومه حسرو و سیرین، اگر کسی باشد که عشق حقیقی را در خود حتم دهد، آن فهاد است نه حسرو. وی در دلدادگی ناکام سوراس اداور سوا لیه های فرون وسطای اروپا می سود که برای یک نگاه، و یا یک محن معشوق آماده بودید تا حان خود را سار کند فهاد ار حاب طامی معد در برابر بر ویر فرار داده سده است تا دو گرایس متفاد و تغابل را نمایاند.

۲) اما «نظر اول» حسرو بر بدن سیرین که در مقاله «مفصل ترین و عمیق ترین بحسهای کتاب» خوانده شده، و با نگاه بحث رامین بر

حجره ویس ار «ویس و رامین» مقایسه گردیده، و هر دو با رسته ای به «عرفان» اتصال داده شده، و حبه «تسلی» یافته، باید گفت که مأسفانه حسین بیست و نظاره سیرین ار حاب حسرو در اصطلاح امروز بیش از یک چشم جراتی عادی نمی تواند تلقی شود، و واکس رامین بر با همه علو ساعر در فوافکدن او ار است، ار سور بلوع حوایی ماه می گیرد، و تمام ماحرای «ویس و رامین» ار اعار نا کشته سدن موند، حکایب ار رمودگی حاکی رامین به وجود ویس مانو دارد، و اری ار «معانی خاص» که اندکی برتر ار تعاطی جسم باشد در ان دیده نمی شود، و اما دیدار حسرو ار سیرین، هنگامی که مسعول سسب و سو است آن بر مین اهر وحتی احساس دیگری جرمیل در او نیست، بر ارس ار آنکه سیرین ناگهان مایدید می سود، تأسف می خورد که چرا «آن گل را بجیده» یعنی او را به حگ ساورده، آنگاه به یاد نصیحت آن هندو می افتد.

نصحت بین که ان هندو چه فرمود

که حو مالی بیای رود خور رود

۳) سایر نکته هایی که در مقاله مطرح گردیده از بوع و فوع حاده «در فضای نار»، و ربط آن با «اسنان» که در آن حکم فضا تواند «بدون مانع فرود آید»، و بیوند این امر با «بهب و عالم مین»، و ایستاده بودن عاشق در ریر درخت که این درخت تواند نمودار «درخت عشق» باشد، و حبه اب که این اب تواند نمودگار اب حیات (حو) از لحاظ رلالی به ان سسبه گردیده) فلهداد گردد، و ار همه عجیب تر تطابق مورد نا «میل افلاطون» و آب سی کردن سیرین را با «حمال افتاب حقیق» ربط دادن، و تن او در حبه را به افتادن عکس ماه در آب معطوف کردن، و آنگاه ربط ماه با «حدید رؤب ماه، و رؤب حدا» و بیوند همه آنها با «لفای وحه الله در بهب» (ناورقی) و دلیل حضور اسماں را آن گرفتن که حو سیرین مایدید می سود، حسرو در جستجوی او به «درخت» نگاه می کند، به بر حاک، و حسس رمر و عمی، ار برندی که بیمه بایس بدن سیرین را بوسانده، و مفهوم کنایه ای «ناف» را ار سحر صوفیانه استخراج کردن، و اسکه ساعران عارف مسرب ار اعصای تحتانی بدن معسوق نامی برده و به اعصای فوق ناف اکتفا کرده اند، و ار این معنی یک اصل عرفانی ترتیب دادن، و به تن سوئی سرس وصل کردن؛ و «ناف» را مین و مررگاه «سنه حبسی و سنه دیوی» آنگاسس، و مفاهیمی حو «عالم ملک و ملکوت و ساخت عشق و ساخت محسوس» را ار طریق آن متمایز کردن، و داستان حسرو و سیرین را تحر به ای ار «سهود معانی» در «عالم ملکوت و مال داشت» که به «مرعرار عالم حان قدم گذاشته»، و «به ساهد فدی در حبه حیات مینوی نظر دوخته» و حبه معوی و عرفانی به «حریر بیلگونی» که سیرین بر کمر سسته بحسیدن، و انتحاب حسس و رنگ آن را فرسه بر «آسمانی» بودن عشق دو دل داده ساختن، و قبا ی بیسین رن را کنایه ار عشق حسمانی - که آن را به دور انداخت - و این «برند بیلگون» را کنایه ار بدیرس «عشق آسمانی» - که آن را بدیرفت - آنگاست، و بعد «مانع الطسعی» به بوسیده ماندن «اعصای تحتانی» سیرین بحسیدن، و این بوسس را وسیله یک قدم بردیک تر شدن به «معانی عرفانی رمزی اعصای فوقانی بدن» گرفتن، و معنی حاضی به حجاب گیسوی رن بحسیدن، و کنار رفتن آن را «نقطه اوح حاده» حساب کردن، و مساهده روی سیرین ار حاب حسرو را «کمال نظر» حو اندن، و تبادل نگاه ار حاب آن دورا مانند عشق های مورد وصف عطار و مولوی «نقطه اوح» و دوب عاشق و معسوق در وجود یکدیگر نساختن، و سرانجام،

تمنیل است. تمنیل آسمان در شب تاریک و غیره. لیکن تا حایی که اطلاع دارم نقاشان و تصویرسازان ایرانی، آب را با اکلیل نقره نقش می کرده اند که این اکلیل در کلیه نقاشیهای موجود اکسیده و سیاه شده است و در این مینیاتورها هم به همین دلیل آب سیاه به نظر می رسد حال آنکه در اصل نقره ای رنگ می باشد و نه سیاه. می توانید به نقاشیهای شاهنامه نایسمری مراجعه فرمایید

همچنین مینیاتور چاپ شده در متن به «آقا میرک» نسبت داده شده که به احتمال فریب به یقین از آن «سلطان محمد» می باشد  
با سباسب از رحمت فراوان شما در انتشار مستمر یکی از معدود سریات خوب و معبر علوم انسانی دسب شما و همکارانتان درد بکشد  
س. الف. عمرانی

پاسخ: گفته آقای عمرانی را سده احتمال می دهم که درست باشد و از ایسان به خاطر تذکری که داده اند تسکر می کم البته، این مطلب حللی به تفسیری که من از حسمه کرده ام وارد نمی آورد و اصلاً لرومی ندارد که نماد یک حیر همه خصوصاً آن را ممل سارد به هر حال، حسمه ای که معسوق (سیرین) در آن آب تنی می کند نمودگار حسمه حیوان است. ن. پ

#### (۴)

مقاله «سیرین در حسمه» خیلی حالت بود. مخصوصاً که نظری هم به ساختار داستانهای عاسفانه داسب به گمانم این نحوه مطالعه تطبیفی بسیار لازم است و خیلی کم روی آن کار شده است  
علی رضا ذکاوتی

#### در مورد واژه «سر بست» (serbest)

ما عرض سلام،  
اگرچه به علت وضع خاصی که در جریان سحرانی شما در کنگره نظامی پیش آمد نتوانستم از مقاله خوب شما استفاده نمایم ولی آن را در سردانش مطالعه نمودم، بسیار خوب بود و سپاسگزارم  
اما انگیزه این نامه بیشتر مربوط می شود به مقاله «کهنترین متن ترجمه شده از زبان فراسه به زبان فارسی»، در مورد مطلبی که در حاشیه شماره ۳، ص ۲۵ در مورد واژه «سر بست» نوشته اند باید به عرض برسانم.

سر بست (serbest) واژه ای ترکی نیست، بلکه ترکان عثمانی آن را از واژگان کردی گرفته اند و در فرهنگهای خویش از آن استفاده نموده اند  
سر بست در حقیقت از دو واژه کردی و ایرانی «سر» و «بست» ترکیب یافته و در کردی معنی آزادی و استقلال را می دهد. واژه «سر» در کردی و فارسی هنوز به جهات مختلفی مورد استفاده است، اما واژه «بست» در معانی «بست + تن» و «بست + ه» ... و غیره که خود شما بهتر از من آگاهید استعمال دارد و احتمالاً در اصل معنی «آزادی» را در فارسی بر می داشته و اکنون تاحدودی فراموش شده چنانکه می گفتند فلان کس در فلان جا «بست نیست» ولی در شکل ترکیبی «سر بست» که اکنون هم در کردی رایج است در فارسی تاحدودی فراموش شده است.

احمد شریفی (سنندج)

اسب شیرین را که شب دیز نام دارد «نمودگار روح» حساب کردن (پاورقی)؛ همه اینها از غرائب استنباط و مغایر با موازین عقلی و اصول نقد ادبی است؛ و موضوع، از نظر کسانی که اندکی با منظومه نظامی و کتاب فخر گرگانی آشنا باشند، به قدری واضح است که احتیاج به هیچ بسط مقال ندارد. نظامی که در کنار سرودن عشق پاکبازانه و معنوی، ذوقی برای توصیف عشق های اعیانی و کامروانیز دارد، درباره خسرو و شیرین خود می گوید:

کمر بستم به عشق این داستان را  
صلای عشق دردادم جهان را  
ز من نیک آمد این، از بد نوسد  
به مزد من، گناه خود نویسد  
(خسرو و شیرین، ص ۲۷)

محمدعلی اسلامی ندوشن (مرداد ۱۳۷۰)

#### (۲)

سر دبیر گرامی شردانش،  
مقاله عز و متع «شیرین در چشمه» را مطالعه کردم. در توضیحات ذیل مینیاتور صفحه ۵ و در حاشیه شماره ۱۹ (صفحه ۱۱) مرقوم فرموده اید که «شددیز نام اسب شیرین است». در حالی که در کتابهای معتبر از شب دیز به عنوان اسب خسرو پرویز یاد می کنند. از جمله در فرهنگ فارسی (جلد پنجم) مرحوم دکتر معین  
ضمناً در همین مقاله در دو بیت حرف «ن» به «چو» اضافه شده و شعر را از وزن و آهنگ آن خارج کرده به نحوی که خوانندگان محله به آن پی می برند:

۱) صفحه ۴، سطر ۵:

رپشت اسب که پیکر بیفتاد

چون [چو] برگری کر درختش میگند ناد

۲) صفحه ۵، سطر آخر:

چون [چو] ماه آمد برون از امر مشکین

به شاهنشاه در آمد چشم شیرین

در پایان از تلاشها و کوششهای شما در تهیه محله معبول و معتبر شردانش قدردانی می نمایم.

عبداللهی (قم)

#### (۳)

سر دبیر محترم،  
با توجه به ارادتی که به شردانش و مقاله های آن دارم، مقاله شماره ۴، سال ۱۱ (خرداد- تیر ۱۳۷۰) را که متن کامل سحرانی شما در کنگره حکیم نظامی بود خواندم و با توجه به آشنایی مختصری که با نقاشی ایرانی پیدا کرده ام و با سؤال از دوستان جهت رفع شبهه خود، دو نکته را حضور جنابعالی تذکر می دهم که انشاء الله پس از تحقیق، تصحیح می فرمایید.

در هر دو مینیاتور چاپ شده در صفحات ۵ و ۶ تصویر شیرین در چشمه نقش شده که بنا به توضیح جنابعالی در زیر نویس، سیاهی چشمه



روی جلد خط تعلیق، نوشته کاتب راده محمد رفیع اصفی  
(اواخر قرن - وارد هم)

# نشر دانش

سال یازدهم، شماره ششم، مهر و ابان ۱۳۷۰

مدیرمسئول و سردبیر: نصرالله پورجوادی

## سرمقاله

مسئله تهاجم فرهنگی

۲

## مقاله

باده عشق (۱)

منظومه عاشقانه

۴

نصرالله پورجوادی

ی ک بورگل / ترجمه فررانه طاهری

۱۴

ایرانشناسی در کشورهای آلمانی زبان (۱)

برگ فراگتر / ترجمه مرتضی اسعدی

۲۵

## برگ برگ برگ

انقلابی که ناگزیران بود

ناصر ایرانی

۳۶

## شعر و غزل

نگاهی به «جهان اسلام»

علی رفیعی

۴۷

## تجرب و تجربه

اوج و حسیض «گبه»

نظر اجمالی به چند کتاب چاپ خارج

سیروس مرهام

آراد بروحردی

۵۱

۵۶

## نشر و نشر

کتابهای تازه، معرفی نشریه ها

امید طیب راده

۵۹

## خبر

۷۳

ره آورد سفر ایران ○ کنگره بزرگداشت خواجه ○ نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک ○ نقشه جهان  
بر روی قالی ○ فعالیتهای فرهنگی در خارج از کشور ○ اسمن اروپایی ویراستاران علوم ○ کمپاس  
ایرانشناسی در آلمان ○ مقابله با خطر بی هویتی ○ برندگان جوایز نوبل ○ رونق بازار کتاب در ژان  
... و

## نام

۸۳

۸۵

نمایه سال یازدهم

یا دست کم تخفیف آثار سوء آن استفاده از تدابیر «بهداشتی» و پیشگیری است.



## مسئله تهاجم فرهنگی

مسئله تهاجم فرهنگی این روزها در دستور بحث قرار گرفته است. بررسی علمی و جدی این مسئله نیاز به مطالعات تاریخی و اجتماعی پر دامنه و عمیقی دارد و هنوز به این سطح ارتقا نیافته است. مباحثات در رسانه‌های گروهی انجام می‌گیرد که طبیعتاً نه می‌تواند مسبوق به تحقیقات علمی وسیع و پر عمق باشد و نه می‌تواند همه جوانب مسئله را دربرگیرد. اظهار نظرهای منسروط می‌شود به ملاحظات سیاسی و اجتماعی و مصالح مملکتی و بویژه قوت هاضمه مخاطبان.

با اینهمه، بحث و گفتگو در همین سطح نیز به دلیل اهمیت و حساسیت مسئله ضروری و مفید است. بخصوص میزگردهایی که صدا و سیما، جمهوری اسلامی با شرکت عده‌ای از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ترتیب داده ابتکار حالی است و هیچ نباشد جهات و جنبه‌های گوناگون مسئله را تا حدودی مطرح می‌سازد.

متأسفانه در این مذاکرات صورت مسئله پدیده و روسی تنظیم نشده است، و همین امر پیدا کردن جواب را هم دشوار می‌سازد. مسئله اگر به صورت درستی طرح شود جواب دادن به آن آسانتر می‌شود.

تهاجم فرهنگی جریانی است واقعی که شاهد رویداد آن بوده‌ایم و هستیم و خواهیم بود. نهایت اینکه این تهاجم در شرایط و دوره‌هایی حساسیت بیشتری برمی‌انگیزد یا به دلیل مساعد نبودن زمینه تهاجمات نوع دیگر (نظامی، سیاسی) شاخصتر و بارزتر می‌شود. در حقیقت، تهاجم فرهنگی بخشی از جنگ سرد است و خاصیت آن این است که هر چند تأثیر نظرگیر دفعی ندارد به مرور زمان آثار عمیق و پایایی به جا می‌گذارد. در عین حال، این تهاجم تجسم خارجی ملموسی پیدا نمی‌کند و نوعی دشمن نامرئی است که نبرد با آن به دلیل این نامرئی بودن با ابزارهای عادی میسر نیست.

باز اگر تهاجم فرهنگی عمدی و آشکار باشد، نوعی اعلام جنگ است و تکلیف حریف در مقابل آن روشن است؛ لیکن اگر این تهاجم خودبخودی و فوری یا اعلام نشده باشد همچون بیماریهایی که مدتها در مرحله کمون می‌مانند و بی‌مداوا پیشرفت می‌کنند به مرحله بحرانی می‌رسد و موجب هلاک می‌شود. بر همین قیاس می‌توان گفت که بهترین راه مصونیت از عوارض این تهاجم

بیش از هر چیز وضع موجود را، هر قدر هم تلخ و بیره به نظر رسد، باید به عنوان واقعیت در نظر گرفت و درخور شرایط آن چاره‌جویی نمود. از جانب دشمن دست ما کوتاه است ما نمی‌توانیم به سرکنه‌های اروپایی و آمریکایی حکم کنیم که بوار ویدئو، تصاویر عریان، آهنگ جار، فیلمهای ویدیو و حس نکنند؛ ما نمی‌توانیم به سازمانهای زیر سیطره مالی و سیاسی آمریکا بگوییم که به نویسندگان رمانهای بازاری جایزه اول بدهند. ما نمی‌توانیم جلو امواجی را که از ماهواره بخش می‌سود بگیریم اگر هم کاری در جهت خنثی کردن این اقدامات انجام دهیم موف است و تازه باید بپذیریم که از بسیاری حس‌شدنیهای مقدر سر محروم بمانیم و انزوای فرهنگی را بر مقابله با تهاجم فرهنگی ترجیح دهیم. کاری که اتحاد شوروی طی هفتاد سال کرد و عافیت سل حواص آن جار و لباس و رفتار سبک را بر آهنگهای جاکو فسکی، سوستاکوویچ، موسورگسکی، ریمسکی کورساکف، خاخاطوریان و حتی بر ترانه‌های اصیل روسی که با غمردگی نجیبانه‌ای عجین بود و مایه‌ای سرفی داشت و هم‌چنین بر لباس و رفتار سنگین و با وفار ترجیح داد، حتی «تلائم مرام مارکسیستی با منافع طبقه کارگر» نیز نتوانست در این انتخاب مؤثر واقع شود. همانطور که دیدیم، راهی که شورویها رفتند نه سست رسید. آنها خواستند با ستن دروازه‌ها به روی فرهنگ تهاجمی با آن (با «احاطه سرمایه‌داری») مقابله کنند و سست، و اصولاً چنین چیزی نسدنی بود زیرا، با بسرفت علوم و فنون، دیگر در و دروازه‌ای نیست تا ببندند یا باز گذارند.

در این دوره و زمانه فرد نمی‌تواند در انزوا به سر برد چه رسد به جامعه و کشور. روزهای خوس نذیرایی بیابانهای مصر و سام از رهبانان سپری سده است.

لیکن خوسبختانه خلوتی هست که علم و فن نمی‌تواند آن را محتل سازد، و فرد می‌تواند به آن خلوت ناه برد. ولی آیا برای جامعه و کشور نیز خلوتی باقی مانده است و اگر هم مانده باشد، آیا ضرورتی دارد که به آن ناه برند. به لطیف بوسه اصفهان را برای آنکه فاسد نشود در لفافی از نیه می‌بچند. ولی آیا می‌شود جامعه را هم بنبه بیچ کرد؟ آیا بهتر نیست که ما نسل جوان خود را در برابر آفات تهاجم فرهنگی واکسینه کنیم، یعنی کاری کنیم که در وجود خود آنان سرم محافظ و مدافع پدید آید؟

حگونه است که حریف می‌تواند مواد غیر فرهنگی خود را در هوالب خوش ظاهر و مطبوع فرهنگی نما به حورد جوانان ما و جوانان کشورهای دیگر بدهد و ما نمی‌توانیم مواد اصیل فرهنگی را که بارگ و ریشه ما می‌بود دارد نه صوری حاذب در دسترس آنان قرار دهیم؟

غرب فرهنگ خود را با شیوه‌های مردم سست و تکنیکهای حدید عرضه می‌کند. ولی ما با وجود اینکه مایه‌های فرهنگی غنیتری



# باده عشق (۱)

(سیر تاریخی معنای عرفانی باده یا می در شعر فارسی)

نصرالله پورجوادی

## الف) مدخل

پیدایش شعر عاسقانه عرفانی در زبان فارسی و مسأله نخستین الفاظی که از شعر غیر عرفانی وارد شعر عرفانی و صوفیانه گردید:

### ۱) مسأله پیدایش شعر صوفیانه در زبان فارسی

پیدایش شعر صوفیانه در زبان فارسی بی شک یکی از مهمترین حوادثی است که در تاریخ این زبان رخ داده است. این حادثه که حدوداً از اوایل قرن پنجم هجری آغاز گردید موجب سد که روح تازه‌ای در کالبد شعر فارسی دمیده شود و از برکت آن هم دامنه شعر در این زبان به تدریج گسترش یابد و هم زبان فارسی حامل معنای عمیق عرفانی و مابعدالطبیعی شود و از این طریق تبدیل به يك زبان مقدس گردد. زمانی که ارباب معانی در صدد برآمدند تا برای بیان احوال و مواجید و همچنین عفايد و اندیشه‌های خود از شعر فارسی استفاده نمایند، زبان فارسی از ستوانه‌ای ارزشمند و ذخیره‌ای نسبتاً غنی از اسعار گوناگونی که شعرای غیر صوفی ایرانی سروده بودند، از فصاید ساعران درباری گرفته تا داستانهای حماسی و عسفی، برخوردار گشته بود و با اتکا به همین پستوانه و استفاده از همین ذخیره بود که صوفیه خود به سرودن اسعار عرفانی پرداختند.

اشعار صوفیانه یا عرفانی که از قرن پنجم به بعد، ابتدا در خراسان و سپس در مناطق دیگر، به تدریج در زبان فارسی پدید آمد از لحاظ صورت یا قالب تفاوتی با اسعار قبلی این زبان نداشت. شعرای صوفی از لحاظ صوری مقلد شعرای درباری و غیر صوفی بودند و از همان قالبهایی استفاده کردند که دیگران به کار برده بودند یا می بردند. صوفیه هم در قالب دوبیتی و رباعی شعر سرودند و هم در قالب قصیده و منوی، و از قصیده نیز خصوصاً به بخش اول آن که نسیب بود و ساعر در آن به وصف جمال معشوق و ذکر اعضا و جوارح بدن او می پرداخت توجه

کردند و بعداً قالب غزل را از آن ساختند. و اما از حیث الفاظ و تعبیرات صوفیه کاملاً مقلد نبودند، یاره‌ای از الفاظ و تعبیرات را برای مقاصد خود انتخاب می کردند. مسایخ صوفیه عموماً اهل زهد و تموا بودند و می خواستند در اول بیرون خود و در وهله دوم عموم مردم را با نند و موعظه حکمت هدایت کنند. این مریبان و معلمان اخلاقی برای تعالیم خود ناگزیر بودند از الفاظ و تعبیرات خاصی استفاده کنند و حتی به شعر روی آوردند اسعار ایشان، با الفاظی که در آنها برده می شد، با اسعار شعرای دیگر، بخصوص اسعاری که در عشق و عاسفی و عیس و طرب و باده گساری سروده شده فرق داشت. البته اسعار شعرای صوفی منحصر به این قبیل از تعلیمی و اخلاقی نبود. در واقع، اسعار تعلیمی و اخلاقی به حد اختصاص نداشت. این قبیل اسعار و اسعار دیگری که مدام مدح پیامبران و بزرگان دین سروده شده است به طور کلی از دینی است، و بعضی از شعرای غیر صوفی، نظیر ناصر خسرو در سرودن آنها دست داشتند. اسعار خاص صوفیانه فار اسعاری بود که ارباب معانی در بیان احوال و مواجید و حا معنوی سرودند و اسعارسان جنبه تعلیمی و اخلاقی نداشت. خصوصیت بارز این قبیل اسعار این بود که شاعر مقاصد خود کم و بیس با همان الفاظ و تعبیر و مضامینی که در غیر صوفیانه و غیر دینی به کار می رفت بیان می کرد و لذا صو سرودن اسعار خاص صوفیانه و عرفانی از حیث لفظ و مع مضمون نیز مقلد ساعران دیگر بودند. و دقیقاً همین اسعار با الفاظ و تعبیر بود که شعر فارسی را متحول کرد و از برکت مع که ساعر به این الفاظ دادند افشهای تازه‌ای در شعر فار گسودند. به همین دلیل، بررسی این قبیل اسعار، از زمان س تا مراحل تکوین آنها، اساسی ترین کاری است که برای س حکمت معنوی شعر فارسی باید انجام داد، و اولین قدم در این

سی الفاظ و مضامینی است که ارباب معانی از زبان شعر صوفیانه فارسی وارد زبان خود کرده‌اند.<sup>۱</sup>

ار حمله مضامینی که شعرای اهل معنی به تقلید از شعرای غیر بی در شعر خود به کار بردند مضمون عشق و عاشقی است. با محبت درحقیقت مهمترین مضمونی بود که از اسعار ای بسین، بخصوص فصده سرایان، وارد شعر صوفیانه شد. همراه با آن، الفاظ و مضامین فرعی دیگری نیز به زبان راه صوفیه راه یافت. ورود لفظ عشق و مرادفات آن، بین الفاظی که به نحوی با این مضمون ارتباط داشت، به ساعرانه صوفیه کار ساده‌ای نبود و بدون بحث و مساحره صوفیه و مخالفان ایسان و حتی میان بعضی از خود مسایح به صورت بگرفت. این بحها و مساجرات نیز عمدتاً با بحث ماجره درباره معانی الفاظ آغاز شد. اولین مسأله بر سر مال لفظ «عشق» بود. عسق در زبان شعرای غیر صوفی ره سبب میان انسان با همنوع خود به کار می‌رفت، ولی ای صوفی این لفظ را مانند «محبت» از برای سان سبت ن با حق تعالی به کار بردند. بدین ترتیب، صوفیه، هر چند که از لفظی استفاده می‌کردند که شعرای غیر صوفی به کار ردد، معنایی که ایسان از این لفظ می‌فهمیدند با معنای رایج رو داس. در مورد بعضی از الفاظ دیگر نیز هس کار را م می‌دادند. و لذا، هر چند که شعرای صوفی در اسعار عاشقانه از لحاظ الفاظ نیز بیرو شعرای دیگر بودند، از لحاظ معنی متکرر و مبدع بودند.

مسأله معانی این دسته از الفاظ، یعنی الفاظی که صوفیه ایرانی عر شعرای غیر صوفی گرفتند و وارد شعر صوفیانه کردند، رین مسأله تاریخی شعر صوفیانه و عاشقانه در زبان فارسی الفاظی که معانی آنها مورد بحث بود و استعمال آنها با اض مواجه می‌شد در ابتدا الفاظ معدودی بود. این الفاظ ی به نحوی با عشق و محبت مربوط می‌شد. مخالفان از این ل همان معانی را درک می‌کردند که شعرای غیر صوفی اراده نردد. ولی صوفیه در صدد بودند که معانی دیگری به آنها د. و از آنجا که این معانی در ابتدا کاملاً مشخص و تسبب شده ، اعتراضات و بحها همخان تا مدت‌ها ادامه داشت. بهایی از این بحها در بعضی از آثار صوفیه منعکس شده و به ما رسیده است و با مطالعه آنها می‌توان تا حدودی به یگی بیدایش شعر صوفیانه و عرفانی در زبان فارسی و موص مراحل شکل‌گیری معانی عرفانی الفاظ بی برد.

۱) نخستین دسته از الفاظ بحث‌انگیز در شعر صوفیانه نلی که از شعر غیر صوفیانه وارد زبان ساعرانه صوفیه گردید

عمدتاً دو دسته بود: یک دسته الفاظی بود که در وصف جمال معسوق به کار می‌رفت و شامل اسامی اعضای بدن او بود، مانند رلف و جسم و ابرو و خدو خال و غیره؛ و دسته دیگر الفاظی بود درباره مستی و وسایل و اسباب آن، از قبیل سراب یا باده و ساقی و جام و حرا باب و غیره. نویسندگانی که مخالف اشعار عاشقانه صوفیه بودند یا صوفیانی که از این اسعار دفاع می‌کردند بعضاً خود به این الفاظ اشاره کرده‌اند. یکی از این نویسندگان علی بن عثمان هجویری صاحب کشف المحجوب است که خود یکی از مسایخ صوفیه در قرن پنجم هجری است. هجویری جزو مخالفان ایبات عاشقانه است و، در ضمن بحث درباره حرام بودن این ایبات، به تعدادی از الفاظی که بر سر معانی آنها اختلاف پدید آمده است اشاره کرده است.

هجویری بحث خود را درباره اسعار حرام و الفاظی که در آنها به کار می‌رفته است در ضمن بحث سماع و سراط و آداب آن پیش کسده است. وی با سماع و حتی خواندن شعر در مجلس سماع مخالف نیست. مخالف او با گروهی از صوفیه است که به قول او «رور و سب عرل و صف زلف و حال پسوند و اندرین بر یکدیگر حح آرند»<sup>۲</sup> خواندن اسعاری که در آنها از الفاظ مزبور و نظایر آنها استفاده شده است از نظر هجویری حرام است، چه معنای عسق در این ایبات عسق ایسان به همنوع و مراد از چشم و رخ و حد و حال بیرو معانی حقیقی آنها است؛ و چون نظر کردن به روی یک شخص از روی عشق (که جنبه سهوی و نفسانی دارد) حرام است، پس وصف آنها در شعر و خواندن اشعار توسط قوال در مجلس سماع بیرو حرام است.

بحث کوتاه هجویری درباره حرام بودن ایبات عاشقانه‌ای که در آنها از الفاظ جسم و رخ و حد و خال و رلف استفاده شده است یکی از نخستین بحهای معوی در تاریخ شعر صوفیانه فارسی است که دهیماً آغاز تکوین این نوع شعر را در زبان فارسی نشان می‌دهد. در این بحث به چندین نکته بسیار مهم اشاره شده است. اول اینکه محل استفاده از شعر نزد صوفیه در ابتدا مجالس سماع حاشیه:

(۱) بحث ما در اینجا درباره شعر صوفیانه فارسی و مضامین آن است نه شعر صوفیانه عربی که قبل از شعر فارسی پیدا شده است. اشعار صوفیانه عربی که جنبه تعلیمی و اخلاقی نداشته است، بخصوص اشعار حسین منصور حلاج، ربان و الفاظ خاصی داشته است حلاج. علاوه بر اصطلاحات خاص خود، از اصطلاحات کلاسیک صوفیه بیرو استفاده می‌کرده است مثلاً در یکی از قصاید او که کاملاً جنبه عرفانی دارد، فهرستی از این اصطلاحات، ارقیل سکر و صحو و شوق و قرب و اس و قص و سبط، ارائه شده است (بگرید به دیوان حلاج، چاپ ماسینیون، پاریس، ۱۹۵۵، ص ۲۹). این گونه اسعار عربی، با همین اصطلاحات در اشعار صوفیه ایرانی بیرو تأثیر گذاشته است. ولی شعری که در اینجا منظور نظر ماست اسعاری است که با پستوانه شعر غیر صوفیانه فارسی در این زبان پدید آمده است. (۲) کشف المحجوب، چاپ ژوکوفسکی، ص ۵۱۸.

بخصوص درباره‌ی الفاظ زلف و خد و خال و چشم و ابرو و غیر نگارنده در حای دیگر به تفصیل سخن گفته است.<sup>۶</sup> مسأله‌ای می‌خواهیم در اینجا مطرح کنیم مسأله‌ی الفاظ دیگری است که همین عصر در اسعاری که صوفیه در مجالس سماع می‌جوید به کار می‌رفته است. این الفاظ درباره‌ی باده و باده‌نوسی و مستی خرابات است و هجو بری آنها را معرفی نکرده، ولی غزالی هم احیاء علوم‌الدین و هم در کیمیای سعادت به آنها اشاره کرده است.

برای آسایی با این دسه از الفاظ بهتر است سخنان عرالی از کتاب فارسی او، کیمیای سعادت، نقل کنیم. این سخنان غزالی نیز در ضمن بحث سماع آورده است. بحث او در باب جبرهایی است که به سبب آنها سماع حرام می‌گردد. یکی از این گفتن و شنیدن اسعاری است که در هجو یا طعن به اهل دیه مخصوص صحابه بیغیر (ص)، سروده شده است. اما اسعاسفانه مسمول این حکم نیست.

اما سعری که در وی صف زلف و حال و جمال بود و حد وصال و فرای و آنچه عادت عسای است، گفتن و سیدن حرام نیست.<sup>۷</sup>

مراد از «عسای» در این جمله کسانی بودند که عسوی مخلوق دل داشتند، و غرالی در اینجا به اسعاری اشاره می‌کند که ساعر غیر صوفی در وصف معسوی و حالات خود می‌سروده‌اند. ال گفتن و شنیدن این فبیل اسعار به عقیده غرالی فقط در صور جایز است که گوینده یا سنونده به فکر معسوی انسانی (در کنیزك خویش) نباسد، بلکه در اندیشه او یاد حق باسد و عسوی به بروردگار باسد. غرالی يك فدم دیگر نیز بر می‌دار می‌کوسد تا معانی مجازی این الفاظ را که تازه در میان صوفیه حال شکل گرفتن بود بیان کند.

و باسد که (کسانی که به دوستی حق تعالی مستغرق باسد زلف ظلمت کفر فهم کنند و از نور روی نور ایمان فهم کسا باسد که از زلف سلسله اسکال حضرت الهیت فهم کند

کاری که ابو حامد غزالی در اینجا انجام داده است، حتماً بعداً توضیح خواهیم داد، يك مرحله دیگر را در تکوین صوفیانه فارسی نشان می‌دهد. او نه تنها با هجویری محال می‌کند و استعمال این الفاظ را در شعر جایز می‌داند، بلکه معانی بعضی از این الفاظ را نیز تا حدودی مشخص می‌سارد تا حدودی. غزالی دو احتمال برای معنای عرفانی زلف د می‌کند، و این نشان می‌دهد که معنای این لفظ و معانی الفاظ دیه هنوز تثبیت نشده بوده است.

بوده است. اساساً شعر فارسی در اصل برای خواندن به آواز بلند در مجالس عمومی، بخصوص در دربارها، سروده شده است.<sup>۳</sup> این حکم در مورد شعر صوفیانه نیز صادق است. ورود شعر به تصوف از راه مجالس سماع بوده و صوفیه اشعار را از زبان قوالان می‌شنیدند. دوم اینکه اولین دسته (یا یکی از نخستین دسته‌ها) از اشعاری که در این مجالس خوانده می‌شده است اسعار یا فصاید عاشقانه (به قول هجویری غزل) بوده است. سوم اینکه در این اشعار حسن و جمال صورت معشوق وصف می‌شده و معسوی به صورت انسان در نظر گرفته می‌شده و اعضا و جوارح او، از جمله چشم و ابرو و خد و خال و غیره، وصف می‌شده است. چهارم و مهمتر از همه اینکه معانی این الفاظ هنوز کاملاً جنبه عرفانی پیدا نکرده بوده است، و به همین دلیل است که معانی آنها مورد نزاع بوده است. هجویری خود به این مطلب اخیر اشاره کرده است، وقتی می‌نویسد:

و آن که گوید من اندر چشم و رخ و خد و زلف و خال حق می‌شنوم و آن می‌طلبم واجب کند تا به حیزی دگر اندر نگرود خد و خال بیند و گوید که من حق می‌بینم و آن می‌طلبم.<sup>۴</sup>

این عبارت حاکی از این است که هجویری که خود يك صوفی است الفاظ چشم و رخ و خد و زلف و خال را فقط به معنای حقیقی آنها در نظر می‌گرفته است. و البته هجویری در این میان تنها نبوده است. فقط عده‌ای از صوفیه بوده‌اند که می‌گفتند ما از این الفاظ معانی دیگری می‌فهمیم. ولی این معانی هنوز تثبیت نشده بود، و به همین دلیل هجویری در مقام اعتراض می‌گوید چرا این عده معانی عرفانی را لزوماً برای این الفاظ در نظر می‌گیرند؟ بحثی که هجویری درباره‌ی اعضای بدن معسوق بس کشیده است ظاهراً یکی از بحثهای حاد در قرن پنجم هجری بوده است و مشایخ دیگر نیز به آن توجه داشته‌اند.<sup>۵</sup> از فحوای کلام هجویری چنین بر می‌آید که کسانی که در مجالس سماع صوفیانه از اسعار عاشقانه استفاده می‌کردند يك یا چند گروه معدود بوده‌اند که عمل ایشان مورد تأیید اکثر مشایخ بزرگ در این عصر نبوده است. در مورد هویت این گروه یا گروه‌ها و تعداد آنها ما چیزی نمی‌دانیم، ولی قدر مسلم این است که کاری که ایشان می‌کردند آغاز يك تحول بزرگ در شعر فارسی بود. به همین دلیل هم با گذشت زمان اهمیت این موضوع بیشتر می‌شد، و تعداد این افراد و موافقان ایشان افزایش می‌یافت. یکی از مهمترین شخصیت‌های قرن پنجم که این عمل را صواب دانسته و در رد نظر هجویری سخن گفته است ابو حامد غزالی (ف ۵۰۵) است.

درباره مسأله اشعار عاشقانه و خواندن آنها در مجالس سماع در قرن پنجم، و آرای هجویری و ابو حامد غزالی در این باره و



س از الفاظ زلف و خال و امانال آنها، ابو حامد به سراغ دسته گراز الفاظی که صوفیه در اشعار خود می خواندند می رود و آن باطنی است که به باده و باده گساری و می و میخانه و مستی و ایات و به طور کلی الفاظ حمیری مربوط می شود. حکم این باطن از نظر غزالی، همان حکم الفاظ قبلی است، چه صوفیه در مجالس سماع از سراب و مستی و خراباب معانی دیگری فهمند.

و چون حدیث سراب و مستی بود در سر، (صوفیان) نه آن ظاهر فهم کنند، مثلاً چون گویند.

گر می دو هزار رطل بریمایی

تا خود نخوری بیاسد سیدایی

از این آن فهم کنند که کار دین به حدیث و علم راست بیاید، به دوی راست آید... و آنچه از بیسهای خراباب گویند، هم فهم دیگر کند مثلاً چون گویند

هر کو به خراباب نسد بی دیسب

زیرا که خراباب اصول دین است

ایسان از این خراباب خرابی صفات سرب فهم کنند که اصول دین آن است<sup>۹</sup>

تعریف خراباب در اینجا تا جایی که ما می داسم قدیمترین ریشی است که از لحاظ عرفانی از این لفظ سده و در حای خود بل تأمل است. اما کوسسی که ابو حامد در توحیه «حدیث سراب سسی» از الفاظ حمیری در سر کرده است بسیار ابتدایی است ته ای که در سخنان غزالی برای ما قابل توجه است تعریف او از رباب یا اساره ای که او به معنای عرفانی می بوسیدن کرده است سبب، بلکه وجود این گونه الفاظ و کاربرد آنها در سراب ابو حامد در واقع دسته دیگر از الفاظ مورد بحث و براع را به معرفی کرده است. از فحوای سخنان او بخوبی بر می آید که در آن او براع بر سر اسعاری بوده است که در آنها از دو دسته الفاظ استفاده می شده است، یکی الفاظی که در وصف حمال معسوق، مخصوص اعضای بدن او، به کار رفته است؛ و یکی دیگر الفاظی در باره سراب و باده و میخانه و خراباب و مستی بوده است و فحایی که از این قبیل الفاظ استفاده می کردند مورد سرزنس او می گرفتند و به همین دلیل غزالی سعی می کند عمل آنها را حبه کند.

همان طور که دیدیم، سابقه این گونه بحثها و سررسها به بیمه ل فرن منجم و به عصر هجویری بر می گردد. ولی حیری که سبب هجویری فقط يك دسته از الفاظ را مطرح کرده و آن باطنی است که به اعضای بدن معسوق مربوط می شود در اینجا ن سؤال پیش می آید که چرا هجویری ذکری از الفاظ سراب و نه و مستی و میخانه و خراباب نکرده است؟ در اینکه صوفیه در

عصر هجویری بیر در مجالس سماع از ابیاتی استفاده می کردند که این قبیل الفاظ در آنها به کار می رفته است نباید تردید کرد. حمیریات در تاریخ شعر فارسی و عربی سابقه ای دراز دارد، و صوفیه از ابیات عربی که درباره سرابخواری و مستی سروده سده بود، هم در آثار مکتوب خود و هم در مجالس سماع استفاده می کردند. در زمان هجویری بیر، که صوفیان ایرانی در مجالس سماع به خواندن ابیات فارسی روی آوردند، دلیلی نداشتند که از ابیاتی که شعرای غیر صوفی یا صوفی در وصف حالات مستی و مجالس سرابخواری به فارسی سروده بودند استفاده نکنند. ساراین، عدم ذکر این قبیل الفاظ در کتاب هجویری بدین علت نبوده که صوفیه هورار این الفاظ استفاده نمی کردند. علت آن به نظر من این است که معانی این الفاظ مشکل الفاظ رلف و رخ و حسم و ابرو و غیره را نداشته اند. به عبارت دیگر، هجویری، مانند غزالی، می دانسته و قبول داشته است که سراب و مستی و احتمالاً الفاظ دیگری چون جام و میخانه و خراباب، در برد صوفیه معانی دیگری داشته است. البته بسیاری از علمای طاهری و غیر صوفی نیز این الفاظ را به معنای حقیقی و غیر عرفانی آنها حمل می کردند و احتمالاً محاطان ابو حامد نیز، در هنگام توجیه این الفاظ در کمپای سعادت، همین قبیل اسخاص اند. ولی مخاطب هجویری خود صوفیه اند او به صوفیه می گوید که خواندن و سیدن ابیاتی که در وصف حمال معسوق سروده سده است حرام است ولی ما خواندن و سیدن ابیاتی که در وصف حالات مستی و سرابخواری است کاری ندارد، زیرا که معانی این الفاظ نزد صوفیه قبلاً جسّه عرفانی سدا کرده بوده است. و حال، سؤال اساسی دیگری که در اینجا مطرح می شود این است که این معانی چه بوده و چگونه سدا سده است.

حاشیه

(۳) در این باره بگریه نه

Marshall G S Hodgson The Venture of Islam vol I The University of Chicago Chicago, 1974 p 457

(۴) کشف المحجوب، ص ۵۱۸

(۵) اسماعیل مستملی سارح کتاب التعرف بیر سیدین «عزل» را معصیت داشته است (سرح عرف، نه کوسس محمد روشن، تهران، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۱۸۱۲)

(۶) «سحر حلال، سحر حرام»، سر داس، سال ششم، شماره ششم، ص ۱۶ تا ۲۸

(۷) کمپای سعادت، نه تصحیح حسین حدیوحم تهران، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۲۸۴

(۸) همانجا

(۹) همانجا

(۱۰) از جمله سرسحت بر س محالان صوفیه در قرنه ای سجم و ششم حماله بوده اند، حانکه ابن حوری در تلخیص الملیس، هنگام انتقاد از صوفیه به خاطر مجالس سماع ایسان و اسعاری که هؤلاء می خواندند به هر دو دسته اشاره کرده است، هم به حویریان و هم به باده (المستحبات و الحمر) (تلخیص الملیس، حات اداره الطباعه المیری، قاهره [بی تا]، ص ۲۱۹)

### ۳) جایگاه «شراب» در میان الفاظ خمری

مسأله معانی عرفانی الفاظ شراب و باده و می و میخانه و خرابات و جام و ساقی و غیره در شعر صوفیانه یکی از مهمترین و اساسی ترین مسائل عرفانی است که در تاریخ شعر فارسی، بخصوص شعر صوفیانه و عرفانی، می توان مطرح کرد. اهمیت این الفاظ و معانی آنها اگر از اهمیت معانی الفاظ دسته دیگر، یعنی زلف و رخ و خد و خال و غیره، بیستر نباشد کمتر نیست. درواقع این معانی از جهاتی به هم ربط دارند. یکی از این جهات این است که هر دو مربوط به موضوع عسق و عاشقی اند، و درحالیکه زلف و رخ و خد و خال و اعضای دیگر ناظر به معشوق و جمال اوست، شراب و مستی، چنانکه بعداً ملاحظه خواهیم کرد، ناظر به عاشق و حالات او در عسق است. البته، از آنجا که عسق خود مفهومی است اضافی، الفاظی که به هر یک از طرفین نسبت، یعنی عاشق و معشوق، مربوط می شود غالباً بای طرف دیگر را نیز به میان می کشد. مثلاً ساقی که جام باده را به عاشق می دهد یا شراب در پیاله او می ریزد، لفظ آن به دسته الفاظ خمری تعلی دارد، ولیکن در عین حال او خود جلوه ای از معشوق است که گاه چشم مست او به جای باده سبب مستی عاشق می گردد.

باری، بررسی معانی عرفانی هر یک از این دودسته از الفاظ از لحاظ تاریخی کاری است بردامنه و محتاج به تحقیقات وسیع. این نوع تحقیقات، با همه اهمیتی که برای درک دقیق و عمیق اسعار عاشقانه عرفانی در زبان فارسی دارد، متأسفانه تاکنون انجام نگرفته و حتی آغاز هم نشده است. مشکل بزرگی که در راه تحقیق درخصوص معانی این الفاظ وجود دارد ارتباط تنگاتنگی است که میان خود این معانی وجود دارد، به طوری که نمی توان معنای یک لفظ را بدون توجه به معانی الفاظ دیگر بررسی کرد.

کاری که برای سهولت مطالعه و تحقیق ابتدا می توان انجام داد دسته بندی الفاظ و بررسی مجموعه الفاظ یک دسته باهم است. مثلاً الفاظی که دال بر اعضای بدن معشوق است، مانند زلف و خد و خال و چشم و ابرو و بر و دوش و دست و ساق، همه در یک دسته قرار گرفته و یک مجموعه را تشکیل می دهند. الفاظ شراب و باده و می و میخانه و جام و خرابات و می فروش و غیره نیز همه به یک دسته دیگر تعلق دارند و معانی آنها نیز به هم مربوط اند. در هر یک از این دودسته یک عامل وحدت وجود دارد. در دسته اول این عامل بدن معشوق یا پیکر اوست. در دسته دوم نیز عامل وحدتی وجود دارد و آن مفهوم شراب یا باده است. معانی الفاظی هم که به این دسته تعلق دارند با هم یک حوزه معنایی را تشکیل می دهند. این معانی در حوزه خود همه دایر بر مدار یک معنی هستند و آن معنای شراب یا باده (یا الفاظ مترادف دیگر مانند می و خمر و مدام و نبیذ و ریحق و غیره) است.

با توجه به نقشی که عامل وحدت در هر دسته از الفاظ بدیهی است که اولین کاری که برای بررسی معانی الفاظ دسته باید انجام گیرد بررسی همین عامل وحدت است. به عد دیگر، معایی که مجموعاً به یک حوزه معنایی تعلق دارند معنایی هم که محور و مدار این حوزه است مرتبط اند و برای روشن شدن آنها باید معنای محوری را ابتدا روشن نمود. پس در الفاظی که به دسته دوم تعلق دارند، یعنی مستی و باده و می و خرابات و جام و غیره، ما باید ابتدا معنای شراب یا باده را بررسی کنیم، و ببینیم که این معنی چیست و چگونه پیدا شده و احتمالاً طول تاریخ چه تحولاتی را ست سر گذاشته است.<sup>۱۱</sup>

همان طور که اشاره کردیم، هنگامی که صوفیه در قرن سحر فارسی روی آوردند با فهم معنای عرفانی شراب و باده در اسعاری که می خواندند یا می شنیدند مسکلی نداشتند، حا معنی تاحدودی قبلاً در تصوف معلوم شده بود. به عبارت دیگر سابقه این معنی به بیش از پیدایش شعر عرفانی و صوفیانه در فارسی برمی گردد. از این رو ما برای اینکه ببینیم صوفیه ح الفاظ باده و می و شراب و غیره را با معنای مجازی وارد ساعرانه خود کردند، اول باید ببینیم معنای مجازی این الفاظ چگونه پیدا شده است.

### ب) معنای حقیقی و معنای عرفانی شراب قبل از پید شعر صوفیانه فارسی

#### ۱) سکر و محبت

لفظ شراب، با معنای عرفانی، هر چند که یک لفظ اساسی در صوفیانه است، و درواقع محور یک سلسله الفاظ استعاری مانند جام و خرابات و میخانه و می فروش و غیره است، اصطلاحات صوفیه نیست. البته، در زمانی که زبان صوفیه مت زبان عربی بود، لفظ شراب یا خمر در آثار ایشان به کار می است، ولی معنای آنها حقیقی بوده است، و معنای محاف عرفانی بعداً و در طی مراحل به آنها داده شده است. ظهور معنی مجازی به واسطه یک مفهوم اصلی و اساسی دیگر درنا بوده و آن مفهوم سکر است.

لفظ «سکر»، به خلاف لفظ «شراب» و مترادفات آن، حواف از اصطلاحات اولیه صوفیه است. «سکر» در لغت به معنای مستی است، ولی صوفیه این لفظ را به معنایی دیگر که کاملاً جنبه داشت به کار می بردند. این معنای باطنی نیز خود مبتنی بر اساسی دیگری بود در تصوف، و آن مفهوم محبت بود. بنابر اصطلاح «سکر» در تصوف و به واسطه آن لفظ «شراب» یا «و غیره، از ابتدا با استفاده از مفهوم محبت تعریف می شده به همین جهت، برای روشن شدن معانی عرفانی این الفاظ

ن ابتدا به معنای محبت نزد صوفیه اشاره کنیم.

محبت خود یکی از اصطلاحات قدیم صوفیه و یکی از سی‌ترین مفاهیم تصوف و عرفان است، و تعریف آن و به‌طور محبت بر سر حقیقت آن و اقسام و مراتب آن یکی از متربین و بیحیده‌ترین مباحث تاریخ تصوف و عرفان است. حتی به این بحث محققاً ما را از بحث اصلی خود دور سارد در اینجا ما فقط به بعضی از خصوصیات مفهوم محبت در ف اشاره خواهیم کرد، خصوصیات که مستقیماً به بحث ی عرفانی سُکر و سراب مربوط می‌شود. و از آنجا که معنای ابی سراب در طول تاریخ دستخوس تحولاتی شده است، و تحولات نیز مستقیماً به تحولات مفهوم محبت سنگی داشته ، در ادامه بحث خود تحولات تاریخی مفهوم محبت را نیز، در لروم، بررسی خواهیم کرد.

لفظ «محبت»، چنانکه می‌دانیم، لفظی است عام که معمولاً در احساس انسان (یا گاهی حیوان) سبب به انسان (یا حیوان) به کار می‌رفته است. اما در قرآن این لفظ در حق انسان و دگار، یعنی نسبت خلق و حق نیز به کار رفته است و صوفیه نیز وصاً به همین معنی توجه داشته‌اند. سائرین، اصطلاح محبت صوفیه به معنای دوستی انسان با خداوند یا لطف و عنایت ن خداوند با بندگان بوده است. لفظ عشق نیز که در قرآن ر رفته، ولی در زبان معمولی کم‌وبیش مترادف لفظ محبت و با قرن دوم و سوم خصوصاً در مورد دوستی مرد سبب به ر ن سبب به مرد به کار می‌رفته است، بعداً در تصوف همان ی محبت را به خود گرفته و گاه به معنای دوستی و محبت سدید برط نسبت به بروردگار به کار رفته است.

با استفاده از همین معنی بود که صوفیه اصطلاح «سُکر» و به طه آن لفظ «سراب» و «باده» و «می» و غیره را تعریف کردند ی سُکر نزد ایسان حالت خاصی بود که بر اثر محبت ایسان ت به پروردگار پدید می‌آمد. به‌طور کلی، محبت یا عشق، حه مای عرفانی و چه غیر عرفانی، مراتب و درجاتی داشت که ی از صوفیه از قدیم آنها را به مراتب و مراحل سرب یا سحراری و باده‌نوشی تشبیه کرده‌اند. اولین مرحله باده‌نوشی دن باده است و س از آن نویسدن جامهای باده یکی پس از ی، تا جایی که شخص کاملاً مست و از خود بیخود می‌شود. تعابیر را صوفیانی که «ارباب معانی» خوانده می‌شدند ، بیان درجات و مراتب محبت و حالات محب به کار بردند. ر مرتبه را ذوق خواندند، و مرتبه بعد را سرب و آخرین مرتبه کُک و بیخودی. بنابراین، سُکر از نظر صوفیه حالی بود که «از محبت (انسان به) حق تعالی»<sup>۱۲</sup> پدید می‌آمد. این سُکر و ی می‌توانست به جایی رسد که محب به کلی از خود بیخود شود

و قدرت تعقل و تمیز از او سلب گردد. همین بیخودی بود که صوفیه آن را «فنا» می‌خواندند.

با وجود اینکه محبت خود دارای درجات و مراتب بود، و سُکر خود حالتی بود که از شدت محبت پدید می‌آمد، بعضی از صوفیه برای تعریف محبت درجه کمال آن را در نظر گرفتند. همان طور که گفتیم، آخرین حالت حالت بیخودی و بی تمیزی بود. و با توجه به همین حالت است که بعضی از صوفیه، مانند ابو عبد الرحمن سلمی (ف ۴۱۲)، گفته‌اند: «المحبة سقوط التمييز»<sup>۱۳</sup>. سلمی محب را نیز کسی می‌داند که به این حالت رسیده باشد، و به تعبیر او دانش در داب حق مستغرق و صفاتش در صفات حق فانی شده باشد «المُحِبُّ مستغرق الذاب فان الصفات»<sup>۱۴</sup>. محبی که به این مرتبه رسیده باشد کسی است که از کمال محبت برخوردار شده و، به عبارت دیگر، محب بر او غلبه کرده است. وقتی سلمی در تعریف سُکر می‌نویسد، «وَارِدٌ يَذْهَلُ الْعَبْدُ عَمَّا فِيهِ مِنَ التَّمْيِيزِ»<sup>۱۵</sup>، در واقع به همین کمال و غلبه محبت توجه دارد.

اصطلاح سُکر در تصوف معمولاً همراه با اصطلاح صحو (= هوسپاری) مورد بحث قرار گرفته است و بسیاری از نویسندگان و مشایخ قرن چهارم و پنجم، در ضمن شرح اصطلاحات، درباره این دو لفظ نیز توضیح داده‌اند. این بحثها کلاً با معانی که صوفیه بعداً برای الفاظ سراب و باده و به‌طور کلی وسایل و حالات باده‌گساری قایل شده‌اند بی ارتباط نیست. در واقع، دو مفهوم سُکر و صحو که مقابل یکدیگرند منسأ بحثهای اختلاف برانگیزی در قرن سوم گردیده و دو مذهب مختلف از آنها پدید آمده است که یکی منسوب به شیخ بزرگ خراسان بایزید بسطامی (ف حدود ۲۶۱) و بیروان اوس، و یکی دیگر منسوب به شیخ بزرگ بغداد

#### حاشیه

(۱۱) عامل وحدت در حوره معنایی دسته دیگر از الفاظ عرفانی صورت اساسی معسوق است درباره چگونگی پیدایش این موضوع در تفکر مشایخ و شعرا ایرانی نگارنده تحقیقاتی کرده است که در رساله مقالات «رؤیت ماه در آسمان»، یا به استقلال، چاپ خواهد کرد. حبه‌ای از این مسأله را در مقاله‌ای که در اصل به انگلیسی نوشته و در «اولین سمپوزیوم اسلام و مسیحیت» (آتن، دسامبر ۱۹۹۰) قرائت کردم شرح داده‌ام. مقاله مرور فرار است در مجموعه مقالات این سمپوزیوم چاپ شود و عنوان آن بدین شرح است

«Historical Background of the Development of *Imago Dei* in Persian Mystical Poetry»

ترجمه فراسوی این مقاله در محله لقمان، سال هشتم، شماره اول (پاییز و زمستان ۱۳۷۰) چاپ خواهد شد

(۱۲) کشف المحجوب، چاپ روکو فسکی، ص ۲۳۰

(۱۳) «درجات المعاملات»، از ابو عبد الرحمن سلمی، به تصحیح مرحوم دکتر احمد طاهری عراقی، در مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، ج ۱، تهران، ۱۳۶۹، ص ۳۹۰

(۱۴) همانجا

(۱۵) همان، ص ۴۹۳

ابوالقاسم جنید (ف ۲۹۷) و پیروان او. بایزید و بایزیدیان اهل سکر بودند و مستی را برتر از صحو یا هوشیاری می‌دانستند، درحالی که جنید و جنیدیان اهل صحو بودند و هوشیاری را از مستی برتر می‌انگاشتند. علت اینکه بایزید و پیروان او سکر را برتر از صحو می‌دانستند اهمیتی بود که برای محبت به عنوان عامل فنا قایل بودند. سکر از نظر ایشان درحقیقت فنای محب از خود و از صفات بشری بود، درحالی که صحو نزد ایشان دوام صفت آدمیت بود، و همین خود حجابی بود میان انسان و حق تعالی.<sup>۱۶</sup> همین معنای فنا و نیستی است که بعداً به عنوان آثار شراب یا باده معنوی در نظر گرفته می‌شود و حتی بعضی از شعرا نیز، مانند حکیم نظامی، باده یا می را به «بیخودی» تعریف می‌کنند.

بحثهایی که درباره سکر و صحو در میان پیروان بایزید و جنید پدید آمده است با معنایی که شراب و باده در تصوف پیدا کرده است کاملاً ارتباط دارد. درواقع، از روی همین بحثهاست که می‌توان به چگونگی شکل گرفتن معنای عرفانی شراب و خمر و غیره پی برد. یکی از این بحثها مربوط به سگری است که بایزیدیان به پیامبران نسبت می‌دادند. بایزیدیان و جنیدیان هر کدام برای سنجش حال سالکان و حتی احوال انبیا و اولیا از مفهوم سکر و صحو استفاده می‌کردند. مثلاً پیروان بایزید حضرت داود (ع) را صاحب حال صحو می‌انگاشتند و حضرت محمد (ص) را صاحب حال سکر. جنیدیان نیز حضرت موسی (ع) را که طافت تجلی حق تعالی را در کوه طور نداشت صاحب حال سکر می‌انگاشتند و حضرت محمد (ص) را «که از مگه تا به فاب قوسین در عین تجلی بود و هر زمان هشیارتر و بیدارتر بود»<sup>۱۷</sup> صاحب حال صحو. بنابراین، هر دو دسته حال پیغمبر اسلام را برتر از احوال پیامبران دیگر می‌انگاشتند، منتها یکی به دلیل سکر حضرت و دیگری به دلیل صحو او. درباره عقیده بایزید در حق رسول اکرم (ص) و سکر او حکایتی نقل کرده‌اند. از او سؤال می‌کنند: «چه گویی اندر کسی که به يك فطره از بحر محبت مست گردد؟» و بایزید در جواب می‌نویسد: «چه گویی در کسی که جمله دریاهاى عالم شراب محبت گردد، همه را درآشامد و هنوز از تشنگی می‌خروشد»<sup>۱۸</sup>. در همین پاسخ است که از محبت الهی با تعبیر شراب یاد شده است.

یکی دیگر از بحثهایی که در قدیم در خصوص سکر مطرح شده است بحث اقسام سکر است که هجویری در کتاب خود به آن اشاره کرده است. وی سکر را به دو گونه تقسیم می‌کند، یکی سگری که از «شراب مودت» پدید می‌آید و دیگری سگری که از پیاله محبت یا به قول او «کأس محبت» حاصل می‌شود. سکر اول، که «سکر مودتی» نامیده شده است، ناقص یا، به قول هجویری،

معلول است؛ چه «تولد آن از رؤیت نعمت بود». اما سکر دوم، «سکر محبتی» خوانده شده است، کامل است؛ چه «تولد آن رؤیت منعم بود»<sup>۱۹</sup>. علت نقص یا معلولیت سکر مودتی این است که شخص در این حال خودبین است. به قول هجویری، «هر نعمت بپند بر خود بیند، خود را دیده باشد». و علت کمال سکر محبتی این است که شخص خودبین نیست، چه «هر که معمم بدو می‌بیند، خود را ندیده باشد». این بحث قدیمی با معنایی بعداً برای شراب و باده خمر و می پیدا شده است کاملاً ارتباط دارد. در تعاریفی که صوفیه در قرون بعدی از این الفاظ کرده عموماً به همین معنایی که «سکر محبتی» خوانده شده است تکیه داشته‌اند. بعضی از سمرای متأخر نیز باده و می را با مشاهده ح معشوق یا تجلی معشوق ربط داده، و بعضی نیز مستی ناسی مشاهده جمال سامی (= منعم) را برتر از مستی حاصل از، محبت دانسته‌اند.

این گونه بحثها، که هجویری خود از آنها مطلع بوده و در کتاب خود آنها را گزارش کرده است، همه متعلق به قرون قبل از سابقه آنها به قرن سوم هجری می‌رسد.<sup>۲۰</sup> با چنین سابقه‌ای که صوفیه در قرن نجم به اسعاری که درباره شراب شرابخواری و مستی در زبان فارسی بدید آمده بود روی آورد، برای این الفاظ، که معانی حقیقی داشت، معانی عرفانی و شدند. این معانی عرفانی نیز همان معنایی بود که قبلاً به سکر شراب و خمر داده شده بود.

اولین دسته از صوفیانی که به طور گسترده به اشعار عاسفا خمیری در زبان فارسی روی آوردند و آنها را در مجالس سماع به کار بردند خراسانیان بودند<sup>۲۱</sup>، و این امر احتمالاً به دلیل استه مذهب اهل سکر و نفوذ بایزید بسطامی و پیروان او در صخراسان بود. هجویری خود جزو پیروان بایزید و از طرفدار مذهب اهل سکر نبود<sup>۲۲</sup>، ولی به هر حال خوب می‌دانست شراب و باده و می و مستی و خرابات نزد صوفیان معانی عرد دارند و به همین دلیل اعتراضی سبب به خواندن و شنیدن آنها در وصف شراب و شرابخواری نمی‌کرد. اسعاری که مو اعتراض او بود اسعار عاسفانه‌ای بود که در وصف زلف و روح و خال و اعضای دیگر بدن معسوق سروده شده بود و این الفاظ هنوز معانی عرفانی پیدا نکرده بودند.

#### ۲) تشبیه محبت به شراب

معنای عرفانی «شراب» و «خمر» در تصوف، همان طور ملاحظه کردیم، از طریق معنای عرفانی لفظ «سکر» پیدا شده است. «شراب» البته در قرآن نیز به کار رفته است. «شراب طهور»<sup>۲۳</sup> از نعمتهایی است که خداوند تعالی در بهشت به مؤمنان حو

<sup>۲۱</sup> اما چیزی که موجب سکر اهل سلوک در این جهان می شد ظهور بهشتی نبود. در صدر تاریخ تصوف و در قرن سوم ی، که زبان صوفیانه در حال شکل گرفتن بود، سراب بهشتی بی معانی حقیقی داشت.<sup>۲۲</sup> البته، شراب بهشتی یا سراب بی فرق داشت، همچنانکه میوه های بهشتی و اصوات و های بهشتی با میوه ها و نغمه ها و اصوات دنیایی فرق داشت؛ در هر حال، شراب بهشتی سراب بود و این لفظ معنای ی داشت.<sup>۲۵</sup> ولی شراب و خمری که باعث حال سکر می شد یگیری بود. معنای این الفاظ در واقع مجازی بود. از آنجا که حالی بود که از غلبه محبت بدید می آمد و مستی ظاهری بود که از نوشیدن سراب حاصل می شد، طبیعی بود که به این محبت را نیز به سراب و خمر تشبیه کنند در سخن رفتی، به قول هجویری، می گوید: «چه گویی در کسی که دریا های عالم سراب محبت گردد»، سخن بر سر محبت است که از غلبه آن سکر بدید می آید. همین محبت است که به تشبیه سده است، و وجه تشبیه محبت و سراب این است که موجب بیخودی و اسفاط تعمیر می گردند پس در ترکیب «ب محبت»، که يك اضافه تشبیهی است، مضاف الیه (محبت) است و مضاف (سراب) مسه به.<sup>۲۶</sup>

تشبیه محبت به سراب اولین مرحله شکل گیری معنای بی سراب است. در این مرحله این لفظ یا الفاظ مترادف آن، حمر و راح، هنوز معنای عرفانی به خود نگرفته اند. در این سراب معنای حقیقی دارد. این معنی در فروع بعدی نیز، در سحرای فارسی ریان، همچنان حفظ می شود البته در طی فروع، در اشعار سحرای فارسی ریان، بخصوص سحرای مسرب و عارف، تحولی در معنای سراب و حمر و باده و می می شود، بدین نحو که مضاف الیه (محبت) در این گونه باب حذف می شود و، در نتیجه تاسی، تشبیه به استعاره می شود و سپس همه این قبل الفاظ، همانند الفاظی که دال نصای بدن معسوق است، معنای محاری پیدا می کنند و به ت استعاره درمی آید. ولی، در عین حال، سحر بار هم در باتی حون «سراب محبت» یا «باده عسق» یا «می محبت» و آنها معنای حقیقی «سراب» و «باده» و «می» را حفظ شد. به همین دلیل است که سحر می تواند حیرهای دیگری به سراب و باده و می تشبیه و ارتباطاتی حون «سراب»، «سراب نیستی»، «سراب غرور» و امثال اینها استفاده<sup>۲۷</sup> اگر سراب و الفاظ مترادف یا همخانواده آن (مانند حام و میخانه و غیره) معنای حقیقی خود را از دست داده بودند، نوع تشبیهات نیز می بایست از زبان سحر حذف گردد.

ناوم معنای حقیقی سراب و الفاظ مترادف و همخانواده آن،

در جنب معنای مجازی و عرفانی این الفاظ، همان چیزی است که موجب بدید آمدن ساحت های دوگانه معنی در اشعار سحرای عارف و صوفی مسرب فارسی سده است در سحر عرفانی و صوفیانه ریان فارسی، همان طور که در جای دیگر شرح داده ام<sup>۲۸</sup>، معنای حقیقی شراب و می و باده و الفاظ اسعاری دیگر برون معنی است و معنای محاری و عرفانی آنها درو معنی. مسأله اصلی درباره

#### حاشیه

(۱۶) کشف المحجوب، ص ۲۳۰

(۱۷) همان، ص ۲۳۳

(۱۸) همان، ص ۲۳۳ اختلاف نظر اهل سکر و اهل صحو با هم در منابع بعدی بر تأثیر گذاشته است مثلاً ابن عربی در فتوحات مکیه (جاب اسماعیل یحیی، ج ۲، ۱۳، ۶۰۷) می نویسد «حلاح» من اریك حام نوشیدیم، ولی او مست شد و من هوسیار ماندم» از همین عبارت معلوم می شود که ابن عربی مانند حمید صحو را برتر از سکر می دانسته است

(۱۹) کشف المحجوب، ص ۲۳۳

(۲۰) مثلاً هجویری، در صحن گزارش خود، به عقیده حلاح درباره سکر و صحو اشاره کرده است. عقیده ای که نا عقاید نایریدیان و حمیدیان فرق داشته است. این مطلب در صحن گفتگویی که میان حلاح و حمید واقع شده ذکر شده است (کشف المحجوب، ص ۲۳۵-۴)

(۲۱) در ریان عربی البته اشعار عرفانی درباره سکر و شراب محبت فلا سروده سده بود در میان ابیاتی که از حلاح به جا مانده است این قبل اشعار دیده می شود، ولی حلاح معمولاً به مفهوم سفایب و کأس محبت اشاره کرده و بندرت از الفاظی که به معنای سراب است استفاده کرده است و در این موارد بر معنای حقیقی از آنها اراده کرده است، مانند این بیت که می گوید «مرحب روحک فی روحی کما / تخرج الحمره بالماء الالال» (دیوان حلاح، جاب ماسیون، پاریس، ۱۹۵۵، ص ۸۲)

(۲۲) هجویری خود را پیرو مذهب حمید معرفی کرده است و نوشته است که «مروفتی مذهب و مسهورترین مذهب وی (به ی حسد) است و مسایح من حمله حمیدی بوده اند» (کشف المحجوب، ص ۲۳۵)

(۲۳) سگریده سورة الانسان، آیه ۲۱

(۲۴) طاهرا در فروع بعدی، حدوداً از قرن هفتم به بعد، بود که صوفیه شراب ظهور بهشتی را بر به معنای محبت در نظر گرفتند مثلاً سگریده به اوراد الاحباب (ابوالمعاری یحیی باحری، ج ۲، به کوشش ایرح اصهار، تهران، ۱۳۴۵، ص ۲۴۱) و مفاتیح الاعشار فی شرح گلشن راز (محمد لاهیجی، تهران، ۱۳۳۷، ص ۶۰۸)

(۲۵) در بحثی که ابو نصر سراج در کتاب اللمع (به تصحیح بیکلسون، لندن، ۱۹۱۴، ص ۲۷۴) درباره معنای بهشتی ارجله حمر و مباح بودن آن معنای در دنیا، به استنای حمر، بیس کشیده است کاملاً مسهود است که در برد او حمر و شراب و ریحی بهشتی معنای حقیقی دارند

(۲۶) در ابیات عرفانی بر بر حلاح لفظ «راح» را به معنای حقیقی آن به کاربرده و از آن به عنوان مسه به استفاده کرده است

سیمی غیر مسوب	الی شیء من العیف
سمای ملما مسرب	کعبل الصیف بالصفیف
فلما دارب الکأس	دعا بالنطع والسیف
کذا من یسرب الراح	مع التین فی الصیف

(دیوان، ص ۷۳)

(۲۷) همان طور که حیرهای دیگر به سراب تشبیه شده است، محبت و عشق نیز به حیرهایی غیر از سراب و باده و می تشبیه شده است، مانند «زور عشق»، «چشمه عشق»، «آتش عشق»، «مطرب عشق»، و غیره

(۲۸) سگریده به معنای «رندی حافظ» (بحش اول)، در شرح دانش، سال ۸، ش ۶، مهر-آبان ۶۷، ص ۲۰-۱۵.

عبید نقل کرده است که:

کتب یحیی بن معاذ الی ابی یزید: سکرْتُ من کِ  
ماسرِب من کأسِ محبته. فکتب الیه ابویزید: غیرِک سر  
بحورالسّموات و الأرض و ماروی بعد، ولسانه حار  
و یقول: هل من مزید. و اسدوا:

سربت الحبّ کأساً بعد کأس

فما نقد السراب و مارویت<sup>۲۰</sup>

روایت سلمی از این داستان، چنانکه ملاحظه می شود، با روا  
فارسی هجویری فرو دارد. در روایت هجویری بایزید اس  
محب را به سراب تشبیه کرده است. این تشبیه احتمالاً با س  
تصرفات هجویری است، چنانکه در گزارش عربی سلمی  
اصیلترا است به کار برفته است. حتی یحیی بن معاذ نیز که بک  
به تشبیه محبت به سراب نزدیکتر شده است باز این مطلب  
تصریح نکرده است. وی فقط از «کأس محبت»<sup>۲۱</sup> (حام با،  
محب) و نویسیدن آن سخن گفته است. مستی او هور از مح  
است نه از سرابی که معنای محبت را پیدا کرده است با.  
مسیب به محبت شده. اما در بیتی که ظاهراً توسط ساعری م  
البته قبل از تفسیری، سروده شده و تفسیری آن را نقل کرده ا  
اولاً محبت به سراب تشبیه شده (نلو یحاً) و با ساس اس تس  
استعاره نزدیک گسته است (صریحاً). لفظ سراب در مصرع دو  
حقیقت بدل «سراب محبت» است، که ظاهراً بنا به صر  
سعری مسبه یا مضاف الیه آن حذف گردیده است.

در تعریف ابونصر از «سراب» و فولی که از ذوالنون نقل  
است و در داستان بایزید و یحیی بن معاذ، هر چند که سرب و سر  
به معنای حقیقی استعمال شده است، ولیکن مصادیق سراد  
این دو مورد فرو دارند در سخنان ابونصر هیچ قرینه ای بیس  
نشان دهد منظور از سراب مایع مسکر است. سرابی که در  
محب است و به گوارا بودن (تهنیه) وصف شده است می  
آب باشد. این ابهام در سایر موارد کاربرد سراب در نزد صو  
فرن سوم و حتی فرن چهارم هم وجود دارد. اساساً لفظ «سرب  
زبان عربی به معنای نویسیدن مایعات به طور کلی بوده است.  
آب باشد یا سیر یا خمر و غیره. در قرآن نیز لفظ سراب  
معنی کلی را دارد، چنانکه راغب اصفهانی در معجم، در تع  
سرب می نویسد: «السرب تناول کل مانع، ماء کان او غیره  
لفظ «سراب» نیز به هر نوع مایع آسامیدنی اطلاق می شده ا  
بخصوص در آیه «ارکض برحک هذا مقتسل بارد و سر  
(سوره ص، آیه ۴۲) سراب به معنای آب است. در فرن اول  
این لفظ به همین معنی عام به کار می رفته است، و حدوداً از

معانی این قبیل الفاظ در شعر فارسی ماهیت درون معنی و چگونگی  
پیدایش و تکوین آنهاست. در بررسی این مسأله، از جمله مسأله  
پیدایش و تکوین لفظ شراب و مترادفات آن که در اینجا دنبال  
خواهیم کرد، همواره باید توجه داشته باشیم که در تحولات  
معنوی این الفاظ (از حیث درون معنی) معنای بیرونی که همان  
معنای حقیقی است همچنان حفظ شده است و در واقع تحولات  
معنوی مزبور در سایه معنای حقیقی صورت گرفته است.

۳) از تشبیه به استعاره

اولین مرحله از مراحل تکوین درون معنی سراب، یعنی پیدایش  
معنای مجازی و عرفانی این لفظ و مترادفات آن، در اوایل فرن  
سوم هجری صورت گرفته است و سخنان بایزید بسطامی، که  
پایه گذار مذهب اهل سکر است، آغاز این تحول را تا حدودی  
نشان می دهد. در گزارش هجویری در این باره، چنانکه ملاحظه  
کردیم، در تشبیه اضافی «سراب محبت» لفظ سراب که مسبه به  
است معنای حقیقی دارد. لفظ شراب در عصری که او از آن سخن  
می گوید هنوز معنای مجازی پیدا نکرده است. معنای محازی  
زمانی ظهور می کند که این نوع تشبیه به استعاره نزدیک شود.  
آغاز این تحول را در سخنی که از یکی از معاصران بایزید بسطامی  
به نام ذوالنون مصری (ف ۲۴۵) نقل کرده اند ملاحظه می کنیم.  
یکی از مراحل باده نویسی، همان طور که قبلاً اشاره کردیم،  
شرب است که به دنبال ذوق یا حسیدن دست می دهد. ابونصر  
سراج در اللمع<sup>۲۲</sup> این لفظ را تعریف می کند و می گوید: «السرب  
تلقی الارواح و الاسرار الطّاهره لِما یُرَدُّ علیها من الکرامات و  
تنعمها بذلك، فشبّه ذلك بالشرب لتهنیه و تنعمه بما یُرَدُّ علی قلبه  
من انوار مشاهدة قرب سیّده». ابونصر، به دنبال سخن خود، از  
قول ذوالنون نقل می کند که «وردت قلوبهم علی بحر المحبة  
فاغترفت منه ریاً من السراب فسربت منه بمخاطرة القلوب فسهل  
عليهم کل عارضٍ عرض لهم دون لقاء المحجوب» (دل های  
ایشان وارد دریای محبت گردید و بهره ای از آن سراب نصیب  
ایشان شد و چون دلها را به مخاطره افگندند و از آن نویسند هر  
مشکلی که داشتند، جز مشکل دیدار محبوب، برایشان آسان شد).  
در اینجا مراد از شراب سراب محبت است. همان طور که دریافت  
باطنی از واردات قلبی به «سرب» تشبیه شده است، محبت نیز در  
کلام ذوالنون به شراب تشبیه شده و در عبارت «فاغترفت منه ریاً  
من السراب» مشبه به بدل مسبه گسته است. این مطلب را همچنین  
در بیتی که ابوالقاسم قسیری، به دنبال داستان گفتگوی بایزید و  
یحیی بن معاذ، نقل کرده است ملاحظه می کنیم.

داستان مزبور را قسیری از قول استادش ابوعبدالرحمن  
سلمی (ف ۴۱۲) نقل کرده و سلمی خود با دو واسطه از علی بن

م به بعد بود که فقها و نویسندگان این لفظ را بیشتر به معنای مسکر و حرام به کار بردند.<sup>۳۳</sup>

معنی از این نویسندگان قطعاً از صوفیه بودند، و احتمالاً نفس بیه در این مورد کمتر از نفس فقها بوده است. البته، صوفیه در سوم و چهارم، مانند دیگران، سراب را معمولاً به معنای عام (نوسیدنی) به کار می بردند، همان طور که در تعریف ابونصر بطن «سرب» ملاحظه می شود. به عبارت دیگر، لفظ سراب در قدیم صوفیه (در دوره کلاسیک یعنی هرون دوم تا چهارم) در اول به معنای مایع مسکر و حرام نبوده است، بلکه بیشتر به ن آب بوده است. ولی، در عین حال، سراب می توانسته است مسکر و حرام هم باشد. و وقتی صوفیه می خواستند این معنی لفظ سراب اراده کنند معمولاً از فریه استفاده می کردند. بر س مفهوم می توانست به عنوان فرینه به کار رود مسکر و ن بود و این مفهوم نیز، همان طور که اشاره کردم، بیشتر ط بایزید بسطامی و بیروان او که اهل سکر بودند مورد تأکید شد با همه این احوال، بار هم معنای غالب لفظ سراب در صوفیه معنای عام و مخصوص آب بود و صوفیه وقتی خواستند حالات عرفانی خود را به سکر ناسی از باده نوسی به کنند از الفاظ خاصی چون «راح»، «حمر»، و «مدام» استفاده کردند.<sup>۳۴</sup> ولی وقتی سراب وارد سفر فارسی گردید معنای آن به سر به مایع مسکر شد و این لفظ مترادف الفاظ عربی «خمیر» و «مدام» و الفاظ فارسی «می» و «ساده» شد.

بهامی که در معنای لفظ «سراب» در سخنان صوفیه در هرون و چهارم وجود داشت، همان طور که گفتیم، به وسیله فریه ریف می گردید و ما به دو نوع فرینه اشاره کردیم. یکی فریه یا می که معنای حقیقی لفظ سراب و سرب را از ابهام خارج کرد و معلوم می کرد که مراد ساعر از سرب نوسیدن باده و آب باده است. این نوع فرینه تا زمانی مورد نیاز بود که لفظ ب به معنای مطلق نوسیدنی بود. فرینه یا فراین نوع دوم هم یا مفاهیمی بود که برای اراده معنای محاری و عرفانی این یا فهم آن به وسیله مستمع یا خواننده مورد نیاز بود. فرینه نوع فقط از برای لفظ سراب بود که معنای حقیقی آن از حیطه ای معلوم نبود. ولی فرینه نوع دوم هم برای سراب بود و هم ن الفاظ دیگری که دال بر مایعاب مسکر بود، از قبیل «راح»، «می»، «خمیر»، «مدام»، «باده»، «می» و غیره.

از جمله فرایمی که برای اراده معنای محبت از الفاظ سراب و ر و امثال آنها به کار رفت مفهوم سکر یا مستی بود. تا زمانی که فیه محبت را به سراب تشبیه می کردند، و در این تشبیه سراب نمر به معنای حقیقی در نظر گرفته می شد، وجود فرینه لارم

بود. مثلاً در بیتی که قسیری به دیبال داستان بایزید و یحیی بن معاذ نقل کرده است،

سرت الحث کاساً بعد کأس

فما نفذ الشراب و مارویت

لفظ شراب در مصرع دوم مسبه است و مشبه آن که حذف گردیده است حث است اما از کجا بدانیم که این شراب به معنای مایع مسکر و حرام است؟ در خود بیت فرینه ای به کار نرفته است، اما داستانی که این بیت در تلو آن نقل شده است درباره سکر و مستی است، سگری که از غلبه محبت پدید می آید. از آنجا که ورود محبت به قلب به نوسیدن تشبیه شده و محبت در جام ریخته شده و از آنجا که ساعر در مصرع اول به نوسیدن محبت تصریح کرده است، خواننده مراد فایل را از مصرع دوم بخوبی می فهمد. به طور کلی، در حملات و ابیاتی که صوفیه در این دوره (دوره ای که سراب و حمر و غیره نامعنای حقیقی ولی به صورت مشبه به به کار می رفته است) نقل کرده اند، مینه بحث (context) قراین کافی در اختیار خواننده فرار می دهد. اما وقتی تشبیه به استعاره بدل می شود و این الفاظ معنای مجاری پیدا می کنند، نفس فرینه نیز بتدریج ضعیف و محو می گردد. این تحول خود یکی از حوادثی است که همراه با بیدایس سفر صوفیانه در زبان فارسی در تجربه درونی و احساس باطنی صوفیه نسبت به سفر و الفاظ خاصی که در اسعار عارفانه و حمری به کار می رفته است پدید می آید. محل اصلی این حادثه نیز مجالس سماع است. علی هذا، برای بررسی این حادثه و ابعاد آن باید بار دیگر برگردیم به مجالس سماع صوفیه در هرون و فریه و نظریه ایسان را درباره تجربه درونی و قلبی مسمعان در هنگام استماع شعر مطالعه کنیم.

حاشیه.

(۲۹) التلمع، ص ۳۷۲

(۳۰) الرساله العسیره، به کوشش عبدالعلیم محمود و محمود الشریف،

قاهره، ۱۹۷۲، ج ۲، ص ۶۲۰

(۳۱) تعبیر «کأس محبت» در یکی دیگر از اقوال دوالون مصری به کار رفته است ابونصر سراح در صص تعریف «دو» این قول را نقل کرده است «الدوق انتداء السرب، فال دوالون رحمه الله لما اراد ان یسقیهم من کأس محبتة دوقهم من لدادته والمعهم من حلاوته» (التلمع، ص ۳۷۲)

(۳۲) معجم مفردات الفاظ القرآن، راعب اصفهانی، به کوشش بدیم مرعشلی، بیروت ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م، ص ۴-۲۶۳

(۳۳) سگرید به فرهنگ عربی - انگلیسی Arabic-English Lexicon، تألیف لین (E. W. Lane)، ج ۲، ص ۱۵۲۸. لین تبدیل معنای «شراب» به wine را به فقها و نویسندگان دوره post-classical بسط می دهد

(۳۴) مثلاً حلاح در ابیاتی که مثلاً از او نقل کردیم (یادداشت ۲۶) از نوشیدن «راح» سخن گفته، و «راح» را به معنای حقیقی لفظ (مایع مسکر) به کار برده (به به معنای عرفانی که بعداً از برای باده و می پیدا شد) و از آن به عنوان مشبه به استفاده کرده است

## منظومه عاشقانه\*

ی. ک. پورگل  
ترجمه فرزانه طاهری

عداد همین نوع به حساب آورد.

منظومه نارسى دو مسخهٔ صورتى دارد. يکى اينکه در فامنى است و دو مصرع هر بيت باهم فافيه مى سويد، و د اينکه در يك بحر است که در سرتاسر شعر نابت مى ماند<sup>۳</sup> مط معمولاً از لحاظ ساختار دروى عناصر روايى و توصيفى را بر مى کند. در بخش روايى ساعر معمولاً بر خطى مسسم به مى رود و زباني کم و بيس ساده به کار مى گيرد، حال آنکه بحسهاى توصيفى تمام تبحر کلامى خود را با استعارات و لفظى به نمايس مى گذارد. عناصر ديگر عبارت اند از تگ گو گفتگو (که غالباً به شکل نامه است)، تعنى، ميل، و تأمل اندر رهاى ساعر. نظامى در منظومه هاى عاشقانه خود عناصرى بسيار سخسى را وارد مى کند، مانند گفتگو با سرى مريه براى اهارب. در ضمن، نظامى نخستين ساعرى است مقدمه طولانى را باب کرد که در آن به حمد خداوند مى بردا نعت رسول و مدح معدوح که کتاب را به نام او کرده است؛ و سبب انتخاب موضوع و نظم کتاب سخن مى گويد.

بدين ترتيب، در منظومه عسمى ايران همه انواع ادبى گرد مى آيند: شعر غنائى، مدحه، بند و اندرز، هجو و وصف. نوع منظومه عاشقانه از اين لحاظ بى نظير است که ابياى مع منسجم دارد، شخصيتهاى مى سازد و به ساعر اين امکار مى دهد که چيره دستى اس را نشان دهد؛ نه تنها در سرودن شعر در عرصه داستان سرايى و تعنى و تحليل روان انسان و عال صورت نصيحت گرى مسوق که نصايح خود را نه با الفاظ ح بلکه در قالب نمونه هاى زنده عرضه مى کند.

منظومه عاشقانه ايران با فوالب کوتاه شعر، بويره ۶ ارتباط خاصى دارد. آنچه در غزل تنها به اسارتى بيان مى سود منظومه به کمال تشريح مى گردد؛ آنچه در غزل انتزاعى است

منظومه هاى ادب نارسى بکى از گنجينه هاى گرانيهاى آن است و شايد هيچ شاخه اى از اين منظومه ها براى عامه خوانندگان و به مذاق غريبان جذابتر و بر کس تر از قصه هاى عسمى يا منظومه هاى عاشقانه نباشد. اين حکايتها در خلق بسيارى از زيباترين مايه هاى اصلى ميساتورهاى ايران الها مبخش بهترين هنرمندان ايرانى بوده اند. سيرين که بر ندى نيلگون بر ميان در چشمه اى تن مى سويد و دل داده او خسرو از نهانگاه به او مى بگرد؛ يا مجنون که تنها و برگسه بخت در بيابان است و وحوس بر گردش حلقه بسته اند و به عرله هاى گوس مى دهند که در آنها از عشقى ناکام اما خلل نا پذير سخن مى رود.<sup>۱</sup>

عاشق و معشوقهاى منظومه هاى بزمى ايران، هم خون خسرو و شيرين، وامق و عذرا، ليلى و مخون نمونه هاى نخستين عشق اند که در اشعار غنائى ايران بارها و بارها از آنان سخن رفته است.<sup>۲</sup> برخى از اين داستانها و مايه هاى اصلى اندکى بعد حتى به ارويا هم مى رسند و، همان طور که بعداً خواهيم ديد، در نويسندگان غربى تأثير مى گذارند. با اين همه، منظومه هاى عاشقانه نارسى، به رغم همه آن جنبه هاى جذاب، توحه را که بايد و سايد در غرب و در ميان پژوهشگران يا عامه خوانندگان بر نينگيخته اند. بنا بر اين، در اينجا تلاش مى کنم تا خواستگان را با سير تکامل اين نوع منظومه و مهمترين سرايندگان آن و خصوصيات ويژه هريك آشنا کنم.

### خاستگاه و نخستين جلوه هاى منظومه عاشقانه

«منظومه عاشقانه» معمولاً به معنائى قصه هاى عسمى است. مقصود ما از قصه هاى عسمى فقط منظومه عاشقانه است، گرچه مى توان قصه هاى عسمى منثورى چون اثر معروف جهل طوطى را، که اولين بار نخشبي در قرن چهاردهم از سنسکريت ترجمه کرد، در



به صورت عسی می‌گیرد؛ روح غزل از منظومه عاسفانه  
ب و حو می‌گیرد و بنابراین این نوع شعر برای غزل حکم  
لمی ضروری را دارد.

داستانسرایي در ادبیات عرب اصلاً وجود نداشت، حال آنکه  
مان آغاز در ادبای ایران سکوفاسد. به احتمال، زندگی  
ن و به تبع آن بی‌هراری و ناامنی دایمی، برای رسد هنری  
ن و فتگیر مساعد نبوده است. همان‌طور که می‌دانیم، سنت  
ی اعراب جاهلی در دوران اسلامی بیرایح بود و از فرای  
آید که رخصت هیچ‌گونه نوآوری انقلابی نمی‌داد. ارسوی  
، ایران سب هزار ساله منظومه حماسی داشت. سکی بیست  
این خود سنتی بود بهلوانی، اما حانه‌های آن می‌سد  
به‌های عناصر عاسفانه را دید که گویا فقط مرصد بودند تا در  
ی مساعد به سکی مسفل نالند

سیاری اروفایع در حماسه ملی ساهامه رنگ و بویی عاسفانه  
ن علاوه بر داستان عسفی خسرو و سوس، که نظامی آن را  
س کرد و صورتی کلاسیک به آن بخشید، داستانهای زال و  
به، رستم و تهمنه، سرن و میره، و عاسی و معسوفهای دیگر را  
ماهنامه می‌بینیم که همان ماه‌های اصلی هجران و وفاداری،  
سه و جوانمردی، عشق و حسد و غیره در آنها یافت می‌سود.  
مصامین منظومه‌های عاسفانه از منابع دیگری نیز مایه  
نه‌اند. قصه اسکندر کالیستس دروعین در میان داستانهای  
ل، که از آن جمله است قصه‌های برگرفته از منابع عبری و  
ی و هندی و نیز سایر منابع یونانی، جایگاهی خاص دارد.  
ی نیز از منابع سس از اسلام مایه گرفته‌اند دست‌کم يك  
مه عاسفانه فارسی، ویس و رامین گرگانی، به فارسی میانه  
دداسته، اما مدتها پس از آنکه این منظومه از نو زنده سود،  
های عاسفانه دیگری به نظم درآمده بود.

عصری، مدیحه‌سرای برگ دربار محمود عربوی، با استناد  
مابع معتبر چند منظومه عاسفانه سروده است.<sup>۴</sup> بخشهای  
یکی از یکی از آنها، وامق و عذرا، اخیراً در تعمیر صحافی  
نه حطی دیگری که خود حندان اهمیتی ندارد یافت سد.<sup>۵</sup>  
راز محتوای این منظومه حندان چیزی نمی‌دانیم، اما گونه  
سی که ابیات ریسر را می‌سرود، حیی ارما هم کمتر  
است؛

کس نمی‌داد

حه می‌کردند و چه می‌اندیسیدند

لیک می‌دانیم

که عاسی بودند

و همی ما را بس آن گاه که ار وامق و عذرا می‌رسیم<sup>۶</sup>

امهای خاص یونانی در متن منظومه نسان می‌دهد که منبع

اصلی آن یونانی بوده است و از قطعات به‌جا مانده می‌توان  
دریافت که داستان یکی از همان وقایع پرشور و عاشقانه است با  
هجرانهای مکرر و وصل سادمانه در نایان که نمونه داستانهای  
دوره احیر یونانی‌مآبی است.<sup>۷</sup> یکی دیگر از منظومه‌های عشقی  
عنصری به نام حنگ‌ب و سرخ‌ب افتباسی بوده است از  
افسانه‌ای هندی درباره دو بیکره بودایی، که با توجه به گفته  
بیرونی در التهمیم لاوائل صاعده‌التنحیم<sup>۸</sup>، تا آن زمان هنوز در  
بامیان پربا بوده‌اند.

قصه عسفی عربی منبع اصلی نخستین منظومه عاشقانه  
موجود فارسی یعنی وره و کلساه عیوفی بوده است. در این  
داستان، سربوس و حانواده مایع وصل دو دلدا در دوران کودکی  
می‌سوند. این دو، که دل در گرو عسی هم دارند، بر آن می‌شوند که  
تا دم مرگ عسی ناک و خلل نایدیرسان را از سر بیرون نکنند.<sup>۹</sup>  
البته مسهورترین قصه عسفی از این نوع، داستان عشق قیس،  
ساعر عرب، یا محنون و محبوبس لیلی است. اما این داستان در  
فرن دوازدهم [سسم هجری] به صورت منظومه فارسی تمام عیار  
درآمد و شکل گرفت ارسوی دیگر، قصه یوسف و زلیخا، که اصل  
حاشیه.

\* این مقاله از مسع ریر ترجمه شده است

J C Burgel, «The Romance» in Persian Literature, ed E Yarshater  
N Y, Bibliotheca Persica, 1988

(۱) کتاب ریایی که از این مینباتورها گرد آمده، آینه جهان عیب قصه‌هایی از  
حسبه نظامی، نام دارد با مآلای ار خلکوفسکی، سونسک و اتینگهاورن (نیویورک،  
۱۹۷۵)

(۲) برای مثال، ن ک دیوان سمس سریری، حلال‌الدین رومی، تصحیح  
فرورانه، غزل ۵۳۲، بیت ۴ و ۵

احسرو وداع ملک خود از بهر سیرین می‌کند

فرهاد هم از بهر او بر کوه می‌کوبد کلند

محنون ر حلقه عاهلان از عسی لیلی می‌رمد

بر سلب هر سرکسی کردست وامق ریشخند

(۳) مثلاً ویس و رامین گرگانی و خسرو و سیرین نظامی در بحر موسوم به هرح  
سروده شده‌اند. معاعیل معاعیل معاعیل (هر مصراع یارده هجا دارد)؛ ساهامه  
فردوسی و اسکندرامه نظامی در بحر متعارف سروده شده‌اند. فعول فعول فعول

فعول

(۴) J Rypka, History of Iranian Literature (Dordrecht 1968), p. 175ff  
(با ترجمه فارسی سهای تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴)،  
ص ۲۸۲.

(۵) ن ک. وامق و عذرای عصری، تصحیح سامی (لاهور، ۱۹۶۷)

(۶) J. Goethe, «Noch ein Paar», West - Ostlicher Divan

(۷) G. E. von Grunebaum, Der Islam in Mittelalter (Zurich and  
Stuttgart, 1963), p. 389

(۸) D. J. Boillot, L'oeuvre d'al-Beruni. Essai Bibliographique, Institut  
Dominicain d'Études Orientales du Caire, Melanges 3 (Cairo, 1955),  
p. 204, n. 83.

(۹) که «عسی عذرا» خوانده می‌شود و آشکارا از لفظ عذرا (ماکره) گرفته شده

است، ن ک ریپکا، ادبیات ایران، ص ۱۷۷.

می دهد، با تندى با زرد رو به روی سود و تفضای نابخردانه مو را رد می کند. اما موبد با فساری می کند و جنگی درمی گیرد که آن فارن حان می نازد.

حندی نمی گذرد که موبد با تهدید و بیسکس سهر و رارام می کند که ویس را نه او بسپارد. اما در راه مرو، نسیمی ناگهان بر از عمارى ویس کنار می زند؛ رامین، برادر کوحك سلطان موبد، فرمان دارد که ویس را تا دربار ساه همراهی کند، جهره و وس می بیند و به يك نگاه دل از کف می دهد. بافی داسان ماحراحد بر طول و تفصل و برکسی است از توطئه ها و صلح و صفاد رودگذر. س از آنکه رامین نه دسپاری دایه و س موفی می - مهر خود را در دل او جای دهد، و س از آنکه ویس بارها نه مو می گوید که هر گر نمی تواند او را دوست ندارد خون دل در عس رامین دارد، اس دو دل داده حوا موبد سالحورده می فریبند و اغلب برنده های را که برای ناکام گذاردن آنها نه می بندد حنی می کند و اردام محاراب او می گیرند و همسه دایه و س در اس میان مهمترین عامل است سرانجام و گرازی وحسی موبد را ار نای درمی آورد، ویس و رامین که ک بیستر با گنجه های او گریخته بودند، فله اس را تصرف می ک دودلداده جوان س از این فتح حوس تا نایان عمر نه دادگری سراسر ملك حکم می راند

اررس این مظلومه عاسفانه تنها در يك حبه آن بیست، ر علاوه بر اینکه مملو از ماحراهای نمایی است، تسلط گرگانی نیز در ترسم سخنها نشان می دهد. شخصیت های نمایی او طریق کنسها و بویه تک گوئیها و گفتگوهایسان ذات حویس آسکار می کند. به بدر می توان دید که خود سراینده درباره ا حکمی بدهد و به عهده خوانندگان است تا خود در باب سخص فضاوت کنند. اما روس است که ویس و رامین عاسه راستین اند. عس به ناگهان، بی آنکه محال مقاومتی باقی گدا وجودسان را لبریز می کند و هر دو حاضرند هر رنجی را نه عسق تاب بیاورند، گرچه رابطه سان رابطه ای بی سک نامسر است. ار آن سو، موبد فردی اخلاقی و سرد ترسیم می سود همیشه از حق به ظاهر مسروع خود براساس سمان س سوء استفاده می کند. بنابراین ساید نام او از سر اتفاق اسه نسته باسد. اما رفتار س با وس، گفته های سنگدلانه، ایرادهایس و مجازاتهای ظالمانه اس که حرکات آستی حویا تقاضاهای تاره و خودفریبهای حدیدی به دنبال دارند باره بارها نشان می دهد که اصلا توان دوست داشتن او را ندارد س موبد تا به وجه نفسانی عس نیز کسیده می سود: دایه، نه س ویس، مردانگی موبد را طلسم می کند؛ این جادو فرار است ک دوام بیاورد. وقتی که سیل طلسم را می سويد و با خود می،

آن عبری است، و خلاصه ماجراهای آن به زیبایی تمام در سوره دوازدهم فراس آمده است، در قرن یازدهم [نجم هجری] به حامه امانی مظلوم سده است. (فبلا آن را به فردوسی سست داده بودند.) چهار فرس بعد، جامی، ساعر بزرگ، دوباره آن را منظوم کرد.

### فخرالدین اسعد گرگانی

در میان منظومه های عاسفانه در ایران، می تردید مظلومه ویس و رامین اثر گرگانی اولین اثر بزرگ به سمار می رود که در حدود سال ۴۴۲ هـ. ق. سروده سد. نه گفته خود ساعر، اصل داسان به پهلوی بوده است و فاقد آرایسهای لفظی و معوی؛ میورسکی ثابت کرده است که اسن ماده خام در اصل نارتی بوده است<sup>۱</sup> طرح داستان که نه سبب سباهب حرب آورس نه داستان ترستان مشهور است، ماجرای حندی تنی است در دربار مرو و در حراسان و دربار ماه در غرب ایران. مرو مهر سلطان موبد و برادر کوچکترش، رامین، و نابرداری و وریرس، رد، است. در ماه پادشاهی به نام فارن حکمروایی می کند که سرانجام در حنگ با موبد کشته می سود و همسر س، سهر و، سسر س، ویر و، و دختر س، ویس، از او می مانند. اما اسن آغاز داستان نیست. در ابتدای داستان، دو دربار در جشن و سروری ساهانه در دربار فارن گرد آمده اند. موبد، که مجذوب زیبایی سهر و سده است، گستاخانه از او می خواهد به همسریش در آید. سهر و یادآور می سود که زنی است شوهردار، اما پیمان می بندد که اگر دختری به دیا آورد، دختر را به همسری او در آورد. تمامی داسان، چنان که سراینده نیز متذکر می شود، بر همین نکته بنا می سود:

بگر تا در چه سختی او فتادید

که باراده عروسی را بدادید

ویس، که کمی بعد به دنیا می آید، در دامان دایه ای حیلر اما وفادار پرورش می یابد و بنا بر سنت کهن ایرانی به عقد اردواح برادرش ویر و درمی آید. در روز عروسی، سادی سور ناگهان با حضور بدشگون زرد منقص می سود، زیرا او که رسول موبد است، از شهر و می خواهد ویس را به او بسپارند و پیمانی را که شهر و زمانی با او بسته بود به یادش می آورد. سهر و آسفته می شود، اما ویس که اولین بار است خلق و خوی خود را بروز

بھی ار ارار رساند، نه درگران با امر به «خدمت نه خلق ار دل و  
حان» تکمیل می‌سود

نار همه می‌کس از بوانی

بهر چه ر نار کس رهایی

و در واقع اوج انسان‌دوستی نظامی تصویری است که از رن  
می‌دهد. او رن را سرباز هم‌قدر مرد تصور می‌کند - سرباز ار  
گرمی و عسق و در عین حال معرور و دارای اراده‌ای آهسته و  
سجاع در انار او می‌توان تمایزی اسکار با سناری ارداسانه‌های  
سرق یافت، چرا که در آنها سر حصلت دانی سربس رانه بسب،  
بلکه سیحه محط فاسدکننده حرمس است<sup>۱۲</sup> در نتیجه نظامی  
می‌گوید

یکی حفت بها را س بود

که سبار کس مرد بی‌کس بود

انسان‌دوستی نظامی بر اعتقاد مذهبی او اسوار است اما او با  
کور دلی و تعصب عباد دارد. در نصحت نه فرید حویس محمد،  
نارها از او می‌خواهد که خود را بساسد با اتحاد عقل و حان و  
داس راسس حاصل کند

عقل با حان عطیه احدست

حان با عقل رنده اندست

سراجم آنکه انسان‌دوستی نظامی عرور و ارادگی را ناهم جمع  
می‌ارد او در تمامی سروده‌ها س خدمت نه ساهان سدادگر را  
بھی می‌کند

ای از حوان خود دهی به کسان

نه که حلوا حوری ر حوان حسان

از جلوه‌های بیوغ نظامی یکی هم این است که منظومه  
عاسفانه را وسیله اسفال معضدات اخلاقی حوس ساخته است.  
در حمسه مسهورس، اولین منظومه، یعنی مخرن الاسرار،  
اندرنامه‌ای است با بیست حکم اخلاقی که هر یک نه قالب  
داسانی سان می‌سود. بعد از آن سه منظومه عاسفانه خسرو و  
سیرین، لیلی و محون، و هفت بیکر سروده سده است؛ منظومه  
آخر، اسکندرنامه، ترکیبی است از عناصر تعلیمی و بهلوانی و  
عسقی.

از این سه منظومه عاسفانه، خسرو و سیرین ار دوتای دیگر

#### حاشیه

(۱۰) ن. ک. V. Minorsky, *Iranica* (Tehran 1964) p 151ff حکیده این  
نظر به و نظریه‌های دیگر می‌بر مسأله ویس و رامین در ادبیات ایران، نوشته ریکا  
امده است

(۱۱) باب ۱۳ از کتاب نکاح از صحت نحاری که در فرن سوم گردآمده است

(۱۲) اکبری حیدر او نارسیده

حیات کاری سهوت ندیده

همچنان به جای خود باقی می‌ماند

طریق یکی از اساراب ریبای گرگانی، که در وصف  
ونی موبد و رامین برای یافتن ویس است، می‌توان تفاوت  
ن دورا دریافت. بیانان در جسم رامین گلستان است، اما در  
موبد طبیعت همچنان ملال آور و نفرت‌انگیز می‌ماند تا آنجا  
افتن ویس نومید می‌سود و بر پسان و درمانده نار می‌گردد  
دو عسق کنار وصف دو رابطه دیگر می‌اند روابط راسونی  
با برادرش و پرو، که مسروع است اما سعادمندانه بسب، و  
نی کوتاه رابطه رامین و سهدحت گل (همای ماحرای  
ان و ایزوت سسددست) اما این دو رابطه هر دو در فیاس با  
تمام عیار ویس و رامین، که همه وجود آنها را فرا گرفته،  
بی‌نازند.

#### نظامی گنجوی

نه گرگانی، با همه اهمیت ادبی، بحب السعاع انار ساعر  
سسم، نظامی، فرار گرفت که ناکون نزرگترین ساعر در  
منظومه‌های داستانی فارسی است بحلاف گرگانی، که  
که‌ای از زندگی خود را فاس می‌کند مگر ماحرای عسق  
ن را، نظامی در منظومه‌های عاسفانه اس نارها و نارها ار  
افاریس می‌گوید. می‌داسم که تمام عمرس را در گنجه نه  
ده است، سه همسر (یکی بعد از مرگ دیگری) اختیار کرد،  
اولس، آفاق، برایس سیری به دسا آورد که محمد نام  
'و غیره. جالبترین نکته در این بخشهای حدیث نفس عسق  
نه آفاق است، کیزکی ار ترکان فبحافی که امیر در سده  
سله منظومه اول او، مخرن الاسرار، برایس فرساده، نظامی،  
که بنابر سرع انور مالک آفاق بود، او را به عفت دایم خود

عمل، که حاکی از مهربانی و تفوای ساعر است (و در  
اسلامی نیز توصیه می‌سود)<sup>۱۱</sup> با انسان دوستی او که در  
آبارش، چه در بیانات مسقیم و چه در کس شخصیت‌های  
د است، همخوانی دارد. از این روست که درباره خود  
ید:

تا من سم ار طریق روری

ناررد رم جناح موری

سکار این حیوان بود، اما نظامی با استفاده از جناس لفظی حال و هوایی اندوهگین ایجاد می‌کند. نافل داسا. بر روی اند که به عهد بهرام درآمده‌اند؛ اینها دختران ر افریماهای هفتگانه حفرایای باستان‌اند، و هر داستان بر تلمیح‌هایی به خصایص همان افریما و همه چیزهایی که در اما در ضمن، رعایای داسا از وزیری بیدادگر در ر نهانی با دشمن همدست شده است و مردم را می‌آزار سکایت هفت مظلوم از وزیر در بی هفت رواب مسج عسفی از هفت گنبد موجب می‌شود که خواننده از بد او سود.

اولین داستان در باغی حادویی در آسمان می‌گذرد زیارویی که به خیال در نمی‌گنجد، ناکنزکاس می‌رید برگزیده قدم به آن باغ می‌گذارد و به یک نظر دل به باو می‌بارد. نانو می‌گذارد میهمان تمام رور بوارسس کند هنگام او را از خود می‌راند و می‌گوید که اس سه می‌تواند با یکی از کبیرکان فرو نساند، و نباید تا چهل رو نسود از او کام دل بخواهد. اما عاسی عان ار کف می نتیجه معضوب بر روی می‌شود و ناگهان با حسرت تما بار بر زمین می‌یابد. حال او رار سهر ساه‌نوسان را می یکی از اهالی آن سهر طریق وصول بدان بهست موعو، نسان داده اما راز ماندن در آن را براس فاس نکرده، مضمون داستان آخر هم لزوم صبوری برای ر آرزوست، اما در این داستان این حکم اخلاقی با طنز می‌شود. فهران حوان داستان بر اری سکیبی در و، مضحکی فرار می‌گیرد تا سرانجام درسی را که باید، می‌آ ناس آن به وصل جانان می‌رسد.

نظامی، که از هر نظر ساعری است چیره‌دست، ار - خود با خبر بود. او در نخستین ابرش، محزن/الاسرار، از خود بر دیگر ساعران سخن می‌گوید و با اساره بلافصلش سنایی (که فقط منظومه‌های تعلیمی م می‌گوید:

گرچه دران سکه سحی خون ز رست  
سکه رزمی از آن بهتر است

نظامی در همه عرصه‌های سحری چیره‌دست است. غناء بهره‌گیری از استعاره‌های بدیع را می‌توان در توصیف طبیعت و اندامها و لباسهای زیبا و بناها و غیره دید، و مک به گونه‌ای ساخته می‌شود که با حالت کنش همخوان با، مثال، صحنه‌های عاشقانه میان خسرو و سیرین در بهاری رخ می‌دهد و گفتگوهای عتاب آلودسان در زمستان (ترنندی که گرگانی پیشتر به کار گرفته بود). نظامی از

محبوبیتی بسار بیستر دارد. خسرو همان خسرو پرویز، آخرین پادشاه ساسانی (ح ۵۹۰ تا ۶۲۸ میلادی) [۷ هجری] است؛ سیرین، محبوب خسرو، سهدختی ارمی است.

هویت واقعی و تاریخی سیرین هنوز به یمن روشن نیست. او در شاهنامه رقیب مرم را مسموم می‌کند<sup>۱۳</sup>، اما نظامی چنین کاری را از جانب سرین امکان‌پذیر نمی‌داند<sup>۱۴</sup> چرا که آن را مغایر با سرست او می‌داند. بر اساس گفته‌های خود نظامی که در آنها مرگ نابهنگام سیرین را به مرگ همسر آفاق تسبیه می‌کند و کمی قبل از مرگ خود با عاشقانه‌ترین احساسات ار آفاق سخن می‌گوید، بر تلس<sup>۱۵</sup> نتیجه می‌گیرد که نظامی سیرین را که یکی از درخشانترین شخصیت‌های ادب جهان است، به ناس خاطره همسرش خلق کرده است<sup>۱۶</sup>. به هر حال، سیرین نظامی، گرچه مخلوق ادبی است، تجسم حقیقتی است والاتر از هر حقیقتی که دفت تاریخ‌نگاران قادر به ارائه آن باشد. از آنجا که نظامی در بخشهایی از اول منظومه اس عشق را نیروی عظیم زمین و آسمان می‌داند که خلق منبعث از آن است و حرکت عالم بدو باز بسته است، می‌توان دریافت که می‌خواسته بعد عشق را خلق کند<sup>۱۷</sup>. اما حتی اگر این ابیات را نادیده بگیریم، در برگ برگ این منظومه عاشقانه سخن از عشق است، با همه ناکامیها و کامیابیهایش.

منظومه سوم نظامی، لیلی و مجنون، نیز بر مدار عشق است. این دو نیز چون ورقه و گلشاه در کودکی دل به یکدیگر می‌بندند. اما پدر و مادر لیلی نقشه‌هایی دیگر برای او در سر دارند. آنها او را از دیدار مجنون منع می‌کنند و وقتی اندک اندک در مجنون نشانه‌هایی از جنون دیده می‌شود، بهانه‌ای محکم به دستشان می‌افتد. در واقع، گویی مجنون بیشتر شیفته خیال لیلی است تا خود او، و بنابر این ارفه صحرای عربی می‌شود، همنشین و حوسی که به عزلت‌های عشق و ناکامی او گوش می‌دهند.

داستان چهارم نظامی، هفت بیکر، قطعاً عاشقانه‌ترین منظومه‌های اوست. در این مجموعه هفت داستان عشقی مستمل هست که هر یک در میان قصه‌های عاشقانه گوهری است یکتا. باز هم فهران یکی از شاهان ساسانی، بهرام گور (سلطنت ۴۲۱ تا ۴۳۹ میلادی) است. می‌گویند او گور لقب گرفت چون شیفته

ربی نو سانه و اسنه نمکند

ر - جنی سده نه کوه و دشه ماند

ییب ریر نا هه، کوباهی مستخصاً سان دهنده نمادگرایی در  
سعر نظامی است؛ در این سب ساعر یکی از حماسهای متعددس را  
در باب نام سیرین به کار می برد

م سیرین سده تلخ در دست

از آن تلخی و سیرینی جهان مست

### امیر خسرو دهلوی

حدود يك قرن پس از نظامی، نخستین مقلد بزرگ، حمزه او ظهیر  
کرد. امیر خسرو دهلوی ساعری است هندی-ایرانی که در  
آفرینش ادبی اعجوبه ای بود، چون گفته اند که حمزه اس را در  
کمر از سه سال به نایاب رساند البته نیازی به گفتن نیست که  
اسعار او از حیثی و عمق معنوی اسعار نظامی بی بهره است  
امیر خسرو دهلوی، همچون نظامی، هر ارس را با حیدرند  
مقدمه اعاری می کند که به حمد یردان و نعت پیامبر اکرم و مدح  
نارسیه ممدوح و مرثیه برای سیر یا دحیرس و سب نظم کتاب  
احتمالاً دارد. اما امیر خسرو مقلدی بی حور و حرا نیست.

حاشیه

۱۳

از مریم همی بود سیرین نه درد

همیشه، رسکش دورحساره درد

نه فرحام سیرین ورا رهر داد

سند ان حورح ماه فسر براد

احمیں گویند سیرین تلخ رهری

نحورس داد از آن کو حورد بهری

وگر می راست حواهی نگذر از رهر

به رهر الود هم بردش از رهر

(15) Y E Bertels, *Izbrannye trudy Nizami Fuzuli* (Moscow 1962),  
p 225

۱۶

اسکرو حور ب فحای م بود

گمان افتاد حور کاهای م بود

همایون سگری مهر و خردمند

فرستاده نه می دارای در سدا

اگر اندیشه کی از راه پیش

نه عشق استاده است آفریش

گر از عشق آسمان آزاد بودی

کجا هرگز رمین آباد بودی

فلک حر عشق محرابی ندارد

جهان بی خاک عشق آبی ندارد

اگر بی عشق بودی حان عالم

که بودی ریده در دوران عالم

(۱۸) برای توصیف برخی از صناعات ادبی نظامی، ن ک

H Rutter, *Über die Bildersprache Nizamis*, Studien zur Geschichte  
und Kultur des Islamischen Orients 5 (Berlin and Leipzig, 1927)

۱۹

[سوادنی نه بر آن شگون عمارتی

حر آن عصمت که باشد پرده داری]

حسیدن نه طبیعت نه منظور کنایات ظریف با همین اسادی  
داده می کنند. برای همین در توصیف سنی که عشق حسرو به  
بی حبان سعه ور می شود که نزدیک است مهر از صدف او  
در نظامی آسمان مهتابی را به عمارتی سیه می کند<sup>۱۸</sup> که برده  
س را برداشته اند و حجابی جز با کدामी نماده است<sup>۱۹</sup>.  
بی در خلق گفتگو و ترسیم شخصیت و ساختار روایت بیر  
است. اما در همه جا هیرس از حبان روحی سرسار است که  
رمی اسان یاب و سطحی را بر نمی تابد. شعر نظامی  
مان فهم نیست، حواسندس اغلب دسوار است، اما  
نه شعر است و در سبجه خواسته ساداس تلاس حویس را  
یرد

عبر نظامی چه تفسیری رمی را بر باید چه بر نماند، داستاها  
نستهای او در وهله اول فائمه به دات خودید، نمایشگر ریدکی  
اند، نه تحربه عرفانی یا سیر در عوالم درونی در عین حال،  
مده هوسمند به سرعت درمی یابد که نظامی از ارس نمادین  
سهای که تصویر می کرده نه حویبی آگاه بوده است. دیدار  
و و سیرین در کنار حمزه ساند نمونه حویبی باسد. آیا عوطه  
سیرین در آب حمزه، آن هم وقتی نه قصد دیدار حسرو به راه  
است، نمادی از غرقه شدن او در عشق، حمزه ریدگانی،  
و آیا خود دیدار - وقتی که عاشق و معشوق یکدیگر را  
وید و می بینند اما نمی سناسند - نماد درونی بودن عشق آنان  
؟ این دو در استیاق هم می سورید، اما هنوز از ذاب حقیقی  
گر بی خبرند و در نتیجه آماده وصل کامل نیستند.

استانهای نظامی لایه های معنایی دیگری هم دارد:  
تهای بیرونی اغلب با سیر تکامل درون همخوان است و این  
نه معنای دقیق کلمه عرفانی نباشد، باز می توان در برخی از  
های عشقی او به سادگی تمام معنایی عرفانی یافت. از چند  
در خسرو و سیرین می توان دریافت که نظامی از معای  
ن قصه های پریان با خبر است:

نپوشد بر تو آن افسانه را راز

که در راهی زنی شد جادویی ساز

یکی آینه و آن شانه را جست

کزین کوه آمد و زان پیشه بر رست

سراینده آن است

۱) در ساهامه طرح کوتاه و ساده است و نه سکلپی. سر  
محتوم و کم و بیس بدون هیچ مفرعات عسفی یا احساسی  
می شود. بهرام و کنزکس سوار بر سر نه سکار می رود  
آهوی نر و ماده بدندار می شوند و بهرام از کنزکس می پرسد  
می خواهی کدام را سکار کنم. اراده کاری دسوار  
می خواهد. با برتاب دو سکان به سر عرال ماده او را بر تیر  
سکان سر و پای و دوسس را به هم بدورد. بهرام علاوه  
بر سر سکاری، دو ساح آهوی نر را سر با برتاب سکاری  
حدامی سارد و بره آهو را ماده می کند اما اراده به عوض  
او ناگهان به حال آن دو آهوی بحث برگسته دل می سوزاند،  
معرو که به ستاسهای اغراق آمر درباریان خو کرده  
بی هیچ کلامی او را بر رمن برتاب می کند، و نه قصد حاس  
از روی او می گردد و خود به راهس ادامه می دهد «به بحیر  
بس کیرک بر د.»

استقلال او را بویژه می توان در هنس بهنس دید که همتای هف  
بیکر نظامی است. نظامی در این اثر، حنان که گفتیم، زندگی  
بهرامساره را با فراغتها و وظایف ملکدارش بدل می کند و در یک  
کفه فسه های عاشقانه را می گذارد و در کفه دیگر سکایب هف  
مظلوم را از وزیر بیدادگر، ولی امیر خسرو و مطلب را تقریباً تا حد  
مجموعه ای از هسب داستان کاهس می دهد که در خارجوی  
بسیار کوچک به هم بیوند می خورند امیر خسرو فقط یکی از هف  
داستان عسفی نظامی را اقتباس کرده، که البته در آن تغیراتی  
حشمگیر داده است و درونمایه اثر از فسه های دیگر گرفته شده  
است؛ همان مرد زن ستیری که بر اثر ازدواج به راه صواب روی  
می آورد. در داستانهای دیگر س می توان ناسر هدر را به فوب دید.  
در یکی از آنها به توانایی رفتن روح به جسد بی حان اسان یا  
حبوان می پردازد و می توان ساهسهای سساری میان این داستان و  
داستانی در طوطی نامه<sup>۲۰</sup> دید. در اغلب داستانها علاوه به حادو با  
مسائل نیمه فنی دیده می شود، نظیر مجسمه ای جادویی که به رفتار  
مضحک یا ریاکارانه انسانها می خندد<sup>۲۱</sup>، سر مه ای که ادمی را غب  
می کند، نغمه ای که آدمی را به حواب می برد یا می خنداند یا به  
گریه می اندازد و از این قبیل. اما کاری کاملاً علمی بر صورت  
می گیرد. برای تعس ورن بیکره ای عظم از طلا، که نمی توان  
بر ترازو نهاد، آن را در فانی می گذارید، میزان حابه جانی آب را  
تعین می کنند و بعد در فانی حیزی دیگر می ریزند تا وقتی که آب تا  
همان میزان فل بالا بیاید و بعد به راحتی مطروف فایق را وزن  
می کنند<sup>۲۲</sup>.

در اثر امیر خسرو از تخیل قوی و ساعرانه نظامی و فربه او  
در ترسم ظریف شخصیتها خبری نیست. باغ یا آسمان سب بادو  
سه استعاره توصیف می شوند به بیست تا شخصیتها تک بعدی اند،  
اما داستان سرسار است از اعمال غریب و توصیح ناندیر، با  
اعمالی که از لحاظ اخلاقی جای حو و حرا دارند. ساعر  
کشمکشهای درونی با تکامل شخصیتها را تصویر نمی کند، حه  
رسد به اینکه حون نظامی با درکی عمیق و با دلگیری از آنان  
سخن بگوید، درکی که یادآور نگرانی بدر یا مادری دلسور است  
برای بهروری فرزند اس. اما امیر خسرو روایتگری حیره دست  
است؛ صاحب سکی است صریح که همیشه حواسده را به دبال  
خود می کساند و خواندنس نیز راحت است.

#### تغییر شکل يك مضمون

یکی از بخشهای کوتاه عسفی در ساهامه داستان بهرام گور و  
آزاده، کنزک سوگلی اوس که بر بط می بوازد. این الگو را هم  
نظامی و هم امیر خسرو برگرفته و تغیر داده اند. بدین ترتیب سه  
روایت از يك فسه داریم که هر يك نمایشگر روحیه



«بهرام گور» و «فته» فسه بهرام را به حیرت واداشته است (مینیاتور از ساج  
رمان، اواخر قرن یازدهم)

۱۲) نظامی در هفت سکر علاوه بر آنکه نام آراده را به فیه تغییر می‌دهد، واقعه کم و بس ناخوساید بعویض حسبت اهو ان را بر دوف می‌کند. در ضمن، به حای ان بابان سگدلانه، داسان را به سکی حذاب ادامه می‌دهد. بس از سربکاری بهرام که بر بس به اهو که گوری است (هماهنگ با کمه بهرام)، فیه می‌نویسد.

گفت بر کرده سهر بار اس کار

کار بر کرده کی بود دسوار

هر چه تعلیم کرده ناسد مرد

کر چه دسوار سد بواند کرد

بس نظامی حسبت ساه را بوصف می‌کند و به حکمرانان هشدار می‌دهد:

بادساهان که کینه کنس ناسد

چون کسد ان رمان نه چوس ناسد

ما بهرام خود ار کسین فیه بس می‌رند.

رن کسی کار سمر مردان بسب

که رن ار حسبت هم سردان بسب

ما لحظه‌ای بعد به یکی از سرهنگان می‌گوید: زو کار اس کسر سار

فیه بارگاه دولت ماسب

فیه کسین ررون غفل رواست

اما فیه کسه نمی‌سود، بلکه سرهنگ او را در یکی از نوسکهایس ساه می‌دهد. و فیه کم کم برای بعیری مبارک در سربوسب خویش آماده می‌سود. گوساله‌ای بوراد را می‌گیرد. ان ار دوس می‌بهد و از سبب بلکان بالا می‌برد. با نا بوجه به رچی منناتورها، سبب بله بردان. تا به نام کوسک برسد. اس کار را هر روز تکرار می‌کند تا آنکه گوساله گاوی بر وار می‌سود. نظامی در اینجا یکی از کبابات متعددس را که ملهم ار احکام بحوم است وارد داستان می‌کند: ماه (اسعاره‌ای که دایم برای دختر به کار گرفته می‌سود) در برج نور به نقطه اوج می‌رسد (که بیسیرین بایر را در علم تنجیم دارد)<sup>۲۳</sup>. سراجام ساه ساهان به برمی: غوب می‌سود که مقدمات آن حبان وصف سده که استهای خواسته تحریک می‌سود، و دختر، بس از آنکه به دهب خود را می‌اراند و لباس می‌پوشد، که این نمر با حدانترین استعارات: بسف می‌سود، نمایش باور بکردنی خود را برای بهرام اجرا می‌کند. اما بهرام آرام و خونسرد می‌ماند:

ساه گفت اس به رورمندی بسب

بلکه تعلیم کرده‌ای ر بحسب

اندک اندک به سالهای درار

کرده‌ای بر طریق ادمان سار

حال، لحظه سربه مقابل و فاطم دختر فرا می‌رسد

گفت بر سه بر می بسب عظم

کاو تعلیم و کور بی تعلیم

من نه گاوی بر اورم بر نام

حر به تعلیم بر سارم نام

چه بسب چوس رسی بو کوری جرد

نام تعلیم کنس سارد بر

سرس به هدف می‌جورد. بهرام که مدتها از خودرانی چوس

سسمان سده بود، از اسکله باز کرد. او را می‌باید مسعوف می‌سود

از او عذر می‌خواهد، و دختر هم فاس می‌کند که حرادران، و فیه در

سکارگاه لب به بحسبت او بگسوده است

من نه بوده بران بسب سبور

حسبت بران ساه شردم دور

این بابان چوس خواسته را معاقد می‌کند و رصابت حاطری

بر اسس فراهم می‌آورد، چرا که بابانی بس با افتاده بسب نظامی

نلاس موفق اسان را در غلبه بر سر حاسبت بی رجمی ساهان و

سربوسب مقدر می‌کند. دختر کی حردمند و عاشق يك سال تمام

خود را وقف کاری می‌کند تا عسب مردی را که قصد حاسبت را

کرده بوده است باریاند. سرهنگی ار اطاعت فرمان ظالمانه

ولسعمسبت سر نار می‌رند و بی هیچ حسمداسی به فرمانی بی ساه

کمک می‌کند، و ساهی به اسساره خود افرار و ار کیرکی طلب عفو

می‌کند. در هیچ حا اساندوسی نظامی محسوسر ار تعیرانی

بیسب که در اس داسان داده است

۱۳) امر خسرو در هسب بهسب نام دحمرک را دلارام می‌گذارد و

به حای سبه دوم داسان، داسانی گداسه که تماماً ساحتیه خود

اوسب بهرام دلارام را در همان سکارگاه سلطسی می‌گذارد. که

بار واقعه بعویض حسبت را میل فردوسی آورده است<sup>۲۴</sup>. و

حاشیه:

۲۰) طوطی نامه، حاب برخی، بسب بسب و هسب حکایت ساه حسبت حاب

فارسی، شماره ۷۵، بسب چهل و سسم داسان ساه Oyayven

۲۱) در داسان ساهدحت هسب، در گسب سبب، نه ماسد حکایت دوم نظامی، ار

ساهی سحن می‌رود که، ن سیری خود را رها می‌کند

۲۲) در داسان ساهدحت دوم در گسب دررد

۲۳) اسس ان گاه، ف چوس مه بدر

ماه در برج گاویانند قدر

۲۴) ناوکی رن بر اهوئی ساده

نه بسود ماده بر برس ماده

به حدنکی ده سناح ار اهوئی بر

بردرانگونه نو بداسبت حمر

صبر نه بری او ار اسان راند

که ار او نا به ماده فری سعاد

کار بر چوس به مادگی برداحت

سوی ماده که بر کند در ناحبا

ناخوسانند دختری با عضلاتی چون فهرانان سنگین و در برهبر  
می کند و نه دختر هنری می بخشد که از لحاظ معنوی بر بر از هنر  
سازد. اسب: سخیر حیوانات تنها به مدد نغمه های بر بط قطعاً  
ظریفتر از تعویض جنسیت آنان از طریق حسن خون برنات بر  
اسب. سر انجام آنکه آخرین کلمات طنز آمر دلارام ظاهر امعایی  
دوبهلو دارند. مگر خود ساه هم با محروم کردن دحسب از  
عطوفتی که رنان ساییسته آن اسد، جنسیت او را تغییر سده  
اسب؟

### جامی و دیگران

امیر خسرو و معاصر سالخورده ترس حواحو در فرن سردد  
[هفتم هجری] به دنیا آمده اند. حواجو در منظومه های عاسفانه بر  
مقایسه با نظامی و امیر خسرو در سایه فرار می گردد و در عزل بر  
قابل فیاس با ساعر معاصر و جواسرس حافظ سست، نا این همه  
اهمیتش در آن اسب که سلف حافظ و الهامبخس هر مینابور  
جمله مساتوره های جنید، استاد فرن چهاردهم [هسم هجری]  
بوده اسب که بهترین و جذابترین نمونه های نفاسی این  
هستند<sup>۲۹</sup>. مضمون دوم منظومه عاسفانه حواجو، همای و همایون،  
گل و نورور بدیع اسب و از حایی افتناس سده اسب

سخنصیب مسعسع فرن چهاردهم [هسم هجری] که همگان را  
تحت السعاع فرار می دهد، حافظ، استاد بلامازع غزل اسب، ام  
در فرن نازدهم [نهم هجری] حد ساعر برجسته در عربه  
منظومه های عاسفانه قدم به صحنه گذاشتند. بزرگترس این  
حامی اسب که در انواع و فون سعو و سرفارسی گوی سفت  
معاصران خویر ربود. او هفت منظومه داستانی سرود به نام هفت  
اورنگ بعداد این منظومه ها خود سنان می دهد که سراسر  
می حواسته از نوح گنج نظامی برگذرد. از این هفت منظومه سه  
اخلاقی است و سه تا عسفی؛ هفتمی که به ماجرای اسکندر کبر  
تخصیص یافته، همحون / اسکندرنامه نظامی هم اخلاقی اسب و سه  
عسفی.

سه منظومه عسفی عبارت اسب از لیلی و مجنون و یوسف  
رلیخا و سلامان و ابسال. از این سه، آخری کوتاهترین اسب. ام  
همانند دوتای دیگر نشان دهنده مقاصد سراینده اسب این  
مضمون را، که گفته می سودر سه ای یونانی دارد، سستر این سه

البته به سکی کاملاً متفاوت و رمری به کار گرفته بود.  
در روایت جامی، ناساهی یونانی سری می خواهد، اما حو  
(به سبب تلفینات حکیم رن ستنزی که مساور اوسب) ملی  
گرفتن همسر ندارد، نطفه خود را به حکم می دهد و حکم

ساحت تدیری به داس کادرا

ماند حیران فکرت داسوران

دختر در آنجا از پس چند روز آوارگی به دهکده دورافتاده ای  
می رسد و دهقانی را می یابد که او را به فرزند می پذیرد. دهقان  
موسیقیدانی اسب متبحر و دوازده برده و بویه چهارتای آنها را به  
او می آموزد که یکی سنونده را به خنده می اندازد، دومی او را  
می گراند، سومی به حوایس می برد، و آن دیگری هوسیارس  
می کند<sup>۳۰</sup>. مهارت خود امیر خسرو در نوازندگی در اینجا کاملاً  
مسهود است. (او چند آلت موسمی اختراع کرده و یکی از  
پایه گذاران سبک موسمی هندی- اسلامی بوده اسب.) وفی  
دلارام بر بط می نوارد، آهوان که محذوب نغمه های او می سوند، به  
خواب می روید و بدار می سوبد گویی که مرده و بعد زنده سده  
باشند<sup>۳۱</sup>. آواره او به گوس بهرام می رسد<sup>۳۲</sup> که برای سیدن  
صدای ساز او به نردش می رود. وفی که بهرام هنر سکارس را به  
نمایش گذاشته بود، دخترک گفته بود که کارس حندان دسب کمی  
از سحر ندارد، اما می توان تصور کرد که کسی این کار  
یا کاری دیگر را بهتر از او انجام دهد<sup>۳۳</sup>. حال بهرام  
می گوید:

کاین حبیب ها سی اسب اندر دهر

هر کسی دارد از طلسمی بهر

کاردانی به کسوری بود

که از او کاردانتری بود

دلارام پاسخ می گوید: آری، از آن ما همه این:

ریرکان در هر بوید تمام

لیک بهتر ما به از بهرام

ساز کر ماده بر تواند کرد

به از آن هیچ کس نداد کرد

در این وف بهرام او را می ساسد، از او طلب عفو می کند و بیش از  
بیش مهر او در دلش جای می گیرد.

روایت امیر خسرو از این قصه از جدایی و ملاحت یا  
پیامدهای درونی و قدرت اخلاقی روایت نظامی برخوردار نیست،  
اما شاید موففترین داستان در مجموعه هسب بهست باشد. حتی  
از یک جنبه برتر از روایت نظامی اسب، یعنی از تصویر کم و بیس



غزل برگرفته سده‌اند و سهرهایی حوون عرب، هولا و عمره. این نوع داستان بعدها مورد تقلید قرار گرفت و راهگسای نوع ادبی حدیدی سد<sup>۳</sup>

در دو مسوی دیگر این دوره، حال نامه، سروده عارفی (وفات ۸۵۳ هجری) و ساه و گدا، سروده هلالی (وفات ۹۳۶ هجری)، اسعاره دو قطبی عسی میان خدا و روح که مدت‌های مدید ارتسب آن می‌گدسب، به شکل منظومه روایی ساح و برگ یاهف بدس ترسب، روح عرفان، که مدت‌ها عزل نارسای را تسخیر کرده بود، در منظومه عاسفانه بیر حلول کرد

تأثیر منظومه‌های پارسای در فرهنگ کشورهای هسابه حامی در مقدمه لیلی و محوون تنها به دو روایت از این قصه اساره می‌کند روایت نظامی و امیر خسرو، اما تقلدهای کم‌اهمیب بری هم بودند که به شکل حمسه یا منظومه‌های عاسفانه مستقل سروده سده بودند و بار بعد از دوران او هم تقلیدهایی از اس داستان ارائه سد. یکی از بهرین روایت‌های این داستان را ساعر سیراری، مکتبی، در سال ۸۹۵ تا ۸۹۶ هجری، یعنی حد سالی قبل از مرگ جامی، سروده اسب.

حاشیه.

- (۲۵) [طرفه برنط ربی کزیده سرود  
دسب حوون امر و بری بر سر رود  
بار داسته برده‌ها را رار  
متصحك و مکی و مووم سار  
يك نه بك بر دسب خود کرده  
چار سار و دواره برده  
برنطس حوون بوا مرآوردی  
حان رس بردی و درآوردی  
اهمه را حوون به هم درآوردی  
(۲۶) نعمه در برنط تر آوردی  
سب مووم حان ردی به حوون  
که سدی جسم اهوون در حوون  
حوون سیددی ر حوون حووس بیهوس  
نارسان حسنه‌ای ردی در گوس  
که از ان حسنه بار حسندی  
رسته بر رسته نارسندی  
(۲۷) [کاهو از دسب سوی خود حوون  
کسد و بار ریده گرداند  
(۲۸) [این هر قدرت خداوندی  
خادوبی بود بی هرمدی  
کایح از اس کرده‌ها بر نمود  
بیر از این بهتر تواند بود]

(۲۹) برای ابار حسدن ك به تصاویر ۲۶ و ۲۷ و تفسیر تصویر ۵۱ در

B. Gray, *Persian Painting* (Geneva, 1961)

30) A. Bausani, *La Letteratura del Pakistan e dell Afghanistan* (Florence and Milan, 1968), p. 92ff

در محلی می‌گدارد و نه ماه بعد سسری بی عیب و بی حلال به می‌آند. سسر، سلامان، را دایه‌ای حوون و رناروی، اسال ررگ می‌کند اما همسکه به سس بلوع می‌رسد، دانه دل بدو ردودر فر نفسس توفیق می‌یابد بدر که جسمگس سده اسب، س می‌کوسد تا با سد و اندررهای علاط و سداد او را بر سر بیاورد. دو جوان در بهابب بومندی راهی حرمرگ سس روی نمی‌ننند به سانان می‌روند، اسبی برمی‌انروند، و دسب در هم به درون سعله‌ها می‌برند. اما ساه که سهایی ساهد صحه ، سسر س را نحاب می‌دهد و می‌گدارد اسال سسورد، و در ساهزاده به وظایف ملکداریس وافف می‌سود و با دحری، نام، عفف اردواح می‌بندد.

ر بخش ماقبل آخر، جامی می‌گوید که عرض داستان به س آن که معنای آن بوده اسب، حرا که

ناسد اندر صورت هر قصه‌ای  
خرده بیان را ر معنی قصه‌ای

ر بخش آخر جامی رمر را تفسیر می‌کند: ساه عقل فعال ، سلامان روح انسان اسب، اسال تس سهوب ترسب اسب و حندان جای تعجب نیست که یوسف و رلیخای حامی را نیز ان به سادگی تفسیری رمری کرد جامی بیر حوون امیر خسرو تی و بسیاری از ساعران غرلسرای نارسای، تفکر عرفایی را تود - درواقع او یکی از صوفسان برجسته دوران خود بود - و منظومه‌های عاسفانه‌اس بر خلاف سبب سبب امیر خسرو از افکار عرفایی اسب

گر منظومه‌های عاسفانه حامی داستانهای رمری اسب، ساعر این فرن، فتاحی (وفات ۸۵۲ هجری) منظومه رمری نامه‌ای به نام دستور عشای و نیز روایتی مسور و کوتاه با ن حسن و دل سروده اسب این دو منظومه بر محور اسخاصی ، شکل گرفته‌اند، از جمله عسی، سلطان حاور، و دختر س ، و عقل، سلطان باختر، و سسر س دل طرح داستان کم و قصه‌ای نمایشی اسب از عسی میان حسن و دل و اسخاصی ی حوون نگهبان، رفیب، و غیره، که از گنجینه سحفسهای

دیاری به دوری «غرب تاریک» بیابند. در قرن هجدهم، کار گوتسی، نمایشنامه‌نویس ایتالیایی، قصه توراندخت را به صورت نمایشنامه درآورد. سپس این روایت را فریدریش فن سیلر، سا کلاسیک آلمان، ترجمه کرد، و در قرن نازدهم [نهم هجری] بوجینی از این قصه ایرانی باشکوه ساخت. با این همه، بعد از آن که هیچ یک از این سه انسان غربی از الگوی ایرانی ماده کارسای یعنی قصه عشق چهارم در هفت پیکر نظامی با خبر بوده باشد سالهای اخیر بروهسگران کوسیده‌اند تا ارتباطی میان ماجراجرای ترستان در اروپا و منظومه عاسفانه ویس و رامین بنانند ساه بسیار قابل توجه‌اند، اما هسته دو داستان- ملب عسفی و سوهری سالخورده، زن جوان او و معسوفی حداب و سجاج در دایه‌ای ریرک و کم و بیس عجیب و بسیار وفادار که همدست عا و معسوفی است - حنا در سب قصه‌های عسفی و در تحر انسانی ورای آن معمول است که فائل سدن منسأ مستغلی بر هر یک از دو ماجرا غرممکن نمی‌نماید درواقع، هنور « نسانه‌ای دال بر انتقال مضامین از ایران به اروپا در ده نیست»<sup>۳۵</sup>

اما این مسئله هیچ ربطی به اهمیت منظومه‌های عاسفانه ابر ندارد که یکی از سرمایه‌های عظیم ادب جهان است و منع ح وافر و ماندگار برای خوانندگان مستاق. گنجینه‌ای که محاط ادبیات در غرب حدان از آن خبر ندارد و هنور می‌بوان از بهره‌ها برد؛ گنجینه‌ای غنی ارداس و واقعیات و تحولات فرهنگ، غرق در الوان رنگین کمان عسفی، همان نور اسرارآم که موطنس را مسرق‌زمن داسه‌اند<sup>۳۶</sup>.

#### حاشیه:

1) A. Bombaci, *Histoire de la littérature turque* (Paris, 1968), p. 96

2) *Ibid.*, pp. 123-27

۳۳) ن ک پانوس ۳۰

4) H. W. Duda, *Ferhad und Shurin - Die Literarische Geschichte eines zwischen Sagenstoffes* (Prague, 1933)

و بیر ن ک به مقاله

Abdullah, «Ferhad ile Çirın» in *Islam Ansiklopedisi*

در این مقاله اطلاعات حالی درباره روایات ترکی از این قصه عاسفانه عرصه است

۵) Pierre Galfand, *Genèse du roman occidental - Essais sur Tristan et son modèle Persan* (Paris, 1974)

این جستار ملهم از احساسات سدید است. نویسنده فرضیه بر فرضیه بامی نه قادر به ارائه هیچ گونه سواهد معتبر دال بر انتقال احتمالی مضمون مورد به اروپای قرون میانه نیست. برای بعد و بررسی این کتاب به مقاله نگارنده در دست رجوع کنید

*Ibid.* 17 (1976), pp. 100-103

۳۶) در قصه حسن و دل فتاحی، سلطان عقل در غرب حاکم است و سلطان در شرق. به همین ترتیب محمد اقبال، شاعر و متفکر برجسته شبه‌قاره، سرق عشق را در برابر غرب، سرزمین عقل، قرار داده است

اما تأثیر نظامی به شعرای پارسی محدود نمی‌ماند. بنا به گفته آن ماری سیمل «تقلیدهای کم و بیش بی‌شماری از خمسه نظامی» از سوی شاعران پارسی سرای هندی صورت گرفته است تا قبل از قرن پانزدهم و شانزدهم [نهم و دهم هجری]، شهرت و جذابیت نظامی دیگر از مرزهای زبانی بر گذشته بود. نخستین روایت ترکی خسرو و شیرین را قطب نامی به لهجه ترکی سرقی در سال ۷۴۲ هجری سرود<sup>۳۱</sup>. در می این اثر، روایات بسیاری به زبان ترکی خلق شد که روایت «علیسیر نوایی»، ساعر برگ عهده تیمور و وزیر هراب، نیز از آن جمله است، که منظومه‌ای خلق کرده است سرسار از ماجراهای جذاب فرهاد که بمادر روح است و عاشق زیبایی جاودان که شیرین حلوه عینی آن است<sup>۳۲</sup>.

تأثیر ادب پارسی، پس از تأسیس امراتوری مغول در هند به سال ۹۳۲ هجری در ادبیات هندی-اسلامی نیز جلوه کرد که به زبانهایی چون اردو و سندی و نگالی تکوین یافت. اما تعداد کثیری از نظیره‌های خمسه نظامی که سستر بر سمردیم، معمولاً به زبان فارسی نوشته شد، زیرا اغلب ساعران مسلمان هند دسب کم بر هر دو زبان تسلط داشتند. در قرن هفدهم [یازدهم هجری]، شاعری به نام وجهی روایت بسیار خوبی از یک منظومه عاسفانه ایرانی به زبان اردو و به نر مسجع خلق کرد که ارداستان حسن و دل فتاحی اقتباس شده بود<sup>۳۳</sup>.

منظومه عاسفانه فارسی در سایر اسکال ادبیات تفنی ارفیل قصه‌های عامیانه و خیمه‌سب بازی نیز تأثیر کرد. فرهاد در یک نمایش خیمه‌سب بازی ترکی خسرو و شیرین سر پیرزنی را که خبر دروغین مرگ شیرین را برایش می‌آورد از گردن جدا می‌کند و داستان در همان جا بایانی خوش می‌یابد<sup>۳۴</sup>. در دوران اخیر، این قصه کهن الهامبخش یک ابر و یک کمدی موزیکال و نیز نمایشنامه‌ها و فیلمهای بسیار بوده است. این عمر دراز فقط نصیب خسرو و شیرین نبوده است؛ بیست سال بیس ساهد فیلم هندی بسیار پر سوز و گدازی درباره لیلی و مجنون بود و در سال ۱۹۷۱ در تالار رودکی تهران به تماسای باله‌ای جذاب نستیم که الهام گرفته از هفت پیکر نظامی بود و با موسیقی سنتی ایرانی همراهی می‌شد.

پرتوهایی از این خورشید فروزان حتی توانسته‌اند راه به

# ایران‌شناسی

## در کشورهای آلمانی زبان<sup>(۱)</sup>

(المان فدرال؛ آلمان شرقی؛ اتریش؛ و سوئیس)

نوشته: برت گ فراگر  
ترجمه: مرتضی اسعدی

می‌پذیرد. ساراین، ترجمه کردن اصطلاح آلمانی «Iranistik» که در آن زبان معادل «Iranistics» انگلیسی است، به «مطالعات ایرانی» (یا «Iranian Studies»)، معمولاً باعث بدفهمی‌هایی می‌شود. ترجمه درست یا درست‌تر اصطلاح مزبور «زیان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی» است.

مطالعات جدید ایرانی در زبان آلمانی از اوایل قرن نوزدهم میلادی، یعنی از وقتی که گئورگ فردریک گروتینگ، رمز نوشته‌های ریاضی کهنه‌های سسون در بردیکی کرمانشاه (باختران امروزی) را کشف کرد، باب شد. مطالعه در باب ریاضی و فقه‌اللغه ایرانی کمابیس در فیاس با ریاضی یا مطالعه در فقه‌اللغه هندی و در حب آن سس می‌رفت. بحس اعظم توجهی که ریاضی و فقه‌اللغه ایرانی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی در میان روس‌فکران و متفکران آلمانی برانگیخت ناسی از روابط و سندهای بردیک آن با ریاضی هندواروپایی و زیان‌شناسی تطبیقی بود.

مطرح شدن مسأله اصل و مسأله تاریخی و زبانی قوم زرن، یعنی مردم آلمان، تحقیق در مسابتهای میان زبانهای هندواروپایی را به صورت یکی از زمینه‌های مهم مطالعاتی درآورد. علاوه بر این، کوسسهایی برسد تا ثابت شود که این مسابتهای استراکات زبانی و حقیقی از بیوندها و استراکات عمیقتر قومی و برادی میان اقوام «هندواروپایی» است. لذا سعی می‌شد که بر این اساس نراد اصیل و اولیه قوم اصطلاحاً آریایی شناخته و بارساری شود این تلاشها در قرن نوزدهم در تکابوی گسترده ناسیونالیستهای آلمانی برای یافتن مسابیه مابیل تاریخی برای

این مقاله به نام و یاد فریتس ولف، مؤلف فهرست مشهور و حدی لغات ساهانه فردوسی مقدم گردیده است این اثر عظم را حکومت ناسیونال سوسیالیست آلمان به عنوان هدیه‌ای رسمی در جریان برگزاری جشنهای یادواره فردوسی در سال ۱۳۱۴/۱۹۳۵ به ایران تقدیم کرد خود فریتس ولف که احاطه مسارک در این جشنها را بیافته بود، حد سال بعد در اردوگاه کار اجباری نازها جسم از جهان فروست.

ایران‌شناسی در کشورهای آلمانی زبان، برخلاف ترتیباتی که در اکثر کشورهای دیگر معمول است، در رسته‌ای از رسته‌های دانشگاهی متمرکز نیست. در نتیجه، برای «بارسازی» یا «باربسی» تاریخچه مطالعات ایران‌شناسی در این کشورها ساگزیر ناید در رسته‌های مطالعاتی و دانشگاهی معددی کاوس کرد. نتایج محروا و مفردی که از این کاوس به دست می‌آند، در کنار هم طیف رنگارنگی از مطالعات ایران‌شناسی در آلمان و اتریش و سوئیس را بار می‌نماید.

### ۱) ریانشناسی و فقه‌اللغه ایرانی

نگاه رسته دانشگاهی در حوزه زبان آلمانی که نام «ایران» را با خود یا بر خود دارد همان رسته «ریانشناسی و فقه‌اللغه ایرانی» (یا به قول خود آلمانی‌زبانها «Iranistik») است. این رسته دانشگاهی سالبان دراز قلمرو انحصاری زبانها و لهجه‌هایی تلقی می‌سده است که به گروه زبانهای ایرانی تعلق داشته‌اند. از نظر ریانشناسی توجه اصلی رسته «Iranistik» به ریانشناسی و فقه‌اللغه معطوف است. اکثر محققان این رسته، اگر نخواهم بگویم همه آنها، حتی امروزه نیز همین تعریف را برای این رسته



م. راکر

داسگاه هومبولت، برخلاف آنچه در آلمان غربی مسهود بود، عمدتاً متوجه زمان حاضر است و مهمتر از آن اینکه حسه‌ها؛ علمی دارد و این خود بازتاب و سانگر تصوّر خاصی از علم تحقیق در جمهوری دموکراتیک آلمان است که تفاوت‌های اساسی با سب راجح در آلمان فدرال دارد. اهتمام اصلی محققان ایران‌شناس جمهوری دموکراتیک آلمان به مسأله فرهنگ و سب و دستور زبان معطوف بوده و فرهنگ فارسی-آلمانی یونگر علوی، کتاب درسی فارسی علوی و لورنتس، و دستورها است از نتایج آن سمرده می‌سود. به ادبیات فارسی نیز توجه زیاد می‌سده است و ترجمه‌های فراوانی که از آثار فارسی به زبان آلمانی سده حاصل این گرایش بوده است. یکی از مهمترین آثار کتاب تاریخ و تطوّر ادبیات بویس ایران (۱۹۶۴) بزرگ علوی است. این کتاب، که بعد از گذشت بیس از دو دهه همچنان جامع‌ترین و مفصل‌ترین اثر درباره ادبیات جدید ایران است، به زبان انگلیسی ترجمه نشده است. سومین زمینه مورد علاقه ایران‌شناسان جمهوری دموکراتیک آلمان تحقیق و مطالعه درباره زبان‌های ایرانی جدید متداول در جمهوری‌های شوروی، و زبان‌های آسی و تاجیکی است.

دومین مرکز مطالعه در فقه‌اللغه ایرانی در ساحب سنتی عبار بوده است از «گروه فقه‌اللغه ایرانی» در آکادمی علوم جمهور دموکراتیک آلمان که زیر نظر و بررودرمن فعالیت می‌کر است. این گروه تحقیقات خود را بر روی مجموعه‌ای موسوم «متون تورفان (طرفان)» متمرکز کرده است که حاوی اسناد متون باز یافته گروه‌های کاوسگر آلمانی اعزامی به تورفان آسیای مرکزی در سال‌های قبل از جنگ اول جهانی است. بعد اعظم این متون و اسناد در برلن سرفی نگاهداری می‌سده اند آلمان غربی در حال حاضر دارای سه گروه داسگاهی است که در هامبورگ و گوتینگن و برلن غربی در زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی کار می‌کنند. زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی را در هامبورگ رونالد امریک درس می‌دهد که تخصص در زبان‌های ایرانی می‌ا و بخصوص کردی و سستوست؛ در برلن نیز این رسته را گو

دعاویسان متبلور گردید. برخلاف آنچه در مورد قدرتهای دیرین استعماری میل فرانسه و انگلیس مسهود بوده، در آلمان توجه عمومی به زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی اساساً ناسی از انگیزه‌های اقتصادی و میل به سلطه مستقیم و بلاواسطه بود، بلکه انگیزه سیاسی توجه به موضوعات ایرانی مبای دهی و مرامی داشت؛ تفحص در فقه‌اللغه ایرانی، دست کم گاهی، به عنوان مشارکتی در جستجوی ریشه‌های «آریایی» قوم ررمس تلقی می‌سد. این عنصر «آریایی» علی‌الخصوص در آلمان نفس مهمی در انگیزش مطالعات و تحقیقات ایرانی ایفا کرد و تا دیرزمانی همچنان معرون به تعهد عالمانه و آرمایی برای سالودن تحقیقات علمی «تاب» به اغراض و شوایب دیوی و مبتدل، که تا اوایل همین قرن بیستم مشخصه همه بورروزیهای اروپایی بود، نافی ماند. توجه و تعلی خاطر عمومی و در عین حال علناً سیاسی آلمانها به ریشه و خاستگاه‌های «آریایی» محط کاملاً مناسبی برای رسد سالم تتبعات فقه‌اللغه ایرانی در آلمان فراهم آورد. در سانه عنایت این تتبعات به روزگاران کهن و جهت‌گیریهای منحصر ازبان‌شناسانه آن، محققانی که در این زمینه مسغول تحقیق بودند هیچگاه وارد کساکسهای سیاسی سدند. حتی زمانی هم که موضوع تحقیق این محققان به نحوی به زبان‌های جدید مربوط می‌شد باز با این زبانها آنحنان رفتار می‌کردند که گویی این زبانها هم عرص و هم دوس زبان‌های فارسی باستانی و اوستایی است نه زبان‌هایی زنده. می‌توان گفت که این تلقی نوعاً در همه محققان ایران‌شناس آلمانی مسهود بوده و تا به امروز وجه تماز جدی بسیاری از ایران‌شناسان آلمانی زبان از بقیه ایران‌شناسان جهان بوده است. با عنایت به همین امر است که می‌توان دریافت چرا بسیاری از متخصصان زبانها و زبان‌شناسی ایرانی در آلمان فدرال و اتریش هنوز با گروه‌های داسگاهی مطالعات ایرانی همکاری نمی‌کنند و تنها در گروه‌های مطالعات هندواروپایی کار می‌کنند. با این حال، بسیاری از آنها، همچون مانفرد مایر هوفیر در وین، کارل هوفمان در ارلانگن، هلموت هومباخ در ماینتس، برنفیلد شلرات در برلن، و رودیگر اسمیت در رار بروکن، حفا از محققان ایران‌شناس «واقعی» اند.

سنت مطالعه در زبان‌شناسی و فقه‌اللغه ایرانی در جمهوری دموکراتیک آلمان نیز همچنان تداوم یافته است. نمایندگان این سنت مطالعاتی اکثراً ساگردان استاد برجسته فقه‌اللغه ایرانی، یعنی هاینریش یونکرید. در سال‌های اخیر، این رسته مطالعاتی به داسگاه هومبولت در برلن سرفی منضم سده بوده و مانفرد لورنتس آن را تدریس می‌کرده است. بزرگ علوی، نویسنده مشهور ایرانی، نیز سال‌های زیادی در همین گروه فعالیت می‌کرد. جالب است که تحقیقات ربا‌سناختی محققان ایران‌شناس



فریتس ولف

استوار بوده است و این درس نقطه مقابل گرایسی است که در اتریش در زمینه مطالعات اسلامی سایع است رویارویی و درگیریهای حدین قرن هجدهم هاسبورگ با امپراتوری عثمانی باعث گردیده است که عده‌ای از سری‌سازان اتریشی چون یوزدهم و سستم میلادی توحه عمده خود را به حای عربی به زبان ترکی معطوف کند و این امر ایسان را به «کشف» زبان فارسی به عنوان مهمترین زبان فرهنگی امپراتوری عثمانی رهنمون شده است. یوزف فن هامر نورگسسال، محقق برجسته اتریشی، بر اساس همین گرایش سنت مطالعاتی‌ای را در این کشور بایریری کرد که بعدها به آلمان نیز سرایت یافت.

مستخصه این سنت مطالعاتی توجه حادی به تاریخ و نیز ادبیات خاور نزدیک اسلامی در فرون میانه و حدید، با تأکید عمده بر زبان ترکی و، در مرتبه بعد، زبان فارسی است. البته روشن است که زبان عربی حی در این سنت نیز جایگاهی جدی دارد و از یاد نرفته است نه همین فاس، دین اسلام نیز در این سنت مطالعاتی به عنوان حریانی که از نظر تجربی بی آمده‌های مهمی داشته است تلفی و بررسی می‌سود و به ندرت به عنوان موضوعی جداگانه مورد تحقیق و مطالعه فرار می‌گیرد. با این حال، نمایندگان این سنت و سلهای بعدی ایسان خود را در وهله نخست اسلام‌شناس و «سری‌ساز» می‌دانند و آنگاه محقق که کمابیش دستی نیز در «زبان‌شناسی کاربردی زبانهای سری» دارد. تا همین اواخر، تاریخ و ادبیات ایران اسلامی به مدرب موضوع تحقیق مورخان حرفه‌ای و یا محققان حوزه ادبیات فرار می‌گرفت. این وضع هم محاسنی دارد و هم معایبی. از حمله مزایا و محاسن آن یکی هم این است که محققان ساگیر، سا به سنت، اطلاعات ارزشمند و قابل توجهی درباره زبانها و منابع و متون اولیه حوزه بررسی خود

رحت مدریس می‌کند که تحقیقاتش را در زبانهای ایرانی کهنانه و جدید بسط داده است و در زبان گردی بیر کار می‌کند. به رغم تداوم این سنتها، در طول سالهای فرون بیستم بحولات، توجهی در صورت آلمانها از مطالعات ایرانی رح داده است. سطور ذیل درباره کسانی همچون هاس هاسرس سدر، گانگ لنتس، ووالر هینس، که در این بحولات نفس و سهمی نه‌اند، سخن خواهیم گفت.

مطالعات ایرانی به عنوان بحثی از «اسلام‌شناسی» (Islamwissenschaft) و مسأله مطالعات شرقی

فرون یوزدهم در داسگاههای کسورها و سرزمینهای بی‌زبان معمول بود که مطالعات زبان‌شناسی در همه زبانهای اروپایی (یعنی زبانهای افریقای و اسایی) را کلا تحت ان «مطالعات سری» طبقه‌بندی کند. نمایندگان و محققان زمینه تحقیقاتی همگی خود را نوعاً «سری‌ساز» می‌نامیدند. ساسان بیر از این فاعده مستسی بوده‌اند. با این حال، در فرون نوردهم زمینه‌های تحقیقاتی فرعی متعددی بوصوح از بگر تمایز یافتند و بدین ترتب زبان‌شناسی و فقه اللغة ایرانی به ان یکی از این رسته‌های تحقیقاتی مسل، همچون سناسی، ترک‌سناسی، زبان‌شناسی سامی و فقه اللغة عربی، ر گردید. در میان عامه غیر متخصص آلمانی زبانها هورهم به این رسته‌ها و زمینه‌های تحقیقاتی ممابر از هم همان و سناسی» (Orientalistik) گفته می‌سود. با این حال، کسی امروزه در سرزمینها و کسورهای آلمانی‌زبان خود را و سناس» بنامد، مرادس این است که در زبانهای اروپایی، بخصوص در زبانهای آسیا و شمال افریقا، تحقیق و لعه می‌کند.

اسلام‌شناسی به عنوان یک رسته مطالعاتی منتظم از بطری سناسی سر برآورد، اما آسکارا عناصری از زبان‌شناسی و موضوعات و روسها را در خود فراهم داس. این رسته یا مطالعاتی برخورد زبان‌شناسانه با زبانهای عربی و فارسی و ی را با سؤالهایی ماهیتا دینی درباره اسلام و نیز تاریخ و ادبیات ر میانه درهم تنیده بود. در فرون بیستم میلادی، متدولوری یا سناسی تحقیق درباره اسلام به مدد رسته‌های علوم سیاسی و خ و انسان‌شناسی فرهنگی و اجتماعی توسعه یافت و در اری از داسگاهها رهیافتها و مفاهیم بسیار متنوع و بدیعی در لعاب اسلامی مطرح سد. مستخصه این گرایش کلی تلاش مده‌ای است برای غلبه بر میراب زبان‌شناسانه سری‌سازان کی جلوه دادن این زمینه مطالعاتی با زبان‌شناسی و فقه اللغة. در آلمان، اسلام‌شناسی همواره بر مدار منابع و زبان عربی

اسلامی مورد تحقیق قرار می گرفته‌اند و اغلب هم توجه حذی جداگانه چندانی به آنها نمی شده است. تحولاتی که از سال ۱۹۷۹ به این سو در مطالعات ایرانی (در کشورهای آلمانی زبان) روی داده این وضع را به روشنی نشان می دهد. دسوارپها؛ برقراری ارتباط با محققان و نهادها و مؤسسات تحقیقاتی ایران؛ سالهای بعد از بیروزی انقلاب اسلامی باعث گردیده است؛ بسیاری از اسلام شناسان آلمانی زبان که بیستر به تحقیق و مطال دربارۀ ایران بیعلاقه بودند توجهشان را بیستر به حانه موضوعات و مسائل اعراب معطوف بدارند، همچنانکه برخی ایرانشناسان آلمانی زبان نیز (به سبب همین دسوارپها) علاقه توجهشان را از مسائل و موضوعات معاصر ایران به موضوعات مطالب تاریخ باستان ایران برگردانده‌اند.

### ۳) اعتنای اسلام شناسان و ایرانشناسان آلمانی زبان به زبان تاریخ و فرهنگ ایران دوره اسلامی

سابقه گرایش سنّا نیرومند آلمانیها به تأکید بر روی زبانها تاریخ و فرهنگ در مطالعات اسلامی و ایرانی را باید در بی نخست هرن جاری سراع گرفت. در میان محققانی که توه جدیتری به زبانشناسی و فقه اللغه ایرانی داسه‌اند هاله هایریس سیدر، ولفگانگ لنتس، و والتر هینس از دیگر نامبردارترند. سیدر در سالهای بیس از خنگ دوم جهانی اسه زبانشناسی و فقه اللغه ایرانی در دانشگاه برلن بود و بعدا گوئیگی رهف. هینس نیز تا دهه ۱۹۷۰ استاد زبانشناسی فقه اللغه ایرانی در گوئیگی بود، و لنتس سالهای متمادی هم سمب را در دانشگاه هامبورگ داسب.

به نظر هر سه ایسان، در همان اوایل دهه ۱۹۳۰ و حتی سسر آن، محدود کردن سنتی مطالعات ایرانشناسی به زبانشناس محض زیاده تنگ نظرانه آمد. سیدر حوزه عمل خود را به مطال دربارۀ مسائل تاریخ عمومی و بررسی طبیعی تمدنها توسعه دا بود و دربارۀ سهم ایران در تطوّر تمدن سسر بیر تحقیق می کرد تا خاطرسان ساخت که دهه‌ها ار رهگذر همین نحوه برخورد مطالعات ایرانی بود که موضوعات هرن بوزدهمی فوق‌الذکر بخصوص عطش یافتن آبسخورها و منسأهای اولیه «آرایی» بار دیگر در هیئت بویی مطرح گردید. همین حره بناگزیر سدر را به مفاهیم فرهنگی ایدنولوری ناسو-سوسالیستی نزدیک صاحب.

ولفگانگ لنتس بیس از هر امر دیگری مستاو بود زبانشناسی و فقه اللغه ایرانی را با استفاده از روشها و سؤالاتی به علوم اجتماعی و انسانشناسی مربوط می سد تفویب کند هدا واقعی مطالعه در زبانشناسی و فقه اللغه ایرانی از نظر او عار

دارند. یکی از مهمترین مضار و معایب این وضع نیز آن است که همان محققان خیلی دیر، و آن هم نه آنچنانکه باید، بر آن می شوند که با بسیرفتهای نظری و مسائل جدید زمینه‌های کلی تاریخ و ادبیات آسنا گردند و چه بسا اصلا در این صدد بر نمی آیند. از طرف دیگر، عدم توجه متخصصان مجرب و کارآزموده تاریخ و ادبیات به تاریخ و ادبیات ایران اسلامی باعث می شود که همان نحوه دیرین تحقیق کلا به عنوان یگانه راه وره یافت مطالعه درباره تاریخ و ادبیات ایرانی/اسلامی باقی بماند. در این میان، تنها جمهوری دموکراتیک آلمان توانسته است تا حدودی بر این مشکل فایق آید. در این کسور مطالعه درباره ادبیات ایران مسغله اصلی ایرانشناسان است. اما به تاریخ ایران، که باید از جمله زمینه‌های مورد علاقه مورخان باسد، در حال حاضر حندان توجهی نشده است.

این بی توجهی به ایران و اسلام در سایر رسته‌ها، مثل جعراپها، علوم سیاسی، انسانشناسی فرهنگی و اجتماعی، باستانشناسی، و تاریخ هر، مصداق ندارد. با این حال، در نتیجه این تقسیم کار، مشکل بتوان محققانی را در این زمینه‌ها یافت که فابلیتهای ژبانی یا زبانشناسانه‌سان بتواند با فابلیتهای زبانشناسانه اسلام شناسان برابری کند.

یک ویژگی مشخص دیگر این وضع- که باز هم جنبه‌های مبیب دارد و هم جنبه‌های منفی- آن است که بسیاری از اسلام شناسانی که در تحقیق درباره ایران مشارک می جسته‌اند توجه خود را منحصرأ به مسائل مربوط به ایران معطوف نمی داسته‌اند. این وضع یا گرایش تا مدتهای مدیدی باعث سده بود که به حساب ایران و موضوعات مربوط به ایران بر موضوعات و مسائل عربی تأکید شود. در همین احوال، مطالعه درباره زبان و تاریخ و فرهنگ امپراتوری عثمانی و ترکیه خود به رمینه مطالعاتی مسغلی در کشورها و سرزمینهای آلمانی زبان تبدیل گردیده است. فراهم آمدن این زمینه جدید مطالعات عثمانی حاصل همکاری محققان ترک شناس با اسلام شناسانی بوده است که به مسائل و موضوعات عثمانی بیعلاقه نبوده‌اند. در عرصه مطالعات اسلامی/ایرانی نیز تحول مشابهی رخ داده است هر چند نتایج همکاریهای محققان ایرانشناس با اسلام شناسان در این عرصه هنوز به اندازه حاصل این همکاری در مورد ترکیه امیدوارکننده و رضایتبخش نیست.

در نتیجه همه این امور و عوامل، هنوز مطالعه درباره زبانها و تاریخ و فرهنگ ایران دوره اسلامی، به عنوان یک رسته مشخص تحقیقاتی، مبانی روشن و منتظمی نیافته است. این جهات و جوانب مختلف ایرانی تاکنون همواره در متن مطالعات زبانسناحتی و فقه اللغه ایرانی ویا، بیستر از آن، در متن مطالعات

به از تحقیق در پیشینه اوضاع و احوال اجتماعی - فرهنگی مردم آن به زعم او تحقیق در این مطالب می تواند به زبان شناسی و البته، که دیگر از نظر او هدف غایی نیست بلکه خود وسیله بول نه يك هدف واقعی دیگر است معنای تازه ای ببخشند.

والتر هینتس در سال ۱۹۳۶ کتابی تحت عنوان *ظهور ایران به وان بك دولت ملی* در فرن نازدهم منتشر کرد و با این کار، در مان، راه تازه ای در مطالعه تاریخی در باب ایران اواخر هرون طی گسود. این نخستین باری بود که او درباره موضوعی می کرد که در جای دیگر - یعنی روسیه - مطالعه آن آغاز به بود. معطوف شدن توجه جدی محققان تاریخ روسیه تراری به ان، بی سك با علایق استعماری بیرومند امپراتوری روسیه در سایی مرکزی و ایران مربوط و مرتبط بود. با این حال، تحوّل ص این توجه در میان سری سناسان روسیه و تعلق خاطری که میان ایسان نسبت به تاریخ ایران ندید آمد، بی همان اندازه مب داست. از رهگذر عنایب جدی محققانی همچون حایکف، رن، وارهه مهتر، و. باربولد به این جریان، مکتب برجسته ای مطالعات تاریخی درباره ایران و آسیای مرکزی در بطن الماع روسها درباره اسلام بدید آمد. شخصیتی که بیس از همه انتقال سنت این مکتب مطالعاتی به فراسه و کسورها و رمیهای انگلیسی زبان نفس داس کسی حر ولادیمیر ورسکی نبود.

در آلمان والتر هینتس با تحمفات تاریخی خود درباره ایران ره هرون وسطی و اوایل عصر حدید سب دیرایی در مطالعات ائی به وجود آورد که هم شامل زبانشناسی و فقه اللغة ایرانی سد و هم شامل اسلام شناسی، هاس روبرت رومر و رتولد سولر از همان ابتدای اس جریان با هیس و برای او کار کردند. بعدها رومر به مقام استادی درس (تاریخ) اسلام در سگاه فرایبورگ رسید و سالها در این مقام ماند، در حالی که (بی خاص و مسخص اسولر در زمینه مطالعات ایرانی به ندوده زمانی اوایل عصر اسلامی تا پایان دوره مغول محدود دید. رومر، همچون خود هینتس، بیستر در مورد حادها و مسئله های بعد از مغول، مل تموریان و ترکمانان، تا سقوط غوه در اوایل فرن هجدهم ملادی تخصص ناه.

این اقدامات و تحمفات، تاریخ ایران در دوره های قبل از نر حدید را در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم به صورت حوره لانعاتی ارزشمند و بالنسبه گسترده ای در دانشگاههای آلمان آورد. برخلاف وضعی که در مورد مطالعات درباره عمای رح د. هیچ کدام از سه محقق ایرانشناس اخیر الذکر بر آن سدد که لاله در تاریخ ایران دوره اسلامی را به رسه مطالعاتی مستعلی یل کنند. در حالی که هینتس تأکید بر نگرش تاریخی را وسیله

توسعه بحق حوزه مطالعات ایرانی می دانست، اشپولر و رومر چشم انداز تاریخی را وسیله گسترش دامنه مطالعات اسلامی می شمردند. هیچ کدام از این سه نفر نیز هیچگاه همه اتمام خود را مصرف موضوع مورد علاقه مشترکشان نکردند. هینتس پس از سال ۱۹۶۰ بیس از بیش به موضوعات ایران باستان علاقه یافت و تا حدود بسیار زیادی از مطالعات پیشین خود درباره تاریخ ایران در هرون وسطی و دوران بیش از عصر جدید دست کشید. علاقه رورافزون او، از آن س به مطالعه درباره تمدن و ربانهای هخامنشیان و ایلام باستان گرایده است.

وجه امتیاز رومر، جدای از کاری که در مورد تاریخ ایران کرده، تحقیق گسترده ای بوده است که در تاریخ مصر اواخر قرون وسطی، بویه در دوره ممالیک انجام داده است. اما اشپولر هیچگاه رسته نیود علایق ایرانی خود را با تعلق خاطر آسکارش به تاریخ دینی اسلام و نیز ترك ساسی نگسته است. او و رومر هر دو همواره در صدد آن بوده اند که در تحمفات و نیز دروس خود سراسر عرصه اسلام شناسی را شناسانند. رهیافت و نگرش حدوجهی ایسان، که آن را به ساگردان خود نیز انتقال داده اند، برای خود مزایایی دارد. اما در عین حال، این رهیافت و نگرش حدوجهی حبه یا حبه های ابهام انگری نیز دارد که عملا سبب گردیده است این «مکتب» مطالعاتی، که حدود چهل سال از تأسیس آن می گذرد، هنوز به عنوان يك رسته منتظم مطالعاتی در اسلام شناسی یا ایرانشناسی و فقه اللغة زبانهای ایرانی به رسمیت ساخته سده باشد. بازتابهای این امر را در انتخاب جانشینان داسگاهی سه استاد مبرور می توان دید: جای هینتس را در دانشگاه گوتنگن «ایران شناس» برجسته ای گرف که در فقه اللغة مسخر بود و دلپستگی سددی به تحق در زبانهای کهن



Berthold Spuler

اشپولر

ایرانی داس، در حالی که رومر و اسولر کرسیهای خود را به نمایندگان ممتاز اسلام سیاسی واگذاشتند. به هر حال، هیچیک از این جانشینان همه اهتمام خود را مصروف بحقی در زبانها و تاریخ و فرهنگ ایران دوره اسلامی نکرده‌اند.

در حال حاضر تنها دوداسگاه در آلمان وجود دارد که بحقی و مطالعه نهادی درباره تاریخ و فرهنگ و جامعه ایران در دوره اسلامی در آنها کماتس حدی گرفته می‌سود یکی از این داسگاهها همان بوسگن است که رهبری این مطالعات را در آن هایتس گائونه بر عهده دارد؛ دیگری داسگاه برلن عری است که اداره مطالعات ایرانی در آن با نویسنده مقاله حاضر است با این حال، تلاشهایی که برای قبولیدن ساییستگی مطالعات ایرانی برای تبدیل شدن به یک رسته کامل عبار داسگاهی در خارجو ایرانسانی می‌سده است همچنان بی‌وفه ادامه دارد.

#### ۴) «مکتب تاریخی» والتر هینتس، هانس روبرت رومر، و برتولد اشبولر

از سال ۱۹۴۵ به این سو، عده‌ای از محققان ایراساس المانی تحصیلات داسگاهی خود را در ستر سنی که سه استاد مربوط فراهم آورده بودند گذرانده‌اند در این بخش از مقاله تنها از کسای سخن خواهیم گفت که یا از جمله ساگردان این سه استاد بوده‌اند و بیستر از بقیه احساس دلیستگی و تعلق به رهاست تاریخی مزبور می‌کرده‌اند و یا هرحد ساگردان بلاواسطه این سه استاد نبوده‌اند فویاً از سب بگرس تاریخی اسان تأیر پذیرفته‌اند. ضمناً لازم است در همین مقام توضیح دهیم که سیاری از محققان این دو گروه تحقیقات خود را صرفاً به موضوع ایراب تاریخی محدود نکرده‌اند، بلکه اغلب به زمینه‌ها و موضوعات دیگری نظیر فقه‌العه ایرانی، اسلام، و یا حتی برکسانی سز پرداخته‌اند.

وجه برجسته‌ای که از همان ابتدا تاکنون در زمینه مطالعه تاریخی درباره ایران در آلمان علیه داسه، سکل و سیوه وقایع‌نگاری (histoire des évènements) بوده است. خلأهای محسوس اطلاعات در تحقیق تاریخی درباره ایران تفوی این سیوه را تضمین می‌کرده است. در این زمینه، علاوه بر این بیسگفته هینتس درباره تاریخ ایران قبل از به قدرت رسیدن صفویان، لازم است از اثر سترگ اشبولر درباره تاریخ ایران در اوایل عصر اسلامی و عهد مغول [که تحت عنوان تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی در دو جلد، به ترتیب به قلم دکتر محمدجواد فلاطوری و خانم مریم میراحمدی به فارسی ترجمه و منتشر سده است] و نیز اثر رومر درباره تاریخ ایران از قرن چهاردهم تا قرن هجدهم نیز یاد شود.

تاکید خاص این مکتب تاریخی بر روی نهادهاست و هم‌نگرس به فراهم آمدن ارزشمندی‌س انار محققان و متحصصا ایراسناس المانی درباره تاریخ قرون سابه و اوایل عصر حد ایران راهبر سده است

والتر هینس به سروی از مسورسکی در تصحیح و برح مذکره الملوك، کتابی درباره مانی و برسات احد مالکها، ایران) از سال ۱۳۶۳ به این سو، مسر کرد (هینس، ۱۹۵۲) برحی از دانشجوان هینس بر (مل نخاب گونونج، ۹۶۲ میرکمال بی‌بور، ۱۹۷۳) رساله‌های خود را درباره مون دیگر درباره امور مالی ایران از اواخر قرون وسطی به این سو بوسه توحه اوله هانس روبرت رومر به مون «اساء» [ادب الکاتب معطوف بود وی علاوه بر آباری که، همچون مکاتبات و رسا دیوانی دوره تموربان (۱۹۵۲)، خود در این رمنه مسر ساج دوسان و داسجوان ریادی را بر به بحقی در این رمنه‌ها تسو، کرده‌است. اهریرت هرسب درباره حکومت و سکیلات دیوانی عهد سلاحه و حوارر مساهان (۱۹۶۴) و تصحیح و برح المانی نامه نامی حواندمر به همت گونر بدهرمان (۱۹۶۸)، وی به عنوان رساله‌ای ریر نظر والتر هینتس بهمه کرد، از حه آباری بودید که به تسوی رومر بدید آمدید

یکی از کارهای سیار مورد علاقه رومر تصحیح و طبع است تاریخی، و به عبارت مسخضتر، اسناد و گزارشها و مکاتبا ساسی فارسی بوده است (رومر، ۱۹۵۴ و ۱۹۵۷). در ۳۰ گدسته در آلمان در اسناد تاریخی و مکاتبات ساسی فارسی تحقیقات فراوانی سده است و اکثر محققانی که به این تحقیقات علاقه و استغال داشته‌اند تحت تأیر هینتس و رومر و اسو بوده‌اند. مسخضات مسروح تحقیقاتی را که در این رمنه سده سده می‌توان در کتابسانی مجموعه فرمانهای فارسی نویسنده مقاله حاضر (۱۹۸۰) یاف. در اینجا باید از تحه هریرت بوسه (۱۹۵۹) درباره دیوانهای رسائل در کسورها اسلامی نیز یاد کرد. همچنین ساییسته است که از مقاله محققا مهمی که همو درباره مطالعه در اسناد فارسی نوشته (۱۹۶۱) سرانجام، از مقاله اودیل مدخل «دیپلماتیک» (Diplomatic) در ط جدید دایرة المعارف اسلام (چاپ لیدن) یاد شود. دوا برحس بوسه آن اندازه اهمیت دارند که لازم است به زبانهای مختلف





رومرا (راس)، کارل جان (جس)

به موضوعات مختلفی در هفتمین رسته پرداخته‌اند. بر نظر همو تهیه شده‌اند. سیس این نوع رساله‌ها، مؤسسه اسناری کلاوس سواربر (که سیس در فرایبورگ مسخر بود و اینک در برلین فعالیت می‌کند) حاب و مسخر کرده است. یکی از حدیث‌ترین اس آثار بر حمة سیسار روان و ماکثره کتاب رسم الواریج محمد هاسم اصف (معلق به اوایل قرن نوزدهم میلادی) به آلمانی به همت حاتم برکت هوفمان (۱۹۸۶) است که سروح و حواسی از رسمندی بر بران افروده است. هر سرب نوشته بر احسهای ارا فارسامه ناسری، اثر مهم مربوط به عهد قاجاریه، را به انگلیسی بر حمة کرده است (۱۹۷۲).

در سالهای اخیر، تاریخ ایران در دوره قاجاریه بر مورد توجه محققان ایران‌شناس آلمانی قرار گرفته است. از آثار و تحقیقات میگوید (۱۹۵۶)، نوشته (۱۹۷۲) و هوفمان (۱۹۸۶) درباره این دوره از تاریخ ایران بستر سخن کفسم هریرت بوسه در بسط و کسرس این حوزه تحقیقاتی سهم و اعتبار زیادی دارد. یکی از دانشجویان ایرانی او، به نام کامران افبال، در آری که در سال ۱۳۵۶/۱۹۷۷ مسخر کرده، در حب مطالعه در بخشی از اسناد رسمی این دوره از تاریخ ایران، به مسأله مقدمات نفود انگلیسیها در ایران بر عبات کرده است (افبال، ۱۹۷۷). افبال که اینک در دانشگاه بوخوم تدریس می‌کند، همحیان دامن تحقیق در تاریخ قرن نوزدهم ایران را اردست نهاده است. سرائحام، نگارنده نیز تحت عنوان اسفاده از تذکرها و خاطرات فارسی در مطالعه درباره تاریخ حدید ایران (۱۹۷۹) نوع ادبی خاصی در متون تاریخی قرن نوزدهم ایران، یعنی همان تذکرها و خاطرات، را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

همچنانکه در حلال سطور گذشته به مناسب دیگری اشاره رفت، ما وجود بوفی مکتب تاریخی هیتس- رومر- اسولر، بسیاری از محققان ایران‌شناس آلمانی به این موضوع نشت

حمه شوند. با همه محققان ایران‌شناس کشورهای مختلف باید از آنها اسفاده کند. در میان آثار حدیدر ناسی، از کتاب من نامه‌های صفویان تألف ربه سمکورب (۱۹۸۲) و بحقی سکا گرویکه درباره اسناد مربوط به اردبیل در دوره سس از ول (۱۹۸۵) یاد کرد. گو سمرید هرمان بر در کوسگی تحقیق رسمندی درباره اسناد و گراسهای سیاسی دوره معول احام دد است (فراگتر، ۱۹۸۰؛ هرمان، ۱۹۶۸). ساند توان است که رجان ایران‌شناس آلمان همدوس محققان ایرانی و روسی در چل سال گذشته سسرین سهم را در بحقی و مطالعه درباره ساد و گراسهای سیاسی و فارسی داسه‌اند.

محققان ایران‌شناس آلمانی، علاوه بر رساله‌های مفرد متعدد، سسار مهمی در رسته مطالعات تحلیلی و اسنراحی درباره پادها و سسکلات دیوایی، بوبره در عصر صفوی، مسخر ححه‌اند در اس رسته، دو اثر از کلاوس- مکناتل زهر بورن، کرد اسولر، بوبره در حور دکر است (زهر بورن، ۱۹۶۶ و ۱۹۷۷). هر دوی این آثار از بهر س شایهانی هسد که در حد نه اخیر درباره صفویان مسخر شده است.

میل کردن از بحقی در تاریخ پادها و سسکلات دیوایی به مطالعه در تاریخ اجتماعی- اقتصادی ایران، حریان کاملا سوبه و برگسب یادگیری سب کارهای والتر هسس در رسته مطالعه در تاریخ اجتماعی- اقتصادی ایران (هسس، ۱۹۲۹، ۱۹۵۰، ۱۹۵۲) راه ناره‌ای در اس حوره مطالعاتی کسود ناول فب، که سسر از ساگردان هسس بوده و اینک در داسگاه ارم (Durham) انگلسان است، آتاری از الهامات و تأیرات سس را در رساله دکرای حوس درباره ایران در عصر داعناس صفوی نمودار می‌سارد. یکی از آثار سیسار قابل سس و فوق‌العاده در اس رسته بحقی اسنادانه زرماری ویرینگ زوکه درباره تاریخ اجتماعی اصفهان در قرون نازدهم سارددهم (نهم و دهم هجری) است (کویرینگ زوکه، ۱۹۸۰). سالد دکتری هاینس گنورک میگوید درباره ساحار حامعه آرای سبه دوم قرن نوزدهم (میگوید، ۱۹۵۹) که هور اسسار بیافه بر حمله آثار قابل توجه در این رمیه است. میگوید سز از ساگردان لر هینس بوده است. در همین رسته بی مناسب سب که به هم نگارنده این مقاله در جلد سسم تاریخ ایران کیمبرج تراکر، ۱۹۸۶) نیز اشاره سود.

زمنیه تاریخی دیگری در مطالعات ایران‌شناسی، که با افبال نمی محققان آلمانی مواجه بوده است، طبع و بصحیح منابع ای مهم و تاریخیهای وفایع نگارانه فارسی و ترجمه آنها (سیس رمان آلمانی) بوده است. یکی از کارهای بسیار مورد علاقه مرفعالیت در همین زمینه است. تعدادی از رساله‌های دکتری که



و هان کریستف بورگل، محقق آلمانی که در حال حاضر با گاه روریخ همکاری می‌کند، با تحلیلها و ترجمه‌های ادبی سوندهایی بین ادبیات قدیم و جدید برقرار نموده است. مگر اینکه، محقق سوئسی، که در طول حساس از هر زبان دیگری با ادبیات جدید ایران آشناتر بود، سرفصلهای ادبیات جدید به ادبیات کهن ایران زده بود و او ساکت و فرسود از حمله متخصصان دیگر آلمانی زبان در زمینه ادبیات که لازم است نام او در اسحاق ناد سود ابرهارد کروگر ازجمله است. ممتازترین اثر او در این زمینه تحلیلی است دربارهٔ صادق هدایت (۱۹۷۷)

توفرید هرمان، از استادان دانشگاه گوسگ، سر دربارهٔ سرفارسی کار کرده است. او با فرامرز بهراد، متخصص ادبیات آلمانی در دانشگاه تهران، ترجمه آلمانی مجموعه‌ای از مآلهای کوتاه فارسی معطوف به قرن سیم (بهراد - بورگل - نان، ۱۹۷۸) را ویراسته است

حسن اعظم ترجمه‌های آلمانی ادبیات فارسی کاران عده‌ای در دانشگاهی است که در زمینهٔ فقه‌اللغه کار می‌کند. این خصوصاً در مورد محققان ایراساساس جمهوری کرانک آلمان، که ترجمه آثار ادبی ایران را بحیثی یکی از ایت مهم و عمومی متخصصان دانشگاهی می‌داند، صادق است. کارهای مانفرد لورنس و ورنر ویندلمس از بهرین ادیبان مدعاست؛ بیسر به نفس بسکامانه کار بررک علوی در برلن سرفی زندگی می‌کند) در زمینه تاریخ ادبیات بوسن اشاره کردیم

سراحم، لازم است که در این مقوله به ادبیات اصطلاحاً به سراسره کنیم. سهم محققان دانشگاهی در این زمینه اندک نبوده است. دو محقق جوان، یعنی رُکسانا هاک - هنگوسی و یح مارسولف در اثر خود (۱۹۸۴) به بحرنه و بحلل آنها عامیانه فارسی برداچه‌اند. بحقی انگرک تالهارمدا انگرک بالدف)، ترک‌سناس اتریسسی مقسم نامرگ، و تراهها و آوازه‌های عامیانه اربکهای شمال افعاساس (۱۹) سراسر از آن جهت که این ازبکها دوربانه (اربکی و می‌اند در ایجا یادکردنی است.

۱ مطالعات فرهنگی - تاریخی ایرانی در دانشگاه بوبینگن، و «اطلس خاور نزدیک توبینگن»

سگانه در «سمنار سرفی دانشگاه بوسنگ» زمینهٔ بحقی و بدعی در حوزهٔ مطالعات ایرانی مطرح و معرفتی کرد که در دو زمینهٔ سنی‌تر تحقیقات ایرانی، یعنی فقه‌اللغه ایرانی و اساسی داشت. گانه به در این زمینهٔ بحقی جدید،

روس ساسی فقه‌اللغه ایرانی و عربی را به بحوی حلاق و بونا با صون و دقایق با ستاساسی و حرافنا بلفق کرده و با اس کار به هیافتی در حور بوجه در طرح سؤالاتی دربارهٔ تاریخ اسکان و انیه در فلات ایران راه‌برده است. نتایج این بحقی در بررسی بُردامنهٔ گانه در بارهٔ تاریخ اسکان و ارباطات در ایالت آرجان/ کهگلویه در جنوب ایران، از هجوم اعراب تا پایان عصر صفوی (۱۹۷۳) و هم در بحقی و تألف او به زبان انگلیسی دربارهٔ تاریخ ساختاری سهرساری سسی، بحت عنوان سهرهای ایران (۱۹۷۹) و، سراحام، در بررسی بحللگرانهٔ او به اتفاق بورن ورت دربارهٔ بازار اصفهان (۱۹۷۸)، معکس است

ناره برس اتری که در این زمینهٔ حندوحنی با حندین رسه‌ای بحفقات ایرانی اسسار ناهه اطلس خاور نزدیک بوسنگ است. در ایجا لازم است که، علاوه بر بغداد کسری نفسه‌های حرافایی و تاریخی و فرهنگی و احماعی، از بحی آثار منتشر سدهٔ دیگر که به این طرح مطالعاتی مربوط اند ناد سود یکی از اس آثار تألف هایس هالم (۱۹۷۴) است که در آن گسرس مذهب فقهی سافعی در ایران فرون مانه بحفصل بررسی سده است<sup>۱</sup> درونی کراولسکی سر دو اثر مهم در زمینهٔ حرافایی تاریخی بوسه یکی بررسی تاریخی - حرافایی دربارهٔ ایران دورهٔ ایلخانیان در فرون هسم و هسم هجری (۱۹۷۸) و دیگری بحلل رمانی و مخوانی از وصف حراسان در حرافایی حافظ ابرو (۱۹۸۴)

#### • دین و مذهب و تاریخ علم

سار احه سسر گفه سید، فاعدا نایسی روس سده ناسد که سسر مطالعات محققان آلمانی زبان دربارهٔ مسائل دینی و مذهبی ایران در بحفقات اسان دربارهٔ مسائل ادبی و تاریخی ایران مدرح است. امروره نامردارترین محقق آلمانی رمانی که دربارهٔ عرفان ایرانی کار می‌کند یک مورخ ادیان از میان داسحویان فرس مانر به نام ریچارک گراملیس است. کتاب سه حلدی طریقه‌های دروسسی سعی در ایران (۱۹۶۵ و ۱۹۷۶ و ۱۹۸۱)، که هج کتابخانهٔ حدی در ایران از دستن ان سی نیار نیست، اثر اوست. اس اثر سه حلدی درواقع دایره‌المعارف عظمی دربارهٔ بصوف از بظر زندگی احماعی و روحانی ایران کنونی است. گراملیس یکی از محققان تر اثر در این زمینه است. با این حال، وی در سایر آثار به بوجه حدی حیدانی به ایران نداسه است. بحقی و مطالعه دربارهٔ الهات سسع اسی عسری سالان معادی دسمایهٔ عبدالحواد فلاطوری، اساد درس اسلام در دانشگاه کلن، بوده است. در بحفقات و مطالعات او سراسر ایران همواره در کانون بوجه بوده است. فلاطوری در سالهای اخیر در زمینهٔ

تحلیل عناصر دینی در کتابهای درسی بعد از انقلاب اسلامی در ایران تحقیق می‌کرده است.

کاری که هارالد لوسر، متخصص حقوق دانشگاه ارلانگن، درباره اصول فقه سیه امامیه کرده (۱۹۷۰)، هر چند از مدار بحث حاضر ما خارج است، دریغ است که در همین حد نیز بدان اشاره نسود. اگر متخصصان اسلام‌شناس آلمان هنوز برای مطالعه درباره تسبیع انی عسری مرل درحوری فایل نیستند، در حالی که محققانی هم که به طور تخصصی و حرفه‌ای درباره سرباع مختلف تحقیق می‌کنند کمترین توجهی به مسائل فقه اسلامی ندارند.

درباره مطالعاتی که در زمینه تاریخ دسی و مذهبی ایران عصر صفوی سده بوده در بخش چهارم همین مقاله سخن گفتیم. درخور توجه است که حتی انقلاب اسلامی ایران و بی‌آمدهای آن حدان مورد توجه و تحقیق ایراسناسان آلمانی فرار نگرفته و هر چند مقاله محفانه (انده، ۱۹۸۰؛ فراگر، ۱۹۸۳؛ رومر ۱۹۸۲) مطلبی درباره آن نوشته نشده است. ببااین، در اینجا تنها باید به دو رساله فوق لساس، که به هر حال بارقه‌هایی از عناب به این جریان اند، اشاره کنیم. یکی از این دورساله در اسلام‌شناسی بهیه و تقدیم سده است و دیگری در فقه اللغه ایرانی رساله بخش از آن یورگن یا کو بیس درباره ذهیت تاریخی سهد مرتضی مطهری است که هنوز منتشر نشده است. رساله دوم نیز تحقیقی است که فاطمه سمازاده درباره «اسلامی کردن» کتابها و برنامه‌های درسی ایران در سالهای بعد از انقلاب اسلامی فراهم آورده است (۱۹۸۶). علاوه بر اینها، حتماً لازم است از نخستین رساله دکتری که در حوره مطالعات اسلام‌شناسانه آلمانی درباره جمهوری اسلامی ایران تهیه سده است یاد کنیم. این رساله (۱۹۸۵) حاصل تحقیق سیلویا تلنباخ درباره قانون اساسی سال ۱۳۵۸ ایران است، و سیلویا آن را در دانشگاه فرایبورگ زیر نظر استاد رومر گذرانده است.

توجه محفان ایراسناس و اسلام‌شناس آلمانی‌ریان به جنبشها و حرکت‌های دینی غیراسلامی و یا حوامع افلب غیرمسلمان در تاریخ ایران عصر جدید سز بسیار کم و محدود بوده است. توجه جدی فرهاد سبحانی، محقق ایراسناس ایرانی و مدرس دانشگاه آزاد برلن، به عفاید باییه و بهانیه در خلال تدریس و تحقیق خود، یکی از استنهاها در این حریان است. سایر جوامع و گروه‌های دینی و مذهبی، همچون یزیدیها و اهل حق، نیز گاهی موضوع تحقیقات اجتماعی و انسان‌شناسی قرار گرفته‌اند. در سراسر این تحقیقات معدود و براکنده به جامعه افلب زردستیان امروز ایران تقریباً هیچ توجهی نشده است. درباره مسیحیان ایرانی نیز بندرت، آنهم در خلال مطالعات سامی، تحقیق سده

است؛ توجه رودلف ماکوخ، محقق سامی‌شناس دانشگاه برلن. ماندایی‌ها یا صابثین و زناسان (۱۹۷۶) از همین دس است نویسنده مقاله حاضر هیچ مطلبی که به ریان آلمانی دریا یهودیان دوران جدید و معاصر ایران نوشته سده ناسد سز ندارد. ❀

۶ علوم سیاسی و تاریخ معاصر ایران  
مطفه حاورنزدیک و میانه حداکر بسب سال است که به تصور زمینه‌ای مطالعاتی برای رسته‌های علوم سیاسی داسگاهها آلمانی‌ریان درآمده است و در همین مدب به نحو روزافروبی بر توجه و تحقیق فرار گرفته است. نا این حال، رویکرد به مسانبا موضوعات ایران در این مطالعات حنبه کاملاً فرعی دارد و سب به مسائل و موضوعات جهان عرب، مبارعات اعراب و اسرانه و جمهوری ترکیه، کمتر به آن توجه می‌سود. روس است ایحین رویکردی به مسائل سیاسی معاصر ایران نا اهمی روابط بازرگانی با ایران حه قبل و حه بعد از انقلاب اسلامی بر آلمان داسته همساز و هماهنگ بوده است. روسفکران اله غربی نیز به نوبه خود از دهه ۱۹۶۰ به این سو نظری مسفد سبب به ایران داسته‌اند. مواضع ایسان در این رمسه عم معطوف به همبستگی سیاسی با جریانان مخالف دسگاه درار بوده است. این گرایس باعث انتشار آبار سسار زبادی در، اوصاع سیاسی ایران سده که برای فاطبه کناخوانهای آلما بوسه سده‌اند البته بخش اعظم این آبار در سطح بالایی سس اکر آنها را متخصصان علوم سیاسی که تحصلات داسگاه داسته‌اند بوسه‌اند. با این حال، تعداد آبار به تمام معنی محفانه در این زمینه انتشار یافته‌اند اندک است به این معنی که بیسترا آبار، هر چند در سطح بالا و بیسرفته‌ای باسند، است روزنامه‌نگارانه‌اند. البته، در مواردی، کسیدن مررهای مسحا بین آمار محفانه و روزنامه‌نگارانه کمابیس دسوار است، اما مسلم است که آمار متعلق به هر کدام از این دو مقوله بر فرص متفاوتی مبتنی سستند. این تفاوتها بویه در متن سس داسگاهی کسورهای آلمانی‌زبان کاملاً فابل تسخیص‌اند طیف آباری که بینابن آمار محفانه علوم سیاسی و آمار سس عمومی‌تر در این رمسه منتشر سده‌اند می‌توان از کتاب ای اولریخ گرکه و هارالد میرب (۱۹۷۵) و کتاب ماوایران فردر کوخ واسر (۱۹۶۱) نام برد. فضای منتقدانه روسنفکری العار اواخر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ فویاً تحت تأسر کتاب نیرومند، متخصص ایرانی علوم سیاسی در برلن عربی، عنوان ایران (۱۹۶۷) بود. این کتاب بیس از هر ایر دیگر تفکر و تصور چپ جدید آلمان درباره مسکلات و مسائل ❀

تأثیر گذاشت. نیرومند احراً کتابی دربارهٔ آثار و نایاب اسلامی در ایران (۱۹۸۶) منتشر کرده است. راس مقاله مجال آن نیست که تفصیل دربارهٔ همهٔ آثاری که دست در زبان آلمانی دربارهٔ انقلاب اسلامی و جمهوری می ایران منتشر شده و گاه بسیار قابل توجه‌اند سخن هم ایران - عراق «حسی لاتکون منه» (۱۹۸۷) به فلم و موسیقی - استرن نمونهٔ کامل عبادی از اس دست آثار و نایاب نوع ادبی در موعن آلمانی بود.

ما، همچنانکه گفته شد، حاصل تحقیقات صرفاً داسگاهی در زمینهٔ بسیار اندک بوده است. هیچک از مؤسسات تحقیقاتی سیاسی در آلمان برنامهٔ منظمی برای پرداختن به امور و نل ایران ندارند. در آلمان فدرال، هرچاهم که ملل ارلانگی و عربی و ما مؤسسهٔ آرنولد - برگستراسر در فراسورگ پی حدی به تحقیق در مسائل حاورمانه می سود بار رزهای عربی و ترکیه در کانونهای اس توحه و تحقیق فرار

در جمهوری دموکراتیک آلمان هم وضع ار همین فرار است آلمان سرفی، و خصوصاً در لایرنگ، تحقیقات به اصطلاح ووحی دربارهٔ حاورمانه بسیار بیسرفه بر از همهٔ کسورهای ای زبان است. حاصل این گرایس ویره در سالهای احمر دو بسیار مهم در این رمیه بوده است. یکی از این دوا بر اولین و تا امروز بگانه ترجمهٔ آلمانی حکومت اسلامی امام خمینی حرسکا - حسن، ۱۹۸۳) است. ار دیگر حاوی گراس سیلی و در عین حال تحلیلی انقلاب اسلامی و بی آمدهای آن در ان است که ابر و فور تیگ و مولر (۱۹۸۷) مسترکا ان را وین کرده اند. همچنانکه انتظار می رف، نویسندگان این کتاب، در آلمان عربی بر عرصه گردیده است، در توصف و تحلیلهای د از روس سیاسی و نوع بگرس خاص معهود در علوم معاعی مارکسیسی - لنینیستی سروی کرده اند. اما ان دیفا مار بکنه ای است که سکوفاتر بودن این گوه مطالعات را در مار سرفی نسبت به بقیهٔ کسورهای آلمانی زبان بوضیح دهد هو زدر آلمان غربی ار محققانه ای از این دست در زمینه نوم سیاسی که با این ار قابل فیا س باسد فراهم نیامده است در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰، بنیاد فردریک ابر، که بیوندهای یکی با حزب سوسیال دموکراتیک آلمان دارد، دو کنفرانس الملی دربارهٔ انقلاب اسلامی ایران برگزار کرد مجموعهٔ لانی که در این دو کنفرانس عرضه شد به صورت کمانی به نام ان در حیران (۱۹۸۰) در بن انتشار یافت. همین بنیاد در سال ۱۹۸۰ کنفرانس دیگری برای بررسی مسألهٔ جنگ ایران و عراق قرار کرد آثار مهم دیگری که از این نقطه نظر دربارهٔ ایران و

افغانستان مسر سده است هماهایی است که در مؤسسهٔ مطالعات اجتماعی تطبیعی برن فراهم آمده است. در اینجا حتماً باید از دو ار بسیار عالمانه ای یاد کرد که یان - هیرن گرومه بر و کورب گروسینگ، ار محققان سح کوس برلن غربی، فارغ از هر گوه حمایت تسکلاتی، ویراسه و مسر کرده اند ۱۹۸۰ و (۱۹۸۱). نویسندگان انگلیسی زبان در دومس مجلد سهم داشته اند (دس و ساسب در ایران، وراستهٔ سکی کدی، بیوهون، ۱۹۸۳) متأسفانه مقالات آلمانی ار مرور به انگلیسی ترجمه نشده است تا مورد استفادهٔ خوانندگان انگلیسی زبان فرار بگیرد.

در طول بسب با سی سال گذشته، علمای علوم سیاسی توجه حدادی به ایران بعد از جنگ اول جهانی، مدول نکرده اند با این حال، احمد مهراد، از مورخان و متحصضان ارای علوم سیاسی در آلمان، دربارهٔ اوضاع و احوال ایران در سالهای بعد از جنگ اول تحقیقات منظمی انجام داده و مهمر از همه آنکه مناسبات ایران و آلمان را در دورهٔ رضاساه براساس اسناد و گزارشهای ناگانهای آلمان (مهراد، ۱۹۷۶، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۵) کاونده است سایر آثار اس مقوله ار مطالعات ارای سسر به صورت انتقادی دیدم آمده اند با نه عنوان سیجهٔ تحقیقات برنامه ریزی سده (ملا - رواسانی اندون زاریخ، رورر ۱۹۷۸).

بگانه مؤسسهٔ تحقیقاتی آلمان که، بدون ارتباط با هیچ داسگاهی، به مسائل و موضوعات ایران امرور می بردارد «مؤسسهٔ سرفی آلمان» در هامبورگ است که اودو استنباح فعلا نه آن را اداره می کند. فصلنامه ای که ان مؤسسه با نام *Orient* (سرو) مسر می کند به طور منظم حاوی مقالاتی دربارهٔ ایران است. در این سسریه، در عین حال، بهترین مجموعهٔ خبرها و حکیدهای تحقیقات جاری آلمان دربارهٔ مسائل معاصر حاورمانه ارائه می سود

ا قسمت دوم مقاله در شمارهٔ بعدا

#### حاشیه

\* این مقاله بر ار همان معنی برگرفته سده نه مقالات بسین ابراساسی در کسورهای مختلف (مدرح در شماره های گذشتهٔ سرداس) از ان برگرفته سده بود بویستهٔ این معانه، بر ب گ فراگر، مدیر گروه مطالعات ارای در داسگاه اراد برلن است و مهمترین موضوعات تحقیقاتی مورد علاقه اس تاریخ اقتصادی ایران و ماوراءالنهر سس از عصر حدید از بعد ار معول تا آغاز قرن بیسم است عنوان اصلی و کامل اس مقاله، که بسین اریکی سدن دو آلمان بوسته سده است، «مطالعات اسلامی - ارای و مطالعه دربارهٔ ایران دورهٔ اسلامی در کسورهای آلمانی زبان جمهوری فدرال آلمان» جمهوری دموکراتیک آلمان اریس و سونیس» بوده است اصل مقاله مرور به زبان آلمانی بوده و رودی متی ان را به انگلیسی ترجمه کرده است

۱) هاسس هالم کتاب دیگری بر تحت عنوان تسع در سال ۱۹۸۸ منتشر کرده که در یکی از شماره های بسین نشر دانش (سال دهم، شمارهٔ ۴، خرداد و تیر ۱۳۶۹، ص ۸۵) توسط مرحم همین مقاله معرفی گردیده است - م

# انقلابی که ناگزیران بود

ناصر ایرانی

می‌کوسد نظریه عام و فراگیری باشد تا بتوان در چارچوب انقلاب اسلامی ایران را به درستی تحلیل کرد. آن‌گاه سر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را که ریشه انقلاب را در آوردید بررسی می‌کند تا تفسیری حتی الامکان متکی بر واقع عینی از علل انقلاب به دست دهد و به این دو پرسش مهم ما گوید آیا انقلاب اسلامی ایران احتیاج‌ناپذیر بود؟ آیا انقلاب ممکن بود رهبران دیگری حر امام خمینی و روحانیون را باشد؟

## چند نظریه انقلاب

جستش نظریه‌ای که نویسنده شرح می‌دهد به رهیافت ارزشها (the value-systems approach) موسوم است بر این نظریه انقلاب هنگامی ممکن است روی دهد که ارزشهای جامعه و واقعتهای زندگی اجتماعی باهمخوانی وجود آید. حالمرحاسون، مفسر این نظریه، در کتاب دکتر انقلابی<sup>۱</sup> می‌گوید نظامهای اجتماعی معمولاً قادرند خود معادل سازند و به تعادل حثانی دست یابند و به همین می‌تواند تا دیگرگونیهایی که در محیط ریسسان صورت می‌سارگار شوند هرگاه جامعه‌ای طرفت سارگار نمودن خود دیگرگونیهایی ریسب محیطی از دست بدهد «نامتعادل» می‌ک نامتعادل بودن نظام اجتماعی خودبه‌خود باعث انقلاب می‌بلکه به «سبب‌دهندگانی» مناسب و «مصلحه‌ناپذیری» حاکم» نیاز است تا انقلاب صورت گیرد حاسون به ستاب‌دهنده را برمی‌سمارد. ضعف نظامی یا بی‌بطمی در انقلابیون یقین پیدا کنند که می‌توانند حاکمان را شکست‌ده عملیات نظامی انقلابیون بر ضد نیروهای مسلح ربه

گروهی دیگر از صاحب‌نظران علل انقلاب را در «روانسناختی توده» می‌جویند. معقدان به این رهیافت می‌بیات یا بی‌بیاتی هر رژیم نهائماً به حالت ذهنی و وضع جامعه بستگی دارد. جیمز دیویس در مقاله «به سوی سبب

Mehran Kamrava *Revolution in Iran, The Roots of Turmoil* London, Routledge, 1990

با آنکه اکنون نزدیک به سده‌سال از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد همچنان کتابهای تازه‌ای درباره آن نوشته و منتشر می‌شود. با مرور کتابسبسی جامع انقلاب اسلامی ایران بدوین سده است (این کارلارمی است که ای کاس یکی از بهادهای بروهسی کسور تدوین و اسرار آن را به عهده می‌گرفت) تا توان ارس دیدان گفت که تاکنون چند کتاب و مقاله به ربهانهای مختلف درباره این انقلاب حاب و منتشر شده است ولی می‌توان با اطمینان گفت که درباره هیچ رویداد معاصرری به انداره انقلاب اسلامی ایران کتاب و مقاله نوشته شده است یک دلیل اس امر ان است که انقلاب اسلامی ریم ساه را سرنگون کرد که تا چند ماه پیش از فروپاشی «حرره بیات» می‌نمود و دولت انالاب محده امریکا را سکست داد که تصور می‌سد در صحنه سیاسی حاورمیان عروسک حرخان نهایی است و بی‌حرکت انگسهای او هیچ رژیم نمی‌رود و هیچ رژیم نمی‌اند از اس‌رو بروهندگان سیاری در صدد برآمدند تا علل فروپاشی رژیم ساه و سکست دولت امریکا را در ایران بجویند و بوضوح دهد. تردیدی وجود ندارد که کار این بروهندگان در مجموع بسار مفید و بصیرت بخش بوده است اما بیسر آنان تا دجار این نقص بوده‌اند که نتوانسته‌اند خود را از فید احساسات و جابیدارهای سیاسیشان- که در مورد رویدادی همچون انقلاب اسلامی معمولاً به افراط کشیده می‌شود- آزاد نگه دارند؛ تا دجار این نقص که کوسیده‌اند انقلاب اسلامی را در چارچوب نظریه‌هایی تحلیل کنند که قادر به توضیح همه جابه علل حاص انقلاب اسلامی ایران نیستند؛ یا دجار هر دو نقص.

کتاب انقلاب در ایران، ربه‌های آسوب بوسته آقای مهران کامروا، به چشم نویسنده این سطور، میرا از هر دو نقص فوق است. کتاب با بیطرفی علمی کمیابی نوشته شده است، و نویسنده ابتدا به شرح و نقد نظریه‌های موجود انقلاب می‌پردازد و

وفتی با می‌گیرند که مردم سابقاً راضی و سر به راه جامعه با مبارزه‌ای مواجه می‌گردید که پس سر و حاکم و سروهای مخالف جهت تسلط بر دستگاه دولت در گریه است، و مردم به سبب از سروهای مخالف می‌بردازند. بیلی معتقد است که تحقق همزمان سه شرط به انقلاب منجر می‌شود. (۱) ظهور سر و مخالفی که در صدد است قدرت حکومت را به دست گیرد؛ (۲) حامداری بخش مهمی از جامعه از این سر و مخالف؛ (۳) بی‌علاقگی با بانوایی دولت در سرکوبی بیرونی مخالف. بنابراین انقلاب صورت نمی‌پذیرد مگر آنکه بخش مهمی از جامعه امداد سیاسی نیروی انقلابی را مشروع بداند، ولی اینکه حسین بیرونی انقلابی چگونه شکل می‌گیرد به قول بیلی «یکی از راه‌های عصر ماست».

ساموئل هانسن در کتاب نظم سیاسی در حوامع در حال تغییر<sup>۱</sup> انقلاب را از حاسی بوساری (modernization) می‌داند و معتقد است که بوسازی باعث می‌شود طبقات اجتماعی حدیدی به وجود آید که حواهان مشارک در فرایند سیاسی اند. طبقه متوسط پس از هر طبقه دیگری حواهان ان است که در فرایند سیاسی سرک خود و همین طبقه است که «طبقه انقلابی حقیقی» را در بستر کشورهای در حال بوساری تشکیل می‌دهد. انقلاب هنگامی ممکن است رخ دهد که اولاهادهای سیاسی قادر باشند محاری حدیدی جهت سرک بیروهای اجتماعی بید در کار سیاست فراهم آورند؛ و با ان طبقات اجتماعی که باکون از مشارک در کار سیاست محروم بوده‌اند علاقه‌مند باشند در فرایند سیاسی فعالانه سرک جویند

اخری نظرهای که در کتاب انقلاب در ایران مورد بحث قرار گرفته نظریه ندا اسکاحیل است. اسکاحیل در کتاب دولتها و انقلابهای اجتماعی<sup>۲</sup> می‌گوید بحراهای انقلابی هنگامی رخ می‌دهد که حکومت توان مقابله با حالسهای پس‌المللی را اردست می‌دهد این حالسها غالباً در نتیجه بر حوردهای نظامی بین حکومت‌های رفیب پس می‌آید. اسکاحیل در اباب نظریه خود به انقلابهای فرانسه و روسیه و حسن اسناد می‌کند و می‌گوید حکومت اسپدادی در آستانه انقلاب بین دو فسار ناسی از

حاشیه

1) Chalmers Johnson, *Revolutionary Change* (London: Longman, 1982)

2) James Davies, «Toward a theory of revolution», *American Sociological Review* 27, no. 1 (February 1962)

3) Charles Tilly, *From Mobilization to Revolution* (London: Addison-Wesley, 1978)

4) Samuel Huntington, *Political Order in Changing Societies* (New Haven, CT: Yale University Press, 1968)

5) Theda Skocpol, *States and Social Revolutions* (Cambridge: Cambridge University Press, 1979)

Mehran Kamrava

Routledge



انقلاب<sup>۳</sup> می‌گوید انقلاب وقتی ممکن است رخ دهد که مردم را کند (و این درك مهمتر از آن است که در عمل بجره کند) که سازها و فرصتهای اجتماعی و اقتصادی آنان کاهش یافته است و پس گفهای دارد که ان را عصاره نظریه اومی داند «انقلابها بک بر محمل می‌گردند که دوره‌ای طولانی از بوسعه اقتصادی اجتماعی عسی حای خود را به دوره‌ای کوتاه از واروگی نهایی بدهد». توقف ناگهانی رشد اقتصادی و از پس رفتی صنهای بوسرف اجتماعی و اقتصادی باعث می‌شود که امدها نظارهای مردم عقیم بماند و همین امر به بونه خود مخالف ناسی را برمی‌انگیزاند. دیویس، که سر حوردگی روانی را عامل مده انقلاب می‌داند، می‌گوید در جامعه‌ای که فرصتهای مداوم و مع برای رفع بیاره‌های جدید و تحقق امدها و انتظارهای بومود دارد انقلاب صورت نمی‌گیرد، و در جامعه‌ای هم که امده و نظاری وجود ندارد انقلاب صورت نمی‌گیرد

حسون و دیویس معتقدند که انقلاب بدیده‌ای است بر دانی و بدون بیسگامی آگاهانه کسانی صورت می‌گیرد که بود را اعازگر و محرك آن فرض می‌کنند. ولی حارلر تبلی در کتاب بوسیع تا انقلاب<sup>۴</sup> انقلاب را محصول تلاشهای ارادی ماربکریان سیاسی رفیب می‌داند و می‌گوید جنبه‌های انقلابی

اختارهای طبعانی داخلی از يك سو و مفتضیات بین المللی از وی دیگر گیر می کند و دولت متمرکز و ارتس آن فرومی ناسد و برای دگرگوئیهای اجتماعی انقلابی بار می شود. اسکاحیل تنفادی به حرهای «بسیاهنگ» بداس و معتقد بود که انقلاب با از طریق تضادهای بین المللی و ملی صورت می پذیرد و مهار به دسب انقلابیون بیست.

## دو لازمه اولیه انقلاب

بسنده کتاب س از توضیح مختصر این نظریه ها به بعد احتمالی ها می بردارد و می گوید گرچه انقلاب اسلامی ایران هیچ يك از ن نظریه ها را باطل نکرده است به روشی آسکار ساخته که آنها در بیستند تمام عاملهایی را که لازمند تا انقلاب صورت گیرد ضیح دهد و به همین دلیل انقلاب ایران فرصتی بیس آورده است با نظریه های موجود انقلاب تعدیل و اصلاح پیوند. به طور ی باید گفت آن نظریه هایی که انقلابها را منحصرأ در خارجون رسنه علمی خاص بررسی می کنند در میل روانسسانی نظریه دیوپس، جامعه شناسی (حاسون)، یا ساس سکاچیل). توانایسان در سربح کامل انقلابها بسار محدود است

دکر این نکته بی فایده نیست که اسکاحیل س از انقلاب ملامی ایران تفسیر منحصرأ ساسی خود را از انقلاب تعدیل وده و معتقد سده است که عاملهای فرهنگی س می نواند نفسی بیس کننده در به کار انداختن موبور انقلاب و سامدهای آن داشته سبند او همحنن در ابی عنده خود که انقلاب سربستی برارادی و باهدفمند دارد تحدید نظر کرده است و اعتقاد یافته که ورها و اعمال اسانها س در انقلاب مؤبرند

در بررسی علل انقلابها می ناسب عاملهای محلی را مورد حه فرار داد، به وره وضع دولت و جامعه را. خدا کردن دولت و امعه در دهس و بررسی تحولات آن دو اهمیت اساسی در درك مل علل انقلاب دارد. به طور کلی باید گفت انقلاب روی ی دهد مگر آنکه دولا رمه اولیه آن فراهم آید این دولا رمه اولیه اارند از:

۱) دولت می نایست تا حد زیادی تواناییهای فهری خود را از سب بدهد و جان ضعیف بسود که سربگونی آن ممکن گردد. صرف نظر از سایر سراطی که تحقق آنها به وقوع انقلاب ك می کند، توانایی رریم در سربکوبی مخالفاس مانع از آن گردد که کشور در آستانه انقلاب فرار بگیرد. دو کشور یفای جنوبی و کره جنوبی به روسنی نسان می دهند که ب مدیر بودن دولت مهمترین علت انقلابهاست. افریقای و بی و کره جنوبی سالهاست که زیر فشارهای داخلی و

خارجی سیدی فرار دارند ولی به دلیل آنکه در این دو کسو نخبگان حاکم نیرومندند و ساختار دولت مستحکم است تاکنون انقلابی در آنها روی نداده است. باید گفت تمام انقلابهایی که پیروزی رسیده اند هنگامی آغاز گشته اند که توانایی دولت د. اینکه به نحوی کارآمد و مؤثر حکومت کند به سبب کاهش یافت بوده است.

۲) ضعیف شدن دولت به نفعه کافی نیست تا بحرانهای سیاسی را که لازمه انقلاب است ایجاد کند. بحرانهای سیاسی در هر زمانی ممکن است رخ دهد، حال آنکه انقلاب صورت نمی پذیرد مگر آنکه گروههایی که کمر به سربگونی نخبگان حاکم بسته اند از مسکله و بحرانهای که گریانگر دولت سد است سود حوید. اقدامات و مابورهای ساسی کادر رهبری انقلاب اهمیتتی اساسی در سوب دادن دولتهای ضعیف و در حال سقوط به سوی انقلاب تمام عیار دارد حتی دولتهایی که به کل ضعیف سده اند خود به خود دچار انقلاب نمی سوبند و لازم است رفبان سیاسی نیرومندی به مبارزه حاد با آنها برخیرند سربگونسان سارید در تمام انقلابها بدون استثناء گروههای مخالفی وجود داشته اند که از فرصتهایی که در بیجه ضعیف سد دولت به دسب آمده سود جستند و نخبگان حاکم را سربگو کرده اند. برعکس، به عنوان مثال، فقدان حبس گروههایی د عراق یکی از عمده ترس دلایلی است که باعث سده دولت سبب ضعیف گسسه آن کشور (که سالهاست درگیر جنگ است اکنون تحت فشارهای کمرسکن خارجی و در آستانه فحطم است) همحنن سربا ناهی نماد و دچار انقلاب سوبد

با توجه به نفس مهمی که جامعه در سکل گیری انقلاب ای می کند، لازم است ویرگهای هر يك از طبقات و گروههایی د احرای طبقاتی جامعه را تسکیل می دهند، و سرب ویرگهای گروههای مختلفی که در صددید از طریق حلب حمایت و سبب مردم دولت موجود را سربگون کنند، و بیوندهایی که بین طبقات اجتماعی از يك سو و گروههای مختلف از سوی دیگر برقرار می سوبد یا از سس وجود داشته است، به دفت بررسی و معلو گردد. این متعرها تعیین می کند که کدام يك از گروهها (و در سبب کدام ایدئولوری انقلابی) بر حبس انقلابی تسلط می ناند رهبری انقلاب را به دسب می گردد رهبران انقلاب به رأی سس یا کسانی انتخاب نمی سوبند. آنچه رهبران انقلاب را بر می گزید جایگاه بارر آنان در جامعه و نیرومند بودن سازمانهای اجتماع است که در اختیارسان فرار دارد. رهبران انقلاب وفی اسب می سوبند که هنوز حتی همدردی و حمایت تمام مردم را حده نکرده اند. البته اقدامها و ابتکارهای بعدی گروههای انقلابی د



ان مسروعت و افزایس یا کاهش حمایت مردم از آنها نفس یار زیادی دارد. جاذبه ایدئولوژی هر گروه نیز نفس مهمی در ایس حمایت مردم از آن گروه ایفا می کند. به هر حال، تارمایی حزبها و گروههای انقلابی حنان جانگاهی در جامعه نداشته مند که بتوانند به طبقات مردم دسرسی داسه باسد نمی توانند نحوی مؤثر به تبلیغ آرمانهایسان بردارند یا اقدامهای لانیسان را به اطلاع تمام مردم برساند. ساراین جانگاهتماعی و توانایی سازمانهای گروههای انقلابی مختلف تعیین دههای اجتماعی مهمی در شکل گیری مس و سرست لابهاست.

گرایسهای عام اجتماعی و اجتماعی-روایی مردم بر درع انقلابها مؤثر است. گرچه نارصایبها و دردهای اجتماعی ووز آنها به نفس محر به انقلاب نمی گردد، سراط اجتماعی-هنگی وروایی خاصی می تواند عناصر سارنده لازم برای سسحلابی تودههای سابقا غیر فعال را فراهم آورد. مردم بر صد هسحیمی به آسانی دسب به سورش نمی رند. می باسد دلایلی ی موحود باسد تا آنان را به این کار برانگرد و در آنان اس ادگی را بدید آورد که ار گروههایی که در می سربگویی رریمند نیب کند این آمادگی مستلزم سسحق چندین سراط است که حترین آنها عبارتند ار محدوس سدن اررسها و ار سن رفس مروعت دول؛ ظهور فراگر حالهای روایی خاصی ار فیلر حوردگی یا انتظارهای رورافرون؛ یا ترکیبی از این دو (حانکه ایران سس آمد)

حال، با توجه به این خارحوب نظری، ببسم دول ساه حه رگیهایی داسب و گروههای مخالف حه وضعی داسند و در دههای مردم حه گراسهایی و حود داسب که سسح انقلابی آنان ممکن و حتی احتاب ناپذیر ساحب.

### دولت شاه

مدرصا بهلوی سس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با بهره گیری ار ایط مساعد بین المللی توانست مخالفاس را به کلی از صحه رح سازد و حکوم فردی حود را تبیب کند و دولتی بیاد بهد با آنکه حود به قدر کافی نیرومند بود ار لحاظ دیلماسک و می وروانی به حمایت ایالات متحده امریکا مکی بود.

دولت ساه سه رکن اصلی داسب. اولس رکن سسخص ساه بود؛ حود را در رأس دولت قرار داده بود و تمام نهادهای دیگر را سه به دربار کرده بود و بدین ترتیب سسخص نفکک ناپذیری ار سسده بود. دومین رکن سسبکه اداری کسور بود که متسکل بود نائیه، مجلس، و دسنگاه اداری. سومین رکن حید نهاد نظامی و نظامی بود که مهمترین آنها بر وهای مسلح و ساواک بودند

### ● محمدرضا بهلوی

سah حود مهمترین عنصر دول بود و قدرب و اعتناری بیس ار قدرب و اعتبار سایر نهادهای دول داسب. او معمد بود تنها در صورتی می تواند دودمان بهلوی را حسب کند که حود اداره امور کسور را به عهده گرد تسلط سسخصی ساه بر دول در سال ۱۳۴۴ کامل سد. ساه در این سال عباس هویدا را به نحسب وزیر برگزید، و هویدا نظام سیاسی کسور را به صورت هرسی در آورد که ساه در رأس آن بود و کابینه به ریاست نخست وزیر، که به واقع مدیر هری نظام بود، و همسب دسنگاه اداری در فاعده آن.

سah سسخصاً وظائف سسگین و مسکلی را به عهده داسب و حود را با اداره امور رورمره کسور سسب حسته می کرد مسائل مربوط به امور خارحه و اقتصاد و ارتس مسعولب اصلی او را تسکیل می دادند. بیستر اعصای کاسه هر هفته با او ملاقات می کردند و فعالیهای ورارحانه حود را به او گراس می دادند. وریران با نفوذ و برحی ار صاحبان بروتمد صایع هرگاه که می حواسند دسنگاه اداری را دور بزید و ار مزایای نارتنی باری بهره مند سوند می توانستند به دیدار ساه بروید و این امر باعث تسها و دسسمهای سسخصی در داخل کابینه و در میان صاحبان صایع می گردید

سah تمام وزیران و فرماندهان نظامی و سفران را سسخصاً منصوب می کرد و هسبک ار اس منصوبین بیس از انتصاب مورد مسورت قرار می گرفتند و حبی اطلاعی به آنان داده نمی سد. تمام فرماندهان نظامی مسسهما و مسحضراً در برابر سسخص ساه باسنگو بودند، و بر حلسه های هسبگی سورای عالی اقتصاد به ریاست او سسکل می سد

او اعتمادی به سیاسمداران با بحره نداشت و هسب نمی سسدید که کسی عسده ای خلاف نظر او ارار کند. حانلوسان را بر صدر می سسند و به همین دلیل بود که نحسب وریری هویدا سرده سال دوام آورد. به قول یکی ار مقامانی که در دول هویدا خدمت کرده است دراری عمر نحسب وریری هویدا باسی از این واقعب بود که او ار یک سو تافصهای نظام سیاسی ایران را که با واقعب سگانه بود دسب بحورده بگه داسب و ار سوی دیگر تصوبری نادرست ار جامعه ایران و وضع سیاسی کسور به ساه عرصه می کرد.

### ● کابینه و سایر نهادها

برکناری هویدا ار مقام نحسب وریری و روی کار آمدن حمسید امورگار در سال ۱۳۵۶ تعبیر حیدانی در نفس ویره کابینه نداد. در دوره هویدا، کاسه عمدتاً سربرسی دسنگاه اداری کسور را به

پده داسټ درحالی که برخی از ورارتخانه‌های مهم تحت لارب و کنترل شخص شاه اداره می‌شدند. ورارتخانه‌های نگ، امور خارجه، دربار، و دارایی در تماس مستقیم با شاه بودند. همچنین به آن ورارتخانه‌هایی ارجحیت می‌داد که مسئول سعه اقتصادی کشور بودند و شورای عالی اقتصاد را تشکیل دادند. سایر ورارتخانه‌ها صرفاً وظایف اداری را انجام دادند. پس از آنکه حمید امورگزار از مقام نخست‌وزیری استعفا داد و جعفر سرف امامی، رئیس مجلس شاهی، جای او را گرفت نفس ویره کابینه دیگرگون شد و وزیران احبار و قدرت‌مقیم‌گیری پیدا کردند.

این از کابینه، در مورد پارلمان، که متشکل از دو مجلس شورای ملی و شاه بود، باید گفت دولت طبق قانون اساسی در برابر پارلمان مسئول و پاسخگو بود اما این نهاد از کودتای ۲۸ دیاد ۱۳۳۲ به بعد به نحو روزافزونی قدرت سیاسی‌اش را از دست داد به طوری که در دوره نخست‌وزیری هویدا به حصری که بهایب بداسټ پارلمان بود، هیچ‌یک از دو مجلس نفوذ و افسار ارساری نداشتند و فعالشهای نمایندگان محصور بود به مسائل و موضوعهای غیرسیاسی و مسائل محلی مربوط به حوزه‌های انتخاباتی.

ولی دستگاه اداری در دولت شاه اهمیتی بسیار از سایر نهادها است. دربار، که سرسبی استبدادی داشت، بر آن بود تا ایران را لحاظ اجتماعی و اقتصادی-ولی به سیاسی-بوسازی کند شاه را آنکه افسار سیاسی‌اش را در جامعه انفعالی و به سرعت گروگون سویده ایران حفظ کند، و برای آنکه این باور عمومی را برین ببرد که دربارس مرکز استبداد و حکومت متفردس است، ایل بود بسیار بر دستگاه اداری متکی باشد تا بر ارتس دستگاه داری همچنین مجراییی بود که از طریق آن افراد جدیدی، به ویره ر میان روسفکرانی که سابقه «روسی» داشتند و علاقه‌ای به تربهای مخالف یا اینهای سیاسی خاص شان نداده بودند، عضوگیری می‌شدند و به گروه‌های حاکم می‌پیوستند.

دستگاه اداری بسیار مفصل ایران، مثل بستر کشورهای در حال توسعه، دچار فساد و کم‌کاری و اسراف و فقدان کارایی بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی محاسبه شده است که در دستگاه داری به جامانده از دوره پهلوی هر کارمند در روز فقط یک ساعت و یازده دقیقه کار مولد می‌کرده است.

#### • نیروهای مسلح

نیروهای مسلح بخش تفکیک‌ناپذیر دیگری از دولت شاه بودند. و دمان پهلوی سلطنت خود را مدیون یک کودتای نظامی در اسفند ۱۲۹۹ بود و خود همین نیروهای مسلح بودند که در مرداد ۱۳۳۲

به هدایت سارمان حاسوسی امریکا کودتای دیگری کردند. دولت ملی دکتر محمد مصدق را سرگون نمودند و شاه را به تحت سلطنت بازگرداندند تا اواسط دهه ۱۳۵۰ که سلطنت سی‌وهفته ساله شاه به پایان خود نزدیک می‌شد دو نهاد سلطنت و ارتس طور کامل به هم گره خورده بود و قدرت و نفای هر یک به قدرت نفای دیگری موط شده بود.

دولت شاه به ظاهر بی‌رومند می‌نمود، ولی سرسب نهادهای از گونه‌ای بود که دولت را ضعیف و بسیار آسیب‌پذیر ساخته بود. رسته‌اش ضعف در کم عمق بودن نهادهای قدرت بود که دولت آن اتکا داشت. دولت متکی بر شخصیت شاه بود و سربوسس حضور مداوم و حالتهای روانی و فرمانهای او سبکی داشت و ده اداری دولت هم اسفته بود کاسه ناهماهنگ بود، محذ بی‌افسار، و دستگاه اداری بی‌کاره و فاسد نیروهای مسلح نفس باحتری در نفوت قدرت سیاسی دولت داشتند زیرا نحوی سارمان نافه بودند که بسیار به درد مقابله با بحاور خار-می خوردند. دولت شاه متکی به حمایت سیاسی و نظامی ایالات متحده آمریکا بود و این وابستگی ضعف نهادی او را بسیار کرد. بود این ضعفها باعث شد دولت شاه نتواند از پس بحرانها: سیاسی که گریبانش را گرفت بر آید لذا آن بحرانها شد و دام، سسری ناف و سرانجام به انقلاب منجر گشت.

از رمنسان سال ۱۳۵۶ تظاهرات ضد دولتی به تدریج بسیار؛ از سهرهای ایران را فرا گرفت. تظاهرات ۱۹ دی سهر قم، که ده اعتراض به طرح مقاله توهین‌آمیزی نسبت به امام خمینی ده روزنامه اطلاعات صورت گرفت از اهمت خاصی برخوردار بود زیرا نفس عمده‌ای را که امام خمینی و به طور کلی روحانیون ده مخالف با رژیم داشتند آشکار کرد.

ولی تا تابستان ۱۳۵۷ دولت سرسب و قدرت محالفاں خود درک نکرد و نفس روحانیون را دست کم گرفت و می‌انگاشت که ده سال ۱۳۵۷ هم می‌تواند مثل سال ۱۳۴۲ نهاد مذهبی را به اسار سکست دهد. در این هنگام دو سارمان حریکی مجاهدین خلق فدایی خلق فویترین دشمنان رژیم به حساب می‌آمدند اما اواخر تابستان ۱۳۵۷ آشکار شد، حتی بر خود رژیم بریده و افعیب، که روحانیون مرکز عمده مخالف هستند و در واقع اسلا است، به کمونیسم، که دولت باید با آن دست و سجه برم کند شاه، پس از درک این نکته، تصمیم گرفت استراتژی‌اش

تعبیر دهد. جعفر سرف امامی را به نخست‌وزیری منصوب کرد به او فرمان داد «دولت آستی ملی» تشکیل دهد. دولت سرف امامی که دریافته بود روحانیون مخالف از چه نیروی عظیمه برخوردارند کوسید رضایت نهاد مذهبی را جلب کند و امتیازها

کند؛ و روحیه آن سرنازانی هم که نه ساه وفادار مانده بودند بسیار ضعیف شده بود

ساه ناگزیر دست به آخرین تلاش رد تا شاید دولت تقریباً فروپاشیده‌اش را نجات دهد. انتصاب ساهبور بحیار نه نخست‌وزیری. ساه خود نه حوبی آگاه بود که بحسار آن مردی نیست که نتواند نجات‌دهندهٔ رژیم او باشد و اگر او را نه نخست‌وزیری برگزید شاید نه این دلیل بود که واسنگس نه او توصیه کرده بود دولتی غیرنظامی بر سر کار بیاورد، و سر نه این دلیل که نا انتصاب بحسار می‌توانست نه یکی از مهمترین حواسنهای انقلابیون، که خروج او از کشور بود، به نحو نسبتاً آبرومندانه‌ای بر در دهد نه علاوه ممکن است ساه امیدوار بوده که پس از خروج او از کشور بحسار نه کمک ارس انقلاب را در هم سکند و در این صورت بحسار و سروهای مسلح مسئول درهم سکستی حسن مردم نه حساب می‌آمدند نه ساه، و او می‌توانست میل سال ۱۳۳۲ سرورمندانه نه کشور بار گردد

انها، احتمالاً، حساسنهای ساه بود او در ۲۶ دی ۱۳۵۷ از ایران رفت و مردم که می‌دانستند رفتن او نارگسی در بی ندارد در سراسر کشور حسنها گرفتند و دست‌افسانها و نایکوبنها کردند. روز ۱۲ بهمن امام خمینی نه ایران بازگستند و سروهای انقلابی، علی‌رغم تلاش ایالات متحدهٔ امریکا در حفظ دولت بختار که سانهٔ حدهٔ ان اعرام برال رابر هورر، معاون فرماندهٔ سروهای بانو در ارونا، نه ایران بود نا سروهای مسلح را نه سسانی از بحسار وادارد، در ظرف ۱۰ روز ساط دولت بختیار و رژیم ساهساهی را نکاح برحدید

### مخالقان رژیم

و فوع انقلاب موط نه احرار دو شرط است: فروپاشی دستگاه سیاسی کشور از يك سو و بهره‌گیری گروهها و سازمانهای مخالف از این بحران سیاسی از سوی دیگر. انقلاب صورت نمی‌پذیرد مگر آنکه این دو شرط همرمان تحقق یاند نا گروههای انقلابی نتواند قدرت سیاسی را از جنگ رژیم در حال مرگ برون بیاورند و از آن خود کنند هرگاه بهادهای سیاسی ضعف گردید اما گروههای برحوردار از حمایت مردم نباسند که رژیم را سرنگون کنند، بین بحبگان حاکم مبارزهٔ داخلی برای کسب قدرت روی می‌دهد نا کودتا صورت می‌گیرد. انقلاب مستلزم آن است که جای نظام سیاسی موجود را يك نظام سیاسی دیگر بگیرد. بی‌باتی سیاسی شرط کافی برای و فوع انقلاب نیست. گروههای مخالف نیز باید موجود باسد تا مردم را در جهت هدفهای انقلابی حاص بسیج کنند. نویسندهٔ انقلاب در ایران در فصل سوم کتاب نه بررسی سرست و فعالیت‌های گروههای مخالف

ای به روحانیون میانه‌رو داد، از فیل ستن فمارخانه‌ها و های سبانه و کنارگداسن تفویم ساهساهی و بارگست نه مستی اسلامی در عین حال، اردولت عراق حواس امام بی‌را که حاضر نه هیچ نوع آستی نا دولت نبودند و امتناهای را فرسکارانه می‌دانستند از حاك عراق احرار کند ساه را بود که دوربرسدن امام خمینی از ایران باعث قطع رابطهٔ با بحس مخالفان در داخل کشور گردد، و سر تصور بود که حور در فراسه بحاس اسان نا رسانه‌های گروهی بیشتر خواهد سد اسان سحان و نظریاتی ابرار خواهند که حناح انقلابی مخالفان مذهبی را بی اعتبار خواهد ساحت . پس آمد درست مخالف ان امید و اس تصور بود حضور امام بی در ناریس بحاس اسان را نا انقلابیون در داخل کشور بل نمود و مضاحه‌های اسان همدلی و همدردی مردم جهان را پس انقلابی ایران سسر کرد

حسن انقلابی ایران روز به روز وسعت و سذب بستری یافت، وری که ساه محبور سد باز هم اسراری اس را بعبر دهد، «دولت آستی ملی» را کنار بگذارد و دولت نظامی ارتسد بی را روی کار بیاورد

طیقهٔ دولت ارتسد ارهاری اس بود که نا اسفاده از ماسی بی تظاهرات سیاسی مردم را سرکوب کند و نه اعصابها نه دهد؛ ولی دیری نگذست که آسکار سد ارتسد ارهاری نه نه اس کار است و نه سحضا علاقه‌ای نه ان دارد او نه سد ر بود و بیسر سرآسی داس نا حصومت و حوریری. آوه، ارس نمی‌توانست مفرات حکومت نظامی را نه طور اعمال کند زیرا نا فراز رورافرون سرباران از نادگانها رو بود و افراد به‌خامانده هم بی‌روحه و بی‌انصاط بودند . در این هنگام دوراه در برابر ساه فرار داس یکی اینکه نه نای نظامی موصل سود و نه اصطلاح «مسب اهنس» به کار و دیگر اینکه آزادیهای بیستری نه مردم دهد و یکوسد رصابت نغان را حلب کند. ولی کودتای نظامی دیگر کارساز نبود زیرا های مسلح در آستانهٔ از هم ناسیدگی بودند. عسب و فرار در ن فراوان بود، سیاری از سمارستانها از معالجهٔ افراد نظامی بح خودداری می‌کردند؛ تاکتیک‌های تبلیعاتی مخالفان سته بود همدردی و علاقهٔ بسیاری از سرباران وظیفه را حلب

رژیم شاه برداشته است تا نشان دهد که فروپاشی نهادی رژیم با فعالیتها و ابتکارهای کدام يك از نیروهای مخالف همزمان گردید و چگونه لازمه‌های اولیه انقلاب ایران فراهم آمد.

شاه در طول سلطنت سی و هفت ساله خود همواره با سه قانون مخالفت روبه‌رو بود: حزبهای سیاسی و سازمانهای چریکی، برخی از روشنفکران، و روحانیون.

### ● حزبهای سیاسی و سازمانهای چریکی

حزب توده یکی از مهمترین حزبهای سیاسی مخالف رژیم بود. این حزب مدتها تنها حزب کمونیست ایران بود و اعتبار و محبوبیت بی‌سابقه‌ای داشت. ولی محبوبیتش را بیش از آنکه مدیون جاذبه سیاسی و ایدئولوژیکی‌اش در میان ایرانیان باشد مدیون عوامل بین‌المللی و ژئوپولیتیک بود. حزب توده آسکارا پیر و خط‌طردار شوروی کمونیسم بود و بدون آنکه کوسسی جدی در پوشاندن این امر کند، به هدفهای سیاست خارجی شوروی خدمت می‌کرد. در دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ نمرتی که مردم ایران از سیاست استعماری انگلیس داشتند باعث شده بود که حزب توده و ارتباطش با شوروی جاذبه زیادی در میان ایرانیان داشته باشد اما از اوایل دهه ۴۰ به بعد، دولتهای ایران و شوروی سیاست آستی در پیش گرفتند و در نتیجه محبوبیت و اعتبار حزب توده کاهش یافت.

حزب توده در دهه ۴۰ و ۵۰ به دلیل سیاستهای سرکوبگرانه رژیم عمدتاً غیرفعال بود ولی بی‌اعتباری این حزب همان قدر که ناشی از ناپردباری رژیم در برابر هرگونه مخالفت سازمان یافته بود منبعت از خطاها و نقصهای خود حزب هم بود.

حزب توده تا پیش از انقلاب اسلامی همواره با رقابت سیاسی و ایدئولوژیکی جبهه ملی مواحه بود. جبهه ملی در سال ۱۳۲۸ به وسیله گروهی از روشنفکران ملی‌گرا به رهبری دکتر محمد مصدق بنیاد نهاده شد. این روشنفکران مشتاق بودند يك خط مشی غیر کمونیستی در برابر خط مشی حزب توده عرضه بدارند. پس از آنکه تأسیس جبهه ملی رسماً اعلام شد چهار حزب كوچك ملی‌گرا، یعنی حزب ایران و حزب ملی ایران و جامعه مجاهدین اسلام و حزب زحمتکشان، به آن پیوستند و ائتلافی را تشکیل دادند که هم به رقابت با حزب توده پرداخت و هم به مخالفت جدی با رژیم برخاست. هنگامی که دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر شد، جبهه ملی به اوج قدرت و محبوبیت رسید ولی پس از کودتای ۲۸ مرداد هرگز نتوانست محبوبیت و قدرت آن ایام را باز یابد. جبهه ملی؛ مثل حزب توده، در دهه ۴۰ و ۵۰ غیرفعال بود و تاکتیکها و حتی استراتژی آن به چشم مردم کهنه و بی‌اثر می‌نمود.

در دورانی که حزب توده و جبهه ملی غیرفعال بودند و

سیاستهای سرکوبگرانه رژیم شاه توسل به سیوه مسالمت‌آمیز مخالفت سیاسی را ناممکن و اصولاً سیوه‌هایی را عقیم ساخته بود، دو سازمان چریکی مجاهدین و فدایی خلق تأسیس یافتند و سیوه مبارزه مسلحانه را کردند.

ایدئولوژی سازمان مجاهدین ترکیب سکنده‌ای از اسلام سوسیالیسم بود و باعث شده بود که برخی از اعضای کادر ره آن به سوی کمونیسم تمایل پیدا کنند. این گرایش در اواسط ۵۰ سذب یافت و مجاهدین را به دو بخش «کمونسب «اسلامی» تقسیم کرد. تا بیس از انقلاب، هیچ يك از دو مزبور نتوانست اعتباری را که سازمان مجاهدین در سرب انسحاب داسب باز یابد و هر دو بخش تا حد دسته‌های حرا كوچكی تنزل یافته بودند که فعالیتها ساس سامل سرفت از با قتل مساوران نظامی امریکایی، و بمب گذاری در مرکز فرهنگ اسرائیل در تهران بود.

سازمان حریکهای فدایی خلق سازمانی کمونیستی بود جنگ حریکی سهری را به عنوان تاکتیک عمده خود اختیار بود. این سازمان خود را «نیروی انقلابی بیستاز» می‌داسد مصمم بود با توسل به مبارزه قهرآمیر فضای ملیسی حاک شهرها را بسکند. سازمان حریکهای فدایی نیز همچون سازمان مجاهدین نتواست به نیروی عمده‌ای تبدیل سوب. سکست دو سازمان تا حد زیادی ناشی از کارایی مرگبار ساواک و عرم در انهدام تمام گروهها و عناصر مخالف بود. مع هذا خود سازمان نیز در سکست خود و فقدان محبوبیت ساس در میان بی‌تفصیر نبودند. آنها در بیستر دو دهه ۴۰ و ۵۰ دور از جنگیدند و در نتیجه دور از مردم باقی ماندند.

### ● روشنفکران

بخشهایی از روشنفکران ایران، گرچه گاه به عدد اندك بو هیچ گاه از مخالفت با دولت شاه و ارزشهای اجتماع فرهنگی بی‌که رژیم می‌کوسید آنها را رواج دهد سب بر نداد. در دو دهه ۴۰ و ۵۰، عمده‌ترین جریان روشنفکری در ایران جریانی بود که می‌کوسید به اسلام جنبه سیاسی سب بدین ترتیب تعارضی را که بین مخالفان مذهبی و مج غیرمذهبی وجود داشت کاهش دهد. کوسش این حر روشنفکری به توفیق انجامید و درست در آستانه انقلاب اسلام روحانیون و روشنفکران در مخالفت با رژیم شاه همدلی و همف نسان دادند و نظام مذهبی جمهوری اسلامی را بنیاد نهادند در دوران البته جریانهای روشنفکری دیگری هم وجود داشتند ایدئولوژیهای جز اسلام سیاسی پایبند بودند یا با اسلام سب

ریم بهلوی بود. البته سل بیرتر آن روسفکران ار ریم حمایت نمی کرد، ولی تحلیل تاریخ سس ار اسلام خواه و ناخواه دعوی ریم را مبنی بر اینکه سلطنت بهترین و مناسبتین نظام سیاسی برای ایران است قوت می بخشید. سس از کودتای ۲۸ مرداد بیستر ایرانیان، به ویره طبقات متوسط شهری، از روشنفکرانی که به نظر می رسید با ریمی صاحب و ناخت کرده اند که آن را دست نسانده سارمان جاسوسی امریکا می دانستند تبری می جستند

در حبس اوضاع و احوالی سمار فزاینده ای ار روسفکران جوانتر مذهب سیه را مرجع ایدئولوریک خود قرار دادند و به تدریج آن را یک ایدئولوری سیاسی نه سمار آوردند. به عقیده ایسان این ایدئولوری نه تنها در سراسر جامعه گسترش و نفوذ داسد بلکه، اگر به درسی تفسیر می سد، می توانست پیام سیاسی برحق را بیر در برگرد. آنان مذهب سیه را از این لحاظ جاذب می داسند که حصلت ایرانی داسد و با مذهب بقیه جهان اسلام متفاوت بود. بیسر ایرانیان ار لحاظ عاطفی و فرهنگی و تاریخی عمیقاً به مذهب سیه دلسته بودند. مذهب سیه بیگانه یا وارداتی نبود حال آنکه تمام ایدئولوریهای دیگر بیگانه یا وارداتی بودند. نه علاوه، مذهب سیه در طول تاریخ هیچ گاه نه سیاسی بی توجه و از ان دور بوده است. این ویرگیها در دهه ۴۰ و ۵۰ سمار فزاینده ای ار روسفکران ایران را برانگیخت تا توجه بیستری به مذهب سیه معطوف دارند، و آثار و نوشته های روسفکران هم مذهب سیه را به یک ایدئولوزی سیاسی و، به واقع، انقلابی تبدیل کرد.

#### ● روحانیون

روسفکران تنها کسانی بودند که می کوسیدند به اسلام جنبه سیاسی ببخشد در درون نهاد روحانیت هم تلاشهایی صورت می گرفت تا بار دیگر اسلام نه نیروی سیاسی فعالی تبدیل شود. در دهه ۵۰ روحانیون ار حیت سبتی که با سیاست داسند به سه دسته تقسیم می شدند. دسته اول چندان کاری به سیاست نداستند؛ دسته دوم معتقد بودند که روحانیون می بایست آگاهی سیاسی داسند و ناظر بر اعمال نظام سیاسی باسند؛ و دسته سوم اعتقاد داسند که روحانیون می بایست فعالانه در سیاست سرک جویند و مسئولیتهای سیاسی به عهده گیرند. در رأس این دسته از روحانیون امام خمینی قرار داسند و آقایان طالقانی و منتظری و بهستی از همدمان برجسته ایشان بودند.

امام خمینی که تنها مرجع تقلید در میان روحانیون انقلابی بودند و سابقه ای طولانی در مبارزه با ریم ساه داسند تا واسط سال ۱۳۵۶ به صورت نماد مبارزه بر ضد شاه ورزیم اودر آمدند.

سس می کردند. روشنفکران متعلق نه این جریانهها یا در توب حزبهای خود فعالیت می کردند و لذا دامنه نفوذ و تأثیر سی آنان از محدوده حزبهایسان فراتر نمی رفت یا اگر منفرد. در ابراز مخالفتسان با ریم به انداره دیگران زبانران نبودند. و، برای آنکه بتوان نفس سیاسی روشنفکران را در آستانه ب خوب سناخت لازم است به آن جریان روشنفکری توجه که نه آیین اسلام سیاسی معتقد بود. سمار روشنفکران معلی ب جریان اندک بود ولی از لحاظ اجتماعی بسیار بر نفوذ ب. مهمترین آنان جلال آل احمد، مهدی بازرگان، و علی بی بودند. آثار این روسفکران سسان می دهد که ایدئولوری م چگونه نه یک آیین سیاسی تحول یافت. زمینه تحول را حمد فراهم آورد. او معتقد بود که جامعه و فرهنگ ایران ب زده «سده است و مذهب را علاج آن داسد باررگان و عتی کوسیدند اسلام را با زندگی فرن سسم سارگار کند، و عتی قدمی جلوتر گذاست و به ایدئولوری اسلامی حبه بی بخشید آثار این نویسندگان سسان دهده مراحل است که انها اسلام سیاسی تکامل سدا کرد و سراجام در آستانه ب بر فضای روشنفکری کسور تسلط یافت

حرا در اواخر دهه ۴۰ و در دهه ۵۰ اسلام سیاسی و نه ولوریهای دیگر مورد بدیرس مهمترین روسفکران ایران گرفت؟ حرا مذهب سیه در آستانه انقلاب بر روند فکری ب تسلط یافت؟

در پاسخ نه این پرسشها باید گفت روسفکران رمایی به مذهب نه روی آوردند که ایدئولوریهای دیگر در ایران تخر به سده و به سبب انحامیده بود. کمویسم و لیبرالیسم که در وجود حزبها بارماهای سیاسی امتحان دلگرم کننده ای بداده بودند. در دهه ۱۰ و ۲۰ هم برخی ار روسفکران برجسته ایران اعتقاد یافته بد که تاریخ بیس ار اسلام ایران می تواند فراهم آورنده هسته سونالیسم ایرانی باسد. سل بیرتر این روسفکران حهره های حصی نظیر احمد کسروی، علی دشتی، و صادق هدایت بودند. روسفکران که غالباً احساسات و عفاید تند ضد اسلامی سد می کوسیدند از نفوذ ادبیات عرب بر ادبیات فارسی اهد و حتی در اینکه اسلام دین معتبری است تردیدهایی ابرار داسند. تا مدتی، به ویره در دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰، ستایس ان بیس از اسلام تا حدی رواج داسد و تحصیلکردگان و سایر سفکران طرفداران این گرایس را تحسین می کردند مع هدا اس فکری ضد اسلامی هیچ گاه علاقه توده مردم را جلب رد نه دو دلیل: نخست اینکه گرایس مر بور حزری را مورد ناد قرار می داد که بیستر ایرانیان عمیقاً به آن دل بسته و معتقد بد، یعنی مذهب؛ و دوم اینکه آن گرایس همسار با آیین رسمی



### بسیج انقلابی مردم

آقای مهران کامروا در فصل سجم انقلاب در ایران ابتدا پرسس را مطرح می کند که چه بیویدهایی بین انقلابیون اریذ و مردم ار سوی دیگر به وجود آمد، و چرا يك گروه حاد فعالان، یعنی روحانیون، رهبری جنبش انقلابی را به گرفتند. آن گاه می کوسد تا با توجه به جنبه های خاصی از او اجتماعی و اقتصادی ایران در پس از انقلاب به پرسس پاسخ دهد. این جنبه های خاص عبارتند از سرست و احساسات ضد دولتی در سراسر جامعه؛ نفس و اهمیت اس عنوان يك نیروی اجتماعی؛ کارایی مجراهای ارتباطی محتلا انقلابیون از طریق آنها پیرواسان را به شورش فرامی حوا و، مهمتر از اینها، با توجه به این نکته که توده های مردم ارا فرهنگی آمادگی پذیرش تبلیغات انقلابی کدام گروه از انقلاب را داشتند.

در دهه ۵۰ به سه علت احساسات ضد دولتی در ایران و عمق زیادی یافت. این سه علت که به یکدیگر همسته عبارت بودند از علت اقتصادی، علت سیاسی، و علت احدا فرهنگی. در آستانه انقلاب، گذشته از درباریان، جامعه ایران متشکل از پنج طبقه بود که از لحاظ اقتصادی با هم بودند. این پنج طبقه عبارت بودند از طبقه بالا (ار حمله صنایع)؛ سرمایه داران (از جمله بازاریان)؛ خرده بور کارگران صنعتی؛ و مهاجران روستایی و سایر قسره ای پرولتاریا. جز طبقه بالا، که از رژیم حمایت می کرد، بقیه طبایک به دلیل یا دلایلی از رژیم ناراضی بودند و ممکن بوده

در این ایام، امام خمینی در سهر نجف به حالت تبعید به سر می بردند ولی با جنبش مخالفان در داخل ایران در تماس بودند. دولت شاه، همچنان که قبلا نیز گفتیم، به قصد آنکه رابطه امام خمینی را با جنبش مخالفان در داخل کشور قطع کند، و نیز به این امید که تماس ایشان با رسانه های گروهی جهان تأیری منفی در افکار عمومی جهانیان به حا گذارد، ار دولت عراق خواست تا ایشان را از آن کشور احراج کند. دولت عراق در ۱۳ مهر ۱۳۵۷ این درخواست را عملی کرد و امام خمینی، پس از آنکه اجازه نیافتند وارد کویت شوند، ناگزیر به پاریس عزیمت کردند.

اخراج امام خمینی از عراق اشتباه بررگی بود که دولت ساه مرتکب شد. این دولت قبلا نیز اشتباه بزرگ دیگری مرتکب سنده بود و آن درج مقاله توهین آمیزی نسبت به امام خمینی در شماره مورخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات بود. آن مقاله توهین آمیز اعتراض شدید مردم را برانگیخته بود و نشان داده بود که ایشان تجسم شخصی مبارزه بر ضد شاهند. اخراج امام خمینی از عراق و اقامت اجباریشان در فرانسه جایگاه ایشان را به عنوان رهبر انقلاب تثبیت کرد.

اقامت چهار ماهه امام خمینی در فرانسه، بر خلاف تصور شاه، توجه همدردانه رسانه های گروهی جهان را به ایشان جلب کرد، و نیز این امکان را فراهم نمود که هسته ای از فعالان انقلابی در پیرامون ایشان شکل بگیرد. دیری نگذشت که این هسته به مرکز عمده تهییج انقلابی تبدیل شد و از درون آن «شورای انقلاب» پدید آمد که وظیفه اش مدیریت انقلاب و به پیروزی رساندن آن بود.

ریم برخیزند.

دو طبقه کارگران صنعتی و بازاریان ار لحاظ اقتصادی ناراضی بد. کارگران به دلیل سرسب استمارگرانه نظام سرمایه‌داری ان، و بازاریان به این دلیل که برنامه‌های توساری اجتماعی و صادی ریم منجر به از بین رفتن آنان می‌سد همان طور که امام اصطلاحات ارضی انقلاب سفید فرار بود زمینداران بزرگ ار بین ببرد. ولی زمینداران یا سراحام به املاك خود نارگستند ه صاحبان صایع سهرنشین بیوسستند و امتیارهای فتودالی خود به امتیارهای سرمایه‌داری تبدیل کردند

طبقه کارگر، گرچه تحت استمار اقتصادی فرار داشت، الفت مهمی که ناسی ار ناراضیتهای اقتصادی ناسد سبب به م از خود نشان بداد. فقدان فعالیت سیاسی ار جانب طبقه رگر تا حدی معلول سرسب ساختار طبقاتی آن بود و تا حدی بیر این علت بود که هیچ گروه مخالفی نتواسب از ناراضیتهای صادی کارگران به نحوی مؤثر بهره‌برداری کند طبقه کارگر در ره بهلوی همگن نبود. این ناهمگنی بستر معلول این واقعیت د که اهلیب ناحیزی ار کارگران صنعتی در کارخانه‌های بزرگ رمی کردید. تخمین رده سده اسب که در سال ۱۳۵۶ حدود ۷۲ صد کل کارگران ایران در واحدهایی کار می‌کردند که کمتر ار کارگر داشتند. براكندگی کارگران ایران در واحدهای كوچاك، تمحین میزان بالای بی‌سوادی در كسور و فقدان اتحادیه‌های رگری مستقل، مانع از آن سد که کارگران هسیاری سیاسی پیدا ند از سوی دیگر، گروههای مخالف نیز تلاس حدی و بخشی مبدول نداستند تا سطح هسیاری سیاسی کارگران عتی را بالا ببرند. حزب توده که خود در این دوره غیر فعال بود، دو سازمان سیاسی فعال، یعنی سارمان مجاهدین خلق و مان چریکهای فدایی هم که از لحاظ نظری به سوسیالیسم دادااستند گفت و سنود ناچیزی با طبقه کارگر برقرار کردند. بیحه، طبقه کارگر ایران حتی اگر قادر می‌بود اثرات استمار بادی را حس کند، نمی‌توانست این احساسات و ناکامیها را ار اعراض سیاسی بیان نماید و کارگران گرچه در انقلاب س‌حستند، سرکت آنان به دلیل ناراضیتهای اقتصادی ب‌گرفت بلکه به این دلیل صورت گرفت که روحانیون از حواسند چنین کنند.

بازاریان همواره از متحدان نزدیک روحانیون بودند. آنان در ن انقلابی يك نیروی سیاسی مستقل به سمار نمی‌رفتند. عمده آنان كمكهای مالی مهم به کسانی بود که در فعالیت‌های بی‌سرکت داشتند. این حمایت مالی هم از طریق پرداخت کلائی بول به روحانیون عالیمقام، به ویره امام خمینی، س‌می‌گرفت تا ایسان آن پولها را به مصرف عملیات انقلابی

برسانند و هم از طریق پرداخت حقوق آن اعتصابیوی که بدون حمایت مالی بازاریان قادر به ادامه اعتصاب نبودند

ناراضیتهای سیاسی و اجتماعی- فرهنگی مردم ایران هم در تعیین رهبران انقلاب بی‌تأثیر نبود. در واقع نخستین گروهی که آشکارا ندای مخالفت با ریم سر دادید، روسفکرای بی‌دند که به فقدان آزادی سیاسی و حقوق بسر اعتراض کردند، و آزادی سیاسی و عدالت مضامینی بود که در طول انقلاب تکرار می‌سد و تمام طبقهای انقلابی، ار روسفکران گرفته تا حزبهای سیاسی و روحانیون، خواهان آنها بودند. با اس همه باند گفت ناراضیتهای سیاسی فقط اهمیتی بانوی در گسترش احساسات انقلابی در میان مردم داشت و، با آنکه در تمام طول سلطنت ساه فساد سیاسی صایع بود و آزادی مفقود، این دو عامل را نمی‌توان ار علت واقعی سرکت مردم در حبس انقلابی به حساب آورد. به يك دلیل مهم: در دوده ۴۰ و ۵۰ آرمانهای سیاسی ار قبیل دموکراسی و عدالت مسغولیت دهی عمده هیچ يك از طبقات اجتماعی ایران نبود زیرا كل مملكت عری در فرایند تحول اقتصادی و بیسرف مادی بود- علی‌الخصوص که برخی اریزگیهای دیکتاتوری سیاسی ایران، ار قبیل فساد و بارتی‌باری، مردم را تسویق می‌کرد کمتر به سیاست بپردازند و هوس و حواسسان بیستر متوجه منافع اقتصاديسان ناسد. به همین دلیل آزادی و عدالت نه تنها مسغولیت ذهنی مردم نبود، بلکه کسانی هم که حواهان آنها بودند سازمان سیاسی بی‌ومدی نداشتند و خود تا حد زیادی از بقیه جامعه جدا بودند.

به هر حال حربهای سیاسی و روسفکران نتوانستند از بحراهای سیاسی ریم ساه سود جویند و رهبری انقلاب را به دست گیرند، حال آنکه روحانیون به چهار دلیل توفیق یافتند که چنین کسد. نخست اینکه روحانیون از شبکه همه جا حاضر مساجد بهره‌مند بودند که ازار سازمانی ایسان در سطح محلی بود و بیز مجراهای گسترده جهت برقراری ارتباط با مردم و اشاعه تبلیغات؛ دوم اینکه، با توجه به نقش مهم اسلام به عنوان يك بیروی اجتماعی نیرومند در سراسر تاریخ ایران، پیام انقلابی روحانیون در دل مردم به آسانی رسوخ میدامی کرد و به زبانی بیان می‌سد که تمام قسره‌های اجتماعی آن را می‌فهمیدند: سوم اینکه ریم ساه به موقع بهمید که منبع واقعی مخالفت سیاسی در کجا نهفته اسب و تازه هنگامی هم که این حقیقت را دریافت دست به اعمالی زد که باعث سد مردم بیس از بیش به روحانیون روی آورد؛ و سرانجام آنچه روی آوری مردم را به روحانیون کامل کرد شخصیت برجسته امام خمینی بود که در رأس روحانیون انقلابی فرار داشتند. جمع این چهار عامل باعث شد که روحانیون به ویژه شخص امام خمینی رهبری انقلاب را

ه‌دست گیرید.

عامل بسیار مهم دیگری که روحانیون از آن برخوردار و سایر گروه‌های انقلابی از آن محروم بودند این بود که مخاطبان روحانیون تبلیغات آنان را نه اساسی می‌پذیرفتند مخاطبان روحانیون بیشتر مشکل از مهاجران روستایی و طبقات متوسط سب‌گرا بودند که هم جمعیت عظیمی را تشکیل می‌دادند و هم واحد سانسلی بودند که آنان را بخش مهمی از حسن انقلابی ساخت. این تاسیل انقلابی ناسی از سرحدردگی اجتماعی هر دو گروه بود.

مهاجران روستایی معمولاً در همان ابتدای ورود خود به محیط زیست شهری سرحدرده می‌شدند، چون غالباً نمی‌توانستند مسکن مناسبی بیابند و با حار می‌شدند در راعه‌ها و کاروا سراهای اران قیمتی مسکن گرسند که فحسا و سایر فعالسهای غرقابونی در آنها فراوان بود با وقتی دولت هویدا بر سر کار بود، مهاجران دسواری حندایی در بدا کردن سفل و کسب در آمد نداستند ولی س از آنکه جمسید امورگار به حسب وربری رسد و ساسب رکود اقصادی مصوعی را اعمال کرد سطح سکاری مهاجران بالا رف و وضع اقصادی آنان روربه رور بدتر سد

در همین زمان اسطارهای سستر افراد طبقه متوسط هم عقم ماند. آنان انتظار داشتند به بهره‌های اقصادی بیسر و موقعیت اجتماعی بهتری دست یابند اما امکانات محدود رریم و سر خود آنان مانع اردسبابی به این انتظارها می‌سد سرل سریع در میران رسد اقصادی س از سال ۱۳۵۳ وضع را بدتر کرد و مردم را که در شحه بوساری و آسبابی با معیارهای ردگی عربی ار طریق سیما و تلویزیون و مسافرب به عرب حواهان رندگی مرفه‌تری سده بودند ناك سرحدرده ساخت

به علاوه رژیم، به ویره از دهه ۴۰ به بعد، می‌کوسید اررسها و رفتارهای خاصی را رواج دهد که به حشم مهاجران روستایی و طبقه متوسط سب‌گرا بیگانه می‌نمود و غالباً با اررسهای سسی آنان سحبد در تضاد بود بیستر مهاجران قادر نبودند در جامعه شهری ادغام شوند و بدین ترتب دحار درد مصاعفی می‌گردیدند، چون هم با اررسهای سسی خود بیگانه می‌شدند و هم نمی‌توانستند اررسهایی را بدیرند که در مراکز شهری با آنها مواجه می‌گردیدند. طبقات متوسط سنت‌گرا بیر- که بیستر متشکل از دکانداران و مزدبگیران بخش حصوصی و کارمندان دون پایه دولت بودند- عموماً ار غربی سدن کشور مزحر بودند و تمایلی به بدیرفتن الگوهای رفتار اجتماعی و فرهنگی «مدرن» نداستند. به حشم اینان میراث ایرانی و اررسهای سنتی، که اسلام بخش تفکیک‌ناپذیری از آنها بود، قربانی علاقه رژیم به غربی کردن کشور شده بود.

باید بوجه داسب که علی‌رغم سخراشها و مقالان روستفکرای نظیر علی سریمی و مهدی ناررگان که می‌کوسید تألیفی نظری بین اسلام و تحدد به وجود آورید، نلاس بی‌بند رریم در عربی کردن کشور ناعب سده بود که فرهنگ ایرانی در بخش سسی (اسلامی) و مدرن (غربی) نفسم سود. محائف روحانیون با رریم از ابتدا لحن مذهبی داسب و به همس دلیل تبلیغات آنان در دل مردم، که روحانیون و جهاد اسان را هم با گریه سیاسی می‌داستند و هم مبسر خودسکوفایی فرهنگی و «نارگسب به حویستن» سحبد نفود می‌کرد و اگر اسلام به صورت حتر ایدنولوریکی مسلطی در آمد که ریر ان اراسن بر صد رریم سیج گردیدند با حد ربادی به اس دلیل بود که مذهب نماد نارصایی مردم از عرب ردگی ایران و محالف با اس سد.

## نتیجه

علل بیواسطه انقلاب اسلامی ایران به نفسه سیاسی بود انقلاب نیحه فروربحگی ساخاری دولت ساه ار نك سو و ابرکارها، مابورهای گروههای محالف از سوی دیگر بود

در ناسح به اس برسس که اما انقلاب احساب نابدیر بود نابد گف آری، انقلاب احساب نابدیر بود ربرا دو لارمه اوله ان همزمان فراهم آمد. فروربحگی دسگاه ساسی، و بهره‌گیری گروههای محالف از اس فروربحگی با بوجه به واسسگی ر ساه به سروهای حارحی، سارمان اسبدادی ان، و نابوایی اس در اینکه خود را به قدر کافی اصلاح کند و با سراط حدید منطق سارد فروباسی دولت ساه اجساب نابدیر بود.

و در ناسح به این برسس که اما انقلاب ممکن بود رهبران دیگری حر امام حمسی و روحانیون داشته ناسد باید گف حتر، ریراروحانیون برتری اجتماعی و فرهنگی داشتند و سزار مابعی حهب بسح سیاسی برحدردار بودند که گروههای دیگر فاهد اس بودند ولی رریم این حقیف را درك نکرد و خود را با گروههای حریکی و روستفکران نامؤثر مسعول ساخت، و وقتی سراجاه دریاف که روحانیون مبس اصلی مخالفند دست به اهداماتی رد که به حای آنکه روحانیون را ار صحنه خارج کند ناعب روی آوری بیستر مردم به آنان سد- به ویره به شخص امام خمینی که ار س لحظه به بعد به حسم میلیونها ایرانی که به خیابانها ریخته بود، حانشان را فدای آرمان انقلاب کنند دیگر يك انقلابی در مدر انقلابیون دیگر نبود، بلکه خود مظهر کامل انقلاب بود، فدی بود که کلامی بیامیر گونه و مأموریتی آسمانی داسب و به همس دلیل هیچ کس دیگری نمی‌توانست با او برابری کند با جای بگیری.



# نگاهی به «جهان اسلام»

علی رفیعی

رسمه تألیف کردند سهم عمده ای در بسرد این علم داستند کتاب مهم و ارزنده آورید بلخی (موفی ۳۳۲ ق) به نام *صورالافالم* که در آن *امهات مدن* و *بواحي آمده است*، کتاب *مسالك الممالك* ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری (موفی ۳۴۶ ق) که منکی بر کتاب *صورالافالم* آورید بلخی است. *المسالك و الممالك* ابو عبدالله احمد بن محمد حنهانی (متوفی ۳۶۷ ق)؛ *احسن التماسم* سمس الدین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی (متوفی ۳۷۵ ق)؛ کتاب *مجهول المؤلف حدود العالم* که در این دوره به زبان فارسی نوشته شده و از منابع مهم جغرافیایی به شمار می رود؛ و *بالآخره* کتاب *مسهور ماللهند* ابوریحان بیرونی (موفی ۴۴۰ ق) که اندکی پس از این دوره نوشته شده و از حیث استعمال بر مطالب مهم و اطلاعات ارزنده جغرافیایی درباره هندوستان و هندوان بسیار قابل توجه و هنوز مورد استفاده است، از جمله کتب مهمی است که ایرانیان در این دوره در این رشته تألیف کرده اند. بعدها نیز در میان جغرافی دانان مسلمان غیر ایرانی کسانی همچون یاقوت حموی (موفی ۶۲۷ ق)؛ صاحب کتاب بسیار ارزشمند *معجم البلدان*، و در میان جغرافی دانان مسلمان ایرانی کسانی همچون فرویزی صاحب *آثار البلاد و احوال العباد و حمد الله مستوفی* صاحب *برهه القلوب و غر ايسان ظهور کردند*، اما از آن پس علم جغرافی نیز چون دیگر علوم و احزاء فرهنگ اسلامی افول کرد و دیگر کتابی ارزنده و مهم در این رشته تألیف نشد. از این رو هر کوسسی که در راه احیای این علم و دیگر علوم اسلامی انجام گیرد ساینه و سراوار تقدیر است.

کتاب جهان اسلام نوشته آقای مرتضی اسعدی که در حقیقت نخستین کوسس حدی در این راه است، تلاشی است برای معرفی کشورهای اسلامی در عصر کنونی که با دقت بسیار سیمای جهان اسلام را ترسیم نموده و اطلاعات سودمند و براررسی را عرضه کرده است. تألیفاتی نیز پیش از این صورت گرفته است که می توان برخی از آنان را جغرافیای عمومی جهان و بعضی از آنها

ن اسلام تألیف مرتضی اسعدی، تهران، مرکز سر داستگاهی، جلد ۱، ۱۳۶۶، ۵۴۶+۱۸ ص، شامل اردن، افغانستان، الجزایر، امارات دة عربی، اندونزی، بحرین، برونی، جلد دوه ۱۳۶۹، ۵۸۳+۱۸ ص، بل سنگلادش، پاکستان، ترکیه

جغرافیا و مساح ممالك و ممالك از غلومی است که از همان ه های اعارس اسلامی از مرلب والابی برد مسلمانها نوردار بوده است؛ گونا بحسب الهم بحس مسلمانان در رس آنان به جغرافیا اناسی از فرآن محد بوده که در انها ومانی جغرافیایی ارائه شده است. آبات ۶۲ سورة نمل، ۵۵ نان، ۱۹ رحمن، ۶ و ۷ بنا و ماسد انها را عالمان اسلامی و راهی دانان مسلمان در ناسند نظریات خود در مورد کروب ن، ساختار کوهها، دریاها و حران آورده اند.

بحسبین باری که مسلمس رسالی به صورت خاص در مسائل راهی تدوس کردند به اوایل قرن سوم هجری نارمی گردد که نانی حون هسام و حسس بن مدر کتابهای *العجائب الاربعه*، *حائب: البلدان الکبیر؛ و البلدان الصغیر* را نوشتند؛ هسام گونا سبین کسی است که در موضوعات جغرافیای عمومی در اسلام ب نوشته است. ولی کتابهایی را که مؤلمان و مورخان اسلامی اوایل قرن دوم هجری به این سو درباره فتوحات اسلامی سته اند، نیز می توان حزه اولین کتابهایی داسب که در حوزة سنگ اسلامی در قلمرو جغرافی نوشته شده است

در همین دوره کتبی مستقل اما به سیوه ای خاص درباره ائل جغرافیایی نیز نوشته شده است که *الافالیم ابن کلی و فی ۲۰۴ ق*، *صورة الارض* حواررمی (متوفی ۲۲۰ ق) *سالك و الممالك* ابوالقاسم محمد بن حرداذنه (تألیف شده در ۲۳۲ ق)، و *صفة جزيرة العرب* همدانی (متوفی ۳۳۴ ق) از جمله اند.

علم جغرافی میان مسلمانان در اواخر قرن سوم و اوایل قرن ۴م رونقی بسیار یافت و ایرانیان با کتابهای مهمی که در این

شیوه آقای اسعدی دارد. کتاب جهان اسلام گویا چنانکه مؤلف در مقدمه جلد اول اشاره کرده به يك دوره هفت جلدی سر خواهد زد که در آن حدود ۳۷ کشور اسلامی به ترتیب الفبایی معرفی خواهند شد. این کشورها بنابر آنچه در مقدمه جلد اول این کتاب آمده، عبارتند از: اردن، افغانستان، الجزایر، امارات متحده عربی، اندونزی، بحرین، برونی، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، تونس، جیبوتی، حاد، سگال، سودان، سوریه، سومالی، صحرای غربی، عراق، عربستان سعودی، عمان و مسقط، قطر، کومورو، کویت، کامبیا، گینه، لبنان، لیبی، مالدیو، مالزی، مراکش، مصر، موریتانی، نیجر، یمن جنوبی، ویمس شمالی. انگیزه اصلی مؤلف محترم در گردآوری این مجموعه هفت جلدی آن بوده است که جای خالی آماری در این زمینه را تا آنجا که ممکن است برکند و نیاز جامعه علمی و کتابخوان ایرانی را به شناخت هرچه دقیقتر و جامعتر کشورهای اسلامی برآورد. مؤلف تصریح کرده است که با توجه به سیوه های مختلفی که در نگارش چنین مجموعه هایی متداول است کوشیده است تا با استفاده از آن سیوه ها و تلفیق آنها با هم خود سیوه ای متناسب با این مجموعه انتخاب کند و آن را در کل کتاب به کار ببندد و در این دو جلد که تاکنون منتشر شده به این سیوه عمل شده است این ساختار متحدالسنک عبارت است از اینکه درباره هر کشور ابتدائاً کلی از آن کشور در

را جغرافیای خاص حوره کشورهای اسلامی دانست، مثل: □ جغرافیه العالم، نوشته دکتر دولت احمد صادقی، دکتر محمد سید غلاب و دکتر جمال الدین دناصوری در چند جلد که در آن شرحی راجع به قاره ها و موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی آنها و اشاراتی راجع به کشورها آمده است؛

□ دلیل العالم (معلومات عامه، ارقام، تواریخ، وایع) از دکتر عبدالرحمان و دکتر ساطع محلی که اطلاعاتی راجع به موقعیت جغرافیایی هر کشور، جمعیت، معدّل سنی ساکنان، تراکم جمعیت در هر کیلومتر مربع، نژاد، ادیان و مذاهب، دولتهای مجاور، موقعیت طبیعی، پایتخت، نوع حکومت، استقلال و تأسیس، اعیاد ملی، تقسیمات کشوری، اقتصاد و صنعت، حمل و نقل، صادرات و واردات، وسایل ارتباط جمعی، بهداشت و آموزش در آن مطرح شده است؛

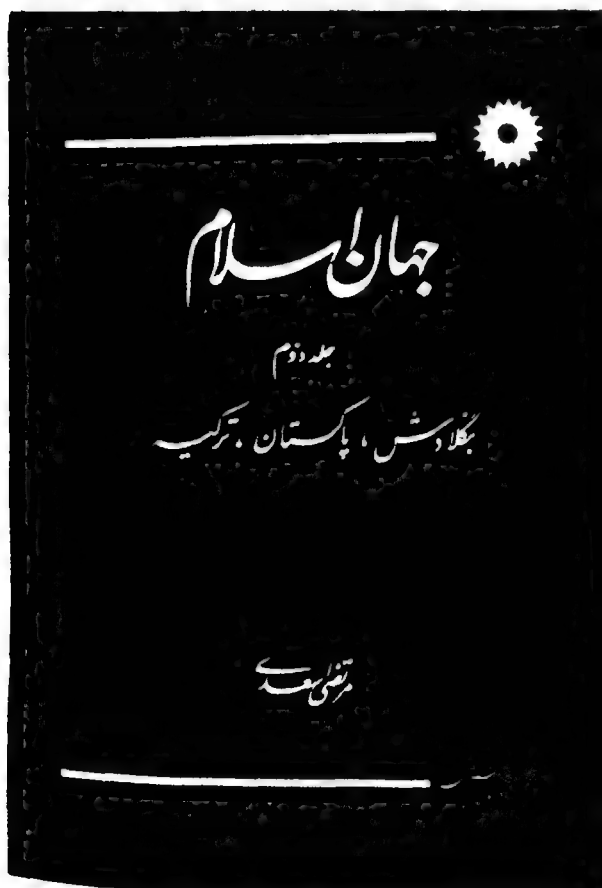
□ جهان معاصر، تألیف گروهی از دانشمندان سوروی، ترجمه غلامحسین متین، (تهران، ۱۳۶۱ س) که شامل اطلاعات جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کلیه کشورهای جهان است و در پنج قسمت: آسیا، آفریقا، اروپا، امریکا و اقیانوسیه کشورهای واقع در هر قاره را بررسی کرده است و مطالبی راجع به موقعیت جغرافیایی هر کشور، مساحت، مواد معدنی، آب و هوا، خاک و گیاه، جمعیت، ترکیبات نژادی و قومی، تقسیمات کشوری و تاریخ در آن آمده است؛

□ کشورهای جهان از آراسین تا یونان، نوشته و ترجمه عبدالحسین سعیدیان (تهران، ۱۳۶۵ س) که حاوی مشخصات جغرافیایی و تقسیمات کشوری، جمعیت، آموزش، بهداشت، ارتباطات، حمل و نقل، مواد معدنی و استخراج آن، برقرسانی، نفت، صنعت، جنگل، کشاورزی، آب و آبرسانی، ارتش و مسائلی مانند اینهاست؛

□ تفویم البلدان الاسلامیه، که از جاب کنفراس اسلامی تهیه و در کراچی پاکستان در ۱۹۶۴ م. منتشر شده است و در آن موقعیت جغرافیایی هر کشور اسلامی، مساحت، جمعیت، تاریخ آن کشور، رئیس دولت، شهرهای مهم، بول، نف، صادرات و واردات، محصولات کشاورزی، معادن، راهها، انرژی، تجارت خارجی و آموزش مورد بررسی و بحث قرار گرفته است.

اشاره به همین چند اثر کافی است تا نشان دهد که این آثار نشانگر نوعی دنباله گیری يك سنت ادبی بر سابقه هم در جهان و هم در اسلام است.

اما آثاری که شباهت تام و تمام به کتاب جهان اسلام آقای مرتضی اسعدی داشته باشند بسیار اندک و انگشت شمار است و فی المثل در بین آثاری که پیشتر ذکر شد تنها تفویم البلدان الاسلامیه شباهتهای صوری و ساختاری اندکی به کار و سبک و



محرر و مشخصی داسه باشد؛ و دیگر آنکه آن کشور دارای اکثریتی مسلمان از نظر جمعیت باشد. بر این اساس سرزمینهایی که اکنون دارای اکثریتی مسلمان نیستند و یا اینکه فعلاً مستقل نیستند از حوزه کشورهای اسلامی ملحوظ در این مجموعه خارجند بسیاری از کشورها که دارای اقلیتی از مسلمانان هستند و یا، مانند فلسطین، در حال حاضر مستقل نیستند، از آن حمله‌اند. مؤلف در تبیین ملاکهای انتخابی خود گفته است که دلیل این انتخاب آن است که ملاکهای دیگر ثابت نیستند و متغیرند؛ و فی‌المثل صائمه مسلمان بودن رئیس کشور که ملاک عمده عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی است، بسیار لرزان و غیر واقع‌نمایانه است، زیرا ممکن است رئیس یک کشور مسلمان باشد اما مسلمانان آن کشور دارای اقلیتی ناچیز باشند، مانند اوگاندا که در دوره عیدی امین به عضویت سازمان کنفرانس اسلامی درآمد. چون عیدی امین مسلمان بود- ولی کل مسلمانان آن بین ۶ تا ۷ درصد جمعیت اوگاندا را تشکیل می‌دادند و بعد از رفتن عیدی امین این کشور از عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی خارج شد. اما باید ادعان کرد که ملاک انتخابی مؤلف نیز دارای اسکاالاتی است، زیرا اولاً خود مؤلف این ملاکها را در مورد بعضی از کشورها نادیده گرفته و مثلاً کشور آلبانی را که بیش از ۶۲ درصد از جمعیت آن مسلمان است، صرفاً به خاطر «اسفرار دیرینه نظام کمونیستی» در آن از رده کشورهای اسلامی خارج کرده که از نظر نگارنده این مقاله ملاک درستی نبوده است؛ و یا اینکه کشوری مانند حاد را که دارای ۴۴ درصد مسلمان است نیز بر خلاف ملاک خود در رده کشورهای اسلامی آورده است. از این رو در انتخاب کشورهای مسلمان باید به ملاکها و ضوابط مختلفی تکیه و اعتماد کرد تا کشورهایی نظیر نیجریه، تانزانیا، سیرالئون، ولتای علیا، و همچنین جمهوریهای آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، و ترکمنستان شوروی نیز در حُرگه کشورهای اسلامی به ترتیب القایی آورده شوند، بویژه که اکنون پس از فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی و افکار آن، سرزمینهایی که دارای اکثریتی مسلمان هستند اعلان استقلال نموده‌اند و بعید نیست که در آینده به تعداد آنها افزوده شود. البته مؤلف جهان اسلام تصریح کرده است که در مورد چنین کشورهایی که دارای اقلیتی مسلمان هستند و یا دارای اکثریت مسلمان‌اند اما اکنون مستقل نیستند در مجلدی جداگانه بحث خواهد شد که خود مایه امیدواری است.

نقص دیگری که به لحاظ فقر فاحش منابع آماری جدید و روآمد، ظاهرأ مؤلف جهان اسلام نیز گریزی از آن نداشته است، بالنسبه قدیمی بودن بعضی از آمار و اطلاعات در این کتاب، خصوصاً در جلد اول آن است. البته این نقیصه در جلد دوم تا

یک صفحه ارائه شده و سپس مطالب مربوط به هر کشور در یک به این شرح بیان گردیده است (۱) جغرافیای طبیعی و انسانی (شامل وسعت، موقعیت جغرافیایی، آب و هوا، جمعیت، مذهب و قومیت و برادری، زبان، دین و مذهب)، (۲) تاریخ (از برس امام تا عصر کنونی که البته حدود یک سوم مطالب مربوط به هر کشور را به خود اختصاص داده است)، (۳) قانون اساسی و نوع حکومت (از جمله شامل روابط بین‌المللی آن کشور با ایران پس از انقلاب و بعد از آن)، (۴) اقتصاد، (۵) فرهنگ و وضعیت سروهای مسلح، (۶) آموزش و پرورش و مراکز علمی و فرهنگی و سهم هر کشور در تحولات و تروهای منطقه، (۷) رسانه‌های گروهی مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون، ماهواره، حزبها، کتاب و کتابخانه، (۸) نظام حقوقی و نهادهای قضایی، (۹) امور اجتماعی، از جمله بهداشت، تغذیه، رفاه و رفاهیت. بعد از این فصول به گانه و به عنوان آخرین باب از مطالب مربوط به هر کشور، گردهای اروپای و اتفاقات تاریخ آن کشور تحت عنوان «سالنامه گرده» آمده است، و اما هر مجلد رنگسازم به حسیه‌ترین رجال تاریخی و سیاسی و فرهنگی که در آن مجلد ذکر شده است؛ فهرست منابع و منابع و بالاخره فهرست راههای عام القایی اعلام، اماکن و مراکز و مانند آنها برای تسهیل کار مراجعه‌کنندگان ارائه شده است.

تجربا استنباطی که در رعایت این ترتیب القایی کشورها اعمال شده مستثنی کردن کشور اسلامی ایران است که به دو دلیل سیاسی در جای القایی خود بیامده است: یکی به دلیل شأن و مقام جمهوری اسلامی ایران که اقتضا دارد مطالب مربوط به آن در ردیف مستقل عرضه شود و دیگر از آن جهت که چون این کشور به زبان فارسی و در ایران منتشر می‌شود مقتضی است که کشور جمهوری اسلامی ایران حسابی خاص و جداگانه باز شود و مؤلف وعده داده است که مجلد مربوط به ایران در پایان مجموعه منتشر گردد.

مؤلف برای مشخص کردن اینکه کدام کشور «کشور مسلمان» است، گرده و ملاک عمده داشته است: یکی آنکه آن کشور از قاعده بالفعل برخوردار باشد و هویت سیاسی- جغرافیایی

آشنایی با حوادث تاریخی کشورهای می تواند راهگشا باشد و بدین می کنیم برای ملت ما و جامعه ما آگاهی از تاریخ کشورهای اسلامی و حوادث و اتفاقات تاریخی مهم آن بسیار حائز خواندنی باشد، بخصوص که در مورد بیشتر کشورهای اسلامی زبان فارسی کمتر کتابی موجود است که بتواند در زمینه یک کشور این همه اطلاعات و آگاهی را یکجا عرضه کند و در مورد برخی کشورهای هم اصلاً کتابی به فارسی وجود ندارد. بنابراین نویسنده مؤلف در گردآوری چنین مجموعه بزرگی بسیار قابل تقدیر ستودنی است، بخصوص که خود یک تنه کار عظیم و بزرگی را بر روی متسکله و منسجم باید در طی سالها انجام دهند از عهده آمده است، و این خود می تواند حیرانی باشد برای کسانی کاستیهایی که در کتاب هست و با این دید نه آسانی می توان بویسنده محترم را در قبال آن کاستیها معذور داشت. در باره حیات اول این کتاب مقاله جامع و مفیدی از آقای کامران فانی در شماره ۵ سال ۸ مجله سرداس در ۱۳۶۷ منتشر شده است؛ خوانندگان این مقاله بهتر است به آن مقاله نیز مراجعه کنند. ستر با این اثر اسرار گردند جلد دوم کتاب که حیات آن در ۳۶۹ سال با این یافته بود احراً منتشر شده است؛ در این جلد که جهات متعدد بهتر از جلد اول بهیچ و بدوین شده، برخی کاستیهای ذکر شده درباره جلد اول این اثر بر طرف کرده است. نسخه جامع کشورهای اسلامی که در ابتدا و انتهای کتاب آمده است از جمله امتیازات این مجلد بر جلد اول است. در مورد روآمد کردن اطلاعات آماری و نظائر آنها نیز توفیق نالست بسری نصیب مؤلف شده است؛ اما بار هم آهنگ سریع تغییر از یکسو، و کندی در امر حیات کتاب از سوی دیگر کماتس تاریکی این آمار و اطلاعات کاسته اند. در این جلد تنها به سه کشور بنگلادش، پاکستان و ترکیه پرداخته شده و مطالب مربوط به این سه کشور مهم اسلامی مفصلتر آمده است که ساینسته هم با است حسین باشد.

مطالب کتاب در دو ستون همراه با عکسهای تاریخی، رجال، اماکن جغرافیایی تنظیم شده است. جداول آماری بسیاری که صفحات مختلف کتاب راجع به مسائل مختلف آماری، اقتصادی جبر آن آمده است کتاب را که مطالب آن خود بسیار مباح خواندنی است، خواندنیتز کرده و از حالت یکواحتی حاکم کننده در آورده است. اگر بعضی از مناظر زیبا و صحنه های حاکم دیدنی که در کتاب به صورت تصاویر سیاه و سفید آمده و رنگی می بود جسم نوازتر و جادتر بود.

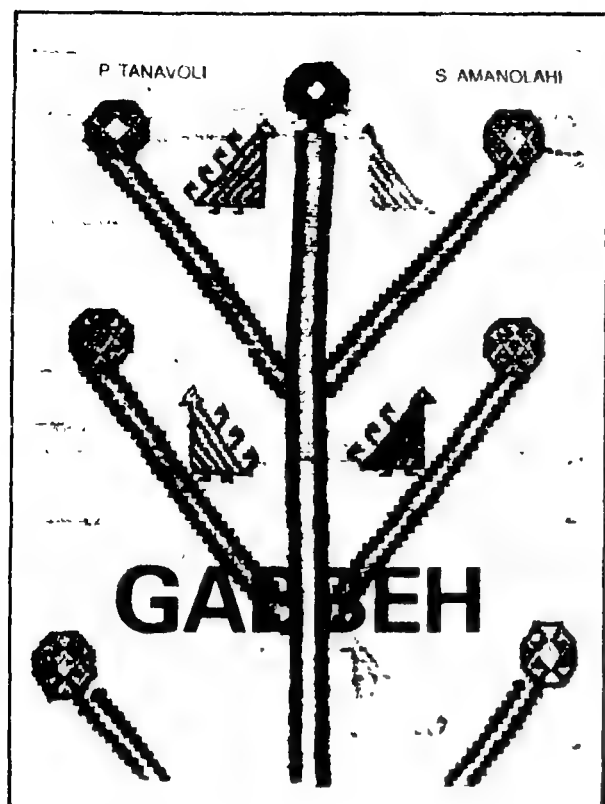
در نهایت توفیق روزافزون بویسنده محترم را در گردآوری بقیه مجلدات این مجموعه و کاسته شدن هر چه بیشتر از باریک آن، از خداوند بزرگ مسئلت می نمایم.

اندره ای کمتر به چشم می آید و امید می رود که مؤلف در مجلدات بعد بتواند به طور نسبتاً کاملتری این موضوع را حیران سازد. مطلب دیگر راجع به نسخه ها و عکسهای موجود در کتاب است که می توانست دهقتر و روستتر باشد و این موضوعی است که در مجلدات بعد باید مورد توجه قرار گیرد.

موضوع دیگری که جای آن در این مجموعه حالی است مسئله علوم و موقعیت آن در کشورهای اسلامی و بویره ستمه ای از آثار و احوال دانشمندان و عالمان و ادیبان هر کشور است که آمده است در مجلدات بعدی این مطلب نیز در فصلی تازه گنجانده شود تا کتاب پربارتر گردد.

مطلب دیگری هم که اگر رعایت شده بود مطالب کتاب را مستندتر می نمود موضوع ارجاعات است که اگر مطالب انتخاب شده از منابع، در باورهای و با در بایان مطالب هر کشور با شماره مسلسل مشخص و نوشته می شد بسیار بجا و ساینسته بود. اگر چه در بایان هر جلد منابع مورد اسفاده مؤلف به طور مفصل آمده است، اما خوانندگان ممکن است که در بایان مطالب هر کشور خواسته باشند بدانند که مطالب مربوط به آن کشور از چه منابعی اتخاذ شده است تا برای کسب اطلاعات تفصیلی تر در هر زمینه که مورد نظر سان باشند به آنها مراجعه کنند. به هر حال ممکن است این کار تا انداره ای مشکل و وقتگیر باشد اما اگر به نحوی منابع مهم و اساسی ذکر شوند بسیار مفید است.

قطع نظر از همه این مطالب، کتاب جهان اسلام بی سبک اری ارزنده و بسیار قابل استفاده برای سطوح مختلف جامعه ایرانی است که اگر به رودی مجلدات بعدی آن نیز مسرر گردد می تواند در میان مراجع این فن حای ساینسته خود را بناد، ریرا سوه و سبک کار بسیار حاکم و سحنده است و مخصوصاً در قسمت تاریخ هر کشور مؤلف محترم بسیار زحمت کسیده اند و مطالب مهم و و فایح حساس تاریخ هر کشور را ولو مختصر به ریباترین و جذاب ترین اسلوب آورده اند. اگر چه کوسسهای بویسنده محترم برای ارائه مطالب مهم و لازم و ضروری در تمامی فصول کتاب قابل تقدیر است اما به لحاظ اهمیت فوق العاده ای که آشنایی با تاریخ کشورهای و جوامع اسلامی دارد، مساعی مؤلف کتاب در تدوین مبحث تاریخ کشورهای این مجموعه جسمگیر بر است.



## اوج و حضيض «گبه»

سیروس پرهام

Parviz Tanavoli, Sekandar Amanolahi, *GABBEH*  
Georges D. Bornet Collection(2), Baar/Switzerland  
1991(?) 160p

اراسات بررکی و حمل ناسد. اول بار که در نوشته‌های تاریخی ار گبه ناد می‌سود به رورگار ساه طهماسب صفوی است که در آداب نذیرایی همایون نادساه گورکائی (سلطان ساهنده هند) فرمان می‌دهد تا «... فالیهای ابریمی کار خراسان و گبه و نمدهای جامی و سورسها بیدارند»<sup>۲</sup> به ظاهر، دوران عزت و سوک ساهانه گبه کوتاه بوده، چون در سلطنت دیگر ساهان صفوی و س از آنان در دولت افساریان و رندیان و فاجاریان نامی ار گبه نیست.

در بازارهای اروپا و امریکا و نیز در نزد فرش‌سنانان مغرب‌زمین، گبه دوره‌ای گذرا- که مدب آن دانسته نیست- از شهرت و روق داشته است. نوشته‌های فرش‌سنانان متقدم دلالت بر آن دارد که گبه در اواخر قرن نوزدهم مسیحی در ایالات متحده امریکا (و ساید هم اروپا) سانی داشته و خواستارانی نای برجا. (از سیاق عبارت نوشته‌ها استنباط توان کرد که صادرات گبه به کسورهای غربی ار اواخر سده نوزدهم آغاز گشته حاشیه.

(۱) بسترین گه‌های قدیم کاربرد رواندار داشته و به «گبه بتویی» شناخته می‌شده و به همین دلیل، برخلاف فالی و فالیچه، ریسها را در سر و ته فرش‌ها نمی‌کرده‌اند که روی صورت بفتند و آزار دهد. نوع خاصی از گه‌های بتویی را دورومی‌افته‌اند، هر دورومی اغلب به یک طرح و نقس ولی نارنگ آمیری متفاوت (۲) محمد یوسف کیایی و ایرج افسار: «حکم ساه طهماسب صفوی برای نذیرایی همایون نادساه»، محله آئیده، بهمن و اسفند ۱۳۶۰

ک اره‌ها را فلمر و رمانی و مکانی و بره‌ای است که مرره‌ایس مکهایی که گاه به گاه در برداخت و آرایس صورت هری متداول سود محدود نمی‌ماند و خود نوع هنری را هم گهگاه می‌گیرد. یک رمان، در یک عصر یا در یک جامعه و در یک مدن و ط فرهنگ، نوع هنری خاصی ار جسم می‌افتد و بار دیگر ره زنده و «باب‌رور» می‌گردد و روق بر افروده و منزلت والاتر می‌کند.

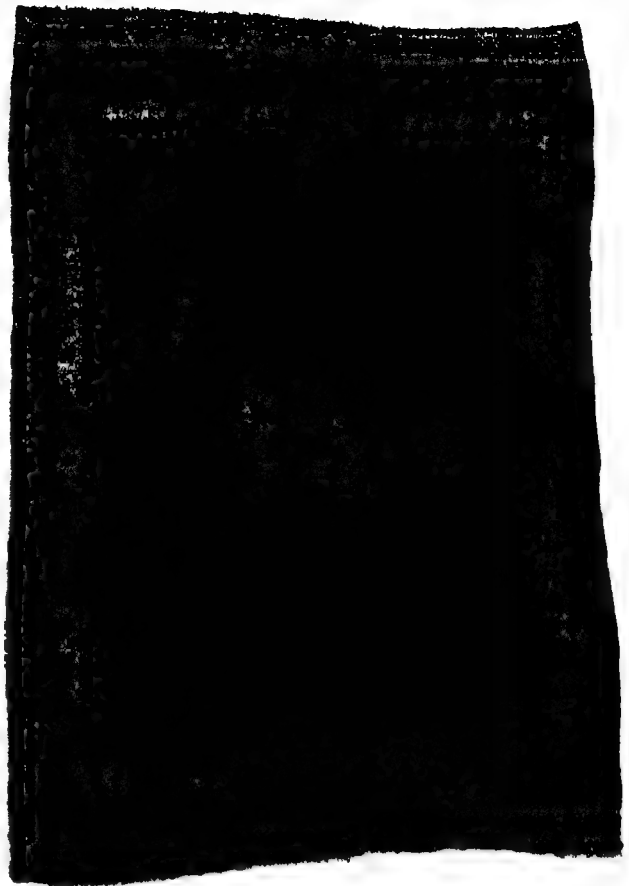
گبه، که از اقسام فرش دستباف گره‌افته و نوع هری خاصی فالی و گلیم است و بافتن آن تقریباً منحصر به عسایر لر و ناری و فسقایی است، سرگذستی سنیدی دارد که خالی ار ر و سیمی نیست. ظاهر این است که این دستبافته درستناک نی (در تداول بختیارها: خرسک)، که برره‌ای سمین بلندس مهید ردیهای (= رگ/رج) خندگانه بود (از سه تاهسب رگ و بستر) بر روی هم می‌خوابد و از نرمی و درحسندگی خاص نوردار می‌سود، بیوسه دستبافتی بوده است عسایری و به ر عمده زمستانه و گرمابحس که یا روانداز بوده (به حای لحاف و) یا زیراندازی گرم و نرم که بر آن بیاسایند. اما، ار متون حی کهن چنین برمی‌آید که روزگاری گبه را بخت آن بوده که

می‌سندیده و می‌طلبیده و افسام دیگر محل توجه نبوده است. آنچه وی درباره وجود سس با هسب رگ بود می‌گوید از جهت فرس‌سناسی دارای اهمیت و حالت نظر است، چون نفس به که بارار امریکا در مقام آن نبوده که شمار بوده را معین کند. اینکه حدافل «استادارد» را سس رج نگذارد. سدا است سده‌های سسین گبه را بود فراوان و ابوه بوده است، به جبه‌های معاصر که اغلب بیس از چهار بود ندارد و برخی هس بود فالهای فارس را دارد که، البته، آنها را گبه اصل می‌بود برسمرد و «فالی-گبه» باید خواند<sup>۵</sup> (وجود دسب کم سس بود گبه‌های بیم فرن احرار نوادر است و ساید در این دوره سه ساله سس اردو سه گبه سافته ساسد که کمتر ارسس رگ بود آن ساسد. در کتاب مورد بررسی، از هساد نموه حاب سده و دو نموه بدس اسلوب است: گبه شماره ۱۱ (سس با هسب بود که آن را به درستی از اواخر فرن نورد هم دریافته‌اند و نموه ۷۷ دارای سس تاده رگ بود هسب و از حدود سال ۱۹۴۰ حوا سده است).

جای‌سگفتی است که به رغم «نوع» فرسفر و سان امریکا و به احتمال زیاد اروپایی (چون صادرات فرس به امریکا از اروپا بوده است)، گبه سس از حدی از جسم می‌افتد و از می‌رود. (تا جایی که آگاهی داریم، سس از جنگ جهانی اول اواخر دهه هشتم سده بیستم در هسبیک از کتابها و کاتالوگ حتی مقاله‌هایی که راجع به فالی گره‌نافه به حاب رسیده ار گبه نمی‌سود).

گبه نیز مانند گلیم، که صادرات آن پس از دهه سسم فرن به رونق یافت، در دوران معاصر و تا همین اواخر در ایران و اردو امریکا تقریباً ناشناخته بود و به هر حال از شهرت و اعتبار نداشت. انتشار کتاب فالیه‌های سیری فارس و ریز تاولی سال ۱۳۵۶ (چاپ دوم به دو زبان فارسی و انگلیسی به ۱۳۵۷) و برپایی نمایشگاه فالیه‌های سیری مجموعه تاولی امریکا (از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷) همراه با انتشار کاتالوگ فرس سیری توسط مؤسسه «اسمیتسونیان»<sup>۶</sup>، نام گبه را دوباره گردانید، چون بخش اعظم «فالیه‌های سیری» به اسلوب سافته سده بود. (گو اینکه تا مدتها بسیاری فرس سناسان بر پندار بودند که گبه مرادف با نقش سیر است و به افسام دیگر اعتنای درخور نداشتند و به همین سبب بازار گبه هورر نه‌پذیرفته بود).

در این دوران (دهه ۱۳۵۰/۱۹۷۰) جز تاولی یکی دو فرس بازان و مجموعه‌داران غربی، آرام و بی‌سروصد گردآوردن انواع گبه‌های فارس و بختیاری پرداختند- فرس غریب که کسی آنها را نمی‌شناخت و نمی‌خواست کوس



گبه قشقای، اواخر سده سیردهم هجری (مجموعه رالف یوهی، امریکا)

و این نوع هنری فرس بیش از آن ناشناخته بوده است). نخستین فرس سناس و به واقع اول کسی که حگونگی گبه را شناخته و در آن دقیق سده و ویژگیهای اسلوب بافت و طراحی و مفسردازی آن را تجربه و تحلیل کرده «مامورد» است که کتاب فرسهای مشرق زمین<sup>۳</sup> او از قدیمترین کتابهایی است که درباره فرس و فالی دستباف نوشته‌اند (حاب ۱۹۰۰ مسیحی). این فرس سناس امریکایی می‌نویسد: «ساید منفردترین دستبافته‌های سیرار [= فارس] آنهایی باشد که زمینه به یک رنگ ساده است [کف ساده] و حاشیه‌ها برآمده از چند ردیف نوار به رنگهای گوناگون، جملگی خالی از اثر هرگونه نفس و نگار... پس از هر رج گره شش تا هشت رج بود به کار آمده که برز سسم را، که بلند است، روی هم می‌خواباند. بشم [گبه] بغایت لطیف و نرم است... اینها چیزی جز لحافهای ضخیم نیست که برای بوسش و رواندار بافته‌اند ولی نبوغ بازار فرس آنها را به فرس [گستر دنی] مبدل ساخته است»<sup>۴</sup>. این که مامورد همه گبه‌های فارس و به اصطلاح «سیراز» را کف ساده و حاشیه محرمات و تهی از نفس و نگار خوانده (بر همان رسم و قاعده نمونه‌ای که اینجا حاب سده)، البته، نباید دلیل گرفته شود بر آن که در اواخر فرن بوزدهم تمامی گبه‌ها چنین بوده است. مسلم است که بازار فرس امریکا بیستر این قسم گبه را

روایت از همه «ررر بورنه» سوییسی بود که از سال ۱۹۶۹، بدون بره تجارتنی و نه صرف حادثه هنری، بدرجیح مجموعه‌ای عظیم «یعین بی همتا از گبه‌های فارس و بختاری فراهم آورد» و ن شمار آنها به چهارصد رسیده است.

سماره مخصوص مسهور بررس محله فرس جهان<sup>۷</sup>، که به سال ۱۹۷۱ با مقاله‌هایی از ساولی (با عنوان «که») و «د و مارس» که‌های فارس «هر تجربیدی عساری» اسرار بافت، بکناره ده زیادی از فرس ساسان و مجموعه‌داران را متوجه اهمیت و ریس هنری گبه گرداند طرح و نفس به بهات بکر و بدیع و سبه درن» و رنگ آمیزی بی پروا و حیره کننده اس بافته‌های حسی خو»، افسوس یاره‌ای در کالبد دسای فرس دمید گویی که و دررر بورنه هم «دفینه» خود را از نو «کشف» کرد و نه فکر افساد، گبه‌هایس را از نهانگاه خادگی نه درارد بورنه نه سراع نلموب ریسن»، یوسنده فرس ساس آلمانی، رف که همرمان نه نمایش گذاردن مجموعه بورنه در حید شهر اروپایی، یونه‌های برجسته مجموعه را برگرد یا بحستس کتاب مستقل و بصل را درباره گبه و هر گبه‌نایی مدون سارد<sup>۸</sup>.

اما، مجموعه‌دار خستگی‌ناپذیر سوسی پس از آن گرد آورده ید که در یک کتاب بگنجد. سال بعد، فرس ساس و مجموعه‌دار برانی/آلمانی، سیاموس ازادی، سی و دو نمونه دیگر از این نجینه گبه را در کتابی به ریان آلمانی سان داد<sup>۹</sup> و سرانجام خود ورنه مصمم گشت که با فماده مجموعه را- که هنوز از نمونه‌های اب و کمیاب نهی نشده بود- با همکاری ناولی و دکتر سکندر مان‌اللهی بهاروند در کتابی دیگر عرضه دارد، که همین کتاب حاضر است. اکنون می‌توان گفت که گبه‌سای خود رسته‌ای ستقل و مهم از فرس ساسی سده و نه رغم تنگی محدوده جغرافیایی تولید و به تبع آن کمایی روزافزون، حتی از کلیم ساسی هم سبت جسته است<sup>۱۰</sup>.

کتاب، که به دوزبان آلمانی و انگلیسی با نفسترین چاپ و کاغد نخلید و به سرمایه بورنه در سویس انتشار یافته (بدون تاریخ)، برگیرنده ۸۰ نمونه تمام رنگی است که دست کم بیست یونه اش ممتاز و کمیاب است و همه پر خوردار از عکاسی و چاپ یکی عالی و بی نقص. در بخش اول کتاب (۶۳ صفحه)، س از عدنه کوتاه مجموعه‌دار، که سلیقه خود را درباره گردآوری گبه سرح می‌دهد، مقاله بیست صفحه‌ای ناولی («گبه - هنر ایران صوب غربی») می‌آید که کریم امامی آن را از فارسی به انگلیسی رگردانده است، به مهارت و استادی.

ناولی ابتدا اثرات «کشف دیر هنگام» گبه و اهمیت پیسگامی ورنه را در شناخت و سناساندن این هنر مهجور بار می‌نماید و

رآن س به سافه تاریخی گبه در ایران می‌بردارد و یادآوری سود که س از رونق یافتن صادرات گبه در نیمه بحسب دهه ۱۹۸۰، گبه نه عنوان قسم خاصی از فرس سب دفاتر گمرک ایران گردید. س از محدود ساحس منطقه گبه‌نایی نه دامنه‌های حوب غربی کوه‌های راگرس (فلرو ایلات لر فارس و بختاری و ایل فسفایی)<sup>۱۱</sup> و بر سمردن و حوه افراش میان گبه‌های جنوب غربی راگرس و دسافه‌های گبه‌ماند «تولو» (از آناولی سرفی) و آنجه در برخی روستاهای آدریایحان یافته می‌سود، سوند نفوس گبه با سفالنگاره‌ها و بیکر کنده‌های سسگی بیس از تاریخ لرستان بار نموده می‌گردد.

بروهسهای ناولی این واقعیت عریب بحول تاریخی و جغرافیایی گبه‌نایی را (که نه نفس در آغارار حاصه‌های لرها بوده و فسفاییها از آنان برگرفته‌اند) آسکار می‌دارد که لرهای لرستان گبه‌نایی ندارند و هرچه از حوب غربی راگرس به سمت شمال برویم از فلرو و گبه‌نایان دورر می‌سویم. در مسر کند و کاو و راه بروی در اصل و منسای گبه و حوزه‌های گبه‌نایی و مقایسه گبه‌های فسفایی و لری فارس، سهوی رخ می‌نماید و گبه‌های معروف نه سولی سهرک سول گناوه با سول ممسنی بطور اعم و

حاشیه:

3) Mumford, J. K., *Oriental Rugs*, New York, 1900/1915

۴) همان کتاب، ص ۲۱۴ (حاج ۱۹۱۵)

۵) پرویر ناولی در سونه خود نه این مطلب بوحه داسه و فراوانی بود گبه‌های سده سیردهم هجری/نوردهم مسیحی را تصریح و تأکید می‌کند، گو اینکه طاهرا کتاب مامور درانیده اسب ولیکن، اصرار ورریدن اودر این باب که «همه گبه‌های کهس فسفایی از ۶ تا ۱۶ بود داسه» (ص ۲۱) در عمل درست نمی‌آید، همنجاکه گبه‌ای را که نه ایل فسفایی و اواخر فرن نوردهم مسوب داسه (سماره ۵۸) دونا بح بود بیش ندارد

6) *Lion Ruges from Fars*, Washington D. C., 1974

7) *HALI*, Vol. 5, No. 4, London, 1983

8) Reinisch, H., *Gabbeh The Georges Bornnet Collection*, Graz and London, 1986

9) Azadi, S., *Mystik der Gab-beh*, Hamburg, 1987

۱۰) در اهمیت کار بورنه هس س که از سنی کتاب که تاکنون درباره گبه نه چاپ رسانده سده سه کتاب ست گرم نه گردآورده او اسب سه کتاب دیگر ندین سرح اسب

1) Nilufar, *Gabbeh, Storia d'amore Persiana*, Mailand, 1987

2) Museo Nazionale della Montagna «Duca degli Abruzzi», *I Gabbeh, un'arte tribale Astratta*, Turin, 1988

3) Galerie Neiriz, Berlin, *Gabbehs, Stammesteppiche der Berg-nomaden am Zagros*, Berlin, 1991

۱۱) ناحیه شول گناوه، که مردم لر بزاس در فدییم گبه‌های حوب و حوس آب و رنگ می‌یافته ولی امروزه تنها نه گبه‌های خود رنگ (سم رنگ سده) شناخته‌اند. از فلم افتاده اسب (دکتر امان‌اللهی حند بار در مقاله خود نه وجود لرها «در حوالی بوسهر» اشاره گذرادارد اگر کتاب را ویراستاری بود حتما ناولی را متوجه این نکته می‌کرد)

می‌بیم. گبه‌های ۷۱-۷۳ هر سه به نفس درختی است و هر سه حاسیه «برگ رزی» سرحد چهار دانگه و افزون بر آن، گبه ۷۱ - که کسکولی خوانده شده - و گبه ۷۳ - که آن را سس بلوکی - داشته‌اند - هر دو به نفس درختی مرغی است و با لحکهای چهارگانه‌ای که تک مرغی بر آن است و تنها تفاوت ظاهری سس هندسی و ناف در سب گبه ۷۳ هست در مقایسه با طراف و رربافتی گبه ۷۱ تفاوت اسلوب ناف این دو نمونه، «کسکولی ۷۱» با گره نامتعارف شماره ۱ نافه شده و «سس بلوکی ۷۳» با گره نامتعارف شماره ۴، انقدر سبب که وجه نماد دهنده بی‌حون و حرا باشد چرا که از جانب دیگر، «کسکولی» شماره ۷۰ و «سس بلوکی» شماره ۶۹ هر دو به تک اسلوب نافه شده (بود) سمن ۷۱ حد رنگ، بعضی مستقیم و بعضی مواج، و گره نامتعارف شماره ۳) و رربافتی هر دو بر به تک درجه است (حدود ۱۱۲۰ گره در دسمبر مرغ) در همان حال، به کسکولی شماره ۷۵ می‌رسیم که همه نودها را به حالت مواج دارد و با گره نامتعارف شماره ۱ نافه شده است

می‌گیریم که هیچ حد دلیل هیچ حد سبب و به همسانی، حتی یکسانی طرح و نفس و اسلوب ناف دلیل بر اصل واحد است به ناهمگونی و حتی دوگانگی اسلوب عامل افراق این درست همان کیفی است که وجود گبه بدان نارسسته است اصولاً، در ساسایی تیره طایفه بافنده دسبافه‌های عسایری، بخصوص گلیم و گبه و سوزنی، همواره حالت احساط را نگاه دارد. در مواردی به حدان اندک، صرف تشخیص درست و تعابر دقیق طایفه بافنده از میان حدین طایفه یک ایل بزرگ خود موفقیتی است بزرگ و مایه سرافرازی بروهنده و نباید دل‌بگران شناساندن بیره یا گروه بافنده بود. فریبه‌ها و معیارها و ضابطه‌هایی که توان بر آنها اعتماد کرد حدان برانگیده و جسته و گریخته و متعیر و انتظام‌ناپذیراند که مشکل توانند «کوکب هدایب» بروهنده حدی و مضطرب باشند. (گفتی است که در مورد هیچک از نمونه‌های مورد بحث و اصولاً در باب تمامی هستاد نمونه‌ها سده سوسسته‌اند که به کدام دلایل یا فراین گبه معینی را از طایفه و تیره معین ساخته‌اند)<sup>۱۲</sup>

مسأله دیگر، که از اعتبار و سدید علمی کتاب می‌کاهد سهل‌انگاری عریبی است که تناولی (یا شاید هم ررر بورنه و احتمال زیاد هر دو) در خواندن تاریخ نمونه‌های تاریخدار نثار داده‌اند. همه تاریخها، بدون استثنا و به طور درست و به صریح فاطم، به تعویم فمری خوانده شده و حتی در یک مورد هم تأمل سده که چه بسا گبه‌ای که همه چیز سس - چهل ساله می‌نماید هفتاد - هستاد ساله نباشد. حتی حضور نمایان فرم‌ها و نارجبه‌ها آسکارا جوهری سبب نگسته که اندکی و لحظه‌ای درنگ سود

گبه‌های لری بطور احصا اسبیه می‌سود و به روال غلطهای مشهور بازار فرس شیراز (و شاید هم اسناد گمرکی) تمامی گبه‌های لری، سولی خوانده می‌سود

همین خلط تاریخی - جغرافیایی است که، به گونه‌ای دیگر، دامنگیر سبک‌سناسی گبه و اسلوب گبه‌بافی می‌گردد. در تسریح فالی - گبه (که همه حا «گبه - فالی» بوسه‌اند) بویسده بر خطا می‌رود و «گبه - فالی» را حاصل «ترکب و برگیه‌های اصلی گبه و فالی» می‌داند (ص ۱۷)، حال آن که فالی - گبه دو ویژگی عمده و بنیادی گبه را فاقد است، حون به بر بلند دارد و نه بوندهای چندگانه را و بر همان رسم و اسلوب فالیهای فارس دو بود بشن ندارد. ماندگی طرح و نفس و رنگ فالی - گبه با سوه طراحی و سبک رنگ آمیزی گبه، این خطا را باعث آمده است همسانی سبک هری نباید سبب گردد که ناهمسانی اسلوب فنی ناف - که ذاتی گبه است و علت وجودی آن - بوسیده بماند. به عبارت دیگر، درست نیست که شیوه رنگ آمیزی و نقش‌دازی - که کیفی است عرضی - اسلوب خاص گبه‌بافی را - که ماهیتی است ذاتی و دلیل اساسی افتراق فالی و گبه - در درجه دوم اهمیت قرار دهد این نیز هست که فریبه‌ها و ضابطه‌هایی که تناولی برای شناسایی بافندگان گبه و انتساب این دستباف نامتعارف به طایفه‌ها و تیره‌های مختلف عسایری به دست می‌دهد اغلب تعمیم‌پذیر و جامع و مانع نیست (و خواهیم دید که نمی‌تواند هم باشد). ملاک تشخیص و افتراق قرار دادن فرایبی حون «سلوغی» طرح و نقش و به تبع آن همه گبه‌های بر نفس و نگار و آشفته‌حال را سش بلوکی خواندن و «خلوب» ترها را کسکولی دانستن، بایه استوار علمی ندارد.

در کار شناسایی گبه، مشکل بتوان صرف سبک طراحی را ضابطه قرار داد. به خلاف طراحی و نقش‌دازی فالیهای عسایری - که حتی هنوز هم، کم یا بیش، مقید به نوعی انتظام سنتی است - در عالم گبه‌بافی «کسی به کسی نیست!» آزادی و به سخن صریح‌تری بدو باری - بافندگان گبه بدان مایه است که گاه حتی اسلوب بافت را هم فراموش می‌گیرد و درهم می‌ریزد.

برای روشن شدن مطلب، چند گبه همسان را که بی‌کمترین تردید به طایفه‌هایی معین از ایل قشقایی نسبت داده‌اند پیش رو



سینس از تاریخ کوه‌اند که این خطوط سحران درهم سگسته چیزی  
جز نماد آب نیست).

بررسی مقاله بر روی تناولی حسن حتمی بهر و گویاتر از  
واسعین عبارت خود او ندارد «رن گنه ناف ارادی و ارادگی خود را  
قدر می‌سناسد، ولی همواره مواظب است که بایس را از حد و مرز  
مرباب سینی خود فراتر نگذارد.»

دومین مقاله کتاب (از صفحه ۳۷ تا ۶۳) از دکتر سکندر امان‌اللهی  
است که «تاریخ لرها و فسفاها» را بار می‌گوید. سن از آوردن  
ناره‌ای سواهد تاریخی در ناره گدسته لرها (بر حی مدلل و نه نبوت  
تاریخی بی‌بسته و بر حی بی‌مأخذ و دلیل، ماسد از بار لر داستن  
هر مران، سردار سانسایی، که نا باربان سرد کرد)، ذکر امان‌اللهی  
مردم و سرزمین و اتانکان لر بر رک (بختاری و کهگیلویه و  
ممسی) را نه مای سانساند و دیگر گوسهای این مردم و سرزمین را  
سن از بورس تموریان و بیدایی سرزمینهای بختیاری و  
کهگیلویه و ممسی (سولسان قدم) سنان می‌دهد

در همن حسار، تاریخچه فسفاییها - که کم یا سنس به انداره  
تاریخچه لرها مهم است - نا عصر حاضر بی حویی می‌سود ولی  
مایه سگسینی است که ارباب بردامنه کوحروی سالانه میان  
حراگاههای باستانه و رمنستانه و اسکان اتلاب حناکه باید  
سحیده می‌گردد. ذکر امان‌اللهی در بررسی خود، تاریخ و  
حرفایی سانی و اجتماعی را بطور احص بی می‌گرد و به  
رندگی واقعی و حگوگی تلاس و معیست مردمان اعتنای درخور  
ندارد، مگر انجا که ارباب برنامه اصلاحات ارضی را در مالکیت  
اراضی و مراعی، خصوصاً در رندگی حواسین، سنان می‌دهد نه  
همین علب است که حواسده‌ای که مفتون این دسبافته‌های  
سحرآمیز می‌گردد (که بر حی ساهکاری است مسلم از بدع  
طراحی و عنا و هماهنگی افسونگر رنگها) سراحام می‌تواند  
دریاند که زبان و دخترانی که این آثار بی نظر هنری را آفریده‌اند  
حگونه مردمی هسند و حگونه رندگی می‌کند

در نایان، این نکته را نگفته سوان گداسب که، افسوس، کتابی  
به این مرتبه از نفاسب و زیبایی بر ار غلطهای حایی است (متن  
انگلیسی در نظر است، متن آلمانی را می‌دانم) - ار همان صفحه  
عنوان که collection را با يك I. نوشته‌اند تا اواخر کتاب (ص  
۱۴۹) که weht به حای weft سسته است.

#### حاشیه

۱۲) سیاوس ارادی هم در کتاب خود (حاشیه ۹) در سب بر همین بهج رفته و  
سنی تلاس سیهوده در سحس بیر و گروه نافیده هیچ جا دلایل می و  
ربایی ساحتی استراک و اهراق را بیاورده است (اللهه، صافه‌های کلی معدودی  
که تناولی در مقاله خود ذکر کرده اینجا می‌تواند مورد نظر باشد)

مجب است که سیاوس ارادی هم نانه‌ها و مونه‌مو در همن راه  
بریده افتاده و حملگی تاریخها را قمری صسط کرده است)

درستی روس تناولی در بحرنه و تحلیل سبوه‌های طراحی و  
سریخ و تاویل مفاهیم احتمالی طرحها و نفسها بر محل تأمل  
سب او تکیه بر این ناور دارد که گبه، نه حکم طراحی و  
سپرداری هندسی و بحر بدی و عدم کاربرد نگاره‌های خاندار و  
، سع آن سارگاری نا عالم دس اسلام ار حهب بهی سینه‌سازی،  
حب ان داسب که بی‌وقفه و بی‌کم و کاست به حباب حید هرا  
ناله خود ادامه دهد صرف‌نظر از انکه حسن اندر باقی مشکل  
رگتر حگوگی امیداد حباب بی‌وقفه و سسار سسار بر روی و  
ردامنه قالی و فالسافی را سنس می‌آورد، در فلمرو تاریخی و  
عراقایی بعایت تنگ گبه هم می‌توان بدرف که سبک هدسی  
لراحی «اراقی» گبه و گبه‌بافی ماسد وجود که‌های سیری یا  
سرگنه‌ها و گبه‌هایی که در گوسه و کنار انها نفوس حابوری و  
ناه اسانی بر اکده است خود گواد این مطلب است اسحور  
س عرضه همان اندر باقیهای «فرنگی» است و این تلاس به طاهر  
روهسگرانه و حامعه ساحتی (و، اللهه، سرق سناحتی) که مباح  
اکادمیک» و «داسگاهی» را همه حا و در همه حال ملاک سحس  
نرار دهد و باریاب تحولات فکری و عقیدتی فرد و حامعه را در  
مامی مظاهر رندگی (حتی در هرهای حاسحب و دیربای سنتی  
بردمان بیابانگرد و کوه‌نشین) بازباید

گبه بر دوام ماسد حون عسار گبه‌ناف ریر انداز و روانداری  
کرمتر و نرمتر (و حه ساریاتر و دلیدیرتر و حوسایندتر) از آن در  
دسرس نداستند اگر حرا این ساندسسم، آن گاه سخب به رحب  
می‌افتم در توصیح و توحه این مطلب که مرعان و چهاربایان هرا  
کوبه‌ای که در قالیها و سوزنیهای همین عسار گبه‌ناف یا در  
دستافته‌های همسایگانسان بر اکده‌اند از کجا آمده‌اند و به کجا  
می‌روند؟

در امتداد همن خط لعریه فکری است که ساولی خطوط  
بواج و سگسه بر حی طرحهای گبه‌ای را ربط می‌دهد نه خطوط  
سب بر، که مردم حبوب ایران، آن هم لرهای کوه‌سین، تا حید  
دهه نیش می‌داسته‌اند حگونه حابوری است (سفالنه‌های  
حیدین هزار ساله سوس و پارسه و بهاوند و جاهای دیگر ایران

دقت نقل کرده است.

در اوایل قرن حاضر یکی از بزرگان علم و ادب و سیاست مصر یعنی محمد عده (متوفی در ۱۳۲۳ هـ.ق) محله المار را به معنای روسی بحسب منتشر کرد و پس از او ساگر سیدرسدرضا (متوفی در ۱۳۵۴ هـ.ق) انتشار محله را ادامه داد. این محله که عمدتاً به تفسیر قرآن اختصاص داشت عروه الوبی است که سید جمال الدین اسدآبادی دربارش می‌کرد را که رومی به، نویسنده مقاله حاضر به بررسی اهمیت مطالب این منته در تحول فکری مسلمانان برداشته است.

کلود ریلیو که از صاحب نظران در بررسی احوال و آثار ابو جعفر محمد بن حریر طبری است و با کون حد کتاب و مقاله در این زمینه نوشته است، در نوشته حاضر به سمارس و معرفی اثر اصل طبری (جمعاً ۲۷ کتاب) و آثار مستند به او (جمعاً چهار کتاب) پرداخته است که البته فقط تعداد اندکی از آنها به حد مانده‌اند. چند فهرست (عنوان کتابها، اسامی خاص اصطلاحات) این مقاله را تکمیل می‌کند.

شرح فوایی که معروف حضور جامعه کتابخوان ایران است از طریق تحلیل کتاب الاسلام السياسي نوشته فاضل محمد سعید العسماوی به بررسی «اسلام رزمیده» و «اسلام رادیکال» پرداخته است که در سالهای اخیر صبح و روبرو گرفته است. محمد سعید العسماوی در کتاب الاسلام السياسي به دفاع از موضع سیاسی اسلام پرداخته و اسلام را يك آیین سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کند و نظر کسانی را که مخالف برداشت به سیاست هستند مردود می‌سازد.

ابو اسحاق ابراهیم محمد الاسفراینی که معمولاً به نام اسد ابواسحاق شهرت دارد و در ۴۱۸ هـ.ق در گذشته است، یکی از مهم ترین و مسندترین فقهائ سافعی به شمار می‌آید و از او آثار بسیار به جا مانده است که یکی از آنها رساله کوتاهی است به نام عقیده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه حسن حنینو ناسا ناب می‌شود. آرام. فرانک در اینجا گزیده‌ای از متن عقیده را نقل می‌کند و با نقل نمونه‌هایی از السامل والارساد ابوالمعالی حوسو و بیر القیة ابو القاسم انصاری نشان می‌دهد که این آثار با حد اندازه تحت تأثیر عقیده تألیف شده‌اند. توضیحات مفصل نویسنده به زبان انگلیسی حاوی اطلاعات حالی در این باب است.

ابن فارض یکی از صوفیان مصری است که در ۶۳۲ هـ.ق در گذشته است. تعبیر و تفسیر اسعار عارفانه او، همواره یکی از مشکلات سارجان و موضوع اختلاف نظر اهل تصوف بوده است. يك علت عمده دسواری شرح اسعار او ناسی از فقدان اطلاعات درباره روابطی است که با عارف بزرگ معاصر خود عی

## نظر اجمالی به

# چند کتاب چاپ خارج

## مطالعات شرق شناسی در قاهره

*Mélanges 19, Institut Domineain d'Etudes Orianales du Cane, Editions Peeters, 1989, 485p.*

مجموعه مقالات، انستیتو دومینیکی مطالعات شرقی قاهره، انتشارات پیتز، ۱۹۸۹، ۴۸۵ ص.

مجلد نوزدهم مجموعه مقالات انستیتو دومینیکی قاهره که به تارگی مسر سده حاوی این مقالات است «ابن سینا و تأثیر او در Pugio Fidei اثر ریموند مارتین (ف ۱۲۸۵م)» (انجل کورتاناریا)؛ «عقل و تاریخ در تفسیر مار» (راک رومی به) «آثار طبری» (کلود ریلیو)؛ «دفاع از اسلام روسگر» (شرح فوایی)؛ «عقیده للاستاد ابن اسحق الاسفراینی» (ریچارد فرانک)؛ «بحرنة عرفانی ابن الفارض در قصده تأییه الکری» (گیره اسکابولی)؛ «داود و بیت سبع- بررسی تکون یکی از قصه‌های فرآیی» (ای.اح. جونز)؛ «متون قدیمی عربی که در سالهای اخیر به حد رسیده‌اند» (کلود ریلیو) و یادداشتهایی درباره نجب محفوظ (برنده نوبل)، محله «مبیره» در قاهره، انتشارات انحن باستان شناسی فرانسه در مصر، و فیات و کتاب شناسی.

آنجل کورتاناریا در مقاله خود به بررسی مواردی پرداخته است که ریموند ماری (یکی از اسفهای کاتولیک، متوفی در ۱۲۸۵م/۶۸۶ هـ.ق) در آثار خود مخصوصاً در کتاب مظهر وفاداران از نوشته‌های ابن سینا استفاده کرده است. البته بیس از او کسانی چون آلبرت بررگ و توماس اکویناس از آرای ابن سینا بهره گرفته بودند، اما تفاوت اینان با او در این است که لحن مارتین ستایشگرانه است. مارتین در آثار خود چهار بار کتاب الاساراب والتنبیهات که آن را به صورت Altaxarat ضبط کرده است، یک بار از الشفاء و دو بار از کتاب الروح نام برده و احوال ابن سینا را به

الدین بن عربی دایسته یا نداسه است. قصده تائیه الکبرای  
 ه به دلیل طولانی بودن (۷۶۱ ست) و حه به سب سبک و  
 ای خاص یکی از اسعار منحصر به فرد در ادبیات عرب است.  
 لف و تالی نداسه است. گربه اسکاتولی در اینجا با  
 گری از رمان ادبی صوفیانه - مخصوصاً آثار ابن عربی -  
 بی رنگی ابن فارض و قصده معروف او پرداخته است.  
 ی.اح. جوهر در مقاله خود با بررسی داستان حضرت  
 (ع) به حکویتی بکوبین قصص قرآنی و انعکاس داستان  
 د تعبیر در قرآن پرداخته است.

متون کهن عربی که احراً به حاب رسیده اند» عنوان فصلی  
 ، که از سال ۱۳۳۳ در مجله مقالات / بحس دومسکن توسط  
 م فواتی انداع سده است که از این شماره تدوین آن را  
 هده کلود ریلی نو گداسته است. حرح فواتی در مقالات  
 مجله ۸۴۱ عنوان کتاب را معرفی کرده بوده است در این  
 ره ۱۱۹ عنوان کتاب که در کسورهای مختلف به حاب  
 ه اند، معرفی سده اند که از آن جمله اند: ارتساف الضرب  
 سان العرب از ابی حیان الاندلسی (فاهره)، کتاب تهذیب  
 'ح المظنی از رکیا یحیی بن سمری، تصحیح النصحیف و  
 برالتحریر از صفدی؛ سرح الکافه از ابن حماعه،  
 المصاحف از ابی داود سحسائی؛ الاساء والنظائر از  
 ی؛ قصه السحره فی المرآ از امام حرراری؛ سرح العقائد  
 عه از تفتارانی؛ معنی لاله الا لله از ررکسی، المقصد الأسنی  
 سرح اسماء الله الحسی از غزالی؛ المقدمه فی التصوف از  
 ی؛ الممعین فی طبقات المحدثین از دهبی؛ کتاب الادوار  
 لموسمی از صفی الدین ارموی... فهرستهای اسامی مؤلفان و  
 ها این گزارش را تکمیل می کند.

## برخورد اندیشه‌ها

David B. Burrell, *Knowing the Unknowable God*  
*Sina, Maimonides, Aquinas*, Notre Dame, Universit  
 Notre Dame Press, Indiana, 1987, 130p

د بزل، شناخت خدای ناشناختنی: ابن سینا، ابن میمون، توماس  
 یاس، ایندیانا، انتشارات دانشگاه نوتردام، ۱۹۸۷، ۱۳۰ ص.

کتاب که سرو مکتب برنارد لوبرگان است سه نظریه پرداز  
 ت تفکر «اسکولاستیک» یهود، مسیحیت و اسلام را در روی  
 لار داده است: ابن سینا، ابن میمون و توماس آکویناس با یک  
 ل، یک سؤالی عرفانی عمده، روبه رو بوده اند: «حدا چیست؟  
 ما شناخت او ممکن است یا نه؟».  
 به عمیده مؤلف «فلسفه تالهی» بایستی برای رسیدن به حقیقت

به یک تحقیق تطبیقی در زمینه سنتهای عمده مذهبی و ادیان بزرگ  
 الهی دست برد و خود او این کوسس را آغاز کرده است.  
 س توماس آکویناس در کانون این بررسی جای دارد زیرا که  
 حلف این سنا و ابن میمون است و به ارای اسلاف خود آسا بوده  
 است. توماس آکویناس ابرار فلسفه مابعدالطبیعه خود را از  
 این سیما گرفته است و از این مضمون استدلال در باب وحی حقایق  
 طبیعی را آموخته است، هر چند که به سوه خود هم آرای این سیما  
 را رد کرده و هم استدلالهای ابن میمون را بکوهیده است.

مؤلف از رهگذر بررسی اندیشه‌های این سه متفکر بزرگ  
 مفاهیم عمده مربوط به حداساسی را تجزیه و تحلیل کرده و  
 «آفریدگار حاویدان غالم» را سوده است.

## تحقیقات تازه در زبان‌شناسی ایرانی

Giancarlo Bolognesi, *Studi glottologici filologici orientali*,  
 Brescia, Paidea Editrice, 1990, 421p

حان کارلو بولونسی، مطالعات زبان‌شناسی و واژگانی شرقی، برشیا  
 (ایتالیا)، انتشارات پایدنا، ۱۹۹۰، ۴۲۱ ص

تحقیق درباره فرهنگ کهن مسری رمین و زبانهای سرفی که به  
 طور حدی از حدود دو قرن بیس در اروپا آغاز سده است با  
 وفه‌های مساوب ادامه یافته است. مرکز این تحقیق که هر چند گاه  
 در یکی از سرمشهای اروپا بوده است، امروزه کماس در ایتالیا  
 استقرار یافته است. در واقع در حال حاضر خاورساسان ایتالیایی  
 بیستر از همکارانسان در نقاط دیگر به تحقیق درباره مسری زمین  
 می بردازند و هر روز کار تازه‌ای عرصه می کنند.

یکی از محققان بزرگ و در عین حال برکار ایتالیا حان کارلو  
 بولونسی است، که از سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) که نخستین مقاله خود  
 را در بررسی واره هند و اروپایی\* «سانوئل» در مجله مطالعات هند  
 و اروپایی (بخارس) منتشر کرد تا به امروز که آخرین کتاب او با  
 عنوان مطالعات زبان‌شناسی و وارگانی سرفی منتشر سده است،  
 بیش از ۱۵۰ مقاله و نزدیک به ده کتاب در رمنه بروهنهای  
 زبان‌شناسی به ربانهای ایتالیایی، انگلیسی و فراسوی تألیف  
 کرده و نقش عمده‌ای در تدوین دایره المعارف ارمی به زبان  
 روسی داشته است.

کتاب حاضر، صرف نظر از مقدمه و فهرستها مجموعه‌ای از  
 مانزده گفتار است در سه بخش: ۱) سه گفتار درباره رمان یونانی  
 قدیم، ۲) سه گفتار درباره تاریخ زبان انگلیسی، ۳) نه گفتار درباره  
 زبان و فرهنگ ارمنی و ایران باستان، و از آن جمله است:  
 «ملاحظات در باب درخت آسوریک»، «پیوندهای واژگانی ارمنی و  
 زبانهای ایرانی»، «جنبه تازه‌ای از نفوذ فرهنگ ایران در زبان

## فرهنگ عمومی فارسی به آلمانی

*erisch-Deutsches Wörterbuch*. von Heinrich F. J. Anker und Bozorg Alavi, VEB Verlag Enzyklopadie. Leipzig.

فرهنگ فارسی به آلمانی. تألیف هاینریش ف. یونکر (و) برنارد علوی، انتشارات دایرة المعارف فا. ا. ب. لایپزیک، آلمان [تجدید چاپ در ایران انتشارات امیرکبیر، انتشارات کامانگیر و...]

مؤلفان به جای گردآوری و ترجمهٔ واژه‌های متداول فارسی متأسفانه بیشتر واژه‌هایی را به عنوان مدخل در بافت الفبا، فرهنگ وارد کرده‌اند که مطلقاً در زبان فارسی رایج و مدار نمی‌باشند. برای نمونه: اذئاب، اذوب، ادواق، اذیال، اذفر، ادا، استصحاب، استرخاء، استطراد، استطلاع، استنجا، استقصاء، استقصا، استعطاب، اسعاد، انخداع، انخساف، انحداد، انجاح، انجاز، آنتولوری، انتماء، انمله، ایفور، اویفور، اید تراکمه، تصارم، تسنیع، تشمع، تصفیح، تعین، تعنیف، تعویب، تعوید، تعیل، تنفخ، تیفظ، بویه، لول، بیه، بکل، بکلی، جرالدیه، حصان، حصاء، ذواللسانین، ذوالمن، رغد و جر اینها. درواقع مؤلفان با سود حستن از واژه‌نامه‌های گوناگون عربی به آلمانی، که در آلمان به فراوانی یافت می‌شود، هزاران واژه عربی را در متن فرهنگ گنجاخته‌اند.

فراوانی واژه‌هایی مانند «رعائب، رصیف، رصین، رصانه سکاکن، سواف، سهاله، بیاض البیض، بیاض العین و...» را می‌دهد که فرهنگ مورد بحث، درواقع یک فرهنگ عربی آلمانی است، نه فارسی به آلمانی.

گفتنی است که در این فرهنگ بسیاری از واژه‌های عامیانه مانند «سوت سوتک» و «فسفسو»، و همچنین تک و توك لغات اصطلاحات علمی نیز مانند «سولفات دومنیری» وارد شده است. دیگر آنکه، در این فرهنگ بعد از مدخل «خاکبای»، مادهٔ فرعی «به خاکبای اعلیحضرت سهریاری عرض کردن» نیز وارد شده است. دیگر آنکه، بعد از مدخل «توده» [درص ۱۹۵] نام یک حزب خاص ایرانی به عنوان مدخل فرعی وارد شده و دقیقاً به همان ترجمه شده است. مؤلفان به این نیز بسنده نکرده‌اند و مدخل فرعی زیر را نیز وارد کرده‌اند: «توده‌ای»، «جمهوری توده‌ای»، «دموکراسی توده‌ای»، «توده‌شناس» و «توده‌شناسی». اگر چه این مدخلها اکتفا می‌کردند، باز جای شکرش باقی می‌بماند. متأسفانه درص ۲۴۷ بعد از وارد کردن مادهٔ «حزب»، بلافاصله نام همان حزب خاص را به عنوان مادهٔ فرعی وارد کرده‌اند!

نادر گلستانی دارد

ارمنی؛ «مسائل جغرافیایی و زبان‌شناختی مربوط به قلمرو ایران و ارمنستان... این تحقیقات بی‌گمان حسم‌اندازه‌های تازه‌ای بر روی فرهنگ کهن ایران پیش از اسلام می‌گسایند.

## ترجمهٔ بنگالی «شاهنامه»

*Shahnama*, by Hakim Abul Kasem Ferdousi, translated by Muniruddin Yusuf, Illustrated by Kyum Chowdhury, Bangla Academy, Ramna, Dhaka, 1991

شاهنامهٔ حکیم ابوالقاسم فردوسی، ترجمهٔ منیرالدین یوسف، تصویر از کیوم چودوری، فرهنگستان بنگاله، داکا، ۱۳۷۰.

شاهنامهٔ فردوسی در بنگلادش شهرت قدیم و وسیع دارد و ترجمهٔ قطعاتی از آن نظیر داستان رستم و سهراب و داستان ضحاک پیدادگر وارد کتابهای درسی بنگالی شده است. کتابخوانان بنگالی شاهنامه و سرایندهٔ بزرگ او را ادریس نامی می‌شناسند و هم به کتاب و هم به شاعر عشق می‌ورزند.

فرهنگستان بنگاله که از مدت‌ها پیش در صدد ترجمهٔ شاهنامه به زبان بنگالی بوده است طرح قطعی آن را در دههٔ ۱۳۴۰ تصویب کرد زیرا که آن را یک «حماسهٔ آموزشی» تشخیص داده و علی‌رغم هراس سال فاصله میان زمان حاضر و روزگار فردوسی او را یک شاعر امروزی می‌شمرد و شاهنامه را یک اثر جاودان در خدمت صلح و برتری می‌داند.

ترجمهٔ شاهنامه به زبان بنگالی که به همت منیرالدین یوسف انجام گرفته است یک واقعهٔ ادبی عمده در تاریخ فرهنگ سرزمین بنگاله به شمار می‌رود.

## داستانهایی از ایران

Syed Akhtar Husain, *Tales from Iran*, New Delhi, 1990, 40p

سیداکثر حسین، داستانهایی از ایران، ناشر: مؤلف، دهلی نو، ۱۹۹۰، ۴۰ص.

در این مجموعه هشت داستان از نویسندگان جدید و معاصر ایران گردآورده شده است: «کتاب» / احمد شاملو، «خانهٔ پدری» / سعید نفیسی، «نصیحت کرکس» / یوسف اعتصامی، «غم یادگار» و «یک دانشجوی ایرانی در اروپا» / محمد حجاری، «ارخا طراب یک الاغ» / لطفعلی صورتگر، «وداع» / حلال آل احمد، و «داستانهایی از ایران املائی» / سیداکثر حسین.

مترجم این داستانها در ابتدای هر داستان شرح کوتاهی از احوال نویسندهٔ آن آورده است که بر سودمندی کتاب می‌افزاید. آزاد بروجردی

## کلیات

### ● دایرةالمعارفها

(۱) اسعدی، مرتضی. *جهان اسلام*. ج ۲. بنگلادش، پاکستان، ترکیه. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۵۸۳ ص. مصور. نقشه. جدول نمودار فهرست راهنما ۵۵۰۰ ریال

کتاب حاضر دومیس مجلد از مجموعه‌ای ۷ جلدی است دربارهٔ سؤو مختلف زندگی در ۳۷ کشور اسلامی جهان که مجلدات دیگر آن نیز به ترتیب حروف الفبایی نام کشورها به تدریج منتشر خواهد شد. نخستین جلد این مجموعه در سال ۱۳۶۶ توسط همین ناشر منتشر شد که در آن مسائل کشورهای اردن، افغانستان، الجزائر، امارات متحدهٔ عربی، اندونزی، بحرین و بروی مورد بحث قرار گرفته بود (از ک نقد و معرفی کامران فابی در مجلهٔ نشر دانش، سال ۸، شمارهٔ ۵، ۱۳۶۷). مؤلف در مجلد حاضر، که به بررسی مسائل کشورهای بنگلادش، پاکستان و ترکیه اختصاص دارد، ماسد مجلد پیشین و مطابق با الگوی کلی این دایرةالمعارف، هر کشور را در ۹ فصل بررسی و معرفی کرده است: جغرافیای طبیعی و اجتماعی، تاریخ، قانون اساسی و نوع حکومت، اقتصاد، دفاع و وضع نیروهای مسلح، آموزش و پرورش، رسانه‌ها، نظام حقوقی و نهادهای کیفری، و بالآخره امور اجتماعی موضوعات این ۹ فصل هستند لازم به توضیح است که مقصود از کشورهای مسلمان در این مجموعه کشورهای مستعمری هستند که بیش از ۵۰٪ از کل سکنهٔ آنان مسلمان باشند. ارائهٔ گریده‌ای از وقایع مهم تاریخی هر کشور، تهیهٔ زندگینامهٔ برجسته‌ترین رجال تاریخی کشورهای مورد بحث و بالآخره فهرست مفصل اعلام در پایان هر مجلد، اردیگر ویژگیهای این دایرةالمعارف است [بیرر ک به مقالهٔ «نگاهی به جهان اسلام» در همین شمارهٔ نشر دانش] (۲) مرسولید، حس زندگینامهٔ رجال و مشاهیر ایران (۱۳۹۹-۱۳۳۰ هـ ش)، ج ۲. ب-ث تهران. انتشارات الهام ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۵۱۲ ص. مصور. نمونهٔ سد فهرستها ۵۲۰۰ ریال.

بویسده در این مجلد نیز ماسد مجلد پیش به معرفی آن دسته از شعرا، سیاستمداران، نظامیان، دولتمردان، روحانیان، محققان و دانشمندان ایرانی پرداخته که اراعار کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا شهر یور ۱۳۲۰ در صحنه بوده و یا مرگشان در این دوره رخ داده است

### ● فهرست، کتابشناسی

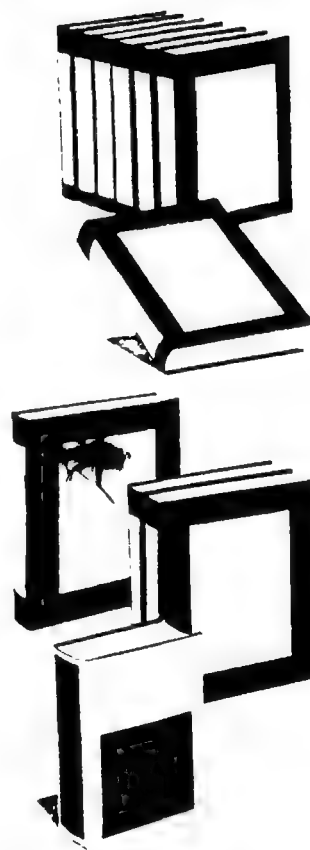
(۳) *روزنه‌ای به کتب فارسی بیویورک*. انتشارات صبا (تهران، انتشارات روزنه). ۱۳۷۰ ۱۳۴ ص. مصور.

این فهرست شامل مسحصات کتابشناسی و توصیف مختصر بعضی از کتب جدید منتشر شده در ایران است که همراه با فرمهای مخصوص سفارش کتاب و قیمت کتابها به دلار و ریال، خصوصاً برای ایرانیان مقیم خارج از کشور، تنظیم شده است و خود فهرست راهنمایی شامل نام بویسدگان و عنوان کتابها در پایان این فهرست می‌توانست گره‌گسای مراجعه‌کنندگان دریافتی کتب مورد نظر خود باشد. ظاهراً غالب توصیفهای این فهرست عیباً از بحثهای معرفی کتاب محلاتی خون سرمداس و آئیده به «عاریب» گرفته شده، شایسته است در حین مواردی نام ماحد بیردر شود

(۴) *فهرست مدرحات محلات کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی*. مشهد انتشارات کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس. ۱۳۶۹. (دورهٔ ۷، شمارهٔ ۱). ۱۴۴ ص

از ویژگیهای این فهرست در برداشتن برگه‌ای است که علاقه‌مندان می‌تواند برای دریافت فتوکپی مقاله یا مطلب مورد نظر خود را بر کند و به بخش آرسو مطبوعات کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی ارسال دارد. (۵) مدیریت نمایه‌سازی فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی ایران (دورهٔ ۶، پاییز ۱۳۶۶). تهران. سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. ۱۳۷۰. سی‌ویک + ۶۵۹ ص. فهرستهای راهنما. ۱۵۰۰ ریال.

## کتابهای تازه



امید طبیب‌راده

فهرست حاضر مجموعه‌ای است از مسحفات کتابخانه‌های اداری و سرای اداری پاییز ۱۳۶۶. که با توجه به موضوع و محتوای مقالات تنظیم و طبقه‌بندی شده است. در این فهرست مسحفات کتابخانه‌های ۵۶۵۷ عنوان مقاله از ۱۳۷ نشریه ارائه شده است. متأسفانه این فهرست فاقد مسحفات مقالات منتشر شده در برخی مجلات چون مجله ریاضی، باستان‌شناسی و تاریخ و نشریات است.

۶) مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتابخانه ۷۵ (فهرست کتب منتشره آذر ۱۳۶۹) تهران سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۷۰ ۱۵۱ ص فهرست راهما جدول، ۲۰۰ ریال.

در آذر ماه سال ۱۳۶۹، ۵۷۴ عنوان کتاب منتشر شده که ۳۰۱ عنوان آن چاپ اول بوده است. این مقدار نسبت به میزان کتابهای منتشر شده در ماههای پیش از آن (مثلاً شهریور و مهر) کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. در شهریور ماه ۱۳۶۹، ۹۱۱ عنوان کتاب با ۴۴۶ عنوان چاپ اول، و در مهر ماه همان سال ۷۴۱ عنوان با ۳۶۸ عنوان چاپ اول منتشر شده بود. کتابهای منتشر شده در آبان تقریباً برابر با کتابهای ماه آذر است. این سیر نزولی کم‌وبیش تاکنون بر ادامه داشته است.

۷) منزوی، احمد. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان ح ۱۲. اسلام‌آباد مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان ۱۳۷۰/۱۹۹۱ ۷۵۵+۱۲ ص [از ص ۱۶۳۵ تا ۲۳۹۰]. ۱۰۰ روپیه

## ● کتابداری و اطلاع‌رسانی

۸) برتو، بابک. ساختمان و تجهیزات کتابخانه شیراز دانشکده فنی الکترونیک. ۱۳۷۰ ک ۱۸۴ ص. نقشه نمودار، جدول  
ساحمان کتابخانه باید دارای ویژگیهای خاصی باشد که با اهداف آن (مثلاً دستیابی راحت و سریع به مراجعین و کتابخانه، اعطای دسترسی آن همگام با پیشرفت‌های تکنولوژی، و حفظ و نگهداری صحیح مواد و مدارک و غیره) هماهنگ باشد. نویسنده در این کتاب به بسیاری از این ویژگیها پرداخته و کوشیده است علاوه بر متنی درسی برای درس «ساحمان و تجهیزات کتابخانه» (برای دانشجویان دوره کارشناسی کتابداری) راهنمای مفیدی بر برای مهندسان معمار که در برنامه ریزیهای ساحمان کتابخانه‌ها مشارکت و فعالیت دارند فراهم آورد.

۹) گوپتا، آر. سی. (و) رانبرکشور (و) سی. بی. گوپتا. ترسیم و نگهداری اسناد و مواد کاغذی ترجمه عاصم‌علی عابدی استاد مشهد کتابخانه آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] (شماره ۱۴) ۱۴۷ ص مصور، جدول

کتاب حاضر درباره انواع لطماتی که ممکن است بر کتابها و اسناد مورد استفاده کتابخانه‌ها، آرشیوها، موزه‌ها، و مراکز اسناد وارد اند بحث کرده و شیوه‌های پیشگیری و مقابله با آنها را توضیح داده است. تأثیر آلودگی هوا، رطوبت، تاس مستقیم افتاب، آفات و حشرات ریان‌آور و چگونگی مقابله با این عوامل، بازسازی اسناد غتیقه، جلوگیری از خطرات انش‌سوری، صحافی، مریم انواع سح خطی و اسناد است. دیده از انش از جمله مطالب کتاب حاضر است.

## ● مجموعه‌ها

۱۰) بهنود، مسعود. حرف دیگر (مجموعه مقالات ۲) گردآورنده.

مرتضی فیاض [تهران] اربین کار ۱۳۷۰ ۲۴۸ ص ۱۷۰۰ ریال

غالب مقالات این مجموعه در دو سال اخیر نوشته شده و حرسه نای آنها، همگی قلاً در مجلات گوناگون ایران منتشر شده‌اند. مقالات این کتاب در چهار بخش مقالات سیاسی، وقایع سیاسی، تاریخ معاصر ایران و نقد تنظیم شده‌اند. این کتاب دومین مجموعه از مقالات مسعود بهنود است. مجموعه نخستین در سال ۱۳۶۸ با عنوان دو حرف منتشر شد.

۱۱) پوراحمد حکمتی، محمدتقی (و) سارا حدیدی فرد (و) احمد

قرمانزاده. رانزله گیلان به روایت مطبوعات. رشت. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان ۱۳۷۰ ۳۳۶ ص مصور ۱۸۰۰ ریال.

۱۲) حمیدی، سیدجعفر. وزیرکشان (مجموعه مقالات). تهران. مؤسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دانش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۶۰۹ ص مصور فهرست اعلام ۵۸۰۰ ریال

مجموعه ۲۵۵ مقاله است که در سالهای پیش در مجلاتی چون کنه‌های فرهنگی، صبح، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، رشت ادبی و غیره منتشر شده.

۱۳) دهاشی، علی (گردآوری). یادنامه پروین اعتصامی. تهران دیبای مادر ۱۳۷۰ ۵۹۰ ص. ۴۵۰۰ ریال

مهدی احوان نالت (با نیم صفحه مطلب)، محمدعلی اسلامی بدوس (با یک صفحه)، محمود اعتمادزاده، رضا براهی (با نیم صفحه)، ملک السعراي بهار، محمدحواد شریعت، دهخدا، لطفعلی صورنگر، احسان یارساتر، غلامحسین یوسفی از جمله نویسندگان مطالب این یادنامه هستند. ظاهراً برخی از مطالب این مجموعه برای تحسین بار است که در اینجا منتشر می‌شود. فردوسی، شاهنامه نام مجموعه دیگری است که هم امسال به اهتمام همین اهتمامگر منتشر شده است.

۱۴) طاووسی، محمود (به کوشش)، نامگانی استاد علی سامی. ح ۱ انتشارات نوید شیراز ۱۳۷۰ شانزده + ۵۱۰ ص مصور نقشه ۴۷۰۰ ریال

مجموعه حاضر به یاد خدمات دکتر علی سامی (۱۳۶۸-۱۳۸۹)، باستان‌شناس و محقق نامی ایرانی، تهیه و تدوین شده است. این مجموعه شامل ۲۳ مقاله در زمینه‌های باستان‌شناسی، فرهنگ، ادب، تاریخ و هنر ایران است. نام برخی از نویسندگان این مجموعه را می‌آوریم: رضا سعایی، ماهیار بوابی، افشار سیستانی، رفته بهزادی، پرویز خانفی، ایرج افسار، مهسدر میرفرجایی.

۱۵) قاسم‌زاده، محمد (و) سحر دریایی (ویراستاران). ناگه غروب کداسین ستاره (یادنامه مهدی اخوان ثالث-م امید). تهران انتشارات بزرگنهر ۱۳۷۰ ۷۲۲ ص ۴۸۵۰ ریال

مطالب این مجموعه در بخشهای مقالات، گفتگوها، خاطرات، احوایه، مرای و برگزیده اسرار تنظیم شده است. سمعی کدکی، شروع فرح‌راد، حلال ال‌احمد، عبدالحمین زرین‌کوب، رضا براهی، داریوس آشوری، هوسنگ گلگیری، سیمین بهنایی، صیاه موحد، علی باباچاهی، شمس لیگروزی، اسماعیل حونی، اسلام کاطیبه، غلامحسین یوسفی، نصر رحمانی، کریم امامی و حیلای دیگر نویسندگان مطالب دوباره چاپ شده این مجموعه هستند.

۱۶) مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی. در مکتب جمعه. ح ۷ تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۸۱ ص. فهرست راهما ۲۰۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل مجموعه خطبه‌های مبار جمعه تهران از هفته دوسم و یازدهم (۶۲/۵/۱۴) تا هفته دویسم و سی و چهارم (۶۲/۱۰/۲۳) است. ۱۷) میراث ماندگار ح ۱ مجموعه مصاحبه‌های سال اول و دوم کیهان فرهنگی ح ۲. مجموعه مصاحبه‌های سال سوم و چهارم کیهان فرهنگی تهران سازمان انتشارات کیهان. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ج ۲. ۱۸۶+۱۵۰ ص مصور. ۸۰۰۰ ریال.

افروند یک فهرست مفصل اعلام به این «میراث» بر سودمندی می‌افروند

۱۸) باتل خانلری، پرویز. هفتاد سخن. ج ۳. از گوشه و کنار ادبیات فارسی تهران. انتشارات توس. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۴۲۹ ص. ۲۵۰۰ ریال

کتاب حاضر مجموعه‌ای است از مقالات و سخنرانیهای سادروان در خانلری که غالباً در مجله سخن منتشر شده یا به مناسبتی به صورت سخنرانی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران یا جاهای دیگر ایراد شده است. مقالات

این مجموعه در دو بخش، یکی مربوط به سر و ادبیات معاصر و دیگری مربوط به آثار مهم و معتبر ادبی گذشته، است. خاطرات دکتر خالری دربارهٔ صادق هدایت، بزرگ علوی و محتوی میوی از حمله مطالب خواندنی کتاب است. ظاهراً این کتاب جلد چهارمی هم دارد که با عنوان سوره‌های نو در ادبیات جهان عن فریت منتشر خواهد شد. شعر و هنر، فرهنگ و اجتماع، عناوین دو مجلد بیسی این مجموعه (همگی از اسراراب نویسنده) است.

## ● استاد

۱۹) مرکز اسناد انقلاب اسلامی اسناد انقلاب اسلامی با مقدمه‌ای از سید محمد روحانی تهران معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۹ [توریع ۷۰]. ۶۰۰ ص ۱۷۰۰ ریال

این مجموعه شامل بیایه‌های صادر شده از سوی مقامات عالی‌تر حوزه‌های علمیه قم، تهران، مشهد و نجف اسراف از سال ۱۳۴۰ تا سروری انقلاب در سال ۱۳۵۷ است و در بردارندهٔ نظرات انان عظام اراکی، حکیم، ساهرودی، میلانی، کلایگانی، مرغسی نجفی، حواساری سیراری و حویی است و نمایانگر منازرات مراجع و علما با رژیم گذشته است.

۲۰) واحد نشر اسناد اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول ح ۲ تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۶۹ [توریع ۷۰] شایده + ۷۰۵ ص + نمونه اسناد لاتین [بدون صفحه شمارا] ۴۵۰۰ ریال

کتاب حاضر شامل ۱۷۷ فقره سند دربارهٔ معاهدات دو جانبه ایران با کشورهای امریکا، اریس، ایونی، اردن، اروگوئه، اسامیا و اسرائیل است. قدیمی ترین این اسناد مربوط به سال ۱۳۰۵ و جدیدترین آنها مربوط به سال ۱۳۵۷ است. موضوع معاهده، متن اصلی سند، تاریخ و نام امضا کنندگان معاهدات از جمله اطلاعاتی است که دربارهٔ هر سند ارائه شده است.

۲۱) اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، ج ۳ تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰ پانزده + ۷۳۳ ص نمونه سند ۴۵۰۰ ریال

این کتاب به ۲۷۱ فقره سند از معاهدات ایران با کشورهای حوز افغانستان، الحرایر، امارات متحدهٔ عربی، اندونزی، انگلستان، ایتالیا، ایرلند و ایسلند در دوران بهلوی اختصاص دارد.

۲۲) گزیده اسناد خلیج فارس ح ۲ تهران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی ۱۳۶۹ [توریع ۷۰] ۸۸۵ ص. نمونه سند ۴۵۰۰ ریال

۲۳) گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ج ۲ تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۹ [توریع ۷۰]. بیست و هشت + ۷۵۴ ص نقشه جدول نمونه سند، ۴۰۰۰ ریال

کتاب حاضر مستمل است بر ۲۱۰ سند تاریخی دربارهٔ مرزهای ایران و عثمانی، از سال ۱۲۷۱ تا ۱۳۱۳ قمری

## دین، عرفان، تصوف

۲۴) [آیه‌الله منتظری]. مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۲: امامت و رهبری، ترجمهٔ محمود صلواتی، قم، نشر تفکر ۱۳۶۹ [توریع ۷۰].

این مجلد ترجمهٔ باب چهارم و پنجم کتاب در اسات می ولایة العقیقه و معادلهٔ الاسلامیه است و به بررسی دو مسئلهٔ اساسی حکومت اسلامی، یعنی سراط و ویژگیهای رهبر جامعهٔ اسلامی (امام واجب‌الاطاعة) و چگونگی تعیین رهبر در حکومت اسلامی پرداخته است.

۲۵) احتشامی، خسرو، از مضارب تا محراب [تهران] انتشارات بهیسه، ۱۳۷۰، ۱۱۲ ص. مصور، نمونه سند ۷۰۰ ریال.

کتاب حاضر به بررسی زندگی، آثار و افکار میرزا جهانگیرخان قسماقی، از فلاسفهٔ صدرایی در عهد قاجار اختصاص دارد.

۲۶) سجادی، سیدجعفر لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، طهوری، ۱۳۷۰، پانزده + ۸۱۴ ص. ۶۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر فرهنگ الفبایی اصطلاحات گوناگون در زمینهٔ عرفان عملی و نظری و معبراب دوفی و اسراهی، و بیر مقامات و مراتب سالکان طریق و حامه و بوسن صوفیه و حالات و کردار و روابط صوفیه با یکدیگر و آداب ریاضت و وحدو سور و سطحات و مطالب دیگر است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۳۳۹ م. منسیر و با سال ۱۳۶۲ خ. در بار حات سد در حات حاضر بعداد اصطلاحات و حجم توضیحات نسبت به چاپهای پس دو برابر شده است.

۲۷) طباطبائی، سید محمدحسین، انسان، از اغار تا انجام، ترجمه و تعلیقات از صادق لاریجانی املی تهران انتشارات الزهرا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۷۳ ص فهرست اعلام ۱۶۰۰ ریال

کتاب حاضر مستمل بر سه رسالهٔ «الانسان قبل الدنیا»، «الانسان فی الدنیا»، و «الانسان بعد الدنیا» است. نویسنده در این رسائل مانند تفسیر المیزان به سبب «تفسیر قرآن با قرآن» و با احتصار و ایجاز بسیار به بررسی مسائل هر رساله پرداخته است. در رسالهٔ نخست اطوار غرض بر انسان، قبل از هبوط به دنا بررسی می‌شود، رسالهٔ دوم به بحثی در موقعیت انسان در طرف حیات دنیوی اختصاص دارد، و رسالهٔ سوم که بسیار مفصلتر از مجموع دو رسالهٔ دیگر است بحثی است دربارهٔ معاد و وضع انسان پس از حیات دنیا. مرحوم برای کمک به خواننده در درک بهتر مطالب کتاب، توضیحات و تعلیقاتی به متن افزوده و مراجع روایات و انان را که در متن اصلی نیامده مشخص ساخته و به تناسب عناوینی را برای هر بخش برگزیده است.

۲۸) مایل هروی، نجیب در شستان عرفان (مجموعهٔ رسائل فارسی از پیران ایران) تهران نشر گفتار ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۵۸ ص. مصور فهرستها ۳۲۰۰ ریال

نگارندهٔ کتاب کوشیده است با ارائهٔ بحث انتقادی دربارهٔ بعضی از مبون خانهای که ظاهراً تاکنون حر در شکل سح حطی به گونه‌ای دیگر مطرح بوده‌اند، اطلاعات تازه‌ای را در زمینهٔ نظام خانهای و خانهایان و انانسان در اختیار بگذارد. منافع سیب صیاء الدین ابو بکر حاتمی حویی، نجمه القمیر، رباعیات حواجه ابوالوفا حواررمی، رمور العاسمن، و سرح شعر حواجه حافظ عناوین این رسالات است.

۲۹) مدرسی، سید محمد تقی، بگرتنی بو بر اندیشهٔ اسلامی، ترجمهٔ حمیدرضا آژیر مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۰ ۴۵۶ ص ۱۷۵۰ ریال

۳۰) معروف الحسینی، هاشم، تصوف و تشیع، ترجمهٔ سید محمدصادق عارف مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۶۹ [توریع ۷۰] ۵۵۵ ص ۲۱۵۰ ریال.

نویسنده ابتدا به ذکر تاریخ ظهور تشیع و بیان اصول و بررسی سیر حوادث آن پرداخته و سپس سرحی در تاریخ تصوف و عرفان، و ریشه‌بانی و بعد از ریشیانی تعلیم آن از نظر معیارهای اسلامی ارائه کرده است. وی در نهایت کوشیده است با معایسهٔ افکار و عقاید و احوال صوفیان و آرای سبیه دربارهٔ مسائل دینی و حیاتی اسلام، ثابت کند که شکاف عظیمی میان تصوف و تشیع وجود دارد و تصوف مطلقاً رابیدهٔ تشیع یا معلول آن نیست. کتاب حاضر از روی متن عربی (بیروب، دارالعلم، ۱۹۷۹) ترجمه شده است.

۳۱) نقوی، سیدحسین عارف، تذکرهٔ علمای امامیهٔ پاکستان، ترجمهٔ محمد هاشم، ویراستهٔ سیدجعفر شریعتمداری مشهد، آستان قدس رضوی ۱۳۷۰، سی + ۵۰۵ ص فهرستها ۲۲۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل شرح احوال و آثار و ساعهٔ خدمات دینی ۴۶۳ نفر از علمای امامیهٔ پاکستان است. کتاب حاضر از روی متن اردو (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۴) ترجمه شده است.

## فلسفه

۳۲) پوپر، کارل رموند، منطق اکتشاف علمی، ترجمهٔ احمد آرام ویراستهٔ مهین محتاج، تهران، سروش ۱۳۷۰ ۵۰۸ ص فهرست نامها، واژه‌نامه، برم ۲۸۰۰ / زرکوب ۴۱۰۰ ریال.

متن اصلی (آلمانی) این کتاب در سال ۱۹۳۴ و ترجمهٔ انگلیسی آن در سال

حک اطلاعاتی رژیم اسرائیل در گوشه و کنار جهان سخن گفته. شرح مداخلات موساد در امور داخلی کشورهای جهان، شرکت موساد در بازار جهانی مواد معدنی و چگونگی تبدیل شدن این سازمان به غول غیرقابل کنترلی که حتی منافع رژیم صهیونیستی را فدای منافع خود کرده است از جمله مطالب کتاب است. این کتاب از روی متن انگلیسی ۱۹۹۰ به فارسی برگردانده شده است.

۳۸) تافلر، الوین: تغییر ماهیت قدرت. ترجمه حسن بورانی بیدخت (و) شاهرخ بهار ویراسته سیدحسین امیرشاهی با مقدمه محمدجواد لاریجانی تهران. مرکز ترجمه و نشر کتاب ۱۳۷۰ ۷۰۴ ص. ۳۲۰۰ ریال.

به دنبال استقبال سیاسی حواری ایرانی از کتابهای الوین تافلر، باید منتظر ترجمه‌های مکرر دیگری از آثار این نویسنده باشیم کتاب حاضر که اصل انگلیسی آن در سال ۱۹۹۰ منتشر شده برای بار دوم است که به فارسی برگردانده می‌شود. ترجمه دیگر این کتاب با عنوان حاکمیتی در قدرت از شهید حبیب حواری (بخش. ارشتر نو) بوده است موج سوم و وره‌های آینده نام دو کتاب دیگر این نویسنده است که با ترجمه شهید حبیب حواری به فارسی منتشر شده است

۳۹) دانشجویان مسلمان پیرو خط امام. ایران در بند «بخش دوم» روابط خارجی. ج ۷ تهران مرکز نشر اسناد لایه جاسوسی آمریکا ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ده + ۳۸۴ ص. جدول. فهرست راهما

کتاب حاضر مستمل است بر ۴۲ سند که غالباً به حبه‌های نظامی سیاست جهانی آمریکا در قبال ایران، گزارشهایی در زمینه هدایت روابط با ایران، گزارشهای سفارت و کنسولگریهای آمریکا در ایران و موضوعات مدیتر و رار حارحه آمریکا برای گزارشگری و تحلیل سیاسی و مسائل مربوط به دانشجویان ایران در آمریکا اختصاص دارد

۴۰) روروالون، بی‌یر (و) دیگران بهران مارکسیسم (به انضمام چند مقاله درباره پرسترویکا). ترجمه و شرح مصطفی رحیمی ویراسته سعید یونسی. تهران. سروش. ۱۳۷۰. ۲۹۳ ص. ۱۰۰۰ ریال

طاهر ترجمه فارسی این کتاب، که از روی متن فرانس (۱۹۷۹) آن صورت گرفته، چند سالی در انتظار کاعد و بوت چاپ بوده است معهدا مطالب کتاب، خصوصاً که با شرح و بحثهای مترجم آن بیر همراه است، هور قابل استفاده و سودمند است

۴۱) طلوعی، محمود، ترس از انگلیس. تهران. انتشارات هفته. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]: ۳۳۴ ص ۱۲۵۰ ریال

۴۲) علوی، مصطفی. شرکت‌های چند ملیتی و [توسعه] جهان سوم. تهران. بی‌نا. ۱۳۷۰ ۳۵۰ ص فهرست اعلام جدول. نمودار. ۱۴۰۰ ریال

۴۳) نعیمی، سیدمحمدکاظم. دیوارها فرو می‌ریزد: مسأله آلمان و بازتاب آن در دیپلماسی عمومی. تهران. نشر البرز ۱۳۷۰ ۱۹۶ ص نقشه ۱۰۰۰ ریال.

نویسنده با بررسی مدماتی تاریخ دیپلماسی عمومی آلمان از سال ۱۸۷۱ به بعد، یعنی سال تشکیل امپراتوری واحد آلمان، بحث خود را آغاز کرده است وی پس از روشن ساختن پیشینه سیاسی آلمان به عوامل علت و معلولی مربوط به حوادث جاری دو آلمان قبل از متحدشدن آنها پرداخته و بحث خود را تا اصلاحات اخیر در شوروی ادامه داده است به اعتقاد وی مسئله آلمان فقط به خود آلمانیها و حوی سلطه طلب آنها مربوط نمی‌شود، بلکه سیاستهای اشتباه آمیر رمامداران شرق و غرب و همچنین عوامل زئو پولتیک از جمله علل عمده این حدایی بوده‌اند

## اقتصاد و مدیریت

۴۴) افشاری، زهرا. اقتصاد کشورهای با برنامه‌ریزی متمرکز تهران. دانشگاه الزهرا (س). ۱۳۶۹. [توزیع ۷۰]: ۲۷۶ ص. جدول. نمودار. ۱۸۰۰ ریال.

۴۵) بروف، آبان روکس. نظریه‌های توسعه نیافتگی. ترجمه علی

۱۹۶۵ منتشر شده کتاب حاضر از روی متن انگلیسی به فارسی برگردانده شده است. جامعه بارودشمنان آن عنوان کتاب دیگری از کارل پوپر است که اخیراً جلد چهارم و آخر آن به ترجمه عرب الله فولادوند منتشر شد (تهران. حواری، ۱۳۶۹)

۳۳) دورانت، ویل، لدات فلسفه. ترجمه عباس زریاب ویراسته هرمز همایون‌پور. تهران. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ج ۵ (چاپ اول از ویراسته دوم) ۵۱۹ ص. واژه‌نامه نمایه ۳۵۰۰ ریال.

نویسنده فلسفه را به عنوان بحثی مدرسی (اسکولاستیکی) که به مسائل تخصصی و معاهیمی به دور از منافع و اجتماع اسان اختصاص دارد، بلکه در مقام بحثی وابسته به اسان و راهگسای معضلات روحی و اخلاقی اودر جهان معاصر مطرح ساخته و ضرورت انشایی و اساط با آن را نمایان ساخته است. منطق، شناخت، ماتریالیسم، اخلاق، ربایی سیاسی، تاریخ و تمدن، فلسفه سیاسی، و دین و ایمان از جمله مباحث این کتاب است از این کتاب می‌توان به عنوان مدخل مناسبی برای مطالعه فلسفه استفاده کرد کتاب حاضر از روی چاپ دوم متن انگلیسی (۱۹۵۳) ترجمه شده است

۳۴) زرین کوب، عبدالحسین در قلمرو وجدان (سیری در عقاید ادیان و اساطیر). تهران. انتشارات علمی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۶۱۱ ص فهرست راهما ۵۰۰۰ ریال

چنانکه مؤلف خود در مقدمه کتاب آورده، این کتاب به تاریخ جامع ادیان است و به مروری بر تمام فرهنگ دینی اسان، بلکه جستجویی است در آنچه حیات دینی و زندگی درونی اسان به فکر و وجدان مدیون است. از اساطیر و مراسم تا عقاید و ادیان، از اخلاق و حکمت تا تصوف و عرفان هر آنچه در حور دات یا در خط سیر تحول و کمال خویش به گوبه‌ای با حکم وجدان آدمی ارتباط دارد و در مسیر این جستجو واقع بوده، مورد بحث قرار گرفته است

۳۵) کاپلستون، فردریک. تاریخ فلسفه. ج ۸: از بنیام تاراسل. ترجمه بهاءالدین خرمشاهی ویراسته اسماعیل سعادت. تهران. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی (و) انتشارات سروش. ۱۳۷۰. ۶۴۷ ص. واژه‌نامه فهرست راهما. زرکوب ۳۷۵۰ / نرم ۲۶۵۰ ریال

مجلد حاضر به شرح و سطر برخی از حبه‌های اندیشه فلسفی انگلیسی و امریکایی قرن ۱۹ و قسمتی از قرن ۲۰ اختصاص دارد «اصالت تجربه انگلیسی»، «بهنیت ایدئالیسم در بریتانیا»، «ایدئالیسم در آمریکا»، «بهنیت براگماتیسم»، «طعیان در برابر ایدئالیسم» عنوان فصلهای این کتاب است

۳۶) نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. درآمدی به فلسفه. تهران. کتابخانه طهوری. ۱۳۷۰. ۲۶۱ ص. فهرستهای راهما. ۱۳۰۰ ریال.

## سیاست

۳۷) استروفسکی، ویکتور. راه نیرنگ. ترجمه محسن اشرفی تهران. انتشارات اطلاعات. ۱۳۷۰. ۴۷۵ ص. نمودار. جدول. نقشه. ۷۰۰ ریال.

ویکتور استروفسکی از مریان رژیم اسرائیل برای تربیت مأموران اطلاعاتی و از مأموران عالی رتبه سازمان حاسوسی موساد بوده. اودر این کتاب به شرح خاطرات خود از سالهای خدمتش در موساد پرداخته و اردوده



طرح‌های تحقیقاتی اجرا کند در این کتاب طبق نظم منطقی از موضوعاتی چون تدوین طرح تحقیق، عملیات اکتشافی، ساختن برنامه پرسشگری و برآز معیارهای مبنی گردآوری داده‌ها و پردازش و تحلیل داده‌ها بحث شده است. (۵۴) لهستانی زاده، عبدالعلی، تحولات اجتماعی در روستاهای ایران. شیراز: انتشارات نوید ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۲۲ ص. جدول. ۱۷۵۰ ریال. کتاب حاضر به بررسی تحولات اجتماعی در روستاهای ایران اختصاص دارد. نویسنده چگونگی این تحولات را، براساس تحلیل ساخت طبقاتی در حوامع پیرامونی و در پیوند با ساخت داخلی و نظام خارجی و شرایط تاریخی، از آغار اصلاحات ارضی تا انقلاب اسلامی بررسی و ریشه‌یابی کرده است. به اعتقاد وی روستاهای ایران جزئی از یک کل اجتماعی هستند و مشکلات آنها حل نمی‌شود مگر با شناخت چگونگی پیدایش و نفا و توسعه آنها، که همگی از موضوعات مورد بحث در این کتاب هستند.

(۵۵) کورر، لیو بیس. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ج ۲. ۶۲۷ ص. مصور. ۲۶۰۰ ریال.

(۵۶) مک براید، ش (ویراستار). یک جهان، چندین صدا (ارتباطات در جامعه امروز و فردا). ترجمه ایرج باد. تهران: سروش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ص ۲۷۰. ۸۰۰ ریال

در این کتاب کوشش شده است تا تمامی مسائل مربوط به ارتباطات بررسی شود و در پی تجربه و تحلیل و طبقه‌بندی لازم، اصول اساسی طرح و تنظیم سیاستهای ارتباطی ملی و بین‌المللی در عرصه ارتباطات ارائه گردد. این کتاب خلاصه‌ای است از متن گزارشی که به توصیه سازمان یونسکو و با همکاری دبیر کارکنان برجسته مسائل ارتباطی تهیه شده است. (۵۷) سسیت، جان (و) پاتریشیا ابردین تکاپری ۲۰۰۰. ترجمه صهبا سعیدی. تهران: ناشر. مترجم (بخش از نشر نو) ۱۳۷۰ دو + ۵۲۴ ص. ۲۸۰۰ ریال

نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند تحولات و گرایشهای سیاسی و اقتصادی جهان را در دهسال آینده براساس داده‌ها و اطلاعات عینی و مستند پیش‌بینی کنند. ظاهراً این نویسندگان که آثارشان، علی‌رغم روربالیستی بودن، از مقبولیت بسیار زیادی در میان تحصیل‌کردگان آمریکا و اروپا برخوردار است، دهسال پیش بر کتاب دیگری در همین مایه و مضمون منتشر کرده بودند. برخی از تحولاتی را که به اعتقاد نویسندگان این کتاب ردیگی اساس را در دهه آینده تحت تأثیر قرار خواهد داد می‌آوریم. شکوفایی اقتصاد جهان، رسانس در هر، ظهور سوسیالیسم باراد آزاد، دهه رهبری ریان، عصر ریست‌شناسی، تحدید حیات مذهب و این کتاب از روی متن انگلیسی چاپ ۱۹۹۰ ترجمه شده است

## روان‌شناسی

(۵۸) احدی، حسن (و) نیکچهر محسنی، روانشناسی رشد (مفاهیم بنیادی در روانشناسی نوجوانی و جوانی). تهران: چاپ و نشر بیا ۱۳۷۰. ۲۴۸ ص. ۱۵۰۰ ریال.

(۵۹) آیسک، هاس ج کاربردهای بجا و نابجای روانشناسی ترجمه جعفر نجفی زند (و) حسن پاشا شریفی تهران: ناشر مترجمان (مرکز بخش: نشر معاصر) ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۲۷ ص. مصور. جدول. واژه‌نامه. ۱۶۰۰ ریال

(۶۰) قاسم‌زاده، حبیب‌الله. رفتار درمانی (ریمینه، دورما، مسائل). تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران ۱۳۷۰ ۱۹۳ ص. مصور ۹۰۰ ریال

(۶۱) کورمن، ابراهام ک روانشناسی صنعتی و سازمانی ترجمه حسین شکرکن. تهران: انتشارات رشد. ۱۳۷۰. خ + ۶۶۸ ص. جدول. نمودار. فهرست راهنما. ۳۵۰۰ ریال.

کاربرد و بسط و گسترش اصول روانشناسی در مسائلی که اسان در تحلیوت

هاشمی گیلانی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (و) نشر سفیر. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۵۳ ص. جدول ۹۰۰ ریال. (۴۶) پاسکاله، ریچارد تنر (و) آنتونی جی اتوس هنر مدیریت ژاپی. ترجمه مهرداد غروی. تهران: اداره روابط عمومی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۸۵ ص. نمودار. (۴۷) لانگه، اسکار. آشنایی با اقتصادسجی. ترجمه محمدحسین طوفانی‌نژاد. تهران: مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۷۰ شش + ۳۰۲ ص. نمودار. جدول. واژه‌نامه. ۱۶۰۰ ریال (۴۸) نصیرزاده، غلامرضا پیرامون خصوصی کردن شرکتهای دولتی تهران: کمال علم. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۶۳ ص. واژه‌نامه

## جامعه‌شناسی

(۴۹) انصاری، عبدالمعبود. ایرانیان مهاجر در ایالات متحده (پژوهشی در حاشیه‌شنی دوگانه). ترجمه ابوالقاسم سری تهران: نشر آگه. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۹۱ ص. جدول. ۱۲۰۰ ریال.

مؤلف کتاب، که خود ایرانی است، به بررسی موقعیت ایرانیانی پرداخته که بیشتر در فاصله سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۸، با حرفه‌ها و تخصصهای گوناگون به آمریکا مهاجرت کرده‌اند او وضع ردیگی ایرانیان را از جهات گوناگون و براساس نظریه «حاشیه‌شنی دوگانه» مطالعه کرده است. براساس این نظریه مهاجرینی که به دیاری بیگانه می‌روند، بر اثر تضاد یا اختلاف فرهنگها و میر مردد بودن در مارگشتن به وطن، ناچارند همواره در حاشیه جامعه میزبان روزگار بگذرانند. بحث در باره رفتار و اخلاقیات ایرانیان و همچنین چگونگی مناسبات آنها با یکدیگر در آمریکا از جمله مباحث حوادی کتاب است

(۵۰) توسلی، غلام عباس نظریه‌های جامعه‌شناسی تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها [است]. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۴۸۱ ص. واژه‌نامه. ۱۷۰۰ ریال.

(۵۱) شین - پائو - یانگ. راه و رسم پژوهش در روستا. ترجمه علیرضا آیت‌اللهی (و) بهناز نیک‌فرجام. شیراز: انتشارات نوید. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۰۵ ص. نمودار. جدول. ۸۰۰ ریال.

کتاب حاضر راهمایی است برای استفاده کارگزاران دولتی و افرادی که دارای مسئولیتهای سازماندهی و اجرای انواع و اقسام بررسیهای روستایی هستند و با کاربرد و روشهای علوم اجتماعی ناآشنا می‌باشد. بحث درباره اهمیت بررسیهای اجتماعی، توصیف روشهای جمع‌آوری اطلاعات، فهرست موضوعاتی که باید مورد پژوهش قرار گیرد، و بالاخره ارائه نمونه‌های مناسبی از برخی از پژوهشها در نقاط گوناگون جهان، برخی از مطالب کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

(۵۲) طلوعی، محمود. زن بر سریر قدرت تهران: انتشارات اسپرک. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۴۰۰ ص. مصور. ۱۸۰۰ ریال.

(۵۳) کیوی، ریمن (و) لوك وان کامبهود. روش تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه عبدالحسین بیک‌گهر. تهران: فرهنگ معاصر ۱۳۷۰ ۲۷۵ ص. نمودار. جدول. ۱۴۵۰ ریال.

هدف کتاب حاضر کمک به افرادی است که قصد دارند مهارتهایی در کار پژوهش اجتماعی کسب کنند، مثلاً تر یا پایان‌نامه تحصیلی تهیه کنند یا

بویسده ابتدا به ارائه تعاریف گوناگون موجود از حرم‌شناسی و موضوع این مبحث پرداخته و سپس به تفصیل درباره روشهای جرم‌شناسی و بر نظریه‌های کلان حرم‌شناسی بحث کرده است. مطرح ساختن مکتبهای گوناگون حقوقی و بررسی انتقادی نظریه‌های این مکتبها در هر يك از سه مبحث فوق‌الذکر و نیز گنجینه‌های این کتاب درسی و دانشگاهی است.

## زبان و زبان‌شناسی

(۷۰) کرون، روبرت. *زبان انگلیسی و قواعد ساختار جمله*. ترجمه علی‌اکبر جعفرزاده تهران. رهما. ۱۳۷۰ ج ۳۱۰ + ص. ۱۴۵۰ ریال. این کتاب ترجمه‌ای است از کتاب *English Sentence Structure* معروف به ESS که به‌عنوان واحد عمومی زبان پایه در دانشگاههای کشور تدریس می‌شود. مترجم هیچ‌یک از تمرینات کتاب را حل نکرده و توضیحاتی اضافه بر توضیحات مختصر کتاب اصلی نیاورده است. معلوم نیست ترجمه چنین کتابی هر تمل ساختن ده دانشجویان و دورتر ساختن آنها از حلال ساده انگلیسی کتاب، چه حاصیب دیگری دارد؟

(۷۱) مشکور، محمدجواد. *تاریخ مختصر زبانهای سامی*. ترجمه و اضافات از یوسف فضائی تهران. انتشارات شرق. ۱۳۷۰. ۱۴۶ ص جدول ۸۰۰ ریال

در سال ۱۳۵۷ کتاب *فرهنگ تطبیقی عربی با زبانهای سامی و ایرانی* اثر دکتر محمد حواد مشکور توسط انتشارات سیاد فرهنگ ایران در دو مجلد منتشر شد. دکتر مشکور مقاله بلندی به عربی و با عنوان «المختصر فی تاریخ اللغات السامیه» در ابتدای این کتاب نگاشته بود که به تاریخ تکون و تحول زبانهای سامی (بابلی، آشوری، فنیقی، کنعانی، عبری، آرامی، سریانی، سبطی، تدمری، عربی و حسنی و لهجه‌های آنها) اختصاص داشت. کتاب حاضر ترجمه فارسی همان مقاله است با اضافات و توضیحات مترجم

## واژه‌نامه و فرهنگ

(۷۲) آکسفورد. *فرهنگ پایه انگلیسی-فارسی* آکسفورد. ترجمه محمود نورمحمدی. تهران. انتشارات راهنا. ۱۳۶۹. ۵۶۴ ص. مصور ۳۰۰۰ ریال.

این فرهنگ ترجمه‌ای است از *Oxford Elementary Learner's Dictionary*

(۷۳) بهزادی، بهزاد. *فرهنگ آذربایجانی-فارسی*. تهران. انتشارات دنیا. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۱۴۴ ص. ۸۰۰۰ ریال.

(۷۴) صفی‌زاده، صدیق (پوره که‌یی). *فرهنگ ماد (کردی به فارسی)*. ج ۲: «ب». تهران. ناشر: مؤلف [بخش از. مؤسسه انتشارات عطایی]. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۰۸ ص. مصور.

در این فرهنگ، که در صورت تکمیل شدن از کاملترین فرهنگهای کردی - فارسی خواهد بود، لغات کردی به خط کردی و همراه با آوانگاری لاتین و تصاویر واضح برای بعضی ارمدهاها ارائه شده است. از آنجا که انتشار حلد اول این فرهنگ به سالها پیش نامی گردد (طاهر ۶ سال پیش) بد بود مقدمه‌ای در باب خط و املا کلمات کردی و نیز اختصارات و اجرای کلام در زبان کردی به این کتاب افزوده شود.

(۷۵) طباطبایی، محمد. *واژه‌نامه‌ی نجوم و احکام نجوم* (فارسی - انگلیسی: انگلیسی - فارسی). تهران. انتشارات فرهنگان. ۱۳۷۰. ص ۱۲۸ + ۱۱۵ ص. ۳۱۰۰ ریال.

کتاب حاضر حاصل کار یکی از ریاضت‌پژوگان و متخصصان فرهنگنویسی دوزبانه در ایران است که متأسفانه دو سال پس از مرگ ناگهانی وی منتشر شده است. دکتر محمد طباطبایی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، که آثار زیادی در زمینه فرهنگ‌نویسی از وی به چاپ رسیده (دک. مجله زبان‌شناسی، سال شش، شماره یک، ص ۱۳)، در این کتاب پس از ارائه توضیحات مفصلی درباره منابع

و صناعت با آنها دست نه‌گریبان است. موضوع روانشناسی صنعتی و سازمانی را تشکیل می‌دهد. هدف این کتاب معرفی دقیق این شاخه تازه روانشناسی است. نام مترجم روی حلد به نادرست حسین شکرشکی نوشته شده است. (۶۲) مینگ. ت. تسوانگ. *اسکیزوفرنی*. ترجمه مهشید یاسایی. تهران. نشر مرکز. ۱۳۷۰. ج ۲. ۱۵۲ ص. ۵۵۰ ریال.

اسکیزوفرنی چیست، تعداد مبتلایان به آن در کل جمعیت چقدر است، چرا انسان به این بیماری مبتلا می‌شود، نقش انتقال ژنها، محیط و طبقه اجتماعی در ابتلای به این بیماری چیست، درمانهای ممکن کدامند، وظایف خانواده‌ها در قبال این بیماران چیست، دورنمای این بیماری چگونه است و... ارجحله سؤالاتی است که در این کتاب به آنها پرداخته شده است. ارجحله فصلهای خواندنی این کتاب مقدمه‌ای است که یک بیمار بهبود یافته در باره ۸ سال دوران روان‌پریشی‌اش نوشته و افکار و توهانش را به دقت بیان داشته است. لازم به تذکر است که چاپ نخست این کتاب با عنوان *شیروفرنی* منتشر شده بود که اینک با تلفظ صحیحتر اسکیزوفرنی ارائه شده است.

## آموزش و پرورش

(۶۳) شرفی، محمدرضا. *آسیب‌شناسی کودکان مناطق زلزله‌زده* تهران. انتشارات تربیت. ۱۳۷۰. ۴۰ ص. ۲۰۰ ریال.

مجموعه حاضر تلاشی است برای معرفی ویژگیهای دانش‌آموزان آسیب دیده از زلزله و جلوگیری آموزش به آنها

(۶۴) شل کراس، دوریس جی. *آموزش رفتار خلاق و استعدادهای درخشان در دانش‌آموزان*. ترجمه مجتبی جوادیان. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۶۳ ص. مصور. جدول. واژه‌نامه. ۹۸۰ ریال.

(۶۵) قناد کافی، حسین (و) ابوالفضل غنایی. *راهنمای آموزش کودکان استثنایی (عقب‌مانده ذهنی) ویژه اولیاء و مربیان در دوره آمادگی*. مشهد. آستان قدس رضوی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۷۱ ص. مصور ۳۸۰ ریال. (۶۶) لفرانکوئیس، گای آر. *روان‌شناسی برای آموزش*. ترجمه منیجه شهنی بیلاق. تهران. انتشارات رشد. ۱۳۷۰. ۵۱۷ ص. مصور. نمودار. جدول. واژه‌نامه. ۲۹۰۰ ریال.

## حقوق و قوانین

(۶۷) جعفری لنگرودی، محمد جعفر. *مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام*. تهران. گنج دانش. ۱۳۷۰. ۲۸۰ ص. فهرستها. ۳۰۰۰ ریال.

تحقیقی است درباره مبانی مکتبهای حقوقی مختلف فقهی اسلام در طی ۱۲ قرن. نویسنده ابتدا به تعریف حق و قانون و اقسام آنها و بر برخی از اصطلاحات حقوق اسلامی پرداخته، و سپس مابقی و مفردات ۲۸ مکتب حقوقی اسلام را شرح داده است. مکتب شکاکان، اجماع، ظاهریه، الفاظ، جبر و اختیار، عقلیون، و تشریع ارجحله مطالبی است که درباره آنها در این کتاب توضیح داده شده است.

(۶۸) شیخ الاسلامی، سید اسعد. *احوال شخصیه*. ج ۱: ازدواج و پایان آن در مذاهب چهارگانه اهل سنت. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰. هشت + ۲۶۴ ص. ۱۵۰۰ ریال.

نویسنده بر اساس آرای فقهای مذاهب اهل سنت و با ارائه دلایل نقلی و عقلی احکام، به بررسی مسئله ازدواج و پایان آن (جدایی) پرداخته است. مطالب کتاب در دو بخش ارائه شده است. بخش اول شامل مسائل مربوط به ازدواج و آثار و مقدمات آن و نیز انشای عقد و ارکان و شروط آن است. و بخش دوم در بردارنده مسائل مربوط به پایان ازدواج و بیان انواع جدایی و وعده و مسائل دیگری است که بر اثر خاتمه زناشویی بین زن و شوهر به‌وجود می‌آید. (۶۹) گسن، ریوموند. *مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی*. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران. ناشر: مترجم. ۱۳۷۰. هشت + ۲۰۲ ص. ۱۲۰۰ ریال.

۸۴) [باشونگ، استوارت سی.]. علوم رادیولوژی برای تکنولوژیستها. ترجمه اشرف احمدیان. تهران. دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. یازده + ۳۲۱ ص. مصور. جدول. نمودار. ۱۷۰۰ ریال.

۸۵) [پارسون، س. ر.]. مبانی بیوشیمی انسانی. ترجمه مهدی نصرت آبادی با مقدمه ناصر ملک نیا. یزد. انتشارات یزد. ۱۳۷۰. ۵۴۴ ص. مصور. نمودار. واژه نامه فهرست راهنما. ۳۰۰۰ ریال.

۸۶) چوپرا، دیپک شفای کوانتومی (کاوشی در مرزهای پزشکی ذهن/بدن). ترجمه هایده قلعه بیگی. تهران. ناشر: مترجم. ۱۳۷۰. ۱۶۰۰ ریال.

۸۷) سادلر، توماس وی. رویان شناسی پزشکی لانگمن. ترجمه مسلم بهادری (و) عباس شکور. تهران انتشارات چهر. ۱۳۷۰. ۵۱۲ ص. مصور. واژه نامه فهرست راهنما. ۵۹۰۰ ریال.

۸۸) طالاری، صرعلی. انگل شناسی تهران ناشر: مؤلف. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۱۵ ص. مصور. ۱۴۰۰ ریال.

۸۹) مدنی، احمد. مراقبتهای ویژه نوزادان شیراز انتشارات نوید. ۱۳۶۹. ۳۷۵ ص. مصور. جدول. ۱۷۵۰ ریال.

۹۰) نفیسی، ابوتراب. خواص خوردنیها و آشامیدنیها (طی قرون و اعصار در بین ملل مختلف جهان). اصفهان. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ی + ۳۳۸ ص.

۹۱) هارتلند، جان. هیپنوتیزم در پزشکی و دندان پزشکی. تجدید نظر دیوید واکسمن. ترجمه سید رضا جمالیان. تهران اسپرک. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۱۳ ص.

## کشاورزی

۹۲) [هانتز، ورنر]. راهنمای آزمایشات صحرایی در گیاه پزشکی. ترجمه بیژن حاتمى. اصفهان. انتشارات ارکان. ۱۳۷۰. ۲۳۲ ص. مصور. جدول. ۱۵۰۰ ریال.

۹۳) ذوقی، اسماعیل. تحقیقاتی درباره بروسوز تهران. وزارت کشاورزی - سازمان تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ب + ۲۸۵ ص. جدول. نمودار. ۱۴۰۰ ریال.

۹۴) مجنونیان، هنریک. درختان و محیط زیست. تهران. انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۵۸۳ ص. مصور. جدول. نمودار. ۱۵۰۰ ریال.

۹۵) هار، ر. فیزیولوژی گیاهی. ج ۲: رشد و نمو. ترجمه مهلقا قربانلی. تهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. هفت + ۲۶۷ ص. مصور. جدول. نمودار. واژه نامه. ۱۵۰۰ ریال.

## فن شناسی و صنعت

۹۶) آپوت، ایراح (و) آلبرت ا. دانهوف. فرضیه مقاطع بال. ترجمه حمید کاشانیان. تهران. مرکز بخش: انتشارات جزیل. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۲۸۱ ص. جدول. نمودار. مصور. ۳۳۰۰ ریال.

۹۷) اصائلو، مرتضی. مهندسی حفاری. تهران. دانشگاه آزاد اسلامی - واحد جنوب تهران. ۱۳۷۰. ۴۳۶ ص. مصور. نمودار. جدول. واژه نامه. ۲۵۰۰ ریال.

۹۸) بجلی، پیتروچ. روشهای ساختاری در اکتشاف مواد معدنی. ترجمه حسن مدنی. ویراسته رضا رضایی ساووی. تهران. مرکز انتشارات صنعت فولاد - وابسته به وزارت معادن و فلزات. ۱۳۷۰. دوازده + ۲۶۰ ص. مصور. جدول. نمودار. ۱۵۰۰ ریال.

۹۹) توحیدی، ناصر. تولید چدن و فولاد از آهن اسفنجی. [اهواز]. مجتمع فولاد اهواز. با همکاری سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (تهران). ۱۳۶۹. چهارده + ۸۲۲ ص. مصور. جدول. نمودار. فهرستها. ۷۵۰۰ ریال.

اصطلاحات محومی در زبانهای فارسی و انگلیسی (شامل بحث درباره واژه های دخیل و بیرواژه های حاصل از انواع ترجمه های دقیق دخیل، آراد دخیل، معنی دخیل و واژه سازی دخیل در این دوریان). اطلاعات رمانشاحتی ارزشمندی را درباره چگونگی تحول این واژه ها در زبان انگلیسی در اختیار گذاشته است. این فرهنگ شامل اصطلاحات محوم، احکام محوم و بیرو اصطلاحات دیربط از رشته هایی نظیر ریاضی، فیزیک، مکانیک، نیمی و غیره است. مشخص ساختن رشته تخصصی غالب اصطلاحات، آوردن حالت اضافه اسماء لاتینی، استفاده صحیح از علائم اختصاری و سجاویدی، ارجحله ویژگیهای این فرهنگ است مطالعه این فرهنگ برای کلیه کسانی که دسب اندرکار فرهنگ نویسی هستند بسیار سودمند خواهد بود.

۷۶) کریمی، ذبیح الله. فرهنگ لغات فسی هواپیمایی (انگلیسی به فارسی). [تهران]. ناشر: مؤلف. ۱۳۶۹. ۳۳۷ ص. مصور. جدول. ۱۶۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل لغات و اصطلاحات فسی هواپیمایی همراه با تعاریف و معادلای فارسی و تصاویر گویاگون است.

## علوم

۷۷) پلامر، دیوید توماس. مقدمه ای بر بیوشیمی کاربردی. ترجمه اسماعیل علمی آخونی تهران. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۰ شانزده + ۴۱۶ ص. مصور. جدول. نمودار. فهرست راهنما. ۲۲۵۰ ریال.

۷۸) ریاضی، برهان. منطقه حفاظت شده سیاه کشیم: اکوسیستمی ویژه از تالاب انزلی. [تهران]. سازمان حفاظت محیط زیست. ۱۳۷۰. ۱۰۲ ص. مصور. جدول. ۲۵۰ ریال.

موقعیت حمرافیایی سیاه کشیم، وجه تسمیه آن، بررسیهای هواشناسی و اقلیمی این منطقه، معرفی رودخانه هایی که به این تالاب می ریزد و پوشش گیاهی و جانوران این منطقه از جمله مطالب این کتاب است.

۷۹) فروزانفرد، محمد. شناخت زمین لرزه. تهران. انتشارات سعدی. ۱۳۷۰. ۶۳ ص. مصور. نقشه. نمودار. ۵۰۰ ریال.

۸۰) گونت، سمونل د. (و) کارل دوپور. آنالیز عددی مقدماتی (به شیوه الگوریتمی). ترجمه سراج الدین کاتبی. ویراسته محمد هادی شفیعیها تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰. پنج + ۵۵۴ ص. واژه نامه. جدول. ۲۸۰۰ ریال.

۸۱) گاتفرید، بایرون اس. کتاب جامع برنامه نویسی پاسکال. ترجمه امیر اسعد انزانی. ج ۱. تهران. جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران. ۱۳۷۰. ۳۳۶ ص. مصور. جدول. واژه نامه. ۲۴۰۰ ریال.

۸۲) مسترتون، ویلیام ل. (و) امیل ج. اسلاوینسکی. شیمی عمومی. ترجمه منصور کیانپور راد. ویراسته علی پورجوادی (و) فروغ فرجود. ج ۱. تهران. مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰. چهار + ۳۰۰ ص. مصور. نمودار. واژه نامه. ۳۲۰۰ ریال.

## پزشکی

۸۳) احمدی، جمشید. هیجان احساس و ارتباط غیرکلامی. شیراز. دانشگاه علوم پزشکی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۳۰ ص. مصور. واژه نامه.

سیر تکاملی تولید آهن و فولاد در ایران و جهان و برمودیامیک مهندسی  
متالورژی (۲ ح)، ارحم‌الله دیگر آثار این نویسنده است  
(۱۰۰) حسینیان، سید مرتضی اصول طراحی تصفیه‌خانه‌های فاضلاب  
شهری و پساب صنعتی [تهران]: انتشارات شهراب، ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]  
د + ۵۱۷ ص. جدول. نمودار. مصور. ۲۵۰۰ ریال.  
(۱۰۱) هالک، مبنی حمل و نقل. ترجمه محمدرضا حسامی. بی‌جا ناشر.  
مترجم. (تهیه شده در دفتر معاونت حمل و نقل ترافیک). بی‌تا [توزیع ۷۰].  
۳۵۵ ص. جدول. ۱۲۰۰ ریال

## ورزش

(۱۰۲) لانگمیر، اریک. کوهنوردی و هنر سرپرستی ترجمه سید حواد  
صالحی شیراز. انتشارات راهگشا، ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۵۰۸ ص. مصور.  
نمودار. جدول

## هنر و معماری

### ● سینما و عکاسی

(۱۰۳) امینی، احمد تاریکیهای نورانی (برگزیده مقالات و نقدهای  
سینمایی ۱۳۶۸-۱۳۵۸). تهران. انتشارات روشنگران. ۱۳۷۰. ۳۰۰ ص.  
۱۶۰۰ ریال  
(۱۰۴) رحیمیان، بهزاد اکسپرسیونیسم آلمان و پیشگامان سینما  
تهران. فیلمخانه ملی ایران - با همکاری دفتر پژوهشهای فرهنگی. ۱۳۷۰  
۱۷۰ ص مصور فهرستها ۱۵۰۰ ریال.

### ● خط و نقاشی

(۱۰۵) آبه‌نگاری جزء سی‌ام قرآن مجید به خط ثلث علی اکبر  
اسماعیلی قوجانی. تهران. انتشارات محراب قلم - با همکاری سازمان  
چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰].  
۱۰۱ ص نمونه خط ۵۷۰۰ ریال.  
این کتاب بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده و کیفیت تصاویر (نمونه خطهای)  
آن بسیار خوب و واضح است علی‌اکبر اسماعیلی قوجانی همان خطاطی  
است که در سال ۱۳۴۳ شروع به کتاب برگزین قرآن عالم کرد طول هر  
ورق این قرآن، که حدود ۳۰۰ صفحه آن کتاب شده، دومتر و عرض آن یک‌متر  
و سی سانت است.

(۱۰۶) عالی‌افندی، مصطفی. مناقب هروران. ترجمه و تحشیه توفیق  
هم‌سجانی. تهران سروش ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۵۹ ص نمونه خط  
فهرست اعلام ۱۲۰۰ ریال

مصطفی عالی‌افندی (۱۳۰۸-۱۳۸۱ هـ) از مورخان و ساعران عثمانی  
است کتاب حاضر به شرح حال هرمدان خطاط عثمانی و ایران اختصاص  
دارد

(۱۰۷) کریم‌زاده‌تیریری، محمدعلی احوال و آثار نقاشان قدیم ایران؛ و  
برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی ج ۳. لندن [انتشارات مستوفی].  
۱۳۷۰ [۱۹۹۱]. ۵۶۶ ص [از ص ۱۰۳۱ تا ۱۵۹۷] فهرستها. مصور.

کتاب حاضر جلد سوم از مجموعه‌ای است که به شرح احوال و سبک و  
آرریایی آثار نگارگران قدیم ایران (عالم نگارگران عهد قاجار و پیش از آن)  
اختصاص دارد در این سه مجلد ۱۱۱۴ نگارگر به ترتیب حروف الفبایی  
اسم اسیر امان یاد شده است لقب «نگارگر» در این مجموعه، علاوه بر  
نقاشان، به هرمدانی چون فلمدان ساران، محلدان، فرشاهان، دررفت‌دوران،  
کاشی‌کاران، مس‌سازان، حکاکان، نگین‌براشان، طلاسازان و در مواردی  
معماران، گچ‌بران و میاسازان و تشعیرکاران. بر اطلاق می‌شود جلد اول  
این مجموعه با ۷۲۸ مدخل (از الف تا ی) در سال ۱۳۶۳ منتشر شد (رک مدو  
معرفی حبیب معروف، سر دانش، سال ۹، شماره ۶، ۱۳۶۸ ص ۲۴، جلد دوم

برگزیده آثار و مقالات  
ای ته‌بیت از بیه‌بیت  
شرح جمال از زوینت روی  
انفاس از لب‌بسته لطیف  
از خضر و نوبت‌کنای  
چندین بیت از بیه‌بیت

آن نیز با ۳۸۵ مدخل (الف تا گ) در سال ۱۳۶۹ انتشار یافت در جلد سوم  
احوال و آثار نگارگرانی که مؤلف به تازگی اطلاعاتی از آنها به دست آورده درج  
شده است

### ● موسیقی

(۱۰۸) دهلوی حسین (و) دیگران کتاب ماهور مجموعه مقالات  
موسیقی ج ۱ تهران مؤسسه فرهنگی ماهور ۱۳۷۰. ۱۳۴ ص. ۱۴۰۰  
ریال

شمارهٔ نخست از مجموعه‌ای است که با مشارکت عده‌ای اهل فن و  
اصطلاح در بارهٔ موسیقی منتشر شده است «بررسی دورهٔ کارشناسی موسیقی  
دانشگاه»، حسین علم‌زاده، حسین دهلوی، مصطفی پورتراب / «ترانه سرایی  
در ایران»، علی محمدرسیدی / «بررسی وضعیت فعلی موسیقی در ایران و آراء  
چند پیشنهاد»، کامیاب روسی روان / «موسیقی تعریه»، محمدرضا درویشی  
عنوان برخی از مقالات این مجموعه است.

### ● معماری و گرافیک

(۱۰۹) خلیلی، نادر. تنها دویدن از کویر ایران تا کره ماه تهران. ناشر

مؤلف. ۱۳۷۰. ۳۲۶ ص. مصور ۱۷۰۰ ریال

بویسنده کتاب که متکرر حاشیه‌های سرامیکی (گل‌تافت) است در این کتاب درباره تجارت، خاطرات و نظرات بحث کرده است. ظاهراً این کتاب نخستین بار به زبان انگلیسی در آمریکا و کانادا منتشر شده است.

۱۱۰) سورنسن، رابرت جیمز. معماری برای معلولان ترجمه فرح حبیب (ز) رامایض تهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰. ۲۲۰ ص. مصور جدول نمودار. ۱۵۰۰ ریال

۱۱۱) کوواناما، یاسابورو. علائم تجاری و نمادها ترجمه مقصود نامدار. تهران. کارگاه هنری تا [توریع ۱۳۷۰] ج ۲ ۳۶۶ ص. مصور ۱۷۰۰ ریال.

۱۱۲) کیانی، محمدیوسف (به کوشش) شهرهای ایران. ج ۴ تهران جهاد دانشگاهی. ۱۳۷۰. ۴۵۰ ص. مصور جدول نقشه نمودار ۴۰۰۰ ریال.

کتاب حاضر جلد چهارم از مجموعه‌ای ۶ جلدی است که شامل اطلاعات گوناگون درباره شهرهای تاریخی ایران است. این مجلد نیز مانند مجلدهای پیشین شامل مقالاتی است که عنوان و نام نویسندگان برخی از آنها را می‌آوریم: «شهرسازی و شهرنمایی در ایران»، پرویز درخاوند/ «شهرهای ماربدران»، ناصر بورورزاده/ «شهر سلطانی»، علی اصغر صرافتاج/ «نمود شهرهای ایران در هند»، مهرداد سکوهی/ «نهران معاصر به روایت تصویر»، سیمون ایواریان از مؤلف (به اشاعی و لفرایم کلاسی) پس از این مجموعه ۳ جلدی دیگری نیز با عنوان فهرست کار و اسرارهای ایران (سارمان میراب فرهنگ، ج ۱، ۱۳۶۲، ج ۲، ۱۳۶۸) منتشر شده است.

۱۱۳) رمرشیدی، حسین. احزابی ساختمان با مصالح سنتی. تهران دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش ۱۳۶۸ [توزیع ۱۷۰۰] ۴۸۸ ص. مصور جدول نمودار ۳۵۰۰ ریال

علت تأخیر در توزیع این کتاب ظاهراً اسکاکی بوده که در سمت گذاری از پیش آمده بود از بویسنده این کتاب پس از این آثار دیگری نیز در زمینه معماری سنی و اسلامی منتشر شده که گره حسنی در معماری اسلامی و شهرهای سنتی (مرکز نشر دانشگاهی)، کاسی کاری ایران (انتشارات کیهان، ج ۳) از آن جمله است.

## متون کهن

۱۱۴) بیرونی، ابوریحان. کتاب الصیدیه فی الطب تصحیح عباس رریاب تهران مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۰. شصت + ۸۰۸ ص. فهرستهای راهما فهرست لغات ۸۰۰۰ ریال

کتاب عربی الصیدیه فرهنگی است الفبایی درباره داروهای گوناگون. همراه با نام هر دارو به زبانهای مختلف (عربی، یونانی، سریانی، هندی و برخی دیگر از زبانهای آسیای مرکزی و حبشی)، و توضیحی درباره نام عربی داروها و صورتهای گوناگون و مرادفات آنها و نمونه‌های بسیاری از اسعار عربی که نام داروها در آنها آمده است. در این کتاب همچنین به شکل و بو و کیفیات دیگر داروها و مبدأ و حقیقت آنها و تعلیقاتی که داروسازان در داروهای مختلف می‌کنند و نیز به بدل یا حاسبین داروها و گاهی هم خواص درمانی آنها اشاراتی شده است. تنها نسخه عربی به دست آمده از این اثر دارای تاریخ کتابت ۶۷۸ هجری است که در مقایسه با ترجمه فارسی آن، که ظاهراً کامل است، ۱۸٪ افتادگی دارد. کتاب حاضر را می‌توان کاملترین و صحیح‌ترین نمونه صحیح سده عربی این کتاب دانست. بحث درباره نسخه‌های گوناگون عربی فارسی این کتاب و تفاوت‌های آنها مابین، ارائه دلایلی دال بر راه یافتن اضافاتی به نسخه‌های ترجمه فارسی این اثر، تعیین افتادگیهای نسخه اصلی، معرفی زبانهای عربی و ترجمه‌های روسی و فارسی و آلمانی آن و غیره از جمله اطلاعات ارزشمندی است که در مقدمه مفصل مصحح می‌خوانیم. مصحح بر اصرار افتاده از نسخه اصلی عربی را با مواضع مطابق آن در ترجمه فارسی بر

کرده است. فهرستهای راهنمای مفصل (در ۱۵۹ صفحه)، خصوصاً «فهرست نامهای علمی گیاهان و حیوان و کانیها»، و «فهرست لغات یونانی»، از جمله ویژگیهای این کتاب است. از کتاب الصیدیه دو ترجمه درست است: ترجمه فارسی از ابونکرین علی بن عثمان کاسانی (که با هست و تصحیح موحهر ستوده و ایرج افشار و توسط شرکت هست، در سال ۱۳۵۸ در دو مجلد منتشر شد) و ترجمه روسی از او ای کرهوف (ناشنکند، ۱۹۷۳). مقدمه کتاب را هم ماکس مایرهورف در ۱۹۳۲ به آلمانی ترجمه کرده است. کتاب حاضر با حاشیه و کاعده صحافی عالی و حرفه‌ای و صفحه‌آرایی و ارجاعی مناسب با حسن موبی عرضه شده است.

۱۱۵) ریدری بسوی، شهاب‌الدین محمد خردی. مثنی‌المصنوع به تصحیح و توضیح امیرحسین بردگردی تهران نشر وراستار. ۱۳۷۰. ج ۲ ز + هشتاد و شش + ۷۶۲ + ۷۹ ص. فهرستهای راهما ۶۰۰۰ ریال

بویسنده کتاب، رمسیان حلال‌الدین حواری، مساهم بوده که در همه سفرهای وی، از آغاز قسطنطنیه تا مودن و سیدنی (به سال ۶۲۸ ق) با وی همراه بوده و در کتابهای شرح آن سرگردانیها را نوشته است. از وی دو کتاب سیره حلال‌الدین مکتوبی به عربی (ترجمه به فارسی از محمدعلی ناصح) و مثنی‌المصنوع بر حاشیه‌های مابده است. مثنی‌المصنوع (اصطلاحاً به معنای «درد دل») از شاهکارهای بدیع نثر مقصوع و مرسه مساهنه فارسی در نیمه اول قرن هفتم است. مصحح در تصحیح این کتاب از روش التفاضلی و مقابله به نسخه خطی و یک چاپ سنگی سود برده است. او نام گویدگان و مساهن نقل تمام اشعار و آیات و احادیث و احوال و عبارات و جمله‌های عربی و همچنین ترجمه فارسی آنها را، که در متن اصلی نیامده، در بخش «حواسی و تعلیقات» مفصلی که به کتاب افزوده (در ۲۲۰ صفحه) آورده است. این کتاب همچنین دارای فرهنگ لغات و تعبیرات (در ۲۴۰ ص) و فهرستهای مفصل و گوناگون (در ۸۲ صفحه) است. دو مقاله از علامه محمد فروسی و محسنی میبوی در اسنادی کتاب و مقاله‌ای نیز از خود مصحح در انتهای کتاب آمده است که شامل توضیحات مفصلی درباره مؤلف، سبک کار و اهمیت این کتاب است. از جمله علامه فروسی در مقاله خود درباره هویت بویسنده کتاب و اسباب یکی بودن این بویسنده و مولف سیره حلال‌الدین مکتوبی مطالب حالب توجهی را آورده است. لازم به توضیح است که تنها ۱۲۵ صفحه از این کتاب حاوی متن مثنی‌المصنوع است و باقی به حواشی و تعلیقات مصحح اختصاص دارد.

۱۱۶) [غزالی، احمد]. مجموعه آثار فارسی احمد غزالی. به اهتمام احمد مجاهد تهران. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۰. ج ۲ (با اضافات) هشت + ۲۱۹ + ۵۷۰ ص. فهرستها مصور ۲۸۰۰ ریال

احمد غزالی از اکابر عرفای قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری قمری و برادر کوچکتر امام محمد غزالی است. مطالب کتاب با مقدمه‌ای مفصل (در ۲۱۹ صفحه) درباره زندگی و آثار احمد غزالی آغاز شده که در آن به سفرها، شاگردان، مدافعان و مخالفان، کرامات، حمال برستی و شاهد بازی و مرثله غزالی برد سلاطین سلجوقی پرداخته شده است. متن اصلی کتاب شامل پس از یک مقاله و دو بخش از آثار احمد غزالی است. اهتمامگر در ابتدای هر یک از این رسالات و بحسبها به اختصار مطالبی را درباره موضوع و سببها با سبب موحود از آنها آورده است. بحر الحقیقه، رساله الطیور، سوانح، عیبه، نامه‌ها، وصیت (بند) نامه‌ها، مقاله روح، و نیز آراء و اشعار که در کتابهای دیگران از احمد غزالی نقل شده اما در آثار خود وی دیده نشده، عناوین ناری است که از او در این کتاب آمده است.

۱۱۷) قطب‌الدین شیرازی، محمودبن مسعود. ذرة التاج به اهتمام ماهدحت نانوهیمی تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰۰] پنجاه و شش + ۳۶۹ ص. نمونه نسخه. فهرست اعلام. ۲۲۵۰ ریال.

قطب‌الدین شیرازی (۷۱۰-۶۳۴ ق) معروف به علامه از علمای بزرگ قرن هفتم است که آثار بسیاری به عربی و فارسی دارد. کتاب حاضر بخشی است از کتاب فارسی ذرة التاج لقره الدناح که دایره المعارفی است درباره تمامی علوم عملی و ادبی و ریاضی و دینی زمان قطب‌الدین «حکمت عملی» و «سیر و

سلوك» عناوین بحث‌هایی از درة التاج هستند که در این کتاب می‌خوانیم. مصحح در مقدمه خود شرح مفصلی دربارهٔ خاندان، سفرها، آثار و عقاید قطب‌الدین و همعصران وی و میر مهرست کامل کتاب درة التاج و مهرست نسخه‌های موجود از این کتاب (۲۲ نسخه) را در اختیار گذاشته است. نسخهٔ اساس مصحح مربوط به زمان حیات مؤلف (با تاریخ کتابت ۷۰۵ق) است معنی کردن لغات، و توضیحاتی دربارهٔ تعبیرات مشکل عربی و فارسی و آیات و اشخاصی که در کتاب بدانها اشاره شده از جمله دیگر اهتمامهای مصحح است.

## ادبیات

### ● نظم و نثر کهن ایرانی

(۱۱۸) بهزادی اندوهجری، حسین. تذکرهٔ شاعران کرمان تهران. انتشارات هیرمند. ۱۳۷۰. پانزده + ۵۶۶ص. ۵۴۰۰ ریال.

کتاب حاضر شامل شرح حال و آثار و نمونهٔ اشعار ۴۱۰ تن از شاعران قدیمی و معاصر کرمانی است که به ترتیب حروف الفبای نام کوچک شاعران تنظیم شده است.

(۱۱۹) خطیب رهبر، خلیل. داستانهای کوتاه از مثنویهای جلال‌الدین محمد مولوی (با معنی و اژه‌ها و شرح بیت‌های دشوار و امثال و حکم و برخی از نکته‌های دستوری ادبی). تهران. گلستان کتاب. ۱۳۷۰. ۱۲۲ص. ۷۲۰ ریال.

(۱۲۰) ——— داستانهای کوتاه منظوم تهران. مهتاب. ۱۳۷۰. ۵۰۱ص. فهرست آیات و اخبار و احادیث. ۴۲۰۰ ریال

این کتاب گزیده‌ای است از داستانهای کوتاه و منظوم و حکمت‌آموز از شاعرانی چون سانی، بطائی، عطار، مولوی، سعدی و حامی و معنی و اژه‌های عربی و شرح ابیات دشوار و امثال و حکم و آیات قرآنی در این کتاب در سه در ریز قطعهٔ مربوط به خود آمده، و از این جهت کار رجوع به ارجاعات بسیار راحت و سریع صورت می‌گیرد.

(۱۲۱) [خواجوی کرمانی] غزلیات خواجوی کرمانی. به کوشش حمید مظهری. کرمان. انتشارات خدمات فرهنگی کرمان. ۱۳۷۰. ۴۶۹ص. کشف اللغات و کشف الالباب. ۲۵۰۰ ریال

غرلیات این کتاب از سه دیوان حصاریات، سمریات، و شوفیات وی گردآوری شده است.

(۱۲۲) [صحاب اصفهانی]. دیوان صحاب اصفهانی. به کوشش احمد کریمی. [تهران]. سلسله نشریات ما. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۳۰ص. ۲۰۰۰ ریال

میرزا سیدمحمد سبحان (ملقب به صحاب اصفهانی)، پسر هانف اصفهانی، و دارندهٔ منصب محتشدالشعرا (پس از مقام ملک‌الشعرا) در دربار فتح‌الملک قاجار بود. سبحان قصیده را مانند بسیاری از شعراي عهد نازگست به شیوهٔ شاعران قرن ۶ و ۷ عرل را به سک عرلسرایان فرهای ۷ و ۸ق می‌سروید. (۱۲۳) [سعدی]. سیم دل مسکین (صد و یک غزل از سعدی شیرازی). به اهتمام سترک مانوکیان رم. مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۷۰. ۱۹۹۱. ۵۲+۲۶۴ص.

مؤلف کتاب ایتالیایی است و این کتاب بخشی از رسالهٔ فارغ التحصیلی وی در دانشکدهٔ زبانهای شرقی دانشگاه ویر (۱۹۹۰) است. خلاصه و متخی از نظرانی در بارهٔ سعدی و شعر او در متون قدیم و جدید فارسی، صد و یک عرل از سعدی و ترجمهٔ ایتالیایی آنها، فهرست الفبایی مطلع عرلها، و فشرده و خلاصه‌ای از بررسیهای زبانشناسی و معنانشناسی و موضوع‌شناسی که در مورد این هزار بیت صورت گرفته. مطالب کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

(۱۲۴) [مولانا حلال‌الدین محمد بلخی رومی]. رباعیات مولانا به تصحیح محمد ولدجللی با مقدمهٔ محمد امین ریاحی. قم. نشر خرم. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. شانزده + ۴۱۵ص. ۲۸۰۰ ریال.

چنانکه در صفحهٔ عنوان کتاب می‌خوانیم، محمد ولدجللی، مصحح کتاب، از نوادگان مولانا و از مشایخ حانف‌های مولویه بوده و ظاهر این کتاب از روی

چاپ قدیمی دیگری (اسلامبول، ۱۳۱۲) عکس برداری شده است. بدین ناشر توضیح مختصری دربارهٔ چلیبی و شیوهٔ کار او می‌داد. مقدمه‌ای هم که دکتر محمد امین ریاحی بر کتاب افزوده شده به ارتباط چندان با چلیبی و نه رباعیات مولانا دارد این مقدمه خود بخشی از مقدمه‌ای است که دکتر ریاح بر نسخهٔ مصحح خود از کتاب برههٔ المحاسن جمال‌الدین خلیل شروانی نوشت است. ۴

(۱۲۵) نسیمی، سیدعمادالدین. خورشید دریند. به کوشش محمدر مرعشی. تهران. کتاب نمونه. بی تا [توزیع ۱۳۷۰]. ۴۱۵ص. ۲۷۰۰ ریال. سید عمادالدین نسیمی (مقتول ۸۲۰ق)، از بزرگان حبش هر و فیه و یکم از حاشیای فصل الله نسیمی (مقتول ۷۹۶ق) بود دیوان حاضر شامل اشعار (بیشتر غرلیات) نسیمی است و بر اساس نسخه‌ای که در آذربایجان شوروی تصحیح و مقابلهٔ رفوسر حمید محمدراده چاپ شده تهیه شده است. کتاب شامل لغت‌نامه، و ترجمهٔ آیات و ابیات عربی است. نسیمی به آدری بیرشه می‌سروید و عده‌ای او را آغارگر دورهٔ کلاسیک ادبیات آدری می‌داند.

### ● دربارهٔ ادبیات ایران

(۱۲۶) براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران (از عصر صفویه تا عصر حاضر). ترجمهٔ بهرام مقدادی. تحشیه و تعلیق از ضیاءالدین سجادی (و عبدالحسین نوانی تهران. مروارید. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. د + ۵۴۵ص. مصور. نمونهٔ سند. فهرست راهنما. ۴۲۵۰ ریال.

ادوارد براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶) کتاب تاریخ ادبیات ایران را در چهار جلد نگاشته است. جلد اول این کتاب از زمان ماستان تا زمان فردوسی، و جلد دوم از زمان فردوسی تا سعدی را در بردارد. این دو جلد را سالها پیش علی‌با، صالح به فارسی ترجمه کرد. جلد سوم در بردارندهٔ تاریخ ادبیات ایران از زمان سعدی تا حامی است که این جلد را نیز مرحوم علی اصغر حکمت به فارسی ترجمه کرده است. جلد حاضر، جلد نایابی این مجموعه است که از دورا حامی (صفویه) تا حدود ۱۹۲۳ را در بر دارد. سالها پیش بحسبایی از این کتاب، ترجمه و منتشر شده بود، اما ترجمهٔ حاضر به تنها کامل است بلکه تعلیقات حواشی بسیاری بر دارد که نکات مهم کتاب یا استنباطات مؤلف را رفع کر است.

(۱۲۷) حریری، ناصر (به کوشش) دربارهٔ هنر و ادبیات (گفت و شنود با نصرت رحمانی، محمدعلی سپانلو محمدحسین شهریار) بابا کتابسرای بابل. ۱۳۶۹ [توزیع ۱۷۰] ۱۵۲ص. ۶۴۰ ریال. (۱۲۸) درودیان، ولی‌الله. در جستجوی سرچشمه‌های الهام شاعران تهران. نشر چشمه. ۱۲۴ص. ۶۵۰ ریال.

نویسنده در جستجوی سرچشمه‌های الهام شاعران و معانی و مضامین هماسد در شعر آنان است و این مضامین مشترک را به سه دستهٔ کلی تقسیم کر است. مصومنی که ساعر از شاعران و متفکران کهن گرفته، آنچه از همعصر خود گرفته، و آنچه در شعر شاعر شرقی و عربی مسترکاً وجود دارد وی سه نادیدی تطبیقی به ارائهٔ مثالهایی از این سه مورد در شعر شاعرانی چون پرو اعتصامی، دهخدا، شهریار، م امید، خالری و ادیب الممالک همراهی برداشته است. کتاب حاضر یادآور کتاب دیگری است با همین موضوع مضامین مشترک در شعر فارسی، اثر احمد گلچین معانی، تهران، نازنگ، ۱۳۶۹. ولی‌الله درودیان کتاب تحقیقی دیگری با عنوان دهخدا شاعر (امیرکب ۱۳۶۲)، و یک دفتر شعر با عنوان تلخستان (۱۳۵۸) منتشر شده است. (۱۲۹) رحیمی، رضا بدون مقدمه؛ در نقد و تفسیر ادبیات معاصر تهران. ماهور. ۱۳۷۰. ۲۷۱ص. ۱۸۰۰ ریال.

کتاب حاضر که با مقدمه‌ای از هانیال الحاص آغاز شده شامل برخی معدهای ادبی رحیمی بر آثاری است چون زمین سوخته احمد محمود، کلیه دولت آبادی، چشمهایش بررگ علوی، آتش از آتش جمال میرصادقی برخی از اشعار بهایوسنج.

(۱۳۰) شمیسا، سیروس. بیان. تهران. فردوس (و) مجید. ۳۷۰. ۲۷۹ص. ۱۴۰۰ ریال.

[توزیع ۷۰] ۲۶۴ ص. ۱۳۰۰ ریال.  
 (۱۴۴) سجادی، محمدعلی. *داغستان و راز سرخمرگی* (یک تمثیل بلند).  
 تهران. اوجا. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۰۸ ص. ۶۰۰ ریال.

### ● داستان و شعر خارجی

(۱۴۵) تولستوی، لئون. *مرگ ایوان ایلیچ*. ترجمه لاله بهنام. [تهران].  
 نشر دانا. ۱۳۷۰. ۹۹ ص. ۸۰۰ ریال

این داستان که از جمله برجسته‌ترین آثار تولستوی است، یک بار دیگر نیز در مجموعه‌ای از آثار تولستوی با عنوان *پس از مجلس رقص به فارسی* ترجمه و منتشر شده است (ترجمه گامایون، مسکو، پروگرس، بی‌تا).

(۱۴۶) دونروال، ژرار. *سیلوی*. ترجمه میرجلال‌الدین کزازی. تهران.  
 نشر مرکز. ۱۳۷۰. ۹۴ ص.

داستانی است از ژرار دونروال (۱۸۵۵-۱۸۰۸)، نویسنده رؤیاپردار فرانسوی مترجم در مقدمه‌ای که بر کتاب نوشته دربارهٔ ردگی و سبک کار این نویسنده توضیحاتی داده است

(۱۴۷) رنولت، ماری. *پسری ایرانی*. ترجمه ابوالقاسم حالت. تهران.  
 انتشارات ققنوس. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۶۵۱ ص. نقشه. ۴۵۰۰ ریال.

داستانی تاریخی است دربارهٔ اسکندر و جنگ وی با داریوش سوم و فتح ایران. نویسنده ادعا کرده داستانش با استناد به مآخذ معتبر و دست‌آورد تاریخی نگاشته شده است.

(۱۴۸) سینکیویچ، هنریک. *هوسهای امپراتور*. ترجمه و اقتباس بهرام افراسیابی تهران. سخن. ۱۳۷۰. ۵۸۰ ص + تصاویر [بدون صفحه‌شمار].  
 ۴۰۰۰ ریال.

۱۴۹. کافکا، فرانز. *محاکمه*. ترجمه امیرجلال‌الدین اعلم. تهران.  
 کتاب‌سرا. ۱۳۷۰. ۳۴۲ ص. ۴۵۰۰ ریال.

داستانی است از نویسنده معروف چک (۱۸۸۳-۱۹۲۴) کتاب حاضر دارای مؤخره یا پسگفتاری است از ماکس رود، دوست و وصی و ویراستار آثار کافکا آخرین وصیت کافکا مبنی بر سوزاندن آثارش و دلایل ورود برای انجام دادن چنین عملی از جمله مطالب خواندنی این پسگفتار است

(۱۵۰) گستر، اریش. *مردم شیدا*. ترجمه منوچهر صادق خانجانی.  
 تهران ایرانشهر. ۱۳۷۰. ۴۵۰ ریال.

(۱۵۱) مارکز، گابریل گارسیا. *تلخکامی برای سه خوابگرد و داستانهای دیگر* ترجمه کاوه باسمنجی. تهران. روشنگران. ۱۳۷۰. ۲۵۳ ص. ۱۴۰۰ نسخه.

این مجموعه شامل ۱۸ داستان است که طاهر آریاده‌ای آن را برای نخستین بار است که به فارسی ترجمه و منتشر می‌شود

(۱۵۲) مایاکوفسکی، ولادیمیر. *ابرشلوارپوش*. ترجمه م. کاشیگر.  
 شیراز شیوا. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۶۷ ص. ۴۵۰ ریال.

شعر بلندی است از ولادیمیر مایاکوفسکی (۱۸۹۳-۱۹۳۰) شاعر بلندآوازهٔ روس و از پیشگامان شعر نو نواریست روسی کتاب دارای مقدمهٔ ربایایی است دربارهٔ علت و چگونگی سروده شدن این شعر

(۱۵۳) مک‌گرو، الویز جازویز فرعون. *ترجمه ابوالقاسم حالت* تهران.  
 ناشر: مترجم. ۱۳۷۰. ۵۸۱ ص. ۴۵۰۰ ریال.

داستانی است تاریخی دربارهٔ مصر و سلسلهٔ هخامنشیان  
 (۱۵۴) ویدال، گور. *یولیوس*. ج ۱. مترجم و صلیب. ج ۲. ایران سرزمین مقدس ترجمه فریدون مجلسی اصفهان. جی نشر سپاهان. ۱۳۶۹. [توزیع ۷۰]. ۸۳۰ ص. ۷۰۰۰ ریال.

داستانی است تاریخی دربارهٔ یولیوس، امپراتور هلیست روم در قرن چهارم میلادی، که در سن ۳۲ سالگی در جنگ با شاپور دوم، پادشاه ایران، کشته شد آمریش نام کتاب دیگری است از همین نویسنده که هم اسمال

منتشر شده است (ترجمه مهدی سمسار، اصفهان، حی‌شیر)  
 (۱۵۵) هستون، جیمز آکاواک. *ترجمه منوچهر صادق خانجانی*. تهران.  
 نشر ایران‌شهر. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۱۱ ص. مصور. ۶۵۰ ریال.

(۱۳۱) محیط طباطبایی، محمد. *خیامی یا خیام*. تهران. ققنوس. ۱۳۷۰.  
 ۲۳۰۰ ریال.

(۱۳۲) نوروزی، جهانبخش. *عروض آسان و قافیه و شعر نو شیراز*  
 نوید. ۱۳۷۰. ۱۴۱ ص. ۷۵۰ ریال

(۱۳۳) نوری، نظام‌الدین. *بارقهٔ شمس درآینه*. ساری. بی‌تا. بی‌تا.  
 ۲۱۰ ص. مصور. ۹۰۰ ریال.

### ● شعر معاصر ایران

(۱۳۴) دبیرسیاقی، سیدمحمد. *رگ رگی از آب شیرین و آب شور*  
 تهران. زن (۲). بی‌تا [توزیع ۷۰]. ۱۱۲ ص. ۹۰۰ ریال.

بخش اول کتاب شامل اشعاری است که شاعر از سال ۱۳۲۰ تا سالهای اخیر سروده است بخش دوم کتاب شامل قطعات شری از عیدراکامی است که شاعر آنها را به نظم درآورده است

(۱۳۵) کیانوش، محمود. *باغ ستاره‌ها*. تصاویر از زهرهٔ بریرخ. تهران.  
 کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. ۱۳۷۰. ۱۶۸ ص. مصور. ۳۸۰ ریال.

دفتر شعری است از یکی از پیشاهنگان شعر کودک در ایران طاهر آریاده‌ای این مجموعه از اشعار قدیمی کیانوش است که او خود در سال ۱۳۶۸ در می مسافرتی به ایران آنها را برای تحدید چاپ در اختیار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گذاشته است

(۱۳۶) نصیری سوادکوهی، فتوت. *سیمای عمر تهران*. مروی.  
 ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۴۳ ص. ۶۰۰ ریال.

(۱۳۷) [یوشیج، نیما] *گزیدهٔ اشعار نیما یوشیج*. با مقدمه و انتخاب  
 یدالله جلالی پدیری تهران. انتشارات مروارید. ۱۳۷۰. ۳۳۹ ص. ۱۷۵۰ ریال.

ردیگنامهٔ نیما (به فلم جلالی پدیری)، دومفاله از حلال آل احمد دربارهٔ نیما و بخشهایی از کتاب بدعتها و بدایع نیما یوشیج از مهدی احوان‌مالت، ویر نقل قولهایی از نویسندگان و شاعران ایرانی دربارهٔ ارزش و ابعاد گوناگون کار نیما یوشیج، مطالب مقدمانی این کتاب را تشکیل می‌دهد پیکرهٔ کتاب شامل ۵۵ قطعه شعر از آثار نیماست

### ● داستان ایرانی

(۱۳۸) آذر، امیرهوشنگ. *گردنهٔ بندهای آس و پاس* (زمان سیاسی).  
 بی‌جا. ناشر. نویسنده ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۳۰۰ ص. ۱۵۰۰ ریال.

(۱۳۹) اسعدی، محمود. *واگوبه* (مجموعهٔ داستان). تهران انتشارات  
 کیهان. ۱۳۷۰. ۸۳ ص. ۳۰۰ ریال

(۱۴۰) ایرانی، ناصر. *راز جنگل سبز*. نقاشی از ایرج خانبابا پور. تهران  
 دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۱۳۷۰. ۱۱۴ ص.

(۱۴۱) بی‌نیاز، فتح‌الله. *دردناک‌ترین داستان عالم* تهران. نشر توسعه.  
 ۱۳۷۰. ۵۱۷ ص. ۷۸۵ ریال.

(۱۴۲) روانی‌پور، منیر. *افسانه‌ها و باورهای خوب* (مجموعهٔ متل).  
 تهران. نشر نجوا. ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]. ۱۵۲ ص. ۶۰۰ ریال.

(۱۴۳) ساعدی، غلامحسین. *غریبه در شهر*. تهران اسپرک. ۱۳۶۹

معاس فرار و نشمهای این وضع در شرایط گوناگون سیاسی اجتماعی  
طریق ارائه ارقام و امار مربوط به تجارت خارجی ایران در آن زمان از حد  
اطلاعاتی است که کتاب در اختیار خوانندگان خود می‌گذارد این کتاب ترجمه  
رساله‌ای است که دانشگاه فلوریدا در سال ۱۹۶۵ منتشر کرده است

۱۶۰) جمال‌الدین محمد بن واصل تاریخ ایوبیان ترجمه پرویز اتایی  
ویراسته مرتضی کاخی تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب  
اسلامی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۳۹۰ ص فهرست راهما ۲۲۰۰ ریال

کتاب حاضر ترجمه‌ای است از محمد چهارم کتاب مفرح الخروب فی احب  
بنی ابوب ابر جمال‌الدین محمد بن واصل (مؤلف ۶۰۴ ق) بگا، بده کتاب  
خود شاهد محسی از تاریخ برماجرای ایوبیان بوده در این کتاب سیر  
مسائل ایران و حمله مغول و درگیرهای آن زمان در ایران پرداخته است  
۱۶۱) محرابی، معین‌الدین کلمه‌الله هی‌العلیا (احمر فصل‌الله نعمی  
حروفی) بابویی انقلابی و گم‌شده از قرن نهم کل (المان) شرویس  
۱۳۷۰ (۱۹۹۱) ۱۳۳ ص فهرست

نویسنده ابتدا محضراً به شرح احوال و آراء و عقاید فصل‌الله نعمی  
پرداخته و سپس مقایسه عقاید خرویان با فرم‌طیان و سرداران، در این باره تا  
بفکر حروفی در واقع اسعانی از بفکر سعه است بحث کرده است وی سپس  
حسن خرویان را پس از مقتول شدن نعمی دنبال کرده و واکنشهای آنان را،  
که فرین با درگیری داخلی به دنبال مرگ سبور بود، بررسی کرده است  
بررسی رندنی کلمه‌الله هی‌العلیا، رفاه خرویان که به پیروی وی صوت  
گرفت و سر مسئول شدن وی (۸۴۵) موضوع بحثهای بعدی نویسنده است

۱۶۲) مک‌لن، فیتس روی شیخ شامل داعسانی ترجمه و تلخیص از  
کاوه نیات تهران دفتر پژوهشهای فرهنگی ۱۳۷۵ ۱۴۲ ص مصور  
فهرست راهما ۱۲۸۰ ریال

کتاب حاضر، که در واقع محسی است از کتاب بر گتری که حاوی سفرنامه  
فهار نویسنده است، ضمن اشاره به چگونگی آغاز توسعه و پیروی  
امپراتوری روس در قفقاز و کوتاه شدن دست ایران و عثمانی از منطقه، مراحل  
مختلف مقاومت مسلمانان شمال قفقاز را در برابر روسها احتمالاً بررسی کرده  
است مرحوم برای روس کردن زمینه تاریخی و فرهنگی آن حولات و نیز  
معرفی اوضاع جغرافیایی، احوام، زبانها، وضعیت اجتماعی، و عاقبت نهیست  
توضیحاتی را در مقدمه کتاب آورده است

۱۶۳) مهدی بیا، جعفر بحسب ویران ایران ح ۴ زندگی سیاسی  
سیدضیاءالدین طباطبایی تهران انتشارات بابوس ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰]  
۸۷۷ ص، مصور نمونه سند فهرست راهما ۴۵۰۰ ریال

کتاب حاضر به بررسی زندگی و احوال سیدضیاءالدین طباطبایی، از  
طرفداران سیاسهای انگلش و قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلش اختصاص  
دارد این نویسنده پس از آن زندگی سه بحسب‌وریر دیگر ایرانی (درم‌آرا،  
قوام‌السلطنه و علی‌امینی) را بررسی کرده است

۱۶۴) یعمانی، حسن تاریخ دولت صفاریان تهران دبای کتاب  
۱۳۷۰ ۳۱۷ ص فهرست اعلام مصور ۲۵۰۰ ریال

## ● جهان

۱۶۵) تیلر، ای‌جی بی عظمت و انحطاط اروپا ترجمه هرمز  
عبداللهی ویراسته بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران سازمان انتشارات و  
آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ شماره ۵۲۶ ص فهرست راهما، شمیر  
۲۹۰۰ / زرکوب ۳۹۰۰ ریال

نویسنده تاریخ ساسی اروپا را از دوران مانلتون تا اواسط قرن ۲۰ شرح  
داده است کتاب حاضر از روی متن انگلشی ۱۹۸۳ ترجمه شده است  
۱۶۶) رید، جان مکزیك در آتش، ترجمه فیروز فیروزی، تهران  
انتشارات اندیشه ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۷۲ ص ۱۳۰۰ ریال

نویسنده این کتاب در سال ۱۹۱۳ به عنوان خبرنگار روزنامه در مکزیک  
حضور داشت و از اعضای گروهی بود که به سرکردگی ناپو ویلامی جنگیدند  
کتاب حاضر شرح گزارشهای مستقیم او از انقلاب مکزیک است. از این

۱۵۶) میشیما، یوکیو مرگ در نیمه‌تاستان و داستانهای دیگر ترجمه  
هرمز عبداللهی تهران انتشارات معش، ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۲۷۸ ص  
مجموعه چند داستان است از یوکیو میشیما (۱۹۲۵-۱۹۷۰)، نویسنده  
برخسته راسی هری میلر، نویسنده آمریکایی، پس از خودکشی میشیما،  
رساله‌ای با عنوان «نامی بر مرگ میشیما» نگاشت که خواندن آن برای  
انسانی بیشتر با افکار میشیما و حال و هوای داستانهای وی سودمند است این  
رساله به ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی در کتاب سلطان در بهشت (تهران، بندر،  
۱۳۶۷)، چاپ شده است

## باستان‌شناسی

۱۵۷) رواسانی، شاپور جامعه بزرگ شرق تهران نشر شمع ۱۳۷۰  
۲۷۰ ص، مصور نقشه ۲۲۰۰ ریال

مؤلف کتاب معتقد است نه جامعه بزرگ شرق سرزمینی است نه حدود آن  
از سب تا بیل و از کاه‌های امودرنا و سواحل جنوبی دریای سیاه و سواحل  
سرمی مدیترانه تا سواحل جنوبی خلیج فارس را در بر می‌گیرد و مرز میان  
کشورها و مناطقی آن سرزمین وسیع، مرزهای سیاسی و استعماری هستند نه از  
قرن ۱۹ و پس از آن تعیین شده‌اند، به مرزهای قومی و فرهنگی او در این  
تحلیل با استناد به مدارك باستان‌شناختی، مردم‌شناختی و عمره می‌کوشد  
قومیت، فرهنگ و نكات مسرتك ساحات اجتماعی و تاریخی این جوامع را  
نشان بدهد و ثابت کند که اقوام و گروههای انسانی ساکن این سرزمین طی  
هزاران سال زندگی مسرتك کلدی نگانه و مسم‌باندیر را به وجود آورده‌اند  
سحن در باب جامعه بزرگ شرق در این کتاب به دوره پارسیان خاتمه می‌یابد  
صرورب اندیسیسند به «انالات معده شرق بزرگ» و تشکیل آن، از نظر این  
نویسنده، گامی است در جهت استمرار عدالت اجتماعی در کل جهان

## تاریخ

### ● آسیا

۱۵۸) استوارت، ریچارد ا در آخرین روزهای رضاشاه (تهاجم روس و  
انگلش به ایران در شهریور ۱۳۲۰) ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (و)  
کاوه نیات تهران، ناشر مترجمان (بخش از، نشر بو) ۱۳۷۰ ۴۵۷ ص  
مصور نقشه فهرست اعلام ۲۶۰۰ ریال

کتاب حاضر کوسسی است برای تفسیر و تحلیل واقعه هجوم سروهای  
بریتانیا و شوروی در شهریور ۱۳۲۰ (اوت ۱۹۴۱) به ایران و سامندهای آن  
نویسنده همچنین از نظر حقوقی و اخلاقی به این مسئله پرداخته که یک  
صرورب عاجل استراتژیک بحث چه شرایطی می‌باید تحاور نظامی بر صدك  
دولت بی‌طرف را توجیه کند

۱۵۹) اتر، مرویل روابط ساررگانی روس و ایران  
(۱۸۲۸-۱۹۱۴) ترجمه احمد توکلی تهران موقوفات دکتر محمود افشار  
یزدی ۱۳۶۹ [توزیع ۷۰] ۱۶۹ ص جدول ۸۰۰ ریال

نویسنده در این رساله روابط ساررگانی دو کشور ایران و روسیه را از زمان  
عهد پیمان ترکمانچای (۱۸۲۸) تا آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) بررسی  
کرده است مقایسه صمی وضع تجارت دو کشور روسیه و انگلش با ایران و نیز



(۱۷۴) بیکسون، ریچارد رهبران بزرگ تاریخ ترجمه جعفر ثقة الاسلامی تهران چاپخانه ۱۳۷۰ ۴۶۴ صص ۴۲۰۰ ریال  
 نویسنده، که چندین سال رئیس جمهور امریکا بود، نا این اعتماد که آهنگ حوادث و وقایع تاریخی را می توان در افکار و اعمال مردان و رهبران بزرگ تاریخ مشاهده کرد به شرح احوال و توصیف اعمال و ناکنیکهای مردان بزرگ تاریخ معاصر جهان و بر بیان خاطرات خود از آنان پرداخته است. حرحیل، دوگل، حرو سحیف، ادیانر، جون لای، بکرومه، سوکارو، بهرو، س گوریون، گلدامایر، مک ارتور، سادات و فیصل ارحمله اهرادی هستند که بیکسون در این کتاب به آنها پرداخته است

## جغرافیا

(۱۷۵) حاماجی، بهروز فرهنگ جغرافیایی آذربایجان شرقی (مناطق مهم جغرافیایی) تهران سروش ۱۳۷۰ ۵۳۲ صص مصور نقشه ۵۵۰۰ ریال

نویسنده نکات بسیاری را درباره جغرافیای آذربایجان سرفه جمع اوری و به سبب الفبایی در مدخلهای خاصی گنجاوده است. برخی از مدخلهای این فرهنگ بسیار طولانی و برخی بر بسیار کوتاه است. مثلا مدخل «آذربایجان» ۱۴۰ صفحه و مدخل «آبرس» تنها سه سطر است. وجود یک فهرست اعلام می توانست راهنمای بسیار سودمندی در یافتن اسوه اطلاعاتی باشد که در این فرهنگ گرد آمده است

(۱۷۶) طوبلی، غریب تاریخ جامع بندر ابرلی ح ۱ نا مقدمه و ویرایش شعبانعلی رنگچی بی جا ناشر، مؤلف ۱۳۷۰ ل ۱۰۲۵ صص مصور، نقشه نمودار نمونه سد

مؤلف کوشیده است تصویر جامعی از مسائل تاریخی، جغرافیایی و جامعه ساسی بندر ابرلی در گذشته و حال به دست دهد. ظاهرا این کتاب نخستین مجلد از مجموعه ای ۸ جلدی است که قرار است به تدریج در ۵۰۰۰ صفحه انتشار یابد.

(۱۷۷) مدرس راده، سید محمد حسین ابرکوه و راه ابریشم (بررسی عوامل جغرافیایی مؤثر و نحولات اکوسیستم) اصفهان فیروز نشر سپاهان ۱۳۷۰ ۱۲۲ صص مصور نقشه جدول، ۶۰۰ ریال

ابرکوه شهری است از توابع استان ارد، واقع در فلات مرکزی ایران و در محاورت کویری به نام کفه ابرکوه، که از شمال به تالاب گاوحوبی، از شرق به شهر نایک کرمان و از جنوب به بوانات آمده و از غرب به شهرهای اصفهان محدود می شود. کتاب حاضر به بررسی مسائل جغرافیایی و جغرافیای انسانی این منطقه اختصاص دارد

## جزوات و تگ نگاریها

(۱۷۸) [سارمان حواریار جهانی]، صید به روش پورساین یا پیاله ای با استفاده از قایقهای کوچک ترجمه غلامپور تهران معاونت صید و امور صیادان - مدیریت آموزش و ترویج ۱۳۶۹ [توریه ۷۰] چهار + ۱۲۰ صص مصور، ۵۰۰ ریال

(۱۷۹) مرکز امار ایران، خلاصه آمارهای پایه ای کشور تهران سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹ [توریه ۷۰]، (شماره ۸) دو + ۵۵ صص نمودار نقشه جدول.

## توضیح

در شماره پیش در معرفی کتاب دوربین عکاسی، اثر آسل ادمر و رابرت بیکر (ترجمه پیروز سیار، انتشارات سروش، ۱۳۷۰) نویسنده گان آمریکایی این کتاب را به نادرست فراسوی ذکر کردیم. این کتاب در اصل به انگلیسی نگاشته شده و ترجمه حاضر از روی متن ترجمه شده فراسوی آن صورت گرفته است

نویسنده کتاب دیگری بر نا عنوان ده روزی که دنیا را مکان داد به فارسی ترجمه و منتشر شده است

(۱۶۷) کندی، پال ظهور و سقوط قدرتهای بزرگ کتاب دوم استراتژی و اقتصاد در عصر صنعتی ترجمه ناصر موفقیان تهران سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی ۱۳۷۰ ۳۴۸ صص نقشه جدول ۱۸۰۰ ریال

(۱۶۸) کیتو، اچ اف یونانیان ترجمه سیامک عاقلی تهران نشر گفتار ۱۳۷۰ ۴۳۷ صص مصور نقشه فهرست راهنما ۳۴۰۰ ریال  
 کتاب حاضر اطلاعات بسیاری را درباره فرهنگ و تاریخ یونان باستان، ا حدود سده سده هفتم قبل از میلاد تا فوجات اسکندر در سده دوم سده چهارم میلادی، در اختیار می گذارد. این کتاب تاکنون در ادبیات و امریکا بر دیک به چهل بار تجدید چاپ شده است و از بهترین منابع عمومی در معرفی تاریخ و تمدن یونان محسوب می شود

## زندگینامه، خاطرات، سفرنامه

(۱۶۹) [ابن عرشاه] زندگی شگفت آور تیمور ترجمه علی بختانی تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۰ ۳۵۸ صص فهرستهای راهنما ۱۳۰۰ ریال

این کتاب ترجمه ای است از کتاب عجايب الممهور فی احبار سمر (۱۷۰) المیلی، محمد ابن بادیس و الحرایر، ترجمه حسن یوسفی اشکوری تهران یادآوران، ۱۳۷۰ ۲۴۷ صص فهرست اعلام  
 عبدالحمید بن محمد المصطفی بن بادیس سنهاقی (۱۱۹۴۰-۱۱۸۸۹) معروف به ابن بادیس، از عالمان و متفکران اصلاح طلب و نوگرای مسلمان الحرایری و از سردمداران نهضت ضد استعمار فراسه در الحرایر بود. نخستین کتاب حاضر به بررسی و تبیین آثار و افکار ابن بادیس اختصاص دارد، و بخش دوم آن شامل گزیده ای است از نوشته های او. حناکه در مقدمه کتاب می خوانیم، ابن بادیس از نظر فکری و روس اصلاح طلبی، آمیزه ای است از سید جمال، عنده و سید محمد رسیده رضا

(۱۷۱) سیبویه، ژیلبر راه اصفهان (سرگذشت ابن سینا) ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی تهران گفتار ۱۳۶۹ [توریه ۷۰] ۵۸۳ صص ۳۴۰۰ ریال

(۱۷۲) مصور رحمانی، غلامرضا کهنه سر بار ج ۲ سفرنامه تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۰ ۳۱۶ + ۱۰ صص مصور ابدون صفحه شمار، ۱۷۵۰ ریال.

این کتاب به شرح خاطرات نویسنده از مسافرتهاش به بعضی از مناطق سو روی، امریکا، سه قاره هندوستان، افغانستان، چین و ترکیه اختصاص دارد. برخلاف عنوان و تصویر روی جلدش، این کتاب ربط حدایی به ارتس و نقش آن در تاریخ معاصر ایران ندارد

(۱۷۳) موسوی مدرس بهبهانی، سیدعلی حکیم استرآباد، میرداماد تهران، انتشارات اطلاعات ۱۳۷۰ چهار + ۳۸۳ صص فهرستهای راهنما ۱۰۰۰ ریال.

نویسنده در این کتاب به شرح احوال، افکار و آثار میرداماد (۱۰۲۱-۹۶۹ق)، ارداسمندان شیعه عصر صفوی پرداخته است

این شماره یادنامه سادروان دکتر محمدحسین مسایح فریدی است به کوشش بهاء الدین خرمشاهی منتشر شده است. «گفت و گو با استاد محمدحسین مسایح فریدی» به نقل از کیهان فرهنگی، «مونه‌ای از مقالات دکتر مسایح فریدی در دایره المعارف تشیع»، و مقالاتی از آرمیدخت منهای فریدی، انرج گلسترچی، بهاء الدین خرمشاهی احمد نیرسک، منصوره (سیوا) کاویانی، و اصغر دادنه و دیگران.

#### ● کلک (شماره ۱۸ و ۱۹، شهریور و مهر ۱۳۷۰)

«ارجمه مقالات خواندنی این شماره مقاله‌ای است با عنوان «سه تاریخ و بیم موج و...» از دکتر علی رواهی در پاسخ به نقدی که احمد ساملو حدی بیس بر دیوان حافظ چاپ استاد حائری بوسه بود «گفتارهایی درباره سیاست و توسعه فرهنگی»، «نامه سرگساده هاول»، احمد جهانی فلم، و مقالاتی دیگر از حلال حالمی مطلق، مصطفی رحیمی، سیروس سهای و دیگران، مطالب این شماره کلک را نسکی می‌دهد

#### ● کیمیا (سال ۴، شماره ۴، تیر ۱۳۷۰)

«آینده صایع سیمیایی و بیوتکولوجی»، «نگرشی به برخی کانیهای صنعتی»، «بررسی صنعت هیدروکیون و تولید آن در ایران»  
● کیهان فرهنگی (سال ۸، شماره ۵، آبان ۱۳۷۰).

این شماره کیهان فرهنگی یادواره حواحوسب محمود ساهرحی حسین ررمحو، علیرضا دکاوتی فراگزولو، سید محمد حسینی، میرحلال الدین کراری، ایرج گلسترچی، حابر عناصری، ارجمه نویسندگان مقالات این شماره کیهان فرهنگی هستند  
● ماهنامه جامعه سالم (سال ۱، شماره ۲، مهر ۱۳۷۰).

«دنیای سون و سیاست اندیشیده آمریکا»، «وحدت دنیای اول و مسائل دنیای دوم»، «نازگشت متخصصان»، «آستارا را آب گرفته است»  
● مجله پژوهشهای تربیتی (دوره جدید، سال ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰) از انتشارات دانشگاه تربیت معلم.

«پردازش اطلاعات در یادگیری»، «بررسی برخی از مسائل آموزش و پرورش»، «حلاقت و بیان».

● مشکوة (شماره ۳۰، بهار ۱۳۷۰) از انتشارات آستان قدس رضوی.

«معرفی تفسیر مجمع البیان»، «اعمار علمی در قرآن»، «کعبه اران دول حاضی بیست»

● نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز (سال ۳۳، شماره ۴، مسلسل ۱۳۷، زمستان ۱۳۶۹).

«نگرشی نو به داستان رستم و سهراب»، «حامدی اصفهانی و کلیات او»، «جاسکی. حردگرایی و تجربه گرایی».

● نمای تربیت (دوره جدید، جلد ۱، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۰) فصلنامه تربیتی یونسکو.

آخرین شماره این مجله در ایران حدود ۱۰ سال پیش منتشر شد این مجله از این پس به سرپرستی دکتر علی شریعتمداری و با ویراستاری محمدحسین کشاورز منتشر خواهد شد. متأسفانه نوع کاغذ و صفحه‌بندی مجله کیفیت خوبی ندارد. «قوم‌مداری در تعلیم و تربیت» «آینده برنامه‌ریزی آموزشی»، «سیستمهای آموزشی»، «تجدید سازمان تربیت معلم در اتحاد جماهیر شوروی» از جمله مقاله‌های این شماره است.

## نشریات علمی و فرهنگی

ادبستان (شهریور ۱۳۷۰).

«بلشوی فرهنگ بوسی»، «نامه منتشر شده‌ای از حلال آل احمد»،  
روای خاطرات گوناگون» (بای صاحب استاد احمد آرام)

آینه (شماره ۶۲ و ۶۳، مهر ۱۳۷۰).

«آینده چپ بعد از توفان»، «گفت و گو با جمال میرصادقی و فردون صری»، «درباره تئوری رمان»، «ویرحسبا وولف، انقلابی یا بورروا»

«بررسیهای بازرگانی (سال ۵، شماره ۵، مهر ۱۳۷۰) «تورم، نقدیکی و ارز»، «نارار خهای آلومینیوم طی سالهای

۱۹۷۸»، «اهداف و سیاستهای مناطق بردارس صادرات در کره جوی».

«بهکام (سال ۱، مرداد ۱۳۷۰)

«وسعت شیوع ایدز در ایران»، «رواساسی تعدیه»، «آیا می‌توان بدان کاشب».

«چیتا (سال ۹، شماره ۱، مهر ۱۳۷۰).

«بروسنریکا، گفتگوی با گورباچف»، «وردی، آهنگساز مردم»،  
نساب مکتبهای ادبی»، «ساحتر تفکر هری»

«حسابدار (شماره ۷۹-۸۰، شهریور و مهر ۱۳۷۰).  
این شماره حسابدار ویژه مالیات است «مالیات و فسیه مالیات»،  
حسابداری و قانون در ایران»، «هواپس مالیاتی ابراری در جهت رشد

تصادی».

«خاوران (شماره ۷ و ۸، خرداد و تیر ۱۳۷۰).

«نقد ادبی از نگاه ریچارد»، «رویکرد اسطوره‌ساختی در ادبیات»،  
گوبه‌های هجارجری در شعر»، «گفتگو با آکیرا کوروساوا»

«رویش (ویژه اولین نمایشگاه آسیایی آثار تصویرگران کتاب کودک)، (شماره ۳، آبان ۱۳۷۰).

«گزارش مراسم بارگشایی اولین نمایشگاه آسیایی آثار تصویرگران کتاب کودک»، «گفت و شود با شاعران کتاب کودک»، «شکفتن گل

بخند در تن کویری بعض»

«دانش و فن (شماره ۵۵، شهریور ۱۳۷۰).

«سیمین داشور. حانون عمگین ادبیات ایران»، «صفحات ویژه  
رگدشت آل احمد، احوان، شهریار و صد بهرگی»، «شب شعر

ماعران حطه جنوب»، «استقلال و بیروری. احتحار آفریان هوتال  
پران».

«ریز پردازنده (سال ۱، شماره ۸-۹، ۱۳۷۰).

«تبلور اطلاعات در نکولوجی»، «تکامل امر کامپیوترها»، «آشنایی با  
راسپیوتر»، «موسیقی کامپیوتری».

«فرهنگ (کتاب هشتم، بهار ۱۳۷۰) از انتشارات مؤسسه  
طالعات و تحقیقات فرهنگی».

## در ایران، در جهان

### ره آورد سفر ایران

هیئت تاحیک شرکت کننده در سمینار «زبان فارسی و زبان علم» پس از بازگشت به کشورشان مصاحبه‌های مختلفی با رسانه‌های هینگانی تاحیکستان کرده‌اند. متن زیر مصاحبه محضر شده روزنامه صدای مردم (چاپ تاحیکستان) با استاد دکتر محمدحاج سکوراف رئیس کمیته اصطلاحات فرهنگستان علوم تاحیکستان است. حام هدیه شریفی این مس را عیا از خط سیریلی به خط فارسی برگردانده است. د

ادعوت مرکز سر داسگاهی ایران هیئت علمی از تاحیکستان بحث بروری رئیس کمیته اصطلاحات، عضو بیوسته اکادمی اصطلاحات جمهوریت، محمدحاج سکوراف از ۱۶ تا ۳۰ می از ایران دیدن کرد. ضربگار ما از رهبر هیئت جواهرس نمود که برای خوانندگان روزنامه از انراب حویس نقل کند. استاد حسین ابرار نظر نمودند.

مرکز سر داسگاهی ایران يك سمینار بین‌الحملی تحت عنوان زبان فارسی و زبان علم» برگزار کرد از تاحیکستان ما سس مهر دکتر علم فیلولوگیا عبدالملی - راده، دکتر علم فیلولوگیا فیروزه‌امان، امرد علم فیلولوگیا سهار یر، معاون سر محرر محله فرهنگ رسم هاب، کارمند کمیته اصطلاحات سیداحمد فرمان و کمیته در آن استراک نمودیم این ستمین [چهارمین] سمینار در این موضوع بوده است. قصد از گزارش مسئله زبان فارسی و زبان علم این است که زبان فارسی ناند زبان علم امروز ناسد حان ناسد که هرچه مفهوم مرکب و اراک علمی که در زبان ما خیلی سیار پیدا شده اساده است، حتماً به فارسی هم افاده شود و زبان فاسی افتداری داشته ناسد که مسئله‌های ساسی علمی امروزه را به درجه عمومی جهایی نان کند این وظیفه برگ تاریخی ست و معلوم ست که برادران ایرانی اجرای آن را ناسد بدمی تمام دوام داده ایستاده‌اند در سمینار سی معروضه [= سخنرانی] سده ست، در این معروضه‌ها خصوصت‌های گوناگون زبان علم و مسئله‌های عملی زبان، علمی شدن زبان فارسی، همه‌جانبه بررسی سدید در سمینار متخصصان نمایان زبان فارسی، از جمله دکتر باطبی، کتر صادقی، دکتر حق ساس استراک نمودند در معروضه آنها مسئله‌های نظری و عملی اصطلاحات محاکمه [بررسی] ست.

در ایران حالا راه‌های و اصطلاح‌سازی را پیس گرفته‌اند کوسس بی‌کند که اصطلاحات فارسی در حصف اصطلاحات ملی ناسد، از

کلمه‌های نامفهوم بیگانه ناره احوالی ناسد و اساما به امکاسهای بی‌نایان زبان فارسی نکه شد حتی بعضی فعل‌های زبان بهلوی را برای ساحس اصطلاحات و اسفاده کرده‌اند. حناحه از فعل بهلوی «ویراسن» (نجر بر کردن) فراوان استفاده می‌سود و مانند «ویراسن» (نجر بر) و «ویراسگر» (محرر) کلمه‌هایی ساخته‌اند.

حتی از کلمه‌های غربی هم با ساوند‌های فارسی کلمه‌های و ساحس می‌جواهرد، حناحه از «برق»، «برفس» و از «فطس»، «فطس» ساخته‌اند. به فکر ما، اس مسئله محاکمه همه‌جانبه می‌جواهرد.

هئت تاحیکستان در سمینار «زبان فارسی و زبان علم» فعالانه استراک نمود ما حار معروضه بیسهاد کردیم، که ابرا بروسور ستارزاده، کمر فیروزه‌امان، سهار کسر و کمیته خواندیم معروضه کمیته «نظری به اصطلاحات علمی تاحیکی» نام داسب کمیته کوسس نردم که راه‌های انکشاف اصطلاحات تاحیکی را در طول سجاه سصب سال احر محضرا از نظر گذراندیم، در اس ناره به محققان ایرانی معلوماتی دهم، و مسئله‌هایی را که در برد علم اصطلاح‌ساسی تاحیکستان هست، به محاکمه حاضران بیسهاد کم معلوم ست که همه استراکداران سمینار معروضه‌ای را به فارسی تاحیکی نکمن نار در عمرسان می‌سوند، ساراین ما دقت تمام گوس کردند و به کلمه‌های علجده، اصطلاحات و عباره‌های حاص ماوراءالهر مخصوصاً دقت جلب نمودند یکی از اسنادان داسگاه از معروضه کمیته سه سحیفه



اراست به چپ تان گویانو (از کشور چین)، عبدالملی ستارزاده، استاد محمدحاج سکوراف، سیداحمد قربان، رستم وهاب، فیروزه‌امان، سهار کسر.

## تاجیکستان می‌سود

در تهران نمایندگی بین‌المللی کتاب برگزار شد که چندین مملکت دنیا، از جمله اتحاد شوروی در آن شرکت کرد. ماهیت تاجیکستان با باولویون [عرفه] ایران را تماسا کردیم. معلوم شد که ایران در سر کده موفقیتهای گررگی دارد، در همهٔ ساحه‌های علم کتاب حاب می‌کند. همهٔ ساحه‌های علم اگر کتاب مهمی به زبان انگلیسی یا فرانسوی، غیره پیدا شده باشد، حتماً ترجمه می‌کند و فنی که به دانشگاه تهران رفتیم، چون استادان آن را به ما معرفی می‌کردند، می‌گفتند که حاب ابرهایی دارد و حتماً تأکید می‌نمودند که حد اکثر را از کدام زبانها ترجمه کرده است. فعالیت ترجمانی برای استادان دانشگاه و متخصصان علمی از ماده‌های اساسی فرهنگی می‌باشد. از باولویونهای ایران در نمایندگی بین‌المللی کتاب معلوم شد که ادسات بدیعی جهان فریب نماد به فارسی ترجمه شده است. عدد کتابی که در ایران حاب می‌سود خیلی سیار است. ما گفتیم که این قدر که کتاب سیار چاپ می‌شود و برحسب هم چندان پست نیست، آیا خریدار می‌یابد؟ گفتند که اکثر کتابها را باسراں خصوصی حاب می‌کند، اگر خریدار نمی‌دست یا که می‌دست، این قدر حاب نمی‌کردند. یعنی خواننده ایرانی به قدر کتاب می‌رسد

از این سفر بصوری پیدا شد که ایران می‌خواهد در همهٔ ساحه‌ها علمی و تحیکی [تجربگی] رمان تامی تواند مستغلا به عمل کند و خود را با کادریهای ملی تأمین نماید گفتند که نصب فائض [درصد] جیره‌هایی که برای کشور لارمند در کشور استحصالی می‌سود حالا در تهران که ۸ تا ۹ میلیون اهالی دارد، مترو می‌سازند و به ساکاران مترو و متخصصان آن از خود ایرانیان در تهران استیووت مترو تأسیس داده‌اند که همهٔ معلمان آن هم از خود ایرانیان (به تها مهندسان ساحهٔ مترو، بلکه همهٔ ساحه‌های دیگر) در مسهورترین دانشگاههای عرب تحصیل کرده‌اند و معلومات خوب دارند ایران در تربیت کادر علمی موفقیتهای بررگی را صاحب شده است به فکر ما تحریر ایران برای تاجیکستان خیلی مهم است اگر خواهیم که استقلال ما استقلال حقیقی باشد اول باید خود را با کادریهای ملی تأمین کنیم کادریهای ملی را به تها در داسکده و داسگاههای روسیه، اوکرایین، عیره، بلکه در مملکتهای عرب و سرق (بیس از همه ایران) بر تیار کرد. لارم می‌آید وضعیت حاصرهٔ تاجیکستان که فریب [تقریباً] کادر ملی ابریری [مهندسی] و تحیکی ندارد، وضعیت باعلاهی و ناتوانی است که دست بگر دیگران است

کوسس ایرانیان برای خود را به کادر ملی تأمین کردن به تها تهران، بلکه از دیگر نقطه‌های ایران هم به نظر می‌رسید در اصفهان نام دانشگاه صعی (یعنی اوبیورسیت تحولوگی) مؤسسهٔ تعلیم بررگی بر ناسده است که با کادریهای ملی و سراط خوب تحصیلی تأمین است از این دانشگاه به تاجیکستان تکلیفی آمده بود که داسجوب معاوضه کند متأسفانه از تاجیکستان جواب رد رفته است و کوسس سوروی در اصفهان حیران است که این ردیه را به استانداری اصفهان چه طرر گوشرس کند

«اصفهان نصف جهان» می‌گویند. در حقیقت آثار تاریخی این شهر چنین است که عقلها را به حیرت می‌آورد و فیکه آثار معماری

چنین کلمه و عبارتهایی را نوشته گرفته است طبیعت و اصالت فارسی تاجیکی، ایرانیان را به وحد آورد

معروضه‌های تاجیکی عموماً سئوق و هوس روسفکران ایرانی را سست به فارسی ماوراءالنهر بیدار کرد سزاوار دفت شدن این معروضه‌ها را هم از آن فهمیدن ممکن بود، که به صاحبان معروضه‌ها سؤالها سرشمار آمد قرار شد که مواد این سمینار مانند سمینارهای پیشتر به صفت کتاب علیحده به دست چاپ می‌رسد خواهشی پیدا شد، که در تاجیکستان هم سمیناری برگزار شود و موضوع آن همان موضوع «زبان فارسی و زبان علم» باشد، با موضوع مخصوص «اصطلاحات اداری در زبان تاجیکی».

ما کوشش می‌کنیم که سال آینده چنین سمینار در تاجیکستان با اشتراك متخصصان ایرانی و افغانستان برگزار شود. لارم می‌دانیم که متخصصان ایران به کار کمیتهٔ اصطلاحات تاجیکستان حلت سوند، در ویرایش و بررسی آن فرهنگهای اصطلاحات که در تاجیکستان به وجود می‌آید عملاً اشتراك نمایند، یعنی باید امکان یابیم که هر سال يك - دو نفر کارمندان تحریر به ناکمی مرکز سر دانشگاهی را به جمهوری خود دعوت کنیم.

مرکز نشر دانشگاهی برای داسگاههای ایران کتاب حاب می‌کرده است و قسم زیاد این کتابها را فرهنگهای اصطلاحات تشکیل می‌دهد در این مرکز سیصد نفر کار می‌کند و کارش اساساً عبارت از ترتیب دادن فرهنگهای اصطلاحات، تحریر و به چاپ تیار [آماده] کردن رساله‌های اوریگیالی و ترجموی می‌باشد خود مرکز ادارهٔ نشر هم دارد که با آخرین تجهیزات تحیکی حاب تأمین است

برادران ایرانی هیئت تاجیکی را خیلی پیشوار گرفتند کوسس کردند که ما به فقط در سمینار اشتراك کنیم، بلکه با داسمندان ایران بر ملاقات نماییم میربابان ما کوسس کردند که با سرداران اداره‌های پرتائیر ایران صحبت آریم مثلاً در وزارت آمورس و برورس، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ادارهٔ محلهٔ داسمند، ادارهٔ روزنامه‌های کیهان هوایی و ابرار صحنهای جالی صورت گرفت در همهٔ این مصاحبه‌ها رفیعان ایرانی برای گسترش و تحکیم رابطه‌های تاجیکستان و ایران برای یارمندی به پیشرف اقتصاد و فرهنگی جمهوری ما خیلی علاقمندی ظاهر کردند وزارت ارشاد اسلامی وعده کرد که به بنیادریان تاجیکستان يك ماسین حرفجیبی فارسی تحفه نماید که جاب کتاب را به خط فارسی آسان می‌کند مرکز نشر دانشگاهی و همهٔ دیگر مؤسسه‌های ایران که ما ریارب کردیم به ما کتاب تحفه کردند ما هر يك کتابخانه کتاب آوردیم ما با مسئول داری تمام تأکید نمودیم که مرکز نشر دانشگاهی ایران اساس گذار کتابخانهٔ کمیتهٔ اصطلاحات

کنگره، در سه حریه، در دسترس سرک کشندگان هزار گره و ۲۸ مقاله  
از آنها در حساب کنگره عرصه سد در این مقالات دستاورد حواحو و  
مقام او در تاریخ ادب فارسی و عرفان اسلامی و بوآورها و آدرس هری  
کار او و تأثیرس در سلهای ساعران س از حود، ار حهاب و دندگاهها و  
با سلیقهها و دوفهای ادبی متنوع، بررسی و ارزیابی گردید

برنامه کنگره روز جمعه ۷۰/۷/۲۶ در سیرار در روصه نا صفای  
حواحو ادامه یافت در این مراسم، امام جمعه سیرار در تحلیل هنر و ادب و  
مقام حواحو سحمانی ایراد کرد و استناد از فارس به مهمانان حوش آمد گفت

برگزار کنندگان کنگره، با همکاری سازمانهای دولتی، برنامه‌های  
حسی حالی بر برای مهمانان ترتیب داده بودند که از حمله آنها یاردند  
از سهر سم و ارگ معروف آن، یاردند از ماهان و ارامگاه شیخ  
نعمت‌الله‌ولی و مراکز فرهنگی و موره و کتابخانه و آثار و اسبه تاریخی و  
همچنین نمایش همای و همایون و برنامه موسیقی سنتی و سب سحر را  
باید یاد کرد

سرک کشندگان و یاردید کنندگان در کرمان و سم و سیرار مهمان  
دانشگاه شهید ناهر، استانداران کرمان و فارس و فرماندار سم بودند  
به سخنرانان و مهمانان هدایایی در کنگره (از حمله حسمه حواحو) و  
همچنین تحفه‌ای از جانب فرمانداری سم اهدا گردید سرک کشندگان  
کنگره در مراسم افتتاح محسمه حواحو در میدان حدیدالاحداث ربا و  
ناصرای مسیر ملوار منتهی به دانشگاه سمر حضور یافتند و از جانب  
سهرداری کرمان بدیاری سدید

در قطعنامه کنگره، تحقیق در احوال و آثار حواحو و سمر منظومه‌ها و  
اسعار و تصنیفات او بوصیه شده است.

## پیام فرهنگستان زبان و ادب فارسی به کنگره بزرگداشت خواجه

به نام خدا

شعر، هنر هومی و ملی ماس، چنانکه گویی ریان و بیان طبیعی مردم ما  
شعر است. دقایق حکمت و عرفان، آنگونه که به ظرافت و ربیایی و  
شیری و سیوایی در شعر بیان شده، در نثر حق آن ادا شده است.  
بیش از هزار سال است که شعرای ما که معماران ریان و ادب ما  
هستند، فکر و فرهنگ، حرف و حکمت، عشق و عرفان و ادب و اخلاق  
والای حود را در حامه غزل و قصیده و منوی عرصه داشته‌اند که از آن  
حمله حواحو کرمانی است که البته او را شاید صرفاً شاعری در میان  
ابیوه ساعران داست

خواجه شاعری است که طرز سخن عارفانه‌اش، بدیع و یاریک و  
ایهام برورد است، او از بزرگترین پیروان و نظیره‌گویان نظامی است در  
میان شعرای بررگی که با نظامی همسجی کرده و به سبج گنج او پاسخ  
گفته‌اند، مقام خواجه، شامخ و شاحص است و ار همتیاش در این  
وادی، امیر خسرو دهلوی و عبید الرحمن جامی، به لفظ و معنا، کهنر نیست.  
شاعر بلندمرتبه دیگری که در کنار نظامی بر ذهن و ریان خواجه اثر  
نهاده کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی است

این دو بر هنر حواحو و سپس این سه بر هر خواجه ریدان، اثر  
جادویی و جاودانه نهاده‌اند؛ چندانکه حافظ دواستان، سخن حافظ را

عصرهای ۱۶ تا ۱۷ را از نظر می‌گذرانیم، سکوه، عظم و حلال  
طورنای آن را می‌دیدیم، آثار معماری بخارا و سمرقند به یاد می‌آمد ما  
در اصفهان مخصوصاً احساس کردیم که بخارا و سمرقند و اصفهان  
محصول یک فرهنگ ناستانی ایرانی می‌باشد و اساس آنها از یکدیگر  
برق ندارد و فنی که با رسته‌های هرمندان اصفهان ساس سدید بر س  
سالهای کودکی حود را به یاد می‌آوردم که رسته‌های هرمندان بخارا هم  
بر س عیناً همین گونه رنگ داشتند برادران ایرانی آنهمه هرهای  
حلقی را به همان سکلهای عنبوی استی [محفوظ داشتند و امروز  
همه‌خانه ترقی می‌دهند هر خلقی در اصفهان آرزو حیلی بلند دارد  
عیر از این، سهرهای هم و کاسان را ربارت کردیم، این سهرها هم  
یادگارهای تاریخی حالی دارند، که با حیرت و تعجب از نظر گذرایدیم  
در کاسان، که یکی از مرکزهای علمی و ادب بود، حیابایی را دیدیم که  
«حیابان بخاراییان» نام داشته است معلوم می‌سود که رابطه کاسان و  
بخارا و سمرقند از اول مستحکم بوده است

هنگام سمر ایران یاریک بار باور حاصل کردیم که تاحیکستان در  
حسحوی راههای بو ترقی تاریخی باید به ایران بر دیک سود، رابطه‌های  
اقتصادی و فرهنگی بین تاحیکستان و ایران هرچه بیستر وسعت یابد به  
فایده ما حواحد بود از سمر تصویری سدا سد که برادران ایرانی برای  
گسترش دادن رابطه‌ها همیشه حاضرید

● ایران

## کنگره جهانی بزرگداشت خواجهی کرمانی

کنگره جهانی بزرگداشت حواحو کرمانی از ۲۳ تا ۲۶ مهرماه ۱۳۷۰  
در تالار وحدت دانشکده ادبیات و علوم اساسی دانشگاه شهید ناهر  
کرمان برگزار سد

استادان و ادب ساسان و ریان دایان از تهران و کرمان و سایر استانها  
و همچنین نمایندگان مراکز علمی چند کشور آسیایی و افریایی و  
اروپایی (پاکستان، هندوستان، اتحاد شوروی، چین، مصر و...) در  
کنگره شرکت کردند حای نماینده مدعو ترکیه، که فرار بود معاله او  
(مکاتب عرفانی معاصر حواحو) در حله سوم کنگره عرصه سود در  
این اجتماع فرهنگی حالی بود.

در مراسم افتتاحیه کنگره، رئیس دانشگاه شهید ناهر کرمان به  
شرکت کنندگان و مهمانان حوش آمد گفت و پیامهای ریاست جمهوری  
و فرهنگستان ریان و ادب و سازمان یوسکو فرانت سد. آفای دکتر  
حبیبی، معاون اول رئیس جمهور و رئیس فرهنگستان ریان و ادب، در  
آغار کنگره، در جایگاه هیئت رئیسه، حضور داشتند.

از مقالات رسیده ۷۷ مقاله برگزیده شده بود که با همت مدیران

فیلمهای نقاشی متحرك بود که در واقع محور عمده جشنواره را تشکیل می‌داد. علاوه بر این داوری بخشی از فیلمها به عهده صد تن از کودکان و نوجوانان گذاشته شد و فیلم انتخابی آنان «فیلم برگزیده داوران کودک نوجوان» لقب گرفت

## جوایز رهبر انقلاب به هنرمندان سینما

فیلم سینمایی «تا مرز دیدار» که توسط گروه تلویزیونی شاهد تهیه شده است مورد تقدیر رهبر معظم انقلاب قرار گرفت و از طرف مقام رهبری جوایزی برای دبستانداران آن در نظر گرفته شد. این جوایز که شامل یک جلد کلام الله مجید و سح سکه بهار آزادی بود، ضمن مراسم خاصی توسط آقای محمد هاشمی سرپرست صدا و سیما به آقایان محمد حاتمی (مدیر گروه)، حسین فاسمی حامی (کارگردان)، کمال تبریزی (فیلمبردار) و سعید حاجی میری (مدیر تولید) اهدا شد

## فرهنگسرای بهمن به جای کشتارگاه

به همت شهرداری تهران کشتارگاه سابق تهران در جنوب شهر به یک مجتمع فرهنگی تبدیل و «فرهنگسرای بهمن» نامیده شد. این مجتمع شامل محله‌های گوناگون هنری، ادبی، ورزشی است که از آن جمله است دو سیمای بزرگ، دو سالن موزه، یک استخر سرپوشیده، کتابخانه، سالن نمایش و تا نرس از تعطیل کشتارگاه و تبدیل آن به فرهنگسرا هر روز به طور دائم بین ۲۰ هزار رأس دام در آنجا نگاهداری می‌شد و این امر عوارض ناگواری بر بهداشت اهالی منطقه بر جای می‌گذاشت

## احداث مدرسه به پروانه ساختمان نیاز ندارد

شهرداری تهران اعلام کرده است که برای مدرسه‌سازی توسط مردم هیچ مشکل اداری وجود ندارد و ضمن توافقی که با وزارت آموزش و پرورش کرده است احداث این گونه ساختمانها نیاز به اخذ پروانه ساختمان ندارد. هدف از این اقدام که با همکاری سازمان بوسازی مدارس انجام می‌گیرد، تسویق مردم به مشارکت در امر مدرسه‌سازی است زیرا که مطابق برآوردهای آماری، ایران در برنامه سحساله به ۲۵۰ هزار کلاس تازه نیاز دارد و حال آنکه بودجه وزارت آموزش و پرورش تنها برای احداث ۱۱۲ هزار کلاس کفایت می‌دهد

## نقشه جهان بر روی قالی

یکی از هنرمندان روستای حال شُر (۲۰ کیلومتری شهر کرد) یک قالی دو متر در سه متر بافته است که نقش روی آن نقشه جهان است. در این فرش بی نظیر که توسط شخصی به نام روبری طراحی و تهیه شده است، نقشه ایران به طور برجسته و خطوط مرزی با رنگ سفید نموده شده است و برجهای کشورهای به رنگ اصلی در حاشیه قالی نقش بسته است. روبری همچنین در چهار گوشه قالی نام ایران را خط انگلیسی ضبط کرده است تا هم حاشیه آن را نشان دهد و هم بر سوء استفاده‌های احتمالی مسدود گردد.

## همسان غزل حواجو شمرده‌اند

پس از بزرگداشت سعدی در سال ۱۳۶۳ و حافظ در سال ۱۳۶۷ و فردوسی در سال ۱۳۶۹ و نظامی در تابستان سال ۱۳۷۰، ایک حدارا سیاستگرایم که به همت دانشگاه شهید باهنر کرمان و کرمانیان فرهنگدوست و ادب‌پرور و اشراف و ارباب فرهنگ و آموزش عالی، سن از گذشت حدود هفت هن از درگذشت حواجو، کنگره‌ای برای برگرداشت و بازسازی این ساعر و عارف بلندمرتبه برگزار می‌گردد. همچنین های حوسوفی است که این برگرداشت، صرفاً شامل جنبه‌های سوری تحلیل و تکریم نیست، بلکه مقرر است تا با همکاری دانشگاهیان و دانشگاهها و سایر نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و مرکز کرماساسی به طبع و سرآمار حواجو و حیدین امر درباره او بپردازند.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی برك و سباس سیمانه خود را به برگزارکنندگان این مجلس تقدم می‌دارد و برای همه استادان و پژوهشگران و شرک کنندگان آرزوی موفقیت دارد

## نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک

اولین نمایشگاه آسیایی آثار تصویرگران کتاب کودک در چهارم ایلان در موزه هنرهای معاصر تهران افتتاح شد که تا هفدهم ایلان ماه ادامه داشت. در این نمایشگاه از میان حدهزار اثر سشهادی هزار و سشت و دو اثر از تصویرگران ایرانی و چهارده کشور آسیایی به نمایش گذاشته شد. کشورهای آسیایی بیش از ۸۰ اثر در نمایشگاه ارائه کرده بودند و علاوه بر آنها اناری بیر از کشورهای لیوانی و سودان به نمایش گذاشته شده بود. شوروی با ۱۵۰ اثر ۲۶ تصویرگر مقام اول را در میان کشورهای خارجی داشت. در مراسم گشاس نمایشگاه گفته شد که در سال گذشته هزار و دویست و سشت و نه عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان منتشر شده است.

## جشنواره بین المللی فیلم کودکان و نوجوانان

هفتمین جشنواره بین المللی فیلم کودکان و نوجوانان در مهرماه در اصفهان برگزار شد. در این جشنواره که یک هفته طول کشید فیلمهای بسیاری از سیمگران کشورهای ایران، ایتالیا، انگلستان، آلمان، ترکیه، چین، ژاپن، چکسلواکی، سوروی، هلاند، محارستان، هندوستان و یونان به نمایش گذاشته شد. از انداعات جشنواره امسال احتصاص یک بخش مخصوص به

## نشریه‌های تازه

در دو ماه اخیر چند سریه ناره در زمینه‌های گوناگون انتشار یافته است و از آن جمله است

● **آبادی، نشریه «مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران»** که «برای طرح مسائل شهرسازی، معماری و ساختمان و انعکاس فعالیتها و اندیشه‌های جامعه علمی، اداری و حرفه‌ای شهرسازی، معماری و ساختمان، و علوم و فنون وابسته، و تعویت ارتباط میان اعضای ایس جامعه با هم و با مردم» منتشر می‌شود

محسین سماره این نشریه که قرار است به صورت فصلنامه انتشار یابد، حاوی مقالاتی است درباره «شهرسازی و معماری سنتی ایران»، «طرح ربری شهری و بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ»، «جمعیت و توسعه»، «مرکز اقتصادی در تهران» و چند مقاله که از منابع خارجی ترجمه شده‌اند و «معرفی طرح گردآوری و تعریف اصطلاحات معماری و ساختمان و هنرهای وابسته، در زبان فارسی» که تعدادی سریه است و بالاخره «حکیده مطالب به زبان انگلیسی»

● **سیاست علمی و پژوهشی، فصلنامه «سورای بروه‌های علمی کشور»** است که هدف آن «تعویت و اتحاد هماهنگی در امر بروه‌س و بر طرح مسائل و مطالعات و فعالسهای است که در حوزه سیاستگذاری علمی و بروه‌سی در زمینه‌های مختلف اعم از علوم انسانی و علوم طبیعی صورت می‌گیرد» این فصلنامه که مدتی دراز انتظار انتشار آن می‌رفت حاوی سخ محب یا سرفصل ممایر است دیدگاهها، مقالات، مراکز و نظامهای تحقیقاتی (جهان)، معرفی و نقد کتاب، احبار و گزارشها، خلاصه مقالات به زبان انگلیسی

● **مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران**، که توسط معاون قضایی رئیس قوه قضائیه منتشر می‌شود دارای سه بخش متمایز به زبانهای فارسی، عربی و انگلیسی است شماره اول این سریه حاوی یازده مقاله به فارسی، يك مقاله به عربی و دو مقاله به انگلیسی درباره مسائل فقهی و حقوقی و نقد و بررسی فوایس و رویه‌های قضایی است

● **نقشه برداری، سریه علمی و فنی سازمان نقشه برداری کشور**، که به صورت فصلنامه منتشر می‌شود تاکنون که شماره سیم آن منتشر شده است از جهت کمی و کیفی سرفتی جسمگیر داشته و هر شماره آن بهتر و برمایه بر از شماره پس بوده است. آخرین شماره این فصلنامه حاوی این مقالات است «تصور بر رسی کروی بر روی صفحه کاغذ»، «تعیین زنوند ایران»، «اطلس کاربوگرافی رُومی»، «نگرشی جغرافیایی به شهر همدان» و معرفی کتاب و احبار

● **نگاه نو**، که قرار است به صورت ماهانه منتشر شود آخرین سریه ادبی - هنری است که تاکنون انتشار یافته است و هدف آن «ایجاد عرصه‌ای گسرنده برای برخورد‌های منطقی اهل نظر و اندیشه، و اعتلای فرهنگ اسلام و ایران است»

صاحب نظران نگاه نو را يك نشریه سنگین و درجور توجه توصیف می‌کنند. نشردهانش توفیق ایس همکاران ناره را ازرو می‌کند

ع. روح بخشان

## نمایشگاه بزرگ صنایع دستی

دومین نمایشگاه سراسری صنایع دستی ایران در اواخر مهرماه در باع عقیف آباد سیرار برگزار شد در این نمایشگاه چهارصد تولیدکننده صنایع دستی از سراسر کشور در صدوسی رسته مختلف اثار خود را به نمایش گذاشتند

نمایشگاه از چهار بخش متمایز تشکیل شده بود (۱) نماس بهترین تولیدات صنایع دستی، (۲) تولید صنایع دستی کشور، (۳) بازارچه‌ها، (۴) نماس محصولات

از ویژگیهای این نمایشگاه این بود که دیدارکننده با نوع تولید، سیوه تولید، انواع صنایع دستی و طراهنای علمی آنها از نزدیک اسبا می‌شد... نمایشگاه مورد استقبال فراوان قرار گرفت و ارجمله نمایندگان سی سرکب خارجی و تعدادی از دیلمانها و خارجیان معیم ایران از آن دیدن کردند

## فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور

سینماگران و عکاسان و هنرمندان ایرانی در دو ماه گذشته به موفسنتهایی در خارج از کشور دست یافتند

● فیلم «حرح» به کارگردانی علیرضا سانی فرد، مدال طلای حسواره بین المللی فیلم امانور اترس را از آن خود کرد  
● در چهارمین فستیوال بین المللی فیلم بوکیو چند فیلم ایرانی از جمله «آب، باد، خاک» به نمایش درآمد  
● فیلم «دوباره بر خاک» ساخته مهدی نمایی مقام اول حسواره فیلمهای هسب میلیمتری اسپانیا را کسب کرد

● در دومین حسواره بین المللی فیلمهای کودکان در قاهره فیلم «سفر حادویی» ساخته ابوالحسن داوودی برنده مدال نقره شد  
● در سابردهمین دوره مسابله عکاسی آسبا و اقیانوسیه که توسط یوسکو در راس برگزار شد محمد کوچکیور با اتری به نام «سوار بی» برنده جایزه ویره شد

● لوح حسواره تصویری برایسلوا (حکسلواکی) به کریم نصر به خاطر تصویری کتاب آب یعنی ماهی تعلق گرفت  
● انجمن هنرمندان و کارکنان تئاتر ارمستان (سوروی) از حام لوسا آواسیان، کارگردان گروه «تئاتر تجربی ارمی» برای کارگردانی نمایشنامه مکب (اثر سکسپیر) دعوت کرده است

● در چند کشور از جمله لبنان، امارات عربی متحد و اوروگونه هفته‌های فیلم ایرانی برگزار شد

● هنرمندان ایرانی در شهرهای مارس (فراسه) و کلن (آلمان) چند نمایش سنتی روحوصی و حیمه‌سب باری اجرا کردند

## دویستمین سال انتشار نخستین چاپ «کلیات سعدی»

امسال (۱۹۹۱ م) دویستمین سال انتشار نخستین چاپ کلیات سعدی است که دویست سال پیش در هند چاپ شده است. این تصحیح با حروف سری و در قطع رحلی چاپ شده و دو جلد است. در پایین صفحه عنوان فارسی آن (صفحه عنوان انگلیسی هم دارد)، وضعیت نشر آن بدین گونه آمده است «این کلیات سده دارالحکومه کلکته بجهانه خانه کمپی انکریر عالیشتان در سنه ۱۷۹۱ هزار و هفتصد و دو یک عیسوی مطابق سنه ۱۲۰۵ هزار و دویست و پنج هجری جهان نموده شد» به این ترتیب این کتاب ۲۶ سال پیش از مجامع قائم مقام فراهانی، که در سال ۱۲۳۳ ق. / ۱۸۱۷ م در خانقاه سری عباس میرزا به چاپ رسیده و ظاهراً نخستین کتاب فارسی چاپ ایران است، منتشر شده است.

مصحح این کلیات خان هر رب هر بیگتون است و در مقدمه نامحذو انگلیسی کتاب، آن را به «انجمن آسیایی در سنگال» تقدیم کرده است. او مقدمه‌ای به انگلیسی در تعظیم و تکریم سعدی، همراه با ترجمه انگلیسی نمونه‌ها از آثار وی، به کتاب افزوده است. مسحصات این تصحیح در فهرست کتابهای چاپی فارسی مشار و دلیل آن نیامده است، اما در فهرست چاپهای آثار سعدی در نشه قاره، تألف سید عارف موساهی، به عنوان نخستین چاپ، ذکر شده است. حروف کتاب به قلم بستعلیق طراحی شده و اسعار عربی به فلم سح درشت‌تر و همراه با اعراب‌گذاری است. اتصال ناسیانه حروف، یکدستی نگارش، بستعلیق کتاب را کمی برهم رده است. در این کلیات بخشی با عنوان «خبثات» نیز وجود دارد.

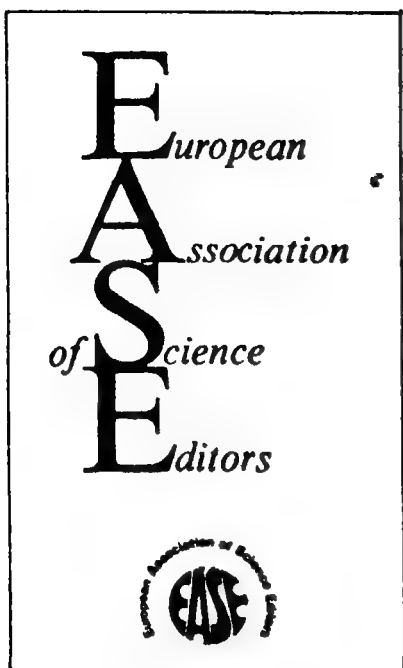
ابراهیم افشار

### • اروپا

#### انجمن اروپایی ویراستاران علوم (EASE)

ویراستاران شریات و کتابهای رسته‌های گوناگون علمی می‌توانند به عضویت این انجمن که مقر اصلی آن در اروپاست درآیند. خدماتی که انجمن در اختیار اعضا می‌گذارد عبارتند از:

- دایر کردن جلساتی در زمینه یافتن و حفظ نویسندگان، مشاوران، خوانندگان، ناشران و چاپگران مناسب
- چاپ سریع و کم‌هزینه، دستیابی به آخرین روشهای مدرن ویرایش و چاپ، و سایر مسائل مربوط به انتقال اطلاعات علمی
- چاپ سه شماره از بولتن ویرایش علوم در اروپا (European Science Editing) در سال، شامل مقالات، گزارش سمینارها و اخبار مربوط به کتابها و مقالات در این زمینه.
- فرصت تهیه کردن کتاب ویرایش کتابها و محلات علمی (۱۹۷۸) (Editing Scientific Books and Journals) بوسیله میواوکار و بحسهای از راهنمای ویرایش (Eduterra Editor's Handbook)، ویراسته جان گلن.



انجمن اروپایی ویراستاران علوم (European Association of Science Editors) در مه ۱۹۸۲ در فرانسه از ادغام دو سازمان ویرایش تشکیل شد. انجمن ویراستاران علوم ریستی اروپا و انجمن ویراستاران علوم رمین ساسی اروپا. انجمن فعلی همچون انجمنهای سلف خود سازمانی است عراشعاعی که کارش محصرا علمی و آمورسی است. اهداف این انجمن عبارتند از ایجاد ارتباط بهتر در زمینه علوم از طریق تدارك ابرار مؤنتر برای ایجاد همکاری میان ویراستاران در زمینه‌های علمی گوناگون و یاری رساندن به سر بهر علوم انجمن هر سه سال یک بار کفراس و محمعی عمومی تشکیل می‌دهد و همچنین به کفراسها و حلصات علمی، بحصوص دایر کردن کارگاههایی برای ویرایش برشکی، ریر نظر محله برشکی بریتانیا، کمک می‌کند.

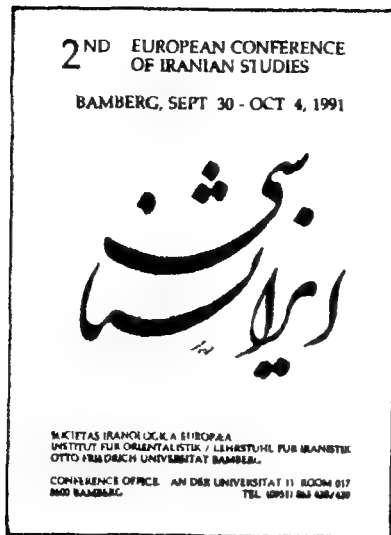
انجمن ویراستاران علوم وابسته به سازمان استانداردسازی بین‌المللی، انجمن بین‌المللی علوم ریستی و انجمن بین‌المللی علوم رمین ساسی است. انجمن همچنین در زمینه ارتباطات متقابل اطلاعاتی وابسته به سازمان یوسکو، از طریق انجمنهای بین‌المللی علوم ریستی و رمین ساسی، به شورای بین‌المللی انجمنهای علمی، وابسته است. انجمن فعالانه با شورای ویراستاران ریست ساسی و انجمن ویراستاران علوم زمین ساسی امریکا همکاری دارد. همچنین با انجمن ویراستاران علوم هلند، انجمن ویراستاران و مقاله نویسان علمی هلند و کالج ارتباطات علمی فرانسه همکاری دارد.

چهارمین مجمع عمومی و کفراس انجمن اروپایی ویراستاران علوم در ۸ تا ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۱ در کالج کبک در آکسفر (انگلستان) برگزار شد.

افراد و مؤسسات می‌توانند با پرداخت حق عضویت (۲۵ پوند در سال) به عضویت این انجمن درآیند و بولتن ویرایش علوم در اروپا و جزوه‌های دیگر انجمن را دریافت کنند. افراد و مؤسسات کشورهایی که مسئله ارزی دارند نیز می‌توانند، از طریق اعضای سایر کشورها، به عضویت انجمن درآیند که در این صورت باید سالانه ۱۴ پوند اضافه



## کنفرانس ایرانشناسی در آلمان



«انجمن ایراسیاسی اروپا»، «دومین کنفرانس مطالعات ایرانی» را از تاریخ ۳۰ سپتامبر تا ۴ اکتبر (۸ تا ۱۲ مهر ماه ۱۳۷۰) در شهر بامبرگ در آلمان برگزار کرد. انجمن ایرانشناسی اروپا (Societas Iranologica Europaea) در سال ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ شمسی) توسط مستشرقان و ایران‌شناسان اروپایی تشکیل شده است و یکی از برنامه‌های مهم آن برگزاری کنفرانس در زمینه مطالعات ایرانی هر چهار سال یک بار است. کنفرانس اول در سال ۱۹۸۷ در ایتالیا برگزار شد. دومین کنفرانس مطالعات ایرانی به همت استیو شرقی‌شناسی دانشگاه اوتو-فردریک بامبرگ تشکیل شده بود.

صبح روز اول (دوشنبه) برنامه‌های افتتاحیه بود. سخنرانی‌ها در بعدازظهر همان روز آغاز گردید. سخنرانی‌ها در صبح و بعدازظهر در سه بخش انجام می‌گرفت و مجموعاً حدود هفتاد سخنرانی ایراد گردید. شرکت‌کنندگان و سخنرانان عمدتاً محققان و استادان دانشگاه‌های اروپا، مخصوص کشورهای اروپای غربی (آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، هلند، سوئد) بودند. از آمریکا و سوئیس (ارجمه گرجستان و تاجیکستان) و همچنین از ایران نیز عده‌ای شرکت کرده بودند (سرپرست مرکز نشر دانشگاهی نیز با دعوت دانشگاه بامبرگ در کنفرانس شرکت داشت). تعدادی از محققان ایرانی معین اروپا و آمریکا نیز شرکت کرده بودند و بعضاً سخنرانی‌هایی ایراد کردند. زبان سخنرانی‌ها عمدتاً انگلیسی، آلمانی، و فرانسه بود، ولی یکی دو سخنرانی هم به زبان فارسی ایراد گردید.

موضوع سخنرانی‌ها عام بود و مسائل دینی، تاریخی، زبان‌شناسی، هنری، ادبی، فلسفی و عرفانی چه در دوره پیش از اسلام و چه پس از اسلام را در بر می‌گرفت.

ارجمه سخنرانان معروف در این کنفرانس فیلیپ ژیبو (از فرانسه)، ژراردونولی (از ایتالیا)، رونالد امریک (از آلمان)، آن‌ماری شیمیل (از آلمان و آمریکا)، برگل (از سوئیس)، بوواتس (از سوئد)، میکلاسیس ویلیامز (از انگلستان) و دوبرون (از هلند) بودند. ریچارد فرای (از آمریکا) نیز شرکت داشت و خانم لمتن (از انگلستان) نیز در میان

صحنه نبود. نویسندگان و ویراستاران بالاتر از ۶۰ سال، که از ری تمام‌وقت برخوردار نیستند، می‌توانند برای حق عضویت ۱۴ پوند برابری برای اطلاع بیشتر با آدرس زیر تماس بگیرند.

EASE Secretariat  
49 Rosendale Way  
London NW1 0XB  
UK  
Tel (071)-3889668

فرین

## اتحادیه بین‌المللی ویراستاران علوم

این کنفرانس اتحادیه بین‌المللی ویراستاران علوم از ۱۵ تا ۱۸ شهریور ۱۹۹۲ در بحرین برگزار می‌شود. موضوعاتی که در این کنفرانس بحث خواهد شد عبارتند از: حکم‌گذاری دایر کردن و گرداندن علمی در کشورهای حاورمیانه، حذف نویسنده و حواصده، و ویرایش در محلات علمی، مسائل فنی نشر محلات علمی، تجربه میان گرداندگان محلات و دایر کردن دوره‌های آموزشی محلات علمی.

در این کنفرانس همچنین «انجمن ویراستاران علوم حاورمیانه» تشکیل خواهد شد که اهداف آن عبارت است از:

بیشتر امور علمی در حاورمیانه، حذف نویسندگان به محلات محلی و جلوگیری از حذف شدن آنها بلام بین‌المللی،

ترتیب ویراستار و نویسنده در ساحه‌های گوناگون علوم، تقویت همکاری میان ویراستاران علوم به منظور ارزیابی آثار، کارگاه‌های ویرایش و انجام کارهای مشترک، تبادل تجربه میان محلات،

فراهم کردن کمک مالی به منظور برپا کردن کنفرانسها و چاپ آنها و سالنامه‌های علمی،

کمک به تأسیس محله‌های تخصصی علمی در حاورمیانه، معرفی و رسمیت بخشیدن به محلات علمی در مؤسسات و محافل علمی جهان،

فراهم مایل به شرکت در این کنفرانس می‌توانند برای دریافت نور کنفرانس با آدرس زیر مکاتبه کنند.

Mrs Gerda Helbig  
IFSE Secretary-Treasurer  
ISSZ  
Kiebitzrain 84  
3000 Hannover 51, Germany  
Fax 49 511 6044507

علی صلحجو

مدعوین دیده می‌شد. از ایران میر دکتر جواد طباطبانی، دکتر احسان اشراقی، استعفا پانوسی، دکتر علی‌اصغر مصدق، و دکتر اردبیر خدادادیان سخنرانی کردند.

تعداد شرکت‌کنندگان حدود ۱۵۰ نفر بود و تعداد سخنرانها حدود ۷۰ تا. هم سخنرانهای تحقیقی ارائه‌شد و هم سخنرانهای بی‌مایه. ولی کیفیت سخنرانها رویهم‌رفته خوب بود. مدیریت کنفرانس هم بسیار خوب بود و پروسه‌ور برب فراگیر الحق توانست به نحو ساینده‌ای کنفرانس را اداره کند، چه از نظر برگزاری سخنرانها و چه از نظر میزبانی از شرکت‌کنندگان.

دانشگاه اوتو-فردریک نامرگ دانشگاه خوانی است و اسپینو شرقشاسی در این دانشگاه از آن خوانتر اس اسپینو، به دلیل حضور سه تن از استادان ایراساس در آن، بخصوص سخن فراگیر و علاقه‌ای که وی به ایران و مطالعات ایرانی دارد، در زمینه مطالعات اسلامی و شرقشاسی خود بیشتر به ایران و زبان فارسی تأکید می‌کند. کنفرانس اخیر میر شاه‌ای از همین تأکید بود. با این کنفرانس، دانشگاه نامرگ توانست خود را به جامعه مستشرقان معرفی کند و نام خود را در دفتر تاریخ مطالعات ایرانی بس نماید.

ن. د.

## ● گرجستان

### ترجمه «درخت آسوریک»

حامی ته نوخه‌نیدره (Feo Chkheidze) کتاب درخت آسوریک و ترا به گرجی ترجمه کرده است. ته نوخه‌نیدره عضو اسپینو حاورشاسی فرهنگستان علوم گرجستان و یکی از منحصصان زبان و فرهنگ فارسی در این جمهوری است. وی در سال ۱۹۷۵ کارنامک اردبیر نامکان و در سال ۱۹۷۷ ناذاگار ریریران را به گرجی ترجمه و چاپ کرده است. درخت آسوریک از روی متن چاپ ماهیار بوابی (۱۳۴۶) ترجمه شده و همراه با متن بهلولی در بربار ۱۷۰۰ نسخه مسر شده است.

حمشید گیوناشوولی

## ● پاکستان

### بیستمین سال تأسیس «مرکز تحقیقات فارسی»

#### در پاکستان

به مناسبت بیستمین سالگرد تأسیس «مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان» مراسمی در اسلام‌آباد برگزار شد که در آن علاوه بر فرائد پیام وزیر فرهنگ و ارشاد جمهوری اسلامی هند تن از استادان و سمرای ایرانی و پاکستانی سخنرانی کردند. دکتر نصرالله بورحوادی سرپرست مرکز سر دانشگاهی بیریکی از سخنرانان بود. اس مراسم دو روز (۷ و ۸ آبان) طول کشید. روز دوم (۸ آبان) درواقع کنگره‌ای بود درباره شعر فارسی در پاکستان که در هتل فلتن مین در راولپندی برگزار شد و در طی آن تعدادی از سمرای پاکستانی به خواندن اشعاری که سروده بودند پرداختند. در پایان، مراسم هوالی بود و قوالان اشعار اردو و فارسی (بخصوص از امیر خسرو و دهلوی) را خواندند.

مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان که در آبان ۱۳۵۰ به منظور حفظ و اساعه زبان فارسی در پاکستان تأسیس شده است یکی از مراکز فرهنگی موهی بوده و تاکنون فعالیتهای فرهنگی و انتشاراتی قابل

ملاحظه‌ای احام داده است که انتشار بیش از ۱۲۰ جلد کتاب و بهه چاپ چندین جلد فهرست نسخه‌های خطی فارسی در پاکستان از آ حمله است. این مرکز دارای کتابخانه‌ای است به نام «گنج بحس» حاوی ۱۴۰۹۶ نسخه خطی نفیس است.

## ● آمریکا

### انجمن استادان زبان فارسی

گروهی از ایرانیان مقیم آمریکا و علاقه‌مندان به زبان فارسی، در دوس و بیم پیش انجمنی به نام «انجمن استادان زبان فارسی در امریکه» تأسیس کرده‌اند. هدف از تأسیس اس انجمن «سویق و تقویت تحصب و تدریس زبان و ادبیات فارسی و تسهیل همکاری و تبادل نظر مد آموزگاران و استادان زبان فارسی و ایجاد هماهنگی حرفه‌ای» است. شانی انجمن این است:

American Association of Teachers of Persian  
600 Kent Hall, Columbia University,  
New York, N.Y., 10027

## ● آمریکا

### ترجمه انگلیسی «بوف کور»

انتشارات دانشگاه بریستون اخیراً ترجمه انگلیسی بوف کور، ا معروف صادق هدایت را منتشر کرده است. این قصه با عنوان 'and w/ توسط مایکل برود، داسپار زبان انگلیسی در دانشگاه داکوما شمالی به انگلیسی درآمده است. صاحب‌بظران خارجی آن را به «داستان عربی» یا داستانی که به سیوه عربی بوسه شده است، معرفی کرده‌اند.

دانشگاه بریستون تاکنون ترجمه حدابر فارسی را منتشر کر است که از آن حمله است/صفهان نصف جهان، اثر محمدعلی جمال‌ا (۱۹۸۳، ۳۱۱ ص).

## ● انگلیس

### بی بی سی و زنان کشورهای فارسی زبان

رادیو بی بی سی در برنامه‌های ماه گذشته خود (مهرماه) به بررسی و زبان در ایران، افغانستان، تاجیکستان و پاکستان پرداخت که صن مطالب و مناحب ریر مطرح گردید.

تجربیات زبان در انقلاب اسلامی ایران، تصویر زبان در ادبیا فارسی و سینمای امروز، آموزش و پرورش، قانون حمایت خانواده... جنگ دوازه ساله افغانستان و لطمه‌های آن بر زبان فعالیت‌های زبان در رشته‌های علمی، صنعتی، ترسکی، حقوق، ادبیات، مده... سلامت و بهداشت زبان و مادران، سیوه‌های زندگی زبان و بطرا آنان درباره زندگی.

## ● آلمان

### توقف انتشار مجموعه آثار مارکس

سیاد «مگا» که در برلین مستقر است و تاکنون عهده‌دار انتشار آثار مارکس و انگلس بوده است، اعلام کرد که انتشار آثار این دو متفکر عمده مارکسیسم را متوقف کرده است.

بعد از اتحاد دو آلمان ملحقه‌ای از بودجه حزب کمونیست سابق آلمان در اختیار این سیاد قرار گرفت تا صرف جاب و انتشار مجموعه کامل آثار مارکس و انگلس شود، اما اخیراً دولت ایالتی برلین به منظور بررسی حسابها و سرمایه‌های حزب کمونیست تصمیم به قطع این بودجه گرفت. مجموعه آثار مارکس و انگلس قرار بود در ۱۳۰ جلد چاپ شود و تاکنون فقط ۴۴ جلد آن چاپ شده است.

## ● چین

### فرهنگ بزرگ زبان چینی

حاصل کار ۴۰۰ استاد و زبان‌شناس و کارشناس چینی در طی ۱۵ سال سرانجام به صورت کتابی به نام فرهنگ بزرگ زبان چینی در هشت جلد انتشار یافت.

این فرهنگ شامل ۵۴۶۷۸ مدخل واژه قدیم و جدید است، هر مدخل دارای یک تعریف و توضیح دقیق و روس همراه با مثالها و بحریه و تحلیل و سیوه تلفظ به خط لاتین و نیز سابقه تاریخی کلمه است گفتنی است که قدیم‌ترین فرهنگ حامی زبان چینی در سیصد سال پیش منتشر شده است.

## ● ایتالیا

### «فلزها» برنده جایزه مخصوص نمایشگاه بولونیا

تشریه  $ABD$ ، فصلنامه انجمن توسعه کتاب در آسیا و اقیانوسیه، در آخرین شماره خود خبر داده است که کتاب فلزها نوشته بهرام امین سلماسی برنده جایزه مخصوص نمایشگاه امسال کتاب کودک در بولونیا شده است.

هیئت داوران این کتاب را به دلیل «شان دادن شیوه خلق و تولید به کودک و پرورش خلاقیت در کودک» به عنوان بهترین کتاب عرصه شده در نمایشگاه برگزیده است. موضوع کتاب داستان مردی است که با دو سر خود می‌کوسد تا آرزوهای فراخ بهترین استفاده را نکند و آنها را به صورت مجسمه حیوانات درآورد.

کتاب فلزها در مجموعه «دوباره نگاه کن» (از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) چاپ شده است. کتاب برگزیده در همین مجموعه در سال ۱۳۶۴ برنده جایزه اول نمایشگاه شده بود.

## ● هند

### واردات کتاب ناشران هندی را تهدید می‌کند

در هر سال حدود بیست هزار عنوان کتاب در هند چاپ می‌شود که ۴۰ درصد آنها به زبان انگلیسی است، اما صادرات کتاب هند هرگز نتوانسته است به سطح واردات کتاب از کشورهای انگلیسی زبان برسد، چنانکه در سال گذشته بالغ بر ۳۵۰ میلیون روپیه کتاب وارد هند شده در حالی که میزان صادرات کتاب در حدود ۱۲۰ میلیون روپیه بوده است. قوانین هندوستان نسبت به واردات کتاب آسانگیر است و غالب

## فرانسه

### مقابله با خطر بی‌هویتی

مجمع عمومی یونسکو که با سرکب نمایندگان ۱۶۰ کشور جهان در ریس تشکیل شد، مباحثی از قبیل آموزش و آینده، علوم در خدمت سرف و محیط، فرهنگ گذشته و حال و آینده، ارتباطات در خدمت مر، برنامه یونسکو برای توسعه، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. دکتر مصطفی معین، رئیس هیئت نمایندگی ایران در سحرابی خود یونسکو را نهادی قدرتمند برای مقابله با خطر نالغوه بی‌هویتی. فرهنگهای بومی جهان توصیف کرد و گفت «نابودی هویت، اصالت و نان فرهنگ کشورهای جهان سوم يك خطر جدی است».

رئیس فرهنگ و آموزش عالی همچنین خاطرنشان کرد که «علم و بهد دیی و ارزشهای اجتماعی مکمل یکدیگر هستند و تنها نظامی که اساس فطرت حداحوی انسانی و امال و اهدافی مانند صلح، تفاهم، هائی و عدالت اجتماعی باشد متناسب با شرایط جدید و بیارهای جامعه بین‌المللی است».

## کویت

### بازگشایی دانشگاه

انستگاه کویت و هرستانهای می این کشور که بر اثر حمله و تجاوز برای سته سده بودند، در اوایل مهرماه فعالیت خود را از سر گرفتند که لسته به دلیل خرابیهای ماسی از جنگ فعالیت آنها بسیار محدود است. دانشگاه کویت تا پیش از حمله و استعمال این کشور توسط عراق ازای ۵۰۰ هزار جلد کتاب بود که تقریباً بیسترا آنها به غارب رفته است و رآن همه در حدود ۲۵ هزار جلد ناقی مانده است. ارتشیان عراق پس از شغال کویت با کمک استادان اعزامی عراقی وسایل آزمایشگاهها و کتابخانهها و تجهیزات کامپیوتری دانشگاه کویت را غارب کردند.

## ● سوئد

### برندگان جوایز نوبل

برهنگستان سوئد و کمیته نوبل برود که اداره امور نیاد نوبل را بر عهده اربد برندگان امسال (۱۹۹۱) جوایز نوبل را اعلام کردند.

- جایزه صلح به آنگ سان سوکیا رهبر سیاسی مخالف دولت میانما،
- جایزه ادبی به نادین گوردیمر نویسنده آفریقای جنوبی،
- جایزه پزشکی به اریک ناهر دانشمند آلمانی،
- جایزه اقتصاد به روبالدکاس از دانشگاه شیکاگو،
- جایزه فیزیک به پی‌یرزیل دوزن از دانشکده فیزیک پاریس،
- جایزه شیمی به ریچارد ارنست از دانشگاه زوریخ.

- کتاب المساعر ملاصدرا سیراری، ترجمه هابری کرس  
- کشف المحجوب ابویعقوب سجستانی، ترجمه هابری کرس

## ● آلمان

### چهارمین سال «سیمای ایران»

فصلنامه سیمای ایران یا آئینه ایران که توسط رابری فرهنگی ایران در  
ن به ریان آلمانی منتشر می شود، سومین سال انتشار خود را با موفقیت  
بشت سر گذاست. این سریه دارای سه بخش مقالات، معرفی کتاب،  
احبار است که همگی به انعکاس فعالیت های فرهنگی در ایران احصاء  
دارند

## ● آلمان

### جایزه برای محقق ایرانی

اتاق صایع و ماررگانی شهر رنگی در آلمان حایره علمی امسال خود را  
یک هریکدان جوان ایرانی اهدا کرد این حایره به مناسبت تألف رسا  
«سناسایی ارباب هسه ای از طریق طف سح سعه هادی» به محم  
صالحی طالقانی بعلی گرفت محمود صالحی در سال ۱۳۴۱ در بهرا  
متولد سده است و هم اکنون سرگرم تحصیل در دوره دکرای فزیک  
المان است

محمود صالحی در تحقیقات خود تأیر بر توهای آسیب را:  
رادیو اکتیو بر مواد طبیعی را بررسی کرده و نتیجه گرفته است که فارجم  
مقدار سنسار ناحیری «سریوم-۱۳۷» حد می کند و در نتیجه در موارد  
مثل فاحه حرو بیل ارباب رادیو اکتیو بر روی گیاهان بومی سنسار ناح  
بوده است

ناطران علمی تحقیقات محمود صالحی را «دستاورد حوسو  
کنده ای برای جهان علم» توصیف کرده اند

## ● غا

### تأسیس کتابخانه نوسط ایران

رابری فرهنگی ایران در عا در سال گذشته کتابخانه ای در مسج  
مرکری کماسی در اکرا تأسیس کرد که اکنون، وس از گذسب حد ما  
به صورت سومین کتابخانه عا از جهت وسعت و تعداد کتاب درامد  
است

این کتابخانه همحیی سها کتابخانه حصصی اسلامی در کسو  
عناست

## ● هد

### سمینار شعر معاصر فارسی

برای بررسی وضع شعر معاصر ریان فارسی سمیناری در سالن کفراند  
دانشگاه دهلی برگزار سد که در آن علاقه مدان به ریان و ادبیات فارسی  
چند تن از استادان ریان فارسی در هد سرک کردند.

در این سمینار از استاد عاندی که از حامیان وفادار ریان و ادبیات  
فارسی در هد بوده و در این رمیه تألیفات ارزنده به حای گذاشته است  
تحلیل و قدردانی شد و لزوم گسترش آموزش ریان فارسی مورد تاک  
قرار گرفت.

ع. روح بخشا

کتابهای وارداتی از برداحت مالیات معاف هسند و این امر ناسران  
هدی را در موقعیتی دسوار و ناگوار قرار داده است ریرا که واردات  
کتاب صعب سر داخلی را از رویی انداحه است در نتیجه این امر  
تجدید نظر در مقررات مربوط به واردات کتاب مورد بوجه مسؤولان قرار  
گرفته است البته واردات کتاب از مساعل بر سود در هندوستان است و  
وارد کنندگان در مقابل هر اقدامی که فعالیت سار را محدود کند مقاومت  
شان می دهد

## ● ژاپن

### رونق بازار کتاب و مطبوعات

مبلغ کل فروش کتاب و محلات در سال گذشته در ران به ۲۱۳۰ میلیارد  
ین رسید که ۴۴ درصد سسر از کل فروش سال قبل از ان است  
النه وضع قواین مالیاتی تازه در دو سال قبل سبب کاهش فعالیت های  
انتشاراتی در نیمه اول سال گذشته سد، اما در نیمه دوم سال گذشته اسنار  
کتاب و مطبوعات رونقی تازه گرفت و بهای کتاب افراس نا ف بی آنکه  
تأثیری در تیراژ داشته ناسد

میران فروش محلات بر دیک به ۱۲۶۴ میلیارد ین (۶۱ درصد  
افزایش سبب به سال قبل) و میران فروش کتابها در حدود ۸۶۶ میلیارد  
ین (۲۱ درصد افرایش) بوده است و این امر اقبال روزافزون رانسیها را  
به محلات نشان می دهد در میان کتابهای چاپ سده در ران کتابهای  
طرامیر ۲۰ درصد افرایش اسنار داشته اند.

در سال گذشته جمعا ۳۸۶۸۰ عنوان کتاب با تیراژ نفرسی ۳۵۰  
میلیون نسخه چاپ شده است تعداد محلات ران به ۲۳۲۴ عنوان  
می رسد که ۱۵۵ عنوان از انها برای اول بار منتشر سده است

## ● فرانسه

### مجموعه «اسلام معنوی»

مؤسسه انتشاراتی وردی یر (Verdier) در پاریس از سس سال بیس  
انتشار مجموعه «اسلام معوی» را ریر نظر کریسیس رامه، ساگرد  
هابری کرس از سر گرفته است کتابهایی که در این مجموعه اسنار  
می یاسد دو دسه هسند یک دسته کتابهایی که بیس از این در مجموعه  
«گنجینه ایرایی» ریر نظر هابری کرس در نهران منتشر سده اند و اکنون  
نایاب هسند، و دسته دیگر کتابهایی که برای اولین بار به فرانسوی  
ترجمه شده اند از این مجموعه تاکنون چند کتاب به چاپ رسیده است،  
از جمله.

- کاسف الاسرار بورالدین عبدالرحمن اسفراسی، ترجمه هرامن  
لندولی،

- کتاب حکمة الاسراى شهاب الدین یحیی سهروردی، ترجمه  
هانری کرس،

### دکتر محمدعلی حقیقی

دکتر محمدعلی حقیقی، اسناد دانشگاه و سرکل اسبق سازمان نظام پزشکی، در اوایل آبان به علت بیماری قلبی در هفتاد و هشت سالگی درگذشت.

دکتر حقیقی در حالیکه از محترم ترین و مسندترین پزشکان ایران بود، هرگز ارباب خود را با مردم محروم و نیازمند جامعه قطع نکرد و تا پایان عمر در مطب قدیمی خود در میدان وحدت اسلامی (میدان ساپور) به خدمت بیماران نابینا سهر ادامه داد.

از دکتر حقیقی به عنوان معلم اخلاق، اسوه سراف و تعوی، خدمتگزار صدیق جامعه پزشکی و مردم محروم یاد شده است. دکتر حقیقی در توسعه تسهیلات دانشگاهی و تضح گرفتن سازمان نظام پزشکی نفس فعال و سارنده داشت.

### مجید مسعودی

مجید مسعودی، مترجم و گوینده و برنامه نویس قدیمی رادیو بی بی سی در اواخر مهرماه در هفتاد سالگی در لندن درگذشت.

مجید مسعودی در سال ۱۳۰۱ در تهران متولد شد. تحصیلات متوسطه را در مدارس علمیه و دارالفنون گذراند و پس از حیات جهانی دوم به سمت مترجم در وزارت دارایی و شرکت نفت خدمت کرد.

۱۳۳۶ به لندن رفت و به همکاری با بخش فارسی بی بی سی پرداخت و در ۱۳۶۰ بازنشسته شد.

مجید مسعودی علاوه بر کار در بی بی سی به فعالیت فرهنگی هم می پرداخت و چند کتاب را به فارسی ترجمه کرده است. مانند تاریخ انگلستان (اندرو موروا)، همیشه عصر (کاترین ویدروور)، از ترجم برادر پاس (استفان سواک).

### حسین تنیخ

حسین تنیخ، یکی از آخرین ساگردان کمال الملک و نقاش برجسته معاصر در روز نوزدهم مهر در نودسالگی درگذشت و با تسبیح حناره ناسکوهی که توسط ساگردان او و هردوسان برقرار شد، به خاک سپرده شد.

اسناد حسن تنیخ پس از اتمام تحصیلات مقدماتی وارد هنرستان کمال الملک شد و پس از پایان تحصیل در همانجا به تدریس و تعلیم پرداخت و سالها اداره و ریاست آن را بر عهده داشت. او آسانی والا و معلمی وارسته بود که تمامی عمر را به تعلیم و تعلم صرف کرد. از استاد حسن تنیخ تابلوهای بسیار بر جای مانده است که غالباً امضا دارند و معروف ترین آنها «هفت سن» (در کاج گلستان) و «نقش و نحاری» (در موزه هنرهای معاصر) هستند.



### تذکری درباره مقاله «اختصارات و زبان فارسی»

مقاله ارزشمند و محققانه «اختصارات و زبان فارسی» که در شماره سه جاب شد، دلیل عنوان «رحی از اختصارات و فف در کتابهای نوید» (در بخش ۳) ۹ علامت زیر آورده شده است.

هـ	وقف لارم
ط	وقف مطلق
ج	وقف حایر
ر	وقف محور
ص	وقف مرحض
لا	وقف مموع
فلی	وقف مموع
صلی	وصل اولی
صل	وصل کن

بد گفت که این علامات و فف در جهان اسلام هورچانکه باید و ساند رف بین المللی پیدا نکرده است. مگر آنکه به مدد قرآن معروف نه صحف المدینه که هر ساله در حدود ۲ میلیون نسخه از آن به رانتران اهدا سود. و مصحفهایی که همانند و هم اعتبار آن است. این کار عملی

سود دلاً برای آنکه سری در مصاحف مهم و معتبر و منابع علم قرائت و تحوید کرده باشیم، علامات حد مموع را نقل می کنم.

(۱) مصحف قاهره که به مصحف ملک فزاد هم معروف است

م	وقف لارم
لا	وقف مموع
ح	وقف حایر
صلی	وقف حایر و در عین حال وصل اولی
فلی	وقف حایر و در عین حال وقف اولی

(۲) مصحف المدینه که تسامحاً به قرآن مکه یا قرآن ملک | عهد هم

معروف است. خوشحانه علامات و فف این مصحف سرف عباً همانند مصحف قاهره است.

(۳) مصحف شام یعنی مصحف حوسنوشته عثمان طه خطاط هنرمند سوری بیر به همن ترتب است خوشبختانه این سه قرآن، معتبرترین حایهای قرآن در عالم اسلام است.

(۴) مصحف حوسنوشته حامدالامدی خطاط هنرمند اهل ترکیه، که طبع دارالکتب العربی است.

م	وقف لارم
---	----------

حال با توجه به ضبط و مقولات این منابع، در انتقاد از ۹ علامتی<sup>۶</sup> در مقاله آمده است، باید گفت علامت اول یعنی هـ = های دو چشم | د منابع معتبر - و حتی غیر معتبر - دیده نمی شود و حدس می ریم که علت چایی است (و از نوشتن «م» به صورت «هـ» ناشی شده است) علامت هفتم یعنی «هلی» هم که در برابر آن «وقف ممنوع» بسته شده درسته نیست، و شرح درست آن چنین است: وقف حایر و اولیٰ نا معدرب از تصدیع و اطالۀ کلام، نه واقع دریم آمد که در معا ارزشمند و بر اطلاع «ریان فارسی و اختصارا» این یک دو اسکال ماه بماند

بهاء الدین خرمشاه

### چهره واقعی ادبیات غنی فارسی را باید نشان داد

مقاله «سیرین در حسمه» را خواندم و لذت بردم کاری که در این مقاله (مقالات دیگر سما) انجام گرفته متکرانه است و اگر به حواس حس ادامه یابد ادبیات ایران را از این رکود نجات خواهد داد، چه اگر استاد ی درباره سحر و فلاسفه و عرفا مطالب اصیل ارائه نماید آن وقت ادبیات غنی فارسی، چهره واقعی خود را به جهانیان نشان خواهد داد آنها را به سوی خود جلب خواهد کرد

.. اگر سما به کتابخانه های دانشگاه های فرانسه سری برسد بعد از ریادی مقاله و کتاب و تر مواحه خواهید شد که درباره سحرای در- دوم و سوم فرانسه بسته شده است و در آنها کارهای این سحرانادف موسکافی مورد تحریه و تحلیل قرار گرفته است حال آنکه کار حیداء هور درباره برگزین سحرای ما صورت نگرفته است

من هنگامی که مسعود تحقیق درباره سعدی بودم، تمام مقالات درباره سعدی را فتوکی کردم، کتابها را خواندم و از آنهمه مقاله و کتاب بحر چند تایی جیر اررسمندی بیافتم همه آنها یا تکرار مکررات بود و لغاطی و مطالب بیهوده به سراع دوسه تری هم که به وسیله داسخویا ایرانی به زبان فرانسه درباره سعدی بسته شده بود بیرفتم وضع همین موال بود. کار ایران سیاستان بیر بیس از آنکه حسمه دوفی داسد، حسمه آماری دارد و عالیا عدد و رقم سان می دهند- آنها ملا سراع این می روند که ببینند حد مار بلبل و کلاخ در اسعار موحهری عصری آمده است و

جعفر آقایی چاوشی (ناریس)



سر دبیر گرامی سر داس.

ما عرض سلام، مقاله سیار خوب «نقد ترجمه احبار الطوال» به حجاب آقای مصطفی موسوی را خواندم و از رحمتی که تحمل فرموده بسیار سنا سگزار سدم. با افرار به اینکه مواردی که با نظر لطف تصحیح بیشهاد شده است صحیح است، از ناسر محرم استدعا شد در آغاز پایان حاب بعدی کتاب مطالب مقاله جناب موسوی را به نام خود- ریت بخش کتاب فرار دهد، با آروزی توفیق بیسر برای ایه امیدوارم همچان از اظهار لطف و راهنمایی خودداری نفرماید محمود مهدوی دامغان

ط	وقف مطلق، مجرد از لرم و حوار
ح	حواز و وقف، و در عین حال وقف اولی
ص	رحص
ز	حواز، و در عین حال وصل اولی
لا	وقف ممنوع
ق	وصل، و در عین حال حوار و وقف
قف	وقف کوتاه و گذرا
ع	رکوع

(۵) مصحف حوسونشته استاد حبیب الله فصایلی، طبع تهران، انتشارات سروش، که هم به صورت مستقل و هم همراه با ترجمه آقای عبدالمحمد آینی بارها به طبع رسیده است

م	وقف لارم
لا	وقف ممنوع
ط	اولی بودن وقف، برابر با (قلی)
ج	حایر بودن وقف
ر	اولی بودن وصل، برابر با (صلی)

(۶) شادروان حسن بیگلری، صاحب کتاب سرالیان می علم الفرائ که از مشهورترین و معتبرترین کتب فرائ و تحوید در زبان فارسی است، در همین کتاب، در فصلی که مربوط به «علائم وقف» است می نویسد «شیخ عبدالله سجاوندی (به فتح سین) یکی از فرّاء اهل سنت و جماعت، شش حرف به عنوان نشانه وقف وضع نموده است که مشهور به رموز سجاوندی است و عبارتند از: م، ط، ح، ر، ص، لا» سپس این شش علامت را شرح می دهد

م	وقف لارم
ط	وقف مطلق یعنی وقف بر آن کلمه و ابتدای از مانع در تمام صور و برد جمیع فرّاء مطلقا خوب است
ج	وقف حایر، لکن وقف اولی
ر	وقف محوّر، لکن وصل اولی
ص	وقف مرحص، یعنی به صورت طول کلام و وها نکردن نفس برای رسیدن به محل وقف یا خواندن تمام ایه، چنانکه معنای آن نیکو مفهوم شود، رحصی برای وقف موحود است

لا نشانه نفی و عدم حوار و وقف

(۷) آقای ابراهیم بورفری (مولانی) در کتاب تهدید القراءه (در شرح قواعد و قرآت فرّاء سعه، از طریق شاطبیه) همین شش علامت را با توضیحاتی همانند سراللیان آورده است. و در دلیل آن، به عنوان تکمله، علامانی را که متأخرین آورده اند و در بعضی فرّاءها دیده می شود- و ۱۱ علامت است- درج کرده است.

## نمایه سال یازدهم

این نمایه شامل عنوان مقاله‌ها و نقدها، عنوان کتابهای نقد شده، و نام نویسندگان و مترجمان این مقاله‌ها و نقدها و کتابهاست. نخستین شماره برابر هر مدخل شماره مجله و شماره دوم شماره صفحه است. عنوان کتابها با حروف مایل (ایرانیك) و عنوان مقاله‌ها و نقدها در گیومه آمده است.

امید طبیب‌راده

- آيينها و نمادهای اساساری: راههای رادن و  
دوباره رادن ۳۸۵  
آگاهی و جامعه ۴۳۴  
آلتهايم، هراتس ۵۳۴  
آل‌داود، سيدعلی ۳۸۲۰۴۰۱  
الوب، ميريام ۲۶۱  
ابوالقاسم بن احمد جهاني ← جهاني،  
ابوالقاسم بن احمد  
ابوحسبه احمد بن داود ديوري ← ديوري،  
ابوحفيه احمد بن داود  
احمد حام نامی ← رنده‌بل  
«اختصارات و ريان فارسی» ۱۳۵  
«از نوادر قصص گویان» ۲۴۵  
اسوارب، دوين حي ۴۴۳  
اسعدی، مرتضی ۰۷۹.۵۵۳۰۸۰۲۰۷۶.۴۴۱  
۲۵۶  
اسکالموفسکی، وويحيح ۱۲۲  
اسلامی بدوس، محمدعلی ۸۴۵  
اسرافى، احسان ۴۶۲  
اسکال العالم ۳۸۲  
«اطلاع‌رسانی و ريان» ۲۸۲  
«اعلام در ترجمه» ۳۲۲  
افسانه‌راهزنيهای اعراب در حلیح فارس ۵۴۲  
افسار، ایرج ۴۲:۲  
الحسینی المی، فاضی احمد بن سرف‌الدین  
الحسین ۲.۴۶  
القاسمی، سلطان محمد ۵۴۲  
الباد، میرجه [حا] ۳۸۵  
امینی، امیر هوسنگ ۵۳.۴  
امینی، فرهاد ۸۰۱
- اسس الثاني ۳۷۱  
«اسس التائس، سح احمد حام و تصوف حلی»  
۳۷۱  
«املائی که ناگراں بود» ۳۶۶  
اوسه، حس ۴۳۱  
«اوح و حصيص گه» ۵۱۶  
اورکاد، برنار ۶۹۴  
اوسا، مهرداد ۸۲۳  
«آولين فرهنگ جامع ريدينامه‌ای در ريان  
فارسی» ۴۳۱  
«ايراساسی در کسورهای آلمای ريان» (۱)  
۲۵۶  
ایرانی، ناصر ۳۶۶.۳۲۴.۴۶.۲۶۱  
«ماده عسی» (۱) ۴.۶  
«نارهم بيادگرایي اسلامی» ۵۵۲  
«نالای بهشت» ۱۱۱  
«نحی در فرهنگ نگاری و فرهنگ دورانه»  
فارسی-انگلیسی و انگلیسی-فارسی ۱۷۲  
«نديخته، متأسفانه، حوسخته» ۲۴۱  
برب، ادوين آرتور ۳۵.۳  
«برخورد اندیشه‌ها» ۵۷۶  
برك، راک ۵۷۳  
برگ بیسی، کاطم ۳۲۱  
بروجردی، آزاد ۰۴۹۱.۵۶۲.۰۵۷۳.۰۶۹۴  
۵۸۶۰۶۲۵  
بریگو، آندره ۵۵۲  
بلوکاسی، علی ۳۸.۵  
بررگداشت فردوسی ۶۴۱  
بورگل، ی ک ۱۴۶  
بو، کریسیان ۶۸۴

- «نهاریه، فصلنامهٔ انجمن فرهنگی ایران در رم» ۴۸۱  
بیاب، کاوه ۱۲۳  
نارسانی، سیروس ۴۳۱  
بارفیت، تودور ۵۵۳  
«بازه‌ای از مادی مابعدالطبیعی علوم بوی»  
۳۵۳  
«دیدارسانی مناسک تنریف» ۳۸.۵  
پرهام، سیروس ۵۱۶  
مورخوادی، علی ۵۰۲  
پورخوادی، نصرالله ۱۱۱، ۳۷، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵  
۲۵، ۴۶  
«نیوید، ماهنامهٔ فارسی تاجیکستان» ۶۰۲  
«تاریخ برماحرای اسماعیلیان» ۶۳۴  
تاریخ مفصل عرب قبل از اسلام ۳۲۱  
«تاریخکاری و خطری بی‌روایی» ۴۸۳  
«تازه‌ترین تحقیق دربارهٔ ایس مانی» ۶۷۴  
نجدد، بهال ۶۷۴  
تحلیل، تحلیل ۵۱۵  
«تحصیفات تازه در ریاضیاتی ایرانی» ۵۷۶  
«ترجمهٔ انتالیایی دویتهای نامظاهر» ۴۸۱  
ترجمه احبار الطوال ۵۵۵  
«ترجمهٔ تازه‌ای از فرمان کریم» ۵۷۳  
«ترجمهٔ درسنامهٔ برسکی آکسفورد» گامی مهم در  
جهت پیشبرد علم برسکی و زبان آن در  
فارسی» ۴۶۵  
«ترجمهٔ قرآن به زبان رومانی» ۷۸۱  
«ترجمهٔ فراسوی کشف المحجوب» ۵۶.۳  
«ترجمه‌های عربی و نامفهوم در زبان فارسی»  
۲۳۲  
«تصحیحی جدید از معیارالاشعار» ۵۱:۵  
تصوف و روان‌شناسی ۵۶۲  
«تصوف و معنویت اسلامی» ۶۸۴  
نفرشی، مجید ۲۵۳  
نکمله‌الاحبار (تاریخ صفویه از اعزاز تا ۱۷۸۹  
هجری قمری) ۴۰۱  
«نکمله‌الاحبار، کتابی برجسته در تاریخ عمومی»  
۴۰۱  
«توجه سلجوقیان به شاهنامه» ۳۵۰۲  
«حماقیا در نخستین سده‌های هجری» ۳۸.۲  
جغرافیای اداری امپراتوری ساسانی ۶۹.۴  
جلالی، عباس ۴۳۱  
«حنگ بایان یافتهٔ افغانستان» ۵۵:۲  
«حنگ در افغانستان» ۵۵:۲



«روابط ایران و امریکا و شوروی از جنگ  
بین المللی دوم تاکنون» ۳۲۰۴  
«روایت تاحک داستانهای کوتاه ایرانی» ۵۳.۲  
«روایات معراج در آثار نظامی» ۵۳  
رونا، اولیوی به ۵۵  
روحانی، محمدحسین ۳۲  
ع روح بحسان ۱، ۴۵، ۶۹، ۷۵، ۷۵.۳۰۲  
۷۷، ۸۸، ۸۹، ۹۴  
رارعی مهرور، عباس ۳، ۸۴  
ررساس، رهه ۱۲۲  
«ردگی صلاح الدین ایوبی» ۴۹.۲  
ریگونی، نصرالله ۵  
ریولی، ریکاردو ۱، ۴۷  
رمه، کریستان ۱، ۴۸  
رنده نیل ۱، ۳۷  
رینو، فیلیپ ۳، ۵۶  
سالک، عبدالله ۴، ۵۳  
ستیز سیادگرایی اسلامی ۲، ۵۵  
«سرگذشت اندیشه‌ها» ۴، ۴۳  
«سرگذشت حسن عرب ریان جهان اسلام» ۳  
۵۱  
سروس، عبدالکریم ۳، ۳۵  
سمیعی (گیلانی)، احمد ۳، ۵  
«سووسون به ریان انگلیسی» ۱، ۴۶  
ساندور، آلر ۲، ۴۹  
شریفی، احمد ۵، ۸۴  
سکورزاده بلوری، ابراهیم ۲، ۲۳  
«سماره تاره چکیده‌های ایران سیاسی» ۴، ۶۹  
«ساحب ساحتهای معوی در اسلام ایرانی» ۱  
۴۶  
«سیح بهانی و کنسکول او» ۳، ۴۴  
سیح، حسین ۶، ۸۳  
سیراری، عیدی بیگ ۱، ۴۰  
«سیرین در حسمه» ۲۰۴  
«سیوه‌ها و امکانات واره‌ساری در ریان فارسی  
معاصر» ۴، ۵۰۱۲  
صادقی، رضا ۵، ۴۶  
صادقی، علی اسرف ۴، ۵۰۱۲  
صدای شالیرار (مجموعه شعر و مقاله درباره تریح  
و تریحکاری) ۱، ۴۴  
صدری افسار، غلامحسین ۴، ۵۶  
صدری، مهدی ۲، ۴۶  
صدیقی، غلامحسین ۳، ۸۲

صفوت، داریوس ۴، ۶۶  
«صلاح الدین ایوبی» ۲، ۴۹  
صمدی، برگس ۱، ۴۷  
صوفیگری، تصوف و معنویت اسلامی ۴، ۶۸  
طاهری عرافی، احمد ۱، ۳۰۴۲، ۸۰  
طاهری، فرانیه ۶، ۱۴  
طباطبایی، سید حواد ۱، ۴۷  
طیب‌زاده، امید ۱، ۲۰۵۱، ۳۰۵۷، ۴۰۵۸، ۵۰۷۰  
۵۹، ۶۰، ۶۴  
«طرحی مفید برای بسرد سروه‌های  
سک سیاسی» ۲، ۵۱  
«طلعه دانشنامه جهان اسلام» ۱، ۴۲  
طوسی، حواجه بصیراندین ۵، ۵۱  
عبدالنافی، صیامیر ۴، ۶۶  
عبداللهی ۵، ۸۴  
عیدی بیگ سیراری ← سیراری، عیدی بیگ  
«عس حسرو و عس نظامی» ۵، ۲  
علاف، مقصور ۳، ۸۴  
علی بن عبدالسلام کاتب ← کاتب، علی بن  
عبدالسلام  
عمرانی، س الف ۵، ۸۴  
«عارنگران انا، تاریخی و فرهنگی» ۱، ۲  
علا سعه ۵، ۶۳  
«علطنامه» ۴، ۵۳  
علط نویسیم (فرهنگ دسواریه‌های ریان فارسی)  
۵۰، ۴  
فاضل، علی ۱، ۳۷  
فراگر، برت گم ۶، ۲۵  
فران پی، رضا ۱، ۴۴  
«فره‌های عالی» ۵، ۶۳  
فروعی، حسن ۲، ۳۲  
«فرهنگ سامدی غرلیات نظیری» ۱، ۴۷  
فرهنگ ریان فارسی امروز ۴، ۵۶  
«فرهنگ ریان فارسی امروز و کاستیه‌های آن» ۴  
۵۶  
فرهنگ ریدگی بامه‌ها (ح ۱) اناگمیل-اس یوس  
باطی ۱، ۴۳  
فرهنگ عمومی فارسی به آلمانی ۶، ۵۸  
«فرهنگستان و تغییر اسامی جغرافیایی در ایران»  
۱۲، ۳  
«فرهنگستان فرانسه» ۲، ۲  
«فرهنگستانهای اتحاد سوری» ۱، ۵  
فرهنگ فارسی - فرانسوی ۵، ۶۲

- «فرهنگ فارسی - فرانسوی لازار» ۶۲.۵  
 «فلسفه و علم در دنیای اسلام» ۶۰:۵  
 فوتن، باتریس ۶۸.۴  
 فولادوند، عزت‌الله ۴۳:۴  
 قادر، سی ای ۶۰.۵  
 قاسم‌زاده، محمد ۴۳:۱  
 قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین الحسینی  
 القمی ← الحسینی القمی، قاضی احمد بن  
 شرف‌الدین  
 قاضی، محمد ۴۹:۲  
 «قالی ایران، ناع همیشه بهار» ۶۸:۴  
 «قبیله سیردهم، اساطیر گم‌شده، یا یهودی  
 سرگردان؟» ۵۵:۳  
 قوام‌نژاد، مهدی ۶۲:۵  
 کاتب، علی بن عبدالسلام ۳۸:۲  
 «کاخ سفارت ایتالیا در تهران» ۵۵:۲  
 «کاربرده‌های اعداد در قصاید حافظی» ۲۹:۵  
 کامی، علی ۱۳:۵:۲۸  
 «کتابهای تازه» ۵۰:۷۰ ۴۰:۵۸ ۳:۵۷ ۲:۵۱ ۱:۵۱  
 ۵۹:۶۰۶۴  
 «کتابهای جدید اکتا ایرایکا» ۴۹:۱  
 کمالی، سید حسین ۳۵:۳  
 کمکهای اقتصادی در دوران باستان ۵۳:۴  
 «کهن‌ترین متن ترجمه شده از زبان فرانسه به زبان  
 فارسی» ۱۹:۴  
 گزیده دو کلمه حرف حساب ۴۵:۱  
 گل‌افا ۴۵:۱  
 گلستانی داریابی، نادر ۵۸:۶  
 گنجینه معنوی ۵۶:۳  
 گیران، ریکا ۶۹:۴  
 لارز، زلیخا ۶۲:۵  
 لدیگهام ۴۶:۵  
 «ماده تاریخ، راهنمایی در تصحیح خلاصه-  
 التواریخ» ۴۶:۲  
 مارشاکت ۲۴:۱  
 «ماتو: شناخت علمی و اسطوره‌ای» ۴۴:۱  
 مانی، یونانی رونسایی ۶۷:۴  
 «ماتو: گذشت» ۲:۳  
 مبادی بعدالطبیعی علوم نوین ۳۵:۳  
 «چکیده‌های ایران‌شناسی» ۶۹:۴  
 مجیدزاده، یوسف ۲:۱  
 محمدی، محمدرضا ۴۲:۲  
 مختاری، رضا ۵۰:۴
- «مسئله تهاجم فرهنگی» ۲۶  
 مرتضوی، جمشید ۵۶:۳:۵۶  
 مسرت، حسین ۴۲:۲  
 مسعودی، هجید ۸۳:۶  
 «مشکلات محققان در استفاده از اسناد آرسبوی  
 ایران» ۲۵:۳  
 مشایخ فریدی، محمد حسین ۷۷:۱  
 مصدق‌پور، مصطفی ۱:۵  
 «مطالعات ایرانی - آریایی» ۵۶:۳  
 «مطالعات شرق‌شناسی در قاهره» ۵۶:۶  
 «مطالعات مربوط به شرق مدیترانه و فلورنترک و  
 ایرانی» ۵۶:۳  
 معصومی همدانی ۶۳:۴۳ ۴۰:۴۷ ۳:۷۲ ۱:۷۲  
 معیارالاسعار ۵۱:۵  
 ملک‌ان، محید ۵۶:۴  
 منصوری، فیروز ۳۸:۳۵ ۲:۳۵  
 «منظومه عاسفانه» ۱۴:۶  
 موسا، متی ۶۳:۵  
 موسوی، مصطفی ۵۵:۵  
 «موسیقی شرقی: تاریخ کهن و فضای امروز» ۳:۵۶  
 مهدوی دامغانی، محمود ۸۴:۶ ۵۵:۵  
 مهدوی، سیروس ۴۳:۱  
 میرخانی، سید حسین ۷۸:۱  
 میرسلیم، مصطفی ۴۲:۱  
 نامقی، احمد حام ← زنده بیل  
 نجفی، ابوالحسن ۵۰:۴:۲۴  
 ندیم، ابوالحسن ۴۶:۵  
 «نظری به کتاب برگزیده متون ادب فارسی» ۱:۷۹  
 «نقد ترجمه احبار الطوال» ۵۵:۵  
 «نگاهی به ترجمه تاریخ معصل عرب قبل از  
 اسلام» ۳۲:۱  
 «نگاهی به جهان اسلام» ۴۷:۶  
 «نگرشی به واژه‌نامه پردی» ۴۲:۲  
 «واژه‌گان شیمی و مهندسی شیمی» ۵۰:۲  
 «واژه‌نامه پردی» ۴۲:۲  
 وحیدیان کامیار، تقی ۵۱:۵  
 هجویری ۵۶:۳  
 «هنر موسیقی ایرانی» ۶۶:۴  
 هیوز، ه. استوارت ۴۳:۴  
 یارمحمدی، لطف‌الله ۱۷:۲  
 یوسفی، غلامحسین ۷۷:۱



127-427-894

# **Nashr-i Dānish**

**Vol. 11, No.6**

**Oct-Nov1991**

*Nashr-i Dānish* is a Persian-language journal published bimonthly by Iran University Press. It contains articles, book reviews, bibliographic listings, news reports and similar items related to the field of scholarly publishing in Iran and elsewhere.

All communications and notices should be addressed to the editor:

**Nasrollah Pourjavady**  
**85 Park Avenue,**  
**Tehran 15875-4748**  
**The Islamic Republic of Iran**

Annual subscription rates (air mail):

Middle East £24.00

Europe and Asia £28.00

Africa, North America and Far East £ 32.00

To subscribe to *Nashr-i Dānish*, please send your name and address plus a check or money order payable to Iran University Press.

Some back issues of *Nashr-i Dānish* are still available, and may be ordered at £5.00 per single copy (air mail postage included). Also available for sale are bound volumes of the previous issues, each volume: £30.00 (post. inc.)

**ISSN 0259-9090**

کتابخانه  
اصیلانه  
ط

پوهنځی

پوهنځی

پوهنځی

جهان اسلام

پوهنځی

پوهنځی

پوهنځی

پوهنځی

پوهنځی

پوهنځی

